

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار کارگری سه ماهه دوم (تیر - مرداد - شهریور) سال ۱۳۹۱ - ۲۰۱۲

گردآورنده و تدوین:

امیرجوهری لنگرودی

Roorshomar_k@yahoo.com

دی ماه سال ۱۳۹۱ برابر دسامبر ۲۰۱۲

یادداشت گردآورنده :

دوستان - یاران و رفقای عزیز

برآمد آنچه که مربوط به روزشمار کارگری سه ماهه پیشروی ما (تیر - مرداد - شهریور) سال ۱۳۹۱ است. با صراحت می توان یادکرد: تقریباً روزی نیست که خبر تعطیلی یک تا چند کارخانه و بیکار شدن دهها، صدها و بخشها هزاران کارگر به روزشمار کارگری از طریق نشانی های اعلام شده، راه پیدا نکرده باشد. تازه این همه آمار نیست. چرا که سانسور حاکم بر موسسه آمار، بانک مرکزی، ارائه آمار دقیق از وزارت کار، بیمه، تعاون و موسسه تامین اجتماعی، کمیسیون کار مجلس و... سایر مراکز ریز و درشت دیگر، یعنی آن دست از نهادها و موسساتی که مستقیماً درگیر مسائل مربوط به کارگران هستند، همواره در معیت سیاست های اعلام شده دولت و حاکمیت اسلامی راه می جویند و نمی توانند از اقدام مستقل کارگران جانبداری نمایند. در این میان آنچه توجه برانگیز می نماید؛ به گفته رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اسلامی، در مجموعه سال ۹۱، رقم ۶۰ تا ۷۰ درصد کارخانهها در ایران تعطیل شده و بقیه واحدهای تولیدی نیز تنها با ۳۰ درصد ظرفیت خود کار می کنند. با توجه به سقوط ارز داخلی و بالا رفتن قیمت ارزهای خارجی، برخی از دست اندرکاران سازمان های کارفرمایی هشدار می دهند که چنانچه دولت تسهیلات لازم را در اختیار واحدهای تولیدی قرار ندهد و ارزش ارز خارجی و خاصه دلار کاهش نیابد، باقی مانده واحدهای تولیدی نیز تعطیل و کارگران آن ها اخراج خواهند شد. چرا که بالا رفتن هر سطح از نرخ ارزهای خارجی در شرایط تحریم های گسترده اقتصادی که متوجه اقتصاد ایران شده است. به ناگزیر به افزایش هزینه تولیدات داخلی انجامیده و از توان رقابت تولیدات داخلی با کالاهای وارداتی به شدت کاسته شده است. همین امر در کنار بالا رفتن قیمت حامل های انرژی و افزایش بی سابقه نقدینگی و تورم فزاینده کالا، سقوط ارزش ریال و کسری دستمزد واقعی نیروی میلیونی کارگران و مزد و حقوق بگیران در برابر گرانی ها، به کاهش فاحش قدرت خرید آنها و لایه های گوناگون تهیدستان جامعه ما شده و شکاف طبقاتی را به نحو بارزی عمیق تر کرده است. بطوریکه اکنون تامین معاش روزانه و نگرانی گذران از امروز به فردای این توده عظیم اجتماعی کشور، به جدی ترین دغدغه اکثریت آنان در تمامیت جامعه ما تبدیل شده و زندگی برای آن ها بسی دشوارتر از پیش گشته است. بطوریکه می توان گفت: در سال تولید ثروت ملی و خودکفایی تولید داخلی، ما با گسترده شدن فقر در سطح ملی روبرو هستیم. روزشمار کارگری سه ماهه فوق، بیانگر نمایش گرانی روز افزون کالاهای مصرفی مردم و فزونی قیمت کالاها و افسارگسیختگی نرخ تورم در تمامی صور زندگی مردمان جامعه را گزارش داده است. هر چند که به آمارهای اعلام شده نمی توان اعتماد نمود. ولی بانک مرکزی تورم را ۲۶ درصد اعلام کرده است در حالی که تورم واقعی بنا بر ارزیابی کارشناسان اقتصادی سوسیالیست، مستقل و چگونگی گذران زندگی مردم و عینیت تجربه روزمره شهروندان، در آن سطحی که در گزارشات روزشمار کارگری در جزئیات روزانه از آنان یاد می کند، رقمی بمراتب بالاتر از آمار بانک مرکزی است. در این میان احتمال وقوع " شورش گرسنگان " در وضعیتی که رژیم بدان گرفتار آمده، صحبتش در بین مجلسیان و سردمداران قوای امنیتی نظام بر سر زبان ها است و کارگزاران سپاه و

نیروهای فوق امنیتی مرتب دارند، رزم آزمایش های گوناگون حتی نمونه یکی از شهرهای مازنداران را در بین خود کارگران نیز به نمایش می گذارند. به هر رو برخی ها نرخ تورم موجود را بیشتر از پنجاه درصد تخمین می زنند، اینکه میزان واقعی چه حد است. باید خود کارگران بگویند.

در کشاکش این فعل و انفعالات یاد شده فوق، تردیدی نیست که باید موضوع تحریم های بین المللی، به ویژه تحریم نفتی دولت های معظم سرمایه داری جهان و اتحادیه اروپا و یا اعمال و اجرای محدودیت های اقتصادی و بانکی در تشدید بحران اقتصادی کشور ما ایران را امر مهمی تلقی نمود و آنرا در نابسامانی اوضاع موثر دانست. امروز که باهم در این یادداشت و ارزیابی از روز شمار کارگری سه ماهه یاد شده، در حال گفتگو هستیم، باید بخاطر بسپاریم؛ هر حد طولانی تر شدن تحریم های اقتصادی و پیشبرده شدن این سیاست توسط سرمایه داری جهانی در ابعادی بمراتب فراتر از شرایط کنونی آن، می تواند اکثریت بزرگ مردمان جامعه ایران را با مصیبت های فاجعه بارتری روبه روم سازد. من در یادداشت های پیشین با توجه به تجربه تلخ کشور همسایه مان عراق، در برابر تحریم این کشور توسط ایالات متحده آمریکا، در طی دوازده سال حکومت صدام بدان اشاره داشتم، امروز نیز به ابعاد وخامت بار این تحریم ها در ایران اشاره داشته و باز تاکید می دارم:

" درباره تحریم ها چند نکته بدیهی کاملاً آزموده شده را باید به یاد داشته باشیم: اول این که تحریم ها بیش از آن که به رژیم فشار بیاورند، مردم و به ویژه زحمتکش ترین، تنگدست ترین و مظلوم ترین بخش های مردم را له می کنند. دوم این که تحریم "هوشمند" افسانه ای بیش نیست، و حالا می دانیم که طراحان تحریم های کنونی، دیگر حتی صحبت در باره تحریم های "هوشمند" را نیز کنار گذاشته اند. سوم این که تحریم معمولاً نمی تواند حکومت تحریم شده را براندازد، اما همیشه می تواند قدرت خیزش و مقاومت مردم را در مقابل آن حکومت تضعیف کند. چهارم این که اثرات تحریم در ایران بسیار مصیبت بارتر از تحریم های عراق خواهد بود، زیرا اقتصاد ایران پیچیده تر از اقتصاد عراق و جمعیت شهرنشین در ایران آشکارا بیشتر از عراق است. "و... باز آمده است: " تشدید بی سابقه تحریم ها ... نشان می دهد که هدف مقدم سیاست آمریکا، دامن زدن به شورش های توده ای مردم علیه جمهوری اسلامی است. حقیقت این است که عمومیت یافتن بحران اقتصادی کشور، اشتعال شورش های توده ای را به یک احتمال واقعی تبدیل کرده است. و این چیزی است که نمی تواند از دید سیاست گزاران آمریکا پنهان بماند. بنابراین آنها با مهار نسبی انقلاب های عرب، می خواهند در ایران نیز همان سیاستی را پیش ببرند که در لیبی و سوریه برای شان بسیار موفقیت آمیز بوده است. آنها می دانند که اگر در ایران تحریم ها به اشتعال شورش های توده ای بیانجامد، اهرم بسیار نیرومندی برای فشار بر جمهوری اسلامی و حتی فراتر رفتن از آن و شکل دادن به جایگزینی برای آن، در اختیار شان قرار خواهد گرفت. تجربه انقلاب علیه دیکتاتوری های لیبی و سوریه نشان داد که قدرت های خارجی برای مداخله در یک کشور، اگر به جای اقدام از بالای سر مردم، پشت سر مردم و به نام حمایت از آنان، وارد میدان بشوند، بسیار راحت تر و کم هزینه تر می توانند مناقع شان را پیش ببرند. البته این چیز تازه ای نیست؛ نه انقلاب ها ضرورتاً همیشه مستقل از قدرت های خارجی شروع می شوند و نه حتی قدرت های امپریالیستی ضرورتاً همه جا با انقلاب های مردمی مخالفت می کنند. اما فراموش نباید کرد که نه قدرت های خارجی هرگز منافع خود را از یاد می برند و نه هیچ قدرت امپریالیستی هرگز خصلت جهان خوارانه اش را کنار میگذارد." <http://www.rahekargar.net/browsf.php?cld=1071&ld=4&pgn>

(سندسیاسی کنگره هفدهم، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - هیئت اجرایی، که در این لینک می توان این ارزیابی را دنبال نمود.....)

با اینهمه نباید از یاد برد؛ که امروز همچون دیروز، ریشه بحران اقتصادی به عملکرد رژیم ایران و جهت گیری سیاست های اقتصادی دولت های برنامه ریز آن برمی گردد. برجسته ترین آن مثلاً دولت احمدی نژاد در طی نزدیک به ۸ سال درآمد حاصل از فروش نفت اش، بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار بوده است. با وجود این درآمد افسانه ای، دولتی که با حمایت خامنه ای و با کودتای باندهای پادگانی و سپاهی و از دل یک انتصابات سراسر قلابی بر سر کار آمده است، بحران اقتصادی همه جانبه ای را بر حیات جامعه تعمیق بخشیده، تولید کشور را به تعطیلی سوق داده و زندگی کارگران و مزدبگیران را به فلاکت کشانده است. پرواضح است شخص احمدی نژاد که با حمایت ولی فقیه (خامنه ای) در سال ۱۳۸۴ بر شکافهای موجود طبقاتی فرصت طلبانه انگشت گذاشت و با اشعار عوامفریبانه و پوپولیستی دست یابی به بست و گسترش "عدالت

اجتماعی " و ادعای تقسیم فروش پول نفت و بردن آن بر سفره های خالی مردم، خود را به جلوی صحنه راند و وارد کاخ ریاست جمهوری شد. امروز در آخرین ماه های باقی مانده از حیاتش بر راس دولت پادگانی، و در کشاکشی کم نظیر با همتایان رودر روی خود، با ارائه لایحه اصلاح قانون کار، تغییر قوانین تامین اجتماعی، فقر را در جامعه عمومی می نماید. تغییر این قوانین موجود بی جان با جابجایی نیروهای سرکوبگر و گماردن سعید مرتضوی (جلاد اوین و کهریزک) بر راس موسسه تامین اجتماعی، در صدد است تا ضربه جدی به ساختاری های حقوقی و قانونی در حوزه کار و معیشت میلیون ها کارگر وارد کرده و حداقل های حمایت قانونی از کارگران را حذف کند.

دولت احمدی نژاد امروز لایحه ضدکارگری را تحت عنوان اصلاح قانون کار به مجلس برده است. برپایه آنچه در سطح سایت های دولتی منتشر شده است در این لایحه، ۸۶ اصلاح و تغییر در مواد اساسی قانون کار صورت گرفته که تماما به زیان منافع و امنیت شغلی و بی حقوقی مطلق کارگران است. بطوری که در این لایحه ضدکارگری، کار دائم با لغو تبصره های ماده ۷ قانون کار حذف گردیده و کار قراردادی کوتاه مدت تراز قبل بنگاههای کاریابی، جای مشاغل مستمر را گرفته است. دولت به این سطح تغییرات اکتفا نکرده بلکه با تغییر ماده ۲۷ قانون کار و اعطای حق نامشروط اخراج کارگر به کارفرما، دست کارفرمایان خودویژه را در تشدید استثمار کارگران باز گذاشته است. تشکل کارگری ظاهرا در این قانون پذیرفته شده است ولی تعیین چهارچوبه و اختیارات قانونی و حقوقی و چگونگی فعالیت و حدود و ثغور آن به ارگان های تابع دولت - چه آن نیروهایی که موجودند و چه نیروهای ماند و ضد کارگری و سرکوبگر دیگر - واگذار گردیده است. جدا از این با تغییراتی که در ماده ۱۵۷ قانون کار داده شده، نقش تشکل ها به تشکل های سازش طبقاتی تقلیل یافته است. در یک کلام در اصلاحیه لایحه قانون کار موجود، و اگذار کردن ساعات کار روزانه، هفتگی و ماهیانه با توجه به نوع قراردادکاری به خود کارفرما و اگذار می گردد. باز گذاشتن سن اشتغال، بالا برده شدن سن بازنشستگی، افزایش حدود اختیارات کمیته های انضباطی و سپردن بخشی از وظایف هیئت های حل اختلاف به آن ها، حذف بسیاری از نظارت های دولتی بر کارفرماها، کارگران را از هر نظر، از حقوق حقه خود خلع ید می نماید. تعدیل مقررات حفاظتی و ایمنی کار، سپردن حق اخراج به کمیته های انضباطی، تقلیل حق سنوات و تعیین شروط برای استفاده کارگر از این حق، از جمله تغییراتی است که به زیان کارگران در لایحه اصلاحی دولت صورت گرفته است. فراتر از این با ملحوظ داشتن کاهش مرخصی ها و تعطیلات سالانه، خاصه برپایه اعتراضات اعلام شده تشکل های مستقل کارگری و از جمله نامه بیش از دوهزار امضاء کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اینگونه برمی آید که مواد و تبصره های حمایتی موجود حذف گردیده و قانون کار به قانون مدافع کارفرمایان بخش خودمانی شده صنایع و بی حقوقی بی چون و چرای کارگران انجامیده است. در سایه چنین تخریب و ویرانگری آشکار حاکمیت اسلامی است که اخراج کارگران، فقر، بیکاری و فاصله طبقاتی چنین ابعاد گسترده ای بخود گرفته است.

باتصویر سیاه بیکاری و اخراج بیرویه کارگران و تاثیرات ویرانگری که سقوط مداوم سطح اشتغال بر موجودیت طبقه کارگر کشور قدرت یابی آن وارد می کند. برپایه خبرهای روز شمار کارگری می توان نوشت: کارگران و مزدبگیران با مشکلات گسترده و وسیعی روبرو هستند. بیکاری، تورم، کاهش امنیت شغلی، عدم افزایش مناسب دستمزد به نسبت گرانی های روزمره و تامین سبدهزینه های زندگی آنان، عدم دریافت به موقع دستمزدها، مشکلات حوادث و سوانح حین کار و عدم بهره مندی کارگران از بیمه بیکاری مکفی، گسترش کار قراردادی، سفید امضاء و پیمانی، حیف و میل و اختلاس های میلیاردی درآمدهای صندوق تامین اجتماعی توسط خود دولت و بدهکاری دولت احمدی نژاد به این موسسه، که در سطح مطبوعات و کمیسیون های مجلس بازتاب یافته است. همه و همه در دل تحریم های گسترده جهانی، نرسیدن مواد اساسی، تعطیلی به ناگزیر بخش های وسیع واحدهای تولیدی گوناگونی را بدنبال داشته و دارد. در متن چنین شرایطی، واردات بی رویه کالاهای خارجی، حذف سوبسیدها، افزایش کودکان خیابانی، و گسترش فحشا و بی خانمانی، گسترش میلیونی حاشیه نشینی در مراکز استان ها، بیکاری ها و اخراج های بیرویه، سبب ساز اعتراضات و حرکت های چندی در درون طبقه کارگر و بروز اعتصاب و اجتماعات آنان می گردد. همین امرتهاجم و بازداشت چهره های شناخته شده فعالان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی و نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی و کمیته پیگیری، کارگران مستقل و وب نویسان، روزنامه نگاران و وکلا، دانشجویان رادیکال و اساتید مستقل و... به کنش و واکنش و می دارد. در این میان ارگان های امنیتی و ضد کارگری حاکمیت اسلامی هر اقدام مستقل کارگران برای سازمانیابی را به عنوان اقدام علیه

امنیت کشور به حساب می‌آورند و فعالین کارگری را دستگیر و روانه زندان‌ها می‌سازد. هر یک از آنان را بعد از ماه‌ها و بخش‌ها سال‌ها دوندگی با وصول وثیقه‌های سنگین، همواره پرونده‌های آنان را بازننگه می‌دارند. حکومت با برقراری اختناق شدید بر کشور امکان نمی‌دهد که کارگران و فعالان عرصه‌های اجتماعی و مطالباتی متشکل شوند و به طور سازمان‌یافته برای رسیدن به خواست‌هایشان حرکت کنند. عمده‌ترین خواست کارگران ایران؛ تشکیل جمعاعات مستقل کارگری، حق اعتصاب و اجتماع، تامین امنیت شغلی، افزایش مناسب و واقعی دستمزدها و پرداخت به موقع آنها، عقد قراردادهای دائم به جای قراردادهای موقت، تعطیلی بنگاه‌های کاریابی مدافع کارفرمایان، تامین امنیت اجتماعی و بیمه بیکاری و عمر، توجه به حق بازنشستگی کارگران و بالا نبردن سن بازنشستگی، تامین جانی موقعیت کارهای سخت کارگران در معادن و گودبرداری‌ها و کار ساختمانی در حین کار، دریافت عیدی و پاداش، رفع هر نوع تبعیض جنسیتی بین کارگران زن و مرد، واگذاری امکانات لازم به شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف، تامین بانکی وام مسکن، گسترش موسسات آموزش حرفه‌ای و منع بردگی کار کودکان خیابانی و تامین و تضمین آزادی بی‌قید و شرط کارگران زندانی و پایان یافتن به صدور وثیقه‌های میلیونی است. باید نوشت؛ در ایران هر اقدام مستقل و سازمان‌گرا نه کارگران به سد استبداد حاکم بر کشور برمی‌خورد و با مانع روبرو می‌گردد.

جدا از موارد فوق، تبعیض و تفکیک جنسیتی بر زنان کارگر، مشکلات استخدامی پرستاران و معلمان و بی‌توجهی به خواسته‌های اقتصادی و مطالباتی آنان، انبوه خواسته‌های بی‌پاسخ مانده و له شده کارگران را در فهرست نیازها و خواسته‌های ضروری آنان جای می‌دهد. اکنون به زبان آمار غیر رسمی؛ بیش از ۸ میلیون کارگر به صورت قراردادی و پیمانی و سفید امضاء و روزمزدی کار می‌کنند. همین توده میلیونی کارگران با محروم شدن از حقوق کار و از دست دادن امنیت شغلی، بخشی از درآمدها و مزایای گذران روزمره آنان، به مراتب بیش از کارگران دائمی در معرض سوءاستفاده و استثمار قرار می‌گیرد. به گفته رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور، یک میلیون کارگر قراردادی از ابتدای سال جاری در واحدهای تولیدی کشور اخراج شده‌اند. این رقم نوک کوه یخی است که در آمار رئیس اتحادیه دهن واکرده است. می‌توان گفت: در حال حاضر بسیاری از کارفرماها در سطوح کارخانگی- کارگاهی- زیرزمینی و کارسیاه (کلفتی- خانه رومی- قالی بافی و شاگردی و مشاغل کاذب و...)، حداقل‌های قانون کار را هم اجرا نمی‌کنند، اما کارگران به جهت رفع نیازهایشان و فقدان تشکل‌های مستقل، متشکل و سازمان‌یافته و قدرت چانه‌زنی به قراردادهای موقت و سفید امضاء و به انواع خواست‌های بهره‌کشانه دولت به مثابه بزرگترین کارفرما و خود کارفرمایان که همان آقا زاده‌ها، آیت الله زاده‌ها و سهم‌بران خودی‌اند، تن می‌دهند. برای پایان دادن به وضعیت فلاکت‌باری که هر روز از روز پیش دشوارتر و تحمل‌ناپذیرتر می‌شود، ضرورت دارد، سازماندهی تشکلات مستقل، سازماندهی در محلات و ایجاد هسته‌های کارگری و شغلی ورسته‌ای، سازماندهی کمیته‌های اعتصاب و اعتراض و صندوق‌های مالی یاری به کارگران بیکار شده در سطح محیط زیست و محلات، سازماندهی همه نیروها، بخش‌ها و لایه‌های کارگری در سطح محلات و حاشیه شهرها و خود واحدهای تولیدی را به سنگر مبارزات عدالت‌خواهانه مطالباتی تبدیل نمود. باید دامنه اعتراضات را به مراکز شهرها و جلوی نهادهای حکومتی از جمله مجلس اسلامی، دفتر ریاست جمهوری، وزارت کار، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و دفاتر کارفرماها، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، دادگستری، سازمان تامین اجتماعی، بزرگراه‌ها، و خرطومی جاده‌ها بشکل جمعی و خاصه با افراد خانواده و کودکان خود و فامیل و محله‌گره زدودامنه آنرا گسترش داد. دوری‌گزینی از روزمره‌گی و روی آوردن به امر سازمانگری پیوسته، باید سازمانگری نیروی گسترده محلات و محیط زیست را به یکی از محورهای عمومی سازماندهی و مبارزه کارگران بدل ساخت. باید در این شرایط در امر استفاده از فن آوری اینترنتی با همراهی فرزندان دانشجوی خود به اشکال مختلف بهره‌گیری از سایت‌ها، وبلاگ‌ها، فیس‌بوک برای طرح مطالبات و رساندن صدای اعتراض خودتان به رسانه‌های داخلی و جهانی بهره‌گیری. باید بتوان با کارگران سایر واحدهای تولیدی پیرامون مطالبه معین ارتباط برقرار نمود و فعالین جنبش‌های اجتماعی زنان و دانشجویان و اقلیت‌های ملی ارتباط برقرار نمود و سطوح اعتراضات پراکنده را به همدیگر مربوط ساخت.

خود ویژگی‌ها و مطالبات اقتصادی بی‌پاسخ مانده کارگران با اعتراضات آنان در سه ماه گذشته در مراکز کار و تولید و در برابر مجلس، وزارت آموزش و پرورش، دفتر ریاست جمهوری و محیط‌های کارخانه‌ها طی اسه ماهه تیرماه تا

پایان شهریورماه ۱۳۹۱، بیشتر واکنش‌ها اعتراضات کارگران در شکل اعتصاب و تعطیلی کار و نامه نویسی و مراجعه مستقیم بوده است. نامه و طومار بیست هزار امضا هر چند از اول ماه مه (روز جهانی کارگر) شروع شده بود، اما در مهرماه ۱۳۹۱ مجدداً با بیست هزار امضا و در برگیرنده بیش از هشت مرکز تولیدی در اعتراض به گرانی و برای افزایش دستمزدها در صحنه سیاسی ایران و جنبش کارگری ظاهر شد. این اقدام اعتراضی، در داخل و خارج از کشور موافقین و مخالفینی را با خود به همراه داشته است. کاربدستان خانه کارگری ها و شورای عالی اسلامی کار و چهره های شناخته شده آنها هر یک به زبانی به صف شدند تا خود را در رابطه با بالا بردن سطح دستمزد ها، جانبدار طومار معرفی کنند و صف مستقل این حرکت را لوث نمایند. می توان گفت: فقر و گرانی، گرسنگی و بیکار شدن و سفره های خالی شان، آنچنان زحمتکشان کشور را تحت فشار قرار داده که دیگر نهادهای وابسته به قدرت هم به آن اعتراف می کنند. جدا از این فاصله ی طبقاتی بیش از هر وقت دیگری مردمان تحت ستم را وادار می کند که به بی عدالتی و سیستم فاسد اقتصادی با نگرانی از آینده بنگرند. همین مردم فشارها و اخراج ها، گرسنگی و تحریم فزاینده را تحمل می کنند و همواره از دسترسی به دارو و بهداشت و ابتدایی ترین امکانات زندگی محروم اند، اما عده ای قلیل با ثروت های افسانه ای هیچ گونه کاستی ای از تحریم ها بجان نمی خردند. آنان همه احتیاجات، نیازمندی ها و داروهای لازم را با گران ترین قیمت از کشورهای مجاور و اروپا تهیه می کنند و به زندگی شان ادامه می دهند.

مضمون این حرکت مستقل کارگران و در کوران مشکلات موجود، کارگزاران نظام را به تکاپو و تحرک واداشت. تلاش نمایندگان مجلس اسلامی و دیگر عوامل ریز و درشت خانه کارگری ها برای سوار شدن بر موج نارضایتی ها به حرکت در آورد. . علیرضا محبوب این چکمه پوش خانه کارگر، رئیس پارلمان کارگری، از اعضای کمیسیون کارگری مجلس اسلامی، از حق تجمع کارگران و زنان صحبت بمیان کشید و قانونیت انجمن های صنفی و مسئله کارآمد نبودن کارکرد دولت احمدی نژاد سخن راند و با تاکید گفت: " مرکز آمار حتی میزان واقعی اشتغال زنان را نیز طی یک سال گذشته به صورت واقعی اعلام نمی کند." محبوب در مجلس، با بیان اینکه طرح های دولت در طی ۷ سال گذشته با موفقیت به اتمام نرسیده اند، بیان داشت: "دولت در طی ۷ سال گذشته نه تنها در طرح های اشتغال زایی همچون بنگاه های زود بازده موفق نبوده بلکه در طرح ماندگار نیز تا کنون ناموفق بوده است." محبوب تصریح کرد: "در مجموع کارنامه دولت در زمینه ایجاد فرصت های شغلی و ارتقاء جایگاه اقتصادی ایران ناموفق بوده است." (به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا به نقل از روزنامه کارگری) جدا از این در همین رابطه بسط طومار ها، سوراخ های اسلامی و عوامل خانه کارگر نیز شروع به جمع آوری امضاء کردند تا خود را با حرکت اعتراضی مستقل هماهنگ کنند. طومار ها همراه سازند. حمایت و پشتیبانی از این حرکت در داخل و خارج از کشور، علیرغم اینکه آن را ناکافی می دانستند ولی بیش از هر چیز به شکل یابی مستقل هر سطح از صفوف اعتراضی کارگران تاکید داشته و آنرا مستقل از عوامل خانه کارگری ها، مثبت ارزیابی می کردند. شاخص حمایت از این حرکت ها بازتاب گسترده طومار جمع آوری شده بیست هزار امضاء در مهر ماه و انعکاس آن در سطح سایت و رسانه های داخل و خارج از کشور می باشد. از دیگر شاخصهای اعتراضی سه ماه گذشته، تجمعات معلمان با آغاز گشایش مدارس و پرستاران و تجمعات بازنشستگان و مشکلات آنان بر سر گذران زندگی و تامین اجتماعی، تحرکاتی را در شهرهای گیلان و اصفهان بنمایش گذاشتند. همچنین تجمعات صدها کارگر صنایع فلزی و واحد های مختلف کارگری را بر سر وصول حقوق های معوقه خود در طی سه ماه به دفعات تجربه کردیم که گزارشات موردی آنها در روز شمار کارگری منعکس می باشد.

در روز شمار کارگری سه ماهه فوق اخبار وسیع این اعتراضات و اجتماعات و اشکال گوناگون آنرا بدون در نظر گرفتن تقدم و تاخر محورها و نگاه خبری و تحلیلی به یکایک آن محورها، بشکل زیر بازشمرده است:

- **بیکار سازی ها و اخراج ها و تعطیلی واحد های صنعتی، تعدیل نیروی کار و بیکاری**

پنهان

- **حقوق های معوقه و پرداخت نشده به کارگران**

- **تجمعات اعتراضی کارگران در برابر مجلس، وزارت کار، ریاست جمهوری و غیره**

- **مشکلات بازنشستگان و توقف بازنشستگی پیش از موعد مسئله تامین حقوق آنان**

- معلمان و اعتراض به وضعیت خود
 - مسئله پرستاران و مشکلات آنان
 - دستمزدها و سازماندهی طومارهای اعتراضی نسبت به سطح دستمزدها
 - مسئله بیمه بیکاری و بیمه حوادث
 - علیه خصوصی سازی ها و اعتراض به خصوصی شدن بایک رفاه کارگران
 - یارانه ها و اعتراض به بالا بردن بهره بانکی
 - افزایش قیمت ها و گرانی
 - بی آبی و خشکسالی و حاشیه نشینی ...
 - اختلاس ها در سطوح مختلف اداری، بانکی و تامین اجتماعی کشور
 - واردات و ضربه به تولید داخلی
 - کارگران زندانی و مشکلات آنان
 - حادثه نشست مجمع سالیانه فعالان کمیته هماهنگی در شهر کرج و واکنش ها در قبال آن
 - کارزارها، حمایت ها و اطلاعیه ها، بیانیه ها، کمپین ها و آکسیون ها و اطلاعیه های اعتراضی و تحرکات و جمع آوری یاری های مالی نهادهای همبستگی با کارگری ایران - خارج از کشور و اطلاعیه های فعالان اتحاد بین المللی و فعالان عرصه کارگری در خارج از کشور در پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران در زمینه های گوناگون مبارزاتی کارگران ایران و جهان.
 - موارد پر شمار دیگری که در روز شمار کارگری سه ماهه فوق، به یکایک آنها پرداخته شده است .
- محوری ترین خواستها، اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و اعتراض به اخراج های بیرویه و به بیکار سازیهای گسترده، اعتراض به سطح دستمزدها و گرانی ها و عدم توجه به وضعیت کارگران زندانی و خاصه دستگیری و زندانی شدن فعالان "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" که در خرداد ماه در کرج دستگیر شده بودند. این دستگیری ها محکوم گردید و با وسیع ترین حمایت و پشتیبانی ها از داخل و خارج از کشور بشکل نامه های اعتراضی، آکسیون ها و شب های همبستگی صورت گرفته است که تماماً در روز شمار کارگری بازتاب یافته است. همچنین در تعدادی از کارخانه ها و مراکز تولیدی برای تحقق مطالبات از جمله عدم پرداخت دستمزدها، اعتصابات مداوم پیگیرانه ای انجام شده است
- آنچه در تحلیل نهایی و در ارزیابی از وضعیت عمومی کارگران و بیکار سازیهای مداوم، مشکلات و معضلات بی پاسخ مانده کارگران و بیکاری پنهان آنان باید گفت اینست که؛ بیکار برای شکل دادن به یک جنبش مستقل و واقعاً توده ای و مطالباتی در اشل سراسری تنها راهی است که مردمان ایران و خاصه محرومان و تهیدستان کشوری می توانند برای بیرون کشیدن کشور از موقعیت خطرناک کنونی و دست یابی به توانایی لازم برای تعیین سرنوشت خودشان در پیش بگیرند. دو شرط تعیین کننده برای پیروزی چنین بیکاری این است که اولاً به حقانیت و ضرورت اراده مستقل خود باور داشته و وفادار بمانیم؛ ثانیاً بتوانیم در راستای تحقق آن، جنبشی با ظرفیت واقعاً توده ای و سراسری به وجود بیاوریم.

روزشمار کارگری همچون دفعات پیشین آنچه در این مجموعه به نظر تان می رسد، گردآمده از منابع گوناگون از جمله : خبرگزاری های دولتی ایران (ایلنا - ایسنا - مهر - فارس - سایت آفتاب، نیاک و سایت اعتدال و سلامت نیوز...) و سایت های اصلاح طلب (کلمه - جرس - و...) و تشکل ها، نهادها و سایت های مستقل مانند : (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، جمعی از فعالان کارگری ایران خودرو، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، خبرنامه مازندران، سایت میدان زنان، کمیته حمایت از شاہرخ زمانی، کمیته دفاع از رضا شهابی - کانون صنفی معلمان تهران، کردستان میدیا، ساوالان سسی، آسمان دیلی نیوز و غیره) در داخل و خارج و همینطور امکانات خبررسانی های خارج از کشور (تارنمای چشم انداز کارگری - سایت روشنگری - افق روشن - وبلاگ کارگری راه کارگر، سایت خبری راه کارگر و غیره ...) و خبرهای دریافتی به ایمیل آدرس روزشمار کارگری فراهم آمده و به نظر تان می رسد.

اضافه نمایم؛ علاقمندان به روزشمار کارگری، برای دست یابی به آرشیو روزشمار کارگری سال های پیشین و جداول استخراج و جمع بندی آن ها، می توانند با آدرس ایمیل روزشمار کارگری ایجاد ارتباط نمایند تا لینک های آنان خالصانه در اختیارشان قرار دهم .

خوشحال می گردم که فعالان کارگری، مدافعان حقوق کارگران و هر آنکس که روزشمار به دستش می رسد، بتواند نکته نظرها و انتقادات سازنده و موثر خود را بر سر این مجموعه کار با من در میان نهد .

برای دست یابی به اخبار روزشمار کارگری سه ماهه اول سال یعنی ماههای **فروردین - اردیبهشت - خرداد سال ۱۳۹۱ - ۲۰۱۲** می توان به لینک زیر مراجعه نمود

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2012-10-07_332_roozshomar.pdf

بیش از هر چیز از دریافت ایمیل های شما خرسند گشته و خواهم آموخت .

با دوستی و رفاقت

امیر جواهری لنگرودی

Rooshomar_k@yahoo.com

دی ماه ۱۳۹۱ برابر دسامبر ۲۰۱۲

اخبار و گزارشات کارگری تیرماه سال ۱۳۹۱

شیرخان نبوی از فعالین کارگری کامیاران درگذشت

طبق خبر رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، امروز پنجشنبه ۱ تیر ۱۳۹۱ ساعت ۱۱ صبح، شیرخان نبوی فعال کارگری و کارگر شرکت پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج در حین کار دچار سکته قلبی شده و قبل از رسیدن به بیمارستان فوت کرده است.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه - ۱/۴/۱۳۹۱

اطلاعیه به مناسبت درگذشت شیرخان نبوی

با کمال غم و اندو امروز پنجشنبه ۱ تیر ۹۱ قلب مالمال از محبت و انساندوستی دوست عزیزمان شیرخان نبوی از تپش باز ایستاد و همه ما دوستان خود را در غم فرو برد.

شیرخان یکی از فعالین کارگری شهر کامیاران بود که مدت طولانی ای از عمر خود را صرف مبارزه و تلاش برای بهبود وضع زندگی

کارگران و همه انسانهای رنج دیده نمود. او خود را تنها در بیست و محدود به اعضاء خانواده اش نمی دانست، بلکه نسبت به سرنوشت اکثریت مردم زحمتکش جامعه احساس مسولیت داشت. با مرگ شیرخان نبوی ما فعالین کارگری رفیقی خستگی ناپذیر را از دست دادیم و کارگران یک فعال و دلسوز خود را. با ادامه راهش برای رسیدن به رفاه و خوشبختی انسانها یاد عزیزش را گرامی می داریم. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه جمعهای از فعالین کارگری شهرهای سنندج و کامیاران

اعلام درخواست برای در اختیار گذاشتن محلی برای برگزاری مجمع عمومی

همانطور که در خبرهای قبل منعکس شده است، روز جمعه ۲۶ خردادماه نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی یورش بردند و تمامی افراد حاضر را پس از ضرب و شتم بازداشت کردند. در بازجویی هایی که از اعضاء کمیته در زندان به عمل آمد عنوان شد که: "اگر شماها واقعاً از حقوق کارگران دفاع می کنید پس چرا به صورتی مخفی و زیرزمینی مجمع و جلسات خود را برگزار می کنید!" به همین منظور لازم دیدیم توضیحاتی را در مورد تمهیداتی که پیش از برگزاری مجمع برای تهیه ی مکان آن انجام دادیم رو به جنبش کارگری ارائه دهیم:

از آنجا که "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" عقیده دارد که تمامی امکانات موجود در جامعه و از جمله سالنهای همایش و تجمع و همچنین تمامی امکانات رفاهی جامعه به دست کارگران و از محل نپرداختن دستمزد واقعی کارگران ساخته شده است، در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۰ نامه ای به اداره تشکل های کارگری و کارفرمایی "وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی" ارسال کرد و درخواست کرد تا محلی برای برگزاری مجمع عمومی سالیانه در اختیارش قرار بگیرد. این نامه در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۰ در اداره ی مذکور شماره شد و جواب به صورت شفاهی عنوان شد که: "خیر، هیچ مکانی به شما تعلق نمی گیرد". از سوی دیگر و از آنجا که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، تشکلی خودساخته است که برای ایجادش از هیچ کس اجازه نگرفته و همچنین به دلیل اینکه طبق اساسنامه باید هر سال یکبار مجمع عمومی برگزار کند، اعضاء این تشکل در دیداری حضوری با هم قرار گذاشتند که جمعه آخر خردادماه را در منزلی در کرج گردهم آیند و پس از برگزاری مجمع در منزلی که بسیار کوچک و نامناسب بود، فردا صبح یعنی شنبه به اتفاق تمامی افراد حاضر در جلسه به وزارت کار بروند و نسبت به عدم اختصاص مکانی مناسب برای مجمع عمومی شان اعتراض کنند. اما هنوز نیمی از مجمع نگذشته بود که نیروهای امنیتی یورش بردند و مجمع ناتمام ماند. حدود ۶۰ نفر را به همراه ضرب و شتم و به همراه توهین و ناسزا و تیراندازی هوایی بازداشت کردند. پس از ۲۴ ساعت حدود ۵۰ نفر آزاد شدند اما هنوز ۹ نفر در زندان بسر می برند و نگرانی ها از وضعیت این عزیزان بسیار زیاد است. بنا بر برخی از خبرها ۶ تن از این ۹ نفر به اطلاعات رشت تحویل داده شده اند و ۳ تن باقیمانده همچنان در کرج هستند و هیچ توضیحی درباره وضعیت آنان داده نمی شود.

کمیته هماهنگی یکبار دیگر ضمن محکوم کردن هجوم نیروهای امنیتی به نشست و مجمع سالیانه اعضاء کمیته هماهنگی و بازداشت ۶۰ نفر از آنها، از تمامی کارگران، فعالان کارگری و تشکل های کارگری می خواهد که با تمام توان و از هر طریق ممکن به این اقدام نیروهای امنیتی اعتراض کنند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اعضاء هنوز در بازداشت این کمیته شوند. همچنین این کمیته بنا بر رسالت خود اعلام می دارد که اینگونه رفتارها و سرکوب های خشن خللی در عزم راسخ اعضایش در دفاع از حقوق کارگران و کمک به ایجاد تشکل های خودساخته ی کارگری ایجاد نمی کند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۳۱ خردادماه ۱۳۹۱

پیوست- تصویر نامه ی اعلام درخواست کمیته ی هماهنگی برای در اختیار گذاشتن محلی برای برگزاری مجمع عمومی:

تاریخ: ۹۰/۱۲/۱۵

به: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی / اداره‌ی تشکل‌های کارگری و کارفرمایی

از: کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

موضوع: اعلام خواست این کمیته برای در اختیار گذاشتن محلی برای برگزاری مجمع عمومی

با سلام،

همانگونه که مستحضریذ "کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری"، که بنا به انگیزه و خواست خود ما تشکیل شده است، از بهار ۱۳۸۴ تا کنون در راستای دفاع از حقوق و مطالبات کارگری و کمک به افشار و لایه‌های مختلف طبقه‌ی کارگر برای تقویت و یا ایجاد تشکل‌های مستقل و خودساخته‌ی خودشان فعالیت میکند.

ما جمعی از کارگران و فعالان کارگری هستیم که به صورت داوطلبانه و مطابق با اساس‌نامه‌ی این کمیته در راستای اهداف اساس‌نامه‌ای خود فعالیت میکنیم. (اساس‌نامه‌ی کمیته در وبسایت ما مندرج و قابل مشاهده است)

واقعیت این است که امکانات موجود در جامعه از جمله محل و سالن‌های تجمع و همایش و سایر امکانات رفاهی به دست کارگران و بودجه‌ی آن از محل مالیات‌هایی که از ما میگیرند و از محل نپرداختن دستمزد واقعی کارگران درست شده است. بنابراین بیش از همه، حق ما و دیگر کارگران است که از این امکانات بهره بگیریم.

لذا از آنجا که این کمیته لازم است مطابق اساس‌نامه، مجمع عمومی خود را برگزار کند، بدین‌وسیله از شما میخواهیم محلی مناسب برای برگزاری مجمع عمومی در اختیار ما قرار دهید. خواهشمند است نتیجه را به این کمیته اعلام نمایید.

با سپاس از اقدامات مقتضی

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۱۵ اسفندماه ۱۳۹۰

www.k-hamahangy.com
komite.hamahangi@gmail.com



حقوق ۲۰۰ کارگر شرکت یخچال سازی بوژان چهار ماه به تعویق افتاده است

سایت خبری راه کارگر به نقل از سایت هرانا در اول تیر ۱۳۹۱ آورده است: حقوق ۲۰۰ کارگر شرکت یخچال سازی بوژان چهار ماه به تعویق افتاده است. اکثر واحدهای تولیدی با مشکلاتی مشابه آنچه برای بوژان رخ داده دست به گریبانند و سرنوشت کارگران‌شان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به گفته پیمان نادرینیا، از وابستگان خانه کارگر خرم آباد، کارخانه پرس خرم آباد که به دلایل نامعلومی طی دو سال گذشته تعطیل شده و تمامی ۳۰۰ کارگر قراردادی آن با سوابق بیش از ده سال بازخرید شده بودند و ساختمان این کارخانه با همه ماشین آلات و تجهیزاتش بدون اینکه کسی پاسخگویی دلایل تعطیلی این واحد صنعتی بوده باشد را داشته است. همچنین کارخانه پوشاک خرم آباد تولید کننده پوشاک زنانه با بیش از ۸۰ کارگر زن با تغییر کاربری به کارخانه ژنراتور سازی تبدیل شده و همه کارگران آن بیکار شدند.

رانندگان اعتصابی حمل سیمان به اخراج و بازداشت تهدید شدند

در پی تداوم اعتصاب رانندگان کارخانه تولید سیمان تهران که امروز برای پنجمین روز ادامه داشت، مامورین امنیتی، حراست کارخانه، فرمانداری شهر ری و پیمانکار رانندگان را تهدید به اخراج از شرکتهای حمل بار و دستگیری کردند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، امروز پنجمین روز اعتصاب رانندگان بزرگترین کارخانه سیمان ایران (کارخانه سیمان تهران) بود. این اعتصاب از ساعت ۵ بامداد تا ۵ بعد از ظهر امروز نیز ادامه داشت و مامورین امنیتی، حراست کارخانه، فرمانداری شهر ری و پیمانکار، رانندگان را تهدید به اخراج از شرکتهای حمل بار و دستگیری نمودند. دور جدید اعتصاب رانندگان حمل سیمان کارخانه سیمان تهران از ۲۷ خرداد ماه سال جاری (شنبه) در اعتراض به پایین بودن کرایه حمل و نقل آغاز شد و تا امروز ادامه داشت. رانندگان حمل سیمان کارخانه سیمان تهران که اسفند ماه سال گذشته نیز تجربه یک اعتصاب را پشت سر گذاشته بودند می‌گویند: «در پنج ساله گذشته ۳۰ درصد

به کرایه حمل افزوده شده و این میزان افزایش با توجه به تورم ۴۰۰ درصدی در قیمت اجناس مصرفی خودروهای سنگین در پنج سال گذشته مبلغ بسیار ناچیزی است. مسئولین باید به خواسته‌های ما تن بدهند.»

تحصن کارگران شهرداری ارومیه در اعتراض به خصوصی سازی خیرگزاری هرا - صبح امروز تعداد زیادی از کارگران شهرداری ارومیه در مقابل ساختمان شهرداری واقع در میدان ایالت ارومیه دست به تحصن زدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گفته می‌شود صدها تن از کارگران شهرداری ارومیه در اعتراض به خصوصی سازی در واحدهای مختلف شهرداری این شهر، در مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. کارگران در این تجمع اعتراضی اعلام کردند: «به دستور ریاست محترم جمهوری به هیچ عنوان برای بخش خصوصی کار نمی‌کنیم. حقوق و مزایای خود را مستقیماً از شهرداری می‌خواهیم»

ابهام در سرنوشت بیمه ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول تیر ۹۱ آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر آذربایجان شرقی بر اجرای قانون بیمه کارگران ساختمانی تأکید کرد.

به گزارش ایلنا از تبریز، کریم صادق‌زاده در جلسه‌ای که با حضور رییس و اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی تبریز برگزار شد، گفت: براساس قانون بیمه کارگران ساختمانی قرار بود کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد یا توسعه ساختمان، تجدیدبنا، تعمیرات اساسی یا تخریب ساختمان با نام نویسی توسط سازمان تأمین اجتماعی بیمه شوند و بر همین اساس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای موظف به فراخوان و آموزش کارگران شاغل در کارهای ساختمانی و صدور کارت مهارت فنی برای آنان شد. صادق‌زاده با بیان اینکه بر اساس این قانون کارگران شاغل در کارهای ساختمانی می‌توانند از خدمات سازمان تأمین اجتماعی در حوادث و بیماری‌ها، غرامت، دستمزد، از کار افتادگی، بازنشستگی و فوت استفاده کنند، خاطر نشان کرد: ضرورت تصویب این قانون با توجه به سخت و زیان‌آور بودن این شغل مطرح شد تا این گروه شغلی که هرگز از مزایای بیمه برخوردار نبوده‌اند، بتوانند از نظر پوشش ریسک و حوادث احتمالی تا حدودی امنیت داشته باشند.

به گفته مجری طرح‌های آموزشی خانه کارگر، از زمان ابلاغ و اجرای قانون بیمه کارگران ساختمانی با وجود تمام مشکلات و موانع موجود از جمله کمبود اعتبار، احتمال گرانی مسکن، متضرر شدن کارفرمایان، صندوق بیمه تأمین اجتماعی موظف شد با تأمین اعتبار مورد نیاز از سوی دولت سالانه ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی را در کشور بیمه کند. این در حالی است که امسال خبرهای ناخوشایندی از بیمه کارگران ساختمانی به گوش می‌رسد.

صادق‌زاده با بیان اینکه اجرای قانون بیمه کارگران ساختمانی در سال جاری به علت عدم صدور مجوز ادامه اجرای قانون و مشخص نکردن سهمیه از سوی دولت متوقف شده است، اظهار کرد: این تصمیم اکنون سرنوشت ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی را تحت الشعاع قرار داده است.

او با تأکید بر اینکه نباید تنها روزنه امید ۱.۵ میلیون کارگر ساختمانی و خانواده‌های آن‌ها برای بهرهمندی از خدمات و تسهیلات بیمه‌ای با طرح دلایلی همچون عدم تأمین بودجه، مشخص نشدن سهمیه و تعداد کارگرانی که قرار است بیمه شوند، احتمال گرانی مسکن و ... خاموش شود اظهار داشت: از دولت و مسوولان انتظار داریم هرچه سریع‌تر و با اعلام به موقع سهمیه بیمه کارگران ساختمانی و تأمین اعتبار مورد نیاز این طرح را اجرایی کنند و از کارگران ساختمانی که هر ساله به هنگام انجام کارهای ساختمانی دچار آسیب‌های جدی، نقص عضو دائمی شده و یا حتی جانشان را از دست می‌دهند حمایت لازم و جدی شود.

وی به نقل از علیرضا محبوب رییس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی در مورد مصوبه دولت که باعث توقف بیمه کارگران ساختمانی شده است گفت: از نمایندگان مجلس خواستار تصویب طرح دو فوریتی رفع موانع اجرای طرح بیمه کارگران ساختمانی هستیم در غیر اینصورت شاهد اعتراضات شدید کارگران ذینفع و اصلی ساختمانی خواهیم بود.

دبیر اجرایی و مجری طرح‌های آموزشی خانه کارگر تبریز با تأکید بر ساماندهی وضعیت محله‌های استقرار کارگران ساختمانی گفت: از شهرداری و شورای شهر تبریز خواستار سامان دادن وضعیت کارگران در میادین شهر و ایجاد محله‌هایی جهت استقرار کارگران ساختمانی هستیم.

صادق‌زاده با اعلام حمایت از کارگران ساختمانی از سوی خانه کارگر گفت: کارگران ساختمانی بیمه شده می‌توانند با عضویت در خانه کارگر تبریز از خدمات آموزشی، رفاهی و درمانی خانه کارگر استفاده کنند.

مأمور و معذور

(به بهانه حمله به کارگران و فعالین کارگری در کرج)

روز، روزجمعه است و تعطیل. روز، روز استراحت و تفریح و با خانواده بودن است. بهت خبر می‌دهند که باید به مأموریت بروی، مأموریتی مهم و تازه. تعدادی انسان در خانه ای در مهر شهر کرج در آپارتمانی جمع شده اند و نمی‌دانند آنها کی هستند و از کجا آمده اند. از تعداد زیاد همکارانت و شدت خشونت‌ی که قرار است به کار ببرید می‌فهمی که باید آدم مهم و آنچنانی باشند. پس می‌خواهی هرچیز شده مأموریتت را کامل انجام بدهی، بی‌کم و کاست. فرمان حمله می‌آید، خرابکارها را در خانه گیر می‌اندازی و با خشونت هر چه تمام‌تر باهاشون رفتار می‌کنی. با مشت و لگد و فحش‌های رکیک و شرم‌آور از پله‌ها پائین‌شان می‌آوری. به صف‌شان می‌کنی، هر کسی کوچکترین حرفی می‌زند و یا می‌خواهد اعتراضی بکند با کتک و فحش جوابش را می‌دهی. وقت مناسبی است تا فنون رزمی که آموزش دیده‌ای را تمرین کنی. سر یکی از پیرمردها را می‌شکنی، دیگری را تا آستانه مرگ مشت و لگد باران می‌کنی، مرد میانسال دیگری را طوری می‌زنی که مثل توپ سبکی به هوا می‌رود و دمپایی‌اش را چند متر آن طرف‌تر پیدا می‌کنند. وظیفه‌ات را خوب انجام می‌دهی و سرمست از پیروزی در میدان نبرد به خود می‌بالی. دستور مافوق و وظیفه‌شناسی و مسئولیتت حکم می‌کند همه را در آرامش و خفه‌نگه داری، فرقی ندارد هر کی باشد؛ جوان، پیر، زن، مرد. اتفاق پیرمردها و پیرزن‌ها باید بیشتر کتک بخورن چون احتمالان در جوانی هم خیره

سر بوده اند. خلاصه، به تو چه ربطی دارد که اینها کی هستند، تو وظیفه ات را انجام می دهی، مأمور هستی و معذور! حقوق بگیر هستی و باید هزینه زندگی ات را تأمین کنی. راستی یه خبر خوش! بعد از سه سال بالاخره افزایش حقوق کارمندا را به اندازه ۱۵٪ اعلام کردند و ماهیانه از حداقل ۳۹۰ هزار تا حدود دو میلیون و هفتصد هزار تومان تعیین شد. البته اگر مشمول قانون کار و قراردادهای کارگری باشی و شرکت های تأمین نیروی انسانی حقوق ات را بدهند، چون همان اول سال افزایش حقوق کارگری با حداقل ۳۹۰ هزار تومان اعلام شده بود، احتمال قیلن افزایش را هم گرفتی. قراردات هر نوعی باشد مطمئن هستم به خاطر سن و سال و نوع شغل و مسئولیتت حداکثر حقوق را نمی گیری. هیچ تعاونی مصرف اداره ای هم، جنس ارزان و رایگان ندارد. پس تو هم مثل همه مردم میوه و گوشت و مرغ و شیر و ... را از بازار خرید می کنی. هرچه فکر می کنم احتمال می دهم تو هم زیر خط فقر باید باشی. راستی یه خبر خوش دیگه! آن ۲۸ هزار تومانی که از شب عید در حسابها موند بود و اجازه برداشت نمی دادن، بالاخره برای جبران افزایش قیمت نان از اسارت به در آمد. داشت یاد می رفت که هر ماه ۴۴ هزار تومان یارانه هم می گیری، خوب، الان چه، کجای خط فقری؟ من که دقیق نمی دانم تو کجاش هستی، اما احتمال قریب به یقین زیر و یا مماس بر خطی! ولی مطمئن هستم آن افرادی که مجروح کردی، دشنام دادی و نفرین کردی همگی زیر خط فقر هستند. آن پیرمرد که سرش را شکستی بازنشسته شهرداریه، آن زنی را هم کتک زدی منشی شرکت است، دیگری بیکار، آن یکی دیگه کارگر کارخانه و ... راستی! می دانی همه این آدم های اسیر تو غم نان و آزادی فردای فرزند تو را هم دارند!؟ می دانی آنها سفره خالی و حس بودن زیر خط فقر و بیکاری و ناامنی شغلی و گرانی و ... را به جان می خرند! اما کرامت و شأن انسان را ارج می نهند و آگاهانه نمی خواهند مأمور باشند و معذور!؟ می دانی حس آزادی و انسان بودن چه لذت بخش است!؟ می فهمی که آن کارگرها به خاطر لقمه نانی هرگز اجیر و مزدور کسی نبودند و نمی خواهند در قماش افرادی باشند که با رانت و کاسه لیبسی و دروغ و ارتشاء قله های رفیع [ثروت و قدرت و انسان را فتح می کنند!؟ می دانی نگهبان و پاسدار و مأمور و پاسبان چه کسانی هستی!؟ هیچ فکر کرده ای لباس و کلاه و دستبند و پابند و باتوم و ماشین رعب و وحشت و کتک و زندان را برای چه کسانی به کار می بری!؟ اصلن هیچ می دانی آن آدم ها می خواهند زندان و فقر و استعمار هم نباشد!؟ نمی خواهم تیرنه ات کنم، تا مأمور باشی و معذور! و تا آزادی ات در بند باشد، هم شأن و هم طبقه کارگران و حقوق بگیران نیستی، پس در پیشگاه آنان مسئول و پاسخگو باید باشی. مثل اینکه زیادی می پرسم! بهتر است بیخ از این وقتت را پر نکنم، شاید مأموریت دیگری در راه باشد.

فردین نگهدار - ۱۳۹۱/۰۱/۰۴

تعطیلی کارخانه ابر صنعتی قزوین / ۲۶ کارگر در بلاتکلیفی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول تیر ۹۱ آمده است: تعدادی از کارگران کارخانه ابر صنعتی قزوین با ارسال نامه‌ای به خبرگزاری ایلنا در خصوص مشکلاتی که باعث شده فعالیت این کارخانه متوقف شود و امنیت شغلی‌شان به خطر بیافتد روشنگری کردند.

به گزارش ایلنا، تعداد ۲۶ کارگر امضاکننده این نامه آورده‌اند: کارخانه ابر صنعتی قزوین از اواخر سال ۸۹ با ادعای کمبود نقدینگی تا هم اکنون از پرداخت بیش از ۱۸ ماه حقوق و سنوات ۲۷ کارگر خود امتناع کرده است.

به گفته کارگران، کارفرمای خصوصی این کارخانه از تاریخ ۲۰ مهرماه سال گذشته تمامی ماشین آلات و ابزار تولید را از کارگاه‌ها خارج کرده و این واحد صنعتی را به واحدهای تولیدی دیگر جهت ساخت انبار اجاره داده است.

این کارگران در نامه خود با انتقاد از نحوه مدیریت کارخانه و بی توجهی به کارگران افزودند: سوابق بیمه‌ای کارگران از ۱۸ سال تا ۲۸ سال است که به جهت عدم پرداخت حق بیمه، اکثر کارگران برای بازنشسته شدن دچار مشکل شده‌اند.

این کارگران به دلیل کار با مواد شیمیایی شرایط کار در این کارخانه را سخت و زیان‌آور دانسته‌اند و در ادامه نامه متذکر شده‌اند: ۱۲ کارگر ابر صنعتی که سوابق بالای ۲۰ سال دارند شرایط بازنشستگی با کار سخت و زیان‌آور برایشان فراهم است، اما باقی کارگران به جهت داشتن قرارداد موقت با سوابق کمتر از ۲۰ سال امکان بازنشستگی ندارند و همچنین عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما در ماه‌های اخیر بین سوابق بیمه‌ای این کارگران فاصله ایجاد کرده است و این کارگران برای بازنشسته شدن با مشکل مواجه شده‌اند.

کارگران در ادامه این نامه آورده‌اند: کارفرمای کارخانه ابر صنعتی شرط پرداخت مطالبات کارگران خود را فروش املاک و دستگاه‌های کارخانه قرار داده است و گفته است بدهی کارگران باید با فروش املاک کارخانه جبران شود.

کارگران در پایان این نامه نوشته‌اند: «ما کارگران کارخانه ابر صنعتی بلاتکلیف بوده و با توجه به سوابق ۲۸ ساله‌مان، کسی پاسخگوی مشکلاتمان نیست و هم اکنون بدون درآمد و شرمند زنی و فرزند شده‌ایم و از مسئولان می‌خواهیم راه حل مناسبی را درخصوص مشکلاتمان پیشنهاد کرده و فکری بحالمان بکنند.»

در این زمینه دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین با تأیید صحت اطلاعات نامه کارگران به ایلنا گفت: ۱۲ کارگر رسمی ابر صنعتی با سوابق بالای ۲۰ سال امکان بازنشسته شدن دارند اما متأسفانه سایر کارگران به جهت انعقاد قرارداد موقت امکان بازنشستگی برایشان وجود ندارد.

عید علی کریمی افزود: شرط بازنشسته شدن کارگرانی که بلحاظ سوابق کار امکان بازنشسته شدن دارند، پرداخت حق بیمه آنان از سوی کارفرماست که تا هم اکنون این مبلغ پرداخت نشده است.

او افزود: کارفرمای کارخانه ابر صنعتی با وجودی که در هیچ یک از جلسات اداره کار و سایر ارگانهای دولتی شرکت نمی‌کند به ۱۲ نفر از کارگران ابر صنعتی قول بازنشسته شدن داده است اما به مابقی کارگران که زیر ۲۰ سال هستند گفته است که باید با کارخانه تسویه حساب کنند.

اعتراضیه

ما جان برکفیم تا به آخر ایستاده ایم

روز جمعه ۲۶/۳/۱۳۹۱ تعدادی از دوستان کارگرم‌ان در کرج دستگیر شده و همچنان در زندان و گوهر دشت در بازداشت بسر می برند. لازم به ذکر است هنگام دستگیری با باطوم و قنداق تفنگ و مشت و لگد مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. چرا؟ پلیس سرکوبگر اسلامی در ایران دست کمی از پلیس امریکایی، اسرائیلی و روسی و .. نه تنها ندارد بلکه وحشیانه تر هم برخورد می کند.

نظام سیاسی حاکمیت سرمایه داری اسلامی در ایران از ابتدای، حضور خود با توسل به شکنجه و سرکوب اعدام حتی اعدام های دسته جمعی به حیات نکبت بار و جنایتکارانه خود ادامه داده است.

این منطق حاکمیت سرمایه داری در سراسر جهان است. گرچه بارها ارکان قدرت نظام سیاسی سرمایه داری اسلامی ایران با هجوم کارگران و سایر مزد بگیران به لوزه افتاد اما با حمایت های سرمایه داری جهانی همچنان به حیات خون بار و جنایت کارانه خود ادامه می دهد. حاصل شکنجه و سرکوب و اعدام دهها هزار کارگر در ایران انباشت میلیاردها دلار در حساب های حاکمان دولت سرمایه داری اسلامی در بانک های خارج بوده است.

اما اینک جنبش ضد سرمایه داری کارگران ایران به جنبش ضد سرمایه داری جهانی پیوند خورده می رود تا سرنوشت تاریخی خود را رقم بزند و ما از هم اکنون شاهد سیر نزولی منجر به سقوط حاکمان نظام سرمایه داری در ایران و جهان هستیم. ما کارگران با تمام قوا و توان در این نبرد حضور خواهیم داشت زیرا چیزی برای از دست دادن نداریم. بدینوسیله ما فعالان کارگری ضد سرمایه داری خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی دوستان کارگر دستگیر شده در کرج و سایر فعالان کارگری و سیاسی زندانی در زندان های حکومت سرمایه اسلامی در ایران هستیم.

فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان

بر پایه خبررسیده به روز شمار کارگری آمده است: کارگران خدمات شهری شهرداریهای نواحی مختلف رشت و کارخانجات قفلیران، پارس خزر، پارس شهاب، بهوزان، فومن شیمی، فولاد امیرکبیر، فولاد گیلان، ایران برک، پینک، کاشی خزر، کارگران اخراجی لوکاس تندر، دخانیات احمد گوراب، پوشش، فومنت، نساجی پارس ایران، کارگران اخراجی ایران کف و فرش گیلان، ایران پوپلین، کارگران صافکاری و نقاشی اتومبیل، نقاش ساختمان، کارگران ساختمانی، آلومینیوم سازی، آهنگران درب و پنجره ساز، آهنگران اسکلت کار، کارگران لوله سازی لوشان، نیروگاه لوشان کف کار- سوئیدان، کارگران فرآورده های بتنی شعاع شرق، کارگران پروژه ای چولاب آبرود شمال، ژیان، خلخال دشت، فراشن، سیمان خزر، فراگستر و جمعی از کارگران شهرک صنعتی (انزلی - حسن رود)، آب و فاضلاب رشت، انزلی، صومعه سرا، جمعی از کارگران شهرک صنعتی ماسوله، جمعی از کارگران شهرک صنعتی سیاهکل، کارگران صنایع چوب و کاغذ چوکا، کارگران صنایع چوب اسلام، جمعی از کارگران اداره ی آب و برق رشت، جمعی از فارغ التحصیلان بیکار، جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پایه، فنی مهندسی کشاورزی گیلان (رشت)، کارگران خدماتی پرستاران، بهیاران بیمارستان های پورسینا آریا، گیل و حشمت و توتونکاران، جمعی از دانشجویان پیام نور رشت، جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد رشت، لاهیجان، انزلی، جمعی از دانشجویان جامع علمی کاربردی رشت و انزلی، کارگران گیلانی مقیم تهران و کرج، رشت، انزلی، لاهیجان، لنگرود، صومعه سرا، جمعی از رانندگان خط کناره، انزلی، فومن، آستارا، رانندگان تاکسی و شرکت واحد رشت.

کارگران در کرج به چه اتهامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند؟

محمود صالحی

بیش از یک سال از برگزاری پنجمین مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۹۰ برگزار شده بود، می گذشت. برابر اساسنامه، مجمع عمومی عادی را باید سالیانه تشکیل داد تا فعالیت های هیئت اجرایی، بازرسان و امور مالی در فاصله بین دو مجمع، توسط اعضای حاضر در نشست کمیته هماهنگی مورد ارزیابی قرار گیرد و هیئت اجرایی و بازرسان جدید نیز انتخاب شوند. به این ترتیب کمیته هماهنگی در اسفند ماه ۱۳۹۰ با ارسال نامه ی رسمی، از وزارت کار تقاضا کرد تا یکی از سالن های آن وزارتخانه را جهت برگزاری مجمع عمومی در اختیار ما قرار دهد. اما پاسخ مسئولین اداره کار به مراجعه مکرر نماینده ما، منفی بود و آنها به صورت شفاهی به این درخواست، جواب رد دادند. بنابراین اعضای کمیته هماهنگی بر اساس وظیفه خود و تقاضای اکثریت اعضا تصمیم گرفتند که مجمع عمومی ششم را در روز جمعه ۲۶ خرداد ۱۳۹۱ را در مهرشهر شهرستان کرج برگزار کنند و در همان حال پیگیری تقاضای رد شده ما از اداره کار شوند.

من محمود صالحی به همراه جمیل راست خدیو، رحمان کاردار، علی حسینی در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه با ماشین شخصی از شهرستان سقز به طرف کرج حرکت کردیم. ما ساعت ده و نیم شب به امامزاده طاهر رسیدیم و پس از تماس با یک شماره تلفن، دو نفر از دوستان دنبال ما آمدند و ما را به مکانی بردند که روز شنبه، بعد از آزادی از زندان، متوجه شدم که آن محله، بلوار ارم نام داشت و خیابان ۵ شرقی است.

ما بعد از طی کردن چند پله آپارتمان، به منزل مورد نظر در طبقه سوم رسیدیم. درب زدیم و یک دختر خانم با احترام کامل در را باز کرد و خود را به ما معرفی کرد. وقتی وارد اطاق شدیم احساس کردم که وارد یک مغازه تخم مرغ فروشی شده ام! زیرا که تمام دیوارهای این خانه محقر آپارتمانی پوشیده از جعبه های خالی شانه تخم مرغ بود. از دوستان دلیل اش را پرسیدم، یکی از آنها پاسخ داد که به خاطر اینکه صدا به بیرون نرود و مزاحم همسایه ها نشود و زدن این شانه های خالی تخم مرغ، به این دلیل است. تا ساعت هفت و نیم صبح بقیه ی دوستان نیز آمدند. زمانی که در حال صرف صبحانه و صحبت های پراکنده بودیم، شاید کسی فکر نمی کرد که نیروهای امنیتی به این منزل حمله کنند و آنها را دستگیر کنند.

جلسه مجمع عمومی ششم کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ساعت ۸ صبح با سخنان یکی از دوستان و با انتخاب هیئت رئیسه کار خود را شروع کرد. بعد از گذشت یک ساعت، بعضی از دوستان به صورت پراکنده در مورد نامناسب بودن این مکان با یکدیگر تبادل نظر می کردند. وقتی کسی صحبت می کرد، با دست به او تذکر داده می شد که صدایش را آرام تر کند تا مزاحم همسایه ها نشوند. جلسه با همه مشکلات و نگرانی شرکت کننده گان، تا ساعت ۱۲ ظهر طول کشید و ناگهان خبری در بین ما به سرعت پمپید که نیروهای انتظامی محله و تمام اطراف آن را محاصره کردند. من و چند نفر به همراه صاحب خانه به طرف یک پنجره رفتم تا بیرون را نگاه کنیم. روبروی همان ساختمان، ما متوجه نیروهای زیادی شدیم که مستقر شده بودند، اما صاحب خانه گفت چیزی نیست این نیرو برای ما نیست، لطفا آرام باشید! شرکت کننده گان باز هم به جلسه خود ادامه دادند که زنگ درب منزل را زدند. یکی از بچه ها در را باز کرد که بعد از چند لحظه برگشت و گفت که کسی برای رفتن به پشت بام، کلید می خواهد.

ساعات ۲۰/۱۲ دقیقه بود که با شلیک اولین گلوله حمله به منزلی که ما داخل آن بودیم، آغاز شد و ده ها مامور لباس شخصی پشت درب با فحش و ناسزا، فریاد می زدند که در را باز کنید. شرکت کننده گان در مجمع عمومی، سراسیمه به اطراف خود در همان منزل کوچک به تحرک افتادند و هر کسی سعی می کرد به گوشه ای از منزل پناه ببرد و به هر شکلی خود را پنهان کند. به محض اینکه در را باز کردیم، ده ها نفر مامور لباس شخصی مسلحانه وارد منزل شدند و لوله اسلحه های خود را به سمت چهره و دهان بچه ها می گذاشتند و از آنها می خواستند تا رو به زمین بخوابند. بارها من در تلویزیون تصاویر حمله نیروهای امنیتی اسرائیل را به صفوف مردم فلسطین دیده ام که مردم را به باد کتک می گیرند، اما افرادی که به ما کارگران در آن منزل حمله کردند، صد برابر از نیروهای اسرائیل وحشی تر بودند. همه بچه ها رو به زمین دراز کشیده و دست های شان پشت سر گذاشته بودند و هر کسی تکان می خورد، بلافاصله چند نفر از آن آدم های مفت خور که با دسترنج زحمت ما کارگران و پول نفت ما، تغذیه کرده و به این مقام رسیده اند، با لگد و فحش هایی رکیک مواجه می شد. ناسزاهایی که فقط باید از دهان آن نیرو که به ما حمله کردند، می توان شنید؛ چون ما از تکرار چنین بی حرمتی ها شرم داریم. عده ای از مامورین وقتی متوجه لباس های محلی کوردی ما شدند، دیوانه وار ما را به باد کتک گرفتند و فریاد می زدند که " شما هزاران پاسدار را کشتید و در این شهر چه غلطی می کنید و...." یکی از مامورها روی پشت من آمد و با لگد به پشت ام کوبید که یکی از بچه ها که نزدیک من دراز کشیده بود داد زد: " او را نزنید، کلیه اش نارحت است." لباس شخصی وحشی وقتی این جمله را شنید با هر دو پا به کمرم می زد و فریاد می زد " ... که " بگذار کلیه اش بترکه و

در این هجوم گسترده، همه ی بچه ها کتک خوردند، یکی از ناحیه سر، یکی از ناحیه پا، یکی از ناحیه دست و یکی از ناحیه شکم مجروح شدند و مامورین فریاد می زدند که این افراد خرابکار هستند. جمع زیادی از مردم ساکن در ساختمان با فریاد های نیروهای امنیتی و تیراندازی آنها، بیرون آمده بودند و وحشت زده، سؤال می کردند که چی شده، این همه تیراندازی برای چیست؟ چرا این همه مردم اینجا هستند؟ چرا به آنها می زنید و...؟ یکی از فرماندهان نیروهای سرکوبگر رو به مردم کرد و آنان را به داخل اطاق ما دعوت کرد. چند زن آمدند و وقتی همه این افراد را دیدند و همگی رو به زمین و دست ها پشت سر، خوابیده اند، گفتند که " این افراد چکاره هستند؟" یکی از مامورین پاسخ داد که " این افراد خرابکارند و شما مردم باید از ما تشکر کنید که دست این افراد خرابکار را از سر شما برمی داریم ... و به ما اجازه نمی دادند که پاسخ دهیم و به محض اینکه صدایی از کسی بلند می شد، چند نفر او را زیر ضربه های لگد و مشت قرار می دادند. نیروهای سرکوب بیشتر وسایل منزل را شکستند و تخریب کردند، طوری که وسایلی کمی در آن منزل، سالم باقی نمانده بود در چنین شرایطی بود که به پاهای من پابند زدن و همراه حسین پیروتی، اولین کسانی بودیم که از منزل خارج کردند. هنگام خروج، یک نفر از ما فیلم برداری می کرد. کنار هر پله، چند نفر ایستاده بود و به محض اینکه نزدیک آنها می شدیم، ما را مورد کتک و فحش های رکیک قرار می دادند. در حالی که دست های مان بسته بود، ما را با زور و اجبار به داخل ماشین ون انتقال دادند و اگر کسی سرش را بلند می کرد، مورد کتک قرار می دادند. مدت طولانی ماشین حرکت نکرد و ما باید با سرها پیمان به زیر، گرمای داخل ماشین و ناسزا و بی حرمتی را تحمل می کردیم. دست بچه ها را به اندازه ای سفت بسته بودند که خالد حسینی و چند نفر دیگر از بچه ها نسبت به این وضعیت اعتراض کردند و گفتند که دستهای مان دارد فلج می شود، اما جواب مامورین " خفه شو ... فلج می شوی به درک، خدا کند دست ات فلج شود و... " بود. بالاخره ماشین ها حرکت کردند و بعد از طی کردن مسافتی طولانی، از حرکت ایستاد و ما را پیاده کردند. این بار نیز با بی احترامی آشکار، ما را با دست ها و چشمان بسته، به صف کردند و اگر صدایی از کسی بلند می شد، بلافاصله چندین مامور او را مورد ضرب و شتم قرار می دادند. ما را به چند سالن بزرگ انتقال دادند و بعد از اینکه کفش ها و کمربندهای مان را درآوردند، به دو دسته تقسیم کردند و هر دسته را به یک اطاق بزرگ بردند

در اینجا متوجه شدیم که ما را به بند ۹۴ زندان رجایی شهر کرج انتقال داده اند که مربوط به زندانیان امنیتی است و تحت نظر اداره اطلاعات، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و سپاه پاسداران می باشد. به گفته کسانی که در آن بند بودند، آنها حتی ملاقات هم ندارند. یکی از زندانیان که شخصا" ایشان را دیدم، فردی به نام سید محمود دولت آبادی بود که مدت ۳۲ ماه بلاتکلیف در آن زندان نگهداری می شد بعد از انتقال ما به اطاق ها، بازجویی آغاز شد. من خودم هنگام بازجویی، مورد بی احترامی قرار نگرتم، اما به گفته چند نفر از بچه ها، زمان بازجویی به آنان بی احترامی شده و آنان را زده اند. روز شنبه ساعت ۴ نیمه شب که همه بچه ها از فرط خسته گی چندین ساعته، ضرب و شتم و بازجویی، خواب بودند؛ بیدار کرده و به اجبار رو به دیوار کردند، چشم های ما را بستند و فریاد می زدند که کسی حرف نزنند. سپس به صورت انفرادی ما را به بیرون برده و با تهدید ما را وادار به امضای ورقه ای کاغذ می کردند و عکس می گرفتند. ما ابتدا فکر می کردیم که انگشت نگاری است، اما چند نفر از دوستان متوجه شده بودند که یک برگ تعهد نامه است که مورد اعتراض آنها قرار می گیرد. صبح روز شنبه هر بار یک نفر از بچه ها را صدا می کردند و او را تهدید می کردند که باید از کمیته هماهنگی استعفا دهد، در غیر این صورت باید در زندان بماند، اما هیچ کدام از دوستان، قبول نکردند و همگی از کمیته هماهنگی دفاع کردند و علی رغم همه فشارها و ضرب و شتم، روحیه تمامی بچه ها خیلی خوب بود و بدون هیچ دلهره ای، با روحیه عالی در حال سرود خواندن بودند

بعد از ۳۲ ساعت بازداشت، بدون این که یک نفر از ما تفهیم اتهام شویم، از زندان آزاد شدیم. بعد از آزادی به همان محله رفتیم و بچه ها با مردمی که شاهد دستگیری ما بودند، گفتگو کرده و توضیح دادند که ما نه تروریست و نه خرابکاریم، بلکه ما کارگریم و صرفاً یک جلسه کارگری داشتیم و بابت مشکلات و فضای رعب و وحشتی که برای ساکنین پیش آمده بود، عذرخواهی کردند. مردم هم در جواب دوستان ما گفته بودند که ما از همان نگاه اول و از روی قیافه شما، تشخیص داده بودیم که خراب کار نیستید و نیروهای امنیتی دروغ می گویند این مختصری بود از آنچه که روز جمعه ۲۶ خرداد در شهرستان کرج بر ما گذشت و ما اعضای کمیته هماهنگی را بدون هیچ اتهامی، مورد بی حرمتی، توهین و ضرب و شتم قرار دادند و تاکنون ۹ نفر دیگر از دوستان ما به اسامی ۱ - علی رضا عسکری ۲ - میترا همایونی ۳ - سعید مرزبان ۴ - ریحانه انصاری ۵ - مازیار مهر پرور ۶ - سیروس فتحی ۷ - جلیل محمدی ۸ - فرامرز فطرت نژاد ۹ - مسعود سلیم پور هنوز در زندان بسر می برند

محمود صالحی - مورخ ۱/۴/۹۱

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۲۰۰ کارگر بوژان چهار ماه است که حقوق دریافت نکرده اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول تیر 91 آمده است: بیش از ۲۰۰ کارگر کارخانه یخچال سازی بوژان چهار ماه حقوق دریافت نکرده‌اند.

پیمان نادرنیا، دبیر اجرایی خانه کارگر خرم‌آباد با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه یخچال سازی بوژان خرم‌آباد به علت واردات بی‌رویه دچار مشکل شده و پرداخت چهار ماه حقوق و بیمه بیش از ۲۰۰ کارگر خود را به تعویق انداخته است. این فعال کارگری با اشاره به افزایش مشکلات واحدهای تولیدی خرم‌آباد اظهار داشت: اکثر واحدهای تولیدی با مشکلاتی مشابه آنچه برای بوژان رخ داده دست به گریبانند و سرنوشت کارگران‌شان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

نادرنیا در ادامه به ذکر مثال‌هایی از سرانجام واحدهای تولیدی در خرم‌آباد پرداخت و گفت: کارخانه پرس خرم‌آباد که به دلایل نامعلومی طی دو سال گذشته تعطیل شده و تمامی ۳۰۰ کارگر قراردادی آن با سوابق بیش از ده سال بازخرید شده بودند و ساختمان این کارخانه با همه ماشین‌آلات و تجهیزات بدون اینکه کسی پاسخگوی دلایل تعطیلی این واحد صنعتی بوده باشد رها شده است. دبیر اجرایی خانه کارگر خرم‌آباد ادامه داد: کارخانه پوشاک خرم‌آباد تولید کننده پوشاک زنانه بیش از ۸۰ کارگر زن داشت که به جهت افزایش مشکلات اکنون تعطیل شده است و با تغییر کاربری به کارخانه ژنراتور سازی تبدیل و همه کارگران آن بیکار شدند. او افزود: صاحبان کارخانه ژنراتور سازی بعد از دریافت وام‌های کلان کارخانه را مجدداً تعطیل کردند.

نادرنیا در ادامه با اشاره به اینکه مسئولان و فعالان کارگری استان تمام تلاش خود را برای احیاء مجدد این واحدها و سایر واحدهای بحران زده بکار گرفته‌اند تأکید کرد: از مسئولان کشوری و وزارت صنایع درخواست داریم برای تحقق و احیاء این واحدها تمام تلاش خود را بکار گرفته و با مسئولان استانی همکاری‌های لازم را داشته باشند.

تحصن کارگران شهرداری ارومیه در اعتراض به خصوصی سازی

به نوشته سایت هرانا در اول تیر آمده است: صبح امروز تعداد زیادی از کارگران شهرداری ارومیه در مقابل ساختمان شهرداری واقع در میدان ایالت ارومیه دست به تحصن زدند.

گفته می‌شود صدها تن از کارگران شهرداری ارومیه در اعتراض به خصوصی سازی در واحدهای مختلف شهرداری این شهر، در مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

لیست نهانی اسامی افراد بازداشت‌شده در مجمع عمومی کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در تاریخ ۳۶ خردادماه ۱۳۹۱:

- ۱- رحمان ابراهیم‌زاده ۲- علی آزادی ۳- فرامرز احمدی ۴- رضا امجدی ۵- ریحانه انصاری ۶- عباس اندریانی ۷- یوسف آبخرابات ۸- کوروش بخشنده ۹- حسین پیروتی ۱۰- هادی تنومند ۱۱- جواد ۱۲- خالد حسینی ۱۳- شیرکو حسینی ۱۴- غالب حسینی ۱۵- سید علی حسینی ۱۶- جلال حسینی ۱۷- علیرضا خباز ۱۸- افشین خبررسان ۱۹- صدیق خسروی ۲۰- جمیل راست‌خدیو ۲۱- حسن رسول‌نژاد ۲۲- ظهیر رضوی ۲۳- عمر سلیمانی ۲۴- فتح سلیمانی ۲۵- مسعود سلیمپور ۲۶- ادیب سوره بومه ۲۷- واحد سیده ۲۸- جلیل شریفیان ۲۹- نظام صادقی ۳۰- مهرداد صبوری ۳۱- محمود صالحی ۳۲- حاتم صمدی ۳۳- یدالله صمدی ۳۴- عادل ۳۵- ریبوار عبداللہی ۳۶- محمد عبدی‌پور ۳۷- حسن عزتی ۳۸- علیرضا عسگری ۳۹- سیروس فتحی ۴۰- فرامرز فطرت‌نژاد ۴۱- وفا قادری ۴۲- رحمان کاردار ۴۳- کرکب ۴۴- جلیل محمدی ۴۵- شمس‌الله محمدپور ۴۶- فرزاد مرادی نیا ۴۷- سعید مرزبان ۴۸- ابراهیم مصطفایی ۴۹- چنورمکی ۵۰- محمد مولانابی ۵۱- جمال مینا شیرینی ۵۲- عباس هاشمپور ۵۳- مازیار مهرپور ۵۴- فریدین میرکی ۵۵- افشین ندیمی ۵۶- اسماعیل نیازی ۵۷- میترا همایونی ۵۸- جمال مینا شیرینی ۵۹- حسن رسول‌نژاد ۶۰- هادی تنومند

- ۹ نفر از این افراد به نام‌های سعید مرزبان، میترا همایونی، فرامرز فطرت‌نژاد، مسعود سلیمپور، سیروس فتحی، مازیار مهرپور، ریحانه انصاری، جلیل محمدی و علیرضا عسگری همچنان در بازداشت به‌سر می‌برند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۲ تیر ۱۳۹۱

شیر خان عزیز بدرود

بر پایه خبردریافتی از کمیته پیگیری آمده است: خیر دار شدیم که آقای شیر خان نبوی تکنیسین برق در نیروگاه ساندج و از فعالین کارگری خوشنام دیروز پنجشنبه مورخ 1/4/1391 بر اثر ایست قلبی بدرود حیات گفته است.

ما از دست رفتن این عزیز را به خانواده محترمشان و به کارگران نیروگاه ساندج و تمامی جنبش کارگری تسلیت می‌گوییم کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری

تعطیلی کارخانه ابر صنعتی قزوین، کارگران در بلاتکلیفی

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا آمده است: تعدادی از کارگران کارخانه ابر صنعتی قزوین با ارسال نامه‌ای در خصوص مشکلاتی که باعث شده فعالیت این کارخانه متوقف شود و امنیت شغلیشان به خطر بیفتد روشنگری کردند.

به گزارش ایلنا، تعدادی از کارگران امضا کننده این نامه آورده‌اند: کارخانه ابر صنعتی قزوین از اواخر سال ۸۹ با ادعای کمبود نقدینگی تا هم اکنون از پرداخت بیش از ۱۸ ماه حقوق و سنوات ۲۷ کارگر خود امتناع کرده است.

به گفته کارگران، کارفرمای خصوصی این کارخانه از تاریخ بیست مه‌ماه سال گذشته تمامی ماشین‌آلات و ابزار تولید را از کارگاه‌ها خارج کرده و این واحد صنعتی را به واحدهای تولیدی دیگر جهت ساخت انبار اجاره داده است.

این کارگران در نامه خود با انتقاد از نحوه مدیریت کارخانه و بی‌توجهی به کارگران افزوده‌اند: سوابق بیمه‌ای کارگران از ۱۸ سال تا ۲۸ سال است که به جهت عدم پرداخت حق بیمه، اکثر کارگران برای بازنشسته شدن دچار مشکل شده‌اند.

این کارگران به دلیل کار با مواد شیمیایی شرایط کار در این کارخانه را سخت و زیان‌آور دانسته‌اند و در ادامه نامه متذکر شده‌اند: ۱۲ کارگر ابر صنعتی که سوابق بالای ۲۰ سال دارند شرایط بازنشستگی با کار سخت و زیان‌آور برایشان فراهم است، اما باقی کارگران به جهت داشتن

قرارداد موقت با سوابق کمتر از ۲۰ سال امکان بازنشستگی ندارند و همچنین عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما در ماه‌های اخیر بین سوابق بیمه‌ای این کارگران فاصله ایجاد کرده است و این کارگران برای بازنشسته شدن با مشکل مواجه شده‌اند. کارگران در ادامه این نامه آورده‌اند: کارفرمای کارخانه ابر صنعتی شرط پرداخت مطالبات کارگران خود را فروش املاک و دستگاه‌های کارخانه قرار داده است و گفته است بدهی کارگران باید با فروش املاک کارخانه جبران شود. کارگران در پایان این نامه نوشته‌اند: «ما کارگران کارخانه ابر صنعتی بلاتکلیف بوده و با توجه به سوابق ۲۸ ساله‌مان، کسی پاسخگوی مشکلاتمان نیست و هم اکنون بدون درآمد و شرمند زنی و فرزند شده‌ایم و از مسئولان می‌خواهیم راه حل مناسبی را درخصوص مشکلاتمان پیشنهاد کرده و فکری بحالمان بکنند.»

در این زمینه دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین با تایید صحت اطلاعات نامه کارگران گفت: ۱۲ کارگر رسمی ابر صنعتی با سوابق بالای ۲۰ سال امکان بازنشسته شدن دارند اما متأسفانه سایر کارگران به جهت انعقاد قرارداد موقت امکان بازنشستگی برایشان وجود ندارد. عید علی کریمی افزود: شرط بازنشسته شدن کارگرانی که بلحاظ سوابق کار امکان بازنشسته شدن دارند، پرداخت حق بیمه آنان از سوی کارفرماست که تا هم اکنون این مبلغ پرداخت نشده است. او افزود: کارفرمای کارخانه ابر صنعتی با وجودی که در هیچ یک از جلسات اداره کار و سایر ارگانهای دولتی شرکت نمی‌کند به ۱۲ نفر از کارگران ابر صنعتی قول بازنشسته شدن داده است اما به مابقی کارگران که زیر ۲۰ سال هستند گفته است که باید با کارخانه تسویه حساب کنند.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- بخش د ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: استراحت - فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ادواری با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی کارگران به رسمیت شناخته شود.
- بخش الف ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: اجرتی که لااقل مزایای کافی برای کارگران و خانواده‌شان طبق مقررات این میثاق، محیا می‌کند؛ به رسمیت شناخته شود.
- بند ۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی‌کاری حمایت شود.

حقوق ۲۰۰ کارگر بوژان چهار ماه به تعویق افتاده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: پیمان نادرینیا، دبیر اجرایی خانه کارگر خرم‌آباد با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه یخچال سازی بوژان خرم آباد به علت واردات بی‌رویه دچار مشکل شده و پرداخت چهار ماه حقوق و بیمه بیش از ۲۰۰ کارگر خود را به تعویق انداخته است.

این فعال کارگری با اشاره به افزایش مشکلات واحدهای تولیدی خرم آباد اظهار داشت: اکثر واحدهای تولیدی با مشکلاتی مشابه آنچه برای بوژان رخ داده دست به گریبانند و سرنوشت کارگران‌شان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. نادرینیا در ادامه به ذکر مثال‌هایی از سرانجام واحدهای تولیدی در خرم‌آباد پرداخت و گفت: کارخانه پرس خرم آباد که به دلایل نامعلومی طی دو سال گذشته تعطیل شده و تمامی ۳۰۰ کارگر قراردادی آن با سوابق بیش از ده سال باز خرید شده بودند و ساختمان این کارخانه با همه ماشین آلات و تجهیزاتش بدون اینکه کسی پاسخگوی دلایل تعطیلی این واحد صنعتی بوده باشد رها شده است. دبیر اجرایی خانه کارگر خرم آباد ادامه داد: کارخانه پوشاک خرم آباد تولید کننده پوشاک زنانه بیش از ۸۰ کارگر زن داشت که به جهت افزایش مشکلات اکنون تعطیل شده است و با تغییر کاربری به کارخانه ژنراتور سازی تبدیل و همه کارگران آن بیکار شدند. او افزود: صاحبان کارخانه ژنراتور سازی بعد از دریافت وامهای کلان کارخانه را مجدداً تعطیل کردند. نادرینیا در ادامه با اشاره به اینکه مسئولان و فعالان کارگری استان تمام تلاش خود را برای احیاء مجدد این واحدها و سایر واحدهای بحران زده بکار گرفته‌اند تاکید کرد: از مسئولان کشوری و وزارت صنایع درخواست داریم برای تحقق و احیاء این واحدها تمام تلاش خود را بکار گرفته و با مسئولان استانی همکاری‌های لازم را داشته باشند.

ابهام در سرنوشت بیمه ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا از تبریز در تیر ماه آمده است: از تبریز، کریم صادق‌زاده در جلسه‌ای که با حضور رییس و اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی تبریز برگزار شد، گفت: براساس قانون بیمه کارگران ساختمانی قرار بود کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد یا توسعه ساختمان، تجدید بنا، تعمیرات اساسی یا تخریب ساختمان با نام نویسی توسط سازمان تامین اجتماعی بیمه شوند و بر همین اساس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای موظف به فراخوان و آموزش کارگران شاغل در کارهای ساختمانی و صدور کارت مهارت فنی برای آنان شد.

صادق‌زاده با بیان اینکه بر اساس این قانون کارگران شاغل در کارهای ساختمانی می‌توانند از خدمات سازمان تامین اجتماعی در حوادث و بیماری‌ها، غرامت، دستمزد، از کارافتادگی، بازنشستگی و فوت استفاده کنند، خاطر نشان کرد: ضرورت تصویب این قانون با توجه به سخت و زیان‌آور بودن این شغل مطرح شد تا این گروه شغلی که هرگز از مزایای بیمه برخوردار نبوده‌اند، بتوانند از نظر پوشش ریسک و حوادث احتمالی تا حدودی امنیت داشته باشند.

به گفته مجری طرح‌های آموزشی خانه کارگر، از زمان ابلاغ و اجرای قانون بیمه کارگران ساختمانی با وجود تمام مشکلات و موانع موجود از جمله کمبود اعتبار، احتمال گرانی مسکن، متضرر شدن کارفرمایان، صندوق بیمه تامین اجتماعی موظف شد با تامین اعتبار مورد نیاز از سوی دولت سالانه ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی را در کشور بیمه کند. این در حالی است که امسال خبرهای ناخوشایندی از بیمه کارگران ساختمانی به گوش می‌رسد.

صادق‌زاده با بیان اینکه اجرای قانون بیمه کارگران ساختمانی در سال جاری به علت عدم صدور مجوز ادامه اجرای قانون و مشخص نکردن سهمیه از سوی دولت متوقف شده است، اظهار کرد: این تصمیم اکنون سرنوشت ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی را تحت الشعاع قرار داده است.

او با تاکید بر اینکه نباید تنها روزنه امید ۱.۵ میلیون کارگر ساختمانی و خانواده‌های آن‌ها برای بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات بیمه‌ای با

طرح دلایلی همچون عدم تامین بودجه، مشخص نشدن سهمیه و تعداد کارگرانی که قرار است بیمه شوند، احتمال گرانی مسکن و... خاموش شود اظهار داشت: از دولت و مسوولان انتظار داریم هرچه سریعتر و با اعلام به موقع سهمیه بیمه کارگران ساختمانی و تامین اعتبار مورد نیاز این طرح را اجرایی کنند و از کارگران ساختمانی که هرساله به هنگام انجام کارهای ساختمانی دچار آسیب‌های جدی، نقص عضو دائمی شده و یا حتی جانشان را از دست می‌دهند حمایت لازم و جدی شود.

وی به نقل از علیرضا محبوب رییس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی در مورد مصوبه دولت که باعث توقف بیمه کارگران ساختمانی شده است گفت: از نمایندگان مجلس خواستار تصویب طرح دو فوریتی رفع موانع اجرای طرح بیمه کارگران ساختمانی هستیم در غیر اینصورت شاهد اعتراضات شدید کارگران ذینفع و اصلی ساختمانی خواهیم بود.

دبیر اجرایی و مجری طرحهای آموزشی خانه کارگر تبریز با تاکید بر ساماندهی وضعیت محلهای استقرار کارگران ساختمانی گفت: از شهرداری و شورای شهر تبریز خواستار سامان دادن وضعیت کارگران در میدین شهر و ایجاد محلهایی جهت استقرار کارگران ساختمانی هستیم. صادفزاده با اعلام حمایت از کارگران ساختمانی از سوی خانه کارگر گفت: کارگران ساختمانی بیمه شده می‌توانند با عضویت در خانه کارگر تبریز از خدمات آموزشی، رفاهی و درمانی خانه کارگر استفاده کنند.

تعطیلی کارخانه ابر صنعتی قزوین / ۲۶ کارگر در بلاتکلیفی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: تعدادی از کارگران کارخانه ابر صنعتی قزوین با ارسال نامه‌ای به خیرگزاری ایلنا در خصوص مشکلاتی که باعث شده فعالیت این کارخانه متوقف شود و امنیت شغلی‌شان به خطر بیافتد روشنگری کردند. به گزارش ایلنا، تعداد ۲۶ کارگر امضاکننده این نامه آورده‌اند: کارخانه ابر صنعتی قزوین از اواخر سال ۸۹ با ادعای کمبود نقدینگی تا هم اکنون از پرداخت بیش از ۱۸ ماه حقوق و سنوات ۲۷ کارگر خود امتناع کرده است.

به گفته کارگران، کارفرمای خصوصی این کارخانه از تاریخ ۲۰ مهرماه سال گذشته تمامی ماشین آلات و ابزار تولید را از کارگاه‌ها خارج کرده و این واحد صنعتی را به واحدهای تولیدی دیگر جهت ساخت انبار اجاره داده است.

این کارگران در نامه خود با انتقاد از نحوه مدیریت کارخانه و بی توجهی به کارگران افزوده‌اند: سوابق بیمه‌ای کارگران از ۱۸ سال تا ۲۸ سال است که به جهت عدم پرداخت حق بیمه، اکثر کارگران برای بازنشسته شدن دچار مشکل شده‌اند.

این کارگران به دلیل کار با مواد شیمیایی شرایط کار در این کارخانه را سخت و زیان‌آور دانسته‌اند و در ادامه نامه متذکر شده‌اند: ۱۲ کارگر ابر صنعتی که سوابق بالای ۲۰ سال دارند شرایط بازنشستگی با کار سخت و زیان‌آور برایشان فراهم است، اما باقی کارگران به جهت داشتن قرارداد موقت با سوابق کمتر از ۲۰ سال امکان بازنشستگی ندارند و همچنین عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما در ماه‌های اخیر بین سوابق بیمه‌ای این کارگران فاصله ایجاد کرده است و این کارگران برای بازنشسته شدن با مشکل مواجه شده‌اند.

کارگران در ادامه این نامه آورده‌اند: کارفرمای کارخانه ابر صنعتی شرط پرداخت مطالبات کارگران خود را فروش املاک و دستگاههای کارخانه قرار داده است و گفته است بدهی کارگران باید با فروش املاک کارخانه جبران شود.

کارگران در پایان این نامه نوشته‌اند: «ما کارگران کارخانه ابر صنعتی بلاتکلیف بوده و با توجه به سوابق ۲۸ ساله‌مان، کسی پاسخگوی مشکلاتمان نیست و هم اکنون بدون درآمد و شرمند زنی و فرزند شده‌ایم و از مسئولان می‌خواهیم راه حل مناسبی را درخصوص مشکلاتمان پیشنهاد کرده و فکری بحالمان بکنند.»

در این زمینه دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین با تایید صحت اطلاعات نامه کارگران به ایلنا گفت: ۱۲ کارگر رسمی ابر صنعتی با سوابق بالای ۲۰ سال امکان بازنشسته شدن دارند اما متأسفانه سایر کارگران به جهت انعقاد قرارداد موقت امکان بازنشستگی برایشان وجود ندارد. عید علی کریمی افزود: شرط بازنشسته شدن کارگرانی که بلحاظ سوابق کار امکان بازنشسته شدن دارند، پرداخت حق بیمه آنان از سوی کارفرماست که تا هم اکنون این مبلغ پرداخت نشده است.

او افزود: کارفرمای کارخانه ابر صنعتی با وجودی که در هیچ یک از جلسات اداره کار و سایر ارگانهای دولتی شرکت نمی‌کند به ۱۲ نفر از کارگران ابر صنعتی قول بازنشسته شدن داده است اما به مابقی کارگران که زیر ۲۰ سال هستند گفته است که باید با کارخانه تسویه حساب کنند.

گزارشهایی از برگزاری مراسم خاکسپاری و گرامیداشت شیرخان نبوی (آهنگران)

مراسم خاکسپاری؛

از ساعت ۱۱ صبح روز اول تیر ۹۱ به محض خبر دار شدن از درگذشت شیرخان نبوی، دسته، دسته و گروه، گروه از دوستان و همکاران شیرخان در شهر سنجند خود را به بیمارستان توحید می‌رساندند. همزمان گروه، گروه از شهرهای کرمانشاه و کامیاران در حالیکه اشک در چشمانشان حلقه زده بود به سوی منزل شیرخان در روستای توبره ریز کامیاران روان بودند. دوستان و آشنایان، اعضاء خانواده شیرخان را در میان خود گرفته و با انداختن دست بر گردنشان و ابراز محبت سعی می‌کردند بار غم از دست رفتن عزیزشان را کم کنند. با نزدیک شدن به پایان روز یکم تیر، آمبولانس حامل پیکر و ستونی از ماشینهای پشت سر آن که از سنجند به طرف روستای آهنگران زادگاه شیرخان در حرکت بودند، به روستا رسیدند. هوا تاریک شده بود و صداهای ناله و زاری و مردود به احترام، صف کشیده بودند. پیکر، بعد از حدود نیم ساعت توقف در روستا مجدداً به طرف گورستان روستای آهنگران در حالیکه صداهای ناله و زاری در حرکت بودند، انتقال یافت. بعد از تدفین جسد، یک دقیقه سکوت اعلام شد و سپس مراسم با خواندن دسته جمعی سرود انترناسیونال پایان یافت.

مراسم گرامیداشت؛

مراسم گرامیداشت از ساعت ۸ صبح روز دوم تیر شروع شد. تا ساعت ۱۲ ظهر دسته، دسته از دوستان، آشنایان و مردم از شهرهای سنجند، کامیاران، کرمانشاه و تهران و شهرهای دیگر برای ابراز همدردی به روستای آهنگران می‌آمدند و می‌رفتند. دیوارهای اطراف محل برگزاری مراسم با پلاکاردهایی که از طرف تشکلهای و جمعهای کارگری به این مناسبت نوشته شده بودند، پوشانیده شده بودند. ساعت یک بعد از ظهر ۵ مأمور اطلاعاتی به محل برگزاری مراسم آمدند. مأموران با دیدن پلاکاردهای قرمز اعتراض کرده و خواهان پائین آوردن آنها شدند. برادر شیرخان مجبور به پائین آوردن دو تا از پلاکاردها شد که بعد از رفتن نیروهای اطلاعاتی جمعی از شرکت کنندگان در مراسم پلاکاردها را دوباره بر روی دیوارها نصب کردند. ساعت ۴ بعد از ظهر به منظور حضور بر سر مزار، جمعیتی صداهای ناله راهی گورستان شده و بعد از پیمودن مسیر با پای پیاده بر سر مزار جمع شدند. مراسم پس از یک دقیقه سکوت ادامه یافت و سپس یکی از دوستان شیرخان

در مورد خصوصیات او و همچنین شرایط مشقت باری که زندگی شیرخان و میلیونها انسان دیگر را تحت شعاع خود قرار داده سخنرانی کرد. سخنران در ادامه به نقد دنیای وارونه پرداخت و به محرومیت اکثریت مردم از امکاناتی مثل پزشکی و داروئی اشاره کرد که شیرخان به راستی یکی از قربانیان این محرومیت است. بعد از اتمام سخنرانی، با شعار گرامی باد یاد شیرخان و کف زدن جمعیت مراسم خاتمه یافت. عکسهای این مراسم بعدا بر روی وبلاگ منتشر خواهند شد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
۱۳۹۱/۴/۲

افزایش قیمت ها؟ مرغ 6400 تومان/ لیست چند قلم

به نوشته سایت آفتاب در دوم تیر آمده است: قیمت این هفته گوشت و مرغ، به نسبت هفته قبل افزایش محسوسی داشته است. تا جایی که قیمت مرغ به 6400 تومان در هر کیلو رسیده. سبزیجات و میوه ها اما در بسیاری از اقلام به خصوص میوه های تابستانی شاهد کاهش قیمت است. همچنین اقلام برچسب دار نیز جز در چند مورد تغییر خاصی نداشته اند تا باینکه نوشت: در این هفته گزارش میدانی خبرنگار ما حاکی از آن است که قیمت گوشت و مرغ به نسبت هفته قبل افزایش چشم گیری داشته است. قیمت گوشت بیش از 2000 هزار تومان و قیمت مرغ نیز بیش از 1000 تومان در این هفته شاهد افزایش بوده است. همچنین اقلامی که برچسب قیمت دارند، طی هفته جاری مانند هفته گذشته شاهد تغییر چندانی در قیمت ها نیستند. در این گروه رب گوجه فرنگی و پنیر 450 گرمی شاهد افزایش اندکی هستند. اما شیر پرچرب افزایش محسوسی داشته. بازار سبزیجات و میوه ها نیز در این هفته تغییرات چندانی نداشته و به جز افزایش اندکی در قیمت گیلاس باقی اجناس ثبات قیمت داشته اند. همچنین کاهش اندکی در میوه های تابستانی همچون هندوانه و طالبی مشاهده میشود. در مجموع این هفته در بازار خواروبار، به شکل کلی شاهد کاهش قیمت چندانی نبودیم، اغلب اجناس یا ثبات قیمت داشته اند و یا تغییری در جهت افزایش. قیمت های این هفته اقلام در تهران به این ترتیب است: (قیمتها از نقاط مختلف تهران گزارش شده)

میوه و سبزیجات

هندوانه هر کیلو: 600 تومان

طالبی هر کیلو: 1650 تومان

گیلاس هر کیلو: 8100 تومان

زردآلو هر کیلو: 6500 تومان

سیب قرمز هر کیلو: 2950 تومان

سیب زمینی هر کیلو: 650 تومان

پیاز هر کیلو: 700 تومان

خیار هر کیلو: 1500 تومان

گوجه فرنگی هر کیلو: 1200 تومان

موز هر کیلو: 2100 تومان

پروتئین و تخم مرغ

گوشت گوسفندی سردست هر کیلو: 17800 تومان

مرغ هر کیلو: 6400 تومان

یکی از فروشندگان به خبرنگار ما گفت: مرغ در بازار گران شده و ما این هفته نیاوردیم، این هفته در میدان قیمت مرغ افزایش داشته

ما هم تصمیم گرفتیم فعلا نیاوریم

تخم مرغ شانهای: 5550 تومان

تخم مرغ دانه ای: 200 تومان

اقلام مصرفی برچسب دار:

شیر پرچرب (مارک خاص): 1600 تومان

ماست پرچرب (مارک خاص): 3500 تومان

پنیر ۴۵۰ گرمی (مارک خاص): 2050 تومان

روغن مایع (مارک خاص): 2800 تومان

رب گوجه فرنگی (مارک خاص): 2300 تومان

مایع ظرف شویی (مارک خاص): 1300 تومان

پودر ماشین لباسشویی معمولی (مارک خاص): 910 تومان

پودر ماشین لباسشویی ۸ آنزیم (مارک خاص): 1100 تومان

سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران برای ایجاد جنبش کارگری ضروری است (بخش چهارم)

به مناسبت طومار اعتراضی ده هزار کارگر ایران و دستگیری فعالین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به جرات می توان گفت که اعتراضات کارگری در ایران بیشترین فضای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حال حاضر را نسبت به اعتراضات سایر اقشار جامعه گرفته است، منتهی بدلیل در اختیار بودن فضای سایتهای داخلی و خارجی انعکاس اخبار کارگری کمتر

از مخالفت‌های سایر ائتلاف‌ها دیده می‌شود. این موضوع حتی در مقایسه با نسبت اخبار منتشر شده در مورد کارگران در چند ماه پیش نسبت به گذشته در سایت‌های گوناگون نیز باسانی مشاهده می‌گردد، چراکه بخشی از اخبار اکثر آنها را مسائل کارگری پر کرده است. بطوریکه نه تنها گروه‌های چپ حجم اخبار کارگری خود را بیشتر کرده‌اند، بلکه سایت‌های سایر گروه‌های سیاسی و حتی گروه‌های مذهبی و از جمله اصلاح‌طلبان نیز به انتشار این اخبار پرداخته‌اند. ناگفته نماند که سایت‌های وابسته به دولت و حکومت همچون ایلنا و سایرین نیز چه بدلیل جنگ قدرتی جناحها و بدلیل جذب کارگران توسط تشکلات وابسته و چه واقعتاً افزایش اعتراضات، بیشتر از سایر سایت‌ها به انتشار اخبار اعتراضات کارگران پرداخته‌اند، هرچند بیشتر نقل قول‌های اخبار از طریق نمایندگان زرد کارگری است. اکثر گروه‌های سیاسی باور داشته و دارند که اعتراضات و اعتصابات کارگران می‌تواند نقش مهمی در تغییر یک رژیم داشته باشد همانطور که این نقش را در سال‌های ۵۶ و ۵۷ داشتند، اما همواره گمان کرده و می‌کنند که پس از شکل دادن و گسترش خود و احیانا ایجاد آلترناتیو، آنگاه براحته خواهند توانست از کارگران بعنوان لشکر پیاده استفاده کنند. اما توقف تظاهرات خیابانی و سرکوب شدید دانشجویان و گروه‌های سیاسی و اجتماعی به‌مراه اوج گرفتن تظاهرات گسترده کارگران، همه گروه‌ها را وادار کرده که به مسائل کارگران بیشتر بپردازند. حکومت به دلیل گسترش اعتراضات کارگران و مخصوصاً دو موضوع طومار اعتراضی ده هزار کارگر به وزیر تعاون و کار و همچنین دستگیری فعالین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در روزهای اخیر موجب گردید تا بخش چهارم مقاله به این دو موضوع اختصاص یابد که هر دو آنها نقش مهمی در آینده سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران دارند.

اعتراضات کارگران چه بطور خود جوش و چه تحت تاثیر برخی از فعالین کارگری در ابعاد مختلف، در واحدهای صنعتی، صنفی و در اکثر شهرها در جریان است و کارگران آگاه در این پروسه و با توجه به نیروهای امنیتی که مراقبند تا به این حرکتها برچسب سیاسی زده و آنها همچون اعتراضات دموکراتیک سایر ائتلاف سرکوب کنند، بدنبال راه‌های گوناگونی برای نتیجه گرفتن هستند. زمانی که برخی از کارگران واحدهای نساجی بیش از دو سال حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، با توجه به بیکاری و قراردادهای موقت و گرانی سرسام‌آوری که درگیر آن هستند، دیگر اکثریت کارگران قادر به ادامه زندگی حتی زیر فقر نبوده و ناچارند که مبارزات صنفی خود را گسترش دهند. برخلاف وعده‌های ایجاد دو میلیون کار توسط مسولین در سال گذشته، اکنون بعضی از مسولین از بیکاری حداقل صد هزار نفری کارگران در بخشهای صنعتی در سال پیش سخن گفته و تورم را بالای ۲۰ درصد اعلام می‌دارند. بخشی از سرمایه‌داران چه بدلیل بهانه تحریم و عدم امکان واردات مواد اولیه و قطعات مورد نیاز و چه بدلیل واردات پرسود و نداشتن دردرس کارگری، بدون اینکه تکلیف کارگران را از نظر حقوق عقب افتاده و نحوه بازخریدی و تمدید بیمه آنها روشن کنند، کارخانه‌های خود را تعطیل کرده‌اند. مسولین نظام از دفتر رهبری، فرماندهان سپاه، روحانیون، وکیلان مجلسها، گروه‌های سیاسی همچون مؤتلفه و جبهه پایداری و سایر اصولگرایان، وزرا و مسولین رده بالای نظام همه در راه پرکردن کیسه‌های خود چه از قراردادهای پروژه‌ها، چه از واردات قانونی و غیرقانونی، چه استفاده از طریق رانتهای بانکی و بودجه کشور هستند. کارگران که با اعتراضات پراکنده خود گمان می‌کردند که بالاخره نظام فکری بحال آنها خواهد کرد و حتی مدتی با یارانه سوراخهای زندگی خود را پوشش می‌دادند، سرانجام دریافته‌اند که باید در فکر گسترش اعتراضات و تداوم آن با راه‌های گوناگون و جدید باشند.

مهمترین حرکت سازماندهی شده مربوط به اعتراضات و اعتصابات گسترده و مداوم کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی‌های منطقه بندر امام بود که با پایداری کارگران در خواسته‌های خود که مهمترین آنها تبدیل قراردادهای پیمانکاری به رسمی و حذف پیمانکاران بود، با بخشنامه دولت مبنی برانجام اینکار به نتیجه موقتی رسید. دلیل این امر معطلی بیش از حد مسولین دولت با وجود گذشت چند ماه از صدور بخشنامه می‌باشد که ترفندی برای خسته کردن و جدا کردن کارگران و سپس کنترل کارگران آگاه در تداوم اعتراضات و اعتصابات آینده است. در این میان مسولین دولت ترفندهایی در رسمی کردن کارگران همچون داشتن سابقه بیشتر، بررسی مهارت و تخصص کارگران، امتحان شرعی و نکالتی همچون تحویل و تحول از پیمانکار را برای کش دادن این تغییر و کنترل دامنه اعتراضات بکار گرفته است. اما حرکت کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام موجب گردید تا سایر کارگران پیمانکاریها که برای بخشهای دولتی کار می‌کنند و برخی از آنان نیز همچون کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی تبریز، تهران، سایر پتروشیمی‌ها، پالایشگاهها، نیروگاهها، شهرداریها و برخی از پیمانکاریهای سایر وزارتخانه‌ها خواستار رسمی شدن خود و حذف پیمانکارهای وابسته گردند که در نتیجه بخشنامه کلی دولت در این مورد صادر گردید. اما بدلیل وابستگی صاحبان پیمانکاران به مسولین نظام که حاضر به از دست دادن درآمد مفت خود نیستند، زیرا کارگران این پیمانکاریها در واحدهای دولتی و با استفاده از امکانات آنها کار کرده و برای کنترل اینکار شرکت بزرگی با هزینه‌های سرسام‌آور لازم نبوده و تنها کفایت چند نفر ترتیب مسافرتها و بخش مالی را انجام داده و چند برابر حقوق هرکدام از کارگران را از دولت دریافت کنند. از طرف دیگر دولت نیز با اینکار باید برخلاف مصوبه مجلس در کاهش بوروکراسی دولت عمل کرده و از طرف دیگر با رسمی شدن کارگران قادر نخواهد بود حقوق و مزایای کارگران را نپردازد، کاریکه توسط کارفرمایان در زمان توقف پروژه و کار اجرائی براحته انجام می‌گرفت.

اعتراضات کارگران بصورت راه پیمایی بسمت ادارات وزارت کار منطقه و فرمانداریها و ادارات دولتی و بستن جاده‌ها که مدتی متوقف شده بود، با تجمع ۵۰۰ کارگر ساختمانی جلوی مجلس شکل تازه‌ای یافت. این حرکت موجب حرکت جدیدی در کارگران اصناف ایجاد خواهد کرد که بیکاری، قراردادهای موقت در آنها بر مراتب بیشتر از کارگران کارخانه‌ها و پروژه‌ها بیاد می‌کند. محدودیت بیمه کردن کارگران ساختمانی طبق پیشنهاد نمایندگان مجلس که در حقیقت منتخب حکومت هستند و نسبت دادن بیمه تعداد محدودی از کارگران ساختمانی هر استان در هر سال به تعیین بودجه امریست که با هیچ قانون کاری مطابقت ندارد. قانونی که در مجلس در حضور کسانی همچون محبوب و سایر نمایندگان دروغین کارگر تصویب شده، آنان که خانه کارگر و حزب کار را ناندانی خود کرده و از طریق رانت و اینکه قادر به کنترل اعتراضات کارگران هستند به مجلس امسال راه یافته‌اند و حتی تلاش دارند تا همپالکی دیگر خود کمالی را کاندید ریاست جمهوری آینده کنند. آنها بعنوان حافظ حقوق کارگران ساختمانی بمیان آنها در جلوی مجلس رفته و قول می‌دهند که بودجه‌ای مناسب برای بیمه شدن کارگران ساختمانی را تصویب کنند، نه اینکه این قانون ضد کارگری را که حق طبیعی هر کارگری برای بیمه شدن است را لغو کنند. این موضوع دو جنبه را روشن می‌کند؛ اول کمبود کارگران آگاه که این نمایندگان زرد وابسته را افشا کرده و کمکاری فعالین کارگری که باید با حضور خود ضمن افشای این مساله به سازماندهی کارگران معترض بپردازند و دوم اینکه چنین تجمع‌هایی از کارگران در مقابل ادارات دولتی و مجلس کاربرد دارد. بیکاری افزاینده و زندگی

زیر خط فقر با گرانی روزافزون که به اعتراضات متعدد کارگران انجامیده در فضای جنگ قدرتی جناحهای حاکم در برهه جلسات مسولین نظام در مورد انرژی هسته ای با قدرتهای بزرگ، می باید به گسترش سازماندهی کارگران منجر گردد.

سالهای ۸۳ بعد که پس از اعتراضات کارگران، جمع آوری هزاران امضا برای تشکیل سندیکا و شورا و کمیته و بطور کلی تشکلات مستقل کارگری به توسط کارگران آگاه و فعالین کارگری انجام گرفت، در فضای شرکت دولت در سازمان جهانی کار، در ادامه به ایجاد سندیکاهای شرکت واحد و نیشکر هفت تپه و تعدادی کمیته های کارگری منجر گردید. هر چند آن تشکلات بدلالی همچون منبیت ها و اختلافات تنوریکی با سرکوب شدید دولت، ضربه سنگینی خورده و فعالیت بیشتر آن فعالین بسیار محدود شده و شدیداً تحت کنترل نیروهای امنیتی بوده و یکپایشان در زندان و پای دیگرشان در دادگاههای فرمایشی هستند، و هزاران کارگری که امضایشان در این میانه خشک گردید. نامه ای که اخیراً با ۱۰،۰۰۰ امضای کارگران چند استان به وزیر تعاون و کار جهت پیگیری ارائه گردید، کام مثبت و جدید دیگری در ادامه حرکتهای پیشین است که علاوه بر اینکه کارگران مناطق و واحدهای گوناگون را بهم پیوند می دهد، گسترش اعتراضات سراسری کارگران را نیز افزایش می دهد. این امضاها که در واحدهای صنعتی و مجتمعهایی همچون پتروشیمی های بندر امام و کارون، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، شرکت راه آهن یزد، صنایع فلزی شماره ۱، کارخانه صنایع فلزی شماره ۲، کارخانجات شهید قندی، پروفیل یزد، فرخ و نازخ، شرکت ایران چوب، لاستیک البرز، کاشی کویر یزد، شرکت ایران ریسه، تک تاز موتور، ریسندگی یزدیاب، فرش پارس، ابرساگو، نخ البرز، شرکت فرآوری نسوز پارس، کارگران ساختمانی، پرسنل و پرستاران برخی بیمارستانهای تهران، دارو شیشه، مهرام، هفت الماس و همچنین کارخانه های دیگری در شهرستان ساوه در استانهای تهران، قزوین خوزستان، مرکزی و یزد جمع آوری شده اند. چنانچه اخبار حاکیست که امضای کارگران در سراسر کشور در جریان بوده و هر مرحله با ۱۰،۰۰۰ امضا به وزارت کار تحویل خواهد گردید، اهمیت این موضوع چنان بود که انتشار و بازتاب این خبر در تمام سایتهای دولتی و وابسته و همچنین بیشتر سایتهای کارگری و فعالین کارگری داخل منتشر گردیده و اکثر گروههای چپ و دیگر گروههای سیاسی خارج کشور نیز به انتشار وسیع آن پرداختند. ضرورت دارد که تشکلات مستقلی همچون سندیکای واحد و هفت تپه، اصناف مستقلی همچون خباز، نقاش، فلز کار و مکانیک و سایر تشکلاتی همچون کمیته هماهنگی و مدافعان حقوق کارگر با توجه به شرکت برخی از کارگران در امضای نامه، به کار بیشتر در احیا و یا گسترش تشکلات خود کوشیده و موجب ایجاد سایر تشکلات مستقل کارگری گردند.

متن نامه ای که به وزیر تعاون و کار و رفاه اجتماعی تحویل شد حاوی مطالب مهمی است که بسادگی آنچه گرانی و یارانه و اصلاح قانون کار برسر کارگران آورده است را بازگو می کند که متن کامل آن بدلیل اهمیت آورده می شود؛ همانطوری که همگان می دانیم بر آن آگاهی از یک سال و نیم پیش با آغاز فاز اول طرح قطع یارانه ها اقلام و کالاهای اساسی زندگی چندین برابر افزایش قیمت داشته اند. این در حالی است که در طول این مدت میانگین دستمزد کارگران بر روی هم در سال ۹۰ و سال جاری، نسبت به سالهای قبل از اجرای فاز اول قطع یارانه ها حتی کاهش نیز پیدا کرده است و علاوه بر آن در طول این مدت با اعمال ۴ و سپس ۵ در صدی (مالیات بر) ارزش افزوده بر روی کلیه کالاهای مصرفی، عملاً حدود ۵ درصد از دستمزد روزانه زیر خط فقر ما کارگران به خزانه دولت سرازیر شده است. عدم پرداخت بموقع دستمزد زیر خط فقر کارگران بیداد می کند. توام با چنین وضعیت اسفبار و غیر قابل تحمیلی در مورد دستمزدها، اصلاحیه ای بسیار ضد کارگری بر روی قانون کار که امنیت شغلی و معیشت کارگران را نشانه رفته است تهیه شده و قرار است بزودی به مجلس ارائه شود. مبنای میانگین حقوق دو سال آخر کارگران برای تعیین حقوق بازنشستگی به میانگین حقوق ۵ سال آخر آنان تغییر پیدا کرده و باعث افت شدید حقوق بازنشستگان شده است. بیمه میلیون ها کارگر ساختمانی علیرغم ثبت نام و تحمل هزینه هنوز به سرانجامی نرسیده است و شرکتهای پیمانکاری همچنان مشغول چپاول دسترنج کارگران هستند و نامنی شغلی، اخراج سازی و تعطیلی کارخانه ها در بدترین وضعیت نسبت به سالهای پیش قرار دارد. بدون تردید نه تنها ما کارگران بلکه هیچ انسان شریف و منصفی تحمل چنین شرایطی را بر میلیون ها کارگر و خانواده های آنان بر نمی تابد. لذا ما کارگران امضا کننده این طومار بعنوان اقداماتی بسیار مبرم و عاجل برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار موجود مصرانه خواهان افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم و واقعا موجود و تامین شرافتمندانه سبب هزینه یک خانوار چهار نفره با دخالت نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران بر مبنای میانگین دستمزد ۲ سال آخر پای می فشاریم. ما کارگران خواستار اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و مصوبه هیئت وزیران مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم و دائمی با کارگران و ایجاد ساز و کار قانونی قاطع برای پرداخت بموقع دستمزدها و تعقیب قضایی کارفرمایانی که کارگران را بدون قرارداد و یا با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای معوقه و ادار به کار می کنند.

چنانچه محمود صالحی کارگر مبارز در مصاحبه ای اعلام کرد که طرح این نامه در جریان تدارک راهپیمایی روز کارگر که با عدم پذیرش مسولان روبرو شد، ریخته شد و استقبال از نامه توسط کارگران روشن می سازد که کارگران درد مشترک خود را درک کرده اند. در صورتی که همه کارگران آگاهان و فعالین کارگری دست بدست همدیگر بدهند، با بستری که از کارگران معترض آماده شده خواهند توانست علاوه بر سراسری کردن امضای این نامه در میان کارگران تمام صنایع و اصناف، فضای ایجاد تشکلات مستقل کارگری را در بیشتر آن واحدها ایجاد کنند. محور خواسته های صنفی نامه برگرد مشکلات امروز کارگران همچون لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، حذف پیمانکاران وابسته و رسمی شدن قراردادهای، افزایش حداقل دستمزد بر اساس تورم و واقعا موجود و پرداخت بموقع حقوق، توقف اصلاح قانون کار و طرح هدفمندی یارانه ها است که می توانند پایه اصلی خواسته های کارگران قرار گرفته شوند. اهمیت ایجاد تشکلات مستقل و سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران بر محور این نامه موجب شناخت کارگران واحد های گوناگون نسبت به ماهیت طبقاتی آنان گشته و در نتیجه اقدام مشترک و همزمان تعدادی از این واحدها در هر مرحله، امکان گسترش و تداوم مبارزات کارگران را فراهم می سازد. زیرا زمانی که اعتراضات کارگران در بسیاری از واحدهای تعطیل، نیمه تعطیل و یا در حال کار کامل موجب نگشته که کارگران حداقل حقوق خود را در موقع مناسب دریافت کنند، حتما چنین نامه هایی اگر پیگیری مداوم و اعتراضات سازماندهی بدنبال نداشته باشد، در دفتر وزیر و وکیل خاک خورده و گم خواهد گشت، مگر آنکه در آن واحدها، شهر، منطقه و سرانجام کشور سازماندهی کارگران صورت پذیرد. طبیعی است که بسته به آگاهی و شناخت کارگران هر واحد و یا مجموعه واحدهای هر منطقه، امکان تشکل مستقل کارگری در اشکال سندیکا، مجمع عمومی، شورا، صنف، اتحادیه و یا هر نام دیگر امکان پذیر بوده و نباید موجب تفرقه و منیتهای فردی و گروهی قرار گیرد. در این میان همکاری گروههای سیاسی چپ که باور در

تشکلات مستقل کارگری دارند بسیار پراهمیت بوده و امید است که دعوای جناحی و گروهی خود را در این زمان حساس وارد نکرده و اگر کمکی به گسترش این حرکت نمی کنند، حداقل فضای سایتهای خود را تنها در حمایت و انتشار اینگونه حرکات قرار داده و در جلب حمایت‌های بین المللی بکوشند.

حمله نیروهای امنیتی به فعالین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که تنها در پی تشکیل مجمع عمومی خود برای رسیدگی به اوضاع کارگران بودند، موضوع مهم دوم این بخش از مقاله است. این کمیته هماهنگی که در سال ۸۴ ایجاد گردید، یکی از تشکلات مستقل کارگری و فعالین آن بود که در پی ضرورت سازماندهی کارگران توسط تعدادی از آگاهان بوجود آمد. مسول کمیته هماهنگی تاکید دارد که براساس مقاله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار که به امضای مسولین وزارت کار رسیده، ایجاد تشکل مستقل کارگری نیاز به اجازه مقامات نداشته و برای ابتدایی ترین مطالبات صنفی و اقتصادی کارگران که خواهان افزایش دستمزد، حق اعتصاب، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، داشتن بیمه مکفی و موارد دیگر می تواند تشکیل گردد. بخشی از خبر مربوط به حمله نیروهای امنیتی به فعالین کمیته هماهنگی از سایت کمیته به این شرح است؛ از آنجا که "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" عقیده دارد که تمامی امکانات موجود در جامعه و از جمله سالنهای همایش و تجمع و همچنین تمامی امکانات رفاهی جامعه به دست کارگران و از محل نپرداختن دستمزد واقعی کارگران ساخته شده است، در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۰ نامه ای به اداره تشکل های کارگری و کارفرمایی "وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی" ارسال کرد و درخواست کرد تا محلی برای برگزاری مجمع عمومی سالیانه در اختیارش قرار بگیرد. این نامه در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۰ در اداره ی مذکور شماره شد و جواب به صورت شفاهی عنوان شد که "خیر، هیچ مکانی به شما تعلق نمی گیرد". از سوی دیگر و از آنجا که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، تشکلی خودساخته است که برای ایجادش از هیچ کس اجازه نگرفته و همچنین به دلیل اینکه طبق اساسنامه باید هر سال یکبار مجمع عمومی برگزار کند، اعضای این تشکل در دیداری حضوری با هم قرار گذاشتند که جمعه آخر خرداد ماه را در منزلی در کرج گرد هم آیند و پس از برگزاری مجمع در منزلی که بسیار کوچک و نامناسب بود، فردا صبح یعنی شنبه به اتفاق تمامی افراد حاضر در جلسه به وزارت کار بروند و نسبت به عدم اختصاص مکانی مناسب برای مجمع عمومی شان اعتراض کنند. اما هنوز نیمی از مجمع نگذشته بود که نیروهای امنیتی یورش بردند و مجمع ناتمام ماند. حدود ۶۰ نفر را به همراه ضرب و شتم و به همراه توهین و ناسزا و تیراندازی هوایی بازداشت کردند. پس از ۲۴ ساعت حدود ۵۰ نفر آزاد شدند اما هنوز ۹ نفر در زندان بسر می برند و نگرانی ها از وضعیت این عزیزان بسیار زیاد است و بنا بر برخی از خبرها ۶ تن از این ۹ نفر به اطلاعات رشت تحویل داده شده اند و ۳ تن باقیمانده همچنان در کرج هستند و هیچ توضیحی درباره وضعیت آنان داده نمی شود. اسامی کلیه دستگیر شدگان و همچنین نام ۹ نفری که هنوز در زندان هستند در بیانیه کمیته هماهنگی منتشر شده که در پیوست آورده شده اند، البته این خبر تنها در سایت سندیکای واحد انعکاس نیافت که امید است هرچه سریعتر منتشر گردد.

شکی نیست که این ۶۰ نفر جزو کارگران آگاه و فعالین کارگری هستند که با وجود فضای شدید سرکوب و ممنوعیت نشست مجمع، باز هم برای پیگیری مبارزات کارگران دور هم نشسته و به تبادل افکار و راه حلها پرداختند. این امر حاکیست که هم کارگران نیاز جدی به تشکل مستقل برای هماهنگی خواسته های خود دارند و هم اینکه نیروهای امنیتی شدیداً مواظب اینگونه حرکات بوده و آنرا درجا سرکوب میکنند، لذا بدلیل هر دو واقعیت ضروری است که راه حل سنجیده در پروسه مبارزاتی پیدا شوند. موضوع سرکوب تجمع برای شرکت در مجمع در بخش سوم این مقاله پیش از آنکه دستگیریها صورت گیرند، پیش بینی شده بود و بنظر نمی رسد که فعالین کمیته نیز چنین باوری نداشتند که جمع ۶۰ نفری آنها دور از چشم نیروهای امنیتی رخ داده و آنها دست به مقابله نزنند. شکی نیست که شهادت این عزیزان بسیار بالا بوده و برای پیشبرد اهدافشان حاضر به فداکاری هستند، اما موضوع اینستکه سالها طول کشیده تا چنین فعالینی به این درجه از آگاهی و شهادت برسند و در نتیجه نباید چنین ساده نه تنها خود را در معرض خطر دستگیری، اخراج و زیر چشم نیروهای امنیتی قرار دهند، بلکه موجب گردند که این حجم کارگران معترض از وجود آنها کمتر بهره ببرند. در سالهای قبل نیز بخشی از کارگران آگاه و فعال کارگری مجبور به فداکاری شده تا کارگران شرکت واحد و هفت تپه را به مبارزه سازماندهی شده بکشانند، اما اسیر نیروهای امنیتی شده و اکنون بدلیل متعرض شدن دائم نیروهای امنیتی نه تنها کارشان را از دست داده و در زندان و دادگاهها اسیرند، بلکه بدلیل تحت تعقیب بودن کمتر قادرند توانایی های خود را در سازماندهی کارگران بکار گیرند. از طرفی شهادت کارگران آگاه و فعالین کارگری برای بحرکت درآوردن جنبش کارگری یک ضرورت بوده و از طرف دیگر سرکوب آنها موجب کند شدن سازماندهی کارگران می گردد، بنابراین دیالکتیکی برای پیشبرد کارها همچون کادر سازی، تشکیل جلسات با نفرات کمتر و رعایت مورد امنیتی، کار علنی بیشتر در داخل کارخانه ها و واحدهای مربوطه و موارد دیگر لازمست تا مبارزه همچون سالهای قبل متوقف نشده و تداوم داشته باشد. انتخابات نمایندگان کارگران در شکل تجمع وسیعتر حتما به انتخاب درستر منتهی می گردد و اگر نمایندگان گردشی انتخاب گردند موجب تحول و کادر سازی می گردد، اما شرط نکات امنیتی نیز ضروری است. نمونه مبارزه کارگران پیمانکاری پتروشیمی های منطقه بندر امام یک نمونه از حرکات صنفی تقریباً موفقی است که موجب شد نیروهای امنیتی قادر به دستگیری آنها نشده و دولت مجبور به بخشنامه حذف پیمانکار و رسمی شدن کارگران بدهد، هرچند مبارزه آنها باید تداوم داشته و با مبارزات سایر واحد های صنعتی هماهنگ گردد. طبیعی است مبارزات کارگران در اشکال مستقل و متنوع در واحدهای صنعتی و صنفی موجب رشد تشکلات کارگری می گردد و اگر این تشکلات بتدریج به دور از محفل سازی به گروههای نیمه علنی به فراگیری دانش مبارزات طبقاتی برای لغو سرمایه داری نروند، مشکلات اقتصادی آنها نیز حل نخواهد شد، اما همانطور که کمیته هماهنگی همچون سایر تشکلات مستقل دریافته اند، اکنون الویت زمانه مبارزه برای سازماندهی پراکنده کارگران جهت گرفتن حقوق صنفی است و باید همزمان و بتدرج و با توجه به آگاهی کارگران مراحل بعدی را نیز مهیا نمود. نامه کمیته هماهنگی به وزارت کار جهت درخواست محلی برای جلسه اقدام درستی است، چراکه این کمیته تشکیلات خود را علنی خوانده و برای پیگیری خواسته های صنفی کارگران ناچار است که به مسولین دولتی رجوع کند. اما روشن است که وزارت کار و مسولینی که به تشکیلات زرد وابسته کارگری اجازه تجمع جهت روز کارگر را نمی دهند، به تشکلات مستقل کارگری همچون کمیته هماهنگی و سندیکای کارگران را که غیر قانونی می دانند، نیز نه تنها مجوز محل تجمع را ندهد، بلکه جلوگیری هم از دستگیری کارگران فعال انجام خواهند داد. در واقع کارگران ایران تقریباً هیچ مدافعی در داخل و خارج کشور در جهت احقاق حق خود ندارند، مگر آنکه بعنوان شعار ایدئولوژیکی و یا سیاهی لشکر بخواهند از آنها استفاده نمایند. نگاهی ساده به مهاجرین ایرانی در

خارج کشور بخوبی حضور همه اقشار را در کشورهای غربی گواهی می دهد جز کارگران که وضعیت آنها طوریست که هر چه کار کنند هنوز زیر خط فقر بوده و در نتیجه نه امکان مالی و نه تسهیلات سایر اقشار را برای خروج از کشور دارند ، و این موجب می گردد که همچون سایر اقشار حمایت خارجی کمتری از آنها صورت گیرد . زمانی که گروههای چپ و سیاسی علاقمند برای حمایت از کارگران زندانی با سایر اتحادیه های خارجی همچون فرانسویها در ژنو قرار تجمع می گذارند ، در تجمع تنها ۸۰ نفر ، باور کردنی نیست فقط ۸۰ نفر گرد می آیند و آنرا موفق می نامند . شاید این بیشترین تعداد شرکت کننده در تظاهرات بسود کارگران در خارج کشور بوده است و روشن نیست که اینهمه گروه چپ در خارج کشور چه می کنند که حمایتی گسترده دیده نمی شود و چرا آنها از خود سوال نمی کنند که چرا بجای افزایش نیروها مدام تجزیه می شوند ! اگر اختلافات ایدئولوژیکی و عدم پذیرش سندیکای کارگری خارجی را دلیل بر عدم گرهمایی مشترک اعلام کنند ، پذیرفته نیست ، چراکه همین گروهها به همراه سایر گروههای سیاسی و حقوق بشری در مورد کشتار سالهای ۶۰ و ۶۷ ، حمایت از زندانیان سیاسی صرفنظر از تفکر آنها ، حمایت از هنرمندان صرفنظر از اینکه در داخل کشور هستند و یا خارج کشور (که امنیت آنها برقرار است) ، در مورد دانشجویان و اساتید صرفنظر از وابستگی سیاسی آنها ، حمایت از دانشگاههای سمبولیک صرفنظر از بانیان آنها ، تجمع زیر پرچم سازمانهای حقوقی و بین المللی برای حمایت از اقشار دیگر صرفنظر از نوع تشکیلات آنها ، حمایت از جلوگیری از اعدام زندانیان سیاسی صرفنظر از ماهیت طبقاتی آنها و خلاصه هر نوع تجمع دیگر در جهت حمایت از اقوام و مذاهب ، تعداد بیشتری گرد می آیند . این حمایتها گاه طولانی و مستمر می باشند و حتی صفحات سایتها پر از چنین حمایتهایی از افراد مختلفند ، هر چند لازمند اما چرا برای کارگران بدرستی صورت نمی گیرند !

کارنامه اتحادیه های کارگری بین المللی در حمایت از کارگران ایرانی نیز بسیار کم رنگ است ، بطوریکه نمایندگان وابسته زرد کارگری به اجلاس سازمان جهانی کار رفته و در مورد مشکلات کارگران ایران ، نامه ۱۰۰،۰۰۰ کارگر حرفی نزده و هیچ خبر یا دفاعی از زندانیان کارگر ، دستگیری فعالین کمیته هماهنگی ، عدم ایجاد تشکل مستقل و حق اعتصاب نمی کنند که با نیروهای امنیتی در سرکوب حرکت کارگران نیز نقش دارند . نمایندگان کارفرمایان نظام جمهوری اسلامی از طرف نمایندگان آسیایی انتخاب شده و وزیر (ضد) کار نظام در دیدار با دبیر کل سازمان جهانی کار چنین می گوید ؛ شیخ الاسلامی با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای ارتقای سه جانبه گرایی در جمهوری اسلامی ایران از مدیرکل جدید خواست تا همکاری بیشتر با ایران را در دوران تصدی خود مورد توجه قرار دهد . عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر تعاون ، کار و رفاه اجتماعی که برای شرکت در یکصد و یکمین نشست سازمان بین المللی کار به ژنو سفر کرده است با گای رابدر ، مدیرکل جدید سازمان بین المللی کار ملاقات و پیرامون مسائل مورد علاقه دو طرف گفتگو کرد . در این ملاقات گای رابدر نقش جمهوری اسلامی ایران را به عنوان عضو مهم سازمان بین المللی کار مورد ستایش قرار داد و ابراز امیدواری کرد که در دوران تصدی خود از حمایت های جمهوری اسلامی ایران برخوردار باشد . شیخ الاسلامی نیز با اشاره به اهمیت سازمان بین المللی کار تاکید کرد ایران بعنوان یکی از پایه گذاران سازمان یاد شده از هیچ کوششی برای تقویت آن دریغ نمی کند . او با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای ارتقای سه جانبه گرایی در جمهوری اسلامی ایران از مدیرکل جدید خواست تا همکاری بیشتر با ایران را در دوران تصدی خود مورد توجه قرار دهد . وزیر کار جمهوری اسلامی در نشست وزرای کار جنبش عدم تعهد و در حاشیه برگزاری ۱۰۱مین اجلاس کنفرانس بین المللی کار بدون اینکه از کارگران ایرانی و وضعیت سخت آنها و عدم آزادی برای اجرای مقاوله نامه ۹۸ و ۸۷ بکند از سرکوب کارگران فلسطینی سخن می گوید ! آری بیجهت نیست که فعالین کارگری ایران علاقه ای برای جواب دادن و شرکت در جلسات سازمان جهانی کار و اتحادیه های آنان ندارند ، مگر اینکه ضمن تکذیب این مطالب ، جایگزین کردن نمایندگان واقعی کارگران ایران ، حمایت های علنی و مستمر از کارگران زندانی و فشار برای اجرای مقاوله نامه های ۹۸ و ۸۷ و موارد دیگر سابقه گذشته و خراب خود را ترمیم کنند .

موجب خوشحالیست که برای زندانیان اقشار گوناگون حمایت های خارجی وجود دارد ، اما سوال اینستکه مگر کارگران با خانواده های خود حداقل یک سوم جمعیت کشور را تشکیل نمی دهند ، نباید مورد حمایت ایرانیان مقیم خارج کشور و سازمانهای بین المللی حقوقی و کارگری قرار گیرند ! چگونه است که اینهمه گروه چپ که شعارشان کارگر است ، حاضر نیستند با یکدیگر و جلب حمایت سایر گروهها و ایرانیان مقیم و سازمانهای بین المللی همچون حمایت های نامبرده در پی تظاهرات با تعداد زیاد و مستمر برای آزادی زندانیان سیاسی کارگر ، بازگشت بکار کارگرانی که مدت زندانشان را طی کرده و یا در دادگاهها سرگردان بوده و خانواده آنها هزینه زندگی و وکیل را ندارند ، دفاع از خواسته های کارگران از لغو قراردادهای موقت و سفید امضا ، حذف پیمانکاران و رسمی شدن کارگران ، امکان بیمه شدن برای همه کارگران ، دستمزد مناسب برای زندگی ، حق تشکل مستقل و حق اعتصاب ، جلوگیری از کار کودکان ، تساوی حقوق زنان کارگر با مردان ، جلوگیری از آزار جنسی کارگران زن و کودکان کار ، پرداختن بموقع حقوق کارگران و موارد دیگری از مشکلات کارگران که حتی در سایت وابسته ای همچون ایلنا روزانه منتشر می گردند ، شرکت کنند ! مگر رضا شهبابی ، بهنام ابراهیم زاده ، شاهرخ زمانی ، محمود صالحی ، رضا نجاتی و سایر کارگران مبارز چگونه باید از درون زندانها شرح حال خود را بنویسند که تکان عمده ای در تفکر کسانی داده شود ! کسی خبری از زندگی منصور اسالو ، رضا مددی ، رضا رخشان و سایر کارگران مبارز دارد که پس از آزادی چگونه زندگی و امرار معاش می کنند و آیا حمایت مقطعی از کارگران که توسط گروههای چپ گاهی بنابر تفکر گروهی گزیده می گردند ، تنها برای مطرح شدن و تبلیغات گروهی است ؟ شاید لازم است که کارگران آگاه و مبارز و فعالین کارگری بیشتری از داخل کشور به خارج کشور سفر کرده و فضای کارگران داخل کشور را برای جلب حمایت ایرانیان مقیم خارج و سایر سازمانهای بین المللی سیاسی و حقوقی و همچنین اتحادیه های کارگری روشن نمایند ، سفر محمود صالحی نمونه موفقی بود و تنها لازمست گروه دعوت کننده مواظب حواشی بوده و نگذارد خطری برای دعوت شونده پیش آید .

دو موضوع مهمی که در این بخش پرداخته شد ، بحث ضروری امروز کارگران را تشکیل میدهد ، باید مساله اصلی کارگران آگاه و فعالین کارگری و همه کسانی باشد که بنوعی به طبقه کارگر و حتی به دموکراسی علاقمند هستند . پیگیری امضاها و کارگری سازماندهی کارگران واحدهای صنعتی و صنفی در جهت حمایت مستمر و فشار دائمی بر مسولان برای تحقق بخشیدن به حداقل برخی از خواسته ها ضرورت امروزی است . این امر سازماندهی کارگران واحدهای صنعتی و اصنافی که امضای نامه را انجام داده اند ، آسانتر نموده و گسترش سازماندهی کارگران آنها را میسر می سازد ، در تداوم مبارزه ایجاد تشکلات مستقل نیازه مجوز مسولین ندارد . امضای بخشهای خدماتی همچون پرستاران و پرسنل بیمارستانها حاکمیت که باید مز دیگران بیشتری همچون کارگران موقت ، کارمندان خانگی ، معلمان ، کارمندان واحدهای صنعتی و ادارات و سایرین را در جرگه امضا بگیران وارد کرد که در حداقل حقوق

، افزایش بیکاری ، عدم دریافت حقوق عقب افتاده ، عدم بیمه شدن ، حقوق بازنشستگی ، یارانه و موارد دیگر با کارگران مشترک هستند تا مخالفتها ابعاد وسیعتری را در مقابل کارفرمایان و دولت داشته باشد و طبیعی است نیروهای امنیتی قادر به دستگیری تعداد زیادی که بدنبال حقوق صنفی هستند ، نخواهد بود . همچنین میبایست حمایت وسیع چه داخلی و چه خارجی از کارگران و فعالین زندانی آنها به همراه خواسته های کارگران صورت گرفته تا حداقل دولت و نیروهای امنیتی به آزادی تشکلات مستقل وادار گردند و این قدم بسیار مثبتی خواهد بود که جذب بسیاری از کارگران را در زمان کوتاه میسر خواهد نمود . در پروسه چنین کاری که زمان بسیاری خواهد برد و تحمل ، شامات و استقامت بیشتری را طلب می کند که بسیار سختتر از دستگیر شدن آسان است ، می باید نکات امنیتی رعایت شده و کادر سازی صورت گیرد تا با دستگیری برخی از فعالین که حتما غیر قبل اجتناب است ، سایرین امکان تداوم مبارزاتی را میسر سازند .

گروه پژوهش کارگری تیر ۱۳۹۱
پیوستها :

<http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=۲۷۲۱۵۰>

http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=390&Itemid=۹

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=۲۴۶۰>

<http://www.ilna.ir/newstext.aspx?ID=۲۷۴۴۹۴>

<http://www.ilna.ir/newstext.aspx?ID=۲۷۴۰۹۲>

<http://www.ilna.ir/newstext.aspx?ID=۲۷۳۵۹۴>

<http://www.ilna.ir/newstext.aspx?ID=۲۷۳۴۰۴>

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=۲۳۲۱>

http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=952:1391-03-27-

[11-46-04&catid=10:1389-12-23-23-55-18&Itemid=۲۶](http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=952:1391-03-27-)

http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=955:1391-03-27-

[18-41-39&catid=10:1389-12-23-23-55-18&Itemid=۲۶](http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=955:1391-03-27-)

http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2012/06/blog-post_19.html

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=2461>

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=21663>

ورشکستگی بسیاری از شرکتهای حفاری ایرانی بعثت بستن قرارداد با شرکت چینی CNLC

به گزارش خبرنگار دولتی مهر در دوم تیر آمده است : در سالی که از سوی مقام معظم رهبری به نام "سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" نامگذاری شده است، آخرین مراحل اداری ترک تشریفات مناقصه یک قرارداد بزرگ حفاری چاههای نفت و گاز بین شرکت ملی نفت ایران و یک شرکت چینی در حال انجام است.

در صورت تصویب نهایی این قرارداد ترک تشریفات مناقصه در دولت، نزدیک به 700 میلیون یورو قراردادهای ارائه خدمات حفاری چاههای نفت و گاز به شرکت CNLC چین واگذار خواهد کرد.

قرار است مدت زمان این قرارداد ارائه خدمات حفاری شامل سرویسهای جانبی حفاری چاههای نفت و گاز همچون حفاری افقی، آزمایش چاه، نمودارگیری، چاه پیمایی، سیمان کاری، چاه پیمایی و ... به مدت پنج سال به این شرکت آسیایی واگذار شود.

این قرارداد بزرگ خدمات حفاری در حالی به این شرکت چینی آخرین مراحل واگذاری خود را پشت سر می گذارد که در شرایط فعلی اکثر شرکتهای حفاری ایرانی در ارائه 17 خدمات جانبی حفاری چاههای نفت و گاز به خودکفایی کامل رسیده اند.

نکته قابل توجه دیگر این قرارداد نفتی این است که در صورت واگذاری انحصاری برخی از فعالیتهای ارائه خدمات جانبی حفاری، برخی از شرکتهای داخلی صنعت حفاری کشور در آستانه کاهش حجم کاری و تعطیلی قرار خواهند گرفت.

از سوی دیگر، در حالی شرکت ملی نفت برای امضای این قرارداد نفتی با چینیها به توافق رسیدهاند که یکی از اهداف مجموعه صنعت نفت صادرات خدمات فنی و مهندسی در صنعت حفاری به کشورهای مختلف جهان است و حتی هم اکنون صنعت حفاری در ارائه خدمات جانبی چاههای نفت و گاز تا حدی به خودکفایی رسیده است که امکان صادرات این خدمات به کشورهای همسایه همچون عراق فراهم شده است.

با این وجود مذاکرات شرکت ملی نفت ایران با شرکت CNLC چین از اواخر سال گذشته آغاز شده است و در حال حاضر دو طرف به توافقهای نهایی دست یافته اند.

سازمان منطقه آزاد کیش هم پیشتر با انتشار گزارشی، اعلام کرده بود: شرکت CNLC فعالیت خدمات فنی و مهندسی خود را در جزیره کیش آغاز کرده است. اجرای طرحهای مختلف شرکت ملی نفت ایران در مناطق نفتی خلیج فارس و خدماترسانی به سکوههای نفتی در خشکی و دریا در این منطقه از اهداف کاری این شرکت است.

سرمایهگذاری دلاری این شرکت آسیایی در این منطقه حدود 7 میلیون دلار و میزان سرمایهگذاری ریالی آن نیز حدود ۱۵ میلیارد ریال بوده است و هزینه دانش فنی و ماشین آلات وارداتی این شرکت به کیش حدود ۲۶ میلیون دلار برآورد شده است.

شرکت نفتی CNLC چین در سال ۱۹۹۵ میلادی در پکن تاسیس شده و در حال حاضر در کشورهای همسایه ایران، سودان، مصر، تانزانیا، ونزوئلا، قزاقستان، میانمار، پاکستان، بنگلادش و جمهوری آذربایجان فعالیت می کند.

به گزارش مهر، در حال حاضر بیشترین تاخیر در اجرای طرحهای نفت و گاز ایران و به ویژه در میدانی مشترک نفت و گاز توسط

شرکتهای چینی به صنعت نفت تحمیل شده است که تاخیر 3 ساله در اجرای طرح توسعه فاز 11 پارس جنوبی و توسعه میدان مشترک نفتی آزادگان جنوبی از جمله این قراردادها است.

کارخانه های قند و شکر کشور در معرض نابودی/ رشد 600 درصدی واردات شکر، دلالتان مذاکره با دولت به منظور صفر کردن تعرفه واردات شکر، شکر ایرانی ارزان به کشورهای همسایه صادر و نیاز بازار داخل با شکر وارداتی گرانتر تامین می شود

به گزارش خبرنگار دولتی ایسنا در دوم تیر آمده است " براساس آمار گمرک ایران، در دو ماه نخست امسال بیش از 118.7 هزار تن قند و شکر از نیشکر تصفیه نشده بدون مواد خوشبو کننده یا رنگ کننده به ارزش بیش از 99.1 میلیون دلار وارد کشور شد. این میزان واردات نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب رشد 401 و 680 درصدی را نشان می دهد. بیش از 75 درصد از واردات شکر ایران از طریق دو کشور امارات و سوئیس انجام شد. همچنین از کشورهای برزیل، ترکیه و روسیه هم مقداری شکر وارد ایران شد.

افزایش واردات شکر به حدی بوده که این کالا به نهمین کالای عمده وارداتی کشور طی دو ماه نخست امسال تبدیل شده است. همچنین در این مدت تنها حدود 13 هزار تن شکر در کشور تولید شد. سال گذشته یک میلیون و 234 هزار تن شکر وارد کشور شده بود و تولید داخلی شکر نیز بالغ بر یک میلیون و 150 هزار تن شد. واردات گسترده شکر به کشور در حالی رخ داده که اواخر سال گذشته انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر ایران درباره تلاش برخی دلالتان و واسطه ها برای صفر کردن تعرفه واردات شکر به کشور هشدار داده و این اقدام را خطری جدی برای کارخانه های قند و شکر کشور دانسته بود.

این انجمن اعلام کرده بود که برخی از دلالتان و واسطه ها در حال مذاکره با دستگاههای دولتی به منظور صفر کردن تعرفه واردات شکر هستند. طبق اعلام این انجمن قرار است امسال تولید داخلی شکر به حدود 1.5 میلیون تن برسد که این رقم باید 75 درصد نیاز کشور را تامین کند.

براساس اعلام انجمن صنفی قند و شکر، موجودی شکر تا پایان سال گذشته بالغ بر 1.4 میلیون تن بوده و برآورد شده که همین حدود ذخیره به سال 1391 منتقل شود که در این صورت برای حداقل هشت ماه ذخیره وجود خواهد داشت. ضمن این که بهره برداری از کارخانه ها مجدداً از شهریور 1391 آغاز خواهد شد.

از سوی دیگر ایسنا اواخر اردیبهشت ماه امسال گزارش داده بود "در حالی که قیمت هر کیلو شکر تولید داخل 1175 تومان مصوب شده، شکر وارداتی با نرخ آزاد و بر اساس هزینه تمام شده در بازار مصرف کیلویی حداقل 1500 تومان است. بر این اساس شکر ایرانی ارزان به کشورهای همسایه صادر شده و نیاز بازار داخل با شکر وارداتی گرانتر تامین می شود!" در این گزارش توضیح داده شده بود "در این بین تولیدکنندگان مجبورند، با وجود افزایش هزینه ها و تامین نهاده های آزاد، محصول را با نرخ مصوب بفروشند و مصرف کنندگان هم شکر وارداتی را حداقل باید 1500 تومان بخرند. سود بیش از 300 تومانی هر کیلو شکر از جیب مصرف کننده به واردکننده می رسد و سودی که تولیدکنندگان باید از محصولشان ببرند به جیب صادرکننده می رود."

اعتراض اتحادیه کارگران مواد غذایی، کشاورزی و هتل در سراسر جهان به دستگیری فعالین کارگری در کرج

روز جمعه 15 ژوئن 2012 حدود 60 نفر از فعالین کارگری توسط پلیس دستگیر شدند. پلیس مسلحانه به فعالین کارگری را که در یک جلسه سالانه کمیته هماهنگی در شهر کرج شرکت کرده بودند، حمله و آنها را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داد. اکثر دستگیر شدگان ظرف 24 ساعت آزاد شدند، اما 9 نفر از آنها هنوز در بازداشتگاه اداره اطلاعات به سر می برند. محمود صالحی، یکی از بنیانگذاران سندیکای خبازان شهر سقز در میان دستگیر شدگان بود که بارها در طول فعالیتش دستگیر و زندان شده است.

فعالین کارگری بازداشت شده از وضعیت جسمی مناسبی برخوردار نیستند. این دستگیری ها در صورتی روی می دهد که رضا شهبانی از فعالین کارگری و عضو سندیکای اتوبوس رانی تهران حکم شش سال زندان را سپری می کند و رسول بدایعی عضو انجمن معلمان همچنان در زندان است.

این فعالین به همبستگی و حمایت نیاز دارند. برای حمایت از دستگیر شدگان و فرستادن نامه های اعتراضی به دولت ایران، اینجا

<http://www.justiceforiranianworkers.org/?p=1576>

را امضا کنید و خواستار آزادی بدون قید و شرط آنان شوید.

رون اوسوالد

دبیر کل اتحادیه کارگران مواد غذایی، کشاورزی و هتل در سراسر جهان

مردم زیر بار این ذلت نخواهند رفت

وضع حکومت به ویژه در ماه های اخیر به گونه ای شده است که حتی تحمل کمترین و ابتدایی ترین آزادی های مردم را از دست داده است. این وضع، حالت کسی را به ذهن متبادر می کند که خود را در معرض خطری بزرگ می بیند اما پیشدستی می کند تا از وقوع آن جلوگیری کند. مجازات اعدام - اعم از اعدام مجرمان و مخالفان سیاسی - تشدید می شود. کارگران در مقیاس چندصد نفری اخراج می شوند. زنان به علت «بدحجابی» بیش از گذشته مورد حمله قرار می گیرند. سانسور صوتی- تصویری از طریق هجوم به منازل مردم و درهم شکستن آنتن های ماهواره ای شدت بیشتری می یابد. نویسندگان به علت مخالفت با سانسور و فعالیت برای آزادی بیان و یا مصاحبه درباره مسائل اقتصادی چون حذف یارانه ها و گرانی دستگیر و روانه زندان می شوند. مجوز نشر ناشران مستقل به دلایل واهی لغو می شود. حتی از

مراسم تشییع و تدفین هنرمندان مشهور یا ختم افراد وابسته به فعالان سیاسی - چه رسد به مراسم یادبود کشته شدگان اعتراض های اخیر - جلوگیری می شود. و بالاخره گردهمایی علنی و مسالمت آمیز چند ده فعال کارگری در کرج، آن هم در مکانی پرت و در عین حال سرپوشیده، به وحشیانه ترین و توهین آمیزترین شکل سرکوب می شود.

چنان که گفته شده است، بی تردید این اعمال سرکوبگرانه بر اساس نظریه «النصرُ بالرعب» (نصرت و پیروزی درگرو ترساندن مخالفان است) انجام می گیرد. بدیهی است که سرکوب کامل اعتراضات مردم در اثر مرعوب شدن آنان، دست کم به صورت موقتی، به هیچ وجه منتفی نیست. می توان تصور کرد که روزی برسد که مردم تسلیم فقر مطلق و استبداد توحش آمیز شوند و دم برنیاورند. از سوی دیگر، دامنه جرم و جنایت - که بسیاری از اعدام ها ظاهراً با هدف کاهش آن انجام می گیرد - نه تنها کاهش نیافته بلکه کاملاً افزایش یافته است، و همین امر امکان تشدید مجازات اعدام با هدف ایجاد رعب و وحشت بیشتر در جامعه را افزایش می دهد. با این همه، با قطعیت می توان گفت که اکنون مردم معترض ایران مرعوب اعمال سرکوبگرانه حکومت نشده اند. دامنه اعتراض های مردم ممکن است به علت شدت سرکوب محدود شده باشد، اما با اطمینان می توان گفت که مردم معترض - اعم از زندانیان سیاسی، فعالان کارگری، زنان «بدحجاب»، نویسندگان، ناشران، انبوه میلیونی استفاده کنندگان از ماهواره، برگزارکنندگان مراسم کشته شدگان اعتراض های اخیر و سرانجام، و از همه مهم تر، خیل ده ها میلیونی مردم معترض به گرانی سرسام آور کالاها - مرعوب حکومت نشده اند. هرچه باشد، مردم از خود این حکومت یاد گرفته اند که زیر بار ذلت نروند: هیهات من الذله!

از ناپولئون نقل می کنند که گفته است حکومت ها گاه به وضعی دچار می شوند که دست به هر کاری می زنند به ضد خودش بدل می شود. در این گفته، به دو مسئله مهم اشاره شده که تأمل درباره آن ها به شناخت اوضاع سیاسی کنونی ایران کمک می کند، یکی وضعیت حکومت و دیگری نتیجه معکوس اعمال او. وضعیت حکومت چنان است که در بالا به آن اشاره کردیم. اما مسئله دوم، یعنی نتیجه معکوس اعمال سرکوبگرانه دولت، صرفاً معلول خود این اعمال نیست بلکه مستلزم وجود اعتراض به این اعمال است که، همان گونه که گفتیم، در جامعه حضور دارد و کاملاً ملموس است. بر بستر وجود همین روحیه اعتراضی است که می توان تحقق نکته دوم در گفته ناپولئون، یعنی تبدیل اعمال سرکوبگرانه حکومت به ضد خود او، را یک امکان واقعی و کاملاً قابل پیش بینی دانست.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
۱۳۹۱/۴/۳

تجمع اعتراض آمیز در مقابل سازمان هدفمندی یارانه ها

هنوز چند روز از مصاحبه دبیر ستاد هدفمندی یارانه ها مبنی بر عدم پرداخت یارانه ۲۸ هزار تومانی نان به ۴ میلیون نفر از خانوارها نگذشته که تجمع اعتراض آمیزی مقابل سازمان هدفمندی یارانه ها از صبح امروز برگزار شده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، افرادی که یارانه ۲۸ هزار تومان یارانه نان به حسابشان واریز نشده از صبح امروز مقابل سازمان هدفمندی یارانه ها، تجمع اعتراض آمیز برگزار کرده اند.

از زمانی که دولت در پیچ و خم های نحوه پرداخت یارانه آن هم ناشی از کمبود شدید نقدینگی مواجه شده، برای چندمین بار متوالی است که مردم در مقابل سازمان هدفمندی یارانه ها تجمع می کنند. این بار تجمع کنندگان به عدم دریافت یارانه نان به نشانه اعتراض و اینکه چرا از لیست دریافت کنندگان حذف شده اند، مقابل سازمان هدفمندی جمع شدند.

نکته جالب توجه آنکه مسؤولان سازمان هدفمندی، مانند گذشته خود را از نگاه تجمع کنندگان مخفی کرده و کارشناسان خود را برای پایان دادن به این تجمع با وعده هایی به میان معترضان فرستاده است.

یکی از معترضان در این زمینه به خبرنگار ایلنا گفته که سازمان هدفمندی تا سه هفته دیگر به حساب آن ها یارانه ۲۸ هزار تومان نان را واریز خواهد کرد.

این در حالی است که دبیر ستاد هدفمندی یارانه ها در مقابل رسانه ها از عدم پرداخت یارانه نان به افرادی که ۲۸ هزار تومان یارانه نقدی دریافت نکرده اند خبر داده بود.

هر چند که این تجمع با وعده پرداخت یارانه ۲۸ هزار تومانی در حال پایان یافتن است، اما هنوز این سؤال باقی است که آیا سازمان هدفمندی به ۴ میلیون نفری که از دریافت یارانه ۲۸ هزار تومانی باز مانده اند یارانه نقدی پرداخت می کند؟

این پرسشی است که باید سازمان هدفمندی و ستاد هدفمندی یارانه ها پاسخ دهند اما آنچه که به رسانه ها گفته اند عدم واریز این میزان یارانه به حساب این افراد است.

تهدید به اخراج در صورت عدم پذیرش قرارداد سفید امضاء

یک فعال کارگری در طبس اعلام کرد: کارفرمایان معادن خاک نسوز منطقه چپروک در صورت امتناع کارگران از انعقاد قراردادهای سفید امضاء آنان را تهدید به اخراج می کنند.

غلامرضا محمدی با اشاره به توقف چند روزه کار توسط بیش از ۳۵ کارگر معدن خاک نسوز چپروک در هفته گذشته اظهار داشت: بیش از ۳۵ کارگر معدن خاک نسوز چپروک که سوابق اکثرشان تا ۱۵ سال نیز می رسد، بمدت ۹ سال است که به جهت دائمی بودن کارشان هیچ گونه قراردادی با کارفرما امضاء نکرده اند.

او در ادامه افزود: امسال نیز طبق روال سال های گذشته کارگران هیچ گونه قراردادی با کارفرما امضاء نکرده بودند در صورتی که با گذشت سه ماه از سال کارفرمای معدن به کارگران اخطار داده بود که اگر قراردادی که کوتاه مدت و بدون تاریخ و سفید امضاء است را نپذیرند از معدن اخراج می شوند.

این فعال کارگری گفت: به واسطه تهدید و اجبار کارفرما، همه کارگران به جز چهار نفر شرایط کارفرما را پذیرفته و قراردادی را که هیچ گونه مطابقتی با قانون کار ندارد را امضاء کرده اند.

محمدی با اشاره به بلا تکلیف بودن چهار کارگر معدن چپروک، اظهار داشت: متأسفانه نحوه قراردادهای در معادن بگونه ای شده است که اول از کارگر بمدت زیادی کار می کشند و بعد ب فکر می افتند که باید با کارگر قرارداد سفید امضاء و موقت امضاء کنند.

او اذعان داشت: قراردادهای موقت کارگران را نابود خواهد کرد و کار کشیدن از کارگران با سخت ترین شرایط کاری بدون وجود قرارداد

محکم و در حقیقت برده داری است. دبیر اجرایی خانه کارگر با بیان اینکه کارگران معادن خاک نسوز در شرایط سخت کاری زود از کار افتاده می‌شوند افزود: کارگران معادن خاک نسوز به دلیل آلاینده بودن مواد ترکیبی خاک نسوز بیشتر از ۱۵ سال نمی‌توانند کار کنند و حتی ماشین آلات این معادن نیز بعد از مدتی از کار افتاده شده و کار آبی نخواهند داشت.

او با اشاره به اینکه قانون دست مجامع قانونی مخصوص ادارات کار را در خصوص حمایت از کارگران بسته است در خاتمه گفت: دولت باید از کارگران حمایت کند چرا که اگر کارگر نباشد تولید نیست و اقتصاد کشور نابود خواهد شد.

افزایش ۱۰۰ هزار تومانی حقوق بازنشستگان کافی نیست

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی، ضمن استقبال از افزایش ۱۰۰ هزار تومانی حقوق بازنشستگان، این مبلغ را برای بازنشستگان ناکافی ارزیابی کرد.

علی اکبر خبازها در این زمینه به ایلنا گفت: در چند سال اخیر افزایش حقوق بازنشستگان به صورت ناقص اجرا می‌شد. او افزود: این مبلغ از تیرماه سال جاری علاوه بر افزایش سالانه مبلغ مستمری، به بازنشستگان پرداخت می‌شود که این افزایش پرداختی در راستای اجرای ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی است.

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی خاطر نشان کرد: اجرای این ماده با استقبال بازنشستگان همراه بوده است که امیدواریم با عنایت مسئولین و همکاری هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی، با توجه به تورم و قانون همسان سازی، مشکلات دیگر بازنشستگان نیز حل شود. گفتنی است بر اساس ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی، سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازنشستگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد باتوجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیات وزیران به همان نسبت افزایش دهد.

بلا تکلیفی ۹ تن از بازداشت‌شدگان مجمع عمومی کمیته‌ی هماهنگی!

پس از گذشت ۹ روز از بازداشت اعضای شرکت‌کننده در مجمع عمومی سالیانه کمیته‌ی هماهنگی در ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۱ در کرج، هنوز ۹ نفر از این عزیزان همچنان در بازداشت و بلا تکلیفی بسر می‌برند و هیچ پاسخی دربارهی وضعیت آنان به خانواده هایشان داده نشده است.

۶ تن از آنان تحویل نیروهای امنیتی رشت شده‌اند و طی تماسی تلفنی با خانواده های خود گفته‌اند که در بازداشت اداره اطلاعات رشت هستند. «مسعود سلیمپور» و «فرامرز فطرت‌نژاد» دارای سابقه‌ی بیماری حاد هستند و خانواده و دوستان این دو عزیز به شدت نگران سلامتی آنان می‌باشند.

همچنین سرنوشت جلیل محمدی، ربحانه انصاری، علیرضا عسگری که در کرج نگهداری می‌شوند نیز نامعلوم است. پیشتر نیروهای امنیتی گفته بودند که روز شنبه (۳ تیرماه) به دادگاه کرج مراجعه کنید، پرونده‌هایشان را به آنجا فرستاده‌ایم. اما امروز که خانواده‌ی این ۳ تن به دادگاه شهرستان کرج مراجعه کردند با این جواب روبرو شدند که هیچ پرونده‌ای برای ما فرستاده نشده و آن‌ها هنوز در مرحله‌ی بازجویی هستند و فعلاً به این‌جا مراجعه نکنید. "علیرضا عسگری" و "ربحانه انصاری" با خانواده‌هایشان تماس گرفته‌اند ولی تا کنون "جلیل محمدی" هیچ تماسی با خانواده خود نداشته است. در ضمن امروز خواهر جلیل محمدی که همراه دیگر اعضای خانواده جلیل محمدی جهت پیگیری پرونده نامبرده به دادگاه مراجعه کرده بودن با توهین و تحقیر و بی حرمتی شدید مامورین روبرو شدند و به شیوه ای غیر انسانی با خواهر و بستگان جلیل محمدی برخورد شده است.

ما اعضای کمیته‌ی هماهنگی ضمن محکوم کردن هتک حرمت و توهین و تهدید به خانواده جلیل محمدی، ادامه بازداشت این ۹ نفر را غیر قانونی دانسته و سریعاً و بدون هیچ قید و شرطی خواهان آزادی فوری این عزیزان از زندان می‌باشیم. ما از تمامی تشکل‌ها، نهادها، کارگري و تمامی کسانی که دل در گرو رهایی جنبش کارگري دارند می‌خواهیم به ادامه این بازداشت‌های اعتراض کرده و خواستار آزادی آنان شوند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگري
شنبه ۳ تیر ۱۳۹۱

پیام تسلیت اتحادیه آزاد کارگران ایران

شیرخان نبوی (آسنگران) بر اثر ایست قلبی جان باخت

شیرخان نبوی (آسنگران) فعال کارگري و از اعضا اتحادیه آزاد کارگران ایران روز پنج شنبه اول تیرماه حین کار و در سن ۴۱ سالگی بر اثر ایست قلبی جان باخت. شیرخان از کارگران پیمانکاری نیروگاه سندانج بود. وی از چند روز پیش، از درد ناحیه شکم و قفسه سینه رنج میبرد و در شهر کامیاران به پزشک نیز مراجعه کرده بود. اما بدلیل فقر و تنگدستی بناچار صبح روز پنج شنبه اول تیرماه از شهر کامیاران به محل کار خود در نیروگاه برق سندانج رفته بود.

بنا بر اظهار همکاران شیرخان، حدود ساعت ۱۰ صبح لرزش شدیدی تمام بدن شیرخان را در بر می‌گیرد و به درمانگاه نیروگاه مراجعه میکند اما پس از تزریق آمپولی حالش بهتر میشود و بر سرکار خود باز میگردد و به فاصله کوتاهی بار دیگر دچار حمله شدید قلبی میشود و این بار به بیمارستان توحید سندانج اعزام میشود. اما دیگر دیر شده بود.

دوستان شیرخان، اعضای اتحادیه و دیگر فعالین کارگري در شهر سندانج پس از کسب خبر اعزام وی به بیمارستان توحید، بلافاصله در آنجا حاضر شده بودند اما شیرخان جان باخته بود و دیگر در میان ما نبود.

خبر جانگداز فوت شیر خان بسرعت در بسیاری از شهرهای کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و تهران پیچید. همه ناباورانه و با کوهی از غم به سوی کامیاران رهسپار شدند. شیرخان را شب همان روز، با حضور جمعیتی عظیم که توانسته بودند خود را به آنجا برسانند با طنین سرود انترناسیونال به خاک سپردند. اما روز بعد دوم تیرماه باز هم روستای آهنگران شاهد حضور جمعیتی هزاران نفره بود. در طول روز لحظه ای ورود و خروج ماشینهای مملو از جمعیت که برای وداع ابدی با شیرخان در روستای کوچک آهنگران حضور پیدا کرده بودند، قطع نمیشد. پیشاپیش جمعیت عظیمی که ساعت ۱۸ عازم مزار شیرخان بودند پارچه نوشته هایی از اتحادیه آزاد کارگران، کمیته

پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و جمعیهایی از فعالین کارگری شهر سنندج به چشم میخورد. در این مراسم مامورین لباس شخصی نیز بطور پی در پی در حال گزارش به مقامات مافوق خود بودند. اما جمعیت جاضر بدون کمترین توجهی به آنان و با آرامشی که غمی سنگین بر آن سایه انداخته بود مشغول وداع با شیرخان بودند. شیرخان نبوی(آسنگران) از جمله کارگرانی بود که از همان آغاز تشکیل هیئت موسس اتحادیه آزاد کارگران ایران فعالانه برای شکل گیری اتحادیه تلاش کرد و در این راه علیرغم فقر و تنگدستی و گرفتاریهای شدیدی که برای گذران زندگی داشت از هیچ کوششی دریغ نرزید. از شیرخان ۲ فرزند پسر و دو فرزند دختر به یادگار مانده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران، درگذشت ناباورانه شیرخان را به همسر و فرزندان وی و خانواده نبوی ها(آسنگران)، یاران و دوستان ایشان تسلیت میگوید و با ابراز تاسف عمیق از این فاجعه، خود را شریک غم و اندوه آنان میدانند. قلب شیرخان در طول عمر کوتاهش، بی قرارانه و همیشه و هر لحظه برای طبقه اش و برای یک زندگی بهتر تپید. ما شیرخان را دیگر در میان خود نداریم اما یاد و خاطره وی برای ما کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران تا ابدیت زنده و گرامی خواهد بود. اتحادیه آزاد کارگران ایران - سوم تیرماه ۱۳۹۱

بلا تکلیفی ۹ تن از بازداشت شدگان مجمع عمومی کمیته ی هماهنگی!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 3 تیر آمده است: پس از گذشت ۹ روز از بازداشت اعضای شرکت کننده در مجمع عمومی سالیانه کمیته ی هماهنگی در ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۱ در کرج، هنوز ۹ نفر از این عزیزان همچنان در بازداشت و بلا تکلیفی بسر می برند و هیچ پاسخ روشنی درباره ی وضعیت آنان به خانواده هایشان داده نشده است.

۶ تن از آنان تحویل نیروهای امنیتی رشت شده اند و طی تماسی تلفنی با خانواده های خود گفته اند که در بازداشت اداره اطلاعات رشت هستند. «مسعود سلیمپور» و «فرامرز فطرت نژاد» دارای سابقه ی بیماری حاد هستند و خانواده و دوستان این دو عزیز به شدت نگران سلامتی آنان می باشند.

همچنین سرنوشت جلیل محمدی، ریحانه انصاری، علیرضا عسگری که در کرج نگهداری می شوند نیز نامعلوم است. بیشتر نیروهای امنیتی گفته بودند که روز شنبه (۳ تیرماه) به دادگاه کرج مراجعه کنید، پرونده هایشان را به آنجا فرستاده ایم. اما امروز که خانواده ی این ۳ تن به دادگاه شهرستان کرج مراجعه کردند با این جواب روبرو شدند که هیچ پرونده ای برای ما فرستاده نشده و آن ها هنوز در مرحله ی بازجویی هستند و فعلاً به این جا مراجعه نکنید. "علیرضا عسگری" و "ریحانه انصاری" با خانواده های شان تماس گرفته اند ولی تا کنون "جلیل محمدی" هیچ تماسی با خانواده خود نداشته است. در ضمن امروز خواهر جلیل محمدی که همراه دیگر اعضای خانواده جلیل محمدی جهت پیگیری پرونده نامبرده به دادگاه مراجعه کرده بودن با توهین و تحقیر و بی حرمتی شدید مامورین روبرو شدند و به شیوه ای غیر انسانی با خواهر و بستگان جلیل محمدی برخورد شده است.

ما اعضای کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن هتک حرمت و توهین و تهدید به خانواده جلیل محمدی، ادامه بازداشت این ۹ نفر را غیر قانونی دانسته و سریعاً و بدون هیچ قید و شرطی خواهان آزادی فوری این عزیزان از زندان می باشیم. ما از تمامی تشکل ها، نهاد ها کارگری و تمامی کسانی که دل در گرو رهایی جنبش کارگری دارند می خواهیم به ادامه این بازداشت های اعتراض کرده و خواستار آزادی آنان شوند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۳ تیرماه ۱۳۹۱

«علیرغم اینکه با مازاد تولید شکر روبرو هستیم دولت مجوز واردات شکر می دهد»

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 تیر 91 آمده است: رییس هیات مدیره انجمن صنفی کارخانجات قند و شکر اعلام کرد: موجودی تولیدات داخلی، با احتساب آنچه که در فروردین و اردیبهشت ماه وارد کشور شده، شکر مورد نیاز يك سال کشور تامین شده است.

علیرضا اشرف، در گفتگو با ایلنا اظهار داشت: از مهرماه، محصول جدید نیز وارد مرحله تولید می شود که به تبع آن می توان پیش بینی کرد برای سال 91 با مازاد تولید شکر روبرو باشیم. این در حالی است که با مجوز دولت واردات شکر انجام می شود.

به گفته وی؛ وارداتی که صورت می گیرد، سال آینده اثرات منفی گسترده ای بر حوزه تولید به همراه خواهد داشت. وی با اشاره به اینکه در حال حاضر قیمت شکر درب کارخانه يك هزار و 175 تومان در هر کیلوگرم است، در خصوص وضعیت قیمت شکر در ماه رمضان باتوجه به افزایش تقاضای این محصول گفت: در ماه رمضان محصول فعلی برای تزریق به بازار عرضه می شود که از محل درب کارخانه تغییر قیمتی نخواهد داشت. براین اساس، هرگونه افزایش قیمت شکر نسبت به ماه های اخیر، ارتباطی به کارخانجات و صنایع فعال نداشته و ناشی از عملکرد بخش توزیع خواهد بود.

گزارش تظاهرات لندن در اعتراض به دستگیری فعالین کارگری در کرج

عصر روز پنجشنبه 21 ژوئن 2012 تظاهراتی در مقابل ساختمان عفو بین الملل در لندن در اعتراض به دستگیری اخیر اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری برگزار شد. این تظاهرات همزمان بود با چهارمین روز دادگاه بررسی کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی توسط رژیم اسلامی در دهه شصت که در همان محل برگزار می شد. تظاهرات در ساعت پنج و نیم عصر هنگامی که شرکت کنندگان، سالن دادگاه را ترک می کردند آغاز شد. در ابتدا ایوب رحمانی از سوی اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران با اشاره به علت برگزاری تظاهرات و شرح هجوم نیروهای امنیتی رژیم اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی و ضرب و شتم و دستگیری اعضای این کمیته، از همه کسانی که در حال ترک سالن دادگاه بودند، دعوت کرد که برای اعلام همبستگی با کارگران دستگیر شده، به تظاهرات به پیوندند. شرکت کنندگان در دادگاه که اکثراً قریب به اتفاق آنان زندانیان سیاسی دهه شصت و یا از بازماندگان قربانیان جنایت دهه شصت بودند، به تظاهرات پیوستند. ایوب رحمانی در ادامه سخنان خود یاد آوری کرد که سرکوب

فعالین کارگری توسط همان رژیمی انجام می شود که جنایت بزرگ دهه شصت را در پرونده خود دارد. او گفت هجوم اخیر رژیم اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی و بطور کلی به تشکل های مستقل کارگری بیش از آنکه نشانه قدرت این رژیم باشد حاکی از ترس و وحشت آن از تشکل یابی کارگران است.

سخنران بعدی، بهرام رحمانی بود که برای شرکت در دادگاه بررسی جنایات رژیم اسلامی به لندن آمده بود. او ضمن حمایت از برگزاری تظاهرات و محکوم کردن سرکوب فعالین کارگری توسط جمهوری اسلامی، به لزوم حمایت بین المللی و گسترده از فعالین کارگری در ایران تاکید کرد و گفت همه ما باید در این راه کوشش کنیم.

تظاهرات با سخنرانی علی اشرفی ادمه یافت. او که از سوی شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران- بریتانیا سخنرانی می کرد با اشاره به تدوام جنایت و سرکوب توسط رژیم جمهوری اسلامی و یاد آوری کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی در دهه شصت، گفت که تاریخ این رژیم با خون و جنایت نوشته شده است. او با تاکید بر وحشت رژیم از آگاهی و تشکل یابی، گفت: سرکوب و دستگیری فعالین کارگری در کرج و نیز سرکوب دیگر تشکل های مستقل مانند کانون نویسندگان ایران نشانگر وحشت رژیم از آگاهی و تشکل است.

آخرین سخنران تظاهرات، سعید آرمان از حزب کمونیست کارگری حکمتیست بود. او در سخنان خود با اشاره به ماهیت سرکوب گر رژیم جمهوری اسلامی و محکوم کردن دستگیری فعالین کارگری در کرج، بر لزوم حمایت از مبارزات کارگران در ایران تاکید کرد. تظاهرات کنندگان سپس با سر دادن شعار هایی علیه جمهوری اسلامی و اعتراض به دستگیری فعالین کارگری، خواهان آزادی بدون قید شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی شدند.

این تظاهرات با فراخوان مشترک اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران / بریتانیا- و شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران- بریتانیا، و نیز با فراخوان و شرکت حزب اتحاد کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری حکمتیست، برگزار شده بود

22 ژوئن 2012

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران- بریتانیا

فراخوان برای اعتراض به هجوم وحشیانه جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی در کرج در پاریس

فراخوان به گردهم آیی اعتراضی در پاریس

-برای اعتراض به هجوم وحشیانه جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی در کرج و بازداشت، آزار و شکنجه فعالین کارگری

-برای اعتراض به اعدام

-برای اعتراض به تحت فشار قراردادن فعالین کارگری، دانشجویی و اجتماعی

-برای آزادی بی قید و شرط کلیه بازداشت شدگان کرج

-برای آزادی تمامی فعالین کارگری، دانشجویی و اجتماعی زندانی

-برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی

ما تمامی نهادهای مدافع آزادی و حقوق انسانی و تمامی انسان های متعهد و آزاده را به یک گردهم آیی اعتراضی در پاریس فرا می خوانیم.

زمان گردهم آیی: سه شنبه 26 ژوئن از ساعت 19 تا 21

مکان گردهم آیی: میدان تروکادرو (مترو تروکادرو)

23 ژوئن 2012

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران-پاریس

جمعیت کردهای مقیم فرانسه

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

گزارش گردهمایی اعتراضی ۲۶ ژوئن در پاریس

بدنبال فراخوان انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران، جمعیت کردهای مقیم فرانسه، همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران-پاریس و اتحاد بین المللی حمایت از کارگران در ایران، دهها فعال کارگری، اجتماعی و سیاسی عصر سه شنبه ۲۶ ژوئن در میدان تروکادرو پاریس (صحن حقوق بشر) گردهم آمدند و اعتراض نفر نشان را نسبت به رژیم اسلامی ایران و سیاست های سرکوبگرانه و ضدانسانیش بنمایش گذاشتند.

حضور فعالین کارگری و سیاسی فرانسوی، ترک، سوری، لبنانی، سودانی و... از ویژه گی این تجمع اعتراضی بود. این همبستگی جهانی با فعالین کارگری، اجتماعی و سیاسی ایران شوری در بین حاضرین ایجاد کرده بود و شعارزنده باد همبستگی جهانی بارها از طرف سخنرانان و برگزار کنندگان این گردهمایی سرداده شد.

برگزار کنندگان در آغاز گزارش کوتاهی از اعدام های اخیر جمهوری اسلامی ایران از جمله اعدام چهار نفر در خوزستان، سرکوب فعالین کارگری، دانشجویی و تمامی فعالین اجتماعی طی ماههای اخیر، کارگران و فعالین کارگری زندانی و حمله اخیر به مجمع عمومی کمیته هماهنگی کمک برای ایجاد تشکل های کارگری در ایران و بازداشت فعالین کارگری در کرج و آخرین وضعیتشان در زندان کرج و ورشت دادند. تظاهر کنندگان با سر دادن شعار هایی علیه اعدام ها در ایران، علیه اذیت و آزار و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری، دانشجویی، زنان و... ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی حمایتشان را از قطع اعدام ها، آزادی تمامی زندانیان سیاسی، آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی فعالین کارگری و اجتماعی منجمله فعالین کارگری بازداشت شده در کرج را اعلام داشتند.

شعار سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران نیز بارها از طرف اجتماع کنندگان داده شد. از کلکتیو سندیکاهای فرانسوی حمایت کننده از جنبش کارگری ایران نمایندگان سندیکاهای ت.ا.ف.د.ت، ت.ژ.ت و سولیدر در این گردهمایی شرکت داشتند و نمایندگان دوسندیکای اف.اس.یو.ا.و.ن.سازمن اعلام همراهی و همدلی با اجتماع کنندگان خبر دادند که امکان حضور ندارند. فیلیپ روو یکی از مسئولین بخش بین الملل سندیکای ت.ا.ف.د.ت از جمله سخنرانان این گردهمایی بود. وی در سخنانش از جمله گفت: ما سندیکاهای فرانسوی نسبت به فعالین کارگری و سندیکایی در ایران حساس هستیم و این حساسیت ما از سرکوب بی سابقه ای که از طرف رژیم ایران اعمال می شود نشئت می گیرد.

وی همچنین اظهار امیدواری کرد که همراه با دیگر سندیکاهای فرانسوی بتوانند عملاً از فعالین کارگری و سندیکایی در راه ایجاد تشکل های مستقلشان حمایت نمایند. آن بارون از سندیکای سولیدر از دیگر سخنرانان بود که طی سخنانی کوتاهی کارنامه کلکتیو سندیکاهای فرانسوی در حمایت از کارگران در ایران از بدو تشکیل تا به امروز، از جمله برگزاری آکسیون های اعتراضی در ژنو همزمان با برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار امسال و سال گذشته و برپایی شب همبستگی با کارگران ایران در ماه مارس سال جاری و... را به سمع حاضرین رساند و در پایان اظهار امیدواری کرد که این همبستگی جهانی ادامه دار باشد.

پس از این پیام ممدو دیوف دبیر کنفدراسیون سندیکاهای مستقل سنگال توسط یکی از برگزارکنندگان قرائت شد. در این پیام ممدو دیوف همبستگی خود و کنفدراسیون سندیکاهای مستقل سنگال را با فعالین کارگری ایران اعلام داشت. گردهمایی با نطق کوتاه، سلامه کیوله مارکسیست و زندانی سیاسی سوری که اخیراً از زندان رژیم سوریه رهایی یافته است، ادامه یافت. آقای سلامه ضمن حمایت از مبارزات کارگران ایران در راستای احقاق حقوقشان افزود: باید بین جنبش های کشورهای مختلف منطقه همبستگی برقرار شود و همبستگی را لازمه پیروزی در آینده دانست. وی ضمن یادآوری این امر که هیچ توهمی نسبت به رژیم های دیکتاتوری نباید داشت اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیک، شاهد بهار واقعی جنبش کارگری و انقلابی در منطقه خاورمیانه باشیم.

مصطفی از حزب کمونیست لبنان نیز با ایراد سخنانی با دفاع از مبارزات کارگران ایران همبستگی جهانش را نشان داد. مهری زند از فعالین زنان آخرین سخنران این گردهمایی بود که گزارش کوتاهی از وضعیت زنان در ایران داد. وی از محرومیت فردی و اجتماعی زنان ایران، از تبعیض جنسیتی که در مورد آنان روا می شود، فشارهایی که به آنان وارد می آید و چگونگی اذیت آزار و سرکوب مستمرشان توسط رژیم ایران سخن گفت.

همزمان با برگزاری این گردهمایی اعتراضی، در ضلع دیگر میدان تروکادرو تجمع اعتراضی دیگری علیه رژیم ترکیه و برای آزادی دانشجویان زندانی در ترکیه جریان داشت. در این تجمع که از طرف فعالین سیاسی ترکیه و دانشجویان فرانسوی سازمان داده شده بود، دهها فعال دانشجویی و سیاسی ترک و فرانسوی شرکت داشتند. قبل از راهپیمایی این تجمع کنندگان بطرف سفارت ترکیه، هیئتی از طرفشان در گردهمایی اعتراضی ما حضور بهم رسانیدند و با پخش تراکت و گفتگو با برگزارکنندگان گردهمایی ضمن اطلاع رسانی از اهداف تجمع و راهپیمایشان، با مبارزات کارگران، دانشجویان و فعالین اجتماعی و سیاسی در ایران ابراز همبستگی کردند. برگزارکنندگان گردهمایی هم ضمن سپاسگزاری از خواسته انهامینی بر آزادی دانشجویان زندانی در ترکیه حمایت کرده و رژیم ترکیه را محکوم کردند. گزارش خبری این گردهمایی از طرف رادیو ندا، رادیو بین المللی فرانسه، رادیو فردا (بخش صبحانه با خبر)، تلویزیون تیشک و تلویزیون صدای آمریکا پخش شد. پیوندها:

گزارش رادیو ندا از گردهمایی اعتراضی ایرانیان در پاریس در گفتگو با علیرضا نوائی، بهروز فراهانی و عزیز ماملی [اینجا](#) کلیک کنید. - رادیو بین المللی فرانسه: [اینجا](#) کلیک کنید.

- رادیو فردا: صبحانه با خبر بخش دوم - چهارشنبه ۲۷ ژوئن [اینجا](#) کلیک کنید. اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس
۲۷ ژوئن ۲۰۱۲

گزارش از تجمع اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتاوا

اعلامیه مطبوعاتی

تظاهرات کنندگان و اتحادیه های کارگری در کانادا یورش وحشیانه ماموران جمهوری اسلامی به مجمع کارگری در کرج را محکوم کردند:

گزارش از تجمع اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتاوا
در اعتراض به حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر کرج و دستگیری و ضرب و شتم بی رحمانه ۶۰ نفر از فعالین کارگری ایران یک تجمع اعتراضی فوری در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا در روز ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ برگزار گردید. این تظاهرات مورد حمایت بزرگترین اتحادیه کارگری در کانادا، اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، و همچنین اتحادیه کارگران پست کانادا قرار گرفت. تشکلات کارگری و سازمانها و احزاب چپ و مترقی ایرانی و کانادایی در این تظاهرات شرکت فعال داشتند.
سخنرانان برنامه از جمله پال مویست، رئیس کشوری اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، مایک پاله سک، از نمایندگان سراسری اتحادیه کارگران پست کانادا و استوارت رایان، از لیگ بین المللی مبارزات مردم، بودند. پال مویست ضمن اعتراض شدید به هجوم نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران به نشست کمیته هماهنگی در کرج، به نمایندگی از جانب بیش از ۶۰۰ هزار عضو کیوپی اعلام نمود که این اتحادیه و جنبش کارگری کانادا کماکان به همبستگی با کارگران در ایران و کارزار برای آزادی تمامی کارگران زندانی ادامه خواهند داد. وی بر ضرورت همبستگی بین المللی تاکید نمود و اعلام کرد که ما باز هم در مقابل این سفارت جمع خواهیم شد و اعتراض خواهیم کرد و تلاش خواهیم نمود از فعالین کارگری در ایران حمایت کنیم و اجازه ندهیم که به سیاست سرکوب و ارعاب فعالین کارگری ادامه دهند. پال مویست همچنین به دولت کانادا به خاطر عدم حمایت از حقوق کارگری بین المللی اعتراض کرد و مطرح نمود که دولت کانادا الویتهای اصلیش حمله به قوانین حفظ محیط زیست و نیز گسترش تجارت آزاد است و برای حقوق

کارگری و اتحادیه ای ارزشی قائل نیست. مایک پاله سک به نمایندگی از اتحادیه کارگران پست کانادا بر ضرورت همبستگی طبقاتی کارگری که خصلتی کاملاً جهانی دارد تاکید نمود و ماهیت طبقاتی و کاپیتالیستی پشت این حملات وحشیانه به تشکلات کارگران و حقوق و دستاوردهای کارگری را تشریح نمود. وی تاکید کرد که این مبارزه ای است که طبقه کارگر همزمان در تمام کشورهای جهان، از ایران تا کانادا، در مقابل سرمایه داری و دولتهای آن درگیر می باشد. وی همچنین بار دیگر حمایت اتحادیه کارگران پست کانادا از مبارزات کارگران ایران را اعلام نمود و بر ضرورت همبستگی کارگری پای فشرد. استوارت رایان، از "لیگ بین المللی مبارزه مردم" و همچنین از فعالین اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا در شهر اتاوا، در این تظاهرات به نمایندگی از لیگ بین المللی مبارزات مردم سخنرانی نمود و ضمن محکوم نمودن سرکوب فعالین کارگری و اجتماعی در ایران و کشورهای دیگر جهان، همبستگی خود را با مبارزات کارگری در ایران اعلام کرد. سازمان عفو بین الملل در کانادا که امکان حضور در این تجمع اعتراضی را به دلیل محدودیت زمانی نداشتند، بیانیه ای را در حمایت از کارگران ایران در اختیار برگزار کنندگان تظاهرات قرار دادند که برای حاضرین قرائت گردید. عفو بین الملل در حال حاضر درگیر یک کارزار جهانی برای آزادی کارگران و فعالین کارگری زندانی در ایران از جمله رضا شهبابی، علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، رسول بدقی، علی اخوان، فریبرز رئیس دانا و دیگر فعالین در بند می باشد.

این تظاهرات مورد پوشش گزارشی از جمله توسط روزنامه مترو در شهر اتاوا قرار گرفت. تمام سخنرانان انگلیسی و فارسی زبان این تجمع حمله وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی و تدویم بازداشت نه نفر از فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی، ربیحانه انصاری، میترا همایونی، سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیمپور، فرامرز فطرت نژاد و مازیار مهرپور، را به شدت محکوم کردند. شرکت کنندگان در این تظاهرات ضمن پشتیبانی از مبارزات طبقه کارگر در ایران خواستار آزادی فوری تمام دستگیر شدگان اخیر و تمام فعالان کارگری و زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی شدند. همچنین در این تظاهرات تاکید مجدد شد که تا آزادی کلیه فعالین کارگری بازداشتی کارزار بین المللی در کانادا و کشورهای دیگر ادامه خواهد داشت.

جهت اطلاعات بیشتر و یا مصاحبه با برگزار کنندگان این تجمع اعتراضی با آدرسهای الکترونیکی زیر تماس بگیرید.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - واحد کانادا

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا)

info@workers-iran.org / shora.poshtibani@yahoo.com

Paul Moist, CUPE, protest outside Iran's Embassy in Ottawa, June 22, 2012

ترجمه گزارش روزنامه مترو-اتاوا از تظاهرات ۲۲ ژوئن در حمایت از فعالین کارگری در ایران:

تظاهرکنندگان می گویند: ایران باید سازماندهندگان اتحادیه ای زندانی را آزاد کند

گراهام لانکتری، روزنامه مترو-اتاوا، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲

در مقابل دروازه های آهنی سفارت ایران در اتاوا، روز جمعه، گروهی از معترضین خواهان آزادی هفت (نه نفر، مترجم) زندانی ای می باشند که به دنبال سرکوب پلیسی یک تشکل کارگری در اواسط ماه ژوئن در بازداشت به سر می برند.

"رژیم اسلام به یک جلسه فعالین کارگری تعرض کرد و ۶۰ نفر را بازداشت نمود"، سروش حریری، یکی از اعضای جامعه ایرانی، می گوید؛ "تنها گناه آنان این بوده است که می خواستند کارگران را متشکل کنند، و ما خواهان آزادی فوری آنها از زندان هستیم."

در شهر کرج، ۶۰ عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ توسط ماموران وزارت اطلاعات ایران بازداشت شدند. همه به جز ۹ نفر از آنان آزاد شده اند. این اقدام چند روز پس از انتشار گزارش عفو بین الملل، که در آن از دولت ایران خواهان آزادی هفت فعال کارگری که در زندانهای مختلف کشور محبوس هستند، صورت گرفت.

ما بطور جدی نگران سرکوب حقوق کارگران در ایران هستیم"، فریدپرتوی، یکی از سازماندهندگان تظاهرات و رئیس اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، لوکال ۴۷۷۲، توضیح داد، "به خصوص در زمانیکه حقوق کارگران در سراسر جهان تحت حمله قرار دارد".

"ما از دولت کانادا درخواستی نداریم" سروش حریری نقل می کند، "اما ما هر هفته اینجا خواهیم بود تا اینکه آنها آزاد گردند". ترجمه و تکثیر از:

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - واحد کانادا

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا)

info@workers-iran.org / shora.poshtibani@yahoo.com

احضار محمد عبدی پور به اداره اطلاعات سقز

به گزارش کمیته هماهنگی در سوم تیر آمده است: روز شنبه 3 تیر ماه 1391 محمد عبدی پور، یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به اداره اطلاعات سقز احضار شد.

مامورین اداره اطلاعات از ساعت 9 صبح تا ساعت 12 با ایجاد فضای رعب و وحشت و بازجویی چند ساعته به او گفته بودند که باید او از عضویت کمیته هماهنگی استعفاء داده و ایشان حق ندارد با هیچ رسانه ای مصاحبه نماید در غیر اینصورت به شدت با او برخورد خواهد شد. محمد عبدی پور در جواب ضمن دفاع از حقانیت خود و کمیته هماهنگی یاد آور شده بود که وظیفه خود می داند که از حقانیت خود و دیگر کارگران دفاع نماید و هیچ وقت تسلیم این گونه فشارها نخواهد شد.

ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بارها اعلام کرده ایم و اعلام خواهیم کرد که ما کارگران و فعالین

کارگری متشکل در کمیته هماهنگی و وظیفه انسانی و طبقاتی خود می دانیم که از منافع خود و دیگر کارگران در برابر مناسبات سرمایه داری دفاع کنیم و با اینگونه فشار های پلیسی به مبارزه به حق خود پایان نخواهیم داد. ما ضمن محکوم کردن احضار و تهدید اعضای کمیته هماهنگی خواستار آن هستیم که میترا همایونی، فرامرز فطرت نژاد، ریحانه انصاری، سعید مرزبان، مسعود سلیم پور، مازیار مهرپوز، سیروس فتحی، جلیل محمدی و علیرضا عسگری هر چه سریعتر از زندان آزاد شوند

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
سوم تیر ماه 1391

بیانیهی جمعی از خیاطان، کابینت سازان و آرایشگران شهر سنندج

پیرامون دستگیری و بازداشت فعالین کارگری و

اعضای کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر کرج

از آنجا که سیستم سرمایه داری در بحران های اقتصادی دست و پا می زند، این بحران ها می رود تا پایهی این نظام ظالمانه را به لرزه در آورد؛ نظام سرمایه داری اسلامی ایران هم از این بحران ها مستثنا نیست و برای بیرون کشیدن خود از این شرایط حاضر به هر گونه سرکوب علیه مبارزات طبقاتی و تشکلات کارگری و فعالین طبقه ی کارگر می گردد.

روز ۲۶ خرداد، نیروهای پلیس به نشست مجمع عمومی کمیتهی هماهنگی حمله، و به شیوهی وحشیانه ای ۶۰ نفر از فعالین کارگری و اعضای کمیته را بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار دادند.

ما این عمل غیر انسانی را شدیداً محکوم می کنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این بازداشت شدگان: ریحانه انصاری، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، مازیار مهرپور، سیروس فتحی، میترا همایونی، فرامرز فطرت نژاد، مسعود سلیمپور و سعید مرزبان هستیم.

جمعی از خیاطان، کابینت سازان و آرایشگران شهر سنندج ۳/۴/۹۱

تجمع برای اعتراض به عدم واریز یارانه نان

به گزارش سایت اصلاح طلب جرس در 3 تیر آمده است: در پی اعلام ستاد هدفمندی یارانه ها مبنی بر عدم پرداخت یارانه ۲۸ هزار تومانی نان به ۴ میلیون نفر، صبح امروز تجمع اعتراض آمیزی مقابل سازمان هدفمندی یارانه ها برگزار شد.

به گزارش ایلنا، افرادی که یارانه ۲۸ هزار تومان یارانه نان به حسابشان واریز نشده از صبح امروز مقابل سازمان هدفمندی یارانه ها، تجمع اعتراض آمیز برگزار کرده اند.

از زمانی که دولت در پیچ و خم های نحوه پرداخت یارانه آن هم ناشی از کمبود نقدینگی مواجه شده، برای چندمین بار متوالی است که مردم در مقابل سازمان هدفمندی یارانه ها تجمع می کنند. این بار تجمع کنندگان به عدم دریافت یارانه نان به نشانه اعتراض و اینکه چرا از لیست دریافت کنندگان حذف شده اند، مقابل سازمان هدفمندی جمع شدند.

با این حال مسؤولان سازمان هدفمندی، مانند گذشته در جمع تجمع کنندگان حاضر نشده و کارشناسان خود را برای پایان دادن به این تجمع با وعده هایی به میان معترضان فرستاده اند.

تهاجم جمهوری اسلامی به جنبش کارگری را متحداً در هم شکنیم!

بار دیگر، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به تجمع کارگران یورش برد. جمعی از کارگران دستگیر شده، کما کان در زندانهای اسلامی سرمایه اسیرند. اعتراضات و آکسیونهای بیشماری علیه این وحشیگری سرمایه داری شروع و سازماندهی شده است. تا کنون چندین سازمان و تشکل کارگری در ایران و خارج از ایران علیه دستگیری کارگران اعتراض نموده و آن را محکوم کرده اند.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکل های کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است.

زندان های رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکل ها، سازمان ها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامی خواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، آکسیون ها، پیکت های اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازمان دهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران / خارج کشور

nhkommitehamahangi@gmail.com , <http://nahadha.blogspot.com/> , boltanxaberi@gmail.com , <http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

آکسیونها، پیکتها، تظاهرات، جلسات، گردهمایی ها، اعتراضات و ...

برای آزادی کارگران دستگیر شده، 26 خرداد 1391

به هفته همبستگی جهانی با جنبش کارگری در ایران بپیوندید!

24 - 30 ژوئن 2012

دستگیری و ضرب و شتم فعالان کارگری را قاطعانه محکوم می کنیم!

9 تن از دستگیر شدگان که هم چنان در زندان هستند، باید فوراً آزاد شوند!

روز جمعه بیست و ششم خرداد ماه ۱۳۹۱، مجمع عمومی سالانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در یک

خانه محقر واقع در بلوار ارم شهرستان مهرشهر کرج با شرکت حدود 60 تن از فعالین کارگری برگزار شد. جلسه با وجود همه مشکلات از ساعت 8 صبح آغاز می شود. در ساعت 12:20 نیروهای سرکوب گر جمهوری اسلامی که در میان آنها ده ها مامور لباس شخصی نیز حضور داشتند، با شلیک گلوله، به محل مجمع عمومی یورش می آورند. ده ها نفر مامور لباس شخصی مسلحانه وارد منزل می شوند و لوله اسلحه های خود را به سمت چهره و روی دهان حاضرین می گذارند و با فحش و ناسزا و عریضه کشی، فعالین کارگری را به روی زمین می اندازند و آنها را ناچار می کنند که دستانتشان را پشت سر گذاشته و تکان نخورند. اگر کسی تکان می خورد، با لگد و توهین های رکیک آن مزدوران آدمکش مواجه می شد. آنها دیوانه وار و سرمست اسیران خود را به باد کتک می گرفتند. به نحوی که عده ای از فعالین کارگری از ناحیه سر، پا، دست، کلیه و شکم آسیب شدید دیده اند. عده ای از مردم ساکن و همسایه ها وحشت زده از عریضه های نیروهای سرکوب گر و صدای تیراندازی آنها، بیرون آمده و متعجب می پرسیدند، چه شده است؟ سرکوب گران در حالی که به فعالین کارگری اجازه نمی دادند، لب به سخن بگشایند، به دروغ به مردم متعجب می گفتند: "این افراد خرابکارند و شما مردم باید از ما تشکر کنید که دست این افراد خرابکار را از سر شما برمی داریم..." و البته به کارگران اسیر اجازه نمی دادند که پاسخ دهند و به محض اینکه صدایی از کسی بلند می شد، چند نفر او را زیر ضربه های لگد و مشت قرار می دادند. نیروهای سرکوبگر بیشتر وسایل منزل را شکستند و تخریب کردند، به طوری که وسایلی کمی در آن منزل، سالم باقی مانده است.

سپس حدود 60 انسان فداکار و مدافع حقوق کارگران و تهیدستان را با کتک و بی احترامی به بند 94 زندان رجایی شهر کرج که مربوط به زندانیان امنیتی است و تحت نظر اداره اطلاعات، حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و سپاه پاسداران می باشد می برند. بعد از 32 ساعت بازداشت، بدون این که یک نفر از آنها تفهیم اتهام شوند، حدود 50 تن از آنان از زندان آزاد می شوند. اما 9 نفر از دستگیر شده ها به اسامی 1 - علی رضا عسکری 2 - میترا همایونی 3 - سعید مرزبان 4 - ریحانه انصاری 5 - مازیار مهرپرور 6 - سیروس فتحی 7 - جلیل محمدی 8 - فرامرز فطرت نژاد 9 - مسعود سلیم پور هنوز در زندان هستند. 3 تن به اسامی ریحانه انصاری، علی رضا عسکری و جلیل محمدی هم چنان در زندان رجایی شهر در بندند. رژیم ادعا می کند 6 تن دیگر از فعالین به اسامی سیروس فتحی، مازیار مهرپرور، فرامرز فطرت نژاد، مسعود سلیم پور، میترا همایونی و سعید مرزبان را به زندانی واقع در پل عراق رشت منتقل کرده است، همه کارگران زندانی به جز علی رضا عسکری تا کنون با خانواده خویش تماس گرفته اند. قابل ذکر است که علیرضا عسکری را از لحظه دستگیری از بقیه جدا میکنند. هیچ یک از مسئولین رژیم سرکوبگر، پاسخگوی این امر نمی باشد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران ضمن محکوم کردن این عمل سرکوب گرایانه، خواهان آزادی 9 تن فعال هم چنان در بند رژیم است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommitehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

بیانیه 23

هشدار هشدار

هشدار زندانیان سیاسی به فعالین سیاسی

نگذارید فاجعه سال 1367 دوباره تکرار شود

مردم شریف و آزادیخواه در ادامه تشدید سرکوب و اختناق پس از یورش عمومی تمامی نهاد های جمهوری اسلامی - فاشیستی تحت فرماندهی سپاه پاسداران به جنبش های اجتماعی، سپاه پاسداران به مرکزیت کامل مدیریت - فرماندهی تمامیت حکومت تبدیل شده است سپاه پاسداران، این وارث ساختار و روش های تاریخی جمهوری اسلامی، این جرثومه غارت و جنایت در نظر دارد کنترل کلیه زندانها را به طور مستقیم به دست گیرد. هدف سپاه پاسداران به عنوان رهبری اصلی حکومت از این کار به راه اندازی حمام خون و کشتار بهترین فرزندان است تا به خیال خام خود با کشتن این دلاور مردان و زنان و نیروهای مدافع حقوق انسان، انقلاب قریب الوقوع را از رهبران خود محروم ساخته انقلاب آتی را به شکست بکشاند.

گسترش حاکمیت انحصاری سپاه پاسداران در سه حوزه سیاسی - نظامی - اقتصادی که مجموع آنها پایه های اصلی یک حکومت فاشیستی است. اثبات روشن و واضح فاشیستی بودن نظام اسلامی می باشد. بنا به گزارشات موقت "مدیریت ستاد بحران" و "سازمان پدافند غیر عامل" دو سازمان طراح روش های مختلف سرکوب، متشکل از فرماندهان سپاه پاسداران و تحت فرماندهی مستقیم آن طی طرح جدیدی می خواهد حرکت 67 را در کشتار زندانیان سیاسی تکرار کند. (لازم به ذکر است که تمامی طرح های مختلف سرکوب های اجتماعی از جمله انواع طرح های در رابطه با حجاب، تفکیک جنسیتی، طرح امنیت اخلاقی اجتماعی، طرح های گشت های گوناگون، روش و مکانیسم های سرکوب در سال 1388... همگی از محصولات سازمان پدافند غیر عامل است)

هم وطن:

سپاه پاسداران که اکثر نهادهای حکومتی را تصرف کرده در حال اجرای طرح های مختلف از جمله تصرف و انتقال ثروتهای ملی توسط خانواده های حکومتی و سرداران سپاه به صدها حساب بانکی خارجی است، در بعد سیاسی با توجه به اینکه در میان بخش های خودی شان نیز دچار مشکل و جدایی شده اند و می دانند که دیگر مانند دوره های قبل امکان تغییر آرام مهره های سیاسی را نخواهند داشت، در طرح های جدید می خواهند حوزه های که می توانند مانع قبل یا بعد از جابه جایی مهره های سیاسی شوند را از هم اکنون به روش فاشیستی سرکوب نمایند. برای چنین حرکتی دارا و صاحب قدرت نظامی، اقتصادی و هم قدرت سیاسی به خصوص نهاد قضایی هستند و برای تکمیل کردن آن برخی از بخشها که هنوز به طور مستقیم در دست سپاه نیست اکنون اقدام به تصرف مستقیم و تمام و

کمال آن کرده است.

باید توجه کرد که وقتی ماشین کشتار در زندانها راه بافتد، زندانیان عادی نیز در امان نخواهند بود، چون مجریان این طرح نه مایل به تفکیک هستند و نه وقت و زمان تفکیک دارند. با توجه به وجود تکنولوژی پیش رفته خبر رسانی امروزی، طبق طرح فوق باید زمان اجرای این طرح، هر چه کوتاهتر باشد تا قبل از معلوم شدن و لو رفتن، اجرای طرح تمام شده باشد. بدلیل فشردگی زمان آن امکان تفکیک زندانیان سیاسی از غیرسیاسی نیز وجود ندارد. همچنین نه تنها نیازی به تفکیک ندارند بلکه گسترده بودن کشتار بیشتر خواست و هدف این نظام را عملی می کند، و سیاسی بودن آن نیز مشخص نمی شود، قرار است این طرح توسط بخشی های با چندین روش متفاوت عملی شود و سپس به عنوان نیروهای خودسر اعلام شده با اندکی درگیری و دادگاه کشی های دروغین موضوع را جمع و جور کرده و تمام شده تلقی نمایند. پس باید تمام مردم نسبت به این طرح فاشیستی حساس باشند. طبق تصمیمات فرماندهان(سازمان پدافند غیر عامل) قبل از شروع طرح فوق، در سطح جامعه اول موضوع بسیار مهمی را که می تواند همه مسائل را تحت الشعاع قرار دهد، در اذهان و مقابل دید عموم شروع خواهند شد. مثلاً" این می توان یک درگیری محدودی در مرزها باشد یا برخوردهای ساختگی در میان جناح های مختلف داخل نظام باشد. یا در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری باشد. و یا هر چه بزرگتر کردن خطر حمله خارجی یا درگیری میان سپاه و برخی از روحانیون یا حتی مذاکراتی دروغین میان اصولگرایان با بخش های خودی و در همین حال با اصلاح طلبان که باعث جلب بیشترین توجه ها گردد. استارت زده خواهد شد.

اما این باند کثیف مافیایی(سپاه پاسداران) وارد کننده و توزیع کننده مواد مخدر، این عامل فقر و فحشا و جنایت در مقابل اراده 75 میلیونی شما ملت قهرمان ایران مانند پر کاهی در مقابل طوفان سهمگین انقلاب است. با حمایت قاطع از آزادی زندانیان سیاسی و منع شکنجه و اعدام از طریق اعتصابات و اعتراضات، توطئه جمهوری اسلامی را خنثی کنیم. برای مقابله نیاز به سازمانیابی و سازماندهی انقلابی داریم لازم است هرچه زودتر تمامی کارگران، دانشجویان، زنان و جوانان در درون هسته ها و کمیته های مخفی انقلابی مستقر در محل کار و زندگی متشکل شده، و توده های اطراف خود را نیز سازماندهی کنند، فقط از این طریق می توان ضمن جلوگیری از تکرار کشتار، مردم را برای اعتراض و اعتصاب سراسری سیاسی آماده کرد.

شکنجه و اعدام ملغی باید گردد
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
زنده باد اعتصاب عمومی سیاسی

زنده باد انقلاب

جبهه واحد کارگری

4/4/1391

برای شناخت بهتر سازمان پدافند غیر عامل به مقاله "سازماندهی جدید جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش های اجتماعی" که چهار سال قبل در شماره چهار نشریه انقلاب سرخ منتشر شده است مراجعه کنید.

سه روز تحریم در واکنش به گرانی ها

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 4 تیر به قلم زهره نقیبه آمده است: نان، شیر و مرغ. این سه کالای اساسی سبب خرید خانوارها که تا دیروز قیمت آنها دغدغه بسیاری از اقشار کم درآمد شده بود، از امروز به محور حرکتی اعتراضی و خودجوش تبدیل شده اند. اعتراض به گرانی های لجام گسیخته ای که هفت سال خودمحوری این دولت و حمایت های ارکان مختلف حاکمیت، مسبب آن شده است. دولتی که قرار بود نفت را بر سر سفره ها بیاورد و حالا جز گرانی و ناتوانی از خرید حداقل های همیشه موجود سفره، چیزی نصیب مردم نکرده است.

اما حالا هم که حتی مسئولان رده بالای حکومتی و مراجع مذهبی هم صدایشان درآمده و ظاهراً دیگر هیچ کس نیست که نهمیده باشد این دولت چه بلایی بر سر اقتصاد کشور و سرنوشت ملت آورده، و حالا که همه به هشدارهای میرحسین موسوی و همراهانش درباره عمق فساد و ناتوانی و بی کفایتی حاکمیت فعلی پی برده اند، باز هم کسی جز خود مردم پیشتاز رویارویی با دولت در این عرصه نشده و جدا از احزاب و گروهها و نمایندگان و مدعیان مختلف، این خود مردم اند که دست به کار شده اند و با ارسال پیامک هایی برای هم، از یکدیگر می خواهند با خودداری از خرید این سه قلم کالا، اعتراض خود را به نمایش بگذارند.

این اعتراض، موضوع بحث امروز بسیاری از مردم در سطح شهر تهران بود. حالا می توان گفت آنها که تاکنون و در دو سه اخیر پیامک "خرید ممنوع" به دستشان نرسیده بود هم در روز اول این حرکت اعتراضی، از طریق شهروندان دیگر باخبر شدند که در این سه روز "خرید ممنوع" است.

مردم سه ماه قبل در حالی به استقبال نوروز رفتند که گوشت مرغ را در آخرین روزهای اسفند هر کیلو ۴۱۵۰ تومان می خریدند و اکنون در حالی وارد فصل تابستان شده اند که قیمت هر کیلوگرم گوشت مرغ به مرز ۶۴۰۰ تومان رسیده است. این افزایش قیمت، کم و بیش در مورد همه کالاهای اساسی و مایحتاج روزانه مردم به وقوع پیوسته و زندگی را برای عموم مردم به ویژه اقشار ضعیف جامعه دشوار ساخته است.

در این سه ماه قیمت بسیاری از اقلام مورد نیاز قطعی خانوارها تا حدی باور نکردنی بالا رفت؛ به طوری که با افزایش قیمت نان حتی دستیابی به قوت لایموت مردمی که با تکه نانی خود را سیر می کردند، هم برای آنها سخت شد. در این مدت، نرخ نان سنگک به ۶۰۰ تومان، بربری ۵۰۰ تومان، تافتون ۳۰۰ تومان و نان لواش هم به ۱۶۰ تومان رسید. داستان شیر و گرانی چند مرحله ای آن را هم که همه می دانند.

خبرنگار کلمه در مورد حرکت اعتراضی اقتصادی اخیر که ظاهراً به طور خودجوش و از دل مردم برخاسته، با برخی از شهروندان تهرانی هم صحبت شده است. او گزارش می کند که حدوداً نیمی از مردم در همین چند روز از این پیشنهاد اعتراضی مردمی، باخبر شده اند؛ هرچند بعضی از مردم موافق این شکل از اعتراض هستند و برخی هم مخالفت هایی دارند، و البته بسیاری از مخالفان معتقد به اعتراض های جدی تر و حتی حضور در اعتراض های خیابانی هستند. با این همه محوری کلیدی که بسیاری از مصاحبه شوندگان بر آن تاکید دارند، ضرورت وحدت میان همه ی شهروندان است.

این گزارش را با هم می خوانیم.

معلم آموزش و پرورش است و وقتی او را در مورد قیمت های فعلی کالاها مورد سوال قرار می دهم، خودش بی مقدمه اشاره می کند که خانواده آنها امروز هیچ خریدی انجام نداده و این روند را تا دو روز آینده ادامه خواهند داد. بدون اینکه چیزی از او بپرسم، خبر می دهد که این پیامک به دستش رسیده است: «شنبه، یکشنبه، دوشنبه در اعتراض به گرانی و تورم نان و شیر خریداری نمی کنیم. فقط سه روز با هم متحد باشیم. برای کمک به هموطنان کم درآمد و آسیب پذیرمان. لطفا اطلاع رسانی کن هموطن». سپس می گوید: «این شروع خوبی است. خدا کند همه مردم همراهی کنند و فعلا از خرید نان و شیر و مرغ خودداری کنند.» این خانم می گوید: «به نظرم مردم باید یکدیگر را هم از این موضوع باخبر کنند. با این قیمت ها برای تامین مخارج زندگی کم آورده ایم.»

نیازی به تحریم نیست؛ ما اصلا پول خرید کردن نداریم

شهروند دیگری هم می گوید: «این یارانه ها بلای خانمان سوز بود. به اسم چندر غازی که به مردم می دهند هر میزان خواستند قیمت ها را بالا و پایین کردند.» او ادامه می دهد: «حالا هم یارانه ۲۸ هزار تومانی برای ۶ ماه دادند. آخر این که پول چند عدد نان در ماه هم نمی شود. مردم را مسخره خودشان کردند. الان من چند تا جوان بیکار توی خانه دارم، نان هم بهشان نمی توانم بدهم بخورند.» صحبتی که با او به بحث تحریم خرید می کشانم که می گوید: «نیازی به تحریم نیست. ما اصلا پول خرید کردن نداریم. خانم، مردم هزار بدبختی دارند. مگر می دانند مردم با چه سختی دارند امورات خود را می گذرانند؟»

پیرمردی هم می گوید: «مردم با یک لقمه نان می توانستند شکم خود را سیر کنند که آن هم گران شد. برخی هم دائم می گویند اعتراض، اعتراض. چه اعتراضی کنم وقتی می برندم به ناکجا آباد و زن و بچه ام از همین لقمه نان هم می مانند؟ دوره شاه اگر مردم انقلاب کردند، شکم هایشان سیر بود. اما الان چه؟ توان اعتراض کردن هم نداریم.»

با خانم جوانی هم سخن می شوم که گله مند از گرانی ها است. می گوید: «همه با سختی زندگی می کنند. چاره ای نیست.» او که با بچه خود در حال خرید است، در مورد تحریم خرید می گوید: «باید بخریم. چاره ای نداریم. آخر مگر همین بچه من می فهمد گرانی یعنی چه؟ باید بخریم.»

مردم باید با هم یکی شوند

مرد میانسالی که خود را بازنشسته معرفی می کند هم در مورد گرانی ها به پیامکی اشاره می کند که مردم سه روز نان خریداری نکنند. او می گوید: «ما که سه روز پیش ۴ عدد نان خریدیم، این سه روز را هم نمی خریم. امیدوارم همه مردم هم خرید را تحریم کنند و بدانند که این به نفعشان است.» در مورد مرغ و شیر سوال می کنم که به آنها هم در پیامک تحریم خرید اشاره شده. می گوید: «از این اطلاعی نداشتیم، هر چند پول ما به خرید مرغ ۶۵۰۰ تومانی نمی رسد. ولی مردم باید با هم یکی شوند. در این صورت بسیاری از مشکلات حل می شود.»

به شهروند دیگری می رسم و بعد از اتمام خریدش با او هم صحبت می شوم که به خریدهایش اشاره می کند و می گوید: «آنقدر پول بی ارزش شده و قیمت ها سرسام آور که ۱۰ هزار تومان پول فقط همین چند قلم کالا را خریدم.»

دیگری هم در مورد خرید نکردن نان و شیر و مرغ معتقد است که «وسع مان به خرید نمی رسد. همین شیر دولتی الان با این قیمت گران فقط آب هست. اگر برایش پولی بدهی، انگار پولت را ریختی توی جوی آب. سمت مرغ هم که اصلا نمی شود رفت. نان ها که بی کیفیت اند. شما بگویید چه کنیم!»

از او می پرسم آخرین بار که مرغ خرید چه زمانی بوده، که توضیح می دهد: «مرغ و گوشت که اگر مجبور بشویم و میهمان داشته باشیم خرید می کنیم. هر چند با این قیمت های گران، میهمانی ها هم کم شده است.»

شهروندی هم می گوید که برای خرید مرغ مراجعه کرده بوده که با نرخ ۷ هزار تومان مواجه شده است. می گوید: «مجبور که نیستیم، نمی خوریم.»

باید زودتر شروع می کردیم

یک خرده فروش مواد غذایی هم با استقبال از این طرح که می گوید از طریق یکی از مشتریانش از آن با خبر شده و از او خواسته این پیامک را برایش ارسال کند تا او هم برای دیگران بفرستد، نظرش بر این است که این طرح باید خیلی زودتر از این شروع می شد. نظر شهروند دیگری هم این است که «مردم اگر متحد باشند این طرح خوبی است.» با این حال او می گوید: «هر چند، دور و اطرافیان آقایان برای خودشیرینی و خنثی کردن طرح، اگر شده نان به تعداد زیاد می خرند برای فامیل و اطرافیان خود تا به ظاهر خنثی بودن این طرح را نشان دهند.»

وی اشاره می کند: «البته با این روال گرانی که آقایان در پیش گرفتند، خیلی ها هم به نان و نوایی رسیدند. همین بازار مسکن را شما ببینید، برای بسیاری بازار درست کرده است. اگر یک اتاق هم داشته باشند و اجاره دهند کلی در ماه کاسب اند. بیچاره آن مردم اجاره نشین.»

خانمی درباره گرانی که مورد پرسش قرار می گیرد، قبل از اینکه چیزی بگوید، موبایلش را از کیفش بیرون می آورد و علاوه بر پیامک خرید نکردن، پیامک دیگری هم می خواند: «فیلم جدایی نان از سفره؛ کارگردان: محمود احمدی نژاد!»

او می گوید: «وقتی شیرها فاسد بشود و در مغازه ها بماند، حساب کار دست آقایان می آید.» ادامه می دهد: «مردم ما دیر به فکر این کار افتادند. کشورهای دیگر به محض یک تغییر قیمت، سریعاً اعتراض مردم در خریدن و اعتراض نمود پیدا می کند. مردم ما با هم اتفاق نظر باید داشته باشند.»

نانوایی ها هم باید تعطیل کنند

در مسیرم سراغ یک خرده فروش مرغ و گوشت می روم، او می گوید: «همه گرانی ها از بلای تحریم است و آقایان نمی خواهند زیر

بار بروند. همین دانه های مرغ، می دانید چند برابر شده است؟ ما هم به خدا از این وضعیت راضی نیستیم. ما هم از همین مردم هستیم. اما مشکل گرانی را دولت باید حل کند که نشان داده این قدرت را ندارد. با خرید نکردن که کار درست نمی شود. شاید یک نفر شکم سیر که نان و گوشت بوقلمون می خورد، این پیامک را به همه ارسال کرده و برایش بالا و پایین رفتن قیمت تأثیری بر زندگی اش ندارد.

خانمی که از مخالفین این طرح است، سوال می کند که "مگر می شود نان نخرید؟" او که مثل بسیاری دیگر از شهروندان، به مخالفت با طرح هدفمندی یارانه ها می پردازد، در ادامه صحبت های خود می گوید: "قیمت ها به قدری گران شده که من و شوهرم با هم کار می کنیم اما باز هم کفاف زندگی و این خرج ها را نمی کند." او می گوید: "همه چیز و همه این بلاها از یارانه ها بر سر مردم هوار شد."

سراغ یکی از نانوايي های شهر می روم تا از فروش روزانه اش بپرسم. به محض شنیدن سوال، می گوید: "امروز مشتریان می گفتند پیامکی آمده که مردم نان نخرند. خب تا حدودی در فروش ما تأثیر داشت، اما خیلی چشمگیر نبود." او می گوید: "خود من هم با این طرح موافق هستم، ولی تنها با خرید نکردن جواب نمی دهد. باید ما نانوايي ها هم تعطیل کنیم تا تأثیر اعتراض مردم بهتر مشخص شود."

علت گرانی نان را می پرسم که هم به آزاد شدن نرخ آرد اشاره می کند و هم گندم وارداتی که به خاطر مشکلات تحریم به گندم های بی کیفیت تبدیل شده است.

مردم میانسال دیگری که در حال خرید نان است، با اعتراض به این بحث می گوید: "خانم، این شیوه فایده ای ندارد. مردم باید به خیابان ها بیایند و اعتراض کنند. خیابان هم نه با سکوت. باید صدای اعتراض بلند باشد." اما خانمی که پشت سر اوست، جواب می دهد: "مگر کم جوانان مردم را کشتند؟" با این حال پاسخ آقا این است که "مردم باید کار را یکسره کنند. باید کشته بشوند تا حرف خود را به کرسی بنشانند."

به او می گویم شاید این اعتراض، مقدمه کارهای بعدی باشد. جواب می دهد: "آخر نان نخریدن که خودش مرگ تدریجی است. باید به فکر کارهای اساسی بود."

نانوایی را که ترک می کنم، صحبت یکی از شهروندان را با خود مرور می کنم که گفت: "با همین طرح می توان تمرین وحدت کرد و برای کارهای بزرگتر خود را آماده کرد. به نظرم لااقل از سکوت و انفعال بهتر است."

۲۰ واحد بزرگ صنعتی قزوین در آستانه تعطیلی

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 4 تیر آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین اعلام کرد: بیش از ۲۰ واحد بزرگ صنعتی در استان قزوین به جهت تعهد شکنی دولت در پرداخت یارانه بخش تولید در پی اجرای قانون هدفمندی یارانهها در آستانه تعطیلی قرار دارند.

عید علی کریمی در این زمینه با ذکر مثالهایی به ایلنا گفت: واحدهای تولیدی فرخ، ناز نخ، پوشینه باف، لامپ الوند و... به جهت افزایش قیمت حاملهای انرژی و عدم حمایتهای دولت دچار بحران شدهاند و کارگران این واحدها در بلاتکلیفی به سر میبرند. به گفته کریمی با تعطیل شدن واحدهای تولیدی کارگران به جهت اینکه از حداقل امکانات معیشتی محروم هستند بیشترین زیان را خواهند دید.

این فعال کارگری در قزوین یکی از مشکلات بنگاههای اقتصادی و صنعتی کشور پس از اجرای قانون هدفمندی یارانهها را تامین منابع مالی دانست و گفت: متأسفانه تحولات و تغییرات در شرایط کلان اقتصادی کشور به گونه ای صورت میگیرد که بنگاههای اقتصادی نمیتوانند خود را با این شرایط وفق دهند و همین امر باعث شده است که نتوانند برای آینده خود تصمیم قطعی بگیرند. کریمی با یادآوری تعهد دولت در خصوص پرداخت 30 درصد از مجموع درآمدهای هدفمندی یارانهها به بخش تولید، اظهار کرد: وعدههای دولت در خصوص حل مشکلات واحدهای بحرانزده که همراه با اولین سفر استانی هیئت دولت به استان قزوین مطرح شده بود هنوز به نتیجهای نرسیده است.

آخرین اخبار از فعالین کارگری بازداشت شده کرج و زندانی در اداره اطلاعات رشت

به گزارش سایت اخبار روز - بنا بر آخرین اخبار رسیده از منابع موثق در 4 تیر آمده است: پس از یک هفته بی خبری، روز پنجشنبه اول تیر میترا همایونی، سعید مرزبان و سیروس فتحی موفق به برقراری تماس تلفنی کوتاهی با خانواده هایشان شدند.

- طی روزهای گذشته، خانواده های مسعود سلیم پور و فرامرز فطرت نژاد بعد از مراجعات مکرر و بحث و جدل های زیاد با مامورین زندان موفق شدند زندانبانان را راضی به دریافت داروهای موردنیاز عزیزانشان کنند. خاطر نشان می شود که مسعود سلیم پور و فرامرز فطرت نژاد سخت بیمار و تحت درمان می باشند و نیاز شدید به مصرف منظم دارو دارند. این فعالین کارگری زندانی در رشت، پس از گذشت ۹ روز هنوز نتوانسته اند ملاقات حضوری با خانواده هایشان داشته باشند. روز شنبه ۳ تیر زندانبانان برای ممانعت از حضور مستمر خانواده های بازداشت شدگان مقابل دادسرا واقع در پل عراق رشت از خانواده ها خواستند فعلاً مراجعه نکنند چون بازداشت شدگان حداقل تا ۵شنبه میهمان هستند!!!

لازم به یادآوری است که این فعالین کارگری تا به امروز هیچ گونه تفهیم اتهام نشده اند و از حق داشتن وکیل برخوردار نیستند. زندانبانان قبلاً گفته بودند که آن ها تا شنبه در بازداشت خواهند بود. امروز گفتند تا پنجشنبه باید بمانند. انگار دارند خانواده ها را می پیچانند تا تجمع نکنند و دست از پیگیری شان بردارند. بهر صورت طولانی شدن بازداشت و کشیده شدنش به هفته دوم به نگرانی می افزاید!

تجمع جمعی از مریبان پیش دبستانی لرستان مقابل پارلمان

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 4 تیر آمده است: جمعی از مریبان پیش دبستانی استان لرستان امروز صبح (4 تیر) مقابل پارلمان تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، مربیان پیش دبستانی آموزش دیده استان لرستان در تجمع مقابل پارلمان از رییس مجلس خواستار سیدگی وضعیت شغلی خود هستند.
مربیان پیش دبستانی استان لرستان به دلیل این که وعده‌هایی در رابطه با استخدام و بهبود اشتغالشان به آنها داده شده ولی تاکنون برای تحقق وعده‌ها اقدامی صورت نگرفته است از صبح امروز مقابل مجلس تجمع کرده‌اند.

چهارمین گفتگوی امیرجوهری با محمود صالحی

این گفتگوی جانب رادیو " همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوند) با محمود صالحی سخنگوی " کمیته دفاع از رضا شهابی " ، پیرامون آخرین وضعیت رضا شهابی و نشست سالانه فعالان " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری " در شهر کرج و پیگیری این ماجرا از زبان محمود صالحی مبنی بر فراهم آوردن طرح شکایت بین المللی بعنوان شاکیان خصوصی از ابعاد این تجاوز به وکلای بین المللی صورت گرفته است

شنوندگان عزیز رادیو همبستگی با کارگران ایران-گوتنبرگ (سوند)

با امید به اینکه همه شما در هر کجایی که هستید، خوب و سالم باشید. در برنامه امروز از سری گفتارهایی که با آقای محمود صالحی سخنگوی "کمیته دفاع از رضا شهابی" دارم. این چهارمین گفتگوی این سلسله گفتگوهاست. می خواهم که شما را در جریان آنچه که مربوط به وضعیت امروزی آقای رضا شهابی فعال کارگری و زندانی و همینطور حوادثی که متوجه نشست سالیانه فعالان "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" در شهر کرج صورت گرفت. از زبان محمود صالحی در جریان بگذارم.

امیرجوهری : محمود صالحی عزیز به شما سلام و درود دارم. اجازه بدید پیش از همه به عنوان سخنگوی کمیته دفاع از آزادی رضا شهابی " به ما بگوئید که رضا شهابی امروز در چه وضعیتی؟ آخرین خبری که ما داریم اطلاعیه شماره سی ایشونه که از بیمارستان خمینی فرستاده بودند و در ارتباط با جمعی که در برابر سازمان جهانی کار در ژنو بود. نقطه نظرهای خودشون رو بیان داشتند و در اونجا از اونچه که بر وضعیت خودش میگذره با حاضرین در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار، با نمایندگان کارگران سخن گفت، تازه چه خبر؟

محمود صالحی : با درود به شنوندگان رادیوی شما و درود به خود شما. امیدوارم که سالم و سر حال باشید. در رابطه با رضا شهابی ؛ خوب رضا شهابی هنوز در بیمارستان بسر می بره و هنوز کارهای پزشکی اش انجام نشده، متأسفانه امروز فردا می کنند. طبق معمول ادارات بوروکراتیک ما همیشه معطل بودیم و هستیم، این عواقب رودربر دارد که یک کار یک روزه را به چند ماه تاخیر انجام می دهند. رضا شهابی هنوز در بیمارستان بسر می برد. و وضعیت جسمی اش هم خوب نیست اما از نظر روحی خیلی هم خوبه هنوز هم هیچ حکمی، چیزی علیه شان از تجدید نظر صادر نشده است .

در رابطه با نشست کمیته هماهنگی هم که مجمع ششم کمیته هماهنگی در تاریخ بیست و شش خرداد 91 برگزار شد. متأسفانه این نشست مورد حمله خیلی وحشیانه نیروهای لباس شخصی قرار گرفت و اکثریت بچه هایی که در مجمع بودند یا زخمی شدند یا بشکلی مورد تعرض قرار گرفتند و خود من تا امروز در بیمارستان بودم. امروز که از بیمارستان برگشتم، کمرم شکسته شده و با توجه به فشارهایی که به من آوردند یکی از آن غول پیکرهایی که همیشه نون مفت این مردم رو می خورند، روی پشت من شنا می کرد به هر حال، حالا پشتم شکسته است .

امیرجوهری : محمود صالحی عزیز یکی از اطلاعیه هایی که توسط کمیته هماهنگی انتشار پیدا کرده یادآور شده که در بازجویی هایی که صورت می گرفت اونجا عنوان داشتند: "که اگر شماها واقعا از حقوق کارگران دفاع می کنید پس چرا بصورت مخفی و زیر زمینی مجمع و جلسات خود رو برگزار می کنید" پرسش این است که: آیا این تجمع یک حرکت مخفی و زیرزمینی در کرج و در یکی از محلات کارگرنشین و در خانه یکی از دوستانتان بوده یا در اساس پیش زمینه این رو باخودش داشته که شما یعنی منظور کمیته هماهنگی درخواستی بیشتر از وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی صورت داده بودید که بخوانند جایی یا محلی را در اختیارتون بذارند و اونها پاسخ منفی دادند و همین پاسخ منفی وسیله شد که شما به هر نحو ممکن نشست ششم کمیته هماهنگی رو سازمان بدهید. بین اون برخوردی که اونها می کنند و نوعیت کاری که شما به پیش بردید چه تفاوتی هست؟

محمود صالحی : ببین ما اصلا هیچ چیز مخفی نداریم. "کمیته هماهنگی" یک تشکل علنی و افراش هم مشخصه. از روزی که کمیته هماهنگی تاسیس شده اعضاء این کمیته زیر شدیدترین فشارهای دولته که به هر شکلی اعضاء این کمیته را از عضویت استعفاء دهند. این کمیته هیچوقت غیر علنی نبوده و علنی است. سایت هم دارد. افراشها هم علنی اند و خودش هم علنی، ما مجمع عمومی علنی هم داشته ایم . ما در اسفند ماه 1390 رسماً از وزارت کار درخواست کردیم که یک جا را در اختیار ما قرار بدهد تا مجمع ششم خود را برگزار کنیم، اما متأسفانه با مراجعه مکرر بچه های ما علی الخصوص علیرضا، با مراجعه مکرر ایشون، موفق نشدیم که تائید از اونها بگیریم. به همین دلیل ما مجمع برگزار کردیم این مجمع هم علنی بود و ما تلفنی به بچه ها گفته بودیم وقتی که ما یک کار علنی می کنیم طبیعی که تلفنی هم این کار رو می کنیم اگر مخفی بود دقیقاً ما هم مخفیانه انجام می دادیم ولی مجمع ما مجمع علنی بود و هیچگونه کار مخفی در آن وجود نداشت اما در بازجویی هایی که مثلاً از بچه ها صورت گرفته در بند 94 کمیته مشترک رجایی شهر، بازجویی انجام گرفته تمام بچه ها را چیز کردند که از کمیته هماهنگی باید استعفاء بدید این کمیته هماهنگی مربوط به حزب کمونیست ایران. این که اصلاً غیر واقعی، واقعیت نداره. این شایعات کذب که اینها را متصل می کنه به یک حزب خاص.

امیرجوهری: محمود صالحی عزیز شما دریکی از یادداشتهایی که امضاء خودتونه و همین هفته ای که پشت سر گذاشتیم، انتشار دادید. یاد آور شدید؛ که این حمله شما را بیاد کماندوهای اسرائیلی در ریزش خودشون یا در یورش افسارگسیختگی شون به فلسطینی ها برای شما تداعی کرده است. من میخوام این پرسش رو با شما در میون بذارم ایا فکر نمی کنید که وقت اون رسیده که بخاطر این بی حرمتی یعنی تجاوز به حریم خصوصی شما که در منزلی نشستید و رژیم از طریق نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، لباس شخصی و کماندوهای خودش از زمین و هوا با شکستن درب منزلی که در آن بسر می بردید امروز آنچه که در عرف قضایی بین المللی به عنوان سرقت مسلحانه تلقی میگردد. شما به عنوان شاکیان خصوصی در سطح محاکمات جهانی رژیم و این عملش رو به چالش و محاکمه بطلبید؟

فکر نمی کنید که امروز موقعش رسیده تا طرح دعوی کنید؟ این رو بیشتر از این جهت میگویم که در سطح جهان امروز در رابطه با اعتراضات و این سطح از تهاجم، وضعیت اسفبار همه آنانی که در زندان بسر هستند. هم به عنوان فعال سیاسی و هم به عنوان فعال کارگری شناخته شده، همچون: **رضا شهابی- علی نجاتی - شاهرخ زمانی - محمد جراحی - بهنام ابراهیم زاده - علی اخوان حتی چهره ای با مشخصه، فریبرز رئیس دانا و دیگران** و این سطح از تهاجمات اخیر که باز علیرغم اینکه تعدادی را مجبور شدند تا آزاد بکنند ولی هنوز **علیرضا عسکری - میترا همایونی- سعید مرزبان - ریحانه انصاری - مازیار مهرپور- سیروس فتاحی - جلیل محمدی - فرامرز فترت نژاد- و مسعود سلیم پور** هنوز توی زندان بسر می برند و حتی شنیده شده که تعدادی از آنها تا به امروز به هیچکدام از بستگانشون اجازه دیدار و گفتگوی تلفنی ندادند. فکر نمی کنید که موقع چنین عرض اندامی از جانب همه آنهایی که دستگیر شدند و در این تهاجم به آنها صدمه وارد گردید. الان خودتون گفتید که روی کمرتون یک غولی نشست و شما را با بدنی که مجروح بوده آذیت کردند بایستی به عنوان شاکی خصوصی از اینها در سطح جهان و قضات بین المللی شکایت کرد؟

محمود صالحی: بله ما دقیقا اینکارو می کنیم اما اولاً ما می خواستیم از دادستانی کشور شکایت کنیم ولی وقتی بچه ها نشستیم با هم صحبت کردیم. بدین دلیل که شاهد، حمله ای که به ما شده دستورش از دادستانی کل کشور باشه. بله ما همه معتقد به این هستیم که ما طرح دعوی کنیم و ما همینجا هم اعلام می کنم: بچه هایی که می خواهند و وکلایی که میخواهند، وکالت ما را قبول کنند. ما همگی می خواهیم که شاکی خصوصی بشویم و کارهای ابتدایی هم صورت گرفته بچه ها از فرانسه و شهرهای دیگه، کارای ابتدایی شو انجام دادند و ما همه شاکی خصوصی هستیم. دقیقا این کار را دنبال می کنیم.

دوما برای آزادی بچه هایی که اونجا هستند ما این روزها که جلسه داشتیم به توافق رسیدیم؛ همه اونایی که دستگیر شدیم باضافه اونایی که با ما هستند یک نامه داریم می فرستیم برای دادستان اگر اونا رو آزاد نکنند تا چند مدت دیگه، ما همه بطرف دادستانی کل کشور می رویم و اونجا تحصن خواهیم کرد در این رابطه یا اینکه ما رو هم باید دستگیر کنند بفرستند توی زندان این بچه ها حتما باید آزاد بشوند. خوب این کارای ابتدایی صورت گرفته امیدوارم تا چند روز دیگه نتیجه خوبی بدهد.

امیرجوهری: خوب این در واقع یک اقدام موثری خواهد بود و اینکه همانطوری که امروز برای آزادی آنانی که در زندان هستند، گسترده ترین تحرکات در سطح کشورهای مختلف جهان توسط گروه بندی های مختلف فعالان اجتماعی و سیاسی و همینطور مدافعین به حقوق کارگران در سطح نهادهای همبستگی با جنبش کارگری خارج از کشور و همینطور فعالان اتحاد بین الملل، گروه بندی های مختلف مدافعین حقوق کارگران در سطح اروپا استرالیا- کانادا - امریکا - برای تاریخ سی ام ژوئن و تاریخ های دیگری سطوح مختلف تحرکات را سازمان دادند. من فکر می کنم این کار شما در همزمانی با این سلسله اقدامات بیش از پیش، بتونه افکار عمومی جهان رو متوجه خطری بکنه که امروز هر سطح تشکل پذیری در جامعه مورد تهدید قرار میگیره به هر حال اگر شما نکته پایانی دارید در این گفتگو خوشحال میشم که باز میکروفون رو در اختیار شما بذارم و برای شما و همه دوستان آرزوهای بهترینها رو داریم.

محمود صالحی: زنده باشید شما هم خسته نباشید. من برای همه دوستانی که در هر جای دنیا در این مورد اقدام کردند دست مریزاد میگم امیدوارم که همیشه با جنبش کارگری بمانند و جنبش کارگری هم مطمئناً در حال پیشرویه به همین دلیل که مرتباً مورد تعرض قرار میگیره اگر جنبش کارگری در حال پیشروی نبود در حال عمل نبود مورد تعرض هم قرار نمی گرفت خوب نظام سرمایه داری افراد سرمایه داری اینو میدونه که اگر واقعا تنها نیرویی که برای رهای مبارزه می کنه طبقه کارگره به همین دلیل هم باید هم هر روز مورد تعرض سرمایه دارن و نوکران سرمایه داری قرار بگیره این یه چیز طبیعی امیدوارم بچه هایی که با جنبش کارگری هستند دلسوزانه تر فعالانه تر به همه اونا دست مریزاد بگم

امیرجوهری: شاد و سر بلند باشید تا فرصتی دیگر باز هم بتونیم با هم گفتگو داشته باشیم. روز بر شما خوش

مبارزه طبقاتی در نظام سرمایه داری امری واقعیتست

از همان لحظات اولیه اطلاع یافتیم که دوستان و هم طبقه ای هایمان از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز جمعه ۲۶/۳/۱۳۹۱ در حین بر گزاری مجمع عمومی سالیانه توسط نیروهای مدافع سرمایه داری ایران مورد شدیدترین آسیب و آزار قرار گرفته و با وجود همه آن آسیب و تهدید و ارباب ها و ایجاد جوی بسیار ناگوار، نتوانسته در عزم و اراده پولادین آنها در دفاع از حقوق قانونی و انسانیشان ذره ای بکاهد. با تمام توان از مجمع عمومی و خواسته های بر حق طبقاتی دفاع و پویا فشرده اند. و بر عزم راسخ خویش و دیگران صد چندان افزوده اند. ما نیز به مانند عضوی از این مجمع به هم طبقه ای هایمان افتخار کرده و درود می فرستیم.

و خوب میدانیم مثل هزاران بار دیگر در گذشته، این بار نیز طبقه کارگر مورد خشم و کینه سرمایه داران قرار گرفته و شدید ترین بر خورد به آن ها اعمال شده است. قطعاً تا نظام سرمایه داری ستمگر باقی بماند این تضاد و مبارزه با شدت ادامه دارد.

فریاد و اعتراض اعضای کمیته هماهنگی، اعتراض و فریاد میلیون ها کارگر و زحمت کش و تحت ستم ایران و جهان است. که نمی خواهند با ذلت و خواری، حقانیت و خواسته های قانونی و انسانی شان در گلو خفه شود. این صدای یک قرن سرکوب و کشتار و شکنجه و اعدام، کارگران است. اکنون رژه رفتن و شاخ و شمشیر کشیدن، خواباندن آنها بر روی زمین و با پوتین های سرکوب رد شدن از روی

استخوان های خسته آنها، شکستن شاخ و برگ گل هایی است که به راستی تیغ های آنها در سرتاسر جهان بر بونده سرمایه داری عقب مانده فرو خواهد آمد. بگذار مام رحمان پیر و ایستاده فرامرز سپید موی در خون خویش بغلتند. پای محمود صالحی کی بود شود و کلیه هایش از بیرون نیز مورد حمله واقع شوند. محمد عبدی پور و هر کدام از دوستان دیگر به شیوه های مختلف مورد آزار جسمی و روحی قرار گیرند. این ریشه گل هایی هستند که در سرتاسر ایران در سر زمین نفت و گاز روئیده اند و چه خوب هم روئیده اند. و بسیار عالی شد که همه کارگران و مردم تحت ستم در سرتاسر جهان فهمیدند که در اینجا در این سر زمین آفتاب و زیبایی، چگونه میلیون ها نفر بیکار و در رنج و عذاب زندگی میکنند.

آیا با شکستن و پاره کردن دست و صورت و توهین های آزار دهنده به فعالین کارگری، مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و بحران سرمایه داری ایران حل خواهد شد؟ آیا یک قرن سرکوب و در اغوا نگه داشتن کارگران، سکوت و ذلت را برای این طبقه ایجاد کرده است؟ فکر می کنم سرمایه داری نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر جهان، دیگر به آسانی قادر به سرکوب جنبش کارگری نخواهند شد. زیرا ضرورت و نیاز مبرم طبقه کارگر به زندگی است که وی را وادار می کند، برای رسیدن به زندگی انسانی و واقعی خود و همه انسان ها در تلاش پیگیر باشند. آگاهی از زندگی انسانی، و بهره مند شدن از نیروی کار خود، همه جهان را در نور دیده است. برای همین است که اعضای کمیته هماهنگی از یک طایفه یا قبیله یا یک نژاد و زبان و غیره نیست. بلکه زیباترین سروده های شمال، فریاد کوهستان های کردستان، ضرب آهنگ های کارگران گرسنه جنوب، نغمه در گلو خفه شده کارگران تهران و غیره هستند. که به این آسانی دست از آرمان های امروز و فردای شان بر نمی دارند. جدا کردن ریحانه از تنها دخترش، سعید و میترا از فرزندان شان، قذغه کردن مسعود از نسیم کوهستان ها، آزار جلیل محمدی و سیروس فتحی و مازیار و علیرضا عسکری و در زندان نگه داشتن شان، نمی تواند اراده طبقاتی را تضعیف کند. ایجاد تشکل های کارگری آزاد و مستقل و واقعی به مانند هوا برای نفس کشیدن مان ضرورتی انکار نا پذیر است. و این کوچک ترین خواسته ما کارگران در این قرن است. آزار و اذیت و شکنجه و تهدید و توهین و زندانی کردن همه کارگران و فعالین کارگری را به شدت محکوم می کنیم و خواستار آزادی همه آنها هستیم.

جهانگیر محمود ویسی

عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۳۹۱/۴/۴

بازیکنان برای هر دقیقه چقدر می گیرند/جدول: هر دقیقه 300 برابر دستمزد ماهانه یک کارگر

به نوشته سایت آفتاب در 4 تیر آمده است: بررسی مبالغ دریافتی توسط فوتبالیست های نه چندان با کیفیت فوتبال ایران نشان می دهد که بازیکنانی که بالای یک میلیارد تومان دریافتی دارند برای هر دقیقه به اندازه حدود 300 برابر یک کارگر دستمزد دریافت می کنند. پرداخت مبالغ بالای یک میلیارد تومان به برخی از بازیکنانی که البته از نظر فنی در حد بازیکنان درجه سوم اروپا هم نیستند چند سالی است که در فوتبال بی در و پیکر ایران رسم شده و برخی مدیرانی که از کیسه دولت خرج می کنند حاضرند برای حفظ موقعیت خود روی صندلی مدیریت و البته رقم خوردن ناکامی های پرتعداد، مبالغ اینچنینی را به بازیکنان پرداخت کنند. این در حالی است که حتی اگر یک تیم قهرمان لیگ برتر نیز شود تنها پاداشش حضور در لیگ قهرمانان آسیاست. ضمن اینکه باشگاه های ایران هیچ درآمدزایی هم ندارند و تنها باشگاه های هزینه هستند. با این حال ظاهراً هیچ گوش شنوایی برای برخورد و مقابله با این رسم غلط در فوتبال ایران نیست. این در حالی است که سایر اقدار جامعه رقم های بسیار اندکی بابت حقوق ماهانه دریافت می کنند اما بازیکنان برای هر دقیقه دویزد داخل زمین نزدیک به 350 هزار تومان دریافت می کنند.

بررسی خبرنگار مهر نشان می دهد هر بازیکن لیگ برتری فوتبال ایران اگر در هر 34 مسابقه لیگ به میدان برود، 3060 دقیقه برای تیمش بازی خواهد کرد که اگر او به عنوان یک بازیکن مطرح و تاثیرگذار یک میلیارد تومان دریافت کرده باشد، به ازای هر دقیقه بیش از 326 هزار و 797 تومان دریافت خواهد کرد.

به گزارش مهر، این رقم در حالی به دست می آید که حقوق ماهانه یک کارگر در سال 91 بر اساس تازه ترین اعلام حدود 389 هزار تومان است. کارگران برای هر دقیقه کاری که انجام می دهند مبلغی حدود 1624 تومان دریافت می کنند که حدود 200 برابر کمتر از مبلغ هر دقیقه بازی یک فوتبالیست میلیاردی است.

جدول میزان دقیق بازی و مبلغ دریافتی بازیکنان فوتبال
دقیقه بازی رقم قرارداد دریافتی هر دقیقه

3060 1000000000 بیش از 326797 تومان

3060 900000000 بیش از 294117 تومان

3060 800000000 بیش از 261437 تومان

3060 700000000 بیش از 228758 تومان

3060 600000000 بیش از 196078 تومان

3060 500000000 بیش از 163398 تومان

3060 400000000 بیش از 130718 تومان

حقوق ماهانه یک کارگر براساس اعلام وزارت کار در سال 91 حدود 389 هزار تومان است که جامعه 10 میلیون نفری کارگران را شامل می شود و اگر اعضای خانواده آنها را هم لحاظ کنیم حدود 30 میلیون نفر از جمعیت کشور با چنین حقوقی زندگی ماهانه خود را سپری می کند.

رقم های میلیاردی و صدها میلیون تومانی در شرایطی به بازیکنان لیگ برتری فوتبال پرداخت می شود که این رشته با وجود همه جذابیت و طرفدارانی که دارد، در ایران بجز ناکامی و شکست برای مردم عایدی دیگری ندارد و باشگاه ها هم هر سال به جای درآمدزایی بر میزان بدهی خود می افزایند و تنها صفرهای بدهی هایشان اضافه می شود.

زندگی نامه

زندگی نامه شیرخان نبوی

«حوری»

اشکهایش را

بر خاطرات با تو بودن

می باراند

بر زندگی ای که با مهر تو

زنده بود

و لبخندت

خرمنی از آفتاب را

بر سفره می نشاند

بلندای رنجانمه ات

چه پر نشیب و فراز است

شادمانه هایت

تنها آنگاه جلوه می نمود

که بر چهره ای بذر شادی می کاشتی

اما ای دریغا

تو به هشدارباشهای تن ات

اعتنا نکردی

زنده، زنده آب شدی

بی هیچ همدردی ات با قلبت

سفرنامه تلخی بود

که آرزوهای بلندت

با سطرهای کوتاه

و ناخوانا

باز بگذاری

ای کاش می پاییدی

و رؤیاهایت را

در دنیای بهتر می دیدی.

شیرخان نبوی متولد سال ۱۳۵۰ و از خانواده ای تنگدست در روستای آهنگران از توابع کامیاران بود. از ابتدای زندگی او تا دوران بلوغ و آشنا شدن با عوامل و علل فقر و ناداری و تبعیض موجود میان بخشهای جامعه، همانند زندگی میلیونها انسان تحت ستم دیگر نکته برجسته ای در آن دیده نمی شود. آنچه که به شخصیت شیرخان جلوه ای متفاوت با بسیاری از هم سرنوشتیاناش بخشید، دوره ای است که افکار انساندوستانه اش شکل گرفت و وارد دوره ای جدید از زندگی اجتماعی گردید. زندگی اجتماعی شیرخان سراسر مبارزه، اعتراض و آگاهگری در میان انسانهای بی حقوق و بی نسیب از امکانات موجود در جامعه است. انسانی خونگرم و بسیار صمیمی با دوستان و آشنایان و غمخوار اکثریت محروم بود و در عین حال دشمنی آشتی ناپذیری با اقلیت مفتخوری داشت که این دنیای وارونه را بر انسانها تحمیل کرده اند. آرزوهای بلندی در سر داشت و برای تحققشان آنی تعلل نمی کرد. ساختن دنیایی دیگر را ممکن می پنداشت و برایش مجدانه فعالیت می کرد. دنیای آرزوهای شیرخان، دنیایی فاقد از بی حقوقی، فقر و نکبت بود. دنیایی که شادی و رفاه برای عموم انسانها رکن اصلیش باشد. او برای بر پائی چنین دنیایی زنده بود و زندگی می کرد. دنیای انسانهای آزاد و برابر، دنیایی که در آن کودک کار و خیابان نباشد. او با دیدن هر کودک دست فروشی کنار خیابان قلبش آزرده می شد و از ته دل به این دنیای وارونه لعنت می فرستاد.

شیرخان خود یک کارگر بود که هر روزه مورد استثمار و بهره کشی واقع می شد. ولی او اهل تمکین نبود و اعتقادی به ابدی بودن سرنوشت نداشت. یقین کامل داشت که می شود سرنوشت را دگرگون کرد و دنیا را آنگونه که شایسته انسان متمدن است، ساخت. اما او فقط یک انسان آگاه نبود و آگاهیش را در ذهن خود اسیر نمی کرد. او یک مبارز بود و مصمم به مبارزه. از هر مجالی برای انتقال اندیشه اش به دیگران استفاده می کرد. انسانی شوخ طبع و صمیمی بود و به خاطر این ویژگی خیلی سریع در میان محافل و جمعها جا باز می کرد و مورد احترام واقع می شد. در برخورد هایش مذهب، رنگ، نژاد و جنسیت نمی شناخت و نسبت به هر گونه عامل تفرقه افکنی به افشاکاری می پرداخت و انسانیت و منافع و مناسبات انسانی را تبلیغ می کرد. اعتقاد به مبارزه جمعی داشت و برای متحد ساختن انسانها در عرصه های مختلف با

جدید تلاش می کرد. با شکل گیری اولین تشکل کارگری، یعنی کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری به عضویت آن در آمد و برای متشکل کردن کارگران هر چه بیشتری در آن تشکل فعالیت زیادی کرد. بعد از آن عضو انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و اتحادیه آزاد کارگران ایران شد و از حدود ۲ سال پیش تا زمان مرگش به عنوان عضو جمع فعالین کارگری کامیاران فعالیت داشت. شیرخان پیگیرانه به دنبال کسب خیر از مراکز کارگری بود و به مراکز در حال اعتصاب سر می زد تا با کارگران تماس بگیرد و رهنمود دهد. از کسانی بود که برای خانواده های کارگران در بند کمک مالی جمع می کرد و خود به دیدنشان می رفت. اعتصابات زیادی را خود به کمک فعالین دیگر سازماندهی و هدایت کرد. از آن جمله اند؛ اعتصابات طولانی و موفق کارگران در پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه در سالهای ۸۷ و ۸۸ و اعتصابات دو سال اخیر در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج. شیرخان فقط سازمانده اعتصابات نبود که خود در آنها ذی نفع باشد، در خیلی از اعتصابات کارگران شرکتهای دیگر شرکت فعال داشت و در کنار کارگران اعتصابی قرار می گرفت، راهنمایی می کرد و آنان را به اتحاد و مقاومت متحدانه در مقابل کارفرما تشویق می نمود.

این انسان مبارز فقط یک فعال کارگری نبود، بلکه فعال همه جنبشهای اجتماعی مانند زنان، کودکان و غیره بود. به هر مناسبتی شیرخان در کار تبلیغی، نصب پلاکارد در میداين و خیابانها و هر کار دیگری که لازم بود، فعالانه شرکت داشت. او هیچ یک از جنبشهای اجتماعی را بیگانه از جنبش کارگری نمی دانست و به همین خاطر تقویت جنبشهای دیگر را هم مهم و با اهمیت می دانست. برگزاری مراسمهای اول می، ۸ مارس و روز کودک مجالهائی بودند تا شیرخان از چند هفته قبل از رسیدن آن روزها با شور و شوق فراوان برای تدارکشان کار کند. به حق او یکی از سازماندهگان اصلی آن مراسمات بخصوص در کامیاران بود. اما کار تدارک و سازماندهی این گونه مراسمات و جشنها برای شیرخان محدود به شهر کامیاران نبود. خیلی از مراسمات به مناسبتهای روز جهانی کارگر، روز جهانی زن و روز جهانی کودک در شهرهای سنندج و کرمانشاه نیز عرصه های دیگری از فعالیت او به عنوان سازمانده و تدارک کننده شان بودند. شیرخان در ازای این همه فعالیت اجتماعی، ناوانهای زیادی نیز پرداخته بود. بارها توسط اطلاعات و نیروهای انتظامی تهدید و بازداشت شده و اذیت و آزار دیده بود و بارها در محیطهای کار از سوی کارفرمایان و عواملشان تهدید و اخراج شده بود. اما هیچ از آنها نتوانستند را از ادامه راهش بازدارند و همواره با روحیه تر و پر شورتر به فعالیتهایش ادامه می داد. متأسفانه شیرخان عزیز روز اول تیر ۱۳۹۱ حین کار در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج دچار سکته قلبی شد و به خاطر نبود پزشک و امکانات پزشکی مناسب قبل از رسیدن به بیمارستان جانش را از دست داد.

یادش گرامی باد

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه - ۱۳۹۱ / ۴ / ۴

اخراج ۱۶۰ نفر از کارگران سایپا یدک باقر شهر شهر ری

به نوشته سایت کمیته پیگیری ... در 5 تیر آمده است: در مورخه ۵ تیر ماه تعداد ۱۶۰ نفر از کارگران وقتی به کارت زنی مراجعه میکنند پیام میگیرند که به کارگزینی مراجعه نمایند. در کارگزینی به کارگران مراجعه کننده اطلاع میدهند که از کار اخراج شده اند. وقتی کارگران به اخراج خود اعتراض میکنند.

به آنها گفته میشود شما قراردادتان دارای زمان نبوده است. به همین دلیل نیاز به اطلاع قبلی نداشتید. مدیریت دستور داده است که از ورود شما به کارخانه جلوگیری شود؟

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

عضو کانون صنفی معلمان برای اجرای حکم ۹ سال و نیم حبس راهی اوین شد

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 5 تیر آمده است: محمود باقری، عضو هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان ایران دیروز سوم تیر ماه در پی احضار دادرسی اوین برای گذراندن حکم نه و نیم سال حبس به زندان اوین رفت.

این احضار در پی فراخوان دو ماه پیش وی انجام گرفت که در آن هنگام با درخواست مدرسه و همکاری قاضی دادرسی اوین اجرای حکم تا پایان امتحانات خرداد به تعویق افتاد. اما کمتر کسی باور می کرد که چنین حکم شگفت و سنگینی، برای یک فرهنگي تلاشگر، با پیشینه آموزشی 27 سال، اجرا شود.

باقری که 27 سال پیشینه ی آموزشی دارد، پیش از این به خاطر گردهمایی های اسفند 85 فرهنگیان مقابل مجلس در روزهای آغازین 86 یک ماه را در اوین گذراند و پس از آن، حکم سه و نیم سال زندان تعلیقی را دریافت کرده بود.

پس از آن و در سال 89 نیز به خاطر فعالیت هایش در کانون صنفی معلمان، بازداشت شد و نزدیک به سه ماه در اوین بازداشت بود و پس از آن در دادگاهی به 6 سال زندان تعزیری محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز عیناً تأیید شد

اعلامیه مطبوعاتی

تظاهرات کنندگان و اتحادیه های کارگری در کانادا

یورش وحشیانه ماموران جمهوری اسلامی به مجمع کارگری در کرج را محکوم کردند:

گزارش از تجمع اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتاوا

به گزارش فعلین اتحاد بین المللی از کانادا آمده است: در اعتراض به حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر کرج و دستگیری و ضرب و شتم بی رحمانه ۶۰ نفر از فعالین کارگری ایران یک تجمع اعتراضی فوری در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا در روز ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ برگزار گردید. این تظاهرات مورد حمایت بزرگترین اتحادیه کارگری در کانادا، اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، و همچنین اتحادیه کارگران پست کانادا قرار گرفت. تشکلات کارگری و سازمانها و احزاب چپ و مترقی ایرانی و کانادایی در این تظاهرات شرکت فعال داشتند.

سخنرانان برنامه از جمله پال مویست، رئیس کشوری اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، مایک پاله سک، از نمایندگان سراسری اتحادیه

کارگران پست کانادا و استوارت رایان، از لیگ بین المللی مبارزات مردم، بودند. پال مویست ضمن اعتراض شدید به هجوم نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران به نشست کمیته هماهنگی در کرج، به نمایندگی از جانب بیش از ۶۰۰ هزار عضو کیوپی اعلام نمود که این اتحادیه و جنبش کارگری کانادا کماکان به همبستگی با کارگران در ایران و کارزار برای آزادی تمامی کارگران زندانی ادامه خواهند داد. وی بر ضرورت همبستگی بین المللی تاکید نمود و اعلام کرد که ما باز هم در مقابل این سفارت جمع خواهیم شد و اعتراض خواهیم کرد و تلاش خواهیم نمود از فعالین کارگری در ایران حمایت کنیم و اجازه ندهیم که به سیاست سرکوب و ارباب فعالین کارگری ادامه دهند. پال مویست همچنین به دولت کانادا به خاطر عدم حمایت از حقوق کارگری بین المللی اعتراض کرد و مطرح نمود که دولت کانادا الویتهای اصلیش حمله به قوانین حفظ محیط زیست و نیز گسترش تجارت آزاد است و برای حقوق کارگری و اتحادیه ای ارزشی قائل نیست. مایک پاله سک به نمایندگی از اتحادیه کارگران پست کانادا بر ضرورت همبستگی طبقاتی کارگری که خصلتی کاملاً جهانی دارد تاکید نمود و ماهیت طبقاتی و کاپیتالیستی پشت این حملات وحشیانه به تشکلات کارگران و حقوق و دستاوردهای کارگری را تشریح نمود. وی تاکید کرد که این مبارزه ای است که طبقه کارگر همزمان در تمام کشورهای جهان، از ایران تا کانادا، در مقابل سرمایه داری و دولتهای آن درگیر می باشد. وی همچنین بار دیگر حمایت اتحادیه کارگران پست کانادا از مبارزات کارگران ایران را اعلام نمود و بر ضرورت همبستگی کارگری پای فشرد.

استوارت رایان، از "لیگ بین المللی مبارزه مردم" و همچنین از فعالین اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا در شهر اتاوا، در این تظاهرات به نمایندگی از لیگ بین المللی مبارزات مردم سخنرانی نمود و ضمن محکوم نمودن سرکوب فعالین کارگری و اجتماعی در ایران و کشورهای دیگر جهان، همبستگی خود را با مبارزات کارگری در ایران اعلام کرد. سازمان عفو بین الملل در کانادا که امکان حضور در این تجمع اعتراضی را به دلیل محدودیت زمانی نداشتند، بیانیه ای را در حمایت از کارگران ایران در اختیار برگزار کنندگان تظاهرات قرار دادند که برای حاضرین قرائت گردید. عفو بین الملل در حال حاضر درگیر یک کارزار جهانی برای آزادی کارگران و فعالین کارگری زندانی در ایران از جمله رضا شهابی، علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، رسول بدافی، علی اخوان، فریبرز رئیس دانا و دیگر فعالین در بند می باشد.

این تظاهرات مورد پوشش گزارشی از جمله توسط روزنامه مترو در شهر اتاوا قرار گرفت. تمام سخنرانان انگلیسی و فارسی زبان این تجمع حمله وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی و تداوم بازداشت نه نفر از فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی، ریحانه انصاری، میترا همایونی، سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیمپور، فرامرز فطرت نژاد و مازیار مهرپور، را به شدت محکوم کردند. شرکت کنندگان در این تظاهرات ضمن پشتیبانی از مبارزات طبقه کارگر در ایران خواستار آزادی فوری تمام دستگیر شدگان اخیر و تمام فعالان کارگری و زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی شدند. همچنین در این تظاهرات تاکید مجدد شد که تا آزادی کلیه فعالین کارگری بازداشتی کارزار بین المللی در کانادا و کشورهای دیگر ادامه خواهد داشت. جهت اطلاعات بیشتر و یا مصاحبه با برگزار کنندگان این تجمع اعتراضی با آدرسهای الکترونیکی زیر تماس بگیرید.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - واحد کانادا
شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا)

info@workers-iran.org / shora.poshtibani@yahoo.com

تظاهرکنندگان می گویند: ایران باید سازماندهندگان اتحادیه ای زندانی را آزاد کند

گراهام لانکتری، روزنامه مترو-اتاوا، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲

در مقابل دروازه های آهنی سفارت ایران در اتاوا، روز جمعه، گروهی از معترضین خواهان آزادی هفت (نه نفر، مترجم) زندانی ای می باشند که به دنبال سرکوب پلیسی یک تشکل کارگری در اواسط ماه ژوئن در بازداشت به سر می برند.

"رژیم اسلام به یک جلسه فعالین کارگری تعرض کرد و ۶۰ نفر را بازداشت نمود"، سروش حریری، یکی از اعضای جامعه ایرانی، می گوید؛ "تنها گناه آنان این بوده است که می خواستند کارگران را متشکل کنند، و ما خواهان آزادی فوری آنها از زندان هستیم."

در شهر کرج، ۶۰ عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ توسط ماموران وزارت اطلاعات ایران بازداشت شدند. همه به جز ۹ نفر از آنان آزاد شده اند. این اقدام چند روز پس از انتشار گزارش عفو بین الملل، که در آن از دولت ایران خواهان آزادی هفت فعال کارگری که در زندانهای مختلف کشور محبوس هستند، صورت گرفت.

ما بطور جدی نگران سرکوب حقوق کارگران در ایران هستیم"، فریدپرتوی، یکی از سازماندهندگان تظاهرات و رئیس اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، لوکال ۴۷۷۲، توضیح داد، "به خصوص در زمانی که حقوق کارگران در سراسر جهان تحت حمله قرار دارد."

"ما از دولت کانادا درخواستی نداریم" سروش حریری نقل می کند، "اما ما هر هفته اینجا خواهیم بود تا اینکه آنها آزاد گردند."

ترجمه و تکثیر از:

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - واحد کانادا
شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا)

info@workers-iran.org / shora.poshtibani@yahoo.com

شمار تعدیل نیروی کار شهابخودرو به ۶۶۷ نفر رسید

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 5 تیر آمده است: نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو اعلام کرد: این کارخانه وابسته به آستان قدس رضوی با تعدیل ۱۷ کارگر قراردادی دیگر، شمار کارگران بیکار خود را به ۶۶۷ نفر رساند.

به گزارش ایلنا، نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو، با بیان این خبر گفت: کارخانه شهاب خودرو که طی روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین ماه سال جاری تعداد ۶۵۰ کارگر قراردادی خود را به بهانه افزایش مشکلات کارخانه تعدیل و اخراج کرده بود هم اکنون با عدم تمدید قرارداد با ۱۷ کارگر قراردادی دیگر تعداد کارگران اخراجی خود را افزایش داده است.

او با بیان اینکه شایعه اخراج ۵۰ کارگر دیگر طی هفته های آینده قوت یافته است گفت: با وجود تجمعات گسترده ای که کارگران در مقابل نهادهای مختلف ذیربط انجام داده اند متأسفانه بعد از گذشت سه ماه هنوز عکس العمل مسئولان را در قبال حل مشکلات کارگران شهاب

خودر مشاهده نکرده‌ایم.

این کارگر اخراجی با اشاره به اینکه وابستگی کارخانه شهاب خودرو به آستان قدس رضوی محدودیتهایی را جهت پیگیری مشکلات بیش از ۶۶۷ کارگر اخراجی بوجود آورده است، اظهار داشت: با وجود حکم مراجع قانونی و اداره کار مبنی بر بازگشت به کار کارگران، متأسفانه کارفرمای شهاب خودرو از اجرای این حکم امتناع می‌کند.

نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو با ابراز نگرانی از وضعیت بوجود آمده، اظهار کرد: مشکلات معیشتی و روحی روانی و همچنین خانوادگی کارگران در طول این مدت افزایش یافته است.

این فعال کارگری گفت: صبح روز شنبه تعداد کثیری از کارگران اخراج شده شرکت شهاب خودرو با مراجعه به اداره کار شمال غرب تهران خواستار دریافت هرچه سریع‌تر مستمری بیمه بیکاری خود شدند.

او متذکر شد: مسوولین اداره کار استان تهران مدت سه ماه است که دستور پرداخت مقرری بیمه کارگران اخراج شده را به بهانه پیگیری بازگشت به کار آن‌ها صادر نمی‌کنند و پس از دو ماه هنوز موفق به بازگشت بکار نیز نشده‌ایم، این در شرایطی است که کارگران در طول این سه ماه با مشکلات معیشتی فراوانی مواجه بوده‌اند.

این فعال کارگری همچنین خبر داد: از ابتدای تیرماه اعتبار دفترچه‌های بیمه تامین اجتماعی کارگران به پایان رسیده است و خانواده‌های آن‌ها دیگر قادر نخواهند بود از بیمه نیز استفاده کنند.

اختصاص 100 میلیون تومان به نمایندگان رژیم در مجلس برای رهن آپارتمان در تهران

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 5 تیر آمده است: یک عضو هیات رییس مجلس شورای اسلامی از اختصاص 100 میلیون تومان به راهیافتگان برای رهن آپارتمان در تهران خبر داد و گفت: هیات رییس به آنها توصیه کرده در مناطق بالای شهر ساکن نشوند.

به گزارش ایسنا، سیدشرف حسینی اظهار داشت: با توجه به قیمت بالای مسکن پیشنهاد می‌کنیم راهیافتگان در جایی زندگی کنند که مردم عادی حضور داشته باشند، در این صورت هم دسترسی آنها به مجلس سریعتر است و هم هزینه ایاب و ذهاب و سوخت کمتری را مصرف کنند و البته زمان کمتری را هم در ترافیک صرف کنند.

راهیافته مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی یادآور شد: ارباب رجوعی که به مجلس می‌آیند و بعضاً میهمان راهیافتگان می‌شوند شاید در تردد به نقاط بالای شهر با مشکل مواجه شود لذا پیشنهاد ما به نمایندگان این بوده که در مناطقی سکونت یابند که در مرکز شهر و نزدیک به بهارستان است.

این عضو هیات رییس مجلس خاطر نشان کرد: البته درباره سکونت در مرکز شهر الزامی وجود ندارد اما این موضوع به صورت اتفاقی به الزام تبدیل شده زیرا پولی که در اختیار نماینده قرار می‌دهیم، اصلاً این قابلیت را ندارد که نماینده در بالای شهر سکونت یابد.

حسینی اضافه کرد: مجلس تا سقف 100 میلیون تومان برای رهن منزل برای نمایندگانی که در تهران خانه ندارند در نظر گرفته که این پول خود مجلس است و به مجلس برمی‌گردد.

وی اضافه کرد: ما وظیفه داریم مثل خانه سازمانی یا مبلغی اجاره در اختیار نمایندگان بگذاریم و یا برای نمایندگان خانه رهن کنیم و در همین راستا مجلس برای نمایندگان قرارداد می‌بندد و پول مستقیماً در اختیار نماینده قرار نمی‌گیرد.

اخراج ۲۵ نفر از کارگران کارخانه تغذیه الکترونیک

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 5 تیر آمده است: قرارداد ۲۵ نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک، از ابتدای تیرماه سال جاری تمدید نشده است و این کارگران با دریافت نامه از مسئولان کارخانه، برای دریافت بیمه بیکاری به مراجع ذیصلاح معرفی شدند.

اسماعیل حق پرستی، دبیر اجرایی خانه کارگر تهران، در این زمینه به ایلنا گفت: تعدیل ۲۵ نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک برای دومین بار است که در سال جاری انجام می‌شود که بنابر اطلاعات دریافتی، این روند، تا تعطیلی کامل این کارخانه ادامه پیدا می‌کند.

وی خاطر نشان کرد: این کارخانه بیش از ۳۰ سال، سابقه فعالیت در عرصه تولید قطعات الکترونیکی دارد که به دلیل واردات بی‌رویه در این زمینه، توان تولید خود را از دست داده است و نمی‌تواند به صورت عادلانه با قطعاتی که به کشور وارد می‌شود رقابت کند، لذا به دلیل کاهش فروش و افزایش هزینه‌ها، به اخراج و تعدیل کارگران کارخانه روی آورده است.

به گزارش ایلنا، کارگرانی که از کار در این کارخانه محروم شدند، دارای سوابقی از ۴ تا ۱۷ سال هستند که به دلیل مشکلات کارخانه نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند، این در حالی است که تعدادی از کارگران این کارخانه، به دلیل اشتغال در این شرکت، در حال اقدام برای آغاز زندگی مشترک بودند.

گفتنی است کارخانه منابع تغذیه الکترونیک، یکی از پرسابقه‌ترین کارخانجات تولید قطعات الکترونیکی محسوب می‌شود که از چند سال پیش بسیاری از قراردادهای رسمی را به قراردادهای موقت و ۳ ماهه تبدیل کرده است.

بازانه 4.5 میلیون ایرانی قطع شد!

به نوشته سایت آفتاب 5 تیر آمده است: محمدرضا فرزین درباره‌ی این که آیا باز هم تعداد دریافت‌کننده یارانه کاهش خواهد یافت؟ گفت: ما هم اکنون در حال بررسی این موضوع هستیم.

وی با اشاره به این که بخشی از افراد حذف شده از فهرست دریافت‌کنندگان یارانه، ایرانیانی هستند که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، درباره چگونگی شناسایی افراد دارای تمکن مالی گفت: به هر حال ما از خیلی پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده کرده‌ایم و نظام مشخصی برای شناسایی این افراد داریم.

رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی همچنین درباره اظهارات اخیر رییس کل بانک مرکزی مبنی بر امکان تخصیص منابع این صندوق به افزایش سرمایه بانک‌های دولتی توضیحاتی ارائه کرد.

وی با اشاره به این که آنچه که رییس کل بانک مرکزی مطرح کرده، مربوط به یکی از بندهای مصوبات هیات امنای صندوق توسعه ملی است، گفت: در این مصوبه آمده صندوق توسعه ملی می‌تواند تسهیلاتی را به بانک‌های دولتی تخصیص دهد که آن‌ها این تسهیلات را در اختیار بخش خصوصی قرار دهند، اما اگر از این محل سودی حاصل شد، بانک‌ها می‌توانند آن سود را به افزایش سرمایه خود تبدیل کنند.

به گزارش ایسنا، او با تأکید بر این که این موضوع ارتباطی با تسهیلات صندوق توسعه ملی ندارد، افزود: ما به دنبال این نیستیم که منابع خود را بابت افزایش سرمایه به بانک‌های دولتی اختصاص دهیم. فرزین اظهار کرد: به نظر می‌رسد استناد رییس کل بانک مرکزی به همین بند از مصوبه هیات امنای بوده است.

به دنبال واردات بی رویه شکر به کشور؛ چغندر کاران، هندوانه می‌کارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 5 تیر آمده است: یک کارشناس ارشد بخش کشاورزی اعلام کرد: در پی واردات ۶۰۰ درصدی شکر به داخل کشور ۸۰ درصد از چغندر کاران در آستانه بیکاری قرار گرفتند. بهزاد قریاضی در گفتگو با خبرنگار ایلنا ضمن بیان مطلب فوق یاد آور شد: واردات بی‌رویه شکر موجب خواهد شد که چغندرکاران به مشاغلی از قبیل هندوانه کاری روی بیاورند.

به گفته قریاضی صنعت قند و شکر کشور که در سال ۸۵ با زیرکشت بردن ۱۸۰ هزار هکتار و تولید ۶ میلیون و ۵۹۲ هزار تن چغندر قند در طول عمر ۱۱۲ ساله خود تجربه بی‌سابقه‌ای را پشت سر می‌گذاشت و خودکفایی شکر را در چند قدمی می‌دید با واردات شکر در سال گذشته و امسال که در مجموع به بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تن رسیده است با بحران کمبود نقدینگی و ورشکستگی روبه‌رو شده است.

وی با بیان اینکه بیش از ۷۵ درصد از واردات شکر ایران از طریق دو کشور امارات و سوئیس انجام شد یاد آور شد: براساس آمار گمرک ایران، در دو ماه نخست امسال بیش از ۱۱۸.۷ هزار تن قند و شکر از نیشکر تصفیه نشده بدون مواد خوشبو کننده یا رنگ کننده به ارزش بیش از ۹۹.۱ میلیون دلار وارد کشور شد. این میزان واردات نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب رشد ۴۰۱ و ۶۸۰ درصدی را نشان می‌دهد.

گفتنی است افزایش واردات شکر به حدی بوده که این کالا به نهمین کالای عمده وارداتی کشور طی دو ماه نخست امسال تبدیل شده است. همچنین در این مدت تنها حدود ۱۳ هزار تن شکر در کشور تولید شد. سال گذشته یک میلیون و ۲۳۴ هزار تن شکر وارد کشور شده بود و تولید داخلی شکر نیز بالغ بر یک میلیون و ۱۵۰ هزار تن شد.

تجارت مرگ در پایتخت/ لالان دارو با خرید بروشور و جعبه های داروهای دیگر بیماران

به نوشته سایت سلامت نیوز در 5 تیر آمده است: بازار داروی ناصر خسرو؛ جایی که قرار نیست تعطیل شود! دلالان دارو با خرید بروشور و جعبه های داروهای دیگر بیماران، داروهای غیرمجاز، کمیاب و تاریخ مصرف گذشته خود را در آن جای داده و با قیمت های سر به فلک کشیده ای به افرادی که برای رسیدن به نوسداری برای زنده ماندن عزیزان شان پا به آنجا نهاده اند، می فروشند. این روزها تنوع داروهایی که دلالان در خفا می فروشند بیشتر شده است، داروهایی همچون زوبیون، فیفول و کلسیم برای خانم‌های باردار، میزوپرستول و پروستادین برای سقط جنین و پلاویکس برای عمل قلب باز، ترامادول، انواع واکسن های تقویتی، هورمون های جنسی و ...

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایسنا؛ از میدان توپخانه تا خیابان 15 خرداد، خیابانی که برای تهیه هر نوع داروی نایابی می توانی به آنجا مراجعه کنی، البته با جیبی پر پول و سری نترس از استفاده داروهای تاریخ گذشته و فاسد. شاید گوش کمتر کسی به خیابان ناصر خسرو نا آشنا باشد، یکی از خیابان های قدیمی تهران که از سال ها پیش به پاتوق فروشندگان داروهای نایاب تبدیل شده است، خیابانی با کوچه پس کوچه های تنگ که هر گوشه آن فروشندگانی با پوشش جوراب فروش، آدامس فروش و... بازیگر بازار سیاه دارو شده اند.

داروها از کجا می آید؟

رئیس انجمن داروسازان ایران درباره علل وجود بازار سیاه دارو در خیابان ناصر خسرو و فروش داروهای کمیاب و قاچاق می گوید که برخی بیماران و خانواده نیازمند از روی ناچاری سهمیه دارویشان را به دلالان ناصر خسرو می فروشند. رهبر مژدهی آذر خیر می دهد: سرپرست خانواده‌ای که فرزند هموفیلی دارد پس از دریافت دارو مثلاً از داروخانه 13 آبان به جای اینکه این دارو را برای فرزندش استفاده کند، برای سیر کردن شکم خانواده به دلالانی که در کنار این داروخانه‌ها نیز به وفور وجود دارند، می‌فروشد. وی در پاسخ به این پرسش که چرا در این زمینه همیشه خریدار دارو وجود دارد و آنها چگونه این داروها را در بازار سیاه می‌فروشند، گفت: به هر حال دلالان این داروها نیز همیشه مشتریانی در بیمارستان‌ها، شهرستان‌ها و کسانانی که نتوانسته‌اند سهمیه دارویی خود را دریافت کنند وجود دارد و باید به مسئله کمبود برخی داروها که بر اثر مشکلات مختلف از جمله تحریم‌ها به وجود می‌آیند نیز اشاره کرد.

یکی بیمار در صفحه شخصی خود در یکی از شبکه های اجتماعی نوشته بود: "زمانی که با سختی و مشقت فراوان موفق شدم دارو های شیمی درمانی خودم را از داروخانه 13 آبان تهیه کنم و به خاطر داروها 3 میلیون تومان به این داروخانه دولتی پرداخت کنم مردی که ظاهرش به دلال ها نمی خورد دم در داروخانه بهم گفت: فقط بورشور و جعبه خالی داروها شما را 500 هزار تومان می خرم. همیشه دارو های خودت را خالی کنی. باعصبانیت بهش گفتم 500 میلیون اگر بدی بهت نمیدم". بدین ترتیب دلالان دارو با خرید بروشور و جعبه های داروهای دیگر بیماران، داروهای غیرمجاز، کمیاب و تاریخ مصرف گذشته خود را در آن جای داده و با قیمت های سر به فلک کشیده ای به افرادی که برای رسیدن به نوسداری برای زنده ماندن عزیزان شان پا به آنجا نهاده اند، می فروشند.

داروهایی با طعم مرگ

این روزها تنوع داروهایی که دلالان در خفا می فروشند بیشتر شده است، داروهایی همچون زویبون، فیفول و کلسیم برای خانم‌های باردار، میزوپرستول و پروستادین برای سقط جنین و پلاویکس برای عمل قلب باز، ترامادول، انواع واکسن های تقلبی، هورمون های جنسی، زیبایی اندام، دوپینگ، داروهای مخدر و... به اشکال مختلف در معرض فروش قرار گرفته است. اما بیش از 80 درصد فرآورده هایی که در این بازار عرضه می شود یا داروی تقلبی است یا به دلیل شرایط نگهداری بسیاری از آنها فاسد شده اند که با این حال به مشتریان فروخته می شود. ضمن اینکه استفاده بسیاری از داروها همچون آمپول های سقط جنین غیرقانونی و غیرشرعی است.

نظارت و وظیفه کدام نهاد است؟

حدود دو سال پیش علی مژدهی پور رئیس سازمان تعزیرات حکومتی گفته بود: همین که داروهای موجود در خیابان ناصر خسرو مورد تایید وزارت بهداشت و موسسه استاندارد نیست، دلیلی بر تقلبی و تاریخ مصرف گذشته بودن آنهاست و این سازمان با همت ماموران بهداشت و گزارش آنان با متخلفان این حوزه برخورد قاطع می کند. سال گذشته نیز محمدرضا شانه ساز معاون داروی سازمان غذا و دارو، ضمن اشاره به این که بر این بخش با همکاری نیروی انتظامی و قوه قضاییه نظارت می کنیم، عنوان کرد: این که نظارت وجود داشته باشد یا آنجا به طور کامل پاکسازی شود به عهده ما نیست، در بحث مبارزه با قاچاق کاملاً خودمان را درگیر می دانیم با نیروی انتظامی و ضابطان قضایی و دستگاه های اطلاعاتی مرتب همکاری داریم؛ با این وجود و با همه مبارزه های که صورت می پذیرد عده ای این تجارت را انجام می دهند و نمی توان گفت صد درصد می توانیم آن را جمع آوری کنیم. گویا انتظار برای اقدام مقتضی سازمان یا نهادی برای جمع آوری دلالان در خیابان ناصر خسرو بی فایده است، نه مسئولی در وزارت بهداشت این مهم را می پذیرد و نه نیروی انتظامی ضرب الاجلی مهیا می کند، در کنار اینها مردم نیز برای رهایی از درد فقدان دارو در داروخانه های دولتی، قدم به این خیابان می گذارند. کسی نمی داند شاید سال ها بعد گذر آن مسئول هم به دلالان های تاریک آن خیابان افتد.

اختلاس 100 میلیاردی در کرج

به نوشته سایت آفتاب در 5 تیر آمده است: رئیس کل دادگستری استان البرز از بازداشت 9 نفر به اتهام فساد مالی در کرج خبر داد. محمد صادق مهدوی راد به خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت: بخشی از پرونده این متهمان مربوط به سو استفاده های مالی از بانک ها و بخشی دیگر مربوط به پرونده فساد مالی نمایندگی بیمه ایران در استان البرز است. وی، میزان اختلاس از منابع بانکی را حدود 100 میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: اکنون تمام متهمان بازداشت شده اند و پرونده آنان برای ارجاع به دادگاه در حال آماده شدن است.

انتقال شش نفر از فعالان کارگری به بازداشتگاه رشت

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 5 تیر آمده است: با گذشت ده روز از حمله نیروهای امنیتی به محل گردهمایی شماری از فعالان کارگری و انتقال شش نفر از فعالان کارگری دستگیر شده به بازداشتگاه اطلاعات رشت، همچنان اطلاعی از وضعیت آنها در دست نیست و اتهامات وارده به آنها اعلام نشده است. ماموران امنیتی روز جمعه، ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۱، ده ها نفر از فعالان کارگری را که اغلب آنها اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" بودند، در شهر کرج بازداشت کردند. به گزارش «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری»، پس از انتقال تمامی دستگیرشدگان به زندان رجایی شهر کرج، شمار زیادی از آنها آزاد شدند و ۹ نفر به نام های سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیمپور، مازیار مهرپور، ریحانه انصاری، فرامرز فطرت نژاد و میترا همایونی همچنان بازداشت هستند. در پی تجمع روز سه شنبه ۳۰ خرداد خانواده های دستگیرشدگان در برابر دادسرای شهر کرج، به خانواده ها اعلام شد که چند تن از فعالان بازداشت شده به شهر رشت منتقل شده اند، چند تن از آنها نیز در اداره اطلاعات کرج بازداشت هستند. همسر یکی از بازداشت شدگان که مایل به ذکر نامش نیست، روز جمعه در گفت و گو با رادیو زمانه، در پیوند با چگونگی بازداشت این افراد و وضعیت فعلی آنها توضیح داده است:

چه خبری از آخرین وضعیت فعالان کارگری بازداشت شده دارید؟ چند نفر آزاد شده اند و چه کسانی هنوز در بازداشت هستند؟ روز جمعه ۲۶ خرداد ۵۷ نفر از فعالان کارگری بازداشت شدند که ۴۸ نفر آنها آزاد شده و ۹ نفر همچنان در زندان به سر می برند. از این ۹ نفر، شش نفر اهل شهر رشت هستند و یک نفر از کردستان و دو نفر نیز از فعالان شهر تهران هستند.

بهانه بازداشت این افراد چه بوده و چه اتهامی به آنها وارد شده است؟

فعالان کارگری که اغلب آنها اعضای، "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" بودند، در حالی بازداشت شدند که در پی برنامه ریزی برای برگزاری مجمع عمومی سالانه خود بودند. تمامی این افراد بدون ارائه حکم رسمی بازداشت شده اند و هنوز عنوان اتهامی آنها به خانواده ها ابلاغ نشده است و اطلاعی از اتهامات وارده در دست نیست، اما از آنجا که این افراد فعالان کارگری هستند و حکومت علی رغم شعارهای عوام فریبانه هرگز سیاست هایی در جهت رفاه حال کارگران نداشته است، طبیعتاً نظام جمهوری اسلامی نگران ارتقای آگاهی کارگران و فراگیر شدن اعتراض های صنفی آنان است. یکی از تمهیداتی که برای ممانعت از اعتراض های کارگران به کار بسته می شود نیز برخورد با فعالان کارگری و پیشگامان مبارزه های کارگری است. در خیرها آمده است که ماموران امنیتی، هنگام بازداشت فعالان کارگری، با آنها به خشونت برخورد کرده اند. آیا شما اطلاعی از شیوه بازداشت آنها و رفتار ماموران امنیتی دارید؟

ظهر روز جمعه، نیروهای امنیتی خانه ای که محل برگزاری این جلسه بود را محاصره کرده و با شلیک گلوله به آن هجوم آورده بودند. آنها با برخوردی که حتی در دهه شصت نیز به ندرت دیده می شد همسایه ها را از خانه هایشان بیرون کشیده و دستور داده بودند تا روی

کف حیاط و پارکینگ دراز بکشند. در واقع واحد به واحد از طبقه اول آپارتمان تا طبقه سوم آن که مجمع عمومی در آن برگزار شده بود، افراد عادی را از خانه‌هایشان بیرون کشیده و مرعوب کرده بودند. علاوه بر این برخوردها با افراد عادی که ساکنان آن مجتمع مسکونی بودند، اعضای کمیته هماهنگی نیز به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و استثنائی هم برای زن و مرد و پیر و جوان نبوده است. یکی از فعالان کارگری در اثر ضرب و شتم مأموران پرده گوشش پاره شده و زن جوانی نیز گردنش به خاطر ضربه‌های که با پوتین به آن وارد شده، صدمه دیده است به گونه‌ای که پس از انتقال به بازداشتگاه برای اینکه بتواند به بازجویی‌ها پاسخ دهد برای چند ساعت به درمانگاه اعزام شده است. بر اساس خبرهایی که رسیده پس از بازداشت فعالان کارگری شرکت‌کننده در این جلسه، تمامی آنها با دستبند به بازداشتگاه منتقل شده‌اند.

آیا بازداشت‌شدگان دسترسی به وکیل دارند و اجازه ملاقات با وکیل به آن‌ها داده شده است؟ آیا اصلاً وکیل دارند و از سوی خودشان یا خانواده‌ها وکیل برایشان تعیین شده است؟

به جز مازیار مهرپور سایر بازداشت‌شدگان پیش از بازداشت وکیل نداشته‌اند و البته از آنجایی که در اغلب اوقات سیستم قضایی ایران اجازه دسترسی متهمان به وکیل را در زمان تحقیقات نمی‌دهد، هیچکدام از متهمان تاکنون موفق به دیدار با وکیل نشده‌اند. در چند روزی که از بازداشت این افراد می‌گذرد با خانواده‌هایشان در تماس بوده‌اند و اطلاعاتی از وضعیت و محل نگهداری آنها در دسترس است؟

در چند روز گذشته هشت تن از اعضای بازداشت‌شده این تشکل با خانواده‌های خود تماس کوتاهی داشته‌اند، اما یک نفر تا کنون با خانواده‌های خود تماسی نداشته است. شش نفر از زندانیان نیز تا کنون به بازداشتگاه اطلاعات رشت تحویل داده شده‌اند. علاوه بر این مأموران امنیتی خانه سیروس فتحی را تفتیش کرده‌اند و کامپیوتری را که متعلق به همسر این فعال کارگری بوده است، با خود برده‌اند. آیا جلسات کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری پیش از این با برخوردهای نیروهای امنیتی مواجه شده بود یا این نخستین بار است که شرکت‌کنندگان در جلسات مجمع عمومی این تشکل بازداشت می‌شوند؟ این برای بار اول است که جلسه کمیته هماهنگی با هجوم مأموران مواجه می‌شود، اما تعداد بسیاری از اعضای این تشکل پیش از این نیز تجربه بازداشت از سوی نهادهای امنیتی را داشته‌اند.

محرومیت شش فعال کارگری از ملاقات با خانواده و وکیل

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا آمده است: پس از گذشت ۱۰ روز از بازداشت جمعی از فعالین کارگری در شهر کرج برخی از خانواده‌های بازداشت‌شدگان کماکان از حق ملاقات با بستگان و وکلای خود محروم هستند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، شش تن از فعالین کارگری بازداشتی که به بازداشتگاهی در شهر رشت منتقل شده‌اند با گذشت ۱۰ روز از بازداشت از ملاقات با خانواده‌ها و وکلایشان محروم هستند. طی حضور مستمر این خانواده‌ها در دادسرا واقع در پل عراق رشت روز گذشته مأموران به ایشان اعلام کردند که بازداشت‌شدگان تا روز پنجشنبه در بازداشت بسر خواهند برد. گفتنیست، بعد از یک هفته بی‌خبری روز پنجشنبه می‌ترا همایونی، سعید مرزبان و سیروس فتحی توانستند تماس کوتاهی با خانواده‌های خود داشته باشند.

در طی این روزها خانواده‌های مسعود سلیمپور و فرامرز فطرت‌نژاد بعد از مراجعه‌های متوالی موفق شدند داروهای این افراد را که سخت بیمار هستند را از طریق مأموران مستقر در بازداشتگاه به ایشان تحویل دهند. شایان ذکر است که هیچ یک از بازداشت‌شدگان تا کنون تفهیم اتهام نشده و از حق دسترسی به وکیل نیز محروم بوده‌اند.

بعد از يك هفته هنوز از سرنوشت ۹ فعال کارگری خبری نیست

۹ تن از فعالان کارگری بازداشت‌شده در شهر کرج، همچنان در زندان و تحت بازجویی قرار دارند. بنابر آخرین اخبار رسیده، مسعود سلیمپور، فرامرز فطرت‌نژاد، می‌ترا همایونی، مازیار مهرپور، سعید مرزبان، علیرضا عسگری، ریحانه انصاری، سیروس فتحی و جلیل محمدی افرادی هستند که با وجود گذشت ۹ روز، هنوز از علل بازداشت و اتهامشان اطلاعی در دست نیست. پیش‌تر شش تن از بازداشت‌شدگان به نام‌های سیروس فتحی، مازیار مهرپور، فرامرز فطرت‌نژاد، مسعود سلیمپور، می‌ترا همایونی و سعید مرزبان در تماس با خانواده‌هایشان، اعلام کردند که در اختیار اداره اطلاعات "رشت" قرار دارند. خانواده‌های بازداشت‌شدگان، امروز با مراجعه به دادگاه انقلاب شهر کرج، با عدم پاسخگویی مسئولین روبرو شدند. روز جمعه ۲۶ خردادماه، ۶۰ تن از اعضای شرکت‌کننده در مجمع عمومی سالیانه‌ی "کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری"، توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند.

در این بازداشت که با حمله ناگهانی شمار زیادی از افراد لباس شخصی و نیروی انتظامی همراه بود، نیروهای امنیتی اقدام به تیراندازی و ضرب و شتم شدید حاضران در جلسه کردند. به گفته‌ی شاهدان عینی، "تیراندازی مأموران منجر به سوراخ شدن لوله‌های آب آپارتمان شده و همسایگان با تعجب از مأموران می‌پرسیدند که چه خبر شده است؟.."

مأموران امنیتی نیز برای جلوگیری از بروز اعتراض همسایگان و مردم، با اعلام اینکه افراد بازداشت‌شده "مجرم" هستند، آنها را به بازداشتگاه منتقل کردند. بر اساس گزارش‌ها، مأموران در این حمله، زنان حاضر در جلسه را نیز مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. به گفته‌ی شرکت‌کنندگان در این جلسه، ۵ نفر از بازداشت‌شدگان همان شب آزاد شده و حدود ۵۰ نفر نیز یک روز بعد آزاد شده‌اند. گفته می‌شود از میان افراد بازداشت‌شده، "جلیل محمدی"، تاکنون هیچ تماسی با خانواده‌اش نداشته است. کمیته گزارشگران حقوق بشر

شمار تعدیل نیروی کار شهاب‌خودرو به ۶۶۷ نفر رسید

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 5 تیر آمده است: نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو اعلام کرد: این کارخانه وابسته به آستان قدس رضوی با تعدیل 17 کارگر قراردادی دیگر، شمار کارگران بیکار خود را به 667 نفر رساند.

نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو، با بیان این خبر به ایلنا گفت: کارخانه شهاب خودرو که طی روزهای 14 و 15 فروردین ماه سال جاری تعداد 650 کارگر قراردادی خود را به بهانه افزایش مشکلات کارخانه تعدیل و اخراج کرده بود هم اکنون با عدم تمدید قرارداد با 17 کارگر قراردادی دیگر تعداد کارگران اخراجی خود را افزایش داده است.

او با بیان اینکه شایعه اخراج 50 کارگر دیگر طی هفته‌های آینده قوت یافته است گفت: با وجود تجمعات گسترده‌ای که کارگران در مقابل نهادهای مختلف ذی‌ربط انجام داده‌اند متأسفانه بعد از گذشت سه ماه هنوز عکس العمل مسئولان را در قبال حل مشکلات کارگران شهاب خود مشاهده نکرده‌ایم.

این کارگر اخراجی با اشاره به اینکه وابستگی کارخانه شهاب خودرو به آستان قدس رضوی محدودیتهایی را جهت پیگیری مشکلات بیش از 667 کارگر اخراجی بوجود آورده است، اظهار داشت: با وجود حکم مراجع قانونی و اداره کار مبنی بر بازگشت به کار کارگران، متأسفانه کارفرمای شهاب خودرو از اجرای این حکم امتناع می‌کند.

نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو با ابراز نگرانی از وضعیت بوجود آمده، اظهار کرد: مشکلات معیشتی و روحی روانی و همچنین خانوادگی کارگران در طول این مدت افزایش یافته است.

این فعال کارگری گفت: صبح روز شنبه تعداد کثیری از کارگران اخراج شده شرکت شهاب خودرو با مراجعه به اداره کار شمال غرب تهران خواستار دریافت هرچه سریع‌تر مستمری بیمه بیکاری خود شدند.

او متذکر شد: مسوولین اداره کار استان تهران مدت سه ماه است که دستور پرداخت مقرری بیمه کارگران اخراج شده را به بهانه پیگیری بازگشت به کار آن‌ها صادر نمی‌کنند و پس از دو ماه هنوز موفق به بازگشت بکار نیز نشده‌ایم، این در شرایطی است که کارگران در طول این سه ماه با مشکلات معیشتی فراوانی مواجه بوده‌اند.

این فعال کارگری همچنین خبر داد: از ابتدای تیرماه اعتبار دفترچه‌های بیمه تامین اجتماعی کارگران به پایان رسیده است و خانواده‌های آن‌ها دیگر قادر نخواهند بود از بیمه نیز استفاده کنند.

25 نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک تعدیل شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 5 تیر آمده است: روند تعدیل و اخراج کارگران واحدهای صنعتی، این بار مشمول کارخانه صنعتی «منابع تغذیه الکترونیک» تهران شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، قرارداد 25 نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک، از ابتدای تیرماه سال جاری تمدید نشده است و این کارگران با دریافت نامه از مسئولان کارخانه، برای دریافت بیمه بیکاری به مراجع ذیصلاح معرفی شدند.

اسماعیل حق پرستی، دبیر اجرایی خانه کارگر تهران، در این زمینه به ایلنا گفت: تعدیل 25 نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک برای دومین بار است که در سال جاری انجام می‌شود که بنا بر اطلاعات دریافتی، این روند، تا تعطیلی کامل این کارخانه ادامه پیدا می‌کند. وی خاطر نشان کرد: این کارخانه بیش از 30 سال، سابقه فعالیت در عرصه تولید قطعات الکترونیکی دارد که به دلیل واردات بی‌رویه در این زمینه، توان تولید خود را از دست داده است و نمی‌تواند به صورت عادلانه با قطعاتی که به کشور وارد می‌شود رقابت کند، لذا به دلیل کاهش فروش و افزایش هزینه‌ها، به اخراج و تعدیل کارگران کارخانه روی آورده است.

به گزارش ایلنا، کارگرانی که از کار در این کارخانه محروم شدند، دارای سوابقی از 4 تا 17 سال هستند که به دلیل مشکلات کارخانه نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند، این در حالی است که تعدادی از کارگران این کارخانه، به دلیل اشتغال در این شرکت، در حال اقدام برای آغاز زندگی مشترک بودند.

گفتنی است کارخانه منابع تغذیه الکترونیک، یکی از پرسابقه‌ترین کارخانجات تولید قطعات الکترونیکی محسوب می‌شود که از چند سال پیش بسیاری از قراردادهای رسمی را به قراردادهای موقت و 3 ماهه تبدیل کرده است.

کارگران کارخانه ریسندگی خاورگیلان تجمع کردند

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 5 تیر آمده است: به گزارش ایلنا، تعداد 48 کارگر کارخانه ریسندگی خاورگیلان در اعتراض به 11 ماه حقوق معوقه خود در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

یکی از کارگران معترض که در این تجمع حضور دارد به خبرنگار ایلنا گفت: کارخانه ریسندگی خاور وابسته به بخش خصوصی بمدت دو سال است که تعطیل شده و تعداد 48 کارگر این کارخانه با سوابق بیش از 20 سال بلا تکلیف شده‌اند.

او که خواست نامش فاش نشود اظهار داشت: به واسطه خصوصی سازی این کارخانه و با شروع مشکلات آن، کارفرمای این کارخانه از پرداخت 11 ماه حقوق و 4 ماه بیمه این کارگران امتناء کرده است.

او با بیان اینکه ظرفیت تولید این کارخانه بسیار زیاد بوده و گنجایش فعالیت 800 کارگر را در گذشته داشته است تصریح کرد: کارخانه خاور تا سال 1375 به کشورهای زیادی از جمله تایلند آلمان، سوئد و سوئیس و غیره صادرات نخ داشته است این در حالیست هم اکنون این کارخانه با داشتن ظرفیت بالای تولید دچار مشکل شده و هم اکنون تولیدی ندارد.

این کارگر معترض در ادامه افزود: سوابق اکثر کارگران ریسندگی خاور بالای 20 سال بوده و شرایط بازنشستگی برای 38 کارگر فراهم است که به واسطه عدم پرداخت بیمه این تعداد از کارگران و فاصله افتادن در بیمه آنان در بازنشسته شدن آنها مشکل ایجاد شده است.

او با بیان اینکه تجمع ما در مقابل استانداری گیلان نتیجه‌ای ندارد و کسی پاسخگو نیست اذعان داشت استانداری و سایر مسئولان استانی و ذی‌ربط هر روز به ما وعده‌های تو خالی می‌دهند و از عمل خبری نیست.

تجمع اعتراض‌آمیز صدها تن از کارگران شهرداری ارومیه

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 5 تیر آمده است: روز گذشته صدها تن از کارگران شهر داری ارومیه در اعتراض به حذف پیمانکار در مقابل ساختمان شهرداری ارومیه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، اسماعیل صادقی با اشاره به مصوبه هیئت وزیران در خصوص حذف شرکت‌های قراردادی اظهار داشت: کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری ارومیه پس از اتمام قرارداد با پیمانکار قبلی به مدت دو ماه به طور مستقیم با شهرداری همکاری کرده‌اند که در حال

حاضر با روی کار آمدن پیمانکار جدید، حاضر به همکاری مجدد به صورت قرار داد شرکتی نشدند و با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری ارومیه نسبت به این موضوع معترض شدند. او افزود: متأسفانه مشکل این کارگران هنوز برطرف نشده است و عده کثیری از این کارگران حاضر به همکاری مجدد با شرکت‌های واسطه‌ای نیستند.

او با بیان اینکه اکثر ارگانهای دولتی از جمله اداره برق در استان به مصوبه هیئت دولت در ارتباط با حذف پیمانکاران خود توجه‌ای نکرده‌اند اذعان داشت: بیشتر کارگرانی که در ادارات دولتی تماماً به صورت شرکتی مشغول خدمت رسانی هستند هیچگونه امنیت شغلی ندارند و در صورت حذف پیمانکار و بستن قرارداد مستقیم با نهاد دولتی که در آن شاغل هستند بسیاری از مشکلات شغلی شان برطرف خواهد شد. خبرگزاری هرانا پیشتر گزارش داده بود، در تاریخ ۱ تیرماه سال جاری کارگران شهرداری ارومیه تحصنی در اعتراض به خصوصی سازی در واحدهای مختلف شهرداری این شهر، در مقابل ساختمان شهرداری برپا نموده بودند.

صنعت کوهدشت تعطیل است

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در ۵ تیر آمده است: نماینده مردم کوهدشت در مجلس گفت: بررسی جذب غیر بومی‌ها در پتروشیمی لرستان در دستور کار مجمع نمایندگان استان قرار می‌گیرد و در این خصوص تلاش خواهیم کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا از خرم‌آباد، الهیار ملکشاهی در یک نشست خبری در پاسخ به سئوالی در خصوص جذب ۴۶ درصد از نیروی کار پتروشیمی لرستان از کارگران غیر بومی، با وجود نرخ بالای بیکاری در استان تصریح کرد: بررسی جذب غیربومی‌ها در پتروشیمی لرستان در دستور کار مجمع نمایندگان استان قرار می‌گیرد و تلاش می‌کنیم که در راه اندازی پتروشیمی لرستان از نیروهای بومی استفاده شود.

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس نهم با اشاره به اینکه باید واقع بینانه به قضایا نگاه کنیم، تصریح کرد: فکر می‌کنم که اتمام طرح‌های نیمه کاره تا پایان عمر دولت دهم نوعی بلند پروازی است.

او با بیان اینکه اگر بخواهیم به دنبال صنعت برای کوهدشت برویم بلندپروازی کرده‌ایم، اظهار کرد: صنعت فعلی کوهدشت تعطیل است و وقتی که نتوانستیم صنعت کوهدشت را اداره کنیم چطور می‌توانیم به دنبال تقویت صنعت این شهرستان برویم.

یک هکتار زمین کشاورزی مرغوب به ازای هر کوهدشتی وجود دارد

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با اشاره به وجود ۲۰۰ هزار هکتار زمین کشاورزی مرغوب در کوهدشت از آن به عنوان یکی از ظرفیت‌های این شهرستان نام برد و گفت: زمین‌های زراعی کوهدشت یک چهارم زمین‌های زراعی استان لرستان را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که به ازای هر نفر در کوهدشت حدود یک هکتار زمین کشاورزی مرغوب وجود دارد و با این وجود باید به دنبال تقویت کشاورزی مکانیزه و ایجاد صنایع تبدیلی باشیم.

محکومیت نه و نیم ساله و بازداشت محمود باقری فعال صنفی معلمان جهت اجرای حکم

به گزارش خبرگزاری هرانا در تاریخ ۵ تیر آمده است: محمود باقری عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان ایران که در دو پرونده جداگانه مجموعاً به نه و نیم سال حبس تعزیری و تعلیقی محکوم شده بود، جهت اجرای حکم بازداشت شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، محمود باقری عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان ایران که در پرونده سال ۸۵ به سه و نیم سال حبس تعلیقی و در پرونده سال ۸۹ نیز به شش سال حبس تعزیری محکوم شده بود روز گذشته شنبه سوم تیر، در پی تأیید حکم شش سال از سوی دادگاه تجدید نظر استان تهران به دادرسی اوین احضار و بازداشت شد. این احضار، در پی فراخوان دو ماه پیش ایشان انجام گرفت که در آن هنگام، با درخواست مدرسه و همکاری قاضی دادرسی اوین، اجرای حکم تا پایان امتحانات خرداد به تعویق افتاد.

باقری پیش از این، به خاطر گردهمایی‌های اسفند ماه سال ۱۳۸۵ فرهنگیان روبروی مجلس، در روزهای آغازین سال ۱۳۸۶ یک ماه را در بند ۲۰۹ زندان اوین گذراند و پس از آن، حکم سه و نیم سال زندان تعلیقی را دریافت کرده بود. این معلم فیزیک هم چنین در تاریخ ۸ تیرماه سال ۱۳۸۹ نیز به خاطر فعالیت‌هایش در کانون صنفی معلمان ایران، بازداشت گردید و نزدیک به سه ماه در بند ۲۰۹ زندان اوین بازداشت بود و پس از دادگاهی به ۶ سال زندان تعزیری محکوم شد که حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز، تأیید گردید.

گفتنی است با محکومیت دوم این فعال صنفی حکم سه و نیم سال حبس تعلیقی وی نیز به اجرا در آمده است و این معلم فیزیک منطقه ۴ تهران و عضو کانون صنفی معلمان ایران می‌بایست نه و نیم سال حبس تعزیری را در زندان اوین تحمل نماید. حکمی که تنها به دلیل فعالیت صنفی در ایران برای وی صادر شده است.

اعتراضیه

دوستان کارگرمای را آزاد کنید

۸ نفر از کارگران دستگیر شده در تاریخ جمعه ۲۶/۳/۹۱ در کرج، همچنان در زندان و بازداشت بسر می‌برند. چرا؟ به چه اتهامی؟ این دوستان کارگر فعال در چارچوب مقاله نامه‌های شماره ۸۷ و ۹۸ (ILO) "سازمان جهانی کار" فعالیت می‌کنند و به دنبال حل مشکلات رفاهی- معیشتی هم طبقه‌ای‌های کارگرمای می‌باشند. چرا باید دستگیر شوند؟ جالب است که دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین کارفرما در ایران پای این مقاله نامه‌ها را امضا کرده است و طبق ماده (۱۴) و (۱۵) مقاله نامه ۸۷ مسئول لازم الاجرای مفاد آن می‌باشد.

و طبق مواد (۱) و (۲) و (۳) و (۴) و (۵) و (۶) و (۷) و (۸) قسمت اول مربوط به آزادی انجمن‌ها و حمایت از حق تشکل در مقاله نامه (۸۷) حتی کوچکترین تعرضی به این فعالان کارگری را ندارد! و یا مستند به ماده (۱) و (۲) مقاله نامه شماره (۹۸) تشکل فعالان کارگری دارای مصونیت در مقابل هرگونه اقدام و فعالیت کارفرمایان علیه شان می‌باشند.

اما، قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران چه می گوید؟
طبق اصل بیست و دوم قانون اساسی حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون می باشد. طبق اصل بیست و ششم قانون اساسی شما نمی توانید از ایجاد تشکل کارگری و ... جلوگیری کنید.
مگر خواسته های رفاهی معیشتی مورد نظر این فعالان کارگری چیست؟
جز دستمزد، قرارداد موقت داشتن، نان، مسکن، بازنشستگی، جلوگیری از بیکاری، گرانی و تورم و مشکلات عمومی کارگران، نهایتاً این فعالان طبق اصل هشتم قانون اساسی، تخلف دولت را نسبت به اصول ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۴۳ تذکر بدهند.
اما دستگیری دوستان کارگران تخلف آشکار دولت جمهوری اسلامی ایران از اصول ۲۷، ۲۵، ۳۵، ۳۷ و ۳۹ قانون اساسی می باشد.
همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اصل ۳۲، ۲۲ نسبت به دستگیرشدگان نیز تخلف کرده و می بایست پاسخگو باشد.
ما به عنوان "فعالان کارگری ضد سرمایه داری" خواستار آزادی بی قید و شرط و فوری دوستان فعال کارگری مان هستیم و در ضمن بدینوسیله از کلیه وکلای حقوق کارگری و وکلای حقیقت طلب کانون وکلا می خواهیم نسبت به رفع و فک بازداشت و اتهام ... از دوستان فعال کارگری پیمان اقدام نمایند.
با تشکر قبلی از این حقوقدانان طرفدار حقوق کارگر و بشردوست و از کلیه فعالان کارگری جنبش کارگری می خواهیم مراتب اعتراض خود را همچنان نسبت به بازداشت دوستان فعال کارگریمان ادامه دهند
با تشکر و قدردانی
فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان -

اخراج 300 کارگر شرکت مارلیک سان واقع در جاده قدیم قزوین- تهران

به نوشته سایت فرارو در 5 تیر از قول شاپور کریمی آورده است: کارگر شرکت مارلیک سان واقع در جاده قدیم قزوین-تهران جهت تسویه حساب در دفتر سرپرست قسمت حاضر می شود. هنگام امضای فرم تسویه نامه قطرات اشک کارگر ناامید و خسته بر گه سفید روی میز را خیس می کند. نگران از اینکه از ماه بعد چگونه جواب معیشتی زن و دو فرزند دانش آموز خویش به همراه اجاره خانه رادرنیای پر از بی مهری و فاصله ها از یک سو و گرانی و تورم از سوی دیگر خواهد داد.
نماینده کارفرما هم با مشاهده وضعیت نابسامان روحی کارگری که چندین سال با عرق نشسته برجبین به فکر توسعه کشور و نان خانواده خود از هیچ تلاشی فروگذار نبوده و در گرمای بالای 35 درجه واحد ریخته گری شرکت قالب قطعات انواع خودرو را تولید می نموده، متاثر شده و هر دو اشک ریزان و دست دردست هم راهی اتاق رییس شرکت شدند تا شاید بتوانند برای آخرین بار نظر رییس را درخصوص اخراج و تسویه حساب 300 کارگر این شرکت تغییر دهند.
اما چه سود که دلالان و واسطه گران با استفاده از رانت های سیاسی و فامیلی علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری با موضوع حمایت از تولیدات داخلی راهی کشورهای چین و هند شدند تا با وارد کردن قطعات خودروی بی کیفیت و ارزان ضمن کسب سودهای میلیاردی موجب تعطیلی واحدهای متعدد تولید قطعات خودرو در کشور شوند.
آنان که هرگز بیکاری، فقر، نپرداختن اجاره منزل و حتی عدم توانایی خرید چند دست لباس و کفش نو برای فرزندان خویش در آستانه سال جدید را در مخیله خود راه نداده اند.
آنان که بعد از نابود کردن کشاورزی و چاپکاری و بیکار کردن هزاران کشاورز، هم اکنون خواب کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی همچون مارلیک سان را دیده اند تا بر بستر پر قوی و رویای استعمارگونه خود، پدرانی را شرمند فرزندانشان و مادرانی را ناامید نمایند.
در این سال چه زیاد و کثیرند همانند اخراج شدگان مارلیک سان و خانواده های سرگشته آنان در کشور. اما سوال اساسی این است که علل و ریشه این بحران های صنعتی و بیکاری کارگران در کجاست؟
نقش دولت و مدیران مسئول چیست؟ محسن رزم خواه عضو هیات مدیره انجمن قطعه سازان تأکید کرده بود در حالی که قطعه سازان در حدود هفت ماه اخیر مطالبات خود را از خودروسازان دریافت نکرده اند، هیات های کارشناسی از برخی خودروسازان بزرگ کشور به کشورهایی همچون هند و چین برای واردات قطعه سفر می کنند.
وی با بیان اینکه عدم پرداخت مطالبات قطعه سازان در هفت - هشت ماه اخیر کمبود شدید نقدینگی در این بخش و کاهش تولید قطعه را به دنبال داشته است، خاطر نشان کرد: «در این شرایط خودروساز به جای آنکه مطالبات قطعه ساز را پرداخت کرده و شرایط عادی برای حفظ تولید قطعات خودرویی را فراهم کند، به راحتی قطعات خارجی را جایگزین قطعات داخلی که تولید آنها کاهش یافته می کند، به گونه ای که پولی که باید بابت مطالبات قطعه سازان پرداخت شود، نصیب تولیدکنندگان چینی می شود.»
دغدغه های مقام معظم رهبری در قالب جملات کوتاه و قصار برای مسئولین و مدیران کشور اعلام می گردد تا آنها با اتخاذ راهکارهای اجرایی و راهبردی بتوانند منویات معظم له را عملی سازند. اما تجربه سالیان اخیر و مشاهده مصادیق و آمارها نشان از آن دارد که در این بخش عملاً مدیران ذیربط نتوانسته اند گام های اساسی بردارند.
سال اصلاح الگوی مصرف و همت مضاعف و کارمضاعف فقط با نصب بنر و برگزاری همایش های پرهزینه سپری گشت. جا دارد که در سال جاری به جای استفاده ابزاری و تبلیغاتی از شعارهای رهبری با تدوین سند و منشور اجرایی ضمن تحقق اهداف رهبر انقلاب بتوان از بیکار شدن کارگرانی بیشتر جلوگیری کرد. مروری بر بیانات مقام معظم رهبری نشان دهنده اهمیت تولید داخل و جلوگیری بی رویه از واردات است:

«این درست نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم. من بارها به مسئولین - مسئولین گوناگون در بخش های مختلف دولتی - گفتم اگر فلسفه شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته های صنعتی این است که می گوید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاست هایی وجود دارد که می شود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقا بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است»

دستگیری و ضرب و شتم فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی را محکوم می کنیم

بر اساس گزارش منتشره در سایت کمیته هماهنگی، نیروهای محافظ سرمایه‌داران به مجمع عمومی کمیته هماهنگی حمله کرده و حدود ۶۰ نفر از آنها را ضمن ضرب و شتم وحشیانه، دستگیر و بازداشت کرده که هنوز ۹ نفر از آنها در زندان به سر می‌برند. سیستم سرمایه‌داری دچار بحران اقتصادی عمیقی شده است و تلاش می‌کند تا هزینه بار سنگین این بحران را از جیب خالی طبقه کارگر و اقشار ستمدیده جامعه پرداخت کند. بحران اقتصادی موجود هیچ راه حل سرمایه‌دارانه‌ای ندارد. جدال بین دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار، افق‌های تازه‌ایی را در مقابل طبقه کارگر گشوده است و این واقعیت سرمایه‌داران و محافظانشان را به وحشت انداخته است. حمله به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و ضرب و شتم و دستگیری فعالین کارگری عضو این کمیته از آنجا سرچشمه می‌گیرد که طبقه سرمایه‌دار از حل بحران اقتصادی‌اش ناکام و لاجرم هیچ گونه تجمع و اعتراضی را بر نمی‌تابد. ما جمعی از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی عسویه ضمن محکوم کردن این حرکت ضد کارگری، خواستار آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان مجمع عمومی کمیته هماهنگی و کلیه کارگران دربند هستیم.

جمعی از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی عسویه
۵ تیر ۱۳۹۱

شناسایی، پرونده سازی، رده بندی و سرکوب

از : فعال کارگری محمد اشرفی

مبارزه طبقاتی در ایران به نقطه ای رسیده است که ما مجبوریم بدون تعارف و بی رحمانه نقد و تحلیل خود را صادقانه، سازنده، شفاف و گزنده بیان کنیم

قبل از ورود به بحث نیاز به مقدمه ای است.

حدود ۶ ماه پیش در نوشته ها و مصاحبه های خود شرایط ویژه را طرح کردم که جمهوری اسلامی هر لحظه به آن نزدیک می شود در این شرایط ویژه جمهوری اسلامی از چندین جانب در برابر بحراناها به سر می برد از جمله طیف های گوناگون بحران هایی که جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده است را می توان به دو بخش تقسیم کرد که عبارتند از :

بخش اول مربوط به بحراناها بین جناحهای مختلف داخلی و بین المللی سرمایه داری است که البته به صورت غیرمستقیم حاصل مبارزات طبقاتی هستند، همه ی این بحراناها به یک دسته تقسیم می شوند آنها بحراناها درون سرمایه داری، به بازیگری جناح های مختلف سرمایه داری است .

1_ بحراناها که با خود جمهوری اسلامی زبیده شده اند از جمله بحران حجاب و طیف گسترده ای از این دست، بحران صدور انقلاب اسلام(اسلام سیاسی) به جهان که از پایه های موجودیت جمهوری اسلامی است و امکان جدا شدن از آن را ندارد .

2_ بحرانی که از تضاد شکلی جمهوری اسلامی با بقیه حکومت های سرمایه داری ایجاد می شود .

3_ طیف بحراناها که جمهوری اسلامی برای تحت الشعاع قرار دادن واقعیت های انکارناپذیر و وضعیت های بغرنج خود در برخورد با مشکلات ایجاد می کند . در واقع با دست خود ولی مجبوراً " بحران سازی می کند.

4- هم چنین بحراناها که از شقه شقه شدن جناح های درون نظام هر روز شکافهای بیشتر خود را نشان می دهند که اثر شقه شقه شدن آنها تمامی ندارد.

5_ تأثیرات عمیق بحران سرمایه داری که تمامی کشورهای جهان را فرا گرفته است در جمهوری اسلامی به صورت مضاعف کارکرد دارد .

6- بحراناها که از بیرون توسط بلوکهای مختلف دیگر حکومت های سرمایه داری در روند تقسیم جدید جهانی به حکومت ایران وارد می شود . مانند تحریم ها ، فشار برای مذاکرات هسته ای و ...

7_ بحراناها ملی گرایی که وجود جمهوری اسلامی عمده ترین عامل تشدید آنها است .

8- بحراناها گرانی و تورم های شدید که خود جمهوری اسلامی اجباراً در جهت انجام وظایف خود در خدمت به طبقه سرمایه داری هر روز بیشتر از قبل به آن دامن می زند مانند حذف یارانه ها و هرچه بیشتر شدن فشار برای خصوصی سازی، این ها نیز بخشی از حاصل اجتناب ناپذیر بحراناها ساختاری سرمایه داری است.

بخش دوم، بحراناها است که حاصل مستقیم مبارزات طبقاتی می باشند و عبارتند از:

1- بحران انقلابی که از سالهای 58، 59، 60، ... بر اثر سرکوبها ی شدید تنزل پیدا کرد ولی هرگز از بین نرفت و همیشه در انتظار زمانی برای اوج گیری بوده است .

2_ بحراناها که از طریق رشد مبارزاتی جنبش های مختلف اجتماعی در صدر آنها جنبش کارگر ی ایجاد می شوند.

3_ بحران از جهت فشار های که از طرف رشد مبارزات طبقاتی در تمامی دنیا ایجاد شده و به جمهوری اسلامی نیز انتقال می یابند .

برآیند حاصل از مجموع بحرانها و تضادهای موجود به صورت اجتناب ناپذیری جمهوری اسلامی را به درون یک شرایط ویژه هدایت می کند که نیروهای در حال نبرد با جمهوری اسلامی نیز اجباراً" به درون این شرایط ویژه کشیده می شوند، یعنی به طور اجتناب ناپذیری کل ایران از هر لحاظ به درون یک گردابی که حاصل مجموعه ای از بحرانهای کنونی است کشیده می شود و تکلیف این نبرد و کل این شرایط ویژه در یک نقطه عطفی روشن خواهد شد . حال اگر در آن نقطه عطف طبقه کارگر سازمان یافته باشد صد در صد برنده اصلی مبارزه خواهد شد، اما نباید فراموش کنیم که طبقه کارگر در حین مبارزه با جمهوری اسلامی با دشمنان رنگارنگ دیگر نیز باید مبارزه کند .

در چنین مبارزه ی اگر کوچکترین بخش واقعا" متشکل از طبقه کارگر سالم مانده باشد، در نقطه عطف می تواند تمامی دشمنان رنگارنگ طبقه را با به حرکت در آوردن توده کارگران و هم پیمانهای کارگری شکست داده پیروز شود، لازم است مقوله واقعا" متشکل را در پایان این مطلب توضیح دهم تا حساب مارکسیستهای علنی، خود به خودیسم، چهره سازان و چهره شده ها، با یک تشکل واقعا" انقلابی مشخص شود .

به هر صورت در حین ورود و طی شرایط ویژه جمهوری اسلامی برای حفظ خود وظایفی پیش رو دارد که شرایط مبارزه را برای طبقه کارگر بسیار پیچیده می کند.

سرکوب مرحله ای - متوالی یکی از شگرد ها و تجربیات جمهوری اسلامی است، در دهه شصت کاملاً" واضح دیده شد که جمهوری اسلامی اول آنها را سرکوب کرد که نسبت به بقیه در امر تشکیلاتی دقیق تر بودند و در امر سازماندهی کارساز بودند و در مبارزات عملی بسیار اکتیو و پنهان کار بودند . در مرحله بعدی کسانی را سرکوب کردند که در حالت بینابینی قرار داشتند و بسیار علنی گرا بودند و نسبتاً" توهم هم داشتند اما با جمهوری اسلامی هیچ گونه همکاری نداشتند .

در مرحله پایانی کسانی را سرکوب کردند که از همکاران خودش بودند و در سرکوب دیگر نیروها دوشادوش مأموران جمهوری اسلامی همکاری کردند.

باید دید اکنون جمهوری اسلامی برای طی مراحل تجربیات دهه شصت در جهت ورود اجباری به شرایط ویژه چگونه خود را آماده می کند .

در دوره قبل سرکوبها (58 تا 67)، اول اقدام به شناسایی و رده بندی نیروها کرد، رده اول را با استفاده از رده سوم که تعدادی از آنها به جاسوس و خبرچین فردی بدون اصول و تئوری تبدیل شده بودند، و برخی بر مبنای موقعیت طبقاتی و آگاهانه به صورت تشکیلاتی جاسوسهای تئوریک، در کنار جمهوری اسلامی قرار داشتند (این دو جدا از نیروهای خود جمهوری اسلامی و مردم فریب خورده که به خاطر اسلام و برخی آگاهانه برای حاکمیت طبقاتی برای جمهوری اسلامی خبرچینی و جاسوسی می کردند. بودند). رده اول را تا آن حدودی که می توانست شناسایی کرد. رده دوم نیروهای علنی یا بهتر است بگوییم مارکسیستهای علنی و چهره های خود به خودی و متوهم به جمهوری اسلامی با این فکر که جمهوری اسلامی توان سرکوب ندارد یا سرکوب گر نیست، بودند بدون اینکه به کسی خیانت کنند یا به جاسوس تبدیل شوند، بسیار راحت توسط جمهوری اسلامی شناسایی و رده بندی شدند. جمهوری اسلامی برای ثبت و طبقه بندی کردن رده سوم هیچ مشکلی نداشت چون آنها خودشان لیست تقدیم می کردند . البته در حین تکمیل کردن لیست شناسایی نیز در حال سرکوب شدید بوده است اما تقریباً" پس از تکمیل شدن لیست طبقه بندی شده اش سرکوب را سیستماتیک و کامل شروع کرد. باز لازم به ذکر است که در دوره اول سرکوب برای هر کدام از طیف های گفته شده چند شماره اتاق تعیین کرده بود که به صورت کلمه رمز ردیف طبقه بندی شده نیروها را برای خودشان مشخص می کردند .

مثلاً" اتاق شماره 19 به یک تشکیلات اطلاق می شد شماره 14 به یک سازمان دیگر و الی آخر.

و حالا نیز تقریباً" همان مسیر را با ویژگی متفاوت کنونی طی می کند می توان گفت از سال 80 به این سوی مجدداً" به طبقه بندی کردن دقیق مخالفین خود دست زده است، منتها زمان این دوره شناسایی و طبقه بندی طولانی تر است چون جمهوری اسلامی نسبت به دوره قبل بیشتر تثبیت شده و نیروهای مخالف نیز هیچ متشکل نیستند و هیچ گونه تشکیلات به درد بخوری ندارند بنابراین می تواند با آرامش و دقت بیشتر شناسایی و رده بندی نماید و برای سرکوب فعلاً" همین قدر که نمی گذارد متشکل شوند، کافی است، به این دلیل در سال های اولیه این دوره با خشونت ظاهری کمتری برخورد می کرد . اما هر چه به شرایط ویژه نزدیکتر می شود خشونتش بیشتر و بیشتر می گردد.

نباید متوهم شد که قصد و یا توان سرکوب مانند دوره اول را ندارد و نباید نسبت به عملکرد نهادها و نیروهای سرمایه داری بین المللی که ممکن است نگذارند سرکوب صورت بگیرد متوهم شد . عملکرد نیروهای بین المللی سرمایه در مقابل سرکوب جمهوری اسلامی بستگی به قدرت طبقه کارگر در مبارزه دارد اگر طبقه کارگر به آلترناتیو اول در مبارزه با جمهوری اسلامی تبدیل شود بدون شک نیروهای سرمایه داری و بینا بینی، بین المللی نه تنها تضادهای خود با جمهوری اسلامی را کنار خواهند گذاشت بلکه با تمام توان به جمهوری اسلامی در سرکوب انقلابیون کمک خواهند کرد. با توجه به چنین موردی ما باید خود را برای ورود اجتناب ناپذیر به شرایط ویژه همراه و در حال گلاویز با جمهوری اسلامی آماده کنیم . این را نیز در نظر بگیریم از سال 80 به این سو و شاید هم قبل از آن جمهوری اسلامی هر کسی را دستگیر کرده است برای او پرونده تشکیل داده و او را در واقع رده بندی و ستاره دار کرده است، هر وقت لازم داشته از طریق اهرم پرونده فشار آورده است و در همین حال در حال پرونده سازی برای دستگیر شده ها آنها را بر مبنای

وزن عملکردشان، بر مبنای گفته هایشان، بر مبنای تک نویسی هایی که بر علیه آنها توسط دیگران شده است و بر مبنای اطلاعات حاشیه ای که جمع کرده است، طبقه بندی می کند، آنگاه می داند که این زندانی را در کدام رده باید جای داد برای تمام این گفته ها دلایلی وجود دارد که برخی از آنها را در آینده بیان خواهم کرد.

به هر حال باز هم زندانیان را پس از رده بندی در سه رده اصلی قرار می دهد (به موضوع با دید مثبت نگاه می کنم و رده چهارم را که معمولاً با نیروهای پلیس همکاری می کنند در نظر نمی گیرم) این رده بندی با رده بندی دوره قبلی فرق دارد.

1- افرادی که بسیار اکتیو و شناسایی آنها بسیار سخت است پس از دستگیری و پرونده سازی تا حدی که ممکن است آنها و اطرافیانشان را پاک سازی می کنند (در سخت ترین شرایط زندانی می کنند) و حتی اطرافیان دورشان را نیز تحت مراقبت می گیرند.
2- افرادی که شناسایی آنها سخت نیست به دلیل اینکه خود علنی گرا هستند و تمامی کارکردشان را نشان می دهند و حتی از بقیه می خواهند علنی باشند اما در همین حال از جهت عمل گرایی اکتیو و تشکیلاتی و سازمان دهنده هستند اینها را نیز دستگیر و زندانی می کنند و همچنین اطرافیانشان را تحت مراقبت و زیر نظر قرار می دهند.

3- افرادی که بیشتر فردگرا هستند و اگر هم در تشکیلی حضور دارند آن تشکل را به مثابه ملک شخصی قبول دارند در واقع اگر تشکل متعلق به آنها نباشد تشکل پذیر نیستند، این افراد و اطرافیانشان را نیز گرفته برای ایشان در سطوح مختلف پرونده تشکیل می دهند آنها را نیز رده بندی می کنند بیشترشان با تمام اینکه بسیار پرسر و صدا هستند و حتی بیشترشان لینهایی دارند و لینهایشان نیز برای پلیس کاملاً محرز است ولی آنها را پس از شناسایی و پرونده سازی تیره می کنند و یا حکم های کمی برایشان می برند و در اجرای حکم نیز چندان عجله ای به کار نمی برند. چون این طیف به صورت غیر مستقیم در جهت شناساندن نیروها بدون اینکه چنین قصدی داشته باشند فقط به دلیل اینکه اعتقاد به چهره شدن و چهره سازی دارند آزاد بودنشان به نفع پلیس است در این ردیف نیز اگر کسی بیشتر از مرزی که پلیس تعیین می کند اکتیو باشد دستگیر می شود و چندی زندانی می گردد.
در این ردیف بندی آنچه خود را بیشتر نشان می دهد یعنی پلیس حساسیت بیشتری دارد میزان تشکل پذیری و توان سازمان دهی و هم چنین اعتقاد به مخفی کاری یا عدم آن، میزان خشونت پلیس، دادگاه و نهادهای دیگر نسبت به فرد را تعیین می کند.

حال به آنچه در جامعه جریان دارد می پردازیم تا در یابیم روند و پروسه کار جمهوری اسلامی با فعالین به طور عینی و واقعی چگونه است.

در حال حاضر صد ها نفر از فعالین جنبش های مختلف در زندان هستند و هزاران نفر زیر حکم بوده و منتظر اجرای احکامند و هزاران نفر دیگر به عناوین مختلف پرونده دار شده اند و هر کدام به نوعی تحت نظر می باشند. در خصوص کارگران حداقل 9 نفر از زندانیان کارگری شناخته شده در حال گذراندن دوره محکومیت خود هستند، شاید صد ها نفر به طور ناشناخته یا کمتر شناخته شده در بازداشت و یا زندان به سر می برند مانند 11 کارگر ذوب آهن اصفهان و یا برخی از کارگران که خانواده هایشان آنها را معرفی نمی کنند. این همان موضوع شناسایی، رده بندی و سرکوب است.

تقریباً تمامی اعضای کمیته پیگیری، کمیته هماهنگی، اتحادیه کارگران آزاد، کانون مدافعان حقوق کارگران، سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای هفت تپه، سندیکای فلز کار مکانیک، انجمن برق و فلز کرمانشاه، تمامی تشکل های شناخته شده زنان و معلمان و دانشجویان و... یا خود دستگیر شده دارای پرونده هستند و یا از طریق دستگیر شده ها شناخته شده و در لیست های رده بندی قرار گرفتند. یکی دیگر از دلایل اثباتی گفته های بالا بر خورد پلیس با دستگیر شدگان اخیر یعنی اعضای کمیته هماهنگی در کرج است، 60 نفر دستگیر شدند اگر شرکت در مجمع عمومی جرم باشد همگی یک سان مرتکب شدند، اما با همه ی اذیت و آزار 9 نفر را نگهداشته بقیه را آزاد کردند. چرا؟

اگر طرح شناسایی، و رده بندی را قبول کنیم موضوع بسیار ساده می شود. 9 نفر آزاد نشده بیشتر شان پرونده دقیقی در نزد پلیس ندارند، بنا بر این پلیس طبق اصول و روند سیستماتیک خود کسانی را نگهداشته است که از یک طرف پرونده علیه شخص آنها ندارد و از طرف دیگر آنها بیش از حد و مرز خط کشی شده پلیس اکتیو هستند و از طرف دیگر احتمال می دهند اطرافیانی دارند (که شاید از بازجویی های مقدماتی همان روز جمعه و شنبه بدست آورده باشند) و همچنین با توجه به اینکه جنبش کارگری در گیلان شناخته نشده است 7 نفر از این 9 نفر می توانند برای پلیس روزنه ورود به آگاهی های در رابطه با جنبش کارگری در گیلان باشند. به این دلیل است که آنها را به رشت انتقال داده اند. حال پلیس می خواهد بر علیه آنها پرونده بسازد، هر چه اطلاعات دارند بدست بیاورد و اطرافیانشان را بشناسد.

از این به بعدش به میزان توانایی و زرنگی بازداشت شدگان بستگی دارد تا چه قدر بتوانند بار خود را کمتر کنند. لازم به بیان است که با همه ای دقتی که پلیس به کار می برد در کارش بسیار هم پخته است. اگر فعالین با دقت گذشته خود را پوشش داده باشند و با دقت و روانشناسانه پیش بروند پلیس کمتر می تواند چیزی بدست بیاورد. این دیگر بستگی به اعتقادات بازداشت شده دارد که آیا شخص خود را مقدم بر جنبش می داند؟ آیا اعتقاد به علنی گرای دارد؟ آیا به جمهوری اسلامی توهم دارد یا خیر؟ آیا بعد از آزاد شدن باز می خواهد فعالیت کند؟ آیا آگاهانه وارد مبارزه شده است؟ و... شکی در این نیست که فعالیت همه این دوستان مشخص و علنی بوده است و همچنین وقتی تعداد بیش از یک نفر دستگیر می شود احتمال حفظ اطلاعات بسیار کم است، هر چند که فعالیت این دوستان نیازی به پنهان کاری ندارد. اما یک زندانی برای حفظ هویت مبارزاتی خود باید چیزی جهت پنهان کردن داشته باشد تا اراده و اعتماد به نفس مبارزاتی در مقابله روحی و روانی در مقابل بازجو داشته و خود را جهت ادامه مبارزه مجدد آماده سازد. این تنها راه شکسته نشدن است.

برای تمامی زندانیان در بازجویی چه آنهایی که چیزی برای پنهان کردن دارند و چه آنهایی که ندارند بازجویی مانند این است که سر نیزه نوک تیزی زیر گلوئی باز جوشونده گذاشته اند و با هر جواب بله نوک سر نیزه بیشتر در گلو فرو می رود و با هر نه گفتن فاصله گلو با نوک سر نیزه بیشتر می شود.

شاید برخی از رفقا بگویند اگر اکتیو بودن دلیل نگهداشتن باشد، باید محمود صالحی را و چند نفر دیگر را نگه می داشتند. اما واقعیت این است که محمود و بقیه قبلاً "چندین بار دستگیر شده اند، آنها شناسایی شدند، بر علیه شان پرونده سازی شده است و رده بندی نیز شده اند، آنها دیگر هیچ چیزی برای گفتن ندارند پس فعلاً" نیازی به نگه داشتن آنها نیست. از طرف دیگر ممکن است برخی از رفقا در اشتباه باشند که محمود یکی از رهبران کارگری است و جمهوری اسلامی از هزینه های دستگیری او می ترسد، این اندیشه ما را به بی راهه می برد و باعث می شود دچار توهم شده و ضعف های خود و تواناییهای دشمن را نشناسیم و خود را برای مبارزه دقیق آماده نکنیم. قصد ندارم میان رهبران و فعالین کارگری مقایسه ای ایجاد کنم بلکه می خواهم چشم خود را خوب باز کنیم و ضعف ها خود و قدرت های دشمن را خوب بشناسیم به این دلیل می گویم بین محمود با منصور اصائلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی از جهت رهبر بودن و هزینه داشتن برای جمهوری اسلامی تفاوتی وجود ندارد و بخصوص پشتیبانان محمود قویتر از پشتیبانان منصور نیستند این در پی چندین سال عملکردها اثبات شده است و ما دیدیم علی رغم اینکه پشتیبانان محمود پشتیبان ابراهیم و منصور و رضا نیز بوده و هستند اما جمهوری اسلامی چندین سال آنها را نگه داشت و اکنون رضا را با چه وضعیتی هنوز نگهداشته است.

تفاوت میان همه ای دستگیر شده ها و زندانیان به طرح شناسایی، رده بندی، کنترل و مراقبت، توان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری (اکتیو بودن) افراد دستگیر شده یا زندانی نسبت به اطرافیان و جامعه بر می گردد. این دلیل واقعی نگهداشتن 9 نفر فوق است.

جالب است که بدانیم غیر از علیرضا عسگری و جلیل محمدی 7 نفر باقی مانده از اهالی استان گیلان هستند. طی سالهای گذشته تمامی یا بیشتر فعالین کردستان و تهران شناسایی شدند اما گیلان در این رابطه برای پلیس ناشناخته باقی مانده است به این دلیل است که تعدادی از این افراد به رشت انتقال یافتند.

در حال حاضر به جرئت می توان گفت کمیته پیگیری بدون اینکه اعضایش دسته جمعی دستگیر شوند سرکوب شده است. و اکنون شاهد فشارهای بسیاری بر کمیته هماهنگی هستیم، اگر طرح شناسایی و رده بندی را جدی بگیریم باید بیندیشیم که با بهانه ای یا شاید بی بهانه در آینده نزدیک مجبوریم شاهد حمله به یکی دیگر از تشکل های فعالین باشیم، شاید اتحادیه کارگران آزاد یا کانون مدافعان حقوق کارگری و یا ... پس لازم است این دوستان در فعالیت خود هر چه بیشتر دقت کنند.

با توجه به پارامترهای شرایط ویژه، ایران در مقابل تقسیم جدید جهان توسط بلوک های متخاصم سرمایه داری وسط قرار گرفته است بنا براین تلاش می کند برای مقابله با یک طرف خود را به طرف دیگر بچسباند و حال در چنین وضعیتی وقتی به نقطه عطف تاریخی عمر خود نزدیک می شود در آن شرایط شدید ترین نوع سرکوب را به کار خواهد گرفت و حال اگر طبقه کارگر آمادگی مقابله نداشته باشد اولین نیرویی است که با قساوت هر چه تمامتر سر کوب خواهد شد.

در مقابل چنین مشکلی همه ی فعالین و با توجه به اینکه همگی در حال کشیده شدن به درون شرایط ویژه هستیم وظیفه فعالین چیست؟

- 1- حمایت بسیار قدرت مند از تمامی دستگیر شدگان، افرادی که در زندان هستند، یا افراد که تحت محکومیت قرار دارند، کنیم.
 - 2- تمامی فعالین وظیفه دارند با دقت اقدام به همانند سازی کنند بدون اینکه فعالین جدید مانند قبلی ها شناخته شوند. در غیر این صورت در پروسه طی زمان شرایط ویژه نمی توان روی هیچ کدام از فعالین فعلی به عنوان سازمان دهندگان حساب باز کرد و اگر نیرو های نا شناخته ساخته نشوند، در زمان شرایط ویژه دچار کمبود شده، میدان را واگذار خواهیم کرد.
- کسانی در بین ما هستند که اعتقاد دارند رهبران و فعالین کارگری در حین مبارزه ساخته می شوند ولی باید توجه کرد که حین مبارزه فقط زمانهای خاص مانند مدت زمان شرایط ویژه نیست بلکه همین حالا هم زمان مبارزه است. و رهبران کارگری در تمامی زمانها تحت تاثیر افت و خیزهای مبارزاتی ساخته می شود ولی دشمن هر کدام از آنها را اگر بتواند از عرصه فعالیت و مبارزه دور می کند، بنا براین اگر فعالین و رهبران کارگری پایه و ریشه های حضور خود و همانند های خود را از حالا در جنبش ایجاد نکنند در زمان شرایط ویژه دستشان از پایگاه توده ای کوتاه خواهد شد، و رهبران و فعالین که آن زمان رشد خواهند کرد در واقع همان خود به خودیسم و خورده کاری را تحت تسلط افکار سرمایه داری پیش خواهند گرفت که آخر و عاقبت آن از هم اکنون معلوم است.

در چنین شرایطی و همچنین در شرایط ویژه تشکل های واقعی که می توانند در حین مبارزه رشد کنند و تبدیل به آلترناتیو واقعی شوند و طبقه را به سوی همبستگی و مبارزات سراسری هدایت نمایند و در همین حال بستر و زمینه را برای حضور گسترده تشکل های توده کارگران مهیا نمایند هسته ها و کمیته های مخفی انقلابی هستند که بخصوص در شرایط ویژه ضرورت اجتناب ناپذیری خواهند داشت و در همین حال تنها شکلی از تشکل است که سیستم طرح شناسایی، رده بندی و سرکوب جمهوری اسلامی را می تواند شکست دهد و در همین حال رشد آنها به عنوان نطفه های حزب در شرایط ویژه ساخته شدن حزب را ممکن می کنند.

چند کلمه نیز در حاشیه لازم است.

پس از حمله نیرو های امنیتی به نشست سا لانه کمیته همانگی در کرج وضعیت دو گانه شاید هم چند گانه ای در مقابل نیروهای انقلابی و فعالین کارگری ایجاد شده است اما تا کنون تقریباً همه ی نیروها تلاش کردند یک صدا بدون نقد هر چیزی که می تواند خطا، توهم پراکنی یا ایجاد انحراف در طبقه کارگر محسوب شود، به دفاع یک دست از این دستگیر شده ها و مخالفت با هر گونه سرکوب عمل نمایند. این بسیار عالی است و باید که هر چه بیشتر در این مسیر حرکت کرد موضوعی که می تواند مورد بحث و نقد

باشد نوشتن نامه 17 اسفند 1390 و زمان انتشار آن است اما با توجه به حدی از بلوغ فکر جنبش کارگری و جنبش کمونیستی ایران تا این حد عموماً تشخیص داده است که در این وضعیت دو گانه نقد این نامه اصولی نیست، نه به دلیل اینکه این نامه مهم نبوده و مشکل ساز نخواهد بود، بلکه به دلیل اینکه در شرایط کنونی با توجه به احساساتی بودن بخش بزرگی از فعالین و رقیق بودن احساس انسانی در مقابل هجوم و دستگیر شده ها و همچنین احساسی شدن جو موجود هر نقدی بی ارزش شده در میان احساسات گم می شود و به پراکندگی بیشتر دامن می زند و حرکت های ضد آرمانی به آرمانی تبدیل می گردد. اما برخی از رفقا دقیقاً و ظاهراً "دلسوزانه از همین وضعیت دوگانه استفاده کرده در میان نوشته های دراماتیک و مصاحبه های احساسی و سوزناک خود، نوشته شدن و تأثیرات توهم برانگیزانه آن را موجه و عادی جلوه می دهند. این در واقع با استفاده از جو احساسی کنونی است تا اصول و نقدهای تئوریک اصولی آینده، از هم اکنون تخریب شود. این قسمت را فقط برای این نوشتنم که برخی از دوستان از حاصل احساسات زندانی شدن رفقای مبارز در توجیه اشتباهات و توهم ها استفاده نکنند، تا حداقل موضوع برای نقد در زمانی عاری از احساسات طرح شده باشد

محمد اشرفی

5/4/1391

آخرین خبرها در باره وضعیت فعالین کارگری بازداشت شده در کرج و رشت

سایت خبری راه کارگر: در باره فعالین کارگری بازداشت شده کرج و زندانی در اداره اطلاعات رشت خبرهای تازه ای انتشار یافته است. براساس این خبرها پس از یک هفته بی خبری، روز پنجشنبه اول تیر میترا همایونی، سعید مرزبان و سیروس فتحی موفق به برقراری تماس تلفنی کوتاهی با خانواده هایشان شدند. طی روزهای گذشته، خانواده های مسعود سلیم پور و فرامرز فطرت نژاد بعد از مراجعات مکرر و بحث و جدل های زیاد با مامورین زندان موفق شدند زندانبانان را راضی به دریافت داروهای موردنیاز عزیزانشان کنند. مسعود سلیم پور و فرامرز فطرت نژادسخت بیمار و تحت درمان هستند و نیاز شدید به مصرف منظم دارو دارند. این فعالین کارگری زندانی در رشت، پس از گذشت ۹ روز هنوز نتوانسته اند ملاقات حضوری با خانواده هایشان داشته باشند. روز شنبه ۳ تیر زندانبانان برای ممانعت از حضور مستمر خانواده های بازداشت شدگان مقابل دادسرا واقع در پل عراق رشت از خانواده ها خواستند فعلاً مراجعه نکنند چون بازداشت شدگان حداقل تا ۵شنبه میهمان هستند. فعالین کارگری اسیر تا به امروز هیچ گونه تفهیم اتهام نشده اند و از حق داشتن وکیل برخوردار نیستند.

در مورخه 5 تیر ماه تعداد 160 نفر از کارگران وقتی به کارت زنی مراجعه میکنند پیام میگیرند که به کارگزینی مراجعه نمایند.

در کارگزینی به کارگران مراجعه کننده اطلاع میدهند که از کار اخراج شده اند. وقتی کارگران به اخراج خود اعتراض میکنند.

به آنها گفته میشود شما قراردادتان دارای زمان نبوده است. به همین دلیل نیاز به اطلاع قبلی نداشتید. مدیریت دستور داده است که از ورود شما به کارخانه جلوگیری شود؟

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

k.komitehpeygi.com

www.comitehpeygi.com

احضار کوروش بخشنده از فعالین کارگری به ستاد خبری اداره اطلاعات شهر سندج

بر اساس گزارش رسیده، روز دوشنبه ۵ تیر ماه ۱۳۹۱، کوروش بخشنده عضو کمیته هماهنگی برای کمک به تشکل های کارگری و از فعالین کارگری بازداشت شده شهر کرج طی تماسی تلفنی به ستاد خبری اداره اطلاعات شهر سندج احضار شد. ستاد خبری از وی خواسته تا در روز سه شنبه ۶ تیر ماه خود را به اداره ی مربوطه معرفی نماید این در حالی است که آثار کیبودی و جراحات بازداشت قبلی هنوز بر بدن وی قابل مشاهده است.

کمیته هماهنگی خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی فعالان کارگری به ویژه فعالین بازداشت شده در شهر کرج هستیم و هرگونه احضار و بازداشت فعالان کارگری را به شدت محکوم می کنیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۵ تیر ۱۳۹۱

کارگران دربند را آزاد کنید

بنا به خبر های منتشره روز جمعه ۲۶ خرداد ماه در ادامه موج به راه افتاده سرکوب و بازداشت فعالین کارگری نیروهای امنیتی و انتظامی در شهر کرج با حمله به محل برگزاری مجمع عمومی سالپانه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری اقدام به ضرب و شتم فحاشی و هتک حرمت و بازداشت بیش از ۶۰ تن از فعالین کارگری حاضر در مجمع نموده اند.

انجام این عمل خود بخوبی بیانگر عمق بحران در نظام سرمایه داری و میزان ترس صاحبان زور و سرمایه از هر حرکتی در جهت تشکل یابی کارگران می باشد.

فعالین کارگری شورایی سندج ضمن محکوم نمودن این عمل غیر انسانی برحق مسلم کارگران برای برپائی مجامع عمومی و شوراهای

مستقل خود پای فشرده و خواهان آزادی سریع و بی قید شرط افرادی که هنوز در بازداشت بسر میبرند بنامهای: ریحانه انصاری- مسعود سلیم پور- علیرضا عسکری- سیروس فتحی- فرامرز فطرت نژاد- جلیل محمدی- سعید مرزبان- مازیار مهرپور و میترا همایونی می باشد. و از تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب تشکلهای و فعالین کارگری داخل و خارج کشور میخواید تا از تمامی توان و امکانات برای آزادی این عزیزان و مقابله با تعرضات سرمایه دارن به فعالین کارگری استفاده نمایند.

جمعی از فعالین کارگری شورایی سندج

۴/۱۳۹۱/۵

انتقال شش نفر از فعالان کارگری به بازداشتگاه رشت

بنه نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 5 پر آمده است : با گذشت ده روز از حمله نیروهای امنیتی به محل گردهمایی شماری از فعالان کارگری و انتقال شش نفر از فعالان کارگری دستگیر شده به بازداشتگاه اطلاعات رشت، همچنان اطلاعی از وضعیت آنها در دست نیست و اتهامات وارده به آنها اعلام نشده است.

ماموران امنیتی روز جمعه، ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۱، دهها نفر از فعالان کارگری را که اغلب آنها اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" بودند، در شهر کرج بازداشت کردند.

به گزارش «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری»، پس از انتقال تمامی دستگیرشدگان به زندان رجایی شهر کرج، شمار زیادی از آنها آزاد شدند و ۹ نفر به نامهای سیروس فتحی، علیرضا عسکری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیمپور، مازیار مهرپور، ریحانه انصاری، فرامرز فطرت نژاد و میترا همایونی همچنان بازداشت هستند.

در پی تجمع روز سهشنبه ۳۰ خرداد خانوادههای دستگیرشدگان در برابر دادسرای شهر کرج، به خانوادهها اعلام شد که چند تن از فعالان بازداشت شده به شهر رشت منتقل شدهاند، چند تن از آنها نیز در اداره اطلاعات کرج بازداشت هستند.

همسر یکی از بازداشتشدگان که مایل به ذکر نامش نیست، روز جمعه در گفتگو با رادیو زمانه، در پیوند با چگونگی بازداشت این افراد و وضعیت فعلی آنها توضیح داده است :

چه خبری از آخرین وضعیت فعالان کارگری بازداشت شده دارید؟ چند نفر آزاد شدهاند و چه کسانی هنوز در بازداشت هستند؟

روز جمعه ۲۶ خرداد ۵۷ نفر از فعالان کارگری بازداشت شدند که ۴۸ نفر آنها آزاد شده و ۹ نفر همچنان در زندان به سر میبرند. از این ۹ نفر، شش نفر اهل شهر رشت هستند و یک نفر از کردستان و دو نفر نیز از فعالان شهر تهران هستند.

بهانه بازداشت این افراد چه بوده و چه اتهامی به آنها وارد شده است؟

فعالان کارگری که اغلب آنها اعضای ، "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" بودند، در حالی بازداشت شدند که در پی برنامهریزی برای برگزاری مجمع عمومی سالانه خود بودند. تمامی این افراد بدون ارائه حکم رسمی بازداشت شدهاند و هنوز عنوان اتهامی آنها به خانوادهها ابلاغ نشده است و اطلاعی از اتهامات وارده در دست نیست، اما از آنجا که این افراد فعالان کارگری هستند و حکومت علی رغم شعارهای عوامفریبانه هرگز سیاستهایی در جهت رفاه حال کارگران نداشته است، طبیعتاً نظام جمهوری اسلامی نگران ارتقای آگاهی کارگران و فراگیر شدن اعتراضهای صنفی آنان است. یکی از تمهیداتی که برای ممانعت از اعتراضهای کارگران به کار بسته می شود نیز برخورد با فعالان کارگری و پیشگامان مبارزههای کارگری است

در خیرها آمده است که ماموران امنیتی، هنگام بازداشت فعالان کارگری، با آنها به خشونت برخورد کردهاند. آیا شما اطلاعی از شیوه بازداشت آنها و رفتار ماموران امنیتی دارید؟

ظهر روز جمعه، نیروهای امنیتی خانههای که محل برگزاری این جلسه بود را محاصره کرده و با شلیک گلوله به آن هجوم آورده بودند. آنها با برخوردی که حتی در دهه شصت نیز به ندرت دیده می شد همسایهها را از خانههایشان بیرون کشیده و دستور داده بودند تا روی کف حیاط و پارکینگ دراز بکشند. در واقع واحد به واحد از طبقه اول آپارتمان تا طبقه سوم آن که مجمع عمومی در آن برگزار شده بود، افراد عادی را از خانههایشان بیرون کشیده و مرعوب کرده بودند.

علاوه بر این برخوردها با افراد عادی که ساکنان آن مجتمع مسکونی بودند، اعضای کمیته هماهنگی نیز به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و استثنائی هم برای زن و مرد و پیر و جوان نبوده است. یکی از فعالان کارگری در اثر ضرب و شتم ماموران پرده گوشش پاره شده و زن جوانی نیز گردنش به خاطر ضربههای که با پوتین به آن وارد شده، صدمه دیده است به گونه ای که پس از انتقال به بازداشتگاه برای اینکه بتواند به بازجوییها پاسخ دهد برای چند ساعت به درمانگاه اعزام شده است.

بر اساس خبرهایی که رسیده پس از بازداشت فعالان کارگری شرکتکننده در این جلسه، تمامی آنها با دستبند به بازداشتگاه منتقل شدهاند.

آیا بازداشتشدگان دسترسی به وکیل دارند و اجازه ملاقات با وکیل به آنها داده شده است؟ آیا اصلاً وکیل دارند و از سوی خودشان یا خانوادهها وکیل برایشان تعیین شده است؟

به جز مازیار مهرپور سایر بازداشتشدگان پیش از بازداشت وکیل نداشتهاند و البته از آنجایی که در اغلب اوقات سیستم قضایی ایران اجازه دسترسی متهمان به وکیل را در زمان تحقیقات نمی دهد، هیچکدام از متهمان تاکنون موفق به دیدار با وکیل نشدهاند.

در چند روزی که از بازداشت این افراد می گذرد با خانوادههایشان در تماس بودهاند و اطلاعی از وضعیت و محل نگهداری آنها در دسترس است؟

در چند روز گذشته هشت تن از اعضای بازداشت شده این تشکل با خانوادههای خود تماس کوتاهی داشتهاند، اما یک نفر تا کنون با خانوادههای خود تماسی نداشته است. شش نفر از زندانیان نیز تا کنون به بازداشتگاه اطلاعات رشت تحویل داده شدهاند. علاوه بر این ماموران امنیتی خانه سیروس فتحی را تفتیش کردهاند و کامپیوتری را که متعلق به همسر این فعال کارگری بوده است، با خود بردهاند.

آیا جلسات کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری پیش از این با برخوردهای نیروهای امنیتی مواجه شده بود یا این نخستین بار است که شرکتکنندگان در جلسات مجمع عمومی این تشکل بازداشت می شوند؟

این برای بار اول است که جلسه کمیته هماهنگی با هجوم ماموران مواجه می شود، اما تعداد بسیاری از اعضای این تشکل پیش از این نیز تجربه بازداشت از سوی نهادهای امنیتی را داشتهاند.

اختلاس 100 میلیاردی در کرج

به نوشته سایت آفتاب در 5 تیر آمده است: رئیس کل دادگستری استان البرز از بازداشت 9 نفر به اتهام فساد مالی در کرج خبر داد. محمد صادق مهدوی راد به خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت: بخشی از پرونده این متهمان مربوط به سو استفاده های مالی از بانک ها و بخشی دیگر مربوط به پرونده فساد مالی نمایندگی بیمه ایران در استان البرز است. وی، میزان اختلاس از منابع بانکی را حدود 100 میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: اکنون تمام متهمان بازداشت شده اند و پرونده آنان برای ارجاع به دادگاه در حال آماده شدن است.

احتمال تشدید تحریم های اتحادیه اروپا علیه ایران

به گزارش سایت تابناک در 5 تیر آمده است: ویلیام هیگ امروز و حین ورود به لوکزامبورگ برای نشست اتحادیه اروپا به خبرنگاران اعلام کرد که اگر پیشرفتی در مذاکرات هسته ای با ایران حاصل نشود، اتحادیه اروپا طی ماههای آینده تحریم ها علیه ایران را افزایش خواهد داد. وزیر امور خارجه انگلیس، در این خصوص گفته است: ادامه دادن به این تحریم ها موضوع مهمی برای ما است. وی اظهار کرده که: هنوز برای اینکه ایران پاسخی واضح به پیشنهادات (5 + 1) بدهد دیر نیست، اما ایران تا کنون این اقدام را انجام نداده است. این درحالی است که تحریم نفتی اروپا علیه بیمه نفت کش های ایرانی قرار است تا چندی دیگر به اجرا گذاشته شود. در همین حال قرار شده تا ادامه مذاکرات بین ایران و 5 + 1 در سطح کارشناسی در 13 تیرماه در استانبول پی گیری شود. البته نشست روزهای آینده اتحادیه اروپا در خصوص بحران یورو، که قرار است طبق برنامه برای تصمیم گیریهای اساسی در این خصوص همراه باشد، مشخص خواهد ساخت که اتحادیه اروپا تا چه حد توان ادامه و یا تشدید تحریم ها علیه ایران را خواهد داشت.

به دنبال واردات بی رویه شکر به کشور؛ چغندر کاران، هندوانه می کارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 91 آمده است: یک کارشناس ارشد بخش کشاورزی اعلام کرد: در پی واردات 600 درصدی شکر به داخل کشور 80 درصد از چغندر کاران در آستانه بیکاری قرار گرفتند. بهزاد قریاضی در گفتگو با خبرنگار ایلنا ضمن بیان مطلب فوق یاد آور شد: واردات بی رویه شکر موجب خواهد شد که چغندرکاران به مشاغلی از قبیل هندوانه کاری روی بیاورند.

به گفته قریاضی صنعت قند و شکر کشور که در سال 85 با زیرکشت بردن 180 هزار هکتار و تولید 6 میلیون و 592 هزار تن چغندر قند در طول عمر 112 ساله خود تجربه بی سابقه ای را پشت سر می گذاشت و خودکفایی شکر را در چند قدمی می دید با واردات شکر در سال گذشته و امسال که در مجموع به بیش از 3 میلیون و 200 هزار تن رسیده است با بحران کمبود نقدینگی و ورشکستگی روبرو شده است.

وی با بیان اینکه بیش از 75 درصد از واردات شکر ایران از طریق دو کشور امارات و سوئیس انجام شد یاد آور شد: براساس آمار گمرک ایران، در دو ماه نخست امسال بیش از 118.7 هزار تن قند و شکر از نیشکر تصفیه نشده بدون مواد خوشبو کننده یا رنگ کننده به ارزش بیش از 99.1 میلیون دلار وارد کشور شد. این میزان واردات نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب رشد 401 و 680 درصدی را نشان می دهد.

گفتنی است افزایش واردات شکر به حدی بوده که این کالا به نهمین کالای عمده وارداتی کشور طی دو ماه نخست امسال تبدیل شده است. همچنین در این مدت تنها حدود 13 هزار تن شکر در کشور تولید شد. سال گذشته یک میلیون و 234 هزار تن شکر وارد کشور شده بود و تولید داخلی شکر نیز بالغ بر یک میلیون و 150 هزار تن شد.

بازانه 4.5 میلیون ایرانی قطع شد!

به نوشته سایت آفتاب در 5 تیر آمده است: محمدرضا فرزین درباره ی این که آیا باز هم تعداد دریافت کننده یارانه کاهش خواهد یافت؟ گفت: ما هم اکنون در حال بررسی این موضوع هستیم.

وی با اشاره به این که بخشی از افراد حذف شده از فهرست دریافت کنندگان یارانه، ایرانیانی هستند که در خارج از کشور زندگی می کنند، درباره چگونگی شناسایی افراد دارای تمکن مالی گفت: به هر حال ما از خیلی پایگاه های اطلاعاتی استفاده کرده ایم و نظام مشخصی برای شناسایی این افراد داریم.

رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی همچنین درباره اظهارات اخیر رییس کل بانک مرکزی مبنی بر امکان تخصیص منابع این صندوق به افزایش سرمایه بانک های دولتی توضیحاتی ارائه کرد.

وی با اشاره به این که آنچه که رییس کل بانک مرکزی مطرح کرده، مربوط به یکی از بندهای مصوبات هیات امنای صندوق توسعه ملی است، گفت: در این مصوبه آمده صندوق توسعه ملی می تواند تسهیلاتی را به بانک های دولتی تخصیص دهد که آن ها این تسهیلات را در اختیار بخش خصوصی قرار دهند، اما اگر از این محل سودی حاصل شد، بانک ها می توانند آن سود را به افزایش سرمایه خود تبدیل کنند.

به گزارش ایسنا، او با تاکید بر این که این موضوع ارتباطی با تسهیلات صندوق توسعه ملی ندارد، افزود: ما به دنبال این نیستیم که منابع خود را بابت افزایش سرمایه به بانک های دولتی اختصاص دهیم.

فرزین اظهار کرد: به نظر می رسد استناد رییس کل بانک مرکزی به همین بند از مصوبه هیات امنای بوده است.

اخراج ۲۵ نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 91 آمده است: قرارداد ۲۵ نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک، از ابتدای تیرماه سال جاری تمدید نشده است و این کارگران با دریافت نامه از مسئولان کارخانه، برای دریافت بیمه بیکاری به مراجع ذیصلاح معرفی شدند.

اسماعیل حق پرستی، دبیر اجرایی خانه کارگر تهران، در این زمینه به ایلنا گفت: تعدیل ۲۵ نفر از کارگران کارخانه منابع تغذیه الکترونیک برای دومین بار است که در سال جاری انجام می‌شود که بنابر اطلاعات دریافتی، این روند، تا تعطیلی کامل این کارخانه ادامه پیدا می‌کند.

وی خاطر نشان کرد: این کارخانه بیش از ۳۰ سال، سابقه فعالیت در عرصه تولید قطعات الکترونیکی دارد که به دلیل واردات بی‌رویه در این زمینه، توان تولید خود را از دست داده است و نمی‌تواند به صورت عادلانه با قطعاتی که به کشور وارد می‌شود رقابت کند، لذا به دلیل کاهش فروش و افزایش هزینه‌ها، به اخراج و تعدیل کارگران کارخانه روی آورده است. به گزارش ایلنا، کارگرانی که از کار در این کارخانه محروم شدند، دارای سابقه‌ای از ۴ تا ۱۷ سال هستند که به دلیل مشکلات کارخانه نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند، این در حالی است که تعدادی از کارگران این کارخانه، به دلیل اشتغال در این شرکت، در حال اقدام برای آغاز زندگی مشترک بودند.

گفتنی است کارخانه منابع تغذیه الکترونیک، یکی از پرسابقه‌ترین کارخانجات تولید قطعات الکترونیکی محسوب می‌شود که از چند سال پیش بسیاری از قراردادهای رسمی را به قراردادهای موقت و ۳ ماهه تبدیل کرده است.

شمار تعدیل نیروی کار شهاب‌خودرو به ۶۶۷ نفر رسید

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 5 یار آمده است: نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو اعلام کرد: این کارخانه وابسته به آستان قدس رضوی با تعدیل ۱۷ کارگر قراردادی دیگر، شمار کارگران بیکار خود را به ۶۶۷ نفر رساند. به گزارش ایلنا، نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو، با بیان این خبر گفت: کارخانه شهاب خودرو که طی روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین ماه سال جاری تعداد ۶۵۰ کارگر قراردادی خود را به بهانه افزایش مشکلات کارخانه تعدیل و اخراج کرده بود هم اکنون با عدم تمدید قرارداد با ۱۷ کارگر قراردادی دیگر تعداد کارگران اخراجی خود را افزایش داده است.

او با بیان اینکه شایعه اخراج ۵۰ کارگر دیگر طی هفته‌های آینده قوت یافته است گفت: با وجود تجمعات گسترده‌ای که کارگران در مقابل نهادهای مختلف ذی‌ربط انجام داده‌اند متأسفانه بعد از گذشت سه ماه هنوز عکس العمل مسئولان را در قبال حل مشکلات کارگران شهاب خودر مشاهده نکرده‌ایم.

این کارگر اخراجی با اشاره به اینکه وابستگی کارخانه شهاب خودرو به آستان قدس رضوی محدودیتهایی را جهت پی‌گیری مشکلات پیش از ۶۶۷ کارگر اخراجی بوجود آورده است، اظهار داشت: با وجود حکم مراجع قانونی و اداره کار مبنی بر بازگشت به کار کارگران، متأسفانه کارفرمای شهاب خودرو از اجرای این حکم امتناع می‌کند.

نماینده کارگران اخراجی شهاب خودرو با ابراز نگرانی از وضعیت بوجود آمده، اظهار کرد: مشکلات معیشتی و روحی روانی و همچنین خانوادگی کارگران در طول این مدت افزایش یافته است.

این فعال کارگری گفت: صبح روز شنبه تعداد کثیری از کارگران اخراج شده شرکت شهاب خودرو با مراجعه به اداره کار شمال غرب تهران خواستار دریافت هرچه سریع‌تر مستمری بیمه بیکاری خود شدند.

او متذکر شد: مسوولین اداره کار آستان تهران مدت سه ماه است که دستور پرداخت مقرری بیمه کارگران اخراج شده را به بهانه پیگیری بازگشت به کار آن‌ها صادر نمی‌کنند و پس از دو ماه هنوز موفق به بازگشت بکار نیز نشده‌ایم، این در شرایطی است که کارگران در طول این سه ماه با مشکلات معیشتی فراوانی مواجه بوده‌اند.

این فعال کارگری همچنین خبر داد: از ابتدای تیرماه اعتبار دفترچه‌های بیمه تامین اجتماعی کارگران به پایان رسیده است و خانواده‌های آن‌ها دیگر قادر نخواهند بود از بیمه نیز استفاده کنند.

عضو کانون صنفی معلمان برای اجرای حکم ۹ سال و نیم حبس راهی اوین شد

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 5 یار آمده است: محمود باقری، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان ایران دیروز سوم تیر ماه در پی احضار دادرسی اوین برای گذراندن حکم نه و نیم سال حبس به زندان اوین رفت.

این احضار در پی فراخوان دو ماه پیش وی انجام گرفت که در آن هنگام با درخواست مدرسه و همکاری قاضی دادرسی اوین اجرای حکم تا پایان امتحانات خرداد به تعویق افتاد. اما کمتر کسی باور می‌کرد که چنین حکم شگفت و سنگینی، برای یک فرهنگی‌تلاشگر، با پیشینه آموزشی 27 سال، اجرا شود.

باقری که 27 سال پیشینه آموزشی دارد، پیش از این به خاطر گردهمایی‌های اسفند 85 فرهنگیان مقابل مجلس در روزهای آغازین 86 یک ماه را در اوین گذراند و پس از آن، حکم سه و نیم سال زندان تعلیقی را دریافت کرده بود.

پس از آن و در سال 89 نیز به خاطر فعالیت‌هایش در کانون صنفی معلمان، بازداشت شد و نزدیک به سه ماه در اوین بازداشت بود و پس از آن در دادگاهی به 6 سال زندان تعزیری محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز عیناً تأیید شد.

تعویق حقوق ۳ هزار کارگر در کاشان آران و بیدگل

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 91 آمده است: نماینده کاشان، آران و بیدگل در مجلس نهم، از ادامه روند بیکاری در کشور و شهرستان کاشان انتقاد کرد.

عباسعلی منصوری در این زمینه به اینها گفت: در حال حاضر بیش از ۳ هزار کارگر در شهرستان کاشان، آران و بیدگل حقوق معوقه و پرداخت نشده دارند که این مساله مشکلات زیادی را برای توسعه این شهرستان به وجود آورده است. او افزود: برای حل مشکلات این کارگران، به سازمانها و نهادهایی مثل کمیته امداد و بهزیستی متوسل شدیم تا بتوانیم باری از دوش کارگران برداریم، چرا که این مساله برای جامعه ما عیب بزرگی محسوب می‌شود.

نماینده کاشان، آران و بیدگل در تشریح راه حل خود برای برطرف کردن مشکل بیکاری گفت: به دلیل شرایط جغرافیایی و موقعیت استراتژیک آران و بیدگل و کاشان، این شهرستان توانایی تبدیل شدن به قطب صنعتی کشور را دارد و دولت موظف است به صورت ویژه مسائلی این شهرستان را در نظر بگیرد.

منصوری تصریح کرد: باید با پرداخت وام‌های مورد نیاز صنعتگران، روان سازی اداری و حمایت از تولیدات داخلی، زمینه را برای ایجاد شغل در منطقه کاشان، آران و بیدگل فراهم کرد و به طور کلی دولت باید چرخه صنعت در این منطقه را راه اندازی کند. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نهم، آموزش تخصصی کارگران را یکی دیگر از راههای توسعه صنعتی کاشان عنوان و خاطر نشان کرد: آموزش همراه با کار، می‌تواند ما را به استانداردهای لازم نزدیک کند و همچنین راندمان کاری کارگران را دو چندان کند.

او استفاده از محصولات داخلی را راه دیگری برای حمایت از صنعت عنوان و یادآور شد: برای تکمیل شدن چرخه حمایت از صنعت در کشور، باید فرهنگ استفاده از تولیدات با کیفیت داخلی نهادینه شود.

طی هفته جاری؛ ۴۰۰ کارگر جدید مبتکران بیکار شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: کارخانه جدید مبتکران پاکدشت به جهت افزایش مشکلات مالی با ۴۰۰ کارگر خود قطع همکاری کرد.

عوض سلطانی، دبیر اجرایی خانه کارگر پاکدشت با اعلام این خبر به اینها گفت: کارخانه جدید مبتکران تولید کننده انواع صندلی خودرو به جهت کاهش سفارشات از جانب کارخانه‌های خودرو سازی دچار مشکلات مالی شده است. این فعال کارگری با اشاره به مطالبات ۱۹ میلیاردی جدید مبتکران از کارخانه‌های بزرگ خودرو ساز افزود: مشکلات مالی به تبع این طلب میلیاردی و کاهش سفارشات از عوامل اخراج این کارگران بوده است.

سلطانی با انتقاد از عدم وجود امنیت شغلی بیش از ۱۰۰۰ کارگر جدید مبتکران اظهار داشت: این کارخانه با افزایش مشکلاتش ناچار شده است از تمدید قرارداد با ۴۰۰ کارگر خود امتناع کند.

او گفت: قرارداد اکثر کارگران این کارخانه یک ماهه و سه ماهه بوده و کارگران بیکار شده از اردیبهشت ماه سال جاری حقوقی دریافت نکرده‌اند.

این فعال کارگری با بیان اینکه کارفرمایان این کارخانه وعده پرداخت معوقات کارگران را داده است افزود: کارفرمای این کارخانه همچنین قول داده است در صورت رفع مشکلات این واحد تولیدی همه کارگرانی که تمدید قرارداد نشده‌اند را دوباره بر سر کار خود بازگرداند. گفتنی است گروه صنعتی جدید مبتکران در سال ۱۳۶۵ در شرق تهران تاسیس شد و اکنون از بزرگترین شرکتهای تولیدکننده صندلی خودروهای ساخت داخل بشمار می‌رود.

با گذشت شش ماه از تعطیلی کارخانه؛

سنوات کارگران ایرانیت شهری پرداخت نشده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: وکیل حقوقی کارگران بیکار شده ایرانیت شهرستان ری اعلام کرد: هنوز مشکلات ۳۵۰ کارگر بیکار شده کارخانه ایرانیت شهر ری حل نشده است. محمود شیرازی با اشاره به بیکاری ۳۵۰ کارگر کارخانه ایرانیت شهر ری در دی ماه سال گذشته، به اینها گفت: هنوز بخش اعظمی از مطالبات ۳۵۰ کارگر کارخانه ایرانیت پرداخت نشده است. او افزود: طبق احکام صادره از سوی اداره کار و مراجع قانونی هم اکنون حساب مالی شرکت مسدود شده و هر ماه بخشی از حقوق معوقه از این حساب برداشت و به حساب کارگران واریز می‌شود.

او با بیان اینکه هنوز مشکل کارخانه ایرانیت شهر ری برطرف نشده است افزود: این کارخانه هم اکنون تولیدی ندارد و بغیر از کارگرانی که با داشتن شرایط بازنشستگی بازنشسته شدند مابقی هر روز در سر کار خود حاضر می‌شوند.

نماینده قانونی کارگران ایرانیت شهر ری تصریح کرد: با وجود بازنشسته شدن تعداد زیادی از کارگران در این واحد تولیدی هنوز سنوات خدمتی این کارگران پرداخت نشده است و مطالبات حقوقی کارگران قراردادی نیز همچنان باقی است.

گفتنی است کارخانه ایرانیت واقع در شهرستان ری در دی ماه سال گذشته به جهت آلاینده بودن مواد اولیه تولید و تاثیرات ناشی از این مواد بر سلامتی کارگران، به جهت عدم توانایی در تغییر کاربری کارخانه و یا جایگزینی مواد اولیه جدید، ناچار به تعطیلی شد و ۳۵۰ کارگر آن بیکار شدند.

تجمع کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت در پی عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 91 آمده است: از صبح امروز ۴۸ کارگر شرکت ریسندگی خاور رشت در اعتراض به عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق و مزایای خود، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، از صبح امروز کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت که تعدادشان به ۴۸ تن می‌رسید در اعتراض به عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق و مزایای خود، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

تجمع کارگران این واحد صنعتی تا ساعت ۱۳ بعدازظهر همچنان ادامه داشت و آنان با اشاره به دعوت از سه کارگر این کارخانه برای حضور در استانداری و گفتگو با مقامات آن تاکید کردند: «جلوی خانواده‌های خود شرمند هستیم.»

یکی از کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت در حاشیه این تجمع اظهار داشت: «این واحد صنعتی روزی از بهترین کارخانجات استان و کشور که آوازه کیفیت و محصول آن حتی به اروپا نیز رسیده بود.»

وی خاطر نشان کرد: «متأسفانه چندین سال است که این شرکت دچار بحران شده و کارگران بلا تکلیف و سرگردان هستند در حالیکه

بسیار از کارگران که بیش از ۲۰ سال و بعضاً حتی حدود ۳۰ سال سابقه خدمت دارند طبق قانون تاکنون باید بازنشسته می‌شدند.» وی تصریح کرد: «متأسفانه سازمان تأمین اجتماعی به علت بدهیهای شرکت از تمدید اعتبار دفترچه‌های بیمه امتناع ورزیده و حتی از تمدید اعتبار دفترچه‌های بیمه نیز خودداری می‌نماید.»

وی تصریح کرد: «اکنون ما کارگران بالغ بر ۱۱ ماه حقوق معوقه طلب داشته و از نظر معیشتی در وضعیت بسیار بدی قرار گرفته‌ایم که از شرح جزئیات آن شرمساریم.»

این کارگر تأکید کرد: «ما کارگران رسمی این شرکت که تعدادمان به ۴۸ نفر می‌رسد، مورد ظلم و شکنجه روحی و روانی قرار داریم و به هر جایی که مراجعه می‌کنیم هیچگونه جواب مثبت و قانع‌کننده‌ای دریافت نمی‌کنیم و هم‌چنان بلا تکلیف مانده‌ایم.»

تب کریمه کنگو در کمین کارگران کشتارگاه‌های صنعتی

به گزارش سایت سلامت نیوز در 6 تیر آمده است: مدیر گروه بیماری‌های عفونی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با اعلام ابتلای 3 کارگر کشتارگاه صنعتی به تب کریمه کنگو بر ضرورت آموزش و ارائه امکانات پیشگیری از ابتلا به این بیماری مخصوصاً در فصول پر خطر تأکید کرد.

دکتر حمیدرضا نادری با بیان اینکه فصل تکثیر و فعالیت کهنه‌های سخت فصول گرم سال (از اوائل بهار تا اواسط پاییز است)، به اینها گفته می‌شود که دام‌های اهلی و جوندگان کوچک تغذیه می‌کنند و طی مرحله خونخواری، کهنه و ویروس را به دام منتقل می‌کند اما مشکل اینجاست که دام آلوده به ظاهر بیمار نیست و علائم مشکوکی را بروز نمی‌دهد. بنابراین به آسانی ذبح می‌شود و تماس با خون و بافت آلوده امکان انتقال بیماری به ذابچی را که در تماس بدون حفاظ با خون و نسوج آلوده بوده را فراهم می‌آورد.

این متخصص بیماری‌های عفونی با تأکید بر ضرورت توقف ذبح دام به صورت غیر بهداشتی، افزود: لازم است کارگرانی که در کشتارگاه‌های صنعتی مشغول به کار هستند از طریق دوره‌های آموزشی با راه‌های انتقال، راه‌های پیشگیری و اولین علائم بروز بیماری بطور کلی آشنا شوند و وسائل حفاظت شخصی شامل دستکش و پوشش‌های محافظتی برای اجتناب از تماس خون یا نسوج دام با پوست یا سطوح مخاطی بدون حفاظ خود را در اختیار داشته باشند.

نادری در ادامه به علائم مشخصه این بیماری پرداخت و خطاب به کارگران ذابح گفت: اولین علائم مشخصه بیماری بروز تب و سردرد شدید است و توصیه می‌شود که کلیه کارگرانی که به نحوی در تماس با خون یا نسوج تازه دام‌های ذبح شده بوده‌اند، به محض بروز این علائم به پزشک مراجعه کنند تا از نظر ابتلا به تب کریمه کنگو بررسی شوند و مراقبت‌های لازم را در صورت ضرورت دریافت نمایند. به اعتقاد این پزشک متخصص آشنائی پزشکان با این بیماری و تشخیص موارد مشکوک با اولین ویزیت بیمار، از جمله وظایف نظام بهداشت و درمان به شمار می‌رود.

در دنیا مردم تنها 18 درصد هزینه‌های سلامت را می‌پردازند اما در ایران این رقم بیشتر از 60 تا 70 درصد می‌شود

به گزارش خبرنگار دولتی مهر، در 6 تیر آمده است: موضوع دریافت‌های چند میلیونی در بیمارستان‌های خصوصی بابت هزینه درمان برخی از بیماران که نیاز به جراحی دارد، مسئله تازه‌ای نیست اما آنچه در این بین نادیده گرفته می‌شود، نبود یک دستورالعمل مشخص برای تمامی بیمارستان‌های خصوصی است. به طوریکه هزینه یک عمل ساده و معمولی در یک بیمارستان خصوصی کمتر از یک میلیون است و همین جراحی ساده در بیمارستان دیگری شاید به 5 میلیون هم برسد.

گزارشها و بررسیها از روند هزینه‌های درمانی در بیمارستان‌های خصوصی نقاط مختلف کشور، حاکی از این واقعیت است که دریافت هزینه از بیماران به هیچ عنوان ضابطه مند نیست. به طوریکه هر بیمارستانی بر اساس معیارهایی که برای خودش تعریف کرده است نسبت به دریافت هزینه‌های درمانی از بیماران اقدام می‌کند.

یک شهروند تهرانی با اشاره به مراجعه‌ای که چندی قبل به یکی از بیمارستان‌های خصوصی داشته است، به خبرنگار مهر می‌گوید: یکی از نزدیکانم به دلیل بیماری سرطان هر چند وقت یکبار تحت درمان قرار می‌گرفت اما یک شب حالش خیلی بد شد و ما مجبور شدیم او را سریع به نزدیکترین بیمارستان برسانیم.

این شهروند با انتقاد از عملکرد برخی آمبولانس‌های خصوصی در انتقال بیمار به بیمارستان، می‌افزاید: بعد از اینکه بیماران را به یکی از بیمارستان‌های خصوصی مرکز شهر رساندیم، برای عمل جراحی او 20 میلیون تومان از ما خواستند. ولی متأسفانه این پول را نداشتیم که بدهیم برای همین تا صبح صبر کردیم و بعد پیش رئیس بیمارستان و دکتر جراح رفتیم تا شاید بتوانیم هزینه را کمتر کنیم. وی با گلایه از نبود نظارت جدی بر هزینه‌های دریافتی در بیمارستان‌های خصوصی، می‌گوید: بعد از کلی خواهش و التماس، در نهایت هزینه 20 میلیونی به 6 میلیون رسید. ولی چون از رفتار دلال‌گونه بیمارستان خوشمان نیامد، بیماران را از آنجا بردیم. موضوع تأمین هزینه‌های درمانی، یکی از چالش‌های اساسی آن دسته از بیماران است که وضعیت مالی مناسبی ندارند اما ناچارند برای نجات جان بیماران، فرس زیر پای خودشان را هم بفروشند. به طوریکه در تازه‌ترین اظهار نظر وزیر بهداشت، هر سال حدود 7.5 درصد از جمعیت کشور به دلیل ابتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج به زیر خط فقر می‌روند.

وضعیت نامطلوب بیمارستان‌های دولتی در ارائه خدمات به بیماران، باعث شده تا قشری هر چند اندک از جمعیت کشور مجبور باشند از مراکز خصوصی برای ادامه درمان بیماری استفاده کنند و همین مسئله باعث شده تا مشکلات و دشواریهایی از بابت تأمین هزینه‌های درمانی متوجه آنان باشد. هزینه‌هایی که بعضاً سر به فلک می‌گذارد و به چند میلیون می‌رسد.

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، در دنیا مردم تنها 18 درصد هزینه‌های سلامت را می‌پردازند اما در ایران بیش از 54.8 درصد از هزینه‌های سلامت از جیب مردم پرداخت می‌شود که با احتساب منابع بیمه‌ای این رقم بیشتر از 60 تا 70 درصد می‌شود.

دکتر علیرضا زالی معاون سازمان نظام پزشکی معتقد است که در اعتبارات نظام سلامت در سال 91 بودجه‌ای برای ارتقای شاخص‌های محرومیت‌زدایی در حوزه سلامت تعیین نشده و از سوی دیگر حدود 30 درصد رشد برای درآمدهای اختصاصی واحد بهداشتی و درمانی دولتی پیش‌بینی شده که این بر خلاف جهت‌گیری قانون توسعه پنجم است. برای توسعه عدالت در سلامت باید پرداخت هزینه‌های درمان از طرف مردم را به 30 درصد تقلیل دهیم در حالی که میزان پرداخت از جیب مردم در حال حاضر 59 تا

62 درصد از هزینه‌های درمان است. هزینه جراحی آپاندیسیت در بیمارستان خصوصی غرب تهران 25 میلیون ریال برآورد می‌شود اما همین عمل در بیمارستان خصوصی یکی از مراکز استانها کمتر از 10 میلیون ریال است. هزینه عمل قلب باز در یکی از بیمارستانهای خصوصی پایتخت بالغ بر 10 میلیون تومان است اما همین عمل در بیمارستان دیگری که آن هم خصوصی است، حدود 5 میلیون تومان تمام می‌شود. هزینه عمل سزارین در یکی از بیمارستانهای خصوصی تهران که شهره عام و خاص شده است، هم اکنون در حدود 7 میلیون تومان است در حالی که این عمل در بیمارستان خصوصی مرکز شهر حدود 3 میلیون تومان تمام می‌شود. متأسفانه دریافت هزینه‌های متفاوت در بیمارستانهای خصوصی، هیچ ضابطه و قاعده‌ای ندارد و تنها بر اساس درجه بندی که صورت گرفته است، این هزینه‌ها به بیمار تحمیل می‌شود. به طوریکه در برخی بیمارستانها از همراهان بیمار با نسکافه و شیرینی پذیرایی می‌شود و برخی از بیمارستانها برای بیمار، منوی باز غذا دارند. داشتن اتاق خصوصی برای همراه بیمار نیز یکی از امتیازهای بیمارستانهای خصوصی در رقابت با یکدیگر است. وجود چنین شرایطی باعث شده تا هزینه‌های درمانی در بیمارستانهای خصوصی کشور از یک میلیون تا چند میلیون متفاوت و متغییر باشد. البته هیچ نظارت جدی بر دریافت چنین پولهایی انجام نمی‌شود و تنها بیماران هستند که لاجرم این شرایط را به جان خریدند اند تا شاید به سلامت از بیمارستان بیرون بیایند! گزارش از حبیب احسنی پور

۴۰۰ کارگر جدید مبتکران بیکار شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 91 آمده است: کارخانه جدید مبتکران پاکدشت به جهت افزایش مشکلات مالی با ۴۰۰ کارگر خود قطع همکاری کرد. عوض سلطانی، دبیر اجرایی خانه کارگر پاکدشت با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه جدید مبتکران تولید کننده انواع صندلی خودرو به جهت کاهش سفارشات از جانب کارخانه‌های خودرو سازی دچار مشکلات مالی شده است. این فعال کارگری با اشاره به مطالبات ۱۹ میلیاردی جدید مبتکران از کارخانه‌های بزرگ خودرو ساز افزود: مشکلات مالی به تبع این طلب میلیاردی و کاهش سفارشات از عوامل اخراج این کارگران بوده است.

سلطانی با انتقاد از عدم وجود امنیت شغلی بیش از ۱۰۰۰ کارگر جدید مبتکران اظهار داشت: این کارخانه با افزایش مشکلاتش ناچار شده است از تمدید قرارداد با ۴۰۰ کارگر خود امتناع کند. او گفت: قرارداد اکثر کارگران این کارخانه یک ماهه و سه ماهه بوده و کارگران بیکار شده از اردیبهشت ماه سال جاری حقوقی دریافت نکرده‌اند. این فعال کارگری با بیان اینکه کارفرمایان این کارخانه وعده پرداخت معوقات کارگران را داده است افزود: کارفرمای این کارخانه همچنین قول داده است در صورت رفع مشکلات این واحد تولیدی همه کارگرانی که تمدید قرارداد نشده‌اند را دوباره بر سر کار خود بازگرداند. گفتنی است گروه صنعتی جدید مبتکران در سال ۱۳۶۵ در شرق تهران تاسیس شد و اکنون از بزرگترین شرکتهای تولیدکننده صندلی خودروهای ساخت داخل بشمار می‌رود.

کاهش 30 دلاری قیمت نفت ایران در 80 روز

به گزارش خبرنگار دولتی مهر، در 6 تیر آمده است: در ادامه سقوط آزاد طلای سیاه در بازارهای آمریکا، اروپا و جنوب شرق آسیا، بهای نفت خام صادراتی ایران هم در هفته‌های اخیر با کاهشی بیش از 30 دلاری همراه بوده است. بر این اساس پس از ثبت رکورد تاریخی 126 دلار به ازای فروش هر بشکه نفت خام صادراتی ایران به بازارهای آسیایی در فروردین ماه سالجاری، در شرایط فعلی بهای هر بشکه نفت خام سبک ایران برای عرضه به کشورهای آسیایی در محدوده 95 تا 96 دلار معامله می‌شود. مدیریت امور بین الملل شرکت ملی نفت هم در آخرین گزارشی رسمی خود درباره آخرین وضعیت قیمت فروش نفت خام سبک و سنگین صادراتی ایران، اعلام کرد: 25 ژوئن سالجاری میلادی نفت خام سبک ایران برای عرضه در بازارهای شمال غرب اروپا، حوزه مدیترانه و آفریقای جنوبی به ترتیب به 93 دلار و 75 سنت، 92 دلار و یک سنت و 93 دلار و 61 سنت به مشتریان خارجی تحویل داده شده است. این در حالی است که هم اکنون قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی ایران در بازارهای آسیایی بیش از 96 دلار و 44 سنت معامله می‌شود.

در همین حال، بهای نفت خام سنگین ایران هم در ادامه کاهش چند دلاری در بازارهای چهار گوشه جهان بار دیگر در معاملات 25 ژوئن افزایش یافت؛ به طوریکه نفت خام سنگین ایران با بهای 94 دلار و 72 سنت به مشتریان آسیایی فروخته شده است. قیمت نفت خام سنگین ایران برای عرضه در بازارهای شمال غرب اروپا، حوزه مدیترانه و آفریقا به ترتیب به 92 دلار و پنج سنت، 90 دلار و 66 سنت و 91 دلار و 91 سنت معامله شده است. به گزارش مهر، از ابتدای هفته جاری تاکنون وقوع طوفان‌های فصلی در منطقه خلیج مکزیک و آمریکای شمالی، نگرانی از بهبود اقتصاد جهانی، ادامه رکود اقتصادی در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و افزایش بی سابقه تولید و صادرات نفت عربستان سعودی و روسیه از مهمترین دلایل نوسان‌های قیمتی نفت خام در بازارهای جهانی یاد می‌شود. با این وجود کارشناسان اقتصادی از دولت نفتی عربستان سعودی و روسیه که هر یک به تنهایی حدود 10 میلیون بشکه نفت تولید و به بازار عرضه می‌کنند به عنوان مهمترین عامل کاهش بهای جهانی نفت یاد می‌کنند.

این در حالی است که در همزمان با کاهش بهای نفت خام صادراتی ایران، قیمت نفت برنت دریای شمال و نفت شیرین سبک پایه بورس نیویورک (دبلیو.تی.آی)، بهای نفت خام سبک و سنگین ایران هم در بازارهای جهانی با کاهشی چند دلاری همراه بوده است. در بازار آ.سی.بی. لندن نیز قیمت نفت خام برنت دریای شمال با 15 سنت کاهش، در سطح 90 دلار و 86 سنت برای هر بشکه تثبیت شد.

منیژه نجم عراقی و فریبرز رئیس دانا را آزاد کنید

مردم آزادی خواه!

سرانجام پس از ماه ها بازجویی و تشکیل پرونده و دادگاه، فریبرز رئیس دانا عضو هیئت دبیران و منیژه نجم عراقی منشی منتخب کانون نویسندگان ایران به فاصله ی چند روز از یکدیگر روانه ی زندان شدند. فریبرز رئیس دانا پس از یک مصاحبه ی تلویزیونی درباره ی مسائل اقتصادی شبانه دستگیر و مدت یک ماه در بازداشت به سر برد و در نهایت به یک سال حبس محکوم شد. منیژه نجم عراقی نیز به اتهام ارسال بیانیه های کانون نویسندگان ابتدا سه روز بازداشت و سرانجام به یک سال زندان محکوم شد. از نظر ما امضاکنندگان زیر احکام صادره هدفی جز سرکوب آزادی بیان و مدافعان آن و به ویژه ازکار انداختن کانون نویسندگان ایران ندارد. ما این رویه را محکوم می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط منیژه نجم عراقی و فریبرز رئیس-دانا و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.

۱۳۹۱/۴/۶

اعتراضیه

فریبرز رئیس دانا

فعال کارگری آزاد باید گردد

ما فعالان کارگری ضد سرمایه داری، دستگیری و زندانی کردن فریبرز رئیس دانا فعال کارگری را محکوم می کنیم. و خواستار آزادی بی قید و شرط فریبرز می باشیم سالهاست که این استاد اقتصاد دانشگاهی در صف جنبش کارگری حضور داشته و مورد احترام ما کارگران دانشجویان و فعالان کارگری می باشد. او به مانند جمشید پژویان - مهدی تقوی، فرشاد مومنی، عباس شاکری، و ... ریزه خوار سفر سرمایه داری و تقدیس کننده استثمار و روابط سرمایه داری نیست. او می داند که دانش پایه قدرت کارگران است بهمین دلیل نقاد نظام سرمایه داری است. او با تدریس و آموزگاری بوسیله فروش توان نیروی کار فکری خود در دانشگاه ترجمه و نوشتار، زندگی کارگری خود را می گذراند. فریبرز هم اکنون متعلق به جنبش جهانی ضد سرمایه داری است. بدینوسیله، از کلیه فعالان کارگری، دانشجویی و حقوقدانان می خواهیم مراتب اعتراض عملی خود را نسبت به زندانی کردن فعال کارگری استاد فریبرز رئیس دانا اعلام نمایند. فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان

آخرین خبر از وضعیت بازداشت شدگان کمیته هماهنگی

بر اساس خبر های رسیده، روز یکشنبه چهارم تیر ماه مازیار مهر پور، سیروس فتحی، مسعود سلیم پور، فرامرز فطرت نژاد، سعید مرزبان و میترا همایونی از اداره اطلاعات به بند تشخیص (قرنطینه) زندان لاکان در رشت منتقل شده اند. بر اساس همین خبر امروز سه شنبه ۶ تیر ماه ۱۳۹۱ بازداشت شدگان به استثنای میترا همایونی توانستند پشت میله های زندان با بستگان درجه اول ملاقات داشته باشند. همچنان تا این لحظه از وضعیت دیگر بازداشت شدگان در زندان رجایی شهر هیچ خبری در دست نیست. ما اعضای کمیته هماهنگی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط اعضای کمیته هماهنگی و دیگر فعالین کارگری هستیم و از تمامی نهادها و تشکل های کارگری، فعالین کارگری و مردم آزادیخواه می خواهیم به هر وسیله ممکن اعتراض خود را نسبت به ادامه بازداشت و تهدید اعضای کمیته هماهنگی نشان دهند.

"کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

۶ تیر ۱۳۹۱

در محکومیت بازداشت اعضای کمیته هماهنگی

در این حمله که با تیر اندازی و ضرب و شتم اعضای کمیته هماهنگی حاضر در جلسه همراه بود ۶۰ نفر از اعضای کمیته هماهنگی بازداشت که تعدادی از آنها آزاد شدند اما هنوز ۹ نفر به اسامی، میترا همایونی، ریحانه انصاری، فرامرز فطرت نژاد، سعید مرزبان، مازیار مهرپور، سیروس فتحی، مسعود سلیم پور، علیرضا عسگری و جلیل محمدی در زندان هستند. ما ضمن محکوم کردن این پورش و دستگیری اعضای کمیته هماهنگی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین کارگری بوده و هر گونه تهدید و فشار برای اعضای کمیته هماهنگی و دیگر فعالین کارگری را محکوم می کنیم.

اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در مولانا آباد

۶ تیر ۱۳۹۱

«خوش خدمتی چینی ها به قطر در پارس جنوبی/ ایران 1.1 میلیارد دلار زیان کرد»

به گزارش خبرنگار دولتی مهر، در تاریخ 7 تیر آمده است: تاخیر و وقت کشی شرکت CNPC چین در طرح توسعه فاز 11 پارس جنوبی از مرز یکهزار و 100 روز گذشت و این شرکت آسیایی با وجود شتاب در توسعه میادین نفتی عراق اما در ایران هنوز

عملیات اجرایی فاز 11 پارس جنوبی را آغاز نکرده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند ایران با راه اندازی هر فاز استاندارد پارس جنوبی با ظرفیت تولید روزانه 50 میلیون مترمکعب گاز طبیعی و 70 هزار بشکه میعانات گازی روزانه بیش از 10 میلیون دلار درآمد جدید به اقتصادی ملی تزریق خواهد کرد. با این وجود چینی‌ها پس از کنار زدن شرکتهای پتروناس مالزی و توتال فرانسه و امضای قرارداد پنج میلیارد دلاری برای توسعه فاز 11 پارس جنوبی، هنوز عملیات اجرایی این مگا پروژه مشترک گازی در عسلویه را کلید نزده اند. این در حالی است که ضعیف ترین پیمانکاران ایرانی با آغاز توسعه فازهای 35 ماهه پارس جنوبی در مدت 24 ماه گذشته به بیش از 40 درصد پیشرفت اجرایی دست یافته اند، اما پیشرفت ساخت فاز 11 پارس جنوبی توسط چینی‌ها پس از گذشت بیش از سه سال به 10 درصد هم نمی رسد. به عبارت دیگر، چینی‌ها با تحمیل تاخیر 1100 روزه در طرح توسعه فاز 11 پارس جنوبی تاکنون معادل یک میلیارد و 100 میلیون دلار عدم النفع نصیب ایران کرده اند و این در حالی است که در این مدت قطر با مشارکت پیمانکاران بزرگ آمریکایی و اروپایی توسعه این میدان مشترک گازی را متوقف نکرده است.

چینی‌ها یک گام تا اخراج از بزرگترین میدان گازی جهان رستم قاسمی وزیر نفت در حاشیه برگزاری هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی نفت تهران (فروردین 91) از تعیین زمان یکماهه برای توسعه فاز 11 پارس جنوبی توسط شرکت CNPC خبر داد و اعلام کرد: در صورتی‌که به طور جدی این پروژه گازی اجرایی نشود قرارداد گازی چینی‌ها در پارس جنوبی لغو می‌شود. با گذشت نزدیک به 3 ماه از ارائه این اولتیماتوم گازی، شرکت CNPC نه تنها تاکنون توسعه فاز 11 پارس جنوبی را آغاز نکرد که حتی زیر بار شروط جدید ایران برای شتاب در طرح توسعه این فاز مشترک گازی هم نرفته است. وزیر نفت اخیراً از طریق رسانه‌ها اولتیماتوم جدیدی به این شرکت آسیایی داده و تاکید کرده است: بر اساس قولی که به مقام معظم رهبری داده ایم تا پایان سال جاری وضعیت توسعه تامین میادین مشترک نفت و گاز کشور تعیین تکلیف می‌شود. این عضو کابینه دولت دهم با یادآوری اینکه با توجه به شرایط فعلی حتی زودتر از پایان سال وضعیت میادین مشترک نفت و گاز را روشن می‌کنیم، بیان کرد: از این رو حتی وضعیت اجرای طرح توسعه فاز 11 پارس جنوبی هم تا پیش از پایان سال تعیین تکلیف می‌شود. بر این اساس گمانه زنی‌ها حاکی از آن است که تاخیر و وقت کشی شرکت CNPC چین به مراحل پایانی خود نزدیک شده است و این شرکت آسیایی تا چند هفته آینده باید برای همیشه داز پارس جنوبی خداحافظی کند.

تفاوت‌های استات اوپل نروژ با CNPC چین به گزارش خبرگز اری دولتی مهر، سال گذشته شرکت استات اوپل هیدروی نروژ به دنبال فشارهای غیر قانونی اتحادیه اروپا از ادامه حضور در پروژه اکتشافی بلوک خرم آباد کناره گیری کرد و حتی حاضر به پرداخت جریمه چند میلیون دلاری به شرکت ملی نفت ایران به دلیل نیمه رها کردن این پروژه شد. با این وجود این شرکت اروپایی در کنار شرکتهایی همچون انی ایتالیا (برای توسعه فاز سوم طرح توسعه میدان نفتی دارخوین) حاضر به وقت کشی نشدند و بدون سرو صدا از طرحهای نفت و گاز ایران خارج شدند. با این وجود هنوز وضعیت توسعه بسیاری از میادین استراتژیک نفت و گاز ایران با شرکتهای چینی مشخص نیست و این شرکتهای آسیایی موضع مشخص خود را درقبال ادامه همکاری و یا توقف اجرای این پروژه ها اعلام نمی‌کنند. در شرایط فعلی توسعه برخی از میادین بزرگ نفت و گاز ایران همچون فاز 11 پارس جنوبی، میدان مشترک نفتی آزادگان جنوبی و پارس شمالی به دلیل تعلل و وقت کشی شرکتهای چینی به حالت تعلیق درآمده است. ذکر این نکته هم ضروری است که با وجود تاخیر و وقت کشی 36 ماهه شرکت نفتی CNPC چین در طرح توسعه فاز 11 پارس جنوبی، این شرکت آسیایی در طرح توسعه میدان "حلفایه عراق" به‌عنوان بهترین رقیب نفتی ایران در اوپک 15 ماه زودتر از برنامه تولید نفت را آغاز کرده است.

بر این اساس، شرکت ملی نفت چین (CNPC) عملیات بهره برداری از فاز نخست میدان حلفایه عراق با ظرفیت تولید روزانه 100 هزار بشکه را 15 ماه زودتر از برنامه زمان بندی آغاز کرده است. به گزارش مهر، قرارداد این فاز مشترک پارس جنوبی خردادماه سال 1388 با کنار گذاشتن شرکتهایی همچون توتال فرانسه و پتروناس مالزی، برای شتاب در توسعه این میدان مشترک گازی با قطر به چین به ارزش تقریبی پنج میلیارد دلار واگذار شده بود.

بدهی دولت به چایکاران باز هم پرداخت نشد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 91 آمده است: نایب رئیس اتحادیه چایکاران اعلام کرد: بدهی دولت به چایکاران امسال نیز پرداخت نشد. پرویز شعبانی در این زمینه به ایلنا گفت: کشاورزان چایکار به علت انجام نشدن تعهدات دولت در شرایط سختی گذران معیشت می‌کنند به گونه‌ای که توان خرید یک کیلو گوشت را در ماه ندارند. او با اشاره به افزایش روند بیکاری کشاورزان چایکار یاد آور شد: از ابتدای سال جاری تا کنون 50 درصد از کشاورزان چایکار در کشور بیکار شده‌اند. نایب‌رئیس اتحادیه چایکاران اعلام کرد: به دلیل عدم اعمال سیاست‌های حمایتی بیش از 30 درصد از کارخانه‌های تولید چای در کشور تعطیل شده‌اند. شعبانی از کاهش میزان تولیدات چای طی هفت سال گذشته در کشور خبر داد و گفت: به دلیل عدم اعمال سیاست‌های حمایتی میزان تولیدات چای از سال 76 تا 75 هزار تن، به 30 هزار تن در سال گذشته رسیده است که نشان‌دهنده کاهش 60 درصدی تولید است.

نایب رئیس اتحادیه چاپکاران با بیان اینکه قیمت خرید تضمینی برگ چای سبز متناسب با هزینه تولیدات نیست تصریح کرد: از ابتدای سال جاری تا کنون ۶۰ درصد از کشاورزان باغ‌های چای سبز را رها کرده‌اند و به مشاغل دیگر روی آورده‌اند.

نامه کارکنان این شرکت به وزیر اقتصاد؛ ۵۰۰ کارگر «به پخش» بیکار شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: ۵۵ نفر از کارکنان شرکت «به پخش» با ارسال نامه‌ای خطاب به وزیر اقتصاد و دارایی از مشکلاتی که به تبع انتصاب یکی از اعضای هیئت مدیره برای این واحد بزرگ خدماتی به وجود آمده است انتقاد کردند. همچنین منابع ما از تعدیل ۵۰۰ نیروی کار در این واحد خدماتی خبر می‌دهند.

به گزارش ایلنا، در این نامه که به امضای ۵۵ نفر از کارکنان این واحد خدماتی رسیده است، امضا کنندگان مدعی شده‌اند که انتصاب یک کارمند ساده به عنوان عضو جدید هیات مدیره عامل مشکلاتی است که این شرکت اکنون با آن دست به گریبان است.

امضا کنندگان مدعی شده‌اند این انتصاب «فامیلی» نه تنها موجب اخراج و تعدیل ۵۰۰ کارگر، کارشناس و مدیر این شرکت شده است بلکه شرکتی را که روند سود دهی مناسبی داشته با کاهش سود قابل توجهی در سال جاری مواجه خواهد شد.

در این نامه هشدار داده شده است که سوء مدیریت در این مجموعه بزرگ امنیت شغلی ۱۰۰۰ کارگر و کارشناس دیگر را نیز تهدید می‌کند. اخبار رسیده به ایلنا حاکی است که تعدادی از نمایندگان مجلس درصدد طرح سوال از وزیر امور اقتصادی و دارایی پیرامون این موضوع هستند.

تعطیلی یک کارخانه تن ماهی و بیکاری ۸۰ نفر

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا آمده است: مدیر عامل یک شرکت محصولات دریایی جنوب با اعلام خبر تعطیلی این واحد تولیدی گفت: با این‌که نرخ ارز ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده است، ولی ما بر اساس بخشنامه حداکثر تا ۱۵ درصد مجوز افزایش نرخ داریم، این در حالیست که با مشکلات فراوان این شرکت را احداث کردیم.

به گزارش ایسنا، سیدمصطفی میرمحمد مدیر عامل شرکت محصولات دریایی جنوب گفت: این شرکت برای تولید تن، ۹۵ درصد ماهی مورد نیاز خود را به دلیل کمبود ماهی، از کشورهای نیوزلند، آسیای جنوب شرقی، ویتنام و غنا تأمین می‌کرد. اما جهش یک باره نرخ ارز (۴۰ درصد افزایش) از دی ماه سال گذشته، تأثیر زیادی بر افزایش نرخ ماهی داخلی و وارداتی گذاشت به طوری که نرخ ماهی از ۲۳۰۰ تومان سال قبل به ۵۴۰۰ تومان در سال جدید رسید و به همان نسبت قدرت خرید کارخانه پایین آمد.

میرمحمد تصریح کرد: با وجود مشکلات پیش آمده برای کارخانه، نامه‌نگاری‌هایی هم در راستای پیگیری مسایل برای استاندار هرمزگان در دو مرحله انجام گرفت که جواب قانع کننده‌ای دریافت نکردیم.

وی بیان کرد: به دنبال مشکلات ایجاد شده، کارخانه نتوانست دوام بیاورد، و مجبور شدیم با تعطیلی آن از فروردین ماه سال جاری تمام کارکنان (تعداد ۸۰ نفر) را که اکثر آن‌ها زن و نان‌آور خانواده بودند از کار بیکار و به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی هرمزگان معرفی کنیم، تا برای آن‌ها پرونده بیمه بیکاری تشکیل شود.

امنیت شغلی کارگران پارس سرام تهدید می‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: یک فعال کارگری در ورامین اعلام کرد: ۴۵۰ کارگر کارخانه پارس سرام در خصوص قطع اضافه کاری و سایر مزایای جانبی خود از سوی کارفرما معترض‌اند.

حیدر مظاهری با اشاره به اینکه روند نامنظم تولید و تعطیلی‌های مکرر کارخانه پارس سرام امنیت شغلی کارگران را تهدید می‌کند، به ایلنا گفت: بعد از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و قطع یارانه‌های بخش تولید مدیران کارخانه پارس سرام به بهانه افزایش مشکلات اقتصادی کارخانه از پرداخت اضافه کاری و سایر مزایای کارگران خودداری می‌کنند و این درحالیست که پارس سرام مشکلی در خصوص فروش محصولات خود و تهیه مواد اولیه تولید ندارد.

او گفت: ۴۵۰ کارگران کارخانه پارس سرام قرچک نسبت به قطع اضافه کاری‌شان معترض بوده و در طول این مدت بارها با برگزاری چندین تجمع در داخل کارخانه خواستار محاسبه اضافه کاری خود بوده‌اند.

این فعال کارگری در توضیح دلیل اعتراض کارگران اظهار داشت: به دلیل اینکه از قدیم کارگران پارس سرام مزایای جانبی و اضافه کاری معادل پایه دستمزدشان دریافت می‌کردند با حذف این مزایا کارگران دچار مشکلاتی شده‌اند.

او با اشاره به اینکه رایزنی‌هایی در خصوص مطالبات این کارگران با مسئولان صورت گرفته است عنوان کرد: مسئولان کارخانه در ابتدا پاداش و اضافه‌کاری کارگران قراردادی را حذف کردند و امسال نیز اعلام کرده‌اند با افزایش هزینه‌های کارخانه توان پرداخت اضافه کاری کارگران رسمی را ندارند.

گفتنی است کارخانه پارس سرام تولید کننده لوازم بهداشتی در منطقه قرچک ورامین است.

بانک مرکزی ادعای اشتغال‌زایی دولت را تکذیب کرد؛

افزایش ۱.۶ درصدی نرخ بیکاری در سال ۸۹

بازار کار در سال ۸۹ وارد دور جدیدی از رکود شده به طوری‌که نرخ بیکاری نسبت به سال قبل ۱.۶ درصد افزایش دارد/ این نرخ در مناطق شهری ۱۵.۳ درصد است. ایلنا: در حالی که آمارهای اعلام شده از سوی وزیر اقتصاد در مجلس موکد رونق فضای کسب و کار در کشور بود، احمدی توکلی امروز فضای کسب و کار را بسیار بحرانی توصیف کرده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، توکلی، در مورد فضای کسب و کار گفته است: ما از نظر رتبه در بین ۱۸۳ کشور در سال ۹۱، رتبه ۱۴۴ هستیم که سال قبل ۱۴۰ و سال قبل‌تر در رتبه ۱۳۲ بودیم؛ یعنی به انتهای لیست نزدیک می‌شویم.

نماینده منتخب مجلس نهم، با انتقاد از وضعیت اقتصادی ایران اظهار کرده است: اقتصاد ما با شیوه‌هایی که در بازار ارز است دلاری می‌شود. وقتی اقتصاد دلاری شد، حساسیت اقتصاد نسبت به نوسانات سیاسی بالایی رود و سفته بازی رشد می‌کند و سرمایه‌ها از بازار سرمایه به بورس بازی منتقل می‌شوند.

آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران نیز ضمن تأیید ادعای توکلی، از روند رو به کاهش نرخ مشارکت نیروی کار و همچنین افزایش رشد نرخ بیکاری در سال ۸۹ حکایت دارند. افزایش ۴ درصدی نرخ بیکاری در سال ۸۹ بر پایه گزارش بانک مرکزی در سال ۸۹ نرخ بیکاری زنان و مردان به ترتیب ۲۰.۵ و ۱۱.۹ درصد بوده که در مدت مشابه سال ۸۸ به ترتیب به میزان ۳.۷ و ۱.۱ بیکاری با افزایش مواجه شده است. در همین حال بررسی میزان اشتغال در بخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد متوسط تعداد شاغلان در سال ۸۹ در مقایسه با سال قبل با ۱.۶ درصد کاهش به ۲۰.۷ میلیون نفر رسیده است.

کاهش سهم اشتغال براساس آمار بانک مرکزی در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات بوده است که بیشترین سهم کاهش در بخش کشاورزی بخشی که قطب اصلی اقتصاد کشور محسوب می‌شود بوده است.

کاهش ۶ درصدی نرخ مشارکت

در سال ۸۹ همچنین متوسط نرخ مشارکت نیروی کار با ۶ درصد کاهش به ۳۸.۸ درصد رسید و نکته جالب اینجاست که نرخ مشارکت زنان و مردان به ترتیب ۱۴.۱ درصد و ۶۲.۱ درصد بوده که در مقایسه با ارقام سال ۸۸ به ترتیب ۴ درصد و ۷ درصد با کاهش مواجه شده است. این در حالی است که به دلیل افزایش میزان ورود فارغ التحصیلان به بازار کار در سال ۹۰ نرخ مشارکت به حد بسیار قابل توجهی با کاهش مواجه شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازار کار در سال ۸۹ وارد دور جدیدی از رکود و کساد شده به گونه‌ای که نرخ بیکاری در کشور در سال ۸۹ از سوی مرکز آمار ایران حدود ۱۳.۵ درصد اعلام شد که نسبت به سال قبل ۱.۶ درصد افزایش نشان می‌دهد این نرخ در مناطق شهری و روستای به ترتیب ۱۵.۳ درصد و ۹.۱ درصد گزارش شده که در مقایسه با سال قبل به ترتیب ۱.۸ و ۸ درصد افزایش نشان داده شده است. به نظر می‌رسد که همچنان که احمد توکلی معتقد است وضعیت اقتصادی کشور بسیار وخیم است، شاخص‌ها بیانگر و آرونکی اقتصادی کشور حکایت دارد، و آرونکی که حکایت از آلوده بودن اقتصادی کشور به اپیدمی بیمار گونه رکود است.

واردات 4 میلیون دلار میخ از چین و نگرانی 15 کارخانه تولیدکننده میخ در داخل

به گزارش سایت قانون، در تاریخ 7 تیر آمده است: از ابتدای سال 1384 تا پایان سال 1390 بیش از 4 میلیارد و 403 میلیون و 215 دلار انواع میخ از کشور چین وارد ایران شده است. رقم واردات میخ در این دوره زمانی افزایشی محسوس را تجربه کرده است. حجم وزنی میخ وارداتی در این دوره زمانی 5 میلیون و 392 هزار و 361 کیلو اعلام شده است. بر اساس این گزارش در دو ماه اول سال جاری نیز در حدود 101 هزار و 728 دلار میخ وارد ایران شده است. وزن میخ‌های وارداتی در این دو ماهه 62 هزار و 649 کیلو بود. واردات میخ در حالی صورت می‌گیرد که 15 کارخانه تولیدکننده میخ در ایران فعالیت می‌کنند و هر چند هنوز بخش عمده‌ای از بازار میخ در اختیار ایران است اما فعالان این صنعت معتقدند تداوم روند صعودی واردات میخ به کشور می‌تواند سبب بالا رفتن سهم صادرکنندگان میخ به ایران شود. چین و ترکیه عمده‌ترین صادرکنندگان میخ به ایران هستند. سالانه 25 هزار تن انواع میخ در ایران تولید می‌شود. ایران طی سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی را در بخش واردات کالاهای مصرفی تجربه کرده است. انواع بند شلوار و شال و اشراب و موی مصنوعی و میخ و دسته بیل و سنگ قبر و ... کالاهایی است که در این سال‌ها وارد ایران شده است. حجم واردات کالا در سال 1390 در مقایسه با سال 1384 افزایشی برابر 1.4 برابر را تجربه کرده و از حدود 39 میلیون دلار به 57.5 میلیون دلار رسیده است.

حداقل ۴۰۰۰ تن از اهالی شهر گهواره در آستانه بیکاری قرار گرفته اند

به گزارش سایت کرمانشاه پست در 7 تیر آمده است: حداقل ۴۰۰۰ تن از اهالی شهر گهواره در آستانه بیکاری قرار گرفته اند برای ۲۰۰ متر لوله ۲ اینچ از ماچک سفید گرفته اند. برای هر هکتار باغ هزاران تومان هزینه حواله کود شیمیایی اخذ کرده اند اما سهم ما تنها ۲۵ کیلو بوده است! بدلیل وجود نهال‌های مختلط در باغات سازمان های بیمه از انجام خدماتشان خودداری می کنند. حتی در صورت بیمه اگر صد در صد محصول از بین رود بازای هر هکتار تنها ۴۰۰ هزار تومان پرداخت می شود. نخستین مدرسه شهر گهواره در سال ۱۳۰۷ بنام اقبالیه به آموزش علم و دانش پرداخت. فاصله زمانی آموزش این خطه سرسبز استان کرمانشاه با مرکز استان تنها ۷ سال بود. گهواره نشینان هم به فرهنگشان می بالند و هم به دستاوردهای انسانی گذشته شان. وجود شعرای بزرگ، نوازندگان ملی و جهانی و دهها طبیب و متخصص برای بالیدنشان کفایت می کند. از قدیم الایام سیب این خطه استان زبانزد خاص و عام بوده است. وجود صدها هکتار باغات سیب درآمد سرشاری را نصیب مردمانش کرده بود. در سالیان اخیر اما غروب گهواره آغاز شده و تنبور جهانی اش جای خود را به دهل بیکاری سپرده است. در کمتر از یک دهه با هزاران مهاجر کننده جمعیتش تقریباً نصف شده و باقیمانده ساکنانش همچنان به کوچ می اندیشند. بختک خشکسالی، خسارات ناشی از گردو خاک وارداتی عراق و عدم مدیریت بحران از سوی مسئولان گهواره نشینان را به همراه خشک شدن باغ هایشان خشکانده است. حداقل ۴۰۰۰ تن از اهالی این شهر در آستانه بیکاری قرار دارند. تمام امیدشان آبیگری سد زکمان است تا استرس باغاتشان تمام شود و از شر وام هایشان خلاص شوند!

سد زکمان قرار بوده سال ۸۹ آبیگری شود اما هنوز به نتیجه نرسیده است. در سفر اردیبهشت ماه امسال استاندار قول داده است تا اردیبهشت ماه سال ۹۲ آبیگری آن انجام شود.

آنچه مسلم است وضعیت گهواره نامناسب و نگران کننده است. اشتغال هزاران نفری باغات اکنون رنگ باخته و مهاجرت، قاچاق و دست فروشی جایگزین منبع درآمدی شان شده است! قطع درختان برای تغییر کاربری باغ هایشان را می شود فراوان دید. یکی از باغداران به کرمانشاه پست گفت: مشکل اصلی بی آبی است. خشک شدن باغات ما یعنی هزاران بیکار. امروز محصول ما شده بیکاری نه اشتغال و درآمد. وی ادامه داد: آب نداریم هیچ؛ حمایت هم نمی شویم. این باغدار افزود: برای ۲۰۰ متر لوله ۲ اینچ از ما

چک سفید گرفته اند. برای هر هکتار باغ هزاران تومان هزینه حواله کود شیمیایی اخذ کرده اند اما سهم ما تنها ۲۵ کیلو بوده است! بدلیل وجود نهال‌های مختلط در باغات سازمان های بیمه از انجام خدماتشان خودداری می کنند. حتی در صورت بیمه اگر صد در صد محصول از بین رود بازای هر هکتار تنها ۴۰۰ هزار تومان پرداخت می شود.

باغداری دیگر گفت: سببی که در سال ۷۹ در بازار تهران ۷۰۰ تومان هر کیلو فروخته شده در سال ۹۰ کیلویی ۲۵۰ تومان بفروش می رسد! این را بگذارید کنار تورم؛ گرانی سوخت و حمل و نقل و هزینه تولید بالا رفته اما درآمد کاهش یافته است. وی ادامه داد: تمام مسئولان از مشکلات ما مطلعند اما در عمل فقط شعار می دهند.

باغداری دیگر می گوید: ما را بعنوان باغدار حساب می کنند اما قیمت مصرف کننده محصولات ما بسیار پایینتر از ریحاب و اسلام آباد و است. توقعات ما از مسئولان مبتدی است. آیا اتصال ۱۸ کیلومتر لوله ۲۰ اینچ برای این دولت و از مسئولان توقع بالایی است؟ مسئولان در گزارش سالیانه زیاد کار کرده اند اما در عمل ما که ناراضی هستیم!

باغداران بر این باورند دولت و مسئولان مربوطه به مشکلات و خواسته های آنها بی توجه هستند. آبرگیری سریع سد زمکان، عدم حمایت در فروش محصولات و خرید تضمینی با توجه به خشکسالی؛ خدمات بیمه ای ناقص؛ عدم حمایت های بازنشستگی؛ عدم همکاری بانک ها برای مساعدت در امر معوقات بانکی با توجه به وضعیت نامناسب شان در زمره مهمترین خواست ها و دغدغه باغداران گهواره ای است.

تعرض نیروهای امنیتی به کمیته‌ی هماهنگی

از برگزاری اول ماه مه، در سنج، تا بازداشت اعضای کمیته در 26 خرداد

برپایه خبر دریافتی از ایمیل روز شمار کارگری در 7 تیر 1391 در مطلبی از غالب حسینی 1391 آمده است: یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر، در واقع، روز رژه‌ی این طبقه است؛ این روز، برای طبقه‌ی کارگر در سراسر دنیا یک معنی دارد: اتحاد در مقابل سرمایه و سرمایه‌داری. اما در کردستان، به ویژه در شهر سنندج، برگزاری این روز به یک سنت تاریخی تبدیل شده و از سابقه‌ی طولانی برخوردار است. این روز، نماد یک مبارزه‌ی طبقاتی و اعتراض به مصائب و مشکلات بی شمار همچون استثمار، ستم، عدم امنیت شغلی، بی‌کاری و بی‌کارسازی گسترده‌ی زندگی بیشتر از سه بار زیر خط فقر، نداشتن مسکن مناسب و اعتراض به ریشه‌ی تمام نابرابری‌های موجود در جامعه است. این روز، برای کارگران روز شادی نیست که به خیابان‌ها می‌آیند، بلکه روز خشم و نفرت کارگران علیه سیستم سراسر نابرابر سرمایه‌داری است. کارگران و مردم تهی‌دست، هر ساله، در روز جهانی کارگر، هر جایی توانسته باشند با اتحاد و همبستگی خود دست از کار کشیده و مراکز کار را تعطیل کرده‌اند و به خیابان‌ها آمده تا نفرت خود را به وضع موجود و مناسبات سرمایه‌داری نشان دهند و بر علیه آن کيفرخواست صادر کنند. این کینه و نفرت، حاصل استثمار و ستمی است که سیستم سرمایه‌داری آن را وضع کرده و بشریت این امر مهم را دریافته که ریشه‌ی تمام نابرابری‌های جامعه‌ی بشری حاصل این سیستم است و پایانی نیست مگر اینکه سرمایه‌داری به دست گورکنان خود یعنی طبقه‌ی کارگر به زباله‌دان تاریخ سپرده شود.

با چنین پیش‌درآمدی، بیا باید ببینیم کارگران، امسال، در چه شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر رفتند. سال 91 برای کارگران ایران، سالی پر از درد و رنج بوده و بیشتر از همیشه زیر فشار زندگی کم‌رسان خم شده است؛ حذف سوبسیدها و بالابردن قیمت‌ها و پائین آوردن قدرت خرید، گرانی‌های سرسام آور، قراردادهای موقت و سفید امضا (حتی کمتر از يك هفته) از یک طرف، و پائین بودن دستمزدها و حتی به تعویق انداختن همان دستمزدهای ناچیز از سوی سرمایه‌داران، و حرص و طمع آن‌ها از طرف دیگر، سبب شد تا کارگران و مردم زحمت‌کش بیشتر از سال‌های گذشته برای برگزاری این مراسم آماده شوند.

حدود يك ماه مانده بود به روز جهانی کارگر که کارگران و فعالین کارگري جهت تدارك این روز به تکاپو افتادند تا هر چه بیشتر بتوانند بستر این روز را آماده کنند. در این رابطه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگري جهت ارتباطگيري با کارگران و فعالین کارگري تلاش بی‌سابقه‌ای را آغاز کرد: همچنین، کمیته اعلام کرد که تنها هدفش به هم پیوستن کارگران و فعالین کارگري و اتحاد و همبستگی طبقه کارگر در مقابل سرمایه‌داران است و کارگران باید نیروی عظیم خودشان را به نمایش بگذارند. در این ارتباطگيري بود که کمیته با تشکل‌ها و فعالین دیگری از سایر طیف‌های کارگري به توافق رسیدند تا کمیته‌ای به نام □□□□□□□□□□ تشکیل بدهند. این کمیته، وظایف مشخصی را در پیش گرفت. کمیته قبل از هر چیز نمایندگان خود را جهت اخذ مجوز به فرمانداری فرستاد که بعد از چند روز به نمایندگان جواب رد داده شد. بعد از آن، کمیته‌ی برگزاری فعالین کارگري و کارگران به کار خود ادامه دادند و بر سر نحوه‌ی برگزاری مراسم و تهیه‌ی قطعنامه و فراخوان مشترك مشغول برنامه‌ریزی شدند. از طرفی، کارگران و فعالین کارگري بی وقفه در تلاش بودند که به چگونگی شرایط زمان و مکان برگزاری مراسم بپردازند و مراسمی شایسته‌ی آن همه استقبال کارگران که با شور و شوق به آن می‌نگریستند برپا کنند. و این بود که هر کس به نحوی دست اندرکار تدارك مراسم با پخش تراکت‌ها و پوسترهای کارگري و ارتباط تنگاتنگ با کارگران و مردم زحمت‌کش شد و به وظایف طبقاتی خود عمل می‌کردند.

از طرف دیگر، نیروهای امنیتی، به منظور جلوگیری از این مراسم، بر فعالین کارگري فشار می‌آوردند و به منظور بازداشتن آن‌ها از شرکت در چنین مراسمی، حتی، برای گرفتن تعهد به خاتمه‌ی فعالین کارگري مراجعه می‌کردند. با این وجود، کارگران و فعالین عقب‌نشینی نکردند و همچنان به وظایف طبقاتی خود برای برگزاری مراسم تلاش کردند و تا لحظه‌ی آخر برگزاری مراسم از پای ننشستند و هم‌گام با کارگران و مردم این مراسم شکوهمند را برپا داشتند. از سویی دیگر، چند روزی مانده بود به اول ماه مه که اکثر خیابان‌های شهر پوشیده از نیروهای گارد ویژه و لباس شخصی و امنیتی شد. مردم می‌دانستند که این تمرکز نیرو به خاطر جلوگیری از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر است.

اما مردم، هر از گاهی، این‌طور فکر می‌کردند که نیروهای امنیتی روز 11 اردیبهشت را به جای روز دوازدهم اشتباه گرفته‌اند ولی کارگران و فعالین کارگری به خوبی دریافته بودند که این فضای امنیتی هم برای ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران و مردم است و هم برای گرفتن زهرچشم از مردم بلکه روز دوازدهم کارگران جرأت نکنند برای برگزاری مراسم به خیابان بیایند. با این وجود، کارگران، مصمم و استوار، خود را آماده‌ی همه چیز کرده بودند؛ خلاصه روز دوازدهم فرا رسید. همه در انتظار به سر می‌بردند. کارگران بی صبرانه منتظر زمان برگزاری بودند: زمان مشخص شده بود: ساعت 6 بعد از ظهر، و مکان نیز تعیین شده بود: نبش خیابان ناصر خسرو.

این خیابان از خیابانی اصلی به نام فردوسی جدا می‌شود که کارگران زیادی در همان اطراف انتظار می‌کشیدند. زمان به وقت برگزاری نزدیک می‌شد. عقربه‌ی ساعت همچنان به جلو می‌رفت و به چرخش خود ادامه می‌داد و به زمان مشخص نزدیک‌تر می‌شد. قلب‌ها به تپش درآمده بود: ترس نبود: تب و تاب قبل از مراسم همه را به وجد آورده بود و عشق به برگزاری آن هر چه بیشتر فزونی می‌گرفت. زمان فرا رسید و در این میان، با درایت کارگران و فعالین کارگری مکان تغییر کرد و به خیابان انقلاب (سیروس سابق) کشیده شد و این اوج هوشیاری و درک مشخص از اوضاع مشخص بود، چون جایی که برایش فرا خوان داده بودند مملو از نیروی گارد ویژه و لباس شخصی و نیروهای مخصوص سرکوب بود. اما همین نیرو، فقط چند قدم از محل برگزاری مراسم دور بود. به محض ورود کارگران به خیابان سیروس، صدها پلاکارت قرمز با شعار □□□□□□ □□□□□ □□□□□ □□□□□ □□□□□ □□□□□ بالا رفت و صدای شعار نان، مسکن، آزادی در سراسر خیابان طنین‌انداز شد.

کارگران با شنیدن صدای شعار، دسته دسته به مراسم پیوستند؛ با این وجود، به خاطر تغییر مکان، کارگران زیادی هم نتوانستند به این رژه بپیوندند که من از همین جا به عزم و اراده‌ی آن‌ها درود می‌فرستم و دستانشان را به گرمی می‌فشارم؛ عزمشان راسخ و قدم‌هایشان پر توان باد. نیروهای امنیتی، از این‌که نتوانسته بودند از برپایی مراسم جلوگیری بکنند، وقتی متوجه برگزاری آن در جایی دیگر شدند با دست پاچگی و سراسیمه به صفوف کارگران حمله کردند و به ضرب و شتم آنان پرداختند و گاز فلفل را به روی مردم پاشیدند و تعدادی از کارگران و مردم شرکت کننده را دستگیر کردند. کارگران، در آن شرایط، در دل هزاران نیروی امنیتی و گارد ویژه، روز جهانی کارگر را برپا کردند و برگ زرین دیگری به تاریخ مبارزات طبقه‌ی کارگر اضافه نمودند.

این یک پیام روشن به طبقه کارگر بود که به نیروی خود باور داشته باشند و با اتحاد و همبستگی خود این نیروی عظیم را تقویت کنند؛ در غیر این صورت، کارگران در مقابل سرمایه با آن امکانات عظیمی که خود طبقه‌ی کارگر با همان ارزش افزوده که از کار و رنجشان برای سیستم سرمایه به وجود آورده‌اند، نمی‌توانند به پیروزی برسند. دوستان کارگر، رمز پیروزی طبقه‌ی ما در برابر سیستم سرمایه‌داری اتحاد و همبستگی ما است. کارگران با اتکا به نیروی خود از استثمار و ستم رها می‌شوند و هر جا سرمایه‌داری در مقابل طبقه‌ی کارگر عقب نشینی کرده است، به شکلی دلخواه نبوده بلکه نتیجه‌ی اعتراضات و مبارزات خود کارگران بوده است. □□□ □□□□ □□□□□ □□□□□ اتحاد و همبستگی کارگران، زنده باد اول ماه مه.

اکنون، با چنین عمل‌کردی از کمیته هماهنگی، توجه خوانندگان این متن را به این نکته معطوف می‌دارم که نیروهای امنیتی، در مقابل فعالین و اعضای کمیته، برای جبران شکستشان در عدم توانایی از جلوگیری مراسم اول ماه مه، چه عکس‌العملی را از خود نشان دادند. از همین رو بود که اعضای کمیته را زیر نظر گرفتند و سایه به سایه آن‌ها را تعقیب می‌کردند، تا این‌که روز 26 خرداد، محل نشست مجمع عمومی کمیته را شناسایی و به شیوه‌ای وحشیانه به آن حمله کردند. آن‌ها بر آن بودند تا با چنین یورش توانسته باشند شکستی را که در برگزاری یکم مه خورده بودند، آن را جبران کنند.

در این هجوم 57 نفر از اعضای کمیته را بازداشت کردند؛ آن‌ها را مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار دادند؛ به آن‌ها توهین و بی‌حرمتی کردند؛ دست بند و پابند به دست و پای فعالین زدند؛ در ماشین‌های ون، با گرمای 39 درجه زیر آفتاب سوزان، در کنار خیابان، به بهانه‌ی تمام کردن بنزین منتظرشان گذاشتند، به طوری که، افراد داخل ون که روی هم افتاده بودند عرق ریزان از فرط گرما و نبود هوای آزاد در حال خفه شدن بودند. و این یکی از سخت‌ترین شکنجه‌هایی بود که بعضی از فعالین آن را تجربه کردند. در محوطه‌ی زندان رجایی شهر کرج، با پای برهنه روی آسفالت داغ افراد را پیاده کردند و پای بیشتر آن‌ها سوخت. این‌ها همه به خاطر ترساندن و آماده کردن زمینه‌ی بازجویی و وادار کردن افراد به کنارگیری از کمیته بود. چرا؟ چون، در اولین ثانیه‌ها، حرف آن‌ها این بود که کمیته‌ای که ما در آن فعالیت می‌کنیم غیر قانونی است.

دفاع از کمیته، این‌جا، شروع می‌شود. ما جمعی کارگر و فعال کارگری هستیم و از حقوق خود و کارگران دفاع می‌کنیم. ما کمیته‌ای را ایجاد کرده‌ایم و آشکارا اعلام کرده‌ایم که بر آن هستیم تا با ایجاد زمینه‌های فعالیت، گامی جدی را در جهت برآوردن نیازهای انسانی کارگران برداشته باشیم. بر مبنای چنین رویکردی، ما بر آن هستیم تا کارگران بتوانند تشکل‌های مستقل خود را ایجاد کنند. کارگران ایران، در نهایت بی‌حقوقی زندگی می‌کنند؛ بر مبنای گفته‌ی کارشناسان اقتصادی، مبلغ کمتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان در ماه، نشانه‌ی خط فقر است. با این محاسبه، کارگرهای ایرانی بیش از 4 بار زیر خط فقر قرار دارند، چرا که با چنین مبلغی، یعنی گرفتن سیصد و نود پنج هزار تومان در ماه، آن‌ها تنها می‌توانند نیازهای هفت روزشان را برآورده کنند.

دوستان ما، در بازجویی‌هایشان، می‌گفتند: «آقایان، شما به جای این‌که به تعقیب ما بپردازید، دستگیرمان کنید، ما را زیر ضرب و شتم له کنید و روانه‌ی زندانمان بسازید، بروید وضع قانون کارتان را درست کنید تا کارگران، این سازندگان همه‌ی امکانات جامعه و خالقان تمام مباحث زندگی و نیازمندی‌های انسان، به این شیوه‌ی غیر انسانی استثمار نشوند.» کارگران آسمان‌خراش‌ها را می‌سازند، اما خود در حاشیه‌ی شهرها، در بدترین شرایط، زندگی می‌کنند. در این سرزمین غریب چه کسی به مشکلات کارگران رسیدگی می‌کند؟ جواب فقط این بود: «شما نمی‌توانید در این کمیته فعالیت کنید. کمیته‌ای که شما در آن فعالیت می‌کنید غیر قانونی است.» خوب بیایید یا

موجودیت آن را بپذیرید و یا آشکارا، آن را غیر قانونی اعلام کنید. جواب این بود: «اگر آن را غیر قانونی اعلامش نکنیم، کمیته بزرگ می‌شود، تینش هم نمی‌کنیم، چون شما نمی‌توانید فعالیت بکنید.» سؤال این بود: «پس چرا مسئولین کشوری بارها در تلویزیون ظاهر می‌شوند و در مورد شرکتی هر می مانند گولدکوئیست داد سخن سر می‌دهند؟» اما مشخص نیست، چرا هیچ کدام از مسئولین، در مورد کمیته‌ای کارگری که در کرج مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد، سکوت را نمی‌شکنند و لام تا کام از آن‌ها سخنی شنیده نمی‌شود؟

بله، دوستان کارگر، ما شهروند این جامعه هستیم: از اول صبح تا غروب کار می‌کنیم؛ عرق می‌ریزیم؛ قطره قطره توانایی‌هایمان آب می‌شود؛ برای سرمایه‌داران ارزش می‌آفرینیم، اما حق دفاع از حقوق خود و هم طبقه‌هایمان را نداریم و اجازه نداریم تشکل مستقل خودمان را داشته باشیم. آن‌ها نمایندگان واقعی ما را نادیده می‌گیرند و به جای آن‌ها نمایندگان دروغین خانه‌ی کارگر را معرفی می‌کنند تا در مورد حقوق انسانی کارگران تصمیم بگیرند: این است سیستمی که سرمایه‌داری برای بشریت درست کرده است! با این وجود، تا زمانی که نابرابری ماندگار باشد و چهره‌ی ستم و استثمار رخ از رخساره‌ی جامعه برینندد، و حقوق انسان‌ها به شیوه‌ی غیر انسانی پایمال شود، کشمکش بین طبقه‌ی کارگر و سیستم سرمایه‌داری نیز همچنان پابرجا خواهد ماند. بدون شک، طبقه‌ی کارگر پیروز این کشمکش خواهد بود. کارگران؛ با دستانی دربند می‌توان به آزاد زیستن اندیشید، اما، با اندیشه‌ی دربند نمی‌توان آزاد زیست.

سید غالب حسینی، فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری 7/4/91

[/http://www.k-hamahangy.com](http://www.k-hamahangy.com)

پیام همبستگی: نشست مشترک احزاب، سازمان‌ها و نهادهای چپ و کمونیست

در محکومیت هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به نشست فعالین کارگری در کرج

اخیرا هجوم سرکوبگران جمهوری اسلامی به نشست سالیانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" در شهر کرج منجر به سرکوب، ضرب و شتم و دستگیری حدود ۶۰ نفر از فعالین کارگری شرکت کننده در این اجلاس سالیانه شده است. گرچه نزدیک به ۵۰ نفر از کارگران دستگیر شده، پس از ۴۸ ساعت آزاد شدند، اما حدود ده تن از آنان همچنان در زندان به سر می‌برند. این در حالی است که پیش از آن، کارگرانی همچون: رضا شهابی، علی نجاتی، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، علی اخوان، رسول بداقی و ... و نیز فریبرز رئیس دانا عضو "کانون مدافعان حقوق کارگر" از مدت‌ها پیش زندانی شده‌اند.

بی تردید این تعرض سرکوبگرانه به فعالین کارگری نشانه وحشت رژیم جمهوری اسلامی از رشد نارضایتی و اعتراضات عمومی مردم، به ویژه طبقه کارگر در برابر وخامت وضعیت معیشتی و محرومیت همه جانبه‌ای است که زندگی همگانی را با دشواری‌های فراوان روبرو کرده است.

اعتراض خانواده‌های دستگیر شدگان و اعتراضات عمومی در سطح جامعه و اعتراض اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری و نهادهای مبارزاتی در سطح جهان پاسخی است که در مقابل این حمله به عمل آمده است.

ما حاضرین در نشست تدارکاتی احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان نشست کرج و تمامی فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی هستیم.

ما پشتیبانی همه جانبه خود را از مبارزات و خواست‌های برحق طبقه کارگر در ایران اعلام و همچنین از تحرکات فعالین "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران"، "نهادهای همبستگی با جنبش کارگری - خارج از کشور" و ... حمایت همه جانبه خود را اعلام می‌داریم.

اسامی شرکت کنندگان در نشست به ترتیب حروف الفبا:

۱. اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران (ناظر) ۲. اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور ۳. اتحاد فدائیان کمونیست ۴. پیوند در خدمت کمونیست‌های ایران ۵. جمعی از چپ‌های کلن - آلمان ۶. حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۷. حزب رنجبران ایران ۸. حزب کمونیست ایران ۹. حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائونیست) ۱۰. سازمان آزادی زن ۱۱. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- هیئت اجرایی ۱۲. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته مرکزی ۱۳. شبکه زنان (ناظر) ۱۴. شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران- تورنتو، کانادا (ناظر) ۱۵. شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکهلم ۱۶. شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران ۱۷. کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ ۱۸. کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران- کانادا (ناظر) ۱۹. کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) ۲۰. کمیته یادمان کشتار سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال ۲۱. نشست زنان چپ و کمونیست ۲۲. نهاد همبستگی کارگری نورد راین وستفالن، آلمان (ناظر) ۲۳. نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان ۲۴. هسته اقلیت ۲۵. همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس

۲۷ ژوئن ۲۰۱۲ - ۷ تیر ۱۳۹۱

خبر آسیب دیدگی شدید محمود صالحی و دیگر اعضای کمیته هماهنگی در مجمع عمومی اخیر

مطابق اخباری که پیش‌تر منتشر شد، در جریان حمله نیروهای امنیتی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، اکثر بازداشت شدگان به صورت جدی مضروب شده و آسیب دیده‌اند. از جمله سید خالد حسینی که به شدت از ناحیه گوش صدمه دیده و شنوایی خود را از دست داده است و همچنین محمود صالحی که از ناحیه لگن دچار شکستگی و آسیب جدی شده است. امروز پس از تحمل چندین روز درد شدید و دشواری‌های حرکتی، با مراجعه به پزشک و طی کردن مراحل عکس برداری، مشخص شد که لگن محمود صالحی در اثر حمله نیروهای امنیتی و ضربات وارده بر وی شکسته شده است. سایر افراد حاضر در نشست مجمع عمومی کمیته هماهنگی نیز به نحوی دچار جراحت و کوفتگی و آسیب‌های فیزیکی شده‌اند و این تعرض به جسم و جان کارگران و فعالین کارگری غیر قابل تحمل و بخشش است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۸ تیر ۱۳۹۱

تجمع خانواده های بازداشت شدگان در مقابل دادسرای رشت

بر اساس گزارش رسیده، روز پنجشنبه ۸ تیر ماه ۱۳۹۱، خانواده های بازداشت شدگان اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در مقابل دادسرای رشت دست به تجمع زدند. این تجمع با حضور اعضای خانواده های بازداشت شدگان و دیگر فعالین کارگری برگزار شد که بعد از چند ساعت تجمع، مسئولین دادسرا به تجمع کنندگان اعلام کردند که تا روز شنبه به وضعیت کارگران زندانی رسیدگی خواهد شد. بر اساس همین خبر، تا کنون میترا همایونی در زندان لاکان، جلیل محمدی، ریحانه انصاری و علیرضا عسگری در زندان رجایی شهر با خانواده های خود ملاقات نداشته اند. ما اعضای کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت عزیزان در بند، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط آنان بوده و ضروری است که به هر شکل ممکن به این بازداشت ها اعتراض کنیم. "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" ۸ تیر ماه ۱۳۹۱

تعطیلی یک کارخانه تن ماهی و بیکاری ۸۰ نفر

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در ۸ تیر آمده است: مدیرعامل یک شرکت محصولات دریایی جنوب با اعلام خبر تعطیلی این واحد تولیدی گفت: با این که نرخ ارز ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده است، ولی ما بر اساس بخشنامه حداکثر تا ۱۵ درصد مجوز افزایش نرخ داریم، این در حالیست که با مشکلات فراوان این شرکت را احداث کردیم. سیدمصطفی میرمحمد در گفت و گو با ایسنا افزود: این شرکت برای تولید تن، ۹۵ درصد ماهی مورد نیاز خود را به دلیل کمبود ماهی، از کشورهای نیوزلند، آسیای جنوب شرقی، ویتنام و غنا تأمین می کرد. اما جهش یک باره نرخ ارز (۴۰ درصد افزایش) از دی ماه سال گذشته، تأثیر زیادی بر افزایش نرخ ماهی داخلی و وارداتی گذاشت به طوری که نرخ ماهی از ۲۳۰۰ تومان سال قبل به ۵۴۰۰ تومان در سال جدید رسید و به همان نسبت قدرت خرید کارخانه پایین آمد. میرمحمد تصریح کرد: با وجود مشکلات پیش آمده برای کارخانه، نامهنگاری هایی هم در راستای پیگیری مسایل برای استاندار هرمزگان در دو مرحله انجام گرفت که جواب قانع کننده ای دریافت نکردیم. وی بیان کرد: به دنبال مشکلات ایجاد شده، کارخانه نتوانست دوام بیاورد، و مجبور شدیم با تعطیلی آن از فروردین ماه سال جاری تمام کارکنان (تعداد ۸۰ نفر) را که اکثر آنها زن و نان آور خانواده بودند از کار بیکار و به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی هرمزگان معرفی کنیم، تا برای آنها پرونده بیمه بیکاری تشکیل شود.

بی کاری بیش از ۱۳۰۰ کارگر در یک هفته

به نوشته سایت مردمک در ۸ تیر آمده است: بی کاری بیش از یک هزار و ۳۰۰ کارگر در واحدهای تولید و توزیع کشور، تعطیلی یک کارخانه و تجمع کارگران یک واحد ریسندگی در اعتراض به عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق در هفته نخست تیرماه گزارش شده است. براساس گزارش ایلنا به دلیل انتصاب یک کارمند ساده در هیات مدیره شرکت «به پخش»، ۵۰۰ نیروی خدماتی این شرکت بی کار شده اند. طبق این گزارش امنیت شغلی یک هزار کارگر و کارشناس شرکت به پخش به خاطر سوءمدیریت در معرض تهدید است و قرار است شماری از نمایندگان مجلس در سؤال از وزیر امور اقتصادی و دارایی مشکلات این واحد را پیگیری کنند. شرکت سهامی عام به پخش توزیع کننده روغن های نباتی خوراک، بهداشتی و پروتئین سویا است و شرکت های صنعتی بهشهر، مارگارین، پاکسان و گلناتش زیرمجموعه آن هستند. گروه صنعتی حدید مبتکران، تولیدکننده صندلی های خودرو و واگن قطار، نیز با مشکلات مالی روبه رو شده و ۴۰۰ کارگر آن بی کار شده اند. عوض سلطانی، دبیر اجرایی خانه کارگر پاکدشت، با اعلام این خبر گفته است که کارگران بی کار شده از اردیبهشت ماه سال جاری حقوق نگرفته اند.

همزمان خبرگزاری ایسنا از تعطیلی کارخانه محصولات دریایی جنوب کشور و بی کاری ۸۰ نفر در هرمزگان خبر داده که به گفته او بیشتر آن ها زن و نان آور خانواده بودند. مصطفی میرمحمد، مدیرعامل کارخانه تن ماهی جنوب، گفته است که این کارخانه برای تولید تن، ۹۵ درصد از ماهی مورد نیاز خود را وارد می کرد اما به دلیل جهش نرخ ارز، قدرت خرید کارخانه پایین آمد و مجبور به تعطیل کردن آن شدند. خیر تعطیلی کارخانه ریسندگی خاور گیلان و بی کاری ۴۰۰ کارگر این واحد تولیدی، یکی دیگر از مشکلات جامعه کارگری ایران اعلام شده است.

محمد یعقوبی، دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان، دلیل تعطیلی این کارخانه ریسندگی را واگذاری آن به بخش خصوصی از طرف دولت اعلام کرده است. بر اساس قانون، تامین شغل، رفاه و مسکن شهروندان کشور بر عهده دولت است اما شرکت های خصوصی شده از قانون بودجه حذف شده اند.

بر اساس گزارش سایت دولتی ایلنا روز پنج تیرماه ۴۸ کارگر کارخانه ریسندگی خاور گیلان با سابقه ۲۰ سال کار در اعتراض به عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

همزمان عباسعلی منصور، نماینده کاشان، آران و بیدگل در مجلس نهم، به ایلنا گفته است که بیش از سه هزار کارگر در این شهرها حقوق معوقه و پرداخت نشده دارند.

بی کاری بیش از یک هزار و ۳۰۰ کارگر در هفته نخست تیرماه در شرایطی گزارش شده که در هفته سوم خرداد نیز خبر اخراج و بی کاری

بیش از دو هزار کارگر واحدهای تولیدی در شهرهای مختلف ایران گزارش شد. اخراج کارگران واحدهای تولیدی در زمان دولت‌های نهم و دهم و تجمع اعتراضی آن‌ها مقابل مجلس بارها گزارش شده و این درحالی است که محمود احمدی‌نژاد بارها بر کاهش نرخ بی‌کاری و ایجاد دو میلیون و ۵۰۰ هزار شغل تأکید کرده است. علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر ایران و رئیس فراکسیون کارگری مجلس، وضعیت واحدهای تولیدی در ایران را «بحرانی» دانسته و گفته بود که طبق آمارهای رسمی در سال ۹۰، صد هزار کارگر از هزار واحد تولیدی اخراج شده‌اند. در شرایطی که گزارش‌ها از بی‌کاری، اخراج و اعتراض کارگران به قراردادهای کار و عدم دریافت حقوق ادامه دارد راهکاری برای رفع این مشکلات از سوی فراکسیون کارگری مجلس و دولت دهم اعلام نشده است.

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار: پایان تابستان با لشکر بیکاران مواجه می‌شویم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۸ تیر ۹۱ آمده است: عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: در پایان سه ماهه فصل تابستان با افزایش بی‌سابقه نرخ بی‌کاری مواجه می‌شویم. علی دهقان‌کیا با انتقاد از نحوه حمایت از واحدهای تولیدی کشور به ایلنا گفت: واردات بی‌رویه کالاهای چینی و عدم حمایت کافی از واحدهای تولیدی موجب بروز بحران بی‌کاری شده است. عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران از افزایش تعداد واحدهای بحرانی در کشور خبر داد و گفت: به رغم اینکه برخی از مسئولین بحرانی شدن وضعیت واحدهای بحرانی را به مسائل تحریم ارتباط می‌دهند اما هم اکنون شاهدیم که علت عمده مشکلات واحدهای بحرانی کشور به دلیل اعمال مدیریت نا صحیح است. او با انتقاد از ارائه آمارهای ناصحیح در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در کشور تصریح کرد: وقتی نرخ رشد اقتصادی به صورت دقیق مشخص باشد می‌توان در مورد نرخ بی‌کاری صحبت و تحلیل کرد. دهقان کیا در ادامه یاد آور شد: برای اینکه بخواهیم آمار و اطلاعات درستی از بی‌کاری و اشتغال در استان‌ها داشته باشیم لازم است تا ادارات کل کار و همچنین سازمان تامین اجتماعی در این زمینه بررسی‌های علمی و واقعی را انجام دهند. عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با بیان اینکه در این بخش باید از خانوارها پرسید که چند نفر از آن‌ها بیکار و در جستجوی کار هستند، گفت: وقتی بتوانیم چنین آماری را داشته باشیم آن وقت می‌توان گفت که با یک آمار واقعی و روشنی از بی‌کاری و اشتغال در کشور مواجه هستیم. در این میان باید گفت ایجاد اشتغال و فرصت‌های جدید شغلی نیازمند حرکت در مسیر جهاد اقتصادی و تدوین برنامه‌هایی اجرایی از طریق شناخت نیازهای واقعی بازار کار است.

سقوط مجدد ارزش سهام و ارزش ریال

در هفته‌ای که گذشت، اوضاع اقتصادی بار دیگر به شدت متلاطم شد. بهای سهام پی در پی کاهش یافت و بورس‌بازان برای فروش اوراق قرضه بی ارزش خود، به بازار سهام یورش بردند.

همزمان با آن ارزش ریال نیز شدیداً کاهش یافت و بهای ارزهای معتبر جهانی افزایشی جهش‌وار داشت. در حالی که در اوایل این هفته نرخ دلار در بازار آزاد ۱۸۴۵ تومان و هر یورو ۲۳۶۰ تومان بود، تا روز پنجشنبه قیمت دلار به ۲۰۶۰ تومان و یورو به ۲۵۵۰ تومان افزایش پیدا کرد. توأم با آن بهای طلا و انواع سکه‌ها نیز افزایش یافت.

این سقوط‌های پی در پی بازار سهام و ارزش ریال، بیانگر عمیق‌تر شدن بحران و از هم گسیختگی اقتصادی است که فشار بار آن مستقیماً بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش تحمیل می‌شود.

سقوط بازار سهام به این معناست که رکود و بحران اقتصادی عمیق‌تر شده است. تشدید رکود و بحران نیز نتیجه‌ای که برای کارگران به بار خواهد آورد، اخراج، افزایش بی‌کاری و پیوستن صدها هزار تن دیگر به جمعیت ۸ میلیونی بیکاران در ایران خواهد بود. کاهش ارزش ریال نیز به این معناست که موج جدیدی از گرانی کالاها آغاز خواهد شد و سطح معیشت کارگران را مجدداً تنزل خواهد داد. این در حالی است که در طول ۳ ماه نخست سال جاری عموم کالاها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش بها داشته‌اند و در همین چند روز اخیر، بهای هر کیلو مرغ ساعت به ساعت افزایش یافته از ۶ هزار تومان نیز تجاوز کرده است. بر همین منوال بهای هر شانه تخم‌مرغ نیز که در خرداد ماه، ۳۵۰۰ تومان بود، از ۵۰۰۰ تومان نیز فراتر رفته است. اما افزایش بهای کالاها هنوز در پیش است. با کاهش ارزش ریال در این هفته، طولی نخواهد کشید که سریعاً به همان نسبت که ارزش ریال کاهش یافته است، قیمت کالاها افزایش یابد. بعید نیست که این تأثیر حتا در هفته آینده خود را نشان دهد و مردم ایران با موج جدیدی از افزایش قیمت کالاها، در نتیجه این کاهش ارزش ریال روبرو گردند. با این وجود، گران شدن کالاها در همین حد محدود نخواهد ماند. اگر کاهش ارزش ریال با همان سرعتی که در این هفته رخ داد، پیش برود، دیگر باید در انتظار چندین برابر شدن قیمت‌ها در چند ماه آینده بود. نتایج سیاست اقتصادی نئولیبرال دولت و به اصطلاح هدفمندسازی یارانه‌ها، فاجعه‌ای عظیم برای کارگران و زحمتکشان به بار آورده است. سیاست تحریم اقتصادی قدرت‌های امپریالیست نیز که قرار است چند روز دیگر به مرحله‌ی اجرا گذاشته شود، وضعیت را وخیم‌تر خواهد کرد.

بهبودی در اوضاع متصور نیست. هیچ معجزه‌ای رخ نخواهد داد. خلاص شدن از این اوضاع فاجعه‌بار، به مبارزه توده‌های مردم برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و دگرگونی تمام نظم موجود نیازمند است. کلید رهایی در دست کارگران و زحمتکشان ایران است.

دلار آزاد 2060 تومان شد/ سکه در مرز 800 هزار

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی مهر در ۸ تیر آمده است: قیمت دلار امروز پنجشنبه در بازار تهران به ۲۰۶۰ تومان و نرخ سکه تمام طرح جدید نیز به ۷۸۰ هزار تومان رسید. به گزارش مهر، امروز پنجشنبه در بازار تهران قیمت هر قطعه سکه تمام طرح قدیم ۷۹۰ هزار تومان، طرح جدید ۷۸۰ هزار تومان، نیم

سکه 390 هزار تومان و ربع سکه 195 هزار تومان اعلام شده است. در همین حال، هر گرم طلای 18 عیار امروز در بازار تهران بین رقم 75 هزار تا 77 هزار و 300 تومان در نوسان بود، ضمن اینکه قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی به حدود یک هزار و 570 دلار رسیده است. بر اساس گزارش از بازار ارز تهران، قیمت دلار امروز پنجشنبه در بازار تهران 2060 تومان شده، در همین حال یورو 2550 تومان، پوند 3050 تومان و درهم 545 تومان است.

آسیب دیدگی شدید محمود صالحی و دیگر اعضای کمیته هماهنگی در جریان حمله نیروهای امنیتی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 8 تیر آمده است: خبر آسیب دیدگی شدید محمود صالحی و دیگر اعضای کمیته هماهنگی در مجمع عمومی اخیر

مطابق اخباری که پیش تر منتشر شد، در جریان حمله نیروهای امنیتی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، اکثر بازداشت شدگان به صورت جدی مضروب شده و آسیب دیده اند. از جمله سید خالد حسینی که به شدت از ناحیه گوش صدمه دیده و شنوایی خود را از دست داده است و همچنین محمود صالحی که از ناحیه لگن دچار شکستگی و آسیب جدی شده است.

امروز پس از تحمل چندین روز درد شدید و دشواری های حرکتی، با مراجعه به پزشک و طی کردن مراحل عکس برداری، مشخص شد که لگن محمود صالحی در اثر حمله نیروهای امنیتی و ضربات وارده بر وی شکسته شده است. سایر افراد حاضر در نشست مجمع عمومی کمیته هماهنگی نیز به نحوی دچار جراحت و کوفتگی و آسیب های فیزیکی شده اند و این تعرض به جسم و جان کارگران و فعالین کارگری غیر قابل تحمل و بخشش است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

مرگ یک کارگر ساختمانی در حین کار در شهری

بر پایه خبر منتشره سایت هرا نا در 8 تیر آمده است: یک کارگر ساختمانی تبعه کشور افغانستان در شهر ری بر اثر سقوط از بلندی جان خود را از دست داد.

چهار روز پیش (دوشنبه 5 تیرماه) یک کارگر ساختمانی تبعه کشور افغانستان در حین کار در ساختمانی در حال ساخت واقع در شهر ری خیابان ابن بابویه، کوچه حامد سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

تجمع خانواده بازداشت شدگان فعالان کارگری

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 9 تیر آمده است: روز پنج شنبه 8 تیر ماه 1391، خانواده های بازداشت شدگان اعضای کمیته هماهنگی دست به تجمع زدند.

به گزارش سایت ملی-مذهبی، این تجمع با حضور اعضای خانوادگی بازداشت شدگان و دیگر فعالین کارگری برگزار شد که بعد از چند ساعت تجمع، مسئولین دادسرا به تجمع کنندگان اعلام کردند که تا روز شنبه به وضعیت کارگران زندانی رسیدگی خواهد شد.

بر اساس همین خبر، تا کنون میترا همایونی در زندان لاکان، جلیل محمدی، ریحانه انصاری و علیرضا عسگری در زندان رجایی شهر با خانواده های خود ملاقات نداشته اند.

در هفته های گذشته بیش از شصت تن از فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در کرج بازداشت شدند

بیانیه شماره ۴۸

از تظاهرات اعتراضی در دفاع از کارگران زندانی حمایت میکنیم

ظرفیت اعمال مشترک ما باز هم می تواند بیشتر شود

ضمن حمایت از فراخوان تظاهرات اعتراضی در روز ۳۰ ژوئن و روز های دیگر، نسبت به محکومیت سرکوب کارگران و بخصوص دستگیری اخیر در شهر کرج، از تمامی رفقا، نیرو های انقلابی و آزادی خواه می خواهیم در هر شهری که زندگی می کنند به نزدیکترین تظاهرات پیوسته و در دفاع از مبارزات روز افزون کارگران و فعالین کارگری وظایف خود را به انجام رسانند.

در حالی که جمهوری اسلامی تلاش می کند با سرکوبهای شدید و روز افزون خود از رشد و گسترش جنبش کارگری جلوگیری کند و در حالی که نیرو های پیشرو بدون ترس از عواقب فعالیت و خواست مطالبات خود هم چنان می رزمند، وظیفه هر کدام از ما در مقطع کنونی تاریخ مبارزات طبقه کارگر صد چندان شده است. امروز باید فعالیت و تلاش خود را در قالب برنامه های دقیق و هر چه متحدانه تر در نقاط مشترک بیشتر و بیشتر کنیم. و از روابط خارجی خود در این جهت هر چه بیشتر استفاده نماییم تا بتوانیم با صرف کمترین انرژی و هزینه، بیشترین دست آورد را داشته باشیم.

از تمامی رفقای فعال و انقلابی می خواهیم هر چه بیشتر بطور مشخص و ملموس برنامه ریزی های مشترک، در نقاط مشترک داشته باشند. البته با دیدن و خواندن فراخوانهای مشترک و شنیدن فعالیت های مشترک که هم اکنون در جریان هستند بسیار شاد و مسرور می شویم.

حرکت های اخیر عملاً نشان می دهند که نیروها و تشکیلات های فعال ظرفیت فعالیت های مشترک بیشتری را در خود دارند. ضمن ابراز شادی و تشکر از این نزدیک شدنها، اعلام می داریم: رفقا هنوز هم امکانات بسیار زیادی داریم که می توانیم هر چه بیشتر در کنار هم برنامه ها و اعمال مشترک و متحدانه ای داشته باشیم.

به یاد داشته باشیم که با هر بهانه کوچک و بزرگ به عنوان اصول یا غیر، می توان از عملکرد مشترک در نقاط مشترک شانه خالی کرد که نه تنها هیچ هنری نیست بلکه هر انسان ضعیف و پاسیوی می تواند چنین کند، همچنین به یاد داشته باشیم، که پیدا کردن نقاط مشترک، بر

نامه ریزی و سازماندهی اعمال مشترک، گام بر داشتن در جهت همبستگی طبقاتی است که وظیفه هر فرد یا تشکیلات مدعی و انقلابی است. و باز به یاد داشته باشیم که مبارزات امروزی طبقه کارگر از ما می خواهد با شناخت نقاط اختلاف و اشتراک میان خودمان، و به رسمیت شناختن اختلافات آگاهانه در جهت هموار کردن عرصه و مسیر همبستگی طبقاتی گام بر داشته، موانع را از سر راه سراسری شدن مبارزات جنبش کارگری بر داریم. که البته برخی از اعمال خورده کاری و انفرادی ما جزء موانع است.

زنده باد اتحاد زنده باد عمل مشترک
زنده باد همبستگی طبقاتی
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی - ۹/۴/۱۳۹۱

بیانیه: "خواهان آزادی بی قید و شرط علیرضا عسگری و دیگر کارگران دستگیر شده هستیم"

در شرایطی که مسایل معیشتی، اجتماعی و اقتصادی روز به روز رو به وخامت می روند برخورد نیروهای امنیتی با فعالان عرصه های مختلف عمل اجتماعی اعم از فعالان حقوق کارگران، زنان، کودکان، دانشجویان و اقلیت ها خصمانه تر شده است. این در حالی است که به گواه هر ناظر بی طرف فعالان اجتماعی همه ی توان خود را در جهت بهبود شرایط جامعه صرف می کنند.
علیرضا عسگری، فعال کارگری، فعال حقوق کودک و هم چنین از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، روز جمعه مورخ ۲۶ خرداد ۹۱ به هنگام شرکت در مجمع عمومی سالیانه ی یک نهاد مدافع کارگران بوسیله ی نیروهای امنیتی دستگیر شده است و هم اکنون نیز در کرج زندانی است.

ما به عنوان جمعی از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان ضمن دفاع از حق برگزاری آزادانه ی مجمع و نشست برای هر نهاد مردمی دستگیری دوست و همکارمان علیرضا عسگری را به شدت محکوم می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط وی و دیگر کارگران دستگیر شده در واقعه ی مذکور هستیم.

جمعی از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

اسامی امضاکنندگان به ترتیب حروف الفبا:

شایان اصلانو، نفیسه اعضاضادی، مریم امیرآبادی، مهدی آمیزش، بشیر احسانی، علی بنی هاشمی، مریم بهرامی، مهیا بهرامی، یاشار پورخامنه، جیران پیله وری، فرهاد تهرانی، آرش زمانی فراهانی، یاسمن سرهنگی، انسیه سلمان، پاشا شاکر، محسن شرقی، سعید شیرزاد، نادر طالبی، شیدا عسگری، حکیمه غربانی، محمد غزنویان، طاهره فاضلی، نسیم فروردین، بابک قائم، نغمه قانونی، مهرگان قدوسی، محمد مفید، معصومه هاشمی

تبعیض سازمان یافته علیه زنان در مقررات مسکن مهر

به نوشته سایت اصلاح طلب جرسبه نقل از آیدا فجر در 10 تیر آمده است: تبعیض سازمان یافته؛ بی مهری به زنان در مسکن مهر، زنان در جامعه ایران نه تنها با قوانین تبعیض آمیز روزگار می گذرانند بلکه هر روز بیش از پیش میان قوانین و مصوبه های تازه سر در گم مانده و نابرابری را لمس می کنند. هر اندازه مسئولان در دولت محمود احمدی نژاد سعی در وارونه نشان دادن آمار کنند اما هستند مراکزی که سعی کنند گوشه ای از واقعیت را نمایان سازند؛ آمار از تبعیض، آمار از طلاق.
سال گذشته معاون رئیس دولت ایران مدعی شده بود "رشد طلاق در 35 سال گذشته ثابت مانده است" اما آمار مراکز رسمی حکایت از دو واقعیت داشت؛ حکایت آمار رسمی سازمان ثبت احوال از رشد "غیرقابل چشم پوشی طلاق" و گسترش "طلاق عاطفی" میان متاهلان سخنان معاون محمود احمدی نژاد را نقض کرد.

ممنوعیت ارتباط دختران و پسران پیش از ازدواج در قوانین شرعی و سنتی، ازدواج در سنین پائین میان روستائیان باعث می شود تا جوانان بدون شناخت کافی به اجبار یا اختیار ازدواج کرده و پس از مدتی دچار طلاق عاطفی یا قانونی شوند.
اما طلاق پایان اتفاق ازدواج نیست، بلکه برای زنان در جامعه ایران آغازیست برای سردرگمی در قوانین شرعی، عرفی و مصوبه هایی که هر روز از نو تصویب می شوند و مسکن یکی از آنهاست.

مسکن مهر؛ زنان ممنوع

دولت محمود احمدی نژاد که هر از گاهی طرح هایی با ادعای "خدمتگذاری" به شهروندان ارائه می دهد پس از عبور از ادعاهای اولیه مبنی بر "پول نفت بر سر سفره ها"، طرح از پیش شکست خورده "تقسیم یارانه" را به اجرا درآورد؛ طرحی که نه فقط شهروندان بلکه دولت را نیز متضرر ساخت. فیش های سرسام آور گاز و برق از یک سو، گران شدن نان و لبنات از سوی دیگر تنها گوشه ای از توری بود که به جای نفت سفره های مردم را از آن خود کرد.

ادعای "مسکن برای همگان"، وعده دیگر احمدی نژاد بود. روند بالا رفتن قیمت زمین و مسکن باعث ثروتمندی و فقر بیشتر ثروتمندان و فقرا گشت و این بار طرح مسکن مهر بود که قول "برابری" می داد اما شواهد بعدی حاکی از آن است که برای مسئولان جمهوری اسلامی و دولت محمود احمدی نژاد، زنان در جمله "همگان" جایگاهی ندارند.

شویا دختر 27 ساله مطلقه ایست که پس از 8 سال زندگی مشترک طلاق گرفته است، وعده های مسکن مهر او را به سوی استقلال بیشتر کشاند اما در گفتگو با جرس گفت "بعد از 8 سال همسر سابقم رضایت داد به دلایل مختلف جدا شویم، تصمیم گرفتم از امتیاز مسکن مهر استفاده و برای خودم خانه ای تهیه کنم، چیزی که حق من است، ولی برای مسکن مهر شرایط جدیدی وضع کرد. زن های مطلقه و بیوه زیر 35 سال نمی توانند از این موقعیت استفاده کنند، تمام تلاش من این بود که خانه را بگیرم و حتی با پخش تراکت یک زندگی مستقل برای خودم فراهم کنم اما انگار این ها چشم ندارند زن هایی را ببینند که علیه اجبار قد علم کرده و میخواهند روی پای خودشان بایستند".
تبصره جدید برای واجدان شرایط حاکی از آن است که زنان مطلقه، بیوه یا مجرد سرپرست تنها در صورتی می توانند متقاضی مسکن مهر

باشند که 35 سال قانونی از عمر آنها گذشته باشد.

اما این تنها تبصره نیست؛ "سند منزل ها تنها به نام مخاطبان اصلی مسکن مهر یعنی آقایان خواهد شد". مدیر عامل شهر جدید پردیس چنین تبصره هایی را در راستای "تشویق افراد به ازدواج" دانست. اما سوال اینجاست که با تبلیغ مستقیم "مسکن بنام مردان" و غیرقانونی خواندن ثبت نام زنان سرپرست زیر 35 سال افراد چگونه به ازدواج تشویق می شوند؟ تشویق یا اجبار؟

تصویب چنین شروطی ناشی از نگاه نابرابر دولت احمدی نژاد و حامیانش به زن است به طوریکه زنان شاغل بسیاری نه تنها هم اندازه مردانشان مشغول به کار هستند بلکه وظیفه خانه داری را نیز بر دوش میکشند؛ وظیفه ای که هیچ گاه نه فقط از سوی مسئولان بلکه از سوی جامعه نیز به رسمت شناخته نشده است.

روند صعودی طلاق

نگاهی به روند رو به رشد آمار طلاق نشان دهنده بالارفتن آمار زنانی است که خود سرپرستی خود را برعهده خواهند گرفت، اقدام مسکن مهر نیز بیانگر نادیده گرفتن نیمی از جامعه است. طبق آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور از ابتدای سال جاری تا پایان اردیبهشت ماه 22628 مورد بوده که نسبت به سال گذشته افزایش داشته است.

بیشترین طلاق ثبت شده میان زنان در گروه سنی 25 تا 29 سال رخ داده اما این آمار تنها شامل طلاق های ثبت شده و قانونی است در حالی که بنا به گفته دبیر کمیته سلامت شورای شهر تهران طلاق های عاطفی دو برابر طلاق های عادی است. به میزان بالا رفتن آمار طلاق، میزان زنانی که به دنبال مسکن می روند نیز بیشتر می شود اما اگر پیش از این افکار عمومی جامعه و قوانین پذیرای زنان مطلقه، بیوه یا مجردی که تنها زندگی میکنند نبودند امروز مصوبه های طرح های پیشنهادی یا به اجرا رسیده مهر دیگری بر نادیده گرفتن این قشر از جامعه شده است.

در سال 1389، محمد ناظمی ادراکاتی، رئیس سازمان ثبت احوال کشور به مدیران ستادی و استانی این سازمان اعلام کرده بود: آمار طلاق در همه نقاط یکسان نیست و به همین دلیل ارائه آمار یکسان برای همه نقاط موجب نگرانی و تشویق اذهان خواهد شد. فشار بر زنان و نادیده گرفتن بیش از گذشته آنان در دولت محمود احمدی نژاد افزایش یافته است؛ ارائه طرح هایی که منجر به خانه نشینی زنان و طرد آنها از فعالیت اجتماعی میشود از جمله استخدام دو زن با حقوق یک مرد، تفکیک جنسیتی رشته های دانشگاه، بازداشت فعالان آگاهی بخش زنان، عدم مجوز برای برخورداری زنان خانه دار از حق بیمه، تصویب لایحه حمایت از خانواده، حضور زنان مردسالار در مجلس و کابینه دولت و ...

اول حلقه ازدواج و بعد مسکن

نشریه ایران در جهان در مطلبی تحت عنوان "اعتبار محدود زنان مجرد در ایران"، مقاله ای را از نیویورک تایمز به قلم توماس اردبرینک ترجمه و منتشر کرده است.

در این مقاله از دانشجویی بنام شکوفه یاد شده که برای اجاره مسکن، پیش از رفتن به بنگاه قدم در طلا فروشی می گذارد تا حلقه ای ارزان قیمت خریداری کند.

هر چقدر هم که بنا به گفته شکوفه "برای بسیاری از دختران هم سن و سال من تنها زندگی کردن عادی است و اکنون دیگر هنجار به شمار می رود"، این امر میان دانشجویان رواج داشته باشد، اگر قبول کنیم جامعه ایران در حال گذار است هنوز هم بافت سنتی و مذهبی خود را حفظ کرده و به کمک قوانین و مسئولان پذیرای "زن تنها" نیست.

سعی مسئولان جمهوری اسلامی برای ازدواج جوانان با توسل به قوانین شرعی و اسلامی، روش های تبلیغاتی مانند ازدواج های جمعی دانشجویان به هزینه دولت، شعارهای تبلیغاتی در سطح شهرها، ترویج صیغه، امکانات رفاهی برای متاهلان و روش های ضد تبلیغاتی مانند گرفتن امکانات و حقوق زنان مجرد، مطلقه یا بیوه نتیجه عکس داده است.

در مقاله یاد شده محمد امین غنی راد سرپرست انجمن جامعه شناسی ایران گفته است "به جای جذاب تر شدن ازدواج برای جوانان، به نظر می رسد انگار به فست فود رو آورده باشند. زیرا بر اساس این نگرش، ازدواج به راحتی همان تشریفاتش انگاشته می شود". حق مسکن، حق دیگری بود که از زنان گرفته شد و چه بسیار هستند "شیوا" و "شکوفه" هایی که یا به اجبار حلقه چند هزار تومانی بر دست می کنند یا تراکت پخش می کنند تا با استقلال خود با نظامی که هر روز با مصوبه و طرح های گوناگون سعی در خاموش کردنشان دارد، مبارزه کنند.

کاهش ۴۰ درصدی تولید در واحدهای بزرگ صنعتی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 تیر 91 آمده است: نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار از کاهش ۴۰ درصدی تولیدات در واحدهای بزرگ صنعتی از ابتدای سال جاری خبر داد.

عباس وطن پرور در این رابطه به خبرنگار ایلنا گفت: واحدهای بزرگ صنعتی کشور به رغم اینکه از حمایت های دولت برخوردارند اما پیش بینی می شود که با افزایش اعمال سیاستهای تحریم تا پایان سال جاری ۶۰ درصد از نیروهای فعال خود را تعدیل کنند. این فعال کارفرمایی با انتقاد از افزایش بی سابقه نرخ تورم در کشور اذعان داشت: به دلیل افزایش بی رویه نرخ تورم غالب اقشار حقوق بگیر جامعه زیر خط فقر گذران معیشت می کنند. این در حالیست که مدیران پاداش های میلیاردی دریافت می کنند و کارگران در مقابل کارهای طاقت فرسا ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می کنند.

نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار با اشاره به افزایش تعداد واحدهای بحرانی در سال جاری یاد آور شد: واحدهای بزرگ تولیدی کشور به دلیل عدم تامین نقدینگی توان پرداخت حقوق کارگران را ندارند. و تعهدات آن ها به کارگران روز به روز در حال

افزایش است.

وطن پرور در ادامه نابرابری‌ها در توزیع امکانات را موجب افزایش خط فقر اعلام کرد و گفت: نرخ تورم در سبد ارزاق عمومی خانوار طی چند ماهه گذشته به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته است

تعطیلی مراکز تولید و دعوی باندهای حاکم استثمارگر بر سر سهم

در حالی که توقف و تعطیلی کارخانه‌ها و مراکز صنعتی همچنان ادامه دارد، نزاع میان باندهای حاکم بر سر سهم بردن از درآمدهای حاصل از اجرای قانون حذف سوبسیدها نیز ادامه دارد. احمد سالک نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی، پیرامون تعطیلی واحدهای صنعتی در استان اصفهان و ضرورت اختصاص درآمد حاصل از طرح به اصطلاح هدفمندی یارانه‌ها به این بخش می‌گوید: «در حال حاضر ۸۹۰ شهرک صنعتی در کشور وجود دارد که ۹۰ مورد از این شهرک‌های صنعتی در استان اصفهان متمرکز است که به دلیل موانع فراوان، تعداد زیادی از واحدهای صنعتی در این شهرک‌ها با مشکلات فراوان روبرو هستند و به حالت تعطیل یا نیمه تعطیل درآمده‌اند.» نام‌برده با تأکید بر این که هم اکنون ۳۰ تا ۴۰ درصد از ظرفیت تولیدی به حالت تعطیلی درآمده و از آن استفاده لازم صورت نمی‌گیرد، چنین تصریح می‌کند که برای بروز رفتن از این وضعیت باید ۳۰ درصد از درآمد اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به تولیدکنندگان – که منظور همان سرمایه‌داران بخش تولید است- اختصاص یابد.

از سوی دیگر به دنبال تصمیم شورای پول و اعتبار مبنی بر افزایش بهره بانکی از یازده درصد به بیست و یک درصد، هادی غنیمی فرد رییس خانه صنعت و معدن ایران با بیان این که، بهره بانکی برای بخش تولید و صنعت باید به کمتر از ۷ الی ۸ درصد کاهش یابد، اعلام کرد: به نشانه اعتراض نسبت به تصمیم شورای پول و اعتبار، روز ۲۵ تیر ماه به مدت یک دقیقه سوت تمام کارخانجات به صدا درخواهد آمد. نام‌برده با تأکید بر این که پول و منابع مالی باید به دست تولیدکننده – که منظور همان سرمایه‌داران بخش تولید است- داده شود تا به ازای آن ارزش افزوده در اقتصاد کشور ایجاد شود گفت: از نمایندگان مجلس تقاضا داریم که به وضعیت نرخ‌های بانکی رسیدگی کنند چرا که در غیر این صورت دیگر برای انتخابات به آن‌ها رای نمی‌دهیم. غنیمی فرد در پایان سخنان خود هشدارگونه، ۱۵ روز به دولت و بانک مرکزی مهلت داد تا بهره بانکی را به حالت قبل برگردانند وی گفت: «به شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی، ۱۵ روز مهلت داده می‌شود که نرخ بهره را به صورت گذشته بازگردانند و گرنه خودمان اقداماتی را انجام می‌دهیم.»

این تهدیدات که بر متن تعمیق بحران و رکود اقتصادی صورت می‌گیرد، به خوبی از تشدید اختلاف میان باندهای استثمارگر حاکم حکایت می‌کند. نزاع سرمایه‌داران بخش خصوصی و دولت که خود یک سرمایه‌دار بزرگ است، بر سر سهم بردن از ثروت‌های جامعه که چیزی جز ارزش‌های آفریده شده توسط طبقه کارگر نیست در حالی بالا گرفته است که هر دو دسته، به عنوان یک طبقه، بدترین و سخت‌ترین شرایط اقتصادی و معیشتی را بر طبقه کارگر تحمیل نموده‌اند.

رای تو و برای رویایی که در سر داریم

مازیار مهرپور در یورش ماموران حکومت به جلسه ی کارگران، دستگیر شد و هنوز در زندان به سر می‌برد. همسر مازیار، زهره اسدپور نامه ی زیر را برای او نوشته است ... که خبرگزاری هرانا آن را منتشر کرده است:

اعتصاب سراسری است، مردم برخاسته‌اند تا از بازپس گیری امتیازاتی که از سرمایه داری گرفته‌اند جلوگیری کنند، چند زن و مرد پرچم و پرورشور به دست در کنار ایستگاه مترو ایستاده‌اند و در میان رهگذران پرورشورهایی علیه اصلاحات جدید در نظام تأمین تأمین اجتماعی که مانع شمول گسترده خدمات پزشکی به مردم می‌شود، توزیع می‌کنند. نازلی محو پرچم‌های رنگارنگ شده است. زن رنگین پوستی نزدیک می‌شود، پرورشوری به دستم می‌دهد و با لبخند می‌گوید «برای آینده دخترت...» و من می‌مانم و نازلی که می‌خواهد از ربط آینده او و این تجمعات بگویم... و من که زار می‌زنم... هزاران کیلومتر دور از ایران، بی‌تاب برگشتن، دور افتاده از حلقه کوشندگانی که آگاهانه مانده‌اند «در بدترین دقایق این شام مرگ‌زای»...

چند ساعت بعد درمیعادگاه هر روزمان در دوسوی اقیانوس آرام می‌کنی و بی‌تابم را به آرامش می‌خوانی و اطمینانم می‌دهی که «ما نیز سهم خود را پرداخته‌ایم و می‌پردازیم از این هزینه همگانی که سالهاست این مردم پرداخته‌اند در آرزوی دنیایی انسانی‌تر»
زمان چندانی نگذشت از آن روزهای خنک اردیبهشت لندن تا ۲۶ خرداد سوزان کرج که مجمع عمومیتان آماج هجوم آنان شد که کابوس «تشکل یابی» کارگران، آن چنان خواب‌های آرامشان را بر هم می‌زند که مسلحانه و از در و دیوار هجوم می‌آورند بر پاک باختگانی که آمده‌اند و آماده‌اند تا بر سر ایمانشان از «سر» نیز بگذرند. و از وحشت این کابوس است که تیر خشم گزرمه گان، از همسایگان محل «مجمع» نیز در نمی‌گذرد و مردمی بی‌خبر از همه جا از خانه‌هایشان بیرون کشیده می‌شوند به جرم همسایگی با آنان که برخاسته‌اند تا بکاهند از دهشتناکی روزگار تاریک این مردمان....

حالا تو در جامعه‌ای که به زعم حاکمان آن، امنیت ملی‌اش، نه با دستمزدهای به مراتب پایین‌تر از خط فقر، نه با قراردادهای سفید امضا، نه با کلیه‌هایی که در غم نان به حراج گذاشته می‌شود، نه با شمار روزافزون دخترکان و پسرکانی که به صف کودکان کار می‌پیوندند، بلکه با چاره اندیشی‌ای جمعی برای گشودن گره کار فروبسته کارگران به خطر می‌افتد، پرتاب شده‌ای به جمع آنان که امنیت ملی را به خطر انداخته‌اند. در «امنیتی» که در فقدان مردم عادی تعریف شده است، امنیتی که گویا معادل گرفته شده است نه با امنیت «پابرهنگانی که صاحبان انقلاب» تعریف می‌شدند که با امنیت سرمایه، چه افتخار آمیز است محل امنیت ملی بودن و به این اتهام پشت دیوارهای زندان روزگار به سر بردن.
و از همین رو است که من ذره‌ای پشیمان نیستم از اینکه از تو نخواستم تا تن به عاقبت بدهی و نروی، نخواستم تا نگرانی پدرانتهات از حال کودکیان که در تنب می‌سوخت، ماندنت را توجیه کند...

و می‌دانم، حتی اکنون که در آغوش گرفتن دوباره‌ات در گرو امر دوستاق‌بان است، و سهم ما از دیدارت کابین‌های ملاقات است که هفته‌ای یک بار برای دقایقی چند ما را در بر می‌گیرد، هنوز نه من و نه تو و باور کن نه نازلی تردیدی نداریم که باید آن روز می‌رفتی....
سخت نبود درک اینکه رفتن آن روز تو برای آینده نازلی و نازلی‌ها است. پس چه باک اگر که امروز نازلی بدون تو باشد. نازلی دیگر خوب می‌فهمد که آینده نسل او در گرو مبارزات امروز نسل ما است، نسلی که در لندن پرورشور توزیع می‌کند و به اعتصاب می‌پیوندد، در میدان

التحریر تحسن می‌کند، در اسپانیا و یونان علیه نظام سرمایه به تظاهرات بر می‌خیزد و در ایران برای شکل یابی کارگران می‌کوشد و در همه جای دنیا رویای جهانی عادلانه‌تر را در سر دارد...
زهره اسدیپور، همسر مازیار مهرپور
۱۰ تیر ماه ۱۳۹۱

امنیت شغلی ۱۶۰۰ کارگر لاستیک پارس تهدید می‌شود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۰ تیر ۹۱ آمده است: یک فعال کارگری در ساوه اعلام کرد: پرداخت جرایم سنگین زیست محیطی کارخانه لاستیک سازی پارس (پیروزی) را در آستانه تعطیلی قرار داده است. مهدی زمانی با اشاره به اینکه فشارهای سازمان محیط زیست باعث افزایش مشکلات کارخانه لاستیک پارس شده است، به ایلنا گفت: طی دو سال گذشته کارخانه لاستیک پارس از سوی سازمان محیط زیست مبلغ زیادی جریمه شده است و این در حالیست که پرداخت چنین جریمه سنگینی باعث تعطیلی کارخانه خواهد شد. دبیر اجرایی خانه کارگر ساوه و زرنديه نسبت به تهدید امنیت شغلی ۱۶۰۰ کارگر این واحد تولیدی هشدار داد و افزود: عمده مشکلات این کارخانه علاوه بر تحریم‌ها و به تبع کمبود مواد اولیه، فشارهای سازمان محیط زیست است. او گفت: طبق اظهارات مدیر عامل کارخانه لاستیک پارس، این واحد تولیدی در راستای رعایت اصول زیست محیطی و کاهش آلاینده‌های موجود در چرخه حیات صنعتی، فعالیت‌های عمده‌ای داشته است و هم اکنون با رفع همه مشکلات زیست محیطی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. زمانی در خاتمه از مسئولان خواست با رفع مشکلات و تعدیل جرایم زیست محیطی کارخانه لاستیک پارس مانع تهدید امنیت شغلی کارگران در شرایط سخت و بحرانی تولید کشور شوند.

خط فقر اعلام شد: ۹۴۶ هزار تومان

به نوشته سایت انتخاب در ۱۰ تیر آمده است: رییس شورای رقابت با بیان این‌که خانوارهای شهری با درآمد ماهانه کمتر از ۹۴۶ هزار تومان زیر خط فقر به حساب می‌آید، گفت: مقدار یارانه نقدی فاز اول توانسته اثر مثبتی در توزیع درآمد و افزایش رفاه فقرا داشته باشد و برای فاز دوم افزایش ۲۰ درصدی کافی خواهد بود. جمشید پژویان در گفت و گو با ایسنا درباره خط فقر در سال ۹۰ تصریح کرد: در مورد سال ۹۰ هنوز محاسبات انجام نشده است، اما در سال ۸۹ خانوارهای شهری با درآمد ماهانه کمتر از ۹۴۶ هزار تومان و خانوارهای روستایی با درآمد ماهانه کمتر از ۵۸۰ هزار تومان زیر خط فقر به حساب می‌آیند. وی همچنین درباره میزان افزایش یارانه نقدی در آستانه فاز دوم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها اظهار کرد: مطالعات و مشاهدات در سالگرد هدفمندی یارانه‌ها نشان داد که مقدار یارانه نقدی فاز اول توانسته اثر مثبتی در توزیع درآمد و افزایش رفاه فقرا داشته باشد بنابراین اگر اگر همان میزان یارانه فاز اول هدفمندی یارانه‌ها به طور متوسط ۲۰ درصد افزایش یابد کافی خواهد بود.

تجمع اعتراضی معلمان پیش دبستانی در مقابل مجلس و وزارت آموزش و پرورش

صبح روز چهارشنبه جمعی از مربیان پیش دبستانی شهرستانی، در اعتراض به عدم استخدام خود، در برابر وزارت آموزش و پرورش و پرورش و مجلس دست به تجمع زدند. این مربیان که بین ۳ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند، از شهرستان‌های مختلفی مانند کرج و اصفهان به تهران آمده بودند تا اعتراض خود را به گوش وزیر آموزش و پرورش برسانند. یکی از معلمان پیش دبستانی که به مدت ۱۵ سال در دبستان‌های دولتی تدریس نموده پیرامون مشکلات این دسته از معلمان می‌گوید: «ما مربیان شرکتی با حقوق اندکی که دریافت می‌کنیم تنها در زمان‌هایی که مشغول تدریس هستیم بیمه‌ایم و در ایام تابستان و تعطیلات حق بیمه ما پرداخت نمی‌شود.» و یکی دیگر از معلمان اعتراض‌کننده که مدت ۱۰ سال مربی پیش دبستانی یکی از مراکز غیرانتفاعی کرج بوده است می‌گوید: «در طی این سال‌ها ما کودکان این آب و خاک را آموزش می‌دادیم و علی‌رغم تأخیرهایی که در پرداخت حقوقمان با آن مواجه بودیم تنها امیدمان به داشتن شغل و استخدام در آموزش و پرورش بود. ما جوانیمان را در این راه گذاشته‌ایم و انصاف نیست که به این سادگی کنار گذاشته شویم.»

وزارت آموزش و پرورش در حالی از استخدام این معلمان زحمتکش طفره می‌رود که مدت ده تا پانزده سال آن هم در ازای پرداخت حقوق‌های بسیار اندک و ناچیز از آن‌ها کار کشیده است. این معلمان در طول تمام این سال‌ها نه فقط از حداقل حقوق کارکنان دولتی، بلکه حتی از یک بیمه درمانی در تمام طول هر سال نیز محروم بوده‌اند. معلمانی که سال‌های طولانی در آموزش و پرورش کار کرده و زحمت کشیده‌اند باید از ضمانت شغلی برخوردار باشند. این حق مسلم تمام معلمان است که به استخدام رسمی درآیند و از بیمه کامل درمانی برخوردارگردند.

مدیر مسئول روزنامه عصر اقتصاد: شرایط روزنامه‌های ایران بحرانی است/تنها کارخانه کاغذسازی ایران به حالت نیمه تعطیل درآمده است

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در تیر ماه آمده است: قیمت کاغذ چاپی برای روزنامه‌ها در یک ماه اخیر از کیلویی ۱۲۰۰ تومان به کیلویی ۱۷۰۰ تومان رسیده است. این در حالی است که به گفته مدیران مسئول بسیاری از روزنامه‌های مستقل که مشتری اصلی این کالا هستند، کاغذ با قیمت کنونی هم به سختی و با مشکلات زیادی از بازار تهیه می‌شود. به گزارش ایلنا، سیف‌الله یزدانی، مدیر مسئول روزنامه عصر اقتصاد در مورد افزایش قیمت کاغذ و کمبود شدید این کالا در بازار گفت: تنها کارخانه کاغذسازی ایران، کارخانه چوب و کاغذ مازندران است. در تمام سال‌های حیات این کارخانه، انواع حمایت‌ها از آن به عمل آمده است. این کارخانه در حال حاضر تولید چندانی ندارد و به حالت نیمه تعطیل درآمده است. این اتفاق باعث شده که تمام نیاز کاغذ مورد استفاده در نشریات، در حال حاضر از خارج از کشور تامین شود. وی در ادامه به افزایش قیمت دلار اشاره کرد و گفت: هم‌زمان با بالا رفتن قیمت دلار، مسئولان وعده‌های زیادی برای ارائه دلار با قیمت ۱۲۰۰ تومان برای خرید کاغذ از خارج را دادند. هیچ کدام از این وعده‌ها تاکنون اجرایی نشده است و تأثیر شدید بالا رفتن قیمت ارز بر

قیمت کاغذ کاملاً مشهود است.

یزدانی در مورد هدفمند ساختن یارانه‌های صنعت نشر و نقش آن در بالا رفتن قیمت‌های این صنعت گفت: با توجه به حوزه کاری و اطلاعات ما در زمینه اقتصاد، پیش از اجرای این طرح در مورد صنعت نشر، هشدارهای لازم را به تمام مسئولان و دست اندرکاران این حوزه دادیم، اما نهایتاً متهم به بدبینی شدید. امروز شاهد این هستیم که بیشتر پیش‌بینی‌ها به حقیقت پیوسته است.

وی در مورد نقش جریان‌های دلالتی اقتصادی در این عرصه گفت: به هر حال در فضاهای اقتصادی ناآرام، دلالت‌ها هم ممکن است از این فضا استفاده کنند. این مساله هم در بی‌ثباتی بازار موثر است.

مدیر مسئول روزنامه عصر اقتصاد در مورد تأثیر این اتفاقات بر روند کار روزنامه‌ها گفت: ظرف دو ماه اخیر قیمت کاغذ از کیلویی ۱۲۰۰ تومان به کیلویی ۱۷۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است، ولی حتی با این قیمت هم به سختی می‌شود در بازار آزاد کاغذ را تهیه کرد. با افزایش شدید قیمت کاغذ، مسلماً در اولین اقدام تیراژ روزنامه‌ها کاهش پیدا می‌کند. اما این کاهش تیراژ هم تأثیر چندانی بر کاهش قیمت تولید روزنامه ندارد؛ بسیاری از هزینه‌های چاپ برای تیراژهای مختلف ثابت است. این هزینه‌ها شامل استهلاک دستگاه‌های چاپ، دستمزد کارگران، هزینه‌های ثابت چاپخانه و کاغذهایی است که در حین چاپ از بین می‌روند. در نهایت با این هزینه‌های ثابت، چاره‌ای جز تعطیلی روزنامه باقی نمی‌ماند.

یزدانی درباره عملکرد مسئولین در حمایت از مطبوعات مستقل گفت: با توجه به این‌که شخص رهبری، بارها بر حمایت از مطبوعات تأکید کرده‌اند، توقع ما از حمایت‌های مسئولین بسیار بیشتر از این است. مدیران ارشد نظام هم همواره در مورد حمایت از مطبوعات متفق‌القول بوده‌اند. اما در عمل شاهد این هستیم که حمایت چندانی از مطبوعات به عمل نمی‌آید. علاوه بر این، شرایط مطبوعات مستقل مثل مطبوعات دولتی نیست. نشریات دولتی و کثیرالانتشار از سال‌های پیش دارای سازوکارهای مناسب اقتصادی بودند. آن‌ها از حمایت نهادهای دولتی برخوردارند و حتی بعضی از این نشریات امکان واردات مجرای کاغذ را برای خودشان دارند. درآمد این نشریات از بخش آگهی‌هایشان بسیار زیاد است. به این ترتیب بالا رفتن قیمت و نوسانات شدید اقتصادی تأثیر چندانی بر ادامه فعالیت آن‌ها ندارد. ما خواستار حمایت‌های دولتی از مطبوعات مستقل و کوچک‌تر هستیم.

مدیر مسئول روزنامه عصر اقتصاد ضمن اظهار نگرانی از ادامه این روند در آینده گفت: پیش‌بینی من این است که اگر شرایط به همین گونه پیش برود، تا اوائل پاییز شاهد تعطیلی ۱۰ تا ۱۲ روزنامه مستقل هستیم. این مساله بسیار نگران‌کننده است. از طرف دیگر ممکن است بعضی دیگر از روزنامه‌ها برای نجات از شرایط موجود، وارد ارتباطات غیر حرفه‌ای بشوند. این کار جریان سالم مطبوعات را تخریب می‌کند. موقعیت مطبوعات کشور در حال حاضر بسیار نگران‌کننده است. هرچند که متولی اصلی این جریان وزارت ارشاد است، اما برای عبور از این شرایط بحرانی، تنها راه حل حمایت همه‌جانبه تمام مسئولین و دستگاه‌های دولتی و حکومتی از مطبوعات است. این حمایت‌ها باید در این مقطع حساس و نگران‌کننده از مطبوعات انجام بشود تا بتوانند از این مرحله بحرانی به سلامت عبور کنند.

ده‌ها تن از نویسندگان و فعالان سیاسی خواستار آزادی، فریبرز رئیس‌دانا و منیژه نجم عراقی شدند

ده‌ها تن از نویسندگان و فعالان سیاسی با انتشار اطلاعیه‌ای خواستار آزادی فریبرز رئیس‌دانا عضو هیئت دبیران و منیژه نجم عراقی منشی منتخب کانون نویسندگان ایران شدند. در این اطلاعیه که خطاب به مردم آزادی‌خواه نوشته شده، چنین آمده است:

“مردم آزادی‌خواه!

سرانجام پس از ماه‌ها بازجویی و تشکیل پرونده و دادگاه، فریبرز رئیس‌دانا عضو هیئت دبیران و منیژه نجم عراقی منشی منتخب کانون نویسندگان ایران به فاصله‌ی چند روز از یکدیگر روانه‌ی زندان شدند. فریبرز رئیس‌دانا پس از یک مصاحبه‌ی تلویزیونی درباره‌ی مسائل اقتصادی شبانه‌دستگیر و مدت یک ماه در بازداشت به سر برد و در نهایت به یک سال حبس محکوم شد. منیژه نجم عراقی نیز به اتهام ارسال بیانیه‌های کانون نویسندگان ابتدا سه روز بازداشت و سرانجام به یک سال زندان محکوم شد.

از نظر ما امضاکنندگان زیر احکام صادره هدفی جز سرکوب آزادی‌بیان و مدافعان آن و به ویژه از کار انداختن کانون نویسندگان ایران ندارد. ما این رویه را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی بی‌قید و شرط منیژه نجم عراقی و فریبرز رئیس‌دانا و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.”

شایان ذکر است که این اطلاعیه را که در تاریخ ششم مرداد انتشار یافت، شمار زیادی از نویسندگان و فعالان سیاسی امضا نموده‌اند که از جمله می‌توان به سیمین بهبهانی، علی اشرف درویشیان، ناصر زرافشان، رضا خندان (مهابادی)، اکبر معصوم بیگی و محسن حکیمی اشاره نمود.

احساس خطر وزارت بهداشت ایران از روند خروج پرستاران از کشور

به نوشته سایت فارسی بی بی سی در 10 تر آمده است: یک مقام سازمان نظام پرستاری ایران به خبرگزاری مهر گفته است که روزانه ۴۰ پرستار خواهان دریافت معرفی‌نامه برای اعزام به خارج می‌شوند.

صدیقه سالمی گفته است که وزارت بهداشت ایران به همین خاطر احساس خطر کرده است.

او به کمبود نیروی پرستاری در کشور و شرایط سخت کاری آنها اشاره کرده و گفته است به دلیل تسهیلات کشورهایایی چون کانادا، آمریکا و استرالیا، پرستاران ایرانی جذب این کشورها می‌شوند.

خانم سالمی گفته است که دولت متوجه قضیه شده و وزارت بهداشت هم خطر را احساس کرده است.

۵۰ درصد از کارگران دچار بیکاری پنهان شده‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 10 تیر 91 آمده است: عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: به دلیل افزایش بی‌سابقه تورم در حال حاضر ۵۰ درصد از کارگران کشور دچار بیکاری پنهان شده‌اند.

عبدالله مختاری در گفتگو با خبرنگار ایلنا از افزایش تورم سبب هزینه‌خوار کاری از ابتدای سال جاری تا کنون خبر داد و خاطر نشان ساخت: نرخ تورم سبب هزینه‌خوار کاری بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است و کارگران قادر به تأمین هزینه‌های اصلی زندگی خود

نیستند.

او با بیان اینکه دستمزد کارگران تنها ۵۰ درصد از هزینه‌های اصلی زندگی آن‌ها را تامین می‌کند، یاد آور شد: کارگران برای تامین مایحتاج ضروری زندگی خود مجبور هستند که در سه شیفت فعالیت کنند.

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران از افزایش تعداد واحدهای بحرانی در کشور خبر داد و افزود: تعداد واحدهای بحرانی به دلیل عدم تامین نقدینگی رو به افزایش است و کارفرمایان قادر به پرداخت حقوق معوقه کارگران نیستند.

به گفته مختاری هم اکنون هزینه مربوط به اجاره و یا خرید مسکن از جمله مهم‌ترین اقلام در سبد معیشت خانوار کارگری تلقی می‌شود که ۲۵ تا ۴۰ درصد از کل هزینه‌های کارگران را در ماه تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن اقلام کلیدی دیگری نیز در سبد هزینه‌های کارگران مطرح است که می‌توان به هزینه‌های مربوط به تامین اقلام خوراکی، پوشاک، حمل و نقل، بهداشت و درمان، تحصیل خود و فرزندان در مراحل بعدی مسافرت‌های تفریحی و زیارتی و مواردی از این دست اشاره کرد.

مختاری با تاکید بر اینکه در حال حاضر بسیاری از مدیران واحدهای تولیدی در بخش خصوصی و دولتی هزینه‌های مربوط به نیروی انسانی و دستمزد کارگران را به عنوان هزینه سربار تلقی می‌کنند، گفت: هر زمانی که این دیدگاه تغییر یابد و مدیران هزینه‌های نیروی انسانی را سرمایه بنگاه بدانند؛ پیشرفت‌های سریعی در کشور اتفاق می‌افتد.

پایان پیام

کشته شدن یک معدن‌کار ۴۰ ساله در زرنند در حین کار

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 تیر 91 آمده است: پیش از ظهر دیروز کارگر ۴۰ ساله معدن زغال سنگی در شهرستان زرنند کرمان بر اثر گازگرفتگی کشته شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا در زرنند، علی میرزاییگی دادستان زرنند با تایید این خبر گفت: پیکر نیمه جان این کارگر شرکت معدن جو توسط همکارانش از معدن شماره ۲ خارج شد و در راه بیمارستان جان باخت.

همچنین رئیس اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان زرنند نیز از اعزام بازرسان کار جهت بررسی وقوع حادثه خبر داد. گفتنی است شرکت معدن جو با ۶۰۰ کارگر در فاصله ۶۰ کیلومتری شهرستان زرنند واقع شده است.

۳۰ درصد از کارخانه‌های تولید چای تعطیل و ۵۰ درصد چایکاران بیکار شدند

از ابتدای سال جاری تا کنون بیش از ۳۰ درصد از کارخانه‌های تولید چای تعطیل و ۵۰ درصد از کشاورزان چایکار در کشور بیکار شده‌اند. ایلنا به نقل از پرویز شعبانی، نایب رئیس اتحادیه چایکاران در این مورد می‌نویسد: بدهی دولت به چایکاران، امسال نیز پرداخت نشد. کشاورزان چایکار به علت انجام نشدن تعهدات دولت در شرایط سختی گذران معیشت می‌کنند به گونه‌ای که توان خرید یک کیلو گوشت را در ماه ندارند. نایب رئیس اتحادیه چایکاران همچنین در مورد کاهش میزان تولیدات چای طی هفت سال گذشته چنین گفت: به دلیل عدم اعمال سیاست‌های حمایتی، میزان تولیدات چای از سال ۷۶ با ۷۵ هزار تن، به ۳۰ هزار تن در سال گذشته رسیده است که نشان‌دهنده کاهش ۶۰ درصدی تولید است. وی همچنین با بیان این که قیمت خرید تضمینی برگ چای سبز، متناسب با هزینه تولیدات نیست تصریح کرد: از ابتدای سال جاری تا کنون ۶۰ درصد از کشاورزان، باغ‌های چای سبز را رها کرده‌اند و به مشاغل دیگر روی آورده‌اند. شایان ذکر است که مطالبات چایکاران گیلان و مازندران از آغاز برداشت برگ سبز چای حدود ۲۸۷ میلیارد ریال است. به دنبال درج این خبر در رسانه‌ها، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت و عده داد مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال از مطالبات امسال چایکاران گیلان و مازندران را تا اوایل هفته آینده پرداخت شود.

کارخانه‌ها به نشانه اعتراض سوت می‌کشند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در روز شنبه 10 تیر آمده است: رییس خانه صنعت و معدن ایران با بیان اینکه، بهره بانکی برای بخش تولید و صنعت باید به کمتر از ۷ الی ۸ درصد کاهش یابد، اعلام کرد: به نشانه اعتراض نسبت به تصمیم شورای پول و اعتبار مبنی بر افزایش بهره بانکی از یازده درصد به ۲۱ درصد در روز 25 تیرماه به مدت یک دقیقه سوت تمام کارخانجات به صدا در خواهد آمد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، هادی غنیمی فرد در مراسم روز ملی صنعت و معدن با تاکید بر اینکه پول و منابع مالی باید به دست تولید کننده داده شود تا به ازای آن ارزش افزوده در اقتصاد کشور ایجاد شود گفت: از نمایندگان مجلس تقاضا داریم که به وضعیت نرخ‌های بانکی رسیدگی کنند چرا که در غیر این صورت دیگر برای انتخابات به آن‌ها رای نمی‌دهیم.

وی تصریح کرد: به شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی، ۱۵ روز مهلت داده می‌شود که نرخ بهره را به صورت گذشته بازگردانند وگرنه خودمان اقداماتی را انجام می‌دهیم.

غنیمی فرد خاطر نشان کرد: ما از دولت حمایت نمی‌خواهیم تنها موانع ایجاد کرده را رفع کنند.

تولیدکنندگان لوازم خانگی با خطر نابودی مواجه‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 تیر 91 آمده است: یک فعال کارگری در تهران اعلام کرد: تبلیغات گسترده و واردات لوازم خانگی خارجی تولید کنندگان داخلی را با خطر نابودی مواجه کرده است.

اسماعیل حق پرستی با بیان اینکه در سال حمایت از تولید ملی بسیاری از واحدهای تولیدی دچار بحران شده‌اند، به ایلنا گفت: تبلیغات گسترده برندهای معروف تولید لوازم خانگی خارجی راه حمایت از تولید داخلی را بسته است و مسئولان باید در این زمینه چاره اندیشی کنند.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان تهران نسبت به افزایش مشکلات واحدهای تولید کننده لوازم خانگی هشدار داد و افزود: هم اکنون اکثر واحدهای معتبر تولید کننده لوازم خانگی داخلی از جمله ایران پویا، ارج، شهاب، پارس و... دچار مشکل شده‌اند و این درحالی است که تک

تک این واحدها از دیرباز در شمار قطب‌های صنعتی ایران به شمار می‌رفته‌اند و اکنون در سایه تحولات اقتصادی کشور در چند سال گذشته به تدریج ضعیف و فراموش شده‌اند.

این فعال کارگری افزود: با توجه به اینکه در تولید کالاهایی چون یخچال، اجاق گاز، بخاری گازی، آبگرمکن دیواری و چرخ خیاطی مشکلی از نظر تولید نداریم اما متأسفانه به جهت هزینه‌های بالای تولید توان رقابت با نمونه‌های خارجی وجود ندارد. حق‌پرستی عدم وجود نقدینگی و ورود بی‌رویه لوازم خانگی و قاچاق را از عمده مشکلات واحدهای تولید کننده لوازم خانگی عنوان کرد و تصریح کرد: افزایش بی‌رویه واردات لوازم خانگی باعث شده است لطمات بسیاری به بخش تولیدات داخلی وارد شود به طوری که بعضی از این واحدها به جهت افزایش مشکلاتشان، طی روزهای آتی در صدد تعدیل یا اخراج کارگران خود هستند. این فعال کارگری با انتقاد از بی‌توجهی مسئولان نسبت به تولید کنندگان لوازم خانگی و مشکلاتشان، اظهار داشت: مشکل عمده کارخانه‌های بزرگ تولید کننده لوازم خانگی در کشور این است که در صنعت دیده نمی‌شوند و دولت تا کنون برای حل مشکلات این واحدها برنامه‌ای ارائه نداده است و به نظر می‌رسد مشکلات تولید کنندگان لوازم خانگی از دید مسئولان پنهان مانده است. او با بیان اینکه ادامه روند نزولی تولید در واحدهای تولید کننده لوازم خانگی باعث نابودی آنان خواهد شد عنوان کرد: کارخانه‌هایی که روزگاری محصولات آن‌ها به شناسنامه معتبری برای معرفی صنایع کشور تبدیل شده بود هم اکنون با کاهش تولیدات این کارخانه‌ها شاهد حضور کم رنگ این محصولات در بازار رقابت و فروش هستیم.

به گفته حق‌پرستی کارخانه‌هایی که سال‌های پیش در راستای صنعتی شدن ایران تاسیس شدند و به خوبی مسیر رشد و توسعه خود را پیمودند در سال‌های اخیر با مشکلات متعددی مواجه شده‌اند و بسیاری از این کارخانه‌ها به مرز تعطیلی رسیده‌اند و تعدادی دیگر از این کارخانه‌ها نیز اکنون وجود خارجی ندارند. او در خاتمه خطاب به مسئولان دولتی عنوان کرد: حمایت از تولید ملی نصب بزر تبلیغاتی نیست بلکه مسئولان باید بصورت فنی و کارشناسی به همه مشکلات واحدها توجه کنند.

تعطیلی کارخانه آرد و نیمه تعطیلی قند یاسوج

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 تیر 91 آمده است: نماینده بویراحمند و دنا در مجلس نهم از تعطیلی کارخانه آرد و گلوگز و نیمه فعال بودن کارخانه قند یاسوج در مرکز کهگیلویه و بویراحمد اظهار نگرانی کرد. غلام محمد زارعی در این زمینه به ایلنا گفت: جهت رفع مشکلات این واحدهای تولیدی تاکنون دو نشست با مسوولان مرتبط در وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت برگزار کرده‌ایم.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با بیان اینکه جایگاه صنعت و معدن در استان کهگیلویه و بویراحمد قابل قبول نیست، تأکید کرد: با توجه به استعدادها و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل در بخش صنعت و معدن نمی‌بایست این استان جایگاه نازل کنونی را داشته باشد. زارعی افزود: ما از وضعیت کنونی صنعت و معدن در این استان بویژه در حوزه بویراحمد و دنا راضی نیستیم و یقین بدانید که برای ارتقای آن از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

او نبود سرمایه گذار بخش خصوصی را مهم‌ترین مانع رونق بخش صنعت و معدن عنوان و اظهار داشت: ضعف‌های مدیریتی نیز از دیگر عوامل نامناسب بودن جایگاه صنعت و معدن کهگیلویه و بویراحمد در کشور است. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی افزود: اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری امور به بخش خصوصی تاکنون در کهگیلویه و بویراحمد نتوانسته موفق شود زیرا که شرایط رقابت و یا سرمایه گذاری مانند استان‌های بزرگ کشور در این استان فراهم نشده است.

زارعی، از انجام اقدامات مناسب در چند ماهه اخیر جهت ارتقای صنعت و معدن کهگیلویه و بویراحمد خبر داد و بیان داشت: برغم اینکه مصوبات خوبی در سفرهای استانی ریاست جمهوری بویژه سفر چهارم به این استان در بخش صنعت و معدن مصوب شده اما بدلیل نبود سرمایه گذاران بخش خصوصی این پروژه‌ها نیز با مشکلاتی روبرو شده‌اند.

وی گفت: جز یکی دو پروژه که یکی از آن‌ها کارخانه «فرآوری بلوط وکیلی» است سایر پروژه‌ها باید تعیین تکلیف شوند. نماینده بویراحمد و دنا در مجلس نهم شورای اسلامی از نشست‌های مستمر خود با مسوولان وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت خبر داد و خاطر نشان کرد: از وزیر و معاونین ایشان خواسته‌ایم برای تعیین تکلیف پروژه‌های سفر ریاست جمهوری یا به کهگیلویه و بویراحمد سفرهایی داشته باشند و یا با نمایندگان استانی نشست‌های مستمری در تهران داشته باشند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس نهم شورای اسلامی افزود: سهم ما در صنعت کشور سهم بسیار ناچیزی است و ظرفیت‌های اسمی موجود نیز بسیار ناکافی است.

در اعتراض به دستگیری های کارگران در ایران و سلسله اعتراضات در خارج از کشور

تظاهرات در کپنهاک بر علیه دستگیری فعالان کارگری

اطلاعیه

در روز جمعه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۱ نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه "کمیته هماهنگی برای

کمک به ایجاد تشکل های کارگری" که در شهر کرج برگزار گردیده بود وحشیانه یورش بردند و بعد از ضرب و شتم شدید و بی رحمانه تعداد زیادی از فعالین کارگری، همگی شرکت کنندگان در مجمع عمومی را که بیش از ۶۰ نفر بودند دستگیر و به زندان رجایی شهر کرج انتقال نمودند. اکثر فعالین کارگری دستگیرشده روز شنبه ۲۷ خرداد آزاد شدند، اما ۹ نفر از آنها به اسامی ریحانه انصاری، میترا همایونی، سیروس فتیحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیمپور، فرامرز فطرت نژاد و مازیار مهرپور همچنان در بازداشت ادره اطلاعات شهر کرج بسر می برند.

رژیم جمهوری اسلامی در طول 30 سال هرگونه تلاش کارگران برای دستیابی به تشکل صنفی را بی رحمانه سرکوب کرده است. شوراها و سندیکاهایی که زمان انقلاب تشکیل شده بودند در سال 60 منحل و سرکوب شدند و فعالین کارگری زیادی زندانی و اعدام شده اند. از آن زمان تاکنون این روند ادامه دارد.

در طول سالهای اخیر که دامنه تشکلیابی کارگران افزایش یافته است باز هم دهها رهبر و فعال کارگری دستگیر و به زندانهای طویل المدت محکوم شده اند. هم اکنون رضا شهابی، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی و..... با محکومیهایی از 5 تا 11 سال در زندان به سر میبرند. برای آزادی فوری دستگیرشدگان اخیر و همه فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی باید به هر شکل ممکن اعتراض کرد.

به همین منظور از هفته های گذشته تظاهرات اعتراضی در کشورهای مختلف جهان آغاز شده و در دانمارک نیز روز شنبه 30 یونی اکتسیون اعتراضی در مقابل سفارت رژیم اسلامی بر گزار میشود.

مکان : مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در کپنهاگ

زمان : شنبه 30 یونی ساعت 14 تا 15

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در دانمارک

فرفراخوان به گردهم آبی اعتراضی درپاریس

-برای اعتراض به هجوم وحشیانه جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی درکرج وبازداشت،آزار وشکنجه فعالین کارگری

-برای اعتراض به اعدام

بربرای اعتراض به تحت فشار قراردادن فعالین کارگری،دانشجویی واجتماعی

-برای آزادی بی قید و شرط کلیه بازداشت شدگان کرج

-برای آزادی تمامی فعالین کارگری،دانشجویی واجتماعی زندانی

-برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی

ما تمامی نهادهای مدافع آزادی وحقوق انسانی وتاممی انسان های متعهد وآزاده را به یک گردهم آبی اعتراضی درپاریس فرا می خوانیم

زمان گردهم آبی:سه شنبه 26ژوئن از ساعت 19تا 21

مکان گردهم آبی:میدان تروکادرو(مترو تروکادرو)

23ژوئن 2012

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی وعقیدتی ایران-پاریس

جمعیت کردهای مقیم فرانسه

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران -پاریس

اتحادبین المللی درحمایت ازکارگران درایران -پاریس

فراخوان به اکتسیون اعتراضی به دفاع ازکارگران درایران

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی- بیمرز

جمهوری اسلامی ایران یک بار دیگر وحشیانه فعالین کارگری را مورد حمله قرار داده است. بازداشت و ضرب و شتم فعالین کارگری توسط

مأموران وزارت اطلاعات رژیم در کرج را باید با اعتراض وسیع جواب داد.

بدین مناسبت اکتسیون اعتراضی در استکهلم برگزار می شود. بیمرز در این اکتسیون اعتراضی شرکت کرده و از همه پناهجویان و مردم آزادیخواه و

حق طلب دعوت می کند در دفاع از فعالین کارگری در ایران و علیه سرکوبگری جمهوری اسلامی با ما در این اعتراض همراه شوید

شنبه 30 ماه ژوئن ساعت 12 تا 14 sergelstorg

یورش به نشست همزمانان در جلسه سالانه ی کمیته هماهنگی را بشدت محکوم میکنیم جمعیت مستقل زنان کارگردرکردستان

مطلع شدیم که روز جمعه 26 خرداد 1391 نشست سالانه کمیته هماهنگی به ایجادتشکلهای کارگری مورد حمله درندانه مامورین رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفت. ما جمعیت مستقل زنان کارگر در کردستان این یورش ضد انسانی را به نشست همزمانان در جلسه سالانه کمیته هماهنگی بشدت محکوم میکنم و پشتیبانی خود را از کارگران زندانی و خانوادههای این عزیزان اعلام میدارم، و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم. از هرگونه اعتراض و حرکتی برای آزادیشان در داخل و خارج پشتیبانی میکنیم
جمعیت مستقل زنان کارگر در کردستان 5-4-1391

نامه اعتراضی اتحادیه کارگران حمل و نقل نروژ به سفیر جمهوری اسلامی ایران در نروژ موضوع: بازداشت فعالان کارگری در ایران

به سفیر جمهوری اسلامی ایران، آمباسادور سید حسین، اسلو
اسلو: ۱۹ ژوئن ۲۰۱۲
ما مطلع شده ایم که:

روز جمعه، ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲، در ساعت ۱۲ ظهر، حدود ۶۰ فعال کارگری، از جمله بسیاری از اعضای کمیته هماهنگی، توسط ماموران وزارت اطلاعات بدنبال یورش به خانه ای در شهر کرج که نشست کمیته هماهنگی در آن برگزار بود، دستگیر شده اند. بازداشت شدگان توسط مامورین امنیتی ضرب و شتم شدند و سپس به زندان رجایی شهر در کرج انتقال داده شدند. طبق خبری که کمیته هماهنگی در بعدازظهر ۱۶ ژوئن صادر کرده است، اکثر بازداشت شدگان به استثنای فعالین کارگری زیر آزاد شده اند: میترا همایونی، ریحانه انصاری، علیرضا عسگری، سعید مرزبان، سیروس فتحی، مسعود سلیم پور، مازیار مهرپور، جلیل محمدی، و فرامرز فطرت نژاد.

بر طبق اطلاعات رسیده از کمیته هماهنگی، فعالین کارگری که دستگیر شده بودند از جمله افراد زیر را شامل می شدند: محمود صالحی، میترا همایونی، وفا قادری، ریحانه انصاری، خالد حسینی، سعید مرزبان، سیروس فتحی، غالب حسینی، محمد عبدی پور، جلال حسینی، علیرضا عسگری، مسعود سلیم پور، عباس اندریانی، صدیق امجدی، فتح سلیمانی، مازیار مهرپور، محمد مولانایی، واحد سیده، جلیل شریفیان، صدیق خسروی، یوسف آبخراباد، افشین ندیمی و فرامرز فطرت نژاد.

ما کماکان شاهد هستیم که بسیاری از فعالین کارگری بطور ظالمانه ای در ایران زندانی هستند، از جمله رضا شهابی، علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، علی اخوان و بهنام ابراهیم زاده. با این وجود، این یورش به مجمع کارگران کاملاً غیرعادلانه و غیرقابل توجیه است؛ این نقض فاحش ابتدایی ترین حقوق کارگران است که توسط مقابله نامه های بین المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

ما به شدت حمله اخیر و دستگیری بیش از ۶۰ کارگر در شهر کرج را محکوم می کنیم. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه فعالین کارگری در ایران هستیم

راجر هنسن

پرزیدنت، اتحادیه کارگران حمل و نقل نروژ
ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

<http://www.workers-iran.org>

info@workers-iran.org

پشتیبانی فعالان « کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ » از آکسیون ایستاده ۳۰ ژوئن و شب همبستگی با کارگران ایران ۷ جولای / گوتنبرگ

برای حمایت از آزادی کارگران زندانی که اخیراً دستگیر شدند و دیگر کارگرانی که در زندان به سر می برند و محکوم کردن رژیم سرکوبگر سرمایه داری جمهوری اسلامی، روز شنبه ۳۰ یونی آکسیون با فراخوان فعالان " کمپین دفاع برای آزادی رضا شهابی " گوتنبرگ - سوئد در میدان برنس پارکن در شهر گوتنبرگ از ساعت ۱۷ تا ۱۸ برگزار می گردد.

ما در پشتیبانی از این اقدام از تمام مردم آزادیخواه و دوستان دعوت می نمایم، بار دیگر عزم پایدار خود را برای مبارزه با بیداد حاکم در ایران و حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی با حضور خود در این آکسیون مشترک نشان دهند...

این اکسیون توسط اعضاء " کمپین " نامبرده در پاسخ به فراخوان " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری " و همزمان با تحرکات سراسری که از سوی نهادهای همبستگی و مدافعین کارگری فراخوان داده شده و منحصر به گروه و حزب خاصی نیست. ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از اقدام اکسیون ایستاده و شب همبستگی با کارگران که ایضا توسط فعالان " کمپین دفاع برای آزادی رضا شهابی " گوتنبرگ - سوئد که برای شب شنبه ۷ جولای در محل هاکیبیون دعوت کرده اند اعلام می داریم کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوئد) ۷ تیر ۱۳۹۱- ۲۷ ژوئن ۲۰۱۲

فراخوان در اعتراض به دستگیر شدگان ۲۶ خرداد شهر کرج !

در روز جمعه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۱، نیروهای اطلاعاتی و دیگر نیروهای سرکوب گر به نشست سالیانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در شهر کرج یورش بردند.

یورش به نشست سالیانه فعالان کارگری که با تیر اندازی و ضرب و شتم کارگران و فعالین کارگری حاضر در جلسه همراه بود، ۶۰ نفر از اعضای کمیته هماهنگی بازداشت و به زندان رجایی شهر کرج منتقل شدند. بعد از ۳۳ ساعت تعدادی از کارگران بازداشتی آزاد شدند اما هنوز ۹ نفر در بازداشت زندان می باشند. رضاعسگری، ریحانه انصاری و جلیل محمدی در زندان کرج و میترامایونی، سعیدمرزبان، مسعود سلیم پور، مازیار مهرپور، سیروس فتحی و فرامرز فطرت نژاد در زندان لاکان رشت زندانی می باشند.

در این ارتباط "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در اطلاعیه های خود بارها اعلام کرده است که تمامی نهاد ها و تشکل های کارگری به این هجوم و حشبانه و دستگیری و ادامه بازداشت اعضای این کمیته اعتراض کنند.

بر این اساس ما اعضای "کمپین دفاع برای آزادی رضا شهابی" گوتنبرگ - سوئد به فراخوان آنها بر اساس وظیفه طبقاتی، جواب مثبت داده و خود را ملزم میدانیم در این راستا در حد توان، پژوهاک اعتراض کارگران زندانی و جنبش کارگری ایران در خارج از کشور باشیم.

ما از تمامی افراد، نهاد ها، سازمان ها و احزاب چپ و سوسیالیست می خواهیم در یک کارزار جهانی در کنار هم به دستگیری و ادامه بازداشت و تهدید فعالین کارگری در ایران اعتراض کنیم و خواستار آزادی تمامی کارگران زندانی باشیم .

در این راستا ما در روز شنبه ۳۰ ژوئن در شهر گوتنبرگ / سوئد دست به اعتراض خواهیم زد.

زمان : روز شنبه ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲

مکان : برنس پارکن

ساعت: ۱۷ تا ۱۸

"کمپین دفاع برای آزادی رضا شهابی" گوتنبرگ - سوئد

۲۶/۰۶/۲۰۱۲

گزارش گردهمایی اعتراضی ۲۶ ژوئن در پاریس

بدنبال فراخوان انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران، جمعیت کردهای مقیم فرانسه، همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران-پاریس و اتحادیه الملل حمایت از کارگران در ایران، دهها فعال کارگری، اجتماعی و سیاسی عصر سه شنبه ۲۶ ژوئن در میدان تروکادروی پاریس (صحن حقوق بشر) گردهم آمدند و اعتراض نفر نشان را نسبت به رژیم اسلامی ایران و سیاست های سرکوبگرانه و ضدانسانیش بنمایش گذاشتند. حضور فعالین کارگری و سیاسی فرانسوی، ترک، سوری، لبنانی، سودانی و... از ویژه گی این تجمع اعتراضی بود. این همبستگی جهانی با فعالین کارگری، اجتماعی و سیاسی ایران شوری در بین حاضرین ایجاد کرده بود و شعار زنده باد همبستگی جهانی بارها از طرف سخنرانان و برگزار کنندگان این گردهمایی سر داده شد.

برگزار کنندگان در آغاز گزارش کوتاهی از اعدام های اخیر جمهوری اسلامی ایران از جمله اعدام چهار نفر در خوزستان، سرکوب فعالین کارگری، دانشجویی و تمامی فعالین اجتماعی طی ماههای اخیر، کارگران و فعالین کارگری زندانی و حمله اخیر به مجمع عمومی کمیته هماهنگی کمک برای ایجاد تشکل های کارگری در ایران و بازداشت فعالین کارگری در کرج و آخرین وضعیتشان در زندان کرج و رشت دادند.

تظاهر کنندگان با سردادن شعارهایی علیه اعدام ها در ایران، علیه اذیت و آزار و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری، دانشجویی، زنان

و...ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی حمایتشان را از قطع اعدام ها، آزادی تمامی زندانیان سیاسی، آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی فعالین کارگری و اجتماعی منجمله فعالین کارگری بازداشت شده در کرج را اعلام داشتند.

شعار سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران نیز بارها از طرف اجتماع کنندگان داده شد.

از کلکتیو سندیکاهای فرانسوی حمایت کننده از جنبش کارگری ایران نمایندگان سندیکاهای ث.ا.ف.د.ت، ث.ت.ت و سولیدر این گردهمایی شرکت داشتند و نمایندگان دوسندیکای اف.اس.یو.اونسازمن اعلام همراهی و همدلی با اجتماع کنندگان خبر دادند که امکان حضور ندارند.

فیلیپ روو یکی از مسئولین بخش بین الملل سندیکای ث.ا.ف.د.ت از جمله سخنرانان این گردهمایی بود. وی در سخنانش از جمله گفت:

ما سندیکاهای فرانسوی نسبت به فعالین کارگری و سندیکایی در ایران حساس هستیم و این حساسیت ما از سرکوب بی سابقه ای که از طرف رژیم ایران اعمال می شود نشئت می گیرد.

وی همچنین اظهار امیدواری کرد که همراه با دیگر سندیکاهای فرانسوی بتوانند عملاً از فعالین کارگری و سندیکایی در راه ایجاد تشکل های مستقلشان حمایت نمایند.

آن بارون از سندیکای سولیدر از دیگر سخنرانان بود که طی سخنانی کوتاهی کارنامه کلکتیو سندیکاهای فرانسوی در حمایت از کارگران در ایران از بدو تشکیل تا به امروز، از جمله برگزاری آکسیون های اعتراضی در ژنو همزمان با برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار امسال و سال گذشته و برپایی شب همبستگی با کارگران ایران در ماه مارس سال جاری و... را به سمع حاضرین رساند و در پایان اظهار امیدواری کرد که این همبستگی جهانی ادامه دار باشد.

پس از این پیام ممدو دیوف دبیر کنفدراسیون سندیکاهای مستقل سنگال توسط یکی از برگزارکنندگان قرائت شد.

در این پیام ممدو دیوف همبستگی خود و کنفدراسیون سندیکاهای مستقل سنگال را با فعالین کارگری ایران اعلام داشت.

گردهمایی با نطق کوتاه، سلامه کیوله مارکسیست و زندانی سیاسی سوری که اخیراً از زندان رژیم سوریه رهایی یافته است، ادامه یافت.

آقای سلامه ضمن حمایت از مبارزات کارگران ایران در راستای احقاق حقوقشان افزود: باید بین جنبش های کشورهای مختلف منطقه همبستگی برقرار شود و همبستگی را لازمه پیروزی در آینده دانست.

وی ضمن یادآوری این امر که هیچ توهمی نسبت به رژیم های دیکتاتوری نباید داشت اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیک، شاهد بهار واقعی جنبش کارگری و انقلابی در منطقه خاورمیانه باشیم.

مصطفی از حزب کمونیست لبنان نیز با ایراد سخنانی با دفاع از مبارزات کارگران ایران همبستگی جهانی را نشان داد.

مهری زندان فعالین زنان آخرین سخنران این گردهمایی بود که گزارش کوتاهی از وضعیت زنان در ایران داد.

وی از محرومیت فردی و اجتماعی زنان ایران، از تبعیض جنسیتی که در مورد آنان روا می شود، فشارهایی که به آنان وارد می آید و چگونگی اذیت آزار و سرکوب مستمرشان توسط رژیم ایران سخن گفت.

همزمان با برگزاری این گردهمایی اعتراضی، در ضلع دیگر میدان تروکادرو تجمع اعتراضی دیگری علیه رژیم ترکیه و برای آزادی دانشجویان زندانی در ترکیه جریان داشت. در این تجمع که از طرف فعالین سیاسی ترکیه و دانشجویان فرانسوی سازمان داده شده بود دهها فعال دانشجویی و سیاسی ترک و فرانسوی شرکت داشتند. قبل از راهپیمایی این تجمع کنندگان بطرف سفارت ترکیه، هیئتی از طرفشان در گردهمایی اعتراضی ما حضور بهم رسانیدند و با بخش تراکت و گفتگو با برگزارکنندگان گردهمایی ضمن اطلاع رسانی از اهداف تجمع و راهپیمایشان، با مبارزات کارگران، دانشجویان و فعالین اجتماعی و سیاسی در ایران ابراز همبستگی کردند. برگزارکنندگان گردهمایی هم ضمن سپاسگزاری از خواسته انهامینی برآزادی دانشجویان زندانی در ترکیه حمایت کرده و رژیم ترکیه را محکوم کردند.

گزارش خبری این گردهمایی از طرف رادیوندا، رادیوبین المللی فرانسه، رادیو فردا (بخش صبحانه با خبر)، تلویزیون تیشک و تلویزیون صدای آمریکا پخش شد.

پیوندها:

گزارش رادیو ندا از گردهمایی اعتراضی ایرانیان در پاریس در گفتگو با علیرضا نوائی، بهروز فراهانی و عزیز ماملی

<http://www.radioneda.de/2012/06/25/Paris120626.mp3>

- رادیوبین المللی فرانسه:

http://telechargement.rfi.fr.edgesuite.net/rfi/persan/audio/modules/actu/201206/Perspec_1_26_06.mp3

- رادیو فردا: صبحانه با خبر بخش دوم - چهارشنبه 27 ژوئن

<http://www.radiofarda.com/audio/broadcastprogram/593145.html>

اتحادیه بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

در اعتراض به دستگیری فعالین کارگری

فعالین کارگری باید فوراً آزاد شوند!

اطلاعیه کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

مطابق اطلاعیه خبری کمیته "هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، دیروز جمعه، ۲۶ خرداد حدود ۶۰ نفر از فعالین جنبش کارگری توسط جانبان وزارت اطلاعات دستگیر شده اند که اسامی تعدادی از آنها که اکنون در اسارت اداره اطلاعات کرج مستقر در زندان رجایی شهر هستند بشرح زیر است: "میترا همایونی، وفا قادری، ریحانه انصاری، خالد حسینی، محمود صالحی، سعید مقدم، سیروس فتحی، غالب حسینی، محمد عبدی پور، جلال حسینی، علیرضا عسگری، مسعود سلیمپور، عباس اندریانی، صدیق امجدی، فتاح سلیمانی، مازیار مهرپور، محمد مولانایی، واحد سیده، جلیل شریفیان، صدیق خسروی، یوسف آبخرآباد، فرامرز فطرت نژاد، جلیل محمدی، نظام صادقی و افشین ندیمی.

رژیم اسلامی به پایان عمر خود نزدیک شده و سرانش بهتر از همه می دانند که دستگیری فعالین کارگری باعث طول عمر رژیمشان نمی شود. رژیم اسلامی که کمرش در زیر فشارهای کشنده اقتصادی، سیاسی خم شده و فساد تمام پیکره اش را گرفته از خشم و نفرت عمیق میلیونها مردم ایران علیه خود باخبر است بیش از پیش کل موجودیتش را در خطر می بیند و از هر تجمعی وحشت دارد. ماموران گمنام امام زمان حتی جنازه افرادی که ممکن است هنگام خاکسپاریشان تجمعی صورت بگیرد را شبانه می دزدند و دفن می کنند تا مانع هر تجمعی شده باشند. از نظر رژیم اسلامی هر تجمع، حرکت و اعتراض جمعی می تواند باعث انفجار خشم کارگران و زحمتکشان شود که زیر فشار اختناق، دستمزدهای پایین و افزایش ساعتی قیمت مایحتاج عمومی به نقطه انفجار نزدیک میشوند. حمله ماموران وزارت جنایت پیشه اطلاعات به جلسه فعالین جنبش کارگری در کرج و دستگیری دهها نفر از آنها و انتقالشان به زندان جنبش کارگری ایران و فعالینش را مرعوب نخواهد کرد و به اعتراضات کارگری پایان نخواهد داد. خشونت روبه افزایش و روزانه رژیم اسلامی علیه زنان، دانشجویان و کارگران و مردم ایران از سر ضعف و استیصال است و نه سر قدرت. اکنون انتقادات زندانیان سیاسی به حاکمیت در زمره تندترین هاست. زندان حتی مانع صدور اطلاعیه فعالین جنبش کارگری بمناسبت روز کارگر و کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار نشده است. فعالین جنبش کارگری در نه زندانهای کوچک رژیم اسلامی از قبیل اوین و گهر دشت و نه در زندانی به وسعت تمام ایران مرعوب نشده اند و نخواهند شد.

کارگران زندانی باید آزاد شوند. ما به سهم خود و همراه با تمام سازمانهای چپ و سوسیالیست برای آزادی کارگران زندانی فعالیت می کنیم. طبعاً تمام سازمانهای ترقی خواه و اپوزیسیون نیز به دستگیری فعالین کارگری اعتراض خواهند کرد

سرنگون باد رژیم اسلامی

زنده باد جنبش کارگری

زنده باد سوسیالیسم

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۱۶ ژوئن ۲۰۱۲

اعلام حمایت از کارزار سراسری علیه سرکوب فعالین کارگری در ایران

کارگران و فعالین کارگری در ایران در ماههای اخیر آماج هجوم وسیع و همه جانبه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی قرار گرفتند که طی سالهای گذشته بی سابقه بوده است. از تعرض به کارگران و فعالین این جنبش به دلیل تشکل خواهی و دفاع از حقوق انسانی کارگران گرفته تا بازداشت و دستگیری آنها و حتی نظامی کردن شهرها برای جلوگیری از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر از جمله در سنج و اقدام اخیر حاکمیت در حمله به مجمع عمومی کارگران عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری نهایت برخورد غیر انسانی سرمایه داری در ایران نسبت به حق خواهی کارگران را نشان داد.

این برخورد ضد انسانی سرمایه داری در مقابله با جنبش های اجتماعی بر کسی پوشیده نیست، اما کارگران و فعالین جنبش کارگری هرگز به این سرکوب ها تمکین نکرده و همواره بر حقوق حقه خود پای فشاری کرده اند و اتفاقاً هر بار محکمتر و با توان بیشتری نسبت به گذشته برای به دست آوردن خواست و مطالبات خود گام برداشته اند.

در این میان کارگران و فعالین کارگری سایر کشورها همواره در کنار کارگران ایران بوده اند و با اعلام همبستگی از مبارزات ما کارگران در ایران جلوه های از همبستگی طبقاتی جهانی را به نمایش گذاشته اند که این همبستگی یکبار دیگر بعد از هجوم روز ۲۶ خرداد به مجمع عمومی کمیته هماهنگی در کرج و دستگیری تمامی کارگران شرکت کننده در آن، خود را به منصفی ظهور گذاشت. البته ناگفته نماند که کارگران در مراکز مختلف کارگری و فعالین تشکل های کارگری در ایران نیز در سطح وسیعی وظیفه طبقاتی خویش را به نمایش گذاشتند و ضمن محکوم نمودن این عمل وحشیانه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی با اعلام انزجار از تداوم بازداشت ۹ نفر از اعضای کمیته هماهنگی خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این کارگران شدند.

در همین راستا تشکل ها، نهادها و سازمان های کارگری بین المللی با اعلام فراخوانی خواستار برگزاری کارزار سراسری در روز شنبه ۳۰ جون مصادف با ۱۰ تیر در اعتراض به تداوم بازداشت این کارگران و حمایت از جنبش کارگری ایران، در سطح جهان شده اند. ما

کارگران ایران ضمن قدردانی، حمایت خود را از این کارزار جهانی علیه سرکوب فعالین کارگری در ایران اعلام و می‌داریم و خود را در کنار این کارزار می‌بینیم و دست تمامی کارگران شرکت کننده در این اکسیون را به گرمی می‌فشاریم. ما کارگران و فعالین کارگری امضا کننده این بیانیه خود را بخشی از جنبش جهانی طبقه‌ی کارگر می‌دانیم و کارگران در هر جای جهان فرخوان می‌دهیم تا نسبت به تداوم بازداشت فعالین کارگری به هر شکل ممکن اعتراض خود را اعلام دارند.

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران

جمعی از کارگران خباز سنندج و حومه

جمعی از کارگران و فعالین کارگری شهر سنندج

جمعیت زنان آزادیخواه و برابری طلب

انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۱

گزارش از تظاهرات اعتراضی ۳۰ ژوئن استکهلم

به نوشته اتحاد بین المللی در 11 تیر آمده است: در تداوم کارزار سراسری در محکومیت حمله نیروهای امنیتی به مجمع عمومی "کمیته هماهنگی ... و آزادی بی قید و شرط همه دستگیر شدگان، روز 30 ژوئن تظاهرات اعتراضی با شرکت بیش از 250 نفر در شهر استکهلم برگزار شد. این تظاهرات که به دعوت "کمیته هماهنگی تظاهرات 30 ژوئن- استکهلم" فراخوان داده شده بود با حمایت و شرکت فعال احزاب و سازمانهای سیاسی چپ برگزار شد. سخنرانان سوئدی و ایرانی این تظاهرات ضمن محکومیت رژیم جمهوری اسلامی ایران، از زوایای مختلف به پایمال شدن حقوق کارگری و انسانی پرداخته و حمایت خویش را با جنبش کارگری ایران و یاران مبارزی که تحت شرایط استبدادی با فداکاری و پرداخت هزینه سنگین از حقوق کارگری دفاع می کنند، اعلام کردند. آزادی فعالین جنبش زنان، وکلا، نویسندگان، دانشجویان، مدافعین حقوق انسانی زندانی و آزادی بی قید شرط کلیه زندانیان سیاسی، حق آزادی بیان و تشکل و تجمع از خواستههای اصلی بود که در این مراسم اعتراضی بر آن تاکید شد. "اتحاد بین المللی" ضمن قدردانی از همه شرکت کنندگان و احزاب و سازمانهایی که با حمایت و شرکت فعال خویش موجب رساتر شدن صدای اعتراض به جمهوری اسلامی در شهر استکهلم شدند، تاکید می کند که کارزار سراسری اعلام شده تا ازادی همه دستگیر شدگان ادامه خواهد یافت.

30 ژوئن 2012

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران- سوئد

مردم آزادیخواه و مبارز! در تظاهرات اعتراضی ۳۰ ژوئن استکهلم شرکت کنید!

روز جمعه ۱۵ ژوئن نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی ایران با حمله به مجمع عمومی سالیانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" پس از کتک زدن و زخمی کردن تعدادی زیادی از شرکت کنندگان در این مجمع ۵۷ نفر از آنان را دستگیر کردند. تاکنون ۹ نفر از دستگیرشدگان به اسامی ریحانه انصاری، میترا همایونی، سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان مقدم، مسعود سلیمپور، فرامرز فطرت نژاد و مازیار مهرپور همچنان در زندان بسر می برند. در اعتراض به سلب ابتدایی ترین حقوق انسانی و برای آزادی دستگیر شدگان ۱۵ ژوئن و همه زندانیان سیاسی و در دفاع از حق آزادی بیان، تجمع و تشکل شما را فرا می خوانیم در تظاهرات اعتراضی که در شهر استکهلم برگزار می شود شرکت نمایید.

مکان: میدان سرگل استکهلم

زمان: شنبه ۳۰ ژوئن، ساعت ۱۲

کمیته برگزاری تظاهرات ۳۰ ژوئن- استکهلم

۲۰۱۲/۶/۲۶

فراخوان علی پيچگاه برای شرکت در تظاهرات اعتراضی ۳۰ ژوئن در شهر استکهلم

مردم آزادیخواه و حق طلب!

روز ۱۵ ژوئن ماموران رژیم اسلامی بطور وحشیانه ای به مجمع عمومی "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری" یورش برده و آنها را مورد شتم و ضرب قرار داده و تعداد زیادی را زخمی کردند. بر اثر ضربه مامورین کمر محمود صالحی از فعالین پیگیر و فداکار کارگری شکسته است. رژیم همه شرکت کنندگان در مجمع عمومی را دستگیر کرد و هنوز تعداد ۹ نفر آنان در زندان اند. واقعا جرم این کارگران آگاه و فداکار چیست؟ جز تجمع برای تبادل نظر و چاره اندیشی برای بهبود زندگی خود و همکارانشان؟ در مملکتی که مجرمین واقعی نه تنها راست راست می گردند بلکه بر مسند قدرت می نشینند به چه حقی کارگر آگاه و مبارز را روانه زندان می کنند؟ این بی عدالتی محض و توهین به انسانها تا کی؟

در دفاع از حقوق انسانی و در دفاع از حق آزادی بیان و تشکل و با خواست آزادی همه زندانیان سیاسی تقاضای من از همه شما این است که در تظاهرات اعتراضی که در ۳۰ ژوئن برگزار می شود شرکت کنید! اجازه ندهیم جمهوری اسلامی هر بلایی که خواست بر سر انسانهای

معترض و مبارز بیاورد!
مکان : میدان سرگل استکهلم
زمان : ۳۰ ژوئن، ساعت ۱۲
علی پیچگاه - ۲۷ ژوئن
عضو سابق شورای مرکزی کارکنان نفت ایران

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

جمهوری اسلامی با حمله به مجمع عمومی کارگران در کرج عمق ماهیت ضدکارگری اش را یکبار دیگر نشان داد. بیش از سی سال حمله به جنبش کارگری و آزادیخواهی در ایران نتوانسته است این جنبش را از تکاپو بازدارد و اینجا و آنجا سر بر میگرداند. اعدام ها و کشتار کارگران با همه ابعاد وحشیانه اش نتوانسته است خاموشی را بر این دریای خروشان تثبیت کند. مقابله علیه کارگران و تشکل های مستقل کارگری و دستگیری و زندانی کردن کارگرانی که زیر فشار بحرانها و هزینه های کمرشکن زندگی قرار دارند بیش از هر چیز ماهیت ضد انسانی و ضدکارگری حکومت سرمایه داری - مذهبی ایران را به نمایش میگذارد ، که در درگاه سرمایه و سود ، کارگران را قربانی میکند. رفتار وحشیانه با کارگرانی که در مجمع عمومی برای سامان دادن زندگی کارگری و مبارزه علیه عاملین فقر و محرومیت خود و کودکانشان گرد آمده اند هیچ منطقی جز ترس از عروج این جنبش ندارد. مدتهاست که جنبش کارگری بعنوان یک قدرت واقعی رژیم را به هراس انداخته است. اهمیت این جنبش چنان است که حتی سبز ها و اصلاح طلبان و شاهزاده هم برای به زیر کشیدن رقیب ، دندان طمع به سوی این جنبش تیز میکنند . اما شواهد نشان میدهند که این جنبش نه تنها به زیر مهمیز جمهوری اسلامی با همه ترسند هایش نرفت بلکه جز به نیروی خویش متکی نیست. برای هرگونه دفاع از جنبش کارگری باید به خواسته های سیاسی و اقتصادی آن برای نان و آزادی گردن نهاد . کشاندن این جنبش به زیر پرچم سبز یا عکس شاهزاده یا هر پرچم سرمایه دارانه ای به مسلخ بردن این جنبش است. شورا این هجوم وحشیانه را محکوم و خواستار آزادی فوری همه دستگیر شدگان و کارگران زندانی است. به این منظور از همه سازمانها و احزاب و افراد آزادیخواه انتظار میرود به هر طریق ممکن در دفاع از کارگران زندانی و تشکل های مستقل کارگری تلاش کنند . ما در سازماندهی و حمایت از این فعالیتها در تظاهرات ۳۰ ژوئن ساعت ۱۲ ظهر در میدان سرگل شرکت می کنیم. علاوه بر این تا اطلاع ثانوی برای آزادی فعالین دستگیر شده در این هجوم هرشنبه همین ساعت و همین محل پیکت اعتراضی برگزار خواهیم کرد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

www.shora.se shoraye1@gmail.com Mobil: 0701502011

فراخوان

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بار دیگر وحشیانه به فعالین کارگری هجوم آورد و در روز جمعه ۲۶ خرداد، حدود ۶۰ نفر را با ضرب و شتم و اهانت دستگیر کرد. در نتیجه مقاومت کارگران، ۵۰ نفر از آنان بعد از ۳۳ ساعت آزاد شدند، ولی هنوز ۹ نفر دیگر در اسارت هستند که ۶ نفر از ایشان را به اطلاعات رشت تحویل داده اند ولی از سرنوشت ۳ نفر دیگر اطلاعی در دست نیست.

آزادی تجمع و تشکل، حق مسلم هر کارگر است، "کمیته همآهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" به استناد این حق حتا به وزارت کار برای در اختیار گذاشتن سالنی، درخواست کتبی می دهد، اما به آنها چنین امکانی نمی دهند. در قبال پامال کردن چنین حقی، کمیته همآهنگی ناگزیر به برگزاری نشست سالانه خود در محیطی کوچک اما علنی می شود که با هجوم وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی، با اهانت، ضرب و شتم و دستگیری و زندان مواجه می شوند.

ما ضمن محکوم کردن این تهاجمات و تجاوزات به حقوق مسلم کارگران و برای آزادی فوری کارگرانی که هنوز در زندان هستند، همگان را به یک تظاهرات اعتراضی فرامی خوانیم تا با حرکتی گسترده و متحدانه، پاسخ درخوری به این وحشیگری های جمهوری اسلامی بدهیم.

تاریخ: شنبه ۳۰ یونی ۲۰۱۲، از ساعت ۱۸ الی ۲۰

محل: کلن، Domplatte

- حزب کمونیست ایران (تشکیلات کلن)
- حزب اتحاد کمونیست کارگری (واحد آلمان)
- جمعی از چپ های کلن
- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - غرب آلمان
- کمیته همبستگی با کارگران در ایران - ایالت نوردراین وستفالن

تظاهرات در کپنهاگ بر علیه دستگیری فعالین کارگر

در روز جمعه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۱ نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه "کمیته همآهنگی

برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" که در شهر کرج برگزار گردیده بود وحشیانه یورش بردند و بعد از ضرب و شتم شدید و بی رحمانه تعداد زیادی از فعالین کارگری، همگی شرکت کنندگان در مجمع عمومی را که بیش از ۶۰ نفر بودند دستگیر و به زندان رجایی شهر کرج انتقال نمودند. اکثر فعالین کارگری دستگیرشده روز شنبه ۲۷ خرداد آزاد شدند، اما ۹ نفر از آنها به اسامی ریحانه انصاری، میترا همایونی، سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیمپور، فرامرز فطرت نژاد و مازیار مهرپور همچنان در بازداشت اداره اطلاعات شهر کرج بسر می برند.

رژیم جمهوری اسلامی در طول ۳۰ سال هرگونه تلاش کارگران برای دستیابی به تشکل صنفی را بی رحمانه سرکوب کرده است. شوراها و سندیکاهایی که زمان انقلاب تشکیل شده بودند در سال ۶۰ منحل و سرکوب شدند و فعالین کارگری زیادی زندانی و اعدام شده اند. از آن زمان تاکنون این روند ادامه دارد.

در طول سالهای اخیر که دامنه تشکلیابی کارگران افزایش یافته است باز هم دهها رهبر و فعال کارگری دستگیر و به زندانهای طویل المدت محکوم شده اند. هم اکنون رضا شهابی، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی و..... با محکومیهایی از ۵ تا ۱۱ سال در زندان به سر میبرند.

برای آزادی فوری دستگیرشدگان اخیر و همه فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی باید به هر شکل ممکن اعتراض کرد.

به همین منظور از هفته های گذشته تظاهرات اعتراضی در کشورهای مختلف جهان آغاز شده و در دانمارک نیز روز شنبه ۳۰ یونی اکیون اعتراضی در مقابل سفارت رژیم اسلامی بر گزار میشود.

مکان : مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در کپنهاگ
زمان : شنبه ۳۰ یونی ساعت ۱۴ تا ۱۵
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در دانمارک

بیانیه 48

از تظاهرات اعتراضی در دفاع از کارگران زندانی حمایت میکنیم.

ظرفیت اعمال مشترک ما باز هم می تواند بیشتر شود

ضمن حمایت از فراخوان تظاهرات اعتراضی در روز 30 ژوئن و روز های دیگر، نیست به محکومیت سرکوب کارگران و بخصوص دستگیری اخیر در شهر کرج ، از تمامی رفقا ، نیرو های انقلابی و آزادی خواه می خواهیم در هر شهری که زندگی می کنند به نزدیکترین تظاهرات پیوسته و در دفاع از مبارزات روز افزون کارگران و فعالین کارگری وظایف خود را به انجام رسانند.

در حالی که جمهوری اسلامی تلاش می کند با سرکوبهای شدید و روز افزون خود از رشد و گسترش جنبش کارگری جلوگیری کند و در حالی که نیرو های پیشرو بدون ترس از عواقب فعالیت و خواست مطالبات خود هم چنان می رزمند ، وظیفه هر کدام از ما در مقطع کنونی تاریخ مبارزات طبقه کارگر صد چندان شده است . امروز باید فعالیت و تلاش خود را در قالب برنامه های دقیق و هر چه متحدانه تر در نقاط مشترک بیشتر و بیشتر کنیم . و از روابط خارجی خود در این جهت هر چه بیشتر استفاده نماییم تا بتوانیم با صرف کمترین انرژی و هزینه، بیشترین دست آورد را داشته باشیم .

از تمامی رفقای فعال و انقلابی می خواهیم هرچه بیشتر بطور مشخص و ملموس برنامه ریزی های مشترک، در نقاط مشترک داشته باشند . البته با دیدن و خواندن فراخوانهای مشترک و شنیدن فعالیت های مشترک که هم اکنون در جریان هستند بسیار شاد و مسرور می شویم . حرکت های اخیر عملاً نشان می دهند که نیروها و تشکیلات های فعال ظرفیت فعالیت های مشترک بیشتری را در خود دارند . ضمن ابراز شادی و

تشکر از این نزدیک شدن‌ها، اعلام می‌داریم: رفقا هنوز هم امکانات بسیار زیادی داریم که می‌توانیم هر چه بیشتر در کنار هم برنامه‌ها و اعمال مشترک و متحدانه‌ای داشته باشیم.

به یاد داشته باشیم که با هر بهانه کوچک و بزرگ به عنوان اصول یا غیر، می‌توان از عملکرد مشترک در نقاط مشترک شانه خالی کرد که نه تنها هیچ هنری نیست بلکه هر انسان ضعیف و پاسیوی می‌تواند چنین کند، همچنین به یاد داشته باشیم، که پیدا کردن نقاط مشترک، بر نامه ریزی و سازماندهی اعمال مشترک، گام بر داشتن در جهت همبستگی طبقاتی است که وظیفه هر فرد یا تشکیلات مدعی و انقلابی است. و باز به یاد داشته باشیم که مبارزات امروزی طبقه کارگر از ما می‌خواهد با شناخت نقاط اختلاف و اشتراک میان خودمان، و به رسمیت شناختن اختلافات آگاهانه در جهت هموار کردن عرصه و مسیر همبستگی طبقاتی گام بر داشته، موانع را از سر راه سراسری شدن مبارزات جنبش کارگری بر داریم. که البته برخی از اعمال خورده کاری و انفرادی ما جزء موانع است.

زنده باد اتحاد

زنده باد همبستگی طبقاتی

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

10/4/1391

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا خواستار آزادی فوری فعالین کارگری زندانی در ایران

گزارش اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا از تظاهرات ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲

۲۹ ژوئن ۲۰۱۲

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در ۱۵ جون ۲۰۱۲، با خشونت و وحشیانه در حمله به ۶۰ نفر از فعالین کارگری که در شهر کرج در مجمع سالیانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" شرکت کرده بودند، تمامی آنان را دستگیر نمودند.

در عکس العمل به این حمله بغایت وحشیانه، اعضای اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران (و شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران-مترجم) تظاهراتی را در مقابل سفارت ایران در شهر اتاوا سازمان دادند و خواهان آزادی فوری این زندانیان سیاسی، و حق ایجاد اتحادیه‌ها و تشکلات کارگری مستقل، حق آزادی بیان، آزادی تجمع و ابراز وجود در ایران شدند.

فرید پرتوی، نماینده اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-شعبه ۴۷۷۲، و فعال اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران، از جمله سازماندهندگان این تظاهرات و همچنین مجری برنامه بود. پل مویست، رئیس کشوری اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا در این مراسم سخنرانی کرد. مویست گفت: "ما، امروز، از دولت کانادا می‌خواهیم که آزادی این کارگران و بازگرداندن حقوق اتحادیه‌های کارگری برای کارگران در ایران را درخواست کند. ما هرگز نمی‌توانیم فعالین آزاد اتحادیه‌ای باشیم حتی اگر حقوق یک کارگر در هر جایی از دنیا پایمال گردد. ما امروز محکم و تزلزل ناپذیر در کنار کارگران ایران ایستاده ایم."

بنا بر گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر، دولت ایران درگیر کارزاری گسترده به منظور تضعیف جامعه مدنی در ایران، از طریق هدف قرار دادن روزنامه نگاران، وکلاء، فعالین و دانشجویان، میباشد. تعداد اعدامها در ایران از سال ۲۰۱۰ به شدت افزایش یافته است، و مقامات دسترسی به اطلاعات را نیز شدیداً محدود کرده اند. در مارس ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در واکنش به وخیم تر شدن اوضاع حقوق بشر در ایران، یک گزارشگر ویژه برای ایران منصوب نمود، اما مقامات رسمی تا کنون به او اجازه دسترسی به کشور را نداده اند.

کارگران قادر به اعمال حق خود برای سازماندهی اتحادیه‌ها و تشکلهای کارگری که مستقل از دولت و کارفرمایان باشند، بدون آنکه با سرکوب خشونت آمیز مواجه گردند، نیستند. مقامات ایران ده‌ها، شاید صدها، نفر از فعالین کارگری را در سال‌های اخیر بازداشت کرده اند، و بسیاری از آنها اذیت و آزار، شکنجه و حبس‌های طولانی را تجربه کرده اند.

شرایط کار در ایران بسیار سخت است. نرخ بیکاری بالای ۲۴ درصد است. میلیونها نفر از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در گزارش کنفدراسیون بین المللی اتحادیه‌های کارگری (ای تی یو سی) آمده است که بیش از ۷۰ درصد کارگران ایرانی در قراردادهای موقت بدون امنیت شغلی به کار مشغول هستند. تحت این شرایط اقتصادی و اجتماعی نیاز به نمایندگی اتحادیه‌های واقعی کارگری ضرورتی حیاتی است. لینک به اصل گزارش به زبان انگلیسی در سایت سراسری اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا:

<http://cupe.ca/global-justice/calls-immediate-release-imprisoned>

ترجمه و بازتکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

info@workers-iran.org

تظاهرات در حمایت از شهروندان افغانی، علیه جمهوری اسلامی

سال 1391 به سال حمله فاشیستی جمهوری اسلامی علیه شهروندان افغانی ایران بدل شده است. هر روز جلوه ای تازه ای از این مارش صلیب شکسته در صدر اخبار می نشیند. گویی کل جمهوری اسلامی از دفتر رهبرش تا کاربدستان پایین رتبه آن در حرکتی هماهنگ و نقشه مند علیه کارگران و زحمتکشان افغانی به حرکت درآمده است.

جمهوری اسلامی همیشه نه تنها جمهوری ضد کارگر و ضد زن و ضد انسان و ضد آزادی و ضد همه چیزهای خوب و انسانی بوده است، بلکه همواره نیز یک جمهوری فاشیستی و نژاد پرست و ضد کارگر و مهاجر افغان بوده است. اکنون بدنبال گسترش و تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی که سرپای رژیم را فرا گرفته است به تعرض وحشیانه خود به همه کارگران و زحمتکشان شدت بخشیده است. اما کارگران و شهروندان افغان در ایران بطور سازمانیافته ای انتخاب شده و در صف اول قربانیان این سیاست ضد کارگری و انسان ستیز قرار گرفته اند. بدنبال براه انداختن پاکسازی قومی علیه کارگران و شهروندان افغانی و ممنوعیت حضور آنها در بیست استان ایران و از جمله یزد توسط دولت، در روز دوشنبه 5 تیر ماه در شهر یزد، کارگران و شهروندان افغانی مورد تاخت و تاز خونین اوباش اسلامی و ماموران حکومتی قرار گرفته و خانه و کاشانه شان به آتش کشیده شده و تعدادی از آنها در آتش سوخته و جان باخته اند.

مردم نودوست و انسانهای آزادیخواه همه ما به نام انسانیت و آزادیخواهی وظیفه داریم به هر شکل و از هر طریق ممکن این سیاست جنایتکارانه و فاشیستی جمهوری اسلامی علیه شهروندان افغانی بایستیم و آنرا محکوم کنیم. باید نشان دهیم که در برابر این رژیم آدمکش و جنایتکار، کارگران و شهروندان افغانی تنها نیستند. شورای پشتیبانی از همه شما برای شرکت در تظاهرات در حمایت از کارگران و شهروندان افغانی و علیه جمهوری اسلامی دعوت می کند.

زمان: چهارشنبه 4 جولای، ساعت 3 بعد از ظهر

مکان: در مقابل ساختمان امنستی اینترنشنال: Amnesty International Toronto Office, 1992 Yonge St
416-333-1726/416-407-7922 برای اطلاعات بیشتر با شماره ها تماس بگیرید:

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران-واحد کانادا
شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا)

گزارش "اتحاد بین المللی" از تظاهرات اعتراضی ۳۰ ژوئن استکهلم

در تداوم کارزار سراسری در محکومیت حمله نیروهای امنیتی به مجمع عمومی "کمیته هماهنگی..." و آزادی بی قید و شرط همه دستگیر شدگان، روز ۳۰ ژوئن تظاهرات اعتراضی با شرکت بیش از ۲۵۰ نفر در شهر استکهلم برگزار شد. این تظاهرات که به دعوت "کمیته هماهنگی تظاهرات ۳۰ ژوئن- استکهلم" فراخوان داده شده بود با حمایت و شرکت فعال احزاب و سازمانهای سیاسی چپ برگزار شد. سخنرانان سوئدی و ایرانی این تظاهرات ضمن محکومیت رژیم جمهوری اسلامی ایران، از زوایای مختلف به پایمال شدن حقوق کارگری و انسانی پرداخته و حمایت خویش را با جنبش کارگری ایران و یاران مبارزی که تحت شرایط استبدادی با فداکاری و پرداخت هزینه سنگین از حقوق کارگری دفاع می کنند، اعلام کردند. آزادی فعالین جنبش زنان، وکلا، نویسندگان، دانشجویان، مدافعین حقوق انسانی زندانی و آزادی بی قید شرط کلیه زندانیان سیاسی، حق آزادی بیان و تشکل و تجمع از خواستههای اصلی بود که در این مراسم اعتراضی بر آن تاکید شد.

"اتحاد بین المللی" ضمن قدردانی از همه شرکت کنندگان و احزاب و سازمانهایی که با حمایت و شرکت فعال خویش موجب رساتر شدن صدای اعتراض به جمهوری اسلامی در شهر استکهلم شدند، تاکید می کند که کارزار سراسری اعلام شده تا آزادی همه دستگیر شدگان ادامه خواهد یافت.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران - سوئد
۳۰ ژوئن ۲۰۱۲

رشد قیمت ۸۱ درصد مواد خوراکی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 11 تیر آمده است: گزارش هفتگی متوسط قیمت خرده فروشی برخی از مواد خوراکی در تهران توسط بانک مرکزی در هفته منتهی به ۹ تیر ماه ۹۱ منتشر شد. طبق این گزارش گوشت مرغ طی این هفته در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل بیشترین افزایش قیمت را تجربه کرده است. بر این اساس ۸۱ درصد اقلام طی هفته منتهی به نهم تیرماه در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل افزایش قیمت داشته اند.

به گزارش ایسنا، طی این هفته بیشترین افزایش قیمتها مربوط به هلو با ۱۸۲٫۱ درصد، گوجه سبز با ۱۶۹٫۲ درصد رشد، سبزیهای برگی با ۱۲۳٫۳ درصد، سیب زرد با ۱۱۲٫۹ درصد، طالبی با ۱۱۵٫۸ درصد، خیار با ۱۰۸٫۰ درصد رشد نسبت به هفته مشابه سال قبل بوده است.

در هفته منتهی به نهم تیر ماه امسال در مقایسه با هفته پیش از آن از ۱۱ گروه اقلامی دسه گروه تخم مرغ، میوه های تازه، گوشت مرغ افزایش قیمت و گروه سبزیهای تازه، گوشت قرمز، قند و شکر، جای کاهش قیمت داشته است. چهار گروه لبنیات، برنج، حبوب و روغن نباتی هم طی این هفته نسبت به هفته قبل هیچ تغییری نداشته اند.

همچنین مقایسه قیمت اقلام در هفته منتهی به نهم تیر ماه امسال با هفته مشابه ماه قبل نشان می دهد که از ۱۱ گروه اقلامی نه گروه لبنیات، تخم مرغ، برنج، حبوب، میوه های تازه، سبزیهای تازه، گوشت مرغ، چای و روغن نباتی افزایش قیمت و دو گروه گوشت قرمز و قند و شکر کاهش قیمت داشته اند. این اعداد حاکی از افزایش قیمت ۸۱ درصد اقلام طی هفته منتهی به نهم تیرماه در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل است. در هفته مورد گزارش در گروه لبنیات بهای کره پاستوریزه اندکی افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود. بهای تخم مرغ افزایش یافت و شانهای ۴۱۰۰۰ الی ۵۴۰۰۰ ریال فروش می رفت. در گروه برنج، قیمت تمام اقلام این گروه ثابت بود. در گروه

حبوب، بهای لوبیا قرمز افزایش جزئی داشت و قیمت سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود. در هفته مورد بررسی، در میداین زیر نظر شهرداری تهران سبب زرد تخم لبنان، انجیر و گوجه سبز عرضه نمی‌شد ولی سایر اقلام میوه و سبزی تازه که تعدادی از آن‌ها از نظر کیفی در سطح پایینی قرار داشتند، به نرخ مصوب سازمان میداین میوه و تره‌بار عرضه می‌گردید.

میوه‌فروشی‌های سطح شهر اقلام مرغوب میوه‌سبزی تازه را عرضه می‌نمودند که در گروه میوه های تازه بهای سبب زرد تخم لبنان، گوجه سبز، هلو، خربزه و هندوانه افزایش ولی قیمت سایر اقلام این گروه به ویژه سبب گلاب، شلیل و شیرنگ و انگور کاهش یافت. در گروه سبزی‌های تازه بهای گوجه فرنگی، بادنجان، لوبیا سبز و سبزی‌های برگی کاهش ولی قیمت سایر اقلام این گروه افزایش داشت.

در این هفته بهای گوشت گوسفند کاهش ولی قیمت گوشت تازه گاو و گوساله و گوشت مرغ افزایش یافت.

در هفته مورد بررسی، بهای قند، شکر و چای خارجی اندکی کاهش داشت و قیمت انواع روغن نباتی ثابت بود.

در هفته مورد گزارش، در گروه لبنیات بهای کره پاستوریزه معادل ۰,۲ درصد افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه بدون تغییر بود.

بهای تخم مرغ معادل ۶,۳ درصد افزایش یافت برنج و حبوب

در هفته مورد بررسی، در گروه برنج قیمت تمام اقلام این گروه ثابت بود. در گروه حبوب بهای لوبیا قرمز معادل ۰,۶ درصد افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه بدون تغییر بود.

در هفته مورد گزارش، در گروه میوه‌های تازه بهای سبب زرد تخم لبنان معادل ۶,۴ درصد، گوجه سبز ۱۸,۱ درصد، هلو ۱۴,۱ درصد، خربزه ۱,۱ درصد و هندوانه ۱۸,۱ درصد افزایش ولی قیمت سایر اقلام این گروه بین ۰,۱ درصد تا ۱۷,۸ درصد کاهش یافت. در گروه سبزی‌های تازه بهای گوجه فرنگی معادل ۱۵,۵ درصد، بادنجان ۱۴,۴ درصد، لوبیا سبز ۷,۷ درصد و سبزی‌های برگی ۷,۹ درصد کاهش ولی قیمت سایر اقلام این گروه بین ۲,۶ درصد تا ۱۱,۷ درصد افزایش داشت. گوشت قرمز و گوشت مرغ

در هفته مورد بررسی، بهای گوشت گوسفند معادل ۴ درصد کاهش ولی قیمت گوشت تازه گاو و گوساله ۰,۹ درصد و گوشت مرغ ۱۲,۶ درصد افزایش یافت.

در هفته مورد گزارش، بهای قند معادل ۴ درصد، شکر ۰,۱ درصد و چای خارجی ۰,۳ درصد کاهش داشت و قیمت انواع روغن نباتی ثابت بود.

بر این اساس بیشترین افزایش در هفته منتهی به ۹ تیر ماه نسبت به هفته قبل از آن مربوط به گوجه سبز و هندوانه با ۱۸,۱ درصد افزایش و بیشترین کاهش مربوط به انگور با ۱۷ درصد کاهش بوده است.

همچنین در بخش مقایسه قیمت اقلام طی هفته ۹ تیر ماه با هفته مشابه سال قبل بیشترین افزایش قیمت مربوط به هلو با ۱۸۲ درصد رشد قیمت بوده است. بیشترین کاهش قیمت در این مقایسه مربوط به تخم مرغ با ۸ درصد کاهش بوده است.

افزایش 15 درصدی شهریه دانشگاه‌های غیردولتی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 11 تیر آمده است: دکتر نادری مدیر کل دفتر آموزش‌های آزاد وزارت علوم در گفت‌وگو با خبرنگار دانشگاهی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با بیان اینکه این افزایش شهریه مربوط به مقاطع کاردانی و کارشناسی و برای دانشجویان ورودی جدید و قدیم اعمال می‌شود، اظهار کرد: همچنین افزایش حدکثر 15 درصدی، هم در شهریه ثابت و هم متغیر دانشجویان در نظر گرفته شده است.

وی با بیان اینکه این افزایش شهریه باید به تصویب هیات امانا دانشگاه‌ها و موسسات غیرانتفاعی و غیردولتی برسد، تصریح کرد: دستور العمل نحوه اجرایی شدن این افزایش شهریه متعاقباً اعلام می‌شود.

تحریم های باصطلاح «هوشمند» به تحریم فراگیر تبدیل شد/ واکنش رژیم بدتر از رژیم صدام حسین

ا. به گزارش سایت بی بی سی در 11 تیر آمده است: تحریم فراگیر در رابطه با عراق چنان مصائبی آفرید که کشورهای اعمال کننده تحریم رسماً ادعا می‌کردند دیگر به تحریم فراگیر دست ن‌نهند زد و در تاریخ آینده تحریم ها «هوشمند» خواهد بود. هر چند همان تحریم به اصطلاح هوشمند بود که در عراق فاجعه آفرید، فاجعه ای که مادر همه فاجع عراق حتی رشد بنیادگرایی و نهایتاً وضعیت کنونی عراق به شمار می‌رود.

حالا حتی بی بی سی هم که معمولاً از موضع رسمی آمریکا و انگلیس و قدرت های بزرگ هم پیمان آنها دفاع میکند خبر داده است تحریم های «هوشمند» به تحریم فراگیر تبدیل شده است. اما مقامات رژیم اسلامی ایران یکی بعد از دیگری اثر تحریم ها را انکار کرده و با بی مسولیتی کامل در مقابل تحریم ها شانه بالا انداخته و حتی از آن «استقبال» میکنند. در این رابطه حتی از صدام حسین هم غیر مسولانه تر و در واقع جنایتکارانه تر عمل میکنند. زیرا سیاست فاجعه آمیزی که از طرف تحریم کنندگان علیه مردم ایران اعمال میشود را پرده پوشی میکنند. درحالیکه صدام حسین با اصرار و لابیگری رسانه ها و سازمان های بین المللی را به عراق می کشانید تا عواقب تحریم را به اطلاع افکار عمومی جهانیان برسانند.

گزارش بی بی سی در مورد تحریم باصطلاح هوشمند به فراگیر را در لینک زیر بخوانید و بشنوید

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/06/120630_I93_sanctions_usa_europe_iran.shtml

ب.

نمونه ای از مشکلات شهروندان ایرانی در پی تحریم

ت.

ث. به گزارش سایت بی بی سی در 11 تیر آمده است: همزمان با شروع تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران که خرید و فروش نفت و شبکه بانکی ایران را هدف گرفته است، این پرسش وجود دارد که تحریم‌های تازه چه مشکلات جدیدی را برای ایران به وجود خواهد آورد.

نوشتن درباره عواقب و نتایج احتمالی این تحریم‌ها آن هم از سوی کسانی که از راه دور اقتصاد و سیاست کشور را رصد می‌کنند، شبیه پزشکی است

که از راه دور بیماری را در داخل ایران معاینه می‌کند و با تطبیق نشانه‌های بیماری، حال و احوال آینده او را ارزیابی می‌کند. برای گریز از چنین روشی و در عین حال نشان دادن عواقب تحریم‌ها که غیر از دولت، شهروندان عادی ایران را نیز در بر گرفته، یاد دوستی افتادم که تعریف می‌کرد سه سال پیش در بریتانیا یک حساب در سایت اینترنتی پی‌پال (paypal) باز کرده تا مثل همه از این شبکه برای انتقال پول استفاده کند.

او مثل میلیون‌ها نفر از این شبکه استفاده می‌کرد و مشکلی وجود نداشت تا آنکه رفت ایران و از آنجا خواست وارد سایت پی‌پال شود. او می‌گوید وقتی وارد سایت شدم، پیغامی بر صفحه کامپیوترم ظاهر شد که شما از منطقه تحریم وارد شده‌اید. این پیغام همان، و بسته شدن حساب پی‌پال همان. بعد از این ماجرا وقتی این فرد به لندن برگشت و حساب کاربری خود را چک کرد، دید که پی‌پال امکان انتقال هر گونه پولی را از این حساب حذف کرده است.

این محدودیت یعنی دیگر بود و نبود حساب معنی نداشت. چون باز کردن حساب در پی‌پال به سادگی داشتن یک ایمیل یا هو یا جی‌میل است که هر کسی می‌تواند به سادگی آن را برای خود درست کند و از آن برای انتقال پول به هر نقطه‌ای از جهان بهره بگیرد و پی‌پال هم کارمزد انتقال پول به هر نقطه از دنیا را دریافت می‌کند.

"پیش از این بانکهای غربی به مشتریان ایرانی خود اطلاع داده بودند که از این پس نه می‌توانند پولی به ایران بفرستند و نه از طریق بانک پولی از ایران به حساب آنها منتقل می‌شود."

دوستم می‌گوید: تلاش کردم تا این محدودیت را از حسابم بردارم. برای آنها نوشتم که چرا چنین محدودیتی گذاشته‌اند؟ ولی جواب این بود که ورود از یک منطقه ممنوع باعث این محدودیت شده است.

او می‌گوید: آنها از من خواستند کپی پاسپورت، فیش آب و برق و تلفن را برایشان بفرستم، که نشان می‌داد من به صورت قانونی در بریتانیا زندگی می‌کنم، مالیات می‌پردازم و از آب و برق و گاز استفاده می‌کنم و پولش را هم می‌پردازم. همین کار را کردم و تصاویر این مدارک را برایشان فرستادم.

اما بعد از ارسال این مدارک، تا چند ماه هیچ خبری نمی‌شود جز پیغام‌هایی که هر از چند گاه برای همه کاربران پی‌پال فرستاده می‌شود.

او می‌گوید که چون مشکل حل نشده بود، دو ماه پیش برایشان نامه‌ای نوشتم که چرا همچنان حسابم غیرفعال است و نمی‌توانم از آن استفاده کنم؟ بعد از مدتی، آنها پیغامی فرستادند که با دفترشان تماس بگیرم.

دوستم می‌گوید: یک ماه پیش سرانجام به آنها زنگ زدم و گفتم که می‌خواهم محدودیت استفاده از پی‌پال را از حسابم بردارند. خانمی که با من صحبت می‌کرد، پرسید که چه اتفاقی افتاده و من هم ماجرا را گفتم. اما او گفت که به خاطر تحریم، با ایران هیچگونه معامله‌ای ندارند و تاکید کرد که نباید از ایران وارد سایت پی‌پال شوم.

او چند بار تاکید کرد که اگر این اتفاق دوباره تکرار شود، دوباره حسابم بسته می‌شود.

مشکل انتقال پول فروش نفت وقتی داشتن یک حساب پی‌پال که کار ساده‌ای است، به دلیل تحریم‌ها، با چنین مشکلاتی روبه‌رو می‌شود، می‌توان حدس زد که انتقال پول‌های کلان برای شرکت‌های بزرگ بخصوص برای دولت و بانک مرکزی ایران چه دردهای بزرگی دارد.

سال گذشته درآمدهای نفتی ایران به حدود ۱۲۰ میلیارد دلار رسید که در تاریخ صنعت نفت ایران بی‌نظیر است، اما وقتی انتقال ۵۰، ۱۰۰ یا حتی مثلا ۱۰ هزار دلار از طریق پی‌پال آن هم نه حسابی در ایران که حسابی در بریتانیا، با چنین مشکلاتی روبه‌رو می‌شود، می‌توان مشکل بزرگ ایران در انتقال پول را بیشتر درک کرد.

از ایران وارد حسابم در پی‌پال شدم و روز صفحه این پیغام ظاهر شد که شما از منطقه تحریم وارد شده‌اید.

داستان پر آب چشم انتقال پول نفت ایران از هند، کره جنوبی، ژاپن به داخل کشور بارها در یک سال گذشته تکرار شده است و تنها راه‌حلی که دولت ایران و مشتریان نفتی‌اش برای این مشکل پیدا کرده‌اند، فعلا این است که به جای پول نقد، به ایرانی‌ها کالا بفروشند.

معاملات پایاپای مدتهاست که بخشی از تجارت ایران شده است، ولی حال با تحریم‌های اتحادیه اروپا که صنعت نفت و مبادلات بانکی را هدف گرفته، مشکل ایران دو چندان شده است.

با توقف خدمات سوئیفت (اتحادیه جهانی انتقال بین بانکی) شبکه الکترونیکی انتقال پول بین بانک‌های تحریم‌شده ایران و جهان قطع شده است و این، علاوه بر آنکه دولت ایران را با مشکل مواجه می‌کند، ایرانیان ساکن خارج از کشور را نیز که یا به ایران پول می‌فرستند یا برایشان از ایران پول فرستاده می‌شود، به دردمس می‌اندازد.

مشکل انتقال پول برای ایرانیان از چند سال پیش بخصوص از شروع اولین دور تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران شروع شده بود و بانک‌های غربی به مشتریان ایرانی خود اطلاع داده بودند که از این پس، نه می‌توانند پولی به ایران بفرستند و نه از طریق بانک پولی از ایران به حساب آنها منتقل می‌شود.

اکنون، مشکل انتقال پول نه فقط دولت و شهروندان ایرانی داخل کشور که حتی شهروندان ایرانی ساکن خارج را نیز با مشکلاتی مواجه کرده است. چنانچه یک دوست دیگر ایرانی تعریف می‌کرد، چند ماه پیش وقتی به ایران رفته بود، ناچار شد حساب بانکی الکترونیکی‌اش در یک بانک بریتانیایی را چک کند.

او می‌گوید: وقتی وارد حسابم شدم، پیغامی ظاهر شد که از منطقه تحریم وارد حساب شده‌ای و همان موقع حسابم بسته می‌شود.

او اضافه می‌کند: این مشکل تا زمانی که به لندن برگشتم، ادامه داشت و مشکل وقتی برطرف شد که به بانک مراجعه کردم و بعد از گفتگوی طولانی و نشان دادن اسناد و مدارک اقامت در لندن، بالاخره بانک قانع شد که خلاقی صورت نگرفته و حسابم دوباره فعال شد

اطلاعیه درباره گشایش ویلاگ «دراپا»

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

به نوشته سایت کمیته هماهنگی در 11 تیر آمده است: چنان که پیشتر به اطلاع رسانده ایم، سایت «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» در اواخر خرداد 1391 مورد حمله هکرها قرار گرفت و از دسترس مراجع‌کنندگان خارج شد. به گفته شرکت داخلی اجاره دهنده سایت، فعال شدن

مجدد سایت مستلزم برخی اقدامات فنی و سپس تأیید این اقدامات از سوی مرکز اطلاعات (datacenter) سایت بود. شرکت داخلی مدعی بود که انجام امور فنی لازم را به مرکز اطلاعات خبر داده و منتظر پاسخ این مرکز است. با این همه، طولانی شدن انتظار برای دریافت این پاسخ ادعایی و در نتیجه فعال نشدن سایت پس از این زمان دراز نشان داد که، به رغم ادعای شرکت داخلی، مسئله از کار افتادن سایت «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» مشکلی صرفاً فنی نیست و انتظار بیش از این برای فعال شدن این سایت بیفایده است. از همین رو، ما به گشایش وبلاگ درابا به عنوان نشریه کمیته اقدام کردیم. توضیح درباره درابا را در وبلاگ بخوانید که نشانی آن چنین است :

derabaa.wordpress.com

نشانی تماس با این وبلاگ، همان نشانی قبلی کمیته است :

khbitkzs@gmail.com

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

11/4/1391

درباره «درابا»

وبلاگ درابا با نشانی زیر به عنوان رسانه «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» فعالیت خواهد کرد. درابا (derabaa) نام برده سیاه پوستی بود که حافظان نظام برده سالار روم او و اسپارتاکوس را به جان هم انداختند که خون یکدیگر را بریزند تا آنان لذت ببرند و تفریح کنند. درابا با آن که اسپارتاکوس را شکست داد و به خاک افکند اما او را نکشت و در عوض نیزه اش را به سوی جایگاه نمایندگان امپراتوری روم پرتاب کرد و خود نیز به سوی آنان هجوم برد. اما پیش از آن که دست اش به آن ها برسد به دست نگهبانان کشته شد. جسد درابا را برای مرعوب ساختن بردگان تا مدت ها آویزان نگه داشتند. بدین سان، اسپارتاکوس جان و طبعاً رهبری خود بر جنبش بردگان را مدیون حرکت درابا شد. با آن که در جامعه مدرن سرمایه داری مفهوم رهبری به سوی نمایندگی منتخب سیر کرده است، اما حتی نمایندگی منتخب نیز حاوی این مفهوم است که توده های کارگر تصمیم گیری در مورد سرنوشت خود در زمینه های مختلف را به شماری بس محدود از نخبگان می سپارند و به هر دلیل خود را فاقد توانایی های لازم برای این امر می دانند. به این معنا، درابا را می توان نماد جنبش نیرومند توده های گمنام کارگری دانست که موجودیت نمایندگان و رهبران سرشناس این جنبش مدیون مبارزه آنان است و تنها راه رهایی شان از چنگ سرمایه نه دنباله روی از این نمایندگان و رهبران بلکه تکیه به نیروی خودآگاه، سازمان یافته و شورایی خویش است. بی تردید، تا زمانی که بیگانگی توده های کارگر از میان نرفته است و آنان به انسان های آزاد بدل نشده اند، وجود نمایندگی – اگر نگوئیم رهبری – در درون طبقه کارگر امری اجتناب ناپذیر است. اما توده های کارگر می توانند و باید از طریق ساز و کار شوراها بر همین نمایندگی اجتناب ناپذیر نظارت کنند. در غیر این صورت، نمایندگان و رهبران به راحتی می توانند مبارزه ضدسرمایه داری توده های کارگر را به مجراهای سرمایه دارانه بکشانند. وبلاگ درابا با این نگاه و رویکرد جنبشی و شورایی و با هدف پرورش اتکا به خود و خودباوری هرچه بیشتر در میان توده های کارگر منتشر می شود.

derabaa.wordpress.com

khbitkzs@gmail.com

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۳۹۱/۴/۱۱

غول اخراج بر بالای سر 350 کارگر فولاد زاگرس

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 11 تیر آمده است : شرکت مهندسی "خان گل" پیمانکار کارخانه فولاد زاگرس به 350 کارگر تحت پوشش خود اعلام کرده است با پایان قرارداد یکماهه این کارگران قرارداد خود را با آنان تمدید نخواهد کرد. بحران در کارخانه فولاد زاگرس از اوایل سالجاری با سپردن 70 کارگر قرارداد مستقیم این کارخانه به شرکت پیمانکاری خان گل و احتمال اخراج کارگران شروع شد. بدنبال این وضعیت دهها کارگر این کارخانه در مقابل فرمانداری قروه دست به تجمع اعتراضی زدند که نهایتاً با برگزاری جلسه ای با شرکت نماینده های کارگران ، اداره کار و نماینده کارفرما کارگران معترض مجبور به انعقاد قرارداد یکماهه با شرکت پیمانکاری خان گل شدند. اما ده کارگر دیگر این کارخانه زیر بار توافق صورت گرفته در فرمانداری نرفتند و در ادامه اعتراضات خود شکایتی را به اداره کار تسلیم کردند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، این ده کارگر دیروز دهم تیر ماه با رای هیئت حل اختلاف اداره کار مبنی بر ادامه کار با قرارداد مستقیم بر سر کارهای خود بازگشتند.

کارخانه فولاد زاگرس 350 کارگر دارد که به استثنای تعداد انگشت شماری از آنان، همگی تحت پوشش شرکت پیمانکاری خان گل در این کارخانه مشغول بکار هستند.

کارگران کارخانه فولاد زاگرس طی سالهای گذشته با قراردادهای موقت سه ماهه مشغول بکار بودند اما از اول سالجاری این کارگران مجبور به ادامه کار با قرارداد یکماهه شدند.

کارگران کارخانه فولاد زاگرس همگی حدود ده سال سابقه کار دارند و اخیراً شرکت پیمانکاری خان گل به این کارگران اعلام کرده است در پایان تیر ماه کار را تعطیل و قراردادی با کارگران برای ادامه کار نخواهد بست.

معاون رئیس جمهور تمام معضلات ما کارگران را پاسخ دادند!!

سالهاست که بیکاری امان از زندگی ما کارگران ربوده و هر روز سایه شومش را بیشتر و گسترده تر روی زندگیمان پهن میکند. روزی نیست که خبر تعطیلی کارخانه ایی را در اخبار نداشته باشیم. روزی نیست که خیر اخراج، تعدیل و بیکاری کارگران را نشنویم و در آخر روزی نیست که خبری از قراردادهای سفید امضا و حقوقهای معوقه نباشد.

در این اوضاع بی سامان، روز ششم تیر ماه 91 در سایت ایلنا با تیتیر درشت دیدیم که آقای رحیمی معاون اول رئیس جمهوری فرموده اند: بدون میهمانان افغانی، آمار بیکاری کشور به صفر می رسد! در ادامه این خبر از قول معاون اول رئیس جمهور آمده است: "قدرت های بزرگ سه میلیون میهمان افغانی را بر ما تحمیل کرده اند، اگر این تعداد افغانی نباشند آمار بیکاری کشور به صفر می رسد"

من به عنوان یک کارگر سوالم از آقای رحیمی این است که آیا دو سال پیش که در خبرها اعلام شد حدود پنجاه هزار کارگر در عسلویه بیکار شدند و هر روزه خبر بیکاری کارگران پیمانی پتروشیمی ها و پروژه های پارس جنوبی و عسلویه را میشنویم تقصیر کارگران افغان است و کارگران افغان جایگزین کارگران ایرانی در عسلویه شده اند؟

آیا دهها و صدها کارخانه ایی که در سراسر کشور تعطیل شده اند و یا کاهش نیرو داده اند و ظرفیت تولیدشان را کاهش داده اند و کارگران خود را اخراج و بلا تکلیف گذاشته اند، تقصیر این مهمانان افغان است و این کارگران در این کارخانجات مشغول کار میباشند؟

آیا آمار بالای بیکاری در قشر تحصیل کرده و متخصص با رده های بالای مدارک دانشگاهی که هر روزه در خبررسانی ها وجود دارد و من کارگر به عینه آن را در خانواده ی خود لمس میکنم و بیکاری فرزندان تحصیل کرده مان را شاهدیم، تقصیر کارگر افغان است و اینان پست های کلیدی و تخصصی شرکت ها را اشغال کرده اند؟

اگر چند میلیون ایرانی مهاجری که در کشورهای دیگر به سر میبرند در کشور خودمان می ماندند آیا باید برای آنان کار ایجاد می کردند و یا این آمار هم باید به میزان بیکاری مان اضافه می شد؟

آیا کارگران افغان به جز در کارهای سخت ساختمانی و کوره پزخانه ها بدون داشتن کوچکترین حمایت قانونی با کمترین مزد و بیشترین ساعات کار در جای دیگری همچون صنایع نساجی و ماشین سازی و نفت و پتروشیمی و صنایع فولاد و دیگر مراکز تولیدی و آموزش و پرورش و... مشغول به کار هستند؟

پس چگونه است که شما سخن از به صفر رساندن آمار بیکاری در صورت برگشتن این مهمانان به میان میاورید؟ آیا در صورت برگشتن این مهمانان افغان کارگران شهاب خودرو بر سر کارشان برمیگردند؟ آیا بلا تکلیفی کارگران مخابرات راه دور شیراز با 26 ماه حقوق معوقه حل خواهد شد؟ آیا کارگران صنایع فلزی ایران که زمانی 1200 کارگر داشت و اکنون به یک سوم آن موقع رسیده و ماههاست حقوق دریافت نکرده اند و آینده شغلیشان مشخص نیست حل خواهد شد؟ آیا کارگرانی که از ترس بیکاری و خانه خرابی با شنیدن خبر اخراجشان و بسته شدن کارخانه شان دست به خودکشی میزنند، امیدوار به زندگی میشوند؟ آیا جمعات هر روزه کارگران کارخانجات و مراکز تولیدی در جلوی ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی پایان میابد؟ و هزاران آیای بی جواب دیگر....!

منبع: سایت اتحادیه آزادیکارگران ایران- پروین محمدی

پیرامون بیانیه مشترک در اعلام همبستگی با کارزار بین المللی برای آزادی کارگران زندانی

اخیرا اطلاعاتی مشترکی در حمایت از کارزار بین المللی برای آزادی کارگران و فعالین کارگری زندانی از سوی کمیته هماهنگی، جمعی از کارگران خباز سنج و حومه، جمعیت زنان آزادیخواه و برابری طلب، انجمن صنفی و... در برخی سایتها منتشر شده است که در این لیست نام اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز به عنوان یکی از امضا کنندگان بیانیه قید شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام میدارد هیچ نقشی در تنظیم این بیانیه نداشته است. تنظیم کنندگان این بیانیه علیرغم خواست اتحادیه از طریق مجاری رسمی اش مبنی بر عدم تمایل اتحادیه به قید نامش در پای بیانیه، باز هم اقدام به انتشار نام ما در پای بیانیه کرده اند. ما اطلاعی از قصد و نیت این دوستان در توسل به چنین شیوه هایی در کارهای مشترک نداریم. لذا با تقبیح این حرکت از سوی تنظیم کنندگان بیانیه، بر دقت بیشتر از سوی نهادهای مرتبط با جنبش کارگری در هماهنگی های لازم از طریق مراجع رسمی و منتخب تشکلهای برای کارهای مشترک تاکید میکنیم. ما همانگونه که در بیانیه خود پس از دستگیری اعضا کمیته هماهنگی اعلام کردیم برگزار نشد و مجمع عمومی از سوی کارگران و فعالین کارگری را حق مسلم آنان میدانیم و بار دیگر با محکوم کردن دستگیری اعضا این کمیته، همبستگی خود را با کارزار بین المللی برای آزادی کارگران زندانی اعلام میداریم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران و عموم انسانهای شریف و آزادیخواهی هستیم که در زندانهای سراسر کشور به بند کشیده شده اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 11 تیر ماه 1391

آزادی مسعود سلیمپور و سیروس فتحی از فعالین کارگری دستگیر شده در شهر کرج

بر اساس گزارش رسیده، به روز شمار کارگری در 11 تیر آمده است: مسعود سلیمپور و سیروس فتحی دوتن از فعالین کارگری دستگیر شده آزاد شدند. مسعود سلیمپور روز شنبه 10 تیر و سیروس فتحی روز یکشنبه 11 تیر ماه آزاد شدند.

لازم به ذکر است که روز جمعه 26 خرداد، مسعود سلیمپور و سیروس فتحی که در جریان برگزاری مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شهر کرج دستگیر و زندانی شده بودند پس گذراندن دوهفته بازداشت در زندان لاکان رشت، آزاد شدند. این در حالی است که هنوز میترا همایونی، سعید مرزبان، مازیار مهرپور، فرامرز فطرت نژاد در زندان لاکان رشت به سر میبرند و علیرضا عسگری، ریحانه انصاری و جلیل محمدی کماکان در زندان کرج هستند و از وضعیت آنها خبری در دست نیست.

ما ضمن تبریک آزادی این دو فعال کارگری، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط دیگر دستگیر شدگان و کلیه کارگران زندانی هستیم.

آزادی مسعود سلیمپور و سیروس فتحی از فعالین کارگری دستگیر شده در شهر کرج

بر اساس گزارش رسیده، مسعود سلیمپور و سیروس فتحی دوتن از فعالین کارگری دستگیر شده آزاد شدند. مسعود سلیمپور روز شنبه 10 تیر و سیروس فتحی روز یکشنبه 11 تیر ماه آزاد شدند.

لازم به ذکر است که روز جمعه 26 خرداد، مسعود سلیمپور و سیروس فتحی که در جریان برگزاری مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شهر کرج دستگیر و زندانی شده بودند پس گذراندن دوهفته بازداشت در زندان لاکان رشت، آزاد شدند.

این در حالی است که هنوز میترا همایونی، سعید مرزبان، مازیار مهرپور، فرامرز فطرت‌نژاد در زندان لاکان رشت به سر می‌برند و علیرضا عسگری، ریحانه انصاری و جلیل محمدی کماکان در زندان کرج هستند و از وضعیت آنها خبری در دست نیست. ما ضمن تیریک آزادی این دو فعال کارگری، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط دیگر دستگیر شدگان و کلیه کارگران زندانی هستیم.

۱۱ تیر ۱۳۹۱

افزایش 50 درصدی نرخ تورم مسکن در سبد هزینه خانوار کارگری

ج.

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در 11 آذرماه است: يك کارشناس مسائل کارگری اعلام کرد: نرخ تورم مسکن در

ح.

سبد هزینه خانوار کارگری بیش از 50 درصد افزایش یافته است.

علیرضا حیدری افزایش افسار گسیخته نرخ تورم را طی چهار ماهه نخست سال جاری موجب افزایش 60 درصدی هزینه اقلام مصرفی خانوارهای کارگری اعلام کرد و به ایلنا گفت: تمامی دستمزد کارگران باید صرف هزینه اجاره بهای مسکن در کلان شهرها شود.

عضو کمیته مزد خانه کارگر با بیان اینکه در چنین شرایطی کارگران قادر به تامین معیشت خود نیستند، ادامه داد: نرخ خط فقر نسبی خانوارهای کارگری امسال به یک میلیون تومان افزایش یافته است.

لازم به یادآوری است که خط گرسنگی در بهمن‌ماه سال 1390 مبلغ دو میلیون و 733 هزار و 706 ریال به دست آمد که سرانه روزانه آن 22 هزار و 788 ریال خواهد شد که اگر آن را به قیمت دلار 14 هزار ریال تبدیل کنیم 1.63 دلار و اگر آن را به دلار 19 هزار ریال میانگین بازار آزاد حساب کنیم سرانه 1.2 دلار به دست می‌آید. و این در حالی است که این ارقام با استانداردهای جهانی که خط فقر را درآمد زیر دو دلار در روز تعریف می‌کند، همخوانی دارد.

حیدری در بخش دیگری از این گفتگو با اشاره به شرایط رکود اقتصاد کشور تصریح کرد: به دلیل وضعیت واحدهای بحرانی نرخ تورم در کشور به شکل بی‌رویه‌ای افزایش یافته است.

این فعال کارگری خواستار اعمال سیاست‌های حمایتی دولت از کارگران شد و گفت: در صورتی که دولت از افزایش تورم افسار گسیخته جلوگیری نکند باید منتظر واکنش‌هایی از سوی کارگران و طبقه متوسط جامعه باشد.

نامه چهار تن از فعالان کارگری و مدافعان حقوق بشر از اوین مسنولان درد کارگران و گرسنگان را نمی‌فهمند!

چهار نفر از چهره‌های برجسته‌ی مدافع حقوق کارگر و بشر در ایران، در نامه‌ای از زندان اولین به سیاست‌های حکومت که کارگران را گرسنه و فعالین کارگری را دستگیر و زندانی می‌کند اعتراض کرده و از مبارزات کارگران برای احقاق خود حمایت کرده‌اند. به گزارش کلمه متن نامه‌ی مشترک بهنام ابراهیم زاده، عضو کمیته هماهنگی و عضو شورای نمایندگان در کمیته پیگیری تشکل‌های آزاد کارگری، رضا شهبابی عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، فریبرز رئیس دانا عضو کانون مدافعان حقوق کارگر و محمد صدیق کیبوند فعال حقوق بشر - که در اعتصاب غذا به سر می‌برد - به شرح زیر است:

افزایش یکباره قیمت‌ها سبب کاهش قدرت خرید شده است که مشمول قانون حداقل دستمزد برابر با 389 هزار تومان می‌شود. این مبلغ حداکثر برای تامین مخارج فقط چند روز یک خانواده کافی است. سفره تهی کارگران در سال جدید در کنار افزایش گرانی و تورم، اخراج بی‌رویه کارگران و تعطیلی بی‌در پی بنگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک و بزرگ اثرات جبران‌ناپذیر و فشارهای روحی و روانی فراوانی برای کارگران و خانواده‌هایشان پدید آورده است.

شعارهای دولت برای رفع مشکلات کارگران با عملکرد دولت مطابقت ندارد. در سال جاری شورای دولتی عالی کار در بهترین حالت افزایش 18 درصد دستمزد سال 1391 را برای کارگران تصویب کرده است. سال جاری با گرانی کالاهای اساسی همراه شد به طور مثال افزایش بهای مواد غذایی از جمله روغن نباتی، مواد لبنی، برنج و گوشت همراه با شوک ناشی از گرانی نان و انواع میوه‌ها و سبزیجات. دیگر هیچ کالایی نیست که در سبدکالاهای اساسی مردم باشد و افزایش قیمت 20 تا 50 درصدی را تجربه نکرده باشد. تغییر و جابجایی مدیران و مسنولان، تنظیم بازار کشور قادر به کنترل افزایش افسار گسیخته قیمت‌ها نیست. گرانی افسار گسیخته و تورم غیر قابل انکار، کارگران و بازنشستگان و مزد بگیران را به ستوه آورده است. دیگر رمقی برای کارگران و قشر فرودست جامعه نمانده است.

کارگران پیش نویس اصلاح قانون کار را به کلی ضد کارگری و قانون موسوم به هدفمندی یارانه‌ها را ناکارآمد و ویرانگر زندگی بخش اعظم مردم می‌دانند. مسنولان و دست‌اندرکاران اجرایی در شورای دولتی عالی کار و مجلس شورای اسلامی تا کی می‌توانند شاهد این وضعیت ناگوار و فقر و فلاکت و گرانی باشند و تنها به وعده و وعید دادن ادامه دهند؟

این افزایش قیمت‌ها و تورم سبب پدید آمدن مشکلات بسیاری برای کارگرانی شده است که اجاره نشین و فاقد خانه و مسکن هستند. آنها باید افزون بر تهیه هزینه اجاره مسکن هزینه‌های خوراک و پوشاک و درس و مدرسه و دانشگاه فرزندان‌شان را تامین کنند.

این روزها بیکاری و نبود درآمد کافی و گرانی نان به خوبی لمس می‌شود که مهم‌تر از همه گرانی نان است یعنی اصلی‌ترین قلم سبد غذایی کارگران و کشاورزان و مردم فرودست، با این وضعیت دولت به چه جسارتی می‌تواند قیمت نان را افزایش دهد؟

مسئولانی که با افتخار از افزایش قیمت نان سخن می‌گویند از درد کارگران و گرسنگان درک درستی ندارند. روشن است که هیچ‌گونه تلاشی برای مهار گرانی صورت نمی‌گیرد بنابراین باید گفت مسنولان درد گرسنگان و کارگران را نفهمیده‌اند. این امر سفره میلیون‌ها کارگر و مزد بگیر را تهدید می‌کند.

کارگران انتظار دارند مسنولان چاره‌ای اساسی برای این وضعیت اسفناک بیابند و راه حلی در مورد گرانی و افزایش دستمزد در دستور کار خود قرار دهند و قانون بیمه بیکاری را برای متقاضیان کار و شاغلان اجرا کنند تا فقیرانی که می‌خواهند کار کنند ولی شغلی پیدا نمی‌کنند از این بیمه بهره‌مند شوند.

ما فعالان کارگری و حقوق بشری دربند به سازمان تامین اجتماعی هشدار می‌دهیم که عدم اجرای استمرار بازنشستگی به 25 سال خانه کارگران، خلاف قانون است. ما همچنین خواستار همسان سازی حقوق بازنشستگان و یکسان سازی عیدی و پاداش کارگران و فراهم آوری

زمینه اشتغال تمامی جوانان و دانش آموختگان آماده کار هستیم. باید هرچه زودتر اجرای برنامه تبدیل وضعیت کارگران پیمانی به قرار دادی و دائمی صورت پذیرد. افزون بر این ها دستمزد کارگران و حقوق بگیران برابر با سقف تورم واقعی و گرانی ها تنظیم گردد و کارگران حق ایجاد تشکل ها و سندیکاهای مستقل خود را داشته باشند. دولت باید وضعیت وخامت بار زندگی کارگران و مزدبگیران و افراد فرو دست جامعه را دریابد و در اسرع وقت تمهیدات لازم را به عمل آورد. در پایان ما حمایت خود را از اعتراض ۱۰ هزار نفری کارگران ایران اعلام می داریم و دستگیری های فعالان کارگری را محکوم می کنیم. امضاها:

- بهنام ابراهیم زاده، عضو کمیته هماهنگی و عضو شورای نمایندگان در کمیته پیگیری تشکل های آزاد کارگری
- رضا شهبابی عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- فریبرز رئیس دانا عضو کانون مدافعان حقوق کارگر
- محمد صدیق کبودوند فعال حقوق بشر

تیر ۱۳۹۱

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: تنگه هرمز با تحریم کامل ایران بسته می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در ۱۲ تیر آمده است: "ارسلان فتحی پور" شامگاه یکشنبه در مصاحبه با شبکه العالم، در پاسخ به این سؤال که با توجه به کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و همچنین کاهش واردات نفت ایران از سوی برخی کشورهای غربی و مشکل احتمالی ایران در زمینه به دست آورد ارز، گفت: کاهش قیمت نفت مقطعی است... امنیت تنگه هرمز در دست ما قرار دارد و اگر قرار باشد کاملا در تحریم ها قرار بگیریم، ما هم اجازه عبور یک قطره نفت را از تنگه هرمز نخواهیم داد. وی افزود: در آن موقع خواهیم دید که قیمت نفت افزایش پیدا خواهد کرد به صورتی که تحریم کنندگان حتی نخواهند توانست پاسخ مردم خودشان را بدهند.

فتحی پور در خصوص آغاز تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران، گفت: بحث تحریم نفتی علیه ایران از اول ژوئیه از سوی اروپا شروع شد، و آمریکا و رژیم صهیونیستی در پس پرده این موضوع کاملا سیاسی قرار داشتند. وی ادامه داد: از همین آغاز، تحریم کنندگان در حال عقب نشینی هستند، به صورتیکه در نخستین مرحله آنها بسیاری از کشورها مانند چین و سنگاپور و چند کشور اروپایی را معاف کردند.

فتحی پور با بیان اینکه ایران مبادلات نفتی قابل توجهی با اروپا نداشت، تأکید کرد: ما فقط با چند کشور اروپایی مبادلات نفتی داشتیم که آنها در همین معافیتها قرار دارند، و خودشان اعلام کرده اند که ادامه می دهند.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با تأکید بر اینکه خود کشورهای تحریم کننده از تحریم ها علیه ایران ضرر می کنند، خاطر نشان کرد: ما مشتری های بسیاری برای جایگزینی کشورهای اروپایی داریم و این تحریم ها در اقتصاد ما هیچگونه تأثیری نخواهد داشت.. این حربه ها گذرا و برای وقت گذراندن و ایجاد فضای رعب و وحشت است.

فتحی پور تأکید کرد: با توجه به افزایش قیمت نفت و فرآورده های نفتی، این تحریم ها فشار سنگینی را به مردم کشورهای تحریم کننده و غرب وارد می کند.

وی ادامه داد: این تحریم ها چند صباحی بیشتر دوام نمی آورد، و از همین اکنون نشانه های پشیمانی آنها مانند اعطای معافیتها، در حال نمایان شدن است.

فتحی پور اظهار داشت: ما بیش از ۳۳ سال در تحریم قرار داریم و با شرایطی بدتر از اینها مواجه شدیم، ولی اتفاقی نیفتاد. وی تأکید کرد: ما اکنون توانایی تولید قطعات، فن آوری ها و کالاهای اساسی را داریم، و هر روزی که اتفاقی بیفتد ما مصمم تر و جدی تر می شویم.. به صورتیکه این تحریم ها به نفع اقتصاد کشور ما شده است.

فتحی پور با بیان اینکه منابع ارزی در کشور به اندازه کافی وجود دارد، خاطر نشان کرد: بحث های ارزی ما فقط بر اساس نفت نیست؛ ما مبادلات تجاری، و همچنین راه و روشهای به خصوصی را برای دور زدن تحریم ها در اختیار داریم. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس اظهار داشت: همه پیش بینی های لازم از چند سال قبل برای اینگونه تحریم ها انجام شده، و قطعاً غربی ها نتیجه ای از این تحریم ها به دست نمی آورند.

فتحی پور با بیان اینکه ایران مشتریان بسیاری از کشورهای دیگر برای نفت دارد، تأکید کرد: نفت ما هیچگاه بدون مشتری نمی ماند، ما بیشتر از آنچه که اروپا از ما می خرید مشتری داریم، ولی نیازی نمی بینیم که اکنون به نام آن کشورها اشاره کنیم. فتحی پور تأکید کرد: ایران امروزه به کشوری قدرتمند در دنیا تبدیل شده و با بسیاری از کشورها روابط خوبی دارد.. ما هرگز تسلیم دشمن نخواهیم شد و از حقوق مسلم خود دست نخواهیم کشید.

فتحی پور با بیان اینکه اروپا دیگر عامل فشار جدیدی برای تهدید ایران در اختیار ندارد گفت: همه این تحریم های جدید همان چیزی است که قبلاً نیز انجام داده اند.. زمانی تهدید کردند که بنزین را تحریم می کنند ولی ما قبل از این تحریم ها خودمان دست به تولید بنزین زدیم. وی ادامه داد: غرب بانک مرکزی، واردات داروهای مورد نیاز، و کالاهای اساسی را تحریم کرده و مستقیماً وارد جنگ علیه جمهوری اسلامی شده، ولی زور نهایی کشورهای غربی همین است، و تأکید می کنم که آنها در این مورد هم شکست می خورند و رسوا خواهند شد. فتحی پور تأکید کرد: ملت ایران در برابر زورگویان محکم تر و مصمم تر می ایستد و جواب آنها را خواهد داد.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به پیشرفت بورس در روزهای اخیر، گفت: بهترین و مناسب ترین محل برای سرمایه گذاری جمهوری اسلامی ایران است... کشورهای غربی اکنون با بحرانهای مالی مواجه هستند، درحالیکه در ایران این بحران و رکود تأثیر چندانی نداشته است. فتحی پور با اشاره به وجود معادن متنوع طبیعی و منابع انسانی و ثروت گسترده در ایران خاطر نشان کرد: ما در کشور رکود اقتصادی مشاهده نمی کنیم، و برای برون رفت از این تحریم ها تدابیر خاصی را تدارک دیده ایم، و کمیسیون اقتصادی هم برنامه ای کامل را با نظر کارشناسان اقتصادی برای دور زدن تحریم ها و کاهش قیمت ها و مبارزه با بازار سیاه ارز و سکه آماده کرده، که ظرف روزهای آینده تحویل رییس مجلس خواهد شد.

خط فقر ۹۴۶ هزار تومان، حداقل حقوق کارگران ۳۰۳ هزار تومان

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 12 تیر آمده است: جمشید پژویان، رییس شورای رقابت در گفت و گوی با ایسنا در مورد شاخصه خط فقر گفت: در سال ۸۹ خانوارهای شهری با درآمد ماهانه کمتر از ۹۴۶ هزار تومان و خانوارهای روستایی با درآمد ماهانه کمتر از ۵۸۰ هزار تومان زیر خط فقر به حساب می‌آیند. پژویان در مورد خط فقر در سال ۹۰ اعلام داشت: هنوز محاسبات انجام نشده است!

این در حالی است که شورای عالی کار در اواخر اسفند ۱۳۸۸ حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۱۳۹۰ مبلغ ۳۰۳ هزار و ۴۸ تومان در ماه تصویب کرده بود. این بدین معناست که مجموع حداقل حقوق ماهانه سه کارگر از خط فقر یک خانوار هم کمتر بود. شورای عالی کار تنها با ۸۳ هزار تومان افزایش برای سال ۱۳۹۱ حداقل دستمزد کارگران را ۳۸۹ هزار و ۷۵۴ تعیین و تصویب کرد.

در اواخر اسفند گذشته کمیته مزد خانه کارگر، حداقل هزینه یک خانوار چهار نفره برای زندگی در سال ۱۳۸۹، را ۶۸۳ هزار تومان اعلام کرده بود. البته به دلیل اینکه هزینه زندگی در کلان شهرها ۲۰ درصد بیش از سایر نقاط است، حداقل هزینه زندگی در کلان شهرها برای یک خانواده ماهانه ۸۲۰ هزار تومان تعیین شد.

روزنامه دنیای اقتصاد نیز در شماره امروز خود ضمن اعلام این خبر اذعان داشت: این اولین باری است که در دولت‌های نهم و دهم یک مقام دولتی درباره خط فقر به اظهار نظر پرداخته و در این باره آمار و ارقام نیز ارائه کرده است. از زمان روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد، همواره مقامات مسوول از اعلام نظر درباره میزان خط فقر طفره رفته و حتی آن را امری «بی فایده و سرکاری» عنوان کرده‌اند.

این روزنامه به برخی از اظهارات مسولین دولت دهم و تلاش آنها برای عدم معرفی خط فقر اشاره می‌کند: آخرین بار عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت دهم در سال ۸۹ در پاسخ به این پرسش که فاصله خط فقر با حداقل دستمزد کارگران چقدر است، گفت: «نمی‌دانم خط فقر چقدر است، اگر میزان خط فقر را از حداقل دستمزد کم کنیم، فاصله آن به دست خواهد آمد.»

دنیای اقتصاد در ادامه به دلایل عدم اعلام رسمی خط فقر توسط دولت اشاره می‌کند و می‌نویسد: طی سالیان اخیر دولت همواره بر کاهش نابرابری، توزیع درآمد و رفاه تاکید داشته و حتی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را در راستای همین سیاست دانسته است. با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مقامات دولتی اذعان کرده‌اند که با دریافت یارانه نقدی دیگر کسی در ایران زیر خط فقر قرار نخواهد داشت.

با این همه یکی از نکاتی که همواره باعث شده فقر در کشور بیشتر توزیع شود، تشدید فاصله درآمد و هزینه به دلیل تورم است. براساس قانون دولت موظف است به میزان تورم سالانه حقوق کارکنان را افزایش دهد، اما طی سال‌های اخیر هیچ گاه این اتفاق روی نداده و همواره حقوق کارکنان دولتی و غیردولتی کمتر از نرخ تورم رشد کرده است. این مساله شکاف درآمد - هزینه را در میان اقشار حقوق بگیر و کمدرآمد جامعه افزایش داده است. شاید به همین دلیل هم میزان دقیق خط فقر به دلیل ایجاد حساسیت و نگرانی در جامعه اعلام نمی‌شود.

با چشم پوشی بر همه این نابرابری ها رییس شورای رقابت ضمن دفاع از طرح هدفمندی یارانه ها مشاهدات و مطالعات در سالگرد هدفمندی یارانه‌ها نشان داد که مقدار یارانه نقدی فاز اول توانسته اثر مثبتی در توزیع درآمد و افزایش رفاه فقرا داشته باشد. بنابراین اگر همان میزان یارانه فاز اول هدفمندی یارانه‌ها به طور متوسط ۲۰ درصد افزایش یابد کافی خواهد بود.

اما فعالان عرصه تولید و کارگری با مسائلی دست و پنجه نرم می‌کنند که ملموس تر از آمار و ارقام بر روی کاغذهای زیر دست مسولین دولت دهم است. آنچه که این فعالان با پوست و خون لمس می‌کنند بحرانی عظیمی در چرخه تولید و اقتصاد کشور است که روز به روز افزون تر می‌شود و عرصه زندگی را هم بر تولید کننده هم بر مصرف کنندگان و هم بر کارگران تنگ کرده است.

مرتضی ریحانیان، دبیر اجرایی خانه کارگر زنجان ضمن اعتراض به نحوه اجرای طرح هدفمندی یارانه ها به خبرنگار ایلنا گفت: براساس قانون، دولت باید به صورت تدریجی قیمت حامل‌های انرژی را افزایش می‌داد و درآمدی که از محل هدفمندکردن یارانه‌ها بدست می‌آورد نیز می‌بایست به صورت ماهیانه در بخش تولید هزینه می‌کرد که به دلیل عملی نشدن تعهدات دولت شرایط در طی اجرای هدفمندی یارانه‌ها روز به روز برای تولیدکنندگان سخت‌تر شد.

دبیر اجرایی خانه کارگر زنجان افزود: افزایش قیمت حامل‌های انرژی موجب افزایش قیمت سایر کالاها و به تبع کاهش تولیدات در کشور شده است به طوری که اکنون هم تولیدکننده و هم مصرف کننده تحت فشار قرار گرفته‌اند.

ریحانیان در خصوص نحوه اجرای قانون هدفمندی یارانه های گفت: اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به جای تقویت بنیه تولید منجر به رکود در بخشهای کشاورزی، خدماتی و صنعتی شده است. در پی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تولید کنندگان با مشکلاتی از جمله افزایش نرخ بهره، نرخ ارز، محدودیت‌های واردات، همکاری نکردن نظام بانکی در تخصیص اعتبار برای تأمین مواد اولیه تولید، قیمت‌گذاری و فشار دولت برای تنظیم قیمت مواجه شده‌اند. یارانه‌ها باید به نحوی اجرا می‌شد که کمترین تبعات منفی و بیشترین توسعه اقتصادی را برای کشور به دنبال می‌داشت، اما نتیجه اجرای اینچنینی هدفمند کردن یارانه‌ها عواقبی جز فقر، بیکاری، گرانی، پایین بودن درآمدها و برای کارگران به همراه نداشته است.

دستمزد کارگران فقط نیاز 10 روز خانوار کارگری را تامین می‌کند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در 12 آذر آمده است: عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: نرخ سبد هزینه خانوار کارگری هم کانونی بیش از یک میلیون و 600 هزار تومان است.

علی دهقان کیا در گفتگو با ایلنا اظهار داشت: دولت مدعی است توانسته قیمت‌ها را مهار کند اما چه ملاکی برای اثبات این ادعا وجود دارد؟ اما در سبد معیشتی خانوار کارگری اقلامی وجود دارد که تغییرات ماههای گذشته آن تأثیرات منفی زیادی در قدرت خرید کارگران داشته است.

به گفته وی دستمزد کارگران فقط نیاز 10 روز خانوار کارگری را تامین می‌کند، این در حالیست که کارگر مجبور است مشاغل دیگری را انجام دهد و یا اینکه با کمبود شدید منابع مالی مواجه شود.

دهقان کیا افزود: بحران در واحدهای تولیدی گریبان کارگران واحدهای صنعتی را گرفته و بسیاری از آن‌ها چند ماه است که حقوق و دستمزد دریافت نکرده‌اند. هم اکنون کارگران واحدهای نساجی، صنایع لبنی، قطعه سازی، مواد غذایی، صنایع فلزی و پیمانکاران صنایع برق ایران ماه هاست که برای دریافت مطالبات معوقه خود تلاش می‌کنند.

دهقان کیا، ادامه داد: در حال حاضر ۷۰ درصد کارگران زیر ۵۰ درصد خط فقر روزگار می‌گذرانند.

دخل‌خرج یک خانواده 4 نفره در یک روز

به گزارش خبرنگار دولتی مهر، در 12 تیر آمده است: این روزها خرج و برج اکثر خانواده‌ها به گونه ای نیست که بتواند مغلوب درآمد آنها شود و یا حتی ریالی در ماه پس‌انداز داشته باشند. این روزها سبد هزینه‌ای خانوارها آنقدر دارای وزن شده است که به اصطلاح قدیمی‌ها، دخلشان به خرجشان نمی‌خورد.

حتی اگر دو نفر در هر خانواده کار کنند که به دور از پرداخت اقساط و البته اندکی خوشبینانه، ممکن است درآمدی حدود 400 هزار تومان داشته باشند؛ مگر اینکه یکی از آنها، دو شیفت کاری را مشغول باشد تا درآمدی بالاتر از این نصیب خانواده خود کند و اگر به طور متوسط این خانواده را 4 نفره حساب کنیم، سهم هر نفر در ماه 100 هزار تومان می‌شود. فارغ از کرایه رفت و آمد، هر روز یک خانواده 4 نفره باید روز خود را با 12 هزار تومان بگذرانند.

یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که اگر هر خانوار در ماه به طور متوسط دو کیلوگرم گوشت قرمز، 5 کیلوگرم گوشت مرغ، ده کیلوگرم برنج، 10 بطری شیر، 5 بسته پنیر 400 گرمی، 60 قرص نان سنگک، 10 کیلوگرم سبزی خوردن، 60 کیلوگرم میوه از قرار متوسط هر کیلوگرم 2 هزار تومان خریداری کند، به فرض اینکه حبوبات و سایر ملزومات پخت و پز را در اختیار داشته باشد، حتماً باید رقمی را پرداخت کند که قطعاً بیش از آن چیزی است که در سبد درآمدی او قرار دارد.

حذف برخی کالاها از سبد خانوارها

گفتگو با مردم نشانگر این است که گرانی‌های اخیر سبب شده است که برخی کالاها از سبد خانوارها حذف شود، البته نکته مهمتر این است که آنها کالاهایی را از سبد خود حذف می‌کنند که از جمله نیازهای ضروری یک فرد در روز به شمار می‌رود و معمولاً شیر و لبنیات را نشان می‌رود یا برخی از کالاهایی که برای سلامتی افراد مهم هستند، ولی کمتر به آنها توجه می‌شود.

یکی از مصرف‌کنندگانی که در انتظار خرید شیر است، به خبرنگار مهر می‌گوید: شیر گران شده است و اگر تا هفته‌های گذشته، هر یک روز در میان یک بطری شیر خریداری می‌کردم، اما حالا به دلیل گرانی لبنیات، هر سه روز یا حداکثر هفته ای دو روز شیر می‌خرم. او می‌افزاید: البته درآمد ما به گونه‌ای است که باز هم می‌توانیم همین سه بطری در هفته را خریداری کنیم، برخی‌ها را می‌شناسم که شیر و لبنیات را از سبد مصرفی خانوار خود حذف کرده‌اند؛ چراکه گران شده است.

این مصرف‌کننده می‌گوید: در ماههای گذشته، قیمت بسیاری از اقلام لبنیات افزایش یافته است، حتی این افزایش مشمول کالاهایی می‌شود که در گروه لبنیات، از اهمیت غذایی بالایی برخوردارند در حالی که حتی آن دسته از کالاهایی که شاید مصرف آنها زیاد فرقی برای سلامت نمی‌کند؛ نیز افزایش قیمت را تجربه می‌کنند، البته نه به اندازه شیر و ماست و پنیر که نیازهای روزانه افراد را تشکیل می‌دهند.

قصابان از وضعیت این روزهای بازار می‌گویند...

از یکی از قصابان در میادین میوه و تره‌بار در مورد واکنش مردم نسبت به گرانی گوشت می‌پرسیم. می‌گوید: تعداد مراجعان در هفته‌های گذشته به شدت کاهش یافته است و با توجه به اینکه اقبال مردم به مرغ به دلیل افزایش قیمت کاهش یافته است، اما گوشت نیز چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد، چراکه قیمت بالا است و خانوارها توانایی خرید ندارند.

او می‌گوید: در گذشته، وقتی قیمت گوشت اندکی تغییر می‌کرد، مردم برای خرید گوشت‌هایی که با چربی و استخوان بیشتری همراه بود، مراجعه می‌کردند، اما هم اکنون زنگ هشدار به صدا درآمده است و به نظر می‌رسد دولت باید برای این فرآیند، فکری کند.

این فعال در حوزه فروش گوشت قرمز می‌گوید: قیمت گوشت قرمز باید متعادل تر شود، یا حداقل اینکه دولت قیمت مرغ را در بازار متعادل نگاه دارد تا اقلام پروتئینی از سبد مصرفی خانوارها حذف نشود.

هشدار نسبت به کاهش مصرف اقلام پروتئینی

این روزها حتی بانک مرکزی نیز در آمار خود نمی‌تواند گرانی گوشت و مرغ را پنهان کند، بر اساس گزارش این مرجع اعلام وضعیت قیمتی در بازار و تورم، بهای گوشت گوسفند کاهش یافته است، ولی قیمت گوشت تازه گاو و گوساله و گوشت مرغ افزایش را تجربه کرده است.

این آمار بانک مرکزی در حالی اعلام می‌شود که بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران که در سالنامه سال 87 منتشر شده بود، خبر از این داشت که سرانه مصرف گوشت قرمز 7 کیلوگرم کاهش یافته، این در شرایطی است که امسال به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی، کشور تورم بی‌سابقه را تجربه کرده اما هم اکنون قیمت گوشت قرمز نیز به اندازه بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و بیم این می‌رود که گوشت از سبد خانوارها حذف شود.

مرغ نیز وضعیت مناسبی ندارد. آنچه که این روزهای بازار نشان می‌دهد، چندان مطلوب نیست و وضعیت مناسبی را پیش روی خریداران رقم نمی‌زند. بنابراین شاید مرغ نیز از این سبد مصرفی پر کشد و مردم کمتر بتوانند مرغ را بر سر سفره‌های خود بگذارند.

این در شرایطی است که البته ماه مبارک رمضان نیز نزدیک است و دولت قول داده است تا بازار را کنترل کند به نحوی که مردم بتوانند مایحتاج خود را به میزان مناسبی تامین کنند، اما باید تا قبل از آن هم، برای بازار فکری کرد، برای خانوارها نیز این موضوع باید به نوعی جبران شود.

اما اگر دولت به هر دلیلی نتواند بازار ماه مبارک رمضان را کنترل کند، به طور قطع مردم به دلیل افزایش قیمت مواد پروتئینی، قادر به خرید آن نیستند.

سبد هزینه یک خانوار

اگر قیمت هر کیلوگرم گوشت قرمز را 25 هزار تومان، قیمت هر کیلوگرم مرغ 5 هزار تومان، قیمت هر کیلوگرم برنج را 2500 تومان، قیمت هر بطری روغن را 3500 تومان، قیمت هر کیلوگرم میوه را به طور متوسط 2500 تومان، قیمت هر قرص نان سنگک را 600 تومان و قیمت هر کیلوگرم سبزی خوردن را 1000 تومان در نظر گرفت، و به آن قیمت هر بطری شیر 1500 تومانی، پنیر 2400 تومانی و ماست 2000 تومانی را نیز به آن اضافه کرد، آنگاه قیمت هر سبد خرید خانوار در یک ماه رقم بالایی می‌شود؛ بنابراین هشدار در رابطه با بالا رفتن قیمت کالا، زنگ خطری برای کاهش مصرف اقلامی را به صدا در می‌آورد که نبود آنها در سبد غذایی خانوارها مشکلات تغذیه‌ای را رقم می‌زند و فقر ویتامین را سبب می‌شود.

هم اکنون قیمت هر کیلوگرم گوشت راسته با استخوان 16 هزار و 300 تومان، راسته بی‌استخوان 24 هزار و 700 تومان، ران پاک‌کرده 20 هزار

و 900 تومان، ران کامل 21 هزار و 700 تومان، سردست 18 هزار و 900 تومان، سردست مرغوب 20 هزار و 850 تومان، قلوگاه با استخوان 10 هزار تومان، قلوگاه با استخوان 11 هزار و 350 تومان، و قیمت هر کیلوگرم گردن 14 هزار و 200 تومان است. همچنین قیمت هر کیلوگرم ماهیچه 22 هزار و 650 تومان، چرخکرده مخلوط 13 هزار تومان، خورشتی 15 هزار و 500 تومان، راسته پاک کرده 16 هزار و 800 تومان، گردن گوساله 12 هزار و 500 تومان و قلوگاه گوساله 9 هزار و 900 تومان است. قیمت هر کیلوگرم مرغ منجمد 3600 تومان و هر کیلوگرم مرغ کامل 5 هزار و 200 تومان است. قیمت هر بطری روغن مایع 3200 تومان، روغن نباتی جامد 4.5 کیلویی 11 هزار و 200 تومان، رب گوجه فرنگی 2300 تومان، برنج هاشمی 2800 تومان، برنج طارم محلی 3200 تومان، شکر 800 گرمی 1200 تومان، قند شکسته 900 گرمی 1500 تومان و ماکارونی 800 تومان است.

دست‌های پشت پرده در واردات بی‌رویه میوه

خبرگزاری دولتی مهر - گروه اقتصادی در 12 تیر آمده است: درحالی‌انواع میوه‌های رنگارنگ وارداتی در بازار جولان می‌دهند که برخی گزارش‌ها و روایت‌ها در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی از وجود دست‌های پشت پرده در واردات بی‌رویه این میوه‌ها به کشور حکایت دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، این روزها نرخ میوه‌ها گوی سبقت را در آشفته بازار گرانی از سایر کالاهای مصرفی خانوار ربوده اند به طوری‌که پایگاه اطلاع رسانی سازمان مبادین میوه و تره بار مجبور شد نرخ‌های دیگری را به صورت رسمی اعلام کند. اما جالب اینجاست که نرخ‌های اعلامی انواع میوه با آنچه که در بازار با آن مواجه می‌شویم، متفاوت است و این مسئله نشان دهنده ضعف و ناتوانی دستگاه‌های نظارتی در جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در بازار میوه است. به نظر می‌رسد دستگاه‌های نظارتی با توجه به وظیفه ذاتی که طبق آئین نامه اجرایی این سازمان مبنی بر اعمال نظارت بر اجرای قیمت‌ها در کلیه موارد از قبیل اعلام قیمت‌های مصوب، صدور، فاکتور، نصب برجسب و فروش بیش از گذشته اهتمام بورزند. براین اساس، می‌توان گفت که افزایش قیمت برخی از محصولات کشاورزی به ویژه میوه در بازار علاوه بر عدم نظارت درست بر قیمت محصولات ه بدلیل نحوه نادرست توزیع محصولات و همچنین عدم برنامه ریزی برای تنظیم بازار است. از سویی دیگر، درحالی‌خودنمایی میوه‌های رنگارنگ و لوکس وارداتی در بازار چشمان مردم را به سوی خود خیره کرده است که زنگ خطر بیکاری کشاورزان در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیز به صدا درآمده است!

دلایل واردات گسترده میوه‌های ممنوعه

عنایت الله بیابانی قائم مقام خانه کشاورز درباره حجم گسترده واردات میوه به کشور در گفتگو با مهر اظهارداشت: متأسفانه باوجود اینکه امسال واردات میوه به کشور ممنوع اعلام شده بود اما شاهد واردات انواع میوه به کشور هستیم. وی در عین حال تصریح کرد: البته ممکن است ثبت سفارش واردات این میوه‌ها در گذشته انجام شده باشد و هم اکنون به کشور وارد می‌شود. این عضو هیئت‌مدیره اتحادیه باغداران مازندران افزود: براین اساس باید قانون جامعیت داشته باشد و وقتی اعلام می‌شود واردات انواع میوه به کشور ممنوع است، این ممنوعیت باید شامل واردات میوه‌هایی که در گذشته کار ثبت سفارش آنها انجام شده نیز بشود. وی با بیان اینکه مدت اعتبار ثبت سفارش 6 ماه است، گفت: متأسفانه با اینکه کمیسیونی تخصصی در اتاق بازرگانی برای واردات تشکیل شده است به جای حمایت از تولید ملی بیشتر به جنبه‌های لوکس پذیری کالاها توجه می‌کنند. بیابانی با بیان اینکه بازار ناسالمی داریم، این پرسش را مطرح کرد که این همه اختلاف قیمت بین محصولی که تولید کننده عرضه می‌کند، با قیمتی که دست مصرف کننده می‌رسد، در جیب چه کسانی می‌رود؟ وی افزود: همه افزایش قیمت‌ها که بر اثر تورم و نقش آفرینی واسطه‌ها نیست بلکه به دلیل اینکه گردش مالی محصولات کشاورزی بسیار سریع است عده‌ای به این موضوع چشم دوخته اند تا از آن سود ببرند. قائم مقام خانه کشاورز در ادامه به ورود گسترده میوه انبه به کشور اشاره و خاطر نشان کرد: درحال حاضر شرایط به گونه‌ای شده است که علاوه بر میوه فروشی‌ها بر سر هر چهارراهی که می‌روید یک دستگاه خودرو وانت بار ایستاده و اقدام به فروش انبه می‌کند درحالی‌که این حجم گسترده انبه نمی‌تواند به صورت قاچاق وارد کشور شود!

دولت با واردکنندگان میوه برخورد کند

سید رضا نورانی رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی نیز در این رابطه به مهر گفت: با توجه به اینکه هم اکنون تولید محصولات باغی در اوج هستند، واردات بی‌رویه میوه هیچ توجیهی ندارد.

وی در عین حال تصریح کرد: البته ممکن است برخی از میوه‌ها بدون مجوز و به صورت قاچاق وارد کشور شوند که مسئولان ذیربط باید به طور جدی با آن برخورد کنند.

نورانی با اشاره به وضعیت پرتقال‌های وارداتی در بازار گفت: متأسفانه هم اکنون پرتقال‌های وارداتی یا درحال خراب شدن هستند و یا کمتر از دوسوم قیمت تمام شده به بازار عرضه می‌شوند.

وی با تأکید بر لزوم پیگیری چگونگی واردات غیرقانونی میوه به کشور، اظهارداشت: مسئولان مربوطه باید ببینند چه کسانی اقدام به واردات غیرقانونی میوه به کشور می‌کنند و با آنها برخورد نمایند.

به گفته رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی، اگر میزان تعرفه واردات را بالا ببریم، راه را برای قاچاق میوه به کشور باز کرده ایم و این مسئله فقط موجب وارد شدن خسارت به تولیدکننده داخلی می‌شود.

تعدالی بین عرضه و تقاضا در بازار وجود ندارد

عباس پایی زاده سخنگوی کمیسیون کشاورزی مجلس نهم نیز در این رابطه به مهر گفت: وضعیت فعلی به دلیل این است که نتوانسته ایم تولیدات خود را در این بخش سروسامان دهیم.

وی با تأکید بر اینکه تعادل بین میزان عرضه و میزان تقاضا در بازار وجود ندارد، افزود: درحقیقت برنامه ریزی برای تولید محصولات متناسب با

نیاز مصرف کنندگان در بازار نبوده است.

نماینده منتخب مردم دزفول در مجلس نهم خاطرنشان کرد: به عنوان مثال، عرضه برخی از محصولات در مقاطعی از سال زیاد است و به دلیل نداشتن امکاناتی چون سردخانه های مجهز نتوانسته ایم این مازاد محصولات را ذخیره سازی کنیم تا در فصول دیگر و یا مواقعی که دچار کمبود در بازار می شویم، از آنها استفاده کنیم.

وی تصریح کرد: دلیل اینکه واردات محصولات کشاورزی به ویژه میوه به کشور نسبت به گذشته افزایش یافته، این است که تولیدات ما در بخش کشاورزی هم نسبت به گذشته کاهش داشته است، چون کشاورزان ما با توجه به مشکلاتی که با آن روبرو بوده اند، نتوانسته اند میزان تولیدات خود را افزایش دهند.

پایه زاده افزود: اگر این روند همچنان ادامه پیدا کند تا چندسال دیگر با بحران بیکاری کشاورزان در جامعه مواجه خواهیم شد. به گفته وی، عده ای سودجو هم از خلاء به وجود آمده در بازار سوء استفاده می کنند و اقدام به واردات غیرقانونی برخی از محصولات کشاورزی می کنند که این موضوع در کمیسیون کشاورزی بررسی و با متخلفین برخورد خواهد شد.

* گزارش از محمدابراهیم پاکزاد

کارگران و مرحله دوم هدفمندی یارانه ها

فواد شمس-

بر پایه مطلب منتشره در سایت سلام دمکرات در 12 تیر آمده است: دولت در حالی برای اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه ها آماده می شود که اثرات و تبعات اجرای مرحله نخست طرح هدفمندی یارانه ها آن چیزی نبوده است که طراحان و اجراکنندگان آن انتظار داشتند و از آن به عنوان «شکوفایی اقتصادی» نام می بردند.

[1] به نظر می رسد بزرگترین جراحی اقتصادی کشور بعد از انقلاب ۱۳۵۷ اکنون خودش تبدیل به زخمی شده است که بسیاری از اقشار مختلف جامعه ایران را آزار می دهد.

بسیاری از ناظران و کارشناسان معتقدند براساس روال مرحله اول، با اجرا شدن مرحله دوم هدفمندی یارانه ها، بار دیگر شاهد افزایش قیمت ها خواهیم بود. این امر بیشترین فشارش را بر اقشار تهیدست خصوصاً کارگران و مزدبگیران جامعه می گذارد. چون از یک طرف علاوه بر اینکه تهیه نیازهای اولیه شان برای زندگی گران می شود و دستمزدها به نسبت آن بالا نمی رود از طرف دیگر با توجه به رکود شدیدی که اجرایی شدن این طرح بر صنعت و تولید کشور سایه افکنده است خطر بی کاری و عدم پرداخت همان دستمزدهای اندک هر روزه کارگران را تهدید می کند. با این وجود مسئولان دولتی تا همین اواخر چندان به این امر توجهی نشان نمی دادند و هرگونه افزایش قیمت کالاها را انکار می کردند. در نهایت اما به گزارش «ایسنا» بانک مرکزی سیر صعودی گرانی ها را تأیید کرد و از تداوم گرانی در بازار مرغ، گوشت، چای و افزایش ۱۰ درصدی قیمت سبزیجات خبر داد. دبیر انجمن برنج کشور اعلام کرد [2]: «قیمت برنج در پایتخت دوبرابر شمال کشور شده است.»

نارضایتی در زیر پوست شهر

با این وجود همچنان دولت به هیچ عنوان قیمت های موجود و تورم ایجاد شده در جامعه را نمی پذیرد و اعلام نمی کند و با این وضع مشکلات بیشتر خواهد شد. این در حالی است که درآمدهای دولت کنونی به نسبت دولت های پیشین بسیار بیشتر بوده است.

به گزارش سرویس اقتصادی «بازتاب»، «در طول هفت سال گذشته، درآمد دولت محمود احمدی نژاد، از فروش نفت، گاز و فرآورده های مشتق شده از آن مانند میعانات گازی و محصولات پتروشیمی، مطابق با گزارش های بانک مرکزی از مرز ۷۰۰ میلیارد دلار عبور کرده است». در واقع دولتی که با شعار پول نفت بر سر سفره های مردم بالا آمد، اکنون با اجرا کردن سیاست های حذف یارانه ها به جایی رسیده است که عملکردش باعث شده اثر چندان از این پول هنگفت در سفره های مردم دیده نشود و حتی نان به عنوان جدایی ناپذیرترین عنصر در سفره ایرانیان از این سفره ها رخت بر بندد.

گرانی های افسار گسیخته ای که در ماه های اخیر به هر دلیل در کشور رخ داده، مردم را نگران کرده است و از آنجایی که ظاهراً این وضعیت ادامه خواهد داشت، بر اضطراب و استرس زندگی روزمره آنها افزوده است. افزایش یکباره قیمت ها در سبد معیشت خانوار در ماه های اخیر باعث کاهش قدرت خرید مردم به خصوص اقشار ضعیف جامعه شده است.

این شرایط باعث شده است بسیاری از مردم لب به انتقاد بکشایند. البته شاید انتقادات مردم ایران به شکلی نباشد که در دیگر کشورهایی که طرح هایی از این دست در کاهش یارانه ها و حذف سوبسیدها اجرا شده است؛ کشورهایی همچون یونان، الجزایر، بولیوی و نیجریه که اعتراض ها تبدیل به شورش های گسترده شهری و اعتراض های خیابانی تهیستان شد، اما در ایران هم زمزمه هایی از نارضایتی شدید مردم خصوصاً کارگران و اقشار تهیدست به گوش می رسد؛ به شکلی که حتی در رسانه های نزدیک به حاکمیت جمهوری اسلامی که معمولاً همواره در تلاش تایید و توجیه سیاست های مختلف حکومتی هستند نیز بازتاب داشته است. در گزارشی که در خبرگزاری مهر منتشر شده است شاهد بازنمایی برخی از این نارضایتی ها هستیم.

مهری عضدی، یک خانم ساکن ورامین در گفت و گو با خبرنگار مهر [3] اظهار داشته است: «شیرهای بسته ای موجود در بازار خیلی بی کیفیت شده است، البته شیرهای با کیفیت هم در بازار موجود هستند، اما به دلیل اینکه ما جزو قشر ضعیف جامعه هستیم، به ناچار به آنها روی می آوریم و فکر نمی کنم فایده ای برای ما و به خصوص فرزندان در حال رشدمان داشته باشند.»

در گزارش یادشده، یک خانم خانه دار دیگر که ساکن تهران است، با گلایه از قیمت های جدید نان به خبرنگار مهر گفته است: «چرا وقتی می خواهند قیمت کالایی را بالا ببرند، اول به نان روی می آورند؟! نان از جمله اقلام ضروری زندگی مردم است و خرید آن با قیمت هایی که اخیراً اعلام شده، منصفانه نیست.»

کارگران اولین قربانیان حذف یارانه ها

در کنار این امر وضعیت کارگران به مراتب از دیگر اقشار جامعه دشوارتر به نظر می رسد. با توجه به این که اجرایی شدن طرح حذف یارانه ها خصوصاً از کالاهای مصرفی اساسی بر معیشت این اقشار کم درآمد فشار مضاعفی وارد کرده است.

از طرف دیگر مسئله بی‌کاری گسترده و اخراج‌های بی‌رویه و تعطیلی کارخانجات را هم باید به آنها اضافه کرد. در این شرایط اما با وجود نبودن تشکل‌های مستقل کارگری و سندیکاها و اتحادیه‌ها، کارگران هیچگونه ابزار مذاکره با دولت و کارفرمایان را ندارند که بتوانند اندکی به این وضع نابه سامان خویش سامان بدهند. با این وجود تلاش‌هایی برای تغییر این شرایط از طرف فعالان کارگری صورت گرفته است که البته تاکنون پاسخی از طرف دولت دریافت نکرده‌اند.

کارگران امضاکننده نامه همچنین به تعویق و بی‌نظمی در پرداخت حقوق‌شان اعتراض کرده‌اند و خواستار ایجاد ساز و کار قانونی و قاطع برای پرداخت به موقع دستمزدها و تعقیب قضایی کارفرمایانی شده‌اند که کارگران را بدون قرارداد یا با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای معوقه و ادار به کار می‌کنند.

در آخرین دست از این اقدام‌های اعتراضی، بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از پنج استان کشور، با امضای نامه‌ای خطاب به وزیر کار به تأییراتی اشاره کرده‌اند که اجرای قانونی هدفمندی یارانه‌ها بر زندگی آنان تحمیل کرده است.

به گزارش اینلنا، کارگران در این نامه از قانون هدفمندی یارانه‌ها با عنوان «قطع یارانه‌ها» نام برده‌اند و با توجه به وضعیت اقتصادی‌شان خواستار افزایش حداقل دستمزدها براساس تورم موجود [۴] شدند.

در این طومار که به امضای بیش از ۱۰ هزار کارگر شاغل در پنج استان کشور در کارخانه‌هایی از جمله «دارو شیشه»، «مهرام»، «فرش پارس»، «هفت الماس» و... رسیده است، کارگران تهیه پیش‌نویس اصلاحیه قانون کار را «اصلاحیه‌ای ضد کارگری» دانسته‌اند که امنیت شغلی و معیشت آنان را نشانه رفته است.

کارگران امضاکننده نامه همچنین به تعویق و بی‌نظمی در پرداخت حقوق‌شان اعتراض کرده‌اند و خواستار ایجاد ساز و کار قانونی و قاطع برای پرداخت به موقع دستمزدها و تعقیب قضایی کارفرمایانی شده‌اند که کارگران را بدون قرارداد یا با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای معوقه و ادار به کار می‌کنند.

در بخشی از این نامه اعتراضی آمده است: «بدون تردید نه تنها ما کارگران بلکه هیچ انسان شریف و منصفی تحمل چنین شرایطی را بر میلیون‌ها کارگر و خانواده‌های آنان بر نمی‌تابد. لذا ما کارگران امضاکننده این طومار به عنوان اقداماتی بسیار مبرم و عاجل برای پایان دادن به وضعیت مشقت‌بار موجود مصرانه خواهان افزایش حداقل دستمزدها براساس تورم و واقعاً موجود و تأمین شرافتمندانه سبد هزینه یک خانوار چهارنفره با دخالت نماینده‌های منتخب مجامع عمومی کارگران بر مبنای میانگین دستمزد پنج سال آخر پای می‌فشاریم.

ما کارگران خواستار اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و مصوبه هیئت وزیران مبنی بر حذف شرکت‌های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم و دائمی با کارگران و ایجاد ساز و کار قانونی قاطع برای پرداخت به موقع دستمزدها و تعقیب قضایی کارفرمایانی هستیم که کارگران را بدون قرارداد و یا با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای معوقه و ادار به کار می‌کنند.»

پاسخ دولت به اعتراض کارگران؛ سرکوب

تاکنون دولت در برابر کارگران و فعالان کارگری و اعتراض‌های آنان تنها راهی را که پیش گرفته است خاموش کردن و به نوعی سرکوب کردن آنان بوده است.

از هنگام اجرای طرح حذف یارانه‌ها، آمار اخراج و بی‌کاری کارگران در قیاس با سال‌های قبل افزایش قابل توجهی داشته است. همچنین طی این مدت، دستمزدهای کارگران شماری از مراکز تولیدی و خدماتی کشور برای ماه‌های متوالی پرداخت نشده است.

نمونه بارز آن بازداشت فریبرز رئیس‌دانا، اقتصاددان سرشناس و فعال کارگری تنها به دلیل مصاحبه با رسانه‌ها در اعتراض به طرح حذف یارانه‌ها بوده است. او سال ۱۳۸۹ در شب اعلام اجرای مرحله اول طرح هدفمندی یارانه‌ها، با تلویزیون «بی‌بی‌سی» مصاحبه‌ای انتقادی کرد و پس از انتقاد از اجرای طرح موسوم به هدفمندی یارانه‌ها در همان شب بازداشت و در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

به گفته فعالان حقوق کارگران در ایران، بازداشت این اقتصاددان در حالی صورت گرفته است که وی در مصاحبه با رسانه‌ها به شدت از تصمیم دولت برای تغییر قانون کار و حذف یارانه‌ها انتقاد کرده بود.

فریبرز رئیس‌دانا در آخرین گفت‌وگوی خود با رادیو فردا قبل از اجرای حکم یک سال زندانش با اشاره به سیاست‌های اقتصادی دولت [۵] گفته بود: «به اعتقاد من آینده این روند اقتصادی خطرناک است و یکی از خطرهای آن، ورشکستگی گسترده نظام پولی و بانکی کشور است.»

اینها تنها گوشه‌ای از فشاری است که بر کارگران و خصوصاً فعالان حقوق کارگری وارد می‌آید که می‌خواهند در مقابل آسیب‌هایی که طرح هدفمندی سازی یارانه‌ها به آنان وارد می‌کند بایستند.

در کنار این فشارها از هنگام اجرای طرح حذف یارانه‌ها، آمار اخراج و بیکاری کارگران در قیاس با سال‌های قبل افزایش قابل توجهی داشته است. همچنین طی این مدت، دستمزدهای کارگران شماری از مراکز تولیدی و خدماتی کشور برای ماه‌های متوالی پرداخت نشده است. رکود در تولید و تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک و بزرگ دیگر مسئله‌ای است که به طور مستقیم بر زندگی کارگران تأثیرات منفی خود را می‌گذارد.

در این میان تلاش فعالان کارگری برای سازماندهی کارگران در تشکل‌های مستقل و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری با برخورد شدید دولت مواجه می‌شود. به صورتی که هرگونه تلاش برای این کار حتی قبل از این که بروز خارجی و اعتراضی هم داشته باشد با سرکوب مواجه می‌شود. در آخرین دست از این سرکوب‌ها در شهر کرج ۶۰ فعال کارگری تنها به جرم شرکت در یک جلسه خانگی برای همفکری و صحبت برای تشکیل کمیته‌های کارگری بازداشت شدند که هنوز شماری از آنها در زندان به سر می‌برند.

«کمیته دفاع از رضا شهبابی» [۶]، در بیانیه‌ای که بعد از این بازداشت‌ها صادر کرده از مسئولان امر پرسیده است: «سؤال اینجاست که آیا دور هم جمع شدن تعدادی فعال کارگری و سخن گفتن از رنج و آلام طبقه کارگر جرم است که با چنین برخوردهای خشنی روبه‌رو می‌شود؟ برخوردی که حتی با جانین نیز نمی‌شود! آیا کارگران و فعالان کارگری حق ندارند که در مکانی دور هم جمع شوند و برای رها شدن از ستم‌هایی که بر آنان وارد می‌شود صحبت کنند و چاره‌ای بیابند؟»

آیا دولت عقب‌نشینی می‌کند؟

در چنین وضعیتی است که اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها زیر یک علامت سؤال بزرگ قرار می‌گیرد.

اعتراض‌های پراکنده کارگران همچون نام‌نگاری‌ها و نارضایتی افشار مختلف تا جایی پیش رفته است که در رسانه‌های رسمی و نیمه دولتی

انعکاس یافته و نشان‌دهنده نارضایتی فزاینده لایه‌های مختلف مردم، خصوصاً کارگران از وضعیت نامناسب اقتصادی است. در واقع دولت خود می‌داند که اعتراض در زیر پوست شهر در جریان است. همین مسئله باعث شده است، زمزمه‌هایی از عقب‌نشینی دولت در اجرای مرحله دوم طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به گوش برسد.

نارضایتی مردم و کارگران نیز از این طرح افزون‌تر شده است، اما در کنار این امر شاید سرکوب و فشارهای چند وقت اخیر بر فعالان کارگری و اقتصاددانان منتقد همان دلیلی باشد که تا امروز در ایران برخلاف دیگر کشورهایی که طرح‌های مشابه از جمله تعدیل اقتصادی و حذف سوبسیدها را پشت سر گذاشته اند از جمله یونان، آرژانتین، شیلی، الجزایر، بولیوی و نیجریه و... تاکنون شاهد بروز اعتراض‌های گسترده خیابانی و شورش‌های شهری نبوده ایم.

همین اعتراض‌های پراکنده کارگران همچون نامه‌نگاری‌ها و نارضایتی افسار مختلف تا جایی پیش رفته است که در رسانه‌های رسمی و نیمه دولتی انعکاس یافته و نشان‌دهنده نارضایتی فزاینده لایه‌های مختلف مردم، خصوصاً کارگران از وضعیت نامناسب اقتصادی است. در واقع دولت خود می‌داند که اعتراض در زیر پوست شهر در جریان است. همین مسئله باعث شده است، زمزمه‌هایی از عقب‌نشینی دولت در اجرای مرحله دوم طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به گوش برسد.

این روزها اس‌ام‌اس‌هایی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ بین شهروندان رد و بدل و خواهان تحریم خرید نان و شیر در اعتراض به گرانی این دو قلم جنس می‌شود. به نظر می‌رسد اشکال مختلف اعتراض مردم به این طرح بروز عینی‌تری می‌یابد. شنیده‌ها حاکی از آن است که دولت در اجرای فاز دوم قانون هدفمندی قصد افزایش قیمت حامل‌های انرژی را نداشته است و می‌خواهد میزان یارانه نقدی را افزایش دهد. بنابراین در حالی که افزایش یارانه نقدی به منزله اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها نیست، اما تا حدودی می‌تواند شنیده‌ها را در مورد تغییر روش اجرای فاز دوم و یا حتی عقب‌نشینی دولت را برای اجرای فاز دوم تأیید کند. به نظر می‌رسد که دولت پیش‌بینی می‌کند که روزی نارضایتی‌های افزایش یافته افسار فرودست جامعه خصوصاً کارگران به نقطه‌ای برسد که به خیابان‌های شهر سرازیر شوند، برای همین سیاست دوگانه سرکوب-عقب‌نشینی را پیش گرفته است.

اعتراض کارگران صنایع ریخته‌گری به توقف بازنشستگی پیش از موعد

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در 12 آذرماه آمده است: جمعی از کارگران شرکت صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری نسبت به عدم اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، کارگران صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری خطاب به رئیس کمیسیون کارگری شهرستان ساوه نسبت به عدم اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع و به تبع بازنشستگی پیش از موعد با 25 سال سابقه کار معترض شدند.

در این نامه که یک نسخه‌ای از آن در اختیار ایلنا قرار گرفته است آمده است: همانگونه که استحضار دارید قانون بازسازی و نوسازی صنایع مصوب مجلس شورای اسلامی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی به مرحله اجرا درآمد که خیل عظیمی از کارگران زحمتکش ایران اسلامی که سال‌ها در سنگر تولید مشغول خدمت بودند از مزایای آن بهره‌مند شدند.

در ادامه این نامه افزوده شده است: بدلیل تأخیر در تنظیم و تصویب برنامه پنجم توسعه اقتصادی ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع برای مدت یکسال دیگر از سوی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تصویب گردیده است.

این کارگران همچنین با بیان اینکه اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی در قانون برنامه پنجم توسعه نیز مصوب شده است تصریح کردند: در برنامه چهارم دولت مکلف و در برنامه پنجم مخیر به اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده است.

در ادامه نامه کارگران صنایع ریخته‌گری آمده است: علی‌رغم پیگیری‌های مستمر جامعه کارگری کشور اعم از کارگران، نهادهای و تشکلات کارگری، اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع متأسفانه تاکنون محقق نشده و هیچگونه نتیجه‌ای حاصل نشده است، این در حالیست که بالاتکلیفی و سرگردانی خیل عظیمی از کارگران که حائز شرایط برخورداری از قانون بازسازی و نوسازی صنایع می‌باشند را در بر داشته است. به گفته کارگران صنایع ریخته‌گری ایران، سازمان تأمین اجتماعی عدم اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع را ناشی از عدم همکاری معاونت پشتیبانی دولت دانسته است.

این کارگران با تأکید بر وظیفه قانونی دولت مبنی بر پرداخت سهم خود، خاطر نشان کردند: دولت «مهرورز» و «عدالت گستر» توپ را به زمین سازمان تأمین اجتماعی پاس می‌دهد و عدم اجرای قانون بازسازی را ناشی از سهل‌انگاری تأمین اجتماعی می‌داند تا آنجا که منجر به تغییر مدیریت کلان سازمان شده است.

در خاتمه این نامه، کارگران خواستار تسریع در اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده و افزودند: اجرای ماده 10 قانون بازسازی و نوسازی صنایع منجر به بازنشستگی خیل عظیمی از کارگران زحمتکش با سوابق طولانی و جایگزینی بیکاران و جوانان جویای کار کشور خواهد شد.

پایان پیام

آزادی دو تن از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری

به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر در 12 آذرماه است: سیروس فتحی و مسعود سلیمیپور، دو تن از فعالان کارگری بازداشت‌شده در شهر کرج پس از دو هفته بازداشت، ظرف دیروز و امروز با سپردن قرار کفالت آزاد شده‌اند.

روز جمعه 26 خردادماه، 60 تن از اعضای شرکت‌کننده در مجمع عمومی سالیانه‌ی «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری»، توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند.

در این بازداشت که با حمله ناگهانی شمار زیادی از افراد لباس شخصی و نیروی انتظامی همراه بود، نیروهای امنیتی اقدام به تیراندازی و ضرب و شتم شدید حاضران در جلسه کردند. به گفته‌ی شاهدان عینی، «تیراندازی مأموران منجر به سوراخ شدن لوله‌های آب آپارتمان شده و همسایگان با تعجب از مأموران می‌پرسیدند که چه خبر شده است؟»

مأموران امنیتی نیز برای جلوگیری از بروز اعتراض همسایگان و مردم، با اعلام اینکه افراد بازداشت‌شده «مجرم» هستند، آنها را به بازداشتگاه منتقل کردند.

بر اساس گزارش‌ها، مأموران در این حمله، زنان حاضر در جلسه را نیز مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند.

به گفته شرکت کنندگان در این جلسه، ۵ نفر از بازداشت شدگان همان شب آزاد شده و حدود ۵۰ نفر نیز یک روز بعد آزاد شده‌اند. هم‌اکنون فرامرز فطرت‌نژاد، میترا همایونی، مازیار مهرپور، سعید مرزبان، علیرضا عسگری، ریحانه انصاری و جلیل محمدی همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

استقبال وزیر نفت از تحریم: تحریم- خصوصاً نفتی- فرصتی برای پیشرفت بود!

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در 12 آذر ماه است: وزیر نفت گفت: ایران کشور بزرگی است و دوستان زیادی در دنیا دارد از این رو ما به هیچ عنوان نگران فروش نفت نیستیم. به گزارش خبرنگار ایلنا از شیراز، رستم قاسمی ظهر دوشنبه در پایان سفر به شیراز در جمع خبرنگاران اظهار کرد: تحریم‌ها تاکنون هیچ تاثیری بر ایران نداشته و از این پس نخواهد داشت. قاسمی با تاکید بر این‌که اتحادیه اروپا سال‌هاست نفت ایران را تحریم کرده، خاطر نشان کرد: تحریم برای ایران خصوصاً صنایع نفت فرصتی برای پیشرفت و دستیابی به علوم جدید بود. ما زمانی برای بسیاری از فرآورده‌ها و تجهیزات متکی به سایر کشورها بودیم، اما امروز بسیاری از فرآورده‌های نفتی را صادر می‌کنیم و در تولید برخی تجهیزات نیز به خودکفایی رسیده‌ایم.

وزیر نفت با بیان این‌که علاوه بر صدور نفت، ایران امروز صادرکننده تجهیزات نفتی نیز هست، گفت: امروز موفق شدیم تحریم‌ها را به فرصت تبدیل کرده و این مساله زمینه‌ساز توسعه صنعت نفت و سایر صنایع شده است. وی در خصوص توسعه فعالیت‌های نفتی و گسترش میادین نفتی: همان‌گونه که به مقام معظم رهبری قول دادیم به مردم نیز قول می‌دهیم تا پایان امسال کار توسعه میادین نفتی خصوصاً میادین مشترک را به پایان برسانیم. قاسمی با بیان این‌که استان فارس بزرگترین استان کشور است، گفت: فارس از صنایع خوبی در عرصه نفت برخوردار است و امروز نیز در تولید تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت نیز حرف زیادی برای گفتن دارد. وی ادامه داد: صنایع موجود در استان فارس هم‌اینک بخش قابل توجهی از تجهیزات مورد نیاز پارس جنوبی را تولید می‌کنند. قاسمی گفت: امروز موضوع طرح توسعه (فاز دوم) پالایشگاه شیراز و پالایشگاه فارس را که خوراک آن می‌عانات گازی است در برنامه داریم.

سعید مرزبان و میترا همایونی آزاد شدند

روز دوشنبه 12 تیر ماه، میترا همایونی و سعید مرزبان از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری که در تاریخ 26 خرداد ماه در کرج بازداشت شده بودند، آزاد شدند. ما ضمن تبریک آزادی این عزیزان، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط علیرضا عسگری، ریحانه انصاری، جلیل محمدی، فرامرز فطرت‌نژاد، مازیار مهرپور و کلیه کارگران زندانی هستیم. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - 12 تیر ماه 1391

عکسها و گزارشی از برگزاری تجمع حمایتی از اعضاء بازداشت شده کمیته هماهنگی در کرج

طبق خبر رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، روز یکشنبه 11 تیر 91 ساعت 7 عصر جمع زیادی از فعالین کارگری و کارگران شهر سنندج در پارک کودک اقدام به برگزاری مراسم حمایتی در دفاع از اعضاء بازداشت شده کمیته هماهنگی در کرج کردند. در این مراسم تعدادی از فعالین کارگری سخنرانی نموده و بر آزادی فوری بازداشت شدگان تأکید داشته‌اند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه 12/4/1391

<http://s3.picofile.com/file/7425341177/snapshot1.jpg>

<http://s3.picofile.com/file/7425348923/snapshot4.jpg>

جلسه دادگاهی پدram نصرالهی برگزار شد

روز یکشنبه 11 تیر ماه 1391 پدram نصرالهی فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی بابایی، به اتهام عضویت در کمیته‌ی هماهنگی و فعالیت‌های کارگری دادگاهی شد. در این دادگاهی، پدram نصرالهی از مواضع و فعالیت‌های کمیته‌ی هماهنگی دفاع کرد. لازم به ذکر است که پدram نصرالهی روز 18 اسفند سال 1390 برابر با 8 مارس 2012 پس از احضار به ستاد خبری سنندج بازداشت و پس از 46 روز بازداشت، در تاریخ 5 اردیبهشت 91 با قرار وثیقه 70 میلیون تومانی از زندان آزاد شد. احضار و دادگاهی پدram نصرالهی فقط به جرم عضویت در کمیته‌ی هماهنگی و فعالیت‌های کارگری است. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، یک بار دیگر احضار و دادگاهی و بازداشت فعالین کارگری را به شدت محکوم و امیدوار است که کارزار بین‌المللی در حمایت از کارگران زندانی همچنان با قدرت ادامه پیدا کند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - 12 تیر ماه 1390

طومار کارگران صنایع ریخته‌گری در اعتراض به توقف بازنشستگی پیش از موعد

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در 12 آذرماه است: جمعی از کارگران شرکت صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری نسبت به عدم اجرای ماده 10 قانون بازنسازى و نوسازى صنایع اعتراض کردند. به گزارش مورخ 12 تیر ایلنا، کارگران صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری خطاب به رئیس کمیسیون کارگری شهرستان ساهه نسبت به عدم اجرای ماده 10 قانون بازنسازى و نوسازى صنایع و به تبع بازنشستگی پیش از موعد با 25 سال سابقه کار معترض شدند. تعویق چهار ماهه حقوق کارگران شهرداری‌های استان خوزستان ایلنا بناریخ 12 تیر طی گزارشی از تعویق 4 ماهه در پرداخت حقوق کارگران شهرداری‌های استان خوزستان خبر داد و در همین رابطه نوشت: تعویق چهار ماهه در پرداخت حقوق کارگران شهرداری‌ها (خوزستان)، اثرات منفی بر معیشت کارگران و نظافت شهرهای استان بر جای گذاشته است.

از مصوبه نیروهای شرکتی چه خبر؟!

به نوشته خبرنگاری دولتی فارس به نقل از خبرگزاری دولتی مهر در 12 تیر آذرماه است: عبدالعلی تاجی از رفع اشکالات مصوبه دولت برای تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی خبر داد و گفت: در مورد ایراد مصوبه دولت برای تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی برخی از پاسخ‌های حقوقی ارائه شد و در مورد موادی که براساس اصل 85 قانون اساسی، بنا شده لایحه‌ای از پاسخ‌های مورد نظر به معاونت توسعه مدیریت ارائه شده که در دولت این موارد برطرف می‌شود.

فارس در این باره بتاریخ 12 تیر گفت‌وگویی با عبدالعلی تاجی دارد که حاوی اطلاعات و افشاگری درباره شرکت‌های تامین نیرو، دست‌بازیشان به منافع کلان، مقاومتشان در برابر تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی و چگونگی اجرای مصوبه نیروهای شرکتی می‌باشد. جهت اطلاع نظر تان را به بخش‌هایی از این گفت‌وگو جلب می‌کنیم:

وی در مورد نامه هفته پیش رئیس مجلس و ایراد به مصوبه دولت در مورد تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی گفت: این ایرادها که عمدتاً ایرادهای حقوقی و شکلی و برخی ایرادهای محتوایی بود، رفع شده و در قالب لایحه‌ای به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه‌انسانی رئیس‌جمهور تقدیم شده که این ایرادها در دولت رفع می‌شود.

وی یادآور شد: تعداد دیگری از نمایندگان در مجلس نهم نیز طرحی تهیه کردند که برای ساماندهی نیروهای شرکتی در دستگاه‌های اجرایی به زودی دستور کار قرار می‌گیرد.

تاجی افزود: این طرح‌ها در واقع دنبال این هدف هستند که منفعت عمومی دستگاه‌های اجرایی مد نظر قرار گیرد و هزینه دولت از این طریق کاهش یابد.

تاجی در پاسخ به این پرسش که آیا با تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به صورت نیروی قراردادی در دستگاه، حجم دولت برخلاف قانون ممنوعیت استخدام جدید، افزایش پیدا نمی‌کند، گفت: این گونه نیست که با تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی، حجم دولت اضافه شود. چون اولاً استخدام که در قانون مدیریت ممنوع شده تعریف دارد و در قانون مدیریت دو گونه استخدام رسمی و پیمانی در تبصره ذیل ماده 32 قانون مدیریت خدمات کشوری تعریف شده است. وی ادامه داد: همچنین در ماده 124 اجازه داده شده است به اندازه نیاز دستگاه‌های اجرایی، نیروهایی در قالب قرارداد قانون کار به کار گرفته شود که البته اینها به منزله استخدام نیروی جدید نیست، بلکه به معنای استفاده از توان کار و نیروی افراد در دستگاه اجرایی به شمار می‌رود.

تاجی اضافه کرد: در سوابق قانون برنامه احکامی وجود دارد که دولت به مرور تصدی‌های خود را واگذار کند که با سه هدف کاهش هزینه دستگاه اجرایی، تقویت بخش خصوصی و امنیت نسبی برای شاغلان، تصدی‌های دولتی واگذار می‌شود.

وی ادامه داد: در بررسی انجام شده از نیروهای شرکتی این نتیجه حاصل شد که نه تنها هزینه دستگاه اجرایی کاهش نیافته، بلکه افزایش پیدا کرده و همچنین پرداختی به نیروی شرکتی نیز کاهش یافته است. به عنوان مثال اگر 100 نیروی شرکتی در دستگاه حضور داشته که ماهانه 10 میلیون تومان برای آنها پرداخت می‌شود، اما در نهایت 5 تا 6 میلیون تومان به آن افراد می‌رسد و بقیه در جیب شرکت‌های واسطه تامین نیرو قرار می‌گیرد. تاجی تصریح کرد: اگر قرار است یک تصدی واگذار شود، باید از صفر تا 100 آن واگذار شود، نه اینکه شرکت تامین نیرو در داخل دستگاه اجرایی تشکیل شده و از امکانات، فضای اداری، آب و برق و تجهیزات دستگاه استفاده کرده و فقط واسطه‌ای بین دستگاه اجرایی و نیروی شرکت باشد که ماهانه مبلغی به جیب بزند.

وی افزود: شرکت‌های تامین نیرو کارشان این بود که فقط ماهانه لیستی از نیروها تهیه کردند و حقوق آنها را از دستگاه دریافت کرده و درصدی به نیرو پرداخت می‌کردند و بقیه را به جیب می‌زدند که این کار به معنای واگذاری تصدی نیست.

تاجی گفت: در قانون برنامه پنجم آمده دستگاه اجرایی باید سالانه 4 درصد از تصدی‌ها را واگذار کند، از طرفی کار حجمی تعریف دارد و نمی‌تواند شرکت تامین نیرو از تجهیزات امکانات فضای اداری و حتی آب و برق، گاز و تلفن، دستگاه اداره به نفع خود استفاده کند و این شکل واگذاری یک نوع فرمایشی است.

وی تاکید کرد: در هیچ جای قانون مدیریت خدمات کشوری نیامده است که دستگاه اجرایی از طریق شرکت‌های تامین نیرو به جذب نیرو بپردازد و شرکت‌هایی که از این رهگذر به منافع کلانی رسیده‌اند، امروز در مقابل مصوبه دولت برای تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی مقاومت می‌کنند، اما دولت می‌خواهد این اجحاف به نیروی انسانی برچیده شود.

وی افزود: اگر دستگاه‌های اجرایی دولتی مانند وزارت نیرو و یا نفت برای اجرای پروژه‌هایی در مورد راهسازی، راه‌آهن، سدسازی و یا پروژه‌های عسلیویه احتیاج به نیرو دارد، از طریق قرارداد با شرکت‌های خصوصی حجم کار را از آنها طلب می‌کند که خود آن شرکت‌های خصوصی برای اجرای یک پروژه سدسازی مثلاً 500 نفر به کار می‌گیرد و یا در پروژه راهسازی 100 نفر و یا مثلاً در پروژه عسلیویه چند صد نفر را به کار می‌گیرد.

وی تاکید کرد: آنچه دولت ممنوع کرده انعقاد قرارداد دستگاه اجرایی با شرکت‌های تامین نیرو است که قبلاً با یک برداشت غیرحقوقی از مصوبه واگذاری تصدی‌ها به دنبال جذب نیروی شرکتی بودند، اما امروز دولت می‌خواهد غیر از کارهای حجمی سایر نیروهای شرکتی را تبدیل وضعیت

کند.

تاجی گفت: دستگاه‌های اجرایی از اول قانون برنامه پنجم باید سالانه 4 درصد تصدی‌های خود را واگذار کنند و در بند «ج» ماده 65 قانون برنامه آمده است تعداد کل کارکنان دستگاه‌های اجرایی دولت سالانه دست کم 2 درصد کاهش می‌یابد و موارد استثنا باید در قانون بودجه ذکر شود

دخل و خرج یک خانواده 4 نفره در یک روز

حسابی سرانگشتی نشان می‌دهد که اگر در خوشبینانه‌ترین حالت، دو نفر در یک خانواده کار کنند و درآمد خالص آن‌ها 400 هزار تومان باشد؛ آنگاه سهم سبد خرج هر خانوار در هر روز تنها 13 هزار تومان است، یعنی سهم هر نفر، تنها 4 هزار تومان؛ آیا این رقم برای گذران زندگی کافی است؟ این روزها خرج و برج اکثر خانواده‌ها به گونه ای نیست که بتواند مغلوب درآمد آنها شود و یا حتی ربالی در ماه پس‌انداز داشته باشند. این روزها سبد هزینه‌ای خانوارها آنقدر دارای وزن شده است که به اصطلاح قدیمی‌ها، دخلشان به خرجشان نمی‌خورد.

حتی اگر دو نفر در هر خانواده کار کنند که به دور از پرداخت اقساط و البته اندکی خوشبینانه، ممکن است درآمدی حدود 400 هزار تومان داشته باشند؛ مگر اینکه یکی از آنها، دو شیفت کاری را مشغول باشد تا درآمدی بالاتر از این نصیب خانواده خود کند و اگر به طور متوسط این خانواده را 4 نفره حساب کنیم، سهم هر نفر در ماه 100 هزار تومان می‌شود. فارغ از کرایه رفت و آمد، هر روز یک خانواده 4 نفره باید روز خود را با 12 هزار تومان بگذرانند.

یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که اگر هر خانوار در ماه به طور متوسط دو کیلوگرم گوشت قرمز، 5 کیلوگرم گوشت مرغ، ده کیلوگرم برنج، 10 بطری شیر، 5 بسته پنیر 400 گرمی، 60 قرص نان سنگک، 10 کیلوگرم سبزی خوردن، 60 کیلوگرم میوه از قرار متوسط هر کیلوگرم 2 هزار تومان خریداری کند، به فرض اینکه حبوبات و سایر ملزومات پخت و پز را در اختیار داشته باشد، حتماً باید رقمی را پرداخت کند که قطعاً بیش از آن چیزی است که در سبد درآمدی او قرار دارد.

حذف برخی کالاها از سبد خانوارها

گفتگو با مردم نشانگر این است که گرانی‌های اخیر سبب شده است که برخی کالاها از سبد خانوارها حذف شود، البته نکته مهمتر این است که آنها کالاهایی را از سبد خود حذف می‌کنند که از جمله نیازهای ضروری یک فرد در روز به شمار می‌رود و معمولاً شیر و لبنیات را نشانه می‌رود یا برخی از کالاهایی که برای سلامتی افراد مهم هستند، ولی کمتر به آنها توجه می‌شود. یکی از مصرف‌کنندگانی که در انتظار خرید شیر است، می‌گوید: شیر گران شده است و اگر تا هفته‌های گذشته، هر یک روز در میان یک بطری شیر خریداری می‌کردم، اما حالا به دلیل گرانی لبنیات، هر سه روز یا حداکثر هفته ای دو روز شیر می‌خرم. او می‌افزاید: البته درآمد ما به گونه‌ای است که باز هم می‌توانیم همین سه بطری در هفته را خریداری کنیم، برخی‌ها را می‌شناسم که شیر و لبنیات را از سبد مصرفی خانوار خود حذف کرده‌اند؛ چراکه گران شده است.

این مصرف‌کننده می‌گوید: در ماههای گذشته، قیمت بسیاری از اقلام لبنیات افزایش یافته است، حتی این افزایش مشمول کالاهایی می‌شود که در گروه لبنیات، از اهمیت غذایی بالایی برخوردارند در حالی که حتی آن دسته از کالاهایی که شاید مصرف آنها زیاد فرقی برای سلامت نمی‌کند؛ نیز افزایش قیمت را تجربه می‌کنند، البته نه به اندازه شیر و ماست و پنیر که نیازهای روزانه افراد را تشکیل می‌دهند.

قصابان از وضعیت این روزهای بازار می‌گویند...

از یکی از قصابان در میادین میوه و تره‌بار در مورد واکنش مردم نسبت به گرانی گوشت می‌پرسم. می‌گوید: تعداد مراجعان در هفته‌های گذشته به شدت کاهش یافته است و با توجه به اینکه اقبال مردم به مرغ به دلیل افزایش قیمت کاهش یافته است، اما گوشت نیز چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد، چراکه قیمت بالا است و خانوارها توانایی خرید ندارند.

او می‌گوید: در گذشته، وقتی قیمت گوشت اندکی تغییر می‌کرد، مردم برای خرید گوشت‌هایی که با چربی و استخوان بیشتری همراه بود، مراجعه می‌کردند، اما هم اکنون زنگ هشدار به صدا درآمده است و به نظر می‌رسد دولت باید برای این فرآیند، فکری کند.

این فعال در حوزه فروش گوشت قرمز می‌گوید: قیمت گوشت قرمز باید متعادل تر شود، یا حداقل اینکه دولت قیمت مرغ را در بازار متعادل نگاه دارد تا اقلام پروتئینی از سبد مصرفی خانوارها حذف نشود.

هشدار نسبت به کاهش مصرف اقلام پروتئینی

این روزها حتی بانک مرکزی نیز در آمار خود نمی‌تواند گرانی گوشت و مرغ را پنهان کند، بر اساس گزارش این مرجع اعلام وضعیت قیمتی در بازار و تورم، بهای گوشت گوسفند کاهش یافته است، ولی قیمت گوشت تازه گاو و گوساله و گوشت مرغ افزایش را تجربه کرده است. این آمار بانک مرکزی در حالی اعلام می‌شود که بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران که در سالنامه سال 87 منتشر شده بود، خبر از این داشت که سرانه مصرف گوشت قرمز 7 کیلوگرم کاهش یافته، این در شرایطی است که امسال به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی، کشور تورم بی‌سابقه را تجربه کرده اما هم اکنون قیمت گوشت قرمز نیز به اندازه بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و بیم این می‌رود که گوشت از سبد خانوارها حذف شود.

مرغ نیز وضعیت مناسبی ندارد. آنچه که این روزهای بازار نشان می‌دهد، چندان مطلوب نیست و وضعیت مناسبی را پیش روی خریداران رقم نمی‌زند. بنابراین شاید مرغ نیز از این سبد مصرفی پر کشد و مردم کمتر بتوانند مرغ را بر سر سفره‌های خود بگذارند.

این در شرایطی است که البته ماه مبارک رمضان نیز نزدیک است و دولت قول داده است تا بازار را کنترل کند به نحوی که مردم بتوانند مایحتاج خود را به میزان مناسبی تامین کنند، اما باید تا قبل از آن هم، برای بازار فکری کرد، برای خانوارها نیز این موضوع باید به نوعی جبران شود.

اما اگر دولت به هر دلیلی نتواند بازار ماه مبارک رمضان را کنترل کند، به طور قطع مردم به دلیل افزایش قیمت مواد پروتئینی، قادر به خرید آن نیستند.

سبد هزینه یک خانوار

اگر قیمت هر کیلوگرم گوشت قرمز را 25 هزار تومان، قیمت هر کیلوگرم مرغ 5 هزار تومان، قیمت هر کیلوگرم برنج را 2500 تومان، قیمت هر

بطری روغن را 3500 تومان، قیمت هر کیلوگرم میوه را به طور متوسط 2500 تومان، قیمت هر قرص نان سنگک را 600 تومان و قیمت هر کیلوگرم سبزی خوردن را 1000 تومان در نظر گرفت، و به آن قیمت هر بطری شیر 1500 تومانی، پنیر 2400 تومانی و ماست 2000 تومانی را نیز به آن اضافه کرد، آنگاه قیمت هر سید خرید خانوار در یک ماه رقم بالایی می‌شود؛ بنابراین هشدار در رابطه با بالا رفتن قیمت کالا، زنگ خطری برای کاهش مصرف اقلامی را به صدا در می‌آورد که نبود آنها در سید غذایی خانوارها مشکلات تغذیه‌ای را رقم می‌زند و فقر ویتامین را سبب می‌شود.

هم اکنون قیمت هر کیلوگرم گوشت راسته با استخوان 16 هزار و 300 تومان، راسته بی‌استخوان 24 هزار و 700 تومان، ران پاک‌کرده 20 هزار و 900 تومان، ران کامل 21 هزار و 700 تومان، سردست 18 هزار و 900 تومان، سردست مرغوب 20 هزار و 850 تومان، قلوگاه با استخوان 10 هزار تومان، قلوگاه با استخوان 11 هزار و 350 تومان، و قیمت هر کیلوگرم گردن 14 هزار و 200 تومان است. همچنین قیمت هر کیلوگرم ماهیچه 22 هزار و 650 تومان، چرخ‌کرده مخلوط 13 هزار تومان، خورشتی 15 هزار و 500 تومان، راسته پاک کرده 16 هزار و 800 تومان، گردن گوساله 12 هزار و 500 تومان و قلوگاه گوساله 9 هزار و 900 تومان است. قیمت هر کیلوگرم مرغ منجمد 3600 تومان و هر کیلوگرم مرغ کامل 5 هزار و 200 تومان است. قیمت هر بطری روغن مایع 3200 تومان، روغن نباتی جامد 4.5 کیلویی 11 هزار و 200 تومان، رب گوجه فرنگی 2300 تومان، برنج هاشمی 2800 تومان، برنج طارم محلی 3200 تومان، شکر 800 گرمی 1200 تومان، قند شکسته 900 گرمی 1500 تومان و ماکارونی 800 تومان است.

معاون رئیس جمهور تمام معضلات ما کارگران را پاسخ داد!!

پروین محمدی

سالهاست که بیکاری امان از زندگی ما کارگران ربوده و هر روز سایه شومش را بیشتر و گسترده تر روی زندگیمان پهن میکند. روزی نیست که خبر تعطیلی کارخانه ایی را در اخبار نداشته باشیم. روزی نیست که خبر اخراج، تعدیل و بیکاری کارگران را نشنویم و در آخر روزی نیست که خبری از قراردادهای سفید امضا و حقوقهای معوقه نباشد. در این اوضاع بی سامان، روزششم تیر ماه ۹۱ در سایت ایلنا با تیتراژ درشت دیدیم که آقای رحیمی معاون اول رئیس جمهوری فرموده اند:

بدون میهمانان افغانی، آمار بیکاری کشور به صفر می‌رسد! در ادامه این خبر از قول معاون اول رئیس جمهور آمده است: "قدرت‌های بزرگ سه میلیون میهمان افغانی را بر ما تحمیل کرده‌اند، اگر این تعداد افغانی نباشند آمار بیکاری کشور به صفر می‌رسد" من به عنوان یک کارگر سوالم از آقای رحیمی این است که آیا دو سال پیش که در خبرها اعلام شد حدود پنجاه هزار کارگر در عسلویه بیکار شدند و هر روزه خبر بیکاری کارگران پیمانی پتروشیمی‌ها و پروژه‌های پارس جنوبی و عسلویه را میشنویم تقصیر کارگران افغان است و کارگران افغان جایگزین کارگران ایرانی در عسلویه شده‌اند؟ آیا دهها و صدها کارخانه ایی که در سراسر کشور تعطیل شده‌اند و یا کاهش نیرو داده‌اند و ظرفیت تولیدشان را کاهش داده‌اند و کارگران خود را اخراج و بلا تکلیف گذاشته‌اند، تقصیر این میهمانان افغان است و این کارگران در این کارخانجات مشغول کار می‌باشند؟

آیا آمار بالای بیکاری در قشر تحصیل کرده و متخصص با رده‌های بالای مدارک دانشگاهی که هر روزه در خبررسانی‌ها وجود دارد و من کارگر به عینه آن را در خانواده‌ی خود لمس میکنم و بیکاری فرزندان تحصیل کرده مان را شاهدیم، تقصیر کارگر افغان است و اینان پست‌های کلیدی و تخصصی شرکت‌ها را اشغال کرده‌اند؟ اگر چند میلیون ایرانی مهاجری که در کشورهای دیگر به سر می‌برند در کشور خودمان می‌ماندند آیا باید برای آنان کار ایجاد می‌کردند و یا این آمار هم باید به میزان بیکاری مان اضافه می‌شد؟ آیا کارگران افغان به جز در کارهای سخت ساختمانی و کوره پزخانه‌ها بدون داشتن کوچکترین حمایت قانونی با کمترین مزد و بیشترین ساعات کار در جای دیگری همچون صنایع نساجی و ماشین‌سازی و نفت و پتروشیمی و صنایع فولاد و دیگر مراکز تولیدی و آموزش و پرورش و... مشغول به کار هستند؟

پس چگونه است که شما سخن از به صفر رساندن آمار بیکاری در صورت برگشتن این میهمانان به میان می‌آورید؟ آیا در صورت برگشتن این میهمانان افغان کارگران شهاب خودرو بر سر کارشان برمیگردند؟ آیا بلا تکلیفی کارگران مخابرات راه دور شیراز با ۲۶ ماه حقوق معوقه حل خواهد شد؟ آیا کارگران صنایع فلزی ایران که زمانی ۱۲۰۰ کارگر داشت و اکنون به یک سوم آن موقع رسیده و ماههاست حقوق دریافت نکرده‌اند و آینده شغلیشان مشخص نیست حل خواهد شد؟ آیا کارگرانی که از ترس بیکاری و خانه خرابی با شنیدن خبر اخراجشان و بسته شدن کارخانه‌شان دست به خودکشی می‌زنند، امیدوار به زندگی میشوند؟ آیا تجمعات هر روزه کارگران کارخانجات و مراکز تولیدی در جلوی ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی پایان می‌آید؟ و هزاران آیای بی جواب دیگر...!

پروین محمدی

اتحادیه آزادکارگران ایران

حوادث کار سالانه جان 100 کارگر را در اصفهان می‌گیرد

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در 12 آذر ماه است: هر سال، صد نفر در استان اصفهان، بر اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می‌دهند.

بنا به همین گزارش، رئیس مرکز بهداشت اصفهان با بیان این مطلب در همایش کارشناسان بهداشت حرفه‌ای استان، افزود: با وقوع یک حادثه صنعتی علاوه بر هزینه‌های غیرقابل جبران ناشی از فوت کارگران یا نقص عضو و مصدومیت آن‌ها، هزینه‌هایی نیز به آن مجموعه تحمیل می‌شود. کمال حیدری با اشاره به لزوم توجه به ایمنی در محیط کار گفت: در محیط‌های صنعتی با وجود ماشین‌آلات و ابزار فراوان بیشتر کارگران در

معرض خطرهای گوناگون قرار دارند و با پیشرفت فناوری و افزایش کاربرد ماشین آلات در تولید نیز خطرها و احتمال بروز حوادث در این گونه محیطها افزایش یافته است.

وی ادامه داد: کارشناسان برای کنترل این قبیل حوادث، ایمنی صنعتی را توصیه می‌کنند و همان علمی است که در پیشگیری از بروز حوادث در محیط کار به یاری انسان می‌شتابد و همواره در راستای حفاظت و حراست از نیروی کار و سرمایه است. رئیس مرکز بهداشت اصفهان ارتقای بهداشت حرفه‌ای و ایمنی در کار را رکن اصلی رونق تولید ملی دانست و خاطر نشان کرد: سالانه سه درصد از جامعه به دلیل هزینه‌های درمانی از نظر اقتصادی به زیر خط فقر سقوط می‌کنند و این آمار لزوم برنامه ریزی منسجم برای کاهش تعداد تلفات و آسیب دیدگان محیط کار را در راس فهرست کاری مدیران نشان می‌دهد.

دوازدهم تیرماه 1391

تأثیر تعویق چهار ماهه حقوق کارگران شهرداری‌ها بر نظافت خوزستان

افزایش مشکلات تولید کننده در نهایت به زیان کارگران است و کارفرما برای کاهش هزینه‌های خود ناچار است نیروهای انسانی و فعال خود را اخراج کند.

ایلنا: تعویق چهار ماهه در پرداخت حقوق کارگران شهرداری‌ها، اثرات منفی بر معیشت کارگران و نظافت شهرهای استان بر جای گذاشته است.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: تعویق چهار ماهه در پرداخت حقوق کارگران شهرداری‌های استان و شرکت‌های زیر مجموعه خدمات شهری علاوه بر تضییع حقوق کارگران، اثرات مشهودی بر بهداشت و نظافت شهرهای استان بر جای گذاشته است.

او در ادامه به مسئله تعویق حقوق سایر واحدهای تولیدی و خدماتی پرداخت و افزود: بالا رفتن هزینه‌های تولید باعث شده است این واحدها با کمبود مالی مواجه شده و نتوانند از عهده مخارج و هزینه‌های کارخانه بر آیند.

آقایار حسینی فقدان نقدینگی و ورود کالاهای غیر مجاز و بی کیفیت را از دیگر مشکلات واحدهای تولید کننده عنوان کرد و افزود: افزایش مشکلات تولید کننده در نهایت به زیان کارگران است و کارفرما برای کاهش هزینه‌های خود ناچار است نیروهای انسانی و فعال خود را اخراج کند.

دبیر اجرایی خانه کارگر خوزستان در خاتمه عنوان کرد: سیاستهای غلط اقتصادی در چند سال اخیر موجب افزایش هزینه‌های زندگی طبقات ضعیف از جمله کارگران شده است.

اعتراض کارگران صنایع ریختهگری به توقف بازنشستگی پیش از موعد

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: دولت «مهرورز» و «عدالت گستر» توپ را به زمین سازمان تأمین اجتماعی پاس می‌دهد و عدم اجرای قانون بازسازی را ناشی از سهل انگاری تأمین اجتماعی می‌داند.

ایلنا: جمعی از کارگران شرکت صنایع ریختهگری ایران با امضای طوماری نسبت به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران صنایع ریختهگری ایران با امضای طوماری خطاب به رئیس کمیسیون کارگری شهرستان ساوه نسبت به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع و به تبع بازنشستگی پیش از موعد با ۲۵ سال سابقه کار معترض شدند.

در این نامه که یک نسخه‌ای از آن در اختیار ایلنا قرار گرفته است آمده است: همانگونه که استحضار دارید قانون بازسازی و نوسازی صنایع مصوب مجلس شورای اسلامی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی به مرحله اجرا درآمد که خیل عظیمی از کارگران زحمتکش ایران اسلامی که سالها در سنگر تولید مشغول خدمت بودند از مزایای آن بهره‌مند شدند.

در ادامه این نامه افزوده شده است: بدلیل تأخیر در تنظیم و تصویب برنامه پنجم توسعه اقتصادی ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع برای مدت یکسال دیگر از سوی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تصویب گردیده است.

این کارگران همچنین با بیان اینکه اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی در قانون برنامه پنجم توسعه نیز مصوب شده است تصریح کردند: در برنامه چهارم دولت مکلف و در برنامه پنجم مخیر به اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده است.

در ادامه نامه کارگران صنایع ریختهگری آمده است: علی‌رغم پیگیری‌های مستمر جامعه کارگری کشور اعم از کارگران، نهادهای و تشکلات کارگری، اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع متأسفانه تاکنون محقق نشده و هیچگونه نتیجه‌ای حاصل نشده است، این در حالیست که بالاتکلیفی و سرگردانی خیل عظیمی از کارگران که حائز شرایط برخورداری از قانون بازسازی و نوسازی صنایع می‌باشند را در بر داشته است.

به گفته کارگران صنایع ریختهگری ایران، سازمان تأمین اجتماعی عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع را ناشی از عدم همکاری معاونت پشتیبانی دولت دانسته است.

این کارگران با تأکید بر وظیفه قانونی دولت مبنی بر پرداخت سهم خود، خاطر نشان کردند: دولت «مهرورز» و «عدالت گستر» توپ را به زمین سازمان تأمین اجتماعی پاس می‌دهد و عدم اجرای قانون بازسازی را ناشی از سهل انگاری تأمین اجتماعی می‌داند تا آنجا که منجر به تغییر مدیریت کلان سازمان شده است.

در خاتمه این نامه، کارگران خواستار تسریع در اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده و افزوده‌اند: اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع منجر به بازنشستگی خیل عظیمی از کارگران زحمتکش با سوابق طولانی و جایگزینی بیکاران و جوانان جویای کار کشور خواهد شد.

قطع دست جوان کارگر و مجروح شدن دو کارگر ساختمانی

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا به نقل از خبرگزاری دولتی مهر آمده است: دست کارگر جوانی در میان چرخ گوشت صنعتی قطع شد و دو کارگر ساختمانی دیگر در پی ریزش ساختمان قدیمی مجروح شدند.

به گزارش مهر، کارگر ۱۸ ساله که سجاد - م نام دارد درحالی که در آشپزخانه مشغول تمیز کردن چرخ گوشت بزرگ آشپزخانه بود در اثر بی احتیاطی دچار حادثه شد و ناگهان دست چپ وی به داخل چرخ گوشت فرو رفت. این شخص تنها یک هفته بود که به عنوان کارگر در این مکان مشغول کار بود. علت وقوع این حادثه عدم رعایت موازین ایمنی به هنگام کار اعلام شده و در این حادثه تمام دست این پسر جوان تا مچ به طور کامل قطع و دچار لهدگی شد.

در حادثه‌ای دیگر ۲ کارگر ساختمانی به هنگام تخریب ساختمان قدیمی در زیر آوار مدفون شدند. در این حادثه عده‌ای از کارگران مشغول تخریب یک ساختمان ۳ طبقه به مساحت ۱۲۰ متر مربع بودند که ناگهان بخشی از آن بر روی کارگران فرو ریخت.

به گفته شاهدان، به هنگام ریزش آوار کارگران به سرعت از محل گریختند ولی دو نفر از آن‌ها موفق به فرار نشده و زیر خروارها سنگ و آجر مدفون شدند.

رئیس ایستگاه ۳۱ آتش نشانی علت وقوع این حادثه را تخریب غیر اصولی ذکر کرد و افزود: آتش نشانان با استفاده از برانکار این دو کارگر را که به شدت دچار مصدومیت شده بودند به بیرون از محل تخریب منتقل کرده و سپس برای اعزام به مرکز درمانی تحویل عوامل اورژانس دادند.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

• بخش ب ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: ایمنی و بهداشت محیط کار به رسمیت شناخته شود.

امنیت شغلی ۱۶۰۰ کارگر لاستیک پارس تهدید می‌شود

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: یک فعال کارگری در ساوه اعلام کرد: پرداخت جرایم سنگین زیست محیطی کارخانه لاستیک سازی پارس (پیروزی) را در آستانه تعطیلی قرار داده است.

مهدی زمانی با اشاره به اینکه فشارهای سازمان محیط زیست باعث افزایش مشکلات کارخانه لاستیک پارس شده است، به ایلنا گفت: طی دو سال گذشته کارخانه لاستیک پارس از سوی سازمان محیط زیست مبلغ زیادی جریمه شده است و این در حالیست که پرداخت چنین جریمه سنگینی باعث تعطیلی کارخانه خواهد شد.

دبیر اجرایی خانه کارگر ساوه و زرنديه نسبت به تهدید امنیت شغلی ۱۶۰۰ کارگر این واحد تولیدی هشدار داد و افزود: عمده مشکلات این کارخانه علاوه بر تحریم‌ها و به تبع کمبود مواد اولیه، فشارهای سازمان محیط زیست است.

او گفت: طبق اظهارات مدیر عامل کارخانه لاستیک پارس، این واحد تولیدی در راستای رعایت اصول زیست محیطی و کاهش آلاینده‌های موجود در چرخه حیات صنعتی، فعالیت‌های عمده‌ای داشته است و هم اکنون با رفع همه مشکلات زیست محیطی به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

زمانی در خاتمه از مسئولان خواست با رفع مشکلات و تعدیل جرائم زیست محیطی کارخانه لاستیک پارس مانع تهدید امنیت شغلی کارگران در شرایط سخت و بحرانی تولید کشور شوند.

تعطیلی کارخانه آرد و نیمه تعطیلی قند یاسوج

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: نماینده بویراحمد و دنا در مجلس نهم از تعطیلی کارخانه آرد و گلوکز و نیمه فعال بودن کارخانه قند یاسوج در مرکز کهگیلویه و بویراحمد اظهار نگرانی کرد. غلام محمد زارعی در این زمینه به ایلنا گفت: جهت رفع مشکلات این واحدهای تولیدی تاکنون دو نشست با مسوولان مرتبط در وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت برگزار کرده‌ایم.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با بیان اینکه جایگاه صنعت و معدن در استان کهگیلویه و بویراحمد قابل قبول نیست، تاکید کرد: با توجه به استعدادها و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل در بخش صنعت و معدن نمی‌بایست این استان جایگاه نازل کنونی را داشته باشد.

زارعی افزود: ما از وضعیت کنونی صنعت و معدن در این استان بویژه در حوزه بویراحمد و دنا راضی نیستیم و یقین بدانید که برای ارتقای آن از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد. او نبود سرمایه گذار بخش خصوصی را مهم‌ترین مانع رونق بخش صنعت و معدن عنوان و اظهار داشت: ضعف‌های مدیریتی نیز از دیگر عوامل نامناسب بودن جایگاه صنعت و معدن کهگیلویه و بویراحمد در کشور است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی افزود: اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و آگذاری امور به بخش خصوصی تاکنون در کهگیلویه و بویراحمد نتوانسته موفق شود زیرا که شرایط رقابت و یا سرمایه گذاری مانند استان‌های بزرگ کشور در این استان فراهم نشده است.

زارعی، از انجام اقدامات مناسب در چند ماهه اخیر جهت ارتقای صنعت و معدن کهگیلویه و بویراحمد خبر داد و بیان داشت: برغم اینکه مصوبات خوبی در سفرهای استانی ریاست جمهوری بویژه سفر چهارم به این استان در بخش صنعت و معدن مصوب شده اما دلیل نبود سرمایه گذاران بخش خصوصی این پروژه‌ها نیز با مشکلاتی روبرو شده‌اند.

وی گفت: جز یکی دو پروژه که یکی از آن‌ها کارخانه «فرآوری بلوط وکیلی» است سایر پروژه‌ها باید تعیین تکلیف شوند. نماینده بویراحمد و دنا در مجلس نهم شورای اسلامی از نشست‌های مستمر خود با مسوولان وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت خبر داد و خاطر نشان کرد: از وزیر و معاونین ایشان خواهش می‌کنیم برای تعیین تکلیف پروژه‌های سفر ریاست جمهوری یا به کهگیلویه و بویراحمد سفرهایی داشته باشند و یا با نمایندگان استانی نشست‌های مستمری در تهران داشته باشند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس نهم شورای اسلامی افزود: سهم ما در صنعت کشور سهم بسیار ناچیزی است و ظرفیت‌های اسمی موجود نیز بسیار ناکافی است.

۵۰ درصد از کارگران دچار بیکاری پنهان شده‌اند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: به دلیل افزایش بی‌سابقه تورم در حال حاضر ۵۰ درصد از کارگران کشور دچار بیکاری پنهان شده‌اند.

عبدالله مختاری در گفتگو با خبرنگار ایلنا از افزایش تورم سبب هزینه خانوار کارگری از ابتدای سال جاری تا کنون خبر داد و خاطر نشان ساخت: نرخ تورم سبب هزینه خانوار کارگری بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است و کارگران قادر به تامین هزینه‌های اصلی زندگی خود

نیستند. ۵۰ درصد از کارگران دچار بیکاری پنهان شده‌اند و با بیان اینکه دستمزد کارگران تنها ۵۰ درصد از هزینه‌های اصلی زندگی آن‌ها را تامین می‌کند، یاد آور شد: کارگران برای تامین مایحتاج ضروری زندگی خود مجبور هستند که در سه شیفت فعالیت کنند. عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران از افزایش تعداد واحدهای بحرانی در کشور خبر داد و افزود: تعداد واحدهای بحرانی به دلیل عدم تامین نقدینگی رو به افزایش است و کارفرمایان قادر به پرداخت حقوق معوقه کارگران نیستند. به گفته مختاری هم اکنون هزینه مربوط به اجاره و یا خرید مسکن از جمله مهم‌ترین اقلام در سبب معیشت خانوار کارگری تلقی می‌شود که ۲۵ تا ۴۰ درصد از کل هزینه‌های کارگران را در ماه تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن اقلام کلیدی دیگری نیز در سبب هزینه‌های کارگران مطرح است که می‌توان به هزینه‌های مربوط به تامین اقلام خوراکی، پوشاک، حمل و نقل، بهداشت و درمان، تحصیل خود و فرزندان در مراحل بعدی مسافرت‌های تفریحی و زیارتی و مواردی از این دست اشاره کرد.

مختاری با تاکید بر اینکه در حال حاضر بسیاری از مدیران واحدهای تولیدی در بخش خصوصی و دولتی هزینه‌های مربوط به نیروی انسانی و دستمزد کارگران را به عنوان هزینه سربار تلقی می‌کنند، گفت: هر زمانی که این دیدگاه تغییر یابد و مدیران هزینه‌های نیروی انسانی را سرمایه بنگاه بدانند؛ پیشرفت‌های سریعی در کشور اتفاق می‌افتد.

کشته شدن یک معدن‌کار ۴۰ ساله در زرنند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: پیش از ظهر دیروز کارگر ۴۰ ساله معدن زغال سنگی در شهرستان زرنند کرمان بر اثر گازگرفتگی کشته شد. به گزارش خبرنگار ایلنا در زرنند، علی میرزاییگی دادستان زرنند با تایید این خبر گفت: پیکر نیمه جان این کارگر شرکت معدن جو توسط همکارانش از معدن شماره ۲ خارج شد و در راه بیمارستان جان باخت. همچنین رئیس اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان زرنند نیز از اعزام بازرسان کار جهت بررسی وقوع حادثه خبر داد. گفتنی است شرکت معدن جو با ۶۰۰ کارگر در فاصله ۶۰ کیلومتری شهرستان زرنند واقع شده است. اخبار تکمیلی متعاقبا ارسال خواهند شد.

کارخانه‌ها به نشانه اعتراض سوت می‌کشند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: رییس خانه صنعت و معدن ایران با بیان اینکه، بهره بانکی برای بخش تولید و صنعت باید به کمتر از ۷ الی ۸ درصد کاهش یابد، اعلام کرد: به نشانه اعتراض نسبت به تصمیم شورای پول و اعتبار مبنی بر افزایش بهره بانکی از یازده درصد به ۲۱ درصد در روز ۲۵ تیرماه به مدت یک دقیقه سوت تمام کارخانجات به صدا در خواهد آمد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، هادی غنیمی فرد در مراسم روز ملی صنعت و معدن با تاکید بر اینکه پول و منابع مالی باید به دست تولید کننده داده شود تا به ازای آن ارزش افزوده در اقتصاد کشور ایجاد شود گفت: از نمایندگان مجلس تقاضا داریم که به وضعیت نرخ‌های بانکی رسیدگی کنند چرا که در غیر این صورت دیگر برای انتخابات به آن‌ها رای نمی‌دهیم. وی تصریح کرد: به شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی، ۱۵ روز مهلت داده می‌شود که نرخ بهره را به صورت گذشته بازگردانند وگرنه خودمان اقداماتی را انجام می‌دهیم. غنیمی فرد خاطر نشان کرد: ما از دولت حمایت نمی‌خواهیم تنها موانع ایجاد کرده را رفع کنند. |

نیمی از جمعیت اصفهان کارگرند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۲ آمده است: وجود بیش از ۹۰۰ هزار کارگر بیمه شده در استان نشان می‌دهد نیمی از جمعیت اصفهان کارگر هستند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، مدیرکل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان با بیان این مطلب در همایش کارشناسان بهداشت حرفه‌ای گفت: افزون بر هشت هزار واحد تولیدی در اصفهان، بیش از ۱۰ نفر کارگر دارند که این شرایط، استان را به یک قطب صنعتی و کارگری تبدیل کرده است.

غلامعلی قادری با اشاره به دو ماده از قانون کار، یادآور شد: دولت مکلف است که خدمات بهداشتی و درمانی را برای کشاورزان، کارگران و خانواده‌های آن‌ها که مشمول قانون کار هستند را پیش‌بینی کند.

وی با اشاره به نامگذاری سال جاری به نام تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی تصریح کرد: با توجه به اظهارات رهبر معظم انقلاب، اگر حوزه اقتصادی کشور، به درستی درمان شده و پیشرفت کند، دیگر موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود به خود حل می‌شود. قادری از تهیه برنامه‌های این اداره کل در سال تولید ملی خبر داد و گفت: بخش برون‌سازمانی نیز قسمت‌هایی را شامل می‌شود که یا مرتبط با موضوع هستند یا اینکه موضوع به آن اداره برمی‌گردد.

وی به بخشی دیگر که به صورت مستقیم با اداره مرتبط بوده اشاره کرد و ادامه داد: این بسته شامل ۲۷ هدف کلی است و حوزه‌هایی از قبیل اشتغال، روابط کار، تعاون، که در حال حاضر به مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت بهداشت کار محول شده است. قادری با اشاره به اهمیت نیروی انسانی تصریح کرد: نیروی انسانی زمانی می‌تواند رسالت خود را به خوبی اجرایی کند که سالم و با نشاط باشد.

کارگران زندانی باید بدون قید و شرط آزاد شوند!

کارگران، تشکل‌های کارگری و نهادهای مدافع حقوق بشر! مردم شریف و آزادی خواه!

بیش از دو هفته از تهاجم گسترده و سازمان یافته ده‌ها مامور امنیتی و انتظامی به مجمع عمومی ششم کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری می‌گذرد. تهاجمی که بر اثر آن، حاضرین در این نشست کارگری، به شدیدترین شکل ممکن، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و سپس به زندان کرج انتقال داده شدند. اگر چه بسیاری از بارداشت شده گان آزاد شده‌اند، اما هنوز تعدادی از دوستان ما در زندان شهرهای کرج و رشت، محبوس هستند.

در سال‌های اخیر سرکوب کارگران و رهبران کارگری در ایران به امری مرسوم از سوی مقام‌های امنیتی و قضایی تبدیل شده و تعداد زیادی از فعالین کارگری به اتهام‌های واهی امنیتی، زندانی شده‌اند. کشتار کارگران خاتون آباد کرمان در سال ۸۲، حمله به مراسم اول ماه

مه سقز در سال ۸۳، هجوم گسترده به اعضای سندیکای واحد تهران در سال ۸۴، بازداشت بیش از صد نفر در مراسم روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران در سال ۸۸ و محکومیت اعضای تشکل های کارگری در شهرهایی مانند تهران، تبریز، هفت تپه و سندانج، از نمونه های بارز این تهاجم گسترده در ده سال گذشته بوده است. بدون شک یورش به مجمع عمومی ششم کمیته هماهنگی در روز جمعه ۲۶ خرداد سال جاری، بخشی از تعرض همه جانبه حاکمیت سرمایه داری ایران به جنبش کارگری است. حاکمیتی که پاسخی جز سرکوب در برابر اعتراض های کارگری برای دستیابی به خواسته ها و مطالبات شان ندارد.

کمیته هماهنگی بیش از هفت سال پیش و در شرایطی که تشکل های مستقل و خود ساخته کارگران، اجازه فعالیت نداشت؛ در آستانه اول ماه مه ۱۳۸۴، با فراخوان هیئت موسس و با امضای حدود شش هزار نفر کارگر، اعلام موجودیت کرد. ما بر اساس وظایفی که در اساس نامه کمیته هماهنگی آمده، حق طبیعی و مسلم خود می دانیم که علاوه بر این، وجود مقابله های ۸۹ و ۹۸ بین المللی کار در زمینه تشکل های کارگری و تشویق به ایجاد تشکل های مستقل کارگری نماییم. علاوه بر این، وجود مقابله های ۸۹ و ۹۸ بین المللی کار در زمینه تشکل های کارگری و اصول ۱۳۱، ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون اساسی ایران، حقانیت ما را برای ادامه فعالیت در راستای آگاه گری کارگران، به اثبات می رساند. هم چنین ما در سال ۱۳۸۸ و بر اساس رای مجمع عمومی پنجم کمیته هماهنگی، تقاضای ثبت این تشکل را از اداره کار نموده ایم. اکنون باید از مقام های مسئول پرسید که با توجه به اینکه دولت ایران مقابله های بین المللی کار را امضا نموده، چرا به آن پایبند نیست؟ چرا دولتی که همواره مدعی دفاع از حقوق محرومان از شاخ افریقا گرفته تا آمریکای لاتین بوده، جوابگوی دستمزد زیر خط فقر و اخراج سازی و ده ها مصیبت دیگر کارگران کشور خود نیست؟ آیا پاسخ تقاضای اعضای کمیته هماهنگی از اداره کار برای در اختیار گذاشتن سالن برگزاری مجمع عمومی، ضرب و شتم سيعانه و بازداشت است؟ چرا در حالی که دولت ایران همیشه در حال گفتگو با بسیاری از دولت ها بر سر مناقشات مختلف است، تحمل شنیدن صحبت های جمعی از فعالین کارگری و نماینده گان کارگران را ندارد؟ بنابراین ما اعضای کمیته هماهنگی اعلام می کنیم که اگر دفاع از حقوق های معوقه و دستمزد های ناعادلانه و ناچیز کارگران، افشای سیاست های ضد کارگری سرمایه داران و حمایت از تشکل یابی کارگران، جرم است، پس همه ی ما مجرمیم! اگر دفاع از کرامت انسانی و حرمت و شخصیت اجتماعی کارگران، جرم است، چرا آن را به صراحت اعلام نمی کنند؟! اگر کمیته هماهنگی به اعتقاد مقام های امنیتی، غیر قانونی است، چرا تاکنون هیچ نهاد قضایی و دادگاه صالحه ای، این تشکل را غیر قانونی اعلام نکرده است؟ ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، بار دیگر تهاجم به مجمع عمومی ششم خود را محکوم کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط اعضای کمیته هماهنگی و دیگر کارگران زندانی هستیم. هم چنین ما خود را محق می دانیم که از هر طریق ممکن برای آزادی دوستان خود و همه ی کارگران زندانی، تلاش کنیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۱۲ تیر ۱۳۹۱

زمین های خوب مسکن مهر برای «نهادهای نظارتی»؛ زمین های نامناسب و خارج از شهرها برای مردم عادی

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در ۱۳ تیر آمده است: یک نماینده مجلس خبر داد که زمین های خوب مسکن مهر به «ادارات نظارتی» واگذار شده و در عوض، مسکن مهر مردم عادی در «جاهای پست و خارج از شهرها و مکان های نامناسب» در نظر گرفته شده است. به گزارش کلمه، نادر قاضی پور نماینده ارومیه با اعلام اینکه بهترین زمین های مسکن مهر به ادارات نظارتی واگذار شده است، به خانه ملت گفت: پروژه های مسکن مهر برای مردم عادی در جاهای پست و خارج از شهرها و مکان های نامناسب احداث شده است، در حالی که قرار بود این پروژه در بافت های فرسوده ایجاد شود. وی با یادآوری اصل ۳۱ قانون اساسی به وزیر راه و شهرسازی، از وی پرسید: چقدر از پروژه مسکن مهر برای روستاییان اختصاص داده شده است؟ آیا مسکن روستاییان مورد بازسازی قرار گرفته است و آیا میزان اختصاص پروژه های مسکن مهر به روستاییان در حد یک درصد بوده است؟

قاضی پور با بیان این که بیش از نیمی از کارگران حتی یک متر مربع هم مسکن ندارند، اظهار داشت: بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی که باید از حداقل رفاه برخوردار باشند از سال ۸۹ توسط وزارتخانه راه و شهرسازی رها شده است. وی با انتقاد از اینکه در سال تولید ملی، اجاره مسکن در سراسر ایران به شکل سرسام آوری افزایش یافته است، گفت: این امر دیگر ربطی به تحریم ها ندارد این در حالی است که تنظیم بازار عرضه و تقاضا مسکن همچنین اجاره بها به عهده وزارتخانه شما است. این نماینده مجلس از ارائه نشدن امکانات رفاهی در پروژه های مسکن مهر نیز سخن به میان آورد و گفت: تعدادی از این پروژه ها حتی فاقد آب شرب هستند و سیستم تصفیه فاضلاب برای آنها راه اندازی نشده است.

آزادی دو تن از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، مسعود سلیمپور و سیروس فتحی دو تن از فعالین کارگری دستگیر شده در جریان برگزاری مجمع عمومی این کمیته، در روزهای شنبه و یکشنبه از زندان آزاد شده اند. میترا همایونی، سعید مرزبان، مازیار مهرپور، فرامرز فطرت نژاد، علیرضا عسگری، ریحانه انصاری و جلیل محمدی از دیگر فعالین کارگری بازداشت شده هستند که همچنان در زندان های لاکان رشت و گوهردشت زندانی می باشند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در اطلاعیه خود خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط دیگر دستگیر شده گان و نیز کلیه کارگران زندانی گردیده است. در راستای حمایت از کارگران زندانی، تاکنون واکنش های بسیاری در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. در همین راستا روز یکشنبه گروهی از کارگران، فعالین کارگری، تشکل های امضاءکننده حمایت از کارزار علیه دستگیری کارگران و اعضای کمیته هماهنگی با قرار قبلی در پارک کودک سندانج جمع کردند. در این مراسم بیانیه ای در حمایت از کارزار قرانت گردید و با شعار «کارگر زندانی آزاد باید گردد» شرکت کنندگان مراسم پایان یافت.

فرامرز فطرت نژاد آزاد شد

بر اساس گزارش رسیده به سایت کمیته هماهنگی ... در 13 تیر آمده است: روز سه‌شنبه ۱۳ تیر ماه، فرامرز فطرت نژاد از فعالین کارگری دستگیر شده در شهر کرج با قرار کفالت ۳۰ میلیون تومانی از زندان لاکان رشت آزاد شد. لازم به ذکر است که روز شنبه ۱۰ تیر ماه، مسعود سلیمپور با قرار کفالت ۲۰ میلیون تومان و روز یکشنبه ۱۱ تیر ماه سیروس فتحی با قرار کفالت ۳۰ میلیون تومان و همچنین روز دوشنبه ۱۲ تیر ماه، میترا همایونی و سعید مرزبان با قرار کفالت ۳۰ میلیون تومان از زندان لاکان رشت آزاد شدند. از ۹ نفر بازداشت شده هنوز مازیار مهرپور در زندان لاکان رشت به سر می‌برد و از وضعیت علیرضا عسگری، ریحانه انصاری و جلیل محمدی در زندان کرج خبری در دست نیست. کمیته هماهنگی ضمن تبریک آزادی فرامرز فطرت نژاد، بار دیگر دستگیری فعالین کارگری را محکوم و خواستار آزادی بدون قید و شرط آنان می‌باشد. سه شنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۱

آزادی فعالین کارگری به قید کفالت

روز یکشنبه ۱۱ تیر مسعود سلیمپور یکی از شش فعال کارگری در بند در زندان لاکان رشت، به قید کفالت ۲۰۰ میلیون ریالی آزاد شد و متعاقب آن در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه تیر ماه سیروس فتحی، سعید مرزبان و میترا همایونی هر کدام با قید کفالت ۳۰۰ میلیون ریالی آزاد شدند. لازم به ذکر است که آزادی این فعالین کارگری با حضور و استقبال خانواده و جمعی از دوستان آنها صورت پذیرفت. سه شنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۱

هزینه مسکن در سبد هزینه خانوار کارگری بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ 13 تیر آمده است: علیرضا حیدری عضو کمیته مزد "خانه کارگر" با اعتراف به اینکه تورم موجب افزایش بیش از ۵۰ درصدی هزینه مسکن در سبد هزینه خانوارهای کارگری گردیده است، گفت: "افزایش افسار گسیخته نرخ تورم طی چهار ماه نخست سال جاری موجب افزایش ۶۰ درصدی هزینه اقلام مصرفی خانوارهای کارگری شده و تمامی دستمزد کارگران باید صرف هزینه اجاره بهای مسکن در کلان شهرها شود".

وی روند وخامت اوضاع اقتصادی را هشدار داده و گفت: "در صورتی که دولت از افزایش تورم افسار گسیخته جلوگیری نکند باید منتظر واکنش‌هایی از سوی کارگران و طبقه متوسط جامعه باشد".

افزایش هزینه‌های مسکن برای کارگران در حالی‌ست که به‌گفته‌ی ولی‌الله صالحی مشاور کانون عالی شوراهای اسلامی کار، دولت به بهانه‌ی اجرای طرح مسکن مهر از افزایش کمک هزینه مسکن کارگری جلوگیری می‌کند. به‌گفته‌ی وی به مدت شش سال است که نرخ کمک هزینه مسکن کارگری از ۱۰ هزار تومان تغییری نکرده است.

در حالی که کارگران تنها ماهیانه ۱۰ هزار تومان کمک هزینه مسکن دریافت می‌کنند، مجلس اسلامی در بودجه سال ۹۱ برای هر نماینده‌ی مجلس ۱۰۰ میلیون تومان کمک هزینه مسکن تصویب کرده است و تازه این مبلغ مورد اعتراض آن‌ها بوده و خواهان اختصاص مبلغ بیشتری می‌باشند. به‌گزارش خبرگزاری دولتی مهر و به نقل از "علیلو" نماینده شیبستر در این مجلس ارتجاعی، برخی از نماینده‌گان مجلس نهم معتقد هستند که ۱۰۰ میلیون تومان با توجه به افزایش اجاره بها برای تهیه مسکن کافی نمی‌باشد و برای همین مجلس در حال پیگیری موضوع است!!

روز گذشته خبرگزاری دولتی ایسنا، گزارشی در مورد وضعیت اجاره‌ی مسکن و انفجار قیمت‌ها در این بخش منتشر نمود. در این گزارش با بیان این که در برخی موارد شاهد افزایش ۲ برابری نرخ اجاره بها هستیم از ناتوانی دولت و عدم کارایی طرح تعزیرات برای کنترل اجاره بها سخن به میان آمده است.

سبد هزینه خانوار کارگری بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایسنا در 13 تیر آمده است: دهقان کیا عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با اعتراف به این‌که نرخ سبد هزینه خانوار کارگری بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است، گفت: "دستمزد کارگران فقط نیاز ۱۰ روز خانوار کارگری را تامین می‌کند".

به‌گفته‌ی وی در اثر تشدید بحران در واحدهای تولیدی هم اکنون کارگران واحدهای نساجی، صنایع لبنی، قطعه‌سازی، مواد غذایی، صنایع فلزی و پیمانکاران صنایع برق ایران، ماه‌هاست که برای دریافت مطالبات معوقه خود تلاش می‌کنند. وی گفت: "در حال حاضر ۷۰ درصد کارگران زیر ۵۰ درصد خط فقر روزگار می‌گذرانند".

افزایش فقر و بیکاری و ترس رژیم از واکنش کارگران و زحمت‌کشان، در روزهای اخیر واکنش‌های بسیاری را در روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های حکومت اسلامی بدنبال داشته است. جمهوری اسلامی که از حل و یا حتا کاهش وخامت اوضاع ناتوان می‌باشد، تنها راه را افزایش سرکوب و تنش‌های داخلی و خارجی می‌داند. افزایش اعدام‌ها به‌ویژه اعدام در ملاعام، دستگیری کارگران پیشرو، جنجال‌های تبلیغاتی در مورد تحریم‌های نفتی، برگزاری مانور نظامی و تهدید به بستن تنگه هرمز همه در همین راستا معنا می‌یابند.

جان باختن یک کارگر دیگر در اثر طمع سرمایه‌داران

روز جمعه ۱۱ تیرماه مهدی گلستانی کارگر ۴۰ ساله‌ی «معدن جو» واقع در ۶۰ کیلومتری شهر زرنند در اثر طمع سرمایه‌داران جان خود را متاسفانه از دست داد. در این معدن ۶۰۰ کارگر مشغول به کار هستند.

وی در اثر گاز گرفتگی در عمق ۱۰۰ متری زمین جان خود را در حالی از دست داد که هنگام حادثه دستگاه تهویه خاموش بوده است. رواقی رئیس کانون هماهنگی شورای اسلامی کرمان با اعتراف به افزایش حوادث ناشی از کار در معدن که اکثر آنان به مرگ کارگر ختم می‌شود گفت: «برخی از کارفرمایان برای کسب منافع شخصی بیشتر مسائل فنی و ایمنی را رعایت نمی‌کنند».

بهموازات تشدید وخامت اوضاع اقتصادی و افزایش بیکاری و نیز بی‌حقوقی سیاسی و اجتماعی کارگران، حوادث ناشی از کار نیز سیر صعودی خود را ادامه می‌دهد. در سمینار آموزش ایمنی در ساختمان که در روزهای گذشته در شهر سنندج برگزار شد، رضا غلام نیا، عضو هیات علمی دانشگاه بهشتی (ملی سابق) گفت: «وجود کارگران بی‌سواد و کم‌سواد، نبود دانش کافی ایمنی، نبود منابع مالی کافی برای بکارگیری تجهیزات ایمنی، وجود مهارتهای کم بخصوص در اتخاذ رفتارهای ایمن از جمله مواردی است که وقوع حوادث و کاهش ایمنی را بخصوص در حوزه ساختمان سازی افزایش داده است». سخنان رضا غلام‌نیا بیان پوشیده‌ی این واقعیت است که سرمایه‌داران برای کسب سود بیشتر ضمن خودداری از ارائه‌ی آموزش‌های لازم به کارگران برای حفظ ایمنی و کسب مهارت در حین کار، از خرید و تامین لوازم ایمنی مناسب نیز خودداری می‌کنند.

در این سمینار اعلام شد که ۶۶ درصد کل حوادث ناشی از کار در بخش ساختمان روی می‌دهد.

کاهش 40 درصدی تولید خودرو در سال جاری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 13 تیر آمده است: عضو انجمن قطعه سازان اعلام کرد: در حال حاضر نقدینگی قطعه‌سازان به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است، به تبع آن تولیدکنندگان در شرایط نامناسبی قرار دارند. محمدرضا نجفی‌منش در گفتگو با ایلنا به وضعیت قطعه‌سازان و خودروسازان اشاره کرد و گفت: به واسطه شرایط ایجاد شده، طبق آمار موجود میزان تولید خودرو در سه ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته بین 30 تا 40 درصد کاهش یافته است. وی همچنین با انتقاد از قیمت‌گذاری دستوری دولت در بازار، اعلام کرد: قیمت خودرو باید در حاشیه بازار تعیین شود تا امکان رقابت پذیری داشته باشد. دولت نباید در قیمت‌گذاری در بازار دخالت کند.

به گفته نجفی‌منش، اگر دولت پایش را از قیمت‌گذاری بازار خودرو بیرون بکشد، بازار به شرایط تعادلی می‌رسد.

قراردادهای کار سفید امضا غیرقانونی ولی رایج است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 13 تیر آمده است: قراردادهای کار سفید امضا خیانت به کارگران است دبیر اجرایی خانه کارگر تاجیکستان معتقد است افزایش قراردادهای سفید امضاء و کوتاه مدت در واحدهای تولیدی باعث گسترش بیکاری شده است. اسدالله محمد خانلو با بیان اینکه قراردادهای کوتاه مدت یک الی دو ماهه و سفید امضاء امنیت شغلی کارگران را از بین برده است، به ایلنا گفت: طبق ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی انعقاد قراردادهای سفید امضاء از کارگران و سوء استفاده از آنان جرم محسوب شده و این عمل کارفرمایان علاوه بر اینکه جرم است، بلحاظ انسانی خیانت به کارگران است.

این فعال کارگری در ادامه با انتقاد نسبت به از دست رفتن اشتغال موجود و افزایش بیکاری اظهار داشت: به دلیل ترویج قراردادهای سفید‌امضاء در مشاغل انسانی هیچ یک از موارد امنیتی اشتغال رعایت نمی‌شود و با سوء استفاده از آنان به نوعی دوران برده داری مجدداً احیاء می‌شود. محمد خانلو با اشاره به افزایش بیکاری‌ها و به تبع آن گسترش جرائم و تخلفات اجتماعی، هشدار داد: بسیاری از کارگران بیکار و جویندگان کار تحصیلکرده به دلیل اینکه اشتغال مناسبی ندارند برای تامین معاش خانواده خود دست به کاری می‌زنند که در شان نیروی کار مولد نیست.

اعتراض کارگران صنایع ریخته‌گری به توقف بازنشستگی پیش از موعد

به نوشته سایت آفتاب در سه شنبه 13 تیر آمده است: جمعی از کارگران شرکت صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری نسبت به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری خطاب به رئیس کمیسیون کارگری شهرستان ساوه نسبت به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع و به تبع بازنشستگی پیش از موعد با ۲۵ سال سابقه کار معترض شدند.

در این نامه که یک نسخه‌ای از آن در اختیار ایلنا قرار گرفته است آمده است: همانگونه که استحضار دارید قانون بازسازی و نوسازی صنایع مصوب مجلس شورای اسلامی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی به مرحله اجرا درآمد که خیل عظیمی از کارگران زحمتکش ایران اسلامی که سال‌ها در سنگر تولید مشغول خدمت بودند از مزایای آن بهره‌مند شدند.

در ادامه این نامه افزوده شده است: بدلیل تأخیر در تنظیم و تصویب برنامه پنجم توسعه اقتصادی ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع برای مدت یکسال دیگر از سوی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تصویب گردیده است.

این کارگران همچنین با بیان اینکه اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی در قانون پنجم توسعه نیز مصوب شده است تصریح کردند: در برنامه چهارم دولت مکلف و در برنامه پنجم مخیر به اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده است.

در ادامه نامه کارگران صنایع ریخته‌گری آمده است: علی‌رغم پیگیری‌های مستمر جامعه کارگری کشور اعم از کارگران، نهادهای و تشکلات کارگری، اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع متأسفانه تاکنون محقق نشده و هیچگونه نتیجه‌ای حاصل نشده است، این در حالیست که بلا تکلیفی و سرگردانی خیل عظیمی از کارگران که حائز شرایط برخورداری از قانون بازسازی و نوسازی صنایع می‌باشند را در بر داشته است.

به گفته کارگران صنایع ریخته‌گری ایران، سازمان تأمین اجتماعی عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع را ناشی از عدم همکاری معاونت پشتیبانی دولت دانسته است.

این کارگران با تأکید بر وظیفه قانونی دولت مبنی بر پرداخت سهم خود، خاطر نشان کردند: دولت «مهرورز» و «عدالت گستر» توپ را به زمین سازمان تأمین اجتماعی پاس می‌دهد و عدم اجرای قانون بازسازی را ناشی از سهل انگاری تأمین اجتماعی می‌داند تا آنجا که منجر به تغییر مدیریت کلان سازمان شده است.

در خاتمه این نامه، کارگران خواستار تسریع در اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده و افزوده‌اند: اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع منجر به بازنشستگی خیل عظیمی از کارگران زحمتکش با سوابق طولانی و جایگزینی بیکاران و جوانان جویای کار کشور خواهد شد.

امتناع دو بیمارستان از پذیرش کارگر مصدوم

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: شامگاه ۲۲ خرداد سال جاری، یکی از حوادث تلخ جامعه کارگری در شهرستان قرچک از توابع تهران رقم خورد که منجر به قطع پای یک کارگر خدمات شهری شد. به گزارش ایلنا، احمد خدری، کارگر ۴۱ ساله یکی از شرکت‌های تامین منابع انسانی شهرداری قرچک به دلیل بی‌احتیاطی راننده حمل زباله، زیر چرخ‌های یک کامیون گرفتار شد که در نهایت این حادثه منجر به قطع پای راست وی از ناحیه زانو می‌شود. احمد خدری که هم اکنون در بیمارستان عرفان تهران بستری است در تشریح این حادثه به خبرنگار ایلنا گفت: هنگام خالی کردن ماشین مکانیزه حمل زباله، به دلیل اینکه ماشین به عقب حرکت می‌کرد، از ماشین به پایین پرت شدم و ماشین هم روی پاهای من قرار گرفت. وی ادامه داد: ۱۰ دقیقه بعد از تماس همکارانم با آتش نشانی، ماموران در محل حادثه حاضر شدند اما به دلیل تجربه کم دچار دستپاچگی زیادی شده بودند و تا مدت زیادی نمی‌دانستند باید چگونه کامیون را از روی پاهایم بلند کنند. به گفته خدری، آتش نشانان مدام با مرکز تماس می‌گرفتند و تقاضای راهنمایی می‌کردند در حالی که دو پای من زیر کامیون گیر کرده بود و خونریزی شدیدی داشتم.

عدم پذیرش مصدوم توسط ۲ بیمارستان

بنابر اطلاعات دریافت شده، با انتقال کارگر مصدوم به بیمارستان ۱۵ خرداد قرچک، مسئولان این بیمارستان، به دلیل عدم وجود پزشک حاذق و همچنین عدم پذیرفتن مسئولیت قطع پای کارگر، از پذیرش وی خودداری می‌کنند، و به این ترتیب احمد خدری با شرایط وخیمی که داشت به تهران منتقل می‌شود.

در تهران هم مسئولین يك بیمارستان دولتی ۱۵ خرداد، احمد خدری را پذیرش نمی‌کنند و این کارگر مصدوم که خونریزی شدیدی از ناحیه پاها داشت، به بیمارستان خصوصی عرفان واقع در سعادت آباد تهران منتقل می‌شود.

طبق گفته این کارگر، از زمان وقوع حادثه تا زمانی که برای انجام عمل اولیه به اطاق عمل بیمارستان عرفان منتقل می‌شود، ۱۱ ساعت زمان می‌گذرد که بخش زیادی از این زمان به دلیل عدم پذیرش از سوی ۲ بیمارستان فوق تلف شد که این مساله می‌توانست به قیمت جان کارگر تمام شود.

شرکت پیمانکار به جای هزینه درمان وام می‌دهد

یکی از اقوام احمد خدری در مورد حمایت‌های مسئولان شهرداری و همچنین کارفرمای این کارگر به ایلنا گفت: از طرف شرکتی که احمد برای آن‌ها کار می‌کرد، تا کنون مبلغی به ما پرداخت شده است که این مبالغ بلاعوض نیست و در ازای تضمین برای بازگرداندن این مبالغ ۲ فقره چک از من دریافت کردند که این مساله در نوع خود جالب توجه است. این شخص در ادامه صحبت‌های خود ادامه داد: به نظر می‌رسد باید از مراجع قانونی و ذی‌صلاح برای پیگیری حقوق احمد استفاده کنیم چرا که پرداخت هزینه سنگین درمان احمد از سوی کارفرمای وی، امری مبهم و غیرقابل پیش بینی است، اما ما فکر می‌کنیم بهتر است که کار به شکایت و پیگیری قانونی نرسد و مسئولان شرکت خودشان نسبت به پرداخت هزینه درمان احمد اقدام کنند.

آخرین وضعیت احمد خدری

کارگر مصدوم شده شهرداری قرچک در حال حاضر پای راست خود را از ناحیه زانو به پایین از دست داده و هم اکنون در بیمارستان عرفان بستری است. به گفته اقوام احمد خدری، روند درمان پای احمد به دلیل میزان بالای عفونت کماکان ادامه دارد. براساس این گزارش خانواده احمد با دریافت وام از کارفرما تا کنون مبلغی در حدود ۵۰ میلیون تومان برای هزینه‌های درمان وی به بیمارستان پرداخت کرده‌اند که باتوجه به میزان جراحی و طول درمان به نظر می‌رسد مبلغ تمام شده بسیار بیشتر از این مقدار باشد. به گفته خانواده وی، اگر عفونت پای راست احمد همچنان در بدن وی رشد کند، می‌تواند جان وی را به خطر بیندازد و بخشی از این شرایط به دلیل سر باز زدن بیمارستان‌ها در پذیرش وی است. احمد خدری، کارگر یکی از شرکت‌های تامین منابع انسانی شهرداری قرچک دارای فرزند جوان است.

در دیدار نمایندگان رانندگان با مدیرعامل شرکت واحد مطرح شد:

رانندگان شرکت واحد ۱۰ درصد حق جذب می‌خواهند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: تعداد سی نفر از کارگران رسمی سامانه حمل و نقل شهری استان تهران طی جلسه‌ای با مدیران ارشد این سامانه خواستار رسیدگی به دریافت ۱۰ درصد حق جذب در پرداخت حقوق ماهانه خود از شهرداری تهران شدند.

به گزارش ایلنا، جلسه رسیدگی به مشکلات کارگران سامانه حمل و نقل شهری تهران در محل سامانه ۱۸۸۸ شهرداری و با حضور ۳۰ نفر از نمایندگان کارگران با قائم مقام شهردار تهران در امور حمل و نقل و مدیریت شرکت واحد استان تهران برگزار شد. در جریان دیدار کارگران سامانه حمل و نقل تهران با سلیمانی قائم مقام شهردار تهران و سنجی مدیرعامل شرکت واحد، این کارگران خواستار دریافت ۱۰ درصدی حق جذب و حق مسکن در پرداخت حقوق ماهانه خود همانند سایر زیر مجموعه های شهرداری تهران همچون آتش نشانی و تاکسیرانی تهران شدند.

لازم به یادآوری است که در تاریخ هفدهم خرداد ماه سال جاری جمعی از کارگران رسمی شرکت واحد با امضای طوماری خواستار دریافت ۱۰ درصد حق جذب در پرداخت حقوق ماهانه خود از شهرداری تهران شدند که در ادامه این تلاش دیروز - دوشنبه ۱۲ تیرماه - ۳۰ نفر از کارگران سامانه حمل و نقل به نمایندگی از سایر کارگران برای پیگیری این موضوع به دیدار مدیران ارشد حمل و نقل شهری شهرداری تهران رفته و خواستار افزودن ۱۰ درصد حق جذب به حقوق ماهانه خود شدند.

نرخ خط فقر شدید بیش از ۶۰۰ هزار تومان برآورد شد

ایلنا: به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: مسئول کمیته مزد استان تهران اعلام کرد: نرخ خط فقر شدید در کشور بیش از ۶۰۰ هزار تومان برآورد شد. علی اکبر عیوضی در این زمینه به ایلنا گفت: نرخ سبد هزینه خانوار کارگری با در نظر گرفتن ۲۰۰۰ کالری برای افراد بازرگسال و ۱۸۰۰ کالری برای کودکان و همچنین حذف کالاهای یارانه‌ای از قبیل آب، برق، گاز و نان برای سال جاری بیش از ۷۰۰ هزار تومان است. عیوضی با اشاره به عدم تناسب بین عرضه و تقاضای نیروی کار در کشور گفت: بسیاری از مردم به دلیل تامین حداقل نیازهای معیشتی خود و پیدا کردن شغل به دریافت حداقل حقوق بدون بیمه و مزایا نیز از کارفرمایان راضی هستند. وی تصریح کرد: بسیاری از کارفرمایان با گرفتن قرار داد سفید امضا از کارگران و یا گرفتن امضای پایان خدمت بدون تاریخ این امکان را به خود می‌دهند هر زمان که خواستند کارگران را اخراج کنند. عیوضی با تاکید بر این‌که عدم نظارت و کنترل کافی بر عملکرد کارفرمایان چنین فضایی را ایجاد کرده است، خاطر نشان کرد: اگر قانون محکمی وجود داشته باشد و کارفرمایان نگران نظارت قانون بر عملکرد خود باشند و با آن‌ها برخورد جدی شود چنین خلاف‌هایی را مرتکب نمی‌شوند.

اخراج بیش از سه هزار کارگر قراردادی طی چهار ماهه نخست امسال

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور اعلام کرد: از ابتدای سال جاری تا کنون بیش از سه هزار کارگر قراردادی از واحدهای تولیدی اخراج شده‌اند. فتح الله بیات با پیش‌بینی افزایش تعداد اخراج کارگران تا پایان سال جاری، به ایلنا گفت: در صورتی که دولت از واحدهای تولیدی کشور حمایتی نکند روند اخراج کارگران تا پایان سال جاری همچنان افزایش خواهد یافت. بیات در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه کارگران روز مزد بیمه نمی‌شوند، خاطر نشان ساخت: در حال حاضر تنها کارگران قراردادی از بیمه برخوردار هستند و بسیاری از شرکت‌ها از ارسال لیست بیمه کارگران روزمزد خودداری می‌کنند. وی ادامه داد: در سال جاری بیش از ۹۰ درصد از جامعه کارگری کشور با قراردادهای سه ماهه در واحدهای تولیدی فعالیت می‌کنند. رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور در ادامه با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد از اشتغال کشور ناپایدار است، یاد آورد: نرخ اعلامی بیکاری مرکز آمار ایران منطبق با واقعیت‌های بازار ایران نیست.

وقتی دخل در مقابل خرج حیران می‌شود

به گزارش خبرنگاری دولتی مهر در تیر ماه آمده است: حسابی سرانگشتی نشان می‌دهد اگر در خوشبینانه‌ترین حالت، دو نفر در یک خانواده کار کنند و درآمد خالص آنها ۴۰۰ هزار تومان باشد؛ آنگاه سهم سبد خرج هر خانوار در هر روز تنها ۱۳ هزار تومان است، یعنی سهم هر نفر، تنها چهار هزار تومان؛ آیا این رقم برای گذران زندگی کافی است؟ این روزها خرج و برج اکثر خانواده‌ها به گونه‌ای نیست که بتواند مغلوب درآمد آنها شود یا حتی ربالی در ماه پس‌انداز داشته باشند. این روزها سبد هزینه‌ای خانوارها آنقدر دارای وزن شده که به اصطلاح قدیمی‌ها، دخلشان به خرجشان نمی‌خورد. حتی اگر دو نفر در هر خانواده کار کنند که به دور از پرداخت اقساط و البته اندکی خوشبینانه، ممکن است درآمدی حدود ۴۰۰ هزار تومان داشته باشند؛ اگر یکی از آنها، دو شیفت کاری را مشغول باشد تا درآمدی بالاتر از این نصیب خانواده خود کند و اگر به طور متوسط این خانواده را چهار نفره حساب کنیم، سهم هر نفر در ماه صد هزار تومان می‌شود. فارغ از کرایه رفت و آمد، هر روز یک خانواده چهار نفره باید روز خود را با ۱۲ هزار تومان بگذرانند. یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد اگر هر خانوار در ماه به طور متوسط دو کیلو گوشت قرمز، پنج کیلو گوشت مرغ، ۱۰ کیلو برنج، ۱۰ بطری شیر، پنج بسته پنیر ۴۰۰ گرمی، ۶۰ قرص نان سنگک، ۱۰ کیلو سبزی خوردن، ۶۰ کیلو میوه از قرار متوسط هر کیلو دو هزار تومان خریداری کند، به فرض اینکه حبوبات و سایر ملزومات پخت و پز را در اختیار داشته باشد، حتماً باید رقمی را پرداخت کند که قطعاً بیش از آن چیزی است که در سبد درآمدی او قرار دارد.

حذف برخی کالاها از سبد خانوارها

گفت‌وگو با مردم نشانگر این است که گرانی‌های اخیر سبب شده که برخی کالاها از سبد خانوارها حذف شود. البته نکته مهم‌تر این است که آنها کالاهایی را از سبد خود حذف می‌کنند که از جمله نیازهای ضروری یک فرد در روز به شمار می‌رود و معمولاً شیر و لبنیات را نشانده می‌روند یا برخی از کالاهایی که برای سلامتی افراد مهم هستند ولی کمتر به آنها توجه می‌شود. یکی از مصرف‌کنندگانی که در انتظار خرید شیر است، به «مهر» می‌گوید: شیرگران شده و اگر تا هفته‌های گذشته، هر یک روز در میان یک بطری شیر خریداری می‌کردم اما حالا به دلیل گرانی لبنیات، هر سه روز یا حداکثر هفته‌ای دو روز شیر می‌خرم. او می‌افزاید: البته درآمد ما به گونه‌ای است که باز هم می‌توانیم همین سه بطری در هفته را خریداری کنیم، برخی‌ها را می‌شناسم که شیر و لبنیات را از سبد مصرفی خانوار خود حذف کرده‌اند چراکه گران شده است.

این مصرف‌کننده می‌گوید: در ماه‌های گذشته، قیمت بسیاری از اقلام لبنیات افزایش یافته است، حتی این افزایش مشمول کالاهایی می‌شود که در گروه لبنیات از اهمیت غذایی بالایی برخوردارند در حالی که حتی آن دسته از کالاهایی که شاید مصرف آنها زیاد فرقی برای سلامت نمی‌کند نیز افزایش قیمت را تجربه می‌کنند، البته نه به اندازه شیر و ماست و پنیر که نیازهای روزانه افراد را تشکیل می‌دهند.

سبد هزینه یک خانوار

اگر قیمت هر کیلو گوشت قرمز را ۲۵ هزار تومان، قیمت هر کیلو مرغ را پنج هزار تومان، قیمت هر کیلو برنج را ۲۵۰۰ تومان، قیمت هر بطری روغن را ۳۵۰۰ تومان، قیمت هر کیلو میوه را به طور متوسط ۲۵۰۰ تومان، قیمت هر قرص نان سنگک را ۶۰۰ تومان و قیمت هر کیلو سبزی خوردن را هزار تومان در نظر بگیریم و به آن قیمت هر بطری شیر ۱۵۰۰ تومانی، پنیر ۲۴۰۰ تومانی و ماست ۲۰۰۰ تومانی را نیز به آن اضافه کنیم، آنگاه قیمت هر سبد خرید خانوار در یک ماه رقم بالایی می‌شود؛ بنابراین هشدار در رابطه با بالا رفتن قیمت کالا، زنگ خطری برای کاهش مصرف اقلامی را به صدا در می‌آورد که نبود آنها در سبد غذایی خانوارها مشکلات تغذیه‌ای را رقم می‌زند و فقر ویتامین را سبب می‌شود. هم اکنون قیمت هر کیلو گوشت راسته با استخوان ۱۶ هزار و ۳۰۰ تومان، راسته بی‌استخوان ۲۴ هزار و ۷۰۰ تومان، ران پاک‌کرده ۲۰ هزار و ۹۰۰ تومان، ران کامل ۲۱ هزار و ۷۰۰ تومان، سردست ۱۸ هزار و ۹۰۰ تومان، سردست مرغوب ۲۰ هزار و ۸۵۰ تومان، قلم‌گاو با استخوان ۱۰ هزار تومان، قلم‌گاو بدون استخوان ۱۱ هزار و ۳۵۰ تومان و قیمت هر کیلو گردن ۱۴ هزار و ۲۰۰ تومان است. همچنین قیمت هر کیلو ماهیچه ۲۲ هزار و ۶۵۰ تومان، چرخ‌کرده مخلوط ۱۳ هزار تومان، خورشتی ۱۵ هزار و ۵۰۰

تومان، راسته پاک‌کرده ۱۶ هزار و ۸۰۰ تومان، گردن گوساله ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان و قلم‌گاه گوساله ۹ هزار و ۹۰۰ تومان است. قیمت هر کیلو مرغ منجمد ۳۶۰۰ تومان و هر کیلو مرغ کامل پنج هزار و ۲۰۰ تومان است. قیمت هر بطری روغن مایع ۳۲۰۰ تومان، روغن نباتی جامد ۵/۴ کیلویی ۱۱ هزار و ۲۰۰ تومان، رب گوجه فرنگی ۲۳۰۰ تومان، برنج هاشمی ۲۸۰۰ تومان، برنج طارم محلی ۳۲۰۰ تومان، شکر ۸۰۰ گرمی ۱۲۰۰ تومان، قند شکسته ۹۰۰ گرمی ۱۵۰۰ تومان و ماکارونی ۸۰۰ تومان است.

رشد قیمت ۸۱ درصد مواد خوراکی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تیر ماه آمده است: گزارش هفتگی متوسط قیمت خرده فروشی برخی از مواد خوراکی در تهران توسط بانک مرکزی در هفته منتهی به ۹ تیر ماه ۹۱ منتشر شد. طبق این گزارش گوشت مرغ طی این هفته در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل بیشترین افزایش قیمت را تجربه کرده است. بر این اساس ۸۱ درصد اقلام طی هفته منتهی به نهم تیرماه در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل افزایش قیمت داشته‌اند.

به گزارش ایسنا، طی این هفته بیشترین افزایش قیمت‌ها مربوط به هلو با ۱۸۲،۱ درصد، گوجه سبز با ۱۶۹،۲ درصد رشد، سبزی‌های برگی با ۱۲۳،۳ درصد، سیب زرد با ۱۱۲،۹ درصد، طالبی با ۱۱۵،۸ درصد، خیار با ۱۰۸،۰ درصد رشد نسبت به هفته مشابه سال قبل بوده است.

در هفته منتهی به نهم تیر ماه امسال در مقایسه با هفته پیش از آن از ۱۱ گروه اقلامی دسه گروه تخم‌مرغ، میوه‌های تازه، گوشت مرغ افزایش قیمت و گروه سبزی‌های تازه، گوشت قرمز، قند و شکر، جای کاهش قیمت داشته است. چهار گروه لبنیات، برنج، حبوب و روغن نباتی هم طی این هفته نسبت به هفته قبل هیچ تغییر قیمتی نداشته‌اند. همچنین مقایسه قیمت اقلام در هفته منتهی به نهم تیر ماه امسال با هفته مشابه ماه قبل نشان می‌دهد که از ۱۱ گروه اقلامی نه گروه لبنیات، تخم‌مرغ، برنج، حبوب، میوه‌های تازه، سبزی‌های تازه، گوشت مرغ، جای و روغن نباتی افزایش قیمت و دو گروه گوشت قرمز و قندوشکر کاهش قیمت داشته‌اند. این اعداد حاکی از افزایش قیمت ۸۱ درصد اقلام طی هفته منتهی به نهم تیرماه در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل است.

در هفته مورد گزارش در گروه لبنیات بهای کره پاستوریزه اندکی افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود. بهای تخم‌مرغ افزایش یافت و شانهای ۴۱۰۰۰ الی ۵۴۰۰۰ ریال فروش می‌رفت. در گروه برنج، قیمت تمام اقلام این گروه ثابت بود. در گروه حبوب، بهای لوبیا قرمز افزایش جزئی داشت و قیمت سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود. در هفته مورد بررسی، در میداین زیر نظر شهرداری تهران سیب زرد تخم لبنان، انجیر و گوجه سبز عرضه نمی‌شد ولی سایر اقلام میوه و سبزی تازه که تعدادی از آن‌ها از نظر کیفی در سطح پایینی قرار داشتند، به نرخ مصوب سازمان میداین میوه و تره‌بار عرضه می‌گردید.

میوه‌فروشی‌های سطح شهر اقلام مرغوب میوه‌سبزی تازه را عرضه می‌نمودند که در گروه میوه‌های تازه بهای سیب زرد تخم لبنان، گوجه سبز، هلو، خربزه و هندوانه افزایش ولی قیمت سایر اقلام این گروه به ویژه سیب گلاب، شلیل و شیرنگ و انگور کاهش یافت. در گروه سبزی‌های تازه بهای گوجه فرنگی، بادنجان، لوبیا سبز و سبزی‌های برگی کاهش ولی قیمت سایر اقلام این گروه افزایش داشت.

در این هفته بهای گوشت گوسفند کاهش ولی قیمت گوشت تازه گاو و گوساله و گوشت مرغ افزایش یافت. در هفته مورد بررسی، بهای قند، شکر و جای خارجی اندکی کاهش داشت و قیمت انواع روغن نباتی ثابت بود. در هفته مورد گزارش، در گروه لبنیات بهای کره پاستوریزه معادل ۰،۲ درصد افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه بدون تغییر بود. بهای تخم مرغ معادل ۶،۳ درصد افزایش یافت.

برنج و حبوب

در هفته مورد بررسی، در گروه برنج قیمت تمام اقلام این گروه ثابت بود. در گروه حبوب بهای لوبیا قرمز معادل ۰،۶ درصد افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه بدون تغییر بود.

در هفته مورد گزارش، در گروه میوه‌های تازه بهای سیب زرد تخم لبنان معادل ۶،۴ درصد، گوجه سبز ۱۸،۱ درصد، هلو ۱۴،۱ درصد، خربزه ۱،۱ درصد و هندوانه ۱۸،۱ درصد افزایش ولی قیمت سایر اقلام این گروه بین ۰،۱ درصد تا ۱۷،۸ درصد کاهش یافت. در گروه سبزی‌های تازه بهای گوجه فرنگی معادل ۱۵،۵ درصد، بادنجان ۱۴،۴ درصد، لوبیا سبز ۷،۷ درصد و سبزی‌های برگی ۷،۹ درصد کاهش ولی قیمت سایر اقلام این گروه بین ۲،۶ درصد تا ۱۱،۷ درصد افزایش داشت. گوشت قرمز و گوشت مرغ در هفته مورد بررسی، بهای گوشت گوسفند معادل ۴ درصد کاهش ولی قیمت گوشت تازه گاو و گوساله ۰،۹ درصد و گوشت مرغ ۱۲،۶ درصد افزایش یافت.

در هفته مورد گزارش، بهای قند معادل ۴ درصد، شکر ۰،۱ درصد و جای خارجی ۰،۳ درصد کاهش داشت و قیمت انواع روغن نباتی ثابت بود.

بر این اساس بیشترین افزایش در هفته منتهی به ۹ تیر ماه نسبت به هفته قبل از آن مربوط به گوجه سبز و هندوانه با ۱۸۰،۱ درصد افزایش و بیشترین کاهش مربوط به انگور با ۱۷ درصد کاهش بوده است.

همچنین در بخش مقایسه قیمت اقلام طی هفته ۹ تیر ماه با هفته مشابه سال قبل بیشترین افزایش قیمت مربوط به هلو با ۱۸۲ درصد رشد قیمت بوده است. بیشترین کاهش قیمت در این مقایسه مربوط به تخم‌مرغ با ۸ درصد کاهش بوده است.

گوشت قرمز و گوشت مرغ

در هفته مورد بررسی، بهای گوشت گوسفند معادل ۴ درصد کاهش ولی قیمت گوشت تازه گاو و گوساله ۰،۹ درصد و گوشت مرغ ۱۲،۶ درصد افزایش یافت.

در هفته مورد گزارش، بهای قند معادل ۴ درصد، شکر ۰،۱ درصد و جای خارجی ۰،۳ درصد کاهش داشت و قیمت انواع روغن نباتی ثابت بود.

بر این اساس بیشترین افزایش در هفته منتهی به ۹ تیر ماه نسبت به هفته قبل از آن مربوط به گوجه سبز و هندوانه با ۱۸۰،۱ درصد افزایش و بیشترین کاهش مربوط به انگور با ۱۷ درصد کاهش بوده است.

همچنین در بخش مقایسه قیمت اقلام طی هفته ۹ تیر ماه با هفته مشابه سال قبل بیشترین افزایش قیمت مربوط به هلو با ۱۸۲ درصد رشد قیمت بوده است. بیشترین کاهش قیمت در این مقایسه مربوط به تخم‌مرغ با ۸ درصد کاهش بوده است.

دادگاه تجدیدنظر استان تهران حکم 6 سال حبس، 5 سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و 7 میلیون تومان جزای نقدی رضا شهابی را تأیید کرد

اطلاعیه شماره 33 - شعبه 36 دادگاه تجدیدنظر استان تهران حکم 6 سال حبس، 5 سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و 7 میلیون تومان جزای نقدی رضا شهابی را تأیید کرد!

همان طور که در اطلاعیه قبل ذکر شد پس از تعیین شعبه تجدیدنظر، خانواده رضا شهابی به شعبه 36 دادگاه تجدیدنظر مستقر در دادگاه انقلاب اسلامی مراجعه کردند تا از سرنوشت پرونده مطلع شوند اما مسئولان به خانواده گفتند که دادگاه قبلاً این پرونده را بررسی کرده و نتیجه را تعیین کرده است اما از اعلام نتیجه دادگاه تجدیدنظر سرباز زدند و گفتند که به زودی نتیجه به صورت رسمی ابلاغ می شود. در ادامه و هنگامی که وکیل رضا نیز به این دادگاه مراجعه کرد مسئولان به او گفتند که حکم دادگاه بدوی تأیید شده است. البته هیچ حکم رسمی در این زمینه ابلاغ نشده و مسئولان تنها از روی دفتر اندیکاتور شعبه به وکیل اعلام کرده اند که حکم دادگاه بدوی (6 سال حبس، 5 سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و 7 میلیون تومان جزای نقدی) تأیید شده است. شایان ذکر است که از زمان تسلیم لایحه دفاعیه توسط وکیل تا تأیید حکم دادگاه بدوی توسط دادگاه تجدید نظر تنها در حدود یکماه گذشته است!

تأیید حکم 6 سال حبس رضا شهابی در شرایطی است که پزشکان معالج وی به صراحت اعلام کرده اند که به دلیل شرایط ویژه و خطرناک جسمی اش و همچنین حساسیت های بالای عمل جراحی، رضا باید تا مدت های طولانی و به طور کامل در محیط مناسب و تحت نظر پزشکان باشد و به لحاظ پزشکی و وضعیت جسمی، او به هیچ وجه توان تحمل حبس، چه در مراحل عمل های پیش رو و چه بعد از آن، را ندارد.

علاوه بر این آیا کسانی که چشم بسته و بدون بررسی، حکم ناعادلانه و ضدکارگری دادگاه بدوی را تأیید کرده اند حتی برای یک لحظه با خود فکر کرده اند که یک خانواده کارگری (همسر و دو فرزند) که در خانه ای اجاره ای و در کوچه پس کوچه های تنگ جنوب تهران زندگی می کنند، در غیاب تنها نان آور خانواده چگونه باید زندگی کنند؟! خوب است بدانید که در دو سال گذشته بر خلاف قانون هیچ پرداختی از جانب شرکت واحد به خانواده ایشان انجام نگرفته و آنها طی این مدت با حداقل امکانات روزگار بسیار سختی را از سر گذرانده اند و معلوم نیست که در 4 سال باقیمانده با چه شرایطی روبرو شوند!

کمیته دفاع از رضا شهابی شدیداً به تأیید چشم بسته حکم بدوی توسط دادگاه تجدیدنظر اعتراض دارد و آن را ادامه روند سرکوب کارگران و فعالان کارگری می داند که این روزها به اوج خود رسیده است و از تمامی کارگران، فعالین کارگری و تشکل های کارگری می خواهد تا با تمام توان به این سرکوب ها اعتراض کنند.

کمیته دفاع از رضا شهابی - 13 تیرماه 1391

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: 09357353412

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

اطلاعیه از نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

حکم بیدادگاه تجدید نظر در مورد رضا شهابی را شدیداً محکوم می کنیم!

طبق اطلاعیه شماره ۳۳ " کمیته دفاع از رضاشهابی"، بیدادگاه تجدید نظر شعبه ۳۶ تهران، حکم بدوی در مورد رضا شهابی (۶ سال حبس، ۵ سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و ۷ میلیون تومان جزای نقدی) را تنها در عرض یک ماه به طور چشم بسته تأیید نموده است. در این اطلاعیه آمده است:

"تأیید حکم ۶ سال حبس رضا شهابی در شرایطی است که پزشکان معالج وی به صراحت اعلام کرده اند که به دلیل شرایط ویژه و خطرناک جسمی اش و همچنین حساسیت های بالای عمل جراحی، رضا باید تا مدت های طولانی و به طور کامل در محیط مناسب و تحت نظر پزشکان باشد و به لحاظ پزشکی و وضعیت جسمی، او به هیچ وجه توان تحمل حبس، چه در مراحل عمل های پیش رو و چه بعد از آن، را ندارد." چنین قساوت و بی رحمی کینه توزانه ای در مورد رضا شهابی فعال کارگری بیمار، چه چیزی را می رساند غیر از وحشت این نظام ضد کارگری از جنبش رو به رشد کارگری ایران و فعالان مبارز و مقاوم آن. رضا شهابی هرگونه شکنجه، تهدید و خطری را به جان خرید و استوارانه از حقوق خود و هم طبقه ای هایش دفاع کرد و در برابر نمایندگان نظام سرمایه سر فرود نیاورد و همین گناه بزرگ اوست که مدافعان سرمایه و سرمایه داران را به وحشت انداخته و می کوشند با چنین احکام بی شرمانه ای حتماً به قیمت جان او، صدای رسایش را خفه کنند.

زهی خیال باطل! مگر در همین روزهای اخیر ۶۰ نفر از فعالین کارگری به طور علنی به مصاف شما غارتگران نیروی کار جامعه بر نیامدند و علارغم سرکوب شدید و پرداخت هزینه گزاف، موجودیت و حقانیت خود را اعلام و تثبیت نمودند؟ مگر حضور و ایستادگی ده ها فعال کارگری دیگر در سیاه چال های شما، جنبش کارگری را از حرکت باز داشته است؟ مگر اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری در سراسر کشور و همبستگی های جهانی مدافعان حقوق و مبارزان سیاسی از مبارزات کارگران در ایران را نمی بیند؟ یقین بدانید، سنگی را که علیه جنبش کارگری بلند کرده اید، به روی پای خودتان خواهد افتاد، حرکت های رو به رشد جنبش کارگری، طلیعه چنین اتفاق بزرگی است، به هوش باشید و برخورد بلرزید. اگر رضا شهابی را کینه توزانه به زندان و محرومیت و جریمه نقدی "محکوم" می کنید و زن و فرزندانش را به بی سرپرستی، بی خانمانی و گرسنگی و ادار می سازید، میلیون ها کارگر زحمتکش و انسان های آزاده "احکام" شما را محکوم می کنند و نهایتاً با گسترش مبارزات توده ای شما را و ادار به تسلیم و تعظیم در برابر طبقه کارگر خواهند کرد.

دست دژخیمان جمهوری اسلامی از جان رضا شهابی و خانواده اش کوتاه! درود بر ده ها کارگر زندانی و فعالین کارگری آگاه، مبارز و تسلیم ناپذیر! گسترده و پیروز باد جنبش روبه رشد کارگری ایران!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۱۳ تیر ۱۳۹۱ برابر با ۳ ژوئیه ۲۰۱۲

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com>

اطلاعیه نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

جنایات مزدوران جمهوری اسلامی علیه زحمتکشان افغان را قویاً محکوم می کنیم!

بربریت و درنده خویی مزدوران جمهوری اسلامی علیه کارگران و خانواده های افغانستانی به اوج سببیت خود رسیده است. بعد از سال ها اعمال همه گونه فشار و تضییع و تبعیض و استعمار، تحقیر و محرومیت-های غیر انسانی علیه پناهندگان از همه جا رانده و آواره افغانستانی، اینک ارادل و اوباش بشکل سازمان یافته، همچون ایلغار چنگیزی به جان مردم شریف و از همه سو ستم دیده افغان در شهر یزد افتاده، وحشیانه خانه هایشان را به آتش می کشند، دار و ندارشان را می سوزانند، به روی زن و فرزندانشان بنزین ریخته و زنده زنده آن ها را می سوزانند، بیمارستان ها از پذیرفتن مجروحین آن ها خودداری می کنند و باقی مانده آن ها بدون هیچ امکان و وسیله ای به بیابان های اطراف متواری شده اند. ظاهراً افرادی متعصب و نا آگاه در یزد، در کنار ارادل و اوباش سازمان یافته برای انتقام از تجاوز کردن و قتل یک دختر ۱۸ ساله (احتمالاً توسط دو افغانستانی) غیرتی شده و "به طور خودانگیخته" در دسته های منظم ۲۰۰ - ۳۰۰ نفری اقدام به "نهی از منکر" نموده اند! مأمورین انتظامی نیز که ناظر بر این جنایات بودند، برای این که به "بی غیرتی" متهم نشوند، در این وحشیگری ها شریک شده و به جای جلوگیری از این تجاوزات، افغانستانی-هایی را که مقاومت کرده و با جیره خواران بارگاه اسلامی درگیر شده اند، دستگیر کرده و به زندان می اندازند. در مملکتی که اسلام قانونش است و "ولی و قبیح" اش بالاتر از قانون، اجرای قانونش نیز این گونه اسلامی است! مگر از روز اولی که اریکه را غصب کرده و بر قدرت تکیه زدند، با شعارهای درشت بر دیوارها اعلام نکردند: "اسلام با خون رشد کرد"؟! و برای آن ها که تاریخ را باور نکرده و یا به یاد نداشتند، در کشتارهای کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، ۳۰ خرداد سال ۶۰، قتل عام زندانیان سیاسی دهه ۶۰، قتل های زنجیره ای، جنایات کوی دانشگاه، ترورهای سیاسی خارج از کشور و ... این حقیقت را بارها و بارها در عمل نشان نداده و اثبات نکردند؟ بله، اگر حکومت آنها بیش از ۳۰ سال است که دوام آورده به همین دلیل است که پایه هایش را با خون هزاران انسان مبارز آبیاری کرده اند و اینک برای دوام بیشتر و حفظ بیضه و ناموس اسلام، تشنه خون پناهندگان افغانستانی شده-اند. متأسفانه تمام رسانه های بین المللی خفقان گرفته و در هیچ جا خبری از این جنایات وحشیانه نیست و دنیا از چنین اعمال بربرمنشانه ای بی خبر است. لذا بر ماست که صدای رسای این عزیزان شده و فریاد حق طلبانه آنها را به گوش جهانیان برسانیم. سکوت در برابر چنین جنایات وحشیانه ای جایز نیست، ما این تجاوزات غیر انسانی را به عنوان جنایت علیه بشریت شدیداً محکوم کرده و از همه انسان های آزاده بویژه کارگران ایران می خواهیم که در دفاع از هم طبقه ای های خود بپا خیزند و خواهان توقف این اعمال وحشیانه، جبران خسارات وارده و به رسمیت شناختن حقوق انسانی پناهندگان، طبق قوانین بین المللی بشوند.

دست مزدوران جمهوری اسلامی از جان و مال و حقوق زحمتکشان افغان کوتاه!
با تمام توان به یاری هم طبقه ای های افغان برخیزیم!

زنده باد همبستگی بین المللی!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۱۳ تیر ۱۳۹۱ برابر با ۳ ژوئیه ۲۰۱۲

nhkommittengahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

جمع کارکنان ۱۱۸ فارس مقابل استانداری

به گزارش روزنامه عصر مردم، در تاریخ 13 تیر آمده است: کارکنان مرکز پاسخگویی ۱۱۸ مخابرات استان در پی اعتراض به نحوه عقد قراردادهای جدید، در مقابل استانداری فارس تحصن کردند. کاهش ساعت کار، خدشه دار شدن به سنوات کاری، حذف مزایایی چون حق مسکن، حق اولاد با بن کارگری از جمله موارد مورد اعتراض کارکنان این مرکز بود.

معترضین همچنین بیان می داشتند که در این شیوه جدید عقد قراردادهای سنوات کاری و نوع بیمه آن ها نیز دچار تغییر شده که این امر نهایتاً آن ها را به سمت انصراف از ادامه کار و تعدیل سوق خواهد داد.

همه کارگران را بدون قید و شرط و فوری آزاد کنید

ضمن گفتن تبریک جهت آزاد شدن برخی از دوستان اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری از جمله سعید مرزبان، میترا همایونی، سبروس فتحی، مسعود سلیم پور و فرامرز فطرت نژاد به دنبال اعتراضات گسترده در سطح دنیا، آزاد نکردن بقیه دستگیر شدگان 26/3/1391 در شهر کرج را به شدت محکوم می کنیم.

ضمن اینکه خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بخصوص بازداشت شدگان اخیر شهر کرج جلیل محمدی، ریحانه انصاری، علیرضا عسگری و مازیار مهر پور هستیم، و همینطور خواهان آزادی همه ی کارگران زندانی از جمله

شاهرخ زمانی ، علی نجاتی ، بهنام ابراهیم زاده ، رضا شهبابی ، محمد جراحی ، رسول بدآغی ، مهدی فراخی شانديز ، علی اخوان ، پدram نصرالهی و ... بوده ، از تمامی کارگران ، فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی متشکل در تشکل ها ، نهاد ها و سازمانهای سیاسی و همچنان افراد انقلابی می خواهیم، هرچه بیشتر ، متحدانه و مستمر وبا گستردگی داخلی و جهانی به نظام اسلامی در راستای آزاد سازی زندانیان در بند به هر طریق ممکن ، متشکل و سازمانیافته، دست به اعتراضات عملی بزنند. ما نیز دوشا، دوشا شما آماده انجام وظیفه هستیم.

همچنین از کارگران ، دانشجویان ، زنان و معلمان ، جوانان و مردم آزادیخواه و انقلابی می خواهیم اگر این خواست را به عنوان یک مطالبه عمومی قبول دارند، هرچه گسترده تکثیر و توزیع کرده و به دست هم وطنان برسانند . کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

14/4/1391

... شاهرخ زمانی عضو هیئت موسس سندیکای نقاشان و کارگران تزئیناتی تهران و عضو کمیته پیگیری محمد جراحی کارگر اخراجی عسویه و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری غلامرضا غلامحسینی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه محمد اشرفی کارگر تاسیسات و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

کارگران باید به حکم زندان و محرومیت رضا شهبابی اعتراض کنند

آن زمان که نعره های مستضعف پناهی جمهوری اسلامی گوش فلک را کرده بود و بخش های وسیعی از کارگران به این رژیم سخت توهم داشتند، توضیح این نکته برای توده های کارگر دشوار بود که سرمایه داری به هر حال سرمایه داری است و اسلامی و غیراسلامی آن ضدکارگر و ضدمنضعف است. اما اکنون که همان توده های کارگر از یک سو به عینه می بینند که سرمایه داران و مدیران دولتی با اختلاس و بی اختلاس پول روی پول می گذارند و روز به روز چاق و چله تر می شوند و ، از سوی دیگر، می شنوند یا می بینند که رضا شهبابی، کارگر شرکت واحد، فقط و فقط به علت اقدام به ایجاد تشکل کارگری به 6 سال زندان و 5 سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و پرداخت 7 میلیون تومان جریمه محکوم می شود، یا می شنوند که ده ها فعال کارگری در کرج به عنوان «اراذل و اوباش» و «تروریست و خرابکار» مورد هجوم وحشیانه نیروهای سرکوبگر قرار می گیرند، کوچک ترین تردیدی برای شان باقی نمی ماند که جمهوری اسلامی حکومت سرمایه و سرکوب عریان کارگران است. اما این کافی نیست. می توان انتظار داشت و باید امیدوار بود که این توده های کارگر اکنون از آنچه زمانی درباره جمهوری اسلامی سرمایه فکر می کرده اند احساس شرم کنند، احساسی که بی شک انسانی و انقلابی است و کمترین معنای آن محرومیت احکامی نظیر حکم زندان و محرومیت رضا شهبابی و به طور کلی اعتراض به سرکوب و دستگیری و زندانی کردن فعالان کارگری است.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

14 تیر 1391

derabaa.wordpress.com

khbitkzs@gmail.com

پنج ماه تعویق حقوق 250 کارگر کارخانه لبنی پالود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 14 تیر 91 آمده است : يك فعال کارگری در نیشابور اعلام کرد: حقوق 250 کارگر واحد تولید لبنیات پالود با گسترش بحران در صنایع لبنی، پنج ماه به تعویق افتاده است. محمد عمارلو در این زمینه به ایلنا گفت: کمبود نقدینگی به تبع نا متوازن بودن بازار تولید و فروش یکی از مشکلات واحدهای لبنی در استان خراسان رضوی است که باعث تعویق حقوق و بیکاری کارگران این صنایع شده است. این فعال کارگری با بیان اینکه در حال حاضر بسیاری از واحدهای تولیدی با مشکلات مالی دست به گریبان اند، ادامه داد: حل این مشکلات در گرو واگذاری تسهیلات با کارمزد پایین است که برای این منظور باید بانکها نیز واحدهای تولیدی را همراهی کنند. عمارلو در ادامه به معرفی نمونه هایی از این واحدهای لبنی بحران زده در نیشابور پرداخت و افزود: کارخانه تولید لبنیات میلاد و پیشگام با 40 کارگر و 25 کارگر در اواخر سال گذشته به جهت نداشتن امکانات مالی مناسب تعطیل شدند و کارگران این واحدهای تولیدی هم اکنون مستمري بیمه بیکاری دریافت می کنند.

این فعال کارگری ادامه داد: کارخانه لبنی جرینه با 60 کارگر و پالود نیشابور با 250 کارگر هم اکنون در شرایط نا مطلوبی به سر می برند. به گفته عمارلو برای بهبود وضعیت واحدهای تولیدی لبنی باید مشکلات پیش روی واحدها برداشته شده و نظارت کافی در این زمینه بوجود آید. او گفت: بالا رفتن قیمت شیر خشک و وجود تعداد مراکز جمع آوری شیر و عدم نظارت کافی بر فعالیت آنها از عمده ترین دلایل افزایش قیمت محصولات لبنی است.

او با بیان اینکه کارخانه های لبنی زمینه اشتغال صدها نفر از مردم شهرستان نیشابور را فراهم کرده است، تصریح کرد: بعضی از این واحدهای تولیدی با صادرات شیر خام به کشورهای تاجیکستان، افغانستان و کردستان عراق و ... سعی می کنند با پیدا کردن بازار فروش محصولات خود در این کشورها سرمایه خود را انتقال دهند.

عمارلو با ذکر مثالی ادامه داد: صاحبان صنایع لبنی نیشابور در قبال تسهیلاتی که برای تجهیز و نوسازی کارخانه خود گرفته اند با وجود اینکه از لحاظ مالی در حال حاضر مشکلی ندارند بخشی از سرمایه خود را به خارج از کشور انتقال داده و در آن کشورها سرمایه گذاری کرده اند، این در حالیست که به طور مثال کارخانه پالود 5 ماه حقوق 250 کارگر خود را هنوز پرداخت نکرده است.

دستمزد کارگران فقط نیاز 10 روز خانوار کارگری را تامین می کند

به نوشته سایت مردمک در 14 تیر آمده است: علی لاریجانی، رئیس مجلس گفته است که گرانی‌های اخیر در جامعه باعث شد تا روسای قوه مجریه، قضائیه و مجریه جلسه ویژه‌ای برای بررسی و یافتن راهکارهای مقابله تشکیل دهند.

علی لاریجانی در جلسه امروز چهارشنبه، ۱۴ تیرماه مجلس توضیح داد که در جلسه مشترک او با صادق لاریجانی و محمود احمدی‌نژاد، دولت مقاماتی را مامور کرد که در مورد نیازهای اصلی مردم اقدامات لازم را انجام دهند. علی لاریجانی اضافه کرد که ساختار قانون‌گذاری مجلس نهم هم شکل گرفته و قرار است نمایندگان عضو کمیسیون‌های اقتصادی هفته‌ای چهار جلسه برای بررسی این موضوعات برگزار کنند.

بر این اساس قرار است هنگام بررسی مسائل از سوی نمایندگان، مقامات اقتصادی دولت هم در کمیسیون‌های مجلس حضور پیدا کنند. رئیس مجلس تصریح کرد در این ارتباط فعالیت کمیسیون‌های مختلف مجلس هم افزایش پیدا کرده و نتیجه کار آنها مستقیماً در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی کشور تأثیر می‌گذارد.

علی لاریجانی از نمایندگان عضو کمیسیون‌های اقتصادی مجلس خواست «با توجه به شرایط کشور» برای بهتر شدن اوضاع اقتصادی مردم و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها روحیه همکاری خود را افزایش دهند و به دولت کمک کنند. در این ارتباط اعلام شد شورای مرکزی فراکسیون رهروان و ولایت، فراکسیون اکثریت مجلس نهم صبح امروز در جلسه‌ای وضعیت گرانی، تورم و همچنین انتخاب رئیس فراکسیون را بررسی کرده است.

بهرروز نعمتی، عضو شورای مرکزی این فراکسیون به خبرگزاری فارس گفته: اعضا با تشکیل کمیته ویژه در صدد هستند تا گزارشی در ارتباط با تورم موجود در جامعه تهیه کنند و آن را به رئیس جمهوری و رئیس مجلس ارائه کنند. افزایش قیمت کالاها یکی از چالش‌های دایمی دولت‌ها در ایران است. دولت محمود احمدی‌نژاد هم به‌ویژه بعد از آغاز قانون هدفمندسازی یارانه‌ها از آن ۸۹ با این موضوع درگیر بوده است.

موج جدید افزایش قیمت‌ها که از اسفند ماه ۹۰ آغاز شده است هم‌زمان با تحریم‌های اقتصادی تازه علیه ایران اعتراضات زیادی را از سوی شماری از مراجع تقلید، نمایندگان مجلس و امامان جمعه به دنبال داشته است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا از روز یکشنبه، ۱۱ تیر (اول جولای) واردات نفت از ایران را متوقف کردند. تحریم نفت ایران، بخشی از فشارهای جهانی بر ایران است.

فروش نفت، منبع اصلی درآمد دولت ایران است و آمریکا و اتحادیه اروپا تلاش می‌کنند با افزایش تحریم‌های نفتی علیه ایران ابزاری بر این کشور فشار بیاورند تا برنامه اتمی خود را که احتمال می‌دهند اهداف نظامی دارد، متوقف کنند. مطابق گزارش‌ها در چند روز گذشته نرخ دلار آزاد بار دیگر نوسان داشته و در روزهایی به بیش از دو هزار تومان افزایش یافته است. رئیس‌کل بانک مرکزی در این باره گفته که قطعاً مسائل سیاسی بر نوسان نرخ ارز اثرگذار است. وزیر اقتصاد نیز گفته است که تحریم‌های اقتصادی از فضای روانی بازار ایران دست‌بردار نیست.

نمایندگان اصولگرا و منتقد دولت مانند محمدرضا باهنر اما دولت را متهم می‌کنند که هیچ نظارتی بر افزایش قیمت‌ها در بازار ندارد و از محمود احمدی‌نژاد خواسته‌اند از کارهایی که «ممکن است انقلابی باشد اما مبنای پژوهشی و کارشناسی شده ندارد» پرهیز کند. پیش از این و در سوم اردیبهشت ماه هم آیت‌الله صافی گلپایگانی، مرجع تقلید از مقامات خواسته بود که دعوای سیاسی و بانندی و حزبی را کنار بگذارند، و مشکل گرانی و بیکاری را برطرف کنند.

افزایش قیمت‌ها در این مدت به‌ویژه با اعتراضات کارگران و نمایندگان آنها مواجه شده است. در همین ارتباط علی دهقان‌کیا، عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران ۱۲ تیر اعلام کرد که نرخ سبد هزینه خانوار کارگری یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است. به گفته او، دستمزد کارگران فقط نیاز ۱۰ روز خانوار کارگری را تأمین می‌کند و در حال حاضر ۷۰ درصد کارگران زیر ۵۰ درصد خط فقر زندگی می‌کنند.

محمود احمدی‌نژاد که ۱۲ اردیبهشت ماه بعد از سیر صعودی قیمت‌ها و افزایش انتقادات دستور فوری و ضربتی برای تنظیم بازار مواد غذایی صادر کرده بود بار دیگر دستور تشکیل کمیته کنترل و تنظیم بازار را صادر کرد. وزیر کشور نیز می‌گوید این کمیته به طور مستمر نظارت بر بازار را دنبال می‌کند. مصطفی محمد نجار دو روز پیش تأکید کرد که در آستانه ماه رمضان جنس و کالا به اندازه کافی در انبارهای ایران وجود دارد.

او در عین حال گفت که استانداران در استان‌ها هم مامور مقابله با گرانی شده‌اند و قرار است با برگزاری نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا و تشکیل ستادهای کنترل و تنظیم بازار از افزایش قیمت کالاها جلوگیری کنند.

حمایت از فریبرز رییس دانا

رئیس دانا، صدای دردمند کارگران را آزاد کنید

اولین بار او رادر سال 1381 و در همایش بزرگداشت صادق هدایت که در یک گالری واقع در سعادت آباد برگزار می‌شد دیدم. به جا آوردنش با توجه به عکس‌های او که در روزنامه‌ها دیده بودم کار آسانی بود. پیش از این او را از طریق نوشته‌ها و مصاحبه‌هایش در روزنامه‌ی "کار و کارگر" می‌شناختم. نوشته‌ها و مصاحبه‌هایی که در کارخانه با علاقه می‌خواندیم، گفته‌ها و کلمه‌هایی که اغلب مرهمی بود بر درد هایمان، دورنمایی بود از راه‌های حل مسائل و مصیبت‌های زندگی ما و هم طبقه‌ای هایمان و یا نمود راهی کلی و بنیادی بود برای رسیدن به عدالت و زندگی بهتر و در خور انسان امروزی. صفحه‌های روزنامه اغلب روی چهار پایه‌ای که به آن میز غذا می‌گفتیم می‌ماند. در زمان استراحت، هنگام صرف غذا و ساعت‌های طولانی و انتظار شبکاری‌ها بارها و ساعت‌ها در باره‌ی آن‌ها گفتگو و بحث می‌کردیم. آرزوی بیشتر کسانی که این نوشته‌ها را خوانده و یا شنیده بودند دیدار و گفتگو با او بود. اغلب او را "رئیس دانا" با کسره‌ی سین می‌شناختند و نام می‌بردند - شاید این کسره‌ی اضافه شده ناشی از وجود جو و فرهنگ رئیس و مرنوسی‌ای بود که همیشه در محیط‌های کار حاکم است.

نخستین شماره‌ی مجله‌ی "آوای کار" همراه بود. آنقدر صبر کردم تا فرصت مناسب پیش آمد، نزدیک شدم و با تردید و احترام سلام کردم. گرمی پاسخ او تردید و اضطرابم را از بین برد. جرات کردم و مجله را به او دادم، شغلم و محل کارم را گفتم و گفتم که

با همکاری چند همکار علاقه مند دیگر ، با توشه ای ناچیز و هدف ارتقای فرهنگی و افزایش آگاهی خود و دیگر همکارانمان این کار را شروع کرده ایم؛ اشتیاق همکاران را به دیدار با او گفتم و نیاز مان را به کمک او در راهی که آغاز کرده ایم. گرمی سخن و مهربانیش موجب شد که خیلی زود احساس کنم دوست و یاری دیرینه را باز یافته ام. قول داد با دادن مطالب و باز گویی مفاهیم اقتصادی به زبان ساده ، ما و مجله مان را یاری دهد. کسی که تا آن روز بدون آن که خود بخواهد و غیابی صدا و استاد ما بود خیلی زود دوست و یاور ما هم شد. روزی به قصد گرفتن یک مصاحبه برای مجله مان به دفتر او رفته بودیم . توان مالی خرید "واکمن" و یا "ویس رکورد" را که آن روزها تازه متداول شده بود نداشتیم و یک دستگاه ضبط صوت خانگی با خود برده بودیم . در وسطای کار دستگاه خراب شد ، نوار گیر کرد و ما دست پاچه...! چه مهربان و صمیمی صبوری کرد تا ما مطلب را با دست نوشتیم و بعد برایمان تصحیح کرد . چند ماهی گذشت ؛ روز جهانی کارگر نزدیک می شد ، در تدارک جشن اول ماه مه سالی را در فرهنگسرای بهمن اجاره کرده بودیم. دکتر را نه برای سخنرانی که فقط برای حضور در کنارمان دعوت کردیم و تردید داشتیم که بپذیرد . بعد ها دیدیم که حضور در هر محفل و جشن و مراسم کارگری را اگر فرصت داشته باشد به گرمی و با اشتیاق پذیرا می گردد. این حضور ها و گفتگو های صمیمانه افزایش آگاهی و پاسخ به سئوالانمان در پی داشت و حمایت مشفقانه و معنوی او از سازمانیابی کارگران و تشکل های کارگری (پشتیبانی معنوی و نه دادن رهنمود های قیم مابانه و دخالت های پدر سالارانه) شور و شوق و ایمان و توانمان را افزون می کرد.

فاجعه ی زلزله ی بم روی داد و این بار او بود که با گذشت فقط چند ساعت از این رخداد، تلفنی از ما و دیگر همکارانمان و افراد گروه های اجتماعی دیگر، برای کمک در تشکیل "ستاد یاری بم (سیب)" و یاری رسانی به زلزله زدگان بم ویران شده کمک می خواست و دعوت کرد .

امواج نئولیبرالیسم و نسخه های توصیه شده ی اقتصادی اش همه ی عرصه ها را در ایران درنوردیدن که نه ، در هم می کوبید ؛ کارخانه ی ما هم به رغم بیش از سه سال مبارزه و پایداری مان تعطیل و سپس منحل شد و بیش از دو هزار نفر به جمع بیکاران آن زمان افزوده گشت. پس از چند ماه بیکاری و برحسب اتفاق در یک نشریه با دکتر رئیس دانا همکار شدم و بسیار خوشحال . این همکاری نزدیک ، یک سال و چند ماه بیشتر طول نکشید ولی همکاری و همگامی مان در "انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران" هنوز هم ادامه دارد. پس از آن من دوباره به صنعت باز گشتم . صنعتی که سلطه ی سرمایه جهانی و تقسیم کار نئولیبرالیستی برای آن رونق و دوامی در نظر نگرفته و چندان رمقی نیز برایش باقی نگذاشته بود . در این سیستم کارگران مهره های کم ارزشی هستند که در پرتو قراردادهای موقت کار - از یک ساله تا یک ماهه و حتا سفید امضا - با دستمزد های ناچیز و به شدت ناکافی به کار گمارده می شوند ، از کمترین میزان امنیت شغلی و بهداشت و ایمنی در کار برخوردارند و در پی بحران های عمومی و پی در پی این سیستم گروه گروه به صف بیکاران و بی خانمان های محروم از هر گونه تامین اجتماعی پرتاب می شوند . در پی هر چرخش و هر حادثه ی اجتماعی و در گذر از هر گذرگاه و گریزگاه، دوستی و پیوند من و دکتر و پیوند معنوی دکتر با هم طبقه ای هایم بیش تر و عمیق تر می شد و من و هم طبقه ای هایم بیشتر و بیشتر می آموختیم .

... و سرانجام در اولین شامگاه پس از آغاز اجرای فاز اول پروژه ی هدفمند شدن یارانه ها، یار و پشتیبان همیشگی کارگران و صدای زحمتکشان در پی مصاحبه ای که پیامدهای ناگزیر و فاجعه بار این طرح را برای اقتصاد ایران و سقوط وحشتناک سطح زندگی کارگران و مزد و حقوق بگیران رادر پی اجرای این طرح باز گو و نمایان می کرد باز داشت شد. پس از باز داشت عناوین اتهامی مختلفی که هیچکدام نیز وارد و ثابت شدنی نبودند به او نسبت داده و در نهایت به تحمل یک سال حبس محکوم شد. اینک با گذشت بیش از یک سال از آن مصاحبه و هشدار دادن ها ، سنگ سخت روزگار درستی آن گفته ها و پیش بینی ها را در همه ی عرصه ها بر همگان نمایان کرد و کمتر کسی را می توان یافت کرد که او را یاری دفاع از این طرح و خواهان ادامه ی آن باشد.

من و همه ی کارگران و مزد و حقوق بگیران آگاه به منافع خود از این وضعیت بسیار متأسفیم و خواهان آزادی هرچه زودتر دکتر فریبرز رئیس دانا ، جبران آن چه بر او گذشته و بازگشت آرامش به او خانواده اش هستیم.

کاظم فرج الهی 1391/04/14

انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران

نشریه داخلی انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران

وقتی اجاره بی وقفه بالا می رود :تاثیر هدفمندی بر بازار مسکن

به نوشته سایت آفتاب در 14 تیر آمده است : علی پاکزاد: شاخص بهای اجاره مسکن طی سالهای 84 تا 90 معادل 313 درصد رشد پیدا کرده و این در حالی است که طی همین دوره شاخص بهای کالاهای مصرفی که مبنای محاسبه نرخ تورم است معادل 177 درصد رشد کرده است، این افزایش ناشی از چه بوده است؟

اگر مقایسه ای بین شاخص بهای اجاره مسکن و شاخص بهای قیمت مسکن داشته باشیم می بینیم که طی دوره مورد اشاره یعنی سالهای 83 تا پایان سال 90 قیمت مسکن یک منحنی سینوسی را پشت سر گذاشته ولی بازار اجاره روندی همواره صعودی داشته و تنها کمی در سرعت افزایش تغییر ایجاد شده ولی هیچ دوره کاهشی در اجاره بها اتفاق نیفتاده است.

نوسان قیمت مسکن در این دوره با تغییر سیاست دولت در قبال وام مسکن اتفاق افتاده است، یعنی در سالهای 84 تا 86 دولت اجازه داد نقدینگی فراوانی به بازار مسکن تزریق شود و این تزریق نقدینگی چون بدون افزایش تولید و تنها مشوق تقاضا بود، جهش شدید قیمتی را ایجاد کرد و تغییر این سیاست در سالهای 87 تا 88 به کاهش نسبی قیمتها در بازار منتهی شد و از سال 88 به بعد با اجرای قانون هدفمندی و رشد هزینه های ساخت و ساز دوباره رشد قیمت با شیبی ملایم تر نسبت به دوران جهش در بازار اتفاق افتاد.

اما در مورد بازار اجاره به نظر می رسد، هیچ سیاست حمایتی صورت نگرفته و یا اگر سیاستی برای حمایت از مستاجران به اجرا درآمده است تاثیر چندانی در روند قیمت ها نداشته است.

با نگاهی دقیق تر به نوسان شاخص بهای اجاره مسکن می توان دید که طی سالهای 84 تا 86 تا حدی افزایش سرعت رشد اجاره را شاهد هستیم و

دقیقا طی سالهای 87 و 88 این سرعت تعدیل شده ولی به ناگهان می بینیم در سال 89 جهش قیمت 34 درصدی اجاره مسکن طی یک سال را شاهد هستیم و البته در سال 90 سرعت رشد کاهش و به 8 درصد می رسد.

در تفکیک دو بازار خرید و اجاره باید گفت این دو بازار از دو جهت با هم متفاوت هستند، اول اینکه بازار اجاره در طرف تقاضای خود تنها تقاضای مصرفی دارد و در این بازار طرف تقاضا هیچ نوع انگیزه سوداگری ندارد و این کالا یعنی ملک اجاره ای برای این مصرف کنندگان کالایی ضروری است و نمی تواند از این بازار خارج شود، این موضوع قدرت چانه زنی را به سمت عرضه سوق می دهد و در عمل مستاجر ناچار به قبول قیمت اعلام شده از سوی مالک است و این انحصار عرضه باعث می شود قیمت در این بازار کمتر امکان کاهش داشته باشد.

در طرف عرضه اما انگیزه عرضه کننده به دو گروه قابل تفکیک است، مالکانی که ملک خود را به ناچار و به دلیل عدم وجود خریدار در بازار اجاره عرضه کرده اند. گروه دوم، کسانی که مالک حرفه ای محسوب شده و از طریق کسب اجاره از ملک خود کسب درآمد می کنند، مبنای قیمت اجاره برای گروه اول جلوگیری از زیان ناشی از خواب سرمایه است و این گروه که معمولا درصد پایینی از املاک اجاره ای را عرضه می کنند بیش از کسب اجاره تمایل به دریافت رهن دارند.

اما در مورد گروه دوم که مالکان حرفه ای محسوب شدند، تمایل به افزایش رقم اجاره نسبت به رهن وجود دارد و البته مبنای تعیین نرخ هم قیمت پول است، این گروه از مالکان که در حال حاضر بخش عمده ای از عرضه بازار اجاره را تامین می کنند، کسانی هستند که تامین هزینه زندگی آنها از طریق اجاره صورت می گیرد و این افراد به تبع شرایط حاکم بر سبب هزینه خود از یکسو و رشد قیمت ملک خود به تعیین اجاره می پردازند. بنابراین این گروه با توجه به نوع کالایی که عرضه می کنند، یعنی کالایی ضروری برای مصرف کنند از قدرت چانه زنی بالاتری برخوردار هستند و با توجه به پیش بینی که از هزینه های خود در سال آتی دارند، می توانند در یک طیف عرفی (معادل 20 درصد ارزش ملک) به تعیین ترکیبی از رهن و اجاره بپردازند.

در این میان در سالهای اخیر می بینیم، در حالی که اجاره مسکن 313 درصد رشد پیدا کرده درآمد گروه متقاضی مسکن اجاره ای که بخش عمده ای از آنها حقوق بگیران هستند معادل 204 درصد افزایش داشته و این دلیل اصلی فشار بر روی مستاجران به حساب می آید.

آنچه در هدفمندی اتفاق افتاد

یکی از تبعات هدفمندی که به سرعت در بازار اجاره مسکن نمود پیدا کرد، افزایش هزینه خانوار بود، این افزایش هزینه زندگی از سوی مالکانی که درآمد خود را از محل اجاره ملک تامین می کنند به سرعت در قیمت اجاره ملک منعکس شد و می بینیم که در سال 89 به ناگهان 34 درصد رشد کرده است، نکته قابل توجه آنکه در موج اول هدفمندی رشد شاخص بهای اجاره دو برابر قیمت مسکن بود.

این روند در سال جاری نیز ادامه پیدا کرده است، البته امسال اگر بخواهیم دلیلی برای افزایش قیمت مسکن و اجاره پیدا کنیم باید به طور حتم به بازار دلار سری بزنیم افزایش قیمت دلار به معنی کاهش ارزش دارایی های ثابت است و این موضوع با مقاومت صاحبان دارایی همراه خواهد شد، اگر دولت نتواند و یا نخواهد قیمت دلار را تثبیت کند، موج افزایش هزینه ها به طور حتم در بازار مسکن هم تلاطم ایجاد خواهد کرد کما اینکه بررسی های مستقل نشان می دهد در همین ابتدای سال جاری نرخ رشد قیمت مسکن در مناطق شمالی تهران در حدود 30 درصد بوده است. این نشان از تنه زدن بازار پولی به بازار مسکن است، تنه زنی که باعث فاصله گرفتن بیشتر این کالا از دسترس اقشار میانی و فرودست جامعه می شود؛ دوست مسنی می گفت در دوران جوانی آرزوی جوانان خانه دار شدن بود، اما امروز پسر من توان پرداخت اجاره یک واحد مسکونی را هم ندارد.

خبر آنلاین

عرضه برنج وارداتی در شمال کشور

به نوشته سایت خانه ملت در 14 تیر آمده است: عضو کمیسیون کشاورزی آب و منابع طبیعی مجلس در واکنش به عرضه و فروش برنج خارجی در شمال کشور، گفت: علت اصلی واردات برنج به کشور و همین طور عرضه آن در منطقه تولید این محصول، مافیای واردات است که ریشه آن باید شناسایی و از بین برود.

یونس اسدی در گفت و گو با خانه ملت، افزود: شناسایی مافیای واردات محصولات کشاورزی در اولویت کارهای کمیسیون کشاورزی مجلس قرار گرفته، زیرا همواره از این ناحیه به تولیدات داخلی ضربه وارد می شود.

نماینده مردم مشکین شهر در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: یکی دیگر از علل واردات بی رویه برنج به کشور و عرضه آن در شهرهای شمالی، نبود متولی و مسئول برای واردات و تنظیم بازار محصولات کشاورزی است که باید این مسئله اصلاح شود. که این موضوع نیز در دستور کار کمیسیون قرار گرفته است.

وی اظهار داشت: زمانی که شالیزارهای شمال کشور این قابلیت را دارد تا برنج با کیفیت تولید کند، بنابراین ضرورتی به واردات این محصول از خارج از مرزها وجود ندارد.

عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس ادامه داد: در بخش مطالعه تناسب اراضی در حوزه برنج که قرار بود به عنوان خودکفایی اقدام شود تاکنون کار مشخصی انجام نشده است.

اسدی تصریح کرد: بسته بندی مناسب محصول برنج در بازار جهانی می تواند ضمن معرفی نام، خواص، مشخصات، قیمت، طریقه مصرف و نگهداری صحیح، محافظت آن کالا را تا زمان مصرف به عهده گیرد.

عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس در پایان یادآور شد: واردات برنج خارجی جدا از مساله آلودگی آنها باعث می شود برنج داخلی به فروش نرسد و فاجعه به بار آید

وزیر کار: اشتغال اتباع خارجی ممنوع است

به گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا در 14 تیر آمده است: 'عبدالرضا شیخ الاسلام' در پایان جلسه امروز /چهارشنبه/ هیات دولت در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سوال که آیا این وزارتخانه برنامه ای برای خروج اتباع افغانی و جایگزینی آنها با کارگران ایرانی

دارد؟ اظهارداشت: اشتغال به کار اتباع خارجی از جمله افغانستانی ها به جز با تایید مراجع ذیصلاح قانونی خلاف قانون است. وی افزود: وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی با هر کارگاهی که اتباع غیرمجاز خارجی را استخدام کند، برخورد قانونی می کند. عضو دولت دهم ادامه داد: وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی برای آن عده از اتباع خارجی از جمله افغانستانی ها که اقدام به دریافت مجوز قانونی از مراجع ذیصلاح برای اشتغال به کار کرده اند، کارت اشتغال صادر می کند.

پنج ماه تعویق حقوق ۲۵۰ کارگر کارخانه لبنی پالود

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 تیر ماه آمده است: يك فعال کارگری در نیشابور اعلام کرد: حقوق ۲۵۰ کارگر واحد تولید لبنیات پالود با گسترش بحران در صنایع لبنی، پنج ماه به تعویق افتاده است. محمد عمارلو در این زمینه به ایلنا گفت: کمبود نقدینگی به تبع نا متوازن بودن بازار تولید و فروش یکی از مشکلات واحدهای لبنی در استان خراسان رضوی است که باعث تعویق حقوق و بیکاری کارگران این صنایع شده است. این فعال کارگری با بیان اینکه در حال حاضر بسیاری از واحدهای تولیدی با مشکلات مالی دست به گریبان اند، ادامه داد: حل این مشکلات در گرو واگذاری تسهیلات با کارمزد پایین است که برای این منظور باید بانکها نیز واحدهای تولیدی را همراهی کنند. عمارلو در ادامه به معرفی نمونه‌هایی از این واحدهای لبنی بحران‌زده در نیشابور پرداخت و افزود: کارخانه تولید لبنیات میلاد و پیشگام با ۴۰ کارگر و ۲۵ کارگر در اواخر سال گذشته به جهت نداشتن امکانات مالی مناسب تعطیل شدند و کارگران این واحدهای تولیدی هم اکنون مستمری بیمه بیکاری دریافت می‌کنند. این فعال کارگری ادامه داد: کارخانه لبنی جریبه با ۶۰ کارگر و پالود نیشابور با ۲۵۰ کارگر هم اکنون در شرایط نا مطلوبی به سر می‌برند. به گفته عمارلو برای بهبود وضعیت واحدهای تولیدی لبنی باید مشکلات پیش روی واحدها برداشته شده و نظارت کافی در این زمینه وجود آید.

او گفت: بالا رفتن قیمت شیر خشک و وجود تعداد مراکز جمع آوری شیر و عدم نظارت کافی بر فعالیت آن‌ها از عمده‌ترین دلایل افزایش قیمت محصولات لبنی است.

او با بیان اینکه کارخانه‌های لبنی زمینه اشتغال صدها نفر از مردم شهرستان نیشابور را فراهم کرده است، تصریح کرد: بعضی از این واحدهای تولیدی با صادرات شیر خام به کشورهای تاجیکستان، افغانستان و کردستان عراق و... سعی می‌کنند با پیدا کردن بازار فروش محصولات خود در این کشورها سرمایه خود را انتقال دهند.

عمارلو با ذکر مثالی ادامه داد: صاحبان صنایع لبنی نیشابور در قبال تسهیلاتی که برای تجهیز و نوسازی کارخانه خود گرفته‌اند با وجود اینکه از لحاظ مالی در حال حاضر مشکلی ندارند بخشی از سرمایه خود را به خارج از کشور انتقال داده و در آن کشورها سرمایه گذاری کرده‌اند، این در حالیست که به طور مثال کارخانه پالود ۵ ماه حقوق ۲۵۰ کارگر خود را هنوز پرداخت نکرده است.

ریحانه انصاری و مازیار مهرپور آزاد شدند

بر اساس گزارش رسیده، روز چهارشنبه 14 تیر ماه ریحانه انصاری و مازیار مهرپور دو تن از فعالین کارگری دستگیر شده شهر کرج آزاد شدند.

لازم به ذکر است که مازیار مهرپور با قرار کفالت 30 میلیون تومانی آزاد شد و ریحانه انصاری از همان ابتدای دستگیری، برای آزادی وی 100 میلیون تومان وثیقه صادر شده بود.

ما ضمن تیریک آزادی ریحانه انصاری و مازیار مهرپور خواستار خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط جلیل محمدی، علیرضا عسگری و کلیه کارگران دربند هستیم.

کمیته هم‌انگهی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-چهارشنبه 14 تیر ماه 1391

بیکاری ۴ هزار کارگر در پی تعطیلی ۳۵ کوره پزخانه در پاکدشت

به نوشته خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 91 آمده است: بدنبال اجرای قانون هفتمیندی یارانه‌ها از مجموع ۶۰ واحد کوره پزخانه فعال در شهرستان پاکدشت ۳۵ واحد تعطیل و از 6 هزار کارگر شاغل در این کوره پزخانه ها 4 هزار نفرشان بیکار شده اند. برپایه این گزارش، اغلب نیروی کار کوره‌پزخانه‌ها را کارگران فصلی تشکیل می‌دهند که با آغاز فصل گرما در اواسط بهار شروع به کار کرده و در اواخر تابستان به کار خود خاتمه می‌دهند. آگاهی از شرایط کار و اکنون بیکاری این کارگران از آن جهت قابل تامل است که این کارگران به دلیل فقدان شغل در روستاهای محل سکونت خود باقی ایام سال را با استفاده از پس‌انداز دستمزد خود هنگام اشتغال خانوادگی در کوره‌پزخانه‌ها سپری می‌کنند.

به سوء استفاده از کارگران در کارخانه تلفن سازی "وی-تک" در چین پایان دهید!

طبق گزارش " کمیته کشوری کار " National Labor Committee (آمریکا) کارگران چینی در کارخانه تلفن سازی "وی-تک" شدیداً از حقوق اولیه خود محروم می‌باشند. این کمیته از طریق " انستیتیوی حقوق جهانی کارگری و انسانی" کارزاری جهانی در دفاع از حقوق این کارگران سازماندهی کرده است، و فراخوانی بشرح زیر در این رابطه صادر کرده است:

به سوء استفاده از کارگران در کارخانه تلفن سازی "وی-تک" در چین پایان دهید
به شرکتهای "ا. تی اند تی"، "موتور اولا"، "وال-مارت"، "سونی"، "فیلیپس" و "دویشچه تلی کام" متذکر شوید که از سرکوب حقوق کارگران در کارخانه تلفن سازی "وی-تک" در چین، و محرومیت این کارگران از معیارهای حقوقی جهانی دست بردارند.
یک شرکت بزرگ در این مورد دست به اقدام صحیحی زده است:

شرکت "تلسرا" در استرالیا پس از دریافت گزارش انستیتوی ما در مورد سرکوبی و محرومیت حقوق کارگران در کارخانه های تلفن سازی "وی-تک" در چین، بلافاصله دستور داد که تمامی فروشندگان تلفنهای "وی-تک"، این محصولات را از قفسه های فروشگاه هایشان بردارند. این شرکت به تمامی توزیع کنندگان خویش نوشت: "توجه فوری: فروش تمامی محصولات وی-تک متوقف شود. شما موظف هستید که فوراً از فروش تمامی محصولات وی-تک خودداری کنید."

شرکتهای دیگر منجمله "ا. تی اند تی"، "موتور اولا" و غیره نیز میبایست بدین گونه عمل کرده و از فروش محصولات "وی-تک" فوراً خودداری کنند.

اگر سوء استفاده از کارگران در کارخانه تلفن سازی "وی-تک" و نقض ابتدای ترین حقوقشان طبق یک برنامه بازسازی کامل خاتمه یابد این کارگران حداقل از مزایای قانون کار چین برخوردار شوند، دوباره فروش محصولات "وی-تک" می تواند سرگرفته شود.

لطفاً در این کارزار شرکت کنید!

در اعتراض به پایمال شدن حقوق این کارگران، نامه ای به شرکتهای ("ا. تی اند تی"، "موتور اولا"، "وال-مارت"، "سونی"، "فیلیپس" و "دویشچه تلی کام") ارسال نمایید.

برای اطلاعات بیشتر در مورد این کارزار میتوانید به سایت "انستیتوی حقوق جهانی کارگری و انسانی" رجوع کنید:

http://salsa.democracyinaction.org/o/677/p/dia/action/public/?action_KEY=11011

تحقیق از مدیر عامل سابق «فرانس تله کام» به دلیل خودکشی کارکنان

به گزارش خبرگزاری یورونیوز در 5 ژوئیه آمده است: ، روز چهارشنبه دادگستری فرانسه علیه دیدیه لومبار، مدیر عامل سابق شرکت مخابراتی «فرانس تله کام» به دلیل آزار سازمانی رسماً اقامه دعوا کرد.

تحقیقات قضائی علیه او و دو مدیر ارشد این شرکت ادامه دارند.

در فاصله سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ فرانس تله کام شاهد یک رشته خودکشی میان کارکنان خود بود.

ممکن است این سلسله خودکشیها پیامدهای جزایی برای وی داشته باشد. این مدیر عامل سابق که ۷۰ سال دارد، اکنون به قید وثیقه آزاد است.

اتهام او آزار سازمانی و زیر فشار گذاشتن کارکنان شرکت فرانس تله کام است.

با وجود این او ضمن در ایرادها مبنی بر بی توجهی به توصیه های نمایندگان صنفی و پزشکان شرکت در موضوع سلامتی کارکنان، در مطلبی در روزنامه فرانسوی «لوموند» نوشته که برنامه های تجاری زمان مدیریش را علت خودکشی هایی که «تراژدی انسانی» نامیده، نمی داند.

اما نمایندگان صنفی کارکنان فرانس تله کام مخالف این دیدگاه هستند.

پاتریک اکرمان، عضو یک اتحادیه صنفی در این باره گفت: «افراد مسئول در این پرونده هنوز محکوم نشده اند، اما ما می خواهیم که این اتفاق بیفتد.

نام مدیران سازمانی مربوط منتشر می شوند، یعنی عواملان فشارها بر کارکنان که برای ما ناشناخته بودند، افرادی که مستقیماً مسئول بدرفتاری و

آزار سازمانی همکاران شرکت فرانس تله کام و زمینه ساز خودکشی آنها شدند.»

نمایندگان صنفی کارکنان این شرکت می گویند «شرایط کاری غیر انسانی» در چارچوب یک برنامه تجاری فرانس تله کام با نام «زمان تحرک»

باعث بیش از ۳۰ خودکشی در آن شده است.

پانزدهم تیرماه 1391

اخراج کارگران قراردادی و پیمانی کارخانه ایرانیته تهران

به نوشته سایت هرانا در 15 تیر آمده است: تمامی کارگران قراردادی و پیمانی کارخانه ایرانیته تهران از کار اخراج شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، بعد از تعطیلی کارخانه ایرانیته تهران در سال گذشته تمام

کارگران قراردادی و پیمانی آن از کارخانه اخراج شده و پس از گذشت چند ماه به طور کامل حقوق و مزایای معوقه ی خود را دریافت نکرده اند.

بعد از بازگشایی مجدد این کارخانه تنها کارگرانی که به صورت دائم استخدام بوده و بیش از ۲۰ سال سابقه داشتند، به کار فرا خوانده شدند.

این در شرایطیست که در حال حاضر کارخانه هیچ گونه تولیدی ندارد و کارگران برای پر شدن سنوات رسیدن به حداقل سال مجاز برای بازنشستگی در کارخانه ای بدون تولید روزگار سپری می کنند.

کارخانه ایرانیته تهران با بیش از ۵۰ سال فعالیت، قدیمی ترین کارخانه ی تولید ایرانیته در ایران و خاورمیانه است که در طی چند سال گذشته

وضعیت نامساعدی داشته و در چند نوبت تعطیل شده بود.

ادامه ی اخراج و بیکار سازی کارگران

بر پایه گزارش رسیده به ایمیل روز شمار کارگری در 15 تیر آمده است: با تشدید بحران اقتصادی، از سویی هر روز بر تعداد کارگران اخراجی افزوده شده و از سوی دیگر شرایط کاری کارگران وخیم تر می شود.

۳۵۰ کارگر کارخانه فولاد زاگرس که تحت نظر شرکت پیمانکاری "خان گل" کار می کنند از جمله کارگرانی هستند که با خطر اخراج روبرو می باشند. این کارگران که عموماً دارای ده سال سابقه کار هستند و در گذشته با قراردادهای موقت سه ماهه مشغول کار بودند، از اول سال جاری مجبور به امضای قرارداد یک ماهه شدند و آخرین شرکت پیمانکاری به آنها اعلام کرده است که در پایان تیرماه کار را تعطیل و دیگر قرارداد کارگران تمدید نخواهد شد.

بر اساس اخبار منتشره از سوی منابع دولتی، به دلیل کاهش تولید در کارخانه های بزرگ خودروسازی، قرارداد کارگران در این کارخانه ها نیز از یک سال به سه ماه کاهش یافته است. گفته شده است که میزان تولید کارخانه های خودروسازی در سال جاری تا ۶۰ درصد کاهش

یافته و این در حالیست که میزان کاهش تولید در سایر واحدهای تولیدی نیز ۳۵ درصد اعلام شده است.

عضو هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران خراسان شمالی نیز با اعلام رکود در پروژه‌های عمرانی و افزایش قیمت مصالح ساختمانی، از افزایش بیکاری در کارگران ساختمانی خبر داده است. اخبار منتشره همچنین حاکی از افزایش مشکلات کارخانجات تولیدکننده لوازم خانگی می‌باشد و اکثر کارخانجات معروف در این رشته همچون ایران‌پویا، ارج، شهاب و پارس با بحران تولید روبرو شده‌اند. به‌گفته‌ی دبیر اجرایی خانه‌ی به‌اصطلاح کارگر مازندران نیز بیش از ۴۰ درصد کارخانجات استان با ۵۰ درصد از ظرفیت فعالیت می‌کنند. به گفته‌ی وی ۱۵ درصد با ظرفیت ۷۰ تا ۸۰ درصدی و تنها ۵ درصد از جمله واحدهای لبنی با ۱۰۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند که با مشکلات خاص خود درگیر می‌باشند.

عباس وطن‌پرور نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار نیز در گفت‌وگویی به کاهش ۴۰ درصدی تولیدات در واحدهای بزرگ صنعتی از ابتدای سال جاری اعتراف کرد. وی پیش‌بینی کرد که با ادامه‌ی شرایط کنونی این کارخانجات تا پایان سال جاری ۶۰ درصد از نیروی کار خود را اخراج کنند.

وی با اعتراف به این موضوع که کارگران در مقابل کارهای طاقت‌فرسا ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند در حالی که مدیران پاداش‌های میلیاردی دریافت می‌کنند، گفت: «نرخ تورم در سبد ارزاق عمومی خانوار طی چند ماهه گذشته به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته است».

رحمت موساپور رئیس کانون شورای اسلامی کار استان خراسان رضوی نیز با اعتراف به این که کارگران برای تامین نیازهای اساسی خود مجبور به بیش از ۱۲ ساعت کار روزانه هستند، گفت: «دستمزد فعلی کارگران تنها ۲۰ درصد از نیازهای اساسی آن‌ها را تامین می‌کند».

مقامات دولتی و وابسته‌گان به این حکومت اگرچه مجبور به اعتراف به وضعیت وخیم کارگران شده‌اند، اما هرگز راحلی برای کارگران ارائه نمی‌دهند. برخی از آن‌ها از کارگران می‌خواهند صبر پیشه کنند و برخی دیگر این وضعیت وخیم را نتیجه تحریم‌ها و یا عدم پرداخت یارانه‌ها به سرمایه‌داران می‌نامند. برخی دیگر نیز راه را در حمایت مالی از سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها اعلام می‌کنند!! اما هیچ‌کدام از این‌ها کارگران را از این وضعیت رهایی نمی‌بخشد. این مزدوران سرمایه هرگز نمی‌گویند که چرا کارگران حق تشکّل ندارند. آنها هرگز به دستگیری و شکنجه و زندان فعالین جنبش کارگری که به دلیل فعالیت‌های روشن‌گرانه‌شان تحت تعقیب و آزار قرار می‌گیرند اعتراضی نمی‌کنند.

تنها راه رهایی کارگران از این وضعیت پایان دادن به عمر علت اصلی تمام بدبختی‌های‌شان، یعنی نظام سرمایه‌داری و دولت حامی آن حکومت اسلامی می‌باشد.

بیکاری ۴ هزار کارگر در پی تعطیلی ۳۵ کوره پزخانه در پاکدشت

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: یک فعال کارگری در پاکدشت اعلام کرد: از مجموع ۶۰ واحد کوره پزخانه فعال در شهرستان پاکدشت ۳۵ واحد تعطیل شده‌اند.

عوض سلطانی در این زمینه به ایلنا گفت: پیش از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در حدود شش هزار نفر در این کوره‌ها کار می‌کردند که این رقم به دلیل تعطیلی ۳۵ واحد کوره به حداقل ظرفیت رسیده است.

دبیر اجرایی خانه کارگر پاکدشت با تأکید بر اینکه ۲۵ واحد باقی مانده با ظرفیت ۲۰ درصدی نیروی کار فعالیت دارند اظهار داشت: در سال گذشته به تبع افزایش هزینه‌های حامل‌های انرژی و تعطیلی اغلب این واحدها بیش از چهار هزار کارگر بیکار شدند.

به گفته وی اکثر کارگران فصلی این واحدها از استانهای کردستان و خراسان جنوبی تامین می‌شدند که با تعطیل شدن کوره پزخانه‌ها و بیکاری آنان مشکلات زیادی در جامعه کارگری این استان‌ها پدید آمده است.

او در ادامه درباره کاهش تولیدات کارخانه‌های آجرسازی افزود: کارخانه‌های آجرسازی شهرستان پاکدشت به جهت اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از سوی دولت و به تبع آن حذف یارانه‌های بخش تولید هم اکنون با حداقل ظرفیت تولید فعالیت می‌کنند.

سلطانی گفت: کارخانه‌ای که در گذشته روزانه سه شیفت کار می‌کرد در حال حاضر با کاهش تولید کارخانه کارگران آن در یک شیفت فعال هستند.

او یکی دیگر از دلایل بیکاری کارگران کارخانه‌های آجرسازی را جایگزینی دستگاه‌های خشت زن با نیروی کار انسانی و همچنین یونولیت‌های پلاستیکی که جایگزین آجرهای سقفی شده است عنوان کرد و گفت: با تولید این محصول جدید در چند سال گذشته تولید آجرهای سقفی کارخانه‌های آجرسازی کاهش و در بعضی واحدها متوقف شده است.

گفتنی است اغلب نیروی کار کوره‌پزخانه‌ها را کارگران فصلی تشکیل می‌دهند که با آغاز فصل گرما در اواسط بهار شروع به کار کرده و در اواخر تابستان به کار خود خاتمه می‌دهند. آگاهی از شرایط کار و اکنون بیکاری این کارگران از آن جهت قابل تأمل است که این کارگران به دلیل فقدان شغل در روستاهای محل سکونت خود باقی ایام سال را با استفاده از پس‌انداز دستمزد خود هنگام اشتغال خانوادگی در کوره‌پزخانه‌ها سپری می‌کنند..

سقوط کارگر از ساختمان ۵ طبقه

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا آمده است: کارگر جوانی بر اثر سقوط از طبقه پنجم یک ساختمان در حال ساخت به سختی مجروح و روانه بیمارستان شد.

به گزارش پایگاه ۱۲۵، ستاد فرماندهی آتش نشانی تهران با دریافت خبر سقوط یک کارگر از ساختمانی در خیابان ابوذر، خیابان آقا جانی، بلافاصله آتش نشانیان ایستگاه ۲۸ و ۶۵ را در ساعت ۱۱:۰۶ دقیقه امروز به محل حادثه اعزام کرد.

براساس این گزارش، این کارگر در حال کار کردن در طبقه پنجم ساختمان بود که ناگهان به پایین سقوط کرده و بر روی پشت بام منزل دو طبقه مجاور افتاد.

این کارگر از چند ناحیه از بدن دچار شکستگی شد که با کمک آتش نشانیان از پشت بام به پایین ساختمان منتقل و تحویل عوامل اورژانس شد.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:
• بخش ب ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: ایمنی و بهداشت محیط کار به رسمیت شناخته شود.

پرسه «گرانی» در بازار خرید و اجاره مسکن

به نوشته روزنامه شرق در تیر ماه آمده است: قیمت مسکن و اجاره‌ها این روزها دست‌نیافتنی‌تر از گذشته شده و شاید بتوان گفت همین عامل بخشی از رکود در این بازار را موجب شده است. روایت بازار مسکن اما شنیدنی است جایی که بانک مرکزی برآورد ۱۱ درصدی از افزایش قیمت در سال گذشته می‌دهد و وزیر مسکن و شهرسازی افزایش قیمت‌ها را نامحسوس می‌داند، در مقابل اما بازار مسکن روایت‌گر قصه دیگری است که حکایت از افزایش تا صددرصدی قیمت مسکن در برخی از نقاط تهران دارد.

شاید برای مسوولان دولتی چندان جالب نباشد که بدانند تا همین یکسال پیش قیمت هر مترمربع از یک آپارتمان نوساز در میدان هفت تیر در حدود دومیلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود و امروز در محدوده چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرواز می‌کند. شاید شمای خواننده نیز خبری از بازار مسکن در نقاط مختلف تهران ندارید و ملاک سنجش برای شما محدوده سکونت خودتان است اما باور کنید در تهران و در جایی زیرپوست همین شهر پیش‌فروش آپارتمان با تمامی امکانات رفاهی برای تحویل در سال ۹۴ به متری هفت‌میلیون تومان هم رسیده است و مالکین برای اجاره یک واحد آپارتمان ۷۰ متری در مناطق مرکزی شهر ۲۰ میلیون تومان پول پیش و ماهانه ۷۰۰ هزار تومان اجاره درخواست می‌کنند. بیره نیست اگر بگوییم واقعیت بازار مسکن با آنچه که مسوولان و بانک مرکزی از آن به عنوان آمار یاد می‌کنند اختلاف بسیار زیادی دارد. بانک مرکزی طبق بررسی‌های خود اعلام کرده که شاخص بهای مسکن اجاری در مناطق شهری ایران طی سال ۹۰ در مقایسه با سال ۸۹ بیش از ۱۱ درصد رشد داشته است. بانک مرکزی در حالی میزان رشد شاخص بهای مسکن طی سال ۹۰ را ۱/۱۱ درصد اعلام کرده که این میزان طی سال ۸۹ معادل شش‌درصد بوده است. واقعیت جامعه اما در مراجعه به بنگاه‌های معاملات ملکی مشخص می‌شود چراکه اگر قیمت‌های فعلی برای خرید مسکن در مناطق مختلف پایتخت را با سال گذشته مقایسه کنید با متوسط رشد ۵۰ درصدی مواجه خواهید شد.

دولت اما در سال‌های اخیر سعی کرده تا با شیوه‌های مختلف افزایش قیمت در حوزه مسکن را متوقف کند و بنا بر ادعای دولتمردان، مسکن‌مهر توانسته این وعده دولت را جامه عمل بپوشاند. فارغ از اینکه مسکن‌مهر در چه شرایطی ساخته می‌شود و با چه مشکلاتی همراه است باید گفت که این طرح هم نتوانست گره از مشکلات بازار مسکن بگشاید و وزیر مسکن و شهرسازی نیز سال گذشته هرچه از آرامش بازار سخن گفت کمتر مورد توجه قرار گرفت.

بازار مسکن نیز همچون سایر بازارها نشان داده است که دستورپذیر نیست و دولتمردان باید به فکر راهکار اساسی برای برون‌رفت از شرایط فعلی آن باشند. شاید امروز وزیر مسکن و شهرسازی نیز به این مهم پی برده باشد که برنامه‌های وزارتخانه متبوعش تأثیری در بازار مسکن نداشته است و باید به فکر اتخاذ تدابیر عقلانی‌تر باشد، چراکه وی ۲۷ خرداد سال گذشته با اشاره به واگذاری طرح مسکن‌مهر و ارایه تسهیلات در سال‌جاری از تثبیت قطعی قیمت مسکن خبر داده بود و امروز براساس آمارهای بانک مرکزی ۱۱ درصد و براساس واقعیت بازار چیزی در حدود ۵۰ درصد افزایش قیمت در مسکن رخ داده است.

علی نیکزاد در همان روز با اشاره به افزایش نامحسوس قیمت زمین و مسکن در سال ۹۰ اظهار کرد: به‌عنوان وزیر مسکن از رسانه‌ها می‌پرسم که قیمت زمین و مسکن چقدر باید افزایش یابد؟ سال گذشته که قیمت مسکن ثابت ماند، شما خبرنگاران چه کردید؟ پس از شما درخواست می‌کنم که اجازه دهید ما کار را پیش ببریم. وزیر مسکن و شهرسازی تصریح کرد: اگر برخی افراد بگذارند وزارت مسکن سیاست‌های خانه‌دار شدن برای همه را اجرایی می‌کند و به طور حتم شاهد وضعیت خوبی در قیمت زمین و مسکن خواهیم بود. نیکزاد ۲۶ بهمن نیز در واکنش به افزایش قیمت مسکن، ضمن تکذیب هرگونه افزایش در این حوزه، اظهار داشت: اگر من خبر دارم که اعلام می‌کنم هیچ افزایشی در قیمت مسکن وجود نداشته و اگر شما خبرنگاران اعلام می‌کنید که افزایش قیمت داشته‌ایم، اینجانب بی‌اطلاعم. اسفندماه اما وزیر مسکن نه‌تنها افزایش قیمت را قبول نداشت بلکه معتقد به کاهش قیمت در این بازار بود. علی نیکزاد چهارم اسفند سال‌گذشته در حاشیه جلسه هیات دولت درباره افزایش بیش از حد قیمت مسکن گفت: در ابتدای افزایش قیمت ارز قیمت مسکن نیز افزایش پیدا کرد، اما بعد از ساماندهی قیمت‌ها مجدداً کاهش یافت.

اظهارات سال گذشته وزیر مسکن و شهرسازی در کنار آمار بانک مرکزی، همخوانی با یکدیگر ندارد و اگر به این معادله مجهول، آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران مبنی بر افزایش ۵/۲۴ درصدی قیمت مسکن فقط در تابستان سال‌گذشته را اضافه کنید با واقعیت‌های این روزهای جامعه آماری ایران رویرو خواهید شد. به هر حال براساس گزارش بانک مرکزی طی سال‌های ۸۷ و ۸۸ میزان رشد شاخص بهای مسکن اجاری در مناطق ایران به ترتیب ۸/۱۲ و ۶/۲۸ درصد بوده است. طبق این گزارش متوسط رشد شاخص بهای مسکن اجاری در شهرهای بزرگ ایران طی سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ معادل ۴/۱۱ درصد رشد داشته است. بر این اساس، این میزان رشد در شهرهای متوسط ۱۰ درصد و در شهرهای کوچک ۴/۹ درصد بوده است. در سه‌ماهه پایانی سال ۹۰ میزان رشد بهای مسکن اجاری در کل مناطق شهری در مقایسه با زمستان سال ۸۹ معادل ۶/۱۳ درصد بوده است. این میزان در شهرهای بزرگ ۱/۱۴، شهرهای متوسط ۸/۱۱ و شهرهای کوچک ۶/۱۱ درصد بوده است.

بر این اساس طی زمستان سال ۹۰ میزان بیشترین رشد شاخص بهای مسکن اجاری در مناطق شهری ایران مربوط به استان خراسان رضوی با ۱۹/۷ درصد افزایش نسبت به میزان سال ۸۹ بوده است. کمترین افزایش نیز مربوط به استان گیلان با ۶/۷ درصد رشد نسبت به زمستان سال ۸۹ بوده است. همچنین در مقایسه رشد شاخص بهای مسکن اجاری طی پاییز تا زمستان سال ۹۰ استان بوشهر با ۷/۵ درصد رشد بیشترین افزایش و استان سیستان و بلوچستان با ۴/۲ درصد رشد کمترین افزایش را داشته است. بانک مرکزی با اعلام حداقل و حداکثر رشد اجاره‌ها آن هم به میزان ۷/۱۹ و ۴/۲ به نوعی خبر از اعتدال در بازار اجاره‌ها می‌دهد. پیگیری‌های خبرنگار «شرق» اما خلاف آمار بانک مرکزی را روایت می‌کند چراکه براساس استعلام صورت گرفته در سال ۹۰ اجاره یک واحد آپارتمان صدمتری در همدان نسبت به سال ۸۹ بیش از ۴۰ درصد رشد داشته و این میزان رشد در سال‌جاری به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. براساس اظهارات یکی از بنگاه‌های معاملات ملکی در منطقه «جهان‌نما»ی شهر همدان این میزان رشد متعلق به مناطق مرکزی و جنوبی شهر است و در مناطق شمالی شهر اجاره‌ها نیز پابهای قیمت مسکن تا ۸۰ درصد رشد داشته است.

اخراج کارگران قراردادی و پیمانی کارخانه‌ی ایرانی‌ت تهران

به گزارش سایت خبرگزاری هرانا در 15 پر آمده است: تمامی کارگران قراردادی و پیمانی کارخانه‌ی ایرانیته تهران از کار اخراج شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، بعد از تعطیلی کارخانه‌ی ایرانیته تهران در سال گذشته تمام کارگران قراردادی و پیمانی آن از کارخانه اخراج شده و پس از گذشت چند ماه به طور کامل حقوق و مزایای معوقه‌ی خود را دریافت نکرده‌اند.

بعد از بازگشایی مجدد این کارخانه تنهاکارگرانی که به صورت دائم استخدام بوده و بیش از ۲۰ سال سابقه داشتند، به کار فرا خوانده شدند. این در شرایطی است که در حال حاضر کارخانه هیچ گونه تولیدی ندارد و کارگران برای پر شدن سنوات رسیدن به حداقل سال مجاز برای بازنشستگی در کارخانه‌ای بدون تولید روزگار سپری می‌کنند. کارخانه‌ی ایرانیته تهران با بیش از ۵۰ سال فعالیت، قدیمی‌ترین کارخانه‌ی تولید ایرانیته در ایران و خاورمیانه است که در طی چند سال گذشته وضعیت نامساعدی داشته و در چند نوبت تعطیل شده بود.

محکومیت تایید حکم زندان و محرومیت رضا شهابی توسط دادگاههای فرمایشی

تایید حکم زندان و محرومیت رضا شهابی توسط دادگاههای فرمایشی جمهوری اسلامی اوج وقاحت این رژیم را به نمایش می‌گذارد. بر اساس اخبار منتشر شده، شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران حکم ۶ سال حبس، ۵ سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و ۷ میلیون تومان جزای نقدی رضا شهابی را تایید کرده است.

کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، زنان مبارز و آزادیخواهان ایران و جهان از درجه سرکوب و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی توسط جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند. حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران آشکارا به تمام دنیا نشان داده است که به ابتدایی ترین قوانین برسمیت شناخته شده جهانی نیز پایبند نیست. آمار و حقایق انکار ناپذیر مربوط به اعدام، زندان و سرکوب ابتدایی ترین حقوق انسانی، رژیم اسلامی را در میان پرچمداران سلب حقوق انسانی در کل جهان قرار داده است. این نشانگر اوج بربریت و ضدیت رژیم اسلامی با انسانیت و عدالت میباشد. در کنار این سرکوب، سردمداران و مسئولین این رژیم با اختلاس و با سوء استفاده از قدرت سیاسی، سرمایه و امکانات آن جامعه را میان خود تقسیم کرده و بر سر تصاحب هر چه بیشتر آن به جان هم میافتند.

همزمان ایجاد تشکلات صنفی کارگری و دفاع از حقوق اولیه کارگران محروم ایران جرم محسوب شده و فعالین کارگری محکوم به شکنجه، زندان و محرومیت های اجتماعی می شوند. زندانی کردن نمایندگان منتخب سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، هیئت موسس سندیکای نقاشان و کارگران تزئیناتی تهران، انجمن صنفی نانوایان سقز و حومه، و تشکلات کارگری مانند کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران فلز کار مکانیک، اتحادیه آزاد کارگران ایران و ده ها تشکل دیگر و اخراج و محرومیت اجتماعی فعالان آنان بیانگر اوج سرکوب کارگران ایران است.

این دادگاهها فرمایشی است و متهمین قبل از تشکیل دادگاه با اتهامات واهی محکوم شده اند. برآستی دادگاه فرمایشی پیگیری قتل های سیاسی در ایران (قتل های زنجیره ای فعالان سیاسی افشاگر رژیم اسلامی) به کجا کشید؟ دادگاههای فرمایشی اختلاس های مالی چند میلیاردی که بدفعات برگزار شده است، از جمله معروف ترین آنها اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، چه سرانجامی پیدا کرد؟ آیا در این دادگاهها مهره های اصلی رژیم که افراد کلیدی اختلاس ها هستند، محاکمه شده اند؟ پاسخ منفی است، آنان با وقت کشی و شامل مرور زمان قرار دادن پرونده ها به غارت منابع و سرمایه ها ادامه میدهند. در همان حال دادگاه یک فعال کارگری بنام رضا شهابی را، که سبیل مقابله با اختلاس است، یعنی کسی که مسئول صندوق و امور مالی سندیکای کارگران شرکت واحد بوده و به امانتداری و صداقت در گفتار و کردار شهره عام و خاص است، به زندان و محرومیت اجتماعی محکوم میکند.

ما بیش از این انتظاری از این رژیم سرکوبگر نداریم اما این احکام در عقب راندن جنبش کارگری نتیجه مطلوبی برای آنان نخواهد داشت و با صدور این احکام ضد کارگری و ضد بشری نتوانسته اند و نمیتوانند نمایندگان و فعالین جنبش کارگری را به سکوت و تمکین وادار کنند. اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران مانند همیشه ضمن محکوم نمودن این احکام حکومتی که در بیدادگاههای فرمایشی جمهوری اسلامی ایران در جریان است، خواهان آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری، دانشجویی، و آزادیخواهان از سیاهچالهای های مخوف رژیم اسلامی میباشد.

رضا شهابی هیچ جرمی مرتکب نشده است و برای مداوای بیماریهایش باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شود.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۶ جولای ۲۰۱۲

info@workers-iran.org

<http://www.etehadbinalmelali.com>

<http://www.workers-iran.org>

فراخوان فوری برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر در باره تایید محکومیت رضا شهابی و حمله به نشست کارگری و دستگیری بیش از 60 فعال کارگری

رضا شهابی و دیگر فعالان سندیکایی زندانی باید آزاد شوند

برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، که برنامه مشترک «فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر» (FIDH) و «سازمان جهانی مبارزه با شکنجه» (OMCT) است، اطلاعات تازه ای دریافت کرده و از شما درخواست می کند فوراً در باره مساله زیر در ایران اقدام کنید.

اطلاعات تازه

برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر از طریق «جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران» (LDDHI) از تأیید حکم محکومیت آقای رضا شهابی، صندوقدار و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، مطلع شده است.

بنا به گزارش در روز 13 تیر 1391، وکیل مدافع آقای رضا شهابی اطلاع یافت که حکم دادگاه بدوی شامل بر شش سال زندان، پنج سال محرومیت از فعالیت‌های سندیکایی و 70 میلیون ریال جریمه نقدی تنها یک ماه پس از ارائه لایحه اعتراضی وکیل مدافع به حکم بدوی در دادگاه تجدید نظر تأیید شده است. آقای شهابی در حال حاضر در بند 350 زندان اوین در بازداشت به سر می‌برد.

علاوه بر این، در روز 25 خرداد 1391، تعداد زیادی از ماموران مسلح امنیتی به نشست ششمین مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری [1] حمله کردند و پس از تیراندازی و ارباب همسایگان بیش از 60 نفر از شرکت‌کنندگان در جلسه از جمله تعداد زیادی از اعضای کمیته هماهنگی و نیز فعالان سندیکایی دیگر را دستگیر کردند.

سازمان‌دهندگان مجمع عمومی در نامه‌ای به تاریخ 15 اسفند 1390 از وزارت کار و امور اجتماعی محلی برای برگزاری مجمع عمومی درخواست کرده بودند، اما وزارت کار این درخواست را در تاریخ 17 اسفند 1390 رد کرده بود. بنابراین آن‌ها چاره‌ای جز برگزاری مجمع عمومی در خانه‌ای خصوصی نداشتند. بسیاری از بازداشت‌شدگان در همان روز یا روزهای بعد با وثیقه آزاد شدند.

دو نفر از بازداشت‌شدگان، آقای جلیل محمدی و آقای علیرضا عسگری، تا این تاریخ هنوز در زندان رجایی شهر کرج در بازداشت به سر می‌برند.

به علاوه، آقای پدram نصراللهی، یکی دیگر از اعضای کمیته هماهنگی، در تاریخ 11 تیر 1391 به خاطر فعالیت‌های سندیکایی خود در دادگاه انقلاب اسلامی سنجندج مورد محاکمه قرار گرفت. آقای نصراللهی در تاریخ 18 اسفند 1390 بازداشت و در تاریخ 5 اردیبهشت 1391 با وثیقه آزاد شده بود. بنابه گزارش‌ها، دلیل محاکمه او عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و فعالیت‌های سندیکایی او بوده است. او در پی دستگیری در تیرماه 1387، سه ماه و 15 روز در بازداشت به سر برده و نیز در مرداد ماه 1389 به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به چهار ماه زندان محکوم شده بود.

اطلاعات پیشینه‌ای

وکیل مدافع آقای رضا شهابی، در تاریخ 26 فروردین 1391 اطلاع یافت که قاضی ابوالقاسم صلواتی رییس شعبه 15 دادگاه انقلاب اسلامی در مرحله بدوی موکل او را به شش سال زندان محکوم کرده است. آقای شهابی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» (یک سال زندان) و «تبیانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» (پنج سال زندان) محکوم شد. او همچنین به 5 سال محرومیت از فعالیت‌های سندیکایی و پرداخت جریمه نقدی به مبلغ 70 میلیون ریال محکوم شد. علاوه بر این، با وجود این که وضعیت جسمانی آقای شهابی در زندان رو به وخامت رفته است، مسئولان زندان او را از خدمات درمانی مناسب محروم کرده‌اند.

گذشته از این، چندین فعال سندیکایی به خاطر فعالیت‌های اتحادیه‌ای خود در حال حاضر در بازداشت هستند یا محکومیت زندان خود را می‌گذرانند، از جمله آقایان علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، رسول بداغی، محمد حسینی، مهدی فراخی شاندیز و علی اخوان. بسیاری از فعالان سندیکایی دیگر نیز پس از گذراندن دوره‌های بازداشت با وثیقه آزاد هستند و در انتظار محاکمه به سر می‌برند.

[1] کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در آستانه روز 11 اردیبهشت (اول ماه مه) 1384 به وسیله هیئت مؤسسان و با گردآوری امضا از 6000 کارگر، برای کمک به تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری تشکیل شد. کمیته هماهنگی در سال 1388 براساس رای پنجمین مجمع عمومی خود از وزارت کار و امور اجتماعی درخواست ثبت کرد، اما دولتمردان هنوز به این درخواست پاسخ نداده‌اند.

در محکومیت حمله به کارگران افغان

کارگران، مردم شریف و آزاده!

همان‌گونه که مطلعید روز سه‌شنبه پنجم تیر ماه سال جاری در پی خبر قتل یک دختر جوان در یزد، عده‌ای مردم ناآگاه و متعصب، انگشت اتهام را به طرف خانواده‌های کارگران مهاجر افغان، در آن محل نشانه رفتند و در کسری از ثانیه متأسفانه جان و مال آنان طعمه‌ی آتش نفرت این انسان‌ها شد. در این فاجعه‌ی ناگوار تعدادی از این شهروندان افغان زنده زنده در آتش سوختند و عده‌ای هم به شدت مجروح شدند. البته این فجایع طی سال‌های اخیر برای طبقه‌ی کارگر به طور عام و کارگران افغان به طور خاص (با شدت بیشتر)، امری بس عادی شده است. چون روزی نیست که کرامت انسان کارگر زیر یوغ سرمایه، خوار و خفیف نشود؟! روزی نیست که کارگری در اثر حادثه‌ی محل کار محکوم به مرگ نشود؟! روزی نیست که کارگری از کار خود اخراج و بیکار نشود؟! روزی نیست که انسانی به دلیل فقر و بیکاری و برای فرار از این وضعیت، به دامان دزدی، تن‌فروشی، اعتیاد و... نیفتاده باشد؟!!

کارگران!

این شرایط در حالی برای افغان‌ها پیش می‌آید که این کارگران برای رهایی از تمامی مصیبت‌هایی همچون بیکاری، فقر، جنگ داخلی، سلطه‌ی خارجی، طالبان و... که روزانه با آن دست به گریبان‌اند؛ ترک دیار گفته و به شیوه‌های مختلف برای یافتن کاری وارد ایران، پاکستان و... می‌شوند. اما با ورود به این کشورها، تازه مصیبت‌ها آغاز می‌شود به گونه‌ای که حتی بدیهی‌ترین حق آنها که هویت‌شان باشد به رسمیت شناخته نمی‌شود. با چنین وضعی این کارگران برای بدست آوردن اندک نانی که بتوانند شکم خود و خانواده‌هایشان را سیر کنند حاضرند سخت‌ترین کار را به جان بخرند و نیروی کار و تن نحیف خود را در قبال مزدی ناچیز برای تولید ارزش افزوده برای سرمایه‌داران و حامیان‌شان، بفروش برسانند. اما می‌بینیم که این کارگران روزانه مورد بی‌حقوقی و بی‌حرمتی‌های فراوانی قرار می‌گیرند و با ترویج این ذهنیت کاذب و دروغین در میان مردم، که گویا دلیل اصلی بیکاری در ایران وجود کارگران افغان و نیروی کار ارزان آنهاست؛ سعی در سرپوش گذاشتن بر روی مسایل حاد پیش آمده در جامعه می‌کنند.

در همین راستا ما تعدادی از کارگران و فعالین کارگری ضمن محکوم کردن این اعمال فاشیستی در قبال کارگران افغان و اتباع خارجی، خواهان پایان بخشیدن به هر گونه اعمال ضد انسانی هستیم و از تمامی انسان‌های آزاده در ایران می‌خواهیم به هر طریق ممکن و برای جلوگیری از تکرار این اعمال شنیع اعتراض خود را اظهار دارند و از خانواده‌های مهاجر افغان حمایت کنند.

اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری سندج / انجمن برق و فلز کار کرمانشاه / جمعی از فعالین کارگری سندج / جمعیت خیاطان، کابینت سازان، آرایشگران سندج / جمعی از خبازان سندج و حومه / شورای کارگران بیکار

گزارش از تظاهرات در حمایت از کارگران افغان

تظاهرات روز چهارشنبه، ۴ جولای در حمایت از کارگران افغان در ایران و علیه جمهوری اسلامی در شهر تورنتو- کانادا برگزار شد. علی رغم گرمای ۴۰ درجه این روز و علی رغم اینکه تظاهرات در وقت اداری برگزار می‌شد که شرکت در آنرا بسیار محدود می‌ساخت، بیش از چهل نفر از ساعت سه تا پنج بعد از ظهر در مقابل دفتر عفو بین الملل به تظاهرات پرداختند. شعارهای تظاهرات که به انگلیسی بر پلاکاردها نوشته شده بود و توسط حاضرین سر داده می‌شد توجه زیادی را به موقعیت غیر انسانی و تحت سرکوب کارگران افغان و سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی جلب نمود. همچنین مقادیر زیادی اطلاعیه به انگلیسی در باره موقعیت پر مشقت کارگران و مهاجرین افغان در ایران و توضیح سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی علیه آنان و افساس یورش اخیر نیروهای رژیم به دویست خانواده افغان در یزد در بین عابرین توزیع شد.

همچنین با تعیین وقت قبلی هیئت هفت نفره (با ترکیب سه فعال افغان و چهار فعال ایرانی، و سه زن و چهار مرد) در ساعت چهار به داخل ساختمان عفو بین الملل رفته و در حالی که تظاهرات در بیرون ادامه داشت به مدت نیم ساعت با گلوریا نفیزگر مسئول بخش خاورمیانه عفو بین الملل در تورنتو دیدار و گفتگو کرد. هدف هیئت دیدار کننده ضمن توضیح اوضاع کنونی کارگران و مهاجرین افغان در ایران و سیاست های فاشیستی جمهوری اسلامی علیه آنان، طرح این درخواست بود که عفو بین الملل با صدور بیانیه ای سیاست های کنونی جمهوری اسلامی علیه افغانها را محکوم نماید و با طرح آن در رسانه های رسمی و ایجاد فشار علیه جمهوری اسلامی برای متوقف شدن این سیاست ها تلاش کند. نماینده عفو بین الملل گفت که پس از مشورت و هماهنگی با دفتر مرکزی عفو بین الملل تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد.

این تظاهرات با حضور فعالین مستقل و نمایندگان برخی نهادهای اجتماعی و احزاب سوسیالیست برگزار شده که بسیاری از آنان طی سخنانی ضمن محکوم نمودن جمهوری اسلامی، حمایت قاطعانه خود را از کارگران و مهاجرین افغان در ایران را اعلام داشتند. همچنین همگان بر ضرورت تدوام چنین اعتراضاتی تاکید کردند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران - واحد کانادا

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو- کانادا)

۵ جولای ۲۰۱۲

سقوط بالابر و مرگ 4 کارگر

به گزارش واحد مرکزی خبر، در 16 تیر آمده است: در یک حادثه در محل ساخت سد نرگسی در بخش جره و بالاده این شهرستان ، سقوط بالابر موجب مرگ این کارگران شد.

بنا بهمین گزارش بنقل از سرهنگ کشتکار جانشین فرماندهی انتظامی کازرون: ساعت 7 و 30 دقیقه دیروز (15 تیر) ، چهار نفر از کارگران ساخت سد نرگسی که در یک بالابر مشغول کار بودند با سقوط بالابر در دم جان باختند.

« برنج ایرانی در انبار ؛ برنج خارجی در بازار »

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 16 تیر از قول دبیر انجمن برنج ایران آمده است: در حالی هم‌اکنون مقداری برنج ایرانی در انبارهای شهرهای شمالی کشور ذخیره شده است که مسئولان اخیرا اعلام کرده اند که برنج هندی به زودی در بازار توزیع خواهد شد.

جمیل علیزاده شایق در گفتگو با مهر در بیان چرایی واردات برنج همزمان با برداشت این محصول از شالیزارهای کشور اظهار داشت: در حال حاضر که کشاورزان مشغول برداشت برنج از شالیزارهای خود هستند، برنج خارجی به کشور وارد می‌شود، چون واردات این محصول منحصر به یک بازه زمانی خاصی نیست.

وی در خصوص میزان متوسط مصرف برنج و میزان متوسط تولید برنج در کشور بیان داشت: مصرف برنج مردم سالانه به طور متوسط در حدود 2 میلیون 800 تا 2 میلیون و 900 هزار تن برآورد می‌شود، درحالی که میزان تولید برنج در کشورمان سالانه بطور متوسط در حدود 2 میلیون و 250 تا 2 میلیون و 300 هزار تن است.

دبیرانجمن برنج ایران در بیان پیش بینی میزان تولید برنج در سال جاری نیز گفت: با توجه به اینکه سال گذشته در حدود 2 میلیون و 300 هزار تن برنج در کشور تولید شده است، امسال هم پیش بینی می‌شود به همان میزان برنج در کشور تولید شود.

وی با اشاره به اینکه حداکثر با انجام ذخیره سازی باید در حدود 600 هزار تن برنج به کشور وارد کنیم، گفت: از سال 1385 به بعد در حدود 900 تا یک میلیون و 200 هزار تن برنج به کشور وارد می‌شود.

سال 90 سال رکوردشکنی در واردات برنج

شایق در عین حال تصریح کرد: البته در سال 90 که اتفاقا سال خوبی برای تولید برنج داخلی بود در حدود یک میلیون و 520 هزار تن برنج به کشور وارد شد که در نوع خود رکورد عجیبی بود!

وی در خصوص قیمت برنجهای خارجی در بازار جهانی عنوان کرد: قیمت برنجهای خارجی از حدود 285 دلار تا حدود 1050 دلار در هرتن متغییر است.

دبیرانجمن برنج ایران با بیان اینکه طبیعتا وزارت صنعت برای واردات به دنبال خرید برنجهای گران قیمت خارجی نمی‌رود، قیمت برنج وارداتی که وزارت صنعت خریداری می‌کند را در حدود 300 تا 500 دلار در هرتن اعلام کرد.

وی با اشاره به اینکه قیمت تمام شده برنج خارجی با توجه به هزینه های جانبی که دارد ارزان تر از برنج داخلی است، گفت: مردم کشور هم به دلیل ارزان بودن برنج خارجی ناچارا این محصول را مصرف می‌کنند.

شایق با بیان اینکه باید قبول کنیم که هزینه تولید برنج داخلی بالاست، یکی از مهمترین دلایل بالا رفتن هزینه تولید برنج در کشور را خرد شدن و کوچک شدن مساحت شالیزارها و شهرهای شمالی کشور عنوان کرد. وی اضافه کرد: در مقطعی در شالیزارهای شهرهای شمال کشور 1.2 هکتار متوسط واحد بهره برداری بود که هم اکنون این عدد به 0.7 هکتار رسیده است.

دبیرانجمن برنج ایران افزود: با وجود اینکه هم اکنون مقداری برنج در انبارهای شهرهای شمالی کشور ذخیره شده است، مسئولان اخیرا در مازندران اعلام کرده اند که برنج هندی به کشور وارد شده و به زودی توزیع خواهد شد!

اعتصاب کارمندان ۱۱۸ مخابرات شیراز و تجمع در مقابل استانداری/ تهدید معترضان به اخراج

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 16 تیر آمده است: کارمندان ۱۱۸ مخابرات شیراز در اعتراض به تعدیل نیرو، شرایط کاری نامناسب و شیوه جدید عقد قراردادهای اعتصاب کرده اند.

این اعتصاب که باعث اشغال ماندن خط ۱۱۸ در شیراز شده است، در حالی همچنان ادامه دارد که روز چهارشنبه این کارمندان علاوه بر دست کشیدن از کار، در اعتراض به نحوه عقد قراردادهای جدید در مقابل استانداری فارس تحصن کردند.

پیمانکار جدید مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز حضور مجدد کارمندان در این مرکز را مشروط به اخذ قراردادی جدید با آنها کرده است که بر اساس آن، مقدار حقوق دریافتی کارمندان بر اساس میزان تماس های مردم با این مرکز تعیین می شود. اما به نوشته روزنامه «خبر جنوب» چاپ شیراز، کارکنان مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز در اعتراض به قراردادهای جدید کاری، از حضور در محل کارشان خودداری کرده و از پاسخگویی به تلفن ها دست کشیده اند.

این روزنامه در شماره روز چهارشنبه خود به نقل از معاون توسعه منابع انسانی استان فارس، دلیل تغییر شیوه قراردادهای در این مرکز را «افزایش بهره وری و صرفه جویی در هزینه توسط مخابرات» اعلام کرده است. عبدالحسین نافیان تصریح کرده که «مخابرات فارس در راستای تصمیمات شرکت مخابرات ایران و بر اساس «ضوابط قانونی اداره کار» عمل کرده است.»

علی اصغر روزگار، عضو هیات مدیره مخابرات فارس، نیز ضمن حمایت از این اقدام و بی توجهی به اعتراض کارمندان گفت: این کار در راستای تعدیل هزینه های صورت گرفته است و از سوی دیگر برای انجام هر کاری باید ابتدا قرار داد بسته شود و پیمانکار جدید نیز خواستار قرارداد جدید است و این افراد بر مبنای کاری که انجام می دهند و بر اساس پاسخ گویی به مردم حقوق دریافت می کنند نه بر مبنای نشستن در این مرکز.

این عضو هیات مدیره مخابرات استان فارس ضمن تهدید کارمندان به اخراج، تصریح کرد: اگر کارمندان مرکز ۱۱۸ تا هفته آینده در محل کار خود حضور نیابند، مجبور هستیم از نیروهای جدید در این مرکز استفاده کنیم.

مدیر عامل شرکت مخابرات استان فارس نیز ضمن تأیید این شیوه از قرارداد به کارگر نیز گفت: وجود ذهنیت های متفاوت نسبت به شیوه قراردادهای جدید باعث بروز این اعتراضات شده است. پیمانکار جدید بر اساس مقررات و نظارت اداره کار موظف به عقد قرارداد با پرسنل است لذا در این نظام جدید میزان پرداخت دستمزد تغییری نکرده و تنها شیوه دریافت حقوق از روزمزدی به کارمزدی یا ساعت مزدی تغییر یافته است.

کاهش ساعت کار، خدشه دار شدن به سنوات کاری، حذف مزایایی چون حق مسکن، حق اولاد با بن کارگری از جمله موارد اعتراض کارکنان این مرکز است. در حال حاضر ۳۱۴ کارمند مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز هنوز در اعتصاب هستند و این مرکز همچنان ناتوان از پاسخگویی به تماس های مردم است.

مشکل زباله های تهران جدی است: جمع آوری کارگران خدمات شهری که از اتباع خارجی هستند

به گزارش خبر آنلاین در 16 تیر آمده است: محمدجواد نعمتی: ماجرا از آنجا شروع شد که اداره اتباع خارجی ناجا در ماموریتی هماهنگ اما بدون اطلاع قبلی شهرداری تهران کارگران خارجی فعال در حوزه خدمات شهری که عمدتاً مهاجران افغانی هستند را جمع آوری کرد و به کمپ های ویژه انتقال داد. گفته شده است به موجب قوانین جدید بکارگیری اتباع دیگر کشورها بدون اخذ مجوزهای قانونی از مراجع ذی ربط ممنوع بوده و پلیس می تواند آنها را جمع آوری کند.

پیش از این اتفاق نیز برخی کارگران خارجی شهرداری تهران که در حوزه خدمات شهری مناطق فعالیت می کردند به سبب عدم ارائه کارت مهاجرت به مراکز انتظامی ارجاع شده و بعضاً از کشور اخراج شدند.

پیمانکاران خدمات شهری معتقدند، نیروی کار ایرانی تمایلی به فعالیت در این حوزه ندارد و از طرفی پیمانکاران از ارائه خدمات حمایتی و پوشش های شغلی به کارگران نظیر بیمه، حقوق مصوب، حق همسر و فرزندان و نیز اضافه کار شانه خالی می کنند، از این رو تمایل دارند با استفاده از کارگران ارزان که اغلب از اتباع مهاجر افغانی هستند در هزینه های خود صرفه جویی کنند.

باقری، ناظر فنی یکی از شرکت های پیمانکار خدمات شهری تهران دلایل جالبی را در این باره به خبرنگار افغانی 70 درصد کمتر از کارگر ایرانی حقوق می گیرد و مزایای شغلی خاصی ندارد؛ از این رو هزینه شرکت برای تأمین معیشت و به کارگیری آنها پایین می آید.

او درباره شرایط رفاهی و اسکان این کارگران می گوید: «کارگران خدمات شهری که از اتباع خارجی هستند معمولاً در خانه های اسکان کارگری و ایستگاه های خدمات شهری مناطق مستقر می شوند و در مدت همکاری خود در این اماکن حضور دارند. برخی هم با اقوام و دوستان خود در حاشیه شهر زندگی می کنند و برای کار به تهران می آیند. با این حال از برخی نقاط شهر برای آنها سرویس هایی گذاشته شده است تا در زمان کوتاهی سرکار خود حاضر شوند.»

آمار مشخصی از تعداد دقیق کارگران خدمات شهری تهران در دست نیست اما به اذعان برخی منابع، حدود 30 هزار نفر کارگر در بخش های فضای سبز و رفت و روب با شهرداری تهران همکاری می کنند که از این تعداد 13 هزار نفر را کارگران خارجی تشکیل می دهند. در سه سال گذشته نیز حدود 4 هزار نفر از این افراد به سبب نداشتن کارت تابعیت و پروانه کار مجاز از کشور اخراج شدند.

مشکل زباله های تهران جدی است

شهروندان پایتخت می گویند به دلیل نصب سطل های مکانیزه حمل زباله تا حدودی کم رنگ شده اند اما با این حال مشکل رفت و روب معابر در ساعاتی مختلف روز همچنان وجود دارد. مضاف بر این سطل های نصب شده در محله ها نیز به سبب تجمع شیرابه و شکستگی بهداشت

و زندگی عمومی شهروندان را به مخاطره انداخته است. همچنین در این روزها که دمای هوای شهر از مرز 40 درجه می‌گذرد در برخی محله‌ها بوی نامطبوع از سطل‌های زباله به مشام می‌رسد که ناشی از عدم شست‌وشو و گندزدایی آنهاست. این درحالی است که روزانه بیش از 7 هزار و 500 تن زباله در تهران جمع‌آوری می‌شود که نیمی از آن توسط کارگران خدمات شهری به مراکز تبدیل پسماند فرستاده می‌شود. مجتبی عبدالهی، معاون خدمات شهری و فضای سبز تهران می‌گوید: "حجم تولید پسماندهای شهر تهران بسیار زیاد است و برخلاف شهرهای پیشرفته دنیا جمع‌آوری زباله‌های پایتخت سه بار در روز انجام می‌شود." او با رد مشکل جمع‌آوری زباله‌های تهران به خبر آنلاین گفت: "خدمات شهری در مناطق براساس برنامه زمان بندی مشخصی از نیمه شب آغاز می‌شود و تا قبل از طلوع آفتاب و آغاز فعالیت‌های روزمره شهروندان ادامه دارد. البته در برخی موارد پیمانکاران خدماتی کاستی‌هایی دارند که در صورت مشاهده یا گزارش شهروندان به آن رسیدگی می‌کنیم."

در برابر این گفته‌ها رضا شریفی، کارشناس محیط زیست، از وضعیت عمومی نظافت شهر تهران انتقاد کرده و از مسئولان می‌خواهد موضوع خدمات شهری پایتخت را جدی بگیرند. او می‌گوید: "مسائل حاکم بر جامعه کارگران خدمات شهری تهران باعث شده است آنها میل کمتری به کارکردن در شهر داشته باشند و در مواردی از کیفیت کار بزنند." او به مدیران شهری پیشنهاد می‌دهد، ضمن درک حساسیت‌های بهداشتی شهر و با در نظر گرفتن مسئله کمبود نیروی کار خدمات شهری، از طریق تعامل با نهادهای انتظامی و اجرایی کارگران مجاز خارجی را به خدمت گرفته و بعد از ارائه آموزش‌های بومی آنها را در مناطق و محله‌ها سازماندهی و ارزیابی کنند.

دست نوشته معلم زندانی رسول بدایقی خطاب به فعال حقوق بشر نرگس محمدی

دست نوشته معلم زندانی رسول بدایقی خطاب به فعال حقوق بشر نرگس محمدی جهت انتشار در اختیار "فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران" قرار داده شده است. متن دست نوشته به قرار زیر می‌باشد:

خوشا به ملتی که حاکمانش مدرسه را به مسجد تبدیل نکرد، تفنگها را به قلم تبدیل نکرد از مسجدها سنگر ساخت و زندانها را به دانشگاه تبدیل نکرد.

خواهرم نرگس:

درست است که تو در زندانی اما بدان که خون غیرت آگاهانه ات در تار و پود احساس و اندیشه مردم سرزمینت در تکاپوست. آن تقدیری که می‌بایست با دستان شایسته تو و همزمانت رقم بخورد بر صفحه تاریخ و ذهن جامعه امروز و فردا حک شده است، شکوفه کرده است و در بامدادی خجسته سرزمینت را معطر می‌کند. اکنون شما در پی برداشت گامی ارزشمندتر هستید که در زندان برای رساندن خرد ملی به مقصد برابری و آزادی برمی‌دارید. بی گمان آب حیات آزادی و دموکراسی حدیث مظلومیت شماهاست که روح انسانهای آزاده را به جنبش واداشته است.

خواهرم نرگس:

آن دانایی و شجاعتی را که تو و تقی رحمانی و سایر مبارزین در روح خرد ملی دمیده اید اکنون به بار نشسته است. حقیقت و ذات تجربه ناپذیری که در اندیشه انسان های جامعه است زمان، مکان و شخص نمی‌شناسد. رحمانی در فرانسه یا در ایران، نرگس در قفس یا در میدان روح تشنه معنویت انسانها را به جنبش در آورده است. ریشه های اندیشه انسان تشنه آزادی، آگاهی و برابری تا ژرفای سرچشمه های خرد رخنه کرده است و خود را به آب گوارای خرد ملی رسانده است. دیری نخواهد پایید که این آب گوارای آزادی و دموکراسی بر سرشاخه های درخت تنومند تمدن ایرانی خواهد رسید و آنرا همچنان سبز و پر بار خواهد کرد خواهرم نرگس:

بدان که روح والا، اندیشه پاک و روان زلال مبارزانی همچون شما در زندان نیز تار و پود خودکامگان بیدادگر دروغگو و مردم فریب را از هم پاشیده است. بودن نرگس و نسرين، مهسا و بهاره، شبنم و محبوبه و زینب و مهوش و نوشین و فریبا فریادیست حول انگیز به جان زدانی که نه تنها دارایی، بلکه روح بشریت را می‌خواهند به تاراج ببرند. این دزدان روح انسانی و سوداگران عزت و سربلندی مردم ایران از انجاییکه خود از ذات ناپاک خویش آگاهند و می‌دانند که چه جنایتی بر بشریت ستم دیده و پاک به ناجوانمندی روا داشته اند. هر لالایی مادرانه ای را فریادی خوف انگیز برای افشای رفتارهای شیطانی خود می‌پندارند. این غارتگران ناموس و عزت و تقدس و فرهنگ و تمدن ایرانی و بشری اکنون اگر در توانشان باشد هر انسانی را که خردمندانه از نوکری چشم و گوش بسته آنان خودداری کند تنها به گناه آزادی که به دار ارزانی سپرده و جان او را هدیه ای کم ارزش به مقدسات ساختگی و فردی خویش می‌پندارند و اگر همه بشریت را از میان بردارند و نابود کنند باز آرامش از دست رفته خویش را بدست نمی‌آورند و رقص پرده های کاخ ستم خویش را به دست باد، نیرنگ های نو پنداشته و بسوی آسمان پر ستاره تفنگهایش را نشانه می‌روند و هرگز آرامشی نمی‌یابند مگر آنکه مغز پر از خاطرات جنایتهای خویش را نشانه روند و همچون هیتلر بشریت را از شر خویش آسوده کنند.

خواهرم نرگس:

بی گمان کیانا و علی شما و ستایش و شبنم و شکیبایی ما و میلیون ها کودک پاک اندیش این آب و خاک به زودی زود در سایه درخت رنج های شیرزنان و دلاور مردان این مرز و بوم متمدن خواهند آرمید و در هوای آزادی و دموکراسی که مادران، پدران و خواهران و برادران هموطنشان برای آنان به پرواز آورده اند به پرواز در خواهند آمد و خوشبختی و انسانیت و آسایش و راستی و درستی را به نسل های آینده نیز هدیه خواهند کرد.

به امید جشن بزرگ برابری و آزادی.

رسول بدایقی

16 تیرماه 91

سلول 6 بند 4 زندان رجایی شهر کرج

اخراج کارگران افغانی ابعاد تازه ای به خود می‌گیرد

سایت خبری راه کارگر - در یک اقدام از پیش تعیین نشده، اداره اتباعی خارجی نیروی انتظامی به دستگیری کارگران افغانی شاغل در شهرداری تهران پرداخته و آن‌ها را به کمپ‌های ویژه منتقل کرده است. این اقدام هم‌آهنگ نیروی انتظامی که بدون اطلاع شهرداری تهران صورت گرفته است، مشکلات جدی در ارائه خدمات شهری ایجاد کرده است. این اقدام خارجی ستیزانه نیروی انتظامی در راستای سیاست هم‌آهنگ دولتی برای وارد آوردن حداکثر فشار بر افغانی‌ها و اخراج آن‌ها صورت می‌گیرد. این سیاست راسیستی تلاش می‌کند تا مشکل بیکاری گسترده را بر دوش کارگران ارزان افغانی بیاندازد. لازم به یادآوری است که نزدیک به ۱۳ هزار نفر از ۳۰ هزار نفر کارگران خدمات شهری تهران را کارگران افغانی تشکیل می‌دهند که از حقوق و مزایای نازلی برخوردارند تا جایی که باقری، ناظر فنی یکی از شرکت‌های پیمانکار خدمات شهری تهران می‌گوید: «کارگر افغانی ۷۰ درصد کمتر از کارگر ایرانی حقوق می‌گیرد و مزایای شغلی خاصی ندارد؛ از این‌رو هزینه شرکت برای تامین معیشت و به‌کارگیری آنها پایین می‌آید».

مشکل زباله‌های تهران جدی است: جمع‌آوری کارگران خدمات شهری که از اتباع خارجی هستند
خبر آنلاین: محمدجواد نعمتی: ماجرا از آنجا شروع شد که اداره اتباع خارجی ناجا در ماموریتی هماهنگ اما بدون اطلاع قبلی شهرداری تهران کارگران خارجی فعال در حوزه خدمات شهری که عمدتاً مهاجران افغانی هستند را جمع‌آوری کرد و به کمپ‌های ویژه انتقال داد. گفته شده است به موجب قوانین جدید بکارگیری اتباع دیگر کشورها بدون اخذ مجوزهای قانونی از مراجع ذی‌ربط ممنوع بوده و پلیس می‌تواند آنها را جمع‌آوری کند.

پیش از این اتفاق نیز برخی کارگران خارجی شهرداری تهران که در حوزه خدمات شهری مناطق فعالیت می‌کردند به سبب عدم ارائه کارت مهاجرت به مراکز انتظامی ارجاع شده و بعضاً از کشور اخراج شدند.

پیمانکاران خدمات شهری معتقدند، نیروی کار ایرانی تمایلی به فعالیت در این حوزه ندارد و از طرفی پیمانکاران از ارائه خدمات حمایتی و پوشش‌های شغلی به کارگران نظیر بیمه، حقوق مصوب، حق همسر و فرزندان و نیز اضافه کار شانه خالی می‌کنند، از این‌رو تمایل دارند با استفاده از کارگران ارزان که اغلب از اتباع مهاجر افغانی هستند در هزینه‌های خود صرفه‌جویی کنند.

باقری، ناظر فنی یکی از شرکت‌های پیمانکار خدمات شهری تهران دلایل جالبی را در این باره به خبرآنلاین می‌گوید: «کارگر افغانی ۷۰ درصد کمتر از کارگر ایرانی حقوق می‌گیرد و مزایای شغلی خاصی ندارد؛ از این‌رو هزینه شرکت برای تامین معیشت و به‌کارگیری آنها پایین می‌آید.»

او درباره شرایط رفاهی و اسکان این کارگران می‌گوید: «کارگران خدمات شهری که از اتباع خارجی هستند معمولاً در خانه‌های اسکان کارگری و ایستگاه‌های خدمات شهری مناطق مستقر می‌شوند و در مدت همکاری خود در این اماکن حضور دارند. برخی هم با اقوام و دوستان خود در حاشیه شهر زندگی می‌کنند و برای کار به تهران می‌آیند. با این حال از برخی نقاط شهر برای آنها سرویس‌هایی گذاشته شده است تا در زمان کوتاهی سرکار خود حاضر شوند.»

آمار مشخصی از تعداد دقیق کارگران خدمات شهری تهران در دست نیست اما به اذعان برخی منابع، حدود ۳۰ هزار نفر کارگر در بخش‌های فضای سبز و رفت و روب با شهرداری تهران همکاری می‌کنند که از این تعداد ۱۳ هزار نفر را کارگران خارجی تشکیل می‌دهند. در سه سال گذشته نیز حدود ۴ هزار نفر از این افراد به سبب نداشتن کارت تابعیت و پروانه کار مجاز از کشور اخراج شدند.

مشکل زباله‌های تهران جدی است
شهروندان پایتخت می‌گویند به دلیل نصب سطل‌های مکانیزه حمل زباله تا حدودی کم‌رنگ شده‌اند اما با این حال مشکل رفت و روب معابر در ساعات‌های مختلف روز همچنان وجود دارد. مضاف بر این سطل‌های نصب شده در محله‌ها نیز به سبب تجمع شیرابه و شکستگی بهداشت و زندگی عمومی شهروندان را به مخاطره انداخته است. همچنین در این روزها که دمای هوای شهر از مرز ۴۰ درجه می‌گذرد در برخی محله‌ها بوی نامطبوع از سطل‌های زباله به مشام می‌رسد که ناشی از عدم شست‌وشو و گندزدایی آنهاست.
این درحالی است که روزانه بیش از ۷ هزار و ۵۰۰ تن زباله در تهران جمع‌آوری می‌شود که نیمی از آن توسط کارگران خدمات شهری به مراکز تبدیل پسماند فرستاده می‌شود. مجتبی‌عبداللهی، معاون خدمات شهری و فضای سبز تهران می‌گوید: «حجم تولید پسماندهای شهر تهران بسیار زیاد است و برخلاف شهرهای پیشرفته دنیا جمع‌آوری زباله‌های پایتخت سه بار در روز انجام می‌شود.»

او با رد مشکل جمع‌آوری زباله‌های تهران به خبرآنلاین گفت: «خدمات شهری در مناطق براساس برنامه زمان‌بندی مشخصی از نیمه شب آغاز می‌شود و تا قبل از طلوع آفتاب و آغاز فعالیت‌های روزمره شهروندان ادامه دارد. البته در برخی موارد پیمانکاران خدماتی کاستی‌هایی دارند که در صورت مشاهده یا گزارش شهروندان به آن رسیدگی می‌کنیم.»
در برابر این گفته‌ها رضا شریفی، کارشناس محیط‌زیست، از وضعیت عمومی نظافت شهر تهران انتقاد کرده و از مسئولان می‌خواهد موضوع خدمات شهری پایتخت را جدی بگیرند. او می‌گوید: «مسائل حاکم بر جامعه کارگران خدمات شهری تهران باعث شده است آنها میل کمتری به کارکردن در شهر داشته باشند و در مواردی از کیفیت کار بزنند.»
او به مدیران شهری پیشنهاد می‌دهد، ضمن درک حساسیت‌های بهداشتی شهر و با در نظر گرفتن مسئله کمبود نیروی کار خدمات شهری، از طریق تعامل با نهادهای انتظامی و اجرایی کارگران مجاز خارجی را به خدمت گرفته و بعد از ارائه آموزش‌های بومی آنها را در مناطق و محله‌ها سازماندهی و ارزیابی کنند.

۱۰۰ هزار کارگر نساجی اصفهان در خطر اخراج

سایت خبری راه کارگر - بحران اقتصادی فلج کننده، تحریم های ویرانگر اقتصادی و ناتوانی دولت رانت خوار و اختلاس گر باعث ویرانی اقتصاد کشور شده است. به دلیل فرسودگی ماشین آلات، کمبود مواد اولیه لازم و بالارفتن هزینه های گوناگون در نتیجه اجرای سیاست حذف یارانه ها، بسیاری از واحدهای نساجی اصفهان تنها با ۴۰ درصد ظرفیت کار می کنند. در سه ماه گذشته سه کارخانه ی نساجی نیز تعطیل شده و کارگراتش به ارتش بیکاران پیوسته اند. این خطری است که دو هزار کارخانه ی نساجی اصفهان با ۱۰۰ هزار کارگر را تهدید می کند. در چنین شرایط شدت بحرانی، مقامات دولتی مدام بر شعارهای پوچ خود و سیاست های ماجراجویانه ی شان پای می کوبند.

پیامی به احزاب، سازمانها و نهادهای که نشست مشترک داشتند

محمد اشرفی

پس از سالها احساس ضرورت بالاخره در روزهای ۲ الی ۴/۴/۱۳۹۱ تعدادی از احزاب و سازمانهای مختلف چپ به خود قبولاندند که جهت پیدا کردن راه حل های مورد نیاز برای خروج جنبش کمونیستی از بن بست باید به یکدیگر روی آورند، به خود قبولاندند که کارزار امروزی در مقابل سرمایه داری و عوامل آن از عهده هیچ کدام به تنهایی بر نمی آید .

عینا" و تلویحا" به خود قبولاندند که موجودیت خودشان به صورت پراکنده نه تنها سودی برای جنبش کمونیستی و کارگری ندارد، بلکه خود مانع رشد و گسترش این دو جنبش شده اند .

خروج این ۲۵ تشکیلات و نهاد از توهم خود محور بینی بسیار مثبت است، هر چند هنوز تعدادی دیگر تشکیلات در طیف چپ وجود دارند، که همچنان در دریای توهم خود غوطه ورنند ، اما به نظر می رسد، جرقه فروریزی این توهم در طیف چپ زده شده است، اگر دست اندرکاران امروزی این نشست با موضوع علمی برخورد کنند، به زودی شاهد فروریزی کامل توهم در کلیت طیف چپ خواهیم بود.

یک بار دیگر می خواهم تأکید کنم ، حرکت های اعتراضی و اعتصابات خود به خودی کارگران طی حدود ده سال گذشته، مبارزات دامنه دار سندیکای شرکت واحد ، سندیکای هفت تپه ، کارگران پتروشیمی ها ، نساجی ها ، لاستیک سازی ها و غیره و به خصوص جنبش اعتراضی ۱۳۸۸ بدون شک نشان داد که هیچ کدام از احزاب و سازمانهای موجود آن چیزی که طبقه کارگر می خواهد نبودند ، نیستند و با توجه به ساختارهای آنها پتانسیل شدن نیز در آنها نیست، مگر با برقراری ارتباط میان آنها و کنکاش برای یافتن راه حل، مانند همین نشست هر چه بیشتر و مستمر صورت بپذیرد. همچنین تذکر سه نکته بسیار مهم است .

نکته اول،

ممکن است تعدادی از رفقا در اشتباه باشند و بگویند طی ۳۳ سال گذشته بارها از این نشست ها انجام شده است و به نتیجه نرسیده اند، قبول دارم بارها اتفاق افتاده و شکست خورده است، ممکن است، این دوره هم شکست بخورد، ولی به یاد داشته باشیم خروج از این بن بست، یک ضرورت است، در انجام شدن ضرورت، شکستهای زیادی ممکن است، اما نهایتا" پیروزی اجتناب ناپذیر است . حسن شرایط امروز این است که بستر و زمینه جهت برقراری همگرایی ها تحت فشار نیاز های جنبش کارگری و کمونیستی و جوشش داخلی و بیرونی که جامعه را به سمت اعتلا می راند نیاز به نیرویی دارد که لازمه ایجاد شدن توازن قوا، در واقع مکمل و ضرورت اعتلایی انقلابی است ، همچنین به دلیل رشد مبارزات طبقاتی بسیار آماده تر از گذشته است، شاید در گذشته جمع شدن بر مبنای تشخیص درست فعالین و انقلابیون بوده است ولی زمینه همگرایی وجود نداشت، بنا براین با شکست مواجه می شد، اما اکنون با توجه به عبور از حمله ای تحمیلی شکست کمونیسم و انواع تبلیغات ضد مبارزه طبقاتی زمینه و بستر همبستگی هر چه بیشتر خود را نشان می دهد.

تعداد شکست ها بستگی به میزان برخورد علمی با موضوع توسط بازیگران آن دارد که اگر تحلیل مشخصی از شرایط مشخصی نداشته باشند و نیازها و تواناییهای خود و دشمن را دقیقاً بررسی نکرده باشند و همچنین از توهم خودمحوری عبور نکرده باشند، پیروزی بدست نمی آید .

بارها دیده شده است. یک ورزشکار ممکن است در ده مسابقه شکست بخورد و بالاخره بار یازدهم پیروز شود، این پیروزی نتیجه تجربیات و تلاش طی ده بار شکست است.

همیشه شکست ها بیشتر از پیروزی است چون در مسیر انقلابی پیروزی یک بار است اما شکست می تواند دهها بار اتفاق بیافتد، راه درست برای رسیدن به یک هدف فقط و فقط یک راه می تواند باشد، اما راه های انحرافی می توانند هزاران راه باشند. یک مورچه وقتی از ارتفاعی بالا می رود ممکن است ده بار به پایین بغلطد، ولی فقط یک بار پیروز می شود که دیگر به پایین نمی غلطد .

نکته دوم باید،

تمامی وارد شدگان در درون این نشست از هم اکنون بپذیرند که شاید در طی مباحثات و مذاکرات در نشست های آتی نیاز به انحلال خود در درون یک ظرف بزرگ و جدید باشد، اگر امروز همگی اصل را بر پیروزی جنبش کمونیستی بگذارند، از خودمحوری عبور کرده اند و اگر فردا نیاز به انحلال خود در درون ظرف جدید باشد، بدون مکث این کار را خواهند کرد . نمی توانم بگویم این نیاز چه زمانی و چگونه با چه شرایطی و تحت چه نامی احساس خواهد شد، اما به جرئت می گویم، ضرورت آن اجتناب ناپذیر است، پس باید تمامی رفقا ضمن به رسمیت شناختن اختلافات کنونی و برخورد دقیق علمی و برابر دانستن یکدیگر چنین رویکردی را نیز در روند و پروسه نشست ها به عنوان یک راه حل در نظر داشته باشند .

نکته سوم ،

در این رابطه روی سخن با هواداران و بدنه تشکیلات ها است، آنها باید خود را در این روند بسیار محق و تاثیر گذار بدانند و اگر تشکیلات را به عنوان یک ابزار برای رسیدن طبقه کارگر به اهدافش می دانند ، هدفشان از پیوست به تشکیلات مورد نظر خود استفاده از ابزاری برای پیروزی طبقه است ، باید روند نشست ها را بادقت دنبال کنند و هر زمانی لازم دانستند، تشکیلات مورد علاقه خود را وادار به انجام وظیفه ابزاری بودن خود نمایند، اگر تشکیلات فوق زیر بار ابزار بودن نرفت و در جهت منافع طبقه حرکت نکرد، آن را تنها بگذارند. این روش تنها و بهترین راه برای حرکت کردن در مسیر اشتراکات و حذف موانع سر راه مبارزات طبقه کارگر و خروج جنبش کمونیستی از بن

بست است. و صد البته پیش برد چنین روشی وظیفه انقلابی تمامی هواداران است که اگر به این وظیفه عمل نکنند، نمی توان نام آنها را انقلابی گذاشت.

باید دقت کرد، با توجه به اینکه باید افق و کلیت خروج جنبش کمونستی از بن بست در نظر گرفته شود، اما چون فعلا" از آن کلیت بسیار زیاد فاصله داریم، بهتر است، با دو دید کوتاه مدت و بلند مدت به نتایج این نشست ها توجه کنیم، بلند مدت را به عنوان راه حل برای افق و چشم انداز آتی و نهایی در نظر بگیریم و نتایج کوتاه مدت را به عنوان ایجاد توان و توازن جهت کسب حداقل ها مد نظر داشته باشیم. در این صورت حتی اگر در چشم انداز و افق دور به پیروزی نرسیم، یا بسیار دیرتر برسیم، حداقل توانستیم، منافع طبقه کارگر را در مواردی حداقلی تا حدودی به دست آوریم.

حداقل ها همانهایی هستند که امروز طبقه کارگر به صورت پراکنده ولی با تمام وجود برایش تلاش می کند، یعنی حداقل های امروزی همانهایی هستند، که عرصه فعالیت های عملی امروز را تعیین می کنند، بنابراین اگر عملا" به صورت مشترک وارد عرصه های عملی حداقل ها شویم، بدون شک به اشتراکات بیشتری دست خواهیم یافت، این اشتراکات در عمل سکوی پرتاب برای رسیدن به اصول مشترک به صورت اجتناب ناپذیری خواهند شد. چرا که مبارزه در عرصه آنچه که طبقه کارگر امروز برای رشد در آینده لازم دارد، عملکرد سازمان یافته در رابطه با حداقل ها ی امکان پذیر امروزی با دیدگاه و قبول چشم انداز و افق رشد یابنده، برنامه ریزی و سازمان یافتگی فردا است. در واقع به دلیل پراکندگی امروزی است که دست یابی به حداقل ها نیز میسر نمی شوند، حداقل های امروزی سنگ بنای مطالبات مهم و بزرگ طبقاتی کارگران در فردا هستند. البته این دو طیف مطالبه جدایی عبور ناپذیر بینشان نیست، بلکه دلیل عمده پراکندگی است که نقاط اشتراک را در حداقلها قرار داده است و در همین حال هر کدام از تشکیلات ها نیز به تنهایی کارساز نیستند، بنابراین ناچارا" از حداقل ها شروع می شود.

باز تکرار می کنم حداقل های مطالباتی طبقه کارگر نقاط مشترک تمامی سازمانها، احزاب و نهادها هستند، برای رسیدن به اشتراک در حداکثرها ناچاریم از اشتراکات حداقلی شروع کنیم.

از جمله دفاع از حداقل های امروزی برای سازمانها و احزاب و خود طبقه کارگر حفظ تمامیت زندگی از سقوط طبقه محسوب می شود که عبارتند از: سازماندهی نیروهای کارگری و انقلابی در جهت فعالیت عملی برای جلوگیری از اخراجها، افزایش دستمزدها، مقابله با حذف خدمات عمومی، مقابله با دستگیریها و محاکمه و زندانی کردنها، کسب آزادی های مدنی و سیاسی، ... مهمتر از همه تلاش بسیار زیاد جهت متشکل شدن و متشکل کردن در اشکال متنوع و گوناگون که باز بدلیل پراکندگی، همه انواع متشکل شدن مکمل یکدیگر خواهند بود، هر شکلی از متشکل شدن در حوزه خاصی مورد نیاز و ضرورت پیدا می کند، که مجموعه ی آنها در جهت سراسری شدن و تکمیل یک دیگر ضرورت بلا منازع دارند. به فراخور وجود تنوع اندیشه ها و اختلاف کیفی میزان آگاهی طبقاتی در درون طبقه و گرایشات گوناگون در درون جنبش کارگری و جنبش کمونیستی و همچنین وجود سرکوب ددمنشانه هر گونه تشکل یابی، عوامل مهمی هستند که حکم می کنند به جهت عبور از این بن بست همه اشکال تشکل یابی در کنار هم و همزمان مورد نیاز است، که باید مورد عنایت واقع شوند. مثلا" در جای از کشور سندیکا از جهت مقبولیت توده ای شکل غالب است، در جای دیگر شکل غالب کانون یا انجمن صنفی می تواند باشد، و در جای دیگر شورا ها شکل غالب به خود می گیرند. حتی در نقاطی مجموعه ای از اینها می توانند باشند، و دقیقا" در حینی که از نظر خواستگاه توده ای اشکال نامبرده هر کدام با درجاتی مورد استقبال هستند، که مجموعا" تمامی اندیشه ها و مناطق را پوشش می دهند، اما جهت امکان پذیر شدن هر کدام از آنها نوع دیگری از متشکل شدن و سازمان دادن همه امکانات در جهت وادار کردن دشمن به پذیرش تشکل یابی توده ای کارگران مورد نیاز صد در صدی است، آن سازمان یابی و سازماندهی مخفی انقلابی در قالب هسته ها و کمیته ها در محل کار و زندگی است که اگر این نوع متشکل شدن مورد عنایت واقع نشود، نمی توانیم جمهوری اسلامی را وادار به قبول انواع دیگر تشکل های توده ای نماییم. متشکل شدن در سه شکل علنی، نیمه علنی و مخفی ضرورت اجتناب ناپذیر امروزی ما است، البته همه این اشکال ابزاری هستند تا طبقه کارگر بتواند به اهدافش برسد. با توجه به موارد بیان شده همه تشکیلات های طرف مذاکره باید به پذیرند که پافشاری برای قبولاندن نوع تشکل یابی مورد نظر خود به بقیه، به عنوان شکل غالب ادامه و دامن زدن به پراکندگی بیشتر است.

مورد دیگر که نیاز به دقت دارد، این است که سازمان سیاسی کارگران در به کاربردن تاکتیک ها، باید چنان انعطاف پذیر باشد که انرژی و پتانسیل لازم در جهت سازماندهی همزمان تمامی اشکال نامبرده تشکل یابی را با خود داشته باشد، فقط یک همچنین سازمان سیاسی می تواند، در شرایط کنونی ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر باشد. توانایی دیگری که سازمان سیاسی طبقه کارگر باید داشته باشد، این است، که بتواند کار کردن در میان توده ها، حتی در درون تشکل های تحت سلطه دشمن را نیز سازماندهی نماید، یعنی هر جایی که کارگران حضور دارند باید به صورت تشکیلاتی وارد شده، فعالیت انقلابی (ترویج، تبلیغ و سازماندهی) را پیش ببرد.

رفقای شرکت کننده در نشست ۲ تا ۴ تیر ماه فعلا" خواست ما از شما دو مورد زیر است.

۱- در پایان نشست باید یک پلاتفرمی ولو بسیار کوچک و جزی بدست بیاید تا آن دست مایه و پیش زمینه ای برای ادامه روند و دلیلی جهت برقراری نشست های بعدی باشد، همچنین همین دست مایه اولیه باید در نشست های بعدی قوی تر و قویتر شود.

۲- مشخص کردن تاریخ دقیقی برای ادامه نشست ها با حداقل نشست بعدی.

در این صورت می توانید روی بسیاری از رفقا در داخل و بیرون حساب باز کنید، فکر می کنم در حرکت امروز اگر زمینه ادامه و رشد روند در آن با دقت در نظر گرفته شده باشد، باید از آن با تمام وجود حمایت کرد.

به امید چنان روزی

محمد اشرفی - ۱۷/۴/۱۳۹۱

تهدید شغل ۱۰۰ هزار کارگر نساجی اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ ۱۷ تیر آمده است: شکی نیست که افزایش قیمت حامل های انرژی، نرسیدن بسته های حمایتی هدفندی یارانه ها، تحریم ها و بالا بودن نرخ بهره بانکی مشکلاتی برای صنعتگران استان اصفهان ایجاد کرده اما این مشکلات، از بحرانی که کارگران و حقوق بگیران با آن دست و پنجه نرم می کنند، سخت تر نیست.

به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، حدود یک دهه پیش بود که داستان بحران در صنعت نساجی اصفهان آغاز شد، این زخم کهنه، از اوایل

دهه ۸۰ با فرسودگی ماشین آلات و کمبود سرمایه در گردش کارخانه‌ها سرباز کرد و با موجی که از اعتراض کارگران و تعطیلی واحدها بوجود آورد، به سرعت مورد توجه مسوولان قرار گرفت و آن‌ها را بر آن داشت که با استفاده از تسهیلات کمکی ارزان قیمت و حتی استفاده از حساب ذخیره ارزی این بحران را خاتمه دهند.

اما اکنون که بیش از یک دهه از شروع بحران می‌گذرد، هنوز هم این صنایع بر این باورند که مشکلاتشان حل نشده و هر ماه، تعدادی از کارخانه‌ها دست به تعدیل نیرو می‌زنند یا اعلام ورشکستگی می‌کنند.

تعطیلی سه کارخانه نساجی اصفهان در سه ماه مظفر چولمقانی دبیر انجمن صنفی کارفرمایان نساجی‌های اصفهان در این باره به ایلنا گفت: هیچ تغییری در وضعیت این صنعت مشکل دار بوجود نیامده و همچنان واحدهای فعال با زخم‌های کهنه دست و پنجه نرم می‌کنند. او خبر تعطیلی سه کارخانه نساجی در سه ماه گذشته را تأیید کرد و گفت: متأسفانه نه تسهیلاتی به کارخانه‌های مشکل دار پرداخت شده و نه بهبودی در کارشان حاصل شده است.

ادامه کار با ۴۰ درصد ظرفیت تولید چولمقانی با تأکید بر اینکه بسیاری از کارخانه‌های نساجی، با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت خود به فعالیت ادامه می‌دهند، بیان داشت: مشکل اصلی، کمبود مواد اولیه است که عمدتاً در سالهای گذشته از خارج از کشور وارد می‌شد اما اخیراً با تحریم‌های جدید، برای خرید و واردات پنبه و الیاف مصنوعی دچار مشکل شده‌ایم. وی با انتقاد از همکاری نکردن بانک‌ها برای بازکردن ال سی و انجام فعالیت‌های مربوط به تجارت خارجی این صنف گفت: متأسفانه بسیاری از واحدهای تولیدی، ماه‌هاست که ۲ تا ۵ میلیارد تومان هزینه لازم برای خرید مواد اولیه را در دست دارند اما نمی‌توانند خط تولید کارخانه‌شان را به راه اندازند.

کمبود مواد اولیه داخلی وی با اشاره به ادامه فعالیت نساجی‌ها با استفاده از مواد اولیه داخلی گفت: مشکل اینجاست که نه پنبه داخلی از کیفیت مورد نیاز کارخانه‌های نساجی برخوردار است و نه محصول صنایع پتروشیمی داخلی جوابگوی نیاز ماست. دبیر انجمن صنفی کارفرمایان نساجی‌های اصفهان با اشاره به جلسات متعدد این صنف با مسوولان وزارت صنعت، معدن و تجارت و حتی مدیران استانی و محلی گفت: با این وجود هنوز مشکلات پابرجاست و کارفرمایان چاره‌ای جز تعدیل نیرو نداشته‌اند.

دو هزار کارخانه نساجی اصفهان و ۱۰۰ هزار شغل مستقیم در خطر این همه در حالی روی می‌دهد که به گفته حاتم شاه‌کرمی، رییس هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایان صنایع نساجی استان اصفهان، در حال حاضر، یکصد هزار اصفهانی در این صنعت شاغل هستند و بی‌برنامگی و عدم ارائه راهکارهای صحیح برای حل مشکل نساجی‌ها، این مشاغل را تهدید می‌کند. وی با اشاره به وجود بیش از هشت هزار واحد صنعتی در استان افزود: از این تعداد دو هزار و ۲۰۰ واحد متعلق به صنعت نساجی است. شاه کرمی همچنین خواستار اجرای قانون مبارزه با کالای قاچاق شد و گفت: با توجه به ماده ۱۰۳ تأمین اجتماعی که به ماده ۸۰ تبدیل شده، این قانون اجرا نمی‌شود و باعث وارد آمدن فشارهایی بر صنعت نساجی شده است.

رشد ۴۰ درصدی صادرات نساجی‌ها اما از سوی دیگر رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان در مراسم تجلیل از ۳۰ تلاشگر صنایع و معادن اصفهان، اعلام کرد: صادرات صنعت نساجی در سه ماهه نخست سال جاری در حدود ۴۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد داشته است. سید عبدالوهاب سهل‌آبادی با اشاره به مشکلات موجود بر سر راه صنعت و تولید تصریح کرد: با توجه به روزهای سخت و وجود تحریم‌ها، تورم، عدم کمک و ارایه بسته‌های حمایتی طرح هدفمندی یارانه به خود می‌بایم که در صنعت نساجی در سه ماهه نخست امسال در حدود ۴۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد داشته‌ایم. وی از اختصاص رتبه نخست توسعه یافتگی رتبه دوم در صادرات کشور به اصفهان با وجود همه مشکلات موجود خبر داد و گفت: صنعت اصفهان در تمام دولت‌ها پویا بوده اما در حال حاضر با مشکلات بسیاری از جمله رفتن برخی از فعالان این عرصه پشت میله‌های زندان روبرو است.

مشکلات اقتصادی محدود به صنعت نیست رییس خانه صنعت، معدن و تجارت استان و نایب رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان در پاسخ به ایلنا درباره ناهماهنگی آمار رشد صادرات نساجی‌ها با بحران و تعدیل ظرفیت آن‌ها گفت: مشکلات اقتصادی در همه بخش‌ها وجود دارد و مختص به صنعت و معدن هم نیست البته با توجه به اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، افزایش دامنه تحریم‌ها، بالا بودن نرخ بهره بانکی و موارد دیگر، کار واحدهای تولیدی کند شده اما این به آن معنا نیست که سیاه‌نمایی کنیم و همیشه در انتظار حل مشکلات از بیرون مجموعه خود باشیم. وی با اشاره به نقش مدیریت صحیح در شرایط کنونی و برای کاهش اثرات بحران‌های اقتصادی در کارخانه‌ها گفت: افزایش صادرات صنعت نساجی اصفهان، موضوعی بود که در جلسات با استاندار و دیگر نشست‌های تخصصی اعلام شده و مورد تأیید اعضای این انجمن صنفی نیز بوده و هست.

مشکل کارگران و کارمندان، بیشتر است سهل‌آبادی که معتقد است در حال حاضر وضع کارگران و حقوق‌بگیران سخت‌تر از کارفرمایان است افزود: بارها از کارفرمایان خواسته‌ام

به جای تعدیل نیرو، کارگران خود را حفظ کنند، چراکه سالهاست از کار آنها بهره برده‌ایم و از نتیجه کار و تلاش آنها استفاده کرده‌ایم. وی با استناد به کارگاههای تولیدی مشکل داری که این هفته به ستاد تسهیل استان مراجعه کردند و خواستار حل مشکلاتشان شدند گفت: به جز دو سه کارخانه، بقیه واحدهای تولیدی فعالند و مشکل تعدیل نیرو نداشته‌اند.

رشد تصاعدی هزینه‌های کارگران
علیرضا حیدری کارشناس مسایل اقتصادی در اصفهان نیز با تایید مشکلات روزافزون جامعه حقوق و دستمزد بگیر گفت: افزایش ۳۰ درصدی قیمت نان باعث افزایش هزینه‌های سبد خانوار کارگران به صورت تصاعدی می‌شود.
وی یادآور می‌شود: بعد از اجرای مرحله نخست هدفمندی یارانه‌ها، قیمت بسیاری از کالاها از جمله نان افزایش یافت که به دلیل عدم ایجاد سیستم جبرای برای این افزایش قیمت، مشکلات زیادی متوجه کارگران و خانواده آنها شده است که جبران آن نه با افزایش دستمزد و نه با افزایش پرداخت یارانه نقدی دیده نشده است.
گزارش از ناهید شفیعی

هیولای گرانی حداقل دستمزدهای کارگران نیز می‌بلد

به نوشته سایت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۷ تیر آمده است: عضو هیات مدیره کانون شورای اسلامی کار استان تهران: جهش یکباره قیمت‌ها زندگی کارگران را به مخاطره انداخته است
۶۵ درصد از کارگران حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند/افزایش ۱۸ درصدی حداقل دستمزد باعث تقویت قدرت خرید کارگران نشده است/به علت افزایش بی‌رویه نرخ سبد هزینه خانوار تقریباً ۸۵ درصد از کارگران زیر خط فقر گذران معیشت می‌کنند.
ایلنا: عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: مجلس مصوبه‌ای مبنی بر افزایش سقف معافیت مالیاتی کارگران ارائه نکرده است.
علی اکبر عیوضی عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران در گفتگو با خبرنگار ایلنا ضمن بیان مطلب فوق یاد آور شد: سقف معافیت مالیاتی کارگران امسال نیز به مانند سال گذشته ۴۳۰ هزار تومان تعیین شده است.
او در ادامه کارگران را جزو اقشار فراموش شده از سوی مسئولین اعلام کرد و خاطر نشان ساخت: مسئولین نظام زمان تصمیم گیری در کلیه عرصه‌ها کارگران را فراموش می‌کنند. این در حالیست که کارگران در تمامی زمینه‌ها به نظام خدمت کردند.
عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه ۶۵ درصد از کارگران حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند تصریح کرد: به علت افزایش بی‌رویه نرخ سبد هزینه خانوار تقریباً ۸۵ درصد از کارگران زیر خط فقر گذران معیشت می‌کنند.

به گفته عیوضی افزایش یکباره و بدون توجیه قیمت‌ها در ماه‌های اخیر باعث افزایش شکاف بین درآمدها و هزینه‌های کارگران شده است به نحوی که می‌توان گفت نه تنها افزایش ۱۸ درصدی حداقل دستمزد سال جاری باعث تقویت قدرت خرید کارگران نشده بلکه با جهش یکباره قیمت‌ها، افزایش ۶۰ هزار تومانی حداقل مزد سال ۹۱ تأثیر چندانی در زندگی کارگران نداشته است.
این فعال کارگری یاد آور شد: افزایش قیمت‌ها در ماه‌های اخیر از سوی افراد سودجو به شدت زندگی کارگران را به مخاطره انداخته است به نحوی که همه تلاش‌های شورای عالی کار در ماه‌های گذشته برای تقویت حقوق و دستمزد کارگران بی‌اثر شده است.

رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد را حمایت کنیم

اخیراً دادگاه تجدیدنظر رأی اولیه محکومیت رضا شهابی را تائید کرده است. این محکومیت به قرار زیر است:

- 1- 5 سال زندان
 - 2- 6 سال محرومیت از فعالیت سندیکایی
 - 3- 7 میلیون تومان جریمه نقدی
- ما کارگران ایران حق خود می‌دانیم که تشکل داشته باشیم و از حقوق خود که همواره توسط سرمایه داران و دولت مدافع آنها محدودتر می‌شود دفاع کنیم.
- داشتن تشکل در اکثریت جوامع و کشورها متداول است و جزء حقوق اولیه آنان بشمار می‌رود. اما در ایران با وجود دولت ضدکارگری که در جهت تداوم و استمرار سندهای افسانه‌ای سرمایه داران تلاش می‌نماید، چنین حکم‌هایی نه برای اولین بار و نه برای آخرین بار است که تکرار می‌شود.
- این رفتار خشنونت آمیز با ما کارگران و نمایندگان مان از جمله رضا شهابی نمونه روشنی از این واقعیت است. داشتن تشکل و هرگونه فعالیت در جهت تأمین رفاه اجتماعی و دفاع از حقوق مان حق مسلم ما کارگران است. ما کارگران چنین حکم‌هایی را اعلان جنگ علیه طبقه کارگر می‌دانیم. نمونه بارز دیگر که اخیراً در کرج اتفاق افتاد تهاجم وحشیانه به نشست اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری می‌باشد که تنها جرمشان تشکیل جلسه برای دفاع از حقوق کارگران است.
- ما ضمن محکوم کردن احکام ضدکارگری و ضد انسانی بر علیه رضا شهابی و دیگر کارگران (شاهرخ زمانی و محمد جراحی و بهنام ابراهیم زاده که از اعضای کمیته پیگیری می‌باشند) و دیگر فعالین کارگری خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی هستیم. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران

17/4/1391

از کارگران افغانی در مقابل تهاجم تازه دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی دفاع کنیم

همانطور که شاهد هستیم بیکاری، افزایش سرسام آور قیمت ها، فقر، گرسنگی، اعتیاد و ... هر روز بیشتر از روز قبل در جامعه افزایش می یابد و خشم و نفرت مردم بخصوص کارگران بیشتر می شود چرا که مردم می بینند عده کمی از افراد جامعه که سرمایه دار و یا وابستگان به حکومت هستند در ناز و نعمت بسر برده و از برکت همین بحران های اجتماعی و اقتصادی جیب های خود را پر می کنند و در مقابل کارد به استخوان اکثریت مردم رسیده است، بطوریکه حتی روزنامه های رسمی نیز در تحلیل های خود بوجود آمدن شورش های اجتماعی را دور از ذهن ندانسته اند.

در این شرایط دولت مدافع سرمایه داران برای انحراف اذهان مردم از دلایل بیکاری و سایر مشکلات اقتصادی - اجتماعی مردم حمله به کارگران افغانی را در دستور کار خود قرار داده است. این تهاجمات اگرچه در سال های گذشته هم وجود داشته است ولی در سال جاری در روز سیزده نوروز توسط یکی از عوامل حکومتی در اصفهان کلید خورد و افغان ها را از ورود به پارک صفا ممنوع کرد. در مرحله بعدی استاندار مازندران دستور اخراج کلیه افغان ها اعم از مهاجرین دارای مجوز و بدون مجوز را از آن استان صادر کرد. بدلیل همین برخورد های تبعیض آمیز و نژادپرستانه که عامدانه و بطور علنی از رسانه های عمومی پخش می شود، زمینه چنان فراهم شده است که وقتی در شهر یزد یک نفر جنایتکار (که هنوز هم بطور قطعی مشخص نشده است فرد جنایتکار افغانی بوده است یا غیر افغانی) به دختری جوان تجاوز کرده و سپس وی را بقتل می رساند، جمعیتی از مردم ناآگاه و تحریک شده به خانه های افغانی ها در آن شهر حمله کرده و افغانی های ساکن چه مرد، چه زن و چه کودک را وحشیانه کتک زده و محل سکونت آنها را به آتش می کشند. شایع شده است که تعدادی از افغان ها را در آتش می سوزانند. همین جا بایستی توضیح داد که حتی اگر آن فرد جنایتکار افغانی هم باشد گناه کارگران و زحمتکش افغانی و زن بچه های آنها چیست؟ چرا آنها بایستی تاوان جنایت یک فرد را بدهند و یا چرا آنها بایستی تاوان همکاری و امضاء پیمان مشترک دولت افغانستان با آمریکا را بدهند؟

اخیراً هم در اقدامی هماهنگ مدیر کل اتباع و مهاجران خارجی در استان فارس ناوایی ها، سوپرماکت ها و مراکز فروش مواد غذایی را تهدید کرده است که در صورت ارائه خدمات به افغانی ها مغازه اشان پلمپ و خودشان جریمه خواهند شد. کارگران افغان با رنج و زحمت و کار خود بخشی از ثروت این جامعه را بوجود آورده اند که خود صاحب آن نیستند، همانگونه که کارگران ایرانی از هر قومی چه لر، چه کرد، چه فارس، چه بلوچ ... با کار خود ثروت این جامعه را بوجود آورده اند ولی خود صاحب آن نیستند. کارگران فقط از طریق اتحاد و پشتیبانی از همدیگر در مقابل سرمایه داران می توانند از منافع خود دفاع کنند و تهاجم سرمایه داران را عقب بزنند. بهمین دلیل دفاع از کارگران افغانی زمینه را برای جلوگیری از تهاجم بیشتر سرمایه داران و کم کردن فشار بیشتر به طبقه کارگر فراهم می کند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران

17/4/1391

تهاجم وحشیانه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران به کارگران

با تعمیق "بحران" در رژیم جمهوری اسلامی ایران شقاوت آن در عرصه واقعیت برای کارگران و فرودستان جامعه هر روز تحمل ناپذیرتر می گردد. اما معنای بحران در باورها و بافت مفهومی جمهوری اسلامی ایران، یعنی تبدیل تضادهای جامعه به تناقض و حل این تضادها از طریق اعمال یک نیروی تخریبگر است که اکنون در بزنگاه تشنج و احتضار به سر می برد. بحران برای این رژیم به معنای: بار سنگین بحران اقتصادی، بحران سیاسی - اجتماعی که لحظه ای گریبانش را رها نمی سازد، بحران منطقه ای که بر اثر سیاست های تنش برانگیزش تمامی کشورهای همسایه را رودروی خود قرار داده، مناقشه با قدرت های مداخله گر سرمایه داری جهانی بر سر سیاست برنامه اتمی، اجرای سیاست های آمرانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای خصوصی سازی ها که حتی با برنامه فریبکارانه هدفمندسازی یارانه ها که در دومین مرحله از اجرای دروغین آن بازمانده و آنچه که از این سیاست ویرانگرانه برجای مانده افزایش نجومی هزینه زندگی در تمام عرصه ها می باشد که بخش وسیعی از جامعه را حتا از تهیه نان خالی عاجز نموده، و در نهایت بحران تولید و روابط اجتماعی آن است. بنابراین با توجه به پیچیدگی همه جانبه این بحران که به طور ماهوی ساختاری شده است و با ترکیبی از بار بحران اقتصادی - سیاسی سرمایه جهانی از یکسو و از سوی دیگر فشار های نابودکننده ای که تحریم های جهانی بر روی بحران های داخلی این رژیم افزوده، می توان شمارش معکوس فروپاشی و احتضار این رژیم ضدانسانی را به طور عینی دید.

جمهوری اسلامی برای گریز از این بحران توان فرسا با تمامیت جامعه به جنگ سرنوشت ساز برخاسته، زیرا که تشدید فرساینده مبارزه طبقاتی حاصل از این بحران، این رژیم را از تاب و توان انداخته است. پیکان تیز حمله این رژیم جنایتکار نخست طبقه کارگر ایران است که با حمله به دستمزدهای آنان و سرکوب هرگونه تشکل یابی این طبقه و اعتراضاتشان صورت می پذیرد. پاسخ به هر اعتراض کارگری، بازداشت، زندان و تبعید است که آخرین آن بازداشت ۶۰ کارگری می باشد که فقط برای بحث و گفتگو پیرامون مسائل طبقاتی خود گردهم آمده بودند. اما در این میان رژیم به فرودست ترین و بی دفاع ترین بخش این طبقه نیز حمله می نماید که با نامیدن "مهاجر" و "میهمان" آنان را از دست یافتن به حداقل امکانات انسانی محروم کرده است: پناهجویان و بی جا شده گان "افغانستانی".

با گذشت بیش از سه دهه جنگ ناخاسته و تحمیلی توسط قدرت های سرمایه داری در افغانستان، میلیون ها نفر از آنان به سرزمین های دور و نزدیک جهان مهاجرت نموده اند. در حدود سه میلیون نفر از توده های پناهمو و بی جا شده افغانستانی که اکثریت آنان را کارگران ساده و زحمتکششان تشکیل می دهد، به مرور وارد جامعه ایران شدند. با توجه به ریشه های تاریخی - فرهنگی که میان این توده های مهاجر با مردم جامعه ایران وجود داشته و دارد، سهولت ادغام آنان در جامعه به راحتی انجام پذیر می بود. اما دولت سرمایه داری رژیم جمهوری اسلامی با توسل به شونینسم سیاسی - طبقاتی و ایدئولوژی تفرقه افکنانه "ناسیون"، نه تنها ادغام این جمعیت را ناممکن ساخت، بلکه بخشی را با متشکل نمودن در گروه های "مجاهد" و با هزینه های کلان، به ابزار نفوذ سیاست های مداخله گر ایانه یا نقشه ها و توطئه چینی های خود برای "صدور انقلاب" بدل نمود و بخش دیگر را در مقابل استثمار وحشیانه سرمایه بی دفاع رها نمود؛ و آخر این که در هر برهه ای و در پاسخ به مشکل بیکاری ناشی از بحران اقتصادی و یا توجیه آن، به رقابت میان کارگران ایرانی با این "مهاجرین" دامن زده و تمام مشکلات را به گردن آنان انداخته است.

چنانچه بعد از گذشت بیش از سه دهه این جمعیت فروشنده نیروی کار بهنام "مهاجر"، بخشی از طبقه کارگر ایران دانسته نشود، نقصان سنگینی برای طبقه کارگر و فعالیت‌های کارگری - سوسیالیستی خواهد بود. حداقل ناچیزی از سرمایه و ثروت اجتماعی آفریده شده توسط کارگران به این طبقه تعلق می‌گیرد؛ لیکن حتا سهمی به همان اندازه "یارانه‌ها" نیز به این بخش از طبقه کارگر نه تنها تعلق نگرفت که با حذف آنان از دریافت یارانه‌ها، فشار طاقت‌فرسای گرسنگی نیز بر مصائب‌شان افزوده شد. اکنون نه تنها سزاوار نیست، بلکه شرم‌آور است که با گذشت بیش از سه دهه هنوز هم این فروشنده‌گان نیروی کار را که از جوانی تا اینک که به پیری و از کارافتادگی رسیده، همواره در تولید ارزش اضافی سهم عمده‌ای داشته است "مهاجر و میهمان" خوانند. اما بودوباش این "مهاجر و میهمان" چگونه است؟ مرد و زن و زیستگاه‌شان به آتش سوزانیده و سر کودکشان به سنگ شکسته می‌شود. در هنگامی که آتش خشونت را از خودبیگانگی دامن می‌زند، حتا آخرین پناهگاه نیز پناهی نخواهد بود. جامعه‌ای که ناتوان در دفاع از هستی خویش بر علیه مناسبات اعمال‌شونده باشد و به وحدت با انسان‌های هم طبقه‌ای خویش نیندیشد، برای دفاع از نیازمندان نخواهد شتافت. طبقه کارگر تنها از طریق این وحدت طبقاتی، خودرهایی خویش را تجربه خواهد نمود.

در شرایط کنونی و به‌واسطه سامان‌دهی بحران جهانی توسط سرمایه که موجب رقابت میان نیروی کار و جابجایی آن شده، مهاجر- و پناهموس‌تیزی به سرنوشت بشریت تبدیل گردیده است. در برابر چشمان جهانیان، فوج مهاجرین گریزان از فقر و جنگ و تباهی، به اعماق اقیانوس‌ها فرو می‌روند.

ماهیت انسان‌ستیز نظام سرمایه‌داری، گرچه زیر پوشش حقوق بشر خود را پنهان می‌سازد، اما همان خشونت است که در تمامی دوره‌های تاریخ با انسان فرودست روا داشته شده است؛ از برده تا برده‌گی مزدوری، در هنگام نیاز، به مکیدن شیره جان آن پرداخته و در زمان بی‌نیازی او را به‌عنوان ابزار انحراف ذهن و تحریف وقایع، هشدار تروریستی و وسیله‌ای ارزان‌تر از سلاح در جبهه‌های مرگ، گوشت دم توپ نموده است. مهاجر (افغانی)‌ستیزی در جامعه ایران هدف اقتصادی خاصی دارد و آن پوشاندن سلطه نهفته در تولید است. تهاجم سرکوب‌گرانه رژیم بر علیه فعالین کارگری، و کارگران و مهاجرین افغانی که هنوز "اتباع خارجی"‌شان می‌نامد، در ماهیت این نظام مستبدانه و استثمارگری رژیم جنایتکار ریشه دارد. احتضار و فروپاشی این رژیم را به سرنوشتی انقلابی آن تبدیل نماییم.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران

زنده باد وحدت طبقاتی کارگران

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

علیه سیاست‌های ضدانسانی و مهاجرستیزی رژیم متحدانه اعتراض نماییم

کمیته فعالین کارگری- سوسیالیستی، (فرانکفورت)

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (ماینز - فرانکفورت)

۷ ژوئیه ۲۰۱۲

آکسیون اعتراضی علیه دستگیری فعالین کارگری!

اعتراض به سیاست‌های راسیستی و مهاجرستیزی

اراندل و اوباش جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران علیه کارگران و مهاجران افغانستان!

درخواست عدم افزایش دستمزد کارگران غیر قانونی است

به نوشته سایت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 17 تیر آمده است: مسئول کمیته مزد استان تهران اعلام کرد: اظهارات مطرح شده از سوی کارفرمایان در خصوص عدم افزایش دستمزد کارگران در سال آینده پیگرد قانونی دارد.

علی اکبر عیوضی با بیان اینکه بحران واحدهای تولیدی ارتباطی به کارگران ندارد گفت: اظهارات مطرح شده از سوی برخی از نمایندگان کارفرمایی در خصوص عدم افزایش دستمزد غیر قانونی و غیر اصولی است و کارفرمایان باید مطالبات خود را از دولت طلب کنند نه از کارگران.

او در ادامه هزینه کارگران را در قیمت تمام شده تولید ۱۰ درصد اعلام کرد و گفت: کارفرمایان در صورتی که کمتر به فکر سود باشند می‌توانند دستمزد کارگران در موعد مقرر پرداخت کنند.

عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران در بخش دیگری از این گفتگو با اشاره به اعمال تحریم‌های داخلی و خارجی علیه واحدهای تولیدی ایران، به ایلنا گفت: بانک‌ها با اعمال تحریم‌های داخلی علیه واحدهای تولیدی آن‌ها را در تامین نقدینگی با مشکلات عمده‌ای مواجه کرده‌اند، این در حالیست که تحریم‌های داخلی بیشتر از تحریم‌های خارجی کمر واحدهای تولیدی را شکسته است.

اعتصاب کارگران نساجی ایران برک رشت در اعتراض به حقوق معوقه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 17 تیر آمده است: جمعی از کارگران قراردادی نساجی ایران برک رشت در واکنش به عدم دریافت بخشی از حقوق معوقه اسفند و همچنین حقوق کامل فروردین‌ماه و سایر مطالبات قانونی، ضمن اعتراضی صنفی که به وقفه‌ای کوتاه در تولید منجر شد، نامه‌ای خطاب به مدیر عامل این کارخانه تنظیم کردند.

بنا بر گزارش ایلنا، آنان خواستار دریافت «معوقات اسفند و حقوق کامل فروردین»، «پرداخت حق بیمه و امکان تمدید و تعویض دفترچه بیمه»، «بررسی و حذف نوبت کاری عصر و شب و اضافه‌کاری که در آخرین فیش حقوق دریافتی اعمال نشده است»، «پرداخت حقوق در فاصله زمانی ۵ تا ۱۰ هر ماه»، «دریافت نسخه قرارداد مطابق قانون با مشخص شدن تاریخ شروع و پایان کار» و «پرداخت مطالبات سال‌های ۸۹ و ۹۰ در صورت ادامه سوددهی کارخانه» شده‌اند.

کارگران در خاتمه این نامه تاکید کرده‌اند که «بدیهی است که عدم همکاری مبنی بر اجرای تمامی بندهای فوق به منزله تداوم و تشدید بحران موجود و عدم پرداخت حقوق ماهیانه در تاریخ مقرر سبب تکرار این حوادث و توقف دستگاهها و تولید خواهد شد»

رضا شهابی و دیگران کارگران زندانی آزاد باید گردند

دادگاه تجدید نظر، حکم دادگاه بدوی رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد را که بیش از دو سال است در شرایط سخت جسمانی در زندان بسر میبرد تایید کرد. بر اساس این حکم، رضا شهابی به ۶ سال حبس، ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های

سندیکایی و ۷ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است. رضا شهابی کارگری است که هیچ جرمی جز دفاع از بدیهی ترین حقوق انسانی خود و همکاران و هم طبقه ای هایش مرتکب نشده است. محکومیت رضا و تداوم زندان برای وی با وجود شرایط سخت جسمانی اش، چیزی جز تلاش برای به تمکین و اداشتن کارگران ایران برای تن دادن به شرایط مشقت بار کنونی نیست. اما بدون تردید محکومیت رضا و تداوم زندان دیگر کارگران در بند و ادامه سیاست دستگیرهای بی وقفه فعالین کارگری، نه تنها طبقه کارگر ایران را به تمکین به وضعیت موجود نخواهد کشاند بلکه همانگونه که تاکنون شاهد آن بوده ایم بر عمق و دامنه مبارزات کارگران خواهد افزود.

رضا شهابی و دیگر کارگران در بند باید فوراً و بی قید و شرط آزاد گردند، باید به دستگیری و تعقیب قضایی کارگران معترض و دیگر فعالین اجتماعی پایان داده شود. کارگران ایران برای دفاع از حق حیات و سرنوشت و زندگی خود و خانواده هایشان حق دارند آنگونه که خود می‌خواهند به شرایط مشقت بارشان اعتراض کنند. بدون تردید بازداشت و به زندان افکندن کارگران معترض و اعمال فشار و محدودیت بر آنان، حتی ذره ای قادر به جلوگیری از تلاش و مبارزه کارگران برای برخورداری از یک زندگی انسانی نخواهد شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۷ تیر ماه ۱۳۹۱

علی نجاتی کارگر زندانی جهت مداوا به بیمارستان منتقل خواهد شد

بر اساس گزارش رسیده به سایت کمیته هماهنگی ... در ۱۷ تیر آمده است: علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکا کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل وخامت جسمی از زندان به بیمارستان شهر اهواز منتقل خواهد شد. وی که از ناراحتی قلبی رنج می‌برد روز یکشنبه ۱۸ تیر ماه تا شنبه ۲۴ تیر ماه در بیمارستان شهر اهواز بستری خواهد شد. لازم به ذکر است که علی نجاتی با وجود تاکید چندین پزشک، روز سه‌شنبه ۶ دیماه سال ۱۳۹۰ به زندان منتقل و در زندان دچار مشکلات جسمی به ویژه ناراحتی قلبی شد.

قبل از آن با وصف هشدارهای پزشکان در مورد عواقب خطرناک ایجاد فشار بر علی نجاتی، اما دادگاه شوش حکم زندان برای علی نجاتی به جرم فعالیت‌های کارگری صادر کرد. پزشکان علی نجاتی، بارها هشدار داده‌اند که در صورت نگهداری علی نجاتی در زندان، احتمال سکت قلبی و عواقب شدید پزشکی برای او بسیار بالاست. گرفتگی عروق، التهاب درجه میترال، اجبار به استفاده از انواع داروها و ضرورت استفاده از رژیم غذایی، از جمله تاکیدیات و دلایل پزشکی هستند که به هیچ عنوان امکان تحمل حبس برای علی نجاتی را مقدور نمی‌کند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری بار دیگر تداوم زندان علی نجاتی را به شدت محکوم کرده و خوستار مداوای فوری و آزادی بدون قید و شرط وی و کلیه کارگران و فعالین کارگری زندانی است کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

اعتصاب کارگران کشتارگاه های مرغ در کرمانشاه

بر اساس خبر رسیده به کمیته هماهنگی، روز شنبه ۱۷ تیر ماه، تمام کارگران کشتارگاه های مرغ کرمانشاه دست به اعتصاب زدند. بر طبق این گزارش، دولت به کشتارگاه های مرغ در کرمانشاه اعلام کرده که آنان موظفند هر کیلو مرغ را با نرخ ۵۰۰۰ تومان تحویل عاملین جزء داده تا آن ها با مبلغ ۵۲۰۰ تومان به دست مصرف کنندگان برسانند. کشتارگاه های مرغ اعلام داشتند که حداقل قیمت تمام شده برای آن ها بابت هر کیلو مرغ مبلغ ۶۰۰۰ تومان می باشد و قیمت اعلام شده توسط دولت با قیمت تمام شده برای آنان به هیچ وجه همخوانی ندارد. از طرف دیگر، عاملین جزء بر اساس نرخ تورم سه سال قبل بایستی ۱۰ درصد به قیمت نهایی کشتارگاه اضافه کنند، تا سود حاصل از فروش مرغ را تأمین نمایند. از سوی دیگر، مراکز پرورش مرغ به دلیل گران شدن دارو، خوراک دام و طیور، و هم چنین به خاطر افزایش قیمت انرژی شامل برق، گاز و آب، نمی توانند با قیمت تعیین شده توسط دولت مرغ را به کشتارگاه بفروشند. بر این اساس کشتارگاه های مرغ کرمانشاه اعلام داشته اند که تا مشخص شدن وضعیت قیمت ها به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

اعتراض کارکنان ۱۱۸ مخابرات شیراز به زورگویی پیمانکار

به نوشته سایبیت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۸ تیر آمده است: این اعتراض زمانی رخ داد که پیمانکار جدید مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز حضور مجدد کارمندان در این مرکز را مشروط به امضای قراردادی جدید با کرده است که بر اساس آن حقوق دریافتی کارمندان بر اساس میزان تماس‌های مردم با این مرکز تعیین خواهد شد و بنا به گفته این کارمندان طبق قرارداد جدید ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان از میزان دریافتی آنان نسبت به قرارداد فعلی کسر خواهد شد.

بنا بر این گزارش، امروز صبح - یکشنبه ۱۸ تیرماه - بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ مخابرات شیراز برای چندمین بار در اعتراض به تعدیل نیرو، شرایط کاری نامناسب و شیوه جدید عقد قراردادهای در مقابل استانداری فارس گرد هم آمدند و با وعده حل مشکلاتشان توسط مسئولان مربوطه مواجه شدند.

اعتراض صنفی کارکنان مرکز ۱۱۸ شیراز در حالی وارد پنجمین روز خود می‌شود که روزانه بیش از ۸۰ هزار تماس با این مرکز با بوق اشغال مواجه می‌شود.

خوشبینی یک مقام دولتی نسبت به حل مشکل

درحالیکه شنیده می‌شود بیست نفر از پرسنل این مرکز به دلیل آنچه آن‌ها فشار زندگی و مشکلات معیشتی می‌نامند قرار داد جدید را با پیمانکار امضاء کرده‌اند، معاون توسعه منابع انسانی استانداری فارس نیز با بیان اینکه نسبت به حل این مشکل خوشبین است، دلیل تغییر شیوه قراردادهای در این مرکز را افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی می‌داند و می‌گوید: قصد همگی حل مشکلات کارکنان مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز است به نحوی که نه حق کارگر پایمال و نه حقوق مخابرات ضایع شود. هرچند ظاهراً ریشه این خوشبینی این مقام دولتی را باید در جلسات مشترک با مدیران مخابرات، کار و سایر بخش‌های مرتبط با مشکلات

کارکنان مرکز ۱۱۸ جستجو کرد، اما یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت مخابرات فارس ضمن حمایت از این اقدام پیمانکار و بی‌توجهی به اعتراض کارمندان تصریح می‌کند: این کار در راستای تعدیل هزینه‌ها صورت گرفته و از سوی دیگر برای انجام هر کاری باید ابتدا قرارداد بسته شود و پیمانکار جدید نیز خواستار قرارداد جدید است و این افراد بر مبنای کاری که انجام می‌دهند و بر اساس پاسخگویی به مردم حقوق دریافت می‌کنند اما بر مبنای نشستن در این مرکز دستمزد دریافت نمی‌کنند.

علی اصغر روزگار با تهدید کارکنان ۱۱۸ به اخراج تصریح کرد: اگر کارکنان مرکز ۱۱۸ تا این هفته در محل کار خود حضور نیابند، مجبور هستیم از نیروهای جدید در این مرکز استفاده کنیم.

همه به نفع پیمانکار

امادر این میان مدیرعامل شرکت مخابرات استان فارس نیز شیوه جدید پیمانکار در محاسبه حقوق پرسنل مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ را تایید می‌کند و معتقد است وجود ذهنیت‌های متفاوت نسبت به شیوه قراردادهای جدید موجب بروز این اعتراضات شده و پیمانکار جدید بر اساس مقررات و نظارت اداره کار موظف به عقد قرارداد با کارکنان بوده اما در این نظام جدید میزان پرداخت دستمزد تغییری نکرده و تنها شیوه دریافت حقوق از روزمزدی به کارمزدی یا ساعت مزدی تغییر یافته است.

این درحالیست که ادعای عبدالعظیم قنبریان با گفته پرسنل مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ که از کاهش حقوق خود از ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان در قرارداد جدید سخن می‌گویند در تعارض است.

بنا بر این گزارش در حالی که هنوز هم ۳۱۴ نیروی کار مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز دست از کار کشیده‌اند و این مرکز همچنان ناتوان از پاسخگویی به تماس‌های مردم است.

نابسامانی معیشت خانواده ها: حقوق های 500 هزار تومانی و هزینه های یک میلیونی و بالاتر!

به گزارش سایت عصرایران در 18 تیر آمده است: سید ضیاء الدین احتشام - چند سال پیش، سفری چند روزه به تاجیکستان داشتم؛ در کنار همه موضوعاتی که به عنوان خبرنگار بدان‌ها توجه داشتم، درباره اوضاع معیشتی مردم این کشور نیز پرس و جو می‌کردم و متوجه شدم که سطح درآمدها و دستمزدها، در مقایسه با قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی بسیار پایین است. به عنوان مثال، از یک پلیس درباره حقوق ماهانه‌اش پرسیدم که به پول ایران 120 هزار تومان دریافتی داشت و این در حالی بود که با قیمت‌های آن روز، با این حقوق می‌شد کمتر از یک هفته را به طور متعارف گذران زندگی کرد.

اوضاع کارمندان دولت و کارگران شهرداری و مغازه داران و ... هم کما بیش همین گونه بود و کوچکترین تناسبی بین درآمدها و هزینه‌ها وجود نداشت.

با این حال، زندگی در "دوشنبه" و سایر شهرهای این کشور به جای مانده از اتحاد جماهیر شوروی در جریان بود و ظاهراً هم کسی از گرسنگی نمی‌مرد!

وقتی درباره این موضوع با ساکنان آنجا سخن گفتم پاسخی شنیدم که جالب توجه بود: "اینجا دست مردم در جیب همدیگر است؛ دستمزدها، آب باریکه معیشت‌شان است و مردم بقیه هزینه‌ها را از یکدیگر می‌ستانند. پلیس در خیابان به مردم گیر می‌دهد و از آنان رشوه می‌گیرد، همان مردم در اداره خود ارباب رجوع را تیغ می‌زنند و ...!"

راست هم می‌گفتند. خود من وقتی در بازار دوشنبه، با دوربین خود از یک کبابی - که کباب کوبیده خاصی می‌پخت - تصویر می‌گرفتم، یک نیروی پلیس لباس شخصی از پشت به‌شانه‌ام زد و گفت: چرا تصویر می‌گیری؟ با من به اداره پلیس بیا!

هر چه گفتم که اینجا تابلویی مبنی بر ممنوعیت تصویربرداری وجود ندارد، نپذیرفت و به ناچار، به با او به اداره پلیس رفتم، جایی که یک اتاق رنگ و رو رفته بود و چند میز قدیمی و یک نیمکت چوبی.

نگاه اعضای دفتر پلیس به من، کاملاً اسکناسی بود و کاملاً معلوم بود که خوشحال هستند که توانسته‌اند یک خارجی را گیر بیاورند و چند سامانی (واحد پول تاجیکستان) کاسب شوند.

با این حال، من زیر بار نرفتم و با صدای بلند به رفتارشان اعتراض کردم و گفتم که من مهمان دولت شما هستم و اگر مرا رها نکنید برایتان گران تمام می‌شود و از این حرف‌ها! کارت خبرنگاری ویژه همان سفر که از سوی دولت تاجیکستان برایم صادر شده بود را نیز به آنها نشان دادم و آنها که دنبال درس نبودند، چیزهایی در گوش یکدیگر گفتند و لحظاتی بعد، با ناامیدی، رهایم کردند. وقتی از دفتر پلیس بیرون می‌آمدم، قیافه مأموری که مرا گرفته بود، دیدنی بود!

خلاصه آن که اوضاع نابسامان اقتصادی تاجیکستان و ناهمخوانی درآمدها و هزینه‌ها، باعث شده است چنین صحنه‌هایی در آن کشور، اموری عادی و دست مردم همیشه در جیب یکدیگر باشد!

حالا حکایت ماست و نامتوازن بودن اقتصاد و نابسامانی معیشت خانواده‌ها و حقوق‌های 500 هزار تومانی و هزینه‌های یک میلیونی و بالاتر! نتیجه چه می‌شود؟

شاید به قول رئیس جمهور، کسی گرسنه نخواهد (آن هم شاید) ولی محصول قهری چنین وضعیتی این می‌شود که مردم از همدیگر می‌خورند و دست‌ان‌شان در جیب همدیگر است. بقال از وزن و زرگر از عیار می‌زند، کارمند رشوه می‌گیرد، پیمانکار، قرارداد مصالح درجه یک می‌بندد و درجه 2 به کار می‌برد، پزشک زیر میزی می‌گیرد، صاحب چک، حسابش را پر نمی‌کند، صاحبخانه بر اجاره می‌افزاید و مستاجر، بعد از ظهرها که با ماشینش مسافرکشی می‌کند، پس ندادن بقیه پول مسافران را غنیمت می‌شمارد و مسافر هم از کارش در کارگاه می‌زند و همین‌طور الی آخر، ملت از جیب همدیگر می‌خورند تا شاید بتوانند شکاف میان هزینه و درآمد را پرکنند!

در این میان البته گروهی که همچنان پایبند اخلاق هستند، در رنجی مضاعف به سر می‌برند و روز به روز، فشارها بر ایشان زیاد می‌شود که تعدادشان هم اندک نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، اوضاع نابسامان اقتصادی، فقط معیشت و دخل و خرج‌های مردم را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد، بلکه فراتر از آن، نظام اخلاقی و اصول زیست اجتماعی را متلاشی می‌سازد و از منظر دینی، حلال و حرام را در هم می‌آمیزد و لقمه‌های حرام و شبهه‌دار را به امری متداول تبدیل می‌کند.

با این اوصاف، اگر همین فردا، اوضاع اقتصاد سر و سامان بگیرد، آثار سوء سونامی اقتصاد مریض کنونی، تا سالیان دراز بر پیکره

اجتماع و اخلاقیات آن باقی می ماند و به قول عرفا ، اثرات لقمه های حرامی که حاصل وضعیت "دست در جیب همدیگر" است ، به این سادگی ها زائل نمی شود.

بنابراین کوته اندیشی است که دامنه خطر وضعیت اقتصادی حاضر را در مرزهای اقتصادی محدود بدانیم و آثار مصیبت بار آن در سایر حوزه های زندگی را نادیده بینگاریم... ایران در حال تبدیل به تاجیکستان است هر چند که خیلی ها بعد از خواندن این جمله خواهند گفت: تبدیل شده است!

2 برابر شدن هزینه های خانوار ایرانی طی پنج سال

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 18 تیر آمده است: بر اساس آمارهای رسمی بانک مرکزی متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوار ایرانی طی سال های 85 تا 89 از هفت میلیون به 14 میلیون تومان افزایش یافته است. در آخرین بررسی بانک مرکزی از متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوار در مناطق شهری ایران این میزان بیش از 14.1 میلیون تومان گزارش شده است.

این میزان طی سال 88 بیش از 12.7 میلیون تومان، طی سال 87 بیش از 11.5 میلیون تومان، طی سال 86 بیش از 9.8 میلیون تومان و در سال 85 نیز 7.7 میلیون تومان بوده است.

بر این اساس این مقایسه ها حاکی از افزایش 11 درصدی متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوار طی سال 89 در مقایسه با سال 88 و افزایش 10 درصدی این میزان طی سال 88 در مقایسه با سال 87 بوده است. همچنین این بررسی ها نشان می دهد بیشترین سهم اقلام در سال 89 مربوط به گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها با 30 درصد سهم از کل اقلام بوده که این گروه در سال 88 معادل 4.4 درصد و در سال 89 معادل 6.9 درصد افزایش قیمت داشته است

برگزاری آکسیون اعتراضی در آمستردام در محکومیت حمله به نشست

سالانه کمیته هماهنگی و در اعتراض به سرکوب کارگران و مهاجرین افغانی در ایران!

در اعتراض و محکومیت حمله وحشیانه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران به نشست مجمع عمومی "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" در شهر کرج و همچنین در اعتراض به کشتار دسته جمعی و هجوم فاشیستی رژیم اسلامی به کارگران و مهاجران افغانی در یزد، روز شنبه ۷ جولای ۲۰۱۲ در میدان (spui) شهر آمستردام پایتخت هلند آکسیون اعتراضی از سوی احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست برگزار گردید.

آکسیون که با حضور چشمگیر و فعالانه اعضا و هواداران حزب کمونیست ایران، احزاب و سازمانهای مختلف دیگری همچون: فعالین سازمان فدائیان اقلیت، حزب کمونیست کارگری، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، فعالین چپ و کمونیست منفرد و مدافعین جنبش کارگری از ساعت ۱۴ آغاز شد.

شرکت کنندگان آکسیون با سر دادن شعارهایی از جمله (کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد - مرگ بر جمهوری اسلامی - مرگ بر رژیم فاشیستی و ...)، سخنرانی و قرائت پیام هایی از سوی احزاب و سازمانهای شرکت کننده به زبانهای هلندی، انگلیسی و فارسی ضمن محکومیت قاطعانه حمله رژیم سرمایه داری ایران علیه کارگران و فعالین کارگری، محکوم کردن تهاجم وحشیانه و ضد انسانی اخیر اوباشان رژیم به مهاجرین افغانستانی در یزد، تنفر و انزجار خود را علیه سیاستهای ضد کارگری و فاشیستی رژیم ایران اعلام کردند. در جریان آکسیون، رفقای حزب کمونیست ایران با قرائت پیام هایی در دفاع از فعالین کارگری در بند، محکومیت هجوم وحشیانه رژیم به مهاجرین افغانی و پخش و قرائت اطلاعیه کمیته هماهنگی در محکومیت حمله به مجمع عمومی سالانه این کمیته، پخش نوشته محمود صالحی در باره چگونگی حمله و دستگیری اعضای کمیته هماهنگی (به زبان انگلیسی) در بین مردم حاضر در محل ضمن محکومیت سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی خواهان آزادی کارگران زندانی و آزادی فعالیت سیاسی و ایجاد تشکلهای کارگری برای کارگران و پایان دادن به سرکوب و اعمال سیاستهای فاشیستی علیه کارگران و مهاجرین افغانی بودند. آکسیون با تداوم شعار و قرائت پیام در میان شور و شوق حاضرین ساعت ۱۷ به پایان رسید.

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران - کمیته هلند
۲۰۱۲،۷،۷

درگیری کارگران با نماینده شرکت نفت در عسلویه

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 18 تیر آمده است: کارگران عسلویه با نماینده شرکت نفت به علت تاخیر طولانی در پرداخت حقوق خود درگیر شده اند.

به گزارش ایران کارگر، در هفته اول تیرماه، کارگران شرکت نفت در عسلویه با نماینده شرکت نفت درگیری داشتند. این درگیریها از مدت ها پیش شروع شده است و هر دوسه روز یک بار در یکی از فازهای عسلویه به وجود می آید.

علت این درگیری ها این است که شرکت های وابسته به شرکت نفت که بیشتر آنها زیر مجموعه سپاه هستند بین چهار تا هفت ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند و کارگران هم به دنبال احقاق حقوقشان هستند.

این درگیریها تا کنون به نتیجه مشخصی منتهی نشده است. فشار تحریم ها و کاهش چشم گیر سرمایه گذاری در میدان های نفتی و بحران مدیریت در کشور کارگران را در وضعیت اقتصادی وخیمی گرفتار کرده است. بسیاری از صنایع ورشکسته شده و تعداد زیادی از کارگران اخراج شده اند.

کارگران تعاونی مسکن نساچی کردستان مقابل مسکن و شهرسازی سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: صبح مورخه ۱۳۹۱/۴/۱۹ بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای تعاونی مسکن نساچی کردستان در مقابل اداره ی مسکن و شهر سازی شهر سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند.

این کارگران که اعضای آن بیش از ۳۰۰ کارگر میباشد، ۱۱ سال پیش زمینی را خریداری میکنند تا بتوانند مسکنی بسازند و کوشه ی

کوچکی از مشکلات خود را حل کنند ولی در این مدت با همه ی تلاش اعضای هیئت مدیره ی تعاونی نساجی کردستان نتوانستند اجازه ساخت را بگیرند و در طول این مدت کارگران را بین ادارات مختلف پاس می دهند و طبق مذاکرات رئیس اداره مسکن و شهر سازی با اعضای هیئت مدیره تعاونی مسکن نساجی کردستان ، ایشان گفته بود اگر ۶۰٪ این زمین ها را به اداره مسکن و شهرسازی بدهید مشکلات را حل خواهد کرد و این مسئله خشم کارگران را بیشتر کرده است و میگویند چرا بدون گرفتن زمین مشکلات کارگران حل نمی شود. به همین دلیل امروز کارگران برای اعتراض به این وضعیت جلوی اداره مسکن و شهر سازی سنج جمع کردند و خواستار دیدار با رئیس این اداره شدند ولی ایشان و معاونش حضور نداشتند.

در تجمع امروز حراست اداره مسکن و شهرسازی کارگران را تهدید به آوردن پلیس ۱۱۰ میکند که کارگران به اعتراض به این وضعیت میگویند که شهرهای جنوبی کشور برای تبعید به کار می رود ولی ما کارگران بازنشسته ی این شرکت برای سرپناه داشتن مجبور شدیم در این شهرها همانند تبعیدیها زندگی کنیم دیگر ترس از چه چیزی داشته باشیم. کارگران تعاونی مسکن نساجی کردستان فردا ساعت ۹ صبح برای پیگیری خواست خود در جلوی اداره مسکن و شهر سازی تجمع خواهند کرد و از ۲۲ تعاونی مسکن شرکت های مختلف این شهر که مشکلات مشابه این کارگران را دارند، خواستند که در تجمع فردای آنان شرکت کنند تا بتوانند بعد از ۱۱ سال این مشکل را حل کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۷۰۰ کارگر سیمان سپاهان دست از کار کشیدند

به نوشته سایبیت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 19 تیر آمده است : بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران سیمان سپاهان دست از کار کشیدند تا مسئولان شرکت در پرداخت مزایا از جمله سنوات و کارانه تفاوتی میان نیروهای رسمی و پیمانی قابل نشوند. به گزارش خبرنگار ایلنا، اعتراض کارگران کارخانه سیمان سپاهان به شرایط کاری و حقوقی که دریافت می کنند سابقه طولانی دارد اما از آنجا که همه نامه نگاری ها و پی گیری این قشر به مسئولان وزارت کار گرفته تا مجلس، به نتیجه نرسید، حدود ۷۰۰ نفرشان چندین روز است دست از کار کشیده اند و در محوطه کارخانه جمع شده اند.

غلامی نماینده کارگران شرکتی، مطالبات این افراد را حذف تبعیضها در پرداخت مزایا از جمله سنوات و کارانه میان نیروهای رسمی و پیمانی می داند و می گوید: کارخانه سیمان سپاهان یک هزار و ۱۰۰ کارگر قرار دادی و رسمی دارد، خواسته کارگران معترض نیز به اطلاع فرمانداری، استانداری و اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسیده است.

احمدرضا معینی رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان، این مشکل را مربوط به کارگران طرف قرارداد با شرکت های پیمانکاری دانست و گفت: بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران این کارخانه، زیر نظر پیمانکاران فعالیت می کنند و همانگونه که بارها اعلام شده این شرکت های واسطه ای حق و حقوق قانونی کارکنان را نمی پردازند.

وی مهم ترین خواسته کارگران معترض را دریافت حقوق و مزایا بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل بیان کرد و افزود: متأسفانه در حالی که دو سوم کارکنان شرکت سیمان سپاهان، با این مشکلات دست و پنجه نرم می کنند، کارکنان قراردادی و رسمی از وضعیت ثابتی برخوردارند و این تبعیض در میان کسانی که شغل یکسانی دارند قابل قبول نیست.

از سوی دیگر محمد رضا اسلامی مدیر اداره تعاون، کار و رفاه شهرستان مبارکه و اگذار کردند و او در پاسخ به ایلنا، هرگونه بی توجهی به اجرای قانون کار در این واحد تولیدی را رد کرد و گفت: حدود ۷۰۰ نفر از کارگران سیمان سپاهان، زیر نظر شرکت های پیمانکاری هستند با این حال همه آنها در این اعتراض شرکت ندارند و مشکل فقط مربوط به ۱۵۰ نفر از کارگران قسمت بارگیری کارخانه است. اسلامی همچنین با تأکید بر پرداخت همه حق و حقوق قانونی این افراد ادامه داد: برخی از مطالبات کارگران سیمان سپاهان، قانونی نیست، مثل اینکه انتظار دارند به طور مستقیم با کارفرمای خود قرارداد ببندند و شرکت های پیمانکاریشان حذف شوند، چون این کارخانه جزو بخش خصوصی به شمار می آید و مشمول مصوبه دولت برای حذف پیمانکاران نمی شود.

وی تفاوت و نابرابری حقوق کارگران قراردادی و پیمانی در این واحد تولیدی را بی عدالتی دانست و تصریح کرد: این مشکل فقط مربوط به سیمان سپاهان نیست و نمی توان انکار کرد تفاوت بین کارگران رسمی و پیمانی و حتی قراردادی در همه جای کشور وجود دارد و با اینکه نوع استخدام افراد متفاوت است هیچ اتفاق غیر قانونی رخ نداده است.

کارخانه سیمان سپاهان در کیلومتر ۴۵ محور اصفهان- مبارکه قرار دارد که با سه خط تولید ماهانه حدود ۱۳ هزار تن سیمان تولید می کند.

تجمع ۱۰۰ نفر از اعضای تعاونی مسکن کارگران نساجی کردستان

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است : عضو هیئت مدیره تعاونی کارگران نساجی کردستان اعلام کرد: ۱۰۰ نفر از مجموع ۳۰۰ عضو تعاونی مسکن کارگران نساجی کردستان امروز - دوشنبه - در اعتراض به عدم صدور مجوز ساخت مسکن در مقابل اداره کل مسکن و شهر سازی استان تجمع کردند.

جبار خدا مرادی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: اداره مسکن و شهرسازی استان کردستان با بلاتکلیف کردن تعاونی مسکن کارگران نساجی مجوز ساخت مسکن برای این تعاونی را صادر نمی کند و این در حالیست ۱۱ سال است زمین برای ساخت مسکن کارگران خریداری شده است.

او با بیان اینکه هم اکنون ۲۲ تعاونی مسکن واحدهای مختلف تولیدی در این زمینه با اداره مسکن و شهر سازی درگیر هستند اظهار داشت: تعاونی مسکن نساجی کردستان ۳۰۰ عضو دارد که خواستار صدور مجوز ساخت از سوی اداره مسکن و شهرسازی هستند.

ناتوانی کارگران در تامین تغذیه مناسب به دلیل افزایش هزینه ها

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است : وضع سلامتی کارگران بدلیل ناتوانی از تأمین پروتئین و ویتامین های مورد نیاز بدن رو به تحلیل می رود و این روند عواقب زیانباری در پی دارد.

دبیر اجرایی خانه کارگر اسلامشهر گفت: تورم افسار گسیخته از علایم روشن بیماری اقتصاد کشور است که عوارض آن بر زندگی کارگران آشکار شده است.

حسن پور طالبیان با بیان اینکه سیاست‌های غیر اصولی دولت باعث افزایش مشکلات اقتصادی اقشار آسیب پذیر شده است، به ایلنا گفت: ملموس‌ترین عارضه اقتصاد بیمار کشور در ناتوانی کارگران جهت تهیه نیازهای اساسی خانواده‌های خود از جمله «نان» که قوت غالب خانوار کارگری به شمار می‌رود متجلی شده و کارگران با دریافت حداقل حقوق قانونی حتی در تهیه نان شب خود نیز در مانده شده‌اند. این فعال کارگری اضافه کرد: افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و بالا رفتن هزینه‌های زندگی، بر روابط خانوادگی کارگران نیز تأثیر گذار بوده است به طوری که افزایش میزان کار سرپرستان خانوار و همچنین ورود زود هنگام فرزندان کارگران به بازار کار جهت مقابله با فشار توری باعث شده است که اعضای خانواده‌های کارگری کمتر فرصت در کنار هم بودن را پیدا کنند.

دبیر اجرایی خانه کارگر اسلامشهر با اشاره به اینکه هم اکنون وضعیت سلامت جسمانی و روحی و بهداشت فردی و اجتماعی اقشار آسیب پذیر شدیداً به مخاطره افتاده است، عنوان کرد: وضع سلامتی کارگران بدلیل ناتوانی از تأمین پروتئین و ویتامین‌های مورد نیاز بدن رو به تحلیل می‌رود و این روند عواقب زیانباری در پی دارد.

این فعال کارگری در خصوص دغدغه‌های مربوط به تأمین مسکن کارگران نیز گفت: خانواده‌های متوسط و اقشار فقیر تمامی درآمد خود را به امر مسکن اختصاص داده و هر تغییر کوچک در قیمت مسکن و اجاره بها می‌تواند آثار مخرب و جبران ناپذیری بر زندگی آنان داشته باشد.

او در این زمینه اضافه کرد: رشد غیرمعمول قیمت و اجاره بهای مسکن به ویژه در شهرهای بزرگ و عدم توجه به این مشکلات از سوی دولتمردان گره‌های عدیده‌ای را در همه ابعاد زندگی کارگران بوجود آورده که یکی از این مشکلات گسترش حاشیه نشینی با اجرای طرح‌های ناموفقی همچون طرح مسکن مهر بوده است.

مطلب تکمیلی

۷۰۰ کارگر پیمانی سیمان سپاهان دست از کار کشیدند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیرماه آمده است: حکایت کهنه نابرابری حقوق کارگران رسمی و پیمانی (شرکتی)، بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران پیمانی سیمان سپاهان را اعتراض واداشته و باعث شده است آنان طی یک اعتراض صنفی هماهنگ برای چندمین بار متوالی ظرف یک سال گذشته، دست از کار بکشند.

داستان همیشگی نابرابری کارگران رسمی و پیمانی به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، اعتراض کارگران کارخانه سیمان سپاهان به شرایط کاری و حقوقی سابقه طولانی دارد اما از آنجا که همه نامه نگاری‌ها و پی گیری‌های کارگران خطاب به مسوولان وزارت کار گرفته تا مجلس، به نتیجه نرسید، حدود ۷۰۰ نفرشان طی سه روز گذشته دست از کار کشیده‌اند و در محوطه کارخانه تجمع کرده‌اند.

غلامی نماینده کارگران پیمانی سیمان سپاهان خواسته این افراد را حذف تبعیض‌ها در پرداخت مزایا از جمله سنوات و کارانه میان نیروهای رسمی و پیمانی می‌داند و به ایلنا می‌گوید: کارخانه سیمان سپاهان یک‌هزار و ۱۰۰ کارگر پیمانی و رسمی دارد، خواسته کارگران معترض نیز به اطلاع فرمانداری، استانداری و اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسیده است و ما با استخدام وکیل از طریق مراجع قضایی پیگیر مطالبات خود هستیم.

شرکت‌های واسطه‌ای حقوق کارگران را نمی‌پردازند

احمدرضا معینی رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان در گفتگو با ایلنا، این مشکل را مربوط به کارگران طرف قرارداد با شرکت‌های پیمانکاری دانست و گفت: بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران این کارخانه، زیر نظر پیمانکاران فعالیت می‌کنند و همانگونه که بارها اعلام شده این شرکت‌های واسطه‌ای حقوق قانونی کارگران را نمی‌پردازند.

وی مهم‌ترین خواسته کارگران معترض را دریافت حقوق و مزایا بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل بیان کرد و افزود: متأسفانه در حالی که دو سوم کارکنان شرکت سیمان سپاهان، با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند، کار محول شده به کارگران پیمانی و رسمی برابر است و در این شرایط تبعیض در میان کسانی که شغل یکسانی دارند قابل قبول نیست.

معینی معتقد است بر اساس قانون طبقه بندی مشاغل، همه افرادی که در یک شغل خاص مثلاً به عنوان تکنیسین برق در یک واحد تولیدی مشغول به کار هستند باید از حقوق و مزایای برابر برخوردار شوند، به عبارت دیگر کارخانه باید به افراد مزد شغل و کاری که انجام می‌دهند را بپردازد و نوع رابطه کاری آن‌ها را با واحد تولیدی را لحاظ نکند.

مزد به اندازه کار است نه نوع قرارداد

این فعال کارگری استان اصفهان دومین خواسته کارگران معترض این کارخانه را اجرای قانون بهره وری دانست و تأکید کرد: با توجه به اینکه قراردادهای کارگران غیر رسمی، سال به سال تمدید می‌شود نباید تفاوتی بین این قشر، با کارگران رسمی وجود داشته باشد و هر کس باید به نسبت اختیار و کارکرد خود، مزد و مزایای بهره وری را دریافت کند.

رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان راه حل تمام این مشکلات را داشتن قرارداد مستقیم با کارخانه اعلام کرد و گفت: کارگران معترض، حدود ده روز است که در اعتراض به تبعیض و پرداخت نشدن کامل حق و حقوق قانونی‌شان، دست از کار کشیده‌اند و در اعتصاب هستند.

معامله دوسر سود برای پیمانکاران

معینی با اشاره به فعالیت کارخانه سیمان زیر نظر خیریه همدانیان اصفهان خاطر نشان کرد: درست است که این کارخانه مشمول اجرای قانون حذف شرکت‌های پیمانکاری نیست با این حال اداره کار، تعاون و رفاه استان اصفهان موظف است بر عملکرد شرکت‌های واسطه‌ای نظارت داشته باشد تا کمتر، حقوق نیروهای وابسته به آن‌ها ضایع شود.

وی بزرگترین گلایه کارگران این واحد تولیدی را نابرابری رفتار با پرسنل رسمی و پیمانی بیان کرد و ادامه داد: شرکت‌های پیمانکار، از یک سو حقوق و مزایای کامل یک کارگر را از کارفرما دریافت می‌کنند و از سوی دیگر قسمتی از آن را به نیروی کار می‌پردازند و با این کار مثل زالو به جان کارگران افتاده‌اند.

رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان، خواستار تعریف طرح طبقه بندی مشاغل و بهره وری و اجرای آن در این کارخانه شد و

گفت: عدم وجود نظارت کافی مسوولان بازار کار استان باعث شده این مشکل هر روز بزرگتر شود چرا که این کارگران، در سال گذشته هم بارها شکایتشان را به اداره کار و حتی کمیسیون اجتماعی مجلس اعلام کرده بودند اما گره‌ای از کارشان باز نشده است.

حداقل حقوق و مزایا برای کارگران قراردادی وی با تاکید بر اینکه بیشتر کارگران فعال در این کارخانه پیمانکاری هستند و حداقل حقوق و مزایای مندرج در قانون کار را دریافت می‌کنند گفت: متأسفانه از این دست بی‌مهری‌ها به جامعه کارگری، کم نیست و امیدواریم با رسانه‌های شدن مشکلات، اندکی از فشار موجود بر این قشر زحمت کش، کاسته شود.

معینی اظهار امیدواری کرد این مشکل با توافق دو طرف کارگر و کارفرما حل شود و افزود: اخراج کارگران هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و فقط صورت مساله را پاک می‌کند.

همه قوانین کار اجرا شده است

از سوی دیگر اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان پاسخگویی درباره این موضوع را به محمد رضا اسلامی مدیر اداره تعاون، کار و رفاه شهرستان مبارکه واگذار کردند و او در پاسخ به ایلنا، هرگونه بی‌توجهی به اجرای قانون کار در این واحد تولیدی را رد کرد و گفت: حدود ۷۰۰ نفر از کارگران سیمان سپاهان، زیر نظر شرکت‌های پیمانکاری هستند با این حال همه آن‌ها در این اعتراض شرکت ندارند و مشکل فقط مربوط به ۱۵۰ نفر از کارگران قسمت بارگیری کارخانه است.

وی در واکنش به انتقاداتی که به عملکرد شرکت‌های پیمانکاری وارد شده، گفت: گفته‌ها و شنیده‌ها هیچ سندیتی ندارد و ما که در مسند کار این شهرستان هستیم می‌توانیم بگوییم همه اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد حق و حقوق قانونی این کارگران پرداخت شده است.

حذف شرکت‌های پیمانکاری منطقی نیست

اسلامی همچنین با تاکید بر پرداخت همه حق و حقوق قانونی این افراد ادامه داد: برخی از مطالبات کارگران سیمان سپاهان، قانونی نیست، مثل اینکه انتظار دارند به طور مستقیم با کارفرمای خود قرارداد ببندند و شرکت‌های پیمانکارییشان حذف شوند، چون این کارخانه جزو بخش خصوصی به شمار می‌آید و مشمول مصوبه دولت برای حذف پیمانکاران نمی‌شود.

وی تفاوت و نابرابری حقوق کارگران قراردادی و پیمانی در این واحد تولیدی را بی‌عدالتی ندانست و تصریح کرد: این مشکل فقط مربوط به سیمان سپاهان نیست و نمی‌توان انکار کرد تفاوت بین کارگران رسمی و پیمانی و حتی قراردادی در همه جای کشور وجود دارد و با اینکه نوع استخدام افراد متفاوت است هیچ اتفاق غیر قانونی رخ نداده است.

موضوع در حال بررسی است

مدیر اداره تعاون، کار و رفاه شهرستان مبارکه در پاسخ به این پرسش که آیا چنین تبعیضی در میان افرادی که مشاغل یکسانی دارند درست است گفت: هیچ حقی از این افراد ضایع نشده و اطمینان می‌دهم نه تنها این افراد تمام حداقل مزایای مندرج در قانون کار را دریافت کرده‌اند بلکه این مبلغ، از بسیاری کارگرانی که در واحدهای تولیدی دیگر مشغول به کار هستند، بیشتر است.

وی از تشکیل جلسات ویژه کمیسیون کارگری در فرمانداری مبارکه برای حل این مشکل خبر داد و گفت: به هیچ وجه اعتصاب و دست از کار کشیدن را تایید نمی‌کنیم با این حال موضوع در آرامش و به دور از هیاهو در دست بررسی است و به زودی نتیجه تصمیم‌گیری‌ها اعلام خواهد شد.

اسلامی در پاسخ به ایلنا درباره برنامه مسوولان اداره کار شهرستان مبارکه برای ایجاد تفاهمی منطقی بین کارگر و کارفرما گفت: بستن قرارداد مستقیم با کارگران پیمانی سیمان سپاهان، بار مالی سنگینی دارد که نمی‌توان کارفرما را به آن وادار کرد چون ممکن است پیامدهای بدتری مانند تعدیل نیرو و بحران مالی در این واحد تولیدی داشته باشد با این حال تلاش می‌کنیم دوطرف برای رسیدن به حق و حقوق و خواسته‌های خود به توافقی منطقی برسند.

کارخانه سیمان سپاهان در ۴۵ محور اصفهان- مبارکه قرار دارد که با سه خط تولید روزانه حدود ۱۳ هزار تن سیمان تولید می‌کند. گزارش از ناهید شفیعی

سقوط کارگر جوان از داربست ساختمان

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیرماه آمده است: کارگر جوانی که بر اثر سقوط از روی داربست يك ساختمان در حال ساخت در بلوار شاهد مصدوم و قادر به حرکت نبود به بیمارستان منتقل شد.

به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه خبری ۱۲۵، ستاد فرماندهی آتش نشانی تهران با دریافت خبر سقوط يك کارگر از ساختمانی در بلوار شاهد تهران، آتش نشانان ایستگاه ۲۴ را ساعت ۱۱:۵۶ دقیقه صبح امروز به محل حادثه اعزام کرد.

علیرضا چراغی معاون منطقه ۲ عملیات در این باره گفت: این کارگر در حال کار کردن بر روی داربست در طبقه پنجم ساختمان بود که ناگهان بر اثر بر هم خوردن تعادل به پایین سقوط کرده و بر روی داربست‌های طبقات پایین افتاده بود و قادر به حرکت نبود.

وی افزود: در جریان این حادثه این کارگر از چند ناحیه از بدن دچار آسیب دیدگی شده بود که با تلاش آتش نشانان از روی داربست به پایین ساختمان منتقل و تحویل عوامل اورژانس شد و بلافاصله به مرکز درمانی انتقال یافت.

کارکنان ۱۱۸ شیراز دست از کار کشیدند

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: کارکنان مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ شیراز در اعتراض به تحمیل قراردادهای جدید از سوی پیمانکار برای پنجمین روز پیاپی دست از کار کشیدند و در مقابل استانداری تحصن کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در شیراز، این اعتراض زمانی رخ داد که پیمانکار جدید مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز حضور مجدد کارمندان در این مرکز را مشروط به امضای قراردادی جدید کرده است که بر اساس آن حقوق دریافتی کارمندان بر اساس میزان تماس‌های مردم با این مرکز تعیین خواهد شد و بنا به گفته این کارمندان طبق قرارداد جدید ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان از میزان دریافتی آنان نسبت به قرارداد فعلی کسر خواهد شد.

بنا بر این گزارش، امروز صبح - یکشنبه ۱۸ تیرماه - بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ مخابرات شیراز برای چندمین بار در اعتراض به تعدیل نیرو، شرایط کاری نامناسب و شیوه جدید عقد قراردادهای در مقابل استانداری فارس گرد هم آمدند و با وعده حل

مشکلاتشان توسط مسئولان مربوطه مواجه شدند. اعتراض صنفی کارکنان مرکز ۱۱۸ شیراز در حالی وارد پنجمین روز خود می‌شود که روزانه بیش از ۸۰ هزار تماس با این مرکز با بوق اشغال مواجه می‌شود.

خوشبینی یک مقام دولتی نسبت به حل مشکل درحالیکه شنیده می‌شود بیست نفر از پرسنل این مرکز به دلیل آنچه آن‌ها فشار زندگی و مشکلات معیشتی می‌نامند قرار داد جدید را با پیمانکار امضاء کرده‌اند، معاون توسعه منابع انسانی استانداری فارس نیز با بیان اینکه نسبت به حل این مشکل خوشبین است، دلیل تغییر شیوه قراردادها در این مرکز را افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی می‌داند و می‌گوید: قصد همگی حل مشکلات کارکنان مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز است به نحوی که نه حق کارگر پایمال و نه حقوق مخابرات ضایع شود. هرچند ظاهراً ریشه این خوشبینی این مقام دولتی را باید در جلسات مشترک با مدیران مخابرات، کار و سایر بخش‌های مرتبط با مشکلات کارکنان مرکز ۱۱۸ جستجو کرد، اما یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت مخابرات فارس ضمن حمایت از این اقدام پیمانکار و بی‌توجهی به اعتراض کارمندان تصریح می‌کند: این کار در راستای تعدیل هزینه‌ها صورت گرفته و از سوی دیگر برای انجام هر کاری باید ابتدا قرارداد بسته شود و پیمانکار جدید نیز خواستار قرارداد جدید است و این افراد بر مبنای کاری که انجام می‌دهند و بر اساس پاسخگویی به مردم حقوق دریافت می‌کنند اما بر مبنای نشستن در این مرکز دستمزد دریافت نمی‌کنند. علی اصغر روزگار با تهدید کارکنان ۱۱۸ به اخراج تصریح کرد: اگر کارکنان مرکز ۱۱۸ تا این هفته در محل کار خود حضور نیابند، مجبور هستیم از نیروهای جدید در این مرکز استفاده کنیم.

دولت به نفع پیمانکار مادر این میان مدیرعامل شرکت مخابرات استان فارس نیز شیوه جدید پیمانکار در محاسبه حقوق پرسنل مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ را تایید می‌کند و معتقد است وجود ذهنیت‌های متفاوت نسبت به شیوه قراردادهای جدید موجب بروز این اعتراضات شده و پیمانکار جدید بر اساس مقررات و نظارت اداره کار موظف به عقد قرارداد با کارکنان بوده اما در این نظام جدید میزان پرداخت دستمزد تغییری نکرده و تنها شیوه دریافت حقوق از روزمزدی به کارمزدی یا ساعت مزدی تغییر یافته است. این درحالیست که ادعای عبدالعظیم قنبریان با گفته پرسنل مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ که از کاهش حقوق خود از ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان در قرارداد جدید سخن می‌گویند در تعارض است. بنا بر این گزارش در حالی که هنوز هم ۳۱۴ نیروی کار مرکز ۱۱۸ مخابرات شیراز دست از کار کشیده‌اند و این مرکز همچنان ناتوان از پاسخگویی به تماس‌های مردم است.

سقوط دلو چاه باعث کشته شدن يك مقتی شد

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: سقوط وسیله خاکبرداری چاه بر روی يك مقتی که در عمق ۱۷ متری چاه در حال حفاری بود باعث مرگ وی شد. به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه خبری ۱۲۵، افسر منطقه چهار سازمان آتش نشانی تهران گفت: دو جوان ۲۰ ساله بدون هیچگونه تجهیزات ایمنی فردی در عمق چاه ۱۷ متری در حال حفر چاه بودند که «دلو چاه» هنگام بالا بردن خاک از چاه بر روی آن‌ها سقوط کرده بود. علی اسدی افزود: نجاتگران پس از ایمن سازی محل و با بکارگیری تجهیزات نجات، یکی از مقتی‌ها را که از ناحیه کتف دچار مصدومیت شده بود را از داخل چاه خارج و تحویل عوامل اورژانس دادند. افسر منطقه چهار سازمان آتش نشانی تهران خاطر نشان کرد: نجاتگران با رعایت نکات ایمنی، انجام کمک‌های اولیه و بستن مقتی دیگر وی را از داخل چاه خارج کرده که پس از معاینه عوامل اورژانس مرگ وی بر اثر خوردن دلو آهنی به سر و شکستگی گردن تأیید شد.

دو کارگر در انفجار گاز در ساختمانی سوختند

رعایت نکردن نکات ایمنی در یک ساختمان در حال تخریب در خیابان صرافهای جنوبی، انفجار ساختمان و سوختگی دو کارگر را در پی داشت. ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران با دریافت خبر این حادثه بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه ۲۵ را به محل حادثه در خیابان صرافهای جنوبی اعزام کرد.

مجید شهرمی فرمانده آتش نشانان درباره این آتش سوزی گفت: دو کارگر ۴۰ و ۲۴ ساله در هنگام برش کاری در یک ساختمان در حال تخریب و به دلیل رعایت نکردن نکات ایمنی و کشیدن شلنگ گاز از علمک و نشن گاز در محیط بسته باعث انفجار این ساختمان شده بودند. وی افزود: در پی این انفجار این دو کارگر بشدت دچار سوختگی شدند که نجاتگران پس از ایمن سازی محل یکی از آنها را که بر اثر این انفجار در زیر آوار گرفتار شده بود بیرون آوردند و هر دوی آنها را برای مداوا تحویل عوامل اورژانس دادند.

سقوط بالابر جان چهار کارگر را گرفت

سقوط بالابر از ارتفاع ۲۵ متری موجب مرگ ۴ کارگر در کازرون شد. به گزارش ایلنا، در حادثه‌ای که در محل ساخت سد نرگسی در بخش جره و بالاده شهرستان کازرون رخ داد، سقوط بالابر موجب مرگ این کارگران شد. سرهنگ کشتکار جانشین فرماندهی انتظامی کازرون گفت: ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه دیروز -جمعه- چهار نفر از کارگران ساخت سد نرگسی که در یک بالابر از مشغول کار بودند با سقوط بالابر از ارتفاع ۲۵ متری زمین در دم جان باختند. علت این حادثه هنوز مشخص نشده و در دست بررسی است. اخبار تکمیلی متعاقباً ارسال خواهند شد.

اخراج تمامی کارگران رسمی کارخانه ماه ماشین

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر ماه آمده است: نماینده کارگران اخراجی کارخانه ماه ماشین گفت: با انحلال کارخانه ماه ماشین به بهانه رکود اقتصادی ۳۰ کارگر دائمی این واحد تولیدی اخراج شدند.

علی حق پرست، نماینده این کارگران با حضور در تحریریه اینلا اعلام کرد: مدیران کارخانه ماه ماشین از سال ۸۴ با ایجاد شرایطی تلاش کرده‌اند وضعیت قرارداد این کارگران را از دائمی به موقت تبدیل کنند.

او اضافه کرد: در حال حاضر پس از مخالفت کارگران از مورخه سیزدهم خرداد ماه سال جاری مالکان این کارخانه به بهانه رکود اقتصادی و انحلال کارخانه همه کارگران رسمی این کارخانه را اخراج کردند این در حالیست که طبق مشاهدات کارگران فعالیت این کارخانه نسبت به سالهای گذشته بهتر بوده و سفارش کار بیشتری نیز داشته است.

نماینده کارگران ماه ماشین با بیان اینکه شرط ادامه فعالیت کارگران رسمی منوط به پذیرفتن شرایط کار موقت به صورت قراردادی است، اظهار داشت: کارخانه ماه ماشین با ۲۰ کارگر قرار دادی در حال تولید است و این در صورتی است که در تاریخ سیزدهم خرداد ماه با اعلام انحلال کارخانه مدیران این واحد تولیدی به دور از نظارت مسئولان بازرسی اداره کار به فعالیت خود ادامه داده‌اند.

بنا به ادعای این کارگر، مدیران کارخانه ماه ماشین برای فرار از تخلفاتی که در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مرتکب شده‌اند موضوع انحلال کارخانه را مطرح کرده‌اند.

او ادامه داد: در بسیاری از صورت جلسات تنظیم شده توسط اعضای کمیته طرح طبقه بندی مشاغل که با حضور کارشناسان این طرح تشکیل شده، کارفرما موظف به انجام وظایف و تکالیفی شده که در پی آن کارفرما برای خلاص شدن از اجرای مفاد صورت جلسات رویه انحلال را پیش گرفته است.

نماینده کارگران اخراجی کارخانه ماه ماشین با انتقاد از عدم همکاری اداره کار استان، گفت: معاونت روابط کار استان سمت و سوی رسیدگی به مشکلات کارگران را به جانب هیئت حل اختلاف اداره کار شهرستان ری سوق داده و این در حالی است که اجرای طرح طبقه بندی مشاغل تخصصی بوده و مربوط به معاونت روابط کار می‌باشد.

او با بیان اینکه هم اکنون کارگران اخراجی بلا تکلیف هستند افزود: هدف صاحبان این کارخانه داشتن نیروهای کار قراردادی است تا هر گاه لازم دانستند بتوانند بدون دردسر اخراجشان کنند.

نماینده کارگران معترض با اشاره به اینکه کارخانه ماه ماشین ظرفیت ایجاد اشتغال بیش از ۱۰۰ نیروی کار را دارد عنوان کرد: هم اکنون این واحد تولیدی با حداقل نیروی کار قراردادی مشغول به فعالیت است.

حق پرست در خاتمه گفت: از مسئولان وزارت کار رفاه و تامین اجتماعی می‌خواهیم با اعزام کارشناسان و بازرسان خود به این کارخانه قبل از اینکه مشکلات کارگران این واحد تولیدی به مرحله جدی‌تری برسد اقدام کنند.

گفتنی است کارخانه ماه ماشین تولید کننده و طراح ماشین آلات و ابزار تولید، واقع در شهرک صنعتی شمس آباد است که در این راستا ماشین آلات مورد نیاز خطوط تولید آرد، بیشترین سهم تولید را در این واحد تولیدی به خود اختصاص داده و علاوه بر آن به تولید رباطهای صنعتی و دستگاههای توزین عبوری.. می‌پردازد.

تهدید شغل ۱۰۰ هزار کارگر نساجی اصفهان

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - اینلا در تیر ماه آمده است: شکی نیست که افزایش قیمت حامل‌های انرژی، نرسیدن بسته‌های حمایتی هدفندی پارانها، تحریم‌ها و بالا بودن نرخ بهره بانکی مشکلاتی برای صنعتگران استان اصفهان ایجاد کرده اما این مشکلات، از بحرانی که کارگران و حقوق بگیران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، سخت‌تر نیست.

به گزارش خبرنگار اینلا در اصفهان، حدود یک دهه پیش بود که داستان بحران در صنعت نساجی اصفهان آغاز شد، این زخم کهنه، از اوایل دهه ۸۰ با فرسودگی ماشین آلات و کمبود سرمایه در گردش کارخانه‌ها سرباز کرد و با موجی که از اعتراض کارگران و تعطیلی واحدها بوجود آورد، به سرعت مورد توجه مسوولان قرار گرفت و آن‌ها را بر آن داشت که با استفاده از تسهیلات کمکی ارزان قیمت و حتی استفاده از حساب ذخیره ارزی این بحران را خاتمه دهند.

اما اکنون که بیش از یک دهه از شروع بحران می‌گذرد، هنوز هم این صنایع بر این باورند که مشکلاتشان حل نشده و هر ماه، تعدادی از کارخانه‌ها دست به تعدیل نیرو می‌زنند یا اعلام ورشکستگی می‌کنند.

تعطیلی سه کارخانه نساجی اصفهان در سه ماه مظفر چولمقانی دبیر انجمن صنفی کارفرمایان نساجی‌های اصفهان در این باره به اینلا گفت: هیچ تغییری در وضعیت این صنعت مشکل دار بوجود نیامده و همچنان واحدهای فعال با زخم‌های کهنه دست و پنجه نرم می‌کنند. او خبر تعطیلی سه کارخانه نساجی در سه ماه گذشته را تایید کرد و گفت: متأسفانه نه تسهیلاتی به کارخانه‌های مشکل دار پرداخت شده و نه بهبودی در کارشان حاصل شده است.

ادامه کار با ۴۰ درصد ظرفیت تولید چولمقانی با تاکید بر اینکه بسیاری از کارخانه‌های نساجی، با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت خود به فعالیت ادامه می‌دهند، بیان داشت: مشکل اصلی، کمبود مواد اولیه است که عمدتاً در سالهای گذشته از خارج از کشور وارد می‌شد اما اخیراً با تحریم‌های جدید، برای خرید و واردات پنبه و الیاف مصنوعی دچار مشکل شده‌ایم.

وی با انتقاد از همکاری نکردن بانک‌ها برای بازکردن ال سی و انجام فعالیت‌های مربوط به تجارت خارجی این صنف گفت: متأسفانه بسیاری از واحدهای تولیدی، ماه‌هاست که ۲ تا ۵ میلیارد تومان هزینه لازم برای خرید مواد اولیه را در دست دارند اما نمی‌توانند خط تولید کارخانه‌شان را به راه اندازند.

کمبود مواد اولیه داخلی

وی با اشاره به ادامه فعالیت نساجی‌ها با استفاده از مواد اولیه داخلی گفت: مشکل اینجاست که نه پنبه داخلی از کیفیت مورد نیاز کارخانه‌های نساجی برخوردار است و نه محصول صنایع پتروشیمی داخلی جوابگوی نیاز ماست.

دبیر انجمن صنفی کارفرمایان نساجی‌های اصفهان با اشاره به جلسات متعدد این صنف با مسوولان وزارت صنعت، معدن و تجارت و حتی مدیران استانی و محلی گفت: با این وجود هنوز مشکلات پابرجاست و کارفرمایان چاره‌ای جز تعدیل نیرو نداشته‌اند.

دو هزار کارخانه نساجی اصفهان و ۱۰۰ هزار شغل مستقیم در خطر

این همه در حالی روی می‌دهد که به گفته حاتم شاه‌مکرمی، رییس هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایان صنایع نساجی استان اصفهان، در حال

حاضر، یکصد هزار اصفهانی در این صنعت شاغل هستند و بی‌برنامگی و عدم ارائه راهکارهای صحیح برای حل مشکل نساجی‌ها، این مشاغل را تهدید می‌کند.

وی با اشاره به وجود بیش از هشت هزار واحد صنعتی در استان افزود: از این تعداد دو هزار و ۲۰۰ واحد متعلق به صنعت نساجی است. شاه کرمی همچنین خواستار اجرای قانون مبارزه با کالای قاچاق شد و گفت: با توجه به ماده ۱۰۳ تامین اجتماعی که به ماده ۸۰ تبدیل شده، این قانون اجرا نمی‌شود و باعث وارد آمدن فشارهایی بر صنعت نساجی شده است.

رشد ۴۰ درصدی صادرات نساجی‌ها

اما از سوی دیگر رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان در مراسم تجلیل از ۳۰ تلاشگر صنایع و معادن اصفهان، اعلام کرد: صادرات صنعت نساجی در سه ماهه نخست سال جاری در حدود ۴۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد داشته است. سید عبدالوهاب سهل‌آبادی با اشاره به مشکلات موجود بر سر راه صنعت و تولید تصریح کرد: با توجه به روزهای سخت و وجود تحریم‌ها، تورم، عدم کمک و ارایه بسته‌های حمایتی طرح هدفمندی یارانه به خود می‌بایم که در صنعت نساجی در سه ماهه نخست امسال در حدود ۴۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد داشته‌ایم.

وی از اختصاص رتبه نخست توسعه یافتگی رتبه دوم در صادرات کشور به اصفهان با وجود همه مشکلات موجود خبر داد و گفت: صنعت اصفهان در تمام دولت‌ها پویا بوده اما در حال حاضر با مشکلات بسیاری از جمله رفتن برخی از فعالان این عرصه پشت میله‌های زندان روبرو است.

مشکلات اقتصادی محدود به صنعت نیست

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان و نایب رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان در پاسخ به اینبار ناهماهنگی آمار رشد صادرات نساجی‌ها با بحران و تعدیل ظرفیت آن‌ها گفت: مشکلات اقتصادی در همه بخش‌ها وجود دارد و مختص به صنعت و معدن هم نیست البته با توجه به اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، افزایش دامنه تحریم‌ها، بالابودن نرخ بهره بانکی و موارد دیگر، کار واحدهای تولیدی کند شده اما این به آن معنا نیست که سیاه نمایی کنیم و همیشه در انتظار حل مشکلات از بیرون مجموعه خود باشیم.

وی با اشاره به نقش مدیریت صحیح در شرایط کنونی و برای کاهش اثرات بحران‌های اقتصادی در کارخانه‌ها گفت: افزایش صادرات صنعت نساجی اصفهان، موضوعی بود که در جلسات با استاندار و دیگر نشست‌های تخصصی اعلام شده و مورد تأیید اعضای این انجمن صنفی نیز بوده و هست.

مشکل کارگران و کارمندان، بیشتر است

سهل آبادی که معتقد است در حال حاضر وضع کارگران و حقوق بگیران سخت‌تر از کارفرمایان است افزود: بارها از کارفرمایان خواسته‌ام به جای تعدیل نیرو، کارگران خود را حفظ کنند، چراکه سالیانست از کاران‌ها بهره برده‌ایم و از نتیجه کار و تلاش آن‌ها استفاده کرده‌ایم. وی با استناد به کارگاه‌های تولیدی مشکل داری که این هفته به ستاد تسهیل استان مراجعه کردند و خواستار حل مشکلاتشان شدند گفت: به جز دو سه کارخانه، بقیه واحدهای تولیدی فعالند و مشکل تعدیل نیرو نداشته‌اند.

رشد تصاعدی هزینه‌های کارگران

علیرضا حیدری کارشناس مسایل اقتصادی در اصفهان نیز با تأیید مشکلات روزافزون جامعه حقوق و دستمزد بگیر گفت: افزایش ۳۰ درصدی قیمت نان باعث افزایش هزینه‌های سبد خانوار کارگران به صورت تصاعدی می‌شود.

وی یادآور می‌شود: بعد از اجرای مرحله نخست هدفمندی یارانه‌ها، قیمت بسیاری از کالاها از جمله نان افزایش یافت که به دلیل عدم ایجاد سیستم جبرای برای این افزایش قیمت، مشکلات زیادی متوجه کارگران و خانواده آن‌ها شده است که جبران آن نه با افزایش دستمزد و نه با افزایش پرداخت یارانه نقدی دیده نشده است.

گزارش از ناهید شفیعی

افزایش قیمت گوشت قرمز در پی صادرات بی رویه

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 19 تیر آمده است: علی‌اصغر ملکی رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی در گفتگو با مهر با تأکید بر اینکه خروج هر دام زنده به معنای نزدیک شدن به نابسامانی بازار گوشت است، گفت: صدور مجوز بی‌رویه صادرات دام زنده منجر به افزایش قیمت گوشت در ماه رمضان می‌شود.

رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی افزود: البته تا کنون صادراتی که صورت گرفته، محدود بوده و خوشبختانه بر بازار گوشت قرمز تأثیرگذار نبوده است اما ادامه این روند در شرایط فعلی که بازار داخلی با کمبود مواجه است، می‌تواند مشکل‌زا باشد. وی تصریح کرد: احتمال افزایش قیمت گوشت قرمز در ماه‌های آینده به دلیل مجوزهای خارج از سیاستگذاری مدون وجود دارد و وزارت جهاد کشاورزی در این زمینه باید با تدبیر بیشتری، به صدور مجوز اقدام کند تا بار دیگر بازار گوشت قرمز دچار نوسان قیمتی رو به رشد نشود. به گفته ملکی، با سیاستگذاری که از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت برای تأمین گوشت مورد نیاز مردم در ماه مبارک رمضان انجام گرفته، اقدامات اجرایی از سوی اتحادیه گوشت گوسفندی در چارچوب این سیاست‌گذاری برای جلوگیری از هر گونه افزایش قیمت انجام گرفته است. وی با اشاره به تمهیدات در نظر گرفته شده برای تأمین گوشت گوسفندی مورد نیاز مردم در ماه مبارک رمضان، گفت: باید از صادرات دام زنده جلوگیری کرد.

خبری درباره پایان اعتصاب و بازگشت به کار کارگران کارخانه سیمان سپاهان

به گزارش واحد مرکزی خبر، ایران پور مجلس نشین از شهرستان مبارکه گفت: مسئولان استان اصفهان در دو روز گذشته برای حل مشکلات کارگران معترض این شرکت نشست‌های متعددی برگزار کردند.

وی افزود: در این نشست‌ها مقرر شد مدیرعامل شرکت سیمان سپاهان اصفهان به وعده‌های خود در خصوص اجرای قوانین کار از جمله اختصاص مزایایی همچون پرداخت بهره وری و کارانه عمل کند.

ایران پور گفت: خواسته‌های کارگران در مدت دو ماه در شرایطی آرام بررسی و رسیدگی می‌شود.

وی ادامه داد: در پی این نشست‌ها کارگران از صبح امروز به تجمعات خود پایان دادند و در محل کارشان حاضر شدند.

بنا بهمین گزارش، ۷۰۰ کارگر قرارداری معترض این شرکت بمدت ۱۲ روز در اعتراض به اجرائشدن یکسان کارانه و بهره وری همچون کارکنان رسمی شرکت در محل کار حاضر نشدند.

در همین رابطه: تجمع کارگران اعتصابی سپاهان اصفهان همراه با خانواده جلوی درب کارخانه

بی آبی در گرمای 50 درجه ای هوا

به گزارش خبرنگاری دولتی مهر/ زابل در 19 تیر آمده است: در حالی ساکنان هامون شهر از قطع آب چند روزه این شهر در گرمای طاقت فرسای تابستان گلایه دارند که مسئولان با رد این مسئله تنها از افت فشار آب در این شهر خبر می دهند.

به گزارش خبرنگار مهر، ساکنان شهر علی اکبر که به هامون شهر مشهور است همواره بخصوص در فصل تابستان از بی آبی و کمبود آب و گاهی از حرکت شن های روان ناشی از توفان های 120 روزه رنج می برند و انتظارشان برای رفع این مشکلات به سر آمده و نیازمند توجه ویژه مسئولان هستند.

مردم این شهر از بی آبی کلافه شده اند و می گویند: از پنج روز پیش تاکنون آب لوله کشی قطع است و بحران بی آبی به طور کامل دامنگیر ساکنان شهر شده است.

این در حالیست که مسئولان دست اندرکار این ادعا را تکذیب می کنند و مدعی اند که قطع کامل آب وجود ندارد بلکه ساکنان برخی محله ها با فشار پائین آب مواجه هستند که آن هم بزودی مرتفع می شود.

آب هامون شهر طی 5 روز گذشته قطع است

تعدادی از ساکنان هامون شهر در تماس با خبرنگار مهر گفتند: شهر علی اکبر از شهرهای تازه تاسیس شهرستان زابل نزدیک به پنج روز است که در بی آبی به سر می برد.

این افراد اظهار داشتند: هامون شهر از نظر آب شرب در وضعیت بسیار بحرانی است که متأسفانه رسانه های منطقه هم اطلاع رسانی لازم از این موضوع را انجام نداده اند.

یکی از شهروندان هامون شهر گفت: مردمان صبور و بی ادعای این منطقه در بی آبی به سر می برند و فریادشان به هیچ کجا نمی رسد.

وی که خود را حسین علی اکبری معرفی کرد، افزود: شدت گرمای هوا، فقدان آب بهداشتی و شرب و عدم استفاده از وسایل سرمایشی و از همه مهمتر بی توجهی مسئولین و بانیمان امر مشکلات بسیاری را برای شهروندان این شهر بسیار کوچک به وجود آورده است.

محمود صیادی یکی دیگر از شهروندان این شهر نیز بیان داشت: نزدیک به پنج روز است که حتی یک قطره آب از لوله آب خانه ما خارج نشده و هر نیم ساعت آچار به دست مشغول هواگیری پمپ آب منزل برای ذخیره مقداری آب شرب هستیم.

روال زندگی عادل مردم با مشکل مواجه شده است

وی گفت: به راستی خسران های معنوی ناشی از این همه دل مشغولی ها را چه کسی جبران خواهد کرد، در این پنج روز به سبب عدم استفاده از وسایل سرمایشی در گرما به سر می بریم و نمی دانم آیا اگر این بی آبی تنها چندین ساعت در یکی از کلان شهرها اتفاق می افتاد نیز مسئولان گرمایی با همین خونسردی فعلی امورات را پیگیری می نمودند.

وی افزود: با توجه به هرم سنی ساکنین منطقه که اکثراً سالخورده یا خردسال می باشند، بی آبی موجود معضلات عدیده ای را به وجود آورده است. صیادی اظهار داشت: نکته قابل تامل این مهم عدم توجه مسئولان به وضع بسیار بحرانی منطقه است.

علی دهمرده شهروند دیگر هامون شهر گفت: بی آبی مشکل جاده نیست که با رفع آن در چند وقت دیگر تبعاتی برای زندگی افراد به وجود نیاید گویا از یاد برده ایم که صحبت بر سر آب، اساسی ترین و حیاتی ترین نیاز بشری است.

وی افزود: آنچه در این بین بیش از پیش تأسف آور است اینکه مشکل کم آبی و بی آبی سابقه یک سال و نیمه دارد و سال پیش شهروندان هامون شهری از مسئولان مربوطه در خواست حل مشکلاتشان را کردند.

وی بیان داشت: فرصت یک ساله یا بهتر می توان گفت 365 روزه برای حل این مشکل بحرانی زمان بسیار کمی نبوده اما چرا تسامح و تساهل شهروندان به این جا رسیده باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

درخواست مردم از استانداری برای حل مشکل

جمعی از مردم شهر علی اکبر (هامون شهر) نیز با ارسال نامه ای به معاون امور عمرانی استانداری سیستان و بلوچستان که یک نسخه از آن به خبرنگاری مهر ارسال شده است، اعلام کردند: آیا خیر از دل های سوخته مردمی که چندین روز در فصل تابستان از بی آبی کامل رنج می برند، دارید.

در این نامه نوشته شده است: این در حالیست که در سال 91 علیرغم بحران سال 90 که آقای کرمی نژاد مدیر عامل آب و فاضلاب استان اطلاع کامل از آن داشت و وعده داد که مشکل بی آبی شهر علی اکبر در فروردین ماه 91 حل خواهد شد، ولی متأسفانه نه تنها اینگونه نشد بلکه به مدت دو هفته هست که مردم شهر علی اکبر در بی آبی مطلق به سر می برند.

از قطع آب بی خبرم!

در همین زمینه خبرنگار مهر برای صحت و سقم موضوع با محمد رضا کرمی نژاد مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب شهری سیستان بلوچستان تماس گرفت که وی در جواب گفت: از قطع پنج روزه آب در هامون شهر خبر ندارم و پیگیری می کنم و شما هم بهتر است با مسئول آب و فاضلاب زابل تماس بگیرید.

مسئول آب و فاضلاب شهرستان زابل نیز در تماس خبرنگار مهر با وی، اظهار داشت: این موضوع به این شدت اغراق است زیرا فقط قسمتی از هامون شهر با فشار کم آب مواجه هستند که پیش بینی شده دو تا سه روز آینده مشکل برطرف شود.

هادی حسن پور افزود: هامون شهر از شبکه روستایی آب می گیرد که با توجه به گرمی هوا با افت فشار مواجه شده است.

وی گفت: خط انتقال مستقل آغاز و مخزن آن نیز آماده شده که شبکه ای کاملاً جدید و مدرن است و سال گذشته کل شبکه به روز شده است. وی با اشاره به راه اندازی این خط جدید و رفع همیشگی مشکل بی آبی افزود: به دلیل اینکه اجرای این پروژه از داخل زمین های مردم عبور می کند، در صورتی که با تملک زمین مشکلی پیش نیاید به زودی این طرح به اتمام می رسد.

گزارش: سمانه سرایانی

تجمع اعتراضی ۱۰۰ نفر از اعضای تعاونی مسکن کارگران نساجی کردستان

به نوشته ساییت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 19 تیر آمده است: عضو هیئت مدیره تعاونی کارگران نساجی کردستان اعلام کرد: ۱۰۰ نفر از مجموع ۳۰۰ عضو تعاونی مسکن کارگران نساجی کردستان امروز - دوشنبه - در اعتراض به عدم صدور مجوز ساخت مسکن در مقابل اداره کل مسکن و شهر سازی استان تجمع کردند.

جبار خدا مرادی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: اداره مسکن و شهرسازی استان کردستان با بلا تکلیف کردن تعاونی مسکن کارگران نساجی مجوز ساخت مسکن برای این تعاونی را صادر نمی کند و این در حالیست ۱۱ سال است زمین برای ساخت مسکن کارگران خریداری شده است. او با بیان اینکه هم اکنون ۲۲ تعاونی مسکن واحدهای مختلف تولیدی در این زمینه با اداره مسکن و شهر سازی درگیر هستند اظهار داشت: تعاونی مسکن نساجی کردستان ۳۰۰ عضو دارد که خواستار صدور مجوز ساخت از سوی اداره مسکن و شهرسازی هستند.

بیکاری و نبود تفریحات سالم و بالا بودن هزینه تفریحات سالم، عاملی برای تحریک جوانان به سمت مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی است

به نوشته سایت قانون در 19 تیر آمده است: چندی پیش بود که سردار احمدی مقدم که برای ارائه گزارش و پاسخ به سوال برخی از نمایندگان به مجلس رفته بود از کاهش 30 درصدی کشف مشروبات الکلی در کشور خبر داد و اعلام کرد: کنترل باندهای فساد، مشروبات الکلی در دستور کار قرار دارد. در سال 84 پلیس 5 میلیون بطری مشروبات الکلی را کشف کرد در حالیکه این آمار در سال گذشته با کاهش 30 درصدی به 3.5 میلیون بطر کشف رسید.

فرمانده نیروی انتظامی هرچند که اعلام کرد امروز پشت پرده فساد و مشروبات الکلی در کنترل قرار گرفته و محدود شده است، اما آیا کاهش 30 درصدی کشفیات مشروبات الکلی به معنای کاهش میزان مصرف نیز است؟

همانگونه که قاچاق مواد مخدر، ترانزیت و خرید و فروش آن از پرسودترین تجارتها محسوب می شود، سود حاصل از قاچاق و خرید و فروش مشروبات الکلی نیز دست کمی از مواد مخدر ندارد. به گفته مقامات ستاد مبارزه با قاچاق کالا، مشروبات الکلی بیشتر از مرزهای غربی به کشور قاچاق می شوند بگونه ای که برخی از تجار اقلیم کردستان مشروبات را از بندر مرسین ترکیه وارد کردستان عراق کرده و از آنجا به داخل ایران قاچاق می کنند و به دلیل اینکه گمرکی پرداخت نمی کنند، سود سرشاری از این کسب و کار غیرقانونی نصیبشان می شود. بررسی میدانی بازار خردهفروشی این کالای ممنوعه نشان می دهد که سود خالص این تجارت معمولاً بیش از 300 درصد و گاه تا 500 درصد است. به طور نمونه، نوعی از مشروبات الکلی به صورت تک فروشی در دبی قیمتی حدود 25 هزار تومان دارد که خرید عمده آن، قیمت هر بطری آن را به کمتر از 10 هزار تومان می رساند. وقتی این محموله وارد کشور و به دست واسطه می رسد قیمتی حدود 40 هزار تومان می یابد که در مرحله آخر و برای فروش به بیش از 60 هزار تومان می رسد. سودی که بسیاری را وسوسه می کند با وجود تمام ممنوعیتها به این تجارت نامشروع روی بیاورند.

سال گذشته خبرگزاری مهر در گزارشی، ارزش روزانه ورود مشروبات الکلی به کشور را دو میلیارد تومان اعلام کرد. این گزارش همچنین ارزش سالانه مشروبات الکلی در ایران را ۷۳۰ میلیون دلار ارزیابی کرده بود. البته این رقم تنها مربوط به بخش کشف شده و آمارهای رسمی بازار مشروبات الکلی در ایران به شمار می آید.

نکته حائز اهمیت در این خصوص سهولت در تهیه مشروبات الکلی است بگونه ای که یا با تردد در میدانی اصلی شهر می توان از افرادی که دست فروش و یا در حال گذر به شما نزدیک شده و در گوشه تان پیشنهاد خرید مشروب می دهند آن را تهیه کنید و یا اینکه به اصطلاح با «ساقی» تماس بگیرید تا در اولین فرصت از لیست متنوع آن ها هرچه که سفارش دهید در اختیارتان قرار گیرد.

افزایش قیمت مشروبات در تعطیلات

به گفته یکی از همین فروشندگان مشروبات الکلی تعطیلیها باعث افزایش قیمت مشروبات الکلی می شود به گونه ای که با روزهای عادی حداقل 5 هزار تومان اختلاف قیمت دارد. او قیمت های مشروبات الکلی را به لحاظ حجم، نوع و مارک از حدود 5 هزار تومان تا نزدیک 200 هزار تومان اعلام می کند.

در این بین برخی از کارکنان داروخانه ها نیز با سوءاستفاده از برخی اختیارات خود و به طور غیرمجاز برخی از اقلام دارویی که فروش آن بدون نسخه ممنوع است همچون الكل سفید و قرص ترامادول را در اختیار افراد می گذارند.

مرگ و نابینایی به خاطر مصرف الكل

جدا از مضرات مصرف مشروبات الکلی و عوارض آن بر جسم و روان افراد، سوء مصرف آن موجب مرگ افراد خواهد شد بگونه ای که در دهه دوم خردادماه سال جاری بر اثر سوء مصرف مشروبات الکلی، هفت نفر جان خود را از دست داده و 17 نفر به خاطر مسمومیت ناشی از مصرف راهی بیمارستان ها شده اند.

از سال گذشته ماموران راهنمایی و رانندگی و در راستای اجرای قانون جدید تخلفات راهنمایی و رانندگی، بویژه اجرای تبصره 2 ماده 10 قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، در مواردی که قرائن و شواهد حاکی از مستی و استفاده از مواد مخدر و روانگردان توسط راننده باشد، مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی با استفاده از تجهیزات لازم نسبت به تشخیص این حالت از رانندگان تست سلامت به عمل می آورند. در همین راستا ماموران راهنمایی و رانندگی خصوصاً در جاده های شمالی کشور تست الک را از رانندگان پرخطر آغاز کردند و در سال جاری نیز پلیس راهنمایی و رانندگی تهران، برای کاهش تصادفات و برخورد با متخلفان رانندگی تست سلامت از رانندگان پرخطر را اجرایی کرده است که به

گفته خود مقامات پلیس تنها در اردیبهشت ماه سالجاری، تست الکل و اعتیاد 26 درصد رانندگان تهرانی مثبت اعلام شده است.

مجازات شرب خمر

طبق قانون مجازات اسلامی، جزای خوردن مسکر اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند، 80 ضربه شلاق است اما اگر فرد چند بار شرب خمر کرده باشد و بعد از هر بار حد بر او جاری شده باشد، در مرتبه سوم کشته (اعدام) خواهد شد. هر چند که در چند سال اخیر کمتر شنیده‌ایم افراد به خاطر شرب خمر اعدام شده باشند اما اخیراً رییس دادگستری مشهد از صدور حکم اعدام برای دو فردی خبر داد که برای بار سوم شرب خمر کرده‌اند.

همچنین طبق ماده 175 همین قانون، افرادی که به ساختن، تهیه، خرید، فروش، حمل و عرضه مشروبات الکلی بپردازند به 6 ماه تا 2 سال حبس و یا اگر وسایل آن را فراهم کنند در حکم معاون جرم بوده و تا 74 ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

بیکاری و نبود تفریحات سالم و بالا بودن هزینه تفریحات سالم، عاملی برای تحریک جوانان به سمت مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی است از این رو بارها مقامات نسبت به این موضوع هشدار و حتی چندی پیش باقر لاریجانی قائم‌مقام وزیر بهداشت و رییس دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز مصرف الکل را نگران کننده معرفی کرده و آن را نیازمند توجه بیشتر از امراضی مثل دیابت و بیماری‌های قلبی و عروقی دانست.

این افزایش مصرف مشروبات می‌تواند تبعات متعددی در پی داشته باشد بگونه‌ای که برخی از نزاع‌هایی که منجر به ضرب و جرح شدید می‌شود، به خاطر مصرف بیش از حد مشروبات الکلی بوده است که فرد به دلیل اینکه اختیاری از خود نداشته و نمی‌توانسته به خوبی فکر کرده و به عواقب کار بپاندیشد، با سلاح سرد فرد یا افرادی را مضروب کرده است.

همانگونه که در بالا بیان شد، فرماندهی نیروی انتظامی باید مشخص کند که آیا این کاهش کشفیات به معنای کاهش مصرف نیز می‌باشد؟ از سوی دیگر اگر کاهش مصرف صورت نگرفته باشد چه اقدامات و سیاست‌هایی برای این امر باید توسط مسئولان در پیش گرفته شود؟

4 ساعت انتظار در صف برای خرید دو عدد مرغ!

به نوشته سایت آفتاب در 19 تیر آمده است: کمبود و گرانی مرغ سبب شده تا برخی شهروندانی گلستانی از ساعت چهار بامداد برای خرید مرغ ارزان در صف بایستند، این درحالی است که به هر نفر تنها دو عدد مرغ عرضه می‌شود.

تشکیل صف‌های طولیل و شب خوابی برای خرید مرغ یادآور صف‌های طولانی برای خرید سکه جلوی بانکها در سال قبل را تداعی می‌سازد اما این بار شهروندان برای تامین مایحتاج مجبور به برپایی صف‌های طولانی در جلوی مرغ‌فروشی‌ها هستند.

در حال حاضر گرانی مرغ و توزیع نامناسب مرغ با نرخ دولتی با وجود صف‌های طولانی نارضایتی مردم را به وجود آورده است. این گرانی در حالی است که ماه مبارک رمضان در پیش است و خرید مرغ ارزان این روزها در مناطق مختلف گلستان دغدغه شده است.

یک شهروند گرگانی که در مقابل فروشگاه 15 خرداد میدان سرخواجه گرگان در صف مرغ ایستاده بود گفت: من از حدود ساعت 5 صبح در این صف ایستاده‌ام اما تا به الان که حدود 9 صبح است، هنوز هیچ مرغی تحویل نگرفته‌ام و این امر ناشی از بی‌عدالتی فروشندگان است که برخی را بی‌نوبت و با پارتی‌بازی به آنها مرغ می‌دهند.

وی که خود را علی و کارمند بازنشسته معرفی کرده است، خسته از بی‌خوابی و ایستادن در این مکانی که حدود چهار ساعت او را معطل کرده است افزود: آیا درست است که مردم برای بدست آوردن چیزی که که از واجبات غذایی آنهاست ساعت‌ها در صف بایستند.

وی گفت: چرا مسئولان استان به این امر رسیدگی نمی‌کنند یا اینکه هیچ وقت شده است که در باره به این صف‌های طولانی سر بزنند.

وی افزود: چرا اصلاً این مرغ به طور مناسب در تمام کل بازار به صورت مناسب توزیع نکرده‌اند یا اینکه به می‌توانستند به صورت کوپنی بین مردم توزیع کنند تا در این مورد به صورت عدالت رفتار شود.

این کارمند بازنشسته بیان داشت: با وجود گرانی‌هایی که به وجود آمده است مردم مجبور هستند مرغی را خرید کنند که فاصله اش با بازار به ازای هر کیلوگرم 1800 تومان تفاوت دارد.

یک بانوی گرگانی نیز که در صف خرید مرغ ارزان ایستاده بود، گفت: من از ساعت 4 صبح اینجا ایستاده‌ام و با وجود این گرما و خستگی تا به الان موفق نشده‌ام مرغی خرید کنم.

توزیع مرغ به نرخ 4700 تومان از دوشنبه هفته گذشته در گلستان آغاز شد و اکنون روزانه حدود 40 تن مرغ توسط اتحادیه صنعت مرغداران گلستان در بازار برخی شهرها توزیع می‌شود.

به گزارش مهر، قیمت مرغ در بازار گلستان نیز از کیلویی 5700 تومان تا 6500 تومان در فروشگاه‌های مختلف در نوسان است.

در محکومیت بازداشت فعالین کارگری

کارگران و هم‌سرنوشتان

همان‌گونه که همه ما می‌دانیم نظام سرمایه‌داری در سطح جهان با یک بحران عظیم اقتصادی روبرو شده است و این بحران چیزی تازه برای سرمایه‌داری و دول حامیش نیست و طی صد سال اخیر چند بار در دهه‌های 30 و 70 و 90 میلادی شاهد این بحران‌ها بوده‌ایم و از سال 2008 میلادی نیز نظام سرمایه‌داری با یک بحران عظیم اقتصادی روبرو شده است که امروز نیز دارد فاز دوم این بحران را پشت سر می‌گذارد. آنچه برای همه ما آشناست و به خوبی آن را با گوشت و استخوان خود لمس کرده‌ایم داغی است که نظام سرمایه‌داری به عنوان

طبقه حاکم هر روز بر پیشانی ما کارگران و تمامی هم‌طبقه‌ای‌هایمان در سراسر دنیا می‌گذارد در آمریکا و اروپا و کشور های حوضه یورو با نام ریاضت اقتصادی و در ایران با نام هدفمند کردن یارانه‌ها و حذف سوبسیدها از زندگی مردم اما آنچه وجه مشترک همه آنهاست این است در هر زمان و هر مکان که نظام سرمایه‌داری منفعت خود را در خطر ببیند اولین چیزی که به آن دست می‌زند تعرض به حقوق اولیه و حداقلی طبقه کارگر است که این طبقه طی سالیان سال مبارزه بدست آورده است از جمله کاهش میزان دستمزدها و افزایش ساعات کار. دستگیری فعالین کارگری و اجتماعی. ممانعت از ایجاد تشکل‌های مستقل و خود ساخته و جلوگیری از اعتصاب و

اگر ما این بحران عظیم اقتصادی را که سرمایه‌داری در سطح جهان با آن درگیر است آرزایم بنامیم نظام سرمایه‌داری ایران جدا از این درد مشترک که درد تمامی نظام سرمایه‌داری در سطح جهان است به یک طاعون نیز با نام تحریم‌های اقتصادی از سوی سایر کشورهای سرمایه‌داری گرفتار شده است که آن را در یک وضعیت نا متلاطم و ناهموار اقتصادی قرار داده است. بطوریکه ما هر روزه شاهد لجام

گسیختگی هر چه بیشتر نرخ تورم و رشد سرسام آور آن هستیم که ارتباط مستقیم با معیشت کارگران دارد و هر روزه شاهد اخراج صدها کارگر و تعطیلی دهها مرکز تولید و خدماتی در سطح کشور هستیم که اینها و صدها درد و مشقت دیگر به طور مستمر دارد روزانه بر زندگی کارگران و خانواده هایشان تأثیرات جبران ناپذیری می گذارد.

و نظام سرمایه داری ایران نیز با توجه به بحران های جهانی از یک سو و تحریم های اقتصادی از سوی سایر کشور های سرمایه داری که نتیجه رقابت های اقتصادی و تسلیحاتی میان حاکمان این کشور ها بر سر تقسیم قدرت است و کارگران و زحمت کشان جامعه در این جنگ و کشتار ها جز بد بختیو فلاکت چیز عایدشان نمی شود . و تغییر و تحولاتی که طی دو سال اخیر در حوضه خلیج فارس و شمال آفریقا اتفاق افتاد و این که جامعه ایران آستان یک تغییر و تحول اساسی است ترس سرمایه داری ایران را دو چندان کرده است به طوری که به کوچکترین تجمع و اعتصابات کارگران یورش نظامی برده و آن را با شکلی سبوعانه سرکوب کرده و اقدام به دستگیری و سرکوب آنها می کند .

به طوری که در تازه ترین این سرکوب و دستگیریها نیرو های امنیتی و نظامی در روز ۲۶ خرداد ماه در مهر شهر کرج به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری یورش برده و ۵۷ نفر از اعضای این تشکل را به شیوه ای غیر انسانی دستگیر و به زندان رجایی شهر برای بازجویی و تحقیقات و شناسایی هر چه بیشتر انتقال دادند. و بعد از انجام چند مرحله بازجویی توأم با ضرب و شتم و بی حرمتی آنها را به صورت گروههای چندین نفری آزاد کردند بجز ۹ نفر که بعد از حدودا ۱۲ روز اقدام به آزادی ۷ نفر دیگر از این فعالین کارگری کردند و اما امروز با گذشت بیش از یک ماه از این دستگیری هنوز دو نفر از اعضای این کمیته با نام های علیرضا عسگری و جلیل محمدی بی هیچ بهانه ای در بازداشت نیروهای امنیتی به سر می برند ما جمعی از کارگران و فعالین سیاسی و اجتماعی شهرستان کامیاران ضمن محکوم کردن یورش به مجمع عمومی کمیته هماهنگی و دستگیری اعضای آن خواهان آزادی بدون قید و شرط علیرضا عسگری و جلیل محمدی رضا شهبانی بهنام ابراهیم زاده . علی نجاتی و سایر فعالین کارگری و اجتماعی هستیم.

جمعی از کارگران و فعالین سیاسی و اجتماعی شهرستان کامیاران

کشته شدن دوکارگر در پروژه ساخت اتوبان امام علی

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر آمده است : شامگاه روز یکشنبه نوزدهم تیرماه ۱۳۹۱ دو تن از جان برکفان عرصه سازندگی در پروژه بزرگراه امام علی(ع) بنا بر احساس مسئولیت حرفه ای خود و اطمینان از رفع نقص ناشی خط فاضلاب گذرنده از لایه های زیرین خاک مسیر پروژه که شاید هیچ ارتباط مستقیمی نیز با حوزه مأموریت جاری ایشان نداشت ، لکن عدم پیگیری آن و گسترش نفوذ نشت به خاک منطقه و پایه های پل می توانست در آینده منجر به فاجعه ای غیرمترقبه گردد که مشخص نبود چه خطراتی را برای شهر و هموطنان در معرض آن قرار می داد ، دچار سانحه شدند و جانشان را از دست دادند و ما را با خاطرات خوش همکاری خود به سوگ نشاندند.

کارزار سراسری علیه سرکوب فعالین کارگری ادامه دارد!

بدنبال حمله وحشیانه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سالیانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" و دستگیری شرکت کنندگان در این مجمع، کارزاری سراسری علیه سرکوب فعالین کارگری فراخوانده شد. این فراخوان مورد استقبال صمیمانه و فعال بسیاری از فعالین و نهادهای کارگری و همچنین احزاب و سازمانهای چپ و مترقی قرار گرفت. در شهرها و کشورهای مختلف فعالیت های متنوعی به منظور آگاهی افکار عمومی، به ویژه آگاه سازی نهاد ها و تشکل های کارگری از این رویداد انجام گرفت. تعداد قابل توجهی از تشکلات و فعالین کارگری نسبت به سرکوب و زندانی کردن فعالین کارگری توسط حکومت جمهوری اسلامی واکنش نشان دادند، آن را شدیداً محکوم کردند و آزادی همه دستگیر شدگان را خواستار شدند . همچنین در کشورهای مختلف تظاهرات و آکسیونهای اعتراضی متعددی در محکومیت این اقدام رژیم و با خواست آزادی بدون قید و شرط همه فعالین کارگری و کلیه زندانیان سیاسی و در دفاع از آزادی بیان و تشکل بر گزار شد.

گسترش این اعتراضات در داخل و خارج از کشور، که رسانه ها، شخصیت ها، نهادها و احزاب و سازمانهای متعدد و تشکلهای مستقل کارگری در سطح ایران و بین المللی در آن سهیم بودند، جمهوری اسلامی را واداشت که اکثر دستگیرشدگان را اگر چه با سپردن وثیقه های سنگین آزاد کند.

اتحاد بین المللی ضمن ابراز خوشنودی از آزادی اکثر دستگیرشدگان کرج و سپاس و قدردانی از همه افراد و سازمانهایی که در این اعتراض، صاحب خانه و سهیم بوده اند تأکید می کند که کارزار برای لغو وثیقه های سنگین و کلیه شروطی که برای آزادشدگان گذاشته شده است و تا آزادی بدون قید و شرط جلیل محمدی و علیرضا عسگری که هنوز در زندان بسر می برند، و با هدف و خواست آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری زندانی، کلیه زندانیان سیاسی و آزادی بدون قید و شرط بیان و تشکل ادامه خواهد یافت.

کلیه فعالین کارگری زندانی، فوری و بدون قید و شرط آزاد باید گردند!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

آزادی بدون قید و شرط بیان و تشکل حق مسلم ما است!

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر!

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۹ تیر ۱۳۹۱، برابر با ۹ ژوئیه ۲۰۱۲

ناتوانی کارگران در تامین تغذیه مناسب به دلیل افزایش هزینه ها

به نوشته سایبیت دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 19 تیر آمده است : دبیر اجرایی خانه کارگر اسلامشهر گفت: تورم افسار گسیخته از علایم روشن بیماری اقتصاد کشور است که عوارض آن بر زندگی کارگران آشکار شده است.

حسن پور طالبیان با بیان اینکه سیاست های غیر اصولی دولت باعث افزایش مشکلات اقتصادی اقشار آسیب پذیر شده است، به ایلنا گفت: ملموس ترین عارضه اقتصاد بیمار کشور در ناتوانی کارگران جهت تهیه نیازهای اساسی خانواده های خود از جمله «نان» که قوت غالب خانوار کارگری به شمار می رود متجلی شده و کارگران با دریافت حداقل حقوق قانونی حتی در تهیه نان شب خود نیز درمانده شده اند.

این فعال کارگری اضافه کرد: افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و بالا رفتن هزینه‌های زندگی، بر روابط خانوادگی کارگران نیز تاثیر گذار بوده است به طوری که افزایش میزان کار سرپرستان خانوار و همچنین ورود زود هنگام فرزندان کارگران به بازار کار جهت مقابله با فشار توری باعث شده است که اعضای خانواده‌های کارگری کمتر فرصت در کنار هم بودن را پیدا کنند.

دبیر اجرایی خانه کارگر اسلامشهر با اشاره به اینکه هم اکنون وضعیت سلامت جسمانی و روحی و بهداشت فردی و اجتماعی اقشار آسیب پذیر شدیداً به مخاطره افتاده است، عنوان کرد: وضع سلامتی کارگران بدلیل ناتوانی از تأمین پروتئین و ویتامین‌های مورد نیاز بدن رو به تحلیل می‌رود و این روند عواقب زیانباری در پی دارد.

این فعال کارگری در خصوص دغدغه‌های مربوط به تأمین مسکن کارگران نیز گفت: خانواده‌های متوسط و اقشار فقیر تمامی درآمد خود را به امر مسکن اختصاص داده و هر تغییر کوچک در قیمت مسکن و اجاره بها می‌تواند آثار مخرب و جبران ناپذیری بر زندگی آنان داشته باشد.

او در این زمینه اضافه کرد: رشد غیر معمول قیمت و اجاره بهای مسکن به ویژه در شهرهای بزرگ و عدم توجه به این مشکلات از سوی دولتمردان گره‌های عدیده‌ای را در همه ابعاد زندگی کارگران بوجود آورده که یکی از این مشکلات گسترش حاشیه نشینی با اجرای طرح‌های ناموفقی همچون طرح مسکن مهر بوده است.

نامه سرگشاده‌ی اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری خطاب به رئیس قوه‌ی قضائیه:

ریاست قوه‌ی قضائیه

در نبود و یا کمبود تشکل‌های مستقل و خودساخته‌ی کارگری، «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» در حدود هفت سال پیش با فراخوان هیئت‌مؤسس و امضای بیش از چهار هزار کارگر تشکیل شد. این کمیته در سال ۱۳۸۸ بعد از مجمع عمومی سالیانه‌ی خود و تصویب اساس‌نامه و انتخاب هیئت‌اجرایی و بازرسان، برابر تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار، نتیجه‌ی انتخابات و اساس‌نامه‌ی خود را همراه با نامه‌ای برای ثبت به سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جهت ثبت ارسال کرد.

ما اعضای کمیته‌ی هماهنگی برابر مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار و تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار و اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و از آنجا که از محل حقوق‌های زیرخط فقرمان مالیات می‌پردازیم حق خود می‌دانیم که آزاده انواع کمیته، انجمن و تشکل‌های مستقل را تشکیل و در آن‌ها فعالیت کنیم. برابر اساس‌نامه‌ی مصوب مجمع عمومی، کار کمیته‌ی هماهنگی و اعضای‌اش تلاش برای کمک به ایجاد تشکل کارگری از کانال بسترسازی و هماهنگی میان کارگران است. اما طی این چند سال اعضای کمیته بارها و بارها از جانب نیروهای امنیتی

مورد هجوم، تعقیب، دستگیری، جریمه، شلاق، زندان، ضرب و شتم و بی‌حرمتی قرار گرفته‌اند؛ رفتارهایی که به شکلی غیرقانونی و غیررسمی بر اعضای کمیته وارد می‌شود و هدف از آن‌ها چیزی نیست جز منصرف کردن اعضای کمیته از تلاش در جهت دفاع از حقوق و مطالبات کارگران. هدف از این سرکوب‌ها و تلاش برای از بین بردن تشکل‌هایی مانند کمیته‌ی هماهنگی این است که بتوانند در نبود این

تشکل‌ها بیش از پیش و بدون هیچ‌گونه صدای معترض به اخراج‌ها، بیکارسازی‌ها، تعویق دستمزد و دیگر بی‌حقوقی‌ها بر کارگران دامن بزنند و از طرف دیگر کارگران توانایی اعتراض در برابر این همه بی‌حقوقی و بی‌عدالتی را نداشته باشند.

اسفندماه ۱۳۹۰ ما طی یک نامه از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درخواست کردیم که برابر قانون یک مکان مناسب در اختیار کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری قرار دهد تا مجمع عمومی سالیانه‌ی خود را در آن برگزار کنیم. اما وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی از دادن هر گونه جواب به این کمیته خودداری نمود و سرانجام هیئت اجرایی کمیته‌ی هماهنگی به اعضا فراخوان داد تا ساعت ۸ صبح روز جمعه ۲۶/۳/۹۱ در یک منزل شخصی واقع در بلوار ارم شهرستان کرج که مربوط به بستگان یکی از اعضای کمیته بود جهت مجمع عمومی سالیانه حضور به هم رسانند.

اما با کمال ناباوری این مجمع از طرف نیروهای امنیتی مورد حمله قرار گرفت و ده‌ها نفر از شرکت‌کنندگان مورد ضرب و شتم و بی‌حرمتی‌های فراوان قرار گرفتند و نزدیک به ۵۷ نفر از اعضای این کمیته را بازداشت و به زندان رجایی‌شهر کرج انتقال دادند. حمله‌ی نیروهای امنیتی که همراه با تیراندازی هوایی بود، به اندازه‌ی غیرانسانی بود که تعداد زیادی از کارگران زخمی و بعد از این که از زندان آزاد شدند جهت مداوا به بیمارستان منتقل شدند.

این برخورد نیروهای امنیتی با کارگرانی که تنها برای برگزاری مجمع عمومی سالیانه‌ی خود جمع شده بودند در دنیا کم‌سابقه است. حال سؤال ما کارگران و اعضای کمیته‌ی هماهنگی از مسئولان دولتی ایران این است که اگر دفاع از حقوق و مطالبات کارگران اخراجی و بیکار، حقوق‌های معوقه و سفره‌ی خالی کارگران جرم است، پس لابد از نظر شما همگی ما مجرم هستیم؟ اگر از نظر قانون فعالیت کارگری و دفاع از کرامت و حرمت انسانی کارگران جرم دارد چرا مراجع قضایی به صراحت و شفافیت آن را اعلام نمی‌کنند؟ همچنین اگر فعالیت کمیته‌ی هماهنگی جرم محسوب می‌شود، چرا مقامات قضائی برابر اصل ۳۶ قانون اساسی آن را به شکل رسمی اعلام نمی‌کنند؟ و اگر این چنین نیست پس این همه اذیت و آزار و احضار، تهدید، دستگیری، جریمه، شلاق و زندانی کردن برای چیست؟ چرا نیروهای امنیتی به صورت شفاهی و موردی با اعضای کمیته برخورد می‌کنند؟ آنان به اعضای کمیته می‌گویند که یا باید از کمیته‌ی هماهنگی استعفا دهید و یا در زندان بمانید. در این مورد باز هم سؤال پیش می‌آید و توجه مسئولان محترم دولتی را به اصل ۲۶ قانون اساسی جلب می‌کنیم، زیرا شاید تا این تاریخ قانون اساسی را که خودشان تصویب کرده‌اند مطالعه نکرده باشند!

اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت»

ما اعضای این کمیته هیچ جرمی مرتکب نشده‌ایم و فعالیت‌هایمان جز در راستای دفاع از حقوق و مطالبات خود و دیگر کارگران نبوده و بازداشت و زندانی کردن دوستانمان در مجمع عمومی کرج را اقدامی در راستای دفاع از منافع سرمایه‌داران می‌دانیم و اعلام می‌کنیم که اگر قرار بر مجرمیت اعضای بازداشت‌شده است، پس همگی ما مجرم هستیم و باید دستگیر، محاکمه و روانه‌ی زندان شویم. به همین دلیل ما اعضای کمیته‌ی هماهنگی خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط ۲ تن از یاران هنوز دربندمان یعنی «علیرضا عسگری» و «جلیل محمدی» هستیم و در غیر این صورت با ادامه‌ی اعتراض و تجمع خود مقابل قوه‌ی قضائیه، دادگاه و زندان خواستار آزادی‌شان خواهیم شد.

اعضای «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» - ۱۹ تیرماه ۱۳۹۱

تأیید حکم ضدکارگری علیه رضا شهبانی در دادگاه تجدیدنظر محکوم است!

بر اساس خبر منعکس شده در اطلاعیه‌ی شماره‌ی ۳۳ «کمیته‌ی دفاع از رضا شهبانی»، حکم دادگاه بدوی رضا شهبانی که عبارت بود از ۶ سال حبس، ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های سندیکائی و ۷ میلیون تومان جزای نقدی، عیناً توسط شعبه‌ی ۳۶ دادگاه تجدید نظر مستقر در دادگاه انقلاب اسلامی تأیید شده است. بر اساس همین اطلاعیه تأیید این حکم هنوز به صورت رسمی ابلاغ نشده است اما مسئولان شعبه از روی دفتر اندیکاتور به وکیل رضا شهبانی اعلام کرده‌اند که حکم دادگاه بدوی تأیید شده است.

بنا بر اخبار رسیده، هنگامی که وکیل رضا به تأیید چشم‌پسته و بدون بررسی این حکم در دادگاه تجدیدنظر اعتراض کرده در جواب این پاسخ را از مسئولان شعبه شنیده است: «اگر می‌خواستند پرونده بررسی شود که آن را به این شعبه ارسال نمی‌کردند!» این جواب خود نشان می‌دهد که این روال قضائی نمایشی بیش نیست.

کمیته‌ی هماهنگی ضمن اعتراض شدید به تأیید حکم ضدکارگری صادره، با توجه به وضعیت حاد جسمی رضا و عدم توان تحمل کیفری که به تأیید پزشکان معالج وی رسیده است خواستار لغو فوری این حکم است. همچنین ما تأیید این حکم را در راستای فشار و سرکوب شدیدی می‌دانیم که روز به روز بر جنبش کارگری افزایش می‌یابد و بسیاری از پیش‌روان آن را راهی زندان کرده است، افرادی از جمله علیرضا عسگری، جلیل محمدی، بهنام ابراهیمزاده، علیرضا اخوان، فریبرز رئیس‌دانا و . . .

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
دوشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۱

کارگران تعاونی نساجی کردستان با مهلت ۱۰ روزه به مسئولین به تجمع خود پایان دادند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در ۲۰ تیر آمده است: در پی تجمع اعتراضی کارگران عضو تعاونی نساجی کردستان دیروز بعد از متفرق شدن کارگران، مسئولین بنیاد مسکن و شهرسازی از اعضای هیئت مدیره دعوت به مذاکره میکنند و جلسه‌ای را در بعدازظهر ۱۹ تیر ماه ۱۳۹۱ تشکیل میدهند و قول میدهند که ظرف ۱۰ روز آینده به مشکلات کارگران رسیدگی کنند. امروز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران تعاونی مسکن نساجی کردستان ساعت ۹ صبح در مقابل این اداره تجمع کردند و مطلع شدند که نمایندگانشان با مسئولین مذاکره کردند و با دادن ۱۰ روز مهلت به مسئولین موافقت کردند و به تجمع خود پایان دادند.

پلیس راهور: راندگی افغان‌ها در ایران ممنوع است

به نوشته سایت مردمک در ۲۰ تیر آمده است: معاون فنی مهندسی پلیس راهور اعلام کرد که پس از این برای افغان‌های مقیم ایران، گواهینامه راندگی صادر نمی‌شود و گواهینامه‌های فعلی آن‌ها نیز فاقد اعتبار است.

خبرگزاری مهر روز یکشنبه، ۱۹ تیرماه به نقل از رحیم رمضان آقایی خبر داد که مهاجران افغان با کارت اقامت نمی‌توانند گواهینامه راندگی بگیرند و گواهینامه افغانی نیز در ایران معتبر نیست.

این در حالی است که به گفته آقای رمضان آقایی دیگر اتباع خارجی می‌توانند با مراجعه به معاونت اتباع بیگانه نیروی انتظامی، گواهینامه راندگی دریافت کنند.

منع راندگی افغان‌ها در ایران، یکی دیگر از محدودیت‌هایی است که حکومت ایران اخیراً علیه مهاجران افغان اعمال کرده است.

سیاست‌های دولت ایران در قبال مهاجران افغان از آغاز سال ۹۱، شدت گرفته و عیان‌تر شده است.

یک هفته پیش شماری از رسانه‌های ایران از ممنوع شدن فروش مواد غذایی به اتباع خارجی غیرمجاز در استان فارس خبر دادند. اما ۱۳ تیرماه غلامرضا غلامی، مدیرکل اتباع و امور مهاجرین خارجی استان فارس این موضوع را تکذیب کرد و گفت تمام اتباع بیگانه در تامین مایحتاج خود در استان فارس به طور کامل آزاد هستند و برای خرید مواد غذایی به آن‌ها ممنوعیتی وضع نشده است.

هرچند یک روز پیش از آن خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از این مقام دلیل اتخاذ چنین تصمیمی را جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار توسط اتباع غیر مجاز اعلام کرد که هنگام ورود به ایران مراحل قرنطینه را طی نکرده‌اند.

آقای غلامی گفته بود کارفرمایان و صاحبان حرفه‌ها و مشاغل در استان فارس، برای دور ماندن از عواقب این طرح کافی است که قبل از ارائه خدمات به اتباع بیگانه، از هویت آنها با مشاهده کارت هویت و مجوز اقامت قانونی، اطمینان حاصل کنند.

طرح منع فروش مواد غذایی به اتباع بیگانه غیر مجاز را اولین بار روزنامه عصر مردم شیراز به نقل از این مقام منتشر کرد. این منبع از قول آقای غلامی تصریح کرده بود نانوایی‌ها، سوپرمارکت‌ها و مراکزی که مواد غذایی می‌فروشند، در صورت عدم رعایت این طرح، پلمب و جریمه خواهند شد.

۱۶ فروردین ماه مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور به اتباع افغان مقیم ایران هشدار داد که نسبت به دریافت مجوزهای قانونی اقدام کنند و افغان‌های مجرد هم باید ایران را ترک کنند که در غیر اینصورت بازداشت و اخراج می‌شوند.

محمد تهوری هشدار داد به جز برخورد با افراد بدون مجوز با کسانی که به نحوی در بکارگیری، جابجایی و اسکان این افراد مشارکت کنند هم «برخورد قاطع» می‌شود.

پیش از آن، ۱۳ فروردین ماه کمیته انتظامی ستاد تسهیلات سفر اصفهان از ورود افغان به پارک کوهستانی صفا اصفهان در روز سیزده بدر جلوگیری کرد. این تصمیم با انتقاد کاربران شبکه‌های اجتماعی رویرو شد.

اردیبهشت ماه نیز پس از آن‌که هادی ابراهیمی، معاون استاندار مازندران گفت که طبق مصوبه وزارت کشور از تیرماه امسال ورود شهروندان افغانستان به این استان ممنوع است، اعلام شد که داریوش مهرجویی، نیما حقیقی، علی مصفا، کارگردان و لیلا حاتمی، نیکی کریمی، بازیگر سینما برای حمایت از مهاجران افغان به استان مازندران سفر می‌کنند. زمان این سفر اعلام نشده است.

موج مهاجرت و پناهدگی افغان‌ها به ایران در پی حمله شوروی سابق به افغانستان و جنگ میان نیروهای مجاهدین افغان و نیروهای نظامی شوروی و هم‌زمان با جنگ ایران و عراق شروع شد.

از سال ۸۱ و با تشکیل دولت مرکزی در افغانستان، ایران برنامه انتقال مهاجران را در دستور کار قرار داد و در فاصله کوتاهی حدود دو میلیون نفر از این مهاجران را به کشورشان را بازگرداند، اما برخی از آن‌ها دوباره به ایران بازگشتند. دولت ایران نیز برنامه‌های وسیعی برای اخراج مهاجران آغاز کرد؛ این سختگیری‌ها در دولت محمود احمدی‌نژاد اوج گرفت. طرح اخراج پناهجویان افغان از بهار ۸۶ شروع شد و دولت ایران اعلام کرد که قصد دارد یک میلیون مهاجر غیرقانونی افغان را اخراج کند. بیشتر افغان‌های ساکن ایران کارگر هستند و حضور کارگران افغان در کنار افزایش نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های گذشته انتقاد شماری از نمایندگان مجلس و مقامات ایران را به دنبال داشته است.

احضار اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به بازپرسی

به نوشته سایت هرانا در ۲۰ تیر آمده است: اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به شعبه ۵ بازپرسی برای اخذ آخرین دفاعیه حاضر شدند و قرار بر این شد که روز پنجشنبه ۲۲ خرداد ماه سال جاری در دادگاه حاضر شوند. اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به شعبه پنجم بازپرسی برای اخذ آخرین دفاعیه احضار شدند.

کارگران مناطق آزاد و ویژه بی‌پشتوانه‌ترین کاران کشورند

به نوشته سایت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۲۰ تیر آمده است: یک فعال کارگری در بوشهر اعلام کرد: بی‌اعتنایی به حقوق کارگران در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از جمله تاخیر در پرداخت حقوق‌ها افزایش یافته و اداره کار و نهادهای نظارتی نیز به دلیل اینکه این کارگران جزو مناطق آزاد تعریف شده‌اند، کاری از دستشان بر نمی‌آید. موسی جهانمرد در این زمینه به ایلنا گفت: واحدها تولیدی و شرکت‌های پیمانکاری تامین نیروی انسانی در مناطق ویژه اقتصادی از پرداخت حقوق و سایر مزایای قانونی کارگران خود طفره می‌روند و آن را با تاخیر چند ماهه می‌پردازند. او ادامه داد: مناطق آزاد تجاری تابع قانون کار مناطق آزاد هستند و متأسفانه به همین جهت مسئولان ادارات کار نظارت کافی و درستی در خصوص کارگاه‌های متخلف در این مناطق ندارند. این فعال کارگری مشکل تاخیر در پرداخت و بی‌اعتنایی به حقوق کارگران خصوصاً در مناطق ویژه و آزاد اقتصادی را، نگران کننده عنوان کرد و افزود: به دلیل ضعف قانون‌های حمایتی از کارگران در مناطق ویژه اقتصادی، کارگران این مناطق بی‌پشتوانه‌ترین کارگران کشور به شمار می‌روند.

مرگ دلخراش یک کارگر در قلعه رئیسی

به نوشته سایت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۲۰ تیر آمده است: یک کارگر شهرداری قلعه رئیسی در استان کهگیلویه و بویر احمد به طرز دلخراشی طی یک سانحه شغلی کشته شد. به گزارش ایلنا از بخش قلعه رئیسی شهرستان کهگیلویه، محمدتقی آبادیان کارگر کارخانه سنگ شکن شهرداری قلعه رئیسی که سه ماه بود در این کارخانه مشغول به کار شده بود ساعت ۱۹ دیروز - سه شنبه ۲۰ تیرماه - در ماسه‌های شور کارخانه فرو رفت که همین عامل سبب کشیده شدن وی به دستگاه و جدا شدن سر از بدن این کارگر زحمتکش به گونه‌ای بسیار دلخراش شد. وی از اهالی روستای فیلگاه دهدشت بوده است.

افزایش قیمت مسکن کارگران را به حاشیه شهرها رانده است

به نوشته سایت دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۲۰ تیر آمده است: یک فعال کارگری در خرم دره از تاثیر افزایش روزانه قیمت مواد خوراکی مورد نیاز بدن بر سلامت کارگران ابراز نگرانی کرد. کاظم خلجی با بیان اینکه اکنون نرخ اقلام مصرفی ثبات ندارد، به ایلنا گفت: بخش اعظم جامعه کارگری حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند و با درآمد ۳۸۹ هزار تومانی کارگران توانایی تامین سبد هزینه حداقلی خانوار کارگری را ندارند. به گفته خلجی با کاهش یافتن قدرت خرید کارگران، آنان امکان برنامه ریزی برای آتیه فرزندان خود را از دست داده‌اند. این فعال کارگری با اشاره به تاثیر مضاعف افزایش هزینه‌های مسکن بر زندگی کارگران، اظهار داشت: زندگی کردن در حاشیه شهر و شهرک‌های اطراف مراکز استان به دلیل ارزان‌تر بودن قیمت مسکن خانواده‌های کارگری را از حداقل امکانات رفاهی و آموزشی شهرها محروم کرده است.

آیا در سال گذشته 4/1 میلیون شغل ایجاد شد؟

به نوشته سایت آفتاب در ۲۰ تیر آمده است: پس از آنکه رئیس‌جمهور خبر ایجاد ۵/۲ میلیون فرصت شغلی جدید برای سال ۱۳۹۰، را اعلام کرد، یکسال بعد رئیس مرکز آمار ایران درخصوص تعداد شغل‌های ایجاد شده در سال ۱۳۹۰ گفت: در سال ۱۳۸۹ تعداد بیکاران کشور سه میلیون و دویست هزار نفر بود که این تعداد در سال ۱۳۹۰ به دو میلیون و هشتصد هزار نفر رسید. پس تعداد بیکاران کشور در سال ۱۳۹۰ چهارصد هزار نفر کاهش یافت. وی نتیجه‌گیری کرد چون در سال ۱۳۹۰ از یک میلیون دویست هزار نیروی جدید کار وارد شده به بازار کار، یک میلیون نفر به کار مشغول شده‌اند. بنابراین در سال ۱۳۹۰ یک میلیون و چهارصد هزار شغل جدید ایجاد شده است. به همین دلیل نرخ بیکاری از ۵/۱۳ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۳/۱۲ درصد در سال ۱۳۹۰ تقلیل یافته است. در حالی که مستند به گزارش رسمی منتشر شده از سوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، تعداد مشاغل ایجاد شده در سال ۱۳۸۸ فقط ۳۵۸ هزار نفر بوده است، ادعای ایجاد یک میلیون و چهارصد هزار شغل طی یکسال یعنی افزایش حدود ۴۰۰ درصدی ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای سال ۱۳۹۰، قابل تأمل خواهد بود. از این رو در جهت آگاهی از واقعیت‌های بازار کار ایران و قضاوت کارشناسی نسبت به ادعاهای اعلام شده، مطالعه دیگر شاخص‌های مرتبط با جمعیت و اشتغال ضروری و روشنگر خواهد بود.

در این رابطه با مراجعه به سایت مرکز آمار ایران مشخص می‌شود:

1- نرخ مشارکت اقتصادی یا نرخ فعالیت از 3/38 درصد در سال 1389 به 9/36 درصد در سال 1390 کاهش یافته است. با عنایت به اینکه این نرخ نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار است. لذا کاهش نرخ فعالیت یا مشارکت اقتصادی می‌تواند به دلیل کاهش جمعیت فعال باشد.

2- بنا به تعریف، جمعیت فعال آن دسته از جمعیت در سن کار بوده که جویای کار می‌باشند، به‌طوریکه اگر این جمعیت کار پیدا کرده باشند به آنها شاغل گفته و اگر فاقد شغل باشند بیکار محسوب می‌شوند. پس مشخصه اصلی جمعیت فعال، این است که هم در سن کار باشند و هم جویای کار، بنابراین اگر جمعیتی در سن کار باشند ولی بنا به هر دلیل جویای کار نباشند، جمعیت غیرفعال را تشکیل می‌دهند مثل دانشجویان که در سن کار هستند ولی چون به دلیل تحصیل جویای کار نمی‌باشند پس جزء جمعیت غیرفعال محسوب خواهند شد. در این راستا اطلاعات مرکز آمار نشان می‌دهد که جمعیت فعال کشور از 23 میلیون و 875 هزار نفر در سال 1389 به 23 میلیون و 387 هزار نفر در سال 1390 تقلیل یافته یعنی طی یکسال 488 هزار نفر از جمعیت فعال کشور کم شده است.

کاهش جمعیت فعال در سال 1390 حاکی از این است، تعدادی که در سال 1389 جویای کار بودند، در سال 1390 دیگر جویای کار نیستند. بنابراین اگر تعداد 400 هزار نفر از بیکاران - آن‌طور که مسئول مرکز آمار اعلام نموده است - شغل پیدا کرده باشند، پس باید در تعداد جمعیت فعال که مجموع شاغلین و بیکاران است تغییری حاصل نشود، زیرا عملاً از تعداد بیکاران کم و به تعداد شاغلین اضافه می‌شود. ولی کاهش 488 هزار نفری جمعیت فعال، نشان می‌دهد که این تعداد در سال 1390 دیگر جویای کار نبوده‌اند.

سه دلیل برای چنین پدیده‌ای قابل ارائه است: یا این تعداد از کشور خارج شده‌اند، یا از پیدا کردن شغل منصرف شده و دیگر جویای کار نیستند و یا به انگیزه پیدا کردن فرصت تحصیلی، دیگر به دنبال فرصت شغلی نبوده و متقاضی کار نمی‌باشند.

3- آمار اعلام شده از سوی رئیس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، گویای این واقعیت است که تعداد دانشجویان کشور از 3 میلیون و 790 هزار نفر در سال 1389 به 4 میلیون و 117 هزار نفر در سال 1390 ارتقا یافته است، یعنی 327 هزار نفر در سال 1390 نسبت سال 1389 با دانشجو شدن از جمعیت فعال به جمعیت غیرفعال پیوسته‌اند و چون دیگر متقاضی شغل محسوب نمی‌شوند، لذا با توجه به تعریف بیکار این تعداد از جمعیت بیکار نیز کاسته خواهد شد.

بنابراین سیاست افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو، در دانشگاه‌های مختلف همچون، پیام نور، جامع علمی کاربردی، واحدهای مختلف دانشگاه آزاد به‌ویژه در دروه کاردانی که در بسیاری از واحدها نه تنها بدون کنکور، بلکه با فراخوان از طریق اعلامیه‌های عمومی جذب دانشجو می‌نمایند، در واقع به طور کوتاه‌مدت با افزایش تعداد دانشجویان، گروهی از افراد در سن کار را با توجه به تعریف ارائه شده از جمعیت فعال، از گروه جمعیت فعال خارج نموده و موقتاً به جمعیت غیر فعال اضافه می‌نمایند.

سیاستی که می‌توان آن را یکی از عوامل مهم کاهش جمعیت فعال و نهایتاً تقلیل تعداد بیکاران از سال 1389 تا سال 1390 دانست. هرچند صرف‌نظر از اینکه براساس تعاریف ارائه شده از اشتغال و بیکاری و یا جمعیت فعال و غیر فعال در بازار کار، می‌توان عده‌ای از جوانان را با ایجاد فرصت تحصیلی موقتاً از جمع بیکاران خارج نمود، ولی این پرسش مطرح می‌شود که آیا واقعاً می‌توان اعلام کرد که بیکاری کاهش و نهایتاً اشتغال افزایش یافته است؟

بیش از ۵۰۰ هزار زن سرپرست خانوار با مستمری ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان زندگی می‌کنند

به نوشته سایت خراسان در 20 تیر آمده است: بیش از ۵۰۰ هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد بالای ۶۰ سال و همچنین ۲۳ هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی بالای ۵۰ سال به دلیل داشتن توان کار نمی‌توانند تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار بگیرند و مجبورند تنها با مستمری ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان روزگار بگذرانند. به گزارش ایسنا، بر اساس آمار ارائه شده توسط کمیته امداد امام خمینی(ره)، از یک میلیون و ۳۰ هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) تنها ۱۱۰ هزار زن سرپرست خانوار از پوشش بیمه اجتماعی برخوردارند، در حالی که هدف گذاری برای پوشش ۲۵۰ هزار زن سرپرست خانوار انجام شده است، اما طبق آمارها بخش عمده این زنان تنها به دلیل سنشان خارج از چرخه پوشش بیمه های اجتماعی قرار دارند. نوروزی، مدیرکل حمایت های اجتماعی کمیته امداد امام خمینی(ره)، در گفت و گو با ایسنا با تشریح ابعاد خانوار های تحت پوشش کمیته امداد که سرپرست زن دارند، عنوان کرد: بعد خانوار ۶۱ درصد از خانوار های دارای سرپرست زن یک نفر و ۲۱ درصد ۲ نفر است، چرا که اغلب آن ها را، زنان مطلقه جوان و یا زنان مسن بالای ۶۰ سال تشکیل می دهند.

وی اظهار کرد: ۱۷ درصد از این زنان کمتر از ۴۰ سال، ۲۸ درصد بین ۴۰ تا ۵۵ و ۵۵ درصد بالای ۶۰ سال دارند. نوروزیان افزود: از مجموع خانوار های با سرپرست زن، ۷۹ درصد به علت فوت سرپرست، ۱۳ درصد به علت طلاق و ۴ درصد باقی مانده به علت مفقودی سرپرست، از کار افتادگی و ... تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) قرار گرفتند. به گفته وی، ۴۹ درصد از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش امداد، شهری و ۴۱ درصد روستایی هستند.

۱۱۰ هزار زن سرپرست خانوار مددجوی کمیته امداد بیمه اجتماعی شدند

مدیرکل حمایت های اجتماعی کمیته امداد امام خمینی(ره)، در ادامه با بیان این که ۵۵ درصد از کل زنان سرپرست خانوار کشور تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند، عنوان کرد: در حال حاضر ۱۱۰ هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش بیمه اجتماعی هستند و هدف گذاری برای پوشش ۲۵۰ هزار زن سرپرست خانوار انجام شده است. وی در ادامه، با اشاره به پرداخت مستمری ۴۰ تا ۷۰ هزار تومانی به این زنان عنوان کرد: رویکرد امداد، رویکرد توانمندسازی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این زنان است.

۲۳ هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی با سن بالای ۵۰ سال فقط مستمری می گیرند

نفریه، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور نیز در این باره با اشاره به این که بر اساس قانون زنان سرپرست خانوار ۱۸ تا ۵۰ سال می‌توانند تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار گیرند، به خراسان گفت: دلیل این امر این است که بر اساس قانون این افراد باید حداقل ۱۰ سال سابقه پرداخت بیمه را داشته باشند. وی افزود: زنان سرپرست خانوار بالای ۵۰ سال نه امکان قرار گرفتن تحت پوشش بیمه اجتماعی را دارند و نه امکان کار آفرینی و بازتوانی آن ها وجود دارد. بنا به گفته این مسئول، بر اساس آمار بانک اطلاعات سازمان بهزیستی ۲۳ هزار زن سرپرست خانوار بالای ۵۰ سال امکان بازتوانی و توانمندسازی ندارند و علاوه بر این، دارای شرط تحت پوشش قرار گرفتن بیمه اجتماعی نیز نیستند.

وی افزود: ۲۳ هزار زن سرپرست خانوار بالای ۵۰ سال تنها مستمري ۴۰ تا ۸۰ هزار تومانی را با توجه به بعد خانوار دریافت می کنند. وی افزود: همچنین سازمان بهزیستی در مواردی که برخی اعضای خانواده این زنان امکان بازتوانی و توانمندسازی را داشته باشند آن ها را با امکانات و اعتباراتی که در اختیار دارند تحت پوشش قرار می دهد و در صورت خودکفا شدن اعضای خانواده، این زنان از چرخه حمایت خارج می شوند. اما اگر این زنان، خانواده موثری نداشته باشند همچنان تحت حمایت های دریافت مستمري باقی می مانند. معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی همچنین با اشاره به ادامه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار گفت: تاکنون ۳۷ هزار زن سرپرست خانوار روستایی و ۵۵ هزار زن سرپرست خانوار شهری تحت پوشش سازمان بهزیستی بیمه اجتماعی قرار گرفته اند.

وی افزود: همچنین پیشنهادی در سازمان بهزیستی در حال بررسی است که طبق آن اگر زنان بالای ۵۰ سال حداقل یک یا ۲ سال سابقه پرداخت بیمه داشته باشند، به نوعی تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار می گیرند که در صورت موافقت امکان حمایت از تعدادی از زنان بالای ۵۰ سال میسر می شود. این مسئول تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی را ۱۷۴ هزار نفر اعلام کرد.

ازدواج سالانه ۷ تا ۹ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار مددجوی کمیته امداد نوروزیان، مدیرکل حمایت های اجتماعی کمیته امداد در ادامه با اشاره به ارائه تسهیلات از سوی کمیته امداد برای ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار اظهار کرد: سالانه ۷ تا ۹ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش امداد، با استفاده از این تسهیلات ازدواج می کنند، ضمن این که از سال گذشته نیز جهیزیه ای معادل جهیزیه دختران به زنان سرپرست خانوار پرداخت می شود. وی در ادامه، عنوان کرد: ۲۰۰ هزار خانوار فاقد سرپرست تحت پوشش کمیته امداد، ۲۷۰ هزار فرزند یتیم دارند و از طریق حمایت ۵۸۰ هزار حامی ماهانه ۵۰ هزار تومان دریافت می کنند.

افزایش قیمت مسکن کارگران را به حاشیه شهرها رانده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۲۰ تیر ۹۱ آمده است: يك فعال کارگری در خرم دره از تاثیر افزایش روزانه قیمت مواد خوراکی مورد نیاز بدن بر سلامت کارگران ابراز نگرانی کرد.

کاظم خلجی با بیان اینکه اکنون نرخ اقلام مصرفی ثبات ندارد، به ایلنا گفت: بخش اعظم جامعه کارگری حداقل دستمزد را دریافت می کنند و با درآمد ۳۸۹ هزار تومانی کارگران توانایی تامین سبد هزینه حداقلی خانوار کارگری را ندارند.

به گفته خلجی با کاهش یافتن قدرت خرید کارگران، آنان امکان برنامه ریزی برای آتیه فرزندان خود را از دست داده اند.

این فعال کارگری با اشاره به تاثیر مضاعف افزایش هزینه های مسکن بر زندگی کارگران، اظهار داشت: زندگی کردن در حاشیه شهر و شهرک های اطراف مراکز استان به دلیل ارزان تر بودن قیمت مسکن خانواده های کارگری را از حداقل امکانات رفاهی و آموزشی شهرها محروم کرده است.

«میوه ها آلوده باشند نمی گوئیم تا مردم نگران نشوند»

به نوشته سایت سلامت نیوز در ۲۰ تیر آمده است: موضوع آلودگی میوه ها بار دیگر بر سر زبان ها افتاده است. پس از حرف و حدیث هایی که از سال ۸۷ بر سر زبان ها افتاده بود مبنی بر اینکه میوهجات با آلودگی هایی همراه هستند بار دیگر روز گذشته مدیرعامل سازمان میوه و تره بار تهران با اعلام اینکه نتایج آلودگی میوه ها و محصولات غذایی را نمی گویند چون نگرانی ایجاد می شود، ابهامات جدیدی را به وجود آورد.

حسین صفایی در همین ارتباط و در نشست خبری برگزاری چهارمین نمایشگاه محصولات سالم، طبیعی و ارگانیک گفت: از محصولات بهار سال گذشته ۱۴۴۰ نوع نمونه برداشت شده و مورد آزمایش های دقیق قرار گرفته است که سند آن تهیه شده است. به گزارش سلامت نیوز به نقل از جوان آنلاین؛ همچنین در تابستان سال گذشته نیز ۴۴۰ نمونه از محصولات تابستان از نظر فلزات سنگین مورد آزمایش قرار گرفت که گزارش های آن به صورت سند موجود است. همچنین ۲۵ محصول پرمصرف که دارای بیشترین میزان آلودگی است، شناسایی شدند. وی همچنین با بیان اینکه در مورد رعایت استانداردها به تولیدکنندگان و فروشندگان هشدار داده اند، اظهار داشت: مصرف انواع آفت کش ها، کودهای شیمیایی باید فرهنگ سازی شود چراکه مصرف مواد سالم جزو مطالبات مردم است و از تولیدکنندگان درخواست کرده ایم با استانداردهای ویژه وارد نمایشگاه ارگانیک شوند.

برخی میوه ها سرطانزا هستند اما نه زیاد!

اما در شرایطی که صفایی از نام بردن میوه ها امتناع داشت، رئیس اتحادیه میوه و تره بار در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی «جوان» به رمزگشایی از نام چند میوه پرداخت و اظهار داشت: از هر لحاظی ما در سلامت میوه ها تلاشمان را انجام می دهیم تا میوه ای سالم به دست مصرف کنندگان برسد اما اینکه این آلودگی هایی که گفته می شود از کجا آمده است را باید از مسئولانی که در این باره صحبت کرده اند، پرسید!

حسین مهاجران افزود: باید از کشاورزان پرسید که چه آلودگی در میوه ها وجود دارد. با این حال نباید این نکته را هم فراموش کرد که برخی میوه ها هم سرطانزا هستند، البته دارای درصدی بسیار پایین هستند که کسی را دچار مشکل نمی کند. مثل خربزه که سرطانزاست اما نه زیاد. وی در پاسخ به این سوال هم که به چه دلیل همین میزان اندک سرطانزا بودن برخی میوه ها را پیش از این اعلام نکرده اید، گفت: اگر اعلام می کردیم مصرف کننده دیگر میوه نمی خورد! وقتی این درصد مشکل ساز نیست چرا آن را بیان کنیم! همین خربزه را مشهدي ها بیشتر از باقی مردم مصرف می کنند آیا آنها سرطان گرفته اند؟

افراط در استفاده از کودها و سمها

با تمام این اوصاف و در شرایطی که مهاجران با اعلام نام برخی میوه ها از آلوده بودن آنها خبر داده است، کوروش سلجوقی، پژوهشگر کشاورزی در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی «جوان» دلایل این آلودگی ها را بازگو می کند. وی در این ارتباط می افزاید: متأسفانه استفاده بیش از حد از سموم و کودهای کشاورزی برای جلوگیری از رشد و همچنین دفع آفات و همچنین مدیریت نکردن این موضوع تبدیل به يك معضل شده است. سلجوقی می گوید: در حالی که تنها يك درصد از کشاورزان در ایران تحصیلم کرده هستند و اطلاعات علمی دقیقی از سموم در اختیار این کشاورزان قرار ندارد، این مشکلات تبدیل به يك معضل شده است و در آینده ای نزدیک شدت بیشتری هم خواهد گرفت. سلجوقی خاطر نشان می کند: کشاورزان بدون

مطالعه به محصولات کود می‌زنند و این مانند آن است که بدون نسخه دکتر دارو مصرف شود. همان گونه که دارو سبب مسمومیت می‌شود، این سموم هم سبب مسمومیت می‌شوند. وی می‌افزاید: باید استفاده از سموم با مطالعه باشد و دلیل این پنهان‌کاری‌ها، بحث‌های اقتصادی و تجارت بازاری‌هاست.

کارگران مناطق آزاد و ویژه بی‌پشتوانه‌ترین کاران کشورند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 20 تیر 91 آمده است: یک فعال کارگری در بوشهر اعلام کرد: بی‌اعتنایی به حقوق کارگران در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از جمله تاخیر در پرداخت حقوق‌ها افزایش یافته و اداره کار و نهادهای نظارتی نیز به دلیل اینکه این کارگران جزو مناطق آزاد تعریف شده‌اند، کاری از دستشان بر نمی‌آید.

موسی جهانمرد در این زمینه به ایلنا گفت: واحدها تولیدی و شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی در مناطق ویژه اقتصادی از پرداخت حقوق و سایر مزایای قانونی کارگران خود طفره می‌روند و آن را با تاخیر چند ماهه می‌پردازند. او ادامه داد: مناطق آزاد تجاری تابع قانون کار مناطق آزاد هستند و متأسفانه به همین جهت مسئولان ادارات کار نظارت کافی و درستی در خصوص کارگاههای متخلف در این مناطق ندارند.

این فعال کارگری مشکل تاخیر در پرداخت و بی‌اعتنایی به حقوق کارگران خصوصاً در مناطق ویژه و آزاد اقتصادی را نگران کننده عنوان کرد و افزود: به دلیل ضعف قانون‌های حمایتی از کارگران در مناطق ویژه اقتصادی، کارگران این مناطق بی‌پشتوانه‌ترین کارگران کشور به شمار می‌روند.

احضار اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به بازپرسی

به نوشته سایت هرانا در تاریخ 20 تیر آمده است: اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به شعبه 5 بازپرسی برای اخذ آخرین دفاعیه حاضر شدند و قرار بر این شد که روز پنجشنبه 22 خرداد ماه سال جاری در دادگاه حاضر شوند. اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به شعبه پنجم بازپرسی برای اخذ آخرین دفاعیه احضار شدند.

آیا حضور کارگران خارجی به ویژه کارگران افغان در ایران، عامل بیکاری گسترده در این کشور است؟

به نوشته روزنامه دنیای اقتصاد، محمد رضا رحیمی، معاون اول رییس جمهوری اسلامی ایران، چنین اعتقادی دارد و گفته است: «قدرت‌های بزرگ، سه میلیون میهمان افغان را بر ما تحمیل کرده‌اند که اگر این تعداد افغان نباشند، آمار بیکاری کشور به صفر می‌رسد.» به گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا، عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر تعاون و کار و رفاه اجتماعی، نیز به این پرسش که آیا برنامه ای برای خروج اتباع افغانی و جایگزینی آنها با کارگران ایرانی وجود دارد، پاسخ داده است: «اشتغال به کار اتباع خارجی از جمله افغانستانی‌ها جز با تایید مراجع ذیصلاح قانونی، خلاف قانون است.»

بهر روز خباز، فعال کارگری مقیم سوند، درباره سخنان مطرح شده از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران به رادیو فردا می‌گوید: «حکومت ایران با توجه به بحران گسترده بیکاری، این مسئله را در ذهن توده‌های نا آگاه مردم فرافکنی کرده و کاسه کوزه بحران بیکاری را بر سر شهروندان افغان خالی می‌کند.»

علی مبارکی، عضو اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایرانی مقیم سوئیس، نیز در این باره به رادیو فردا می‌گوید: «سال‌ها است کارگران افغانی در ایران کار می‌کنند و زحمت می‌کشند؛ آن هم با کمترین حقوق و بدون هیچ مزایایی از جمله بیمه. جمهوری اسلامی از وجود اینها سود برده است، اول این که سخت‌ترین کارها را کارگر افغانی انجام می‌دهد در حالی که همین کار را اگر کارگر ایرانی با تشکیلات صنفی بخواند انجام دهد مزایای بیشتری خواهد خواست و به چنین حقوقی راضی نخواهد بود. افغانی‌ها در بدترین شرایط همین کار سخت را انجام می‌دهند اما وقتی پای بعضی مسایل در میان می‌آید، برای انحراف افکار عمومی کارگران افغانی را جلو می‌اندازند. همچنین مشکلاتی که خود حکومت برای جامعه به وجود آورده است را به گردن این انسان‌های بیگناه می‌اندازند.»

در این میان، پروین محمدی، نایب رییس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، در گفت و گو با سایت اتحاد این پرسش را مطرح کرده که آیا دو سال پیش که در خبرها اعلام شد حدود 50 هزار کارگر در عسلویه بیکار شدند و هر روزه خبر بیکاری کارگران پیمانی پتروشیمی شنیده می‌شود، تقصیر کارگران افغان است و کارگران افغان جایگزین کارگران ایرانی در عسلویه شده‌اند؟ خانم محمدی افزود: آیا در صورت برگشتن میهمانان افغان، کارگران شهاب خودرو سر کارشان برمی‌گردند یا بلا تکلیفی کارگران مخابرات راه دور شیراز با 26 ماه حقوق معوقه حل خواهد شد و یا مشکل کارگران صنایع فلزی ایران که ماه‌هاست حقوق دریافت نکرده‌اند و آینده شغلی‌شان مشخص نیست، حل خواهد شد؟

تشکل‌های غیر دولتی کارگری مانند اتحادیه آزاد کارگران ایران، اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران و چند تشکل کارگری دیگر با انتشار بیانه‌هایی نسبت به سخنان مقام‌های جمهوری اسلامی ایران واکنش نشان داده‌اند. اتحادیه آزاد کارگران ایران با اشاره به انتساب مشکل بیکاری و ناهنجاری‌های شدید اجتماعی به کارگران و مهاجران افغان از طریق رسانه‌ها و بلندگوهای رسمی، نوشت: فقط همین مانده است تا گرانی سرسام آور مسکن و هزینه‌های زندگی نیز بر دوش این مهاجرین انداخته شود.

کمیتة هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، انجمن برق و فلزکار کرمانشاه و چند تشکل دیگر کارگری نوشتند دستگاه‌های اجرایی با ترویج این ذهنیت دروغین که دلیل اصلی بیکاری در ایران، وجود کارگران افغان و نیروی کار ارزان آنهاست، سعی در سرپوش گذاشتن بر روی مسایل حاد پیش آمده در جامعه دارند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران و شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران نیز با برگزاری تجمعی در شهر تورنتو کانادا، حمایت خود را از کارگران و مهاجرین افغان در ایران را اعلام کردند.

همچنین 40 تن از فعالان سیاسی و مدنی داخل ایران در بیانیه ای نوشتند: «دولت ایران که بنا بر وضعیت نامناسب و ویژه اقتصادی به شدت تحت فشار نارضایتی‌های گسترده از سوی کارگران و مزدبگیران است، سعی می‌کند با مجرم و تبهکار جلوه دادن مهاجران، بار مسئولیت

خود را در قبال این نابسامانی‌ها کاهش دهد.»

امضاکنندگان این بیانیه خواستار برچیده شدن هرگونه تبعیض و رفتار غیر انسانی از سوی حاکمیت و یا پاره‌ای از مردم با مهاجران افغان شدند.

با این همه برخی از تشکل‌های کارگری مواضع دیگری دارند. برای مثال، علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر و نماینده مجلس، با اشاره به این که ورود مهاجران بدون در نظر گرفتن ظرفیت بازار اشتغال داخلی صورت می‌گیرد، گفت: پس از مدتی با ماندگار شدن این مهاجران بسیاری از کارگران ایرانی شاغل در برخی از رشته‌های شغلی بیکار می‌شوند.

به گزارش خبرگزاری مهر، او خواستار آن شد که مجلس آینده تنظیم و کنترل ورود نیروی کار خارجی را بر اساس توانایی‌ها و ظرفیت‌های بازار اشتغال داخلی تنظیم کند.

این گزارش همچنین حاکی است مجتبی مولیانی، رییس مجمع نمایندگان کارگران استان اصفهان، در مورد کارگران افغانی مقیم ایران در این استان گفته است: این کارگران با وجود سختی و مشقت کار ساختمان و دریافت دستمزد پایین و استفاده بیشتر کارفرمایان از این کارگران، مشکلاتی را برای کارگران ایرانی ایجاد کرده و فرصت‌های شغلی را از بین برده اند.

اما بهروز خباز، فعال کارگری مقیم سوئد، معتقد است: «آقای محبوب و خانه کارگر سال‌ها است محور شعارهایشان را بر این بنا کرده‌اند که مسئله بیکاری را با اخراج کارگران مهاجر حل کنند.»

به گفته این فعال کارگری، «خانه کارگر به رغم ادعایی که دارد مسئله کار و کارگر را از زاویه منافع سیاسی خود دنبال می‌کند و بیشتر بر کرسی‌های مجلس و قدرت معطوف است تا واقعیت‌های جاری کشور.»

در این میان، سایت «خبرآنلاین» با اشاره به این که چند هفته‌ای است شهروندان برخی محله‌های تهران با مشکل جمع آوری زباله‌ها مواجه شده‌اند، خبر داد: اداره اتباع خارجی نیروی انتظامی، کارگران خارجی فعال در حوزه خدمات شهری را که عمدتاً مهاجران افغانی هستند جمع آوری کرده و به کمپ‌های ویژه انتقال داده است.

بر اساس این گزارش، به موجب قوانین جدید به کارگیری اتباع دیگر کشورها بدون اخذ مجوزهای قانونی از مراجع ذی‌ربط ممنوع بوده و پلیس می‌تواند آنها را جمع آوری کند.

خبرآنلاین با اشاره به این که حدود ۳۰ هزار کارگر در بخش‌های فضای سبز و رفت و روب با شهرداری تهران همکاری می‌کنند، افزود: از این تعداد ۱۳ هزار تن را کارگران خارجی تشکیل می‌دهند.

بهروز کارونی - ۱۳۹۱/۰۴/۲۰

در ایران تبعیض علیه شهروندان افغانی بیداد می‌کند

نوشته بیژن برهمندی

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در ۲۱ تیر گزارش داد: که معاون پلیس راهور ضمن اعلام این خبر که گواهی نامه های رانندگی تجمیع و سپس بصورت متحد الشکل صادر می شوند، در عین حال اضافه کرد که اتباع افغانی، حتی با کارت اقامت قانونی، نمی توانند گواهینامه بگیرند و گواهی نامه افغانی هم در ایران اعتبار ندارد.

گسترش رفتارهای خشونت‌آمیز و برخوردهای نابردارانه علیه شهروندان افغانی مقیم ایران در هفته‌ها و روزهای اخیر ابعادی کم‌سابقه یافته است.

در حالیکه وقایع تأسف‌انگیز یزد، که به آتش زدن خانه‌های گروهی از افغان‌های بیگناه انجامید،

ناخشنودی و اعتراضات وسیعی، بویژه در میان ایرانیان مهاجر در کشور های غربی برانگیخت، در عین حال برخی مسئولان و مقامات

محلی در نقاط مختلف کشور با بهره‌گیری از این حوادث دردناک بر شدت سخت‌گیری های خود علیه مهاجران افغانی افزوده اند.

همین امروز، خبرگزاری مهر گزارش داد که معاون پلیس راهور ضمن اعلام این خبر که گواهی نامه های رانندگی تجمیع و سپس بصورت متحد الشکل صادر می شوند، در عین حال اضافه کرد که اتباع افغانی، حتی با کارت اقامت قانونی، نمی توانند گواهینامه بگیرند و گواهی نامه افغانی هم در ایران اعتبار ندارد.

گفته می‌شود که در برخی از مناطق کشور فروشندگان مواد غذایی و نیز وسائل نقلیه عمومی را وادار کرده اند که به افراد فاقد اجازه اقامت چیزی نفروشند یا خدماتی در اختیارشان قرار ندهند.

در مجله رادیویی پژواک جامعه گفتگویی داریم با آقای حامد میری- روزنامه نگار و شهروند افغانی مقیم تهران، که شما را به شنیدن آن دعوت می‌کنیم.

حامد میری در توضیح تبعیض‌ها و نابسامانی‌های وضع زندگی افغان‌ها در ایران، بیش از هر چیز بر مشکلات مهاجران پس از آغاز طرح هدفمندی یارانه‌ها اشاره دارد. در واقع مهاجران افغانی که درآمدها نسبت به کارگران ایرانی بمراتب کمتر است، اینک با هدفمند شدن

یارانه‌ها، بکلی از لیست کمک‌های یارانه‌ای خارج شده اند، در حالی که گران شدن ناگهانی تمام کالاهایی که قبلاً بکمک سوبسیدهای دولتی با قیمت پائین عرضه می شدند، آنها را در وضعیت بسیار دشوار و مشقت باری قرار داده است.

حامد میری با مثال زدن از دورانی که جوانان ایرانی برای کار کردن به ژاپن می رفتند، یاد آوری می‌کند که در آن دوران هم رفتارهای ناسالم یک ایرانی باعث بدنامی همه ایرانی‌ها در میان ژاپنی‌ها میشد.

او می‌گوید هم اکنون در ایران هم اگر یک افغانی در یک‌جائی دچار اشتباهی می‌شود، بسیاری از مردم، همه افغان‌ها را، حتی اگر از عمل خلاف برائت بجویند، با همان چشم نگاه می‌کنند.

با این حال او عقیده دارد که اگر بخواهیم بی‌انصافی نشود، باید گفت که رویهم‌رفته مردم ایران با وجود اشتراکات فرهنگی، تاریخی و تمدنی با مردم افغانستان، در مجموع تعامل خوبی با افغان‌ها داشته‌اند و دارند. او در اثبات این ادعا، به آماری اشاره می‌کند که از سوی وزارت کشور ایران منتشر شده و از وجود ۷۵ هزار ازدواج مختلط میان ایرانی‌ها و افغان‌ها خبر می‌دهد.



دکتر حامد میری نتیجه می‌گیرد که مردم ایران بطور عموم مشکلی با افغان‌ها ندارند؛ او البته اعتراف می‌کند که البته بدرفتاری‌هایی انجام می‌گیرند که نباید به تمام ملت ایران تعمیم داد.

ممنوعیت فروش مواد غذایی به اتباع افغانستان در ولایت فارس در ایران

جواد دروازیان- فعال حقوق بشر و سردبیر نشریه آرماتشهر درکابل: امیدواریم فعالان حقوق بشر در ایران با ما هم صدا شوند تا مقابل دولت‌ها بایستیم و از این پس شهروندان و مهاجران بی دفاع تاوان تصمیمات سیاسی را ندهند.

برخی رسانه‌های ایران از ممنوعیت فروش مواد غذایی و ارائه خدمات حمل و نقل به اتباع غیرمجاز خارجی در ولایت فارس خبر داده‌اند. کاردار افغانستان در ایران بدلیل «فضاسازی رسانه‌های افغانی» به وزارت خارجه ایران احضار شده است.

مسئولان دولتی ایران در برخی ولایات‌ها، خدمات دهندگان حمل و نقل، فروشندگان مواد غذایی، نانوايي‌ها و تاکسي‌ها را موظف کرده‌اند به اتباع خارجی غیرمجاز سرویس ندهند و برای تشخیص غیرمجاز بودن آنها، کارت اقامت‌شان را طلب کنند. مسئولان دولتی ولایت فارس، فروش کالا و مواد غذایی و ارائه خدمات عمومی و صحتی به اتباع خارجی غیرمجاز را ممنوع کرده و هشدار داده‌اند که با افراد خاطی به شدت برخورد می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، دو هفته پیش نیز مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی ولایت خوزستان از ممنوعیت حمل و نقل و جابجایی اتباع خارجی غیرمجاز و مجازات رانندگان و شرکت‌های مسافربری خاطی سخن گفته بود.

حسین دهنشتی به خبرگزاری ایسنا گفته بود که این مجازات در مرحله اول توقیف موثر و معرفی راننده متخلف است افغان‌ها بیشترین تعداد اتباع خارجی در ایران را تشکیل می‌دهند. هرچند دست کم ۱۰۰ هزار مهاجر عراقی در این کشور بسر می‌برند اما بنظر می‌رسد که محدودیت‌های اخیر بیشتر متوجه افغان‌ها باشد.

آمار دقیقی از تعداد مهاجران افغانی در ایران وجود ندارد اما گفته می‌شود که حدود سه میلیون مهاجر «مجاز» و «غیرمجاز» افغانی در این کشور زندگی می‌کنند. مقام‌های ایرانی می‌گویند تنها یک سوم این مهاجران شناسایی شده و مدرک اقامت دارند.

چندی پیش نیز خبرگزاری مهر، فهرستی از شهرها و ولایت‌هایی را منتشر کرد که مهاجران افغان حق سکونت در آنها را ندارند. این ولایت‌ها شامل تهران، اصفهان، مشهد، مازندران، کرمان، فارس، خراسان، سمنان، قم، قزوین، خوزستان، زنجان، ایلام، البرز، گیلان و لرستان هستند.

جواد دروازیان- فعال حقوق بشر و سردبیر نشریه آرماتشهر درکابل، در گفت و گو با بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه در این خصوص گفت: «اگرچه فعالان حقوق بشر در افغانستان تا به حال به صورت رسمی به مجامع بین المللی در این زمینه اعتراض رسمی را ارائه نداده‌اند. اما برخی از فعالان حقوق بشر و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از دولت جمهوری اسلامی ایران، خواستند تا عاملان این قضایا مورد محاکمه قرار بگیرند.»

او گفت: «فشارهای اخیر دولت ایران بر مهاجران افغان در رسانه‌های افغانستان نیز با واکنش‌های زیادی روبرو شده است.» این فعال حقوق بشر در ادامه گفت: «حدود 40 سال است که بخشی از شهروندان افغانستان در آوارگی و دربردی بسر می‌برند و این ناشی از یک اجبار است.»

سردبیر نشریه آرماتشهر گفت: «متأسفانه سازمان ملل و حتا دولت افغانستان کم کاری‌هایی در خصوص رسیدگی به وضعیت مهاجران افغان داشته‌اند.»

جواد دروازیان، در خاتمه گفت: «از فعالان حقوق بشر، روشنفکران ایرانی و مردم ایران انتظار داریم که نسبت به چنین تصمیماتی بیشتر واکنش نشان دهند چرا که این تصمیم‌گیری‌ها به مسائل سیاسی بین دو کشور باز می‌گردد. امیدواریم فعالان حقوق بشر در ایران با ما، هم صدا شوند تا مقابل دولت‌ها بایستیم و از این پس شهروندان و مهاجران بی دفاع تاوان تصمیمات سیاسی را ندهند.»

ممنوعیت‌های متعدد برای افغان‌ها در ایران

نوشته عزیز احمد فرد

به نظر می‌آید که خشونت‌ها در برابر افغان‌های ساکن ایران، اوج پیدا کرده است. تا جائیکه تعدادی از ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی، آغاز به معذرت‌خواهی از افغان‌ها کرده‌اند.

اگر چه مقامات رسمی کشور ایران، طرح «ممنوعیت ارائه خدمات و مواد غذایی به اتباع بیگانه غیر مجاز» در استان فارس را رد کرده‌اند، ولی بصورت عموم در کشور ایران عرصه بر مهاجرین افغان تنگ‌تر میشود.

غلامرضا غلامی- مدیرکل اتباع خارجی فارس، با تکذیب این خبر اضافه می‌کند که «باید این فرهنگ ایجاد شود که مردم با مشاهده یک تبعه بیگانه، از او مطالبه کارت کرده و در صورت عدم ارائه کارت، در اسرع وقت اطلاع رسانی کنند.»

در بررسی این موضوع، گفتگویی داریم با آصف فرمان- نویسنده کتاب "افغانی". آقای فرمان، که مدتی در ایران زندگی کرده است و این رمان را هم در مورد افغان‌های ساکن ایران نوشته، می‌گوید که همزمان با تکذیب خبر عدم فروش مواد غذایی به افغانان، مسئولین در پشت پرده اینچنین اعمال را تشویق میکنند.

در مورد دلایل این برخورد‌ها، آقای فرمان از مخالفت حکومت ایران، با امضای پیمان ستراتژیکی میان افغانستان و ایالات متحده صحبت میکند و می‌گوید که ایرانیان تهدید کرده بودند که اگر افغانستان این پیمان را امضا کند، آنان تعدادی از مهاجرین را اخراج خواهند کرد.

ولی گذشته از استفاده سیاسی از مسئله مهاجرین، آقای فرمان در مورد نزادپرستی ایرانیان می‌گوید که جنجال‌های جدید که از مسئله ممنوعیت افغان‌ها در پارک صفا اصفهان آغاز شد، جنجال‌های جدیدی را خلق میکند که این افراد، که حتی اجازه خرید مواد غذایی را هم ندارند،

بکجا بروند؟

این بیگانگی‌سازی و بیگانگی‌ستیزی، توسط حکومت و گاهی هم رسانه‌های ایران تشویق میشود.

در مورد مردم ایران، آقای فرمان از دو گروه یاد میکند، یکی کسانی که با حکومت در این مسایل همکاری میکنند و دیگر کسانی که نه تنها با این برخوردها مخالف هستند، بلکه حتی به معذرت‌خواهی و بخشش‌خواهی رسیده‌اند.

تجمع اهالی سوهانک مقابل وزارت راه و شهرسازی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 تیر 91 آمده است: به دلیل عدم اجازه ساخت بعد از گذشت حدود 17 سال از ارائه زمین در منطقه سوهانک لواسان، تعدادی از اهالی این منطقه از ساعت اولیه صبح امروز در مقابل وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند. یکی از شاهدان این تجمع در این باره به خبرنگار ایلنا می‌گوید: حدود 600 نفر از اهالی متقاضی ساخت در منطقه سوهانک لواسان به منظور عدم اجازه ساخت توسط وزارت راه و شهرسازی از حدود ساعت 9 صبح امروز مقابل درب اصلی وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند. و شعارهایی سر دادند.

وی ادامه می‌دهد: از حدود 17 سال پیش زمین‌های این منطقه به مردم واگذار شده است و حدود 6 هزار سند برای زمین‌ها صادر شده است.

وی درباره دلیل عدم اجازه ساخت توسط وزارت راه و شهرسازی برای ساخت و واکنش مردم در این تجمع گفت: به گفته برخی از تجمع کنندگان این زمین‌ها به منظور منابع طبیعی و درختکاری در نظر گرفته شده است و به دلیل ایجاد فضای سبز، اجازه ساخت در این منطقه به آنها داده نشده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این تجمع تا حدود ساعت 12 ظهر امروز ادامه داشت تا اینکه یکی از مسئولان وزارتخانه برای پاسخگویی به تجمع کنندگان می‌آید و وعده بررسی این موضوع را می‌دهد و می‌گوید این موضوع تا دو ماه آینده بررسی و نتیجه آن اعلام می‌شود. بر اساس این گزارش، از ورود خبرنگاران سیما به منظور پوشش خبری این موضوع جلوگیری شد. نیروی انتظامی نیز در محل حاضر بود و از تجمع کنندگان می‌خواست که محل را ترک کنند که در نهایت در نزدیکی ظهر موفق به پراکنده کردن جمعیت شدند.

محکومیت قطعی رضا شهابی، فعال کارگری به شش سال حبس تعزیری

به نوشته سایت هرنادر 21 تیر آمده است: رضا شهابی، فعال کارگری و عضو سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه از سوی دادگاه انقلاب شعبه تجدید نظر استان تهران به شش سال حبس تعزیری، پنج سال محرومیت از فعالیت‌های سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد.

مسعود شفیعی در گفتگو با گزارشگر هرنادر گفت: «حکم هنوز رسماً ابلاغ نشده است و من زمانی که پیگیر بودم در دفاتر دادگاه متوجه شدم که تأیید حکم ایشان ثبت شده است.»

وی در خصوص امکان اعتراض مجدد و اعمال ماده 18 در مورد این فعال کارگری گفت: «اعمال ماده 18 زمانی قابل استفاده است که حکم خلاف شرع باشد و با موافقت ریاست قوه قضائیه، کار مشکلی است، انشاءالله پس از ابلاغ رسمی با آقای شهابی هماهنگ می‌کنیم و اگر لازم بود این کار را نیز انجام می‌دهیم.»

و در پایان در خصوص صدور چنین حکم سنگینی با توجه به بیماری آقای شهابی اعلام داشت: «اعتقاد من این بود که قطعاً اگر دقت بیشتری بخرج می‌دادند این حکم با توجه به بیماری‌اش می‌توانست نقض شود.»

همسر این زندانی نیز در گفتگو با گزارشگر هرنادر ضمن تأیید خبر محکومیت ایشان در مورد وضعیت فعلی وی اعلام داشت ایشان کماکان در بیمارستان بستری هستند و در انتظار جراحی بسر می‌برند.

رضا شهابی، فعال کارگری، عضو سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و از مسئول سابق واحد کارگری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران پیش‌تر از سوی شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران توسط قاضی صلواتی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس و هم‌چنین به اتهام تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی نیز به پنج سال حبس محکوم شده بود و هم‌چنین در این حکم به 5 سال ممنوعیت از فعالیت‌های سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شده است.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- بند 4 ماده 23 اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد.

- ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.

- بند 1 ماده 19 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی‌توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.

- بند 2 ماده 19 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

- بند 1 ماده 22 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.

- بخش الف ماده 8 میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب خود ملحق شود، بایستی به رسمیت شناخته شود.

اعلام موجودیت انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان

در زمانی که بریم که فشارهای اجتماعی و اقتصادی هر روزه بیش از پیش به طبقه کارگر وارد میشود. سرمایه داری شیوه برده داری خود را هر لحظه بیشتر به کارگران تحمیل می‌کند در این میان برای رهایی کارگران و زحمتکشانی راهی جز اتحاد و همبستگی برای خلاصی از این وضعیت اسفناک وجود ندارد. با هر تعداد در هر زمان و مکان کارگران باید متحد شوند، آگاهی طبقاتی خود را بالا برده و به تقابل رو در رو با سرمایه داری بپردازد.

در این شرایط جمعی از کارگران برق و ساختمان استان اصفهان موجودیت خود را اعلام کرده و این همبستگی را به طبقه کارگر ایران تریک گفته، از همه کارگران می‌خواهیم که متحد شده و جمع‌های کارگری خود را سازماندهی کنند تا همه با هم از دست رنجمان دفاع کرده و در نگاهی وسیع‌تر کل جامعه را از استثمار طبقاتی که بر آنان اعمال می‌شود نجات دهیم. قبل از اینکه تاریخ مصرفمان برای

سرمایه داری تمام شود و به ته مانده های نیروی کارشان تبدیل شویم باید خود را از کالا بودن نجات داد، و هویت انسانی مان را که ته نشین در لایه های پلید این سیستم شده بیرون بکشیم.

ما اعلام میکنیم، از تمامی حرکت های کارگری و اعتراضی در جامعه حمایت میکنیم و در هر لحظه دست در دست سایر کارگران ایران و رهبران کارگری در برابر سرمایه داری قوی تر قد علم کرده و تا تحقق خواسته های به حق کارگران در هر منطقه از پای نمی نشینیم.

زنده باد اتحاد سراسری کارگران ایران

۲۱/۴/۱۳۹۱

تکذیب ورود کارگران چینی از جانب وزیر کار و توضیح ایلنا

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 تیر 91 آمده است: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با کذب خواندن تسریع در ورود کارگران چینی به کشور، گفت: طرح این موضوع برای برخیها مصرف سیاسی داشت. به گزارش ایلنا، عبدالرضا شیخ الاسلامی در ارتباط با اجرای طرح بیمه کارگران ساختمانی، گفت: باید بر اساس قانون سالانه ۲۰۰ هزار نفر از کارگران ساختمانی را تحت پوشش قرار میدادیم که اقدامات در مورد بیمه این افراد در دست انجام است. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اظهار داشت: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای هم موظف بود؛ نیروهای کار در این حوزه را آموزش دهد که این هم در دست انجام است و هزینه‌های مربوطه از محل احداث بنا هم اخذ می‌شود و کار طبق آنچه که در قوانین پیش بینی شده در دست اقدام است. شیخ الاسلامی، ادامه داد: ادعای مربوط به تسریع در ورود کارگران چینی به کشور به منظور ساخت پروژه آزادراه تهران- شمال را کذب محض خواند و گفت: این ادعا کذب محض است و به نظر می‌رسد مصرف سیاسی برای برخی‌هایی بود که تمایل به فضا سازی و اظهار نظر به هر عنوانی را دارند.

وی همچنین درباره بسته حمایت از کار آفرینی، اظهار داشت: اقدامات عملی درباره اجرای این بسته در دست انجام است و به دلیل اینکه یک جریان مستمر است در طول زمان آثار آن مشخص خواهد شد. توضیح ایلنا

«دستور تسریع در ورود کارگران چینی» که اینک توسط وزیر کار کذب و دارای مقاصد سیاسی عنوان می‌شود، در انتهای خبر مشروح مذاکرات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران با وزیر منابع انسانی چین در رسانه‌های دیگر - و از قضا نزدیک به اصول‌گرایان - منعکس شده بود و البته بنا به حساسیت‌های صنفی این خبرگزاری، جهت شفاف‌سازی مورد توجه ایلنا قرار گرفت.

در عمده اخبار تولیدی ایلنا در این زمینه نیز تلاش شد تا مسئولان وزارت کار در خصوص این خبر توضیح دهند اما با سکوت سه هفته‌ای وزارت کار، ارسال «تکذیبیه اشتغال کارگران ساده چینی» برای ما به حکم پس گرفتن این «دعوت» تلقی شد و با توجه به انجام کامل وظیفه خبررسانی و امید به خاتمه بحث حضور کارگران ساده چینی، این خبرگزاری ترجیح داد وارد چالش بی‌حاصل رسانه‌ای با وزارت کار نشود. اما اینک با تکذیب مجدد ورود کارگران چینی از جانب وزیر کار و سیاسی دانستن انتشار این اخبار بر آن شدیم متن گفتگو با مدیر پروژه منطقه یک آزادراه تهران - شمال را جهت تنویر افکار عمومی و تایید صحت اخبار این خبرگزاری منتشر کنیم:

مدیر پروژه منطقه یک پروژه آزادراه تهران شمال به ایلنا خبر داد از مجموع ۷۰۰ کارگر شاغل در این منطقه ۶۰۰ کارگر چینی هستند که از این میزان تنها یک دهم مهندس و تکنسین و مابقی کارگر ساده‌اند که البته تعدادی نیروی کار زن چینی نیز برای انجام امور دفتری این پروژه فعالیت می‌کنند. فابل صوتی این گفتگو در دفتر ایلنا موجود است.

نرخ تورم در بخش سلامت بیش از ۴۰ درصد است

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس از قول خبرگزاری دولتی ایسنا در 21 تیر آمده است: رییس کل سازمان نظام پزشکی با اشاره به تاکید قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر کاهش سهم مردم در پرداخت هزینه‌های سلامت، به زیر ۳۰ درصد گفت: در حال حاضر سهم مردم در پرداخت هزینه‌های سلامت بیش از ۵۵ درصد است، اما هر چه تعرفه‌های تشخیصی درمانی واقعی‌تر شود، فشار از دوش مردم برداشته می‌شود. به گزارش ایسنا، سیدشهاب‌الدین صدر گفت: در سال جاری تعرفه‌های درمان با تاخیری حدود چهار ماهه اعلام شد، چرا که تاخیر در اعلام تعرفه‌ها آسیب‌رسان است و اعلام تعرفه‌ها در اول سال به انتظام امور پزشکی کمک می‌کند که امیدواریم کارشناسی‌ها برای تعیین تعرفه‌های سال‌های آینده به طوری پیش رود که تعرفه‌های واقعی اعلام شود.

رییس کل سازمان نظام پزشکی افزود: حداقل افزایش تعرفه‌ها باید معادل نرخ تورم سالیانه باشد. در سال جاری تورم عمومی اعلامی از سوی بانک مرکزی ۲۲,۵ درصد است، اما تورم بخش سلامت بیش از ۴۰ درصد است. هر چه افزایش تعرفه‌ها با هزینه‌های سربار تطبیق داشته باشد، کمک می‌کند تا وضعیت سلامت هماهنگ تر پیش رود.

اعتراض به خصوصی شدن «بانک رفاه کارگران»/ باز هم کار با دروغ‌گویی مرتضوی پیش می‌رود؟

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 21 تیر آمده است: در حالی که اخبار ضد و نقیضی درباره خصوصی شدن بانک رفاه کارگران مطرح شده، کارشناسان حقوقی و فعالان کارگری معتقدند این کار خلاف قانون است.

به گزارش کلمه، پس از آنکه سعید مرتضوی متهم جنایات کهریزک و عامل سرکوب مطبوعات و فعالان سیاسی و مدنی در دهه گذشته، با قول شرف

دروغین و فریب نمایندگان توانست جای پای خود را در مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی محکم کند؛ اکنون گزارش ها حاکی از اقدام غیر قانونی جدیدی است که در زیرمجموعه او در حال انجام است.

روز دوشنبه ۱۹ تیرماه کارگر نیوز به نقل از مدیر عامل بانک رفاه کارگران از خصوصی شدن این بانک خبر داد. سید ضیاء ایمانی گفت: این بانک حدود دو هفته پیش در اداره ثبت شرکت ها به عنوان بانک خصوصی پذیرفته شد. بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، این بانک پس از ثبت در اداره ثبت شرکت ها، تا یکسال فرصت دارد سهام خود را در بورس عرضه کند که با توجه به اصلاح اساسنامه و افزایش سرمایه، امسال سهام بانک برای کشف قیمت وارد بورس می شود. قرار است تا پایان سال جاری مجمع بانک با حضور مدیران تامین اجتماعی به عنوان سهامداران اصلی برگزار و در خصوص چگونگی ورود به بورس نیز تصمیم گیری شود.

بانکی که قرار بود رفاه حال کارگران باشد، ولی بعدها به گفته روابط عمومی این بانک "به جهت استفاده تبلیغاتی، پسوند کارگران از نام بانک رفاه در تبلیغات رسانه ای این بانک حذف شده بود" و نامش به بانک رفاه تقلیل یافت.

ایمانی در زمینه تغییر نام این بانک هم گفت: درست است که این بانک متعلق به کارگران است، اما ما جزء شش بانک تجاری کشور محسوب می شویم و متعلق به همه مردم هستیم. بنابراین می توانیم به غیر از بخش کارگری به سایر اقشار جامعه هم خدمات بدهیم. اگرچه کلمه کارگران دوباره در سال ۸۸ به نام این بانک اضافه شد اما این بار قصد حذف مالکیت کارگران بر این بانک و واگذاری اش به بخش خصوصی است.

اگرچه مدیر عامل بانک رفاه معتقد است که "بانک رفاه پس از خصوصی شدن همچنان متعلق به صندوق تامین اجتماعی است و به معنای جدا شدن آن از مجموعه کارگری نیست" اما بسیاری از متخصصان این اقدام دولت را غیرقانونی می دانند. آنها معتقدند که این اقدام ریشه در کج فهمی در خصوص مالکیت "بین نسلی" اموال و دارایی هایی سازمان تامین اجتماعی دارد.

سازمان تامین اجتماعی یک نهاد غیر دولتی است و به موجب بند ۱۰ ماده واحده فهرست نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی مصوب ۱۹/۴/۷۳ مجلس شورای اسلامی، سازمان تامین اجتماعی بعنوان نهاد عمومی غیر دولتی شناخته شده است. طبق رای شماره ۶۸۴ هیات عمومی دیوان اداری در تاریخ ۱۳ ابان ۱۳۸۶ غیر دولتی بودن با عنایت به قانون فهرست نهادهای خصوصی غیر دولتی مشخص شده و دولت تنها حاکمیت نظارتی داشته است.

منابع مالی این سازمان نیز عمدتاً از محل حق بیمه های دریافتی و بدون اتکا به منابع دولتی تامین می شود. به همین دلیل دارائی ها و سرمایه های آن متعلق به اقشار تحت پوشش در نسل های متوالی بوده و قابل ادغام با هیچ یک از سازمان ها و موسسات دولتی یا غیر دولتی نمی باشد. از سوی دیگر، در فتوای اخیر برخی مراجع تقلید از جمله آیات عظام صافی گلپایگانی، مطهری و شبیری که در صفحه ۴ روزنامه اطلاعات دهم تیرماه منتشر شده، نیز ضمن مخالفت با هر گونه ادغام بدون ضوابط بانکها، تصریح شده که دخل و تصرف در مال مشترک باید با اجازه همه شرکاء و خلاف رضایت سهامداران یا وکلای آنها جایز نیست. امری که هم پیش از این به مدیران سازمان بورس و هم بانک مرکزی درباره تصمیمات بدون رعایت حقوق سهامداران هشدار داده شده بود.

علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر و نماینده مجلس در این مورد معتقد است: سازمان تامین اجتماعی، نهادی عمومی و غیر دولتی است براین اساس، بانک رفاه کارگران نیز اصولاً دولتی نیست که دولت بتواند آنرا در معرض فروش بگذارد. این بانک مطابق اصل ۴۶ قانون اساسی دارایی شناخته شده کارگران است و دولت حق هیچ گونه دخل و تصرفی را در آن ندارد. براین اساس دولتی خواندن این بانک یک اشتباه بزرگ بوده و فروش آن اشتباهی بزرگتر. چطور مالی که قابل مصادره نبود را مصادره و سپس به فروش می رسانند؟ این بانک همان دارایی کارگران است که بدون اطلاع کارگران آنرا به فروش می رسانند.

بانک رفاه کارگران در سال ۱۳۴۰ بر اساس ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی با سرمایه اولیه ۴۰۰ میلیون ریال از محل منابع سازمان تامین اجتماعی تاسیس شد. بر اساس ماده ۴ قانون دیوان محاسبات کشور، سازمانها و شرکتها و موسساتی دولتی هستند که بیش از ۵۰٪ سهام آن به دولت تعلق داشته باشد. لذا چون تمام سهام بانک متعلق به بیمه شدگان است و سازمان تامین اجتماعی نیز به عنوان متولی این بانک یک نهاد عمومی غیر دولتی است، پس بانک رفاه کارگران یک بانک دولتی نیست.

در خرداد سال ۵۸ بنا به تصویب شورای انقلاب اسلامی کلیه بانکها ملی و دولتی شدند، اما به موجب ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح قانون تشکیل سازمان تامین اجتماعی مصوب ۲۸ تیر ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی (مرجعی که بانکها را ملی اعلام کرد) مقرر داشته از تاریخ تصویب این قانون بانک رفاه کارگران و شرکت سهامی خاص خانه سازی ایران از وزارت بهداری و بهزیستی منتزع و با حفظ شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری تحت نظارت سازمان تامین اجتماعی به موجب اساسنامه ای که به پیشنهاد شورای عالی سازمان و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید اداره خواهد شد.

تا کنون حدود ۸۶ درصد از سهام بانک به نام سازمان تامین اجتماعی و ۱۴ درصد مابقی به نام دولت اعلام شده است. با افزایش میزان بدهی های دولت به تامین اجتماعی مقرر شد که شش درصد از سهم دولت بابت رد دیون دولت به تامین اجتماعی واگذار شود. علی حیدری کارشناس تامین اجتماعی ضمن مخالفت با خصوصی سازی بانک رفاه کارگران به اینها گفت: بانک دولتی واگذار شده در بورس اوراق بهادار بیشتر از ۱۰ درصد سهام را نمی تواند در اختیار داشته باشد. از این رو با توجه به اینکه از سال های گذشته تامین اجتماعی در این بانک سرمایه گذاری های زیادی را انجام داده است لذا پس از واگذاری بانک به بخش خصوصی باید تلاش شود که سرمایه بانک محفوظ باقی بماند در غیر این صورت ۹۰ درصد از سهام بانک رفاه در اختیار مجموعه های غیر از سازمان تامین اجتماعی قرار می گیرد.

تغییر نام بانک رفاه کارگران به بانک رفاه و خصوصی کردن این بانک موجب مخالفت شدید کارگران شده است. محمدرضا بقائیان، عضو هیئت مدیره کانون همآهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران به اینها گفت: بعنوان نمایندگان قانونی کارگران به هیچکس اجازه نخواهیم داد یک کلمه از نام بانک رفاه کارگران حذف شود، ما کارگران تا آخر از حق خود دفاع خواهیم کرد. به هیچ کس اجازه نخواهیم داد به اموال کارگران که با سپرده گذاری بیمه شدگان تاسیس شده دست اندازی کند.

اگرچه علی بیگی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور دوشنبه ۱۹ تیرماه به اینها اعلام کرد: "طی تماسی با مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، مرتضوی روند واگذاری سهام بانک رفاه به بخش خصوصی را تکذیب کرد و گفت در روند انتشار خبر اشتباهی رخ داده است." اما با توجه به سابقه سخنان و قول دادن های مرتضوی (متهم چند قتل از جمله جنایت های کهریزک) باید منتظر این بود که در روزها آینده این خبر نیز تکذیب شود.

مرگ دلخراش يك كارگر موقع كار در قلعه رنيسي

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 تیر 91 آمده است: از بخش قلعه رئیسی شهرستان کهگیلویه، محمدتقی آبادیان کارگر کارخانه سنگ شکن شهرداری قلعه رئیسی که سه ماه بود در این کارخانه مشغول به کار شده بود ساعت 19 دیروز - سه شنبه 20 تیرماه - در ماسه‌های شور کارخانه فرو رفت که همین عامل سبب کشیده شدن وی به دستگاه و جدا شدن سر از بدن این کارگر زحمتکش به گونه‌ای بسیار دلخراش شد. وی از اهالی روستای فیلگاه دهدشت بوده است.

احمدی نژاد در زنجان: گلوگاه بودجه را در دست گرفتیم و قفل سنگینی بر آن زدیم

به گزارش جهان به نقل از خبرگزاری هادر 21 تیر آمده است: محمود احمدی نژاد طی سخنانی در جشن خانه‌دار شدن متقاضیان مسکن مهر در زنجان گفت: "امسال گلوگاه بودجه را در دست گرفتیم و قفل سنگینی بر آن زدیم تا خرج‌های بیپوده نشود"، گفت: البته برخی داد و بیداد می‌کنند و مقاله می‌نویسند اما نظر ما بر این است که اگر آنها به ما ناسزا هم می‌گویند اشکال ندارد، در عوض این سدها و کارخانه‌ها باید به اتمام برسند و ان‌شاءالله با دعای شما همه این پروژه‌ها به اتمام می‌رسد

اخراج بیست کارگر به دلیل اعتراض به حقوق معوقه فوری

به نوشته سایت کلمه در 21 تیر آمده است: به دلیل تعویق چهار ماهه حقوق و همچنین عدم پرداخت عیدی و پاداش، کارگران پربلیت آسیا در روز 21 خردادماه در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کرده بودند. در پی این اعتراض صنفی پنج کارگر در همان روز اخراج و متعاقباً 15 کارگر دیگر ظرف یک ماه گذشته به تدریج اخراج شدند. مهدی زمانی، دبیر اجرایی خانه کارگر ساوه با اعلام این خبر به ایلنا گفت: به گفته این فعال کارگری هم اکنون امنیت شغلی سایر کارگران معترض این واحد تولیدی که غالباً قراردادی و فاقد امنیت شغلی هستند در خطر است. زمانی با بیان اینکه مدیران این کارخانه همچنین در پرداخت سایر مطالبات از جمله اضافه کاری کارگران نیز کوتاهی کرده‌اند، با اشاره به افزایش مشکلات قطعه‌سازان خودرو در کشور اظهار داشت: اکثر تولیدکنندگان قطعات خودرو همانند کارخانه سوپاپ سازی (یدکی موتور ایران)، صنایع ریخته‌گری ایران و طلب قابل توجهی از شرکتهای بزرگ خودرو ساز کشور دارند. زمانی با اظهار اینکه تلاش فعالان کارگری از جمله خانه کارگر برای پی گیری مشکلات کارگران این کارخانه بی‌نتیجه مانده است افزود: علی‌رغم اینکه خودروسازان بزرگ کشور قبل از تحویل خودرو مبادرت به دریافت میلیون‌ها تومان وجه از خریداران می‌کنند، در پرداخت بموقع مطالبات تولیدکنندگان خودرو به تعهدات مالی خود عمل نمی‌کنند.

هنوز افزایش حقوق بازنشستگان پرداخت نشده است

رئیس هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تامین اجتماعی شهرستان ری گفت: با وجود گذشت سه ماه از سال هنوز افزایش حقوق بازنشستگان پرداخت نشده است. به گزارش ایلنا، مرتضی اطمینانی که در جمع کارگران بازنشسته سخن می‌گفت با بیان اینکه سه ماه از سال جدید گذشته هنوز کسی در خصوص افزایش حقوق بازنشستگان پاسخگو نیست اظهار داشت: کانون‌های بازنشستگی در سراسر کشور اجازه نخواهند داد افراد غیر مسئول در سرنوشت کارگران بازنشسته دخالت کرده و در کارشان سنگ اندازی کنند. به گفته وی با افزایش تورم 21,2 درصدی نرخ تورم بازنشستگان توان پرداخت هزینه‌های زندگی خود را ندارند. این فعال کارگری در بخش دیگری از سخنان خود نسبت به عملکرد بیمه دی انتقاد کرد و افزود: سازمان تامین اجتماعی و بیمه دی باید در انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی بازنشستگان تجدید نظر کنند. او در این زمینه اضافه کرد: اگر قرار است مجدداً سازمان تامین اجتماعی بازنشستگان را مشمول بیمه تکمیلی کند باید پیش از اعمال در خصوص بیمه تکمیلی آنان اطلاع رسانی کرده تا بازنشستگان از روند بیمه تکمیلی خود اطلاعات داشته باشند. اطمینانی در خصوص بخش درمان سازمان تامین اجتماعی که وظیفه بزرگی در قبال بیمه شده دارد، خواستار نظارت بر عملکرد درمانگاه‌ها و بیمارستانهای تحت پوشش خود شد.

۳۵ کوره‌پزخانه پاکدشت با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تعطیل و ۴ هزار کارگر بیکار شده‌اند

به گفته یک فعال کارگری ۳۵ کوره‌پزخانه پاکدشت با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تعطیل و ۴ هزار کارگر بیکار شده‌اند. اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از جمله دلایل ورشکستگی برخی صنایع ایران است. به گفته یک فعال کارگری با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها ۳۵ کوره پزخانه در شهرستان پاکدشت تعطیل شده و ۴ هزار کارگر بیکار شده‌اند. خبرگزاری ایلنا، روز پنجشنبه (۱۵ تیر ۱۳۹۱) به نقل از عوض سلطانی دبیر اجرایی خانه کارگر ضمن اعلام این خبر گزارش داده است از مجموع ۶۰ واحد کوره‌پزخانه فعال شهرستان پاکدشت، ۳۵ واحد تعطیل شده‌اند. به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر ۲۵ واحد کوره‌پزخانه باقی‌مانده نیز در حال حاضر با ظرفیت ۲۰ درصدی نیروی کار فعالیت دارند. عوض سلطانی همچنین یکی دیگر از دلایل بیکاری کارگران کارخانه‌های آجرسازی را جایگزینی دستگاه‌های خست‌ن با نیروی کار انسانی عنوان کرده است. خبرگزاری کار ایران ایلنا، اواخر خرداد ۱۳۹۱ نیز گزارش داده بود بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از ۵ استان ایران، با امضای نامه‌ای خطاب به وزیر کار به تأییراتی که اجرای قانونی هدفمندی یارانه‌ها بر زندگی آنان تحمیل کرده است اعتراض کرده‌اند.

رواج قراردادهای سفید امضا میان کارگر و کارفرما در بازار کار ایران از جمله دیگر مواردی است که در ماه‌های اخیر فعالان اقتصادی نسبت به آن هشدار داده‌اند. رشد نقدینگی بدون پشتوانه اقتصادی در کنار آشکار شدن تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تورم ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها باعث شده برخی صنایع ایران به مرز ورشکستگی برسند. تازمترین آمار بانک مرکزی از "شاخص بهای تولیدکننده" نشان می‌دهد هزینه تولید در داخل ایران در سال ۹۰ نسبت به سال پیش، بیش از

۳۴ درصد افزایش داشته است. همچنین در هفته‌های اخیر بانک مرکزی در گزارشی رسمی هشدار داده بود به دنبال افزایش تورم ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، پرداخت یارانه‌ها بی‌تأثیر شده، سطح رفاه مردم کاهش یافته و شکاف طبقاتی عمیق‌تر شده است.

بیکاری کشاورزان

خبرگزاری ایلنا همچنین روز دوشنبه ۲۹ خرداد به نقل از محمد چپذیری کارشناس بخش کشاورزی، خبر داده بود که کاهش روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر به بیکاری گروه عظیمی از کشاورزان ایران شده است. این گزارش افزوده بود تولید محصولات کشاورزی یکی از پرمخاطره‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در ایران است. به عقیده برخی کارشناسان، با کاهش بهر موری در بخش کشاورزی ایران، هزینه‌های تولید در این بخش افزایش چشمگیری یافته و تولید محصولات کشاورزی ایران نسبت به محصولات وارداتی گرانتر شده است.

کارزار افغان ستیزی جمهوری اسلامی را درهم شکنیم! سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)

بار دیگر رژیم مرتجع جمهوری اسلامی کارزار گسترده و همه جانبه‌ی دیگری را علیه افغانی‌های مقیم ایران براه انداخته است تا چهره بغایت ضد مردمی خود را هرچه بیشتر به معرض نمایش بگذارد. این کارزار با حمله گروهی از اوباشان به پناهجویان افغانی در یزد به اوج خود رسید. روز جمعه ۱۰ تیر اوباشان به خانه‌های پناهجویان افغان در محله کشتارگاه یزد هجوم آوردند و وحشیانه این مردم بی‌دفاع را مورد ضرب و شتم قرار دادند و خانه فقیرانه آنها را به آتش کشیدند. به گونه‌ای که تعدادی از آنان سوخته و مجروح شدند و عده‌ای سراسیمه خانه و کاشانه خود را رها کرده به خارج از شهر و یا خانه آشنایان خود پناه بردند.

عوامل رژیم و رسانه‌های وابسته به آن تلاش کردند که حمله وحشیانه را با پیدا شدن جسد یک دختر ۱۸ ساله یزدی که به او تجاوز شده و در چاهی در اطراف شهر انداخته شده بود، ربط دهند و بطور ضمنی این یورش را توجیه کنند. دولت و رسانه‌ها هویت فردی را که در ارتباط با قتل دختر ۱۸ ساله دستگیر شده بود یک افغان معرفی کردند. اعلام هویت این فرد، خواه مجرم باشد خواه بی گناه، نه توجیه کننده این عمل شنیع است و نه می‌تواند بی رابطه با کارزاری باشد که جمهوری اسلامی در چند ماه گذشته برای اذیت و آزار پناهجویان افغان براه انداخته است. اذیت و آزار پناهجویان افغان در ایران در ۳۰ سال گذشته پیوسته ادامه داشته و هیچگاه متوقف نشده است. اذیت و آزاری که هم از جانب دولت و هم از جانب افراد نا آگاه و تحت تأثیر فرهنگ شونیستی غالب اعمال شده است تا جایی که ابعاد باورنکردنی و غیر قابل تصویری را بخود گرفته است. سالیانست که ماموران مرزی ایران علاوه بر اذیت و آزار افغان‌ها که جنبه معمول بخود گرفته است، با شلیک گلوله بطرف آنان، تعداد زیادی را زخمی و یا به قتل رسانده‌اند. اما اخیراً در مرز ترکیه بیش از ۲۰ نفر از شهروندان افغانستان مورد رگبار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی قرار گرفتند که اکثریت آنها کشته و بقیه بسختی مجروح و اوضاع جسمی آنان وخیم گزارش شده است.

در سالهای اخیر صدها تن از شهروندان افغان توسط جمهوری اسلامی در ارتباط با جرمهای مربوط به مواد مخدر به اعدام محکوم شده و تعدادی از آن‌ها تا بحال اعدام شده‌اند که خشم مردم در دوسوی مرزها را برانگیخته است. این درحالیست که بنابه گزارشات، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در بالاترین سطوح در ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیم با مافیای مواد مخدر، در تجارت آن و انتقال آن به ایران و همچنین به سایر کشورها درگیر است و از این طریق برای خود و حکومت شان ثروت می‌اندوزد و میلیون‌ها جوان در ایران و بقیه کشورها را عامدانه به دام مواد مخدر می‌اندازد.

پیش درآمد جنایات اخیر در یزد، کارزار افغان ستیزانه‌ای است که از طرف حکومت در سطح کشور و استانهای مختلف به اجرا در آمده است. ممنوع کردن ورود زنان و مردان افغانی به پارک صفا اصفهان در سیزده بدر در میان ناباوری همگان تنها می‌توانست اوج شونیسم یک سیستم ضد مردمی را به نمایش بگذارد.

بدنبال آن استانداری مازندران وقیحانه اعلام کرد که تا آخر خردادماه سال جاری کلیه پناهجویان افغانی چه آنانی که دارای کارت اقامت هستند و چه آنانی که مجوز اقامت ندارند باید مازندران را ترک کنند. مقامات این استانداری فاش کردند که حضور پناهجویان افغانستان در ۱۰ شهر ساحلی از قبل ممنوع بوده است. این مقامات همچنین گفتند که "حضور افغانها برای مازندران یک تهدید است" و وزارت کشور هم اعلام کرد که مازندران بعلت توریستی بودن نمی‌تواند حضور آنها را بپذیرد. آیا برای وقاحت و بیشرمی این مزدوران می‌توان حد و حصری قائل شد. آیا کلماتی وجود دارند که بتواند اوج تفرعن و پستی و شونیسم این مرتجعین را توضیح دهد. سوال به حق مردم این است که آیا این پاسداران مزدور و نیروهای انتظامی و ارشاد منفور هستند که مغل آسایش پیر و جوان و بخصوص زنان می‌باشند که با اشکال تراشی‌های خود و کلاشی‌هایشان خون مردم را به شیشه می‌گیرند و یا مردم زحمتکشی که برای حداقل زندگی رنج و محنت بسیاری را در کارهای طاقت فرسا تحمل می‌کنند.

آنچه مسلم است رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی برنامه سازمان یافته‌ای را برای محدود کردن و در نهایت اخراج پناهجویان افغان تدارک دیده که از سالها قبل به مرحله اجرا گزارده است. بر طبق گزارشات، تا کنون حضور پناهجویان افغان در ۲۸ استان ایران کاملاً ممنوع و یا بخشا محدود شده است. اخیراً در ادامه این طرح ردیالانه استان فارس ارائه هر گونه خدمات از قبیل تحصیل، درمان و استفاده از وسایل نقلیه عمومی و حتی فروش مواد غذایی به پناهجویان "غیرمجاز" را ممنوع کرده است. اگر دولت قبلاً صاحبان حرفه‌ها و مشاغل مختلف را از استخدام پناهجویان منع کرده و در صورت تخلف جریمه می‌کردند، اینک کسانی را که به آنان مواد غذایی بفروشد نیز تهدید به بستن کسب می‌کنند. توگویی این مرتجعین فاشیست در نظر دارند که گوی سبقت را از فاشیست‌های نازی برابند و با قطع نان و آب و گرسنگی دادن به کودکان و فرزندان این مردم ستمدیده بر افتخار جنایات عدیده خود بیافزایند. گویی که خونهایی را که از مردم کردستان، خوزستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و از انقلابیون و کمونیستها و ... ریخته‌اند آنان را سیراب نکرده است و اینک چشم طمع به خون فرزندان و کودکان افغان دوخته‌اند. اما به اینجا بسنده نکرده‌اند و از شهروندان می‌خواهند که خود سرانه "مشخصات هویتی اتباع بیگانه را مطالبه و رویت کنند" تا بدینوسیله با تحریک عناصر عقب مانده و اوباشان وابسته بخود رعب و وحشت در میان این پناه جویان را به اوج برسانند.

میلیون‌ها کارگر و پناه جوی افغانی در اثر مداخلات خارجی و جنگ‌های داخلی بین بنیادگرایان اسلامی در افغانستان، کار و زندگی و خانه خود را از دست دادند و آواره شده، مجبور به ترک کشور خود و پناه آوردن به کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان شدند. کارگران و زحمتکشان افغان در ایران، به جانکاه‌ترین کارها تحت بدترین شرایط در کوره پزخانه‌ها و مزارع، کشتارگاهها، کارهای ساختمانی، سنگ بری، چاه کنی و کارهای نظافتی و... تن داده‌اند. در محروم‌ترین محله‌ها و در فقیرانه‌ترین خانه‌ها زندگی می‌کنند. از هیچ گونه حقوق شهروندی برخوردار نیستند، امنیت جانی و شغلی ندارند، مورد اخاذی و قلد رمنشی رژیم و مزدوران آن قرار می‌گیرند، مورد تحقیر و اهانت شمشزکننده اوباشان و افراد نا آگاه متأثر

از فرهنگ و شونیسیم ایرانی قرار دارند. بسیاری از کارگران افغانی مزد ناچیز کارشان توسط کارفرمایان پرداخت نمی شود و یا توسط مزدوران رژیم بزور غصب می شود. کارگران افغانی هزاران بار بیش از آنچه مزد دریافت و یا از منابع و خدمات اجتماعی مصرف می کنند، بر ثروت جامعه با کار و زحمت شان می افزایند تا لاشخوران در قدرت و اطرافیانشان آنرا بسرقت برند. آنگاه حاکمان مرتجع اسلامی با کمال بیشرمی می گویند که این پناه جویان سربرجامعه اند و هر روز فشار را بر آنها بیشتر می کنند و عرصه را بر آنها تنگتر، و از ابتدایی ترین حقوق محرومشان کرده و زندگی اشان را به شکنجه مبدل می کنند.

حاکمان مزدور جمهوری اسلامی چنین تبلیغ می کنند که گویا این پناه جویان با میل شخصی خانه و کاشانه خود را ترک کرده اند!- هر چند که اگر هم با میل شخصی محل زندگی خود را ترک می کردند، این مزدوران حق نداشته و ندارند که برای آنها مشکل ایجاد کنند- اما برآستی اگر مداخلات مرتجعانه کشورهای امپریالیستی و منطقه از جمله جمهوری اسلامی نبود، چنین سرنوشتی در انتظار میلیون ها نفر مردم ستمدیده افغان می بود؟ اگر صدور بنیادگرایی اسلامی به این کشور که جمهوری اسلامی پا به پای امپریالیستهای غربی در آن نقش داشت درکار نبود این همه آواره بیار می آمد؟ مگر این جمهوری اسلامی نبود که احزاب بنیاد گرای اسلامی شیعه مثل حزب وحدت و حرکت اسلامی و چند حزب دیگر را از حمایت های مالی و نظامی خود برخوردار می کرد؟ مگر این جمهوری اسلامی ایران نبود که از جمعیت اسلامی و احزاب جبهه شمال و جنگ سالاران وابسته به آن در مقابل حکمت یار در جنگ داخلی که به نابودی کابل انجامید حمایت می کرد؟ مگر این جمهوری اسلامی نبود که بعد از قدرت رسیدن طالبان به همه جنگ سالاران سابق از جمله حکمت یار و دارودسته اش کمک کرد تا باز هم نفوذش را در افغانستان حفظ کند؟ مگر این جمهوری اسلامی نبود که از جاده صاف کن های اشغال افغانستان توسط امپریالیستهای غربی شد؟ آیا جمهوری اسلامی به نوبه و در توان خود با مداخلاتش در افغانستان در داغان کردن افغانستان پا به پای قدرتهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه نقش بازی نکرده است؟

آری جمهوری اسلامی در تمامی جنایات علیه مردم افغانستان نقش داشته و بخشی از مشکل افغانستان بوده و هست. اما چنین وانمود می کند که گویا ناگهان چند میلیون میهمان ناخوانده برایش فرا رسیده است و به خود حق می دهد که هر جنایتی را در مورد آنها اعمال کند و آنها را مورد عنایت، عطوفت و رافت اسلامی قرار دهد.

اینکه دیگر طعم رافت اسلامی را هم زحمتکشان ایران و همه زحمتکشان افغانستانی، هم زنان هم کلیه اقلیت های ملی و مذهبی چشیده اند و درک کرده اند که مفهوم آن چیست.

اما کفگیر ایدئولوژیک جمهوری اسلامی به ته دیگ خورده است و به شونیسیم مشمنزه کننده ایرانی دستاویز شده است تا پایه های سنتی خود را این بار حول این ایدئولوژی زنگ زده متحد کند. جمهوری اسلامی اگر می خواهد بحران ایدئولوژیک خود را با افغان ستیزی، گرسنگی دادن به آنان، محروم کردن بیمارانشان از دارو، و.. حل کند، سخت در اشتباه است. اگر می خواهد مشکلات سیاسی اقتصادی، سیستم بیمار و بحران زای خود را با دامن زدن به جو افغان ستیزی آنهم به شنیع ترین شکلش حل کند در خواب و خیالی خام است. برکسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی با بحران سیاسی و اقتصادی روبرو است و حتا اگر همه شهروندان افغانی را از ایران اخراج کند، نمی تواند ضعف و استیصالی که دچار آن است را تخفیف دهد. مزد زنان کارگر افغان که در اکثر موارد در خانه کار می کنند و به همین دلیل حتی کار کودکان خانواده را نیز به آن می افزایند، چندین بار کمتر از مزدی است که به بقیه پرداخت می شود، که کفاف نان خالی را هم نمی دهد. بسیاری از خانواده ها توسط زنان اداره می شود و یا اینکه زنان تنها نان آور خانواده اند. چرا که مردان آنان یا در زندانهای جمهوری اسلامی اند و یا اینکه در جنگ ها کشته و یا بدیلی از خانواده جدا شده اند و در چنین شرایطی باید با فشارهای جمهوری اسلامی و مزدورانش درگیر شوند.

جمهوری اسلامی در بیش از سه دهه حاکمیت خود تلاش کرده است که فرودستی زنان را به یکی از نرملهای اصلی جامعه تبدیل کند. حتی با دادن امتیاز به مردان از طریق قوانین تبعیض آمیز تلاش کرده است تا حمایت مردان و بخصوص بخش های عقب مانده آنان را به خود جلب کند و با انواع و اقسام سیاستهای زن ستیزانه و با ایجاد آپارتاید جنسی زنان را به فرودست ترین ها در نظام جمهوری اسلامی تبدیل کند. زنان افغانی علاوه بر این فرودستی، بخاطر افغان بودن شان نیز تحت فشار بیشتری قرار می گیرند و از این رو ستمدیده ترین ستم دیده گان جامعه هستند.

برای آنکه عمق تلفیق زن ستیزی و نژادپرستی جمهوری اسلامی روشن شود کافی است نگاهی به ازدواج های میان پناهجویان افغان و زنان ایرانی بباندازیم. جمهوری اسلامی شهروندان را تنها از طریق خونی و آنهم از جانب پدر برسमित می شناسد، به عبارت دیگر پدر یک کودک باید ایرانی باشد که شهروند ایران به حساب آید. به این ترتیب فرزندان خانواده هائی که در نتیجه ازدواج مرد افغان با زن ایرانی هستند، شهروند ایرانی بحساب نمی آیند و حتی آنها از تحصیل و خدمات اجتماعی محرومند. اما مساله به اینجا خاتمه نمی یابد، جمهوری اسلامی از سال ۱۳۷۰ به بعد حتی ازدواجهای زنان ایرانی با افغانها را به رسمیت نمی شناسد و برای آنها برگه ازدواج صادر نمی کند. بر طبق برخی آمارهای دولت ۳۲۰۰۰ ازدواج غیر رسمی میان مردان افغانستانی و زنان ایرانی بخصوص در استانهای شرقی ایران صورت گرفته است و مسلما تعداد حقیقی این پیوند ها بسیار بیشتر از آماري است که جمهوری اسلامی ادعا می کند. برای فرزندان اینها که جمعیتی نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر را تشکیل می دهند حتی شناسنامه صادر نمی شود، حق تحصیل، بهداشت و سایر امکانات اولیه زندگی به کنار.

اما در مورد دختر جوانی که در یزد مورد تجاوز قرار گرفته و بعد به قتل رسیده است. این واقعه دلخراش بیش از هر چیز یادآور خشونت های جنسی هستند که با سیاستهای زن ستیزانه جمهوری اسلامی شدت گرفته اند. این دختر جوان به سرنوشتی دچار شده است که هزاران دختر جوان تحت شرایط جمهوری اسلامی به آن دچار می شوند.

در کشوری که زن ستیزی در راس سیاستهای کشوری قرار می گیرد، در کشوری که تبعیض علیه زنان در قوانین و در کلیت نظامش نهادینه شده است، در کشوری که خشونت علیه زنان یک جریان قدرتمند است و در تارو پور رژیم و دستگاههای سرکوبگرش تنیده شده است، در کشوری که زندانهایش با تجاوز به زنان عجین شده است، در کشوری که پرچم ایدئولوژیکش در حجاب اجباری و فرودستی مطلق زنان تبلور یافته است، باید انتظار داشت که خشونت علیه زنان در همه عرصه های جامعه علیه زنان به یکی از عمده ترین جنایات مرسوم در جامعه تبدیل شود.

در نظام جمهوری اسلامی است که کسانی چون "خفاش شب" آفریده می شوند که در ضدیت با زنان قتل های زنجیره ای را مرتکب می شود و با دستگیری و معرفی وی به عنوان یک مرد افغانی، بطور آگاهانه به جو ضدیت با افغانی ها دامن می زند. واقعه هولناک در روستایی در ورامین را بیاد بیاوریم که در ویدئوی که دست بدست می شد، یک دختر جوان مورد تجاوز گروهی شش مرد قرار میگیرد. بلافاصله شایعه شد که متجاوزین به این دختر، افغان بودند. و تا زمانیکه این شایعه تکذیب شد بسیاری از افغان ها در ورامین و بسیاری از جاهای دیگر مورد ضرب و شتم اوباشان و افراد نا آگاه قرار گرفتند. باید در نظر داشت که رژیم جمهوری اسلامی چه در خشونت علیه زنان و چه جنایات علیه شهروندان افغان مسئولیت اصلی را بر عهده دارد و بسیار آگاهانه و هدفمند به شایعات بر علیه زحمتکشان افغان دامن می زند.

بر همه مردم آگاهانه است که نه تنها به دفاع از زحمتکشان افغانستانی در مقابل هجوم افسارگسیخته حاکمین مرتجع جمهوری اسلامی بیا خیزند بلکه هم

چنین در مقابل شونیسیم مشمئز کننده عظمت طلبانه ایرانی که تنها به ابزاری در دست حاکمین برای بسیج عناصر و افراد نا آگاه و فرصت طلب تبدیل شده است، به مبارزه برخیزند. هیچ وجدان آگاهی نمی تواند و نباید، جنایت هایی را که اوباشان جمهوری اسلامی ایران در حق پناه جویان افغان انجام داده و می دهد بی جواب باقی بگذارد.

زحمتکشان افغان چه آنان که در افغانستان هستند و چه آنانی که در ایران اند مورد ستم جمهوری اسلامی قرار داشته و دارند و از جنایات مستقیم و غیر مستقیم جمهوری اسلامی رنج برده اند. بخصوص زنان افغانستان که بخاطر نفوذ بنیادگرایی، ستم های قرون وسطائی را در ۳۰ سال اخیر از سر گذرانده و می گذرانند، خیلی بیشتر از جنایات جمهوری اسلامی زجر کشیده اند، به همین دلیل ارتباط تنگاتنگی بین زحمتکشان ایران و زحمتکشان افغانستان، بین زنان ایران و زنان افغانستان ایجاد شده است.

زحمتکشان افغانستانی که در ایران زندگی میکنند بخشی جدایی ناپذیری از مردم ایران و طبقه کارگر را تشکیل می دهند، و این حق و تصمیم مسلم آنهاست که در هر کجای ایران سکونت کنند و از خدمات ارائه شده توسط خودشان و بقیه مردم و منابع و تولیدات جامعه بهره مند گردند نه رژیم منفور جمهوری اسلامی که خود را بزور اسلحه، کشتار، ارباب، تجاوز و شکنجه و زندان، خشونت عریان علیه زنان و نژاد پرستی بر مردم تحمیل کرده است.

زنان افغان و ایرانی به همراه کل طبقه کارگر و زحمتکشان افغانی و ایرانی باید تمام نیرو و انرژی خود را برای سرنگونی رژیم نژادپرست، زن ستیز و ارتجاعی جمهوری اسلامی بکار برند تا با هم بتوانند در ساختن جامعه ای بدون نژاد پرستی، ستم، استثمار و ستم جنسیتی همگام شوند.

سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)

7 ژوئیه 2012

www.8mars.com

zan_dem_iran@hotmail.com

واردات 65 دستگاه خودروی گران قیمت خارجی در سه ماهه اول سال 91 به کشور

به نوشته قدس آنلاین در تاریخ 22 تیر آمده است: به گزارش باشگاه خبرنگاران، این خبر حاکی است که قیمت هر خودروی لوکس وارداتی بالای 100 هزار دلار بوده که متأسفانه با ارز دولتی این خودروها وارد کشور شده است.

* واردات 8 هزار و 38 دستگاه خودرو در بهار 91

در همین خصوص عباس معمارنژاد رئیس کل گمرک در گفتگویی کوتاه به خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران گفت: در حال حاضر براساس آخرین آمار 3 ماهه اول امسال میزان واردات خودرو به کشور 8 هزار و 38 دستگاه بوده است.

وی تصریح کرد: متوسط قیمت خودروهای وارداتی 21 هزار دلار است، ضمن آنکه آمار واردات تفکیک شده واردات خودروهای گران قیمت مربوط به گمرک نیست

بحران اقتصادی و ترک تحصیل فرزندان کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 22 تیر آمده است: بحران اقتصادی فزاینده در ایران که به تعطیلی یکی پس از دیگری کارخانه ها و کارگاه های تولیدی منجر شده به سرعت تبعات و نتایج خود را خصوصاً در وضعیت معیشتی کارگران نشان می دهد.

یکی از نتایج این وضعیت، افزایش ترک تحصیل فرزندان کارگرانی است که توان تامین هزینه های تحصیل را ندارند. برخی از این جوانان نیز برای کمک به خانواده خود ناچار به ترک تحصیل و تلاش برای یافتن کار شده اند.

نایب رئیس دوم کمیسیون اجتماعی مجلس نیز با تأیید این معضل، خواستار بررسی مساله ترک تحصیل فرزندان جامعه کارگری توسط دولت و کمیسیون اجتماعی مجلس شد.

فرج الله عارفی در این زمینه به ایلنا گفت: ممکن است عده ای از این کودکان و نوجوانان با استفاده از فرصت تابستان به کار در واحدهای صنعتی مشغول شوند، اما در صورتی که شرایط اقتصادی عامل این پدیده باشد، این مساله باید بررسی شده و علت های آن برطرف شود، چرا که در صورتی که این مشکل حل نشود، در بلند مدت، کشورمان از نظر نیروهای متخصص و تحصیل کرده دچار مشکل می شود.

آقای سلحشور! «کارگر» فحش نیست/ لمپنیزم را پشت اعتقادات مذهبی پنهان نکنید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 22 تیر آمده است: خبرگزاری کار ایران، وابسته به خانه کارگر، در یادداشتی به بخشی از اظهارات کارگردان حامی دولت و اکتش نشان داد و نوشت:

فرج الله سلحشور که در ایام فراغت از ساخت سریال های میلیاردری و یا توأمان به گفتن سخنان جنجال برانگیز و بعضاً توهین آمیز اشتغال دارد، در تازه ترین اظهار نظر به زعم خود برای تحقیر یکی از مجریان سابق تلویزیون او را به کارگر بودن «متمم» کرده است.

در خبری که خبرگزاری فارس منتشر کرده است، او در دیدار با زهره سادات لاجوردی مدیر آموزش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری گفته است: «مثلاً سردار رادان در بحث حجاب و عفاف کار می کند اما کسی مثل فرزند حسنی او را تحریب می کند. این امر هم به دلیل این است که به هنرمند مشتبه شده که او ملاک جامعه است و کسی هم نیست که به او بگوید تو به اندازه یک کارگر هستی.»

هرچند نمی توان انکار کرد که استفاده از «کارگر» یا «عمله» به مثابه فحش توسط سطحی ترین افراد اجتماع متداول است، اما خارج شدن این ادبیات از حیطه کوچ و بازار و رسیدن پای آن به رسانه های عمومی موضوعی نیست که بتوان با آرزوی واهی ارتقاء آگاهی لمپن ها از جایگاه نیروی مولد جامعه به سادگی از آن عبور کرد.

توهین سلحشور به کارگران آنچنان زشت و نفرت انگیز هست که برای محکوم کردنش - همچون او / نیاز به پنهان شدن پشت اعتقادات مذهبی نباشد اما نکته قابل تأمل در این توهین آنجاست که سلحشور سال هاست که با استفاده از بودجه عمومی کشور که حاصل کار همین کارگران است فیلم ها و سریال هایی با مفاهیم مذهبی می سازد. حال آنکه می دانیم دست کارگر در مکتب اسلام لایق بوسه پیامبر دانسته می شود و در احادیث و روایات اسلامی بر شأن کارگر تأکید شده است. رسوا شدن این تناقض در اظهارات اخیر سلحشور می تواند معیاری برای سنجش میزان اعتقاد او به آنچه سال ها در پس شان سنگر گرفته بود، باشد.

تجمع کارگران کشت و صنعت شمال مقابل فرمانداری میاندرد

برپایه گزارش رسیده به روز شمار کارگری آمده است: جمعی از کارگران کشت و صنعت غنچه به دلیل تعطیلی این کارخانه و پرداخت نشدن حقوق خود مقابل فرمانداری شهرستان تازه تاسیس تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند.

برپایه این گزارش، یکی از کارگران در بیان درد دل‌های خود اظهار داشت: چندماهی است که حقوق دریافت نکرده‌ایم و بسیاری از ما کارگران با داشتن سابقه زیاد در شرف بازنشستگی هستیم. همچنین شغل ما در زمره کارهای سخت و زیان آور محسوب می‌شود و در برخی موارد با مشکلات جسمی و بیماری مواجه می‌شویم.

شنیده‌های کارگران حکایت از این دارد که به دلیل سوء مدیریت و دریافت وام‌های کلان توسط شخص آقای مدلل و سرمایه‌گذاری در بخش دیگری دارد و مدیر عامل کارخانه چندماهی است در دسترس نیست.

کارگران این کارخانه تعطیل شده گفتند: خواسته ما از مسئولان این است که کارخانه یا به کار خود ادامه دهد یا اینکه همه کارگانش را باز خرید نمایند.

یکی از کارگران اذعان داشت: مدیریت کارخانه مزبور در سال گذشته در پی غفلت مسئولان شهرستانی اقدام به جداسازی قطعات اصلی کارخانه و حمل شبانه کرد که در پی هوشیاری تعدادی از بسیجیان منطقه و اطلاع به مسئولین مافوق از حمل تمامی قطعات جلوگیری بعمل آمد.

نرسیدن آب به سیستم خنک کننده باعث انفجار کوره آلیاژ گستر قشم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تیر ماه آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر بندر عباس گفت: حادثه کارخانه آلیاژ گستر قشم در اثر نرسیدن آب به سیستم خنک کننده کوره اتفاق افتاده است.

محمد دریانوس با اعلام این خبر به ایلنا گفت: انفجار کوره کارخانه آلیاژ گستر قشم که به دلیل نرسیدن آب به سیستم خنک کننده به وقوع پیوسته است باعث زخمی شدن ۱۵ کارگر این کارگاه شده که دو نفر از این تعداد به نام‌های علی کمالی و عباس حقیقی به دلیل شدت جراحات و سوختگی بالای ۴۰ درصد از ناحیه صورت و کمر به بیمارستان شهید محمدی بندر عباس منتقل شده و تحت درمان قرار دارند. او اضافه کرد: ۱۳ کارگر باقی مانده این حادثه دیده نیز به دلیل صدمات سطحی بصورت سرپایی مداوا شده‌اند.

این فعال کارگری با اشاره به اینکه کارخانه آلیاژ گستر تولید کننده آلیاژهای سربی واقع در غرب جزیره قشم هم اکنون ۱۰۰ کارگر دارد افزود: انفجار کارخانه آلیاژ گستر قشم ساعت ۱۸:۳۰ روز پنج شنبه به وقوع پیوسته است.

دریانوس دلیل اصلی وقوع چنین حوادثی را رعایت نکردن نکات ایمنی قبل از کار عنوان کرد و گفت: متأسفانه واحدهای تولیدی حادثه ساز به این موارد توجه‌ای ندارند.

گفتگو با کارگران مصدوم حادثه آلیاژ گستر قشم

روایت روزی که کوره منفجر شد

به گزارش خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: روز پنجشنبه (۲۲ تیرماه)، یکی از کوره‌های کارخانه تولید کننده آلیاژهای سربی واقع در غرب جزیره قشم، به دلیل اختلال در سیستم خنک کننده، منفجر شد که به مصدومیت ۱۵ کارگر از مجموع ۱۰۰ نفر کارگر این کارخانه انجامید که حال دو تن از مصدومان وخیم گزارش شده است.

مصدومیت شدید ۲ نفر از کارگران

انفجار کوره کارخانه آلیاژ گستر قشم که به دلیل نرسیدن آب به سیستم خنک کننده به وقوع پیوسته است باعث زخمی شدن ۱۵ کارگر این کارگاه شده که دو نفر از این تعداد به نام‌های علی کمالی و عباس حقیقی به دلیل شدت جراحات و سوختگی بالای ۴۰ درصد از ناحیه صورت و کمر به بیمارستان شهید محمدی بندر عباس منتقل شده و تحت درمان قرار دارند.

علی کمالی، یکی از کارگران مصدوم در گفت‌وگویی با خبرنگار ایلنا، بی‌احتیاطی در نگهداری کوره‌های کارخانه را علت اصلی حادثه عنوان کرد و گفت: در حال حاضر از ناحیه کمر به بالا دچار سوختگی شدید شده‌ام و از سوی دیگر دست چپ و راستم به شدت آسیب دیده‌اند که به نظر می‌رسد دست راستم، از ناحیه مچ شکسته باشد. عباس حقیقی، دیگر کارگر کارخانه آلیاژ گستر قشم در تشریح آخرین وضعیت خود به ایلنا گفت: بعلت بروز حادثه موردنظر و ریزش آتش بر روی دست و صورت و به طور کلی بدنم، دچار سوختگی شدیدی شده‌ام و بخش‌هایی از کمرم به علت ریزش اسید، سوراخ شده است که کار درمان و مداوا ادامه دارد.

قرارداد کار و بیمه نداریم

عباس حقیقی ۴۰ ساله یکی از دو کارگر مصدوم شده درباره وضعیت قرار داد کار و بیمه خود می‌گوید: من تنها ۲ روز بود که وارد این محیط کار شده بودم و از زمان انجام صحبت‌های اولیه تا شروع به کارم در کارخانه آلیاژ گستر قشم، صحبت‌هایی از در نظر گرفتن بیمه و دیگر مزایا شده بود اما در زمان حادثه این مساله به جایی نرسیده بود. علی کمالی، ۳۸ ساله نیز تنها ۱۲ روز بود که در این کارخانه به کار مشغول شده بود که به گفته وی، او هم از داشتن قرارداد کار و بیمه تأمین اجتماعی محروم بوده و تا به حال صحبتی از سوی کارفرما با وی نشده بود. کمالی در خصوص روند پذیرش در بیمارستان گفت: مسئولین بیمارستان شهید محمدی بدون اینکه درخواست واریز وجه داشته باشند، ما را پذیرش کردند که این مساله جای تقدیر دارد اما هنوز معلوم نیست که در نهایت هزینه بیمارستان را چه کسانی می‌پردازند.

وی ادامه داد: شرکت آلیاژ گستر قشم تا امروز مبلغی را برای مخارج بیمارستان به ما پرداخت کرده است که البته به نظر نمی‌رسد برای تمامی مراحل درمان کفایت کند. کارگران مصدوم آلیاژ گستر قشم در نهایت خواستار رسیدگی مسئولان کارخانه به وضعیت ایشان شدند و تاکید کردند که توانایی پرداخت هزینه‌های احتمالی بیمارستان را ندارند و کارفرما در این زمینه باید مسئولیت خود را بپذیرد.

انفجار در کارخانه آلیاژ گستر قشم 15 کارگر را زخمی کرد

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر / قشم در تاریخ 23 تیر آمده است: انفجار مهیب در کارخانه آلیاژ قشم 15 نفر از کارگران این شرکت را مجروح و راهی بیمارستان کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، این حادثه شامگاه پنجشنبه در اثر انفجار در یکی از کوره های کارخانه رخ داد که 15 نفر از کارگران این کارخانه به دلیل حضور در محل مجروح شدند.

پی گیری های مهر نشان می دهد دو نفر از مجروحین به دلیل وخامت حال به بیمارستان شهید محمدی بندر عباس منتقل شده اند.

بر اساس این گزارش، انفجار شامل انبار مواد پلاستیکی درون باتری به همراه نفت سیاه بوده که موجب سوختگی سر و صورت کارگران کارخانه شد. شرکت آلیاژ گستر قشم واقع در شهرک صنعتی تولا، کار تولید شمش سرب و آلیاژهای نقره را انجام می‌داده است. متأسفانه از حضور خبرنگار مهر در کارخانه و حتی پیگیری حال مجروحان در بیمارستان توسط مسئولان کارخانه مانعت شده است.

تایید حکم دادگاه بدوی رضا شهابی در دادگاه تجدید نظر

به نوشته سایت سندیکای شرکت واحد در تاریخ 23 تیر آمده است: در حالی که قاضی دادگاه بدوی بشارت آزادی رضا شهابی را داده بود اما معلوم نیست بر اساس چه تحولاتی در دادگاه، برای رضا شهابی حکم شش سال زندان و پنج سال محرومیت از فعالیت‌های سندیکایی و هفت میلیون تومان جزای نقدی صادر گردید، که متأسفانه این حکم در دادگاه تجدید نظر هم به تأیید رسید. در حالی که رضا شهابی راننده زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیمارستان بستری بوده، همسر و فرزندانش با صدور این حکم ضربات روحی شدیدی را متحمل شده‌اند. مسلماً وجدان مردم شریف و عموم کارگران ایران بویژه کارگران خدوم شرکت واحد از زندانی بودن رضا شهابی قلباً ناراضی و خواستار آزادی این کارگر زحمتکش می‌باشند. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن حکم صادره برای رضا شهابی خواستار آزادی بی‌قید و شرط این فعال کارگری می‌باشند.

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
تیر ماه ۱۳۹۱

سه کارگر حین انجام کارکشته و مجروح شدند

بر اساس خبر رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، روز سه‌شنبه ۲۰ تیر ۹۱ یک کارگر اداره راه‌سنندج در حین کار تخلیه آسفالت کشته و دو نفر دیگر به شدت مجروح می‌شوند. طبق این خبر، حادثه موقعی رخ داده که چنگک یک بیل مکانیکی به سیم چراغ برق برخورد می‌کند. به خاطر تماس بدنه بیل با برق، متأسفانه راننده بیل به نام انور شیرزاد ۴۰ ساله جان خود را از دست می‌دهد. دو کارگر دیگر که برای کمک به راننده بیل اقدام می‌کنند دچار برق‌گرفتگی شده و به شدت مسدوم می‌شوند و به بیمارستان منتقل می‌شوند. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۲۳/۴/۱۳۹۱

گودبرداری غیر اصولی باز هم جان کارگری را گرفت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 23 تیر 91 آمده است: رعایت نکردن نکات ایمنی در محل گودبرداری باز هم سبب مرگ یک کارگر ساختمانی شد. به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه خبری ۱۲۵، پس از اطلاع رسانی این حادثه در ساعت ۱۲:۳۵ دقیقه ظهر امروز - جمعه 23 تیرماه - به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی، آتش‌نشانان ایستگاه ۸۰ و گروه امداد و نجات ۳ به محل حادثه در بلوار فردوس شرق خیابان حسینی روانه شدند. حسین حسین بیگی افسر آماده منطقه ۴ سازمان آتش‌نشانی تهران در این باره گفت: حادثه در محل گودال بزرگی به مساحت ۳۰۰ مترمربع هنگامی رخ داد که کارگران در عمق ۴ متری آن سرگرم خاک برداری دستی از دیواره خاکی در مجاورت یک ساختمان مسکونی بودند. وی افزود: ریزش ناگهانی بخشی از این دیواره خاکی باعث شد که کارگر ۲۵ ساله تبعه افغانستان در زیر خروارها خاک بدام افتد. حسین بیگی تصریح کرد: بنابه اظهار شاهدین، به دنبال بروز این حادثه دو نفر از کارگران گرفتار شده به علت ماندن در عمق کم خاک توانستند خود را از زیر آوار بیرون کشیده و نجات یابند. وی ادامه داد: آتش‌نشانان به محض رسیدن به محل حادثه، بلافاصله عملیات خاکبرداری را با استفاده از ابزار لازم آغاز کرده و موفق شدند نفر سوم را از زیر عمق زیاد خاک خارج کنند. این افسر آماده آتش‌نشانی با اعلام اینکه آتش‌نشانان تا رسیدن اورژانس، کمک‌های اولیه را برای احیای این شخص انجام دادند، افزود: عوامل اورژانس به محض رسیدن به محل، معاینات اولیه را انجام داده و سپس فوت این کارگر را اعلام کردند. جنازه این فرد برای انجام تحقیقات بیشتر به نیروی انتظامی سپرده شد. افسر آماده منطقه ۴ عملیات آتش‌نشانی تهران، عدم شمع بندی مناسب و خاک برداری غیر اصولی در خاک سست و رعایت نکردن نکات ایمنی را علل وقوع این حادثه تشخیص داد.

گرانی‌های کمرشکن: قیمت‌ها به جنگ با ملت ایران آمده‌اند

به نوشته سایت عصرایران در 24 تیر آمده است؛ جعفر محمدی: "در یکی از سفرهای استانی، مرد فقیری را دیدم که 20 سال بود میوه نخورده بود."؛ این، یکی از خاطرات تلخ محمود احمدی‌نژاد است که در زمان نقلش، تیتیر بسیاری از رسانه‌ها شد. امروز اما با وضعیتی که در بازار به وجود آمده، نه «بیک مرد فقیر کشف شده توسط احمدی‌نژاد در یکی از سفرهای استانی»، که «بسیاری از مردم»، واقعاً نمی‌توانند به سمت بازار مواد خوراکی نزدیک شوند و ناچار از اکتفا به اندک بضاعت "بخور و نمیر" هستند. هر چند مردم ایران، به گرانی‌ها عادت دارند اما گرانی‌های اخیر، به معنای کامل کلمه کمرشکن شده‌اند. بی‌هیچ تعارف باید گفت اگر وضعیت اقتصادی حاضر ادامه یابد، میوه نخوردن 20 ساله یک شهروند، امری چنان تعجب‌برانگیز نخواهد بود که رئیس‌جمهور آن را به عنوان خاطره نقل کند و رسانه‌ها تیتیرش کنند! چه آن‌که از مدتی پیش، بسیاری از اقلام غذایی در سبد خرید خانواده‌ها، به حداقل رسیده یا حتی کاملاً حذف شده است: از میوه و شیر و ماست گرفته تا مرغ و گوشت و حبوبات! این، اما همه ماجرا نیست! واقعیت این است که با کاهش مصرف اقلام اساسی غذایی، دو اتفاق مخرب در حال وقوع است: تهدید سلامت جسمی ایرانیان و کاهش ضریب هوشی نسل جدید.

غذا ، فقط برای سیر کردن شکم نیست بلکه تأمین کننده نیازهای رشدی انسان - به ویژه در بین کودکان و نوجوانان - و نیز نیازهای دفاعی بدن است. ادامه و شیوع این وضع ، می تواند به طور جدی زمینه ساز گسترش انواع بیماری ها در بین ایرانیان شود و هزینه های مادی و معنوی سهمگینی را بر پیکره اجتماع ایرانی وارد سازد.

همچنین وقتی گرانی های روزافزون باعث می شود والدین نتوانند انواع ویتامین ها ، پروتئین ها و سایر مواد لازم برای رشد جسمی و فکری فرزندان را تأمین کنند ، مشخص است که چه بلایی بر سر رشد جسمی و فکری نسل جدید ایران می آید! مگر نه این است که ویتامین ها و پروتئین ها و ... از میوه و مرغ و گوشت و ... تأمین می شود؟!

اگر "حسرت" اقلام غذایی گران بها ، اثر کوتاه مدت گرانی هاست ، کاهش سطح سلامت جامعه و افت توان فکری آن ، آثار به مراتب بدتر این وضعیت در میان مدت و دراز مدت است ... هم از این روست که می توان با قاطعیت گفت قیمت های گراف ، به جنگ با موجودیت ملت ایران آمده اند و در این میان ، هر اقدامی برای رفع این مشکلات و کاستن از تورم و گرانی ، چیزی کمتر از دفاع مقدس نیست.

تعیین وثیقه‌ی ۱۰۰ میلیون تومانی برای جلیل محمدی و علی‌رضا عسگری!

روز شنبه ۲۴ تیرماه هنگامی که پس از چند روز پی‌گیری مستمر، خانواده‌های «جلیل محمدی» و «علی‌رضا عسگری» به شعبه‌ی ۶ دادگاه انقلاب اسلامی کرج مراجعه کردند به آنان ابلاغ شد که برای هر کدام از این افراد مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شده است و آنان باید برای آزادی عزیزانشان سند ۶ دانگ با ارزش ۱۰۰ میلیون تومان تهیه کنند!

همان‌طور که در اخبار قبلی نیز منعکس شده است روز جمعه ۲۶ خردادماه هنگامی که اعضای کمیته‌ی هماهنگی مشغول برگزاری مجمع عمومی سالیانه‌ی خود بودند با حمله‌ی نیروهای امنیتی به این نشست رویرو شدند و پس از انجام برخوردهای بسیار زننده و توهین‌آمیز ، تمامی افراد حاضر در نشست بازداشت شدند. در ادامه از آن‌جا که اعضای کمیته هیچ جرمی مرتکب نشده بودند، نیروهای امنیتی طی چند مرحله مجبور به آزاد کردن تمامی اعضای کمیته شدند و اکنون از این افراد تنها جلیل محمدی و علی‌رضا عسگری در زندان باقی مانده‌اند. کمیته‌ی هماهنگی ضمن اعتراض شدید به تعیین مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان وثیقه برای علی‌رضا عسگری و جلیل محمدی، یکبار دیگر تأکید می‌کند که این دو عضو نیز مانند دیگر اعضا هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و باید مانند دیگران فوراً و بدون وثیقه آزاد شوند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۲۴ تیرماه ۱۳۹۱

تعدیل ۳۰ درصدی نیروی کار در صنعت خودرو

بر پایه خبردریافتی آمده است : رییس انجمن قطعه سازان اعلام داشت؛ بحران نقدینگی ریالی در بخش صنعت قطعه سازی و خودرو سازی سبب شد بیش از ۳۰ درصد از نیرو ها در این بخش تعدیل شود. به گزارش مورخ ۲۰ تیر خبرگزاری اقتصادی ایران (econews.ir)، محمدرضا نجفی منش "با اشاره به مشکلات نقدینگی صنعت خودروسازی و قطعه سازی اظهار داشت: صورت مساله مشکل هم به مجلس و هم دولت گفته شده است و برای رفع مشکل باید اقدام کنند.

وی ادامه داد: مشکل اصلی ما در بخش نقدینگی ریالی است که توسط آقای رحیمی وعده رفع آن به قطعه سازان و خودرو سازان داده شد اما هنوز اقدامی صورت نگرفته است. عضو انجمن قطعه سازان تصریح کرد: تأمین نیاز ارزی، مساله بعدی ما است و هم اکنون نقدینگی ریالی هم برای ما رفع نشده است به همین جهت خودروساز مشکل مالی داشته و نمی تواند نقدینگی لازم را برای قطعه ساز تأمین کند، از طرف دیگر صنعت خودرو برای جبران آن مجبور شدند بیش از ۳۰ درصد نیروی خود را تعدیل کنند.

نجفی منش علت بروز این مشکل را در وجود قوانین بانکی دانست و افزود: یکی از مشکلات اینکه بانکها از قانون بال استفاده می کنند و بر اساس آن ۲۰ درصد از منابع خود را نمی توانند به یک واحد بدهند و چون خودروسازان و قطعه سازان را یک واحد می بینند؛ نمی توانند نقدینگی به آنها اختصاص دهند و در صورتی که این مشکل رفع شود دیگر نگرانی در این حوزه وجود ندارد.

به گفته وی، ۳۵۰ هزار نفر در بخش قطعه سازی فعال هستند و ۱۰۰ هزار نفر نیز در بخش تولید خودرو فعالیت می کنند و در مجموع با احتساب مشاغل کناری بیش از یک میلیون شغل در این حوزه فعال است.

گفتنی است: بر اساس گفته های فوق از ۴۵۰ هزار نفر فعال مستقیم در صنعت خودرو و قطعه سازی بیش از ۱۳۰ هزار نفر باید تعدیل نیرو شده باشند.

اخراج کارگران شرکت قالب های صنعتی ایران خودرو

اتحادیه آزاد کارگران ایران در 24 تیر گزارش می دهد : شرکت قالب های صنعتی ایران خودرو شروع به اخراج و تعدیل نیرو خود نموده است

طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران این شرکت که در ۵ کیلومتری آزاد راه کرج - قزوین قرار دارد با بیش از ۱۰۰۰ کارگر مشغول به کار است که از اوایل امسال در پی قطع رابطه ی شرکت های بزرگی همانند هیوندا، کیاموتورز و پژو، اکثر خطوط تولید این شرکت به طور کامل از کار افتاده است و بعضی از خطوط نیز با حداقل ظرفیت به کار مشغول میباشند.

در همین ارتباط مدیریت شرکت شروع به تعدیل نیرو از پرسنل پیمانی این شرکت نموده است و برای اینکه انعکاس خبری گسترده ایی نداشته باشد هر روزه تعدادی از کارگران را به مرخصی اجباری می فرستند و به کارگران می گویند که فعلا به مرخصی بروید تا وضعیت مناسب شود.

طبق اخبار رسیده دیروز ۷ نفر و امروز چهارشنبه ۴ نفر را به مرخصی اجباری فرستاده اند و در ابتدا از کارگران مجرد شروع به تعدیل نیرو نموده اند.

طبق اخباری که به کارگران رسیده امکان اینکه تا ۱۵۰ نفر را از کارگران را، بیکار کنند زیاد است.

اطلاعیه تشکیل صندوق همبستگی با کارگران ایران / کانادا

جنبش کارگری ایران از معهود جنبش های کارگری در جهان است که از هرگونه حق ایجاد تشکلهای واقعی خود از قبیل اتحادیه ها و سندیکاها و شورای های کارگری مستقل محروم می باشد. محرومیتی که به همراه سرکوب و تحمیل پراکندگی به مبارزات کارگری و تضعیف آن در سطح

سراسری، همچنین فشار مالی سنگینی را بر این مبارزات و فعالین آن وارد نموده است. می دانیم که در صورت وجود قانونی تشکلات مستقل کارگری امکان دریافت حق عضویت های دهها و صدها هزار نفره فراهم شده و شرایط برای مبارزات کارگری تسهیل می شود. جنبش کارگری ایران دقیقاً از همین امکان بدهی محروم است. اعتصابات و مبارزات کارگری در ایران بدون برخورداری از چنین امکانی انجام می گیرند، و فعالین کارگری با تهدید روزمره اخراج و بیکاری و دستگیری و زندان مواجه اند و خانواده های آنها در معرض دایمی سقوط به اعماق فقر و نداری قرار دارند.

جنبش نوپا و مستقل کارگری ایران اما علی رغم همه این محرومیت های قانونی و سرکوب های سیاسی و فقر مالی، بدون خم شدن در مقابل حکومت و جناحهای آن، و بدون دست دراز نمودن در مقابل نهادهای وابسته به دول سرمایه داری، تنها با اتکا به نیروی خود و دستمزد های ناچیزش و کمک های جزئی هم طبقه ای هایش با حرکت اصیل و پرغرور و استوار و روبه رشد خود نوید بخش آینده ای بهتر است. این جنبش متعلق به همه ما کارگران و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب است. به عنوان بخشی از طبقه کارگر با حمایت های مادی و معنوی و کمکهای مالی خود به جنبش کارگری در ایران یاری رسانیم.

در این راستا، ما تعدادی از کارگران و حامیان جنبش مستقل کارگری ایران جمع شده ایم تا به سهم خود بتوانیم کمک مالی هر چند ناچیز اما منظمی را به این جنبش سازمان دهیم. بدنبال تلاشهای اولیه، بیش از چهل نفر متعهد شدند تا با پرداخت حق عضویت ماهانه صندوقی را به این منظور تشکیل دهند. در 7 جولای 2012 اولین مجمع عمومی « صندوق همبستگی با کارگران ایران - کانادا » با حضور اکثریت اعضا با موفقیت برگزار شد. مجمع عمومی ابتدا پیش نویس اساسنامه صندوق را به بحث و بررسی گذاشت و با ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم به تصویب اکثریت اعضای حاضر رساند. سپس مجمع وارد انتخابات شد و اعضای هیئت امنا و بازرسان صندوق را انتخاب نمود که به شرح زیر می باشند:

اعضای هیئت امنا: منیژه اخوان، امیر پیام، مهدی حسینی، پرتو عظیمی، ابراهیم علاسوندی، شکوه گلزار، امیر ماهان
بازرسان: محمود آذری، فرید پرتوی
هیئت امنا در اولین نشست خود پس از برنامه ریزی و تقسیم کارهای لازم به اتفاق آرا امیرماهان را به عنوان مسئول روابط عمومی صندوق انتخاب نمود. همچنین از همه کارگران و انسانهای آزادیخواه و حامی جنبش مستقل کارگری ایران دعوت می کنیم که از طریق عضویت شان در صندوق و یا

ارایه پیشنهادات و کمک های مالی، صندوق همبستگی با کارگران ایران - کانادا را در هدفی که در مقابل خود قرار داده است یاری رسانند.

31 جولای 2012

جهت اطلاعات بیشتر با امیر ماهان مسئول روابط عمومی صندوق همبستگی تماس بگیرید.

شماره تلفن: (647) 209-1312

آدرس ایمیل: sandoghehambastegi@gmail.com

صندوق همبستگی با کارگران ایران - کانادا

کارخانه شوماژ کار در آستانه تعطیلی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر 91 آمده است: کارخانه شوماژ کار به سبب واردات بیرویه محصولات مشابه در آستانه تعطیلی قرار گرفته است.

دبیر اجرایی خانه کارگر تهران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: انبار تولیدات کارخانه شوماژ کار به دلیل واردات پکیج های حرارتی انباشته از محصولات با کیفیت ساخت داخل است که به سبب نداشتن بازار فروش و فقدان زمینه رقابت دچار مشکل بحران است. او با اشاره به اینکه تبلیغات گسترده محصولات گرمایشی باعث رکود بازار این کارخانه شده است، افزود: به دلیل رونق گرفتن بازار محصولات خارجی حتی بسیاری از ماموران و مسئولان تاسیساتی ادارات برق و آب و گاز مشتریان خود را تشویق به خرید محصولات می کنند که ساخت کارخانجات خارجی است.

او اضافه کرد: نصب پکیج های دیواری وارداتی به خاطر اینکه فضای کمتری را در داخل ساختمان پر می کند خطرات و عواقبی را برای متقاضیان این محصولات خواهد داشت. او گفت: کارخانه شوماژ کار با تولید دیگ های چدنی و شوماژ های دیواری یکی از بهترین و بزرگترین تولید کنندگان محصولات حرارتی است که به دلیل تبلیغات گسترده محصولات مشابه و بی کیفیت خارجی بازار رقابت و فروش خود را از دست داده است و مشتریان بدون شناخت محصولات این واحد تولید کننده داخلی به خرید محصولات مشابه خارجی روی آورده اند.

او گفت: هم اکنون این واحد بزرگ تولیدی با حدود 150 کارگر و با حداقل ظرفیت نیروی کار مشغول به فعالیت است و این در شرایطی است که این کارخانه در سالهای گذشته حدود 1000 کارگر فعال داشته است.

یک سوم واحدهای نساجی استان قزوین تعطیل شده اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تیر 91 آمده است: عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان قزوین اعلام کرد: به دلیل عدم اعمال سیاست های حمایتی از سوی دولت یک سوم واحدهای نساجی استان قزوین تعطیل شده اند. محمد احمدی از بحرانی شدن واحدهای تولیدی این استان خبر داد و به ایلنا گفت: امسال در مقایسه با سال های گذشته روند اخراج کارگران افزایش یافته است.

به گفته این فعال کارگری: به علت کاهش مهلت قرارداد کارگران به زیر یک سال تا کنون نتوانسته ایم آمار دقیقی از تعداد کارگران اخراجی این استان ارائه کنیم. ولی می توان گفت که 80 درصد از کارگران قراردادی به علت کاهش زمان قرارداد بیمه بیکاری دریافت نمی کنند. احمدی با بیان این که نقش شبکه های بانکی کشور در تحقق شعار سال جاری بسیار ویژه است یادآور شد: شبکه بانکی می تواند با اهتمام بسیار بالا در جهت رفع مشکلات واحدهای صنعتی و تولیدی گام بردارد به شرطی که زیر ساخت های لازم فراهم و موانع و مشکلات پیش روی بانکها برداشته شود.

وی تصریح کرد: وضعیت کنونی عرصه تولید و رفع بخش زیادی از مشکلات واحدهای تولیدی پیش از اعطای وام های کلان بانکی و تسهیلات نیازمند مدیریت کارشناسانه است و با مدیریت مبتنی بر رفع رجوع، تنها مشکلات زیاد می شود.

بی خانمان ها با «خشت های آتشکده ساسانی» خانه ساختند!

به نوشته پارس توریزم در 24 تیر آمده است: زیربنای یکی از مهمترین آتشکده‌های دوره ساسانی فرو می‌ریزد و خشت‌هایش جایگزین مصالح خانه‌هایی می‌شود که روی تپه باستانی کرکو بنا شده‌اند. آتشکده کرکو در استان سیستان و بلوچستان یکی از بناهایی است که در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده ولی به دلیل نبود رسیدگی‌های لازم هر روز وضعیت اسفناک‌تری پیدا می‌کند. فقر، فرهنگ را می‌بلعد. در سیستان و بلوچستان منطقه‌ای است که بی‌خانمان‌ها با خشت‌های ساسانی و روی تپه‌ای باستانی، برای خود خانه می‌سازند. هر روز خشت‌های ساسانی آتشکده کرکو برای ساخت خانه‌های روستایی از بیخ و بن کنده می‌شود تا سرپناهی باشد برای مردمی که فقر نمی‌گذارد بوی قدمت و تاریخ سیستان و بلوچستان را حس کنند. به گفته اهالی روستای کرکو، این مردم بی‌خانمان مصالحی برای ساخت خانه ندارند و از خشت‌های آتشکده کرکو استفاده می‌کنند.

به گزارش پارس توریزم به نقل از CHN؛ کرکو، به‌عنوان یکی از مهمترین آتشکده‌های ساسانی در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. این اثر در بخش میانکنگی و در 30 کیلومتر جاده زابل به دوست‌محمد قرار گرفته است. «صادق روستایی»، یکی از فعالان میراث‌فرهنگی سیستان و بلوچستان معتقد است؛ آثار قدیمی "کرکوشاه" در زیر روستای جدید مدفون است و آنچه که از این شهر باستانی باقی‌مانده آثار سراسیایی‌های شمال‌غربی تپه است که از بقایای یک دیوار خشتی، یک برج دفاعی و چینه بسیار فرسوده‌ای تشکیل شده‌است.

به گفته وی، مردم این حوزه جغرافیایی آتشکده کرکو را به خوبی می‌شناسند. این آتشکده که روی تپه‌ای باستانی واقع شده و از محوطه وسیعی برخوردار است در حال حاضر مورد تهدید افرادی بی‌خانمان واقع شده که گویا مکانی جز تپه باستانی کرکو برای ساخت خانه پیدا نکرده‌اند. روستائیان و اهالی منطقه معتقدند، افرادی که روی تپه زندگی می‌کنند مردمی بی‌خانمان هستند که با ساخت خانه‌هایی روی تپه و استفاده از خشت‌های آتشکده کرکو، آتشکده و تپه باستانی را مورد تهدید قرار داده‌اند.

این‌درحالی است که در قسمت جنوبی تپه بنایی از اواخر دوره قاجار به چشم می‌خورد که درون اتاق‌های آن با گچبری تزیین شده است. بناهای دوره تاریخی و اسلامی که روی تپه ساخته شده‌اند، از بین رفته‌اند اما با این حال هنوز پی و دیوارها در برخی نقاط همچنان سالم است. روستایی می‌گوید: خشت‌های بکار رفته در بنای اسلامی دارای ابعاد 6-20-23 سانتیمتری هستند. در حالی که ابعاد آجرهای باقی‌مانده از جرزهای آتشکده 6/44/69 سانتیمتر است. سفال‌های دوره اسلامی و تاریخی به‌طور محسوسی روی تپه دیده می‌شود و درختان گزی که در اطراف تپه مشاهده می‌شود، احتمالاً جنگل گزی بوده که برای روشن ماندن آتشکده استفاده می‌شده‌است.

این‌درحالی است که سازه‌های باستانی تپه توسط عوامل انسانی تخریب شده‌اند. در چند سال گذشته این تپه از سوی سازمان میراث فرهنگی محافظت می‌شد اما در حال حاضر رها شده و حتی مکانی برای نگهداری دام‌های ساکنان محل شده است. در خصوص وجه تسمیه این اثر آگاهی درستی در دست نیست. در شاهنامه کرکوی سه بار نام برده شده و نام پهلوانی از خاندان سام است. محققان و مستشاران بسیاری چون کلنل بیت در سال 1894 و پرسی سایکس در 1899 از آن بازدید کرده‌اند.

از نگاه پرسی سایکس این اثر پایتخت و معبد کیانیان بوده و در سال 1905 جورج پیتر تیت بررسی‌های دقیق و اطلاعات بیشتری در خصوص مشخصات معماری اثر می‌دهد. علاوه بر این کرکو از دید جغرافیای‌نویسان سده‌های نخستین اسلامی نیز پنهان نمانده ابن‌خرداد 1100 سال قبل کرکویه را در فهرست شهرهای سیستان آورده است.

"یاقوت حموی" می‌نویسد که در شمال زرنگ آتشگاهی برپاست که نزد زرتشتیان محترم و مقدس بوده و در نزد مردمش چنین مشهور بود که رستم گنبد آتشکده را ساخته است. کتاب تاریخ سیستان کرکوی را معبد و جای گرشاسب دانسته است.

به خاطر يك تکه نان

روایت ایلنا از سیمای زنی که در متن شهر به حاشیه رانده شده است+ عکس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 24 تیر آمده است: چند ساعتی از ظهر گذشته اما خورشید هنوز از گوشه‌های آسمان دودگرفته شهر، نور و حرارتش را به زمین دوخته است. در یکی از خیابان‌های فرعی، کمی آن‌طرف‌تر از میدان انقلاب، روی آسفالت همچنان سوزان، قدم‌هایی با سنگینی تمام، کفش‌هایی را به روی زمین می‌کشد و در سربالایی خیابان بالا می‌برد. گالش‌های وصله و پینه شده از زیر چادر مشکی بور شده‌ای که از حد معمول کوتاه‌تر به نظر می‌رسد، پیداست. کفه زیرین لنگه چپ کفش از قسمت پاشنه جدا شده. زن تنها، مجبور است پای چپ را موقع راه رفتن با کمترین فاصله از زمین، پیش ببرد. راه رفتن برایش به حدی دشوار شده که لنگ لنگان طی طریق می‌کند.

صورت آفتاب سوخته و در هم رفته هم چهره را از ظرافت زنانه خالی کرده است. قدم‌ها حالا آهسته‌تر از قبل پیش می‌رود. راه را کج می‌کند و به سطل زباله بزرگ و چرخ‌دار کنار خیابان نزدیک می‌شود. انگار که خود را برای کاری آماده می‌کند. چادر از سر برمی‌دارد و آن را به کمر محکم می‌کند. پیراهن گل‌دار زیر چادر به چادرشب مادر بزرگ‌ها می‌ماند. گل و بوته‌ها بر روی لباس رنگ و رو رفته، دیگر به لکه‌های روشنی بر روی زمینه قهوه‌ای رنگ، شبیه شده است. پیرزن، روسری نخی مشکی رنگ را هم که به پارچه کهنه‌ای شباهت دارد، طوری محکم روی سر بسته و دنباله‌اش را به دور گردن پیچانده که مزاحمتی برایش نداشته باشد. چین و چروک صورت از دور پیداست هر چند که روسری را از دو طرف تا نزدیکی نیمه‌های صورت جلو آورده تا چهره به حد زیادی پوشانده شده باشد.

لبه‌های سطل زباله را با دستانش می‌گیرد و خود را به آن نزدیک‌تر می‌کند. نگاهی به داخل آن می‌اندازد و خیلی زود چشم از آن برمی‌دارد. بدون آن که گردن صاف کند، زیرچشمی نگاهی به اطراف می‌اندازد و دور و بر را می‌پاید. رهگذران پیاده‌رو و سواره‌های خیابان اما هر کدام سرشان به کار خودشان گرم است. خیابان آنقدر خلوت نیست که ماشین‌ها بتوانند سرعت زیادی بگیرند اما کمتر سواره‌ای است که چشمانش به زن و سطل آشغال کنارش خیره مانده باشد. پیاده‌ها هم چندان خود را درگیر ماجرا نمی‌کنند. بر خلاف تصور پیرزن، نگاه‌ها معطوف به او نیست. نگرانی اما در چهره پژمرده او با قطره‌های عرق روی پیشانی، خود را نمایان ساخته است.

پیرزن نگاهش را از اطراف می‌گیرد و بار دیگر به داخل سطلی که خیلی‌ها آن را جایگاه زباله می‌دانند، خیره می‌شود. دست‌ها هم حالا همراه چشم‌ها شده‌اند. هر دو دست به داخل سطل رفته و چیزی را در آن می‌جوید. قد و قامت زن آنقدر بلند نیست که کاملاً بر سطل مسلط باشد. پاها را روی پنجه قرار داده و طوری به سطل آشغال تکیه کرده است که تعادل را هر چند نصفه و نیمه حفظ کرده باشد. دست‌ها همچنان در حرکت است و محتویات سطل را جابجا می‌کند. بعد از چند دقیقه بازوها آرام می‌گیرند و لیخند کم‌رنگی به مفهوم رضایت در پس چهره زن نقش می‌بندد. او به خواسته‌اش رسیده و چیزی را داخل سطل یافته است. دست‌هایی که به زحمت از سطل بیرون می‌آید، تکه نان خشک شده‌ای را همراه دارند. آن را روی جدول کنار خیابان می‌گذارد. گره چادر از کمر باز می‌کند و روی سر می‌کشد. حالا چروکیدگی قابل توجهی هم به ظاهر رنگ باخته چادر اضافه شده است. تکه نان را به آرامی از زمین برمی‌دارد و با دست چپ هم‌زمان کناره میانی چادر را در هر دو طرف زیر طوری که نان خشکیده زیر چادر پنهان مانده و فقط گوشه‌های آن بیرون زده است. با دست راست هم بالای چادر را در هر دو طرف زیر چانه جمع کرده و آن را محکم نگه داشته است. بدون آنکه سر را بالا بیاورد به راهش ادامه می‌دهد. با این که از سطل فاصله گرفته اما همچنان نمی‌خواهد نگاهش به نگاه رهگذران گره بخورد. فقط جلوی پایش را می‌بیند. سرعت قدم‌ها را هم چنان بالا برده که انگار از چیزی فرار می‌کند.

ظاهر زن، آغاز دوره پیری را نشانه رفته است اما خود او می‌گوید حدود 45 سال دارد. سن دقیقش را نمی‌داند نه به این خاطر که قصد لاپوشانی داشته باشد بلکه شاید دیگر انگیزه‌ای برای شمارش سال‌های گذشته نمانده است. زن تنها دو دختر دارد که به زبان خودش از خانه بیرونشان کرده. از عروس شدن دخترانش چنین تعبیری دارد. 4 سال است که با شوهرش در اتاقی اجاره‌ای زندگی می‌کند که متعلق به یکی از آشنایان همسرش است. خانه‌نشینی شوهر روزگار سختی را رقم زده است: «حدوداً 8 ماهه که بیکار شده. قبل از آن هم 3 ماه بدون آنکه حقوق بگیرد کار می‌کرد. در یک کارگاه ریخته‌گری بزرگ حوالی اسلامشهر مشغول بود. خانه ما هم همان اطراف است. کارگاه ورشکسته شد تا چند ماه به گارگرانش حقوق نداد بعد از آن هم عذر همه را خواست. شوهرم می‌گوید کارخانه خودروسازی که برایش قطعه تولید می‌کردیم دیگر به این قطعه‌ها احتیاج ندارد. می‌گوید تولید آن کارخانه هم با مشکل مواجه شده. قطعه‌های اصلی که از خارج می‌آمده، دیگر وارد نمی‌شود و این قطعه‌های داخلی هم دیگر به کارشان نمی‌آید.»

او رنج‌های پس از بیکاری شوهرش را چنین بر زبان جاری می‌سازد: «از همان 8 ماه پیش مشکلات ما شروع شد. درست است که چندماه قبل از آن هم حقوق نمی‌گرفت اما وضعیت خودش بهتر بود. حداقل امید داشتیم اوضاع روبراه شود. بعد از آن هم مدتی شوهرم به طور روزانه کارگری می‌کرد اما نتوانست در آن کارها بماند. می‌گوید میان جمع زیاد کارگران روزمزد، بیشتر صاحب‌کارها به سراغ جوان‌ها می‌روند و به او که حالا نزدیک 60 سال، سن دارد، کاری نمی‌رسد.»

این شرایط بیش از زن، مرد خانه را از نفس انداخته است: «تقریباً شب‌ها خوابش نمی‌برد. تا صبح زُل می‌زند به دیوار کاهگلی اتاق اجاره‌ای‌مان. صبح هم بعد از نماز از خانه می‌زند بیرون تا کاری روزانه نصیبش شود اما کمتر موفق می‌شود. توان بدنی چندان هم برای بارکشی در بازار ندارد. فقط دو روز در این کار دوام آورد. بعد دیدیم اگر ادامه دهد، خرج دوا و دکترش بیشتر از درآمد او می‌شود آن هم در این اوضاع که حتی بیمه هم نداریم.»

در این چند ماهی که خبری از درآمد ماهانه نبوده اجاره همان اتاق سه در چهار با آشپزخانه دو متری و دستشویی مشترک هم درنیامده است: «چند ماهی از این طرف و آن طرف اجاره را جور کردیم اما الان 7 ماه است دیگر نتوانسته‌ایم. دو میلیون پیش داده‌ایم. ماهی 120 هزار تومان. حالا هم اجاره از پول پیش کم می‌شود. تازه از این ماه قرار است کرایه اضافه شود که با این وضعیت پول پیش، زودتر تمام می‌شود. باید فکری هم به حال آن کنیم. پیغام داده که اجاره باید ماهی 200 هزار تومان شود. باز خدا پدرش را بیامرزد که ما را آواره خیابان نکرده.»

پیر زن فقط دو دختر بزرگ دارد که دومی 4 سال پیش ازدواج کرده. اولی هم دو سال قبل از آن، خانه شوهر رفته است. می‌گوید شوهر دومی تو زرد از آب درآمد: «حداقل هفته‌ای یک بار از زیر کتک‌هایش فرار می‌کند به خانه ما می‌آید. هر بار با هزار دوز و کلک او را راضی می‌کنم که سر زندگی‌اش برود. در این اوضاع دیگر جایی برای او نداریم.» او حالا در غذای روزانه‌اش هم مانده است. می‌گوید مدتی است به سطل‌های زباله برای پیدا کردن غذا روی آورده: «دیگر هیچ راهی برایمان نمانده است.»

پیرزن که یافتن غذا از لابلای زباله‌های شهر را به گدایی ترجیح داده باقی دردهایش را برای خود نگه می‌دارد. آهی می‌کشد و به راه خودش در سربالایی تند خیابان ادامه می‌دهد.

کنار پیاده‌رو 10، 15 نفری به صف ایستاده‌اند. جمعیت به خط شده، نگاه پیر زن را به دنبال خود می‌کشد. ابتدای صف به داخل نانوايي بزرگی بند شده که پارچه نوشته‌ای مقابل آن نصب شده است. پیر زن سر را کمی بلند کرده است. کلمات روی پلاکارد می‌گوید: «نان با قیمت مصوب 600 تومانی عرضه می‌شود.» چهره‌اش نشانی از افسوس ندارد. فقط سر را پایین می‌اندازد و راهش را ادامه می‌دهد. حالا آفتاب هم سایه‌اش را از سر پیرزن کم کرده است و هوا هم نشانه‌هایی از ظلمت را بروز می‌دهد. صدای اذان که از بلندگوی گل‌دسته‌های مسجد بزرگ و مجلل کنار خیابان، پخش می‌شود، فضای اطراف را پر کرده است.

از پیرزن، حالا فقط نقطه سیاهی پیداست که آن هم در لابلای سیاهی چادر زنانی که خود را با عجله به مسجد می‌رسانند، گم می‌شود...

پایان پیام

گزارش: محمد عدلی

افزایش بیکاری شالیکاران/بازار ایران مملو از برنج‌های آمریکایی و هندی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 24 تیر آمده است: نایب رئیس انجمن برنج کشور اعلام کرد: بازار ایران مملو از برنج‌های آمریکایی و هندی است که به صورت مستقیم از امارات وارد ایران می‌شوند.

پرویز حسین نتاج، در این زمینه به ایلنا گفت: به رغم ممنوعیت واردات محصولات کشاورزی وزارت صنعت تجارت و بازرگانی نسبت به واردات بی‌رویه این محصولات اقدام می‌کند.

او از بیکاری گسترده شالیکاران در کشور خبر داد و گفت: به علت افزایش بی‌رویه برنج امسال شالیکاران زیادی در معرض بیکاری قرار گرفته‌اند.

نتایج با انتقاد از سیاست دولت در زمینه واردات برنج به داخل کشور یاد آور شد: دولت سالیانه به طور میانگین یک میلیون تن برنج وارد کشور می‌کند. در حالی که در بدترین شرایط نیاز کشور به واردات برنج ۴۰۰ هزار تن است. این در حالیست که کشاورزان مجبور به پرداخت خساراتی هستند که در ایجاد آن هیچ نقشی ندارند.

نایب رئیس انجمن برنج کشور با بیان اینکه هزینه‌های کارگری در این بخش بیش از ۷۰ درصد مجموع هزینه‌ها را شامل می‌شود، گفت: به علت عدم حمایت دولت از کشاورزان در پی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها هزینه کارگران افزایش یافته است. او از کاهش سطح زیر کشت ارقام پر محصول کشاورزی خبر داد و خاطرنشان ساخت: سطح زیر کشت ارقام پر محصول هم اکنون به دو سوم کاهش یافته است.

قیمت مرغ با ۸ هزار تومان رکورد زد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا آمده است: قیمت مرغ به مرز ۸ هزار تومان نزدیک شد و انگار که ساز گرانی برای باز مرغ همچنان کوک است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در حالیکه برنامه ریزان اقتصادی وعده کاهش قیمت مرغ را بیش از این داده بودند، اما نه تنها کاهش قیمتی رخ نداد بلکه حتی از مرز ۷ هزار تومان عبور کرده و به ایستگاه ۸ هزار تومان رسیده است.

به نظر می‌رسد سناریوی نیمه‌تمام بازار مرغ با تصمیم برنامه ریزان اقتصادی همچنان در باره کاهش قیمت آن به اتمام نرسیده است. بر اساس گزارش خبرنگار ایلنا، در بازار خرده فروشی تهران، قیمت هر کیلو مرغ بین ۷ هزار ۸۰۰ تا ۸ هزار تومان از سوی مصرف کنندگان خریداری می‌شود. این دومین بار طی یک ماه گذشته است که قیمت مرغ از مرز ۷ هزار ۵۰۰ تومان عبور می‌کند. این در حالی است که سرپرست معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت می‌گوید: در حال حاضر متوسط قیمت هر کیلو گرم مرغ گرم در بازار به ۵ هزار ۳۰۰ تومان کاهش یافته و بر اساس پیش‌بینی‌ها این روند تا مرز ۴ هزار ۷۰۰ تومان ادامه خواهد داشت. رادمرد گفته: در حال حاضر روزانه یک هزار و ۷۰۰ تن مرغ گرم به قیمت ۴ هزار و ۷۰۰ تومان توزیع می‌شود. البته بازار مرغ در طی یک ماه گذشته چنان نابسامان شده که قیمت مرغ در مناطق مختلف تهران متفاوت و از نوسان قیمتی برخوردار هستند.

قیمت مرغ امروز در برخی از نقاط به ازاء هر کیلو ۶ هزار ۸۰۰ و در برخی مناطق چون جمهوری و سید خندان ۷ هزار و ۸۰۰ تومان و در برخی از مناطق شمالی تهران ۸ هزار تومان نیز فروخته شده است.

فروش مرغ به قیمت ۵ هزار و ۳۰۰ تومان نیز در برخی از میداين و مناطق تهران وجود داشته اما مردم ناچار هستند که در صف های طویل ساعت ها برای خرید مرغ به انتظار بنشینند.

این در حالی است که بسیاری از فعالان و کارشناسان اقتصادی عدم نظارت کافی دولت بر این حوزه و همچنین نبود تناسب بین رشد قیمت مرغ با افزایش قیمت خوراک طیور را از عوامل اصلی افزایش بی سابقه قیمت مرغ اعلام کرده‌اند. به گفته کارشناسان و تولید کنندگان مرغ، اگر دولت قیمت نهاده‌های دام و طیور تولید داخل و واردات را افزایش می‌دهد، قیمت مرغ نیز باید به همان نسبت افزایش پیدا کند نه به این شکل که بازار از کنترل خارج شود و اساسا دولت قیمت خود را در کنترل بازار ایفا نکند. باید قیمت تمام شده با در نظر گرفتن سود قابل قبول در نظر گرفته شود و این امر برای تمامی کالاها صدق می‌کند.

از سوی دیگر، شائبه نبود تأمین ارز و اکنش مدیران ارشد بانک مرکزی را در پی داشت. مسئولان بانک مرکزی بارها عنوان کرده‌اند مشکلی در تأمین ارز مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی و اقلام ضروری وجود ندارد. البته مقدم نیا مدیر عامل اتحادیه سراسری مرغداران کشور در این ارتباط گفته: قرار بود برای واردات نهاده‌های دامی ۱۶۳ میلیون دلار ارز با نرخ مرجع هزار و ۲۲۶ تومان در اختیار اتحادیه قرار بگیرد که متأسفانه به‌رغم پیگیری‌های انجام شده توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، این ارز هنوز اختصاص نیافته است.

به هر حال شاید پرچم‌های سفید به نشانه صلح و آرامش در صنعت مرغ به اهتزاز درآمده باشد، اما خبرها و نشانه‌ها از وزیدن بادی حکایت می‌کند که گرد خاکستر را می‌خواهد بر بازار مرغ بگستراند.

گزارش: علی پیرولی

افزایش خشونت اجتماعی نتیجه بیکاری، تورم و فشارهای اقتصادی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 24 تیر آمده است: بازرس انجمن جامعه‌شناسی ایران، تضعیف نهادهای مدنی گذشته و فقدان نهادهای مدنی جدید را از دلایل افزایش میزان خشونت در جامعه عنوان کرد.

سعید معیدفر در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا به دلایل افزایش میزان خشونت در جامعه پرداخت و گفت: یکی از دلایل این است که آستانه اخلاقی پائین آمده، به این معنا که مبانی ارزشی و اعتقادی جامعه کاهش پیدا کرده است، چیزی که یک زمانی قبیح بود امروز از حالت قبیح خارج شده است. وی ادامه داد: دلیل دیگری که زمینه‌های افزایش خشونت را در جامعه ایجاد کرده است بیکاری، تورم و فشارهای اقتصادی است که هر روز کمر شکن‌تر می‌شود و از آن طرف خانواده‌ها زیر بار سنگین مسئولیت‌ها، کمر خم می‌کنند.

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه امروز خانواده‌ها سهمگین‌تر فشارها را تحمل می‌کند افزود: متأسفانه همه آن‌ها از فقدان کارآمدی دولت در انجام مسئولیت‌های اجتماعی و همچنین کاهش میزان مشارکت‌های مدنی در صحنه اجتماعی ناشی می‌شود.

معید فر خاطرنشان کرد: بیکاری جوانان، تورم، عدم کارآمدی سیستم فرهنگی جامعه، پایین آمدن سطح کیفی آموزش و پرورش همه بر دوش خانواده هاست.

عضو هیات علمی دانشگاه تهران، خانواده‌ها را به دلیل وجود چنین شرایطی در معرض خطر دانست و افزود: بسیاری از خشونت‌های سهمگین امروز در خانواده‌ها صورت می‌گیرد، کشته شدن مردی به دست همسرش، زنی به دست همسرش، فرزندی به دست پدر و مادر و یا مادری به دست فرزندش نمونه‌هایی است که در مطبوعات آن‌ها را می‌خوانیم.

معیدفر علت افزایش میزان خشونت در خانواده‌ها را بی‌پناه بودن آن‌ها زیر بار این همه فشار عنوان و تصریح کرد: گسترش آسیب‌های اجتماعی، افزایش میزان اعتیاد و ناتوانی‌های دولت از عوامل دیگری هستند که سطح آسیب پذیری مردم را افزایش داده و میزان آستانه تحمل افراد را به ویژه

در درون خانواده‌ها پایین آورده است، به طوری که همه این‌ها منجر به خشونت شده است. به گفته وی بد اخلاقی‌ها در زمینه جنسی نیز به این دلیل که نتوانسته‌ایم هنجارهای مناسب روابط جنسی را در کانون خانواده تحکیم کرده و آموزش دهیم.

معیدفر فقدان نهادهای مدنی را از دیگر علل افزایش میزان خشونت در جامعه نام برد و افزود: در گذشته اگر اختلافی در بین مردم ایجاد می‌شد کسانی بودند که به کمک آن‌ها می‌آمدند و از سهمگین‌تر شدن فشارها جلوگیری می‌کردند و نمی‌گذاشتند به جرح و قتل منجر شود. بازرس انجمن جامعه‌شناسی خاطرنشان کرد: متأسفانه امروز آن نهادهای سنتی تضعیف شده‌اند و نهادهای مدنی جدید هم که در همه کشورهای توسعه یافته فعال هستند در جامعه ما شکل نگرفته و حتی بعضاً اگر هم باشند ممکن است مورد طرد نظام سیاسی، جامعه و دولت قرار بگیرند. وی تصریح کرد: فقدان این نهادهای مدنی خود به خود باعث شده است که زمینه‌های نزاع در جامعه فراهم شود زیرا نه آن نهادهای سنتی مدنی می‌توانند برای کاهش میزان جرائم فعالیت کنند و نه آن نهادهای مدنی جدید وجود دارد که سطح تحمل مردم را بالا برد تا خشونت در جامعه گسترش پیدا نکند.

تعطیلی یک سوم واحدهای نساجی استان قزوین و افزایش روند اخراج کارگران

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 24 تیر آمده است: عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان قزوین اعلام کرد: به دلیل عدم اعمال سیاست‌های حمایتی از سوی دولت یک سوم واحدهای نساجی استان قزوین تعطیل شده‌اند. محمد احمدی از بحرانی شدن واحدهای تولیدی این استان خبر داد و به این‌ها گفت: امسال در مقایسه با سال‌های گذشته روند اخراج کارگران افزایش یافته است.

به گفته این فعال کارگری به علت کاهش مهلت قرارداد کارگران به زیر یک سال تا کنون نتوانسته‌ایم آمار دقیقی از تعداد کارگران اخراجی این استان ارائه کنیم. ولی می‌توان گفت که ۸۰ درصد از کارگران قراردادی به علت کاهش زمان قرارداد بیمه بیکاری دریافت نمی‌کنند. احمدی با بیان این که نقش شبکه‌های بانکی کشور در تحقق شعار سال جاری بسیار ویژه است یادآور شد: شبکه بانکی می‌تواند با اهتمام بسیار بالا در جهت رفع مشکلات واحدهای صنعتی و تولیدی گام بردارد به شرطی که زیر ساخت‌های لازم فراهم و موانع و مشکلات پیش روی بانک‌ها برداشته شود.

وی تصریح کرد: وضعیت کنونی عرصه‌ی تولید و رفع بخش زیادی از مشکلات واحدهای تولیدی پیش از اعطای وام‌های کلان بانکی و تسهیلات نیازمند مدیریت کارشناسانه است و با مدیریت مبتنی بر رفع رجوع، تنها مشکلات زیاد می‌شود.

کارخانه شופاژ کار در آستانه تعطیلی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 24 تیر آمده است: کارخانه شופاژ کار به سبب واردات بی‌رویه محصولات مشابه در آستانه تعطیلی قرار گرفته است.

دبیر اجرایی خانه کارگر تهران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: انبار تولیدات کارخانه شופاژ کار به دلیل واردات پکیج‌های حرارتی انباشته از محصولات با کیفیت ساخت داخل است که به سبب نداشتن بازار فروش و فقدان زمینه رقابت دچار مشکل بحران است. او با اشاره به اینکه تبلیغات گسترده محصولات گرماپشی باعث رکود بازار این کارخانه شده است، افزود: به دلیل رونق گرفتن بازار محصولات خارجی حتی بسیاری از ماموران و مسئولان تاسیساتی ادارات برق و آب و گاز مشتریان خود را تشویق به خرید محصولات می‌کنند که ساخت کارخانجات خارجی است.

او اضافه کرد: نصب پکیج‌های دیواری وارداتی به خاطر اینکه فضای کمتری را در داخل ساختمان پر می‌کند خطرات و عواقبی را برای متقاضیان این محصولات خواهد داشت. او گفت: کارخانه شופاژ کار با تولید دیگ‌های چدنی و شופاژهای دیواری یکی از بهترین و بزرگترین تولید کنندگان محصولات حرارتی است که به دلیل تبلیغات گسترده محصولات مشابه و بی کیفیت خارجی بازار رقابت و فروش خود را از دست داده است و مشتریان بدون شناخت محصولات این واحد تولید کننده داخلی به خرید محصولات مشابه خارجی روی آورده‌اند.

او گفت: هم اکنون این واحد بزرگ تولیدی با حدود ۱۵۰ کارگر و با حداقل ظرفیت نیروی کار مشغول به فعالیت است و این در شرایطی است که این کارخانه در سالهای گذشته حدود ۱۰۰۰ کارگر فعال داشته است.

بیکاری ۴۰۰ کارگر زاگرس خودرو

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 25 تیر آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر بروجرد اعلام کرد: در پی قطع همکاری کارخانه زاگرس خودرو با ۴۰۰ کارگر خود، این کارخانه نیمه تعطیل شده است.

محمد گودرزی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه زاگرس خودرو واقع در بروجرد به دلیل قطع روابط کاری با کشور مالزی که طرف قرارداد این واحد تولیدی است به صورت نیمه تعطیل درآمده است.

او با اعلام اینکه هم اکنون این واحد صنعتی تولیدی ندارد، افزود: از مجموع ۵۰۰ کارگر این کارخانه، در اردیبهشت ماه سال جاری حدود ۲۰۰ نفر بیکار شدند و از آن تاریخ به بعد به تدریج ۲۰۰ کارگر دیگر تا هفته‌های جاری تمدید قرار داد نشده و بیکار شدند و اکنون تنها ۱۰۰ کارگر باقی مانده‌اند که آن‌ها نیز فقط حضور و غیاب می‌کنند.

به گفته گودرزی یکی دیگر از مشکلات این واحد صنعتی فقدان نقدینگی از سوی مدیران این کارخانه عنوان شده است.

دبیر اجرایی خانه کارگر بروجرد با تأکید بر اینکه هیچ یک از مسئولان استانی پاسخگوی مشکلات کارگران زاگرس خودرو نیستند اظهار داشت: بسیاری از کارگران اخراجی دوره‌های آموزشی خود را با هزینه کارخانه در کشور مالزی گذرانده‌اند و بیکاری این کارگران اتلاف سرمایه‌های ملی است.

گفتنی است زاگرس خودرو یکی از کارخانه‌های خودروسازی ایران در منطقه اشتهرینان بروجرد است که در زمینه مونتاژ اتومبیل فعالیت دارد و از سال ۱۳۷۵ شروع به فعالیت کرده است.

پایان پیام

گفتگو با کارگران مصدوم حادثه انفجار کوره کارخانه آلیاژ گستر قشم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 25 تیر آمده است: روز پنجشنبه (۲۲ تیرماه)، یکی از کوره‌های کارخانه تولید کننده آلیاژهای سربی واقع در غرب جزیره قشم، به دلیل اختلال در سیستم خنک کننده، منفجر شد که به مصدومیت ۱۵ کارگر از مجموع ۱۰۰ نفر کارگر این کارخانه انجامید که حال دو تن از مصدومان وخیم گزارش شده است.

مصدومیت شدید ۲ نفر از کارگران

انفجار کوره کارخانه آلیاژ گستر قشم که به دلیل نرسیدن آب به سیستم خنک کننده به وقوع پیوسته است باعث زخمی شدن ۱۵ کارگر این کارگاه شده که دو نفر از این تعداد به نام‌های علی کمالی و عباس حقیقی به دلیل شدت جراحات و سوختگی بالای ۴۰ درصد از ناحیه صورت و کمر به بیمارستان شهید محمدی بندر عباس منتقل شده و تحت درمان قرار دارند.

علی کمالی، یکی از کارگران مصدوم در گفت‌وگویی با خبرنگار ایلنا، بی‌احتیاطی در نگهداری کوره‌های کارخانه را علت اصلی حادثه عنوان کرد و گفت: در حال حاضر از ناحیه کمر به بالا دچار سوختگی شدید شده‌ام و از سوی دیگر دست چپ و راستم به شدت آسیب دیده‌اند که به نظر می‌رسد دست راستم، از ناحیه مچ شکسته باشد.

عباس حقیقی، دیگر کارگر کارخانه آلیاژ گستر قشم در تشریح آخرین وضعیت خود به ایلنا گفت: بعثت بروز حادثه موردنظر و ریزش آتش بر روی دست و صورت و به طور کلی بدنم، دچار سوختگی شدیدی شده‌ام و بخش‌هایی از کمرم به علت ریزش اسید، سوراخ شده است که کار درمان و مداوا ادامه دارد.

قرارداد کار و بیمه نداریم

عباس حقیقی ۴۰ ساله یکی از دو کارگر مصدوم شده درباره وضعیت قرار داد کار و بیمه خود می‌گوید: من تنها ۲ روز بود که وارد این محیط کار شده بودم و از زمان انجام صحبت‌های اولیه تا شروع به کارم در کارخانه آلیاژ گستر قشم، صحبت‌هایی از در نظر گرفتن بیمه و دیگر مزایا شده بود اما در زمان حادثه این مساله به جایی نرسیده بود.

علی کمالی، ۳۸ ساله نیز تنها ۱۲ روز بود که در این کارخانه به کار مشغول شده بود که به گفته وی، او هم از داشتن قرارداد کار و بیمه تامین اجتماعی محروم بوده و تا به حال صحبتی از سوی کارفرما با وی نشده بود.

کمالی در خصوص روند پذیرش در بیمارستان گفت: مسئولین بیمارستان شهید محمدی بدون اینکه درخواست واریز وجه داشته باشند، ما را پذیرش کردند که این مساله جای تقدیر دارد اما هنوز معلوم نیست که در نهایت هزینه بیمارستان را چه کسانی می‌پردازند.

وی ادامه داد: شرکت آلیاژ گستر قشم تا امروز مبلغی را برای مخارج بیمارستان به ما پرداخت کرده است که البته به نظر نمی‌رسد برای تمامی مراحل درمان کفایت کند.

کارگران مصدوم آلیاژ گستر قشم در نهایت خواستار رسیدگی مسئولان کارخانه به وضعیت ایشان شدند و تاکید کردند که توانایی پرداخت هزینه‌های احتمالی بیمارستان را ندارند و کارفرما در این زمینه باید مسئولیت خود را بپذیرد.

طومار اعتراضی کارگران آذربایجان شرقی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 25 تیر آمده است: جمعی از کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی استان آذربایجان شرقی با ارسال طوماری به دفتر ریاست جمهوری اسلامی، نمایندگان مجلس و وزیر کار تعاون و رفاه اجتماعی خواستار توجه جدی به وضعیت سطح معیشتی کارگران شدند.

بنا به همین گزارش، کارگران استان آذربایجان شرقی در این طومار خطاب به دولتمردان و مجلسیان با اشاره به اجرای فاز اول طرح هدفمندسازی یارانه‌ها تصریح کرده‌اند: با اجرای این طرح، یارانه کالاها قطع و در این وضعیت بهای اقلام و کالاهای اساسی چندین برابر افزایش قیمت داشته و این در حالی است که در طول این مدت میانگین دستمزد کارگران بر روی هم در سال 90 و سال جاری، نسبت به سالهای قبل از اجرای فاز اول قطع یارانه‌ها حتی کاهش نیز پیدا کرده است و علاوه بر آن در طول این مدت با اعمال قانون ارزش افزوده بر روی کلیه کالاهای مصرفی عملاً حدود 5 درصد از دستمزد روزانه زیر خط فقر ما کارگران به خزانه دولت سرازیر شده است.

در بخش دیگری از این طومار با تاکید بر اینکه عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران بیداد می‌کند آمده است در این شرایط اسفبار و غیر قابل تحمل در مورد دستمزدها، اصلاحیه‌ای بسیار ضد کارگری بر روی قانون کار که امنیت شغلی و معشیت کارگران را نشانه رفته تهیه شده و قرار است به زودی به مجلس ارائه شود که بر مبنای آن میانگین حقوق دو سال آخر کارگران برای تعیین حقوق بازنشستگی به میانگین حقوق 5 سال آخر آنان تغییر پیدا کرده که باعث افت شدید حقوق کارگران و بازنشستگان شده است.

کارگران استان آذربایجان شرقی در این نامه همچنین با ابراز نگرانی شدید خود به این وضعیت به موضوع بیمه میلیون‌ها کارگر ساختمانی اشاره و یادآور شده‌اند: علیرغم ثبت نام و تحمل هزینه، از سوی کارگران ساختمانی هنوز به سرانجامی نرسیده است و شرکتهای پیمانکاری همچنان مشغول چپاول دسترنج کارگران هستند.

در بخش دیگری از این طومار با تاکید بر اینکه ناامنی شغلی، اخراج و تعطیلی کارخانه‌ها که در بدترین وضعیت نسبت به سالهای پیش قرار دارد، تصریح شده است: بدون تردید نه تنها ما کارگران بلکه هیچ انسان شریف و منصفی تحمل چنین شرایطی را بر میلیون‌ها کارگر و خانواده‌های آنان بر نمی‌تابد، لذا ما کارگران امضاء کننده این طومار بعنوان اقدامی بسیار مبرم و عاجل برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار موجود مصرانه خواهان افزایش حداقل دستمزد بر اساس تورم واقعا موجود و تامین شرافتمندانه سبب هزینه‌های خانوار چهار نفره با دخالت نماینده‌های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی هستیم.

کارگران استان آذربایجان شرقی در بخش دیگری از این طومار همچنین بر کنار گذاشتن طرح اصلاحیه قانون کار و باردیگر بر توقف احتساب حقوق بازنشستگی کارگران بر مبنای میانگین دستمزد 5 سال آخر تاکید و خواستار اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و مصوبه هیئت وزیران مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم دائمی با کارگران و ایجاد ساز و کار قانونی قاطع برای پرداخت به موقع دستمزدها و تعقیب قضائی کارفرمایانی هستیم که کارگران را بدون قرارداد و یا با قراردادهای سفید امضاء و دستمزدهای معوقه و اداری به کار میکنند شده‌اند.

اخراج ۲ هزار و ۱۴۳ کارگر از سوی گروه ملی و شرکت تراوس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 25 تیر آمده است: قاضی رسیدگی کننده به پرونده فساد ۳ هزار میلیارد تومانی اعلام کرد که با بررسی‌ها و استعلام‌های صورت گرفته ادعای اشتغالزایی از سوی گروه ملی و شرکت تراوس رد شده است. به گزارش خبرنگار ایلنا، قاضی ناصر سراج در ابتدای پانزدهمین جلسه رسیدگی به دادگاه متهمان فساد عظیم بانکی اظهار کرد: در جلسات گذشته دادگاه از سوی برخی متهمان ادعایی در رابطه با اشتغالزایی در گروه ملی و تراوس شده بود که کارگران این دو مجموعه نسبت به ادعا اعتراض کرده و اعلام کردند این آمارها صحت ندارد. ما نیز با استعلام از مراجع مربوطه مطلع شدیم که این دو مجموعه در حدود ۲ هزار و ۱۴۳ کارگر را اخراج کردند. قاضی رسیدگی کننده به پرونده ۳ هزار میلیاردی ادامه داد: گروه ملی در مرداد نود ۴ هزار و ۸۹۰ کارگر داشت که از زمان خصوصی سازی به ۳ هزار و ۵۳۸ نفر کاهش یافت. به عبارتی این مجموعه ۱۳۵۹ کارگر را اخراج کرد. از سوی دیگر تراوس نیز ۸ هزار و ۱۱ نفر کارگر داشت که در مرداد ماه سال ۹۰ به ۷ هزار و ۲۲۷ نفر رسید به این معنا که در مجموع نیز ۷۸۴ نفر کارگر را اخراج کردند. قاضی سراج گفت: این درحالی است که در قبال اخراج این میزان از کارگران، مدیران این دو مجموعه نیروهای قابل اعتماد خود را جایگزین کارگران اخراجی کرده و گرنه رقم اخراجی آن بسیار بالاتر است.

لغو مجوز ۱۵ آژانس گردشگری و پلمپ 87 رستوران سنتی و قهوه خانه در فرحزاد

به نوشته سایت آفتاب در 25 تیر آمده است: رئیس پلیس امنیت تهران از پلمپ 87 رستوران سنتی و قهوه خانه در منطقه فرحزاد تهران خبر داد. سرهنگ علیرضا محرابی صبح روز یکشنبه با اشاره به بازدید پلیس اماکن از بیش از 100 رستوران سنتی و قهوه خانه در منطقه فرحزاد، گفت: در راستای اجرای دستور رئیس پلیس تهران مبنی بر اجرای طرح امنیت محله محور و در خواست شهروندان تهرانی، ماموران پلیس امنیت و اماکن اقدام به سرکشی و بازدید از رستوران‌های سنتی و قهوه خانه‌های منطقه فرحزاد کردند که 87 رستوران و قهوه خانه دارای تخلف پلمپ شدند. وی ادامه داد: این واحدها به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی، ارائه قلیان به بانوان و نداشتن پروانه فعالیت پلمپ شدند. مالکان این اماکن نیز طی صورتجلسه ای به پلیس اماکن تهران معرفی شدند تا برای رفع مشکلات واحد صنفی اقدام کنند. به گزارش مهر، رئیس پلیس امنیت تهران با اشاره به تداوم اجرای این طرحها گفت: با توجه به ابلاغیه های قبلی به مالکان قهوه خانه ها مبنی بر ممنوعیت ارائه قلیان به بانوان، در صورتی که واحد صنفی قانون را رعایت نکند پلمپ می شود. آفتاب: مدیرکل امور مراکز و خدمات گردشگری سازمان میراث فرهنگی از آغاز فعالیت گشت‌های غیرمحموس در ارزیابی عملکرد آژانس‌ها خبر داد و گفت: مجوز 15 آژانس گردشگری متخلف در برپایی تورهای غیراخلاقی در پایتخت لغو مجوز شد. مرتضی شریفی اظهار داشت: طی هفته گذشته مجوز 15 آژانس گردشگری متخلف در برپایی تورهای غیراخلاقی را لغو کردیم. وی افزود: برای 7 آژانس متخلف دیگر نیز در اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران، پرونده تشکیل شده است. مدیرکل امور مراکز و خدمات گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گفت: گشت‌های غیرمحموس ارزیابی عملکرد آژانس‌های گردشگری نیز آغاز به کار کرده است که برای نمونه تعدادی از تورهای غیرمجاز گردشگری که از مبدأ میدان آرژانتین، سفر خود را آغاز می‌کردند، شناسایی شدند. به گزارش فارس، شریفی تصریح کرد: معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برخورد با عواملی که منجر به ایجاد فضای ناسالم در بخش گردشگری کشور می‌شوند را با جدیت در دستور کار دارد.

کشاورزان مظلوم‌ترین کارگران جامعه هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 25 تیر آمده است: نماینده مردم لنگرود در مجلس شورای اسلامی در خصوص شرایط کشاورزی گیلان گفت: میزان تولید ابریشم کشور از ۷ هزار تن به حدود ۷۰۰ تن رسیده، در بخش برنج نگرانی وجود دارد، تولید چای اقتصادی نیست و همه باید تلاش بکنند تا جلوی واردات محصولات کشاورزی به داخل کشور به طور جدی گرفته بشود. مهرداد بانوج لاهوتی در پاسخ به این سؤال که دلایل کاهش و کمبود کود مورد نیاز کشاورزان در سال جاری چیست، به ایلنا گفت: یارانه مربوط به محصولات کشاورزی توسط دولت ۵۰ درصد کاهش یافته و به دنبال آن تولیدکننده بیشتر تمایل دارد این محصول را به خارج صادر نماید.

عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس بر ضرورت افزایش یارانه محصولات کشاورزی از جمله کود شیمیایی توسط دولت تأکید کرد و بیان داشت: هنوز گلابه‌مان در خصوص محصولات کشاورزی پا برجاست، چون کشاورزی در این استان اقتصادی نیست. وی با ابراز این نکته که مهم‌ترین نگرانی که ما هم اکنون در بخش کشاورزی داریم واردات محصولات کشاورزی است، از تهیه طرحی توسط خود و تقدیم آن در هفته گذشته به مجلس خبر داد که بر اساس آن جلوی واردات بی‌رویه این گونه محصولات گرفته بشود. عضو کمیسیون عمران مجلس نهم، خاطر نشان کرد: در حال حاضر وزیر صنعت، معدن و تجارت مجوز واردات محصولات کشاورزی را صادر می‌کند ولی براساس طرح تهیه شده توسط بنده و در صورت تصویب، از این پس وزیر جهاد کشاورزی اجازه واردات محصولات این حوزه را بر عهده خواهد داشت.

بانوج لاهوتی، اضافه کرد: هم چنین طبق این طرح تهیه شده و در صورت تصویب، رئیس مجمع بانک کشاورزی و تعیین تعرفه واردات محصولات کشاورزی بر عهده شخص وزیر جهاد کشاورزی خواهد بود که فکر می‌کنم تا یک هفته آینده در صحن علنی مجلس طرح و باتصویب آن مشکل کشاورزان گیلانی و برخی از استان‌ها حل گردد.

وی کشاورزان را مظلوم‌ترین کارگران جامعه نامید و اذعان کرد: دلیل آن این است کشاورز در یک روستا دارد زندگی و مواد غذایی کشور را تولید می‌کند و ما هم بارها در صحن علنی مجلس خطاب به وزیر جهاد کشاورزی گفته‌ایم که کشاورزان به دلیل اینکه در آمد آنان پائین می‌باشد و نمی‌توانند مواد خود از جمله کود گران را تهیه کنند برخی از آنان به ناچار روی به گرفتن پول نزولی آورده‌اند و دولت باید به جای حرف و شعار به داد کشاورزان بدبخت برسد.

عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس در پایان با رد اظهارات استاندار و جهاد کشاورزی استان در خصوص توزیع مناسب کود شیمیایی در

بین کشاورزان در سال جاری، از طرف مسوولین به دلیل وجود معضل کمبود کود بارانه‌ای عذر خواهی کرد. کشاورزان بدبخت‌ترین کارگران جامعه هستند و دولت بجای حرف و شعار به داد آنان برسد که برخی از زارعین لوازم موردنیاز کشاورزی خود را با نزول خریداری می‌کنند. مهرداد بانوج لاهوتی صبح امروز در گفتگوی اختصاصی با خبرنگار ایلنا در لنگرود مشکل تهیه و توزیع کود شیمیایی بین کشاورزان در امسال را مختص به تنها گیلان بلکه کشور دانست. وی اظهار داشت: کود شیمیایی از جمله محصولاتی است که وزارت جهاد کشاورزی باید نحوه استفاده از آن را به کشاورزان آموزش بدهد، چون استفاده بیش از حد آن مضر می‌باشد. این مسوول با گلایه از کمبود کود برای توزیع بین کشاورزان در سراسر کشور، خاطر نشان کرد: ما امسال تلاش کردیم در شهرستان لنگرود حتی المقدور این نگرانی با توزیع کود شیمیایی در بین کشاورزان کمتر کنیم. بانوج لاهوتی، تولیدکننده محصولات پتروشیمی کشور از جمله کود شیمیایی را وزارت نفت معرفی کرد و یاد آور شد: اخیراً بنده به اتفاق استاندار گیلان جلسه‌ای مشترک با وزیر نفت داشته‌ایم تا انشأ الله سال آینده دیگر شاهد کمبود کود برای توزیع بین کشاورزان زحمتکش نباشیم. پایان پیام

ورشکستگی واحدهای تولیدی به تبع مدیریت مصرف‌گرا

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 25 تیر آمده است: یک کارشناس اقتصادی با انتقاد از تبلیغ محصولات خارجی در ایران اعلام کرد: در سال حمایت از کار و تولید ملی دولت نسبت به واردات بی‌رویه کالاهای خارجی اقدام کرده است. علی قنبری سیاست دولت را در امر حمایت از تولید مغایر با شعار حمایت از کار و تولید ملی اعلام کرد و به ایلنا گفت: اعمال سیاست‌های اشتباه اقتصادی از سوی دولت موجب شده است که بخش تولید بخش عقب مانده جامعه محسوب شود به گونه‌ای که رقم رشد تولید ناخالص داخلی در ایران به صورت سالانه رو به کاهش است. به گفته این کارشناس اقتصادی: مدیریت تولید کشور هم اکنون مدیریت مصرف است به گونه‌ای که بیشتر به بخش مصرف توجه می‌شود در نتیجه روند ورشکستگی واحدهای تولیدی ایران همچنان رو به افزایش است. قنبری تخصیص درآمدهای نفتی به بخش جاری و سفرهای برنامه ریزی نشده استانی از سوی هیات دولت را موجب افزایش هزینه‌ها عنوان کرد و گفت: درآمدهای نفتی باید هدف دار برنامه ریزی شود. به گفته قنبری کوتاهی‌های سیستم بانکی که بخش‌های اقتصادی از آن سخن می‌گویند ریشه در مشکلاتی دارد که باید در رفع آن تلاش شود. وی گفت: به دلیل این‌که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها خارج از سیستم بانکی انجام می‌شود توان تصمیم‌گیری در نظام بانکی از مدیران این بخش سلب شده و در نهایت آن‌ها نتوانستند آن‌طور که انتظار می‌رفت در تصمیمات و اجرای آن مطلوب عمل کنند. قنبری تاکید کرد: در سال‌های اخیر، نظام بانکی کشور با مشکلاتی مواجه بوده که مانع کارکرد مطلوب این نظام شده و به دلیل تداوم و تشدید عوامل بازدارنده که بخش عمده‌ای از آن‌ها خارج از کنترل نظام بانکی است، این عدم کارایی در حال افزایش است. قنبری تاکید کرد: یکی از عمده‌ترین مشکلات نظام بانکی کشور، مساله تسهیلاتی است که به سیستم بانکی تحمیل می‌شود و اصطلاحاً به تسهیلات تکلیفی شهرت دارد. او معتقد است: بانوجه به این‌که برخی از تسهیلات پرداختی توسط بانک‌ها به صورت تکلیفی و دستوری است، بر این اساس بانک‌ها نمی‌توانند برای ارائه این تسهیلات به همه بخش‌ها درست عمل کنند و این امر باعث انتقادات از سوی فعالان اقتصادی شده است. وی با تاکید بر این‌که بانک‌ها باید تسهیلات خود را به طرح‌های توجیهی و سودآور اعطا کنند، گفت: تسهیلات تکلیفی باعث خواهد شد که برخی از بخش‌ها از دریافت تسهیلات بانکی بازمانند و طرح‌هایی که در اولویت نیستند، مورد توجه قرار گیرد. پایان پیام

کارت خیرنگاری بدهید، مرغ بگیرید!

به نوشته سایت سحام نیوز در 25 تیر آمده است: مدیر عامل خانه مطبوعات گیلان اظهار داشت: دارندگان کارت خانه مطبوعات گیلان می‌توانند با ارائه کارت شناسایی مرغ با قیمت مصوب هر کیلو ۴ هزار و ۷۰۰ تومان دریافت کنند. ابراهیم بهمنی جلالی امروز در گفت‌وگو با فارس گفته است: به منظور رفاه و آسایش حال خانواده بزرگ مطبوعات گیلان مرغ با قیمت مصوب هر کیلو ۴ هزار و ۷۰۰ تومان در اختیار آنها قرار می‌گیرد. وی، ادامه داد: تمام اعضای خانه مطبوعات که کارت خیرنگاری این خانه را دارند می‌توانند از امروز با مراجعه به فروشگاه بزرگ دلفین مقابل هتل کادوس رشت با ارائه کارت خود مرغ به میزان متوسط ۵ کیلو با نرخ مصوب دریافت کنند. به گزارش سحام، این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که عموم مردم از دسترسی به مرغ با قیمت ارزانتر محرومند. مسئولان امر در بی‌نیازی کامل بوده و برخی از موسسات و کارمندان وزارتخانه‌ای و نهادهای خاص، از این مجاری استفاده می‌کنند و طبقه کارگر و محروم جامعه که بیشترین نیاز را به این تسهیلات دارند، در محرومیت کامل به سر می‌برند.

مجمع عمومی اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی برگزار می‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 25 تیر آمده است: مجمع عمومی اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور، یکشنبه ۲۵ تیرماه برگزار می‌شود. به گزارش ایلنا، این نشست به منظور انتخاب هیات مدیره و بازرسان اتحادیه از ساعت ۱۶ الی ۱۸ عصر امروز در محل خانه کارگر برگزار می‌شود.

فتح الله بیات، رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور در این زمینه به اینها گفت: طبق اساسنامه اتحادیه، هیات مدیره ۷ نفره اتحادیه و گروه ۳ نفره بازرسان برای مدت ۳ سال برای سمت‌های اشاره شده انتخاب می‌شوند که از وظایف بازرسان می‌توان به رسیدگی به امور اداری و مالی اتحادیه، نظارت بر برگزاری جلسات، نظارت بر امور هزینه‌ای و درآمدهای اتحادیه و همچنین نظارت بر نحوه عضوگیری اتحادیه اشاره کرد. وی خاطر نشان کرد: از میان اعضای واجد شرایط، ۱۴ نفر برای حضور در هیات مدیره و همچنین ۵ نفر برای شرکت در انتخابات بازرسان اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور کاندید شدند که در صورت کسب میزان آرای لازم به این سمت‌ها انتخاب می‌شوند.

پایان پیام

زندانیان نیاز به حمایت‌های همه جانبه دارند.

زندان مرکزی یزد تبعیدگاه 16 زندانی سیاسی حبس سنگین و صدها زندانی عادی است

زندان مرکزی یزد دارای چهارده بند در حدود 3000 زندانی است که اکثریت آنها حدود 2300 نفر در زندان و بقیه به صورت کار و مرخصی موقتاً در بیرون می‌باشند که حداکثر مرخصی 4 تا 20 روز و کار در بیرون تا دو ماه است.

بدترین وضعیت نسبت به دیگر زندانهای مخوف حکومت جمهوری اسلامی در زندان یزد مربوط به زندانیان سیاسی است، مثلاً نداشتن آشپزخانه برای پخت غذا و زمان کمتر برای هواخوری مخصوص زندانیان سیاسی بند 9 می‌باشد حال که به صورت قانونی این زندان هر فرد 2 ساعت در روز باید هوا خوری داشته باشد. اما این مدت برای زندانیان سیاسی از طرف مسئولین و مأموران هر روز بیشتر کسر می‌شود. در دوره جدید طی 3 ماه اخیر در شدت بخشیدن به شکنجه‌ها و کنترل و تحت فشار قرار دادن زندانی در تمامی اتاقها، راهروهای تمامی بندها دوربین‌های مداربسته نصب شده است که به طور 24 ساعته هر گونه حرکت و آزادی‌های درونی زندانیان را نیز از بین برده اند اکنون زندانیان حتی نمی‌توانند آزدانه لباس عوض کنند یا مثلاً جای از بدن خود را بخاراند این ایجاد زندان در زندان است، در واقع مصداق صد در صد شکنجه است.

فضایی که به هر کدام از زندانیان طبق آیین نامه داخلی زندانها باید تعلق بگیرد در زندان یزد این یک هشتم فضای مصوب است. که برای خواب و استراحت بسیار عذاب آور است. زندانیان دائماً مراقب حرکتها و رفتارهای خود هستند تا به بهانه‌های واهی و دروغین سوژه تنبیه مأمورین نشوند.

در رژیم غذایی زندان طبق آیین نامه داخلی باید در هر وعده غذایی یک چهارم مرغ و روزانه 130 گرم گوشت یا ماهی دو بار سبزی خوردن تازه و چهار بار دسر میوه داشته باشد ولی در اینجا چیزی به نام گوشت وجود خارجی ندارد. به مرغی که اکنون به زندانیان می‌دهند به مسخره مرغ انتهای می‌گویند که به هر نفر تا 10 گرم هم نمی‌رسد، سبزی و میوه که سرشان را بخورد. وضعیت غذایی که می‌دهند به قدری خراب و بدبخت است که همانطور خام خام اغلب به سطل آشغال ریخته می‌شود. برخی اوقات که غذا سیب زمینی یا ماست و خیار است دو ساعت بعد از غذا نان داده می‌شود یعنی نزدیک به ساعت خاموشی به زندانیان نان می‌دهند این نوع حرکت به عنوان شکنجه روحی زندانیان نامیده می‌شود. برای 3000 نفر انسان یک پزشک وجود دارد و چیزی به نام معاینه دیده نمی‌شود. شخصی به نام دکتر فقط اوضاع بیمار را از خود بیمار طی زمان بسیار کوتاهی می‌پرسد و سپس اغلب به پیشنهاد خود بیمار دارویی را می‌نویسد. معمولاً داروهای عمومی و محدودی را می‌نویسد. به گفته مسئولان بهداری بیماری ایندز و هپاتیت مخصوص نوع سی آن در بندهای 4 و 5 و 6 به شدت رواج دارد. یکی از مسئولین بهداری توضیح می‌دهد که کسی که از این زندان به مرخصی رفته بود مغز بادام را از دهانش درآورده و به بچه اش داده که از همین طریق بچه و همسرش نیز مبتلا شده اند.

در زمان وضعیت اضطراری زندانی بیمار، باید حداقل دو ساعت درب زندان را به شدت بکوبیم تا نگهبان در را باز کند که در این مدت اغلب کسانی که بد حال می‌شوند حاشات شدیدتر وبا سرعت به وخامت می‌گراید طبق گفته زندانیانی که طولانی مدت اینجا هستند و تا به حال 4 مورد دیده اند تا باز کردن درب بند و بردن زندانی به بهداری یا جای دیگر زندانی مرده است.

انتقال بیماری از طریق زندانیان به یکدیگر و انتقال آن از طریق زندانیانی که به مرخصی رفته اند به خانواده هایشان بارها گزارش شده است.

طبق آمار این زندان یکی از قصابی ترین زندانهای ایران است که 12 درصد کل اعدام زندانیان در اینجا انجام می‌شود، ماهی نیست که حداقل 6 الی 7 نفر اعدام نشود مثلاً از اردیبهشت تا کنون یعنی 20/4/1391 بیست و چهار نفر اعدام شده اند.

حتی بسیاری در سن پایین اعدام می‌شوند از 8 نفری که 22 تیر اعدام شدند فقط دو نفر 32 و 35 ساله بودند بقیه بین 20 تا 26 سال بودند و عجیب است که هر کدام از اعدام شده ها حداقل 4 سال زیر حکم اعدام در زندان نگهداری شده اند یعنی افراد اعدام شده 20 ساله در واقع از 16 سالگی حکم اعدام گرفته اند. کثیفترین و حیوانی ترین کار مسئولین این زندان، این است که 3 روز مانده به اجرایی حکم، تاریخ اجراء حکم را به زندانی ها ابلاغ میکنند و آنها را به بند مخصوص یعنی بند انفرادی انتقال می‌دهند.

اعلام تاریخ اجرای حکم به کسانی که 4 سال یا 6 سال در زندان نگهداری شده اند و بارقه امید در وجودشان زده شده است که شاید عفو دریافت کنند با این خبر دنیا روی سرشان خراب می‌شود، کسانی که از بیکاری و نداری و ناامیدی دست به حمل مواد مخدر زده بودند و می‌خواستند که شرمنده اهل و عیال خود نباشند.

16 زندانی سیاسی این زندان با مجموع 205 سال زندان و دو ابد از سنگین ترین حکم ها بر خوردارند. که حداقل زندان 10 سال و حداکثر 30 سال و حبس ابد می باشد در طی دو نامه این زندانیان به عفو بین الملل آمده است که آنها از هر گونه امکانات و تسهیلاتی که برای زندانیان عادی است نیز محروم می باشند از جمله مرخص ، عفو عمومی ، کار در بیرون و غیره به دلیل مخالفت اداره اطلاعات آنها حق استفاده ندارند و تقریباً از همه چیز محروم هستند یکی از معمولی ترین مشکلات زندانیان سیاسی تبعیدی که اغلب از استانهای کردستان ، آذربایجان شرقی و غربی ، کرمانشاه و اهواز تبعید شده اند فاصله طولانی از خانه و کاشانه شان است که بین 1200 تا 2000 کیلومتر می باشد که اغلب با توجه به مشکلات مالی خانواده هایشان برخی از آنها بیش از سه سال است عزیزانشان را ندیده اند ، با توجه به ملاقات 20 دقیقه های راضی نمی شوند خانواده هایشان این مسافت طولانی و هزینه سنگین را برای دیدار 20 دقیقه ای تحمل کنند .

شاهرخ زمانی

زندان مرکزی یزد

25/4/1391

تشدید بحران در خودروسازی ها

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تایخ 25 تیر آمده است : انجمن خودروسازان ایران اعلام کرده است که تولید خودرو در سه ماهه اول سال جاری نسبت به مدت مشابه در سال گذشته 40 درصد کاهش یافته است. بنا به آمار این انجمن، تولید مینی بوس از اول سال جاری بیش از 97 درصد و اتوبوس بیش از 70 درصد کاهش یافته است. تولید سواری و کامیون نیز به ترتیب بیش از 37 درصد و 25 درصد کاهش یافته است. شواهد نشان می دهد که تولید خودرو در ایران به اوج بحران خود نزدیک می شود. این بحران و کاهش شدید تولید، که بیشتر به خاطر نبود قطعات در سالن های مونتاژ است، اخراج کارگران را نیز در پی دارد و دسته دسته کارگران صنایع خودروسازی به خیل بیکاران دیگر افزوده می شوند. در شرکت ایران خودرو، دو شیفت تولید خودرو پژو 206 تعطیل شده است. در شرکت سایپا تولید به حداکثر 30 درصد سال قبل رسیده است. در شرکت سایپا هر روز یک شیفت به شکل گردان تعطیل است. بیشتر کارگران پیمانکاری از سایپا اخراج شده اند و دو شیفت حاضر در محل کار خود نیز بیش از 40 درصد فعال نیستند. در شرکت پارس خودرو، که سازنده قطعات پلاستیکی خودرو است، بخشی از کارگران اخراج شده اند. شرکت جدید مبتکران، سازنده صندلی خودرو، از 1400 نفر کارگر خود حدود 800 نفر را اخراج کرده است. شرکت پیمانکاری پوپک سفید که کارگران آن خودروهای تولیدی پارس خودرو را به پارکینگ منتقل می کردند تمامی 150 نفر نیروی خود را اخراج کرد. شرکت ارفع در پارس خودرو که کارگران آن در ایستگاه نصب شیشه پراید کار می کنند 50 درصد از 80 نفر نیروی خود را اخراج کرده است. سالن های رنگ و مونتاژ بدنه در پارس خودرو در بیشتر مواقع تعطیل هستند. سالن مونتاژ پراید (35 دستگاه) در بیشتر ساعات کاری به خاطر نبود قطعات تعطیل است. سالن ال 90 وضعیتی بهتر از دو سالن ذکر شده ندارد. در شرکت ایران خودرو دیزل که تا سال گذشته در سه شیفت حدود 120 دستگاه کامیون های مختلف تولید می شد در حال حاضر 20 تا 25 دستگاه کامیون بنز با گیربکس چینی تولید می شود. در شرکت های خودروسازی، بخصوص گروه سایپا، دریافتی کارگران بیش از 40 درصد نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. آکورد (پاداش افزایش تولید) کارگران حدود 80 درصد کمتر شده و اضافه کاری ها تقریباً از میان برداشته شده است. اهدایی ماهیانه شامل 5 کیلو برنج و 5 کیلو مرغ و هرسه ماه یکبار 10 کیلو گوشت گوساله یا گوسفند قطع شده است. حق شب کاری نیز به طور کامل پرداخت نمی شود.

کارگران صنایع خودروسازی-25 تیر 1391

صدور حکم برائت برای خانم شیرینی

در پی شکایت واهی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه علیه خانم شیرینی راننده شرکت واحد مبنی بر نشر اکاذیب خوشبختانه پس از بررسی پرونده در دادگاه بدوی ، حکم برائت از اتهام انتسابی برای ایشان صادر شد قابل ذکر است خانم شیرینی پس از صدور حکم اخراج از طرف شرکت واحد و اداره کار در دیوان عدالت اداری جهت احقاق حقش پرونده ای مفتوح دارد که امیدواریم هر چه سریعتر به حقوق از دست رفته این کارگر زحمتکش رسیدگی شود سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه-26 تیر ماه نود و یک

تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان مدرس

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 26 تیر آمده است : دبیرکل خانه پرستار با اشاره به تجمع حدود 100 نفر از پرستاران بیمارستان مدرس که اغلب آنها شب کار بودند، گفت: این پرستاران به حذف ساعت استراحت شان در طول شب معترض شدند. بنا به همین گزارش، محمد شریفی مقدم ضمن خبردادن از اعتراض پرستاران بیمارستان مدرس به حذف ساعت استراحت که توسط مدیریت این بیمارستان صورت گرفته است، اظهار داشت: با توجه به ابلاغیه سال گذشته وزیر بهداشت به تمامی دانشگاههای علوم پزشکی سراسر کشور برای پرداخت مابه التفاوت ساعت کار پرستاران، بیمارستان مدرس از ابتدای امسال از پرداخت این مابه التفاوت به پرستاران خودداری کرده است. وی با اشاره به بیمارستان مدرس که تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است، افزود: مسئولین بیمارستان مدرس به پرستاران گفته اند که یا می بایست 3 ساعت از مابه التفاوت ساعت کار آنها کسر شود و یا اینکه ساعت استراحت پرستاران حذف شود. عضو شورای عالی نظام پرستاری با انتقاد از روند ناقص اجرای قانون ارتقای بهره وری در اغلب بیمارستانها، گفت: قرار بود این قانون از اول فروردین سال 90 اجرایی شود اما در نهایت از اول مهر ماه سال گذشته از سوی وزیر بهداشت ابلاغ شد.

شرفی مقدم ادامه داد: با توجه به اینکه بیمارستانها نمی توانند کاهش ساعت کار داشته باشند قرار شد مابه التفاوت ساعت کار پرستاران محاسبه و به آنها پرداخت شود. ولی این کار هم به صورت ناقص در حال اجراست.

تهدید مدیرعامل شرکت فناوری آب های عمیق، صدرا: اگر دولت حمایت نکند باید چاره ای برای پنج هزار نیروی بیکار این شرکت بیندیشد.

به گزارش سایت بوشهرنیوز در تاریخ 26 تیر آمده است: محمد علی نظارت مدیرعامل شرکت فناوری آب های عمیق در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر این که در صورت عدم رفع مشکلات توسط دولت چه خواهد شد، گفت: در این صورت دولت باید چاره ای برای پنج هزار نیروی بیکار بیندیشد. وی همچنین در پاسخ به سؤال خبرنگاری که درخصوص وضعیت کارگران اخراجی صدرا پرسیده بود، ابراز داشت: صدرا کارخانه یا تولیدی نیست که کارگر استخدام کند بلکه اکثر نیروهای آن به صورت پروژه ای مشغول به کار می شوند. نظارت با بیان این که در مقطعی مسئولین این شرکت برای در اختیار گرفتن جزیره با استناداری وقت معامله کرده و نیروها را استخدام کردند، افزود: همین موضوع موجب شد زمانی که این شرکت در لیست سیاه قرار گرفت نتواند به درستی وضعیت موجود را مدیریت کند. وی با بیان این که از زمان مدیریت جدید استخدام سی ساله نداریم، افزود: در گذشته حدود یک هزار و 500 نفر در صدرا مشغول به کار بودند در صورتی که هم اکنون این رقم به حدود سه هزار و 500 نفر در جزیره و یک هزار و 500 نفر در اسکله رسیده است. نظارت تأکید کرد اگر دولت به این شرکت کمک نکند می بایست تبعات بیکاری پنج هزار نیروی شاغل در صدرا را بپذیرد. عضو هیئت مدیره صدرا 85 درصد شاغلین این شرکت را نیروهای بومی دانست و افزود: حدود 30 درصد از این نیروها بومی بوشهر و مابقی مربوط به استان های همجوار مانند کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و کرمان هستند. وی در بخش دیگری از گفتگوی خود با بیان این که دولت تصمیمات را کند می گیرد، ابراز داشت: در حال حاضر در انتظار ابلاغ دولت هستیم که جزیره صدرا را منطقه آزاد اعلام کرده تا بسیاری از مشکلات رفع شوند.

افزایش ۱۵ درصدی حقوق فرهنگیان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس آمده است: وزیر آموزش و پرورش از اعمال افزایش ۱۵ درصدی حقوق فرهنگیان بعد از ابلاغ معاونت نیروی انسانی آموزش و پرورش خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت به نقل از فارس، حمیدرضا حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش امروز در حاشیه بیست و نهمین اجلاس روسای آموزش و پرورش سراسر کشور در جمع خبرنگاران در خصوص زمان اعمال افزایش ۱۵ درصدی حقوق فرهنگیان اظهار داشت: پس از ابلاغ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، افزایش حقوق فرهنگیان را اعمال خواهیم کرد.

300 کارگر بوژان بیکار شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در 26 تیر آمده است: طی هفته گذشته کارخانه یخچال سازی بوژان تعطیل و ۳۰۰ کارگر آن بیکار شدند. عدم وجود نقدینگی و نداشتن بازار فروش در رقابت با محصولات مشابه خارجی از عمده ترین دلایل تعطیلی این واحد تولیدی بوده است. این گزارش حاکیست، پرداخت ۴ ماه حقوق و سایر مزایای قانونی این کارگران به تعویق افتاده است.

گزارشی درباره شناسایی کارگران فاقد خانه و عملکرد مسکن مهر

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 26 تیر آمده است: برخی برآوردها نشان می دهد حدود 3 میلیون کارگر شناخته شده کشور دارای مسکن شخصی هستند. با این حال، آمار دقیقی از عملکرد مسکن مهر برای خانه دار شدن قطعی کارگران فاقد مسکن وجود ندارد و تنها از معرفی 419 هزار نفر به تعاونی ها سخن گفته شده است. تامین مسکن و سرپناه همواره به عنوان یکی از مهم ترین دغدغه ها و نیازهای جامعه کارگری کشور و همچنین پرهزینه ترین قلم از سبد معیشت خانوار کارگری مطرح است.

پابین بودن میزان دریافتی و حقوق های کارگران و مشمولان قانون کار به نسبت برخی دیگر از گروه ها و اینکه مجموع دریافتی جامعه کارگری کفاف هزینه های بالا به ویژه در بخش مسکن را نمی دهد، باعث شده است تا حداکثر یک سوم از فعالان حوزه کارگری توان داشتن مسکن شخصی را داشته باشند.

با افزایش یکباره قیمت ها در بخش مسکن چه در بخش رهن و اجاره و چه خرید، موضوع مسکن برای کارگران از اهمیت دوچندانی نیز برخوردار شده است.

در چند سال اخیر، دولت با مطرح کردن طرح مسکن مهر با هدف کاهش قیمت و خانه دار شدن اقشار ضعیف امیدهایی را در خانه دار شدن کارگران و شاغلان کم درآمد ایجاد کرده بود. پیش تر و در مهرماه 90 تعداد کارگرانی که توانسته بودند از مسکن مهر برخوردار شوند، 392 هزار نفر اعلام شده بود.

با اینکه گروهی از کارگران تاکنون توانسته اند از طریق ثبت نام و پرداخت اقساط بانکی، همچنین تامین سهم آورده اولیه مراحل دریافت مسکن مهر را طی کنند، اما درصد قابل توجهی از آنان که به صورت بالقوه یکی از مهم ترین گروه های مدنظر طرح مسکن مهر بوده است، هنوز فاقد مسکن هستند.

هرچند آمار چندانی در مورد وضعیت خانه دار شدن کارگران از طریق مسکن مهر ارائه نمی شود اما طبق اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه تعداد کارگران متقاضی دریافت مسکن مهر پس از حدود 400 هزار نفر مهرماه 90 و با گذشت 9 ماه به 548 هزار نفر رسیده است که از این تعداد نیز

419 هزار نفر به تعاونی های مسکن معرفی شده اند. به این ترتیب از آماري که در مهرماه سال 90 اعلام شده بود، تا تیرماه سال 91 (پس از گذشت بیش از 9 ماه)، تنها 20 هزار نفر به آمار کارگران معرفی شده به مسکن مهر اضافه شده است که آن هم مشخص نیست تاکنون از این تعداد چند درصد توانسته اند مراحل مختلف کار را طی کرده و خانه دار شده باشند!

به صورت کلی عملکرد 9 ماه گذشته وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در شناسایی و معرفی کارگران فاقد مسکن به تعاونی ها نشان می دهد که در هر ماه فقط چیزی بیشتر از 2 هزار و 200 کارگر به صورت متوسط شناسایی و ثبت نام شده اند که این آمارها نسبت به فاقد مسکن بودن میلیون ها کارگر، آمار ناچیزی است.

هرچند تاکنون در زمینه شناسایی کارگران فاقد مسکن و معرفی برای استفاده از تسهیلات مسکن مهر آمارهای متفاوتی ارائه شده است، اما بررسی آخرین آمار ارائه شده در تیرماه امسال حاکی از آن است که تقریباً از سال 86 که موضوعات مربوط به تلاش دولت برای کاهش هزینه های مسکن کارگران اعلام شد، تاکنون مجموعاً 419 هزار کارگر به تعاونی های مسکن معرفی شده اند که این موضوع نشان دهنده پوشش ناچیز کارگران فاقد مسکن در اینگونه طرح ها است.

این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که در حال حاضر از حدود 10 میلیون کارگر و مشمول قانون کار کشور که دارای بیمه و پرونده مشخص کاری هستند، بهترین و خوشبینانه ترین برآوردها حاکی از خانه دار بودن کمتر از 3 میلیون کارگر است که آن هم جدا از پروژه مسکن مهر و به صورت شخصی خواهد بود.

غیر از کارگران غیررسمی و افرادی که به علت فاقد بیمه بودن چندان در آمارها مورد محاسبه قرار نمی گیرند، حداقل 6 میلیون کارگر دیگر فاقد مسکن هستند و همچنان با هزینه های بالای اجاره و رهن مسکن دست و پنجه نرم می کنند.

متأسفانه مسکن مهر که با شعار حمایت از اقشار ضعیف و فاقد مسکن از جمله کارگران مطرح شده بود تاکنون نتوانسته است آنچنان که باید برای این بخش از افراد جامعه حمایت موثری داشته باشد. با این حال، هیچگونه آمار رسمی نیز که بتوان بر اساس آن گفت چه تعداد کارگر در چند سال اخیر توانسته اند از مزایای مسکن مهر برخوردار شوند، وجود ندارد و بیشتر مباحث به صورت برآوردی مطرح می شود.

قیمت گوشت 30 درصد افزایش یافت

به نوشته سایت آفتاب در 26 تیر آمده است: مدیرعامل فروشگاههای شهروند گفت: به دستور مراجع ذیصلاح قیمت گوشت قرمز 30 درصد افزایش یافته است.

قدرتالله گودرزی در جمع خبرنگاران با اشاره به فروش ویژه ماه مبارک رمضان در فروشگاههای شهروند گفت: امسال با سال گذشته تفاوتهای قابل توجهی در قیمتها با توجه به شرایط اقتصادی صورت گرفته است.

وی با بیان اینکه قیمت کالاها در بازار بالاست گفت: با تأمین کنندگان جلسه گذاشته تا از آنها تخفیفاتی در این زمینه بگیریم. مدیرعامل فروشگاههای زنجیره ای شهروند با اشاره به اینکه بیش از 100 قلم کالا که حدود 2 هزار بارکد است و مورد نیاز شهروندان است در ماه رمضان توزیع می شود گفت: این اقلام پروتئینی، لبنی، خوارو بار و غیره است و حدود 5 تا 25 درصد تخفیف دارد. وی به فروش ویژه ماه رمضان در سالهای قبل اشاره کرد و گفت: از چند سال گذشته کالاها با کیفیت و قیمت مناسب در این زمان عرضه شده است.

به گفته مدیرعامل فروشگاههای شهروند فروش ویژه از ابتدای ماه رمضان آغاز و تا آخر ماه رمضان ادامه دارد. وی در پاسخ به پرسش خبرنگار فارس در خصوص ارائه مرغ و گوشت در فروشگاههای شهروند گفت: در بازار قیمت مرغ دیروز تا حدود 8 هزار تومان بود اما در فروشگاههای شهروند زیر 6 هزار تومان عرضه می کردیم.

وی در خصوص افزایش قیمت گوشت گوساله گفت: به صورت رسمی از سوی سازمانهای ذیربط اعلام شده که قیمت گوشت گوساله 30 درصد افزایش یابد.

وی ادامه داد: مدتی میزان گوشت گوساله و چرخ کرده کمتر بود اما در حال حاضر مشکل کمتر شده است. به گزارش فارس، وی با تأکید بر اینکه شهروند توزیع کننده است گفت: ما تأمین کننده نیستیم و طبق دستور شهردار تهران حاشیه خود را کاهش داده ایم.

محمدرضا رحیمی: مدعی مبارزه با فساد، ۲۱ آپارتمان دارد

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 26 تیر آمده است: معاون اول احمدی نژاد از مالکیت یک مقام ارشد حکومت بر تعداد زیادی واحد مسکونی پرده برداشت.

به گزارش سحام، رحیمی در سخنان روز یکشنبه خود اظهار داشت: "فردی که ادعای دفاع از مظلومان را دارد و پرچم مبارزه با فساد را در دست گرفته، ۲۱ واحد آپارتمان دارد."

وی که دیروز در مراسم افتتاح طرح ملی پزشک خانواده سخن می گفت، در بخشی از سخنانش گفته است: "فردی که ادعای دفاع از مظلومان را دارد و پرچم مبارزه با فساد را در دست گرفته، ۲۱ واحد آپارتمان دارد. با این شرایط معلوم است که دروغ می گوید و وقتی برخورد می کنیم، سروصدا به پا می کند."

استخدام غیرقانونی پنج هزار معلم قرآن و ۱۵ هزار نیروی خدماتی در آموزش و پرورش

به نوشته سایت مردمک در 26 تیر آمده است: موسی الرضا ثروتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس می گوید که به دستور وزیر آموزش و پرورش پنج هزار معلم قرآن و ۱۵ هزار نیروی خدماتی بدون رعایت ضابطه استخدام در این ارگان استخدام شده اند.

موسی الرضا ثروتی روز دوشنبه ۲۶ تیرماه به خبرگزاری کار ایران ایلنا گفت که برای جذب این افراد آگهی استخدام منتشر نشده و از استخدام شده ها امتحان و مصاحبه ای هم به عمل نیامده است.

این نماینده مجلس تاکید کرد که جذب این افراد بر اساس «رابطه، پارتی بازی و به صرف قوم و خویش بودن با روسای آموزش و پرورش» صورت گرفته است.

آقای ثروتی جذب این افراد را در راستای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده ارزیابی کرده و یادآور شده که استخدام این ۲۰ هزار نفر چه در راستای انتخابات ریاست جمهوری و چه با هر نیت دیگر کارخلافی است.

یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خردادماه سال آینده برگزار می‌شود. شماری از اصولگرایان منفذ دولت، حلقه‌ای از نزدیکان محمود احمدی‌نژاد را که «جریان انحرافی» می‌خوانند متهم به برنامه‌ریزی برای تاثیر گذاری بر نتیجه انتخابات می‌کنند.

آنها تغییر استانداران بعضی از شهرها طی هفته‌های گذشته را هم در این راستا ارزیابی می‌کنند.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه توضیح داد که نمایندگان مجلس در این ارتباط با معاون منابع انسانی رئیس جمهوری هم صحبت کرده‌اند که او هم این اقدام را غیرقانونی دانسته است. بر این اساس لطف الله فروزند معاون منابع انسانی محمود احمدی‌نژاد گفته است که موضوع اعتراض را به وزیر آموزش و پرورش ابلاغ می‌کند.

آقای ثروتی می‌گوید مردم به این استخدام‌های غیرقانونی اعتراض دارند و وزیر آموزش و پرورش باید رویه خود را تغییر دهد و از بیست هزار نفر استخدام شده آزمون و مصاحبه به عمل آورد تا بعد از گزینش استخدام شوند.

او تصریح کرد که اگر این اتفاق روی ندهد علاوه بر تحقیق و تفحص از آموزش و پرورش، حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش در مجلس نهم استیضاح می‌شود.

به گفته این عضو کمیسیون برنامه و بودجه، نمایندگان مجلس به او قول داده‌اند در صورتی که وزیر آموزش و پرورش نسبت به پیگیری‌های مجلس بی‌توجهی کند با امضای بالایی او را استیضاح کنند.

آقای ثروتی با انتقاد از وزیر آموزش و پرورش ادامه داد آقای حاجی بابایی در حالی بیست هزار نفر را در آموزش و پرورش استخدام کرده است که با استخدام معلمان حق التدریسی که سال هاست در این نهاد مشغول فعالیت هستند مخالفت می‌کند.

آقای ثروتی تصریح کرد هر وزیر آموزش و پرورش در ایران همزمان با کارش بیست تا سی هزار نیرو روی دست مجلس می‌گذارد که آنها با فراهم نشدن زمینه‌های استخدام، برای احقاق حقوقشان جلوی مجلس تجمع می‌کنند.

نماینده بجنورد در مجلس همچنین گفت که نمایندگان بار دیگر طرحی را تهیه کرده‌اند تا زمینه استخدام نیروهای حق التدریسی‌ها بعد از چند سال بوجود بیاید.

کلیات طرح اصلاح ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در ۱۷ خرداد تصویب شد.

طبق این طرح آموزش و پرورش باید ۱۵ هزار معلم حق التدریس را استخدام می‌کرد؛ براساس این طرح و در صورت تصویب نهایی، معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی که حدنصاب نمره را برای همکاری با آموزش و پرورش در آزمون پیشین کسب نکرده‌اند؛ می‌توانند براساس شرایط مشخص شده با وزارت آموزش و پرورش همکاری کنند.

بر این اساس قرار است زمینه‌های جذب مربیان پیش دبستانی، قرآن، حق التدریسی‌های آموزش‌دهنده‌های فنی حرفه‌ای، تربیت معلم‌ها و آموزشیاران، حق التدریسی‌ها و نیروهای شرکتی فراهم شود.

بعد از تصویب این طرح لطف‌الله فروزنده معاون توسعه انسانی ریاست جمهوری گفت که دولت به طور صددرصد با آن مخالف است چون قدرت جذب این تعداد معلم حق التدریسی را ندارد. او هشدار داد که با تصویب این قانون مشکلات زیادی برای این وزارتخانه به وجود می‌آید.

در صورت تصویب این طرح ۱۵ هزار نیروی حق التدریس، شرکتی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی به استخدام آموزش و پرورش در می‌آیند. سه روز پیش جبار کوچکی نژاد رئیس کمیته آموزش و پرورش کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در ارتباط با این طرح گفت که چهل نماینده دو

فوریتی شدن استخدام ۱۵ هزار نفر نیروی حق التدریس در مجلس نهم امضای خود را را پای طرح ثبت کرده‌اند. این نماینده مجلس تصریح کرد که نگاه نمایندگان مجلس نسبت به طرح استخدام نیروهای حق التدریس مثبت است.

چگونگی استخدام نیروهای حق التدریسی در سال‌های گذشته به یکی از چالش‌های آموزش و پرورش و مجلس تبدیل شده است. رسانه‌ها بارها گزارش‌هایی در ارتباط با اعتراض این افراد در مقابل مجلس منتشر کرده‌اند.

طبق مصوبه مجلس در تابستان ۸۸، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند در مدت پنج سال ۶۰ هزار نیروی حق التدریس را استخدام کند. آموزش و پرورش پیش از این اعلام کرده بود قصد دارد این نیروها را بر اساس تقسیم‌بندی ۱۲ هزار نفری در مدت پنج سال استخدام کند.

تبلیغات کالاهای خارجی باعث نابودی فرصت‌های شغلی شده است.

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 26 تیر آمده است: یک فعال کارگری در خراسان شمالی معتقد است: تبلیغات کالاهای خارجی باعث نابودی فرصت‌های شغلی شده است.

فرهاد هدایتی در این زمینه به ایلنا گفت: تبلیغات گسترده محصولات خارجی باعث افزایش متقاضیان این کالاها شده است و با خرید هر کالای خارجی زمینه نابودی فرصت‌های شغلی را ایجاد خواهیم کرد.

دبیر اجرایی خانه کارگر خراسان شمالی با بیان اینکه شاهد تبلیغ انواع کالاهای خارجی در صدا و سیما و تابلوهای شهری و نیز اتوبانهای بین شهری و جاده‌ها هستیم، گفت: هیچ ارگانی به قانون منع تبلیغات توجهی ندارند.

این فعال کارگری ادامه داد: رونق اقتصادی، باعث افزایش اشتغال شده و اشتغال‌زایی بسیاری از نگرانی‌ها و بدبینی‌ها به آینده را از بین خواهد برد و از بروز آسیب‌هایی که به دلیل نداشتن شغل مناسب پیش خواهد آمد، جلوگیری می‌کند.

او در این زمینه این سوال را طرح کرد: جولان تبلیغ کالاهای کره‌ای و چینی در جاده‌های کشور که هم بازار کشور را به تسخیر در آورده و هم به تولیدکننده ضربه زده است و همچنین تبلیغ وسیع این اجناس در فضای عمومی شهرها چه توجیهی می‌تواند داشته باشد.

هدایتی با طرح این سوال که عواقب تعطیل شدن کارخانه‌ها و بیکار شدن نیروی کار ایرانی را چه کسی بر عهده خواهد گرفت تصریح کرد: با محدودیت تبلیغ کالاهای خارجی و ارتقای کیفیت کالاهای داخلی، مردم به سراغ اجناس خارجی نمی‌روند.

او با اشاره به سال حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی که از طرف مقام معظم رهبری نام گذاری شده است تصریح کرد: در صورت حمایت از تولیدات داخلی و افزایش کیفیت این محصولات مردم خود به خود به سمت خرید کالاهای داخلی کشیده می‌شوند.

۵۰ درصد از کارگران کمک‌های غیر نقدی دریافت نمی‌کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 26 تیر آمده است: عضو کمیته مزد استان تهران اعلام کرد: امسال بیش از ۵۰ درصد از کارگران از کمک‌های غیر نقدی کارفرمایان بی‌بهره شدند. علی‌توفیقی با انتقاد از عدم تخصیص بسته حمایتی دولت در ماه مبارک رمضان به کارگران، به ایلنا گفت: دولت با توجیه اینکه کارگران از کمک‌های غیر نقدی برخوردار می‌شوند از ارائه بسته حمایتی به کارگران خودداری می‌کند. این در حالیست که کارفرمایان به دلیل وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی دیگر قادر به ارائه کمک‌های غیر نقدی نیستند. این مقام کارگری ادامه داد: هم اکنون به دلیل افزایش بی‌رویه نرخ اقلام مصرفی سبد هزینه کارگران دیگر قادر به تامین معیشت خانوار خود نیستند. پایان پیام

عواقب بیکاری کارگر ۶۰ ساله کارگاه ریخته‌گری و خانواده اش

بر پایه خبر منتشره در سایت افق روشن در 26 تیر آمده است: خانه‌نشینی شوهر روزگار سختی را رقم زده است: «حدوداً ۸ ماهه که بیکار شده. قبل از آن هم ۳ ماه بدون آنکه حقوق بگیرد کار می‌کرد. در یک کارگاه ریخته‌گری بزرگ حوالی اسلامشهر مشغول بود. خانه ما هم همان اطراف است. کارگاه ورشکسته شد تا چند ماه به کارگزارانش حقوق نداد بعد از آن هم عذر همه را خواست. شوهرم می‌گوید کارخانه خودروسازی که برایش قطعه تولید می‌کردیم دیگر به این قطعه‌ها احتیاج ندارد. می‌گوید تولید آن کارخانه هم با مشکل مواجه شده. قطعه‌های اصلی که از خارج می‌آمده، دیگر وارد نمی‌شود و این قطعه‌های داخلی هم دیگر به کارشان نمی‌آید.» او رنج‌های پس از بیکاری شوهرش را چنین بر زبان جاری می‌سازد: «از همان ۸ ماه پیش مشکلات ما شروع شد. درست است که چندماه قبل از آن هم حقوق نمی‌گرفت اما وضعیت خودش بهتر بود. حداقل امید داشتیم اوضاع رو برآورد شود. بعد از آن هم مدتی شوهرم به طور روزانه کاری می‌کرد اما نتوانست در آن کارها بماند. می‌گوید میان جمع زیاد کارگران روزمزد، بیشتر صاحب‌کارها به سراغ جوان‌ها می‌روند و به او که حالا نزدیک ۶۰ سال، سن دارد، کاری نمی‌رسد.»

این شرایط بیش از زن، مرد خانه را از نفس انداخته است: «تقریباً شب‌ها خوابش نمی‌برد. تا صبح زل می‌زند به دیوار کاهگلی اتاق اجاره‌ای‌مان. صبح هم بعد از نماز از خانه می‌زند بیرون تا کاری روزانه نصیبش شود اما کمتر موفق می‌شود. توان بدنی چندانی هم برای بارکشی در بازار ندارد. فقط دو روز در این کار دوام آورد. بعد دیدیم اگر ادامه دهد، خرج دوا و دکترش بیشتر از درآمد او می‌شود آن هم در این اوضاع که حتی بیمه هم نداریم.»

در این چند ماهی که خبری از درآمد ماهانه نبوده اجاره همان اتاق سه در چهار با آشپزخانه دو متری و دستشویی مشترک هم درنیامده است: «چند ماهی از این طرف و آن طرف اجاره را جور کردیم اما الان ۷ ماه است دیگر نتوانسته‌ایم. دو میلیون پیش داده‌ایم. ماهی ۱۲۰ هزار تومان. حالا هم اجاره از پول پیش کم می‌شود. تازه از این ماه قرار است کرایه اضافه شود که با این وضعیت پول پیش، زودتر تمام می‌شود. باید فکری هم به حال آن کنیم. پیغام داده که اجاره باید ماهی ۲۰۰ هزار تومان شود. باز خدا پدرش را بیمارزد که ما را آواره خیابان نکرده.»

پیر زن فقط دو دختر بزرگ دارد که دومی 4 سال پیش ازدواج کرده. اولی هم دو سال قبل از آن، خانه شوهر رفته است. می‌گوید شوهر دومی تو زرد از آب درآمد: «حداقل هفته‌ای یک بار از زیر کتک‌هایش فرار می‌کند به خانه ما می‌آید. هر بار با هزار دوز و کلک او را راضی می‌کنم که سر زندگی‌اش برود. در این اوضاع دیگر جایی برای او نداریم.» او حالا در غذای روزانه‌اش هم مانده است. می‌گوید مدتی است به سط‌های زیاله برای پیدا کردن غذا روی آورده: «دیگر هیچ راهی برایمان نمانده است.» پیرزن که یافتن غذا از لابلای زیاله‌های شهر را به گدایی ترجیح داده باقی دردهایش را برای خود نگه می‌دارد. آهی می‌کشد و به راه خودش در سربالایی تند خیابان ادامه می‌دهد.

کنار پیاده‌رو و ۱۵،۱۰ نفری به صف ایستاده‌اند. جمعیت به خط شده، نگاه پیر زن را به دنبال خود می‌کشد. ابتدای صف به داخل نانواپی بزرگی بند شده که پارچه نوشته‌ای مقابل آن نصب شده است. پیر زن سر را کمی بلند کرده است. کلمات روی پلاکارد می‌گوید: «نان با قیمت مصوب ۶۰۰ تومانی عرضه می‌شود.» چهره‌اش نشانی از افسوس ندارد. فقط سر را پایین می‌اندازد و راهش را ادامه می‌دهد. حالا آفتاب هم سایه‌اش را از سر پیرزن کم کرده است و هوا هم نشانه‌هایی از ظلمت را بروز می‌دهد. صدای اذان که از بلندگوی گل‌دسته‌های مسجد بزرگ و مجلل کنار خیابان، پخش می‌شود، فضای اطراف را پر کرده است.

از پیرزن، حالا فقط نقطه سیاهی پیداست که آن هم در لابلای سیاهی چادر زنانی که خود را با عجله به مسجد می‌رسانند، گم می‌شود...

کارگران شهرداری بروجرد دو ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 26 تیر آمده است: یک فعال کارگری در بروجرد اعلام کرد: بیش از هزار کارگر شهرداری بروجرد دو ماه حقوق دریافت نکرده‌اند. محمد گودرزی با بیان اینکه اکثر این کارگران در بخش‌های خدماتی و فضای سبز کار می‌کنند، به ایلنا گفت: شهرداری بروجرد در پرداخت حقوق کارگران خود هر چند ماه یکبار فاصله می‌اندازد و هم اکنون نیز این کارگران دو ماه حقوق معوقه طلب دارند. به گفته این فعال کارگری به جهت عدم پرداخت منظم حق بیمه، دفترچه‌های تامین اجتماعی این کارگران تمدید نمی‌شود و این در شرایطی است که حق بیمه از حقوق این کارگران کسر شده ولی به حساب تامین اجتماعی واریز نمی‌شود. او گفت: بدهی‌های شهرداری بروجرد بابت معوقات بیمه‌ای کارگران و کارکنان شهرداری تا پایان سال ۹۰ به نه میلیارد تومان رسیده بود که به بهانه نداشتن درآمد و هزینه‌های بالای شهرداری این بدهی هنوز پرداخت نشده است.

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 26 تیر آمده است: جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر در اعتراض به عدم افزایش مستمری‌شان در سال 91 در مقابل کانون بازنشستگان این شهرستان تجمع کردند.

عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان شوشتر با اعلام این خبر به ایلنا گفت: صبح امروز - سه‌شنبه 27 تیرماه - حدود ۵۰ نفر از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی شهرستان شوشتر به نمایندگی از ۱۲ هزار بازنشسته این شهرستان در اعتراض به عدم افزایش حقوقشان بعد از گذشت چهار ماه از سال در مقابل کانون بازنشستگان این شهر تجمع کردند.

حسین حبیب پور با بیان اینکه این معترضین خواستار افزایش حقوق خود بر اساس نرخ تورم هستند اضافه کرد: همچنین بازنشستگان خواستار اجرای قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و اجرای سایر قوانین مغفول مانده‌ی حمایتی شدند.

او با تأکید بر اینکه روز به روز شرایط معیشتی بازنشستگان سخت‌تر می‌شود ادامه داد: بازنشستگان خواستار پرداخت معوقات حقوقی بازنشستگی خود از ابتدای سال بوده و نسبت به نحوه محاسبات افزایش حقوق خود نیز اعتراض دارند.

این فعال کارگری در خاتمه گفت: اعضای هیئت مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر نسبت به خواسته‌ای این معترضین قول مساعد داده‌اند.

پایان پیام

سود پرستی کارفرما و صاحبان سرمایه باز هم در محیط کار فاجعه آفرید

رضاء رفیعی

در

شرکت سدید ریخته گر واقع در کمر بندی تهران در ابتدای جاده اسلامشهر؛ روز دو شنبه ۱۵/۰۳/۹۱ ساعت پنج و نیم صبح هنگامیکه کارگران شیفت صبح در ساعات اضافه کاری در پای کوره ذوب فولاد بودند بجهت آنکه در میان آهن قراضه های مخصوص ذوب؛ انواع خمپاره ها ی ضایعاتی وجود داشت که از سپاه پاسداران خریداری شده بود. خرید این نوع ضایعات بجهت سود جویی کارفرما و صاحبان سرمایه برای کاهش قیمت ضایعات خریداری شده و کسب سود و درآمد بیشتر بود. کوره ۱۶ تنی ذوب منفرج شد و سه کارگر را در جا کشت و دو کارگر دیگر نیز بشدت زخمی شدند اسامی کارگرانی که جان خود را در این حادثه دلخراش از دست دادند عبارت است از:

۱- علی سلطانی

۲- محمد فلاح

۳- زکریا علی احمدی

کارگران زخمی شده عبارتند از :

۱- نبی اله رضایی

۲- راشدی

ضمن تأسف و تألم شدید؛ این ضایعه دردناک را به خانواده جان باختگان؛ جامعه کارگری؛ جامعه بشری و همه انسان های شرافتمند که برای آزادی و رهایی انسان تلاش می کنند عمیقاً تسلیت می گوئیم.

کارگران پس از حادثه دست به اعتصاب؛ تظاهرات و شعار بر علیه مدیریت کارخانه زدند قصد گوشمالی مدیریت داشتند و مدیریت با مدت ها عدم حضور در صحن کارخانه اتخاذ روش های مختلف توانستند کارگران خشمگین را کنترل کنند.

این کارخانه سال هاست که بطور مرتب حقوق کارگران را به تعویق می اندازد و کارگران در ۲۴ و ۲۵ تیرماه در همین راستا دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

مجموعه گروه سدید که شامل سدید ریخته گر و سداد ماشین بحال نیمه تعطیل هستند و بسیاری از کارگران خود را اخراج کرده اند. و شرکت لوله و پروفیل سدید که یکی از بزرگترین کارخانجات تولید لوله بوده است سال هاست که تعطیل است. این مجموعه در اوایل انقلاب به بنیاد صدوق (متعلق به آیت الله صدوقی امام جمعه قبلی یزد) بخشیده شد و پس از سال ها بهره کشی از آن بخشی را به مدیران دست نشانده و بخشی نیز هنوز وابسته به همان بنیاد غارت و چپاول است.

یک فعال کارگری در سنندج به سه سال زندان تعزیری محکوم شد.

به نوشته سایت موکریان در 27 تیر آمده است : شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج پدram نصراللهی را به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و همکاری با یکی از گروه‌های مخالف نظام به تحمل یک سال حبس تعزیری و از حیث عضویت در کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، به تحمل ۲ سال حبس تعزیری محکوم کرد.

بیشترین حوادث ناشی از کار در ساختمان سازی اتفاق می افتد

ایلنا: به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 27 تیر آمده است : عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: به علت عدم تعریف استانداردهای کاری در بخش ساختمان بیشترین آمار حوادث ناشی از کار در این بخش رخ می‌دهد.

عبدالله مختاری با انتقاد از عدم رعایت استانداردهای ایمنی در بخش ساختمان، به ایلنا گفت: به علت عدم حضور بازرسی کار در کارهای ساختمانی الزامی جدی در خصوص رعایت استانداردهای ایمنی از سوی پیمانکاران وجود ندارد.

این فعال کارگری یاد آور شد: بیشتر حوادث ساختمانی در گودبرداری، احداث سقف‌ها، نصب اسکلت، بالابرها، سیم‌های برق و... اتفاق می‌افتد که باید توجه بیشتری به این حوزه‌ها اعمال شود.

وی همچنین با اشاره به بحث داربست بندی، از آن به عنوان یکی از موارد حادثه ساز در ساخت و سازهای معماری نام برد و ادامه داد: بسیاری از مرگ و میرهای ناشی از حوادث کار در ساختمان به علت بستن نامناسب داربست اتفاق می‌افتد.

به گفته مختاری: استفاده از کارگران ساده، نبود دانش کافی ایمنی، نبود منابع مالی کافی برای بکارگیری تجهیزات ایمنی و... از جمله مواردی است که وقوع حوادث و کاهش ایمنی را بخصوص در حوزه ساختمان سازی افزایش داده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود از وقوع مرگ و میرهای دسته جمعی ناشی از حوادث کاری در بین کارگران ساختمانی درکشور هشدار داد و گفت: این موضوع می‌تواند زنگ هشدار برای کارشناسان ایمنی باشد.

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران مهتربین دلیل وقوع حوادث ساختمانی را عدم وجود برنامه‌ای جامع برای ایمنی و نبود الزام برای آموزش ایمنی به کارگران عنوان کرد و افزود: حساسیت موضوع ایجاب می‌کند در این زمینه بطور اساسی وجدی فرهنگ سازی شود و مشوقهای ایمنی در محیط‌های کاری افزایش یابد.

پایان پیام

نظارت بر امنیت کارگران ساختمانی قربانی سودجویی پیمانکاران می‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 27 تیر آمده است: رئیس هیات مدیره کانون کارگران ساختمانی کشور، نسبت به عدم نظارت سازمان نظام مهندسی، شهرداری‌ها و وزارت مسکن و شهرسازی بر امنیت کارگران ساختمانی هشدار داد. اکبر شوکت در انتقاد از بی‌اهمیتی امنیت کارگران ساختمانی به ایلنا گفت: متأسفانه ۵۰ درصد حوادث شغلی کشور، مربوط به کارگران ساختمانی است که این میزان در مقایسه با میزان جهانی که ۱۷ درصد است، رقم قابل تاملی محسوب می‌شود. وی افزود: متأسفانه نهادهای مسئول در این زمینه یعنی سازمان نظام مهندسی، شهرداری‌ها و وزارت مسکن و شهرسازی، اهمیتی به امنیت کارگران ساختمانی نمی‌دهند و با توجه به اهمیت این مساله، هر روز شاهد بروز حوادث تلخی برای کارگران ساختمانی کشور هستیم به طوری که عموماً نظارت بر امنیت کارگران ساختمانی قربانی سودجویی پیمانکاران می‌شود. این فعال کارگری، معتقد است بسیاری از مهندسين ناظر بر ساختمان‌ها، خودشان کارفرما بوده و در زمینه ساخت و ساز فعالیت می‌کنند که این مساله باعث می‌شود در روند نظارت بر امنیت کارگران ساختمانی بی‌اهمیت باشند و با تمام توان تلاش می‌کنند مشکلات ایمنی را بی‌اهمیت جلوه دهند. شوکت، به کارگیری وسایل مرغوب در تامین امنیت کارگران ساختمانی را یکی از دلایل اصلی بروز حادثه در محیط ساخت و ساز عنوان و خاطرنشان کرد: کلاه ایمنی و دیگر وسایل مورد نیاز برای تامین امنیت کارگران ساختمانی، به صورت منظم و علمی تامین نمی‌شود و همین مساله تأثیر زیادی در افزایش حوادث ساختمانی می‌گذارد. رئیس هیات مدیره کانون کارگران ساختمانی کشور تصریح کرد: عدم نظارت دستگاه‌های مرتبط با حوزه فعالیت‌های ساختمانی موجب می‌شود، کارفرما نیز، اهمیتی برای امنیت کارگران قائل نباشد و در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا، ضریب ایمنی در فعالیت‌های ساختمانی در کشور، کاهش یابد. این فعال کارگری، آموزش اجباری کارگران ساختمانی به مسائل حقوقی و همچنین مسائل امنیت شغلی را یکی از راهکارهای موجود در زمینه کاهش حوادث ساختمانی عنوان و تأکید کرد: باید بادر نظر گرفتن مشوق‌های مناسب برای کارگران، زمینه آموزش آن‌ها را برای آگاهی از مسائل حقوقی و مسائل مرتبط با ایمنی شغلی فراهم کنیم. وی ادامه داد: در صورت برگزاری دوره‌های جامع و کامل آشنایی با مسائل ایمنی، کارگران نسبت به اهمیت امنیت شغلی و رعایت موارد ایمنی توسط کارفرما آگاه شده و روند بروز حوادث شغلی در محیط کار ساختمانی رو به کاهش می‌رود. شوکت در پایان از ارائه طرحی برای کاهش حوادث کارگران ساختمانی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی خبر داد و تأکید کرد که در صورت مساعدت نمایندگان و ورود و تصویب این طرح در مجلس، می‌توانیم شاهد کاهش بروز حوادث ساختمانی در کشور باشیم.

پایان پیام

اختصاص 10 میلیارد تومان برای پرداخت مطالبات چایکاران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 27 تیر آمده است: نماینده مردم رشت از اختصاص 10 میلیارد تومان از سوی ریاست جمهوری برای پرداخت مطالبات چایکاران خبر داد. غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی در گفتگو با خبرنگار ایلنا در رشت با اشاره به نشست مشترک صبح امروز مجمع نمایندگان و استاندار گیلان با مرادی معاون راهبردی رئیس جمهور در تهران اظهار داشت: این نشست در راستای سیل اخیر گیلان برگزار و آسیب‌های حادثه غیر مترقبه دیروز این استان مورد بررسی ویژه قرار گرفت. به گفته وی همچنین ۹ نماینده مردم گیلان در مجلس شورای اسلامی در این جلسه بحث زیرساخت‌های گیلان، توجه به آسیب‌های سیل، آب و فاضلاب، چای و مورد بررسی قرار دادند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نهم، ابراز داشت: در این جلسه مقرر شد ۱۰ میلیارد تومان مطالبات چایکاران پرداخت شود که این مبلغ امروز به حساب سازمان چای کشور واریز می‌شود تا در اسرع وقت به چایکاران پرداخت شود. جعفر زاده ایمن آبادی، بیان داشت: در نشست با معاون راهبردی رئیس جمهور مقرر شده که تا روز پنجشنبه جاری کار کارشناسی روی موضوع خسارت‌ها انجام گیرد و در جلسه فردا هیات دولت به این امر توجه ویژه خواهد شد. وی متذکر شد: در این نشست جعفرزاده، لاهوتی، قربانی، حکیمی، خسته بند، رهبری، ندیمی و کوچکی نژاد نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و سعادت‌انداز گیلان ریزی حضور داشتند. کارشناس ارشد عمران در پایان، اذعان کرد: مرادی معاون راهبردی رئیس جمهور در جلسه مذکور عنوان کرد تا پس از پایان ماه مبارک رمضان همراه با معاونین خود به گیلان سفر خواهند کرد.

پایان پیام

طی ۱۰ سال خصوصی‌سازی رخ داد:

عدم پرداخت حقوق و تعدیل تدریجی کارگران پلاستیک شاهین

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 28 تیر آمده است: یک عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور اعلام کرد: با خصوصی سازی کارخانه پلاستیک شاهین طی ۱۰ سال اخیر به تدریج کارگران این واحد تولیدی از ۴۰۰ نفر به ۵۰ نفر کاهش یافته است.

مهدی نجفپور با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه پلاستیک شاهین در سال ۸۰ پیش از خصوصی سازی بیش از ۴۰۰ کارگر داشت که در طی ۱۰ سال پس از واگذاری این کارخانه بیش از ۳۵۰ کارگر به تدریج تعدیل شدند.

او با اشاره به بازنشستگی ۵۳ کارگر در مرداد ماه سال ۹۰ افزود: در سال ۹۰ به جهت عدم نیاز و کاهش تولید از سوی مدیران این کارخانه، ۳۴ کارگر تمدید قرار داد نشده و بیکار شدند و این درحالیست که در طول این سالها به ازای بازنشستگی و اخراج کارگران نیروی جدید جایگزین نشده است.

این فعال کارگری ادامه داد: طی سه ماهه گذشته نیز بیش از ۲۰ کارگر این کارخانه تمدید قرارداد نشده و مطالبات خود را دریافت نکرده اند. این فعال کارگری در ادامه از عدم پرداخت دو ماه حقوق معوقه این کارگران در سال جدید خبر داد و اظهار داشت: طبق گفته کارگران از ابتدای فروردین ماه سال جاری بیمه کارگران این واحد تولیدی نیز پرداخت نشده است.

به گفته نجفپور تعدادی از بازنشستگان این واحد تولیدی هنوز مطالبات خود را دریافت نکرده و چکهای داده شده به این کارگران فاقد اعتبار بوده و برگشت خورده است.

او اضافه کرد: تا مهرماه سال ۹۰ قرارداد کارگران باقی مانده در کارخانه پلاستیک شاهین شش ماهه بود و پس از این تاریخ به جهت تغییر مدیر عامل کارخانه قراردادها سه ماهه و از دی ماه به یک ماهه تبدیل شده است.

نجفپور از افزایش مشکلات کارگران این کارخانه ابراز نگرانی کرد و گفت: این واحد تولیدی در تهیه مواد اولیه خود که قبلا از کشورهای دیگر وارد می شده است مشکلی ندارد و هم اکنون مواد اولیه خود را از شرکتهای داخلی تهیه می کند.

او با بیان اینکه مسئولان این کارخانه در طول این مدت سعی کرده اند به نحوی عرصه را بر کارگران تنگ کنند افزود: با قطع اضافه کاری، سرویس ایاب ذهاب، صبحانه و خدمات درمانی (در پی قطع همکاری با پزشک و بهیار) بر مشکلات کارگران افزوده اند.

نجفپور با اعلام اینکه پی گیری کارگران و نمایندگان شان در جهت حل مشکلات این واحد تولیدی به نتیجه نرسیده است ادامه داد: تعدادی از اعضای شورای کارگری این کارخانه به جهت پی گیری مطالبات کارگران در فروردین ماه سال جاری اخراج شده و دفتر این شورا هم اکنون به حالت نیمه تعطیل در آمده است.

گفتنی است کارخانه پلاستیک شاهین تولید کننده چرم مصنوعی جهت ساخت مبلمان است و عمده مواد اولیه مورد استفاده این کارخانه پی وی سی است.

۹ ماه تعویق در پرداخت حقوق کارگران مجتمع دامداری مهاباد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 28 تیر آمده است: عضو شورای اسلامی کار مجتمع دامداری مهاباد اعلام کرد: ۹ ماه از حقوق معوقه بیش از ۴۰ کارگر این واحد تولیدی هنوز پرداخت نشده است.

یعقوب کریمی با بیان اینکه حقوق معوقه کارگران شامل ۵ ماهه اول سال ۹۰ و چهار ماهه سال جاری است، به ایلنا گفت: عیدی و پاداش و سایر مزایای قانونی این کارگران نیز پرداخت نشده است.

این فعال کارگری با تاکید بر اینکه واردات بی رویه گوشت باعث افزایش مشکلات این واحد تولیدی شده است، اظهار داشت: تعویق حقوق، عدم تمدید قرارداد و بلا تکلیفی کارگران از تبعات واردات بی رویه گوشت است.

کریمی در ادامه افزود: مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد در گذشته ۱۳۰ کارگر رسمی فعال داشته است که هم اکنون این تعداد به ۴۰ نفر کاهش یافته که این کارگران نیز با قرارداد موقت کار می کنند.

گفتنی است مجتمع دامداری مهاباد وابسته به شرکت غدیر سبز، داری زیر مجموعه های صنعتی چون هما مرغ، سردخانه زمزم، و کشت صنعت مهاباد است.

کمبود نقدینگی عامل اصلی تعدیل نیرو در صنعت خودرو

به نوشته پرشین خودرو آمده است: عضو هیات مدیره انجمن قطعه سازان ایران کمبود نقدینگی در صنعت خودرو را مهمترین دلیل تعدیل نیروی کار در این صنعت عنوان کرد. به گزارش «پرشین خودرو»، محمدرضا نجفی منش با بیان اینکه مشکل نقدینگی قطعه سازان و خودروسازان بسیار جدی است، ادامه داد: بحران نقدینگی در صنعت خودروسازی منجر به تعدیل ۳۰ درصدی نیروی انسانی در این صنعت شده است.

وی با اشاره به اینکه هم دولت و هم مجلس در جریان مشکلات نقدینگی خودروسازان و قطعه سازان قرار گرفته اند، ادامه داد: نمایندگان مجلس برای پیگیری و رفع مشکلات مالی قطعه سازان و دریافت مطالبات قطعه سازان از خودروسازان قول هایی داده اند که ما منتظر اقدام آنان هستیم.

عضو هیات مدیره انجمن قطعه سازان ایران با بیان اینکه در حال حاضر بزرگ ترین و بیشترین مشکلات مربوط به فعالیت تولیدکنندگان قطعات خودرو مربوط به تامین نقدینگی مورد نیاز آنان است، افزود: مهمترین مشکل قطعه سازان تامین نقدینگی لازم برای تهیه مواد اولیه است.

وی با بیان این که مشکلات تامین نقدینگی به چند دلیل مختلف بروز کرده است، گفت: در گذشته قطعه سازان مواد اولیه خارجی را از طریق گشایش اعتبار وارد می کردند، اما در حال حاضر به دلیل مشکلات تحریم این کار به صورت نقدی صورت می گیرد که این امر نیاز به نقدینگی را افزایش داده است.

نجفی منش ادامه داد: علاوه بر آن قطعه سازان در مواردی برای تامین مواد اولیه خارجی از ارز به نرخ آزاد استفاده می کنند که این موضوع قیمت تمام شده را به شدت افزایش داده است. در این شرایط خودروسازان نیز نرخ مرجع ارز را ملاک تعیین قیمت تمام شده تولید قطعات قرار می دهند که به این ترتیب فشار قیمتی زیادی به قطعه ساز وارد می شود.

سه سال حبس برای یک فعال کارگری در سنج

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا آمده است: یک فعال کارگری در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهر سنندج به سه سال زندان تعزیری محکوم شد.

به گزارش موکریان، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج پدram نصراللهی را به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و به نفع یکی از گروه‌های مخالف نظام به تحمل یک سال حبس تعزیری و از حیث عضویت در کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، به تحمل ۲ سال حبس تعزیری محکوم کرد.

گفتنی است، حکم صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان کردستان می باشد.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- بند ۴ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد.
- ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمیتوان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.
- بند ۱ ماده ۲۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.
- بخش الف ماده ۸ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب خود ملحق شود، بایستی به رسمیت شناخته شود.

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 28 تیر آمده است: جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر در اعتراض به عدم افزایش مستمری‌شان در سال ۹۱ در مقابل کانون بازنشستگان این شهرستان تجمع کردند.

عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان شوشتر با اعلام این خبر به ایلنا گفت: صبح امروز - سه‌شنبه ۲۷ تیرماه - حدود ۵۰ نفر از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی شهرستان شوشتر به نمایندگی از ۱۲ هزار بازنشسته این شهرستان در اعتراض به عدم افزایش حقوقشان بعد از گذشت چهار ماه از سال در مقابل کانون بازنشستگان این شهر تجمع کردند.

حسین حبیب پور با بیان اینکه این معترضین خواستار افزایش حقوق خود بر اساس نرخ تورم هستند اضافه کرد: همچنین بازنشستگان خواستار اجرای قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و اجرای سایر قوانین مغفول مانده‌ی حمایتی شدند.

او با تأکید بر اینکه روز به روز شرایط معیشتی بازنشستگان سخت‌تر می‌شود ادامه داد: بازنشستگان خواستار پرداخت معوقات حقوقی بازنشستگی خود از ابتدای سال بوده و نسبت به نحوه محاسبات افزایش حقوق خود نیز اعتراض دارند.

این فعال کارگری در خاتمه گفت: اعضای هیئت مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر نسبت به خواسته‌ای این معترضین قول مساعد داده‌اند.

افزایش نرخ کرایه حمل و نقل عمومی

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر آمده است: رئیس شورای شهر تهران گفت: مصوبه نرخ جدید کرایه های تاکسی با رایزنی‌هایی که با وزیر کشور و معاونانش داشتیم رفع شد و از دیروز برای اجرا ابلاغ شده است

بنا بهمین گزارش، مهدی چمران در حاشیه جلسه روز سه شنبه شورای شهر با تأیید ابلاغ مصوبه شورا در خصوص افزایش نرخ کرایه های حمل و نقل عمومی گفت: ابتدای سال لایحه افزایش نرخ کرایه حمل و نقل عمومی بررسی و برای فرمانداری ارسال شد و فرمانداری به دلیل ابلاغ وزیر کشور در خصوص اجرای این مصوبه در زمان اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه ها با این لایحه مخالفت کرد. در حال حاضر مرحله دوم اجرا نمی شود و موضوعی برای اعتراض فرمانداری وجود ندارد.

وی ادامه داد: با رایزنی هایی که با وزیر کشور و معاون عمرانی او انجام شد برای اجرایی شدن این لایحه به توافق رسیدیم که بلافاصله اجرایی شد و منع قانونی برای آن وجود ندارد.

چمران با اشاره به تغییر مصوبه افزایش نرخ حمل و نقل عمومی گفت: مترو به جای ۱۲ درصد، ۱۰ درصد افزایش داشت و کرایه تاکسی ۱۵ تا ۲۱ افزایش نرخ داشته است. همچنین مصوبه شورا در خصوص نرخ کرایه اتوبوسها بدون تغییر ماند که ۱۹ مسیر در این مصوبه هیچ تغییری نکرد.

وی تأکید کرد: افزایش کرایه ها براساس میزان تورم سالیانه کشور بود و از افزایش برخی از نرخها مانند خدمات پزشکی بسیار کمتر است.

آخرین خبر از وضعیت جلیل محمدی و علیرضا عسگری

بنا بر اخبار رسیده روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۹۱ «جلیل محمدی» و «علیرضا عسگری» به شعبه‌ی ۶ بازپرسی دادگاه کرج و سپس از آنجا به «ندامتگاه مرکزی کرج» منتقل شدند و اکنون در این زندان محبوس هستند. آنان که با دستبند و پابند به دادگاه منتقل شده بودند دارای روحیه‌ای بسیار خوب بوده‌اند اما از لحاظ جسمانی شرایط خوبی نداشته و شواهد نشان می‌دهد که از هر لحاظ شرایط بسیار سختی را از سر گذرانده‌اند.

کمیته‌ی هماهنگی ضمن اعتراض شدید به رفتارهای غیرانسانی مأموران امنیتی با این دو عضو خود، یکبار دیگر تأکید می‌کند که این دو نفر نیز مانند بقیه‌ی افرادی که آزاد شدند هیچ جرمی مرتکب نشده و باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند.

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۱

تجمع اعتراضی کارگزاران شرکت مخابرات استان همدان برای چندمین بار

به گزارش سامانه آنلاین، در 29 تیر آمده است: این تجمع مقابل ساختمان مرکزی مخابرات استان برگزار شد. این گزارش حاکیست، تنی چند از تجمع کنندگان طی گفتگو بی خواستار دریافت حقوق عقب افتاده خود از طریق رسانه‌های استانی شدند. این میان اسد خزانی از کارگزاران نهادند گفت: تنها صحبت ما این است که مطابق "قانون کار" با ما برخورد شود. وی ادامه داد: متأسفانه این چندمین بار است که ما خواسته خود را با مسئولین مخابرات استان در میان می‌گذاریم اما هیچ یک از آنها به هیچ عنوان پاسخگویی مطالبات نبوده‌اند.

وی با اشاره به اینکه حقوق دریافتی کارگزاران و به ویژه کارگزاران روستایی به هیچ وجه پاسخگویی شرایط اقتصادی جامعه نیست اظهار داشت: دریافتی اکثر کارگزاران ماهیانه حدود 170 تا 200 هزار تومان می‌باشد و این در شرایطی است که ما در بعضی اوقات 24 ساعته برای مخابرات کار می‌کنیم.

وی اضافه کرد: با تحصیلات لیسانس و دارا بودن عائله و فرزند تنها در حدود 200 هزار تومان دریافت مالی برخی از ما می‌باشد و این در حالی است که هیچ یک از مسئولین این سازمان قادر نخواهند بود در چنین شرایطی زندگی خود را اداره کنند. همچنین در ادامه الف- ط یکی دیگر از کارگزاران معترض گفت: این اولین بار نیست که ما اعتراضات خود را اعلام می‌کنیم حتی به صورت کتبی نیز این خواسته‌ها را اعلام کرده‌ایم اما پاسخگویی وجود ندارد. وی افزود: ما خواستار این هستیم که در یک جلسه حضوری با مسئولین بتوانیم مشکلاتمان را بازگو کنیم.

وی ادامه داد: ما در روستا باید وقت و بی‌وقت و حتی نیمه شب نیز مشغول به کار باشیم اما در قبال آن هیچ گونه حق و حقوقی دریافت نمی‌کنیم. بگفته این فرد عده‌ای از کارگزاران 18 ماه و عده‌ای 8 ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند مثلاً خود من از دی ماه سال 89 هیچ گونه حق الزحمه‌ای دریافت نکرده‌ام.

وی مسئولین استانی و حتی کشوری را در این خصوصی مقصر دانست و اعلام کرد: مسئولین استانی در قبال ما سلیقه‌ای عمل می‌کنند و مدیران کشوری نیز می‌گویند در قبال کارگزارانی مشابه ما هیچ گونه دستور العملی وجود ندارد.

سه ماه تاخیر در پرداخت بیمه کارگران سامان کاشی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 29 تیر آمده است: یک فعال کارگری در بروجرد گفت: کارخانه سامان کاشی حق بیمه 500 کارگر خود را در سه ماه گذشته پرداخت نکرده است.

محمد گودرزی با اشاره به اینکه کارخانه سامان کاشی یکی از بزرگترین واحدهای تولید کاشی و سرامیک در کشور بوده و از فروش برخوردار است، به ایلنا گفت: بدهی‌های این کارخانه به صندوق تأمین اجتماعی بابت حق بیمه کارگران به بیش از یک میلیارد تومان رسیده است.

گودرزی با اعلام اینکه در حال حاضر سه ماه از بیمه کارگران این کارخانه پرداخت نشده و دستمزد آنان نیز به موقع پرداخت نمی‌شود، اظهار کرد: هر ماه حق بیمه از حقوق کارگران کسر می‌شود اما به حساب تأمین اجتماعی واریز نمی‌شود و به همین جهت عدم تمدید دفترچه درمانی 500 خانواده کارگری آنان را دچار مشکل کرده است.

این فعال کارگری ادامه داد: با وجودی که این واحد تولید کاشی و سرامیک اکثر تولیدات خود را پیش فروش کرده و درآمد خوبی دارد اما کارگران این واحد تولیدی درباره شرایط کاری و درآمدی خود نگرانند بطوری که در ماه گذشته به دلایل نامعلومی کارخانه تعطیل شد و 500 کارگر این واحد تولیدی بیکار شدند و بعد از یک ماه همه این کارگران دوباره به کار دعوت شدند.

او با بیان اینکه هم تعدادی از کارگران سامان کاشی با وجود 20 سال اشتغال، با قرارداد موقت کار می‌کنند، افزود: قرارداد 80 درصد کارگران کارخانه سامان کاشی موقت است که به جهت مشکلات بیمه‌ای امکان بازتسستی برایشان وجود ندارد. دبیر اجرایی خانه کارگر بروجرد افزود: مسئولان استانی نسبت به مشکلات کارگران این واحد تولیدی آگاه بوده اما در این زمینه اقدام قابل ملاحظه‌ای انجام نمی‌دهند.

هشدار درباره بدعت‌گذاری در شرایط کار ماه رمضان؛

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 29 تیر آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر اهواز اعلام کرد: یک واحد تولیدی در اهواز در ماه مبارک رمضان اقدام به تغییر شرایط کار کارگران کرده است.

آقایار حسینی با بیان اینکه اقدام این واحد تولیدی مغایر با قانون کار است به ایلنا گفت: یک واحد بزرگ تولیدی در اهواز به بهانه ماه رمضان اقدام به تغییر شرایط کار کارگران کرده و با حذف شیفت روزانه این کارگران از آنان خواسته است از یازده شب تا هفت صبح در محل کار خود حاضر شوند.

این فعال کارگری در خصوص چنین بدعت‌گذاری‌هایی به مناسبت‌های مختلف که ناقض قانون کار است هشدار داد و افزود: تغییرات این‌چنینی زمینه را برای کنار گذاشتن سایر مواد قانون کار فراهم می‌آورد.

او با اشاره به سابقه 30 ساله این واحد تولیدی اضافه کرد: این کارخانه با وجود استمرار در تولید با کارگران قرارداد یک ماهه منعقد می‌کند و در پایان هر ماه با کارگرانی که بعضاً بیش از 10 سال سابقه کار دارند نیز تسویه حساب کرده و حتی سنوات ماهانه آنان را نیز پرداخت می‌کند.

حسینی در پایان با اشاره بر وضعیت نامطلوب معیشتی کارگران خوزستانی افزود: این کارگران بدون حامی با حداقل درآمد به استقبال ماه مبارک رمضان می‌روند.

به سازمان جهانی کار و تمامی اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری

شاهرخ زمانی

دوستان، ما مجموع کارگران 12 میلیونی ایران به همراه خانواده‌های فقیر و فلاکت سرمایه زده خود با جمعیتی 50 میلیونی طبقه کارگر

ایران اکثریت نفوس 75 میلیونی ایران را تشکیل می دهد. از قدرتیازو و فکر ماست که در عرصه های صنعت و معدن و کشاورزی و ساختمان و در سایر موارد همه چیز تولید می شود. اما کل ثروت تولید شده از گذشته و اکنون همگی نصیب سرمایه داران می شود. و خودمان در گرسنگی دائمی به سر می بریم و کمترین بهره ای از دست رنج خود نمی بریم.

در نتیجه پیاده کردن سیاست های ضد کارگری رژیم اسلامی در عرصه های مختلف اقتصادی مانند خصوصی سازی ، حذف یارانه ها ، تعدیل نیرو ، حذف امنیت شغلی ، رواج قراردادهای موقت و سفیدامضا ، بر داشتن گمرکات مرزی ، واردات کالاهای بنجل توسط مافیای رانتی- دولتی - انحصاری هشتاد در صد تولید صنعتی و کشاورزی مانند چای ، کفش ، نساجی ، قطعه سازی ، قند و شکر و دیگر موارد نابود شده است.

در نتیجه پیاده کردن این برنامه ها نصف بیشتر جمعیت فعال 26 میلیونی کشور بیکار شده ، 95 در صد اشتغال دائم از بین رفته ، دستمزد ها به 1 چهارم تا 1 پنجم زیر خط فقر تصویب شده است . در هماهنگی کامل جناح های مختلف سرمایه داری سیاست های نامبرده در بالا و تحریم مشترک جهانی به صورت بی سابقه ای 80 در صد مردم به زیر خط فقر سقوط کردند. در چنین جایگاه نا امن اجتماعی تنها چیزهای که سعود ورشد کرده و بالاترین آمارهای جهانی را نصیب مردم ایران کرده است عبارتند از : گرانی ، فحشا ، اعتیاد ، طناب دار ، و...

با توجه به شرایط موجود و حمله مستقیم و غیر مستقیم سرمایه داران توسط دولت مطبوع خود به هستی کارگران و با توجه به ادعای دروغین جمهوری اسلامی در دفاع از کارگران ، طبقه کارگر از هر گونه حق و حقوق همچون حق تشکل ، حق اعتصاب و ... که از مصوبات سازمان کار بوده و حکومت اسلامی به عنوان عضو ، آنها را پذیرفته است اما در عمل ابزاری در دست سرمایه داران در هجوم ددمنشانه تمامی عرصه کار و زندگی و سفره خالی کارگران است . سرمایه داران از طریق دولت خود یعنی جمهوری اسلامی ایران توانستند کارگران را از تمامی حقوق خود محروم کنند. کوچکترین فعالیت کارگرانحتی فعالیت های که در چها چوب قوانین مصوب خود جمهوری اسلامی است با اخراج ، شکنجه ، وزندان مواجه می شود.

تمامی قوانین حمایتی در مواد قانون کار به نفع سرمایه داری حذف شده یا در حال حذف شدن قرار دارد. ریاست سازمان جهانی کار و دوستان سندیکای، در کشور ما با اساس و فعالیت کارگری حتی نسبت به کشورهای کم رشد یافته همسایه مانند افغانستان ، پاکستان ، عراق و... که حق تشکل و جمعیه رسمیت شناخته شده است تفاوت بسیاری وجود دارد جمهوری اسلامی علی رغم ظاهر دروغ پردازش حتی با کوچکترین آثار فعالیت قانونی کارگری به شدت بر خورد ضد کارگری و سرکوب می کند . سرکوب اعتصابات کارگری ، قانون اعدام برای اعتصابات در صنایع ماشین سازی ، اخراج ، اذیت و آزار ، تعقیب و زندان ، شلاق زدن فعالین تشکل های کارگری و... از کار های روز مره حکومت اسلامی در دفاع از سرمایه داری است.

در ردیف بدترین سیاست های سرکوب دروغین قانونی تشکل های کارگری که با چسباندن آنها به عناوین مختلف به اپوزیسیون ضد حکومتی و با پرونده سازیهای دروغین و ضد کارگری حبس های سنگینبه آنها می دهد. تا از شکل گیری تشکل های کارگری جلو گیری نماید. در این مورد بهنام ابراهیم زاده ، شاهرخ زمانی ، محمد جراحی و... را می توان مثال آورد که با اتهامات دروغین بهنام را به 5 سال ، محمد جراحی را به 6 سال و شاهرخ زمانی را به 11 سال محکوم کرده اند.

امید و آرزو ما کارگران زندانی برای آزاد شدن به اعتراضات و مبارزات سازمان یافته داخلی و جهانی کارگران است تا از این طریق ضمن آزاد شدن ما جلو گیری از سرکوبهای جدید ، جلوگیری از هجوم حکومت ضد کارگری ایران به تشکل های موجود و فعالین امکان پذیر شود. تنها راه جلو گیری از سرکوب مبارزات و باز پس گیری دست آوردهای 200ساله طبقه کارگران در تشکل یابی ، اعتصابات و همبستگی می باشد. این مهم فقط در سایه وحدت تشکل های داخلی و جهانی ممکن است. کارگران و دوستان آیا می دانید:

چرا سندیکاهایی کارفرمایان توسط جمهوری اسلامی همه جانبه حمایت می شوند؟
اما سندیکاهای کارگران توسط جمهوری اسلامی همه جانبه و بشدت سرکوب می شوند؟
تشکل و اعتصاب حق مسلم کارگران است.

زندان مرکزی یزد
شاهرخ زمانی
29/4/1391

مجروح شدن چهار کارگر ساختمانی در تبریز و لاهیجان

بر پایه گزارش سایت خبرگزاری هرانا در 29 تیر آمده است: در طی دو حادثه جدا گانه که در تبریز و لاهیجان به وقوع پیوست چهار کارگر ساختمانی در حین کار بشدت مجروح شدند.

به گزارش آفتاب، در مورد اول کارگر بیست و هفت ساله دیروز هنگام کار از ساختمانی سه طبقه روی ستون بتونی که داخل آن میلگرد بود، سقوط کرد که در این حادثه دو میلگرد یک و نیم متری به بدن وی فرو رفت.

تیم جراحی بیمارستان رازی رشت روز گذشته پس از یک ساعت و نیم تلاش توانستند میلگردهای آهنی را از بدن کارگر بیست و هفت ساله لاهیجانی خارج کنند. حسین همتی، فوق تخصص جراحی عروق گفت: میلگردها از ناحیه قفسه سینه این مرد بیست و هفت ساله وارد و از گردن وی خارج شده بود.

به گزارش ایلنا، در مورد دوم که در خیابان دکتر فاطمی تبریز اتفاق افتاد سه کارگر جوان در اثر بی احتیاطی در حفاری در زیر چندین تن خاک مدفون شدند. این حادثه نیز با حضور به موقع نیروهای امداد و آتش نشانی به مرگ کسی منجر نشد. بررسی موارد حقوقی نقض شده

در این گزارش:

• بخش ب ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: ایمنی و بهداشت محیط کار به رسمیت شناخته شود.

گزارشی از تظاهرات ۱۴ ژوئیه در کلن

در اعتراض به حملات وحشیانه و ضد انسانی عمال جمهوری اسلامی در یزد نسبت به شهروندان افغانستانی و حمایت از این مردم ستم‌دیده، گروه‌های وسیعی از نیروهای چپ و مترقی کلن و فرانکفورت تظاهرات بزرگ و موفقیت آمیزی را در روز شنبه ۱۴ ژوئیه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار کردند. برگزار کنندگان این آکسیون که طی جلساتی آنرا تدارک دیدند عبارت بودند از:

- دسته ۸ مارس افغانستان (فرانکفورت))

- نشریه روشنگر (فرانکفورت)

- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران-غرب آلمان

- کانون همبستگی با کارگران در ایران-نوردراین وستفالن

- جمعی از چپ‌های کلن

- حزب کمونیست ایران (کلن)

- حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست)

- سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر-هیئت اجراییه (واحد بوخوم)

- علاوه بر اینها حزب کمونیست کارگری ایران، هسته اقلیت، منشعبین از حزب حکمتیست، راه کارگر (کمیته مرکزی) و آثارشبهت‌های کلن نیز از این آکسیون حمایت کردند. لازم به ذکر است که نقش منفردین چپ و رادیکال و دمکرات در این آکسیون چشمگیر و مؤثر بود.

حزب کمونیست کارگری با وجودی که در مذاکرات اولیه بالاخره توافق کرد که فراخوان مشترک امضاء کند و جزو برگزار کنندگان باشد، اما روز بعد اعلام انصراف داد و فراخوان مستقل خودشان را دادند، اما بعنوان حمایت کننده، فعالانه در آکسیون شرکت کردند و حتی بخش عمده‌ی تدارکات و امور فنی را بعهده گرفتند. با وجود این سعی بسیاری نمودند که تظاهرات را به نام خودشان تمام کنند (با بالابردن پرچم هایشان، نصب تابلوی شان در جلوی میز، بیش از حد مقرر صحبت کردن و ...).

برنامه علیرغم طوفان و باران شدید که امکان هیچ کاری را نمیداد با سخنرانی‌ها و پیامهای نمایندگان گروه‌های برگزارکننده و حمایت کننده در زیر چادر شروع شد. چند گروه افغانی از فرانکفورت و کلن و شهرهای اطراف با سخنرانی و قرائت پیام و شعرخوانی، نقش فعالی در این آکسیون داشتند. جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران با اجرای یک برنامه‌ی صحنه‌ی اعدام، سهم خود را در این آکسیون ادا کردند. نماینده حزب مارکسیست - لنینیست آلمان طی سخنان کوتاهی ضمن محکوم کردن اعمال فاشیستی جمهوری اسلامی علیه مردم افغانستان، حمایت خود را از آکسیون اعلام نمود.

گروهی از جوانان مارکسیست، آثارشبهت و رادیکال آلمانی و خارجی به نام "No Border Camp" (کمپین بدون مرز) که از چند روز پیش کارزاری را در حمایت از پناهندگان و علیه قوانین ضد پناهندگی دولت آلمان برگزار کرده بودند، برای اعلام همبستگی با تظاهرات ما از محل کمپ خود بطور جمعی و با مراقبت پلیس بسوی ما آمدند. اما با ملاحظه‌ی پرچم حزب کمونیست کارگری در اجتماع ما، ابتدا صف خود را جدا کرده و سپس نماینده‌ی خود را انتخاب کردند که پیامشان را اعلام کنند. نماینده‌ی نفر ایرانی بود که فارسی صحبت میکرد. او بجای اعلام پیام همبستگی، اعلام کرد که ما میخواهیم بگوئیم که چرا این آکسیون را به اعتراض ترک می‌کنیم و علت آن با توجه به تجربه‌ی ای که در آکسیون پناهندگان در شهر ورتسبورگ داریم، حضور حزب کمونیست کارگری در اینجاست که از نظر ما یک جریان فاشیستی است و ... در این لحظه افراد حزب کمونیست کارگری شروع به هو کردن و سرو صدا نمودند و چند نفر از آنها به آن نماینده و مترجمش حمله کرده و قصد زدن آنها را داشتند، که جلویشان گرفته شد و این وضعیت که برای لحظاتی برنامه را متشنج و مختل نمود، با دخالت مسئولین بزودی کنترل را بدست گرفته و برنامه منظماً بکار خود ادامه داد.

در حاشیه این حادثه، افراد حزب کمونیست کارگری آن جوانان را متهم کردند که جاسوسان جمهوری اسلامی بوده و از جمهوری اسلامی پول گرفته و وابسته به جریان سبز و موسوی چی هستند و ... از جمله جوان مترجم را که فرزند یکی از رفقای ما و جوان رادیکالی است و در آن کمپین نقش فعالی دارد به این اتهامات ناشایست متهم نمودند. این برخوردها و سایر رفتار اینان، تمامی گروه‌های برگزار کننده را به این نتیجه رساند که دیگر با این جریان هیچگونه برنامه مشترکی به هیچ شکل نداشته باشند، مگر تا زمانی که خود را تصحیح کرده، حد و حدود خود را شناخته و حقوق سایر گروه‌ها را برسمیت بشناسند.

این برنامه با خواندن قطعنامه و سر دادن چندین شعار و پخش سرودهای انقلابی افغانی و ایرانی به پایان رسید.

بدنبال آکسیون هفته پیش در اعتراض به تهاجم نیروهای جمهوری اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و دستگیری حدود ۶۰ نفر از آنان که توسط ۶ حزب و سازمان و نهاد مشترکاً برگزار شد و بسیار موفقیت آمیز بود، این آکسیون که با نیروهای بیشتری و در سطح وسیعتری برگزار شد دومین گامی در همکاری و فعالیت مشترک نیروهای چپ بود که امید می‌رود با تداوم این حرکات و روحیات و مناسبات وحدت طلبانه بر پراکندگی و سکتاریسم موجود در نیروهای چپ غلبه کرده و افق روشنتری از نقش نیروهای چپ در صحنه سیاسی به نمایش بگذارند.

کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - غرب آلمان

نامه سرگشاده کانون صنفی معلمان ایران درباره معلم دربند "سید محمود باقری"

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در 29 تیر آمده است: سید محمود باقری عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران که در دو پرونده جداگانه مجموعاً به نه و نیم سال حبس تعزیری و تعلیقی محکوم شده بود، دوشنبه ۵ تیر ماه سال جاری جهت اجرای حکم بازداشت شد. در این رابطه کانون صنفی معلمان ایران نامه سرگشاده‌ای را خطاب به ریاست قوه قضاییه نگاشته اند که در زیر می‌خوانید:

به نام خداوند جان و خرد

حضرت آیت الله لاریجانی ریاست محترم قوه قضاییه با سلام و احترام همان گونه که مستحضرید، آموزش و پرورش ایران سال هاست که از آسیب ها و ناکارآمدی های فراوان در زمینه های مختلف از جمله مشکلات معیشتی معلمان در رنج است. نیاز به تکرار نیست و بی شک شما نیز آگاهی که قشر حقوق بگیر جامعه به ویژه فرهنگیان بیشترین آسیب ها را از فشار تورم و نابسامانی های اقتصادی متحمل شده است.

در همین راستا، کانون های صنفی معلمان در پاسخ به نیاز بخش قابل توجهی از فرهنگیان کشور که از وضع دشوار معیشتی خود در رنج بوده اند، با روش هایی کاملاً مسالمت آمیز، به طرح و پی گیری خواسته های آنان پرداخته که یکی از نتایج آن، تدوین و اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت بوده است. قانونی که اگر درست اجرا می شد می توانست پاسخی به بی عدالتی های موجود در نظام پرداخت حقوق در کشور باشد. متأسفانه این گونه پی گیری های فعالان صنفی معلمان منجر به صدور احکام قضایی برای شمار زیادی از آنان گردید که پرونده تعدادی از این فعالان همچنان مفتوح است و برخی دیگر نیز شرایط سختی را در زندان سپری می کنند. اما جدیدترین و شاید عجیب ترین برخورد قضایی که در نوع خود بی نظیر است، اجرای ناپاورانه ی حکم نه سال و نیم زندان برای آقای سید محمود باقری، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران است. او که سابقه ی ۱۸ ماه حضور در جبهه را در پرونده خود دارد، دبیر فیزیک خوشنام و نمونه منطقه چهار تهران با ۲۷ سال سابقه مثبت آموزشی که ۵ سال آن تدریس در مناطق محروم کشور بوده، دو بار انتخاب به عنوان معلم نمونه، دارای ده ها مورد تشویقی از مسئولان آموزش و پرورش و مدیران مدارس و ده ها ویژگی مثبت دیگر است.

بی شک خبر مربوط به بازداشت او، باعث بهت و حیرت بسیاری از فرهنگیان، دانش آموزان، دوستان و مجموعه ی کسانی گردیده است که او را به ملائمت طبع، قانون گرایی، اعتقاد به فعالیت در چارچوب های پذیرفته شده و البته استقامت در راه هدف های مقدسی که به آن ها باور دارد، می شناسند.

ریاست محترم قوه قضاییه

به راستی اینگونه برخوردها ی قضایی چه سنخیتی با رهنمودهای اخیر رهبریت نظام دارد؟ آن جا که بیان نموده اند: ... سیاست قوه قضاییه را این قرار دهید که مسأله زندان حل شود. هم از جنبه ی مجازاتی و هم هرچقدر ممکن است مجازات زندان کاهش پیدا کند... زندان پدیده ای است نامطلوب برای خود زندانی، خانواده او و محیط کارش...

جناب آقای لاریجانی

آیا زندانی کردن معلمی که دغدغه اش حمایت از حقوق صنفی همکاران، آن هم به شکلی کاملاً مسالمت آمیز بوده است، در راستای رهنمودهای رهبری نظام است؟ آیا جز این است که زندانی کردن امثال باقری نه تنها اثری مثبت برای او، فرزندان نوجوان و همسر چشم انتظارش - که او نیز معلمی شریف از معلمان این کشور است- ندارد، بلکه باعث می شود خانواده به ویژه فرزندان، همکاران، دانش آموزان و همه ی کسانی که او را می شناسند و به صداقت و بی گناهی او باور دارند، نسبت به اینکه زندان محل حضور افراد بزهکار و مجرمان خطرناک و بدکاران است تردید کنند. با این وصف آیا زندانی کردن این معلم به صلاح کشور و نظام است؟ آیا حضور او در اجتماع می تواند خطر یا فساد ایجاد کند؟

حضرت آیت الله

شما بالاترین مقام قضایی کشور هستید. بنابراین بیشترین مسئولیت هم متوجه شماست. ما، همکاران و دوستان آقای باقری، با توجه به شناختی که از ایشان داریم، باورمان این است که وی کاملاً بی گناه است و زندانی شدنش ستم بزرگی است که بر وی و خانواده فرهنگی اش روا داشته شده است. ما از شما می خواهیم به حرمت ۲۷ سال تلاش صادقانه ی این معلم کوشا و پاک زیست، دستور فرمایید ضمن توقف فوری اجرای حکم ایشان بار دیگر پرونده اش مورد بازنگری قرار گیرد. باشد که بی گناهی اش بر شما نیز نمایان گردد. باور کنید زندان جای باقری و امثال او نیست؛ چنین افرادی سرمایه های کمیاب این کشورند. زندان جای دزدان بیت المال، ریاکاران وطن فروش و متجاوزان به حقوق ملت است. آن ها که اموال مردم را به یغما می برند و مسبب مشکلات فراوانی هستند که دامنگیر این ملت بزرگ گردیده است؛ نه معلمی که به رغم کمبودها و نارسایی ها، با کمترین حقوق و امکانات مادی، زندگی خود را وقف خدمت به فرزندان این مرز و بوم نموده است.

کانون صنفی معلمان ایران

اعتصاب کارگران کارخانه سیمان اصفهان

برپایه خبردریافتی به روز شمار کارگری آمده است : ناراضیاتی کارگران نسبت به قراردادهای موقت به صنعت سیمان کشور نیز کشیده شده است. کارخانه سپاهان اصفهان شاهد اعتصاب برخی از کارگران خود در هفته های گذشته بود.

براساس آمار وزارت صنایع و معادن در سال ۱۳۸۳ جمعیت شاغل در صنایع سیمان حدود هجده هزار و صد نفر بوده است. علیرضا نوایی از فعالان اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران، جزئیات اعتصاب کارگران سیمان سپاهان، اتمام اعتصاب آنان و خواست کارگران را اینگونه بازگو می کند: « ۷۰۰ نفر از کارگرهای پیمانی کارخانه سیمان سپاهان اصفهان دو هفته در اعتصاب بودند. خواست اصلی آن ها خواست خیلی از کارگران یعنی حذف شرکت های پیمانکاری و تبدیل شدن به کارگران قراردادی است. آنها خواست خود را براساس مصوبه هیئت وزیران در پیوند با تبدیل وضعیت کارگران پیمانی و برخورداری از حق مساوی با کارگران رسمی در پیوند با پرداخت کارانه و بهروری کار مطرح کرده اند.

اگر بخواهیم ساده اش کنیم، مسئله پاداش افزایش تولید است که آمده اند این مسئله را به صورت فرمول رهایی به اسم مسئله کارانه و بهروری کار درآورده اند که هر وقت بتوانند براساس این فرمول ها تعدادی از کارگران را از پاداش اضافه تولید محروم کنند. این کارگران که اعتصاب شان را شروع کردند، یک مرحله از مبارزیشان در رابطه با تبدیل وضعیت شان از کارگران موقت به کارگران رسمی بوده

است. در حدود یکی دو سال گذشته در پیوند با همین مسئله اعتراض‌هایی را انجام دادند و نام‌نگاری‌هایی کردند و خواست‌های خودشان را به گوش مدیر کارخانه و مسئولان طراز اول استان رساندند. مدیریت آن‌ها را تهدید به اخراج کرد و کارگران برای اینکه بتوانند شدت بیشتری به اعتراض خود دهند، آمدند جلوی کارخانه تجمع کردند و خانواده‌هاشان هم به آن‌ها پیوستند و چادرهایی را برپا کردند. به این صورت یک وضعیت ویژه‌ای به اعتراض آنها داده شد. آنها به مدیریت اعلام کردند که اگر به خواستشان پاسخ داده نشود، با خانواده‌هاشان در همین چادرها می‌مانند تا به خواستشان برسند.

براساس اخبار رسیده روز ۲۲ تیر با وساطت وکیل مجلس، علی ایرانی‌پور، یعنی نماینده شهرستان مبارکه استان اصفهان نشست‌های متعددی در سطح شهر بین مدیریت و مسئولان شهر صورت گرفت. این اعتصاب روز ۲۲ تیر پایان یافت و کارگران حال به سر کار برگشته‌اند. با بازگشت آنها به کار مدیریت متعهد شده که پاداش اضافه تولیدشان را به آن‌ها بدهد یا اینکه براساس قانون کار با آن‌ها رفتار کند و در عین حال از کارگران دو ماه فرصت خواسته‌اند که مسائلشان را یک به یک بررسی کنند و به خواستشان پاسخ دهند.»

سیمان صنعتی قدیمی

صنعت تولید سیمان کشور به سال‌های خیلی دور بازمی‌گردد. فکر ایجاد کارخانه سیمان در ایران و انجام بررسی‌های لازم برای مواد اولیه مناسب سیمان‌سازی از سال‌های ۱۳۰۷ شروع و منجر به قراردادی در شهریور ۱۳۱۰ بین دولت ایران و سوئد و خرید یک کارخانه سیمان به ظرفیت صد تن در روز از شرکت دانمارکی اس ال اسمیت شد.

حاصل مطالعات روی مواد اولیه انتخاب کوه سرسره در جوار شهر ری در هفت کیلومتری جنوب تهران و در امتداد کوه بی‌بی‌شهربانو بود. با گذشت زمان و افزایش تقاضا برای این محصول نیاز به کارخانه‌های دیگر آشکار شد. بر این اساس در سال ۱۳۱۴ کارخانه دیگری با ظرفیت روزانه ۲۰۰ تن از شرکت آلمانی پولزیوس خریداری و در سال ۱۳۱۵ در جوار کارخانه قبلی عملیات ساختمانی آن شروع و در سال ۱۳۱۶ بهره‌برداری از واحد دوم آغاز شد. در ابتدای دهه ۶۰ تولید سیمان به ۱۳ میلیون تن رسید. این میزان تولید با ۲۸ درصد رشد در ابتدای دهه ۷۰ به ۱۷ میلیون تن افزایش یافت. دهه ۷۰ اوج تلاش در صنعت سیمان بود. ۷۲ درصد رشد کمی، کشور را به مرزهای خودکفایی نزدیک کرد.

حال در چنین شرایطی از رشد، محمدرضا اسلامی که مدیر اداره تعاون کار و رفاه شهرستان مبارک است، گفته که حدود ۷۰۰ نفر از کارگران سیمان اصفهان زیر نظر شرکت‌های پیمانکاری هستند. با این حال همه آن‌ها در اعتراض و اعتصاب اخیر شرکت نداشتند و اعتراض و اعتصاب به طور مستقیم فقط از سوی ۱۵۰ نفر از کارگران قسمت بارگیری کارخانه مطرح شد. علیرضا نوایی می‌گوید: «این خواست ۷۰۰ نفر از این کارگران پیمانی است که در این کارخانه هستند، اما کارگران تلاش کردند اعتصاب را طوری پیش ببرند که مشکلی ایجاد نشود و بخشی از کارها در کارخانه لنگ نماند و کارها انجام گیرد. در واقع خواستند به نوعی حسن نیت خودشان را نشان دهند که مسئله‌شان اخلاص یا خواباندن کارخانه نیست، بلکه می‌خواهند خواست خودشان را مطرح کنند و بر این اساس اگر مسئله را از زبان کارگران بشنویم، آن‌ها اینگونه بیان می‌کنند که ما طوری اعتصابمان را سازماندهی کردیم که کار به کلی نخوابد و برخی از کارها پیش برود. نمی‌توانیم بگوییم چه درصدی و فلان روز چند نفر بودند. چون اعتصاب طولانی‌مدت بود و دو هفته‌ای طول کشید. روزهایی تعداد بیشتری شرکت داشتند و روزهایی تعداد کمتری و روزهایی هم با گردهمایی همراه بوده است، ولی مسئله این بوده که طی این مدت کارخانه وضعیت اعتصابی پیدا کرده و این مسئله به یک بحران در استان و در شهرستان مبارکه استان اصفهان تبدیل شده که حتی منجر به وساطت وکیل مجلس و جلسات متعدد در سطح شهرستان شده است.»

تاریخچه شرکت سیمان سپاهان

تاریخچه تأسیس و فعالیت شرکت سیمان سپاهان اصفهان به پیش از انقلاب بازمی‌گردد. شروع فعالیت آن به سال ۱۳۴۸ و اولین خط تولید سیمان به ظرفیت سه هزار و سیصد تن به تیرماه سال ۵۸ برمی‌گردد. دومین خط تولید با همان ظرفیت در آبان ۶۰ به بهره‌برداری رسید. در شرکت سیمان سپاهان ۹ نوع سیمان، انواع سیمان‌های پرتلند، پرتلند سرباره‌ای، آهکی، فضولاتی و مرکب تولید می‌شود. سپاهان اصفهان اکنون هزارو دویست نفر کارگر دارد که هفتصد نفر آن پیمانی هستند.

علیرضا نوایی در مورد کارگران پیمانی می‌گوید: «کارفرمایان همیشه می‌خواهند از قرارداد دسته‌جمعی فرار کنند و قراردادهای را اولاً به سطح یک کارگاه، یک کارخانه و یک واحد تولیدی بکشانند و حتی اگر بتوانند آن را فردی کنند. بر این اساس شاهد قراردادهای سفید هستیم. مثلاً قراردادی را به‌شان می‌دهند که دو صفحه است. از کارگر برای صفحه دوم امضا می‌گیرند. بعد هر مفادی را که در صفحه اول هست، هر وقت دلشان خواست تغییر می‌دهند. اکنون پیرامون قراردادهای موقت خیریه‌ای هست مبنی بر اینکه نه تنها همچون قبل یکساله یا سه ماهه هستند، بلکه آنها را به ماهانه و هفتگی تبدیل کرده‌اند برای اینکه حقوق روز جمعه کارگر را ندهند. یعنی هفته به هفته قرارداد را تمدید می‌کنند. این یک نوع اجحاف به کارگران است. این کار یک نوع امضا گرفتن از کارگران است که حتی از همان قانون کار فرار کنند. یعنی اگر یک روز مورد بازخواست قرار گرفتند، بگویند نه این کارگر حق و حقوقی ندارد. می‌دانیم که براساس قوانین اسلامی، قانون اسلامی تراضی بین دو نفر صورت گرفته و بعد عنوان می‌کنند که کارگر خودش به این مسئله رضایت و تن داده و بنابراین هیچ حق و حقوقی به او تعلق نمی‌گیرد. در واقع می‌توان گفت که این قراردادهای موقت و قراردادهای سفید قراردادهایی هستند که از کارگران بدون پرداخت حق بیمه، بدون پرداخت حق و حقوقی کار بکشند و آنها را مورد بهره‌مندی قرار دهند.»

گزارشی از شرایط ضد کارگری شرکت سفز سازی کردستان (ون)

به نوشته سایت کمیته هماهنگی... در تاریخ 30 تیر آمده است: شرکت سفز سازی کردستان (ون) در روستای حسن آباد از توابع سمنجان احداث شده است. این شرکت دارای دو خط تولید آدامس و لواشک است. در این شرکت، حدود 80 نفر کارگر مشغول به کار هستند. سیاست‌های مدیران و کارفرمای این شرکت به گونه‌ای است که شرایطی غیر انسانی را بر کارگران تحمیل کرده است و این امر موجب شده است که سلامتی جسمی و روانی آنها در معرض خطر قرار بگیرد. بازخواست و توهین به کارگران، اضافه کاری اجباری، محروم نمودن کارگران از حق مرخصی، تغییر در نحوه انجام آزمایشات دوره‌ای و... نمونه‌هایی از این گونه سیاست‌های ضد کارگری شرکت مذکور است که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

- 1- بازخواست و توهین به کارگران: کارفرمای این شرکت با نصب دوربین‌های مدار بسته در محیط کار، در پی کنترل هر چه بیشتر کارگران است، به طوری که کارگران را به دلیل اینکه با یکدیگر صحبت می‌کنند مورد بازخواست و توهین قرار داده و به آنها اعلام نموده که حق هیچگونه ارتباط

و صحبت کردن با کارگران دیگر را، در حین انجام کار ندارند و اگر کارگری بر خلاف این دستور عمل نماید جریمه خواهد شد. تا کنون چند نفر از کارگران تنها به دلیل صحبت کردن جریمه شده‌اند (کسر حقوق 1 و 2 روزه)

2- اضافه کاری اجباری: سودجویی و زیاده خواهی کارفرما موجب شده که اضافه کاری اجباری را بر کارگران تحمیل نماید و به آنها اعلام نموده که طبق ضوابط شرکت، اضافه کاری در این کارخانه اجباری است و اگر کارگری این ضوابط را قبول و اجرا نمی‌کند از کار اخراج خواهد شد.

3- رعایت نکردن حق مرخصی کارگران: طبق قانون کار، مرخصی یکی از حقوق مسلم کارگران است، که در این شرکت کارگران با وجود اینکه مرخصی ذخیره شده هم دارند، هنگام درخواست مرخصی با قانون شکنی کارفرما و مدیران مواجه می‌شوند. اگر کارگری بخواهد از حق مرخصی خود استفاده نماید باید ابتدا نزد مدیر تولید این شرکت مراجعه نموده و دلایلش را برای مرخصی به او توضیح بدهد و اگر مدیر تولید با مرخصی موافقت کرد با سدی به نام کارفرما مواجه می‌گردد! به عنوان نمونه: چند نفر از کارگران تقاضای مرخصی داده‌اند که یکی از آنها جهت حل مشکلات خانوادگی و چند نفر دیگر جهت رفتن به مسافرت درخواست داده‌اند، اما شرکت این حق مسلمشان را زیر پا گذاشته و به آنها مرخصی نداده است.

4- تغییر در نحوه انجام آزمایشات دوره‌ای: طبق قانون کار، کارفرما موظف است که هر 6 ماه یک بار از کارگران آزمایش دوره‌ای بگیرد. این آزمایش‌ها 3 روزه بوده و هر روز به مدت 2 ساعت زمان می‌برد. طی سال‌های گذشته این آزمایش‌ها توسط خود کارگران به اداره بهداشت محیط ارائه می‌شد؛ اما در حال حاضر، کارفرما با تغییر سیاست خود به کارگران اعلام نموده که از این پس باید نمونه‌های آزمایش کارگران در محلی جمع آوری شده و توسط یک نفر به بهداشت محیط برده شود. این سیاست به دلیل این است که وقت صرف شده‌ی انجام آزمایش‌ها، برای بهره‌کشی هر چه بیشتر از کارگران صرف شود.

اعمال فشارهایی این‌چنین تأثیرات نامطلوبی بر کارگران می‌گذارد و باعث می‌شود که هنگام بازگشت به خانه حوصله و انرژی کافی را برای گذراندن اوقات خوش در کنار خانواده خود را نداشته باشند. روشن است که اجرای این سیاست‌ها و رفتارهای ضد کارگری به این دلیل است که سرمایه‌داران با علم و توجه به وجود بیکاری رو به افزایش در جامعه، بر این باورند که اگر کارگری این سیاست‌ها را تاب نیاورد و معترض شود، می‌تواند به راحتی او را اخراج نموده و از ارتش ذخیره‌ی بیکار جامعه (که خود حاصل سرمایه‌داری جهت سود بیشتر است) استفاده نماید. برگرفته از سایت کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- جمعه ۳۰ تیر ۱۳۹۱

کانون انجمن های صنفی کارگران استان تهران رسمیت یافت

کاظم فرج‌الهی

پشت پرده ی انتخابات!

سرانجام بیست و دو سال بعد از تصویب و اجرایی شدن قانون کار که در آن به رغم همه ی ابهام ها و کاستی ها انجمن های صنفی کارگری و کانون های مربوطه به رسمیت شناخته شده است در تاریخ چهارم تیرماه ۱۳۹۱ مجمع عمومی موسس کانون انجمن های صنفی کارگران استان تهران با حضور چهل و شش انجمن صنفی برگزار و شد و کانون استان تهران موجودیت یافت.

این خبر به خودی خود و برای هر ناظر بی طرف ولی بی خیر از مسایل و مشکلات و حاشیه های جنبش کارگری ایران می تواند خبری خوشحال کننده باشد اما وقتی به مسایل و حاشیه های جامعه کارگری ایران و جنبش آن و همین طور روند شکل گیری و فعالیت بیشترین شمار انجمن های صنفی کارگری و کانون آن ها و حتا شکل انتخابات آن ها نظر مختصری افکنده شود این خوشحالی رنگ باخته و به پرسش های زیادی می انجامد. پرسش هایی که یافتن پاسخ برای آن ها نیاز به اندکی تامل و دقت دارد و پاسخ هایی که دیگر متأسفانه خوشحال کننده نیستند.

در رابطه با انجمن های صنفی کارگری ، کانون های مربوطه، جایگاه ، چگونگی انتخابات و رسمیت یافتن و عملکرد آن ها جای سوال و گفتگو بسیار است . در این نوشته فقط به توضیح چند نکته در باره ی کانون انجمن های ... استان تهران و انتخابات آن پرداخته و بحث کلی در این زمینه به عهده ی یاد دشتی دیگر نهاده می شود . کانون انجمن های صنفی کارگری هر استان آن طور که در قانون تعریف شده و منطقی هم به نظر می رسد نهادهی است برای همکاری و تلاش مشترک انجمن های صنفی کارگران در راستای کمک به حل مهمترین و اساسی ترین مشکلات جامعه ی کارگری که در سطح استان تشکیل می شود. شیوه ی تشکیل این کانون ها آنطور که در آیین نامه اجرایی آمده و منطقی نیز هست این گونه تعریف شده : برگزیدگان و نمایندگان که از هر انجمن به همین منظور برگزیده می شوند - تعداد نمایندگان هر انجمن در این کانون ها مطابق با جدول تنظیم شده تابعی ست از تعداد کل اعضای آن انجمن- در مجمع عمومی گرد آمده از میان خود اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرسین کانون استانی را انتخاب می کنند، در یک سطح بالاتر و تقریبا به همین روش از همگرایی و همکاری کانون های استانی، کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران تشکیل می گردد؛ این شیوه اما تاکنون روی کاغذ مانده است. برای نیل به این هدف در یک پروسه ی زمانی باید زمینه ی شکل گیری و گسترش انجمن های صنفی واقعا کارگری و مستقل فراهم گردد و از سخت گیری های بی مورد و مانع تراشی پرهیز شود. بر اساس مقررات و موازین بین المللی و بخصوص کنوانسیون های شماره ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار (ILO) و نیز مفاهیم نامه ی امضا شده در راستای اجرایی شدن این دو کنوانسیون توسط نمایندگان این سازمان و وزارت کار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۳ ، وزارت کار به عنوان متولی رسمی روابط کار و مسایل مربوط به این حوزه باید ساز و کاری فراهم آورد که بدون دخالت و اعمال نفوذ کارفرمایان ، احزاب سیاسی و نهاد های دولتی ، انجمن ها و تشکل های صنفی کارگری تشکیل گردد و اگر لازم باشد مقدمات و تمهیدات و آموزش های لازم در این زمینه توسط کارگرانی که با تجربه تر هستند با رعایت اصل "عدم دخالت و اعمال نظر" فراهم گردد تا طی یک دوره ، نخست این تشکل ها و نهاد های پایه کارگری در صنعت ، خدمات و دیگر محیط های کار کارگران و حقوق بگیران ایجاد شده و سپس تشکل های استانی و سراسری آن ها در قالب کانون های استانی و یا هر نام دیگری که خود برگزینند به وجود آیند.

در این جا باید به این نکته ی مهم نیز توجه شود که انجمن صنفی (کارگری یا کارفرمایی) یک عبارت و یا یک اسم عام است که به هر نوع تشکل صنفی می تواند اطلاق گردد ، ترجمه ی عربی، فرانسه و انگلیسی آن نیز بترتیب اتحادیه ، سندیکا و یونیون است. این که هر تشکل بر

حسب نظر اکثریت اعضا و تشکیل دهندگان چه نامی بر خود بگذارد امریست داخلی و مربوط به خود آن تشکل. آنچه اهمیت بیشتر دارد و دیگران از بیرون با آن سرو کار دارند "اساسنامه" و چگونگی عملکرد این تشکل های صنفی است که بستگی تام دارد به شیوه تشکیل این نهاد ها، ترکیب اعضا و بخصوص هیات مدیره و استقلال آنها از مراکز قدرت، کارفرما و... و بالاخره پایدیشان به منافع اعضا. متأسفانه تا کنون وزارت کار نه تنها بستر و زمینه ی مناسب برای شکل گیری وسیع این تشکلهای را فراهم نکرده بلکه هر جا نیز این گونه تشکل ها بطور مستقل، از دل محیط های کار و به وسیله ی خود کارگران شکل گرفته برای شناسایی و ثبت آن ها به شکل های مختلف سنگ اندازی و مانع تراشی شده و می شود و این خود سرآغاز و زمینه ی بسیاری از انحرافات و اشکالات دیگر است. بهترین گواه این گفته شکل گیری و فعالیت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، سندیکای کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران و... است.

در این شرایط هیات موسس کانون انجمن های صنفی کارگران استان تهران برای تشکیل مجمع عمومی این کانون در روز چهارم تیر ماه ۱۳۹۱ فراخوان می دهد. در روز موعود بر حسب آمار موجود در صورت جلسه ی این مجمع، نمایندگان چهل و شش انجمن صنفی در مجمع حاضر می شوند؛ دو نماینده از وزارت کار نیز به ظاهر برای نظارت بر حسن جریان کار در مجمع حضور داشتند اما در عمل به اداره ی مجمع پرداخته و در واقع گرداننده و رئیس جلسه بودند که این خود سلامت انتخابات را به لحاظ "اصل عدم دخالت دولت در تشکیل نهاد ها و تشکل های کارگری" نقض می کند. مواد یک الی ده کنوانسیون شماره هشتاد و هفت مصوب ژوئن ۱۹۴۸ سازمان بین المللی کار در مورد استقلال سازمان ها و تشکل های کارگری و کارفرمایی و عدم هر نوع دخالت نهاد های دولتی در تشکیل و فعالیت این تشکل ها، مساله را به روشنی توضیح می دهد. فراگیری، آموزش و رعایت این مواد برای همه ی فعالین این حوزه (کارگری-کارفرمایی و دولتی) بسیار ضروری است.

اولین سؤالی که به ذهن هرکس می رسد این است که در کل استان تهران چرا فقط چهل و شش انجمن؟! بر اساس داده های سالنامه آماری ایران، در سال ۱۳۸۸ در استان تهران تعداد ۱۳۱۹ کارگاه صنعتی دارای بیشتر پنجاه نفر کارگر فعالیت داشته اند، تعداد کارگاه های بخش های حرفه ها و خدمات شامل خدمات شهری و ساختمانی، اداری، بهداشتی و درمان و پزشکی و... نیز نمی تواند کمتر از این تعداد باشد، نتیجه این که در استان تهران دست کم دو هزار و پانصد کارگاه دارنده بیش از پنجاه نفر کارگر و حقوق بگیر در بخش های مختلف صنعت و حرف فعالیت دارند که کارگران آن ها علی الاصول می توانند انجمن صنفی داشته باشند!

بنا بر مشاهدات شخصی و مصاحبه های حضوری تعدادی از همین ۴۶ انجمن نیز نوعا کارفرمایی، خویش فرمایی و بعضی دولتی و مدیریتی هستند. تعدادی هم فقط اسم و عنوانی روی کاغذ و یا هیات موسسی بیش نیستند؛ از این امر که بگذریم بسیار مهم است بدانیم چرا نمایندگان ۲۴۵۰ انجمن باقی مانده در این مجمع حضور نداشتند و یا چرا به رغم وجود این حد از مسایل، مشکلات و معضلات صنفی، در بیشترین شمار از این دو هزار و پانصد کارگاه و محیط کار دارنده بیش از پنجاه نفر کارگر تاکنون تشکل کارگری ایجاد نشده است. گیریم که در پانصد کارگاه از این تعداد شورای اسلامی کار تشکیل شده باز هم جای دو هزار کارگاه و انجمن در این مجمع عمومی خالی است. بطور حتم دلایل زیادی برای این غیبت ها می توان بر شمرد از جمله: ۱- میزان رشد نیافتگی فرهنگ تشکل و تشکل پذیری و سازمانیابی در شمار بسیاری از کارگران که این خود داستانی است پر از آب چشم. ۲- بحران عمومی جامعه و نبود رونق و فضای مناسب کسب و کار و در نتیجه نبود امنیت شغلی برای کارگرانی که خواهان ایجاد تشکل هستند. ۳- سخت گیری و سنگ اندازی های وزارت کار و سایر نهاد های مربوطه در راه شکل گیری و فعالیت این انجمن ها. ۴- نبود اعتماد به فراخوان دهندگان و... هر کدام و یا هر دسته از این دلایل را که بپذیریم در این نتیجه گیری تأثیری ندارد که: به هر حال گرد آمدگان در این مجمع و برگزیدگانشان نمی توانند نماینده واقعی شمار زیادی از کارگران استان تهران باشند.

فارغ از اندک بودن شمار شرکت کنندگان در این مجمع که اعتبار آن را بطور نسبی به چالش می کشد روند انتخابات و گزینش هیات مدیره نیز دارای اشکال های شکلی و محتوایی بود. از همان لحظه ی اول ورود به نشست چیزی که آشکارا به چشم می آمد وجود لابی های متعدد و باند بازی بود. بحث و جدل هایی اتفاق می افتاد که بسیاری از حاضران دلیل این بحث ها و جدل ها را و همین طور دلایل حمایت و پشتیبانی عده ای را از هر یک از طرف های درگیر این جدل ها نمی فهمیدند. گاه هر دو طرف این بحث و جدل همدیگر را به نداشتن معرفی نامه ی معتبر از تشکل مورد ادعا و در نتیجه نداشتن مجوز ورود به جلسه و شرکت در انتخابات متهم می کردند.

در آیین نامه ی اجرایی این کانون ها و همینطور در اساسنامه ای که هیات موسس برای تصویب به مجمع پیشنهاد داده بود تأکید شده: کسی می تواند در انتخابات شرکت کند و پاکانید عضویت در هیات مدیره کانون باشد که از هیات مدیره ی انجمنی که عضو آن است به این منظور و بطور کتبی معرفی شده باشد و معرفی نامه را به هیات رئیسه ی مجمع و هیات نظارت بر انتخابات تحویل دهد. هنگام ورود به محل برگزاری مجمع و نیز هنگام دریافت برگه رای گیری و شرکت در انتخابات باز هم این معرفی نامه ها باید ارائه می شد. نکته ی جالب این که یک نفر از کاندیداهای هیات مدیره ی کانون بر خلاف تأکید اساسنامه و آیین نامه اجرایی در حالی خود را کاندید کرده و نامش نیز در لیست کاندیداها ثبت شده بود که نه تنها معرفی نامه نداشت بلکه انجمن مربوطه (پرستاران) شخص دیگری را به طور کتبی برای هیات مدیره کاندید کرده و این شخص در مجمع نیز حضور داشت اما مغضوب اداره کنندگان مجمع بود. لابی ها و تباری ها به شدت به جریان افتاد و بحث ها و جدل ها و سفسطه های بسیار برای توجیه این مساله بالا گرفت. بخشی از اداره کنندگان مجمع و عده ای از اعضای هیات مدیره انجمن های دیگر به دفاع از این فرد و در حضور نماینده وزارت کار چنین می گفتند: "ممکن است اعضای هیات مدیره ی انجمنی با یک نفر (که قاعدتا خود نیز عضو هیات مدیره است) مشکلی داشته باشند و او را معرفی نکنند، نباید حق کاندید شدن و فعالیت اجتماعی از این فرد گرفته شود و او می تواند راسا خود را برای عضویت در هیات مدیره ی کانون کاندید کند". در این سفسطه بطور عمدی فراموش می شد که حاضرین در این مجمع همگی باید نماینده و مورد تأیید انجمن صنفی خود باشند، یعنی همه ی شرکت کنندگان این مجمع و از جمله کاندیداهای هیات مدیره در واقع شخصیت های حقوقی هستند که از طرف هیات مدیره ی یک انجمن صنفی معین برگزیده و معرفی شده اند و حضور کسی به عنوان شخص حقیقی در این مجمع حتما فقط رای دادن نیز هیچ توجیهی ندارد. متأسفانه لابی گری و تباری و همکاری نماینده های وزارت کار حاضر در جلسه موثر افتاد؛ برای حفظ ظاهر این موضوع (که آشکارا بر خلاف آیین نامه و اساسنامه و اصل وجودی کانون بود و بدون این که به موافق و مخالف آن به اندازه ی مساوی وقت برای سخن گفتن و توضیح مساله داده شود) به رای گذاشته شد و پس چند بار تکرار رای گیری و تشکیک در شمارش آرا سرانجام با اکثریت ضعیفی این امر خلاف، به کرسی نشاند شد. متأسفانه به رغم حضور و اعتراض برخی نمایندگان آگاه و انجمن های واقعا مستقل و به دلیل بسیار کم تعداد بودن این گونه افراد و تشکل ها انتخابات کانون

استان تهران بدین گونه رقم خورد. نکته بسیار جالب در این مجمع این بود که برای کاندید شدن در هیات مدیره نداشتن معرفی نامه منع قانونی به حساب نیامد اما هنگام رای گیری به دلیل این که پس از برگزاری آخرین مجمع عمومی هنوز اعتبار نامه از سوی اداره کار صادر نشده و با وجود داشتن معرفی نامه از هیات مدیره انجمن، از دادن برگ شرکت در انتخابات به نماینده ی انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران ممانعت به عمل آمد.

این گونه رخدادها فقط در غیبت تشکل های مستقل کارگری و عدم حضور نمایندگان واقعی و آگاه کارگران می تواند روی دهد. اگر انجمن های مستقل کارگری و نمایندگان آن ها در این مجمع به اندازه ی کافی حضور داشتند لابی گری و تبانی عده ای که با کمک و حمایت عوامل قدرت جایگاه واقعی نمایندگان کارگران را غصب کرده اند نمی توانست راه به جایی بیرد و توطئه کنندگان طرفی ببینند. آشکار است که از کانون های برآمده از این گونه انتخابات در عمل جز سخنان شیرین گفتن، انجام مصاحبه و بیان سطحی درد ها، ارائه ی راه حل های ناکارآمد و بدون پیگیری اجرا و یا در عمل اجرا نشدنی انتظار دیگری نمی توان داشت.

کاظم فرج الهی/ انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران ۳۰/۰۴/۹۱

<http://rooznamenegaran.blogfa.com>

پخش تراکت تبلیغاتی در حمایت از جلیل محمدی و علیرضا عسگری در شهر سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی... در تاریخ 30 تیر آمده است: روز چهارشنبه ۲۸/۴/۹۱ اعضای کمیته ی هماهنگی و فعالین کارگری شهر سنندج اقدام به پخش تراکت هایی در حمایت از اعضای بازداشت شده ی کمیته ی هماهنگی، «جلیل محمدی» و «علیرضا عسگری» در محله های شهر سنندج نمودند. این فعالیت تبلیغی در محله های فرح، جورآباد، فیض آباد، چهارراه چهارباغ، چهارراه سیروس، گلشن، پیر محمد، بلوار ۲۸ دی، کلکه جار، کانی کوزله، غفور، شهرک صنعتی و نایسر انجام گرفت.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بار دیگر با تاکید بر اینکه این فعالین کارگری مرتکب به هیچ جرمی نشده اند، بازداشت و در بلا تکلیفی نهادن این عزیزان را شدیداً محکوم نموده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط این فعالین و دیگر کارگران و فعالین کارگری دربند می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
جمعه ۳۰ تیر ۱۳۹۱

نابسامانی های صنعت مرغ گوشتی در ایران

مهرداد مهرپور محمدی

mehrdadmehrpour@yahoo.com

بر پایه ایمیل دریافتی به روز شمار کارگری در 30 تیر آمده است: «... قسمت کشتار تک شیفت است، در تابستان از ۶ عصر الی ۶ صبح، که البته تاسیسات مربوط به کشتار از ساعت ۴ عصر - یعنی ۲ ساعت جلوتر - شروع به کار می کند. همچنین مرغ گیرها نیز ۲ ساعت جلوتر (۴ عصر) آغاز به کار می کنند. از آغاز نیمه دوم سال (اول پاییز) شیفت تغییر کرده و کارگران از صبح در محل کار حاضر شده و مشغول به کار می شوند. پایه حقوق کارگران صافی ۲۱۹ هزار تومان است، بدون مزایا. از حق مسکن و اولاد، بن کارگری و وام خبری نیست. کارگران فاقد فیش حقوقی هستند. دستمزدها مستقیم در قسمت اداری پرداخت می شود. از مساعده هم خبری نیست. دستمزد معادل یک ماه پس از ۴۵ روز پرداخت می شود. کارگران با قرارداد موقت سه ماهه کار می کنند و مجبورند تمام آن چه را که در قرارداد ذکر شده بپذیرند. البته کارگران حتی از متن پنج صفحه ای قرارداد اطلاعی ندارند و اعتراض آن ها منجر به اخراجشان می شود... از مرخصی و تعطیلات خبری نیست. در طول هفته کارگران قسمت کشتار فقط پنجشنبه را تعطیل هستند و در ازای آن جمعه به سر کار می آیند... شرکت با کم کردن نیروی کار و در نتیجه بالا بردن شدت کار و استثمار، آخرین رمق این کارگران را از تن آن ها می رباید، به نحوی که کارگران در اثر شدت خستگی در پایان شیفت کاری نای راه رفتن را ندارند. شام مختصری که نصیب کارگران می شود در حد لوبیا و کالباس است و دیگر هیچ...»^۱

آن چه در بالا آمده است، تصویری از وضعیت نابسامان کارگران در یکی از حلقه های تولید و عرضه مرغ گوشتی در ایران است. اما نابسامانی اوضاع و مشکلات تنها بدین بخش و به نیروی کار محدود نمی شود و کل صنعت مرغ گوشتی را دربر می گیرد. من در این نوشتار نگاهی به صنعت مزبور دارم و تلاش می کنم شرایط و مسایل این صنعت، ارتباط میان تولید، توزیع، مصرف و مناسبات و روابط حاکم و موجود را توضیح دهم. نگارش این مقاله از مدت ها پیش آغاز گردید و بخش عمده کار قبل از بحران اخیر گرانی گوشت مرغ- در ایران- نوشته شده است، اما افزایش افسارگسیخته قیمت در ماه های اخیر را نیز مورد توجه قرار داده ام.

گوشت مرغ: در میان گروه های مواد غذایی (پنج گروه)، گروه گوشت جایگاه مهم و درخوری دارد زیرا منبع مهم پروتئین جانوری است و پروتئین های جانوری بیشتر از انواع گیاهی نیازهای بدن را برآورده می کنند.^۲ در میان منابع پروتئین حیوانی، گوشت مرغ نسبت به بسیاری از منابع، مانند گوشت قرمز و برخی انواع ماهی از قیمت کمتری برخوردار است و حتی - تا پیش از افزایش قیمت اخیر در ایران- در مقایسه با حبوبات که منبع غنی پروتئین گیاهی هستند نیز از قیمت مناسبی برخوردار بوده است. از این رو، چنانچه زمانی افشار کم درآمد کشور ما قادر به تامین هزینه خرید گوشت می شدند، اغلب گوشت مرغ در سبد غذایی آنان قرار می گرفت.

زنچیره اصلی تولید گوشت مرغ

صنعت تولید گوشت مرغ از پنج (5) بخش اصلی مزرعه لاین، مزارع اجداد گوشتی، مزارع مرغ مادر گوشتی، مزارع جوجه کشی و مزارع مرغ گوشتی؛ تشکیل شده است. در صنعت طیور جهان، مزارع لاین به عنوان قلب این صنعت محسوب می شوند و وظیفه آن ها تولید جوجه

یک روزه اجداد گوشتی است. دومین حلقه از صنعت طیور، مزارع جوجه اجداد گوشتی هستند که وظیفه تامین جوجه یک روزه مزارع مرغ مادر گوشتی را به عهده دارند. سومین حلقه مزارع جوجه مادر گوشتی (مرغ مادر) هستند که محصول مزارع جوجه اجداد می باشند. مزارع جوجه کشی وابسته به مزارع مرغ مادر گوشتی و یا مستقل هستند.³

پیشینه مرغداری صنعتی در ایران

تحول در مرغداری کشور از سال 1332 آغاز می شود که در آن سال بنگاه دامپروری کشور مبادرت به وارد نمودن تعداد 60000 (شصت هزار) جوجه یک روزه از نژادهای «نیوهمپشایر»، «ردآیلند» و «پلیموت» نمود و آن ها را در حیدرآباد کرج نگاهداری کرد. در میان این نژادها، نژاد «نیوهمپشایر» با شرایط آب و هوایی ایران سازگار بود و به همین دلیل در سال های بعد، بنگاه دامپروری کشور، تعداد زیادتری از این نژاد را وارد کشور نمود. در ابتدا تولیدات صنعتی طیور به صورت ابتدایی انجام می گرفته است ولی به تدریج موجب توسعه فعالیت های مربوطه شد. تا سال 1353، تعداد مرغداری های کشور در حدود 1100 واحد بود که پس از افزایش درآمدهای ارزی کشور از طریق افزایش قیمت نفت، تعداد مرغداری ها افزایش چشمگیری داشت، به طوری که در سال 1360 تعداد مرغداری های صنعتی و نیمه صنعتی کشور در حدود 15000 واحد بود.⁴

واحدهای پرورش مرغ گوشتی

تعداد واحدهای پرورش: تعداد کل مرغداری های پرورش دهنده مرغ گوشتی در سال 1374، 15173 واحد بود که 13094 واحد فعال و 2040 واحد غیرفعال بود. سپس در سال 1383، تعداد کل مرغداری ها به 17267 واحد رسید که 14216 واحد فعال و 3051 واحد غیرفعال بود. همچنین ظرفیت سالن های پرورش از 158198 هزار قطعه در سال 1374 به 225729 هزار قطعه در سال 1383 رسید.⁵ در سال 1389، بنا به آمار وزارت جهاد کشاورزی، تعداد واحدهای مرغ گوشتیدارای پروانه بهره برداری کشور، 15245 واحد با ظرفیت 8/264897 هزار (دویست و شصت و چهار میلیون و هشت صد و نود و هفت هزار و هشتصد) قطعه بوده است.⁶ در سال 1390، بر اساس نتایج طرح آمارگیری از مرغداری های پرورش مرغ گوشتی، مرغداری های با فعالیت پرورش مرغ گوشتی در کشور تعداد 17192 واحد برآورد شد که تعداد 13878 واحد مرغداری فعال و 3314 واحد غیرفعال بوده است.⁷

استان های برتر از نظر تعداد واحدهای مرغ گوشتی: برابر آمار سال 1389؛ استان های مازندران، اصفهان، خراسان رضوی، فارس، آذربایجان شرقی، خوزستان و یزد؛ به ترتیب، دارای بیشترین تعداد واحد پرورش مرغ گوشتی هستند. مازندران با تعداد 1738 واحد و جنوب استان کرمان با 14 واحد و خراسان شمالی با 70 واحد، بیشترین و کمترین تعداد واحدهای مرغ گوشتی را در کل کشور دارا بوده اند.⁶ [توضیح نویسنده: جنوب استان کرمان اگرچه در تقسیمات کشوری، یک استان مستقل به شمار نمی آید اما در تشکیلات وزارت جهاد کشاورزی، دارای سازمانی مستقل است و آمارهای مربوط به آن حوزه جغرافیایی، جداگانه در نظر گرفته می شود. از این رو، به لحاظ استانی، خراسان شمالی را باید دارای کمترین تعداد واحد مرغ گوشتی دانست].

موسسات تولید جوجه یک روزه مرغ گوشتی

در سال 1370 تعداد 67 موسسه جوجه کشی در کل کشور وجود داشته است که تعداد 59 موسسه، تولید جوجه یک روزه مرغ گوشتی انجام می دادند. در سال 1375 از 94 موسسه جوجه کشی، 76 موسسه جوجه یک روزه مرغ گوشتی تولید می کردند. در سال 1380 از 127 موسسه جوجه کشی، تعداد 98 موسسه به تولید جوجه یک روزه مرغ گوشتی مشغول بودند و در سال 1384، از 160 موسسه جوجه کشی، تعداد 129 موسسه به تولید جوجه یک روزه اشتغال داشتند.⁸

ارزش سرمایه گذاری مرغداری های پرورش دهنده مرغ گوشتی

جمع کل ارزش سرمایه گذاری (اموال سرمایه ای) در سال 1373، 78313 میلیون ریال بوده است که در سال 1378 به 141188 میلیون ریال و در سال 1382 به 388691 میلیون ریال رسید. ساختمان (به غیر از ارزش زمین)؛ ماشین آلات تولید، تجهیزات و لوازم بادوام اداری؛ و وسایل نقلیه به ترتیب دارای بیشترین ارزش بوده اند.⁹

تولید گوشت مرغ

مقدار و ارزش تولیدات

برابر آمار مرکز آمار ایران، مقدار و ارزش تولیدات مرغداری های پرورش مرغ گوشتی در سال 1389، شامل 1862 هزار تن مرغ زنده پرورش یافته به ارزش 37628 میلیارد ریال، 14 هزار تن مرغ حذفی (زنده) به ارزش 176 میلیارد ریال و 1413 هزار تن کود به ارزش 360 میلیارد ریال بوده است.⁷

مقدار تولید کشور و استان های برتر در تولید: بر اساس آمار وزارت جهاد کشاورزی، در سال 1389، کل تولید گوشت مرغ در کشور، مقدار 46/1666 [یک هزار و ششصد و شصت و شش صد] هزار تن بوده است و استان های مازندران با 346/148 [یک صد و چهل و هشت ممیز سیصد و چهل و شش هزارم] هزار تن، تهران با 163/120 [یک صد و بیست ممیز یک صد و شصت و سه هزارم] هزار تن، اصفهان با 371/113 [یک صد و سیزده ممیز سیصد و هفتاد و یک هزارم] هزار تن، خراسان رضوی با 779/108 [یک صد و هشت ممیز هفتصد و هفتاد و نه هزارم] هزار تن و فارس با 811/100 [یک صد ممیز هشتصد و یازده هزارم] هزار تن تولید گوشت مرغ، بیشترین مقدار تولید را در سطح کشور دارا بوده اند.⁶

به طور کلی، مقدار تولید گوشت مرغ در کشور روند رو به رشدی داشته است. به گونه ای که از 420 هزار تن در سال 1370 به 676 هزار تن در سال 1375، 885 هزار تن در سال 1380 و 1468 هزار تن در سال 1386 رسید.¹⁰

سپس تولید گوشت مرغ به 1565 هزار تن در سال 1387، 1610 هزار تن در سال 1388 و 5/1666 هزار تن در سال 1389 رسید.⁶ مسایل و مشکلات تولید

صنعت مرغداری کشور دچار مسایل و مشکلات متعددی است که بر شرایط بخش تولید و وضعیت تولیدکنندگان اثر می گذارند. از سویی این مشکلات مصرف کنندگان را نیز تحت تاثیر قرار می دهد و هم بر مقدار مصرف سرانه تاثیر منفی دارد و هم سلامت جامعه را مورد تهدید قرار می دهد. سبب بروز مشکلات صنعت مرغداری سیاست ها و برنامه های حکومت است. به عقیده من موارد هفت گانه زیر را می توان مسایل و مشکلات عمده تولید مرغ گوشتی در ایران دانست:

1- مشکل تامین نهاده ها و خدمات مورد نیاز
2- قیمت فروش نامناسب محصول (متناسب نبودن قیمت تمام شده با قیمت فروش)

3- بروز بیماری ها و تلفات

4- نبود نقدینگی کافی

5- نبود حمایت دولت و بانک ها

6- کمبود سردخانه نگهداری گوشت مرغ

7- فزونی گرفتن تولید نسبت به مصرف (به دلیل کاهش قدرت خرید جامعه)

متأسفانه در برخی نوشته ها، «مسایل کارگری» مانند حق بیمه و دستمزد را نیز در شمار مشکلات این بخش آورده اند که چنین دیدگاهی نادرست است. امور کارگری در زمره هزینه ها قرار دارد اما مشکل به حساب نمی آید و بر خلاف دیگر هزینه ها که افزایش شدید و مستمری را تجربه کرده اند، از افزایش چندانی برخوردار نبوده است. در پرورش مرغ گوشتی، در حدود 70 (هفتاد) درصد هزینه ها متعلق به تامین خوراک طیور است و سایر هزینه ها، 30 (سی) درصد بقیه را تشکیل می دهد. از این میزان نیز، در حدود 16 درصد هزینه خرید جوجه یکروزه است. در واقع هزینه های کارگری، بر خلاف آن چه در برخی نوشته ها عنوان می شود، سهم عمده ای از هزینه کل را تشکیل نمی دهد. از سویی، علاوه بر وجود مشکلات معمول در ارتباط با کارفرما، در پی بحرانی که صنعت مرغداری به آن دچار شده است، کارگران نیز آسیب دیده اند و بسیاری از آن ها بیکار شده اند. چنانچه حکومت حمایت لازم را از این صنعت به عمل می آورد، عوامل بخش تولید چه مرغدار و چه کارگر، هیچ یک آسیب نمی دیدند.

نکته دیگر این که واسطه ها و انحصارگران نیز (در هر دو بخش دولتی و خصوصی) از مشکلات عمده صنعت مرغداری هستند که در بخش های مختلف حضور دارند و سود اصلی را نیز آنان می برند و در واقع به هزینه تولید کنندگان و مصرف کنندگان، ثروتمند می شوند. پرداختن به تمامی نقش واسطه ها در صنعت مرغداری گوشتی خود بحث بسیار مفصلی است و من در این جا به موارد مهم از جمله نقش آنان در قسمت تهیه و تامین نهاده ها و خدمات مورد نیاز تولید پرداخته ام.

1- مشکل تامین نهاده ها و خدمات مورد نیاز

1-1- کمبود و افزایش قیمت نهاده ها و خدمات مورد نیاز

1-1-1- کمبود و گرانی شدید خوراک: رییس جامعه دامپزشکان و فعال صنعت مرغداری (در اسفند 1390) از کمبود شدید موجودی نهاده های دامی و افزایش شدید قیمت در کشور خبر داد و گفت: عدم وجود نهاده های دامی از یک سو و افزایش قابل ملاحظه قیمت آن از سوی دیگر، فعالیت واحدهای تولیدی را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. در حال حاضر میانگین قیمت نهاده های دامی برای طیور به بیش از 70 درصد افزایش یافته و قیمت برخی محصولات از جمله سویا در بازار بیش از 100 درصد رشد داشته است. این در حالی است که به شدت با کمبود و عدم موجودی این محصولات در بازار رو به رو هستیم و تامین خوراک برای تولیدکنندگان بسیار مشکل شده است. مسئولان نسبت به تامین نیاز نهاده های تولید مورد نیاز واحدها پاسخگو نیستند...¹¹

عدم واردات برخی نهاده های مورد نیاز مانند ذرت و سویا به مقدار لازم، سبب کمبود و افزایش شدید قیمت نهاده های مزبور در داخل کشور شد که این امر به نوبه خود موجب افزایش افسارگسیخته قیمت گوشت مرغ نیز گردید.¹²

1-2-1- افزایش قیمت سوخت

سهم مرغداری ها در مصرف سوخت بسیار بالا است. به طوری که برابر آمار موجود، 40 درصد از مصرف بخش کشاورزی و حدود 2/5 (پنج و دو دهم) درصد از کل مصرف سالانه کشور، سهم مرغداری ها بوده است. به گفته دبیر انجمن صنفی پرورش دهندگان مرغ گوشتی ایران، مصرف سوخت مرغداری ها در کشور سالانه 3 میلیارد لیتر است که عمده آن گازوییل است.

نیاز مرغداری ها به سوخت، فقط نیازهای مستقیم آن ها از جمله مصارف گرمایی واحدها را در بر نمی گیرد، بلکه سایر بخش های مرتبط مانند حمل و نقل که جا به جایی کالاهای مورد نیاز مرغداری ها همچون جوجه یک روزه و دان را بر عهده دارند را نیز شامل می شود. افزایش قیمت سوخت به صورت مستقیم و غیر مستقیم باعث افزایش قیمت تمام شده کالاها و خدمات مورد نیاز مرغداری ها می شود و در نتیجه قیمت تمام شده گوشت مرغ افزایش می یابد.

دبیر انجمن مرغ گوشتی کشور (در آذر ماه 1389) از افزایش قیمت گوشت تولید شده در واحدهای مرغداری در پی افزایش شدید قیمت سوخت خبر داد و گفته بود: با افزایش هزینه سوخت واحدهای مرغ داری، قیمت هر کیلوگرم مرغ 120 تومان افزایش یافت. با آزادسازی قیمت سوخت واحدهای مرغداری که تاکنون با هزینه بسیار پایین سوخت و ارداتی را می خریدند در حال حاضر ناچار هستند که سوخت خود را با قیمت تعیین شده که همان 150 تومان در هر لیتر است، خریداری کنند. صنعت مرغ کشور در حال حاضر در وضعیت بحرانی به سر می برد و در صورت عدم اجرای صحیح هدفمند کردن یارانه ها این صنعت به طور کامل به ورطه نابودی کشیده خواهد شد. متأسفانه از هم گسیختگی برنامه ریزی متولیان این صنعت باعث شده که نه تنها این صنعت دچار آشفتگی شده بلکه روز به روز از تعداد تولیدکنندگان آن کاسته می شود.¹³

3-1-1- گرانی قیمت جوجه یک روزه

مدیرعامل اتحادیه مرغداران بوشهر در خرداد 1390 گفت: «افزایش بی رویه قیمت جوجه یک روزه مشکلات زیادی را برای مرغداران ایجاد کرده، قیمت جوجه یک روزه در حال حاضر 1240 تومان است که قبلاً 400 تومان خریداری می شد. بالا بودن قیمت جوجه یک روزه علاوه بر افزایش قیمت تمام شده، باعث طولانی شدن دوره تولید و همچنین افزایش چربی در مرغ های تولیدی شده و بازارپسندی آن کمتر می شود.»¹⁴

مسائل و مشکلات تهیه جوجه یک روزه متعدد است و فقط به یک منطقه محدود نمی شود. دستگاه های مسئول مربوطه نیز اقدام مثبتی در راستای رفع مشکلات انجام نمی دهند.¹⁵

4-1-1- کمبود واکسن: دبیر انجمن صنفی مرغداران استان اصفهان (در فروردین 1391) گفت: ایران در حال حاضر با کمبود واکسن مورد نیاز مرغداری ها رو به رو است و این موضوع آینده این صنعت را با ابهام مواجه کرده است.¹⁶

2-1-1- انحصار در نهاده های تولید

1-2-1- انحصار در تامین نژاد مرغ گوشتی

دبیر انجمن مرغداران گوشتی (در مهر ماه 1388) گفت: بیش از 70 درصد بازار اجداد در صنعت مرغداری، در اختیار یک نژاد خاص است که این روند مغایر منافع ملی است. اگر این روند را ادامه دهیم، نژادهایی که از خارج وارد می شوند می توانند تعیین کننده وضعیت صنعت باشند در واقع نژاد غالبی که در کشور فعالیت می کند اگر دچار مشکل شود، به اقتصاد کشور خسارات جبران ناپذیر وارد خواهد شد. به عنوان مثال اگر در صفات نژاد غالب تغییر ایجاد شود و برای افزایش واحد وزن مرغ، مصرف دان در این نژاد فقط 100 گرم افزایش یابد هزینه ای حدود 5 میلیارد به صنعت مرغداری تحمیل خواهد شد.

افزایش ضریب تبدیل عاملی برای افزایش قیمت تمام شده محصول است. تغییرات قیمت به طور حتم بر سلامت روانی جامعه تاثیر گذار خواهد بود، در چنین شرایط دولت ناگزیر است، با استفاده از منابع ملی بسیاری از هزینه ها از جمله هزینه های درمانی و مصرف دان اضافی طیور را تامین کند.

نژادهای موجود در کشور «هوبارد»، «آربراکرز» و «لوهمن» می باشند. متأسفانه نژاد آرین به دلیل شرایط خاص پیش آمده نمی تواند رقیب مناسبی برای دو نژاد اصلی موجود در بازار باشد. در مقطعی از زمان، نژاد آرین که محصول فعالیت مجموعه لاین بابلکنار بود، به صورت انحصاری بازار را در اختیار گرفت اما به دلیل عدم پشتیبانی مناسب و توان رقابتی، به منظور بهبود عملکرد لاین، نژادهای رقیب وارد بازار شدند.

ایجاد لاین شرایط خاصی را می طلبد. حفاظت از ذخایر ژنتیکی و حفظ و حراست از صفات برجسته، راهبردها و نیروهای خاصی از نظر تغذیه و مدیریت را نیاز دارد. متخصصین باید به روز باشند و با سایر نژادها در ارتباط باشند.

در نژاد آرین آن گونه که باید به صفات مورد نظر بازار توجه نشد، در نتیجه به دلیل کاهش کیفیت و توان رقابتی، از صنعت طیور کشور حذف شد. اگر نژاد آرین تلاش کند تا با تکیه بر کیفیت، نه حمایت های دولتی خود را به بازار تحمیل کند، پس از ورود صفات جدید، حداقل 2 سال زمان نیاز دارد تا وارد گردونه رقابتی شود.¹⁷

اجبار به استفاده از نژاد «آرین»: در اواخر دهه 1370، ضمن آن که مقام های وقت وزارت جهاد سازندگی مرغداران را به استفاده از نژاد آرین مجبور می نمودند و در ورود نژادهای جدید برای بخش خصوصی محدودیت ایجاد می نمودند، بخش دولتی و شبه دولتی نژادهای جدیدی را وارد کردند.¹⁸

2-2-1- انحصار در تامین خوراک طیور

دبیر انجمن صنفی مرغداران استان اصفهان (در تیر ماه 1390) گفت: در حال حاضر حدود 90 درصد از نهاده های (سویا، ذرت، ویتامین ها) مرغداری ها از خارج کشور تامین می شود. هم اکنون قیمت ذرت در بندر 510 و سویا 520 تومان است که این رقم با احتساب 35 تا 40 تومان کرایه حمل و نقل در اختیار مرغداران استان قرار می گیرد. اکنون قیمت محصولات مصرفی مرغداری ها (ذرت و سویا) به نسبت اعلام مرغ زنده توسط وزارت جهاد کشاورزی طی یک ماه گذشته با نرخ 2380 تومان به صرافه نیست و این محصولات حدود 20 درصد افزایش قیمت داشته است. شرکت پشتیبانی امور دام کشور قبل از افزایش قیمت دلار، نرخ ذرت را 410 و سویا را 520 تومان اعلام کرده بود، به محض افزایش قیمت دلار، پشتیبانی کشور [شرکت پشتیبانی امور دام کشور] از توزیع محصولات فوق با این قیمت ها جلوگیری کرد و دو روز بعد، سویا و ذرت را به ترتیب 580 و 550 تومان در اختیار مرغداران قرار داد.¹⁹

بازار یک و نیم میلیارد دلاری خوراک دام و طیور در انحصار دلان: طبق اظهار نظر مدیران صنعت دام و طیور، در حال حاضر سالانه حدود یک میلیارد دلار ذرت دانه ای برای خوراک مرغ و دام سنگین و حدود نیم میلیارد دلار هم جو، کنجاله سویا، دانه روغنی سویا و کلزا وارد کشور می شود.

دبیر انجمن صنفی پرورش دهندگان مرغ گوشتی ایران (در آبان ماه 1385) در این خصوص گفت: کل نیاز خوراک صنعت طیور کشور سالانه بین 6 تا 5/6 [شش و نیم] میلیون تن است که 3 تا 3/3 میلیون تن از محل تولید داخلی و بقیه از طریق واردات تامین می شود. در حال حاضر 40 تا 45 درصد ذرت مصرفی کشور از خارج وارد می شود، در سویا هم 20 درصد از تولید داخلی و 80 درصد از خارج کشور تامین می شود.

واردات یکباره و توزیع تدریجی: واردات ذرت در یک فصل و نگهداری آن برای توزیع در وقت مناسب از یک سو، نبود انبارهای کافی برای نگهداری اصولی ذرت از سوی دیگر باعث شده است که گاهی ذرت ها از کیفیت بیفتند و حتی ذرت های چسبیده به هم در اندازه های 20 کیلوگرمی هم در انبار ذرت پیدا شوند. افت کیفی ذرت موجب پیدایش انواع قارچ و کپک در خوراک طیور می شود. طبق گفته دامپزشکان، مصرف خوراک کپک زده باعث باقی ماندن آثار کپک ها و آفلاتوکسین ها بر بافت بدن مرغ می شود که در نهایت منجر به افزایش مصرف آنتی بیوتیک ها و باقی مانده داروها در محصول می شود. مصرف آنتی بیوتیک ها در مرغ علاوه بر صرف هزینه های سنگین برای مرغدار، باعث باقی ماندن آثار آنتی بیوتیک بر گوشت مرغ می شود که در نهایت سلامت مصرف کننده را با ابتلا به انواع سرطان ها به خطر می اندازد.

برخی دلان که تعداد آنها بنابر اظهار مسئولان این صنعت، از عدد انگشتان یک دست هم تجاوز نمی کند، واسطه های خوراک دام و طیور هستند. واردات انحصاری خوراک دام و طیور باعث می شود که کنترل بازار مزبور در عمل در اختیار چند نفر دلال و وارد کننده و احتکار کننده خوراک دام و طیور باشد.²⁰

واردکننده انحصاری خوراک دام و طیور: حاج جواد مدلل تنها وارد کننده خوراک دام و طیور به کشور است.²¹

کارخانه سیمان سامان غرب، مجتمع کشت و صنعت ماهیدشت کرمانشاه (تولید کننده روغن نباتی نازگل)، شرکت آب آشامیدنی دالاهو و مجتمع کارخانجات روغن نباتی کشت و صنعت شمال از شرکت ها و کارخانه های حاج جواد مدلل می باشند.

نام این شخص در ارتباط با پرونده های مختلف مفاسد اقتصادی به میان آمده است.^{22&23&24}

2- قیمت نامناسب فروش (متناسب نبودن قیمت تمام شده با قیمت فروش مرغ)

دبیر انجمن صنفی مرغداران استان اصفهان (در تیر ماه 1390) گفت: در حال حاضر، قیمت کمتر از 2600 تومان مرغ زنده هیچ سودی برای تولیدکننده ندارد. نهاده ها و اعلام قیمت 2080 تومان برای هر کیلوگرم مرغ زنده توسط وزارت بازرگانی، شرایطی به وجود آورده که نرخ مرغ زنده باید بالاتر از 2600 تومان باشد. قبل از گرانی دلار، تشکل ها قیمت تمام شده مرغ زنده را 2600 تومان تعیین کرده بودند که با برگزاری جلسات در وزارتخانه، تصمیماتی گرفته شد و در نهایت وزارت جهاد کشاورزی بهای آن را 2380 تومان اعلام کرد. تعیین قیمت 2380 تومانی مرغ زنده قبل از گرانی دلار بود و در حال حاضر نرخ آن بین وزارتخانه بازرگانی و جهاد کشاورزی 300 تومان اختلاف قیمت دارد. طی یک ماه گذشته تشکل ها با احتساب 10 درصد سود، قیمت مرغ زنده را 2600 تومان پیش‌بینی کرده بودند اما در وزارتخانه [وزارت جهاد کشاورزی] نرخ کف آن 2380 تومان اعلام شد اما به تازگی وزارت بازرگانی بهای مرغ زنده را 2080 تومان بیان کرده است.¹⁹

طبعاً پرورش مرغ گوشتی به عنوان یک فعالیت اقتصادی می بایست سود دهی معقولی برای تولیدکنندگان دربر داشته باشد و از سویی قیمت در سطحی باشد که جمعیت هرچه بیشتری از مصرف کنندگان توانایی تهیه این کالا را داشته باشند. در واقع حکومت می بایست با حمایت از بخش تولید، به کاهش هزینه تولید (و نیز افزایش کیفیت محصول) کمک کند و با حذف واسطه ها، محصول را با قیمت مناسب به دست مصرف کننده برساند که در چنین وضعیتی، تولیدکننده و مصرف کننده، هر دو سود می بردند اما در حکومت جمهوری اسلامی که منافع مردم جایگاهی ندارد، چنین انتظاری بیهوده است.

3- بیماری ها و تلفات

بالا بودن میانگین تلفات

میانگین نرخ تلفات مرغ در کشورهای جهان 4 تا 5/4 (چهار و نیم) درصد است، ولی در ایران این رقم براساس آمار رسمی 9 (نه) درصد است.²⁵ البته دست اندرکاران صنعت مرغداری، رقم تلفات را بیش از این می دانند.

بیماری های مختلفی باعث بروز تلفات و ایراد خسارت در واحدهای پرورش می گردد. از جمله بیماری-ویروسی- آنفلوآنزا که خسارات سنگینی به بار می آورد. به گفته سرپرست اداره دامپزشکی شهرستان نور (در بهمن 1390): «بیشترین شیوع بیماری های دامی و طیور با شروع فصل سرما آغاز می شود که شایع ترین آن آنفلوآنزای فوق حاد است که بیماری مهلک و مشترک بین انسان و دام محسوب می شود. این بیماری در گله های طیور صنعتی کمپلکس تنفسی ایجاد می کند و موجب تلفات سنگین می شود. از سال 1388 تاکنون در کشور این بیماری در طیور شیوع پیدا کرده و هر ساله رو به افزایش است. در سال 1388 حدود 44 مورد، در سال 1389 حدود 60 مورد و امسال نیز 100 مورد معدوم سازی طیور در سطح استان داشتیم که چهار مورد مربوط به شهرستان نور با معدوم کردن 600 هزار قطعه طیور همراه بوده است.»²⁶

آن چه بیان شد فقط مربوط به یک حوزه است و مشکل تلفات طیور در اثر بروز بیماری ها در سایر مناطق کشور نیز وجود دارد. ضمن آن که مشکل تهیه واکسن و دارو نیز وجود دارد. بخش عمده ای از واکسن های طیور وارداتی است و افزایش بهای ارز باعث افزایش قیمت داروها شده است. اقدامات و فعالیت های باند های مافیایی حوزه داروهای طیور را نیز باید در نظر گرفت که بر وخامت اوضاع می افزاید. باندهایی که در بخش دولتی و خصوصی وابسته به حکومت وجود دارند و سودهای کلانی، به ویژه در شرایط آشفته و بحرانی به دست می آورند.

تاثیر سیاست ها و برنامه های دولت در بالا رفتن میزان بروز بیماری ها و تلفات بسیار است. از جمله طی مشکلاتی که در اثر نا به سامانی در تهیه و توزیع نهاده های مورد نیاز جیره غذایی طیور (از سوی دولت) بروز نموده است، تعادل در جیره های غذایی طیور به هم خورده است که رشد مرغ ها را دچار اختلال کرده است و زمان نگهداری مرغ را افزایش داده است. افزایش مدت زمان نگهداری مرغ با افزایش خطر ابتلا به بیماری ها همراه است که مراقبت های لازم را افزایش داده و به بالا رفتن هزینه تولید انجامیده است.

4- کمبود نقدینگی

رییس اتحادیه سراسری صنعت مرغداری کشور در گفتگویی (در آذر 1390)، اصلی ترین چالش این صنعت را کمبود نقدینگی شدید و افزایش هزینه های جاری تولیدکنندگان عنوان نمود و گفت: «برای برون رفت از این چالش باید امور اجرایی و برنامه ریزی تمام امور تولید به تولیدکنندگان این بخش واگذار شود و فقط نظارت و ارایه برنامه های کلان از طرف متولیان امور دولتی صورت پذیرد. با توجه به این که 70 درصد از محصولات مورد نیاز این صنعت برای تولید از طریق واردات تامین می شود، باید سیاست های باثباتی را برای این بخش اتخاذ کرد تا نقدینگی آن به طرز صحیحی در اختیار واحدهای تولیدی و تشکل های این بخش قرار گیرد که در این صورت قیمت تمام شده تولید اصلاح و سپس کاهش می یابد و منابع مالی نیز به سهولت به این بخش تزریق می شود.»²⁷

5- نبود حمایت دولت و بانک ها

دبیر انجمن تولیدکنندگان جوجه یکروزه (در سال 1385) گفت: در اواخر سال گذشته براساس مصوبه های هیات دولت تکالیفی در راستای حمایت از صنعت مرغداری بر عهده بانک ها، وزارت بازرگانی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور گذاشته شد که متأسفانه تا امروز این تکالیف اجرایی نشده است که دلیل اصلی در کاهش تولید همین موارد است. در سال گذشته مقرر بود بدهی مرغداران به بانک ها تا دو سال به تعویق افتد و علاوه بر تامین نقدینگی از میزان هزینه های تحمیلی دولت به مرغداران کاسته شود، به طوری که 25 درصد تعرفه واردات کنجاله سویا لغو و تعرفه برق از تجاری به کشاورزی تغییر کند که هیچ کدام از این موارد تاکنون اجرایی نشده است. استفاده از ابزارهای حکومتی عامل اصلی در ورود فشار بر مرغداران است. به دلیل عدم اعمال حمایت از صنعت مرغداری و فشارهایی که از نظر اقتصادی بر آنان تحمیل شد، به تدریج مرغداران از تولید خارج شدند.²⁸

قابل ذکر است که به طور کلی شبکه بانکی بنا به ماهیت خود، در پی کسب سود و مکنده پول است و اعتنایی به مسایل و مشکلات فعالیت های اقتصادی ندارد. این امر در باره وضعیت بخش کشاورزی دشوارتر نیز می گردد، زیرا میزان ریسک در این بخش به نسبت بالا است و با توجه به مسایل و مشکلاتی که به آن تحمیل می گردد، عموماً سوددهی مناسبی نیز ندارد، از این رو بانک ها- به غیر از بانک کشاورزی که بانک تخصصی این حوزه است و البته عملکرد آن نیز بیشتر شامل پرداخت وام های خرد با زمان های سررسید کوتاه می شود و همچنین اغلب در خدمت مشتریان خاص و بانفوذ و توانمند می باشد- تا حد امکان از پرداخت تسهیلات مورد نیاز این بخش طفره می روند. فساد

شدیدی که در شبکه مالی و اعتباری کشور در طول دوره حکومت جمهوری اسلامی وجود داشته است و پیوسته بر آن افزوده گردیده است، مشکل کمبود نقدینگی مورد نیاز بخش کشاورزی و از جمله صنعت مرغداری را تشدید نموده است.

6- کمبود سردخانه نگاهداری گوشت مرغ

دبیر انجمن صنفی پرورش دهندگان مرغ گوشتی (در 20 اسفند 1387) گفت: «سردخانه های کشور ظرفیت پذیرش گوشت مرغ مازاد را ندارند. تولید گوشت مرغ در کشور به اندازه ای مازاد بر نیاز بازار است که در استان‌ها با کمبود سردخانه برای ذخیره‌سازی مرغ مازاد مواجه هستیم و هم اکنون استان های فارس و اصفهان مجبورند به خاطر مازاد تولید، علاوه بر سردخانه ها، سایر انبارها را به ذخیره سازی مرغ اختصاص دهند. در تعطیلات شب عید تقاضای مردم افزایش پیدا می کند، اما مراکز سنتی عرضه گوشت مرغ توان افزایش ظرفیت نگهداری بین 10 تا 15 درصد بیشتر از مواقع دیگر سال ندارند، لذا با افزایش تقاضا روبرو می شوند. از 10 روز پیش انبارهای سردخانه دار در شهرستان ها گنجایش تولید گوشت مازاد مرغ را نداشتند.»²⁹

7- فزونی گرفتن تولید نسبت به مصرف (به دلیل کاهش قدرت خرید جامعه)

بهای انواع گوشت در دوره حکومت جمهوری اسلامی بسیار گران و تهیه آن به اندازه نیاز، از توان اغلب خانواده ها خارج بوده است و در پی هر موج افزایش قیمت، بخشی از مردم از قافله مصرف کنندگان گوشت جا مانده اند. در گروه گوشت، گوشت مرغ جایگاه خاصی در تغذیه خانوارهای ایرانی داشته است. در واقع در پی افزایش قیمت گوشت قرمز - که شدت آن نسبت به گوشت مرغ بیشتر بوده است - میزان مصرف گوشت مرغ نیز تا حدودی افزایش داشته است زیرا بخشی از جامعه - که قادر به پرداخت هزینه مربوطه بودند - به جای گوشت قرمز، گوشت مرغ را در سبد غذایی خود می گنجانند.

قیمت گوشت مرغ در سالیان اخیر از افزایش چشمگیری برخوردار بود و به ویژه پس از اجرای طرح موسوم به «هدفمند کردن یارانه ها» و افزایش هزینه تولید، سیر صعودی افسارگسیخته ای را تجربه کرد. در نتیجه، بخشی از مصرف کنندگان که به سختی این ماده غذایی را در سبد غذایی خود حفظ نموده بودند، از شمار مصرف کنندگان آن خارج شدند و برخی نیز مصرف گوشت مرغ را کاهش دادند. در اثر این رخداد، با وجود تعطیلی تعداد زیادی از واحدهای مرغداری و عدم فعالیت صنعت پرورش مرغ گوشتی کشور با تمام ظرفیت خود، میزان گوشت مرغ تولیدی مرغداران کشور بیش از میزان تقاضا گردید. تولید کنندگان که شرایط را این گونه دیدند، با آگاهی از کاهش ممتد توان خرید اکثریت جامعه و کاهش مستمر مصرف سرانه، از دولت خواستند شرایطی فراهم آورد تا با انجام صادرات، مشکل مازاد تولید مرغ برطرف گردد. رییس اتحادیه مرغداران گوشتی تهران در این باره گفته بود: «تا زمانی که صادرات مرغ از کشور آغاز نشود، مشکل مازاد تولید مرغ همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند و دولت باید با خرید مرغ از تولیدکنندگان مازاد تولید را از بازار جمع آوری کند.»²

وضعیت صنعت مرغداری کشور از دیدگاه یک مرغدار

رییس شورای نظام دامپزشکی استان آذربایجان شرقی (در آذر ماه 1390) ضمن هشدار در باره مصرف بی رویه و خودسرانه آنتی بیوتیک ها در صنعت دام و طیور، گفته بود: «دوره پرورش طیور در استان باید کاهش پیدا کند و به سن 42 روز برسد.» در بخش نظرات ارسالی در پایین آن نوشته، یک مرغدار جمله ای نوشته بود که به واقع جان کلام است. او نوشته بود: «در مورد طرح 42 روزه بنده هم کامل موافق هستم ولی در صنعت مرغداری نه تولیدکننده و نه شما نمی توانیم نظر دهیم، اجازه ما دست مافیایی به نام واسطه ها است.»³⁰

وضعیت اشتغال در مرغداری های پرورش مرغ گوشتی

تعداد و میزان دستمزد شاغلین: برابر آمار مرکز آمار ایران، تعداد کارکنان شاغل در مرغداری های پرورش مرغ گوشتی در سال 1389، 52449 نفر بوده است که از این تعداد 35990 نفر شاغلان با مزد و حقوق و 16459 نفر را شاغلان بدون مزد و حقوق تشکیل می داده است. همچنین بین شاغلان با مزد و حقوق 35595 نفر کارکن مرد و 406 نفر کارکن زن بوده است. میزان مزد و حقوق و سایر پرداختی های کارکنان با مزد و حقوق، در مرغداری های مذکور نیز، طی سال 1389، 1642 میلیارد ریال بوده است.⁷

نکته قابل ذکر در مورد وضعیت دستمزد کارکنان مرغداری ها این است که شاغلان مزدبگیر خود به کارگر ساده، تکنیسین، کارشناس و مدیر تقسیم می شوند که هر کدام سطح دریافت های خود را دارند و نمی توان از مبالغ موجود در آمار ارایه شده در بالا، رقم میانگین دستمزد برای کل شاغلین استخراج نمود. کارگران اغلب دستمزدهای پایینی دریافت می کنند. همچنین باید یادآوری نمایم که کارشناس و مدیر در همه واحدهای مرغداری به کارگرفته نمی شوند و این امر اغلب شامل واحدهای بزرگ می گردد.

استثمار نیروی کار: در بخش عمده ای از سال های پس از انقلاب 57، تعداد زیادی از کارگران مرغداری ها را اتباع خارجی (مهاجران افغان) تشکیل می داده اند. از دلایل حضور پررنگ کارگران افغانی در این بخش، می توان عوامل زیر را برشمرد:

1- ارزان بودن نیروی کار آنان نسبت به کارگران ایرانی، زیرا کارگران افغان نسبت به همتایان ایرانی خود هم ساعات بیشتری کار می کردند (بیشتر از زمان تعیین شده در قانون کار جمهوری اسلامی) و هم دستمزد کمتری دریافت می نمودند.

2- اطاعت بی چون و چرا از کارفرما و انجام کارهای مختلف در مرغداری.

3- سازش با شرایط بسیار سخت و نامناسب و امکانات اندک (به علت نیاز).

مسائل و مشکلات مهم کارگران

1- بیکاری

2- تاخیر در دریافت حقوق

3- برخوردار نبودن از پوشش بیمه ای

4- نابه سامانی وضعیت شغلی

1- بیکاری:

بیکاری از جمله مشکلات کارگران مرغداری ها (گوشتی و تخمگذار) است که به دلایل مختلف روی داده و می دهد. دبیر اجرایی خانه کارگر

استان قزوین - در اواسط اسفند 1389 - گفت: «در هفته های اخیر بیش از هزار کارگر در نتیجه انتشار یک بیماری خاص در بیش از 10

مرغداری، شغل خود را از دست داده اند... پیش بینی می شود بازگشایی دوباره این واحدهای تولیدی حداقل 4 (چهار) ماه زمان ببرد.

کارگران ثابت این واحدهای تولیدی دارای سابقه طولانی در انجام کارهای سخت و زبان آور هستند و از ترس محروم شدن از مزایای بازنشستگی پیش از موعد، حاضر به استفاده از مزایای بیمه بیکاری نیستند.³¹ بیکاری کارگران مرغداری ها به دلایل مختلف همچون بروز مشکل در کیفیت دان مرغ، مشکلات ناشی از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، و تغییر مدیریت، رخ داده است^{32&33&34} و بحران همچنان ادامه دارد.

رئیس اتحادیه مرغداران گوشتی کشور در فروردین 1391 گفت: «در صورت تداوم بحران در صنعت مرغداری، اشتغال موجود در این بخش از بین خواهد رفت. تأثیر بحران در واحدهای تولیدی بالطبع متوجه نیروی کار فعال در این واحدها خواهد شد و اشتغال موجود در این بخش را تهدید می کند.»³⁵

2- تاخیر در دریافت حقوق:

موارد متعددی از عدم پرداخت حقوق کارگران مرغداری ها (گوشتی و تخمگذار) گزارش شده است. از جمله در تیر ماه سال 1384 گزارش گردید که تا آن تاریخ، کارگران شرکت مرغداری جلالی قزوین به مدت 6 ماه است حقوقی دریافت نکرده اند و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، اعتراض 100 کارگر این شرکت را برانگیخته است.³⁶ موارد دیگری در باره به تعویق افتادن پرداخت حقوق به کارگران مرغداری ها وجود داشته و دارد. از جمله در مرغداری هایی که از بخش دولتی به بخش خصوصی واگذار گردیده است.³⁷

3- برخوردار نبودن از پوشش بیمه ای:

بیمه نمودن برخی کارگران مرغداری ها توسط کارفرمایان، امری است که در بسیاری از نقاط کشور وجود داشته و دارد. از جمله در استان لرستان (در سال 1388)، مسئولین دولتی مربوطه، خود به بیمه نشدن کارگران مرغداری ها توسط کارفرمایان اشاره نموده اند³⁸

4- نابه سامانی وضعیت شغلی:

وضعیت استخدام کارگران، اغلب نامشخص و یکطرفه (به سود کارفرما) می باشد. از جمله در گزارشی از شرکت «سپید ماکیان» رشت، که در مهر ماه سال 1387 منتشر گردیده است، به وضعیت دشوار کارگران این شرکت- که به فعالیت کشتارگاهی می پردازد- همچون ساعات کار طولانی، دستمزد اندک، قراردادهای موقت و ... پرداخته شده است.¹

مصرف گوشت مرغ

توزیع جغرافیایی مصرف

استان تهران دارای بیشترین مصرف گوشت مرغ در کشور است. بعد از استان تهران استان های مازندران، فارس و اصفهان، دارای بالاترین مصرف گوشت مرغ در کشور هستند. استان های سمنان و ایلام دارای کمترین مصرف گوشت مرغ در کشور هستند.²⁵

مصرف سرانه گوشت مرغ (از محل تولید و واردات)

در باره مصرف سرانه گوشت مرغ در کشور پس از انقلاب 57، آمارسازی های زیادی انجام شده است. به ویژه آمارهایی که حدوداً از نیمه دهه 1370 (پس از اجرای طرح آزادسازی در صنعت طیور) به این سو ارایه شده است، قابل استناد نیستند، زیرا حکومت با بیشتر نشان دادن ارقام سعی داشته و دارد که تصویری غیرواقعی از وضعیت اقتصادی جامعه و قدرت خرید مردم ارایه نماید.

به هر روی، بر اساس آمار شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور (در سال 1381)، مصرف سرانه گوشت مرغ در کشور در فاصله سال های 1357 تا 1381، بیش از 180 درصد رشد داشته است و از 1/5 [پنج ممیز یک دهم] کیلوگرم به 7/13 [سیزده ممیز هفت دهم] کیلوگرم رسید.³⁹

مصرف سرانه گوشت مرغ در سال 1382 مقدار 6/16 [شانزده ممیز شش دهم] کیلوگرم، در سال 1383 مقدار 28/17 [هفده ممیز بیست و هشت صدم] کیلوگرم، در سال 1384 مقدار 06/18 [هجده ممیز شش صدم] کیلوگرم، در سال 1385 مقدار 30/19 [نوزده ممیز سی صدم] کیلوگرم و در سال 1386 مقدار 21 کیلوگرم عنوان شده است.⁴⁰

تناقض آمارهای حکومتی با واقعیت های موجود در باره مصرف گوشت مرغ

اگرچه در نتیجه گرانی وحشتناک گوشت قرمز، مصرف گوشت مرغ تا حدودی افزایش داشت و این امر کاملاً منطقی به نظر می رسد اما هرگز آن گونه نبوده و نیست که اکثریت جامعه به گوشت مرغ دسترسی داشته و بتوانند آن را در سبد غذایی خود بگنجانند. مصرف سرانه نیز، به هیچ وجه در حدی که رژیم جمهوری اسلامی اعلام می کند نیست، به ویژه در سال های اخیر که گوشت مرغ افزایش قیمت شدیدی را تجربه نموده است. به عقیده کارشناسان مستقل و برخی دست اندرکاران صنعت مرغداری، آمارهای رژیم در مورد مصرف سرانه گوشت مرغ- که آن را حتی بالاتر از میانگین مصرف سرانه جهانی عنوان می نماید- معتبر نیست. از جمله مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی ایران در شهریور 1388، با غیر اصولی بیان کردن میزان 22 کیلوگرم مصرف سالانه گوشت مرغ در کشور، خواستار بازنگری در مقدار اعلام شده مصرف سرانه گوشت مرغ در کشور شده و گفته بود: «... با وجود قیمت هر کیلوگرم 1340 تومان مرغ زنده قبل از کشتار مرغ و به طور طبیعی افزایش قیمت بعد از کشتار مرغ، کاهشی در خرید این محصول نسبت به سال های قبل نشان داده شده است. با وجود این که تولیدکنندگان با افزایش قیمت نهاده های دامی در سال های اخیر و تهیه آن از خارج کشور و نیز با وجود شرایط اقتصادی و کمبود نقدینگی، تمام ضرر و زیان تولید را به سمت خود هدایت کرده اند، باز شاهد کاهش تقاضای گوشت مرغ در این سال ها بوده اند.»⁴¹

وضعیت بازار گوشت مرغ

در یک نگاه کلی، نظام بازار گوشت مرغ نتوانسته وظایف یک بازار کارآمد را به خوبی انجام دهد. علیرغم نرخ بازده مناسب سرمایه در صنایع مرتبط با تولید گوشت مرغ، به دلیل نوسان زیاد و غیرمنتظره قیمت فرآورده های تولیدی، تولید و بازاریابی در این بخش همواره با ریسک بالایی همراه بوده است. نوسانات قیمت گوشت مرغ، علایم قیمتی را منحرف ساخته و موجب عدم تحقق اهداف مورد نظر در تولید و نیز ایجاد عدم تعادل در بازار در مقطعی از سال می شود. عدم توازن عرضه و تقاضا نیز موجب تغییرات قیمتی شده و نوسانات قیمت نیز به نوبه خود عرضه و تقاضا را متاثر می سازد.

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، عامل اصلی نوسانات قیمت گوشت مرغ را باید در بازارهای عمده فروشی جستجو نمود و در سیاست های مورد نظر در زمینه کاهش نوسانات قیمتی، کارکرد این بازارها را بیشتر مد نظر قرار داد.³⁹

سیستم توزیع: بعد از پیروزی انقلاب، توزیع فرآورده های صنعت طیور در گروه کالاهای یارانه ای قرار گرفت و دسترسی خانواده ها به این فرآورده ها، عمدتاً در برابر ارایه کالا برگ [کوپن] انجام می گرفت. دولت در سطح وسیعی در امور مختلف این محصول مانند بازرگانی، تهیه و توزیع نهاده ها و بازار این محصول دخالت کرد و سیستم گسترده ای را در این ارتباط شکل داد.

در سال های اولیه پس از انقلاب، نحوه دسترسی خانوارها به این فرآورده ها، نظام جدیدی را از الگوی مصرف در میان خانوارهای مناطق شهری نهادینه کرد و مصرف فرآورده های صنعت طیور به عنوان منابع ارزان قیمت تامین پروتئین در سبد کالایی خانوارها تثبیت شد و مداخله دولت در فرآیند تولید، مصرف، بازاریابی و تجارت محصول و نهاده های آن استمرار یافت. به طور کلی واحدهای تولیدی در برابر دریافت میزان مشخصی نهاده تولید به قیمت مشخص، ملزم به تحویل میزان معینی گوشت یا تخم مرغ به دولت بودند. در سال 1375، سیاست آزادسازی گوشت مرغ و تخم مرغ به تصویب شورای اقتصاد رسید که بر اساس آن ارزش موردنیاز این صنعت از ارزش دولتی به ارزش رقابتی و شناور تبدیل شد و این وضعیت تا سال 1377 ادامه یافت. با اجرای طرح آزادسازی صنعت طیور، قیمت تمام شده محصول به شدت افزایش یافت. در برنامه سوم توسعه نیز بخش خصوصی در برخی امور بازرگانی و بازار نهاده های این صنعت، نقشی برعهده گرفت. به طور کلی، آزادسازی و افزایش نرخ ارزش پیامدهای منفی متعددی به همراه داشت که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1- نیاز به نقدینگی بالا برای تولید

2- افزایش قیمت محصول و فشار بر مصرف کننده

3- افزایش قیمت محصول جانشین

4- کاهش سطح مصرف⁴²

در باره شناور شدن و افزایش نرخ ارز و حذف سوبسیدها و آزادسازی قیمت ها، باید اشاره نمود که استقراض خارجی برای حکومت جمهوری اسلامی تعهداتی را به همراه آورده بود و برنامه های پنج ساله اقتصادی اول و دوم کابینه های رفسنجانی (رییس دولت وقت در حکومت جمهوری اسلامی) بر پایه طرح توسعه و سیاست اقتصادی دیکته شده توسط «صندوق بین المللی پول» تنظیم گردید.⁴³

تحلیل افزایش هزینه به مصرف کنندگان: در یک دوره ده ساله (از 1376 تا 1386) در اثر عواملی همچون عدم هماهنگی بین سیاست های دولت و عملکرد بازار، حضور شبکه گسترده واسطه گری و نبود شبکه کارآمد توزیع و بازرسانی، مصرف کنندگان به ازای هر کیلوگرم گوشت مرغ، حداقل 7 [هفت] درصد بالاتر از قیمت تمام شده آن پرداخته اند، که خود باعث تحمیل بیش از 470 میلیارد ریال افزایش هزینه به مصرف کنندگان شده است.³⁹

مکانیزم انتقال قیمت در بازار مرغ: روی هم رفته، افزایش قیمت مرغ زنده در مرغداری، قیمت های کشتارگاه و خرده فروشی را به همان نسبت افزایش می دهد، اما کاهش قیمت مرغ زنده منجر به کاهش کمتری در قیمت های کشتارگاه و خرده فروشی گوشت مرغ می گردد و در حقیقت عوامل بازاریابی گوشت مرغ- به گونه عمده کشتارگاه ها- از انتقال ناقص کاهش قیمت مرغ زنده به سطوح دیگر بازار، منفعت کسب می کنند.⁴⁴

سهم واسطه ها در بازار گوشت مرغ: بررسی قیمت های عمده فروشی و خرده فروشی و نرخ رشد آن ها طی سال های 1358 تا 1382، نشان داده است که قیمت های عمده فروشی گوشت مرغ با سرعت و نوسان بیشتری نسبت به قیمت های خرده فروشی این محصول افزایش یافته است. در فاصله سال های مزبور، قیمت های خرده فروشی گوشت مرغ حدود 68 برابر و قیمت های عمده فروشی آن بیش از 130 برابر شده است.

یک موضوع قابل توجه، سهم و نقش بخش های واسطه ای در قیمت نهایی گوشت مرغ است. در این راستا چنانچه فاصله قیمت خرده فروشی و عمده فروشی زیاد باشد، می توان نتیجه گرفت که سهم بالایی از قیمت نهایی پرداختی توسط مصرف کننده، نصیب واسطه ها می شود و برعکس. طبق تحقیق، در سال های 1358 تا 1366 تفاوت قیمت خرده فروشی و عمده فروشی گوشت مرغ اندک بوده و پس از آن تا سال 1367 این فاصله اندکی افزایش یافته است اما در سال های 1368 تا 1370 از میزان آن کاسته شده است. میزان افزایش قیمتی خرده فروشی و عمده فروشی بعد از سال 1370 قابل توجه است. پس از آن سال نیز این شکاف قیمتی مرتب در حال افزایش بوده و به عبارتی دیگر با آغاز اجرای سیاست های آزادسازی بازار گوشت مرغ، به مرور زمان سهم واسطه ها از قیمت نهایی پرداختی مصرف کنندگان بیشتر شده است.³⁹

حلقه های متعدد واسطه ها میان تولیدکننده و مصرف کننده: مدیرعامل اتحادیه مرغداران تخمگذار استان خراسان شمالی (در خرداد 1390) گفت: «اگر تولیدکنندگان بدانند که تولید آن ها صرفه اقتصادی دارد، محصول آن ها به طور مناسب خریداری می شود و بازگشت سرمایه آن ها با مشکل مواجه نمی شود، با اطمینان بیشتری تولید خواهند کرد اما در حال حاضر سود تولیدکنندگان و مرغداران به جیب دلالت و واسطه ها می رود. از مرغداری تا زمانی که مرغ به دست مصرف کننده برسد 2 تا 3 دست بین دلال ها و واسطه ها می چرخد و همواره آن ها به مرغداران بدهکارند و کاش همین دلالت آدم های سالمی بودند که در این صورت می شد جزو چرخه اقتصادی به حسابشان آورد اما این طور نیست و اکثر آن ها از 20 میلیون تومان و بالاتر به مرغداران بدهکارند.»¹⁴

وابستگی صنعت مرغداری به خارج کشور

در بخش تامین نهاده های مورد نیاز برای تولید، با وجود افزایش میزان تولید مرغ، تولید محصولات مورد نیاز برای دان مرغ (ذرت و ...) متناسب با آن افزایش نیافته است و در تامین مواد اولیه مورد نیاز، همواره وابستگی به خارج کشور وجود داشته است و به مرور زمان بیشتر نیز گردیده است. به نظر می رسد منافع گروه های واردکننده مواد اولیه و نیز محصول نهایی، همواره مانع از انجام اقدامات اساسی و اصولی در جهت کاهش وابستگی- در تامین مواد مورد نیاز- به خارج از کشور بوده است.

در بخش مصرف نیز، وابستگی به بازارهای جهانی و روابط بین المللی نقش تعیین کننده ای دارد. بازارهای جهانی بر مصرف تاثیر می گذارد. تولیدکنندگان بزرگ تلاش می کنند که هر چه بیشتر سهمی از بازارهای داخلی داشته باشند و تولیدات خود را در سطحی وسیع تر در بازار ایران به فروش برسانند.

در واقع وضعیت موجود در عرصه تولید و مصرف مرغ- و بسیاری کالاهای دیگر- حاصل کارکرد نظام بازار و اقتصاد جهانی و داخلی است که بر مبنای منطق سود فعالیت می کنند و رقابت و همکاری میان آن ها صورت می گیرد. به طور کلی، جدال گاه و بی گاه میان

تولیدکنندگان داخلی و خارجی بر سر بخشی از بازار، دعوای میان صاحبان سرمایه است و در واقع برای تامین منافع مردم صورت نمی گیرد بلکه برای حفظ و یا افزایش سهم خود از بازار و افزایش سود است. این نزاع منحصر به محصول نهایی نیست و واردکنندگان مرغ و واردکنندگان مواد اولیه(نهاده ها) نیز با یکدیگر رقابت دارند. از سویی، گاه همکاری نیز در میان آن ها صورت می پذیرد. در واقع، آن چه بی اهمیت است همان منافع مردم است.

مقایسه قیمت داخلی و خارجی گوشت مرغ: مقایسه روند قیمت داخلی و خارجی گوشت مرغ بر اساس نرخ ارز آزاد طی سال های 1370 تا 1383 نشان می دهد که تا سال 1378، قیمت داخلی همواره کمتر از قیمت جهانی بوده و از این سال به بعد، قیمت داخلی بیش از قیمت جهانی شده است.⁴⁵

آمارهای مربوط به قیمت گوشت مرغ و وارداتی نشان می دهد متوسط قیمت هر کیلوگرم گوشت مرغ وارداتی از سال 1371 تا 1388 در حدود یک دلار و 40 سنت بوده است و در سه ماهه اول سال 1389 به مرز دو (2) دلار نزدیک شد. این در حالی است که انجمن تولیدکنندگان مرغ گوشتی قیمت تمام شده هر کیلوگرم گوشت مرغ در کشور را حدود 3 هزار تومان عنوان کرده اند، یعنی چیزی نزدیک به سه (3) دلار، که در مقایسه با قیمت جهانی بسیار بالاست.⁴⁶

واردات گوشت مرغ

واردات گوشت مرغ در سال 1372 مقدار 48600 تن به ارزش 62779903 دلار، در سال 1376 مقدار 14957 تن به ارزش 20456127 دلار، در سال 1380 صفر، در سال 1386 مقدار 32695 تن به ارزش 54944507 دلار بوده است.⁴⁷ در سال 1390 (در سه ماهه اول سال)، 43 هزار تن گوشت مرغ به ارزش تقریبی 100 میلیون دلار، با مجوز سازمان دامپزشکی وارد و ترخیص شده است.⁴⁸ واردات تامین کننده منافع باندهای حکومتی

از آن جایی که منافع دست اندرکاران جمهوری اسلامی واردات بی رویه و غیر ضروری کالاها را اقتضا می کند، واردات مرغ که از قبل هم انجام می پذیرفت، همچنان ادامه دارد. رییس هیات مدیره اتحادیه مرغداران شهرستان خوی در این باره گفته است: «در حالی که مرغ تولیدی داخل فروش ندارد، واردات از کشورهایی مانند ترکیه شدت گرفته است که در حکم ضربه مهلکی به تولید کشور است. واردات بی رویه عملاً تولید داخل را نابود کرده و حیثیت و آبروی ما تولیدکنندگان در خطر است. موضوع واردات بی رویه و کنترل نشده، هر ایرانی را به یاد دوران قاجار و قراردادهای امتیازات تجاری و گمرکی می اندازد که روس و انگلیس طی معاهدات مختلف از پادشاهان ایران می گرفتند و به واسطه آن ها تعرفه ها و تسهیلات گمرکی را به نفع بهبود تراز تجاری خود تغییر می دادند.»²

عوارض واردات مرغ

دبیر انجمن صنفی مرغداران ایران در خرداد ماه 1389 ضمن هشدار نسبت به واردات مرغ منجمد با کشور، در خصوص عوارض واردات این محصول گفت: به ازای هر چهار (4) هزار دلار واردات در صنعت طیور، یک فرصت شغلی از بین می رود. خارج شدن حجم قابل توجهی ارز از کشور و از بین رفتن بسیاری از تجهیزات مرغداری ها نیز از پیامدهای واردات بی رویه مرغ به کشور است.⁴⁹ واردات مرغ به رغم ممنوعیت

واردات مرغ در حالی صورت گرفته است که در شهریور ماه 1390، قائم مقام معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت از ممنوعیت واردات مرغ به کشور خبر داد و گفت مرغداران نگران مرغ مازاد تولیدی خود نباشند.⁵⁰ صادرات گوشت مرغ

به طور کلی مرغ تولیدی در ایران برای صادرات به دیگر کشورها با دو عامل منفی رو به رو است. فاکتور نخست کیفیت نسبتاً پایین گوشت مرغ تولیدی است و دومی قیمت تمام شده بالا. چنانچه دستگاه های مربوط در ساختار حکومت، به وظایف خود در قبال صنعت مرغداری عمل نکنند، از مسایل و مشکلات این صنعت نه تنها کاسته نخواهد شد بلکه بر شدت آن ها نیز افزوده خواهد گشت. افزایش کیفیت گوشت تولیدی و کاهش قیمت تمام شده نیز در شمار مسایلی قرار دارد که انجام آن ها وابسته به سیاست ها و برنامه های حکومت است.

به هر روی، طبق آمار گمرک در هفت ماهه نخست سال 1386، نزدیک به 12 هزار تن مرغ به ارزش هشت میلیون دلار از کشور صادر شد. بخش عمده این صادرات به کشورهای حاشیه خلیج فارس، عراق، افغانستان و مقدار کمی نیز به کشورهای آسیای میانه صورت گرفت. صادرات مرغ با عوارض گمرکی 30 درصد صورت گرفت و نسبت به مدت مشابه سال گذشته، یک درصد افزایش داشت.⁵¹

صادرات مرغ (گوشت مرغ بریده نشده به صورت قطعات یخ زده)، در سال 1387 مقدار 10 تن به ارزش 11977 دلار و در سال 1388 مقدار 9/164 (یکصد و شصت و چهار ممیز نه دهم) تن به ارزش 2/327931 (سیصد و بیست و هفت هزار و نهصد و سی و یک ممیز دو دهم) دلار بوده است.⁵²

وعده مسئولین: تبدیل شدن به صادرکننده مرغ

وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی در جریان برگزاری دومین همایش صادرات (در مرداد ماه سال 1389) گفت: «... قول می دهیم که سال بعد نه تنها مرغی وارد نکنیم بلکه صادرکننده این محصول نیز باشیم...»⁵³ سال بعد مبلغی نیز به عنوان جایزه برای صادرات تعیین گردید و این در حالی بود که فعالان صنعت مرغداری عقیده داشتند که با توجه به قیمت تمام شده تولید داخل، امکان رقابت در بازارهای هدف وجود ندارد.⁵⁴

توقف صادرات مرغ

در اسفند ماه 1390 مدیرعامل شرکت پشتیبانی امور دام و عضو ستاد تنظیم بازار گفت: «... بر اساس تصمیمات جدید صادرات مرغ متوقف شد.»⁵⁵

صادرات گوشت مرغ از محل مرغ های وارداتی

طبق آمار گمرک (سال 1390)، یکی بودن تعرفه های مرغ های وارداتی و صادراتی و از سوی دیگر نداشتن مجوز صادرات مرغ داخلی، نشانگر آن است که مقداری از مرغ های وارداتی به کشور، عرضه نشده و صادر شده است. بر این اساس طی 9 ماهه نخست سال 1390، بیش از 16 هزار تن گوشت مرغ از ایران صادر شده است که مقداری از مرغ های صادر شده دارای همان شماره تعرفه مرغ های وارداتی هستند که یکی از مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز این موضوع را تایید کرده است.⁴⁸

طرح هدفمندی یارانه ها و صنعت مرغداری قانون هدفمند کردن یارانه ها

در ماده یکم این قانون- که در دی ماه 1388 در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و توسط شورای نگهبان تایید گردید- افزایش قیمت حامل های انرژی لحاظ گردیده است. در ماده هشتم نیز پرداخت وجوهی به بخش تولید (حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی) و واحدهای تولیدی، خدماتی و ... (در قالب بهینه سازی مصرف انرژی) گنجانده شده است.⁵⁶

در عمل، با اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، افزایش قیمت ها کالاها و خدمات توسط دولت انجام شد اما حمایت های پیش بینی شده صورت نپذیرفت و مشکلات متعددی دامنگیر تولید در بخش کشاورزی گردید که به افزایش شدید قیمت تمام شده محصولات انجامید و به نوبه خود مصرف کنندگان نیز تحت تاثیر قرار گرفتند و شرایط دشواری به آنان تحمیل گردید.

تاثیر منفی اجرای طرح هدفمندی یارانه ها از دید فعالان صنعت مرغداری

مدیر عامل اتحادیه سراسری شرکت های تعاونی صنعت مرغداران- در دی ماه 1388- گفت: اجرای طرح هدفمندی یارانه ها و حذف آن ها [یارانه ها] موجب آزاد سازی قیمت مواد اولیه و هزینه های انرژی و سوخت شده و قیمت مرغ را تا 10 درصد افزایش می دهد. حمایت نکردن ارگان های ذیربط از جمله وزارت تعاون و نیز تفویض اختیار به این بخش موجب بی ثباتی در تولید خواهد شد. شرکت های تعاونی از جمله اتحادیه مرغداران ابزارها و نهادهای نظارتی مناسبی نداشته و نقشی در تنظیم بازار و قیمت ها ایفا نمی کنند. آزاد سازی یارانه ها موجب خواهد شد تا مواد اولیه آزاد خریداری و حدود 10 درصد هزینه های سوخت و انرژی به آن اضافه و قیمت ها نیز افزایش یابد...⁵⁷ اما، وزیر جهاد کشاورزی- در آذر ماه 1389- ادعا کرد که دولت بخشی از هزینه های کشاورزان را تقبل خواهد نمود و در ضمن بسته های حمایتی خوبی برای بخش کشاورزی تدارک دیده شده است و قطعاً افزایش قیمت ناشی از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها به وجود نخواهد آمد.⁵⁸

سپس- در 5 اردیبهشت 1391- وزیر جهادکشاورزی در باره اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها گفت: «... طرح هدفمند سازی یارانه ها محدود به اقتصاد نیست بلکه در ابعاد مختلف امنیتی و سیاسی نیز آثار و نتایج مثبتی داشته است. در بخش کشاورزی دستاوردهای خوبی با اجرای طرح هدفمند سازی یارانه ها داشته ایم. [!] ما باید این مسیر را با بهترین تدبیرها و حمایت ها و همدلی طی کنیم ... اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها به همان اندازه بزرگی و اهمیتی که دارد سختی کار نیز هم دارد ... باید با صبر و تدبیر و کارهای سخت و شبانه روزی اجرای این قانون را جلو ببریم چرا که در هدفمند سازی یارانه ها قرار نبود شاد و خندان به پیک نیک برویم ...»⁵⁹

بدین گونه با اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه به طور وحشتناکی افزایش یافتند و آسیب های زیادی به بخش های مختلف و از جمله کشاورزی وارد آمد. تولیدکنندگان و مصرف کنندگان مشکلات متعددی را متحمل شدند. سطح رفاه در جامعه بازم کاهش یافت و تعداد بیشتری از افراد جامعه، از مصرف حداقل مواد غذایی مورد نیاز، ناتوان گشتند. برنده اجرای این طرح حکومت بود که با دریغ نمودن حق مردم از آنان، هر چه بیشتر از تعهدات و وظایف خود نسبت به جامعه کاست و به دزدی آشکار از سهم مردم از ثروت های کشور، اقدام نمود. مسئولین حکومتی که قبل از اجرای این طرح، عدم بروز هرگونه مشکلی را وعده می دادند، پس از آشکار شدن مسایل و مشکلات ناشی از اجرای طرح- با بی شرمی- مشکلات به وجود آمده را طبیعی دانستند و حکم به صبوری و تحمل سختی هر چه بیشتر دادند.

کمبود و افزایش قیمت گوشت مرغ

وعده تامین نیازها و عدم افزایش قیمت مرغ: معاون امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی (در اول بهمن 1390) گفت: مقدمات لازم برای تامین مرغ مورد نیاز مردم در ایام نوروز فراهم شده و هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد.⁶⁰ افزون بر آن، مسئولین تشکل های مرغداران نیز خبر از کنترل بازار و عدم افزایش قیمت مرغ دادند.⁶¹ که عملی نگردید.

کمبود مرغ در پی مهار دستوری قیمت ها

بنا به گزارشی (در اواخر اسفند 1390) در استان هرمزگان برای کنترل قیمت ها، اقدام به اجرای طرحی با عنوان «طرح ضربتی برخورد با گران فروشان و اخلالگران نظام اقتصادی» گردید که در جریان آن بسیاری از مغازه ها به دلیل عدم رعایت قیمت مصوب ستاد تنظیم بازار با تعطیلی و پلمپ مواجه شدند.

پیامد اجرای این طرح خروج مرغ از استان هرمزگان و کمبود مرغ در استان مزبور بود زیرا قیمت مرغ در استان های همجوار بالاتر بود. این در حالی بود که مسئولین مربوطه اعلام نموده بودند که هیچ مشکلی برای تامین اقلام مورد نیاز مردم در ایام نوروز نخواهیم داشت.

مقامات استان از کنترل راه ها و ممنوعیت خروج مرغ از آن استان خبر دادند. اما پس از مدت کوتاهی باز کمبود مرغ گرم در بازار بندرعباس به وجود آمد. صاحبان مرغ فروشی های سطح شهر بندرعباس در این باره گفتند که افزایش قیمت مرغ در استان های همجوار موجب خروج مرغ از استان شده به همین دلیل مرغی در استان برای عرضه نیست. در زمان مزبور قیمت فروش هر کیلوگرم مرغ در بازار استان های کرمان، فارس، یزد و اصفهان بین 4400 تا 4800 تومان و در بازار بندرعباس 3700 تومان بود.⁶²

ماجرای فوق نشان می دهد که ارتباط منطقی و سالم میان بخش های تولید، توزیع و مصرف مرغ گسسته است، وگرنه نمی بایست مرغ- به رغم انجام تولید در یک منطقه از کشور- در آن جا نایاب شود.

افزایش قیمت گوشت مرغ در سطح کشور

به رغم وعده های مسئولین، در ماه پایانی سال 1390، قیمت گوشت مرغ در سطح کشور از افزایش قابل ملاحظه ای برخوردار بود.^{63&64}

65

ادامه روند افزایش قیمت مرغ در سال 1391

به گزارش خبرگزاری ها (در 13 خرداد 1391)، قیمت گوشت مرغ در بازار گوشت و مرغ، به 4850 تومان در هر کیلوگرم رسید.⁶⁶ چند روز بعد (در 16 خرداد 1391) مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی استان تهران گفت: «در صورت عدم تامین نهاده ها، قیمت مرغ در ماه های آتی به بیش از شش هزار تومان افزایش خواهد یافت.»⁶⁷ متأسفانه پیش بینی مدیر عامل اتحادیه یادشده خیلی زود به واقعیت تبدیل گشت

و بنا به گزارش های منتشر شده، در نخستین روز تابستان 1391، قیمت گوشت مرغ با افزایش چشمگیر، به 6400 تومان در هر کیلوگرم رسید.⁶⁸ روند افزایشی قیمت مرغ، پس از آن نیز ادامه یافته است.^{70&69}

نکته مهم این که با ادامه روند افزایش قیمت مرغ، دستگاه های دولتی، در برخی شهرها (به طور عمده شهرهای بزرگ) اقدام به توزیع مقادیری مرغ (به بهای 4850 تومان و سپس تا 5400 تومان در هر کیلوگرم) نموده اند. این اقدام به عنوان حمایت از مصرف کنندگان تلقی می شود اما در واقع دولت بهایی را برای فروش این محصول تعیین کرده است (نرخ مصوب دولتی)، که تا مدت زمان کوتاهی پیش از این، سقف قیمت در بازار آزاد مرغ به حساب می رفت. به عبارتی، افزایش شدید قیمت مرغ و تغییر آن به ویژه در سطح خرده فروشی، در مدت کوتاهی، به وسیله مجموعه ای متشکل از صاحبان سرمایه و قدرت انجام گرفته و تثبیت گردیده است.

دلایل افزایش قیمت مرغ از دید تولیدکنندگان

در گزارشی که اوایل تیر ماه 1391 منتشر گردیده است، از سوی مدیر عامل اتحادیه مرغداری های گوشتی، کمبود و افزایش قیمت نهاده های تولید دلیل اصلی افزایش قیمت مرغ عنوان گردیده است.⁷¹

پیامد سیاست ها و برنامه های حکومت در صنعت مرغداری

در پی اعمال سیاست های ویرانگر حکومت جمهوری اسلامی ایران، بخش بزرگی از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان (ابتدا و انتهای زنجیره بازار محصول)، هر دو در شرایط نامناسبی قرار دارند و اعتراض آنان نسبت به چنین شرایطی، راه به جایی نمی برد.

توان مالی مردم ایران روز به روز تحلیل می رود و فاصله وضعیت موجود زندگی آنان با شرایط نرمال و انسانی، بیشتر و بیشتر می گردد. با کاهش قدرت خرید خانوارها، سبب خرید خانوارها نیز دچار کاهش کمی و کیفی می گردد و این روند کاهشی ادامه می یابد. مصرف کنندگان بسیاری- که اکثریت کارگران و کارمندان در این گروه قرار دارند- در حسرت تهیه و تناول وعده ای غذای گوشتی، رو به مصرف هرچه بیشتر مواد شکر پر کن می آورند (البته اگر شرایط اقتصادی اجازه همین کار را هم بدهد) و در نتیجه سوءتغذیه و فقر و کمبود عناصر ضروری در بدن که هم اکنون نیز در جامعه ابعاد نگران کننده ای یافته است، شیوع بیشتری خواهد یافت. فقر و کمبود عناصر ضروری در بدن، عوارضی مانند کم وزنی، نبود رشد کافی بدنی و مغزی، کاهش مقاومت بدن و آسیب پذیر شدن در برابر انواع بیماری ها و چاقی را در پی دارد (که هم اکنون نیز جامعه به آن دچار است) و عوارض یاد شده خود پیامدهای دیگری به دنبال خواهند داشت.

از سویی برخی تولید کنندگان (به ویژه تولید کنندگان خرد) از چرخه تولید حذف خواهند شد و از آن جا که بسیاری از مرغداران خرده پا دارای نقدینگی لازم نیستند و ضمن اجاره سالن، نهاده های مورد نیاز را نیز با تحویل چک و سفته تهیه می کنند، در صورت عدم توانایی در پرداخت دیون، با پیگیری حقوقی طلبکاران مواجه می گردند و کم نیستند مرغدارانی که به جرم تولید سر از زندان درآوردند و خانواده های آنان نیز آسیب هایی را متحمل شدند. کارگران شاغل در این بخش نیز با از دست دادن مشاغل خود، در جستجوی کار، اغلب رهسپار شهرهای بزرگ می گردند و با توجه به نداشتن تحصیلات و توان مالی مناسب، اسیر آینده ای نامعلوم می گردند.²

در اقتصاد ایران که در اثر عملکرد حکومت جمهوری اسلامی، به شدت ناسالم و فاسد است، تولید در راستای منافع جامعه جایگاهی ندارد و قربانی کسب سودهای بادآورده و هنگفت توسط باندهای پرشمار مافیایی درون رژیم گردیده است. از سویی، تغذیه و سلامتی مردم ایران نیز برای مسئولین حکومت جمهوری اسلامی پیشیزی ارزش ندارد و نتیجه این می شود که تولید و مصرف مواد غذایی (از جمله گوشت مرغ) در ایران، هیچ کدام به سامان نیست.

20 ژوئیه 2012- 30 تیر 1391

منابع

1- گزارشی از شرکت «سپید ماکیان» در رشت: این شرکت، پیمانکاری است که از آذر ماه سال 1385، کشتارگاه سپید رود واقع در پنج کیلومتری جاده رشت - تهران را اجاره کرده است. در کشتار مرغ ماشینی 18 دستگاه مشغول به کار است و در هر دستگاه در طول فعالیت در شبانه روز حدود 1200 تا 1300 عدد مرغ با دست ذبح می شود. در قسمت کشتارگاه حدود 50 کارگر، در قسمت بسته بندی چهل نفر، در قسمت اداری 10 نفر، در قسمت پخش 10 نفر، و در تاسیسات 10 نفر کار می کنند. قسمت کشتار تک شیفت است، در تابستان از 6 عصر الی 6 صبح، که البته تاسیسات مربوط به کشتار از ساعت 4 عصر - یعنی 2 ساعت جلوتر - شروع به کار می کند. همچنین مرغ گیرها نیز 2 ساعت جلوتر (4 عصر) آغاز به کار می کنند. از آغاز نیمه دوم سال (اول پاییز) شیفت تغییر کرده و کارگران از صبح در محل کار حاضر شده و مشغول به کار می شوند.

در سپید ماکیان پایه حقوق کارگران صافی 219 هزار تومان است، بدون مزایا. از حق مسکن و اولاد، بن کارگری و وام خبری نیست. کارگران فاقد فیش حقوقی هستند. دستمزدها مستقیم در قسمت اداری پرداخت می شود. از مساعده هم خبری نیست. دستمزد معادل یک ماه پس از 45 روز پرداخت می شود.

کارگران با قرارداد موقت سه ماهه کار می کنند و مجبورند تمام آن چه را که در قرار داد ذکر شده بپذیرند. البته کارگران حتی از متن پنج صفحه ای قرارداد اطلاعی ندارند و اعتراض آن ها منجر به اخراجشان می شود. به قول کارگران، اضافه کاری و عیدی کیلویی داده می شود، یعنی بدون محاسبه و برای یک سال حداکثر صد هزار تومان آن هم به عنوان پاداش. از مرخصی و تعطیلات خبری نیست. در طول هفته کارگران قسمت کشتار فقط پنجشنبه را تعطیل هستند و در ازای آن جمعه به سر کار می آیند.

در سال گذشته، حدود 15 نفر از کارگران به صورت جدا از هم در اداره کار در مورد دریافت حق شیفت، حق شب کاری و مزایا اقدام به شکایت کردند. در نتیجه، 2 نفر از کارگران تمام مزایای قانونی را دریافت کردند. اما این شکایت در نهایت منجر به اخراج تعدادی از کارگران معترض گردید.

در اردیبهشت ماه 1387، به دنبال اعتراض کارگران و گزارش اداره بهداشت از وضعیت ذبح مرغ، شبکه پنج تلویزیون استان گیلان (شبکه باران) گزارش مشروعی از این شرکت تهیه کرد که انعکاس یافت.

شرکت با کم کردن نیروی کار و در نتیجه بالا بردن شدت کار و استثمار، آخرین رمق این کارگران را از تن آن ها می رباید، به نحوی که کارگران در اثر شدت خستگی در پایان شیفت کاری نای راه رفتن را ندارند. شام مختصری که نصیب کارگران می شود در حد لوبیا و کالباس است و دیگر هیچ.

اکثر کارگران این شرکت - سپید ماکیان - از شهر ها و روستاهای اطراف مانند سنگر و بازقلعه می آیند. کارخانه فاقد سرویس ایاب و ذهاب است. به همین علت بعضی از کارگران شب ها در محل کارخانه باقی می ماندند، چون وسیله ای برای تردد ندارند. امسال (1387) کارگران تصمیم گرفتند که قرار دادها را امضا نکنند تا کارفرما متن آن را تغییر دهد. کارفرما با ایجاد رعب و وحشت و در نتیجه ایجاد تفرقه در بین کارگران، مانع عملی شدن این تصمیم شد و 6 کارگر معترض را اخراج کرد. کارگران اخراجی با هزار بدبختی توانستند پس از شکایت خرید خدمت شوند و با مبلغ اندکی با سابقه های 14 ماه، 11 ماه و 10 ماه اخراج شوند. و از بیمه بیکاری هم البته خبری نبود. بقیه کارگران تن به امضای قرار داد پنج صفحه ای دادند، آن هم در نهایت بی حقوقی.

این شرکت وابسته به بخش خصوصی و متعلق به منوچهر رسولی (کار فرما) است. وی همراه 4 تن از برادران خود دارای مرغداری های بزرگی در منطقه کنته رود واقع در مسیر جاده رشت - پیر بازار است. البته در این میان در مورد کارگران مرغداری های دولتی که تحت اجاره رسولی می باشد، فردی به نام صدیق، رسولی را تحت فشار گذاشته که کارگران را با همین شرایط و حتی سخت تر استثمار کند. لازم به ذکر است که کارگران قسمت مرغداری - بخش دولتی سپید رود - تحت اجاره رسولی با اضافه کاری سیصد هزار تومان می گیرند.

- جوهری لنگرودی، امیر. روزشمار کارگری ایران. مهرماه 1387.

<http://roozshomarkargari.wordpress.com/%D9%87%D9%81%D8%AA%D9%87-%D8%B3%D9%88%D9%85-%D9%85%D9%87%D8%B1-%DB%B1%D9%A3%D9%A8%DB%B7>

2- مهرپور محمدی، مهرداد. بحران در تولید و مصرف گوشت مرغ. نشریه «آتش»، شماره 3 (فروردین 1391). صفحه 6

3- <http://files.spac.ir/%D9%87%D9%81%D8%AA%D9%87%20%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%20%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87/Barnameh%20gozashteh/Barnameh223/p-4.htm>

4- سالم، جلال. بررسی سیاست آزداسازی قیمت گوشت مرغ در ایران. (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تربیت مدرس، بهمن 1374

5- مرکز آمار ایران. جدول مرغداری های پرورش دهنده مرغ گوشتی و ظرفیت سالن های آن (1374 تا 1383). <http://amar.sci.org.ir>

6- آمارنامه کشاورزی سال 1389 (جلد دوم). وزارت جهاد کشاورزی. معاونت برنامه ریزی و اقتصادی. دفتر آمار و فن آوری اطلاعات. تهران: 1390

7- مرکز آمار ایران. «چکیده نتایج آمارگیری از مرغداری های پرورش مرغ گوشتی سال 1390». تهران: 1390.

[توضیح نویسنده: تفاوت و فاصله موجود میان ارقام ارائه شده توسط وزارت جهاد کشاورزی و مرکز آمار ایران مربوط به موضوع پروانه بهره برداری است که یکی آمار واحدهای دارای پروانه بهره برداری و دیگری آمار کل واحدهای دارای پروانه و بدون پروانه را ارائه نموده است. تعدادی از واحدهای پرورش مرغ گوشتی در کشور، به طور غیرمجاز یعنی بدون طی مراحل و تشریفات قانونی حاکم احداث شدند که دارای پروانه بهره برداری نبودند. اغلب این واحدها به دنبال ممنوعیت صدور مجوز و پروانه تاسیس پرورش مرغ گوشتی (حدوداً در سال های پایانی دهه 1370 تا اوایل دهه 1380) احداث شدند. پس از آن و به طور کلی از سال 1384 به بعد و در پی عدم ممنوعیت صدور پروانه تاسیس، مقرر گردید مرغدارانی که به طور غیرمجاز فعالیت می کنند شناسایی و سازمان دهی شوند و برای واجدین شرایط پروانه بهره برداری صادر گردد. مسایل مربوط به این گروه از مرغداران که برخی از آن ها از حمایت های بخش هایی از حکومت نیز برخوردار بودند، خود حکایت مفصلی است که در این مختصر نمی گنجد].

8- مرکز آمار ایران. جدول موسسات جوجه کشی برحسب نوع فعالیت (از 1370 تا 1384). <http://amar.sci.org.ir>

9- مرکز آمار ایران. آمارهای کشاورزی. جدول ارزش سرمایه گذاری مرغداری های صنعتی بر حسب نوع اموال سرمایه ای. <http://amar.sci.org.ir>

10- مرکز آمار ایران. جدول مقدار تولید گوشت مرغ و تخم مرغ، 1370 تا 1386 (ماخذ: مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی).

<http://amar.sci.org.ir>

11- <http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=249100>

12- کمبود واردات ذرت و سویا در سال 1390

برابر گزارش رسانه ها: «... بر اساس آمار واردات گمرک ایران در سال 1390، دامداران و مرغداران برای تولید شیر، گوشت و مرغ؛ با کمبود دو میلیون تنی واردات ذرت و حدود سه میلیون تنی سویا و 3364 هزار تنی سیوس گندم مواجه بوده اند... در سال 1390، واردات پنج میلیون و 156 هزار تن ذرت دانه ای برای صنعت مرغداری و دامداری لازم بوده است اما طبق آمار گمرک تنها سه میلیون و 275 هزار تن از این نهاده وارد شده است. همچنین چهار میلیون و 158 هزار تن کنجاله سویا به عنوان خوراک دام و طیور در سال گذشته باید وارد می شده اما یک میلیون و 547 هزار تن کنجاله و سایر آخال از سویا وارد کشور شده است... به گفته مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی، صنعت مرغداری سالانه نیازمند هفت میلیون تن سویا و ذرت است که دو میلیون تن ذرت در داخل تولید می شود و باید سه میلیون تن ذرت و دو میلیون تن کنجاله سویا برای این صنعت وارد شود... کمبود نهاده های تولید عامل گرانی آن ها و همچنین ایجاد بازار سیاه شده به طوری که کنجاله سویا از کیلویی 500 تومان به 1800 تومان، ذرت از کیلویی 400 تومان به 600 تومان و همچنین سیوس گندم از کیلویی 110 تومان به بیش از 270 تومان افزایش یافته است. به تبع افزایش [قیمت] نهاده ها و قیمت خوراک دام و طیور از اواخر سال گذشته قیمت گوشت مرغ، گوشت قرمز و شیر و محصولات لبنی با نوسانات شدید قیمتی و افزایش نرخ مواجه بوده است. در این میان انتظار می رود با توجه به وجود ظرفیت های دامداری و مرغداری در کشور و توانایی تولید، مسئولان امر برای واردات نهاده های

تولید به عنوان خوراک دام و طیور به میزان لازم و به موقع اقدام کنند تا قیمت های کاذب ایجاد شده در بازار شکسته شود. اما جای سوال است چرا واردات این نهاده ها به موقع و به میزان کافی صورت نمی گیرد یا به قول تولیدکنندگان، عده ای نمی خواهند بازار آرام شود و قیمت ها شکسته، چرا که از این آشفته بازار سود می برند.»

<http://isna.ir/fa/news/91041005313/%D9%83%D9%85%D8%A8%D9%88%D8%AF-%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%AA-5-%D9%85%D9%8A%D9%84%D9%8A%D9%88%D9%86-%D8%AA%D9%86%D9%8A-%D8%B0%D8%B1%D8%AA-%D9%88-%D8%B3%D9%88%D9%8A%D8%A7-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%8A>
13- مهرپور محمدی، مهرداد. حذف یارانه سوخت و افزایش قیمت مرغ. 4 دی 1399.

http://partov.wordpress.com/2010/12/25/neveshteh_man-yaddasht-yaraneh_sukht-gheymat_morgh
14- http://www.hakimemehr.ir/news/show_detail.asp?id=5901

15- مدیرعامل یک تعاونی مرغداری در شهرستان فردوس (در استان خراسان جنوبی) در باره قیمت و شرایط تهیه جوجه یک روزه (در اردیبهشت 1390) گفت: «قیمت یک قطعه جوجه یک روزه با بیمه و کرایه حمل بیش از 13000 ریال است، این در حالی است که قیمت هر کیلو مرغ زنده گاهی به کمتر از 20 هزار ریال کاهش می یابد. در سال های گذشته قیمت جوجه ها را با گذشت 2 ماه از خرید به حساب فروشنده می ریختیم، اکنون با افزایش قیمت حدود 2 برابری وجه جوجه ها، باید 10 روز قبل از بارگیری قیمت را پرداخت کنیم و 10 روز بعد جوجه را تحویل بگیریم. بازرگانی قیمت جوجه یک روزه را 6500 ریال اعلام کرده است و بر همین اساس قیمت مرغ را هم تعیین می کند و این به ضرر تولیدکننده است. برای رفع مشکلات به بازرگانی مراجع کردیم ولی جواب قانع کننده ای به ما نمی دهد. با توجه به شواهد موجود گویی دست های پنهانی در کار است که می خواهند چرخه تولید مرغ را به کلی تعطیل کنند و تصمیم دارند با کوبیدن بر طبل واردات از آن طریق منافع بیشتری به جیب بزنند.»

یکی از مرغداران شهرستان فردوس نیز در این خصوص گفت: «هیچ مرکزی که بتوانیم جوجه یک روزه و دان را با قیمت مناسب از آن خریداری کنیم وجود ندارد. بازرگانی قیمت جوجه یک روزه را 6 هزار و 500 ریال اعلام کرده در حالی که کارخانه ها به هیچ وجه جواب ما را نمی دهند و ما ناچار هستیم از دلالتان جوجه یک روزه خریداری کنیم، آن ها نیز جوجه را کمتر از 13000 ریال به ما نمی فروشند.» با کمال، محمدیان. گوش بسته مسئولان و داد مرغداران از گرانی جوجه یک روزه. روزنامه «خراسان». شماره 13(17826) اردیبهشت 1390.

<http://www.khorasannews.com/News.aspx?type=4&year=1390&month=2&day=13&id=696359>

16- <http://www3.mehrnews.com/FA/newsdetail.aspx?NewsID=1580094>

17-

[http://www.mojnews.com/fa/Miscellaneous/ViewContents.aspx?](http://www.mojnews.com/fa/Miscellaneous/ViewContents.aspx?Contract=cms_Content_I_News&r=381596)

[Contract=cms_Content_I_News&r=381596](http://dastchin.net/directory/poultry/poultry_eram)

18- http://dastchin.net/directory/poultry/poultry_eram

19- <http://foodna.ir/23932-fa.html>

20- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8508150084>

21-

<http://www.itpnews.com/thlyl/vardknndh-anhsary-khvtrak-dam-v-tyvr-hzf-shd.aspx?Itemid=332>

22- این مدلل همانی است که عباس پالیزدار دبیر کمیته تحقیق و تفحص قوه قضائیه در اردیبهشت سال 1387، در جمع دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان، در افشاگری از مفاسد اقتصادی کشور در باره او گفت: «در پرونده قاچاق کالا فرودگاه پیام آقای مدلل داماد یکی از علمای بزرگ بوده است. مدلل با همکاری شخصی به نام محمدرضا یوسفی اقدام به این کار می کردند که پس از رو شدن فعالیتشان حاضر شده بودند 700 میلیون تومان برای مختومه شدن این پرونده پردازند.»

<http://talangor86.blogspot.com/?PostID=76>

23- به گفته استاندار مازندران (در دی ماه 1390)، پرونده آقای مدلل با آقای امیر منصور آریا [مه آفرید امیر خسروی منتم اصلی ماجرای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی] گره خورده و در کمیسیون اصل 90 مجلس در حال بررسی است.

90- <http://www.vangnews.com/news/52-mazandaran-news/political/688>

24- بنا به گزارش ها (در اسفند 1390)، به طور عمده مسایل به وجود آمده در خصوص اختلاس گروه امیر منصور آریا، و نیز تا حدودی اعمال تحریم ها علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران؛ باعث شد واردکننده انحصاری خوراک طیور حذف شود.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901213001365>

25- سوخته سراسری، علی اکبر. بررسی وضعیت صنعت طیور، تنظیم بازار گوشت مرغ و قیمت نهاده ها و فرآورده های دام و طیور در کشور. هفته نامه خبری- تحلیلی «برنامه». سال نهم، شماره 426 (شنبه 5 شهریور 1390).

26- <http://annual.farsnews.com/newstext.php?nn=13901126001030>

27-

<http://www.otaghnews.com/%DA%A9%D9%85%D8%A8%D9%88%D8%AF-%D8%B4%D8%AF%DB%8C%D8%AF-%D9%86%D9%82%D8%AF%DB%8C%D9%86%DA%AF%DB%8C-%D8%B5%D9%86%D8%B9%D8%AA-%D9%85%D8%B1%D8%BA%D8%AF>

%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B1%D8%A7-%D8%AA%D9%87%D8%AF/%D8%AA
%D8%B4%DA%A9%D9%84%D9%87%D8%A7/%D8%A7%D8%AA%D8%AD%D8%A7%D8%AF
%DB%8C%D9%87-%D9%87%D8%A7/15280

-28

[http://www.ipiran.com/cgi-bin/aut_tahlil.pl?
cmd=show&uid=DFMIDLZNLQMYPYHCWUUKMMRLJOVL%5B](http://www.ipiran.com/cgi-bin/aut_tahlil.pl?cmd=show&uid=DFMIDLZNLQMYPYHCWUUKMMRLJOVL%5B)
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8712191318>

-29

-30

<http://www.itpnews.com/thlyl/tvlydgvsh-tmrgh-faghdanty-byvtyk-yk-frst-aghtsady-bray-mrghdaran-ast.aspx?Itemid=343>

<http://www.idj.ir/news/iran/169-1389-12-16-11-26-32.html>

32- دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین، در فروردین 1390 گفت: به دلیل ورود دان آلوده تعداد 20 واحد مرغداری در استان قزوین تعطیل شده و بیش از 2000 نفر کارگران شاغل در این واحدها بیکار شده اند که جای نگرانی دارد.

<http://aftabnews.ir/vdcjoievtuqe8tz.fsfu.html>

33- دبیر انجمن صنفی مرغداران استان اصفهان در فروردین 1390 گفت: «در حال حاضر 30 درصد از واحدهای مرغداری تعطیل هستند و در صورت وجود شرایط موجود، سایر مرغداری ها نیز تعطیل می شوند. مرغداری ها قابلیت چهار تا پنج مرتبه جوجه ریزی در طول سال را دارند اما در حال حاضر و با شرایط موجود، تنها سه مرتبه جوجه ریزی در سال انجام می شود.»

<http://www.poolnews.ir/fa/pages/?cid=60494>

34- دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین در مهر ماه سال 1386 گفت: از اردیبهشت [1386]، بیش از 40 کارگر با سابقه مرغداری «طیور برکت» در بلاتکلیفی به سر می برند، این در حالی است که مدیریت اقدام به خرید 5 مرغداری دیگر کرده است.

<http://hadisnews.com/?type=dynamic&id=1865>

[توضیح نویسنده: شرکت طیور برکت تولیدکننده جوجه یک روزه گوشتی و تخمگذار، پالت(نیمچه گوشتی) و تخم مرغ خوراکی است].

<http://ilna.ir/newstext.aspx?ID=253490>

-35

<http://www.kargaran.org/01axbar/8404/22tir84x2.htm>

37- نماینده کارگران قزوین در تیر ماه 1384 گفت: «کارگران شرکت مرغداری «درفشان» 5 ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند و در بلاتکلیفی به سر می برند. شرکت مرغداری درفشان پس از 25 سال فعالیت دولتی به بخش خصوصی واگذار شد و پس از واگذاری، بخش عظیمی از قسمت های فعال مرغداری به صورت مخروبه درآمده و مدیریت جدید بخش های کشاورزی و دامداری را اجاره داده است.

http://www.workertoday.com/gozaresh/morg_kar.htm

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=989986>

-38

39- آماده، حمیده. «تحلیل تغییرات قیمتی گوشت مرغ با کاربرد الگوی ARDL: مطالعه موردی استان تهران». مجله پژوهش های اقتصادی، سال دهم، شماره دوم(تابستان 1389). ص.ص 295 تا 325.

40- آمارنامه کشاورزی سال 1386(جلد دوم). وزارت جهاد کشاورزی. معاونت برنامه ریزی و اقتصادی. دفتر آمار و فناوری اطلاعات. تهران: 1388.

41- مهرپور محمدی، مهرداد. سلامت جامعه در حکومت جمهوری اسلامی ایران(ویرایش دوم). تیرستان: تابستان 1390.

<http://tabarestan.info/m-karname/mehrpur-m/salamat-virayesh2.pdf>

42- مقدسی، رضا؛ حقیقت نژاد شیرازی، اندیشه؛ سلیمانی، الهه. بررسی صنعت تولید گوشت مرغ در کشور. مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش ها. دفتر مطالعات زیربنایی(گروه کشاورزی). تهران: 1386.

43- در خصوص تغییر سیاست ها و شرایط اقتصادی در ایران در دهه هفتاد خورشیدی، همچون شناور شدن و افزایش نرخ ارز و حذف سوبسیدها- که آثار بسیار مخربی در اقتصاد کشور و زندگی مردم داشت- مطالب متعددی گفته و نوشته شده است. از جمله باید به مقاله خواندنی «زهری که امپریالیسم در گلوئ اقتصاد بیمار ایران می چکاند» اشاره نمود که در مرداد 1372 و در حالی که برخی اقدامات اقتصادی هنوز به مرحله اجرا در نیامده بود و عوارض و آسیب های تغییرات در حال اجرا و پیش رو کاملاً آشکار نبود، ضمن پرداختن به علل و عوامل تغییرات اقتصادی تحمیلی به جامعه، به خوبی آسیب های پیش رو را پیش بینی نمود. بخش کوتاهی از این نوشته- که در ارتباط با بحث است- در این جا نقل می گردد: «ایران شاهد بحرانی است که جامعه را هر چه بیشتر به سمت فروپاشی اقتصادی و از هم گسیختگی اجتماعی می راند. اصلی ترین مشخصه اوضاع اقتصادی کنونی کشور فقر روز افزون اکثریت توده های مردم است ... روند جاری، روند فقیرتر شدن فقرا، فقیر شدن میانی ها، و در مقابل انباشت ثروت در دست اقلیت ناچیز صاحب قدرت است.

این اوضاع ناشی از چیست؟ این وضع نتیجه سلطه امپریالیسم بر کشور و روند توسعه ای است که طی این قرن توسط امپریالیسم در جامعه ما به پیش رفته است ... استقراض خارجی برای جمهوری اسلامی تعهدات معینی را به همراه آورده که در طرح توسعه و سیاست اقتصادی دیکته شده توسط «صندوق بین المللی پول» متبلور شده است؛ طرح و سیاستی که نیازهای سرمایه امپریالیستی را در این دوره معین پاسخ می گوید و رژیم های کمپرادور(هر شکل و شمایی که داشته باشند) موظفند آن را به اجرا گذارند. برنامه های پنج ساله اقتصادی اول و دوم کابینه رفسنجانی نیز اساساً بر پایه همین طرح و سیاست تنظیم شده است. بنابراین معمار اصلی آن چه بنام «تعدیل اقتصادی» بر سر زبان تکنوکرات ها و امام جمعه ها افتاد، نهادهای امپریالیستی فوق الذکر بودند ... تصمیمات اخیر جمهوری اسلامی مبنی بر شناور شدن پول کشور، تک نرخی کردن ارز خارجی و حذف سوبسیدها گامی مهم در قبول بی قید و شرط طرح های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی

برای فراهم آوردن زمینه فعالیت بس سودآور سرمایه گذاران خارجی و تضمینی برای بازپرداخت قروض خارجی به حساب می آید. بررسی این طرح ها و نقشه ها که تحت عنوان «خط مشی های کلان برنامه دوم توسعه کشور» معرفی شده نشان می دهد که این نوکران در خدمت به اربابان امپریالیست و منافع خود چه خواب و خیالی برای رشته های اصلی اقتصاد کشور و مهم تر از آن سرنوشت اکثریت اهالی در سر دارند ... روشن است که از قبل این «طرح های کلان کشاورزی»، فقط سرمایه های خارجی به طرق مستقیم یا غیر مستقیم به عنوان تامین کنندگان ماشین آلات کشاورزی و مواد مورد نیاز دامداری ها و مرغداری های صنعتی و تامین کننده خدمات فنی و مالی، سود خواهند برد و امتیاز بهره برداری های بیشتری از منابع کشاورزی ایران به دست خواهند آورد ... سیاست های دولت وابسته به امپریالیسم ... اقتصاد کشاورزی را بیش از پیش در معرض رقابت های بی رحمانه در بازار جهانی و نوسانات قیمت ها و به طور کلی، حرکت آنارشیستی سرمایه قرار می دهد. ساختار کشاورزی ناموزونتر می شود؛ شکاف بین بخش سنتی و بخش بالنسبه مدرن افزایش می یابد؛ و وابستگی تولید کشاورزی از نظر تکنیک، نهاده و بازار به خارج بیشتر می شود. آن چه این روند برای اقتصاد کشاورزی به بار می آورد به نابدی کشاندن بخش های وسیع و چلانن بخش های شامل «مزیت نسبی» بمنظور کسب حداکثر سود است ... اینهاست خطوط اصلی طرح هایی که امروز حیات اقتصادی جامعه ایران را رقم می زند....»

«زهری که امپریالیسم در گلوی اقتصاد بیمار ایران می چکاند». نشریه «حقیقت»، ارگان حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائونیست). دوره دوم، شماره 23 (مرداد 1372).

<http://sarbedaran.org/mozuat/iran/eghtesad/h23zahr.htm>

44- به دلیل تمرکز در صنعت کشتارگاهی کشور و وجود ساختار انحصاری و یا انحصار چندجانبه ای در بسیاری از مناطق کشور، صاحبان این صنایع به منظور انتقال کامل افزایش قیمت و انتقال ناقص کاهش قیمت مرغ زنده به سطوح بالاتر بازار، از قدرت بازاری خود استفاده می کنند. این رفتار به ویژه در بخشی از بازار که ادغام عمودی صورت گرفته و عوامل کشتارگاهی، طی قراردادهایی با مرغداران، مرغ زنده را از مرغداران تحویل می گیرند و کشتار می کنند و خود دارای تونل انجماد و سردخانه هستند و بر بخشی از بازار خرده فروشی نیز تسلط دارند، مشاهده می شود. در حالی که سایر عوامل بازاریابی گوشت مرغ و خرده فروشان، به دلیل وجود بازار رقابتی نمی توانند افزایش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه را با شدت بیشتری به سطوح خرده فروشی منتقل کنند و از انتقال کامل کاهش قیمت به سطح خرده فروشی خودداری نمایند. به دلیل انتقال نامتقارن قیمت در بازار گوشت مرغ، در صورت افزایش قیمت تمام شده فرآورده، اضافه قیمت پرداختی توسط مصرف کنندگان از اضافه قیمت تمام شده بیشتر است، در حالی که در صورت کاهش قیمت تمام شده فرآورده، مصرف کنندگان گوشت مرغ از کاهش قیمت کمتری برخوردار می شوند. به این ترتیب بر اثر نوسان های قیمت گوشت مرغ، سطح رفاه مصرف کنندگان این کالا کاهش می یابد.

حسینی، سید صفدر؛ سلامی، حبیب الله؛ نیکوکار، افسانه. الگوی انتقال قیمت در ساختار بازار گوشت مرغ ایران. نشریه «اقتصاد و کشاورزی»، جلد 2، شماره 1 (1387). صص 1 تا 21

45- حسینی، میر عبدالله؛ پرمه، زورار. ارزیابی انحصار، رقابت و تمرکز در بازار گوشت مرغ و تخم مرغ در ایران. مجله دانش و توسعه (علمی- پژوهشی)، سال هفدهم، شماره 30 (بهار 1389).

46- <http://www.khabaronline.ir/detail/82174>

47- مهرپور محمدی، مهرداد: «نگاهی به واردات محصولات کشاورزی در جمهوری اسلامی»

http://partov.wordpress.com/2011/08/19/varedat_mahsulat_keshavarzi-jomhuri_eslami

48- http://karamadnews.com/NSite/FullStory/?Id=2818Formulärets_nederkant

49- <http://ilna.ir/newstext.aspx?ID=128791>

50-

51- <http://www.asriran.com/fa/news/180640> واردات-مرغ-ممنوع-شد

51-

52- <http://www.asriran.com/fa/news/30999> هزار تن مرغ-و-تخم مرغ-از-کشور

52- وزارت جهاد کشاورزی. معاونت امور برنامه ریزی و اقتصادی. دفتر حمایت از سرمایه گذاری و توسعه تجارت کشاورزی. جدول آمار مقایسه ای صادرات کالاهای کشاورزی 12 ماهه «فروردین تا اسفند ماه» سال ۸۸.

<http://www.maj.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=cafc5235-3849-4e5c-85a7-b7c4b2fe4db0>

53-

54- <http://www.asriran.com/fa/news/132097> وزیر-بازرگانی-قول-می-دهیم-صادر-کننده-مرغ-شویم

54- جایزه برای صادرات مرغ: در مهر ماه سال 1390؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت برای صادرات هر کیلوگرم مرغ مبلغ 500 تومان جایزه صادراتی تعیین کرد. رییس هیات مدیره اتحادیه مرغداران کشور در ستاد تنظیم بازار بازرگانی، کشور های آسیای میانه و حاشیه خلیج فارس را از بازار های هدف صادرات مرغ اعلام نمود و گفت: مرغ برزیل و ترکیه هم اکنون به قیمت حدود دو دلار [هر کیلوگرم] در این کشور ها عرضه می شود و عرضه مرغ ایرانی به قیمت 2 دلار، با توجه به قیمت تمام شده بالا در کشور ما برای صادرکننده مقرون به صرفه نخواهد بود اما فرصت مغتنمی است که در صورت استفاده از آن، چشم انداز روشنی را برای صادرات و تولید خواهیم داشت.

55- <http://www.asriran.com/fa/news/186048/500> تومان-جایزه-برای-صادرات-هر-کیلو-مرغ

55-

56- <http://www.asriran.com/fa/news/203236> صادرات-مرغ-متوقف-شد

<http://www.abfasb.ir/main.asp?id=630> -56

http://xn-----pzeab0braqq8d6g7bpfhkb66xba.worldfood.ir/T_10025_____ -57
%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%DB%8C
%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%87%D8%A7-
%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%D9%82%DB%8C%D9%85%D8%AA-
%D8%B7%DB%8C%D9%88%D8%B1-%D8%B1%D8%A7-%D8%A8%D9%87-
%D9%87%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF.htm

http://xn-----z5fadab6bnzawcg8gyi0cuafmk024alab.worldfood.ir/T_17013_____ %D8%AC -58
%D8%B2%D8%A6%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%A8%D8%B3%D8%AA%D9%87-
%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AD%D9%85%D8%A7%DB%8C%D8%AA%DB%8C-%DA
%A9%D8%B4%D8%A7%D9%88%D8%B1%D8%B2%DB%8C-%D9%BE%D8%B3-
%D8%A7%D8%B2-%D9%87%D8%AF%D9%81%D9%85%D9%86%D8%AF%DB%8C-%DB%8C
%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%87%E2%80%8A%D9%87%D8%A7.htm

<http://soroushnews.ir/newsF-5664.html> -59

-60

<http://iana.ir/daamo-tiyoor/item/255> html. معاون وزیر جهاد کشاورزی - مرغ - مورد - نیاز ایام - نوروز - تامین - شده - است.

61- مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی ایران (در اوایل اسفند 1390) گفت: با وجود افزایش قیمت دان مورد نیاز پرورش طیور قیمت گوشت مرغ در ایام عید امسال افزایش نخواهد یافت. میزان مرغ مورد نیاز برای مصرف کنندگان در ایام نوروز پیش بینی شده است و با توجه به گردش مرغ شهرستان ها و سرریز آن به شهرهای دیگر با کمبود مرغ مواجه خواهیم بود. با وجود طرح ساماندهی، بازار مرغ کنترل خواهد شد و از افزایش قیمت آن جلوگیری می شود.

بر اساس طرح سامان دهی خرید و فروش گوشت مرغ اکنون قیمت خرید هر کیلوگرم مرغ زنده از تولیدکنندگان یک هزار و 150 تومان است و با قیمت کیلویی یک هزار و 850 تومان نیز به مصرف کنندگان عرضه می شود. ممکن است قیمت گوشت مرغ به دست افرادی سودجو که خارج از طرح ساماندهی نسبت به عرضه آن اقدام می کنند، افزایش یابد، ولی در مجموع مصرف کنندگان باید مرغ را کیلویی هزار و 850 تومان خریداری کنند.

<http://www.itpnews.com/dakhly/ghymt-gvsht-mrgh-dr-ayam-nvrz-afzaysh-nkhvahd-yaft.aspx?Itemid=332>

-62

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query=NewsID=1561663&20%مرغ>

63- رییس اتحادیه مرغداران مرغ گوشتی خراسان رضوی (در 25 اسفند 1390) خیر از افزایش قیمت گوشت مرغ در روزهای پایانی سال به 4400 تومان داد.

<http://khorasan.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=23870>

64- در آخرین روزهای سال 90 در کرمانشاه قیمت انواع گوشت با افزایش بی سابقه ای روبرو گردید. مسئولان اقتصادی در برخی از میداین اقدام به عرضه مرغ های یخ زده با نرخ مصوب دولتی نمودند که این عمل، نتوانست تاثیر آن چنانی بر قیمت مرغ در کرمانشاه داشته باشد.

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query=20%مرغ&20%قیمت20%گوشت20%مرغ&20%NewsID=1561209>

65- روند صعودی قیمت گوشت مرغ در استان لرستان در اواخر اسفند 1390، نارضایتی مردم را در پی داشت اما رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان لرستان در رابطه با افزایش قیمت مرغ و گوشت قرمز در استان گفت: معدل قیمتها در استان لرستان در مقایسه با استان های همجوار پایین تر است. اگر مقایسه ای میان قیمت گوشت قرمز و مرغ در استان لرستان با استانهای همجوار صورت گیرد به طور قطع قیمت ها در این استان در سطح پایین تری قرار دارد. [!]

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query=NewsID=1562336&20%مرغ>

-66

<http://isna.ir/fa/news/91031307841> /مرغ-ارزان-را-از-کجا-می-توان-خرید

<http://www.hamshahrionline.ir/news-173058.aspx> -67

-68

<http://www.tabnak.ir/fa/news/252777> /افزایش-قیمت-گوشت-و-مرغ-جدول-قیمت-ها

69- روند افزایش قیمت گوشت مرغ در ایران از شتاب خاصی برخوردار گردیده است. در زمانی که مشغول بازخوانی و ویرایش این مقاله هستم، اخبار و گزارش های مربوط به بخش کشاورزی را نیز، حسب روال معمول پیگیری می کنم و در این میان، اغلب به خبر جدیدی در باره افزایش قیمت گوشت مرغ برمی خورم. از جمله، در سوم تیر ماه امسال (1391)، در نشانی زیر، گزارشی خواندم مبنی بر این که: قیمت مرغ به مرز 7000 تومان رسیده است.

<http://www.eghtesadonline.com/fa/content/3395/%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%D9%82%DB%8C%D9%85%D8%AA-%D9%85%D8%B1%D8%BA-%D8%AA%D8%A7->

http://www.radiofarda.com/content/f4_rise_price_chicken_iran_shortage/24646464.html

70- در دهه سوم تیرماه 1391 گزارش شد که قیمت مرغ در برخی استان های ایران به هشت هزار تومان در هر کیلوگرم رسیده است و مردم در نقاط مختلف کشور، برای خرید مرغ (حداکثر 2 مرغ با قیمت هر کیلوگرم 5400 تومان)، ساعت ها در صف های طولانی می ایستند.

http://www.radiofarda.com/content/f4_rise_price_chicken_iran_shortage/24646464.html

71- دلایل افزایش قیمت مرغ از زبان مرغداران: به اعتقاد مرغداران هرچند دلیل اصلی این گرانی کمبود و گرانی خوراک مرغ است و شرکت پشتیبانی اموردام وعده تامین نهاده ارزان را اجرایی نکرده، اما طی چند روز اخیر، عده ای هم از این آشفته بازار سوءاستفاده کرده و حدود کیلویی هزار تومان بر قیمت این نهاده استراتژیک افزوده اند.

مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداری های گوشتی در این باره [در 4 تیر ماه 1391] گفت: «افزایش قیمت گوشت مرغ ناشی از چند عامل است که افزایش تقاضا و مصرف در این ایام و اعیاد جاری، افزایش قیمت گوشت قرمز، افزایش قیمت جوجه یکروزه و مهمتر از همه کمبود نهاده های تولید و افزایش قیمت آن از جمله این عوامل هستند... دلیل اصلی افزایش قیمت گوشت مرغ، نبودن کنجاله سویا به عنوان یکی از خوراک اصلی مرغ است که تولیدکنندگان این محصول را کیلویی 1800 تومان تهیه می کنند و شرکت پشتیبانی اموردام، هنوز این نهاده را به صورت ارزان قیمت در اختیار مرغداران [قرار] نداده است. این در حالی است که مرغداران مبلغ خرید 55 هزار تن کنجاله سویا را به حساب شرکت پشتیبانی اموردام واریز کرده اند اما هنوز این شرکت این نهاده را در اختیار مرغداران قرار نداده است... به دلیل بالا بودن قیمت این نهاده، تولیدکنندگان خوراک دیگری را جایگزین سویا می کنند که این امر باعث طولانی شدن دوره پرورش، افت رشد مرغ و همچنین افزایش تلفات آن می شود. در برخی استان ها، دوره های 45 روزه به دوره های 60 روزه نزدیک شده که این امر باعث افزایش هزینه تولید و افزایش تلفات می شود و از سوی دیگر کیفیت محصول را می کاهشد... روزانه پنج هزار تن گوشت مرغ در کشور تولید می شود که تولید این میزان پروتئین، نیازمند 15 هزار تن خوراک است که از این میزان خوراک، 35 درصد معادل 4000 تن مربوط به کنجاله سویا است. با این حساب، کشورمان روزانه 4000 تن کنجاله سویا برای تولید نیاز دارد اما انبارهای تولیدکنندگان از این محصول خالی شده و علیرغم وعده های توزیع نهاده های ارزان، هنوز از ارزانی خبری نیست...»

<http://isna.ir/fa/news/91040401809/%D8%AF%D9%84%D8%A7%D9%8A%D9%84-%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%D9%8A%D8%B4-%D9%82%D9%8A%D9%85%D8%AA-%D9%85%D8%B1%D8%BA-%D8%A7%D8%B2-%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B1%D8%BA%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%86>

کارگران سامان کاشی با وجود 20 سال اشتغال، با قرارداد موقت کار می کنند،

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 30 تیر آمده است: یک فعال کارگری در بروجرد گفت: کارخانه سامان کاشی حق بیمه 500 کارگر خود را در سه ماه گذشته پرداخت نکرده است.

محمد گودرزی با اشاره به اینکه کارخانه سامان کاشی یکی از بزرگترین واحدهای تولید کاشی و سرامیک در کشور بوده و از فروش برخوردار است، به ایلنا گفت: بدهی های این کارخانه به صندوق تامین اجتماعی بابت حق بیمه کارگران به بیش از یک میلیارد تومان رسیده است.

گودرزی با اعلام اینکه در حال حاضر سه ماه از بیمه کارگران این کارخانه پرداخت نشده و دستمزد آنان نیز به موقع پرداخت نمی شود، اظهار کرد: هر ماه حق بیمه از حقوق کارگران کسر می شود اما به حساب تامین اجتماعی واریز نمی شود و به همین جهت عدم تمدید دفترچه درمانی 500 خانواده کارگری آنان را دچار مشکل کرده است.

این فعال کارگری ادامه داد: با وجودی که این واحد تولید کاشی و سرامیک اکثر تولیدات خود را پیش فروش کرده و درآمد خوبی دارد اما کارگران این واحد تولیدی درباره شرایط کاری و درآمدی خود نگرانند بطوری که در ماه گذشته به دلایل نامعلومی کارخانه تعطیل شد و 500 کارگر این واحد تولیدی بیکار شدند و بعد از یک ماه همه این کارگران دوباره به کار دعوت شدند.

او با بیان اینکه هم تعدادی از کارگران سامان کاشی با وجود 20 سال اشتغال، با قرارداد موقت کار می کنند، افزود: قرارداد 80 درصد کارگران کارخانه سامان کاشی موقت است که به جهت مشکلات بیمه ای امکان بازنشستگی برایشان وجود ندارد.

دبیر اجرایی خانه کارگر بروجرد افزود: مسئولان استانی نسبت به مشکلات کارگران این واحد تولیدی آگاه بوده اما در این زمینه اقدام قابل ملاحظه ای انجام نمی دهند.

نرخ کنونی بیکاری با احتساب نرخ بیکاری پنهان بسیار بالا و نگران کننده است.

به نوشته سایت آفتاب در 30 تیر آمده است: نماینده شهرستان های بویراحمد و دنا در مجلس نهم شورای اسلامی از وضعیت کنونی نرخ بیکاری در حوزه انتخابیه خود اظهار نگرانی کرد و آن را بالاترین نرخ بیکاری در کشور دانست.

" غلامحمد زارعی " در گفت و گو با ایلنا گفت: متأسفانه نرخ بیکاری در حوزه های بویراحمد و دنا بویژه شهر یاسوج بالاست و می توان گفت این نرخ در کشور بالاترین نرخ است.

وی با اظهار نگرانی خود از بالا بودن نرخ بیکاری در بین جوانان تحصیلکرده حوزه انتخابیه بویراحمد و دنا عنوان و خاطر نشان کرد: ضریب نرخ بیکاری در بین تحصیلکردگان این حوزه ها نگران کننده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس نهم شورای اسلامی افزود: یکی از مهمترین راههای اشتغالزایی پایدار در بویراحمد و دنا مربوط به حوزه صنعت است که متأسفانه این بخش هم نتوانسته کمک خوبی برای رفع بیکاری داشته باشد. زارعی با انتقاد از بخش صنعت در حوزه انتخابیه خود، اظهار داشت: بخش صنعت در کهگیلویه و بویراحمد بویژه بویراحمد و دنا دچار رکود شده و بسیاری از کارگاههای تولیدی و صنعتی هم اکنون تعطیل و یا در حال تعطیلی هستند. وی معتقدست علاوه بر کارگاههای دچار مشکل و تعطیل شده در کهگیلویه و بویراحمد می بایست کارگاههای جدیدی نیز راه اندازی شود تا فرصت های شغلی متعددی بتوان برای جوانان فراهم نمود.

نماینده شهرستان های بویراحمد و دنا در مجلس نهم شورای اسلامی گفت: برای ایجاد فرصت های شغلی پایدار نیاز به تحرک بیشتری در بخش صنعت وجود دارد.

زارعی از اتمام عملیات نوسازی کارخانه قند یاسوج مرکز کهگیلویه و بویراحمد تا پایان شهریورماه جاری خبرداد و بیان داشت: با اتمام این عملیات شاهد افزایش فعالیت ها با حداکثر ظرفیت خواهیم بود.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس نهم شورای اسلامی گفت: در حال پیگیری برای راه اندازی دوباره کارخانه " قند و گلوکز یاسوج " نیز هستیم که با راه اندازی این کارخانه و تامین مواد اولیه آن می توان فرصت های شغلی جدید فراهم کرد.

وی با بیان اینکه نشست هایی با مسوولان وزارت صنعت، معدن و تجارت در چند نوبت داشته است، تصریح کرد: بزودی معاون این وزارتخانه به کهگیلویه و بویراحمد سفری خواهد داشت تا راهکارهایی برای چرخ های زنگ زده صنعت در این استان پیدا شود.

زارعی افزود: باید پذیرفت نرخ بیکاری در استان بویژه در حوزه بویراحمد و دنا نرخ نیست که از سوی دستگاههای مرتبط اعلام شده، زیرا این نرخ تنها نرخ آشکار است و نرخ پنهان در آن مشخص نیست.

وی با اظهار تأسف از اینکه نرخ بیکاری پنهان در بویراحمد و دنا بالاست، یادآور شد: ما معتقدیم نرخ کنونی بیکاری با احتساب نرخ بیکاری پنهان بسیار بالا و نگران کننده است.

تجمع اعتراضی 70 کارگزار اجرائی کارخانه پیچ ومهره کامکان سیرجان مقابل فرمانداری

به گزارش 31 تیرفارس، 70 نفر از کارگران اجرائی کارخانه پیچ و مهره سیرجان با نام کامکان در اعتراض به اخراج خود مقابل فرمانداری این شهر پیش از ظهر امروز تجمع کردند. کارگران در اعتراض به اقدام کارخانه اعلام کردند که برخی از آنها 15 تا 20 سال سابقه کار دارند و در این سن چگونه می توانند کار دیگری داشته باشند.

بنا بهمین گزارش، منصور عارفی زاده یکی از کارگران اخراج شده اظهار داشت: بسیاری از کارگران غیربومی که سابقه یک یا دو سال دارند، مانده اند و ما که بومی هستیم، اخراج شده ایم، هفته گذشته برگ لغو قرارداد و اخراج را به دست ما دادند و ما امروز آمده ایم حرف خود را به گوش مسوولان برسانیم.

رضا سنگ پهنی یکی دیگر از کارگران گفت: می گویند محل فروش تولیدات را نداریم و شرکت ایران خودرو و سایپا محصولات ما را نمی خردند و تولیدات روی دست ما مانده است و ما را اخراج کرده اند، پس تکلیف ما چیست و خانواده ما چه باید بکنند.

علی اندایش نماینده کارگران اجرائی که خود نیز سرپرست بخشی از کارخانه بوده است، می گوید: اگر دستگاه های شرکت تعطیل شده است و تولید نمی کند، چرا پیچ و مهره با نام همین شرکت از چین وارد می شود، مسوولان فکری برای بیکاری کارگران 15 تا 20 سال سابقه کنند.

بر پایه این گزارش، محمد مهدی بیگزاده مدیر کارخانه کامکان اظهار داشت: 69 کارگر اجرائی قراردادی بودند که قرارداد آنان به پایان رسیده و طی دو مرحله با توجه به نیازی که داشتیم، اخراج شدند. وی افزود: بخش عمده ای از سهم بازار را که خودروسازان سایپا و ایران خودرو در کشور مشتریان ما بودند به دلایلی که آنها هم نیاز ندارند از دست داده ایم.

بیگزاده عنوان کرد: 70 درصد دستگاه های تولیدی ما تعطیل شده اند و نمی توانیم کارگری داشته باشیم و اگر این روند ادامه یابد، 150 کارگر دیگر هم با تعطیلی کارخانه بیکار می شوند. وی گفت: انتخاب کارگران برای اخراج هم بر اساس مرخصی ها، کم کاری ها و یا

اخطارهای انضباطی بوده است که بر اساس تصمیم هیئت مدیره کارخانه اخراج شده اند و اگر روزی نیاز به کارگر باشد و وضعیت خوب شود، قطعاً از وجود آنان استفاده می شود.

بیگزاده تصریح کرد: با روال کنونی برای ادامه کار، کارخانه متضرر است و تعطیل می کنیم.

به جای مدیریت جهان، مرغ را مدیریت کنید!

به گزارش سایت اعتدال در 31 تیر آمده است: عابد فتاحی عضو فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت مجلس شورای اسلامی گفت: باید به مساله گرانی و تورم به جد رسیدگی شود، چراکه علیرغم ورود به ماه مبارک رمضان، گرانی دغدغه اصلی مردم است.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در ادامه به انتقاد از اظهار نظر یکی از مقامات عالی رتبه دولتی درباره دخالت بیگانگان در گرانی ها پرداخت و گفت: اینکه استکبار را مقصر این گرانی ها و قیمت مرغ که از کنترل دولت خارج شده است بدانند، جالب نیست، این قدرت استکبار نیست که اقتصاد ما را زمین گیر کرده بلکه مقصر مدیریت داخلی ما است که حتی در کنترل قیمت مرغ نیز ناتوان است.

وی افزود: آقایان به جای اینکه به مسائل داخلی بپردازند و قیمت ها بی مثل ارز را که یک شبه دو برابر شده است و به مرز دو هزار رسیده است را رصد و آنالیز کنند، می آیند، می روند و می گویند می خواهیم دنیا را مدیریت کنیم، برای مشکل اقتصادی جهان برنامه داریم و می خواهیم عدالت را در دنیا برقرار کنیم!

نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: بارها گفته شده که سنگ بزرگ نشانه نزدن است، مدیریت ارشد کشور به جای اعلام برنامه برای مدیریت جهان، بیابند دریاچه ارومیه را که رو به نابودی است، مدیریت کنند و قیمت مرغ را که هر روز

جای کاهش، افزایش می یابد را مدیریت کنند!
وی گفت: مرتباً توپ گرانی را به زمین رسانه ها، خرید مردم، بیگانه و ... می اندازند، اما این کارها مشکل گرانی را حل نمی کند؛ بعد از هدفمندی یارانه ها مردم به سختی قبوض خود را پرداخت می کنند و خیلی ها نمی توانند پرداخت کنند؛ مردم نمی دانند دیگر درد گرانی را به چه کسی بگویند.

وی در خاتمه گفت: اینکه افزایش قیمت ها را به استکبار و بیگانه ربط دهند، تنها بازی با کلمات و وقت گذراندن است؛ اگر منظور مسئولین تحریم ها است که ما ۳۰ سال است تحریم هستیم و در کنار تحریم ها جنگ هم داشتیم و اینگونه اظهار نظر ها درست نیست.

افزایش نرخ ارز و محدودیت تبادلات پولی بر اثر تحریمها تکه گم شده معمای گرانی مرغ

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 31 تیر آمده است: قیمت مرغ طی ماههای اخیر به صورت غیر متعارفی افزایش یافته، به طوری که تاکنون اقدامات کنترلی دولت در تنظیم بازار این کالای پر مصرف بی تأثیر بوده است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، منطقه آذربایجان غربی، قیمت مرغ طی یک برهه زمانی 4 ماهه از 3100 تومان به ازای هر کیلو به بیش از 7000 تومان رسیده است.

نکته درخور توجه در رابطه با این افزایش قیمت، هشدارهای فعالان این بخش و آگاهی مسوولان مربوطه، از چندین ماه پیش است. هشدارهایی که به طور شفاف در جلسات اقتصادی و کارگروههای تنظیم بازار مطرح می شد و هر بار اخبار توزیع مرغ به قیمت دولتی رنگ می باخت. افزایش نرخ ارز و محدودیت تبادلات پولی بر اثر تحریمها که قدرت واردات این محصول را کم می کرد، عواملی هستند که از چند ماه پیش باعث افزایش قیمت نهادههای دامی در کشور شده اند.

در پی افزایش نرخ نهادههای دامی از همان ابتدای نوسانات نرخ ارز، تمایل مرغداران نسبت به جوجه ریزی کاهش یافت و این عامل باعث ایجاد شکافی در جوجه ریزی شد که اثرات آن امروز بر بازار مرغ نمایان شده است.

عدم تعادل میان عرضه و تقاضای این محصول، کاهش چشمگیر مصرف در میان مردم را به دنبال داشته است.

در این میان واردات نهادههای دامی و توزیع آن در میان مرغداران در راستای کاهش قیمت مرغ نیز با حرف و حدیثهایی همراه شده است. کنجاله سویای وارداتی که باید در اختیار مراغدار قرار می گرفت، به اذعان برخی مسوولان و انکار برخی دیگر، سر از جایی دیگر درآورد.

گفتنی است که چانه زنی بر روی نرخ مرغ از 3100 تومان آغاز شد، به طوری که در کارگروههای تنظیم بازار، این سوال همیشه مطرح بود که قیمت مرغ چرا باید به این رقم برسد.

هم اکنون توزیع مرغ به نرخ چهار هزار و 700 تومان نشان از آن دارد که مسوولان این بخش نیز به نوعی با این قیمتها کنار آمده اند.

توزیع مرغ دولتی آنهم به صورت محدود و با صفهای طولانی که البته برای مردم ما به عادتیمانندگاری تبدیل شده است، در حدود 34 درصد بالاتر از نرخ چهار ماه پیش مرغی است که بر روی متعادل بودن نرخ آن جای بحث وجود داشت.

از سویی دیگر طبق گفتههای فعالین این بخش قیمت سویا دیگر سیر صعودی ندارد، اما قیمت مرغ همچنان رو به جلو می تازد.

"نادر قاضی پور"، یکی از نمایندگان ارومیه در مجلس شورای اسلامی، در رابطه با علل افزایش قیمت مرغ در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: عدم نظارت صحیح در بازار فرصت سوء استفاده را برای سوداگران اقتصادی فراهم کرده است.

وی اضافه کرد: فرصت طلبانی که از بالا رفتن نرخ ارز و سکه در کشور نهایت استفاده را بردند، امروز نیز در رابطه با واردات گوشت و قیمت آن دست به کار شده اند.

این نماینده مجلس با تأکید بر اینکه قوه قضاییه باید در این بحث حساس باشد، ادامه داد: امیدواریم بعد از بسته شدن پرونده اختلاس، نوبت به سلطان گوشت ایران برسد.

وی اظهار کرد: مسوولان با نهایت دقت و برنامه ریزیهای دقیق اجازه ندهند تا برخی ها از آب گل آلود ماهی بگیرند.

قاضی پور در ادامه گفت: متأسفانه تعداد کم مراکز توزیع گوشت مرغ یارانه ای، چهره های نامناسب به برخی نقاط شهر بخشیده، به طوری که در برخی مواقع شاهد به وجود آمدن صفهای طولانی، ترافیکهای سنگین و حتی بروز درگیری هستیم.

وی تصریح کرد: این مشکلات در شان نظام اسلامی نیست و سریعاً باید رسیدگی شود.

نماینده مردم ارومیه در خانه ملت با بیان اینکه، هماهنگی اولیه بانک مرکزی، وزارت بازرگانی و صنایع معادن، وزارت راه و شهرسازی و جهاد کشاورزی می تواند تأثیر بسزایی در کاهش قیمت گوشت مرغ داشته باشد، بیان کرد: متأسفانه تاکنون این دستگاهها هماهنگی قابل قبولی نداشته اند.

قاضی پور همچنین در رابطه با گوشت مرغهای خریداری شده از خارج کشور، گفت: بعید می دانم گوشتهای خریداری شده تا قبل از اواسط ماه رمضان وارد بازار شود.

به گزارش ایسنا، "غلامرضا دیزج نژاد"، معاون برنامه ریزی استاندار آذربایجان غربی نیز، وقفه 45 روزه در جوجه ریزی توسط مرغداران را عامل افزایش نرخ مرغ اعلام کرد.

وی اضافه کرد: میزان جوجه ریزی در مرغداران نسبت به سال گذشته 10 درصد کاهش داشته است.

معاون برنامه ریزی استاندار آذربایجان غربی اظهار کرد: میزان عرضه مرغ با توجه به افزایش قیمت آن، نشان از کاهش مصرف این کالا در استان دارد.

دیزج نژاد تصریح کرد: سازمان بازرگانی با همکاری جهاد کشاورزی باید اقدامات لازم را برای تأمین مرغ مصرفی مردم و کاهش فشار از آنها انجام دهند.

همچنین طبق گفته معاون نظارت و بازرسی سازمان بازرگانی آذربایجان غربی، در حال حاضر بیش از 60 تن مرغ گرم به نرخ 4700 تومان در سطح استان توزیع می شد.

سلیمان عزیززاده با بیان اینکه سرانه مصرف گوشت مرغ استان روزانه 140 تن است، به ایسنا، گفت: به دلیل محدودیت منابع در کشور مقدار مشخصی مرغ یارانه ای در اختیار استانها قرار گرفته است.

به گزارش ایسنا، احتکار، نظام نامناسب توزیع، افزایش نرخ نهادههای دامی و عدم تناسب عرضه و تقاضا گزینه های مطرح در زمینه علل افزایش قیمت مرغ است، اما تاکنون هیچ راهکار مناسبی که بتواند به طور قطعی قیمت مرغ را کاهش دهد و یا حتی ثابت نگه دارد، از سوی مسوولان ارائه نشده است.

بسیاری از کتابفروشی‌ها به تعطیلی و تغییر شغل فکر می‌کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران / ایلنا در تاریخ 31 تیر آمده است: طرح معافیت مالیاتی کتابفروشی‌ها هنوز اجرایی نشده است. به گزارش خبرنگار ایلنا، نادر قدیانی، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، در مورد بحث معافیت مالیاتی کتابفروشی‌ها گفت: در سال‌های گذشته نامنگاری‌ها و پیگیری‌های زیادی برای اجرایی شدن معافیت مالیاتی کتابفروشان انجام شده است. در نهایت رئیس جمهوری برای اجرای این طرح به وزیر اقتصاد و دارایی دستور دادند، اما هنوز از اجرایی شدن این طرح اطلاع دقیقی نداریم. وی در مورد زمان دقیق اجرایی شدن این معافیت گفت: در تیرماه هر سال، بررسی مالیات‌های سال گذشته انجام می‌شود. بنابراین در صورت اجرایی شدن این معافیت طبق دستور رئیس جمهوری، باید در تیرماه سال 92 شاهد اجرای آن باشیم. امیدواریم در مدت زمان باقی مانده بتوانیم شرایط اجرایی شدن کامل این طرح را مهیا کنیم.

رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به مشکلات پیش روی کتابفروشان اشاره کرد و گفت: با توجه به پائین آمدن تولید، به دلایل مختلفی مثل افزایش قیمت کاغذ و هزینه‌های کار، میزان فروش و درآمد کتابفروشی‌ها هم، کاهش چشمگیری داشته است. بسیاری از کتابفروشی‌ها دچار مشکل اقتصادی هستند و به تعطیلی و تغییر شغل فکر می‌کنند.

قدیانی در مورد ناشران الکترونیک و شرایط آن‌ها در اتحادیه ناشران گفت: اتحادیه ناشران و کتابفروشان در حال حاضر دارای 5 رسته عضویتی است. ناشران، ناشران کتابفروش، کتابفروشی‌ها، تولید کنندگان کارت پستال و ناشران الکترونیک، رسته‌های عضویت در این اتحادیه هستند. از دید اتحادیه، هیچ تفاوتی بین اعضا وجود ندارد و ناشران الکترونیکی که دارای پروانه تولید کتاب الکترونیک باشند، مانند اعضای رسته‌های دیگر، از امکانات و حمایت‌های این اتحادیه بهره‌مند هستند.

وی در مورد فعالیت‌های آینده اتحادیه و شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، گفت: بنای کار اتحادیه بر امور صنفی است و به هیچ‌وجه رویکرد اقتصادی ندارد. در مورد نمایشگاه‌های خارج از کشور هم، در صورت تمایل اعضا برای شرکت در این نمایشگاه‌ها، اتحادیه تمام حمایت‌های صنفی را از آن‌ها به عمل می‌آورد. در مدت یک ماه گذشته، حدود 100 نفر از اعضا این اتحادیه برای انجام کارهای روادید و ویزا جهت شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، به سفارت‌های آلمان و ایتالیا معرفی شده‌اند.

قدیانی ادامه داد: در حال حاضر بیش از 10 کمیسیون و کارگروه در این اتحادیه فعال هستند و عمده تلاش ما برای آینده، پیگیری اجرایی شدن کامل معافیت مالیاتی ناشران است.

وی ادامه داد: تا 3 سل پیش، ناشران شامل بند "ج" بحث مالیات بر درآمد بودند. مشمولین این بند حتی در صورت ارائه اظهارنامه مالیاتی سفید، شامل معافیت کامل مالیاتی می‌شدند. با تغییر قانون از آن زمان، ناشران در بند "ب" این قانون گنجانده شده‌اند. اعضای این بند، برای برخورداری از معافیت مالیاتی، باید ریز فعالیت‌های اقتصادی خود در قالب دفاتر قانونی ارائه دهند. این کار مشکلاتی را در جهت برقراری این معافیت برای ناشران پیش آورده است.

صنعت چای ایران ورشکسته است

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ 31 تیر آمده است: با تهیه گزارشی از صنعت چای کشور اعلام کرد که این صنعت در ایران ورشکست شده است.

بر اساس این گزارش، کشاورزان چایکار شمال ایران که بیش از ۶۰ هزار خانوار را شامل می‌شود معتقدند "صنعت چای یک صنعت ورشکسته است و کم‌کم باید فاتحه چای ایرانی را خواند."

دستکم ۶۰ هزار خانوار در ۳۴ هزار هکتار باغ چای فعالیت می‌کنند و هر هکتار باغ چای ۹۰ کارگر را در طول سال مشغول می‌کند اما چایکاران محصولشان را مفلوک‌ترین محصول کشاورزی می‌دانند و با دلی پر درد از نبود حمایت‌ها، نداشتن ارزش اقتصادی، جایگاه بازار داخلی و خارجی، فرسودگی باغات و کارخانجات چای خشک‌کنی و حتی دیر پرداخت کردن بهای محصولشان با نامیدی سخن می‌گویند.

این در حالی است که پیش از این گزارش‌هایی درباره رها شدن مزارع چای توسط کشاورزان و یا ویلاسازی در زمین‌های کشاورزی چای منتشر شده بود.

برگ سبز چای در ایران فقط باید از طریق خرید تضمینی از دست کشاورز جمع‌آوری شود، اما سال گذشته به دلیل تخمین نادرست مسئولان دولتی، بهای خرید برگ سبز چای بسیار کمتر از میزان واقعی آن در نظر گرفته شد به طوری که بهای دسترنج چایکاران پس از گذشت بیش از یکسال و طی ده‌ها مرحله و به صورت خرد خرد و تدریجی پرداخت شد.

برخی چایکارانی که زمین‌های خود را رها کرده‌اند می‌گویند که حتی برای امرار معاش با مشکل مواجه بودند توانایی رسیدگی به باغ، کوددهی و هرس و ... را نداشتند و باغات چای امسال هیچ گونه آمادگی برای تولید نداشت و آنچه هم برداشت می‌شود حاصل لطف خداوند و اقلیم مناسب و همراهی باران رحمت الهی است.

علیرغم اینکه امسال میزان برداشت برگ سبز چای ۲۵ درصد از سال گذشته کمتر شده است چایکاران از داشتن محصول ناراضی هستند و تولید را عامل گرفتاری خود می‌دانند چراکه اگر محصول را برداشت نکنند باغشان از بین می‌رود و برای دوره‌های بعدی با مشکل مواجه می‌شوند و اگر قصد برداشت داشته باشند باید هزینه‌های کارگری بردازند که قیمت‌های تعیین‌شده خرید تضمینی جوابگوی این هزینه‌ها نیست.

در این زمینه نعمت یاورزاده - رییس سندیکای کارخانجات چای شمال گفت: به دلیل بی‌توجهی‌ها و نبود حمایت از این محصول کم‌کم فاتحه چای ایرانی خوانده می‌شود.

وی با ابراز تاسف از نبود بازار مصرف داخلی و خارجی برای چای ایرانی تصریح کرد: افزایش قاچاق چای باعث شده انگیزه برای واردات رسمی چای و در پی آن مجوزهای خرید چای خشک داخلی کاهش یابد.

رییس سندیکای کارخانجات چای شمال اعلام کرد: سالانه ۱۱۰ هزار تن چای خشک مورد نیاز کشور است که ۷۵۰۰ تن آن از تولید داخل و بقیه از طریق واردات تامین می‌شود. این درحالی است که از ابتدای سال تاکنون ۲۰ هزار تن مجوز واردات چای صادر شده است.

به گفته یاورزاده سال گذشته ۲۷ هزار و ۵۰۰ تن چای مورد نیاز کشور از تولید داخل و واردات رسمی تامین شده و بیش از ۸۲ هزار تن چای قاچاق وارد بازار مصرف شده است.

وی با اشاره به اینکه طی دو سال اخیر پرداخت بهای برگ سبز چای به میزان مجوز معافیت تعرفه وارداتی چای منوط شده است، گفت: تجار به هر میزان که چای داخلی را بخرند، می‌توانند دو برابر آن مجوز معافیت از تعرفه وارداتی را کسب کنند که اخیراً با افزایش قاچاق چای انگیزه واردات

رسمی جای کاهش یافته و هنوز مجوز معافیت تعرفه وارداتی جای دریافت نشده است. باورزاده گفت: تعرفه واردات هر کیلو جای خشک بسته به قیمت آن تعیین می‌شود که تقریباً معادل کیلویی هزار تومان است. رییس سندیکای کارخانجات جای شمال تصریح کرد: با توجه به این که میزان زیادی از جای مصرفی کشورمان به صورت قاچاق وارد می‌شود، طی دو سال اخیر میزان خرید جای خشک داخلی و همچنین واردات قانونی آن را کاهش یافته است.

خبری درباره کارگران اخراجی شهاب خودرو:

کلیه کارکنان جهت ادامه مراحل بیمه بیکاری به بیمه 17 مراجعه کنند

خوب خدا رو شکر مشکلات پیش روی بیمه بیکاری حل شده و دوستان میتوانند جهت ادامه مراحل اداری بیمه بیکاری از روز شنبه 91/04/31 به شعبه 17 بیمه تامین اجتماعی روبروی اکباتان مراجعه کنند!

فلسفه تصویب قانون بیمه بیکاری این بوده که از شخصی که بیکار شده تا زمانی که شغل جدیدی پیدا کند حمایت بشه اونوقت بعد از گذشت 5 ماه ما هنوز تو گیر و دار مراحل اداری هستیم!

آقایان مسوول یعنی شما نمیدونید یک کارمند حقوق بگیر اجاره خونه داره، قسط داره، خرج خونه و زندگی داره!!!؟

مگه ما چقدر حقوق میگیریم که الان باید پس اندازی داشته باشیم و تو این مدت از اون استفاده می‌کردیم!!!؟

یک کارگر با زن و بچه الان با شروع ماه رمضان با این بی پولی چیکار باید بکنه!!!؟

خدایا ماه رمضان امسال یکجور دیگه مهمونت هستیم، هومونو داشته باش!

برگرفته از وبلاگ کارگران ایران شهاب خودرو

اخراج و بیکاری روزافزون کارگران در ایران

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 31 تیر آمده است: در هفته ای که گذشت، جامعه کارگری باز هم با اخراج کارگران، حقوق معوقه و تداوم رفتارهای تبعیض آمیز دولت مردان مواجه بود. اما در میان این همه خبرهای تلخ و ناگوار در حوزه کارگران میهن مان، شبکه های صدا و سیما مرتب از بیکاری کارگران در اروپا و امریکا خبر می دهند. گویی بیکار شدن کارگران پژو فرانسه به مراتب مهم تر از بیکار شدن کارگران کشور ماست.

در هفته گذشته، حداقل بر اساس گزارش های رسمی، بیش از 700 کارگر از کارخانه های تولیدی کشور ما بیکار شدند. ولی صدا و سیما می‌گوید: حتی یک خبر هم در این باره پخش نکرد. این در حالی است که همزمان فرج الله سلحشور، کارگردان سریال های رسانه ملی که اخیراً با فحاشی هایش مشهور شده، در گفت و گو با فارس برای تحقیر یکی از مجریان سابق تلویزیون، او را به کارگر بودن «متهم» می کند و می گوید: «مثلاً سردار رادان در بحث حجاب و عفاف کار می‌کند اما کسی مثل فرزند حسنی او را تخریب می‌کند. این امر هم به دلیل این است که به هنرمند مشتبه شده که او ملاک جامعه است و کسی هم نیست که به او بگوید تو به اندازه یک کارگر هستی.» سخنانی که با اعتراض رسانه های کارگری رو به رو شد. هرچند با این تلقی از واژه کارگر به عنوان توهین، طبیعی است که صداسویمی متبوع این کارگردان هم در بخش های خبری خود به کارگران ایرانی بی توجه باشد و تنها از گسترش بیکاری و فقر در اروپا و امریکا ابراز نگرانی کند!

به گزارش کلمه، بحران جاری در زندگی کارگران ایرانی تنها به شرایط نابرابر کار، فقدان امنیت شغلی، وضعیت بحرانی بنگاههای صنعتی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه با افزایش میزان تورم، نگرانی زیادی نیز در مورد وضعیت سلامتی کارگران و خانواده آن‌ها به وجود آمده است. کارشناسان حوزه تغذیه و سلامت ادامه این روند را تهدیدی برای سلامت خانوار کارگری قلمداد می کنند.

فقر، تهدیدی برای سلامت خانواده کارگران

بر اساس گزارش ها، نرخ سبد هزینه خانواده کارگری هم اکنون بیش از یک میلیون و 600 هزار تومان است که کارگران با دریافت پایه حقوق 389 هزار تومانی برای جبران ما به تفاوت هزینه خانوار خود مجبور هستند به شغل‌های دوم و حتی سوم روی بیاورند. این درحالی است که این امکان و فرصت برای همه کارگران مهیا نیست.

سالم‌ترین تاثیر افزایش تورم در اقتصاد ایران قطع شده است و متأسفانه در اقتصادی تورم زده شاهد افزایش شدید شکاف بین شاخص دستمزد و شاخص بهای کالاهای مصرفی هستیم. دولت در سالهای 1383 تا 1390 به طور متوسط سالانه حداقل دستمزد را حدود 32 هزار تومان افزایش داده است، این میزان افزایش دستمزد به رغم آنکه بالاترین رشد حداقل دستمزد طی دو دهه گذشته محسوب می‌شود ولی در عمل می‌بینیم که کفاف معیشت خانواده‌های کارگری را نمی‌دهد، که دلیل اصلی آن را باید در تورم شدید قیمت کالاهای مصرفی پیدا کرد. مقایسه حداقل دستمزد 106 هزار تومانی در سال 1383 با حداقل دستمزد 330 هزار تومان سال 1390 نشان می‌دهد، در این دوره شاهد سه برابر شدن حداقل دستمزد و افزایش 224 هزار تومانی آن بوده‌ایم ولی اگر بر مبنای سال پایه 1383 نرخ دستمزد واقعی را بعد از کسر تورم سالانه محاسبه کنیم، واقعیت شکل دیگری به خود می‌گیرد.

در سال 1383 قیمت هر کیلوگرم گوشت مرغ بین 1500 تا 1600 تومان و قیمت گوشت گوسفندی در همان سال بین 4200 تا 4500 تومان اعلام شده است و این ارقام در سال 1391 برای هر کیلو گوشت مرغ به صورت میانگین نزدیک به 8 هزار تومان و برای هر کیلو گوشت به صورت میانگین حدود 20 هزار تومان اعلام شده است که به هیچوجه تناسبی با میزان افزایش دستمزدها در سال 91 ندارد.

قیمت هر کیلو مرغ در تهران در حالی که به مرز 8 هزار تومان رسیده است که روز جمعه حسن رامرداد، سرپرست معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، به ایسنا گفت: در حال حاضر متوسط قیمت هر کیلو مرغ گرم در بازار به 5 هزار 300 تومان کاهش یافته و بر اساس پیش بینی‌ها این روند تا مرز 4 هزار 700 تومان ادامه خواهد داشت.

بازرترین تاثیر افزایش تورم در شرایط فعلی کشور، عدم رونق فعالیت صنعتی و اقتصادی در کشور است، که علاوه بر اثرگذاری در میزان تولید و صادرات ملی، معضل بیکاری شهروندان را نیز به دنبال دارد. بدیهی است که در این زمینه صحت‌های زیادی شده و به صورت پیوسته این شرایط مورد نقد و انتقاد قرار می‌گیرد، اما اگر کمی ریزبینانه‌تر به این موضوع نگاه کنیم، می‌توانیم عوارض پنهان افزایش تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران و خانواده آن‌ها را درک کنیم.

درحال حاضر افزایش افسار گسیخته نرخ تورم از آغاز امسال موجب افزایش 60 درصدی هزینه اقلام مصرفی خانوارهای کارگری شده است که بخش زیادی از درآمدهای کارگران به پرداخت اجاره بهای مسکن اختصاص می‌یابد و مساله تغذیه و افزایش توان جسمی کارگران در اولویت دوم

قرار می‌گیرد.

طبق گزارش‌های پزشکی، حداقل کالری مورد نیاز برای هر فرد بزرگسال روزانه ۲ هزار کالری و برای هر کودک خردسال ۱۸۰۰ کالری است تا این افراد بتوانند از عهده کارهای روزمره خود برآیند، اما با توجه به نرخ تورم و افزایش قیمت مواد مورد نیاز برای تامین کالری، کارگران و خانواده آن‌ها از نظر جسمی دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند.

هیدروکربون‌ها، پروتئین، حبوبات، سبزیجات، میوه‌های تازه و مواد لبنی از مهمترین مواد غذایی هستند که می‌تواند، کالری مورد نیاز انسان را برای انجام کارهای روزمره فراهم کند، اما با نگاهی به قیمت این مواد در بازار، می‌توان مشکلات کارگران در تامین این اقلام را بیشتر درک کرد. ملموس‌ترین عارضه اقتصاد بیمار کشور در ناتوانی کارگران جهت تهیه نیازهای اساسی خانواده‌های خود از جمله «نان» که قوت غالب خانوار کارگری به شمار می‌رود متجلی شده و کارگران با دریافت حداقل حقوق قانونی حتی در تهیه نان شب خود نیز درمانده شده‌اند.

به اعتقاد فعالان جامعه کارگری، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و بالارفتن هزینه‌های زندگی، بر روابط خانوادگی کارگران نیز تأثیر گذار بوده است به طوری که افزایش میزان کار سرپرستان خانوار و همچنین ورود زود هنگام فرزندان کارگران به بازار کار جهت مقابله با فشار تورمی باعث شده است که اعضای خانواده‌های کارگری کمتر فرصت در کنار هم بودن را پیدا کنند. پایین بودن درآمد کارگران از سطح تورم به معنای کاهش رفاه و قدرت خرید و تشدید فشارهای معیشتی به آنان است و بعضی از اقلامی را که در آمارهای بانک مرکزی لحاظ شده است جزء کالاهای اساسی و مورد نیاز این قشر نبوده و در سبد هزینه‌های خانوار کارگری جایی ندارد.

در همین زمینه، خیرآنان یک نظرسنجی در مورد کاهش مواد غذایی در سبد مصرفی خانوارها انجام داده است. در مجموع بیش از ۷ هزار و دویست نفر از خوانندگان این تارنما در این نظرسنجی شرکت کردند که از این میان حدود ۷۶ درصد از شرکت کنندگان معتقدند که در پی رخداد گرانی‌های اخیر، سهم گوشت سفید و قرمز بیش از سایر خوراکی‌ها در سبد مصرفی خانوارها کاهش یافته است. میوه و سبزیجات هم در مقام دوم، حدود ۱۱،۲ درصد از آراء را به خود اختصاص داد. ۱۰،۶ درصد از مخاطبان خیرآنان که در این نظرسنجی شرکت کردند نیز بر این باورند که سهم لبنیات در سبد مصرفی خانوارها بیش از سایر موارد کاهش یافته است. نان و برنج هم به ترتیب حدود ۱،۴ و ۰،۸ درصد آراء را کسب کردند. با وجود شعارهای دولت درباره حمایت از اقشار ضعیف متأسفانه قدرت خرید کارگران به شدت کاهش یافته است و رقم دستمزد با تورم همخوانی ندارد. این درحالی است که در میان بسیاری از مسئولین کشور، گرسنگی و فقر به منزله پوشیدن لباسهایی مندرس، و راه افتادن در خیابان برای گدایی است، چرا که چندی پیش محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس دولت دهم، طی اظهار نظری اعلام کرده بود که در ایران کسی گرسنه نمی‌خوابد و همه از حداقل‌ها برخوردارند.

ترک تحصیل فرزندان کارگران، عوارض خاموش فقر

فقر بر زندگی کارگران چنان سایه افکنده که موجب ورود زود هنگام فرزندان نوجوان آنها به بازار کار شده است. گرانی و تورم و بحران کسب و کار این سالها موجب افزایش میزان ترک تحصیل فرزندان کارگر شده است. ایرج عبدي، نماینده خرم آباد در مجلس، با ذکر اعلام این خبر به ایلنا گفت: ادامه روند ترک تحصیل فرزندان خانواده کارگری، از رشد اجتماعی و ارتقای سطح زندگی آن‌ها جلوگیری می‌کند و این در شرایطی است که باید با استفاده از روش‌های مختلف به گونه‌ای عمل کرد که این خانواده‌ها از حداقل‌های لازم برای زندگی و آموزش فرزندانشان برخوردار باشند. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، ضمن تأکید بر وجود راهکار برای مقابله با ترک تحصیل فرزندان خانواده‌های کارگری گفت: نهاد قانونگذاری کشور باید قوانین را به گونه‌ای وضع کند که منابع لازم برای حمایت از سطح زندگی کارگران و خانواده‌های آن‌ها فراهم باشد. ایرج عبدي، یکی از بهترین منابع تامین حداقل‌های زندگی کارگران را درآمدهای حاصل از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها عنوان و تأکید کرد: اگر درآمدهای حاصل از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها به صورت کامل در راستای اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی و تامین اجتماعی آحاد مردم به ویژه کارگران هزینه شود، بسیاری از مشکلات اجتماعی کارگران حل می‌شود.

نماینده خرم آباد تصریح کرد: افزایش دستمزد کارگران نیز یکی دیگر از روش‌های حمایت از خانواده کارگران است اما در بلند مدت به دلیل مشکلاتی که ممکن است در اقتصاد کشور ایجاد کند، روش مناسبی به نظر نمی‌رسد.

در همین زمینه نایب رئیس دوم کمیسیون اجتماعی مجلس نیز خواستار بررسی مسأله ترک تحصیل فرزندان جامعه کارگری در پی تشدید بحران اقتصادی توسط دولت و کمیسیون اجتماعی مجلس شد. فرج الله عارفی در این زمینه به ایلنا گفت: با انجام تحقیقات گسترده در زمینه ترک تحصیل کودکان جامعه کارگری باید به این نتیجه رسید که علت این ترک تحصیل، مشکلات روحی این کودکان است، یا مشکلات اقتصادی باعث جدایی کودکان و نوجوانان خانواده‌های کارگری از محیط تحصیل و مدرسه می‌شود.

اخراج کارگران بعد از خصوصی سازی کارخانه

کارخانه پلاستیک شاهین پیش از خصوصی‌سازی بیش از ۴۰۰ کارگر داشت که پس از واگذاری این کارخانه بیش از ۳۵۰ کارگر به تدریج تعدیل شدند. مهدی نجف پور، عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور، ضمن اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در سال ۹۰ به جهت عدم نیاز و کاهش تولید از سوی مدیران این کارخانه، ۳۴ کارگر تمدید قرار داد نشده و بیکار شدند و طی سه ماهه گذشته نیز بیش از ۲۰ کارگر این کارخانه تمدید قرارداد نشده و مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند.

این در حالی است که تعداد ۵۰ کارگر باقی مانده در این کارخانه دو ماه است که حقوقی در ازای کارشان دریافت نکرده‌اند و از ابتدای فروردین ماه سال جاری بیمه کارگران این واحد تولیدی نیز پرداخت نشده است. علاوه بر این تعدادی از بازنشستگان این واحد تولیدی نیز هنوز مطالبات خود را دریافت نکرده و چکهای داده شده به این کارگران فاقد اعتبار بوده و برگشت خورده است.

کارگران مجتمع دامداری مهاباد نیز در چنین وضعیت مشابهی به سر می‌برند. مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد در گذشته ۱۳۰ کارگر رسمی فعال داشته است که هم اکنون این تعداد به ۴۰ نفر کاهش یافته که این کارگران نیز با قرارداد موقت کار می‌کنند.

در حال حاضر ۹ ماه از حقوق معوقه بیش از ۴۰ کارگر این واحد تولیدی هنوز پرداخت نشده است. یعقوب کریمی، عضو شورای اسلامی کار مجتمع دامداری مهاباد، با بیان اینکه حقوق معوقه کارگران شامل ۵ ماهه اول سال ۹۰ و چهار ماهه سال جاری است، به ایلنا گفت: عیدی و پاداش و سایر مزایای قانونی این کارگران نیز پرداخت نشده است.

این فعال کارگری با تأکید بر اینکه واردات بی‌رویه گوشت باعث افزایش مشکلات این واحد تولیدی شده است، اظهار داشت: تعویق حقوق، عدم تمدید

قرارداد و بلا تکلیفی کارگران از تبعات واردات بی‌رویه گوشت است.

بحران حقوق معوقه به شرکت های وابسته به سپاه هم رسیده است. با وجود اینکه سپاه به عنوان یک نیروی نظامی به صورت غیر قانونی بر گلوگاه های اقتصادی کشور چنگ زده است، اما کارگران شرکت های تابعه آن با مشکل معوقه رو به رو هستند.

به گزارش کلمه کارگران شرکت کیان صدرا در قش ۵ ماه حقوق معوقه دارند. این شرکت وابسته به سپاه پاسداران است و کارگران آن در دمای ۵۰ درجه قش کار می کنند و با این وجود ماه ها است که حقوقی دریافت نکردند. روز دوشنبه ۲۶ تیرماه کارگران در اعتراض به این وضعیت اسفبار دست از کار کشیدند و در دفتر شرکت واقع در قش جمع کردند. مسولین شرکت بجای پاسخگویی به خواست های به حق کارگران و پرداخت حقوق معوقه شان، آنها را تهدید به اخراج از کار کردند.

در هفته گذشته ایلنا از اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه زاگرس خودرو و ۳۰۰ کارگر کارخانه یخچال سازی بوژان هم خبر داد. محمد گودرزی، دبیر اجرایی خانه کارگر بروجرد، ضمن اعلام اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه زاگرس خودرو دلیل این امر را قطع روابط کاری این کارخانه با مالزی اعلام کرد که بواسطه آن این واحد تولیدی نیمه تعطیل شده است. این کارخانه در زمینه مونتاژ خودرو فعالیت داشت و نامش در پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی سال گذشته ذکر شده بود.

در کارخانه یخچال سازی بوژان واقع در خرم اباد نیز ۳۰۰ کارگر اخراج شدند. این واحد تولیدی اکنون در تعطیلی کامل به سر می برد. پیمان نادرینا، دبیر اجرایی خانه کارگر خرم اباد، ضمن اعلام اینکه این ۳۰۰ کارگر اخراج شده ۴ ماه حقوق معوقه طلب دارند، "عدم وجود نقدینگی و نداشتن بازار فروش در رقابت با محصولات مشابه خارجی" را مشکل عمده این واحد تولیدی بیان کرده است.

به علت بحران اقتصادی و عدم اعمال سیاست های حمایتی از سوی دولت و واردات بی رویه، بیش از یک سوم واحدهای نساجی در استان قزوین تعطیل شده اند. محمد احمدی، عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان قزوین با اعلام این مطلب به خبرنگار ایلنا گفت: به علت کاهش مهلت قرارداد کارگران به زیر یک سال تا کنون نتوانسته ایم آمار دقیقی از تعداد کارگران اخراجی این استان ارائه کنیم. ولی می توان گفت که ۸۰ درصد از کارگران قراردادی به علت کاهش زمان قرارداد بیمه بیکاری دریافت نمی کنند.

بی نصیب ماندن کارگران از کمک های غیرنقدی دولت

در هفته گذشته دولت اعلام کرده بود که در آغاز ماه مبارک رمضان اقدام به ارائه سبد کالای رایگان صد هزار تومانی به کارمندان خود می کند، بیش از ده میلیون کارگر در کشور از دریافت این کمک های دولتی محروم هستند. کارگران در حالی از کمک های غیر نقدی دولت در ماه رمضان بی بهره اند که این کمک ها از بودجه عمومی کشور تامین می شود و تبعیض در پرداخت آن اقشار مختلف و به خصوص بی بهره ماندن کارگران و زحمتکشان و اقشار مستضعف و تهی دست از آن، آشکارا خلاف قانون و عدالت است.

در این میان، متأسفانه برخی از فعالین کارگری به جای دفاع از حقوق کارگران، به بهانه "گسترده گی جامعه کارگری" و "مشکلات متعدد نقدینگی و کمبود منابع در واحدها" سعی در توجیه این تبعیض آشکار دولت دارند. ولی الله صالحی، عضو سابق شورای عالی کار و نماینده کارگران کشور، در گفت و گو با مهر گفت: به دلیل غیرمتمرکز بودن مدیریت در بخش خصوصی و گسترده گی جامعه کارگری و وجود فراوان بنگاه های کوچک، متوسط، بزرگ، کارفرمایان خصوصی و دولتی و کارفرمایانی وابسته به هر دو بخش؛ عملاً اجرای چنین برنامه ای را غیرممکن می سازد.

با وجود اینکه در هفته گذشته این عمل تبعیض آمیز و غیر قانونی دولت مورد مخالفت بخش از فعالین کارگری واقع شد، اما تا کنون از سوی دولت هیچ واکنشی نشان داده نشده است. کارگرانی که تولید کنندگان ثروت مادی جامعه اند و حقوق اکثرشان زیر خط فقر است و در میان فشار روزافزون گرانی کمرشان خم شده است و سفره زندگی شان روز به روز خالی تر می شود. در خلاء و کمبود تشکل های مستقل کارگری، حقوق به تاراج رفته کارگران به راحتی با ادله های به ظاهر منطقی توجیه خواهد شد.

واردات بی رویه؛ بلای جان کارگران چاپکار و شالیکار

"کشاورزان بدبخت ترین کارگران جامعه هستند و دولت بجای حرف و شعار به داد آنان برسد که برخی از زارعین لوازم مورد نیاز کشاورزی خود را با نزول خریداری می کنند." این سخن مهرداد بانوج لاهوتی، نماینده لنگرود در مجلس بود که هفته گذشته به ایلنا در توصیف وضعیت کشاورزان گفته بود.

بازار ایران مملو از برنج های آمریکایی و هندی است. به رغم ممنوعیت واردات محصولات کشاورزی وزارت صنعت تجارت و بازرگانی نسبت به واردات بی رویه این محصولات اقدام می کند. دولت سالیانه به طور میانگین یک میلیون تن برنج وارد کشور می کند. در حالی که در بدترین شرایط نیاز کشور به واردات برنج ۴۰۰ هزار تن است.

این در حالی است که کشاورزان مجبور به پرداخت خساراتی هستند که در ایجاد آن هیچ نقشی ندارند. دولت با واردات بی رویه برنج آن هم درست زمان برداشت محصول خستگی یک سال تلاش و کار کردن را از تن شالی کاران به در می کند.

این نماینده مجلس همچنین با انتقاد از واردات بی رویه چای به کشور در سال های اخیر، به خانه ملت گفت: در حال حاضر واردات بی رویه برگ سبز چای به کشور باعث شده تا چاپکاران با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم کنند.

وی افزود: در حال حاضر نیاز داخلی کشور به چای حدود ۱۲۰ هزار تن در سال است که به دلیل واردات غیر منطقی و غیر کارشناسی این محصول، فقط ۳۰ هزار تن آن در داخل تولید می شود.

ایسنا هم در این باره نوشت: برآیند دیدگاه کشاورزان چاپکار شمال ایران که بیش از ۶۰ هزار خانوار را شامل می شود، این است که صنعت چای یک صنعت ورشکسته است و کجک باید فاتحه چای ایرانی را خواند. چاپکاران محصولشان را مفلوکترین محصول کشاورزی می دانند و با دلی پر درد از نبود حمایت ها، نداشتن ارزش اقتصادی، جایگاه بازار داخلی و خارجی، فرسودگی باغات و کارخانجات چای خشک کنی و حتی دیر پرداخت کردن بهای محصولشان با ناامیدی سخن می گویند.

یک نماینده: کارخانه قند ۴۵ روز در سال کار می کند/ چطور به دولتی که نمی تواند حتی کود کشاورزان را تأمین کند، اعتماد کنیم؟

به نوشته سابت اصلاح طلب کلمه در 31 تیر آمده است: یک عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی با انتقاد کسانی که می گویند تحریم ها اثری نداشته است، بیکاری، بی پولی، تورم، گرانی و را ناشی از تحریم ها دانست و گفت: سرمایه گذار خارجی و حتی ایرانی خارج از کشور رغبت نمی کند که سرمایه خود را به کشور آورده و در جایی، مشغول به کار شود؛ افزون بر این که نمی توان خیلی به آمار ارائه شده از سوی دولت اطمینان کرد.

به گزارش تابناک، حبیب برومند نماینده پارس‌آباد و بیله‌سوار خاطر نشان کرد: می‌بینیم که صنعت و کشاورزی ما در یکی دو سال اخیر چه ضربات مهلکی را متحمل شده است. همچنین دیدیم که برای نمونه، یک بحران کوچک مانند کمبود کود موجب شد، میانگین تولید محصولی مانند گندم از هفت تن برای هر هکتار به ۲,۵ تن برسد.

وی تأکید کرد: چگونه می‌توانیم به شعارهای دولتی که نمی‌تواند حتی کود مورد نیاز کشاورزان را تامین کند، اعتماد کنیم؟ برومند در ادامه یادآور شد: من به عنوان یک عضو کمیسیون کشاورزی مجلس و کسی که از یک منطقه دارای استعداد کشاورزی نماینده مردم شده است، این را از دولت می‌پرسم که آیا مناطق کلی مملکت را شناسایی واقعی کرده‌اید تا بدانیم در کجا باید چه کاری انجام دهیم؟ آیا نمی‌شد پول‌هایی که به عنوان بنگاه‌های زودبازده میان مردم تقسیم شده و هر شخصی نیز با استفاده از آن وسیله نقلیه‌ای خریده و حتی اقساط را هم پرداخت نکرده است، در جای دیگری سرمایه‌گذاری کرد؟

این نماینده تأکید کرد: ما در ارتباط با صنعت نمی‌توانیم با برخی از کشورهای پیشرفته دنیا رقابت کنیم، اما در کشاورزی حرف برای گفتن داریم و به نظر من، تنها راه نجات کشور از مشکلات کنونی، توجه جدی به مسأله کشاورزی است. باید این بخش را تقویت کرد. ما این همه وزارت مربوط به بخش کشاورزی داریم و اتفاقی نمی‌افتد. اگر این نهادها نیز کاری بلد نیستند، انجام دهند چرا مسئولیت می‌پذیرند؟

این عضو کمیسیون کشاورزی مجلس، با اشاره به روند نزول کاشت و برداشت محصولات کشاورزی در استان اردبیل یادآور شد: الان دیگر پنبه در منطقه مغان کاشت نمی‌شود و همین موجب شده است تا یازده کارخانه پنبه تعطیل شوند. هر کدام از این کارخانه‌ها نیز دست‌کم برای چهل نفر ایجاد اشتغال می‌کردند. همچنین محصول دیگری مانند چغندر دیگر کاشت نمی‌شود و کارخانه قند که باید یازده ماه در سال کار کند، ۴۵ روز کار می‌کند. وی یادآور شد: ما متأسفانه، تنها خودمان را می‌بینیم. با این روند، نمی‌توان کاری انجام داد. کشور با واقع‌بینی ساخته می‌شود. الان قشر عظیمی از جوانان با مدارک تحصیلی عالی بیکار در خانه‌ها نشسته و نمی‌توانند کاری انجام دهند. مقام رهبری هر سال شعارهایی را به مردم ابلاغ می‌کنند، ولی می‌خواهم ببینم ما کی برای تقویت تولید ملی کاری انجام داده‌ایم؟ متأسفانه مسئولان از کارهای خود شانه خالی می‌کنند. منصور حقیقت‌پور نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز در این باره گفت: تحریم‌ها بی‌تأثیر نیستند اما قدر مسلم این است که با تدبیر اصولی می‌توانیم از این شرایط گذر کرده و تحریم‌ها را دور بزنیم.

وی مدعی شد آنچه آثار تحریم را در کشور ما کارآمد و قوی می‌کند، بی‌تدبیری‌های داخلی است؛ و اگر بتوانیم جلوی اشتباهات مدیریتی را بگیریم، تحریم‌ها فرصت خوبی برای ماست تا بتوانیم ساختن کشور را در پیش گرفته و توانمندی‌های اقتصادی کشور را بالا ببریم.

گسترش روزافزون نابرابری‌ها در جامعه ایران: 37 هزار «بیوه کودک» داریم

به نوشته سایت قانون در 31 تیر آمده است: لباس سفید پر از تورهای رنگی او را به وجد می‌آورد. عروسک را در بغلش سخت می‌فشارد و خاله‌بازی با دوستانش را تمرین می‌کند. از همه‌جا صدای هل‌هل به گوش می‌رسد. کودک خوشحال از این همه شور در میانشان رقص می‌کند بی‌آنکه بداند این همه شادی برای حجله رفتن اوست.

از دواج کودکان معضلی اجتماعی است که دیده می‌شود اما چشم‌ها و گوش‌ها بسته می‌مانند تا اصل موضوع کماکان بر سر جای خود برقرار باشد. هر چند فعالان حقوق کودک ضمن اطلاع‌رسانی از توجه نکردن مسئولان گلایه می‌کنند اما آمار این ازدواج‌ها نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند بلکه افزایش نیز یافته است. فرشید یزدانی عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان و رئیس سابق این انجمن با اظهار گلایه از اینکه مسئولان تلاش دارند با ارائه آمار از کاهش چنین ازدواج‌هایی در ایران خبر دهند؛ به جای توجه برای حل مسأله به پنهان کردن آن دست می‌زنند، اما نگرانی از وضعیت این کودکان همچنان وجود دارد.

جناب یزدانی چرا با وجود تلاش‌های بسیاری که در حوزه کودکان می‌بینیم اما همچنان ازدواج کودکان در کشور رایج است و فعالان این حوزه از رشد این ازدواج‌ها خیر می‌دهند؟

بر اساس کنوانسیون جهانی حقوق کودک تمام افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند. بر اساس قانون مدنی دختران در ۱۳ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی به بلوغ می‌رسند. با توجه به قوانین سن ازدواج این موضوع از چند منظر قابل بررسی است یکی از نظر اجتماعی و فرهنگی و دیگری از منظر قانونی. از نظر اجتماعی مهم‌ترین عامل عمده در حوزه ازدواج کودکان بحث فقر اقتصادی است. هر چقدر فقر افزایش یابد میزان این ازدواج‌ها بیشتر می‌شود چنان‌چه آمار نیز چنین موضوعی را ثابت می‌کند. در چند سال اخیر به دلیل افزایش نرخ تورم و افزایش فقر در میان قشر ضعیف جامعه افزایش ازدواج کودکان مشهود بوده است. ازدواج کودکان از مناسبات اجتماعی و زندگی روزمره مردم در طبقات پایین جامعه تأثیر بسیاری می‌گیرد. در کنار عامل فقر اقتصادی نباید فقر فرهنگی موجود در میان بخشی از جامعه که چنین معضلی را به وجود می‌آورند را فراموش کرد.

طبق آمارهای موجود در سال ۸۵، حدود ۹۰۰ هزار کودک ازدواج کرده ۱۰ تا ۱۸ ساله داشته‌ایم. بیش از ۵۵ درصد این ازدواج‌ها در نقاط شهری و مابقی در نقاط روستایی بوده است. بنابراین می‌بینیم که ازدواج کودکان در قشر شهری نیز دیده می‌شود. هر چند به دلیل مهاجرت از روستاها به شهر در گذشته و پایین بودن جمعیت روستایی این آمار نشان می‌دهد که رشد

این ازدواج‌ها در نقاط روستایی بیشتر بوده زیرا نسبت جمعیت روستایی به شهری در کشور کمتر است. سال ۸۴ در کشور ۲۲۶ هزار دختر زیر ۱۹ سال ازدواج کرده‌اند که این رقم در سال ۸۹ با فرآیند افزایشی به ۳۴۲ هزار تا رسیده است. ۲۶ هزار مورد از این ازدواج‌ها در سال ۸۴، ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال بوده و در سال ۸۹، ازدواج این رده سنی ۴۲ هزار مورد بوده که اتفاق بسیار ناخوشایندی است.

یکی از فجایعی که در آمار دیده می‌شود ازدواج کودکان زیر ۱۰ سال است. در سال ۸۹، ۷۱۶ کودک زیر ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند که این رقم نیز افزایش یافته زیرا در سال ۸۶، ۳۷۰ مورد ازدواج کودک زیر ۱۰ ساله دیده می‌شود. با توجه به سن کم کودک این آمار به‌ظاهر کم، بسیار زیاد است.

اگر آمار کل ازدواج‌های کودکان زیر ۱۵ سال را مدنظر قرار دهیم در سال ۸۹، ۴۵ هزار ازدواج داشتیم که ۴۲ هزار مورد از این ازدواج‌ها مربوط به دختران بوده است. سال ۸۴ این رقم ۲۶ هزار عدد بوده که نشانگر رشدی معادل ۶۵ درصد در این سال‌ها بوده است.

وقتی این رقم‌ها را نسبت به کل ازدواج‌هایی که در کشور صورت می‌گیرد مقایسه کنیم روند افزایشی را می‌بینیم که یک پدیده قابل توجه است و نیاز به یک بررسی دقیق دارد. در سال ۸۴، ۷۸۴ هزار ازدواج صورت گرفته که از این رقم، ۴۰ درصد مربوط به ازدواج افراد زیر ۱۹ سال بوده است. این نسبت در سال ۸۹ به ۴۵ درصد رسیده است. درباره ازدواج افراد زیر ۱۵ سال این نسبت در سال ۸۴، ۵/۳ درصد بوده که در سال ۸۹ به

۵ درصد رسیده و رشد چشمگیری داشته است. در واقع این یک پدیده کودک همسری است که پیامدهای جدی در خانواده، اجتماع و روی خود افراد دارد.

آیا آماري که ارائه مي‌دهيد بر اساس مستندات و آمار رسمي موجود در کشور است؟

این آمار بر اساس سرشماری‌های ثبت احوال استخراج شده و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن‌ها صورت نگرفته است. آماري که ارائه مي‌دهم بر اساس منابع رسمي است باید توجه داشت که آمار واقعي که شامل ازدواج‌های ثبت نشده نیز هست، بیشتر از این‌هاست. آمار در کدام استان‌ها بیشتر است؟

نسبت این ازدواج‌ها معمولاً در حاشیه شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک و روستاها بیشتر است. بر اساس مستندات در سال ۸۹، حدود ۷ هزار و ۲۰۰ ازدواج کودک ۱۰ تا ۱۴ سال در سیستان و بلوچستان صورت گرفته که بعد از آن استان خوزستان با ۵ هزار و ۲۰۰ ازدواج و سپس استان آذربایجان شرقی با بیش از ۲ هزار و ۶۰۰ ازدواج قرار دارند. البته این آمار در استان تهران نیز با یک هزار و ۲۰۰ نفر رقم قابل‌توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. درباره ازدواج کودکان کمتر از ۱۰ سال نیز ارقام ۵۴۰ نفر در سیستان و بلوچستان، ۱۶ نفر در آذربایجان غربی، ۳۴ نفر در خوزستان را شاهد هستیم.

این ازدواج‌ها بیشتر از ازدواج کودک با کودک است یا کودک با بزرگسال؟ بیشتر دخترها در سن کم مجبور به ازدواج می‌شوند یا پسرها؟

نزدیک ۹۰ درصد این ازدواج‌ها دختران کودک هستند. در سال ۸۹، ۱۳۱ دختر زیر ۱۵ سال با مرد بالای ۵۰ سال ازدواج کرده است. در سال ۸۸ هم ۱۰۰ نفر دختر زیر ۱۵ سال با مرد بالای ۵۰ سال ازدواج کردند. بنابراین وجه حاکم ازدواج کودکان، به خصوص دختران، ازدواج کودک با کودک نیست بلکه ازدواج کودک با بزرگسال است. قابل توجه اینکه بیشتر ازدواج دختران بین ۱۰ تا ۱۴ سال با پسران ۲۰ تا ۲۴ است.

در سال ۸۹، یک هزار و ۳۰۰ پسر کمتر از ۱۵ سال داریم که ازدواج کردند. بالاترین نسبت آماري متعلق به استان سیستان و بلوچستان است. یک بخشی هم داریم پسر جوان زیر ۲۰ سال با زن بالای ۶۰ سال ازدواج کردند، مثلاً سال ۸۶، ۱۰ پسر با خانم بالای ۶۰ سال ازدواج کردند. حتی در سال ۸۹ پسر کمتر از ۱۵ سال داریم که با زن ۷۵ ساله ازدواج کرده که می‌تواند بحث اقتصادی یا فرهنگی در یک قوم باشد که ثبت شده‌اند. وقتی در رده‌های سنی بالاتر می‌رویم این مسئله نیز وجود دارد که در بحث ما نمی‌گنجد.

آیا این کودکان می‌توانند نیاز عاطفی یا جنسی همسرشان را تامین کنند؟

ازدواج از یک سو نیاز به بلوغ فیزیکی و بدنی و از سوی دیگر بلوغ روانی و عاطفی دارد. مسلماً این بچه‌ها نمی‌توانند خودشان را با این شرایط وفق بدهند و هماهنگی با این شرایط برایشان سخت است. چرا که کودکان اگر هم که به فرض از نظر جسمانی آمادگی ازدواج داشته باشند. اما مسلم است که از نظر روحی و روانی نمی‌توانند این مساله را درک کنند، قطعاً به سختی می‌توانند به یک رابطه برابر و مناسب حتی در مناسبات جنسی نیز دست یابند.

در این حوزه باید به زمینه‌های مختلف توجه کرد به خصوص به تنوع قومیتی و مذهبی که در میان خانواده این کودکان وجود دارد. در خیلی از نقاط حاشیه‌ای کشور این اتفاق بیشتر صورت می‌گیرد که به لحاظ فرهنگی هم پذیرفته شده است. باید این مشکل بیان شود و قبح آن نشان داده شود. در نقاط مختلف کشورگاه دختران وجه معامله قرار می‌گیرند و گاه فرار از دست والدین بدسرپرست کودک را راضی به ازدواج می‌کند یا والدین تمایل دارند کودک زودتر ازدواج کند تا یک نان خور کمتر شود. نگاه رسمی نیز به این مشکل دامن می‌زند و این مسئله را پیچیده می‌کند. چند سال پیش وزیر آموزش پرورش گفته بود که از ازدواج بچه‌های دبیرستانی استقبال می‌کند. وقتی مقام رسمی کشور چنین حرفی را بیان کند یعنی گسترش فقر در جامعه چون بچه‌ها از فرآیند توانمندسازی و اجتماعی شدن باز می‌مانند. این یک نگاه تأثیرگذار در اجتماع است.

یعنی نگاه رسمی در کشور به اینکه چه مشکلی برای این کودک به وجود می‌آید توجه نمی‌کند؟ اینکه ممکن است این کودک مورد خشونت قرار بگیرد و تبعات روانی بسیار بدی برای او داشته باشد؟

بر اساس نگاه رسمی ازدواج کودکان مسئله‌ای بد نیست بنابراین گویا دغدغه‌ای نیز در این ارتباط وجود ندارد که چه اتفاقی برای این بچه می‌افتد به همین دلیل رسیدگی و توجهی هم صورت نمی‌گیرد. یکی از دلایل طلاق در کشور میان بزرگسالان نیز به دلیل نداشتن آگاهی در این زمینه است چه برسد به کودکی که هنوز رشد فیزیکی و اجتماعی‌اش کامل نشده است. وقتی با خیلی از افرادی که در کودکی ازدواج کردند و الان بزرگ شدند درباره مناسبات زندگی و ازدواج صحبت می‌کنم اینکه چه نگاهی به رابطه جنسی داشته‌اند بسیاری از این خانم‌ها می‌گویند فکر می‌کردیم بازی است و اصلاً فکر نمی‌کردند وارد یک چرخه جدی شده‌اند. فرآیند کودکی این بچه‌ها سرکوب می‌شود و کل جامعه در این سرکوب نقش دارد چون یک امر مستمر است و یکی از خشونت‌آمیزترین سرکوب‌ها در حوزه کودک است.

از آنجایی که به بحث طلاق به دلیل نبود آگاهی و نداشتن مهارت‌های زناشویی در بزرگسالان اشاره کردید و از آنجایی که یک کودک نمی‌تواند نیازهای عاطفی و... یک زندگی را تامین کند آیا آمار طلاقی درباره این کودکان وجود دارد؟

اتفاقاً آمار طلاق کودکان نیز بسیار جالب‌توجه است. بر اساس آمار سال ۸۵ حد ۲۵ هزار کودک مطلقه داشتیم. که از این میزان ۱۵ هزار در نقاط روستایی و مابقی در نقاط شهری بوده است. قابل‌توجه اینکه تعداد حدود ۱۲ هزار کودک نیز در این سال مشاهده شده‌اند که همسرشان فوت کرده است که آمارش در نقاط شهری بیشتر است. در یک تقسیم‌بندی جنسیتی می‌بینیم که از این ۲۵ هزار کودک مطلقه نزدیک به ۱۵ هزار تایشان پسر هستند و مابقی دختر.

اگر بخواهیم در رده سنی ۱۰ تا ۱۴ سال آمار سال ۸۵ کودکان مطلقه را داشته باشیم در مجموع قریب به ۱۴ هزار کودک مطلقه در این سن وجود داشته است که با احتساب بیش از ۴ هزار کودک همسرمرده می‌توان گفت که حدود ۱۸ هزار کودک بیوه در سال ۸۵ زندگی می‌کرده‌اند. اگر سن میان ۱۰ تا ۱۸ سال را مدنظر قرار دهیم تعداد ۳۷ هزار بیوه کودک در کشور وجود دارد.

بر اساس آمار کلی سال ۸۶ تا ۸۹ در میان دختران هر سال به طور متوسط ۸۰۰ کودک ۱۰ تا ۱۴ سال طلاق گرفتند و حدود ۱۵ هزار کودک ۱۵ تا ۱۹ سال طلاق گرفته‌اند. آمار مربوط به پسران نیز بر اساس همین نسبت تغییر می‌کند. هر چند رقم کل طلاق زیر ۱۵ ساله‌ها عمدتاً دختران بودند. یک موضوعی که در میان این ارقام جلوه می‌کند این است که بحث طلاق کودکان تابعی از فرآیند کلی طلاق در کشور است. نسبت کل طلاق‌ها در کشور حدود ۳۷ درصد از سال ۸۶ به ۸۹ افزایش یافته است که همین آمار در میان کودکان ۳۸ درصد است که تفاوت معناداری ندارد و یکسان هستند.

چرا وقتی قانون در این زمینه وجود دارد عمل نمی‌شود و این ازدواج‌ها ثبت می‌شوند و هیچ برخورد قضایی صورت نمی‌گیرد؟

ثبت احوال موظف که این ازدواج‌ها را ثبت نکند و غالباً این کار را انجام نمی‌دهد، اما فرآیندی که صورت می‌گیرد این است که خانواده این کودکان برای ثبت ازدواج به دادگاه مراجعه می‌کنند و بر اساس حکم قاضی مبنی بر سنجش توانمندی کودک به لحاظ جسمانی ثبت ازدواج صورت می‌گیرد.

این سنجش چه مبنایی دارد؟ یعنی اگر قد کودک نسبت به سنش کمی بلندتر یا وزنش کمی بیشتر بود شرایط جسمی ازدواج را پیدا می‌کند پس بحث روانی و عاطفی قضیه چگونه در نظر گرفته می‌شود؟

متأسفانه یکی از نقاط ضعف همین است که یک بخشی از قدرت تشخیص درباره سنجش اینکه این کودک می‌تواند ازدواج کند یا نه را به قضات سپرده‌اند و در اینجا قاضی نیز بر مبنای مناسبات اجتماعی و فرهنگی گاه مجبور به صدور حکمی می‌شود و گاه ممکن است اعمال سلیقه صورت بگیرد.

پس برای جلوگیری از این فاجعه راهکار قانونی خاصی نداریم؟

متأسفانه نه مبنای قانونی محکمی داریم که از این اتفاق ناخوشایند جلوگیری کند و نه دغدغه‌ای جدی در بین سیاست‌گذاران برای جلوگیری از آن وجود دارد. و شرایط اقتصادی و اجتماعی، از قبیل گسترش روزافزون نابرابری‌ها در جامعه نیز به این مساله دامن می‌زند و این مساله مانند بسیاری دیگر از مسائل کودکان کشور لاینحل به نظر می‌رسد.

ادعاهایی که با واقعیت های اجتماعی ما انطباق ندارد

پاور

http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2012/09/blog-post_20.html#more **کانون**

مدافعان حقوق کارگر -

با توجه به آمارها و ارقامی که در رسانه‌ها و از زبان مسوولان منتشر می‌شود ممکن است برای عده‌ای بویژه در خارج از ایران این توهم ایجاد شود که اقتصاد این مملکت به سرعت در حال رشد است و طولی نخواهد کشید که قله‌های افتخارات اقتصادی یکی پس از دیگری فتح شود. گرچه اتخاذ سیاست‌های اقتصادی متناسب با واقعیت‌های جامعه‌ی امروز امری شدنی است و می‌تواند باعث تحول بزرگی در روند رشد و توسعه علمی، اقتصادی، صنعتی کشورمان شود اما وقتی که دانش و تفکر علمی، اقتصادی جای خود را به کپی برداری و راه‌حلی‌هایی به سبک این یا آن کشور می‌دهند، در نهایت جامعه به بن‌بست‌های بحران و ورشکستگی کشیده می‌شود. با این حال در کشورهایی که تولیدکننده انرژی (نفت و گاز هستند) به دلیل وجود یک درآمد سرشار از فروش منابع طبیعی، می‌توان به رغم سیاست‌های مخرب و غیر انسانی و غیر علمی سقوط و ورشکستگی کامل اقتصاد جامعه را در لایه‌ای از دروغ پنهان کرد. زیرا همین یک محصول صادراتی (مواد خام) به اندازه‌ی کافی درآمد زاست.

کشورهای نفت خیز به صورت بالقوه همه‌ی شرایط و امکانات توسعه‌ی صنعتی - علمی را دارند. این کشورها اگر درآمد ناشی از فروش این منابع را در زمینه صنایع تولید کالایی سرمایه‌گذاری نمایند. دیگر به سرمایه‌گذاری بیگانگان نیازی نخواهند داشت و کشور را به یک قدرت اقتصادی، صنعتی تبدیل خواهند کرد. این کشورها تنها نیازمند یک مدیریت آگاه، مردمی و صادق هستند تا آن امکان را از قوه به فعل تبدیل نمایند و با تکیه به مردم و درک ارزش‌های آنها، نه در حرف بلکه در عملکرد اجتماعی و با رعایت آزادی اندیشه و به برکت آزادی تشکل‌های مردمی می‌توانند همه‌ی سیاست‌های بازدارنده‌ی امپریالیست‌ها را خنثی کنند.

روزنامه اعتماد دوشنبه 19 تیرماه 91 صفحه 5 قسمت بازار سرمایه:

"سخن‌گوی امور اقتصادی و دارایی از رشد دو برابری جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور در طول 4 ساله اخیر خبر داد و آن را به عنوان شاخص موفقیت بزرگی معرفی کردند". ولی ایشان فرمودند این دوبرابر شدن نرخ سرمایه‌گذاری همراه با ثبات نرخ ریال بود یا به عکس. ایشان فرمودند: "...جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران در طول 4 سال اخیر از رقم کمتر از دومیلیارد دلار به 4 میلیارد و 100 میلیون دلار افزایش یافته است." ایشان اعلام نکردند طی این مدت نرخ نیازهای حیاتی و برطرف نشده‌ی مردم چند برابر شده است. در همین رابطه شایان ذکر است که از برنامه‌ی غذایی برخی کارگاه‌های کارگری پارس جنوبی با هزاران نیروی کار چند روزی است مرغ و گوشت حذف شده است.

معنای دیگر این شوک اقتصادی وطنی این است که مردم کم درآمد (بیکاران و بی‌درآمدها که جای خود دارد) از این به بعد باید یک خوراک مرغ یا گوشت را در رویاهای خود ببینند. ادامه در همان صفحه "ایشان با اشاره به گزارش بانک جهانی درباره رشد اقتصاد ایران فرمودند: ایران دومین رشد اقتصاد خاورمیانه را در دهه آتی به خود اختصاص خواهد داد که البته این عملکرد در شرایط متعارف به دست نیامده است." باز هم یک نهاد امپریالیستی - آمریکایی از برنامه‌های اقتصادی دولت ما (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) تعریف کرده اند. نهاد‌های امپریالیستی و آمریکایی برای رشد اقتصادی جامعه‌ی ما کارت تبریک داده اند به عبارت دیگر این لغزش‌های اقتصادی و سیاسی ماست که به کام امپریالیست‌ها شیرین آمده است. همه‌ی حوادث و اخبار بیان‌گر این حقیقت است که اقتصاد جامعه‌ی ما، در حال غرق شدن در امواج مناسبات نئولیبرالیستی است.

بر اساس گزارش چشم انداز اقتصاد جهانی که توسط صندوق بین المللی پول ارائه شده است. ایران در تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید جایگاه هفدهم را در دنیا کسب کرده است. این در حالی است که این جایگاه بالاتر از استرالیا، هلند، و افریقای جنوبی است. "قدرت خریدی که از بابت فروش مواد خام است و نه تولید کالایی. این گونه قدرت خرید نه فقط افتخاری ندارد، بلکه نمادی از عقب ماندگی و سردرگمی اقتصادی، صنعتی است. در ادامه: همان گزارش "...اگر یارگیری‌های سیاسی کشورهایی که ... وجود نداشت به طور حتم ایران جزو بیست اقتصاد برتر دنیا بود." در قسمت اول فرمودند با اشاره به گزارش بانک جهانی ایران دومین رشد اقتصاد را در خاورمیانه ... به خود اختصاص داده است..."

آقای سخنگو نمی‌گویند چگونه امکان دارد ما هم رشد اقتصادی بالایی داشته باشیم و هم ناتوان از برداشت از منابع گازی مشترک با امارات؟! به چه دلیل امارات که نیروی فنی ما را در اختیار ندارد، توانسته از منبع بزرگ و مشترک گازی پارس جنوبی چندین برابر ما برداشت نماید؟ ما در عوض اکثر پروژه‌های پارس جنوبی را متوقف نمودیم. آیا قادر به تکمیل و ساخت آن پروژه‌ها نبودیم؟ معمولاً در دوره‌ی رشد اقتصادی، کارخانه‌ها و پروژه‌ها، فعال می‌شوند، نه تعطیل. پالایشگاه گاز بید بلند طرح و توسعه پالایشگاه اصفهان، بندرعباس، آنارها کرمانشاه و دهها پروژه در پارس جنوبی و کیش غیرفعالند. کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی کشور که از دوران مشروطه فعال بودند و تولیدمی‌کردند اینک غیرفعال هستند و به جای جایگزینی تکنولوژی مدرن و تولید بهتر و ارزان‌تر، به کلی بسته شدند تا واسطه‌ها و دلال‌های بازار قرون وسطایی - سنتی با دلارهای نفتی که ثروت همه مردم ایران است به واردات پارچه چینی و ... بپردازند... آقای سخن‌گو در پایان جمله فرمودند: در شرایط غیر متعارف !! حتماً منظورشان این است که اگر فشار تحریم‌ها نبود همین چند کارخانه فعال هم بسته می‌شدند.

درون مایه این نگرش به این باور ختم می‌شود: ما که نفت و گاز داریم. می‌فروشیم و می‌خوریم (البته بالایی‌ها) و می‌بخشیم. بگذار این کافر‌ها بیایند و برای ما کار کنند. حرفی که شاه زده بود (این‌ها نوکرهای ما هستند) البته نوکری که شیریه‌ی جان‌حدا نسل‌های آینده‌ی کشورمان را غارت

می کنند و این برای دلالت ها اصلا اهمیتی ندارد. صندوق بین المللی پول فرمودند: "ما در جایگاه هفدهم دنیا را در قدرت خرید کسب کرده ایم و از هلند و استرالیا و آفریقای جنوبی جلوتریم" واقعا خودمان هم باور کرده ایم؟؟ با استناد به مشتی آمار مربوط به قدرت خرید ناشی از فروش مواد خام، خود را بالاتر از تولید کالایی سرمایه داری صنعتی هلند و استرالیا می بینیم؟ در حالیکه ما هنوز مانند زمان داری و اواخر قاجاریه همان مواد خام نفت و گاز یا نیمه ساخته شده پتروشیمی را برای صنایع استعمارگران دیروزمان تولید می کنیم تا آنها کالایی با ارزش مصرف و مبادله ی بالایی تولید کنند و آن را با چندین برابر ارزش دوباره به ما بفروشند. و به این طریق پول را که بابت خرید مواد خام به ما داده اند، چند برابر بیشتر پس بگیرند.

چنین قیاس هایی و به طبع آن این گونه نتیجه گیری هایی که در رسانه ها انتشار یافته با واقعیت روند مناسبات اقتصادی - صنعتی جاری در ایران هیچ انطباقی ندارد. آن هم با این تیترو "اقتصاد ایران بالاتر از هلند و استرالیا است" در کنار این مطلب باید می گفتید: به دلیل وجود تحریم ها و برای تداوم پروژه های حیاتی کشور، با جلب سرمایه گذاری های خارجی صرفا می خواهیم از طریق آنها کالاهایی صنعتی ولی ساده و نه تکنولوژی پیشرفته مانند زانوی 10 و 20 و 30 اینچ یا سه راهی و فلنج را در ابعاد مختلف وارد کنیم و این رویه سرمایه گذاری تنها نوعی پورسانت دادن به دلالت بین المللی برای شکستن تحریم هاست. اگر چه در شرایط فعلی یک ضرورت است ولی معنای سرمایه گذاری صنعتی را نمی دهد. در صفحه 6 همان منبع در سمت صفحات پشت این مطلب تحت عنوان نگاه اقتصادی، گفت و گویی با دکتر مسعود نیلی مسائل اقتصاد سیاسی را به همان گونه ی کلاس های صرفا نظری درس اقتصاد بیان کرده اند. استاد محترم اختلافات طبقاتی در جامعه ی ایران را یک امر طبیعی نشان داده اند و مفهوم طبقه را تغییر داده و گروه خوانده اند. در حالی که فاصله ی طبقاتی ویژگی ساختار سرمایه داری و مبتنی بر بهره کشی انسان از انسان است. ایشان فرمودند: "... قاعدتا نمی توانید انتظار داشته باشید که اگر تحولی در اقتصاد اتفاق بیافتد وضع گروه یا گروه هایی دیگر به طور نسبی بهتر شود،" باید از این استاد و دکتر اقتصاد سیاسی پرسیده شود: "چرا گروه؟!"

از نظر سیاسی به تعداد سه تن هم یک گروه می گویند. ولی آن مقوله ای که شما به آن پرداخته اید، اکثریت مردمدار با میلیون ها تن و دیگر نمی توان به آن گروه گفت. بلکه باید به مفهوم طبقه توسل جست که درون مایه آن بر واقعیت انطباق دارد. چه ضرورتی باعث شده که مفاهیم اقتصادی و جامعه شناختی را با تعبیری غیر علمی بیان کنیم؟! در ادامه فرموده اند: "سیاست مدار باید یک گروه را نمایندگی کند. در واقع سیاستمدار نمی تواند نمایندگی همه ی جامعه را برعهده داشته باشد." بسیار خوب. شما با مفاهیم ساختار سرمایه داری مسایل را تحلیل می کنید. مسلما این حق شماست که راه و نگرش تان را انتخاب کنید ولی به عنوان یک استاد که آموزش می دهد، بهتر بود گوشه های دیگری از مباحث درسی اقتصاد را هم که در جهان ندیده گرفته نمی شود بیان کنید. در ادامه: "... بنابراین می بینیم یک گروه متمایل به محدود کردن مخارج (بخوانید سرمایه دارها) و کاهش مالیات است." ایشان می باید همه ی حقیقت را می گفتند: سرمایه داری مایل به کاهش مالیات مستقیم از سرمایه داران و افزایش مالیات غیر مستقیم که بارش بر دوش کارگران و همه ی نیروی کار است، می باشند. در ادامه: "... و گروهی متمایل به خرج کردن بیشتر دولت هستند..." که این نیز نادرست است. تنها افراد ناآگاه و عقب نگه داشته شده با فرهنگ سده های میانی این گونه می اندیشند. طبقه ی کارگر ایران، اعتقاد به سرمایه گذاری دولت به منابع ملی و صنایع مادر و ایجاد اشتغال دارند. نه پرداخت چندین غارز به نام "پول نفت روی سفره ی مردم."

کار مولد کارگران و دهقانان، تنها منبع تداوم حیات اجتماعی است. این تولید کنندگان به وسیله ی آنهایی که فرایند کار آنها را می قاپند، به شدت مورد بهره کشی و ستم قرار گرفته اند. در کشورهای تولیدکننده انرژی این ستم به صورت مضاعف صورت می گیرد. زیرا ساختارهای این حاکمیت ها دیکتاتوربست و دیکتاتورها با تصاحب منابع کلیدی یک ملت با کمک قدرت نظامی و پلیس امنیتی (مانند حاکمیت مطلقه شاهنشاهی) نیاز به تولید نعمات مادی را غیر ضروری می دانند. چون با فروش منابع و مواد خام اعم از نفت و گاز، دلار به دست می آورند و با این ارزها به خرید و فروش می پردازند. از این رو به زعم خودشان نه به کار و صنعت ملی نیاز دارند و البته نه به کشاورز و کشاورزی. تعجب آور نیست که می بینیم هم صنایع و هم کشاورزی در ایران درحال از بین رفتن است. در عوض به قیمت ورشکستگی صنایع ملی و بیکاری میلیونی کارگران ایرانی سیل بزرگ واردات بدون کنترل کالاهای ارزان قیمت و بی کیفیت چینی، تایلوانی، کره ای و هندی بازار کشورمان را پر کرده است. ولی بی برنامه گی و دنباله روی از سیاست کشورهای که با نیازهای اقتصادی و اجتماعی ما هماهنگی ندارند، کار را به جایی رسانده که حتی سردمداران بازار سنتی هم متوجه ابعاد نجومی این زیان همگانی به وسیله ی دلالت های وطنی شده اند. روزنامه شرق صفحه 4 قسمت اقتصاد سال نهم شماره ی 1576 روز شنبه 24 تیر ماه 91 به گزارش ایسنا رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین آقای عسگر اولادی گفتند: "امروز در شرایط سختی قرار گرفتیم که محکوم به حرکت به سمت تولید هستیم. وی با بیان این که در مهار تورم موفق نشده ایم..." آری آتش آقدر شور شده است که صدای آتش را هم در آورده است.

پارس جنوبی تیرماه 91

روزشمار کارگری ماه مرداد سال ۱۳۹۱ - ۲۰۱۲

نگرانی از وضعیت جلیل محمدی و علیرضا عسگری به دلیل شرایط بد زندان!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در اول مرداد آمده است: همانطور که در خبرهای قبلی گفته شد «جلیل محمدی» و «علیرضا عسگری» اکنون در «ندامتگاه مرکزی کرج» زندانی هستند. بر اساس سابقه‌ای که در دست است، این زندان شرایط بسیار بدی دارد و زندانیان خطرناک زیادی در آن بسر می‌برند و هرازگاهی جدال‌های خونینی در آن اتفاق می‌افتد که منجر به حوادث ناگوار می‌شود. به همین جهت کمیته‌ی هماهنگی به شدت نگران دو عضو در بندش است و ضمن اعتراض به تدام بازداشت آنان، مسئولیت مستقیم هرگونه اتفاق ناشی از نگهداری «جلیل محمدی» و «علیرضا عسگری» بین زندانیان خطرناک (قاتل، مواد مخدری و...) را متوجه نیروهای امنیتی و قضایی می‌داند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-

تجمع اعتراضی فارغ‌التحصیلان تربیت معلم مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در اول مرداد آمده است: 1 مردادفارس، تعدادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه تربیت معلم صبح امروز مقابل مجلس تجمع کردند.

برپایه این گزارش، یکی از تجمع‌کنندگان گفت: که قرار بود بعد از اتمام دوره دانشگاه ما را در آموزش و پرورش استخدام کنند ولی در حال حاضر که بیش از دو سال از فارغ‌التحصیلی ما می‌گذرد، هنوز مسئولان اقدامی در این رابطه انجام ندادند. وی با بیان اینکه تجمع کنندگان امروز از سراسر کشور مقابل مجلس آمده‌اند، افزود: از نمایندگان دوره نهم مجلس می‌خواهیم که مسئله اشتغال فارغ‌التحصیلان تربیت معلم را پیگیری کند.

تجمع مربیان پیش‌دبستانی در اعتراض به تمدید نشدن قراردادشان

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ اول مرداد آمده است: تعدادی از مربیان پیش‌دبستانی در اعتراض به بیکار شدن و تمدید نشدن قراردادشان در سال جاری در مقابل مجلس تجمع کردند.

این گزارش حاکیست، تعدادی از مربیان پیش‌دبستانی از شهرهای مختلف با تجمع در مقابل مجلس از نمایندگان خواستند تا نسبت به تعیین تکلیف تمدید قرارداد آنها در سال جاری اقدامات لازم را انجام دهند.

یکی از این مربیان گفت: بعد از اضافه شدن سال ششم به دبستان، حدود 25 هزار نفر از مربیان پیش‌دبستانی به دلیل نبود ظرفیت بیکار شدند و قراردادهای آنها در سال جاری تمدید نشد. وی افزود: به ما گفته‌اند که در بخش غیردولتی فعالیت کنیم. این در حالی است که در روستاها مردم حاضر به ثبت نام فرزندان‌شان در مدارس غیرانتفاعی و غیردولتی نیستند. این شرایط تنها باعث شده که تعداد بسیاری از معلمان بیکار شوند.

مرگ کارگر جوان نیشابوری در حین کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 1 مرداد آمده است: فرمانده انتظامی نیشابور از مرگ دلخراش یک کارگر جوان 24 ساله در یکی از روستاهای بخش سروایت این شهرستان خبر داد.

برپایه این گزارش، سرهنگ محمدحسن امیری افزود: این کارگر جوان ساعت 6 بامداد روز گذشته هنگام کار به علت رها شدن دکل جرثقیل و اصابت آن به سرش دچار جراحت شدیدی شد و در دم جان خود را از دست داد.

آیت الله مکارم شیرازی: مردم مرغ نخورند، مواد گوشتی غذای مناسبی برای انسان نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران (ایسنا) در اول مرداد آمده است: آیت‌الله مکارم شیرازی آغاز سلسله مباحث تفسیری خود در ماه مبارک رمضان که در شبستان خمینی حرم حضرت معصومه برگزار می‌شود، با ایراز خرسندی از تشکیل جلساتی میان دولت و مجلس خاطرنشان کرد: البته مردم هم در این زمینه نباید خیلی برای تأمین برخی مواد غذایی اصرار کنند. عده زیادی درباره قیمت مرغ اصرار می‌کنند؛ در حالی که اگر گوشت مرغ نخورند، خیلی مسئله مهمی نیست. بیشتر اطبا گفته‌اند: که مواد گوشتی غذای مناسبی برای انسان نیست و نباید افراط کرد؛ تنها مقدار کمی لازم است.

وی با بیان اینکه من خودم تصمیم گرفتم گوشت مرغ نخورم، تأکید کرد: من بدون اینکه در این مسئله تحریم کنم، خودم تصمیم گرفتم گوشت مرغ نخورم. مردم هم می‌توانند با جمع و جور کردن اطراف کار در مقابله با گرانی سهیم باشند؛ البته دولت هم باید برای برطرف کردن گرانی‌ها کمر همت ببندد.

کارگری دیگر جانش را از دست داد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: محمد منبری 40 ساله امروز یکشنبه اول مرداد در حین کار دچار حادثه شد و جانش را از دست داد. محمد منبری کارگر سد دولا ب در جاده کامیاران - سنندج امروز ساعت 8 صبح در حالیکه مشغول کار بود دستگاه بتون رویش واژگون شد و به بیمارستان توحید سنندج انتقال داده شد، ولی متأسفانه در بعد از ظهر امروز جان باخت.

محمدمنبری دارای زن و فرزند بود که خانواده وی در شهر ساوه زندگی میکردند. روزی نیست که خیر مرگ کارگری را در زیر فشار کار و نا امنی محیط کار شاهد نباشیم کارگری که به خاطر زنده ماندن خود و خانواده اش مجبور میشود فرسنگها جدا از خانواده کار و زندگی کند ولی این سیستم اقتصادی کوچکترین اهمیتی به جان انسانها نمی دهد و فقط سود و سود را میشناسد.

اتحادیه آزاد کارگران ضمن تسلیت به خانواده محمد منبری خود را در غم از دست دادن ایشان شریک میدانند. اتحادیه آزاد کارگران ایران

با وجود 5 هزار میلیارد تومان بدهکاری، وزارت نیرو برای عراق نیروگاه رایگان می سازد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در اول مرداد 91 آمده است: همزمان با معوق ماندن بدهی‌های چند هزار میلیارد تومانی برقی وزارت نیرو به سازندگان و پیمانکاران ایرانی، وزارت نیرو ساخت یک نیروگاه برق سیکل ترکیبی را به صورت رایگان در عراق آغاز کرد. به گزارش مهر، در حال حاضر حجم بدهی‌های وزارت نیرو به پیمانکاران و سازندگان بخش خصوصی از مرز پنج هزار میلیارد تومان گذشته است.

در این میان، به منظور تکمیل و راه اندازی طرح‌های مهر ماندگار دولت فقط در صنعت برق و نیروگاه سازی به بیش از پنج هزار میلیارد تومان منابع مالی و اعتباری نیاز است.

با این وجود اخیراً مسئولان وزارت نیرو ساخت و تکمیل نیروگاه‌های برقی، حرارتی و حتی تاسیسات برقی رایگان را در کشورهای همسایه همچون پاکستان، تاجیکستان و عراق آغاز کرده اند.

در ادامه این سیاست چند روز گذشته ساخت یک نیروگاه جدید برق سیکل ترکیبی با ظرفیت تولید 500 مگاوات برق در منطقه الحیدریه نجف آغاز شده است که هزینه ساخت این واحد نیروگاهی بیش از 400 میلیارد تومان برآورد می شود.

ساخت این نیروگاه برقی در منطقه نجف عراق در حالی توسط وزارت نیرو کلید خورده است که دولت عراق بابت واردات روزانه نزدیک به یکهزار مگاوات برق بیش از ۵۰۰ میلیون دلار بدهی به ایران دارد و هنوز برنامه زمان بندی برای تسویه این بدهی های برقی توسط وزارت برق عراق اعلام نشده است.

محمد بهزاد معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی در گفتگو با مهر درباره جزئیات آغاز عملیات اجرایی ساخت یک نیروگاه جدید برق در منطقه نجف عراق، گفت: هدف از ساخت نیروگاه سیکل ترکیبی الحیدریه نجف تولید ۵۰۰ مگاوات برق در عراق است. در همین حال عبدالحمید فرزام بهبودی با یادآوری اینکه ساخت نیروگاه برق الحیدریه نجف هدیه‌ای از طرف ملت ایران به کشور عراق است، بیان کرد: ایران یک واحد ۱۶۲ مگاواتی از این نیروگاه را به زائران و اهالی استان‌های کربلا و نجف اهدا می‌کند و ساخت این واحد گازی ۱۶۲ مگاواتی از نیروگاه الحیدریه نجف با تمام هزینه‌های جانبی آن توسط وزارت نیرو تامین می‌شود.

تشدید فشارهای نژادپرستانه علیه مهاجران افغانستانی

در چند هفته ی اخیر هم زمان با بالا گرفتن فشارهای اقتصادی و بحران بیکاری ها، تهاجم به کارگران افغان و ایجاد محدودیت برای آنان افزایش یافته است. در خبری شنیده می شود که مسوولان استان مازندران از ورود افغان ها به این استان جلوگیری کرده و در خبر دیگر کارگران اهل افغانستان که برای شهرداری مشغول به کار بودند، توسط پلیس تهران دستگیر شده اند تا اوراق آنها را بررسی شود و احیانا اگر عده ای از آنان " غیرقانونی"؟! اند، اخراج شوند.

هم زمان در برخی موارد از ورود آنان به پارک ها جلوگیری شد و در شهرهایی همانند یزد به بهانه ی تجاوز و قتل دختر ایرانی به دست یک مهاجر، کارگران و زحمتکشان این کشور جنگ زده که برای کار و گذران روزی به مردم ما پناه آورده اند، مورد تهاجم قرار گرفتند. سال هاست گروهی از مردم افغانستان با درد و رنج و زحمت در ایران کارهای شاق و طاقت فرسا را تحمل می کنند و هرچند که زندگی سخت و پر مشقتی دارند و بارها از طرف نیروهای انتظامی دستگیر و به مرز ها عودت داده شده اند اما به دلیل شرایط وحشتناک جنگ و زندگی در افغانستان بار دیگر، از طرق مختلف، برای کار و به دست آوردن لقمه نان بخور و نمیر و نجات خانواده خودشان از فقر و گرسنگی به ایران باز می گردند .

در میان آنان کارگرانی هستند که بیش از دو تا سه دهه است که در ایران زندگی می کنند، در اینجا ازدواج کرده و صاحب فرزند شده اند، اما کودکان آنان به بهانه ی نداشتن شناسنامه و اوراق هویت از تحصیل محرومند و به بهانه ی نداشتن اوراق هویت و مجوز کار مورد انواع اخاذی ها قرار می گیرند و صاحبان سرمایه نیز نیروی کار ارزان آنان را به شدید ترین وجه استثمار می کنند.

همه ی اینها درحالی که در استان هایی مانند خراسان یا سایر استان های مرزی از سرمایه داران افغان دعوت می شود همراه با شرکای ایرانی شان به استثمار نیروی کار بپردازند و مقامات محلی قول هر گونه همکاری و مساعدت را به آنان می دهند.

کانون مدافعان حقوق کارگر که بنا بر منشور خود دفاع از کارگران و زحمتکشان را در همه ی زمینه ها وظیفه ی خود می داند، خواهان حقوق برابر برای زنان، کودکان و کارگران مهاجر افغانستان در ایران است و داشتن يك زندگی شرافتمندانه، را حق مسلم آنان می داند. حق تحصیل، بهداشت، کار مسکن مناسب از حقوق اولیه تمام انسانهاست و هر گونه اجحافی به این مهاجران را محکوم می کند.

نباید فراموش شود تا زمانی که مساله جنگ و اشغال نظامی این کشور ادامه دارد، مهاجرت ناگزیر بسیاری از مردم جنگ زده افغانستان است.

کانون مدافعان حقوق کارگر

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۲

بیانیه 49

اذیت و آزار اسماعیل فتاحی را محکوم می کنیم.

امروز 1/5/1391 شنبه بعد از خوردن ناهار تمامی وسایل اسماعیل فتاحی که در زندان مرکزی تبریز زندانی است ، وقتی خودش در حیاط زندان جهت هواخوری قرار داشت توسط ماموران زندان در یک گونی بزرگی جمع اوری شده و تخت او را با دقت تمام زیر و رو کردند و سپس وسایل را با خود به دفتر زندان بردند . فعلا" به خود اسماعیل فتاحی هیچ چیزی نگفتند . از جمله وسایلی که با خود بردند عبارتند از لوازم بهداشتی شخصی ، مواد خوراکی اندکی که داشت ، لباس ها و ... همچنین دفتر های او ، کتابهایش ، خودکار و مدادهایش ، مدارکی مربوط به پرونده خودش و دفتر چه تلفنش را بردند.

هنوز هیچ توضیحی ، دستوری یا اتهامی به او نداده اند. اما 4 روز قبل او را به دفتر زندان برده بودن و یک بازجویی مقدماتی غیر رسمی از او انجام داده بودند . طی سوالاتی در بازجویی فوق به صورت غیر رسمی او را متهم به تبلیغ سوسیالیستی در بین زندانیان کرده بودند . در میان سوالات بازجویی از او توضیح می خواستند که چرا با زندانیان در رابطه با سوسیالیسم و کارگران زندانی بخصوص در رابطه با شاهرخ زمانی و محمد جراحی صحبت می کند . همچنین اسماعیل را تهدید به تشکیل پرونده جدید علیه او و اتهام دوستی با شاهرخ زمانی کرده بودند. این می تواند مقدمه ای در جهت پرونده سازی دروغینی علیه یک زندانی دیگر باشد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ضمن حمایت و دفاع از اسماعیل فتاحی اعلام می دارد هرگونه اتهام تراشی و پرونده سازی علیه اسماعیل فتاحی را به شدت محکوم می کنیم. همچنین از تمامی کارگران ، تشکل ها و فعالین کارگری ، زنان و جوانان همچنین نهاد های حمایتی و احزاب و سازمانهای انقلابی می خواهیم در جهت دفاع و حمایت از اسماعیل فتاحی و خنثی کردن نقشه پرونده سازی علیه او اقدام به اعتراضات عملی متحدانه نمایند.

باید قبل از اینکه ماموران جمهوری اسلامی در زندان مرکزی تبریز موفق به اذیت و آزار اسماعیل شوند از او با قدرت حمایت نماییم.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

بررسی گرانی غیر علنی شد

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در 2 مرداد آمده است: نمایندگان مجلس روز چهارشنبه در جلسه غیر علنی با حضور وزرای اقتصاد، صنعت و معدن و تجارت و جهاد کشاورزی موضوع گرانی را بررسی می کنند. سیدشریف حسینی عضو هیات رییس مجلس، با اعلام این خبر به ایسنا گفت: قرار است در این جلسه مشکلات اقتصادی با حضور وزرای مربوطه مورد بررسی قرار گیرد و وزرا در این رابطه به مجلس گزارش دهند. وی همچنین گفت که در صورت پایان مباحث در جلسه غیر علنی و باقی بودن زمان جلسه ادامه کار مجلس در جلسه علنی دنبال خواهد شد.

حسینی اضافه کرد که پیش از این قرار بوده وزرای اقتصادی در جلسه ای با حضور روسای کمیسیون ها و اعضای هیات رییس گزارش دهند که مقرر شده این گزارش در حضور تمامی نمایندگان مجلس ارائه شود. این عضو هیات رییس مجلس با بیان اینکه کمیته جداگانه ای در مجلس برای مبارزه با گرانی تشکیل نشده است، خاطر نشان کرد: قرار است دو نفر از نمایندگان مجلس به ترکیب کمیته مشترک دولت و مجلس که در همین ارتباط فعالیت می کنند اضافه شود.

کاغذ 50 هزار تومانی یک ماه قبل را به سختی با 75 هزار تومان می خریم

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 2 مرداد آمده است: مدیر انتشارات امیرکبیر با ابراز نگرانی از افزایش شدید بهای کاغذ در ماه های اخیر گفت: کاغذ 50 هزار تومانی یک ماه قبل را امروز به سختی با 75 هزار تومان خریداری می کنیم. احمد نثاری در گفتگو با خبرنگار مهر، با ابراز نگرانی از افزایش شدید بهای کاغذ در ماه های اخیر گفت: ظرف یک ماه گذشته قیمت برخی از انواع کاغذ تقریباً دو برابر شده و این تبعات بدی برای انتشارات امیرکبیر داشته است؛ ما ناچار شده ایم از میان 100 عنوان کتابی که تولید کرده بودیم و آماده انتشار بود، تعدادی را گلچین کنیم و تنها حدود 30 تا 50 عنوان را به دست چاپ بساریم. وی افزود: با توجه به کتاب های انتشارات امیرکبیر و کیفیتی که ما خود را ملزم به رعایت آن می دانیم، از یکی از انواع خوب کاغذ تحریر برای چاپ آنها استفاده می کنیم؛ تا یک ماه پیش هر بند از این کاغذ 50 هزار تومان بود که الان به حدود 75 هزار تومان رسیده است.

مدیر انتشارات امیرکبیر اضافه کرد: مسئله دیگری که وجود دارد، این است که بازار خرید و فروش کاغذ سامان مشخصی ندارد؛ بسیاری از فروشندگان می ترسند که کاغذشان را بفروشند چون احساس می کنند اگر امروز این کار را بکنند، فردا همان کاغذ به طور چشمگیری افزایش قیمت یافته است. نثاری ادامه داد: همانطور که گفتیم ما حدود دو هفته قبل 100 عنوان کتاب آماده چاپ کردیم و بعد از اینکه آنها را به چاپخانه فرستادیم، گفتند با این مبلغ که برای کاغذتان پرداخت کرده اید، ما می توانیم 30 تا 50 عنوان از کتاب هایتان را چاپ کنیم. در پاسخ به این سوال که «در این شرایط آیا از کاغذهای تولید داخل از جمله محصولات کارخانه چوب و کاغذ مازندران که بهای نسبتاً پایین ترین نسبت به کاغذهای وارداتی از کشورهای مثل اندونزی دارند، استفاده کرده اید؟» گفت: دو، سه مورد از این کاغذها را بررسی کردیم ولی همانطور که گفتیم ما برای کتاب هایمان کاغذ مرغوب استفاده می کنیم که مناسبانه کاغذ داخلی فاقد این ویژگی است. وی ادامه داد: مسئله گرانی کاغذ قطعاً روی بازار کتاب تأثیر می گذارد؛ همین دیروز پژوهشگری نزد من آمده بود و می گفت قیمت چاپ اول فلان کتاب شما 13 هزار تومان بوده ولی الان قیمت آن را به 27 هزار تومان رسانده اید. واقعاً من ناشر چه کار می توانم بکنم؟ در شرایطی که قیمت کاغذ به صورت لحظه ای تغییر می کند، قطعاً بهای کتاب هم افزایش خواهد یافت و این به سود ناشر نیست و به ضرر خریدار هست. مدیر انتشارات امیرکبیر گفت: ما چاره ای نداریم که قیمت کتاب را افزایش دهیم و این سطح دسترسی به کتاب را در جامعه کم می کند.

تجمع مردم نیشابور در اعتراض به گرانی

به نوشته سایت ندای سبز در 2 مرداد آمده است: تعداد زیادی از شهروندان نیشابور امروز در اعتراض به گرانی و تورم، در یکی از میدان های این شهر تجمع کرده و شعارهایی علیه دولت سر دادند. این تجمع با واکنش دادستان نیشابور مواجه شده و او مردم معترض را متهم کرده که «برای دو عدد مرغ در خیابان راه رفته اند». این تجمع اعتراضی به صورت خودجوش در مقابل یک مرغ فروشی برگزار شد و در پی افزایش جمعیت معترضان، پلیس و نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش امکان دخالت نیافتند.

پایگاه اطلاع رسانی ستاد نماز جمعه نیشابور نیز با تایید این خبر نوشت: «در پی افزایش قیمت برخی اقلام غذایی از جمله مرغ و کمبود عرضه، امروز (دوشنبه) 2 مرداد جمعی از مردم نیشابور با تجمع و راهپیمایی و تظاهرات در خیابان اصلی شهر اعتراض خود را به این نوسانات اعلام کردند.»

این پایگاه همچنین در ادامه گزارش خود شعارهای سرداده شده علیه دولت را نیز تایید کرد و مورد انتقاد قرار داد. در گزارش پایگاه ستاد نماز جمعه آمده است: با حضور تعدادی از معترضین در مسجدجامع و سر دادن شعار در حین برنامه سخنرانی، معاونین فرماندار، دادستان و فرمانده نیروی انتظامی در مسجد جامع حضور یافتند.

این پایگاه افزوده که موسوی دادستان عمومی و انقلاب ضمن سخنانی با انتقاد از سردادن شعار بر علیه مسئولان گفته است «شان نیشابوریان عزیز و بزرگوار خیلی بیشتر از این حرف هاست، من خیلی عذرخواهی می کنم برای یک یا دو عدد مرغ بیایم در خیابان ها راه برویم، شعار بدهیم، یک عده ای از گوشه و کنار سوء استفاده بکنند، حقیقتاً اگر کسی این حرف ها را بشنود باید از این مصیبت گریه بکند، ما انقلاب نکردیم برای نان و آب، ما الان تحمل زحمت نمی کنیم برای نان و آب یا احياناً اگر مشکلی ایجاد شود...»

ناتوانی کارگران در برابر خرید و اجاره مسکن این روزها به تامین خوراک مناسب نیز کشیده شده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 2 مرداد آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر تهران گفت: عدم پرداخت بن رمضان به جامعه کارگری در شرایطی که نرخ کالاهای اساسی از کنترل خارج شده است جزء وظایف هر دولتی است که تا کنون هنوز عملی نشده است.

اسماعیل حق پرستی با بیان اینکه عدم تخصیص بن، باعث اعتراض کارگران شده است به ایلنا گفت: پرداخت بن رمضان به کارگرانی که جزء اقشار آسیب پذیر جامعه بوده و اکثر آنان حتی در دریافت حقوق ماهانه نیز مشکل دارند اعتراض جامعه کارگری را در پی داشته است.

وی با اشاره به افزایش مستمر قیمت‌ها اظهار کرد: موضوع دیگر مساله حرکت شتابان قیمت‌های عمومی به گواهی آمار منتشره طی ماه‌های اخیر است. اگر موج حرکت بی‌ترمز قیمت‌ها ادامه یابد زندگی کارگران خصوصاً حداقل بگیران به طور جدی تحت تاثیر این وضعیت واقع می‌شود.

حق پرستی اضافه کرد: ناتوانی کارگران در برابر خرید و اجاره مسکن که پیش از این نمایان شده بود، این روزها به تامین خوراک مناسب نیز کشیده شده است که باید در این مورد برای شاغلان و بازنشستگان اقدام عاجلی صورت گیرد.

وی در مورد سهام عدالت یادآور شد: برگه سهام عدالت کارگران قراردادی و پیمانکاری تاکنون با وجود اینکه حتی مدیران ارشد و افرادی با درآمدهای قابل قبول از این مزیت برخوردار شده‌اند، به طور کامل عرضه نشده است.

به گفته حق پرستی دولت فقط متولی وزارت خانه‌ها ی خود نیست بلکه در برابر همه اقشار واحاد مردم وظایف و تعهداتی دارد که باید به آن‌ها عمل کند.

حداقل هزینه زندگی در تهران؛ 1216000 تومان

به نوشته سایت فرارو در 2 مرداد آمده است: حداقل هزینه ماهانه خانوارهای ساکن تهران، رقمی معادل یک میلیون و 216 هزار تومان است؛ به طوری که هزینه سالانه خانوارهای مناطق شهری تهران حداقل 14 میلیون و 600 هزار تومان برآورد شده است که 12 میلیون آن را هزینه های غیرخوراکی و مابقی را خوراکی تشکیل می دهد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری تهران، سهم هزینه تامین مسکن شامل اجاره بها یا قیمت خرید، بخش قابل توجهی از هزینه های غیرخوراکی را به خود اختصاص می دهد.

آخرین آمار از چیدمان جمعیت تهران در مناطق 22گانه که مربوط به سال 1388 می شود، نشان می دهد: دو میلیون و 373 هزار خانوار - با بعدخانوار سه نفر- در این کلانشهر ساکن هستند که مجموع جمعیت تهران را به هشت میلیون و 217 هزار نفر رسانده است.

براین اساس، منطقه 22 دارای کمترین جمعیت ساکن و منطقه 4 دارای بیشترین جمعیت ساکن است.

نتایج بررسی های شهرداری تهران همچنین درباره کیفیت زندگی و اوضاع اقتصاد مسکن در پایتخت نشان می دهد: گرایش متقاضیان مسکن به سمت واحدهای مسکونی با متراژ کمتر از 100 متر افزایش پیدا کرده است، به طوری که عمده تهرانی ها تمایل به اجاره یا خرید آپارتمان های 50 تا 70 مترمربعی با حداقل دارای دو اتاق را دارند که همین گرایش هم اکنون باعث افزایش واحدهای مسکونی با تعداد دو اتاق در سطح شهر تهران شده است.

گرایش به سمت آپارتمان های کوچک

براساس آمار منتشر شده، ساختمان های مسکونی نوساز در مناطق تهران اغلب مساحتی بین 40 تا 70 مترمربع دارند، اما متوسط زیربنای مسکونی در این کلانشهر هنوز بالاتر از 100 مترمربع گزارش شده است.

آن طور که شهرداری تهران اعلام کرده، در پایتخت، 57 درصد ساکنان مالک آپارتمان هستند و مابقی اجاره نشین یا به صورت رایگان در خانه های سازمانی سکونت می کنند.

در تحلیل شهرداری تهران درباره نحوه تصرف مسکن در پایتخت تاکید شده است: شاخص تصرف ملکی در برخی از جوامع توسعه یافته همچون آلمان و سوئیس از میزان بسیار پایینی برخوردار است و کمتر از 40 درصد کل ساکنان را تشکیل می دهد، اما در برخی دیگر از کشورها همچون انگلستان، این شاخص بالا و در حد 70 درصد است.

در کشورهایی که شاخص تصرف ملکی در آنها پایین است، بخش عمده ای از اراضی و همچنین واحدهای مسکونی شهرها در مالکیت شهرداری ها قرار دارد و در عین حال با توجه به سطح رفاه و برنامه های دولت در تامین مسکن، مردم در این کشورها انگیزه کمتری برای مالکیت مسکن دارند.

شهرداری تهران معتقد است: در کلانشهر تهران بالا بودن میزان تصرف ملکی به عنوان وضعیت مطلوب بخش مسکن تلقی می شود، زیرا از یک سو در نگاه خانوارها، مسکن به عنوان محل سکونت، سرمایه و نوعی پس انداز برای خود و فرزندان است و از سوی دیگر، برنامه های دولت در تامین مسکن و بالا بردن شاخص تصرف ملکی مسکن به عنوان یک سیاست مثبت تلقی می شود.

اعتصاب رانندگان، تولید سیمان خزر را متوقف کرد

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ 3 مرداد آمده است: که دلیل توقف تولید سیمان در کارخانه خزر، اعتصاب رانندگان این واحد تولیدی است.

کارخانه سیمان سازی خزر واقع در شهر رودبار یکی از بزرگترین کارخانه‌های سیمان سازی کشور است که بخش عمده‌ی تولیدی خود را به استان‌ها همجوار و خارج از کشور صادر می‌کند. اما از حدود ۱۰ روز پیش این کارخانه که زیر نظر فرمانداری استان گیلان فعالیت می‌کند، تولید خود را متوقف کرده است.

امروز خبرگزاری ایسنا بر اساس "برخی گزارش‌های رسیده" اعلام کرد که اعتصاب رانندگان و در نتیجه جابه‌جا نشدن سیمان تولیدی این کارخانه دلیل توقف تولید آن بوده است.

رانندگان به نرخ اعلام شده از سوی فرمانداری معترض هستند و دست از کار کشیده اند. کارخانه‌نیز که فاقد امکان نگهداری و انبار کردن سیمان برای بیش از چند روز است، به ناچار تولید خود را متوقف کرده است. با وقوع این اعتصاب، هزینه‌استارت دوباره به کارخانه تحمیل می‌شود که شامل هزینه‌های بسیار بالایی از جمله تخلیه و جای گذاری دوباره آجرهای نسوز در کوره می‌شود و حدود ۱۰ تا ۱۵ روز به طول می‌انجامد. همچنین گفته می‌شود که کارخانه برای پرداخت حقوق کارگران نیز با مشکل مواجه است. با این حال مدیرعامل کارخانه در پی انتشار خبر توقف تولید آن وعده داده که تولید از فردا دوباره از سر گرفته شود. حمید اقبالیان - مدیرعامل کارخانه سیمان خزر گفت که شنبه شب رانندگان جدیدترین نرخ اعلام شده از سوی فرمانداری را پذیرفتند و قرار است محصولات کارخانه سیمان سازی خزر را با ۱۵ درصد افزایش نرخ جابه‌جا کنند. وی ادامه داد: توقف تولید سیمان به دلیل محدودیت در نگهداری و انبار سیمان بیش از دو روز بود و توقف کامل تولیدات کارخانه از جمله کلینکر که ماده اولیه سیمان است، به علت قطع گاز کل کارخانه‌های سیمان سازی سطح کشور بود. اقبالیان تصریح کرد: شرکت گاز از چند روز گذشته گاز را قطع کرد و کارخانه‌ها مجبور به تامین گاز مازاد برای سر پا نگه داشتن چرخه تولید خود شده‌اند که این کار از سوی کارخانه‌های سیمان سازی خزر نیز صورت گرفته و از فردا کارخانه شروع به تولید می‌کند.

اعتصاب رانندگان، تولید سیمان خزر را متوقف کرد

به نوشته خبرگزاری ایسنا در تاریخ 3 مرداد آمده است: دلیل توقف تولید سیمان در کارخانه خزر، اعتصاب رانندگان این واحد تولیدی است.

کارخانه سیمان سازی خزر واقع در شهر رودبار یکی از بزرگترین کارخانه‌های سیمان سازی کشور است که بخش عمده‌ی تولیدی خود را به استان‌ها همجوار و خارج از کشور صادر می‌کند. اما از حدود ۱۰ روز پیش این کارخانه که زیر نظر فرمانداری استان گیلان فعالیت می‌کند، تولید خود را متوقف کرده است. امروز خبرگزاری ایسنا بر اساس "برخی گزارش‌های رسیده" اعلام کرد که اعتصاب رانندگان و در نتیجه جابه‌جا نشدن سیمان تولیدی این کارخانه دلیل توقف تولید آن بوده است.

رانندگان به نرخ اعلام شده از سوی فرمانداری معترض هستند و دست از کار کشیده اند. کارخانه‌نیز که فاقد امکان نگهداری و انبار کردن سیمان برای بیش از چند روز است، به ناچار تولید خود را متوقف کرده است. با وقوع این اعتصاب، هزینه‌استارت دوباره به کارخانه تحمیل می‌شود که شامل هزینه‌های بسیار بالایی از جمله تخلیه و جای گذاری دوباره آجرهای نسوز در کوره می‌شود و حدود ۱۰ تا ۱۵ روز به طول می‌انجامد. همچنین گفته می‌شود که کارخانه برای پرداخت حقوق کارگران نیز با مشکل مواجه است. با این حال مدیرعامل کارخانه در پی انتشار خبر توقف تولید آن وعده داده که تولید از فردا دوباره از سر گرفته شود. حمید اقبالیان - مدیرعامل کارخانه سیمان خزر گفت که شنبه شب رانندگان جدیدترین نرخ اعلام شده از سوی فرمانداری را پذیرفتند و قرار است محصولات کارخانه سیمان سازی خزر را با ۱۵ درصد افزایش نرخ جابه‌جا کنند. وی ادامه داد: توقف تولید سیمان به دلیل محدودیت در نگهداری و انبار سیمان بیش از دو روز بود و توقف کامل تولیدات کارخانه از جمله کلینکر که ماده اولیه سیمان است، به علت قطع گاز کل کارخانه‌های سیمان سازی سطح کشور بود. اقبالیان تصریح کرد: شرکت گاز از چند روز گذشته گاز را قطع کرد و کارخانه‌ها مجبور به تامین گاز مازاد برای سر پا نگه داشتن چرخه تولید خود شده‌اند که این کار از سوی کارخانه‌های سیمان سازی خزر نیز صورت گرفته و از فردا کارخانه شروع به تولید می‌کند.

اطلاعیه شماره 34- عمل جراحی دیسک گردن رضا شهابی انجام شد.

رضا شهابی که به علت صدمات وارده در هنگام دستگیری و انفرادی ها و بازجویی های طولانی مدت دچار دیسک گردن و کمر شده است امروز با تشخیص پزشکان راهی اتاق عمل شد تا در اولین مرحله، مهره های 4، 5 و 6 گردن‌اش تحت عمل جراحی قرار بگیرد. رضا در 2 سال گذشته به شدت از این عوارض رنج برده است زیرا بر اثر فشارهای وارده، دیسک های گردن به کانال نخاع فشار آورده و باعث تنگ شدن این کانال شده که این امر موجب درد شدید در ناحیه‌ی کتف و دست و بی حسی و اختلالات حرکتی در دست و پای چپ وی شده است که عملاً توان انجام بسیاری از کارها را از او سلب کرده است. از نظر پزشکان پس از عمل جراحی روی دیسک گردن، رضا باید در محیطی مناسب کاملاً تحت نظر تیم متخصص باشد و فیزیوتراپی های ویژه روی او انجام پذیرد. در سال گذشته نیز رضا برای انجام این عمل به اتاق جراحی برده شد اما پزشکان در نهایت به این نتیجه رسیدند که وی از لحاظ جسمی توانایی این عمل سنگین را ندارد و او را به بخش بازگرداندند. پس از آن مقامات قضایی و مسئولان زندان به جای مهیا کردن شرایطی که طی آن رضا بتواند به آمادگی لازم برای عمل دست پیدا کند، او را به زندان منتقل کردند که این امر به نوبه‌ی خود باعث وخیم تر شدن وضعیت گردن او شد.

همچنین رضا علاوه بر دیسک گردن، از دیسک کمر نیز رنج می‌برد که در صورت موفقیت عمل نخست روی دیسک گردن و استراحت کامل و موفقیت آمیز بودن این عمل ضرورت دارد تحت عمل جراحی دیسک کمر نیز قرار بگیرد که خود آن نیز نیاز به استراحت کامل تحت نظر و درمان‌های تکمیلی دارد. علاوه بر این از نظر پزشکان، رضا شهابی به علت وضعیت حاد جسمی به هیچ وجه در مراحل عمل های جراحی و چه بعد از آنها توان تحمل کیفر (حبس) را ندارد.

کمیته دفاع از رضا شهابی - 3 مردادماه ۱۳۹۱

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: 09357353412

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

لیست اعضای کمیته دفاع از رضا شهابی:

رحمان ابراهیم زاده - یوسف آب خرابات - بهنام ابراهیم زاده - لقمان ابراهیم زاده - سعید ابراهیمی - فرهاد ابراهیمی - هه ساره ابراهیمی - شجاع ابراهیمی - جلال احمدی - جمیلا احمدی - فرزاد احمدی - لطف اله احمدی - علی آزادی - ولی آزادی - علی آذریان - یوسف آذریان - ربا به آذریان - حسن آذریان - حبیب آذریان - معصومه آذریان - لیلا آذریان - توفیق اسدی - طیب اسدی - محمد اسدی - بهروز اسماعیلی - سنا اسما عیلی - امیر اسلامی - سیما احسان خواه - یداله احمد پناه - علیرضا اکبری - توفیق امین پناه - مهرداد امینوزیری - جلال امینی - عباس اندریان ی - ریحانه انصاری - صدیق امجدی - رقیه اصولی - اسماعیل باز افکن - حسین باقری - امیر باقری - امین باقری - فرهاد برنا - سینا برنا - تورج برنا - مریم بختیاری - کوروش بخشنده - هوشیار بهمنی - شادی بهرامی - گلباغ بهمنی - سمیه بهشتی زاده - کیانوش بهشتی - کیومرث بهشتی زاده - عبدالله بلواسی - ناصر پرکالیان - یاشار پورخامنه - زانیار پورعباد - برهان پیر خضرائی - جلال پیروتی - حسین پیروتی - رحمان تنها - وحید تیطاخی - یوسف جاهدی - قنبر جبار پور - سونیا جبار پور - سحر جبار پور - شبنم جبار پور - محمد چرتاب - سعید چمنی - فرهاد حاتم - شوان حبیبی - ایوب حسن زاده - مجید حسن زاده - حسین حسن آبادی - محمد حسین - مجید حمیدی - سرکو حسینی - دیمن حسینی - نیشتمان حسینی - همد حسینی - ناگو حسینی - شیرکو حسینی - علی حسینی - شاهو حسین پناهی - صباح حیدری - غالب حسینی - عبدالله حسینی - سعید حسینی - خالد حسینی - محسن حسینی - تبار - دلیر حشمتی - حسن حقیقی - ابوالفضل حکمتی - غلامعلی حکمتی - علیرضا خباز - علی خدارحمی - صدیق خسروی - گلریز خلیلی - چگوارا خورشیدی - خلیل خورشیدی - محمد علی خلیلی - سامره داشاد - شهلا دل بینا - سوسن را زانی - منیره رحینی - غلام رزمی - افروز رزمی - احمد رزمی - بهمن رزمی - فاطمه رزمی - علیرضا رزمی - فاطمه ربیعی - ربابه رضایی - فریبا رضایی - نوراله رضایی - شهناز رضا قلی - دیلان رضاقلی - برهان رضوی - فریبرز رئیس دانا - بیژن رستمی - محی الدین رجبی - سید داوود رضوی - حمید رضایی - ظهیر رضوی - حشمت الله رضایی - هاشم رستمی - آرزو روحی - فواد رنجبری - حسن رنجبری - زاهد رضوی - فراز روشن - سارا زارع - اکبر زاهدی - بیژن زاهدی - ناصر زرافشان - بهزاد زمانی - لیلا زمانی - فواد زندی - بهمن زندی - شریف ساعدپناه - سوما ساعد پناه - کیوان ساعد پناه - یعقوب سبکخیز - صدیق سبحانی - شیوا سبحانی - عباس سپهری - احمد سجادی - حسن سعیدی - هوشیار سعیدی - هاجر سعیدی - دلیر سفیدی -

علی سهرابی - نیما سهرابی - طلحه سلامی - مسعود سلیم پور - خالد ساعدی - فتاح سلیمانی - مسعود سبحانی - رحمان سلیمانی - ادیب سوره بومه - واحد سیده - دلیر سفیدی - حبیب اله سلیمانی - ژوبین شادی - پاشا شاکر - نسترن شامعلی - کیوان شریفی - شهرام شمشیری - زاهد شریعتی - علی شهابی زکریا - بهنام شهابی زکریا - حسن شهابی زکریا - پیمان شهابی زکریا - شیرین شهابی زکریا - محمد امین شهابی زکریا - زهرا شهابی زکریا - بهمن شهابی زکریا - مهدی شهابی زکریا - عسگر شهابی زکریا - قاسم شهابی زکریا - لیلا شهابی - سارا شهابی - بهرام شهابی - شهرام شهابی - مسعود شهابی - محمود شهابی - آریاشهابی - آرینا شهابی - آنیتا شهابی - محمد شهابی - سیفعلی شهابی - فرامرز شریعتی - عمر شعبانی - جلیل شریفیان - سعید شوقی - علی شوقی - عباس شوقی - میناشوقی - سمیه شوقی - شندی - بهاره صابری - نظام صادقی - منیره صادقی - م ریم صادقی - نجیبه صالحزاده - محمود صالحی - علی صالحی - مظفر صالح نیا - عبدالله صمدی - مهرداد صبوری - یدالله صمدی - مادر صمدی - دی زکریا - بختیار صمدی - حاتم صمدی - رسول صمدی - مهران صمدی - مهرداد صمدی - منوچهر صمدی - مهدی صمدی - مریم صمدی - جعفر صمدی - حمید صمدی - علی صمدی - شاهو صفیاری - فریدون ضیائی - ناهید ضیائی - سالار ضیائی - شایان ضیائی - رها ضیائی - محمد عبدی پور - مرضیه عبدی - سیوان عبدی - فرزاد عبدی - ربیوار عبدالهی - فواد عبدالهی - محمد عزیزی - علیرضا عسگری - سروش علیپور - آرام فاتحی - طاهره فاضلی - بیان فاتحی - سیروس فاتحی - کوروش فاتحی - رابعه فروردین - ابوبکر فطنی - چینی فیضی - حبیبفقد نائی - کیوان فروتن - شورش فروتن - بهزاد فرج الهی - کاظم فرج الهی - کژال فاتحی - مریم قاسملو - پیمان قادری - وفا قادری - زینب قباد پور - یداله قطبی - محمود قلینزاده - صالح قهرمانی - عبدالله کاظمی - فهیمه کاملی - سورام کریمی - سیف اله کمانگر - عطیه کمانگر - ناصر ر کمانگر - مرتضی کمساری - شاهرخ کریمی - رحمان کریمیان - چیمین کیخسروی - علی کریمی - شهناز گلزاری - شعله گودرزی - محمد گویلیان - اقبال لطیفی - شهناز لرکی - بردیا مارابی - افسانه ملا زینل - فرید مجیدی - مینا موحد - جلیل محمدی - علی محمدی - عباس محمودی - مجید محمودی - فیروز محمدزاده - شمس الدین مرادی - زاهد مرادیان - غریب مرادیان - آزاد مرادی نیا - پروین مرادی نیا - اسعد مریوانی - مسعود مریوانی - صباح ملکی - کمال ملکی - مجید ملکی - نادر ملکی - ستار ملکی - سیوان مجیدی - ایوب مجیدی - احد محمودی - جهانگیر محمود ویسی - حامد محمودی نژاد - لاله محمدی - وحید مختار پور - محمد مولانای - فریدین میرکی - محمد امین میرکی - شریفه محمدی - منیره محمدی - نوشین محمدی - هدی محمدی - مریم میرکی - بهمن محمدی - سعید مقدم - منصور محمد - کوکب محمدی - فریدین مهدی - عمر مینایی - کیوان مرادی - فرزاد مرادی نیا - خبات مرادی - مازیار مهر پور - دیاکو مردوخ - نسرین محمدی - علیرضا موثقی - منیره موحد - سیاوش موحد - نادر نادری - شاپور نادری - جهانگیر نادری - جهانپور نادری - جهانسوز نادری - فایق نامداری - کوروش نامداری - پروین نامدار ی - نقشین ناصری - فریدین نگهدار - هوشیار نجاری - نامق نیکدل - پدram نصرالهی - گوهر ناصری - افشین ندیمی پور - علی اکبر نظری - صدیق نظری - سید رضا نعمتی پور - آرمان نوری زاده - لیلانیکو خصال -

محمدعلی نیکوخصال - حسین نظیف کردار - آزاد ورمزبار - احسن وزیری - آزاد وکیلی - اشکان وکیلی - جهانبخش وکیلی - میلاد وکیلی - طه ولیزاده - عباس هاشمپور - میترا همایونی - آمانج یوسفی - قانع یوسفی - پروین یوسفی نژاد

رئیس مرکز آمار: در مورد نرخ تورم تصمیم گیری شده تا زمانی که آمار را همسان نکنیم، اعلام علنی نشود

به نوشته سایت آفتاب در 3 مرداد آمده است: رئیس مرکز آمار با بیان این که مرکز آمار مرجع رسمی تهیه و اعلام آمار است، اظهار کرد: این مرکز ماهانه آمار را اعلام می کند به جز آمار نرخ تورم.

عادل آذر در گفت و گو با ایسنا، گفت: براساس ماده 54 قانون برنامه پنجم توسعه مرجع رسمی تهیه و اعلام آمار، مرکز آمار است و ماهانه آمار را اعلام می کنیم منتهی در مورد نرخ تورم در شورای عالی آمار تصمیم گیری شده که تا زمانی که آمار را همسان نکنیم، اعلام علنی نشود.

وی با تاکید بر این که آمار محرمانه و مقامات نرخ تورم را در دست داریم، در پاسخ به این پرسش که نرخ تورم در حال حاضر چقدر است؟ اظهار بی اطلاعی کرد و خاطر نشان کرد: الان نرخ تورم رسمی همان است که بانک مرکزی اعلام کرده و فکر می کنم آخرین نرخ تورم که به صورت ماهانه اعلام می شود 21 درصد بوده است.

احتمال تعطیلی کارخانه های آب معدنی به دلیل کمبود مواد اولیه بسته بندی

به نوشته سایت روز نامه خراسان در 3 مرداد آمده است: دبیر انجمن تولیدکنندگان آبهای معدنی و آشامیدنی در نامه‌ای به وزیر صنعت خواستار رفع مشکل کمبود شدید مواد اولیه برای تولید بطری های PET شد. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از روابط عمومی انجمن تولیدکنندگان آبهای معدنی و آشامیدنی، پیمان فروهر در این نامه با اشاره به کاهش شدید مواد اولیه مورد نیاز برای تولید بطری PET آورده است: کاهش مواد اولیه، قیمت هر کیلو مواد اولیه به عنوان مهمترین ماده اولیه در صنایع آشامیدنی را به 2 هزار و 750 تومان رسانده و شرکت بازرگانی پتروشیمی نیز ناتوان از عرضه مقادیر کافی در بورس بوده و شرکتهای تولیدی در صنایع آشامیدنی کشور بحران شدید تأمین مهمترین ماده اولیه خود آن هم در پرکارترین ایام شغلی در سال را تجربه می کنند. در بخش دیگری از نامه آمده است: بحران تأمین مواد اولیه علاوه بر سایر مشکلات از جمله محدودیت در تأمین منابع مالی، رشد حداقل 30 درصدی در هزینه های تولید طی سه ماهه اول سال، افزایش شدید نرخ مواد اولیه، بحران در واردات ماشین آلات و لوازم یدکی و افزایش شدید نرخ ارز منجر به خروج واحدها از گردونه کار و تولید خواهد شد. دبیر انجمن آب های معدنی و آشامیدنی در بخش پایانی نامه خود خطاب به غضنفری نوشته است: تولیدکنندگان در سالی که به فرموده مقام معظم رهبری سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گرفت از شما و سایر مسئولان انتظار حمایت و پشتیبانی از طریق رفع موانع موجود در تولید را داشته و این در حالی است که صنعتگران کشور با تحمل شرایط دشوار و تنگناهای موجود و تداوم فعالیت، سهم خود را در مقابله با فشارهای بین المللی ادا نموده اند و اکنون لازم است با حمایت به موقع خود در جهت رفع مشکلات و تأمین مواد اولیه کارخانجات صنایع آشامیدنی از تعطیلی قریب الوقوع آنها و بیکاری جمع کثیری از شاغلین این صنعت در سطح کشور جلوگیری شود.

بیکاری کارگران کارخانجات فرآوری برنج از تبعات واردات بی رویه

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در 3 مرداد آمده است: هرساله با حجم زیادی از واردات برنج در کشور مواجه هستیم اگرچه معتقدیم واردات می تواند نیاز و کمبودهای برخی اقلام مصرفی کشور که برنج هم یکی از آنهاست را رفع کند، اما واردات نیز حساب و کتاب می خواهد و نباید اجازه داد واردات بی رویه معیشت برنجکاران و بازار محصولات استراتژیک داخلی را به خطر بیندازد. وقتی در کشوری کالا یا محصول غذایی متناسب با جمعیت یا سرانه مصرف نباشد، برای تنظیم بازار و جلوگیری از افزایشهای غیرمنطقی، از سوی مسولان متولی کشور تصمیماتی اخذ می شود که اقدام به واردات از جمله این تصمیمات است. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، منطقه خوزستان، در حال حاضر حجم زیادی از برنج های وارداتی از کشورهای هند، پاکستان و تایلند از مرزهای مختلف کشور وارد می شود؛ سوال این است که آیا این حجم واردات متناسب با نیاز کشور است؟ آیا زمان واردات این محصولات خارجی زمان مناسبی می باشد؟ بالاخره آیا فراموشی رایحه خوش برنج مرغوب ایرانی و کمرنگ شدن آن در سفره های ایرانی اهمیتی ندارد؟ هم اکنون میزان ورود رسمی و غیررسمی برنج بیش از میزان نیاز و مصرف کشور است و این معضل مشکلات متعددی را برای برنجکاران ایجاد کرده است.

سرانه مصرف برنج و اختلاف نظرها

سرانه مصرف برنج با ابهاماتی در کشور همراه است و همین موضوع موجب شده میزان واردات برنج و نیاز به برنج خارجی از نظر مسولان متفاوت باشد. از این رو برخی واردکنندگان از موقعیت و فضای این اختلاف نظرها برای واردات هرچه بیشتر این محصول سوء استفاده می کنند.

در این باره محمد سواری، رییس انجمن برنجکاران و شالیکاران خوزستان در گفت و گو با خبرنگار ایسنا، از واردات بی رویه برنج خارجی اظهار گلهمندی کرد، گفت: واردات برنج ما را بیچاره کرده است. البته این معضل کشوری است. انجمن برنج ایران، وزارت جهاد کشاورزی و مرکز تحقیقات برنج معتقدند که سرانه مصرف برنج 36 تا 37 کیلو در سال برای هر ایرانی است، اما گروه دیگری بر این باورند که سرانه مصرف 46 تا 47 کیلوگرم است. این اختلاف نظرها در خصوص میزان واردات در کشور ابهاماتی ایجاد کرده که در نهایت دود آن در چشم کشاورز می رود.

تحقیقات نشان می دهد، واردات برنج سه برابر نیاز است

وی افزود: اگرچه معتقدیم که تولید داخلی پاسخگوی نیاز برنج مصرفی کشور نیست؛ اما باید تحقیقات میدانی انجام و نیاز واقعی برای واردات برنج به کشور به صورت دقیق محاسبه شود.

سواری تصریح کرد: میزان واردات برنج به کشور در سال گذشته یک میلیون و 520 هزار تن بوده است در حالی که کسری و نیاز به واردات از نظر مجموعه وزارت جهاد کشاورزی، انجمن برنج ایران و مرکز تحقیقات برنج 500 تا 600 هزار تن اعلام شد. این آمار نشان می دهد که در کشورمان سه برابر نیاز داخلی برنج وارد شده است.

رییس انجمن برنجکاران و شالیکاران خوزستان در ادامه به معضل دیگری در بازار برنج ایران اشاره کرد و ادامه داد: برنج باید زمانی وارد کشور شود که کشاورزان در حال برداشت محصول نباشند. همزمانی ورود و عرضه برنج خارجی به بازار با فروش و برداشت محصول داخلی قطعاً به تولید داخلی لطمه جدی وارد می کند.

وی اظهار کرد: ما نمی توانیم بگوییم احتیاج به واردات نداریم و این نیاز وجود دارد، اما واردات باید حساب و کتاب داشته باشد و برای آن برنامه ریزی کرد. لازم است دیدگاهها در خصوص میزان واقعی واردات برنج یکسان سازی شود و وزارت های متولی امر همچون جهاد کشاورزی، وزارت صنعت و تجارت و بخش های خصوصی درباره واردات به ایده یا آمار واحدی برسند تا برنج به اندازه نیاز وارد شود.

سال گذشته 168 هزار تن انواع برنج شامل برنج دانیال، عنبربو، شفق، کادوس، چمپاو عنبربوی محلی در خوزستان تولید شد. بنابر اعلام انجمن برنج خوزستان به دلیل کیفیت بالای ارقام برنج استان همچون دانیال و شفق این محصولات مورد استقبال استان های همجوار مانند چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، اصفهان، ایلام و کرمانشاه قرار گرفت. جمعیت خوزستان بیش از 4.5 میلیون نفر است و اگر سرانه مصرف برنج در استان 37 کیلوگرم برای هر نفر در سال باشد، نیاز

استان حدود 168 هزار تن برنج است. به گفته رییس انجمن برنج خوزستان با این حجم تولید می‌توان نیاز استان را برطرف کرد و تولید استان متناسب با نیاز است اما به دلیل این‌که برنج استان در کارخانجات سنتی تولید می‌شود 30 یا 40 درصد آن به ضایعات و خرده برنج تبدیل می‌شود؛ بنابراین به همین مقدار ما نیاز به واردات داریم. این در حالی است که هم‌اکنون از نظر انجمن برنج خوزستان برنج وارد شده بیش از نیاز استان است.

بیکاری کارگران کارخانجات فرآوری برنج از تبعات واردات بی‌رویه رییس انجمن برنجکاران و شالیکاران خوزستان در ادامه گفت: در استان نزدیک به 200 کارخانه فرآوری برنج وجود دارد و هر کدام از این کارخانه‌ها عملاً به صورت مستقیم برای 10 کارگر اشتغالزایی می‌کنند. واردات بی‌رویه و بی‌برنامه، عملاً تمام این کارگران را بیکار خواهد کرد.

سواری افزود: برنجکاران خوزستانی آبان و مهرماه هر سال برنج خود را برداشت می‌کنند، در حالی که ورود برنج خارجی به بازار در این فصول، موجب نارضایتی کشاورزان و از دست رفتن بازار کسب و کار آن‌ها می‌شود. وی تصریح کرد: بیشتر برنج‌های وارداتی مشکل کیفیتی دارند؛ در حالی که اگر به محصول برنج داخلی و تولیدکننده توجه و برای آن‌ها برنامه‌ریزی شود، کشاورزان به سمت ارتقاء کیفیت حرکت خواهند کرد؛ در حال حاضر نیز کیفیت برنج ایرانی با برنج خارجی قابل مقایسه نیست.

دل‌نگرانی‌های برنجکاران و شالیکاران خوزستانی از آینده وضعیت کشت برنج و از دست رفتن بازار و معیشت خود و خانواده شنیدنی است. در ادامه به درد دل‌های مشترک و مشابه برنکاران خوزستانی می‌پردازیم.

بازار ما در تصرف برنج‌های خارجی یوسف مشکوری، برنجکار خوزستانی با اشاره به اشتغال قشر زیادی از کشاورزان در کشت و تولید برنج و آثار سوء واردات بی‌رویه بر این اشتغال، اظهار کرد: مردم به دلیل ارزانی برنج خارجی و پایین بودن سطح درآمدی خود به سمت خرید آن می‌روند. وی افزود: در حال حاضر برنج تایلندی با قیمت کیلویی 700 تومان توسط شرکت بازرگانی دولتی عرضه می‌شود اما قیمت تمام شده برنج داخلی کیلویی 1500 تومان است؛ با این سیاست‌ها معلوم است مردم به سمت برنج خارجی می‌روند؛ متأسفانه برخی مردم به کیفیت برنج اهمیت نمی‌دهند.

این کشاورز معتقد است کیفیت برنج عنبرو و مابقی برنج‌های خوزستانی خیلی بهتر از برنج‌های تایلندی است، در حالی که بازار به تصرف برنج‌های خارجی درآمده است. مشکوری با تأکید بر تازه بودن برنج داخلی، ادامه داد: این در حالی است که برنج‌های وارداتی مدت‌ها در انبارهای کشور مبدا نگهداری می‌شوند. این برنج‌ها قطعاً مشکل کیفیتی دارند و حتی تاریخ مصرف برخی از آن‌ها گذشته است.

وی کسادی بازار کشاورزان و بیکاری آن‌ها را از تبعات واردات بی‌رویه دانست و خاطر نشان کرد: مانند محصول روی دست کشاورز، رغبت کشت جدید را از او می‌گیرد و کم‌کم کشاورز دلسرد می‌شود. بعضی وقت‌ها تولید هر کیلو برنج پای کشاورز 1500 تومان تمام می‌شود و کشاورز مجبور است برای امرار معاش و رقابت با محصول خارجی و جلوگیری از هدررفت محصول خود، برنج را با قیمت پایین‌تری عرضه کند که این مساله به ضرر او تمام می‌شود.

همزمانی واردات با فصل برداشت کشاورزان صادق ساکی نیز دیگر برنجکار خوزستانی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا گفت: برداشت شلتوک عنبر، شفق و دانیال مهرماه هر سال صورت می‌گیرد، اما دولت نیز واردات را در مهرماه و هم‌زمان با فصل برداشت انجام می‌دهد و ما کشاورزان در این زمان ضرر می‌کنیم؛ این مساله هر ساله تکرار می‌شود و هر سال ما باید ضرر کنیم. وی ادامه داد: امسال 200 هکتار از اراضی کشاورزی خود را به کشت برنج عنبر، شفق و دانیال اختصاص دادم و این محصولات را با وجود هزار ددرسر و زحمت از جمله کمبود کود شیمیایی و اوره کشت کردم اما با شروع فصل برداشت، محصول خارجی هم‌زمان وارد بازار می‌شود. این کشاورز خوزستانی گفت: از نظر ما تمام حمایت‌ها از تولید ملی حرف و شعار است و مسولان باید به مشکلات کشاورزان رسیدگی کنند.

عدم اطلاع از کیفیت و بهداشت برنج‌های قاچاق در ادامه برای اطلاع از وضعیت استاندارد برنج به سراغ رضا دهدشتی‌زاده، مدیرکل استاندارد خوزستان رفتیم که وی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا، گفت: ادارات استاندارد و بهداشت برنج‌های وارداتی که از بنادر استان وارد می‌شود را معموله به معموله آزمایش می‌کند و تا زمانی که کیفیت آن‌ها تایید نشود اجازه ورود برای آن‌ها صادر نمی‌شود. وی بیان کرد: برنج‌های وارداتی کاملاً با استانداردهای ملی و بهداشت جهانی همخوانی دارد. ادارات بهداشت و استاندارد از نظر کیفیت و وجود امراض و بیماری‌ها، برنج وارداتی را کنترل می‌کنند.

دهدشتی‌زاده استاندارد خوزستان با تأکید بر ورود برنج‌های وارداتی از مبادی قانونی، از وجود قاچاق برنج اظهار بی‌اطلاعی کرد و افزود: اگر برنجی به صورت قاچاق وارد شود، ما از کیفیت و بهداشت آن اطلاع نداریم. زیرا محصولی که از مبادی رسمی وارد نشود، کنترلی بر آن وجود ندارد. البته من اطلاعی از وجود قاچاق برنج در استان ندارم اما قاچاق هر کالایی همه چیز را به هم می‌زند و به اقتصاد و سلامت مردم آسیب وارد می‌کند.

وی درباره تولید برنج در استان و در مقابل حجم بالای واردات، اظهار کرد: سازمان جهاد کشاورزی باید در زمینه میزان تولید و حجم واردات پاسخگو باشد و باید بررسی کند که آیا می‌توان نیاز داخلی را با تولیدات داخلی پوشش داد یا خیر. این سازمان هم از تولید و هم میزان مصرف خبر دارد و ادارات کل استاندارد بیشتر کنترل‌کننده کیفیت است.

محمد قاسمی نژاد، معاون بهبود تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی خوزستان در خصوص اظهارات مدیرکل استاندارد خوزستان به خبرنگار ایسنا گفت: هر ساله 280 هزار تن برنج در استان تولید می‌شود که این میزان بیش از نیاز استان است. وی عنوان کرد: برنج‌های وارداتی در سطح ملی و از مبادی استان وارد و در کل کشور توزیع می‌شوند و مختص خوزستان نیست. قاسمی نژاد در پاسخ به این‌که چرا با وجود تامین نیاز استان به برنج، بازارهای استان مملو از برنج وارداتی است، اظهار کرد: این موضوع مربوط به سیاست‌های کلان کشور است. اگرچه بیش از 70 تا 80 درصد نیاز کشور به برنج در داخل تولید می‌شود و نیاز به واردات برنج فقط 600 هزار تن است، با این وجود سالانه شاهد واردات چند برابری برنج نسبت به نیاز کشور هستیم.

ثبت سفارش سه هزار تن برنج هندی و پاکستانی در شش‌ماهه اخیر! یونس حسین نژادیان، معاون توسعه تجارت خارجی سازمان صنعت و تجارت خوزستان نیز به ارایه آماری از ثبت سفارش برنج‌های وارداتی اکتفا کرد و گفت: در شش‌ماهه اخیر در سه مرحله سفارش واردات حدود سه هزار تن برنج به استان ثبت شد که مربوط به واردات برنج از کشورهای هند و پاکستان بوده است. وی افزود: علاوه بر این برنج از طریق تعاونی مرزنشینان وارد می‌شود؛ این تعاونی‌ها برای اعضای خود ثبت سفارش انجام نمی‌دهند و تعاونی‌های مرزنشین از این اقدامات معاف هستند. اما باید گفت که استان خوزستان تنها مرز وارداتی کشور نیست؛ با این حال برنامه مدونی برای واردات به خصوص واردات برنج وجود دارد. در سالی که قرار است از تولید ملی حمایت شود نباید زحمات کشاورزان که بخش اعظم بار تولید ملی را به دوش می‌کشند را نادیده گرفت و مسولان متولی حداقل باید سیاست‌گذاری‌های خود را در خصوص واردات متناسب با دغدغه‌های تولیدکنندگان تدوین کنند، زیرا واردات بی‌رویه کم‌کم به کاهش تولید و بی‌انگیز شدن تولیدکنندگان می‌انجامد و در نهایت رونق بازار محصولات خارجی و بهبود وضعیت اقتصادی دیگر کشورها را به دنبال دارد. گزارش از: مونا چراغی، خبرنگار ایسنا، منطقه خوزستان

جمعیت ایران به ۷۵ میلیون نفر رسید: تهران با 12 میلیون نفر بزرگترین استان کشور

به نوشته سایت دانشجویوز در 3 مرداد آمده است: رئیس مرکز آمار ایران جمعیت کشور را بر اساس نتایج قطعی سرشماری 75 میلیون نفر اعلام کرد. به گزارش دانشجویوز به نقل از فارس، عادل آذر امروز در جمع خبرنگاران اعلام کرده است که بر اساس هفتمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در آبان سال 90 جمعیت کشور 75 میلیون و 149 هزار نفر می‌باشد. بر اساس نتایج سرشماری جمعیت کشور از 70 میلیون نفر سال 85 به 75 میلیون و 149 هزار و 669 نفر در سال 90 رسیده است که از این رقم 50.4 درصد مرد و 49.6 درصد زن و 28.5 درصد روستایی و 71.4 درصد شهری تشکیل می‌دهند.

میانگین 3.55 نفر در هر خانواده وی تاکید کرد: تعداد خانوار کشور از 17.5 میلیون خانوار در سال 85 به 21 میلیون و 185 هزار و 647 خانوار افزایش یافته است، بعد خانوار در سال 55 رقم 5.2 نفر بود که در سال 85 این رقم به 4.03 و در سال 90 به 3.55 نفر رسیده است.

تهران پرجمعیت‌ترین و ایلام کم جمعیت‌ترین استان بزرگترین استان کشور از نظر جمعیت استان تهران با 12 میلیون نفر و کوچکترین استان ایلام با 557 هزار و 599 نفر وجود دارد

28 درصد جمعیت روستایی و 72 درصد شهری وی با بیان اینکه روند شهرنشینی از سال 35 تا 90 شروع شده گفت: از سال 1359 که جمعیت کشور 50-50 در شهر و روستا وجود داشت از آن پس روند به سمت شهرنشینی افزایش یافته و در حال حاضر 28 درصد روستایی و 72 درصد شهری هستند.

بهبود شاخص امید به زندگی مردان و زنان رئیس مرکز آمار ایران در مورد شاخص امید به زندگی گفت: این شاخص در مورد مردان از 71.1 سال به 72.1 سال ظرف 5 سال گذشته و در مورد زنان از 73.1 سال به 74.6 سال افزایش یافته یعنی امید به زندگی در بانوان کشور 2.5 سال بیشتر شده است.

مسن ترین جمعیت در گیلان و جوانترین در سیستان آذر مسن‌ترین جمعیت استانی کشور را در گیلان و جوان‌ترین را در سیستان و بلوچستان اعلام کرد و گفت: آمارها نشان می‌دهد موج دوم افزایش جمعیت بعد از موج جمعیتی دهه 65 تا حدی با کنترل جمعیت گرفته شده و نسبت جمعیت جوان طبق تعریف جهانی جمعیت 15 تا 24 ساله گفته می‌شود اما براساس تعریف بومی سازمان ملی جوانان 15 تا 29 سال جمعیت جوان گفته می‌شود. وی تعداد کل خانوار کشور را 21 میلیون و 185 هزار و 647 خانوار و بعد خانوار را 3.55 نفر در کشور اعلام کرد که از این رقم بعد خانوار شهری 3.48 نفر و بعد خانوار روستایی 3.74 نفر بوده است که استان سیستان و بلوچستان بیشترین بعد خانوار 4.2 نفر و جوانترین جمعیت کشور را دارد.

افزایش 7.1 درصدی خانواده‌های تک نفره وی تاکید کرد: خانواده‌های تک نفره در سال 85 حدود 5.2 درصد تشکیل می‌دادند که این رقم در سال 90 به 7.1 درصد افزایش یافته است.

93.2 درصد ایرانی‌ها باسوادند؛ زنان 60 درصد و روردهای دانشگاه‌ها رئیس مرکز آمار ایران در مورد درصد باسوادی گفت: 93.2 درصد ایرانی‌ها باسواد هستند که تعداد تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی و حوزوی از 310 هزار نفر در سال 55 به 5 میلیون و 400 هزار نفر در سال 90 رسیده که درصد تحصیلات عالی در مردان 18.2 درصد و در زنان 18.4 درصد رسیده که این رقم در ورودی دانشگاه‌ها نیز نشان داده می‌شود به گونه‌ای که 60 درصد ورودی دانشگاه‌ها در کشور زن هستند.

وی گفت: بالاترین درصد تحصیل در رشته‌های حقوق، بازرگانی و علوم اجتماعی با سهم 28.6 درصد و پس از آن رشته مهندسی با 28 درصد بوده است.

ثبت 11 میلیون و 221 هزار کاربر اینترنتی در کشور آذر افزود: ضریب نفوذ اینترنت در کل کشور براساس معیار اینکه فرد حداقل یک بار شخصا از اینترنتی استفاده کرده باشد بین جمعیت 15 تا 24 سال 30 درصد بوده و در کل کشور 11 میلیون و 221 هزار کاربر اینترنت ثبت شده‌اند.

1.6 میلیون خانه خالی در کشور، 312 هزار تا در تهران وی تاکید کرد: تعداد واحدهای مسکونی خالی کشور یک میلیون و 663 هزار و 412 واحد بوده که از این رقم 312 هزار واحد در تهران بوده است.

وی تاکید کرد: 99.5 درصد جمعیت دارای برق، 96.5 درصد آب لوله‌کشی، 95 درصد دارای حمام و 80 درصد از نعمت گاز برخوردار هستند.

ورشکستگی ۱۰۰ چاپخانه در یک سال / افزایش قیمت کاغذ تا بالاتر از ۲۰۰ درصد

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 3 مرداد آمده است: در حالی که یک مدیر سابق ارشاد از ورشکستگی نزدیک به ۱۰۰ چاپخانه در یک سال اخیر خبر می‌دهد، برخی ناشران از وضعیت بحرانی بازار نشر به خاطر افزایش قیمت کاغذ تا بالای ۲۰۰ درصد و حتی تا ۲۵۰ درصد خبر می‌دهند.

گزارش دیروز کلمه درباره افت شدید تیراژ کتاب و مطبوعات و بروز علانم بحران در اقتصاد نشر را در اینجا بخوانید:

گرانی بی‌سابقه کاغذ، راه نفس ناشران و روزنامه‌داران را بسته

بروز بحران در صنعت چاپ و ورشکستگی نزدیک به ۱۰۰ چاپخانه در مدت یک سال، این صنعت را با چالش بزرگی برای ادامه حیات مواجه کرده است. قسمتی از امور چاپخانه‌ها به وزارت صنایع و بخشی دیگر از آن به وزارت ارشاد مربوط است. مشخص نیست که در وضعیت فعلی، کدام یک از این دو نهاد مسئول هستند.

جلال نکایی که مدیر گروه بازرگانی ترنج، مدیرکل اسبق دفتر امور چاپ وزارت ارشاد و کارشناس چاپ است، در این باره با انتقاد از عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزارت ارشاد، به اینها گفت: مشکلات اقتصادی صنعت چاپ دارای دو وجه است، یکی از این بخش‌ها، مشکلاتی است که پیش روی همه صنایع وجود دارد و مختص این صنعت نیست و برای حل آن باید برنامه‌های کلان اجرا کرد. اما بخشی که منحصر به صنعت چاپ است، تا حد زیادی خود ساخته‌است. با وجود تمام این مشکلات، شاهد این هستیم که اوضاع اقتصادی و مشکلات این صنعت روز به روز بیشتر از قبل می‌شود.

وی هشدار داد: امروز شاهد آن هستیم که بسیاری از سفارش دهندگان، تمایل به سپردن کار به چاپخانه‌های خارجی مثل چاپخانه‌های کشور ترکیه دارند. اما در این بخش، باید به حرف‌های سفارش دهندگان هم توجه کرد. درست است که وقتی امکان انجام کاری در داخل کشور وجود دارد نباید آن را به خارج از کشور سپرد، اما کیفیت کاری پائین و سرعت نامطلوب در تحویل سفارش‌ها، بسیاری را برای این کار به کشورهای خارجی متمایل کرده است.

ذکایی؛ حفظ شرایط فعلی را مهمترین کاری دانست که در این وضعیت می‌توان انجام داد و افزود: باید کاری کرد که اوضاع از این بدتر نشود. مهمترین وظیفه وزارت ارشاد در شرایط فعلی، تثبیت قیمت کاغذ در بازار است. وقتی قیمت کاغذ افزایش می‌یابد، تولید هم کم می‌شود و چاپخانه‌ها به مشکل برمی‌خورند. وقتی قیمت هر بند کاغذ ۷۰ گرمی ظرف چند ماه از ۲۸ هزار تومان به ۶۰ هزار تومان رسیده، تمام صنایع مرتبط با آن هم تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

این کارشناس نشر افزود: متأسفانه کارها و اقدامات وزارت ارشاد برای صنعت نشر، تا امروز دردی را از این صنعت دوا نکرده و وضعیت چاپخانه‌ها واقعاً بحرانی است. البته همیشه فصل تابستان، فصل رکود چاپخانه‌ها بوده و بدترین زمان کاری آن‌ها به حساب می‌آید، اما مشکلات فعلی بسیار گسترده‌تر از آن است که با اتمام این فصل حل شوند. زمان به نفع صنعت چاپ حرکت نمی‌کند و اگر دست روی دست بگذاریم، مسلماً قیمت کاغذ به ۱۰۰ هزار تومان و بیشتر هم می‌رسد.

وی در نهایت از رئیس اتحادیه نقل کرد که ظرف سال گذشته، ۹۶ چاپخانه در تهران ورشکست شده‌اند و این درحالی است که اتحادیه کلاً بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ عضو دارد. او تعامل اتحادیه با وزارت ارشاد را هم مورد انتقاد قرار داد و گفت: این تعامل به ورشکستگی نزدیک به ۱۰۰ چاپخانه در یک سال منجر شده است. این حرف‌ها بیشتر در حد ادعاست و با اتفاقاتی که می‌افتد در تناقض است. این چه تعاملی است که به ورشکستگی و بحران ختم شده است.

محمدتقی انصاریان، مدیر انتشارات انصاریان هم در همین باره با مهر گفت و گو کرد. وی با اشاره به اینکه بسیاری از ناشران نتوانستند کتاب‌هایی که در دست چاپ داشته‌اند را چاپ کنند و بسیاری از ناشران کتاب‌های دینی و اسلامی هم نمی‌توانند در این شرایط به وظایف دینی و فرهنگی خود عمل کنند، گفت: اگر چاپخانه‌ها در گذشته و قبل از بالا رفتن قیمت کاغذ دو شیفت در یک روز کار می‌کردند، الان فعالیتشان به یک شیفت رسیده است.

وی از افت ۵۰ درصدی فعالیت‌های این انتشارات خبر داد و در زمینه آسیب‌های اجتماعی افزایش قیمت کاغذ و کاهش نشر کتاب گفت: بسیاری از کارگران بیکار شده‌اند، کتابفروشی‌ها از رونق افتاده‌اند، با ادامه این وضع قطعاً شاهد آسیب‌های فرهنگی خواهیم بود.

به گزارش کلمه، خبرنگار خبرگزاری مهر که به سراغ ناشران قمی رفته، حتی آنها را هم معترض به وضعیت موجود یافته و از قول

آنها نوشت: «شش ماه است که تکلیف خود را نمی‌دانیم»، «بسیاری از محصولات جدیدمان وارد بازار نشده است»، «تیراژ خود را از ۱۰۰۰ نسخه به ۱۰۰ نسخه کاهش داده‌ایم»، «نمی‌توانیم برای آینده برنامه ریزی داشته باشیم» و این‌ها تنها گوشه‌هایی از ناگفته‌های اصحاب نشر کشور است، مجموعه‌ای که شش ماه است از تغییر قیمت کاغذ بیمار و رنجور شده، اما کسی درمانی کارساز برای آن در نظر ندارد.

صمد گودرزی مدیر انتشارات پیام علمدار با بیان اینکه با افزایش قیمت کاغذ، میزان چاپ محصولات این انتشارات کاهش پیدا کرده است، اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش چاپ محصولات این انتشارات این بوده است که چون قیمت‌ها بالا رفته است و کتاب‌ها هم طبیعتاً گران‌تر می‌شود،

مدیر انتشارات صبح پیروزی هم تحریم‌ها را از دلایل اصلی افزایش قیمت کاغذ و ایجاد معضل در بازار چاپ می‌داند. اما مدیر انتشارات جمال در این باره گفت: به نظر من تحریم اصلاً دلیل موجهی نیست، چرا که ما همیشه تحریم داشته‌ایم و در آینده هم با آن مواجه خواهیم بود، نرخ ارز هم زیر ۱۰۰۰ صد در صد افزایش داشته اما افزایش نرخ کاغذ تا بالای ۲۰۰ درصد و حتی تا ۲۵۰ درصد هم بوده است، به نظر من بی‌تدبیری مسئولان فرهنگی و اجرایی دلیل اصلی تغییر نرخ کاغذ است. وی تأکید کرد: اگر به قیمت کاغذ مانند بسیاری از موضوعات دیگر توجه می‌شد، شاید تا به امروز نتیجه مناسبی داشت.

سعید مهری مسئول اداری - مالی موسسه انتشاراتی معارف اسلامی ضمن بیان کاهش ۳۰ درصدی حجم کتاب‌های چاپی این موسسه، اظهار داشت: بسیاری از چاپخانه‌داران از بیکاری کارگران و کاهش شیفتهای کاری خبر داده‌اند.

سید صادق اشکوری مدیر انتشارات مجمع ذخائر اهل بیت (ع) ضمن بیان اینکه این انتشارات در طول ۶ ماه گذشته تیراژ کتاب‌های خود را از ۱۰۰۰ عدد برای هر کتاب به ۱۰۰ تا ۲۰۰ رسانده است، گفت: قیمت کاغذ ممکن است در طول یک سال بارها تغییر کند اما مسئولیت مدیران است که این موضوع را کنترل کنند تا بازار دچار بحران نشود،

علیرضا سبحانی مدیر انتشارات جمال هم گفت: بسیاری ناشران از چاپ آثاری که باید در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شد، جلوگیری کرده‌اند و ما نیز جز انتشارات‌هایی بودیم که بسیاری از آثار خود را در نمایشگاه تهران عرضه نکردند

سه کارگر در چاه فاضلاب صنعتی بندرعباس کشته شدند

به نوشته سایت مردمک در ۳ مرداد آمده است: سه کارگر که برای شستشو و باز کردن لوله‌های فاضلاب وارد چاه فاضلاب صنعتی شرکت پخش فرآورده‌های شیلاتی بندرعباس شده بودند بر اثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند.

به گزارش خبرگزاری کار ایران ایلنا حادثه ساعت ۱۳ روز دوشنبه، دوم مردادماه، زمانی شکل گرفت که اول یکی از کارگران برای لایروبی وارد چاه شد. او به محض ورود به چاه به دلیل گازگرفتگی از همکاریش کمک خواست.

به دنبال این درخواست سه کارگر دیگر برای کمک به او وارد چاه شدند که در کنار کارگر نفر اول جان خود را از دست دادند.

در این بین یکی از کارگران که برای کمک وارد چاه شده بود از سوی نیروهای امداد نجات پیدا کرد. این کارگر نجات یافته به خبرگزاری ایلنا گفت: هم کارگر اول و هم سه کارگر دیگری که برای کمک اقدام کردیم بدون استفاده از ماسک ضد گاز وارد چاه فاضلاب صنعتی شدیم.

محمد سلیمانی که در حال حاضر در بیمارستان «شهید محمدی بندرعباس» تحت درمان است، درباره چگونگی وقوع حادثه گفت که حجم زیادی از گاز در چاه جمع شده بود و کارگران هم که بدون استفاده از وسایل ایمنی وارد چاه شده بودند دچار خفگی شدند.

این کارگر نجات یافته از حادثه در ادامه به انتقاد از مسئولان تیم کارگری پرداخت که با وجود «آگاهی از وجود گاز زیاد» اجازه ورود کارگران به این چاه صنعتی را صادر کردند.

آقای سلیمانی گفت که به دلیل گازگرفتگی متوجه تاخیر یا اقدام زود هنگام نیروهای امداد نشده است اما در عین حال تصور می‌کند که اگر نیروهای امداد سریع‌تر در محل حاضر می‌شدند شاید می‌توانستند مانع مرگ سه همکارش شوند.

به گفته او، هنوز مسئولان شرکت شیلات بندرعباس برای پیگیری وضعیت یا تقبل هزینه‌های درمانی در بیمارستان حاضر نشده‌اند. مسئول اورژانس بیمارستان شهید محمدی بندرعباس هم دلیل مرگ کریم رودستانی، ابراهیم سلیمانی و موسی هچاره را گازگرفتگی اعلام کرد و گفت که آنها در محل حادثه و در دم جان سپرده بودند.

این در حادثه در شهرک صنعتی شماره ۲ بندرعباس و در یک کارخانه پخش فرآورده‌های شیلاتی بندرعباس روی داده است. یک آتش نشان هم که در محل حادثه حضور پیدا کرده به خبرگزاری ایلنا توضیح داد که کارگران در چاهی جان خود را از دست دادند که حدود هفت متر ارتفاع دارد.

۱۴ خرداد هم گاز چاه فاضلاب در شهرک صنعتی نصیرشهر شهرستان رباط کریم باعث مرگ پنج کارگر شد. به گزارش ایسنا کارگران که برای رفع گرفتگی چاه فاضلاب به شهرک صنعتی نصیرشهر شهرستان رباط کریم رفته بودند دچار گازگرفتگی شده و جان خود را از دست دادند.

کارگران از جمله اصلی‌ترین قربانیان حوادث کار هستند و بر اساس گزارش مهرماه ۹۰ سازمان پزشکی قانونی به طور میانگین روزانه چهار نفر در حوادث کار جان خود را از دست می‌دهند.

بر اساس آمارهای شش ماه اول سال ۹۰ پزشکی قانونی هم ۷۷۸ کارگر ایرانی بر اثر حوادث حین کار جان خود را از دست داده‌اند. منتقدان عدم آموزش صحیح و بی‌توجهی به حقوق کارگران و نیز ناامن بودن محیط‌های کاری را از جمله دلایل افزایش آمار حوادث حین کار در ایران می‌دانند.

ایران از جمله کشورهایی است که محیط‌های کاری در این کشور از کمترین استانداردهای ایمنی برخوردار است و همواره خطر مرگ و مصدومیت و ابتلاء به انواع بیماری‌ها و از کارافتادگی کارگران را تهدید می‌کند.

آمار حوادث در میان کارگران ساختمانی به دلیل سقوط از بلندی، برق گرفتگی، گاز گرفتگی، سقوط در چاه، زیرآوار رفتن، و غیره بسیار بیشتر از هر بخش دیگری است.

۷۰ کارگر کارخانه کامکار سیرجان بیکار شدند

به نوشته سایت سحام نیوز در 3 مرداد آمده است: رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کرمان اعلام کرد: ۷۰ کارگر قراردادی کارخانه پیچ مهره سازی کامکار سیرجان پس از خاتمه مدت قراردانشان بیکار شدند. علی اکبر رواقی با اعلام این خبر به ایلنا گفته است: کارخانه پیچ مهره سازی کامکار سیرجان به جهت کاهش سفارش دهندگان محصولاتش، ۷۰ کارگر قراردادی خود را بعد از اتمام قراردادی‌شان تمدید قرارداد نکرده است. او با اشاره به اینکه بیشترین سفارشات تولید پیچ مهره به این واحد از سوی کارخانه‌های بزرگ خودرو سازی صورت می‌گرفته است، اظهار کرد: به تبع کاهش یک سومی تولید محصولات کارخانه‌های بزرگ خودرو سازی، سفارشات کار این واحد قطعه‌ساز (تولید کننده پیچ و مهره) نیز به حداقل رسیده است. این مقام کارگری افزود: این واحد تولیدی با ۲۰ کارگر رسمی و ۱۸۰ کارگر قراردادی به جهت کاهش سفارشات پیچ مهره ناچار شده است تعداد ۷۰ کارگر قراردادی خود را با سوابق ۲ تا ۱۷ سال از تاریخ یکم تیر ماه سال جاری تمدید قرار داد نکند. او با ابراز نگرانی از عدم امنیت شغلی کارگران قراردادی اظهار داشت: به جهت افزایش مشکلات این کارخانه سایر کارگران قراردادی نیز تهدید به عدم تمدید قرارداد و اخراج شده‌اند. این مقام کارگری معتقد است فقدان امنیت شغلی و بیکاری کارگران تبعات غیر قابل جبرانی برای جامعه در پی خواهد داشت. رواقی در خاتمه گفت: اخراج کارگران در ماه مبارک رمضان بدون در نظر گرفتن وضعیت معیشت خانواده‌های آنان غیر قابل قبول و نگران کننده است.

اطلاعیه اتحاد بین المللی در رابطه با حکم سه سال حبس تعزیری علیه پدram نصراللهی: جمهوری اسلامی ایران را از این عمل خود پشیمان کنیم!

بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، روز دوشنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۹۱ داسرای عمومی و انقلاب شهرستان سنندج، پدram نصراللهی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی، را به سه سال حبس تعزیری محکوم کرد. داسرای سنندج، بهنام نصراللهی را به اتهام فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی از طریق همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون به یک سال حبس، و به دلیل عضویت در کمیته هماهنگی به دو سال حبس تعزیری محکوم نمود. این فعال کارگری تنها به علت حمایت از حقوق کارگران و عضویت در "کمیته هماهنگی" که یک نهاد کارگری مستقل و علنی است به سه سال حبس محکوم شده است. صدور حکم زندان به جرم دفاع از ابتدایی ترین حقوق انسانی و کارگری نتیجه ای جز انزجار بیشتر از جمهوری اسلامی ایران نزد افکار عمومی داخلی و بین المللی ندارد. پدram نصراللهی را به جرم دفاع از حقوق کارگران به بند می کشند، با میلیونها کارگر جان به لب رسیده و کارد به استخوان رسیده چه خواهند کرد؟ موج اخراج ها و بیکارسازی ها سراسر ایران را فرا گرفته است. هزاران شرکت و مرکز تولیدی فقط در ماههای اخیر ورشکست و بسته شده اند. حقوق میلیونها کارگر به موقع پرداخت نمی شود. دستمزد کارگران حتی کفاف یک زندگی بخور و نمیر را هم نمی دهد. قیمت یک کیلو مرغ ۹۰۰۰ تومان شده است. گرانی بیداد میکند. کار قراردادی و موقت امان چند میلیون انسان را تحت نظام و قوانین سرمایه داری اسلامی بریده است. پدram نصراللهی را به بند می کشند با مردم معترض نیشابور چکار می کنند؟ با نیشابورهای فردا چکار می کنند؟ با میلیونها کارگر متشکل و معترض چه خواهند کرد؟ صدور حکم زندان به جرم عضویت در کمیته ای که برای کمک به تشکل یابی کارگران در مقابل شرایط به غایت غیرانسانی ای که بر کار و زندگی کارگران حاکم است ایجاد شده است اوج توحش و خشونت جمهوری اسلامی علیه کارگران ایران می باشد. با تمام قوا باید به این حکم اعتراض کرد. اتحاد بین المللی ضمن محکومیت حکم زندان پدram نصراللهی از تمامی انسانها و تشکل های کارگری و آزادیخواه و برابری طلب میخواید که با تمام امکانات خویش علیه این حکم اعتراض کنند. اتحاد بین المللی به سهم خود می کوشد جمهوری اسلامی را از این عمل گستاخانه و ضد کارگری پشیمان کند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۲۴ جولای ۲۰۱۲

ادامه بحران گرانی مرغ

به نوشته سایت مردمک در 4 مرداد آمده است: وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران گفته است که دولت واردات مرغ را افزایش می‌دهد تا مشکل بحران مرغ در کشور حل شود. مهدی غضنفری در گفت‌وگو با خبرگزاری مجلس ایران افزوده است که با توجه به مشکلاتی که در خصوص مرغ در کشور پیش آمده، میزان توزیع مرغ افزایش می‌یابد. آقای غضنفری تأکید کرده که برای کنترل قیمت مرغ «بازرسی‌های کف بازار و تعزیرات» انجام می‌شود و یارانه‌هایی به تولیدکنندگان داده می‌شود. به گفته این وزیر مسئول عدم تناسب در تولید و عرضه مرغ باعث ایجاد مشکل در سیستم توزیع شده و برای رفع این مشکل تولید و واردات مرغ افزایش خواهد یافت. این وزیر دولت دهم در شرایطی از افزایش واردات مرغ خبر داده که گزارش‌هایی از افزایش قیمت بی‌سابقه مرغ و اعتراض به نسبت به کمبود آن در شهر نیشابور منتشر شده است. عدم تحویل نهاده کنجاله سویا به اتحادیه مرغداران و بالا بودن قیمت این نهاده، از جمله توضیحاتی است که برخی از مسئولان از جمله رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی پرورش دهندگان مرغ درباره دلایل افزایش قیمت مرغ اعلام کرده‌اند. بخش زیادی از نهادهای دامی ایران از خارج از کشور وارد می‌شود و این در شرایطی است که ایران به خاطر تحریم‌ها با مشکل پرداخت پول روبه‌رو است. هم‌زمان با اعلام افزایش واردات مرغ، سازمان توسعه تجارت با صدور بخشنامه‌ای جدید، ثبت سفارش انواع گوشت قرمز، مرغ و دام

زنده را آزاد اعلام کرده است. در پی افزایش چشمگیر قیمت مرغ، دولت اقدام به توزیع مرغ با قیمت دولتی کرده اما به نوشته روزنامه کیهان این عمل باعث ایجاد صف‌های طولانی در مراکز عرضه مرغ شده است. قیمت مرغ در دو ماه گذشته در ایران دوبرابر و در مقایسه با سال گذشته سه برابر شده است. هفته سوم تیرماه قیمت مرغ کیلویی هشت هزار تومان اعلام شد.

بازتاب بحران مرغ
گرانی چشمگیر قیمت مرغ در ایران و صف‌های طولانی برای دریافت مرغ به قیمت دولتی یکی از سوژه‌های خبری مطبوعات غربی در چند روز گذشته بوده که از آن با عنوان «بحران مرغ در ایران» نام برده‌اند. موضوع مرغ به یک موضوع حساسیت‌برانگیز در ایران تبدیل شده تا جایی که اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی انتظامی این کشور در سخنانی بی‌سابقه از «پخش تصاویر خوردن مرغ در تلویزیون» انتقاد کرده و آن را عامل احساس فاصله طبقاتی و افزایش جرم برشمرده بود.

مقام‌های مسئول ایران دلیل گرانی مرغ را تقاضای بیش از حد اعلام کرده‌اند اما برخی از صاحبان صنایع در این کشور افزایش تحریم‌های غرب علیه ایران را عامل گرانی مرغ دانسته‌اند که واردات خوراک مرغ را مشکل کرده است. تحریم‌های غرب علیه ایران منجر به سقوط پول رایج این کشور شده که این امر به نوبه خود باعث افزایش قیمت اقلام خوراکی اساسی در ایران شده است.

یک شهروند تهرانی به نام فریبا به خبرنگار شبکه خبری «فرانس ۲۴» گفته است که به‌خاطر ساعات کاری زیاد نتوانسته به مراکز توزیع مرغ دولتی برود اما همسایه‌های او از کیفیت پایین مرغ در این مراکز خبر داده‌اند. این شهروند افزوده که فروردین سال جاری مرغ کیلویی چهار هزار تومان می‌خریده اما در این روزها مجبور به پرداخت ۸۵۰۰ تومان بابت یک کیلو مرغ شده است. شیرین، روزنامه‌نگار در تهران، به این شبکه خبری گفته است: در کارخانه‌ها، اداره‌ها و دانشگاه‌ها نه تنها از مرغ خبری نیست بلکه قیمت خوراک افزایش یافته است.

به گفته این شهروند تهرانی قیمت خوراک رایانه‌ای در دانشگاه‌ها در مقایسه با سال گذشته، دوبرابر شده است. این روزنامه‌نگار گفته است: مشکل تنها به خوراک محدود نمی‌شود بلکه اخباری از جهش قیمت دارو، گاز و برق در آینده نزدیک می‌شنویم که باعث نگرانی مردم شده است. او تأکید کرده است که در کنار این گرانی‌ها «سرکوب زنان به خاطر رعایت نکردن حجاب در گرمای تابستان هم تشدید شده و تعجبی ندارد که اعتراض مردم بیشتر و بیشتر می‌شود. زندگی غیرقابل تحمل شده و با توجه به انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، اوضاع در حال انفجار است»

کارگران لوله سازی اهواز ۲۰ ماه حقوق نگرفته‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۴ مرداد آمده است: دبیر خانه کارگر خوزستان درباره تعطیلی واحدهای بزرگ تولیدی در این استان هشدار داد. آقایار حسینی با اشاره به اینکه کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان بیش از دو سال است بلا تکلیف‌اند، به ایلنا گفت: کارخانه لوله سازی در دو سال گذشته هیچ تولیدی نداشته و از پرداخت بیش از ۲۰ ماه حقوق کارگران خود ناتوان بوده است و این کارگران همچنان بلا تکلیف هستند. حسینی در ادامه به کارخانه قند اهواز اشاره کرد و گفت: بیش از ۱۴۰ کارگر کارخانه قند اهواز بیش از یکسال است که حقوقی دریافت نکرده‌اند.

این فعال کارگری همچنین درباره مشکلات کارگران زیر مجموعه شهرداری‌های استان خوزستان و کارگران قطار شهری اهواز اظهار داشت: حقوق این کارگران معمولاً با تاخیر ۳ الی ۴ ماهه پرداخت می‌شود. به گفته حسینی بسیاری از این واحدها به دلیل بی‌توجهی مسئولان تعطیل شده‌اند و با وجود اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی هنوز هیچ اقدامی از سوی دولت در این خصوص انجام نشده است.

ده میلیون کارگر ایرانی در بحران معیشتی

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در ۴ مرداد آمده است: بنا به گزارش‌ها، حدود ده میلیون کارگر در ایران زندگی می‌کنند، که حقوق اغلب آنها زیر خط فقر است. بر اساس گزارش کارشناسان، با تفسیر خودسرانه و غیر کارشناسی اصل ۴۴ قانون اساسی بدون در نظر گرفتن اصل ۴۳ و در نتیجه اختصاصی سازی کارخانجات دولتی و ملی و سپس در این اواخر آزادسازی یارانه‌ها، زمینه‌ای فراهم شد که بی‌اعتنایی به معیشت جامعه کارگری، روز به روز به امری بدیهی‌تر از قبل در میان مسئولین دولتی تبدیل شود. به گزارش کلمه، با گرانی روز افزون مواد غذایی به خصوص از ابتدای امسال، هر روزه فعالان جامعه کارگری به این بی‌مبادلاتی دولت در امر معاش کارگران و اقشار تهی دست جامعه اعتراض می‌کنند، اما ظاهراً گوش شنوایی برای شنیدن این اعتراض‌ها و حل آنها در میان مسئولین حکومتی نیست.

در ادامه همین اعتراضات، دیروز فرامرز توفیقی، عضو کمیته مزد شورایی کار، از ناتوانی دولت در خلاء به وجود آمده میان افزایش سالانه دستمزد کارگران و افزایش چندباره قیمت‌ها در طول سال انتقاد کرد. توفیقی در این زمینه به ایلنا گفت: در چند سال اخیر صحبت‌های زیادی در مورد نحوه تعیین دستمزد کارگران و پر کردن خلاء ایجاد شده میان افزایش چندباره تورم در طول سال انجام شده است، اما به دلیل عدم رعایت اصل ۳ جانبه گرایی، کارگران همیشه در این مساله متضرر شدند. متأسفانه وزارت کار تنها ادعای

رعایت اصل ۳ جانبه گرایی را دارد و تمام وعده‌های دولتی در این زمینه، در حد شعار باقی مانده است، از این رو حمایت از کارگر و جبران افزایش هزینه سبد کالای خانوار کارگری، اجرایی نشده است.

حداقل دستمزد کارگران همه ساله در اواخر اسفند برای سال آینده تعیین می‌شود و شرایط اقتصادی و تورم سالی که پیش روی کارگران است در تعیین حداقل دستمزدها نقشی ندارد. ماشالله زهنایی، دبیر اجرایی خانه کارگر کاشان، با اعتراض به اینکه افزایش حداقلی دستمزد کارگران هر سال بر اساس نرخ تورم سال قبل محاسبه می‌شود، به اینها گفت: با توجه به اینکه نرخ تورم بصورت پله‌ای افزایش می‌یابد در شرایط موجود برای تعیین نرخ دستمزد بجای افزایش سالانه، باید هر شش ماه یکبار حقوق کارگران بر اساس نرخ جدید تورم افزایش یابد. متغیر تورم ابتدای سال در مقایسه با تورم پایان سال بسیار زیاد است و بر همین اساس باید دستمزد و سایر مزایای قانونی کارگران نیز به تناسب افزایش یابد. با افزایش روزانه قیمت‌ها پایه دستمزد کارگران تنها کفاف ۱۰ روز هزینه‌های زندگی‌شان را می‌دهد و آنان با مشقت مایحتاج سایر روزهای باقی مانده را تأمین می‌کنند.

نرخ سبد هزینه خانواده کارگری هم اکنون بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است در حالی که حداقل دستمزد کارگران برای امسال ۳۸۹ هزار تومانی تعیین شده است. این عدم توازن موجب می‌شود که جامعه کارگری و خانواده‌های شان بیشترین فشار روحی و اقتصادی را از شرایط اسفبار جامعه تحمل کنند.

سالهاست که رابطه بین دستمزد و معاش در اقتصاد ایران قطع شده است و متأسفانه در اقتصاد تورم زده شاهد افزایش شدید شکاف بین شاخص دستمزد و شاخص بهای کالاهای مصرفی هستیم. دولت در سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ به طور متوسط سالانه حداقل دستمزد را حدود ۳۲ هزار تومان افزایش داده است. این میزان افزایش دستمزد به رغم آنکه بالاترین رشد حداقل دستمزد طی دو دهه گذشته محسوب می‌شود ولی در عمل می‌بینیم که کفاف معیشت خانواده‌های کارگری را نمی‌دهد، که دلیل اصلی آن را باید در تورم شدید قیمت کالاهای مصرفی پیدا کرد.

مقایسه حداقل دستمزد ۱۰۶ هزار تومانی در سال ۱۳۸۳ با حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار تومان سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد، در این دوره شاهد سه برابر شدن حداقل دستمزد و افزایش ۲۲۴ هزار تومانی آن بوده‌ایم ولی اگر بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ نرخ دستمزد واقعی را بعد از کسر تورم سالانه محاسبه کنیم، واقعیت شکل دیگری به خود می‌گیرد.

در سال ۱۳۸۳ قیمت هر کیلوگرم گوشت مرغ بین ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ تومان و قیمت گوشت گوسفندی در همان سال بین ۴۲۰۰ تا ۴۵۰۰ تومان اعلام شده است و این ارقام در سال ۱۳۹۱ برای هر کیلو گوشت مرغ به صورت میانگین نزدیک به ۸ هزار تومان و برای هر کیلو گوشت به صورت میانگین حدود ۲۰ هزار تومان اعلام شده است که به هیچوجه تناسبی با میزان افزایش دستمزدها در سال ۹۱ ندارد.

قانون کار نحوه تعیین دستمزد کارگران را مشخص کرده است. متن ماده ۴۱ قانون کار به شرح ذیل است:

ماده ۴۱ - شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

۱، حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.

۲، حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین نماید.

اما نه تنها اعلام حداقل دستمزدها ارتباطی با تورم واقعی در کشور ندارد بلکه دولت با افزایش نمایندگان خود در شورای عالی کار و به دست آوردن حق رای بیشتری از نمایندگان کارفرمایان و کارگران، در عمل سه جانبه گرایی را نقض کرده است. در خلأ تشکل‌های مستقل کارگری و با اعمال نظر دولت در این حوزه، فعالان کارگری ای که به عنوان نمایندگان جامعه کارگری کشور در شورا عالی کار عضو دارند، نمی‌توانند در مقابل این نابرابری‌ها اقدامی انجام دهند.

نبود توازن بین دستمزدها با تورم موجود در جامعه تنها یکی از مشکلات جامعه کارگری است. آنچه که ظلم مضاعف در حق کارگران قلمداد می‌شود، سقف مالیاتی کارگران است که بیشتر از کارمندان دولتی است. و علاوه بر آن، حمایت‌های غیر نقدی دولتی است که فقط متوجه کارمندان دولت است و کارگران از دریافت این حمایت‌های غیر نقدی محروم هستند. اختصاص کمک‌های غیر نقدی کارمندان دولت در ابتدای ماه رمضان و محروم ماندن کارگران از آن، یکی از این آخرین نمونه‌های نابرابری اجتماعی علنی در جامعه است که به شکل رسمی از جانب دولت اعمال می‌شود.

فرارمز توفیقی در این زمینه گفت: دولت باید با یکسان سازی سقف معافیت مالیاتی کارمندان و کارگران و تحویل بن‌های حمایتی و مشکلات ناشی از جهش تورمی در طول سال را جبران کند و با تعریف سبدهای حمایتی زمینه جلوگیری از تضعیف خانواده‌های کارگری را فراهم کند.

بن کارگری به عنوان بخشی از مزد در قانون کار برای ارتقاء سطح زندگی جامعه کارگری در نظر گرفته شده بود. پرداخت بن کارگری از حالت نقدی به غیر نقدی هم در راستای بالا بردن کیفیت و کمیت سفره کارگران صورت گرفته بود. اما واقعیت‌های جاری در حوزه کار متأسفانه این اهداف را تأمین نمی‌کند.

اصغر برشان، دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان، ضمن اشاره به فاصله‌های عمیقی که میان دستمزد کارگران و تورم واقعی وجود دارد، در همین زمینه به اینها گفت: با وجود افزایش مکرر نرخ تورم، بعضی از مزایای تکلیفی همانند کمک هزینه خوار و بار و مسکن سالهاست عدد ثابتی دارد و افزایش نیافته است. افزایش بن کارگری به عنوان بخشی از مزد با هدف ارتقاء کمیت و کیفیت سفره کارگران پیش‌بینی شده است، پرداخت بن کارگران از نقدی به غیر نقدی با وجود افزایش رقم ریالی آن در مقایسه با پرداخت غیر نقدی یک چهارم هم افزایش نیافته و متناسب با کالاهای موجود در بازار نیست.

بحران معیشتی جامعه کارگری به حدی است که فعالان کارگری نسبت به خطراتی که سلامت جسمی خانواده‌های کارگری را تهدید می‌کند، هشدار دادند. هادی رضا زاده، دبیر اجرایی خانه کارگر گلستان به اینها گفت: افزایش روزانه قیمت‌ها و تورم لگام گسیخته سلامت جسمی خانواده‌های کارگری را تهدید می‌کند. ناتوانی کارگران در تأمین برخی مواد مورد نیاز بدن باعث خروج این مواد از سبد هزینه خانوار کارگری شده است. نگرانی‌های موجود درباره وضعیت کارگران، صرفاً به شرایط نابرابر کاری، فقدان امنیت شغلی، وضعیت بحرانی بنگاههای صنعتی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه با افزایش میزان تورم، نگرانی زیادی نیز در مورد

وضعیت سلامتی کارگران و خانواده آن‌ها به وجود آمده است. این فعال کارگری از ناتوانی جامعه کارگری در تامین ابتدای ترین نیازهای ضروری روزانه خبر داد و گفت: دستمزدها و دریافتی کارگران در برابر امواج پی‌درپی گرانی و تورم که بعضاً تا ۴۰ درصد هم می‌رسد بسیار ناچیز است. هم اکنون اکثر کارگران نه تنها قادر به تامین نیازهای اولیه مانند درمان و دارو و بهداشت خود نیستند، بلکه از تامین ضروری‌ترین مواد خوراکی از جمله نان نیز ناتوان شده‌اند.

عبدالله مختاری عضو کانون شوراهای اسلامی کار تهران هم امروز به ایلنا گفت: میزان تورم واقعی در سبد هزینه خانوار کارگری اعمال نمی‌شود و تا زمانی که دولت و کارفرمایان توانایی تامین ۵۰ درصد از هزینه سبد خانوار کارگری را نداشته باشند، خلاء ناشی از افزایش تورم در کشور و افزایش پایین دستمزد کارگران پر نمی‌شود. وی با تاکید بر اینکه به علت نبود زیرساختهای مناسب و علمی برای حمایت از کارگران و پر کردن خلاءهای اقتصادی این قشر، نمی‌توان انتظار حمایتی همه جانبه و پایدار از وضعیت اقتصادی کارگران را داشت؛ یکی از راهکارهای حمایت از جامعه کارگری را، تقویت تشکلهای کارگری و به رسمیت شناختن موقعیت این تشکلهای عنوان کرد و افزود: زمانی که قانون گریزی توسط دستگاههای اجرایی عادی می‌شود، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که واقعیت‌ها پذیرفته شود. وی تصریح کرد: میزان تورم واقعی در سبد هزینه خانوار کارگری اعمال نمی‌شود و تا زمانی که دولت و کارفرمایان توانایی تامین ۵۰ درصد از هزینه سبد خانوار کارگری را نداشته باشند، خلاء ناشی از افزایش تورم در کشور و افزایش پایین دستمزد کارگران پر نمی‌شود.

محرومیت ۲۰ درصدی ۵ استان از شبکه آب

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در ۴ مرداد آمده است: ۲۰ تا ۳۵ درصد جمعیت ۵ استان گیلان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان هنوز امکان دسترسی به شبکه آبرسانی عمومی را نیافته‌اند. بررسی جدیدترین آمار ۵ ساله کشور در زمینه وضعیت آبرسانی به شهرها و روستاهای کشور نشان می‌دهد که ۴۱۲ هزار نفر نیز نیازهای آبی خود را از طریق تانکرهای ثابت و سیار تامین می‌کنند که معادل ۱,۹ درصد جمعیت کشور هستند. در این بخش ۴۳۴ هزار نفر معادل ۲,۱ درصد کشور از طریق دسترسی به آب بسته بندی شده در قالب بطری و گالن آب مورد نیاز خود را تامین می‌کنند.

به گزارش مهر بخشی نیز معادل ۱ درصد جمعیت به تعداد ۲۱۸ هزار نفر از طریق رودخانه‌ها، برکه‌ها، جویبارها، آب باران و مواردی از این دست منابع آبی مورد نیاز خود را تامین می‌کنند. در حال حاضر در استان‌هایی مانند گیلان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان بین ۶۵ تا ۸۰ درصد شبکه آبرسانی عمومی ایجاد شده است و می‌توان گفت این ۵ استان در بخش دسترسی به شبکه عمومی آب در پایین‌ترین رده کشوری قرار دارند. به صورت کلی از ۳۱ استان کشور در ۲۶ استان بین ۸۵ تا ۹۸ درصد دسترسی به شبکه آبرسانی عمومی ایجاد شده است. با اینکه استان اصفهان به لحاظ کمبود منابع آبی و احتمال جیره بندی در تابستان امسال یکی از استان‌های دارای مشکل عنوان شده است، اما شبکه آبرسانی عمومی در آن همدیف البرز و قزوین در رده‌های اول تا سوم کشور قرار دارد.

اجتماعات اعتراضی کارگران اخراجی صنایع تبدیلی الوند

کارگران صنایع تبدیلی الوند همدان، در اعتراض به دریافت نکردن حقوق و از کار بیکار شدن خود سه روزی در پی تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش ۵ مرداد همدان پرس، کارگران صنایع تبدیلی الوند بعد از تجمع روز اول مقابل استانداری روز دوشنبه ۲ مرداد، روز دوم سه شنبه ۳ مرداد در مقابل فرمانداری شهرستان بهار تجمع کرده‌اند و فرماندار بهار به آنها قول حمایت، بررسی موضوع و اعلام نتیجه داده است. این کارگران معترض روز گذشته، چهارشنبه ۴ مرداد سومین تجمع را دوباره در مقابل استانداری همدان تشکیل دادند و به گفته نماینده آنها، مسئولان استانداری اعلام کردند که موضوع و شکایت آنها را بررسی و پیگیری خواهند کرد و در جلسه‌ای با نماینده کارگران نتیجه را اعلام خواهند کرد.

حال اینکه آیا این تجمعات و گردهمایی‌های اعتراض‌آمیز و دادخواهی از مقام ارشد استان که در شرایط فعلی و با نبود استاندار در همدان با سرپرستی یکی از معاونان استانداری، اداره می‌شود نتیجه دارد یا نه؟ خود جای سؤال، بحث و بررسی دارد. دیروز دوم مردادماه ۹۱، همزمان با دومین روز از ماه پرفضیلت رمضان بخشی دیگر از قسه و تراژدی تجمع کارگران از کار بیکار شده و خجل از روی خانواده‌هایشان در مقابل کاخ سبز استانداری همدان رقم خورد.

به گزارش ۳ مرداد روزنامه پیام همدان در رابطه با تجمع روز دوشنبه ۲ مرداد این کارگران مقابل استانداری همدان، یکی از کارگران می‌گوید: بیش از ۱۰ سال سابقه کار در کارخانه صنایع تبدیلی الوند دارم و نیروی رسمی هستم، اما از ۲۰/۳/۸۹ تا به امروز حقوق نگرفته‌ام و از کار هم بیکار شده‌ام.

وی که به عنوان نمایندگان کارگران از کار بیکار شده سخن می‌گفت، افزود: در طول این مدت به استانداری، اداره کار و نهادها و دستگاه‌های مختلف مراجعه و شکایت کرده‌ایم اما هیچکس پاسخگو نیست.

وی با بیان اینکه بیش از ۵۰ پرسنل رسمی صنایع تبدیلی الوند به دلیل سوء مدیریت این واحد از کار بیکار شده‌اند، تصریح کرد: با مراجعه به مراجع قضایی و شکایت از مدیر کارخانه پیگیر حقوقمان شده‌ایم و حکم جلب مدیر را هم داریم اما تا به امروز نتیجه‌ای نگرفتیم.

وی با گلایه از بی‌توجهی مسئولان استان ادامه داد: چرا باید بی‌قانونی و بی‌عدالتی در جامعه آنقدر عادی شود که به خاطر یک نفر بیش از ۵۰ خانواده آواره شوند. یکی دیگر از کارگران از کار بیکار شده صنایع تبدیلی همدان با بیان اینکه ۱۷ سال سابقه کار در این واحد تولیدی دارد و نیروی رسمی آنها بوده است، گفت: از زمانی که مدیریت کارخانه از بخش دولتی به بخش خصوصی واگذار شد مشکلات و بدبختی‌های ما هم شروع شد.

وي با اشاره به اینکه در حال حاضر، خط تولید صنایع تبدیلی الوند همدان متوقف شده و تعطیل است، اضافه کرد: چرا مسئولان به فکر نیستند، مگر می‌شود 26 ماه حقوق نداشت و تاب آورد. چقدر پول قرض کنیم. دیگر کسی هم به ما پول قرض نمی‌دهد. اگر به فکر ما نیستید به زن و فرزندان ما رحم کنید.

وي ادامه داد: امروز آمده‌ایم تا با تجمع مقابل استانداری، حقوق ضایع شده‌مان را پس بگیریم. بالاخره کسی باید پاسخگو باشد. آنقدر این تجمعات را ادامه می‌دهیم تا بالاخره به حق و حقوقمان برسیم.

این گزارش حاکیست، کارگران معترض تلاش کردند تا با مدیریت استانداری همدان دیداری داشته و مشکل خود را بازگو کنند؛ اما نه به آنها اجازه ورود به استانداری داده شد و نه مسئولی از استانداری برای شنیدن حرف آنها از استانداری خارج شد. لازم به ذکر است که کارخانه صنایع تبدیلی الوند همدان از جمله 31 پروژه مهر ماندگار در استان است.

بنا به گزارش همین منبع، محمدمهدی فرشچی موحد، رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان در پاسخ به این سوال که آیا از تجمع کارگران بی‌کار شده این کارخانه مطلع هستید؟ گفت: اطلاعی از این تجمع ندارم؛ اما هم اکنون طرح صنایع تبدیلی الوند در دست بررسی است تا در صورت امکان برای راه اندازی مجدد و تکمیل این کارخانه اعتبارات لازم تخصیص یابد.

35 درصد جمعیت ایران تحت پوشش هیچ بیمه ای نیستند

به نوشته سایت خراسان در تاریخ 5 مرداد آمده است: 35 درصد جمعیت کشور تحت پوشش هیچ بیمه ای نیستند. به گزارش ایسنا، محمدرضا تابش نماینده مردم اردکان در مجلس با بیان این مطلب در دیدار مدیرکل جدید کمیته امداد امام خمینی (ره) استان یزد با اشاره به اصل 29 قانون اساسی کشور که برخورداری از تامین اجتماعی را حق همگانی می‌داند و دولت را مکلف می‌کند از محل درآمدهای عمومی و مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی لازم را از بازنشستگان، بیکاران، بی سرپرستان و... معمول دارد، گفت: برای دستیابی به حق تامین اجتماعی، قانون نظام جامع تامین اجتماعی که هدف آن استقرار نظام فراگیر تامین اجتماعی بود به تصویب رسید و وزارت رفاه تشکیل شد. متأسفانه به دلیل نبود اندیشه تئوریک و مطالعه علمی، این وزارت خانه که مسئولیت مهمی را عهده دار بود، حذف شد و وظایف آن به وزارت خانه دیگری که خود حاصل ادغام دو وزارتخانه کار و تعاون بود، سپرده شد. نماینده مردم اردکان ادامه داد: حدود 35 درصد جمعیت کشور تحت پوشش هیچ بیمه ای نیستند و سالانه جمعیت زیادی به دلیل مشکلات اقتصادی و هزینه های کمرشکن درمان به جمعیت زیر فقر کشور اضافه می‌شوند.

گزارشی از تضییع حقوق کارگران در آذربایجان جنوبی

جمله مسایل و مشکلاتی که امروزه در جامعه با آن مواجه هستیم حقوق کارگران است و اینکه آیا حداقل مصوبه های قانونی در این زمینه اجرایی میشوند یا نه؟! با توجه به نقض حقوق کارگران در جامعه ایران به بررسی مسائل و مشکلات آنها می‌پردازیم.

حقوق کارگران

بر حسب قانون، حقوق و مزایای یک کارگر ساده:

حداقل مزد: 110100 ریال

حداقل حقوق (30 روزه): 330300 ریال

کمک هزینه اقامت مصرفی خانوار (بن کارگری) ماهیانه: 280000 ریال

کمک هزینه مسکن (ماهیانه): 100000 ریال

کمک هزینه عائله مندی (حق اولاد) ماهیانه برای یک فرزند: 330300 ریال و برای دو فرزند: 660600 ریال

است. ولی شرکتهای خصوصی که به استخدام نیروهای کارگر طبق قانون پراخته اند کماکان این قوانین را رعایت نمیکنند. یعنی در واقع قوانینی خصوصی و خودمختار را مطرح و وضع و مورد استفاده قرار میدهند.

نارضایتی کارگران:

تضییع حق کارگران و نادیده گرفتن حقوق مقرر آنها توسط کارفرمایان نخستین بار نیست که اتفاق می‌افتد، سالهاست گزارشهایی مبنی بر تکرار نقض حقوق کارگران می‌خوانیم ولی کجاست مسئول یا مسئولینی که رسیدگی به چنین اموراتی را جزئی از مسئولیت خویش بدانند؟! کارگرانی که دچار حادثه های وحشتناکی چون قطع عضو، اختلال بینایی همیشگی، بیماری های نا علاج و یا دست کم سخت علاج ربوی و دهها مورد دیگر و عدم رسیدگی هیچ نهاد و سازمانی به این امور و نیز عدم دسترسی کارگران به هیچ مرجعی برای دادخواهی، تنها بخشی کوچکی از مشکلات و زجرهای زندگی کارگری است.

در زیر به دو مورد برای درک دقیق تر موضوع اشاره می‌کنم:

شرکت شهدآب

زمینه ی فعالیت: تولید آمیوه و کنسانتره

میزان سرمایه گذاری: 8/70 میلیارد ریال

محل فعالیت: استان آذربایجان غربی - اورمیه

این واحد تولیدی یکی از قدیمی ترین واحدهای تولید در استان آذربایجان غربی ست که به علت سوء مدیریت ها، دچار معضلات و بحرانهای مالی شدیدی شده تا اینکه در نهایت منجر به واگذاری شرکت به شخص دیگر، به قیمت 70 میلیارد ریال گردید. اما مدیریت جدید نیز مانند سیستم مدیریتی سابق عمل نموده و دردی از دردهای 300 کارگری که از 6 ماه حقوق تعویقی خود در دوره ی پیش فقط 1 ماه را توانسته اند دریافت کنند، مداوا نکرد.

چنانچه هم اکنون که نزدیک یک سال از جابجایی مدیریتی این کارخانه ی استخوان دار میگذرد، صادقانه ترین خدمت و اصولی ترین کار مدیریتی ممکن اخراج نیمی از کارگرانی بود که در صدد مطالبه ی 5 ماه حقوق معوقه ی خویش از دوران مدیر پیشین و 8 ماه حقوق معوقه ی در دوران مدیریت فعلی، بر آمده بودند. علت اصلی ترک کار نکردن کارگران و ادامه ی حضورشان در کار - علیرغم شرایط مالی

نایسامان یاد شده- نگرانی برای نیافتن شغل جدید در صورت ترک کار و همچنین امیدواری ای بود که نسبت به دریافت مطالبات خود داشتند. در پی شکایات صورت پذیرفته علیه مدیریت توسط کارگران اخراجی در نزد اداره کار و امور اجتماعی، مدیریت، با اشاره به عدم توانایی مالی اش برای پرداخت بدهی هایش، خواستار معامله با کارگران شد! :

... و معامله اینگونه انجام شد که کارگران برای بدست آوردن نیمی از مطالبات خود، نیم دیگر را بخشیدند!

شرکت دستکش حریر ایران

زمینه ی فعالیت : بزرگترین تولیدکننده و صادر کننده انواع دستکش های جراحی، صنعتی ، معاینه

میزان سرمایه گذاری : بیش از 270 میلیارد ریال

محل فعالیت : استانهای آذربایجان غربی ، آذربایجان شرقی ، زنجان

شرکت دستکش حریر ایران ، یکی از مدرنترین و بزرگترین تولیدی ها در ایران است که سه فاز از تولیدی خود را در سه شهر اورمیه ، تبریز ، زنجان مستقر نموده است. از آنجاییکه تمامی 1200 نفر (در مجموع سه شهر) پرسنل این کارخانه کارگران زن هستند، مدیریت این شرکت برای تامین نیروی انسانی خود تصمیم به تاسیس کارخانه ی خود در شهرهایی چون اورمیه ، تبریز و زنجان که از بیشترین نیروی متقاضی کار برخوردارند ، گرفته است.

واحد تولیدی این شرکت در شهر اورمیه ، وسعتی معادل یک سوم شهرک صنعتی کلان شهر اورمیه را از آن خود کرده است. پرسنل شاغل در این واحد 400 نفراند (380 نفر زنان شاغل در واحدهای تولیدی و 20 نفر مرد شاغل در قسمتهای فنی و نگهداری و ترابری) بنا به اظهارات مسئولین این شرکت، نسل جدید دستکش های پزشکی 'معاینه و جراحی' مطابق با آخرین استانداردهای جهانی در این واحد تولید و عرضه می شود و در حال حاضر شرکت دستکش حریر ایران نیازهای 502 مرکز درمانی، 4300 پزشک و 315 پاراکلینیک و جراحی های محدود در کشور را تامین میکند.

کارگران چه می گویند

در اینجا گزارشی که از یکی از پرسنل این شرکت مبنی بر نارضایتی کارگران تهیه شده از نظرتان خواهد گذشت.

خانم ک. ق. لیسانس حقوق قضایی دانشگاه آزاد اسلامی ، کارگر واحد بسته بندی عنوان کرده است:

" زمانی که برای ثبت نام به این شرکت رفتم، برگه های مختلفی جلو روم گذاشتن. از جمله اسنادی مربوط به حقوق که نشون میداد بر حسب قانون قراره پرداخت شه ؛ برگه هایی که قرار بود به اداره کار و امور اجتماعی ارسال میشد. در میان برگه ها ، تعهد نامه ی دیگه ای هم بود که متقاضی میبایست فقط اسم خودش رو می نوشت، امضا می کرد و با اثر انگشتش تاییدش میکرد. متن تعهد نامه حکایت از مطالبه ی تمامی حقوق و مطالبات توسط کارگر رو داشت. به این معنا که کارگر پیش از ورودش به کار هرگونه حق شکایت برای مطالبه ی حقوق خودش رو از خودش سلب می کرد.

من که کمی از امور حقوقی و قانون کار آگاهی داشتم ، به عنوان اعتراض ، سوالی در مورد این تعهد نامه پرسیدم که پاسخ مسئول امور اداری شرکت ، مجبور بودن کارگر به تعهد و امضای برگه بود و در غیر اینصورت از پذیرش کارگر جلوگیری میشد من نیز از سر ناچاری و با توجه به نیروی کار فراوان و بیکار این شهر برای از دست ندادن فرصت، قبول کردم که برگه رو امضا کنم.

شرکت دستکش حریر، بطور 24 ساعته در سه شیفت کاری 8 ساعته چرخشی مشغول تولید. شیفتها در ساعات 5 بامداد، 13 و 21 شروع بکار می کنند. کارگران شیفت صبح این تولیدی برای حضور به موقع در محل کار مجبورند ساعت 4 نصف شب از خواب بیدار شوند و به سوی ایستگاه سرویس شرکت حرکت کنند و دست کم باید 10-15 دقیقه تا رسیدن به ایستگاه در تاریکی و خلوتی شب پیاده روی کنند، پس از تعطیلی کار و با توجه به مسافت 30 کیلومتری شرکت تا شهر و ترافیک سنگین آن ساعتها از روز، امکان رسیدن به خانه زودتر از ساعت 30/14 نیست. در عمل کارگران این تولیدی ، در طول یکروز 4-5 ساعت بیشتر فرصت ، برای در کنار خانواده بودن ندارند." وی در ادامه توضیح داد: " رنج تمامی این مشکلات زمانی بیشتر حس میشود که موضوع عدم وجود هر گونه تعطیلی در طول یک ماه مطرح میشود. طبق دستورالعمل کاری در این واحد تولیدی ، چرخه ی تولید نبایست حتی برای 1 ساعت هم متوقف شود، چرا که در اینصورت شرکت متحمل ضرر ناشی از سرد شدن دستگاههای تولید میشود. زیرا دوباره گرم کردن دیگ ها و خط قالب سازی هزینه ی گزافی به میزان 2 میلیون تومن را به تولید کننده تحمیل میکند. از طرف دیگه بازار بشدت پر رونق این تولیدی و میزان بالای تقاضای محصولات باعث شده که این شرکت از جانب توقف تولید و عقب ماندن از کورس عرضه نیز غرق در زیانی 5/1 میلیون تومانی به ازای هر ساعت میشه.

ضمن اینکه دستمزد یک روز کارگران هم مبلغی معادل 6 میلیون تومانه . القصه ، یک روز تعطیلی این تولیدی یعنی ، 44 میلیون تومن خسارت ! "

خانم ک. ق. در پاسخ به این سوال که آیا کارکرد روزهای تعطیل رسمی، اضافه کار محاسبه میشود یا نه؟ گفت:

" نه تنها کارکرد روزهای تعطیل ، اضافه کار محسوب نمیشه که در صورت یک روز مرخصی و عدم حضور در محیط کار به هر علت موجه و غیر موجهی باعث کسر 20 هزار تومن از حقوق در آخر ماه میشه. به این معنی که دستمزد یک روز کاری 11300 تومن اما جریبه ی یک روز مرخصی 20 هزار تومن! "

سوال " آیا در صدد شکایت به اداره کار و امور اجتماعی برآمده اید یا خیر؟" اینگونه پاسخ داده شد :

" خیر، چون با در نظر گرفتن توضیحاتی که در مورد شرایط کاری در این استان و شهر اورمیه دادم، در طول فعالیت در این شرکت عملا امکان چنین چیزی نیست. کسانی هم که پس از جدایی از شرکت اقدام به شکایت و استرداد حقوقشون میکنن ، با برانث شرکت با استناد به تعهد نامه ی کذایی ای که روز اول از کارگران می گیرند، مواجه میشوند. در واقع شرکت ادعا میکند که دستمزد اضافه کار و سختی کار و کار در روز غیرکاری رو جدا پرداخت کرده که تونسته برگه ی تعهد کارگر مبنی بر عدم وجود هرگونه بدهی شرکت به وی را بگیره." خانم ک. ق. در خصوص دیگر معضلات کاری و تضییع حقوق کارگران اضافه کرد:

" از عمده ترین مشکلات کارگران این تولیدی ، دسترسی نداشتن به امکانات لازم در مورد ایمنی است، چنانچه بارها همه شاهد حضور آمبولانس برای انتقال همکاری که در خط تولید بخشی از بدنش دچار سوختگی شدید ناشی از حرارت کنترل نشده ی لاتکس و همپتور

تماسهای مستقیم با انواع اسید شده بود، به بیمارستان شده اند. یا بیماریهایی که بانوان بخصوص شاغلین در واحد بسته بندی، در طولانی مدت و در اثر جابجایی لوازم سنگین، مثلاً گونی های پک شده ی 40 کیلویی، دچارش میشن رو می شه اسم برد. بطوری که کارشناس های مختلف (اغلب سوئیسی و هلندی) که چندین بار برای ارزیابی کارخانه برای اعطای گواهینامه های ISO آمده بودند، مکرراً به موضوع مناسب نبودن این کار برای زنان تاکید کرده بودند اما ارزان بودن، طغیانگر نبودن و همینطور سر تعظیم فرود آوردن کارگران زن در مقابل دستورهای کارفرما به علت نیازهای مالی، مدیریت را به مقصود میرساند.

خانم ک.ق. در خصوص سایر مواردی که می توان به عنوان تضییع حقوق کارگران زن یاد برد گفت: "به موقع پرداخت نشدن ماهیانه ها سر برج و تاخیر در پرداخت حقوق، عدم تعادل در دریافتی های پرسنل که گاهی اوقات دیده میشه برخی از پرسنل واحد اداری که حجم کاریشان نصف کمتر از کارگران است دستمزدهای 3-4 برابر بیشتر دریافت میکنند! در حالی که بنا بر آمار ارائه شده توسط خود شرکت، بیش از 80% پرسنل واحدهای تولیدی تحصیل کرده ی دانشگاهی اند اما اغلب پرسنل اداری که از منسوبان نیز هستن تحصیلاتی بیش از دیپلم یا کاردانی ندارند!"

با توجه به اوضاع اخیر اقتصادی ایران از جمله:

تورم، گرانی، قیمت بی ثبات ارز و طلا، وضعیت یارانه های با دورنمایی کدر و هزینه ی گزاف تامین انرژی و حمل و نقل در کارخانجات، به نظر میرسد چرخه ی کار کارخانجات قدری سخت تر بچرخد که باز زحمت آن بدوش قشر کارگر است که قدری بیشتر باید زور بزنند تا نان خود را از لابلای چرخ دنده ها بیرون بکشند!

منبع: اورمو ایشچیلری- پنجشنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۲

احتمال تعطیلی واحدهای بزرگ تولیدی در خوزستان

به نوشته سایت آفتاب در 5 مرداد آمده است: دبیر خانه کارگر خوزستان درباره تعطیلی واحدهای بزرگ تولیدی در این استان هشدار داد.

آقایار حسینی با اشاره به اینکه کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان بیش از دو سال است بلاتکلیف اند، گفت: این در حالیست که لوله سازی خوزستان در گذشته از شرکت های نمونه بخش دولتی محسوب می شد و از زمان واگذاری به بخش خصوصی وضعیت نابسامانی یافت.

این فعال کارگری اضافه کرد: کارخانه لوله سازی در دو سال گذشته هیچ تولیدی نداشته و از پرداخت بیش از ۲۰ ماه حقوق کارگران خود ناتوان بوده است و این کارگران همچنان بلاتکلیف هستند.

حسینی در ادامه به کارخانه قند اهواز اشاره کرد و گفت: بیش از ۱۴۰ کارگر کارخانه قند اهواز بیش از یکسال است که حقوقی دریافت نکرده اند.

این فعال کارگری همچنین درباره مشکلات کارگران زیر مجموعه شهرداری های استان خوزستان و کارگران قطار شهری اهواز اظهار داشت: حقوق این کارگران معمولاً با تاخیر ۳ الی ۴ ماهه پرداخت می شود.

به گفته حسینی بسیاری از این واحدها به دلیل بی توجهی مسئولان تعطیل شده اند و با وجود اطلاع رسانی از طریق رسانه های جمعی هنوز هیچ اقدامی از سوی دولت در این خصوص انجام نشده است.

دبیر خانه کارگر خوزستان توجه خاص نمایندگان مردم در مجلس و مسئولان را به مشکلات کارگران استان خواستار شد و افزود: شایسته نیست در خوزستانی که منابع عظیم نفت و گاز و منابع طبیعی دارد و هشت سال در مقابل دشمن دفاع کرده است، کارگران با این مشکلات مواجه باشند.

70 کارگر کارخانه کامکار سیرجان بیکار شدند

رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کرمان اعلام کرد: 70 کارگر قراردادی کارخانه پیچ مهره سازی کامکار سیرجان پس از خاتمه مدت قراردادشان بیکار شدند.

علی اکبر رواقی با اعلام این خبر گفت: کارخانه پیچ مهره سازی کامکار سیرجان به جهت کاهش سفارش دهندگان محصولاتش، 70 کارگر قراردادی خود را بعد از اتمام قرارداد کاریشان تمدید قرارداد نکرده است.

او با اشاره به اینکه بیشترین سفارشات تولید پیچ مهره به این واحد از سوی کارخانه های بزرگ خودرو سازی صورت می گرفته است، اظهار کرد: به تبع کاهش یک سومی تولید محصولات کارخانه های بزرگ خودرو سازی، سفارشات کار این واحد قطعاً ساز (تولید کننده پیچ و مهره) نیز به حداقل رسیده است.

این مقام کارگری افزود: این واحد تولیدی با 20 کارگر رسمی و 180 کارگر قراردادی به جهت کاهش سفارشات پیچ مهره ناچار شده است تعداد 70 کارگر قراردادی خود را با سوابق 2 تا 17 سال از تاریخ یکم تیر ماه سال جاری تمدید قرار داد نکند.

او با ابراز نگرانی از عدم امنیت شغلی کارگران قراردادی اظهار داشت: به جهت افزایش مشکلات این کارخانه سایر کارگران قراردادی نیز تهدید به عدم تمدید قرارداد و اخراج شده اند.

این مقام کارگری معتقد است فقدان امنیت شغلی و بیکاری کارگران تبعات غیر قابل جبرانی برای جامعه در پی خواهد داشت.

رواقی در خاتمه گفت: اخراج کارگران در ماه مبارک رمضان بدون در نظر گرفتن وضعیت معیشت خانواده های آنان غیر قابل قبول و نگران کننده است.

تاخیر در پرداخت حقوق و مزایای کارگران کارخانه کیوان همدان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 مرداد آمده است: معوقات حقوقی کارگران کارخانه کیوان همدان هنوز پرداخت نشده است.

بنا بهمین گزارش، بعد از بازگشایی مجدد کارخانه کیوان مدیران این کارخانه وعده پرداخت معوقات دو ماهه حقوق و بیمه و سایر مزایای قانونی کارگران را داده بودند که هنوز عملی نشده است. به گزارش همین منبع، مدیر عامل کارخانه کیوان از پرداخت تمامی معوقات کارگران کارخانه کیوان در آینده‌ای نزدیک خبر داد. علی‌شیرخانی در این باره گفت: حقوق معوقه فروردین ماه سال جاری به حساب کارگران واریز شد و پرداخت معوقات اردیبهشت و خرداد ماه نیز به مرور با حقوق ماه‌های آتی به کارگران پرداخت خواهد شد. شیخ اعلام کرد که حقوق تیر ماه، هفته آینده به حساب کارگران واریز می‌شود.

احتمال تعطیلی واحدهای تولید آب‌معدنی در پرکارترین فصل سال

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 مرداد آمده است: دبیر انجمن تولیدکنندگان آب‌های معدنی و آشامیدنی در نامه‌ای به وزیر صنعت خواستار رفع مشکل کمبود شدید مواد اولیه برای تولید بطری‌های PET شد. به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی انجمن تولیدکنندگان آب‌های معدنی و آشامیدنی، پیمان فروهر، دبیر انجمن تولیدکنندگان آب‌های معدنی و آشامیدنی در این نامه خطاب به وزیر صنعت، معدن و تجارت نوشته است: کاهش مواد اولیه، قیمت هر کیلو مواد اولیه به عنوان مهم‌ترین ماده اولیه در صنایع آشامیدنی را به ۲ هزار و ۷۵۰ تومان رسانده و شرکت بازرگانی پتروشیمی نیز ناتوان از عرضه مقادیر کافی در بورس بوده و شرکتهای تولیدی در صنایع آشامیدنی کشور بحران شدید تأمین مهم‌ترین ماده اولیه خود آن هم در پرکارترین ایام شغلی در سال را تجربه می‌کنند. در بخش دیگری از نامه آمده است: بحران تأمین مواد اولیه علاوه بر سایر مشکلات از جمله محدودیت در تأمین منابع مالی، رشد حداقل ۳۰ درصدی در هزینه‌های تولید طی سه ماهه اول سال، افزایش شدید نرخ مواد اولیه، بحران در واردات ماشین‌آلات و لوازم یدکی و افزایش شدید نرخ ارز منجر به خروج واحدها از گردونه کار و تولید خواهد شد. دبیر انجمن آب‌های معدنی و آشامیدنی در بخش پایانی نامه خود خطاب به غضنفری نوشته است: تولیدکنندگان در سالی که به فرموده مقام معظم رهبری سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گرفت از شما و سایر مسئولان انتظار حمایت و پشتیبانی از طریق رفع موانع موجود در تولید را داشته و این در حالی است که صنعتگران کشور با تحمل شرایط دشوار و تنگناهای موجود و تداوم فعالیت، سهم خود را در مقابله با فشارهای بین‌المللی ادا نموده‌اند و اکنون لازم است با حمایت به موقع خود در جهت رفع مشکلات و تأمین مواد اولیه کارخانجات صنایع آشامیدنی از تعطیلی قریب‌الوقوع آن‌ها و بیکاری جمع‌کننده‌ی از شاغلین این صنعت در سطح کشور جلوگیری شود.

تعطیلی سه واحد بزرگ تولید لوازم خانگی در يك سال گذشته

رئیس هیات مدیره انجمن صنفی تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران از تعطیلی سه واحد بزرگ تولیدکننده لوازم خانگی کشور به واسطه مشکلات شدید اقتصادی خبر داد و نسبت به تعطیلی باقی واحدهای تولیدی که اکنون با يك دوم ظرفیت عملیاتی سال گذشته خود فعالیت می‌کنند، هشدار داد. محمدرضا فریوری، با اشاره به اولویت‌بندی تخصیص ارز دولتی به کالاهای وارداتی، به ایلنا گفت: اخیراً جلساتی با وزیر صنعت، معدن و تجارت در این خصوص داشتیم که به ما قول دادند لوازم خانگی را به اولویت چهارم و پنجم منتقل کنند، اما ما همچنان بلا تکلیف هستیم و قول‌های داده شده تنها در حد وعده است. او ادامه داد: در صورت عدم تأمین ارز مرجع برای تولیدکنندگان لوازم خانگی، فعالان این صنعت با يك ضعف مضاعف مواجه خواهند شد.

فریوری اضافه کرد: در صورتی که قرار باشد تمام تولیدکنندگان این صنعت برای تأمین ارز خود به بازار ارز مراجعه کنند، آن وقت دیگر حتی ارز روی قیمت 1800 یا 1900 تومان باقی نخواهد ماند، چرا که با افزایش تقاضا، قیمت ارز هم در بازار آزاد به مراتب افزایش می‌یابد. به تبع این امر تولیدکنندگان وارد يك دور تسلسل افزایش بهای تمام شده تولید و قیمت فروش خواهند شد. رئیس هیات مدیره انجمن صنفی تولیدکنندگان لوازم خانگی ضمن تأکید بر نیاز تولیدکنندگان به نقدینگی، اگر نقدینگی مورد نیاز فعالان از طریق سیستم بانکی برای آنها تأمین نشود، شیب نزولی تولید لوازم خانگی در کشور افزایش می‌یابد. به واسطه اینکه هم‌اکنون تولیدکنندگان زیر ظرفیت تولیدی خود، فعالیت می‌کنند، به زیان‌دهی افتاده و به تبع آن مسیر اضمحلال این صنعت فراهم خواهد شد. او در خصوص وضعیت حاشیه سود فعالان این صنعت، مطرح کرد: از سال گذشته، حاشیه سود فعالان این صنعت به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت که وضعیت کنونی اقتصاد کشور، موجب حذف کامل حاشیه سود شده و حتی می‌تواند منجر به زیان‌دهی آنها شود. به گفته وی؛ در سال گذشته سه واحد بزرگ تولیدکننده لوازم خانگی کشور به واسطه مشکلات شدید اقتصادی تعطیل شدند. کما اینکه باقی واحدهای تولیدی نیز هم‌اکنون با يك دوم ظرفیت عملیاتی سال گذشته خود فعالیت می‌کنند.

کارگران خوش‌نوش ساری ۳ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 مرداد آمده است: کارگران کارخانه نوشابه‌سازی خوش‌نوش ساری سه ماه از حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

برپایه این گزارش، بزرگ‌ترین تولیدکننده نوشابه شمال کشور به دلیل خصوصی‌سازی دچار بحران شده است. این واحد تولیدی در ۱۰ سال گذشته بیش از ۹۰۰ کارگر داشته است که این تعداد هم‌اکنون به ۴۳ نفر تقلیل یافته است.

شغل‌های کاغذی حقیقت بیکاری را چاره نمی‌کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 مرداد آمده است: رئیس مجمع نمایندگان خراسان شمالی از دستگاه‌های اجرایی خواست به جای ارائه گزارش و آمارهای سطحی در حوزه اشتغال، برای رفع بیکاری مردم در این استان تمام توان خود را به کار

گیرند.

«عبدالرضا عزیزی» در گفتگو با خبرنگار ایلنا در بجنورد با اشاره به ادعای معاون برنامه ریزی استانداری خراسان شمالی که در سال گذشته اعلام کرده است به جای ۲۶ هزار شغل ۲۹ هزار شغل ایجاد شده است، خواستار اعلام مستندات اشتغالزایی توسط استانداری شد.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به ادعای دولت که در دو سال اخیر ۴ میلیون شغل ایجاد کرده است، گفت: بهرغم آمارهای وزارت کار در عمل در کشور ما بیکاری بیداد می‌کند و ما در واقعیت در حوزه‌های نمایندگی خود با بیکاری عمده جوانان مواجه هستیم.

نماینده مردم شیروان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بانک‌ها با سرمایه گذاران همکاری نمی‌کنند، گفت: کارخانجات با کمبود نقدینگی روبه‌رو هستند و بانک‌ها با سود ۲۶ درصدی به تولیدکنندگان وام می‌دهند که چنین سودی در هیچ کشور غیر اسلامی از سرمایه گذاران گرفته نمی‌شود.

عزیزی ادامه داد: جریمه دیرکرد یکی دیگر از مشکلات صاحبان صنایع و واحدهای تولیدی است که دولت می‌تواند با توجه به مشکلات عدیده‌ای که با توجه به فضای تحریم‌ها برای این واحدهای تولیدی به وجود آمده آن‌ها را نادیده گرفته و صنایع را از پرداختش معاف کند.

معاون استاندار: سال گذشته 29 هزار و 700 شغل ایجاد کردیم

انتقاد به آمارهای دولت از سوی نمایندگان مردم و تشکل‌های کارگری در حالی است که معاون برنامه ریزی استانداری خراسان شمالی طی جلسه رسمی در استانداری، ادعا کرد: سال گذشته سهمیه خراسان شمالی در ایجاد اشتغال و فرصت شغلی ۲۶ هزار و ۶۰۰ نفر بود که استان توانست ۲۹ هزار و ۷۰۰ فرصت شغلی را محقق نماید.

حسین قلی‌زاده خاطر نشان کرد: در سال گذشته اعتبار مشاغل خانگی استان ۲۳ میلیارد تومان بوده که از این میزان نزدیک به ۱۳.۵ میلیارد تومان جذب شده است.

قلی‌زاده همچنین سهم ایجاد اشتغال و فرصت شغلی در سال ۹۱ را به تفکیک شهرستانی اعلام کرد و گفت: سهمیه اشتغال شهرستان‌های شیروان ۴ هزار و ۷۵۶ نفر، فاروج هزار و ۸۴۴ نفر، گرمه هزار و ۱۲۸ نفر، اسفراین ۴ هزار و ۳۰۲ نفر، جاجرم هزار و ۶۵۹ نفر، مانه و سملقان ۳ هزار و ۱۰ نفر و بجنورد ۹ هزار و ۸۰۷ نفر اعلام شده است.

رتبه نخست ریشه کنی بیکاری با وجود رتبه آخر در ایجاد درآمد

دبیر خانه کارگر خراسان شمالی نیز با بیان اینکه «آمارهایی که بیشتر اوقات از ناحیه دستگاه‌های اجرایی برای اشتغال در خراسان شمالی داده شده است، منطبق بر واقعیت‌های جامعه نیست» گفت: سه سال پیش وزارت کار رتبه نخست را به خراسان شمالی در ریشه کنی بیکاری داد در حالی که خراسان شمالی با توجه به آمارهای بانک مرکزی در ایجاد درآمد خانوارها در آخرین رتبه بین استان‌های کشور قرار دارد.

فرهاد هدایتی با بیان اینکه «ایجاد اشتغال در خراسان شمالی تنها روی کاغذها صورت می‌گیرد» ادامه داد: اینکه جلسه برگزار کنیم و در بولتن‌های عملکرد خود با ارقام بازی کنیم در حالی که در این استان نماینده‌های مردم بارها در تریبون‌های رسمی بزرگترین معضل مردم را بیکاری اعلام کنند با هم همخوانی ندارد.

وی ادامه داد: با توجه به تغییر مدیریت استان پیشنهاد می‌کنیم این رویه که «تنها روی کاغذها بیکاری را ریشه کن کنیم» تغییر کند و با مشورت با تشکل‌های کارگری و کارفرمای مشکلات از پیش پا برداشته شود.

دبیر خانه کارگر خراسان شمالی همچنین نسبت به تعطیل شدن برخی از کارخانجات و کارگاه‌های صنعتی در استان هشدار داد و گفت: دولت باید برای ایجاد اشتغال و همچنین جلوگیری از تعطیل شدن برخی واحدهای تولیدی که در آستانه ورشکستگی قرار دارند همت بیشتری به خرج داده و به مساعدت بانک‌ها در این مورد توجه داشته باشد.

وی با اعلام آمادگی خانه کارگر برای حل مشکلات کار در استان خراسان شمالی افزود: خراسان شمالی با توجه محرومیت‌هایی که دولت و بانک مرکزی از آن به خوبی در این استان آگاهی دارند، نیاز به توجه ویژه دولت دارد. گفتنی است نرخ بیکاری در استان خراسان شمالی با ۸۴۰ هزار نفر جمعیت و ۷ شهرستان طبق اعلام مرکز آمار ۹.۲ درصد است، رقمی که همواره مورد اعتراض مقامات غیر دولتی قرار گرفته است.

ترس از گسترش اعتصاب‌ها در اصفهان/ تشکیل کمیسیون ویژه برای امنیتی کردن فضای کارگری

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در ۵ مرداد آمده است: معاون سیاسی استاندار اصفهان از تشکیل کمیسیون کارگری برای کنترل متمرکز مسائل کارگری خبر داده است. به گزارش ایرنا، محمدمهدی اسماعیلی شامگاه شنبه در جلسه شورای اداری استان اصفهان گفته: دشمن تمام انرژی خود را در حوزه اقتصادی متمرکز کرده و لازم است فعالیت‌های منسجمی برای ارتقای اقتصاد کشور بویژه این استان صورت گیرد. کمیسیون کارگری در سطح استان در حال انجام کار متمرکز برای کنترل شرایط است و در مواجهه با مسائل کارگری در این استان، وحدت و هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف الزامی است.

به گزارش کلمه، ورود نیروهای امنیتی در حوزه کارگری، زمانی شدت یافت که با آزاد سازی پارانه‌ها و افزایش روز افزون قیمت مواد غذایی از یک طرف و شرایط بحرانی کارگاه‌ها و کارخانجات تولیدی و اخراج کارگران و بیکار شدن آنها از طرفی دیگر، موجب افزایش اعتراضات و اعتصابات کارگری شد. استان اصفهان با دارا بودن کارخانجات تولیدی زیاد همواره یکی از مراکز اصلی زیست جامعه کارگری در ایران بوده است و همین امر توجه و فشار نیروهای امنیتی را در این حوزه دو چندان می‌کند. استان اصفهان تنها دارای ۹۰۰ هزار کارگر بیمه شده است و باید به این رقم کارگران قراردادهای موقت و سفید امضاء را، که فاقد

بیمه هستند، هم اضافه کرد. بیش از هشت هزار واحد تولیدی در این استان، بیش از ۱۰ نفر کارگر دارد که این امر استان اصفهان را به یکی از قطب های مهم صنعتی و کارگری تبدیل کرده است به طوری که مطابق آمارها ۵۰ درصد از جمعیت استان اصفهان کارگر هستند.

تشکیل "کمیسون کارگری برای کنترل متمرکز مسائل کارگری"، درست یک هفته بعد از پایان اعتصاب دوازده روزه کارگران سیمان سپاهان در اصفهان صورت گرفته است. تعداد ۱۱۰۰ کارگر در این کارخانه به کار مشغول هستند که از میان آنها ۷۰۰ کارگر با قراردادهای موقت کار می کنند. یکی از خواست های کارگران اعتصاب کننده تبدیل قرارداد کاری موقت پیمانی به دائمی بود. آنها معتقدند که "شرکت های پیمانکار، از یک سو حقوق و مزایای کامل یک کارگر را از کارفرما دریافت می کنند و از سوی دیگر قسمتی از آن را به نیروی کار می پردازند و با این کار مثل زالو به جان کارگران افتاده اند."

این اعتصاب از تاریخ ۹ تیر ۱۳۹۱ شروع شده بود و به مدت دوازده روز ادامه داشت. این چندمین اعتصاب صنفی هماهنگ کارگران ظرف یک سال گذشته در این کارخانه بود. در روزهای آخر اعتصاب، خانواده های کارگران نیز به آنها پیوستند و با برپایی چادرهایی در کارخانه تجمع کرده بودند.

طولانی شدن این اعتصاب و انعکاس آن در رسانه های خبری باعث شد که رسانه های حامی دولت و سپاه وارد عمل شوند تا مبادا طشت رسوایی "سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" دوباره به زمین افتد. فارس در گزارشی که در مورد این اعتصاب منتشر کرد، به نقل از "کارمندی" از اعتصاب کنندگان نوشت: کارگران با نصب پلاکاردهای مبنی بر پیروی از ولایت، خواهان اجرای عدالت هستند و خود را جدای از نظام و منویات مقام معظم رهبری نمی دانند و هر نوع دستوری که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از جانب مقام عظمای ولایت صادر شود را به گوش دل و جان پذیرا هستند.

قطری ها با درآمد پارس جنوبی زمین ها را اجاره می کنند

به نوشته سایت سحام نیوز در ۵ مرداد آمده است: به دنبال انتشار نامیهی درباره واگذاری زمین های کشاورزی استان تهران به قطری ها، اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران در نشستی به آثار و تبعات این گونه واگذاری ها پرداخت. رورنامه اعتماد در شماره امروز خود به گزارش این دیدار پرداخته و نوشته است:

در این نشست سه تن از اعضای هیات رییس اتحادیه ضمن بررسی وضع کنونی کشاورزی کشور و انتقاد از کند شدن چرخه تولید محصولات کشاورزی، تبعات و آثار منفی واگذاری زمین های مرغوب کشاورزی به خارجیان به ویژه سرمایه گذاران قطری را تحلیل کردند. در این گپ و گفت سیدرضا نورانی، رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران، مختار مهدی زاده، نایب رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران و صدرالدین نیاورانی، عضو هیات رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران حضور داشتند.

قطری ها به دنبال تملک هستند

مختار مهدی زاده، نایب رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران، در این نشست با بیان اینکه واگذاری زمین های کشاورزی به قطری ها نشان می دهد سازمان یا وزارتخانه متولی درست و حسابی در بخش کشاورزی نداریم، می گوید: وزارت جهاد کشاورزی اگر متولی درستی بود امروز کشاورز ایرانی به خاک سپاه نمی نشست؛ او محصول تولید می کند، برای آن بازار ندارد. تولید می کند، تگرگ می زند و بیمه آن را حمایت نمی کند. به اعتقاد مهدی زاده کشاورزی ایران اکنون دچار تحریم داخلی است، چه تحریم خارجی را به هر طریق ممکن رفع می کنیم. آنچه آزار دهنده است، این است که کشاورزی ایران حامی و متولی ندارد. او در ادامه اضافه می کند: دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ تاسیس می شود و یکی از دانشکده های معتبر آن، دانشکده کشاورزی است. در آن زمان نه قطری وجود داشته و نه امارات عربی متحده و الان چنانچه بررسی کنید، بیشترین بیکاران تحصیل کرده در بخش کشاورزی هستند، علاوه بر اینکه تعداد فارغ التحصیلان کشاورزی ایران بیشتر از تعداد همه فارغ التحصیلان حوزه خلیج فارس است. مهدی زاده معتقد است این تحقیر و توهین به ملت است که بخواهیم زمین های مرغوب کشاورزی خود را به قطری ها واگذار کنیم و گر نه چنانچه سرمایه گذاری بیاید و درست سرمایه گذاری کند، از نیروی توانمند ایرانی استفاده کند و کشاورزی نوین را پیاده کند، بحثی نیست ولی قطری ها با پول می آیند، آن پول هم متعلق به ایرانی هاست.

او ادامه می دهد: قطری ها در حال حاضر ۱۱ برابر بیشتر از ایران در حال برداشت از ذخایر گازی پارس جنوبی هستند و پول همین منابع را هم برای اجاره زمین ها می آورند. او با طرح این پرسش که حال چرا زمین های کشاورزی استان تهران باید واگذار شود، مگر زمین های دیگری برای احیا در سایر نقاط کشور وجود ندارد. او تصریح می کند: وزارت جهاد کشاورزی بهتر است به جای امضای چنین پروتکل هایی، شر نرساند و کاری به کار کشاورزی کشور نداشته باشد. کشاورزی راه خود را می رود. نایب رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران با بیان اینکه الان در وضع موجود، صیفی جات کشور پایین ترین قیمت را دارد و همین امروز (۱/۵/۹۱) از بازار گزارش گرفتیم و برای طالبی، خربزه و هندوانه بازار وجود ندارد و میادین متقاضی خرید بار از کشاورزان نیستند، می گوید: در این شرایط کشاورز محصول خود را یا باید به دام بدهد یا از بین ببرد، چون شرایط نگهداری هم ندارد.

مهدی زاده در ادامه این گپ و گفت اظهار می دارد: حدود ۳-۴ سال قبل اعضای همین اتحادیه در جلسیهی با حضور رییس جمهوری درباره زیرساخت های صادرات محصولات کشاورزی صحبت کردند که یکی از آنها تکمیل سردخانه های نیمه تمام بود. آن زمان رییس جمهوری، معاون اول، وزیر وقت بازرگانی و رییس وقت سازمان توسعه تجارت دستور اجرا دادند و کارگروهی مشخص شد تا این کار را به انجام برساند اما اجرا نشد و ریالی هم پرداخت نشد.

او با بیان اینکه واگذاری زمین به قطری ها موجب خروج کشاورزان ایرانی از چرخه تولید می شود و از آنجا که قطری ها دانش فنی این کار را ندارند به طور قطع نیروی آنها نیز ایرانی نخواهد بود، می گوید: متأسفانه مسوولان نسبت به این مساله هیچ واکنشی نشان نداده اند اما اگر مسابقه فوتبال بود و ایران به قطر می باخت، همه نهادهای دولتی و مسوول نسبت به آن انتقاد کرده و جلسات پیگیری برگزار می کردند.

عضو هیات رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی با بیان اینکه سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران در این

باره به قانون ۱۳۱۰ استناد کرده که این قانون مربوط به زمان رضاخان و آغاز ارتباطات ایران با دنیا بود، ادامه می‌دهد: این قانون برای زمانی است که کشور پولی نداشت و درآمد آن به یک میلیارد هم نمی‌رسید. اکنون درآمد کشور بالای یکصد میلیارد دلار است. به اعتقاد مهدی‌زاده ما مشکل سرمایه، زمین، آب و نیروی کار متخصص نداریم. مشکل اصلی، مدیریت است؛ مدیرانی که باید این مجموعه را با هم ترکیب کنند. وزارت جهاد کشاورزی در یکی دو سال اخیر اگر توان داشت ساختمان خود را حفظ می‌کرد. کشوری که دارای توانایی تولید است و جشن خودکفایی گندم برگزار کرده اکنون در حال واردات گندم است. کشاورزی یک مجموعه عوامل است که تولید محصول را سبب می‌شود و در این میان صنایع زیادی از جمله دامپروری، مرغداری، گاو‌داری، بسته‌بندی، صنایع غذایی و به آن وابسته هستند. حال هر کدام از این عوامل دستکاری شوند، دیگر عوامل و حلقه‌ها نیز زمینگیر می‌شوند. به گفته مهدی‌زاده راهکار این است که مسوولان و مدیرانی که این کاره نیستند، کنار بروند و بگذارند مدیران توانمندی که در حاشیه هستند، امور را به دست بگیرند. در همین استان تهران محصولات کشاورزی به تولید می‌رسد که از نظر کیفیت با نمونه‌های امریکایی و هندی قابل رقابت است. اکنون قیمت پلاستیک بسته‌بندی توسط پتروشیمی از ۱۸۰۰ به ۳۸۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است. او تصریح می‌کند: ایران پس از امریکا و سوئیس بالاترین بیمه دنیا را دارد. تامین اجتماعی ۳۰ درصد حق بیمه می‌گیرد، ۲۳ درصد این مبلغ را کارفرما می‌پردازد در صورتی که در همه جای دنیا دولت حمایت می‌کند. مهدی‌زاده با تاکید بر اینکه قوانین باید مطابق با قانون برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله باشد، خاطر نشان می‌کند: اکنون پرسش این است که اجاره‌مداری طولی‌مدت زمین، مطابق با برنامه پنجم و چشم‌انداز است؟ به طور قطع نیست چون با آن در تضاد است. متأسفانه بعد نظارتی کشور هم ضعیف است. او می‌گوید: سرمایه‌گذار قطری محصولش را در ایران تولید می‌کند، با کارتن وارداتی بسته‌بندی می‌کند و روی آن می‌نویسد «خلیج عربی» و صادر می‌کند. چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ آیا برای این موارد فکری کرده‌ایم؟ نسل‌های آینده در این باره قضاوت خواهند کرد.

به قانون رضاخان استناد نکنید

سیدرضا نورانی، رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران، هم در این نشست با بیان اینکه اگر با دو دیدگاه به سرمایه‌گذاری خارجی نظر بیندازیم به نتیجه خواهیم رسید، می‌گوید: یکی اینکه در گذشته چنین پروژه‌هایی به سرمایه‌گذاران خارجی و تولیدکنندگان واقعی کشاورزی واگذار شد، به عنوان نمونه امریکایی‌ها در ذفول باغ‌هایی ساختند که هنوز هم هست یا در دشت قزوین که باغاتی را احیا کردند که متأسفانه به دلیل عدم آگاهی از شرایط نگهداری و مدیریت ناصحیح از بین رفت. امروز هم اگر یک تولیدکننده واقعی از هر جای دنیا با شناسنامه قوی کاری بپاید، از وی حمایت می‌کنیم، با این شرط که با سرمایه‌گذاران داخلی به صورت ۵۱ به ۴۹ مشارکت کنند. در همه جای دنیا هم قانون این‌گونه است.

به گفته نورانی واگذاری زمین به قطری‌ها هم باید این‌گونه باشد. اگر آنها با پول‌شان می‌آیند، عوارضی که به دنبال دارد، خطرناک است. حالا که مسوولان اجرایی قانون سال ۱۳۱۰ رضاخان را ملاک قرار می‌دهند و به آن استناد می‌کنند، باید بدانند اکنون در نظام جمهوری اسلامی به سر می‌بریم و قوانین کشور به‌روز است. نباید به ۸۱ سال پیش بازگشت و قانون زیرخاکی و منسوخ را به خاطر تصمیماتی که می‌گیرند بیرون بیاورند و از آن استفاده کنند.

نورانی در ادامه پیشنهاد می‌کند اگر قرار است در بخش تولید اتفاقاتی بیفتد، چه خوب است از همه کارشناسان داخلی استفاده کرده و بتوانیم درباره تولید ملی صحبت کنیم. آیا سرمایه‌گذار خارجی بپاید، تولید ملی رونق می‌گیرد یا تولید برای کشورهای خودشان؟ چگونه است که هیچ تشکلی از موضوع واگذاری زمین به قطری‌ها اطلاع نداشته است؟ دیگر اینکه وضع امروز کشاورزی ایران به جایی رسیده که دامدار و مرغدار داخلی باید به دنبال دان خارجی باشد. به گفته نورانی تا زمانی که دست‌مان برای مواد اولیه پیش خارجی‌ها دراز باشد همیشه مشکل‌مان همین‌گونه خواهد بود. باید به دنبال استفاده بهینه از منابع بود. اکنون می‌توان تولید را دوبرابر کرد با همین معیاری که وجود دارد. کشاورزی کشور از چه زمان به این حال و روز افتاده است؟

او درباره وضعیت کشاورزی ایران در سال‌های بعد از انقلاب می‌گوید: بعد از جنگ اصلاحات خوبی در بخش کشاورزی صورت گرفت. در سال ۵۷ از ۱۷ کشور واردات پرتقال و سیب داشتیم اما امروز ۱۴ میلیون هکتار زمین کشاورزی داریم که چنانچه حمایت شود، می‌توانیم تولید را افزایش داده و حتی صادر کنیم.

نورانی معتقد است: نیاز به واردات محصولات استراتژیک نداریم مگر اینکه چارچوب را درست کنیم و از نیروهای متخصص استفاده بهینه ببریم. در ۱۰ سال گذشته بزرگترین صادرکننده سیب درختی در منطقه خلیج‌فارس بوده‌ایم. رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی در پاسخ به این پرسش که کند شدن چرخه تولید کشاورزی از چه زمانی آغاز شد، می‌گوید: در سال ۱۳۷۸ و از روزی که نرخ ثابت ۸۰۰ تومان را برای ارز قرار دادند و آن را حفظ کردند؛ از آن روز هر سال دست‌کم ۲۰ درصد هزینه‌های تولید افزایش پیدا کرد و بعد از ۱۰ سال در سال ۸۸، دلار را یک‌هزار تومان قیمت‌گذاری کرده‌اند. در واقع هر سال ۵/۲ درصد قیمت ارز را افزایش دادند در صورتی که تولیدکننده هر سال ۲۰ درصد تورم را داشت. اکنون و بعد از ۱۰ سال متوجه شده‌ایم با این دلار ارزان، هر کالایی را از هر جای دنیا که وارد کنیم ارزان‌تر از کالای ایرانی است.

به تصریح نورانی «تورم هزینه‌بر است و امروز با هر قیمتی محاسبه کنیم، می‌بینیم صادرات کند است چون قیمت تمام‌شده با این تبدیل‌ها (نرخ ارز) بالاست»

50 سال از کشاورزی دنیا عقیم

صدرالدین نیاورانی، عضو هیات‌رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران هم با اظهار تاسف از اینکه در چند سال گذشته در بخش کشاورزی ضعیف عمل کردیم و فرصت و زمان را از دست دادیم، چون قابل جبران نیست، می‌گوید: در سال‌های اخیر به دلیل

مسائلی از قبیل نرخ ارز، مدیریت ناصحیح و تولید برخی محصولات از جمله پنبه متوقف است. به گفته نیاورانی، «با این کار تولیدکننده را نابود و در واقع یک صنعت ۵۰۰-۴۰۰ ساله را نابود کرده‌ایم. برای کشت پنبه در ایران سال‌های سال زحمت کشیده شده ولی به راحتی آن را از بین بردیم.»

او با بیان اینکه در حال حاضر صدای ما به جایی نمی‌رسد، ادامه می‌دهد: باغات ایران در حال حاضر فاقد تکنولوژی روز دنیا است؛ اگر تگرگ بیاید باید به راحتی بگوییم محصول از بین رفته است در غیر این صورت می‌توانیم بگوییم محصول داریم. در حالی که در دنیا این‌گونه نیست. در دیگر نقاط جهان، باغ‌ها حصارهایی دارند و بخاری‌های زمستانی دارند که از همان چوب‌های هرس‌شده فصل پاییز درختان استفاده می‌کنند و موجب می‌شود درختان را سرما نزنند.

نیاورانی با تصریح اینکه چنین کارهایی با هزینه بسیار کم انجام می‌شود و در ایتالیا روی باغ‌ها توری‌های بسیار ریز می‌کشند تا از برخورد تگرگ با درختان میوه جلوگیری کند، خاطر نشان می‌کند: اما ما از هیچ‌یک از تکنولوژی‌های روز دنیا که بسیار هم ساده است، استفاده نکرده‌ایم.

به گفته این عضو هیات‌مدیره اتحادیه ملی محصولات کشاورزی برای اینکه بتوان جلوی مهاجرت کشاورزان را گرفت باید زراعت و کشاورزی رونق بگیرد و سودآور باشد در حالی که امروز همه مزارع در حال رهاسازی و خشک شدن است. او با اشاره به اینکه در پارمی از موارد مسوولان وزارت جهاد کشاورزی با واردات محصولات کشاورزی مخالفت می‌کنند، ادامه می‌دهد: حال این پرسش مطرح است که وزارت جهاد کشاورزی برای تکمیل سردخانه‌های نیمه‌تمام کشور چه کرده تا در فصل برداشت سیب و پرتقال و کیوی، آنها را انبار کنند تا در شب عید واردات صورت نگیرد. آیا سردخانه کنترل اتمسفر را که مخصوص نگهداری محصولات کشاورزی به مدت طولانی است در کشور ساخته‌ایم؟

نیاورانی اضافه می‌کند: در حال حاضر به بیش از ۵۰ سردخانه با این توانمندی نیاز داریم در حالی که فقط ۲ واحد از آن در کشور ساخته شده است. این سردخانه‌ها امکان نگهداری محصول را به مدت یکسال دارند و این‌گونه می‌توان در همه طول سال میوه تازه ایرانی مصرف کرد و نیازی هم به واردات نیست. او در ادامه این گپ و گفت اظهار می‌دارد: توقع از وزارت جهاد کشاورزی این است که بیاید زیرساخت‌های خود را بسازد، امکانات خود را ایجاد کند، تولید را بالا ببرد، جلوی واردات و قاچاق را بگیرد و کار درست انجام دهد. به گفته نیاورانی، «از نظر زراعت و کشاورزی در مقایسه با دیگر کشورهای دنیا همچنان با سیستم‌های سنتی ۵۰ سال قبل کار می‌کنیم. در حالی که اگر زراعت فعال و مدرن داشته باشیم، اشتغال داریم، حمل و نقل داریم، تولید داریم و مصرف‌کننده می‌تواند از بهترین محصول دنیا استفاده کند.» او با اظهار تاسف از اینکه این روزها در فروشگاه‌ها از کمپوت ایرانی خبری نیست، تاکید می‌کند: توقع این است که مسوولان وزارت جهاد کشاورزی جهادی عمل کنند تا این زمان‌هایی را که از دست داده‌ایم در طول ۳۰ تا ۴۰ سال بتوانیم جبران کنیم که اگر نجنیم با صد سال کار کردن هم نمی‌توان زمان‌های از دست‌رفته را جبران کرد.

تبعات خصوصی سازی: کارگران خوش‌نوش ساری ۳ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۵ مرداد آمده است: دبیر خانه کارگر مازندران اعلام کرد: کارگران کارخانه خوش‌نوش ساری سه ماه از حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

نصرالله دریاییگی با بیان اینکه در حال حاضر بزرگترین تولیدکننده نوشابه شمال کشور به دلیل خصوصی سازی دچار بحران شده است، به ایلنا گفت: کارخانه نوشابه سازی خوش‌نوش ساری توان پرداخت حقوق سه ماهه گذشته کارگران خود را ندارد. او افزود: این واحد تولیدی در ۱۰ سال گذشته بیش از ۹۰۰ کارگر داشته است که این تعداد هم اکنون به ۴۳ نفر تقلیل یافته است. این فعال کارگری با اشاره به اینکه بعد از پیروزی انقلاب این کارخانه در اختیار بنیاد مستضعفان و بعد آن به جامعه الزهرای حوزه علمیه قم واگذار شده است، اظهار داشت: طی یکسال گذشته به دنبال خصوصی سازی این واحد تولیدی دچار مشکل شده و هم اکنون با حداقل تولید فعالیت می‌کند.

دریاییگی اجرای اینچنینی اصل ۴۴ قانون اساسی را به صلاح صنایع و تولید ندانست و تصریح کرد: قرار بود خصوصی سازی عامل شکوفایی اقتصاد و تحقق عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت باشد که متأسفانه به خاطر سوء مدیریت و ضعف نظارت در اجرای این اصل قانون اساسی، خصوصی‌سازی سبب کاهش امنیت شغلی و فقر کارگران شده است.

فدراسیون جهانی مواد غذایی خواستار به رسمیت شناختن حقوق کارگران ایران شد

فدراسیون جهانی مواد غذایی طی بیانیه‌ای ضمن محکوم نمودن ترفند جدید پلیسی در ایران خواستار به رسمیت شناختن شدن حقوق کارگران ایران شد.

بنا به گزارش آی یو اف، در این فراخوان فدراسیون ترفند جدید پلیسی در ایران را محکوم کرده است و خواهان توقف هرگونه اذیت و آزار و زندانی شدن فعالان کارگری سندیکای هفت تپه گردیده است و همچنین خواهان بازگشت ایشان به کار شده است. در ادامه این بیانیه فدراسیون جهانی مواد غذایی خواستار آزادی غلی نجاتی و لغو هرگونه حکم زندان برای ایشان شده است.

کارگران ایران و قراردادهای موقت

یکی از دغدغه‌های اصلی طبقه کارگر ایران این است که کارگرانی که قراردادهای موقت کار می‌بندند، مشمول قانون کار نمی‌شوند. بنابراین کارفرما می‌تواند حتی حداقل حقوقی را که در قانون کار برای کارگر تعیین شده است، به او پرداخت نکند. افزون بر آن کارگران موقت برعکس کارگران رسمی حق ایجاد تشکل برای تحقق خواست‌های خود را ندارند.

قانون کار ایران که پس از انقلاب ۵۷ تصویب شد، یکی از دستاوردهای مبارزاتی کارگران ایران بود و حکومت اسلامی تا حدود یک دهه نتوانست به آن دست اندازی کند. بنابراین تلاش کرد تا کارگران را از چرخه حمایت از قانون کار خارج سازد و در این راه نیز موفق بود.

اولین قانون کار

پیش از پرداختن به وضعیت فعلی، کمی به عقب‌تر برمی‌گردیم؛ به سال ۱۳۲۷ که اولین قانون کار ایران تصویب شد. مجید تمجیدی، کنشگر و پژوهشگر کارگری، تاریخچه قانون کار را مروری کوتاه می‌کند.

مجید تمجیدی: «در دورانی که اولین قانون کار تصویب شد، قراردادهای کار در کل استخدامی بود، ولی براساس یک قرارداد جمعی و رسمی انجام نمی‌گرفت. به ویژه پس از روی کار آمدن رضاشاه یکسری کارخانه‌ها مثل دخانیات، سیمان ری و شرکت نفت اساساً رابطه کار براساس نیاز کارفرما به مهارت کارگر تعیین می‌شد. در حقیقت درجه جانسین کردن نیروی کار با یک نیروی کار دیگر، امنیت شغلی را برای کارگری که استخدام می‌شد به وجود می‌آورد. با توجه به اینکه آن موقع خیلی از کارگران از روستاها می‌آمدند و اساساً مهارتی نداشتند، وقتی وارد کارخانه می‌شدند حتی با آن سطح تکنیک پایینی هم که وجود داشت، باید آموزش‌هایی می‌دیدند که این آموزش برای کارفرما هزینه داشت. به همین خاطر کارفرما هم به راحتی کارگری را که به او آموزش داده بود، بیرون نمی‌کرد. در کل اعتراض‌ها و مبارزه‌های کارگرها در آن دوره دهساله اولیه که رضاشاه سر کار بود و به ویژه در دهه ۲۰ صورت گرفت. پس از نوشتن قانون کاری که در دهه ۳۰ نوشته شد و به موازات آن شتاب گیری رشد صنایع، قراردادهای استخدامی جایگاه مهم‌تری در بازار کار ایران پیدا کردند، ولی مهم‌ترین دگرگونی که بعد از اصلاحات ارضی در ایران رخ داد، ایجاد کارخانه‌های مدرنی بود که تکنیک به نسبت بالایی داشتند. بنابراین کارگرها آموزش می‌دیدند و کارفرماها هم نیروی انسانی را به نوعی سرمایه خودشان می‌دانستند. پس از اصلاحات ارضی است که در کل استخدام رسمی در کارخانه‌ها رسم می‌شود. استخدام رسمی تاریخی دارد که اوج آن در دهه ۵۰ بوده است.»

چرخش قراردادهای رسمی در دهه ۷۰

زیر پا گذاشتن دستاوردهای انقلاب از جمله قانون کار برای حکومت اسلامی دشوار بود. بنابراین از دهه ۷۰ تلاش کرد که کارگران را از شمول قانون کار خارج کند. تا دهه ۷۰ حدود ۸۵ درصد از کارگران ایران کارگران رسمی بودند. از این تاریخ قدم به قدم قراردادهای موقت کار نقش عمده‌ای را در بستن قراردادها ایفا کردند.

فتح‌الله بیات‌زاده، رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی در اردیبهشت سال ۱۳۹۱ تعداد کارگران موقت را شش میلیون نفر ارزیابی کرده و گفته است که کل مشمولان قانون کار کشور هم‌اکنون هشت میلیون نفر هستند. وی ادامه داد: «۸۰ تا ۸۵ درصد از کل قراردادهای کاری در کشور به صورت موقت و خارج از چارچوب‌های قانون کار منعقد می‌شود.»

مجید تمجیدی به سیاست‌های تعدیل اقتصادی دوران رئیس جمهوری اشاره می‌کند که طی آن قراردادهای کار رسمی در ایران روند جدیدی پیدا می‌کند و ادامه می‌دهد: «سیاست‌های تعدیل اقتصادی این دوران باعث شد که در شرکت‌های مادر مثل صنایع نفت، ذوب آهن، پتروشیمی و هم در کلیه خودروسازی‌ها و چه در کارخانه‌های قدیمی مثل سیمان ری، سیمان تهران، صوفیان، سیمان درود و بعدها حتی در کارخانه جدیدی مثل سیاهان اصفهان موضوع استخدام کارگران در شرکت‌های پیمانکاری به صورت عادی درآید. اکثریت این کارگران با اینکه در شرکت‌های مادر کار می‌کنند ولی در استخدام کارخانه و شرکت مادر نیستند. من وقتی به آمار کارگرها در شرکت‌های بزرگ و صنعتی ایران نگاه می‌کنم، به نظر می‌رسد تعداد کارگران موقت حتی از ۸۰ درصد هم بیشتر است. با یک نگاه به ظرفیت تولیدی این کارخانه‌ها و مقایسه با اینکه حدوداً هر واحد تولیدی چقدر کارگر در مجموع لازم دارد و با توجه به میزان کارکنان رسمی این شرکت‌ها که هر از چندگاه آن را اعلام می‌کنند و با کسر آن مابقی، می‌توان فهمید که بخش اعظمی از تولید این کارخانه‌ها روی دوش کارگران موقت کارگاه‌های کوچک است. به عنوان نمونه در صنعت عظیمی مثل صنعت قالبیابی در ایران که بسیاری از آنان زنان و دختران هستند یا در خیلی از کارگاه‌های کوچک مثل کفاشی و دوزندگی، متأسفانه به نظر می‌رسد اکثریت قریب به اتفاق کارگرها با قرارداد موقت کار می‌کنند. درواقع تنها قرارداد کسانی را که قبلاً رسمی بوده، نتوانسته‌اند موقت کنند و ابعاد این مسئله در کارخانه‌ها خیلی وسیع است.»

۸۰ درصد کارگران، قراردادهای موقت دارند

از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی برای خارج کردن بیش از ۸۰ درصد کارگران ایران از شمول قانون کار، علاوه بر سودزایی، گرفتن حق تشکل و سندیکا‌های مستقل کارگری است.

کارگران موقت علاوه بر عدم امنیت شغلی، حقوق پایین، امکان تشکل برای درخواست‌های خود را ندارند. در مقطع انقلاب ۵۷، کارگران دارای تشکل بودند، مثل کارگران صنعت چاپ و سیمان، ولی این تشکل‌ها فرمایشی بودند. انقلاب این تشکل‌ها را به سازمان‌های مدافع خواست کارگران تبدیل کرد. تشکل کارگران افزون بر پیگیری برای مطالبات صنفی، نقطه کلیدی بود که در انقلاب ۵۷ با حمایت کارگران و بستن شیرهای نفت، رژیم سلطنتی را به زانو درآورد.

با این تجربه حکومت اسلامی کوشید در ۳۰ سال اخیر با اهرم‌های قانونی جلوی هر نوع تشکل کارگری را بگیرد. مجید تمجیدی اهداف حکومت اسلامی را اینگونه ارزیابی می‌کند: «یک بخشی از هدف رژیم از اینکه قراردادهای موقت این قدر وسیع شده، مربوط به گفتمانی است که قانون کار را شامل کارگران هرچه کمتری کنند. در دهه ۶۰ اساساً با تغییر مضمونی کارگر و با تغییر مقولاتی مثل دستمزد در دوره توکلی قصد تغییر داشتند که با مقاومتی که از سوی کارگران انجام شد موفق نشدند آن را پیش ببرند. بعد از آن تلاش‌هایی که کردند این بود که کارگران شاغل در کارگاه‌های کمتر از پنج نفر را از شمول قانون کار خارج کنند که موفق شدند. علاوه بر آن کارفرمای شرکت مادر از طریق به مناقصه گذاشتن کار و تولید در کارخانه در عمل با هزینه کمتری کار را پیش می‌برد. به خاطر اینکه رقابت خیلی سخت و سنگینی بین شرکت‌های پیمانکار وجود دارد که از مقامات دولتی یا از نیروهای حراست در کارخانه هستند. آنها قراردادهای را قبلاً تا زیر سه ماه می‌نوشتند، الان خیلی وقت‌ها ماهانه تمدید می‌شود و خیلی وقت‌ها قراردادهای اساساً سفیدی هست که کارفرما هرچه خواست در آن می‌نویسد. نتیجه آن این است که اقتصاد ایران روی کار کارگران موقت می‌چرخد. کسب منافع آبی و سوددهی زیاد در مقطع خیلی کوتاه، سیاست‌های کلان اقتصادی دولت و شرکت‌های مادر را به پیش می‌برد که بحث‌های خیلی زیادی در نهادهای مختلف از جمله مجلس اسلامی به راه انداخته است. این روش در درازمدت می‌تواند کل اقتصاد را فلج کند و اقتصادی که اساساً همه کارهایش به قراردادهای موقت وابسته است، نمی‌تواند برنامه‌ریزی‌های درازمدت داشته باشد. این بخشی از انتقادی است که در خود نهادهای دولتی هم همیشه مطرح بوده است. بسیاری از سیاست‌گذاران و مدیران شرکت‌های بزرگ به فکر منافع خیلی درازمدت آن شرکت‌ها هم نیستند و به سودهای کوتاه مدت فکر می‌کنند، چون

می‌دانند که زمان کارشان کوتاه است. به ویژه در سال گذشته پس از اعتراض‌های زیادی که در رابطه با کارگران موقت صورت گرفت و حال گفتمانی در ایران شکل گرفته است و این واقعیت هست که ادامه این روند جنبش کارگری را معترض و رادیکال کند و ثبات رژیم را به خطر بیندازد.»

اعتراض‌ها و اعتصاب‌های گسترده

در سال گذشته اعتراض‌های کارگری برای لغو قراردادهای موقت کار، گسترده‌تر و به یکی از خواست‌های محوری کارگران تبدیل شد. اعتصاب هزار و ۴۰۰ کارگر قراردادی پتروشیمی تبریز در روز هفتم اسفند و اعتصاب دوهزار کارگر پیمانکار مجتمع پتروشیمی ماهشهر در روز ۲۸ همین ماه حاکی از همین خواست است. آنان خواستار لغو قراردادهای متعدد پیمانکاری و زیر پوشش قراردادن مستقیم کارگران توسط مجتمع پتروشیمی بندر امام شدند.

مجید تمجیدی می‌گوید: «عرصه اعتراضی کارگران ایران همیشه در پیوند با قراردادهای موقت بوده. حتی خیلی وقت‌ها اعتراض به اخراج‌ها هم به نوعی به قراردادهای موقت وصل بوده، به دلیل اینکه قراردادهای موقت دست کارفرما را در اخراج کارگرها خیلی باز گذاشته است. مثلاً نمونه اعتراض به قراردادهای موقت را در شهاب خودرو در اواخر سال گذشته داشتیم. بیشتر از ۵۰ کارخانه سیمان‌سازی در ایران داریم که همیشه در آنها اعتراض هست، ولی متأسفانه نیروهای حراست در همان نطفه اعتراض را خفه می‌کنند و خیلی از این کارگرها را حتی کتک می‌زنند و به خاطر نبود قرارداد رسمی، به نگهبان هم می‌گویند که اصلاً از فردا این کارگران را به کارخانه راه ندهید. به همین خاطر خیلی وقت‌ها این اعتراض‌های کارگری منعکس هم نمی‌شود.

بزرگ‌ترین اعتصابی که پارسال داشتیم در اواخر سال ۹۰ از پتروشیمی تبریز شروع شد و بعد ادامه پیدا کرد تا فروردین. همینطور در سه نوبت ما اعتراض کارگران پتروشیمی بندر امام را داشتیم که ده هزار کارگر به قراردادهای موقت اعتراض کردند. مقامات دولتی، استاندار، نمایندگان مجلس و احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور قول دادند که در آینده خیلی نزدیکی قرارداد با شرکت‌های پیمانکاری توسط شرکت‌های مادر بسته می‌شود و حتی در قانون کار هم می‌آورند که قرارداد موقت در کل در رابطه با کارهای موقت باید باشد. اگر کارخانه‌ای می‌داند که مثلاً ظرفیت تولیدی کارخانه سیمان تهران ۱۲ هزار تن است یا همین سپاهان مثلاً شش هزار تن است، باید براساس آن ظرفیت تولیدی روزانه کارگر استخدام کند و همه آن کارگرها باید کارگر رسمی باشند و فقط باید روی کار موقت قرارداد موقت بسته شود.

این مسئله قرار بود به عنوان یک قانون باشد. متأسفانه بعد از اینکه اعتراض‌های کارگری فروکش کرد، الان دعوایی سر اصلاح قانون کار در گرفته است که می‌خواهند در خود قانون کار هم قرارداد موقت را به یک مبنا تبدیل کنند. البته بخشی از نمایندگان مجلس هم به این معترض شده و گفته‌اند که شما با این کار مملکت را آتش می‌زنید و اگر این قانون تصویب شود، کارگرها اعتراض‌های خیلی وسیع‌تری می‌کنند. همین ماه شاهد اعتراض کارگران کارخانه سیمان‌سازی سپاهان بودیم و از سوی کارگران اکثر کارخانه‌هایی که الان اعتصاب نکرده‌اند مثل ذوب آهن اصفهان، شرکت‌های حفاری و شرکت‌های پتروشیمی، مهلتی داده شده است که اگر قراردادهای موقت ادامه پیدا کند، حرکت‌های خیلی سراسری و وسیع‌تری در رابطه با اعتراض به قراردادهای موقت، خواست قراردادهای رسمی و استخدامی در ایران پا بگیرد.»

گزارش پایتخت‌آ بهرامی

دامنه تعطیلی واحدهای صنعتی و به تبع بیکاری کارگران در استان‌های مختلف، نگرانی‌های زیادی را در میان کارگران و فعالین کارگری ایجاد کرده است ...

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ ۶ مرداد آمده است: مهم‌ترین خبر کارگری در هفته‌های گذشته، مرگ ۳ کارگر شیلات بندرعباس به دلیل گازگرفتگی در فاضلاب صنعتی بود که همچون حادثه مشابهی که چندی پیش در رباط کریم رخ داد و به مرگ پنج کارگر انجامید، بیانگر فقدان امکانات ایمنی در محیط کار است. ادامه تعطیلی واحدهای صنعتی و به تبع بیکاری کارگران در استان‌های مختلف، نگرانی‌های زیادی را در میان کارگران و فعالین کارگری ایجاد کرده است که در این گزارش به مرور خبرهای این حوزه خواهیم پرداخت.

واردات کالا، همچنان قربانی می‌گیرد

واردات بی‌رویه کالای خارجی به ویژه آن دسته از کالاهایی که مشابه‌شان در کشور تولید می‌شود، همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل بحران در واحدهای تولیدی عنوان می‌شود.

کارخانه ایران پویا، از قدیمی‌ترین تولیدکنندگان انواع لوازم خانگی، یکی از کارخانه‌هایی است که به دلیل افزایش هزینه‌های تولید و واردات کالای مشابه خارجی، در معرض تعطیلی قرار گرفته است. به گفته عبیدی‌پور، عضو شورای اسلامی کار کارخانه ایران پویا، تعدادی از کارگران این کارخانه ۲ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و همچنین حق بیمه بعضی از این کارگران به مدت ۴ ماه از سوی کارفرما پرداخت نشده است.

این فعال کارگری، وضعیت تولید کارخانه ایران پویا را وخیم گزارش و تاکید کرد: در فاز اول تعدیل نیروی این کارخانه ۳۷ نفر بیکار شدند و قرار است ۳۵ نفر دیگر نیز در فاز دوم بیکار شوند که تا امروز شورای کارخانه از این امر جلوگیری کرده است.

در همین رابطه دبیر خانه کارگر خوزستان هم درباره تعطیلی واحدهای بزرگ تولیدی در این استان هشدار داد و گفت: لوله سازی خوزستان در گذشته از شرکت‌های نمونه بخش دولتی محسوب می‌شد و از زمان واگذاری به بخش خصوصی وضعیت نابسامانی یافت. این فعال کارگری اضافه کرد: کارخانه لوله سازی در دو سال گذشته هیچ تولیدی نداشته و از پرداخت بیش از ۲۰ ماه حقوق کارگران خود ناتوان بوده است و این کارگران همچنان بلاتکلیف هستند. حسینی در ادامه به کارخانه قند اهواز اشاره کرد و گفت: بیش از ۱۴۰ کارگر کارخانه قند اهواز بیش از یکسال است که حقوقی دریافت نکرده‌اند. این فعال کارگری همچنین درباره مشکلات کارگران زیر مجموعه شهرداری‌های استان خوزستان و کارگران قطار شهری اهواز اظهار داشت: حقوق این کارگران معمولاً با تاخیر ۳ الی ۴ ماهه پرداخت می‌شود.

علاوه بر واردات کالای مشابه خارجی، افزایش هزینه مواد اولیه نیز مشکلاتی را برای واحدهای صنعتی کشور ایجاد کرده است، از جمله شرکت‌های تولید کننده آب معدنی در کشور که این روزها با برخی مشکلات دست به گریبان‌اند.

در این ارتباط پیمان فروهر، دبیر انجمن تولیدکنندگان آبهای معدنی و آشامیدنی در نامه‌ای خطاب به وزیر صنعت، معدن و تجارت نوشته است: کاهش مواد اولیه، قیمت هر کیلو مواد اولیه به عنوان مهم‌ترین ماده اولیه در صنایع آشامیدنی را به ۲ هزار و ۷۵۰ تومان رسانده و شرکت بازرگانی پتروشیمی نیز ناتوان از عرضه مقادیر کافی در بورس بوده و شرکت‌های تولیدی در صنایع آشامیدنی کشور بحران شدید تأمین مهم‌ترین ماده اولیه خود آن هم در پرکارترین ایام شغلی در سال را تجربه می‌کنند.

در بخش دیگری از این نامه آمده است: بحران تأمین مواد اولیه علاوه بر سایر مشکلات از جمله محدودیت در تأمین منابع مالی، رشد حداقل ۳۰ درصدی در هزینه‌های تولید طی سه ماهه اول سال، افزایش شدید نرخ مواد اولیه، بحران در واردات ماشین آلات و لوازم یدکی و افزایش شدید نرخ ارز منجر به خروج واحدها از گردونه کار و تولید خواهد شد.

مرگ ۳ کارگر در چاه فاضلاب بندرعباس

روز دو شنبه - دوم مرداد - در جریان لایروبی چاه فاضلاب صنعتی شرکت پخش فرآورده‌های شیلانی در شهرک صنعتی شماره ۲ بندرعباس، سه کارگر بر اثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. بر اساس این گزارش، حادثه هنگامی روی داد که کارگر اول برای لایروبی وارد چاه شده بود. او با احساس گاز گرفتگی تقاضای کمک کرد و دیگر کارگران نیز برای نجات او وارد چاه شدند. بنا بر اظهارات کارگران فاقد تجهیزات ایمنی کافی بوده‌اند. این در حالی است که در هفته‌های گذشته حوادث دیگری از جمله مرگ کارگر نیشابوری در حین کار و سقوط سه کارگر ساختمانی از طبقه پنجم در تهران بود.

وضعیت پرستاران، بحرانی است- سالانه ۵۰۰ پرستار از نظام سلامت کوچ می‌کند

به پایه گزارش سینا نیوز آمده است: دبیر کل خانه پرستار با بیان این نکته که آمار دقیقی از مهاجرت پرستاران وجود ندارد، گفت: با توجه به کانال‌های متعدد مهاجرت، آمار دقیقی در دست نیست اما با این حال می‌توان برآورد کرد که سالانه حداقل ۵۰۰ پرستار به دلیل مشکلات مالی، عدم رضایت شغلی و جایگاه اجتماعی کشور را ترک می‌کنند و تعدادی از پرستاران نیز خانه نشینی را به این حرفه ترجیح می‌دهند که با این شرایط شاکله وزارت بهداشت دچار آسیب‌های جدی خواهد شد.

محمد شریفی مقدم در خصوص علت گسترش موج مهاجرت پرستاران از کشور، تصریح کرد: علت عدم رضایت شغلی، مهم‌ترین علت مهاجرت و یا ترک رشته پرستاری است و باید گفت که این حرفه در حال حاضر با وضعیت بحرانی دست و پنجه نرم می‌کند و اگر مسئولین دیر به فکر بیفتند، شاکله وزارت بهداشت آسیب خواهد دید.

دبیر کل خانه پرستار با اشاره به علل شدت گرفتن این بحران، افزود: درب استخدام به روی پرستاران باز است، اما متأسفانه دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته آینده روشنی را پیش روی خود نمی‌بینند و تمایلی هم برای ورود به حرفه پرستاری ندارند. وی ادامه داد: علت اصلی عدم تمایل این مسئله این است که دانشجویان، پرستاران فعلی را آینده خود می‌دانند و امروز با توجه به تغییراتی که در بین نسل‌ها رخ داده است، شاهد تفاوت‌های آشکاری هستیم به طوری که دیگر پرستاران و دانشجویان فعلی این رشته، دلسوزی نسل ما را ندارند و زمانی که پرستاران فرشته محسوب می‌شدند دیگر گذشته است چراکه امروز این فرشته‌های زمینی نیاز به زندگی کردن دارند.

دبیر کل خانه پرستار با بیان این نکته که پرستاران همواره با عوامل خطر در ارتباطند، گفت: پرستاری بعد از معدن، سخت‌ترین و از پر خطرترین مشاغل به شمار می‌رود و متأسفانه در بین همکاران، پرستارانی داشتیم که به دلیل مصائب پرستاری به بیماری‌های متعدد دچار و یا فوت شده‌اند.

پرستارانی که خانه نشین می‌شوند:

وی در خصوص وضعیت فارغ التحصیلی و بازار کار دانشجویان پرستاری، افزود: تعدادی از فارغ التحصیلان رشته پرستاری یا به این حرفه وارد نمی‌شوند و یا در شرکت‌های خصوصی شاغل می‌شوند، علاوه بر این برخی از پرستاران هم ترجیح می‌دهند خانه نشین باشند و به طور کل ترک شغل می‌کنند، علاوه بر این تعدادی از پرستاران هم متقاضی مهاجرت به خارج از کشور می‌شوند.

شریفی مقدم رعایت استانداردها در خارج از کشور را یکی دیگر از عوامل مهاجرت پرستاران دانست و اظهار داشت: استانداردهای مرتبط با پرستاری معمولاً در بیمارستان‌های خارج از کشور به کار بسته می‌شود اما متأسفانه در اورژانس‌های ما به ازای هر پرستار ۱۵ بیمار وجود دارد و باید گفت پرستاران در خارج از کشور در فضای انسانی کار می‌کنند. وی ادامه داد: پرستاران در خارج از کشور معمولاً از دستمزدهای خوبی نیز برخوردارند و بر خلاف ایران که پرستاران در تصمیم‌گیری‌های حوزه سلامت نقشی ندارند در خارج از کشور جایگاه خوبی دارند با این حال، پرستاران ایرانی شاغل بیرون از مرزها، همیشه بهترین پرستار در کشور مهاجر محسوب می‌شوند.

شریفی مقدم با انتقاد از وضعیت ارتقای شغلی پرستاران، اظهار داشت: در خارج از کشور بیمار محوریت داشته و پرستار نقش مهمی را در تیم درمان به عهده دارد در حالی که در کشور فعالیت تیمی صورت نمی‌گیرد و پرستاران درگیر بی‌عدالتی‌ها می‌شوند و بر خلاف سایر کشورها از جمله آمریکا که بیش از ۹۰ درصد سمت‌ها برای غیرپزشکان است، معاونین و روسای نظام سلامت ما، اکثراً پزشک هستند. کوچ سالیانه ۵۰۰ پرستار به آنسوی مرزها:

دبیر کل خانه پرستار با بیان این نکته که آمار دقیقی از مهاجرت پرستاران وجود ندارد، گفت: برخی از افراد از اعلام آمار مهاجرت ۴۰ پرستار در ماه صحبت می‌کنند که این به هیچ وجه صحت ندارد و با توجه به کانال‌های متعدد مهاجرت، آمار دقیقی در دست نیست اما با این حال می‌توان برآورد کرد که سالانه حداقل ۵۰۰ پرستار از کشور می‌روند. وی در پایان خاطر نشان کرد: در حال حاضر پرستاری کشور روزهای خوبی را تجربه نمی‌کند و روز به روز از تعداد متقاضیان این حرفه کاسته می‌شود و اگر مسئولین به فکر چاره نباشند، شاکله وزارت بهداشت یعنی پرستاران از هم می‌پاشد.

بیکاری و عدم پرداخت حقوق کارگران

رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کرمان اعلام کرد: ۷۰ کارگر قراردادی کارخانه پیچ مهره سازی کامکار سیرجان پس از خاتمه مدت قراردادشان بیکار شدند. کارخانه پیچ مهره سازی کامکار سیرجان به جهت کاهش سفارش دهندگان محصولاتش، ۷۰ کارگر قراردادی خود را بعد از اتمام قرارداد کاریشان تمدید قرارداد نکرده است. او با اشاره به اینکه بیشترین سفارشات تولید پیچ مهره به این واحد از سوی کارخانه‌های بزرگ خودرو سازی صورت می‌گرفته است، اظهار کرد: به تبع کاهش یک سوی تولید محصولات کارخانه‌های بزرگ خودرو سازی، سفارشات کار این واحد قطعه‌ساز (تولید کننده پیچ و مهره) نیز به حداقل رسیده است. دبیر خانه کارگر مازندران نیز اعلام کرد: کارگران کارخانه خوش نوش ساری سه ماه از حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. نصرالله دریابگی با بیان اینکه در حال حاضر بزرگترین تولید کننده نوشابه شمال کشور به دلیل خصوصی سازی دچار بحران شده است، به ایلنا گفت: کارخانه نوشابه سازی خوش نوش ساری توان پرداخت حقوق سه ماهه گذشته کارگران خود را ندارد. این واحد تولیدی در ۱۰ سال گذشته بیش از ۹۰۰ کارگر داشته است که این تعداد هم اکنون به ۴۳ نفر تقلیل یافته است. این فعال کارگری با اشاره به اینکه بعد از پیروزی انقلاب این کارخانه در اختیار بنیاد مستضعفان و بعد آن به جامعه الزهرای حوزه علمیه قم واگذار شده است، اظهار داشت: طی یکسال گذشته به دنبال خصوصی سازی این واحد تولیدی دچار مشکل شده و هم اکنون با حداقل تولید فعالیت می‌کند.

وزارت کار مسئول اشتغال افراد بیکار نیست

این جمله‌ای بود که شیخ الاسلامی وزیر کار، در صحن علنی مجلس و خطاب به نمایندگان اظهار کرد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پاسخ به اظهارات نمایندگان در صحن علنی گفت: مواردی که نمایندگان محترم گفتند بار مالی دارد که اگر مبلغ آن به ما پرداخت شود این کارها را می‌توانیم انجام دهیم. مواردی که نمایندگان محترم گفتند تماما بار مالی دارد و این بار مالی برای وزارتخانه تامین نشده است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تصریح کرد: اگر پول این موارد را به ما بدهند این کارها را انجام می‌دهیم. وی در پاسخ به این سوال که از او پرسیده بودند وزیر کار هست یا نه گفت: من وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هستم اما طبق قانون عمل می‌کنم و قانون وزارتخانه جدید هنوز تصویب نشده است. شیخ الاسلامی خاطر نشان کرد: طبق قانون قبلی وزارت کار مسوول اجرای قانون کار و تنظیم روابط کارفرما و کارگر است یعنی اگر کسی شاغل باشد و مسایلی در دوران کار او و یا پس از آن برای او ایجاد شود به ما مراجعه می‌کند و ما مسوول افراد شاغل و یا بازنشسته هستیم نه افراد بیکار. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی یادآور شد: کار در بخش صنعت و خدمات و کشاورزی ایجاد می‌شود که هیچ کدام از این‌ها در دست ما نیست. وی افزود: امر اشتغال یک مساله فرادستگاهی است و مربوط به یک وزارتخانه یک سازمان نمی‌باشد. شیخ الاسلامی در ادامه با بیان اینکه من هیچ آماری ارایه نداده‌ام گفت: تنها آماری که دادیم آمار اشتغال در سال ۹۰ بود و تنها مرجع رسمی آمار در کشور نیز مرکز آمار است و ما تاکنون هیچ آماری ارایه نداده ایم. وی با بیان اینکه ۱,۲ نرخ بیکاری کاهش پیدا کرده است این موضوع را نشان‌دهنده جهت گیری درست وزارت کار دانست و گفت: با توجه به آمارها متوسط مبلغ مورد نیاز برای ایجاد شغل در کشور افزون بر ۸۰ میلیون تومان است. شیخ الاسلامی گفت: در باب آموزش موفق شدیم سازمان ملی مهارت را طرحی کنیم که همه فعالیت‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای کشور را در خود متمرکز کرده است.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی مازندران مقابل فرمانداری قائمشهر به دلیل پرداخت نشدن 24 ماه حقوق

به گزارش روزنامه دولتی کیهان آمده است: صبح شنبه 7 مرداد، در اعتراض به پرداخت نشدن حق و حقوق و مطالبات معوقه از سوی کارفرما، کارگران نساجی مازندران در مقابل ساختمان فرمانداری قائمشهر اجتماع کردند. به گزارش کیهان، این اجتماع که در ادامه سلسله اعتراضات کارگری، صبح شنبه به دلیل عملی نشدن وعده‌های سرمایه‌گذار و مسئولان شرکت نساجی مازندران انجام گرفت، کارگران خواستار پیگیری و رسیدگی مشکلاتشان از سوی مسئولان و کارگزاران دولتی شدند.

تجمع اعتراضی کارگران مخابرات آذربایجان غربی در بهارستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 6 مرداد آمده است: متأسفانه 5 ماه است که حقوقمان را پرداخت نکرده‌اند و این در شرایطی است که هنوز وضعیت بیمه و قرارداد ما مشخص نیست و ما را به امید اینکه شرایط کاری بهتر می‌شود، در محل کار نگه داشته‌اند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، کارگران شرکت مخابرات آذربایجان غربی، همزمان با آغاز جلسه علنی مجلس، در برابر ساختمان اصلی مجلس تجمع کردند. براساس این گزارش، نزدیک به 5۰ نفر از کارگران شرکت مخابرات آذربایجان غربی در اعتراض به وضعیت نامشخص شغلی و همچنین عدم دریافت 5 ماه حقوق معوقه خود در مقابل تجمع کرده و خواستار رسیدگی نمایندگان به وضعیت خود شدند.

بنابراین گزارش، یکی از کارگران شرکت کننده در این تجمع گفت: متأسفانه 5 ماه است که حقوقمان را پرداخت نکرده‌اند و این در شرایطی است که هنوز وضعیت بیمه و قرارداد ما مشخص نیست و ما را به امید اینکه شرایط کاری بهتر می‌شود، در محل کار نگه داشته‌اند.

تعویق 15 ماهه حقوق کارگران نقش ایران قزوین

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 6 مرداد آمده است: ، 15 ماه حقوق و 4 ماه بیمه سال جاری 48 کارگر کارخانه نقش ایران قزوین پرداخت نشده است.

بنابراین گزارش، بیش از هزار کارگر این کارخانه در جریان خصوصی سازی به مرور از چرخه فعالیت خارج شده و هم اکنون 48 کارگر در این واحد باقی مانده‌اند

کارگران نساجی مازندران 24 تا 25 ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

آنان به خبرنگار ما گفتند که این مسئله مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی را برایشان فراهم کرده است. به گفته برخی کارگران بروز این مشکلات سبب شده تا زندگی خانوادگی آنان در معرض فروپاشی قرار بگیرد.

کارگران نساجی مازندران از بی توجهی سرمایه گذار ترک به عنوان کارفرمای این شرکت گله مند هستند و از مسئولان خواسته اند نسبت به احیای حق و حقوقشان اقدام کنند.

فرماندار قائمشهر در جمع کارگران معترض که به اتاقتش رفته بودند طی تماس با نماینده تام الاختیار سرمایه گذار نساجی مازندران از طرف ایشان وعده داده تا دوشنبه 9/5/91 مشکل بازنشستگی کارگران مشمول را با تامین اجتماعی حل کند و تا چهارشنبه 11/5/91 يك ماه حقوق کارگران را پرداخت کند.

نارضایتی کارمندان بوشهری به خاطر کاهش حقوق-افزایش تورم و کاهش حقوق کارمندان بوشهری

به نوشته نسیم جنوب آمده است: همزمان با افزایش قیمت کالاهای مصرفی و بالا رفتن هزینه زندگی، کاهش فوق العاده بدی آب و هوا در حقوق کارمندان بوشهری، باعث نارضایتی آنان شده است. در حالیکه به گفته صاحب نظران شاهد تورم بیش از 30 درصدی در کشور هستیم و کارمندان از عدم همخوانی افزایش حقوقشان با میزان تورم، ناراضی هستند، کارمندان بوشهری شاهد کم شدن حقوق خود هستند. در تازه ترین اتفاق تلخ برای کارمندان بوشهری، در پی ابلاغ حکم کاهش فوق العاده بدی آب و هوا به کارمندان مشمول در استان بوشهر، احکام جدید حقوقی با کاهش محسوس و قابل توجه مواجه شده است.

در پی اعتراض دیوان محاسبات به پرداخت فوق العاده نوار مرزی به کارمندان استان بوشهر و حذف آن، دی ماه گذشته فوق العاده بدی آب و هوا و مناطق کمتر توسعه یافته به حقوق مشمولان افزوده شد که گرچه سقف آن کمتر از حق نوار مرزی بود، ولی تا حدودی توانست التیام دهنده حذف فوق العاده نوار مرزی در بین کارمندان باشد. اما اکنون براساس بخشنامه جدید، کاهش فوق العاده مذکور عملاً افزایش حقوق کارمندان در سال جدید را تحت الشعاع قرار داده است. فوق العاده بدی آب و هوا که فرمول محاسبه آن 25 درصد برای کارشناسان و 20 درصد برای دارنگان سایر مدارک تحصیلی بوده، بر اساس بخشنامه جدید، در احکام جدید حقوقی به 10 و 8 درصد کاهش یافته است. کاهش فوق العاده بدی آب و هوا در بوشهر در حالی است که با توجه به افزایش فوق العاده هزینه زندگی در بوشهر، انتظار است که دولت توجه بیشتری به قشر کارمندان نموده و حداقل اگر به فکر افزایش حقوق آنان متناسب با میزان تورم در جامعه نیست، از حقوق و مزایای قبلی آنان کم ننماید.

چرا باید با تعدیل ساختاری و خصوصی سازی مخالفت کرد؟!

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

به دلیل مخالفت رسمی و جدی اتحادیه نیروی کار پروژه ای با مناسبات اقتصادی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی، برخی از کارگران علت علمی این مخالفت و اثرات درازمدت آن بر اقتصاد کشور و مناسبات کار را جویا شدند. از این رو مختصری از واقعیت این پدیده سرمایه داری را بیان می کنیم و از همه ی فعالان سیاسی - کارگری که دارای بضاعت علمی - اقتصادی هستند، تقاضا داریم، ابعاد این پدیده را، از نظر استدلالی، کمی و کیفی برای نیروی کار کشور از همه ی زوایای آن باز کنند.

امپریالیسم جهانی و مناسبات نهایی اش نئولیبرالیسم، به این شناخت تاریخی رسیده است که دیگر نمی توانند مانند دوران استعمار با کشتی های توپدار و مشتت دزد دریایی ملت های دیگر را غارت کنند و نسل کشی هایشان را به نام استعمار* ادامه دهند و از آن کشور و ملت سرزمینی سوخته به جا بگذارند. صدور سرمایه ی سلطه طلب هم دیگر نمی تواند منافع دراز مدت آن ها را تامین نماید، زیرا این شیوه که بازمانده از دوران سرمایه داری صنعتی قبل از جهانی سازی است، دیگر قادر نیست بحران های ساختاری و ادواری سرمایه داری را به کشورهای عقب رانده شده، صادر کند. از این رو در جست وجوی راه کاربردی تر (به زعم غارتگران جهان)، جهانی سازی را به عنوان مناسباتی عملیاتی نمودند که عقب ماندگی، فقر، بیکاری و گرسنگی را از میان می برد. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که اکثر سهامشان به امریکا تعلق دارد، دو بازوی اصلی کاربردی کردن این مناسبات شدند. در زمانی کوتاه و عده هایشان وارونه شد. فقر، بیکاری، گرسنگی، تورم و بیماری جهانی شد و غارت چندین برابر دوره های گذشته.

دیگر واژه غارت و جنایت بیانگر واقعیت مناسبات موجود نیست. واژه ای که بر واقعیت ها انطباق دارد، نسل کشی است. زیرا با نئولیبرالیسم و تعدیل ساختاری و خصوصی سازی دولت ها نمی توانند بر مناسبات اقتصادی هیچ گونه دخالتی داشته باشند. قانون کار برای سرمایه گذاری خارجی و یا داخلی به کلی حذف شده (کار مزد منعطف پیشنهاد جدید دولت) و برای دفاع از صنایع و کشاورزی داخلی هیچ عوارض یا مالیات و گمرکی نمی توان از وارد کنندگان اخذ نمود. در نتیجه صنایع و کشاورزی سنتی در رقابت با کالا های وارداتی انبوه که با تکنولوژی پیشرفته تر و ارزان تر تولید شده است نابود می شود. و تنها کاری که از دست کشورهای غارت شده بر می آید، عرضه ارزانتر منابع کشور برای تامین ضروریات ابتدایی زندگی است که محرومیت ناشی از توزیع ناعادلانه همین حداقل ها نیز دلیل مضاعفی می شود تا بیشتر مردم در سراسر فقر و بیماری و مرگ و میر تدریجی قرار گیرند. ضمانت اجرایی این روند که به نام حقوق بشر و دموکراسی پیگیری می شود نیروی نظامی امپریالیستی ناتو است که هم مجهز به سلاح کشتار جمعی و هم حمایت ارتش و پلیس سرسپرده و ضد مردمی داخلی درون کشورهای عقب رانده شده است که در صورت عدم کارایی ارتش داخلی برای مقابله با هر نوع مقاومت، نیروی نظامی وظیفه ی نسل کشی را پی می گیرد. برای روشن تر شدن ابعاد این فاجعه کافیسست به حمله ناتو به یوگسلاوی، عراق، افغانستان ... و دیگر کشورهای عقب رانده شده در شمال آفریقا و خاور میانه اشاره کرد.

تاریخ معاصر جهان سرشار از نمونه های دیگر این نوع از تجاوز و غارت امپریالیستی است. در کشور اندونزی پس از کودتای نظامی امریکا به کمک ارتش سرسپرده ی اندونزی یک میلیون آزادی خواه قتل عام شدند. آزادی خواهانی که با انتخابات آزاد در کنار دولت انقلابی سوارانو مبارزه کرده بودند. پس از کشتار، مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی به رهبری سردار سازندگی سوهارتو وارد اندونزی شد. نرخ آب و برق و تلفن و همه ی نیازهای زندگی مانند امروز ایران به شدت بالا رفت. قانون کار برای حمایت از خصوصی سازی حذف شد.

سرمایه گذاران امریکایی و اروپایی همه ی منابع ملی از جنگل ها تا معادن اندونزی را با سرمایه گذاری مالک شدند. کارخانه ها یکی پس از دیگری احداث شد. ولی حقوق آنقدر پایین بود که امکان مسکن، بهداشت، آموزش و تغذیه کافی وجود نداشت. لذا حلبی آبادها بدون برق، آب

بهداشتی، بدون آموزش و پرورش و بهداشت در کنار ساختمان های شیک سرمایه داران (سرسپردگان و دست نشانندگان امپریالیسم) احداث شد. فاضلاب های رو باز در میان آلونک ها و جست وجوی غذا در میان زباله های سرمایه داران، کار و زندگی کودکان اندونزی شد. (1) ابعاد غارت منابع ملی

با برقراری مناسبات نئولیبرالیستی (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) با وساطت صندوق بین المللی پول، وام های امریکایی با بهره های کم رکن برای سرمایه گذاری به سرمایه داران داخلی و خارجی داده می شود. این اولین کانال غارت بدون کار و تولید توسط نهادهای سرمایه داری (نزول خواری) است. سرمایه گذار خارجی که توان مالی و امکانات صنعتی بالایی نسبت به سرمایه گذار داخلی دارد، وارد می شود. با مشتکی دلار که اکثراً پشتوانه ی اقتصادی ندارد، یک کارخانه را در کشور می سازد. کارخانه به دلیل پایین بودن نرخ منابع و نیروی کار در کشور عقب رانده شده، بسیار ارزان ساخته می شود. این می شود سرمایه گذاری ارزان برای به دست آوردن سود بسیار بالا. 2- به مواد خام برای تولید کالا نزدیک شده است. از این جهت هزینه ی حمل و نقل از آسیا و یا آفریقا به امریکا و اروپا را پرداخت نمی کند. 3- هزینه ی بالایی انرژی تبدیل به هزینه ی بسیار پایین انرژی در منطقه تبدیل می شود. 4- به دلایلی تسلط مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی حقوق نیروی کار (عاملی که باعث تولید کالا و شکل گرفتن ارزش مصرف، ارزش مبادله و ارزش اضافی می شود و بدون این عامل اصولاً تولیدی نمی تواند بوجود آید) نه بر اساس واقعیت ارزش آن، بلکه بر اساس قانون بازار (عرضه و تقاضا) تعیین می شود. چون نرخ بیکاری همیشه و بدون استثنا بیشتر از نرخ تقاضاست، و قانون کار هم با تعدیل ساختاری به گور سپرده شده است. نرخ حقوق، به حداقل بسیار نازلی می رسد که نان خالی برای زنده ماندن هم به دست نمی آید. (کارمزد منعطف پیشنهادی دولت) در چنین شرایطی نرخ تولید، برای سرمایه گذار بسیار پایین می آید. کالا با کمترین هزینه بابت نیروی کار و مواد خام و انرژی تولید و به بازار عرضه می شود و کالای ساخته شده به چند برابر قیمت تمام شده به فروش می رسد و همه ی ارزش ها چون ارزش اضافی که نیروی کار تولید کرده و ارزش مواد خام و انرژی، روانه ی حساب های بانکی سرمایه دار می شود. یک غارت همه جانبه و مغول وار از مواد خام، انرژی و نیروی کار ارزان که همه ی مزایایش به جیب سرمایه دار خارجی روانه می شود و صد البته سرمایه دار داخلی هم سهمی از این واردات و صادرات و سرمایه گذاری به صورت پیمانکاری و غیره دریافت میکند. آنچه باقی می ماند، مردمی گرسنه، بیکار، بیمار و بدون آموزش و بهداشت و معادنی تهی از منابع. البته آن سرمایه های خارجی در وحدت با سرمایه داران و دلالان داخلی، در این گونه صنایع چند حلقه واسطه را برای خود نگه می دارند تا در صورتی که مجبور به رها کردن آن صنایع شوند، تنها مشتکی آهن پاره باقی بماند. بنا براین، این گونه صنایع از نظر تکنولوژیکی معمولاً وابسته به صنایع کشورهای خواستگاه سرمایه هستند.

در دورانی که جبهه کار در مجموع دارای قدرتی بود و چیزی به نام اردوگاه سوسیالیسم وجود داشت، سرمایه داری جهانی و از آن جمله حکومت سلطنتی در ایران از وحشت مبارزات کارگران به دولت رفاه پناه برده بودند. در ایران با پایین نگه داشتن نرخ نیازمندی های حیاتی جامعه، قدرت خرید طبقه ی کارگر را در حدی نگه داشته بودند که در سفره ی آنها هم غذایی پیدا شود. اما امروز دیگر از آن خبری نیست.*

در اروپا و امریکا با دولت رفاه چهره ی واقعی سرمایه داری را استتار کردند ولی با شکست جبهه کار، سرمایه داری تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را که در مقابل دولت رفاه قرار داشت جبری کرد و با کمک بانک جهانی و صندوق بین المللی پول این جبر را به همه ی کشورهای با گرایش سرمایه داری تحمیل کرد و کشورهای که راهی غیر از سرمایه داری در پیش گرفتند با تحریم و محاصره اقتصادی - نظامی امپریالیسم و خطر تهاجم ناتو مواجه شدند. (کوبا نمونه ی شناخته شده ی این دست از مقابله ها) راه برون رفت از این شرایط نا بهنجار اقتصادی، تشکیل جبهه کار جهانی است. به جای زانوی غم در سینه گرفتن باید بر پای خود ایستاد. با تفرقه و پراکندگی رزمید و جبهه متحد ضد سرمایه داری، ضد دیکتاتوری بوجود آورد.

اتحادیه ی نیروی کار پروژه ای در اطلاعیه قبلی خود با اتکا به آمارهایی از ارگان های دولتی، دلایل علمی خود را برای مخالفت با مناسبات اقتصادی نئولیبرالیستی و به طبع آن سیاست های تعدیل ساختاری و خصوصی سازی ارائه نمود. ولی در شرایط کنونی که بحران تحریم ها می رود تا جامعه ی ما را به شدت به چالش بگیرد، ضروری می داند مجدداً به زوایایی از این فاجعه برای اقتصاد ما، به نام تعدیل ساختاری و خصوصی سازی بپردازد.

ما در شرایط حساس تاریخی قرار گرفته ایم. تحریم های اقتصادی می توانند ضربات سنگینی بر پیکر جامعه ی ما به خصوص بر کارگران و زحمتکشان ایران وارد کند. بورژوازی تجاری که دلارهای نفتی را صرف خرید سیر و پیاز و شکر چند ملیتی می کند و با شدت گرفتن بحران به کشور دوش مهاجرت می کند. ولی صدمات اصلی و کشنده را مردم رنج دیده ی ایران باید تحمل کنند. از این رو اتحادیه نیروی کار پروژه ای پیشنهاد می کند: بازنگری در سیاست های اقتصادی فعلی (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) در دستور روز قرار گیرد. زیرا در این شرایط دشوار اگر کشور ما متکی به تولیدات صنایع و کشاورزی خود باشد، تحریم ها کم اثر خواهند شد. ولی مناسبات نئولیبرالی سیاست های تعدیل ساختاری و خصوصی سازی ما را به این جا که هستیم رسانده است. به جایی که برای رفع نیازهای اولیه و حیاتی متکی به واردات باشیم، این نتیجه برآیند پذیرش شیوه ی اقتصادی پیشنهادی صندوق بین المللی پول است. ما اینک در مقابل تحریم ها ضربه پذیر هستیم، چون اتکا به خود را از دست داده ایم. حتا برای سیر و پیاز باید ارز بدهیم و این یعنی فاجعه ی اقتصادی که ما را به صورت خزانده در چنگال امپریالیسم اسیر خواهد کرد. حداقل انتظار مردم از مسئولین این است که این سیاست های ضد مردمی را به چالش بگیرند و مانع از تداوم آن شوند. طبقه ی کارگر صنعتی ایران توانایی اداره ی علمی- فنی صنایع بزرگ تولیدی را دارد و با کمک مهندسان و تکنسین های با شرف می تواند دشوارترین پروژه های صنعتی را به صورت بهینه سرپرستی کند. آن هم با کمترین دورریز مواد و مصالح و بدون هدر دادن نیروی کار ولی در ساختار نئولیبرالیستی موجود به دلیل سیاست های تعدیل ساختاری و خصوصی سازی تحقیر می شود و به کار گرفته نمی شود.

* ایجاد آبادی و رهبری مردم آن کشور به سوی ترقی - فرهنگ معین

** در میان کارگران یک نگرش نادرست بوجود آمده که ناشی از عوارض ویران گر تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در ایران است. بر اساس این نگرش نظام موجود را با نظام سلطنتی در یک قیاس قرار می دهند و با انگشت گذاشتن بر نرخ کالاهای حیاتی و ضروری زندگی که در نظام شاهی پایین نگه داشته شده بود، این نظام را محکوم می کنند اگر چه نفی شرایط موجود یک حقیقت درست و به جاست، ولی این قیاس بر پایه ای غلط بنا شده است، زیرا هر ساختار و نظام حکومتی که مناسبات سرمایه داری را پذیرفته باشد در این مقطع تاریخی به

ناگزیر همین روند نادرست تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را طی می کرد. از این رو شرایط موجود مهر تایید بر نظام گذشته نیست و رد مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی یک واقعیت عینی است. برای درک واقعیت دموکراسی لیبرالی امریکایی که متأسفانه آرمان چپ و اخورده ی ایرانی هم شده است می توان به کتاب اربابان جدید جهان اثر جان پیلجر مراجعه کرد.

منبع: وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر

صدور گواهینامه برای ۱۰۰ هزار کارگر ساختمانی

مدیر کل آموزش فنی حرفه‌ای استان تهران از صدور گواهینامه برای ۱۰۰ هزار کارگر ساختمانی و اخذ مجوز استخدام چهار هزار مربی خبر داد.

علی عبادی با اعلام این خبر در نشست روز ملی کارآفرینی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای گفت: این سه مرکز آماده‌بهره‌برداری است ولی از آنجا که برای تامین اعتبارات و به کارگیری نیروی انسانی با مشکلاتی مواجهیم، در انتظار مصوب‌شدن اعتبارات لازم هستیم. وی گفت: هر یک از این مراکز برای تامین امکانات و تجهیزات حداقل سه میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد. عبادی در ادامه از آموزش ۹۲ میلیون نفر ساعت در استان تهران طی سال گذشته خبر داد و گفت: این آموزش‌ها در مراکز ثابت و سیار، پادگان‌ها، صنایع، بخش خصوصی، جوار دانشگاه و مناطق روستایی بوده است. مدیر کل آموزش فنی حرفه‌ای استان تهران در عین حال از وجود پنج هزار و ۵۰۰ آموزشگاه آزاد در استان تهران و ۱۷ هزار آموزشگاه آزاد در کل کشور خبر داد.

تعطیلی کوره های آجرپزی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در ۸ مرداد آمده است: آجر دستی (فشاری) هفت هزار سال است که با دستان هنرمند قشر زحمتکش شکل گرفته و مستحکم کننده و زیبا ساز ساختمانها و بناهای امروزی ما بوده، اما امروزه این صنعت دستی هزاران ساله با تعطیلی کوره های آجرپزی سنتی آخرین نفسهای خود را می کشد. نبود کارگر یا ممنوع شدن کار بعضی کارگران افغان مهاجر، بالا رفتن قیمت سوخت کوره های آجرپزی و عدم گاز رسانی به واحدهای آجرپزی چندی از عوامل تعطیلی کوره های آجرپزی هستند.

بی آبی مطلق در 70 روستای آبادان

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در هشتم مرداد آمده است: نماینده مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی گفت: مردم روزه دار 70 روستای آبادان حتی آب آشامیدنی در روستای خود در این شرایط سخت گرمای هوا را ندارند.

محمد سعید انصاری اظهار کرد: شهر آبادان به علت جاری بودن رودخانه های مهم و پرآب بهمینشیر و ارونرود یکی از شهرهای پر آب استان خوزستان و کشور به حساب می آید ولی متأسفانه مردم این شهرستان و روستاهای آن، برای تامین آب آشامیدنی که حداقل شرایطی است که دولت برای شهروندانش ایجاد می کند در تنگنا هستند.

وی افزود: نخست اینکه مردم شهر آبادان هنوز مثل روزگاران قدیم آب را با بشکه های 20 لیتری از فروشندگان دوره گرد می خرند و این موضوع هزاران خطر برای شهروندان آبادانی ایجاد کرده است.

انصاری عنوان کرد: در روستاها هم وضع به مراتب سخت تر است زیرا در این مناطق حتی آب آشامیدنی وجود ندارد و مردم برای تامین آب شرب خود با مشکل مواجه هستند این در حالی است که زمانی در همین روستاهای آبادان، نهرهایی با آب گوارا و پر حجم وجود داشت ولی امروز مردم برای اندکی آب در تنگنا هستند.

نماینده مردم آبادان در مجلس تصریح کرد: امروز وضع در روستاهای آبادان به گونه ای است که 70 روستا در این شهرستان از بی آبی و نبود آب آشامیدنی در رنج هستند و مسئولان دولت باید در اسرع وقت فکری برای حل این مشکل آنها از خود نشان دهند زیرا تحمل این شرایط به خصوص در شهری مثل آبادان که گرمای شدیدی را تجربه می کند واقعا سخت است. انصاری با اشاره به اینکه وظیفه وزارت نیرو این است که آب را در سریع ترین زمان ممکن به این روستاها برساند، گفت: کاش مسئولانی که در آب و هوای مطلوب تهران زندگی می کنند برای یک روز خود را به جای مردم روستاهای آب با این گرمای وحشتناک قرار دهند با ببینند این مردم که ولی نعمت ما هستند در شرایط زندگی می کنند.

روخانه بهمینشیر که هم اکنون در آبادان جاری است پرآب ترین دهانه رود کارون و شاخه اصلی این رود است که در شمال جزیره آبادان قرار دارد و طول این رود 85 کیلومتر است و به خلیج فارس می ریزد. البته در شرایط فعلی آبی در این رودخانه نمانده است که به خلیج فارس بریزد و آب شور خلیج فارس بر آب شیرین بهمینشیر غلبه کرده است.

ادامه تجمعات اعتراضی مربیان پیش دبستانی آموزش و پرورش مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 8 مرداد آمده است: تعدادی از مربیان پیش دبستانی آموزش و پرورش امروز برای چندمین بار پی در پی مقابل مجلس تجمع کردند و با شعار «مربی پیش دبستان، استخدام استخدام» خواستار تعیین تکلیف هرچه سریعتر وضعیتشان شدند.

به گزارش 8مردادخانه ملت در همین رابطه، جمعی از مربیان پیش دبستانی با سوابق ۸ تا ۱۵ سال کار در مدارس دولتی که با عنوان شغلی نیروهای شرکتی مشغول به کار بوده‌اند، در اعتراض به درخواست وزارت آموزش و پرورش مبنی بر خروج آنها از مجموعه دولت و فعالیت در بخش خصوصی (مدارس غیرانتفاعی) مقابل مجلس تجمع کردند.

کارگران شهرداری کرمانشاه شش ماه حقوق نگرفته اند

برطبق خبر رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، در 8 مرداد آمده است: کارگران منطقه «یک» شهرداری کرمانشاه شش ماه حقوق نگرفته اند. طبق این گزارش، تعداد کارگران این منطقه شهرداری حدود 50 نفر هستند. این کارگران قصد دارند برای گرفتن حقوقهای معوقه شان دست به اعتراض و اعتصاب بزنند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه 8/5/1391

دستگاه فرزند سنگ بری، چراغ عمر کارگر جوان را خاموش کرد

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس در هشتم مرداد آمده است: کارگر 25 ساله ای که در شهرک ولیعصر تهران در حال کار با دستگاه فرز بود؛ ناگهان دستمال دورگردن وی به دستگاه فرز گره خورده و باعث خفگی شد.

برپایه این گزارش، این حادثه ساعت 15 و 50 دقیقه روز گذشته هفتم مردادماه در خیابان بافان شهرک ولیعصر تهران اتفاق افتاد. این گزارش حاکمیت، تحقیقات و مشاهدات ماموران حکایت از آن داشت که جوان 25 ساله که هویت وی عزیز نام دارد حین انجام کار دستمال دورگردنش به دستگاه فرز گره خورده و باعث خفگی وی شده است.

شایان ذکر است، حسب خواسته مقام قضایی پرونده ای در کلانتری تشکیل و جسد به تحویل پزشکی قانونی شهر تهران انتقال یافت و پیمانکار ساختمان نیز به کلانتری احضار و تحقیق از وی نیز کماکان ادامه دارد.

لزوم بازنگری در حداقل دستمزدها

به گزارش خبرگزاری دولتی جام جم، در هشتم مرداد آمده است: رییس شورای رقابت در اظهارنظری قابل تامل اعلام کرده: «در سال 89 خانوارهای شهری با درآمد ماهانه کمتر از 946 هزار تومان و خانوارهای روستایی با درآمد ماهانه کمتر از 580 هزار تومان زیر خط فقر به شمار می آیند.»

البته این آمارها فقط مربوط به سال 89 است و هنوز آمارهای خط فقر سال 90 و 91 از سوی این شورا اعلام نشده است؛ یعنی اگر نرخ تورم طی دو سال اخیر را هم به حساب بیاوریم، آن وقت معلوم نیست که خط فقر سال 91 چند میلیون تومان باشد.

این آمارها بخوبی حکایت از این حقیقت تلخ دارد که بسیاری از خانواده‌های ایرانی زیر خط فقر هستند؛ اما نکته جالبتر این که شورای عالی کار، حداقل درآمد کارگران در امسال را 389 هزار تومان تعیین کرده است.

در واقع، اینجا يك تناقض اساسی به وجود می آید که برای توضیح این تناقض، دو احتمال بیشتر وجود ندارد؛ یعنی یا نهادهای دولتی به آمارهای همدیگر اعتمادی ندارند و شورای عالی کار بدون توجه به آمارهای شورای رقابت، حداقل حقوق و دستمزد را تعیین می کند یا این که شورای عالی کار با علم به این آمارها، باز هم ترجیح می دهد که گروهی از مردم با دریافت حداقل دستمزدها، همچنان در زیر خط فقر به سر ببرند.

حتی اگر همین آمارهای مربوط به خط فقر سال 89 را ملاک سال 91 قرار دهیم، باز هم نزدیک به 600 هزار تومان اختلاف بین حداقل دستمزدها و میزان خط فقر اعلام شده وجود دارد.

به هر حال با توجه به این اوضاع پیش آمده، حداقل توقع مردم این است که یا شورای عالی کار در اعلام حداقل دستمزدهای کارگران بازنگری کند یا به شهروندان و رسانه‌ها پاسخ دهد که چگونه يك شهروند معمولی در يك کلانشهر پر هزینه، با 389 هزار تومان در ماه زندگی کند؟

شیفت های نامنظم کاری خطر سخته قلبی را 23 درصد افزایش می دهد

به گزارش سایت سلامت نیوز، در 8 مرداد آمده است: نوبت‌های کاری شامل شیفت شب، شیفت‌های نامنظم و نامشخص، برنامه‌های مخلوط و شیفت‌های چرخشی می‌تواند با ایجاد اختلال در ساعات فیزیولوژی بدن موجب بروز بیماری‌های عروقی شود.

این نتایج از تجزیه و تحلیل 34 مطالعه بر روی بیش از دو میلیون نفر حاصل شده است و طبق آن، شب کاری و شیفت‌های نامنظم کاری، امکان بروز حملات قلبی را تا 23 درصد و سخته مغزی را تا پنج درصد، افزایش می دهد. به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایرنا؛

شیفت‌های طولانی کاری و انجام هر نوع کار در خارج از ساعات معمول کار روزانه با ایجاد عوامل خطرزا مانند فشارخون بالا، کلسترول بالا و دیابت می‌تواند موجب پدید آمدن حمله قلبی و سخته‌های مغزی شود. این گزارش یادآور شده است برنامه‌های غربالگری و آموزش کارگران درباره نشانه‌های اولیه این بیماری‌ها و همچنین داشتن راهبردهای ویژه برای کار، انتخاب صحیح برنامه شیفت کاری و کنترل

سازمانی می‌تواند اثرات مضر نوبت کاری را بر سلامت کارگران کاهش دهد.

خبر انتقال به بند قرنطینه

به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر در 9 مرداد آمده است: شاهرخ زمانی فعال کارگری تبعید شده به زندان یزد، يك شنبه 8 مرداد به بند قرنطینه منتقل شده است. چند روز پیش مطالبی در مورد وضعیت زندان یزد و شرایط بهداشتی آن از قول شاهرخ زمانی منتشر شده بود.

پیوستن به "طومار اعتراضی، مطالباتی" راهی برای اتحاد و تشکل یابی سراسری کارگران

نویسنده: شاپور احسانی راد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: تشکل نیاز درونی طبقه کارگر، بخشی از سوخت و ساز و مکانیزم دفاعی او در برابر بی حقوقی و ظرفی برای گرفتن مطالبات صنفی، اجتماعی و سیاسی اوست. ظرف قدرتمند شدن او در عرصه اجتماع برای رهایی

خود از قید و بند استعمار است. اتحاد و تشکل ناشی از خود آگاهی طبقاتی کارگران که در طی کشمکش مادی، عینی و زمینی گاه آشکار و گاه پنهان بر سر معیشت و حقوق اولیه زندگی با برخورد با کارفرمایان به آگاهی طبقاتی می رسند، بدست می آید و در این میان طی سالها

مبارزات طبقاتی با سنت های مبارزاتی به مکانیزم و چگونگی ایجاد تشکل با توجه به ساختار حکومت، جامعه، قانون و انواع موانع پیش رو پی برده اند. اگر چه سیستم سرمایه داری پیچیده شده است اما کارگران بهترین، موثرترین و ساده ترین روش ها را برای خلاصی از

وضعیت مشقت بار کنونی پیدا خواهند کرد. اتحادیه، سندیکا، کانون صنفی و تحزب، تشکل های رایج و تعریف شده در نظام سرمایه داری هستند که ظرفی برای تشکل های مرسوم کارگران هستند. اما در طول تاریخ پیدایش سرمایه داری و طبقه کارگر در ایران، عوامل گوناگون

سرمایه داری حاضر نشده اند سازمانیابی کارگران را بپذیرند و در مواقعی نیز که ناراضیان روشنفکر سرمایه داری، جریان اصلاح طلب و ملی گرا تشکل های کارگری را برای پیشبرد و منافع طبقاتی و سیاسی خود از بالا ایجاد کرده اند به علت تعلق طبقاتی خود نه تنها نتوانستند

با کارگران پیوند داشته باشند بلکه باعث بی اعتمادی کارگران به این نوع تشکل ها نیز شده اند. اما امروز طبقه کارگر ایران با استفاده از

تجارب و سنت های مبارزاتی تاریخی کارگران و گذر از یک پروسه طولانی از ایده ها و نظریه پردازیهای خارج از خود و به دور افکندن کل زنگارهای تئوریک کهنه و سنتی دیگر اقشار و طبقات به بلوغ خود نزدیک شده است. تشکل خود را بر اساس تاریخ مبارزه طبقاتی

جدال کار و سرمایه و افق اش را لغو کار مزدی و نفی استثمار باز تعریف کرده است. مبارزه ایی که نقطه شروع و حرکت آن بوجود آمدن جنبش نیرومند طبقه کارگر است که برای اوضاع فی الحال و همین امروز برای مطالبات صنفی و اجتماعی خود مبارزه کنند و به حداقل

هایی از رفاه، آسایش، کار، مسکن، تامین اجتماعی، دارو و درمان، بهداشت و ایمنی کار و... دست یابند و در عرصه اجتماعی قدرتمند شود. از همین رو امروز طبقه کارگر ایران به اشکال مختلف اعتراض و خواسته های مطالباتی خود را در قالب مجمع عمومی های کارگری، طومارهای اعتراضی، اعتصاب ها، تجمع ها، راهپیمایی ها و تحصن ها و ... بروز می دهد و در خیلی مواقع توانسته است به دستاوردهایی نائل شود و در بعد اجتماعی خود را به اثبات برساند. بی شک عالیتترین ساختار تشکل طبقه کارگر نیز از درون همین محافل کارگری، مجمع عمومی ها، شوراهای صنفی و سندیکاها یا به عرصه اجتماع خواهد گذاشت. تشکلی با ساختاری مدرن و امروزی که خواهد توانست نماینده مطالبات، ایده ها و آرزوهای کل طیف های متفاوت طبقه کارگر باشد. در سطح جهان نیز شاهد هستیم کارگران به شیوه های بدیع و مدرن و سبکی نو برای مبارزات دست یافتند. جنبش نیرومند 99 درصدیها (جنبش اشغال وال استریت) بی شک جنبش خلع ید از خلع ید شدگان، جنبش طبقه کارگر است. طبقه کارگر آمریکا که بر اثر بی اعتمادی به سندیکاها و احزاب تاکتونی ظرفی و ساختاری نو برای جنبش خود ایجاد کردند روز به روز عرصه را در مهد نظام سرمایه داری تنگ می کنند. در خیابانهای اروپا بار دیگر شبی پرسه می زند. نظام پوسیده و ارتجاعی سرمایه داری با فروریزی دیوار برلین جشنها برپا کردند و پایان تاریخ را اعلام کردند عنان بازار آزاد و سود آوری سرمایه را چنان رها کردند که به منجلا و باتلاق امروز رسیدند که خروج از آن کار کرام الکاتبین است. کارگران متحد و متشکل اروپا از اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، یونان، فرانسه و ... پرچم مبارزه بر علیه ریاضت اقتصادی، فقر و فلاکت و بیکاری را بلند کردند و این سیاست مداران، بانکداران، سرمایه داران و صاحبان کارخانه ها هستند که هیچ راه حلی برای خروج از این بحران اجتماعی ندارند. بهار عربی، رابحه خوش آزادی و برابری را از خاور میانه تا شمال افریقا می پراکند و دیکتاتوریها مثل برگ خزان فرو می ریزند. این دستاورد های عظیم به یمن آگاهی، اتحاد و تشکل کارگران و زحمتکشان، پابرهنگان، هیچ بودگان با نیروی اراده انسان ها و امکان پذیری خواست زحمتکشان بر یک بستر تاریخی و در یک بزنگاه تاریخی روی می دهد.

در طول تاریخ ایران، ناپیوستگی و متشکل نشدن در بعد سراسری یکی از معضلات همیشگی طبقه کارگر ایران بوده است. امروز به همت و ابتکار اتحادیه آزاد کارگران ایران "امضا طومار اعتراضی، مطالباتی" توسط کارگران و حقوق بگیران شاید روزنه ی امیدی برای این همبستگی، تشکل، اتحاد و همدلی بنیان نهد. در این طومار در اعتراض مطالباتی که مرحله اول آن با ده هزار امضا تحویل وزارت کار، مجلس شورای اسلامی و نهاد ریاست جمهوری داده شده است.

بخشی از این طومار اعتراض کارگران به بیکاری، اخراج سازیهها، حقوق های معوقه، تورم و گرانی و قراردادهای موقت و بخشی به مطالبات کارگران از جمله افزایش دستمزدها بر اساس تورم واقعا موجود و تامین شرافتمند سبب هزینه خانوار چهار نفره، اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی، حذف شرکت های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم و دائمی کارگران و پرداخت به موقع دستمزدها و... آمده است و دولت فوراً باید این وضعیت نابسامان و مشقت بار موجود در جامعه را هر چه زودتر پایان دهد. هم اکنون تحویل این طومار و بازتاب آن در رسانه های داخلی و خارجی موجی از شور و شمع و امید در دل میلیونها خانوار کارگری بوجود آورده است. امروز کارگران تنها نیروی اجتماعی هستند که به صورت علنی و رسمی به کلیه بی حقوقی ها و فشار ها اعتراض کرده اند و مطالبات خود را که تقریباً مطالبات عموم جامعه است بیان کرده و خواهان پایان دادن به این وضعیت مشقت بار شده اند.

مسئله مهم این است که پیوستن همه کارگران، اعم از بیکار و شاغل و بازنشسته و حقوق بگیر به این طومار "اعتراضی مطالباتی" می تواند در سرنوشت اجتماعی همگان تاثیری بسزا داشته باشد و رساندن این طومار به میزان بالا نه تنها میتواند با به جلو راندن مطالباتی انسانی در سطح جامعه، سدی در مقابل هر تحول ضد انسانی ایجاد کند بلکه این حداقل کاری است که می توان با اتکا بر آن مطالبات صنفی و اجتماعی طبقه کارگر را با اتحاد و همدلی پیش برد. امضای این طومار اعتراضی، مطالباتی امری علنی است که به وزارت کار، مجلس و نهاد ریاست جمهوری تحویل داده می شود و تنها یکی از راههای ابراز وجود طبقه کارگر در شرایط کنونی است. ما نمی توانیم به سرنوشت خود و خانواده هایمان، جامعه و کشور و آینده مان بی تفاوت باشیم و شانه بالا بیاندازیم. هر امضا میتواند کارگشا باشد تا فردای بهتری داشته باشیم.

برخوردهای ضدکارگری در کارخانهی سنگبری آرز مهاباد!

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در 9 مرداد آمده است: کارخانهی سنگبری آرز مهاباد واقع در جاده مهاباد-ارومیه در حال حاضر فشار شدیدی را بر کارگران اعمال کرده و با استفاده از وضعیت موجود حقوق کارگران را به دفعات پایمال کرده و فضای ناامن و بی‌آفتاب را برای کارگران به وجود آورده است.

نمونهی بارز این اقدامات اخراج کارگری با نام «مصطفی رش» در روز شنبه 7/5/1391 است. کارگر نامبرده حدوداً یک‌ماه قبل طی یک حادثه‌ی کاری در شیفت شب دچار حادثه گردید و بعد از یک‌ماه استراحت پزشکی که به کارخانه مراجعت کرد در کمال تعجب با حکم اخراج از طرف کارفرما روبرو گردید. لازم به یادآوری است که کارفرما حتی از دادن معرفی‌نامه برای تأمین اجتماعی و اداره‌ی کار به کارگر نامبرده امتناع ورزیده است.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تجمع جمعی از رانندگان و کارگران کارخانه آب‌معدنی کریستال ولی آباد چالوس مقابل فرمانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 9 مرداد آمده است: از تعطیلی کارخانه آب‌معدنی کریستال ولی آباد چالوس به دلیل عدم مجوز تردد از سوی پلیس راه کشور و تجمع جمعی از رانندگان و کارگران کارخانه آب‌معدنی کریستال ولی آباد چالوس مقابل فرمانداری در همین رابطه خبر داد.

این گزارش حاکیست، جمعی 30 تا 40 نفره از این رانندگان به نمایندگی از مجموع 200 کارگر و راننده‌ای که به صورت مستقیم از کار بیکار شده بودند برای دریافت پاسخ و پیدا کردن راه حلی به فرمانداری چالوس آمده بودند.

این تعداد کارگران از تعطیلی 10 روزه این کارخانه خبر دادند و گفتند: مدیران کارخانه دست از تولید برداشته‌اند.

درویش اسکندری، محمد احمدی، حسن طالبی، حسین طالبی، هاشم و وحید بیره، روح الله نجفی، تقی سلطانی، عباس کوهستانی، یدالله مراد جعفری، ایرج پولادی و... از جمله این افراد بودند که در گفت‌وگو با فارس به بیان مشکلات خود پرداختند. آنها تنها مشکل خود را عدم صدور مجوز تردد در محور کنوان عنوان کردند و بیان داشتند: این در صورتی است که بقیه شرکت‌های ساختمانی و پیمانکاران آسفالت

آزادراه و سیاه بیشه با کامیون‌های 10 چرخ و 18 چرخ اجازه تردد دارند اما برای ما که آب معدنی را حمل می‌کنیم جریمه‌های سنگین صادر می‌شود.

یکی از رانندگان گفت: من تاکنون 700 هزار تومان جریمه شده‌ام، یکی دیگر از رانندگان از جریمه‌های 80 تا 450 هزار تومانی خود دم می‌زد و همچنین از دریافت شش نمره منفی خود گفت. بسیاری از رانندگان با اشاره به اینکه ماشین خود را به صورت قسطی خریداری کرده بودند ادامه دادند: با تعطیل شدن کارخانه نه تنها از کار بیکار می‌شوند در تامین معیشت زندگی نیز می‌مانند. رانندگان کارخانه آب‌معدنی کریستال تصریح کردند: مجوز تردد برای ما تنها در محدوده استان مازندران صادر نمی‌شود و ما برای تردد بعد از تونل در محدوده البرز مشکلی بابت تردد نداریم.

بنا بهمین گزارش، محمدحسین نیاسری مدیر کارخانه آب‌معدنی کریستال اظهار داشت: از شنبه هفته گذشته کارخانه را به دلیل مشکلاتی که همه مسئولان در جریان آن هستند تعطیل کردیم، کارگران هر روز به کارخانه می‌آیند و کارت می‌زدند اما فعالیتی انجام نمی‌دهیم.

وی اظهار داشت: مجوز تردد برای تردد نیسان، خاور، کامیون و دیگر ماشین‌های حمل بار این کارخانه صادر نمی‌شود اما این در حالی است که دیگر شرکت‌های پیمانکار راه و پروژه‌های عمرانی می‌توانند با کامیون‌های 10 چرخ از محور کندوان عبور کنند.

نیاسری ادامه داد: تاکنون بارها از سوی مراجع ذی‌صلاح این مسئله به گوش مسئولان رسید اما چاره‌ای برای آن اندیشیده نشد و ما هم از ادامه روند تولید کارخانه بازمانده‌ایم. وی اذعان داشت: عدم صدور مجوز برای محور کندوان به دلیل مشکلات این محور، همچون ترافیک و نوع اقلیم آن انجام می‌گیرد اما چرا باید این مسئله فقط برای کارخانجات تولیدی باشد.

مدیر کارخانه آب‌معدنی کریستال بیان داشت: مسیری که ما اجازه تردد می‌خواهیم از کارخانه به سمت تونل یعنی انتهای محدوده مازندران به میزان هشت کیلومتر است که این مسیر با مسیر حادثه‌خیز هزارچم فاصله زیادی دارد و مسئولان می‌توانند تبصره‌هایی در این مجوز لحاظ کنند که ما هم بتوانیم تردد داشته باشیم، اما در دیگر سو، ماشین‌های سنگین آسفالت از نور تا سیاه‌بیشه در رفت و آمد هستند بدون اینکه از آنها مجوزی بخواهند. وی با بیان اینکه این کارخانه 150 تا 200 نفر کارگر و راننده و توان تولید 15 هزار بسته آب‌معدنی در روز را دارد، تصریح کرد: به دلیل عدم حمل این تولیدات برای رسیدن به دست مشتری مجبور به تعطیلی کارخانه شده‌ایم.

نیاسری اذعان داشت: این درحالی است که صاحبان کارخانه برای افزایش دوبرابری تولیدات کارخانه برنامه‌ریزی کرده بودند که حدود 40 نفر نیز اشتغالزایی جدید می‌توانستیم داشته باشیم.

تعویق ۱۵ ماهه حقوق کارگران نقش ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 مرداد آمده است: نماینده کارگران کارخانه نقش ایران اعلام کرد: ۱۵ ماه حقوق و ۴ ماه بیمه سال جاری ۴۸ کارگر کارخانه نقش ایران قزوین پرداخت نشده است.

سید مجتبی رضوی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بعد از واگذاری کارخانه نقش ایران به بخش خصوصی در آذر ماه سال ۸۳ این واحد تولیدی دچار مشکلات مدیریتی شده و به مرور تولید این کارخانه متوقف شد.

او افزود: بیش از هزار کارگر این کارخانه در جریان خصوصی سازی به مرور از چرخه فعالیت خارج شده و هم اکنون ۴۸ کارگر در این واحد باقی مانده‌اند.

او اضافه کرد: سابقه فعالیت کارگران کارخانه نقش ایران بیش از ۲۲ سال است و این کارگران به امید بازنشسته شدن هر روز در این کارخانه حضور می‌یابند.

به کارگیری معدن‌کاران در سه شیفت مداوم ۱۵ روزه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 مرداد آمده است: بعضی از معادن خصوصی زغال سنگ از جمله شرکت معدن جو و نگین که سوابق حوادث کاری متعددی نیز در کارنامه دارند، کارگران را در دو تا سه شیفت کاری به صورت مداوم در ۱۵ روز بکار می‌گیرند.

براساس این گزارش، کارگران شاغل در معادن خصوصی روزانه بیش از ۱۵ ساعت کار می‌کنند در حالی که کار در اعماق زمین به دلیل آثار زیان‌باری که در درازمدت بر سلامتی کارگران می‌گذارد طبق ماده ۵۲ قانون کار نباید در روز از ۶ ساعت و در هفته از 36 ساعت تجاوز کند.

بنابهمین گزارش، کارگران معادن طبس نه تنها از مزایای مشاغل سخت و زیان آور استفاده نمی‌کنند بلکه روزانه با بیش از ۱۵ ساعت کار حتی حقوق و مزایای اضافه کاریشان نیز پرداخت نمی‌شود.

برخوردهای ضدکارگری در کارخانه‌ی سنگبری آرزغ مهاباد!

به گزارش سایت کمیته هم‌هنگی ... در 9 مرداد آمده است: کارخانه‌ی سنگبری آرزغ مهاباد واقع در جاده مهاباد-ارومیه در حال حاضر فشار شدیدی را بر کارگران اعمال کرده و با استفاده از وضعیت موجود حقوق کارگران را به دفعات پایمال کرده و فضای ناامن و بی‌آفتاب را برای کارگران به وجود آورده است.

نمونه‌ی بارز این اقدامات اخراج کارگری با نام «مصطفی رش» در روز شنبه 7/5/1391 است. کارگر نام‌برده حدوداً یک‌ماه قبل طی یک حادثه‌ی کاری در شیفت شب دچار حادثه گردید و بعد از یک‌ماه استراحت پزشکی که به کارخانه مراجعت کرد در کمال تعجب با حکم اخراج از طرف کارفرما روبه‌رو گردید. لازم به یادآوری است که کارفرما حتی از دادن معرفی‌نامه برای تأمین اجتماعی و اداره‌ی کار به کارگر نام‌برده امتناع ورزیده است.

کمیته‌ی هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-

۱۸۰ کارگر پیچ کوبان ۳ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 مرداد آمده است: ۱۸۰ کارگر کارخانه پیچ کوبان سواد کوه ۳ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند.

این گزارش حاکیست، کارخانه پیچ کوبان سوادکوه با داشتن ۱۸۰ کارگر ماهر و متخصص و مدیران مجرب به دلیل ناتوانی در دریافت بدهی‌های معوقه خود از کارخانه‌های بزرگ خودرو ساز کشور، توانایی پرداخت ۳ ماه حقوق و سایر مزایای قانونی کارگزارانش را ندارد.

راههای نجات خودبهای گرانی مرغ و گوشت و نان ...

نویسنده: پروین محمدی

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگری آمده است: در حالی که از گرانی مرغ و گوشت و لبنیات و میوه و تمام مایحتاج زندگی از خوراک و پوشاک و درمان و آموزش و مسکن، جانمان به لب رسیده و هر روز بحران کوچک شدن سفره هایمان به محو شدن آن نزدیک میشود، در رسانه ها خبرهای گوناگون و سخنان گوهر باری از چاره جویی مسئولین را به نمایش میگذارند، تا احساس تنهایی نکنیم و بدانیم که مسئولین به فکر مردم هستند و درک میکنند که چه بلایی را وارد چرخه ی زندگی خانواده ها کرده اند.

اما با کمال تأسف به جای اینکه برای مشکل پیش آورده فکری کنند و توصیه هایشان برای جبران این بلای ناخوانده باشد، باز دیواری از زندگی ماکارگران کوتاه تر پیدا نکرده اند و توصیه های اخلاقی مختلفی برای زندگی امان صادر میکنند.

در جایی خبر دار میشویم که دستور میدهند در صدا و سیما صحنه های خوردن مرغ را نشان ندهند تا بچه هایمان هوس غذای شاهانه نداشته باشند، خدا عمرشان بدهد باز به فکر ما سرپرست خانواده ها هستند که بیشتر از این شرمنده خانواده هایمان نشویم. ولی یادشان می رود که فقط مرغ را از صفحه سیما حذف نکنند و از این به بعد نان و میوه و شیر و سبزی و خانه و کاشانه را نیز نشان ندهند. از دارو درمان و درس و دانشگاه هم صحبتی به میان نیاورند و در یک کلام نفس کشیدن را نشان ندهند!!! در این صورت شاید به وقت یادمان برود ما هم زنده هستیم!!

در جایی دیگر از توصیه ی نخوردن و نخوردن مرغ برای مدتی یک ماهه می نویسند و داستان پیرزن وطن دوست آلمانی را تعریف میکنند که همین مشکل برای یکی از کالاهایشان افتاده بوده و مستاجران این خانم که ایرانی بودند برعکس آلمانیهای محترم هجوم به فروشگاهها برده اند و بدون آنکه نیازی به آن کالا داشته باشند آن را خریداری کرده اند و برای روز مبادا انبار نمودند. آن پیرزن به جای تشویق مستاجرانش، آنان را از خانه خود بیرون میکند و نشان میدهد همه مشکلات به این فرهنگ پایین ما ایرانی ها برمی گردد که طمع میکنیم و وقتی میبینیم که دولت محترم لطف کرده اند و بجای مرغ 3500 تومانی قبلی، مرغ 4750 تومانی را با اعمال شاقه در صف های خفه کننده و کشنده عرضه میکنند به جای تشکر از این مشکل گشایی، قدر نشناس میشویم و به دنبال کامیون مرغ میدویم و از سرو کول همدیگر بالا میرویم و حتی خبر دار میشویم که کسانی در صف بیهوش میشوند و جان میسپارند و کسانی دیگر بر اثر برخورد به کولر گازی دچار برق گرفتگی میشوند. اما باز امان از این بی فرهنگی ما جماعت بی پول و علاف و بیکار که درس نمی گیریم و هر روز پی یک دانه مرغ میدویم. حقا که هر چه بلاست بر سر بی فرهنگی ما طبقه ی پایینی هاست.

ولی این نگارنده های محترم فراموش میکنند که این اعتراض متمدانه ی خریدن یک کالا برای زمانی است که شما فقط با مشکل گران شدن غیر عادی یک کالا روبرو باشید و اوضاع درآمد و شغل و حقوق های دریافتی ات با اقتصاد جاری آن جامعه همخوانی داشته باشد نه برای زمانی که ما شغلی نداریم و یا اگر شغلی داشته باشیم حقوقمان را ماهها پرداخت نمی کنند و اگر هم پرداخت کنند چند ده برابر زیر خط فقر رسمی اعلامی مراکز آمار همان جامعه است و گرانی و تورم یقه ی زندگی مان را گرفته و خانواده هایمان در حال خفه شدن از دست این وضعیت هستند.

در ضمن کدام کالا را متمدانه از سفره هایمان برای مدتی نامعلوم حذف کنیم تا زیانی به رشد و سلامت و حیات و بقای خانواده هایمان نرساند. نان رامیگویی که در عرض دو سال چندین برابر شده، میوه را تا کی از فرزندانمان پنهان کنیم، شیر و لبنیات را تا کی نخوریم، سبزیجات را چگونه؟ دارو درمان را چه کنیم که یا بیمه نیستیم و یا کارفرما با کمال پررویی حق بیمه مان را ماهها از حقوقمان کسر کرده ولی به حساب بیمه نریخته و ما باید تاوان دزدیهای آنان را بپردازیم، از مسکن چه بگوئیم که بیش از 75 درصد گرانتر از سال پیش شده است. آیا جایی را سراغ دارید تا موقتا آنجا سکونت کنیم تا مالکان به سر عقل بیایند و قیمت اجاره و خرید مسکن را معقول کنند. سفارش میکنند که پزشکان و بزرگان نیز از ضررهای گوشت و مرغ گفته اند و انگار دستانی خیر خواه خواسته اند تا خانواده ی ما را از پر خوری گوشت و مرغ نجات دهند تا مرض نقرس نگیریم و توصیه میکنند چندی این دو کالا را از سفره خود حذف کنید و با لفاظی همانند(نمی میرید اگر دو روز مرغ نخورید و یا کارد بخوره به اون شکم که نمی توانید دو روز نگه اش دارید) استفاده میکنند و طوری نمایش میدهند که کسی در این جامعه زندگی نکند فکر میکند عجب مردم بی دردی هستیم و با کوچکترین مشکلی غوغا به پا میکنیم. چندین سال بود که مسئله گرانی از گوجه فرنگی شروع و به پیاز و سیب زمینی و تخم مرغ ختم میشد تا اینکه امسال با رکوردی بی نظیر از گرانی میوه ی شب عید، بالا رفتن قیمتها و سبقت گرفتن نرخ هایشان از همدیگر شروع شد و الان دیگر هیچ کالایی نیست که از این مسابقه ی افزایش قیمتها جا مانده باشد الا جان و نیروی کار ما کارگران که مجانی تر از همیشه در بازار ارائه میگرد.

در مقاله ایی در عصر ایران با عنوان "از صف های طولانی مرغ در ایران تا پیرزن وطن دوست آلمانی" نویسنده در ابتدا جوال دوزش را به دولت این چنین میزند "صورت مساله این است: مرغ به دلیل بی تدبیری مسئولان گران می شود؛ هیچ کس هم نمی تواند منکر مسئولیت مسئولان شود و ماله کشی های دولتی در این باب نیز تنها نمک بر زخم مردم می باشد(زخم ما آنقدر عمیق است که این نویسنده قادر نیست آن را پنهان کند).

در مرحله بعدی، دولت مقداری مرغ به قیمت ارزان تر از بازار آزاد، عرضه می کند. البته این قیمت به اصطلاح ارزان، گران تر از قیمت های قبلی است" ولی در ادامه برای بالا بردن فرهنگ ما مردم آپاچی که ببخود به خریدن مواد غذایی رو می آوریم سوزش را به ما مردم میزند و میگوید "در اینجا مردم می توانند دو رفتار کاملاً متفاوت از خود نشان دهند: هر کس به اندازه کم، مرغ بخرد و یا برای مدتی کوتاه، مرغ را تحریم کند. هیچ کس با نخوردن مرغ به مدت مثلاً یک ماه، دچار مشکل نمی شود(یعنی به قول ایشان باید بی تدبیری مسئولین را با گرسنگی کشیدن خانواده هایمان پاسخ دهیم و بعد میگوئید شما کارگران را چه به مرغ خوردن که غذایی شاهانه به حساب میاید).

اما رفتار دوم این است که مردم به فروشگاه های مرغ "هجوم" بیرند و به دنبال کامیون های حامل مرغ ، چنان بودند که گویا دنبال کسپول اکسیژن برای راهی از خفگی هستند(میبینید عجب آدمهای بی فرهنگی هستیم که به دنبال غذا مثل کسپول اکسیژن برای خفگی میدویم! مگر نمی دانید قرن 21 است و بشریت به پیشرفتی نائل گردیده که کارگران میتوانند بدون آب و نان هم زنده بمانند).

نگارنده افرادی را می شناسد که در روزهای اخیر ، با همه اعضای خانواده در صف های طویل مرغ به اصطلاح ارزان دولتی ایستاده و 30 الی 40 مرغ را در یکی دو روز خریده اند(حالا حساب کنید 40 تا مرغ میشود حدودا می شود 600 هزار تومان! حالا نگارنده ی محترم خودتان بگویید این افرادی که می شناسید چند درصد این جامعه به حساب می آیند) آخر این ماجرا هم معلوم است ؛ بعد از آن که جیب های مافیا و دلالان آکنده از پول مردم شد (یعنی با زبان بی زبانی ما مردم اسیر مافیاهایی شده ایم که این بازی را برای پروار شدن راه انداخته اند و هیچ کس وجود ندارد که زورش به این گردن کلفتان برسد و به ما توصیه میکنند که بمیریم)، مرغ آزاد 9000 تومانی را به مثلاً 5000 تومان کاهش می دهند و کلی هم منت می گذارند که قیمت ها را شکستیم و اصلاً هم به رویشان نمی آورند که این همان مرغ 4 - 3 هزار تومانی قبلی است.

چه عاقبت شیرینی را نگارنده برایمان به تصویر میکشد بعد از یک ماه نخوردن و نپوشیدن و مردن. مافیاهای!! گردن کلفت تر از قبل همچنان افسار زندگی مان را در دست دارند و هیچگاه معرفی نمیشوند چرا که خودیها همه از این و...؟؟!!

رای دیوان عدالت اداری به برکناری مرتضوی

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در نهم مرداد آمده است : دیوان عدالت اداری انتصاب سعید مرتضوی به مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی را باطل کرد.

محمد دهقان عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: مصوبه هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی در خصوص انتصاب سعید مرتضوی به مدیرعاملی سازمان تأمین اجتماعی در هیئت عمومی دیوان عدالت ابطال شد.

وی افزود: بر اساس این رای هیئت عمومی دیوان عدالت که قطعی هم هست و قابلیت برگشت ندارد، سعید مرتضوی هیچ سمتی در سازمان تأمین اجتماعی ندارد.

بلاتکلیفی ۸ ساله / مسکن کارمندان بهزیستی در ابهام

داستان غریبی است ... ۸ سال بلاتکلیفی برای شاید و شاید در آرزوی سرپناهی ... داستان به سال ۱۳۸۲ برمی گردد ... ۱۱۰۰ کارمند این سازمان هر یک با واریز ۲۵۰۰۰۰۰ تومان به حساب تعاونی مسکن خود به انتظار ثمرات درختی نشستند که حال پس از گذشت قریب ده سال بنظر خشکیده است

به گزارش 9 مرداد، کرمانشاه پست اوضاع نامناسب سازمان بهزیستی کرمانشاه تنها شامل افراد تحت پوشش آن از جمله معلولین ، بی سر پناهان و آسیب دیدگان اجتماعی نیست . همین چند روز پیش گزارشی از اوضاع نامناسب یکی از معلولین کنگاور را منتشر کردیم که برای ابتدایی ترین امکانات زندگی دچار مشکل بود .

تمام سطح این استان را بگردیم اثری درخور توجه و شایستگی معلولین نمی بینیم . از مناسب سازی محیط شهری تا امکانات رفاهی شخصی و درآمد مکی . اما گویی گرفتاری و مشکلات سازمان بهزیستی تنها شامل جامعه هدفش نیست . کارمندان زحمتکش این سازمان اوضاعی بهتر از ارباب رجوعان خود ندارد. آنها برای سرپناهی و امیدی برای فرزندان و تکریم زحماتشان دست بگیریناند .

داستان غریبی است ... ۸ سال بلاتکلیفی برای شاید و شاید در آرزوی سرپناهی ... داستان به سال ۱۳۸۲ برمی گردد ... ۱۱۰۰ کارمند این سازمان هر یک با واریز ۲۵۰۰۰۰۰ تومان به حساب تعاونی مسکن خود به انتظار ثمرات درختی نشستند که حال پس از گذشت قریب ده سال بنظر خشکیده است .

در آن دوران جیب های کارمندانی خالی شد تا با خرید زمینی ۱۲ هکتاری ولی کشاورزی در منطقه ای حاشیه ای (قلعه کهنه) شاید سرپناهی برای آینده خود جستجو کنند . اما هر سال که می گذشت در آن زمین طلسم شده آب از آب تکان نخورد اما از آمار اعضای تعاونی با مرگشان هر سال و ماه کاسته می شد .

گویی هیچ مسئولی نه توان و نه خواستی برای تغییر کاربری این زمین ۱۲ هکتاری از کشاورزی به مسکونی دارد . اسناد و گفته اعضای تعاونی مسکن سازمان بهزیستی کرمانشاه نشان می دهد نه از نامه نگاری به سازمان بازرسی کل کشور نتیجه ای گرفته نه از مقامات وزارت مسکن و شهرسازی . نمایندگان مجلس که دیگر جای خود دارد ! یکی از اعضای تعاونی به کرمانشاه پست می گوید : چگونه در کنار دست ما ناجا (نیروی انتظامی) براحتی تغییر کاربری زمین های خریداری شده خود را کسب می کند اما بهزیستی نمی تواند ؟ دیگری می گوید : واریز پول های ما شده مجتمع زیستا در روبروی پالایشگاه نفت کرمانشاه . بهتر نیست مسئولین دست به تحقیق و بررسی درباره وجوه دریافتی بزنند؟!!

امروز آنچه مانده بلاتکلیفی این هزار عبور کردگان از نظر تعداد و سکوت مسئولان برای حل مشکل است ... این را نوشتیم تا شاید ... این صدا شنیده شود ...

هر صدایی که شنید ما پژواک آن خواهیم شد ...

ادامه موج تقاضا برای کار تا سال 94

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 10 مرداد آمده است : افزایش تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی کشور نه تنها باعث ایجاد پدیده "تورم شغلی" و انباشت تقاضا برای کار در برخی رشته ها شده است بلکه تاخیر کارجویان در ورود به بازار کار نیز موجب ادامه موج بیکاری تا سال 94 خواهد شد.

بررسی جدیدترین تغییرات جمعیتی کشور در یک دوره 5 ساله نشان می دهد که با وجود حرکت ایران به سمت کشوری با جمعیت میانسال، هنوز هم بخش قابل توجهی از جمعیت کل کشور را جوانانی تشکیل می دهند که به صورت بالقوه مستعد و متقاضی ورود به بازار کار از نوع مشاغل با پرسنیز و لوکس هستند.

رسیدن میانگین سنی کشور به 29.86 سال در سال گذشته با اینکه نسبت به سال 85 نشان دهنده پیرتر شدن جمعیت کشور و قرار گرفتن در شرایط عبور از جوانی است اما همواره بر این موضوع بسیار بااهمیت تاکید دارد که موج تقاضا برای اشتغال و ورود به عرصه های مختلف بازار کار؛ همچنان به عنوان یک مسئله اساسی و چالش در کشور تا حداقل نیمه دهه 90 ادامه خواهد داشت. موج بیکاری تا نیمه دهه 90

با اینکه طبق گزارش اخیر مرکز آمار ایران؛ دیگر آن رشد افسانه ای جمعیت در خانوارهای دهه 60 در دهه های 70 تا 90 تکرار نشده اما رسیدن متولدین دهه 60 به بازار کار و سن حداکثر 31 سال؛ نشان دهنده باقی بودن پدیده تورم جمعیتی جوان در ایران است. در حال حاضر 31.4 درصد جمعیت 75 میلیونی ایران مرد و در سن 15 تا 29 سال قرار دارند و 31.7 درصد زنان ایرانی نیز دارای چنین وضعیتی هستند.

ادامه روند ورود سیل آسای جوانان و تاخیر متولدین دهه 60 در ورود به بازار کار که قرار بود بعد از نیمه دهه 70 تا نیمه 85 عموماً شاغل شوند؛ باعث شده است تا پدیده انباشت تقاضا برای اشتغال در کشور مشهود و به عنوان اساسی ترین دغدغه بسیاری از جوانان به ویژه کارجویان فارغ التحصیل دانشگاهی محسوب شود.

تاخیر 6 ساله در ورود به کار

هم اکنون چیزی بیشتر از 23 میلیون و 500 هزار نفر از جمعیت کشور مردان دارای سنین 15 تا 29 سال هستند و در این گروه سنی جمعیت زنان نیز بالغ بر 24 میلیون نفر است. این گروه سنی به تنهایی حدود 48 میلیون نفر از کل جمعیت کشور را شامل می شود. البته تنها بخشی از این جمعیت کلی می تواند شرایط فعالیت به لحاظ اقتصادی را داشته باشند که عموماً در حد 50 درصد برآورد می شود. بر این اساس، طبق گزارشات قبلی مرکز آمار ایران، جمعیت شاغل کشور و فعال به لحاظ اقتصادی چیزی حدود 22 میلیون نفر بوده است که با اینکه بخشی از این جمعیت شاغل غیر از سنین 15 تا 29 سال است و حتی تا دوره بازنشستگی و 60 سال نیز در این گروه وجود دارد؛ اما حداقل 50 درصد فعالان فعلی اقتصادی کشور در سنین اصلی کار و کمتر از 30 سال قرار دارند. با اینکه جوان بودن جمعیت کشور از گزارشات مرکز آمار ایران قابل دریافت است، اما اهمیت یافتن موضوع اشتغال برای این گروه سنی نیز مشهود و قابل حدس زد. این مرکز در آخرین گزارشات خود در زمینه جمعیت بیکاران کشور متعقد است چیزی حدود 3 میلیون نفر از متقاضیان کار کشور بیکار مانده اند و مابقی افراد در سن کار کشور یا شاغل شده اند و یا به دلایلی مانند ادامه تحصیل و یا در مورد زنان ازدواج، از ورود به بازار کار به صورت دائم و یا موقت منصرف شده اند. نباید این موضوع مهم را نیز از یاد برد که در ایران نیز تعریف اشتغال و بیکاری افراد طبق استاندارد سازمان جهانی کار است. به عبارتی امروز اگر فردی در طول هفته بتواند تنها 1 ساعت کار داشته باشد شاغل محسوب می شود و در غیر اینصورت وارد لیست حدود 3 میلیون نفری از بیکاران خواهد شد.

مقامات مرکز آمار ایران معتقدند در صورت تغییر این استاندارد حتی به 8 ساعت کار در هفته نیز در وضعیت نرخ بیکاری نوسان چندانی ایجاد نخواهد شد. آنها می گویند بعضاً چنین گزارشاتی را نیز به درخواست دولت تهیه و ارائه کرده اند.

دلایل انصراف از اشتغال

یکی دیگر از مهم ترین موضوعات مربوط به آمارهای جمعیتی کشور در حال حاضر رشد قابل توجه جوانان فارغ التحصیل دانشگاهی است به نحوی که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در سال 85 بالغ بر 3 میلیون و 612 هزار نفر بودند که در سال گذشته فقط در بخش مردان به بیش از 5 میلیون و 474 هزار نفر بالغ شده است.

همچنین در سال 90 جمعیت زنان دارای تحصیلات دانشگاهی به میزان 5 میلیون و 23 هزار نفر اعلام شده است که روند افزایش تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی مرد و زن در سال های گذشته نشان دهنده باقی ماندن ترافیک کارجویان در ورود به بازار کار کشور است چرا که عقیده بسیاری از کارشناسان بازار کار، دولت در سال های اخیر با اینکه تلاش هایی را برای ایجاد فرصت های شغلی جدید انجام داد اما مجموعاً چندان موفقیتی در این کار حاصل نشد. هرچقدر تعداد کارجویان دارای تحصیلات دانشگاهی در کشور بیشتر باشد علاوه بر اینکه مزایا و نکات مثبت فراوانی را می تواند برای کشور به همراه داشته باشد اما به لحاظ تنوع درخواست ها برای کار، بازار با پدیده یکنواختی درخواست ها مواجه خواهد شد.

بروز پدیده یکنواختی تقاضا برای کار

به عبارتی، نزدیک تر شدن تقاضاها و خواسته های کارجویان فارغ التحصیل دانشگاهی به یکدیگر و اینکه بیش از 90 درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی دیگر حاضر به انجام هر شغلی بعد از دانشگاه نیستند و تقاضاهای آنها برای نوع کار به یکدیگر شبیه خواهد شد؛ می تواند در برخی رشته های شغلی ترافیک تقاضا و کمبود فرصت شغلی ایجاد کند و در برخی رشته هایی که نیاز چندانی به تجارب دانشگاهی ندارد و اتفاق مورد تقاضای جامعه نیز است، کشور را با کمبود نیروی کار مواجه کند در عین حالی که همچنان نرخ بیکاری بالا بماند!

اطلاعیه جمعی از بازنشستگان - کسب حداقل حقوق خود یا ذلت فقر

جمعی از بازنشستگان در اطلاعیه ای با عنوان "کسب حداقل حقوق خود یا ذلت فقر" ضمن اشاره به شرایط دشوار اقتصادی موجود، تاثیر این شرایط را بر زندگی خود بررسی کرده و دلایل آن را عنوان نموده اند. در این اطلاعیه چنین آمده است:

کسب حداقل حقوق خود یا ذلت فقر

سی یا چهل سال، قبل مثل این که همین بود، در اوج جوانی، با شور و اشتیاق پایان ناپذیر و با عشقی سرشار در کارخانه ها، جاده ها، سدها، راه آهن و ساختمان ها هستی و وجود خود را می گذاشتیم و تولید اجتماعی و کالاهای مورد نیاز جامعه را می ساختیم و به همین لحاظ وجدانی راضی و مغرور داشتیم. پس از بهمن ۵۷ هم احساس می کردیم دیگر بالاسری نداریم و خود سرنوشت خویش را خواهیم ساخت. شوراها و تشکل های خود را ایجاد و تمام نیرو و قدرت خود را صرف ساختن مملکت می کردیم. ما گمان می کردیم آینده ی کشور از آن به بعد بر مبنای ارزش کار و عدالت اجتماعی پایه گذاری خواهد شد. بهره کشی و استثمار دسترنج زحمتکشان دیگر جایی نخواهد داشت. با پرداخت ۳۰ درصد کل حقوق و مزایا و اضافه کاری به بیمه و با سرمایه گذاری برای آینده، از تامین معیشت و زندگی خود در

دوران بازنشستگی اطمینان خاطر یافته بودیم، اما غافل بودیم که طبقات سرمایه دار، صاحبان قدرت و دولت با افزایش مدام و سالیانه حجم نقدینگی یعنی، چاپ پول بدون پشتوانه و در نتیجه تورم افسار گسیخته، معیشت و هستی ما را نشانه خواهند گرفت. طبقات استثمارگر و بهره کش حاصل دسترنج ما را به بیغما بردند و اختلاف طبقاتی شدیدتر و تورم و گرانی وحشتناک بر زندگی ما حاکم شد. خطای ما به جهت آن بود که تشکل های متحد و یک پارچه ای را نداشته ایم که مدافع منافع طبقاتی ما بوده تا به آن اتکا کنیم. برای بررسی بیشتر نسبت پایه حقوق و قیمت برخی اقلام در سال ۵۸ را با سال ۹۰ مقایسه می کنیم.

ضوعات	پایه حقوق روزانه	گوشت قرمز	برنج	بنزین	خودرو روز	سکه	دلار	ویزیت متخصص	گوجه فرنگی	مسکن متر	هر
۱۳۵۸	۵۶.۷	۲۰	۲۰	۱	۲۲۰۰۰	۴۲۰	۷	۱۰	۴	۳۴۰۰	
۱۳۹۰	۱۱۰.۱۰	۲۰۰۰۰	۴۵۰۰	۵۵۰	۹۰۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰	۱۹۰۰	۱۱۰۰۰	۱۶۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	
ایش	۱۹۴	۱۰۰۰	۲۲۵	۵۵۰	۳۷۵	۲۱۴۲	۲۷۱	۱۱۰۰	۴۰۰	۷۳۵	

(همه قیمت ها به تومان است. قیمت بنزین متوسط ۷۰۰ و ۴۰۰ تومان یعنی ۵۵۰ تومان حساب شده است. در مورد خودر رو نیز فقط قیمت پیکان در سال ۱۳۵۸ و قیمت پراید در سال ۱۳۹۰ محاسبه شده است. قیمت مسکن میزان متوسط در شهر تهران است) به طور متوسط قیمت ها حدود ۹۵۰ برابر افزایش یافته است. حداقل حقوق در سال ۵۸ ماهیانه ۱۷۰۱ تومان بود و می شد با آن ۴ سکه طلا و یا ۸۵ کیلو گوشت قرمز خریداری کرد. قیمت ۴ سکه در سال ۱۳۹۰ برابر با ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و یا بهای ۸۵ کیلو گوشت برابر یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می شود و این در حالی است که حداقل حقوق ماهیانه در سال ۹۰ فقط ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان بوده است.

به این ترتیب سطح دستمزد سال ۵۸ تا کنون هرگز به کارگران پرداخت نشده است. قدرت خرید کنونی کارگران حدود ۲۵ درصد قدرت خرید سال ۱۳۵۸ است. این یعنی غارت دسترنج زحمتکش، کارگران و کاهش ارزش نیروی کار و در نتیجه، تراکم ثروت در دست طبقات مرفه، سرمایه دار و حامیان آن است. این در حالی است که در زمان حکومت ستم شاهی به جهت استثمار و بهره کشی دسترنج خود، برقراری عدالت اجتماعی، حاکمیت ارزش کار و حذف نابرابری های طبقاتی انقلاب کردیم. میزان افزایش تورم سالیانه در سی و سه سال گذشته به طور متوسط ۲۴ درصد و متوسط افزایش حقوق نزدیک به ۱۸ درصد بوده است. یعنی به طور مرتب حقوق، سطح زندگی و معیشت کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کارمندان جزء کاهش یافته است.

اگر بخواهیم علت فقر و تنگدستی را در زندگی خود بدانیم و ببینیم حاصل سی سال دسترنج ما کجاست، بسیار راحت است: به بانک هایی نگاه کنید که مثل قارچ از زمین روبیده و در حال گسترش هستند، میلیاردها پولی که روزانه جابه جا می شوند، به انبارها و فروشگاه های مدرن پر از کالا، به برج ها و ساختمان های لوکس، به ماشین هایی با قیمت ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۴۰۰ و ۵۰۰ میلیونی نگاه کنید که هر لحظه جلوی چشم ما رژه می روند، این ها حاصل کار و دسترنج ما هستند، اما ما هیچ حقی در استفاده از آنها نداریم. در حالی که مالکان این ثروت ها اساساً کار اجتماعی و ارزش تولید نکرده اند. با یک احتکار، یک معامله ی کلان زمین و مسکن، دلار و طلا، بهره، و بورس و سفته بازی و با تورم سرسام آور در یک لحظه همه ی زندگی ما تبدیل به باد هوا شده و ثروت سرمایه داران متراکم گردید. اختلاس ها و زد و بندها و به خصوص رانت ها و واردات و صادرات قاچاق کالا در مقیاس میلیاردها را هم به آن اضافه کنید (نه میلیارد رانج یا تومان که کلاس سرمایه داران و غارت گران پایین می آید و مسخره می شوند، بلکه میلیاردها دلار را در نظر بگیرید) حقوق سالیانه ما کمتر از هزینه یک شب میهمانی میلیاردرها و ناچیزتر جزئی از مبلغ یکی از هزاران مراسم دولتی ست.

اگر دولت طبق همین قوانین مدون مورد قبول خود، از جمله قانون اساسی که تامین زندگی شرافتمندانه برای آحاد افراد را تاکید کرده، ماده ی ۲۶ تامین اجتماعی که افزایش حقوق را برابر تورم دانسته و همچنین حقوق بشر و دیگر قوانین عمل می کرد و حقوق ها را مطابق تورم واقعی افزایش می داد، این وضع اسفبار، این همه فقر و اعتیاد، فحشا، ناامنی و جنایت گسترش نمی یافت. در چند سال اخیر افزایش حقوق حتماً نصف تورم اعلام شده و رسمی توسط بانک مرکزی است. در سال ۸۹ مصوبه ی مجلس و دولت افزایش ۱۲ درصدی حقوق بود، اما رییس تامین اجتماعی به میل خود تنها ۶ درصد حقوق ها را افزایش داد. در این مورد می باید طرح دعوی قضایی از طرف بازنشستگان صورت گیرد. افرادی که به نام نماینده بازنشستگان در انتخابات فرمایشی انتصاب می شوند، وقتی نمی توانند اجرای قوانین که همان افزایش حقوق مطابق با نرخ تورم (حتما ساختگی) را تحقق دهند، یا جلوی کارهای خودسرانه را بگیرند، برای چه نماینده می شوند؟ آیا کافی است که فقط به فکر جیب خود بوده و به بازنشستگان پشت کنند؟ کسانی که در سال ۱۳۵۸ با دریافتی ۷۰۰۰ تومان حقوق و مزایا و اضافه کاری بازنشسته می شدند، در ماه برابر ۲۱۰۰ تومان حق بیمه پرداخت کرده اند که سرمایه گذاری شده و هم اکنون ارزش بیشتری پیدا کرده است. اگر افزایش را هم نادیده بگیریم همان ۲۱۰۰ تومان امروزه ۲,۰۵۰,۰۰۰ تومان می شود. در حالی که متوسط حقوق بازنشستگان در سال ۹۰ برابر ۵۷۰ هزار تومان بوده است.

برای اثبات غارت دسترنج ما آیا نیاز به آمار بیشتری است؟

سازمان تامین اجتماعی بزرگترین سازمان بیمه ای در کشور و آن هم غیردولتی یعنی اجتماعی و متعلق به کارگران و بازنشستگان است. اما دولت ها، به هر طریقی که خواسته اند با امکانات و سرمایه های آن رفتار کرده اند به طوری که در شش سال اخیر شش رییس بر آن گمارده اند و کسانی را در مسند آن قرار داده اند که حتماً یک روز هم کار نکرده اند و همانند آقای سعید مرتضوی که مفهوم تامین اجتماعی را درک نمی کنند. و نتیجه اش جز فقر و بدبختی روزافزون نخواهد بود. این در حالی است که در تمام دنیا تشکل های کارگری در مدیریت و کارکرد

بازنشستگی و تامین اجتماعی، دخالت و نظارت کامل دارند. با سازمان تامین اجتماعی، به صورت يك حجره ی بازار رفتار می شود. حتا سال هاست که بخش های کارشناسی این سازمان تعطیل شده و درب موسسه پژوهشی آن کلا پلمب شده و نشریات آن همگی تعطیل شده اند و هر چه کارگران و بازنشستگان فقیرتر می شوند، دولت و سرمایه داران غنی تر شده اند. این وضعیت درحالی است که در 7 سال اخیر میزان فروش نفت بالغ بر ۵۳۰ میلیارد دلار، یعنی بیش از يك صد سال فروش نفت از تاریخ اکتشاف آن بوده است. در واقع دولت کمبود منابع نداشته، فقط نمی خواهد حقوق کارگران و بازنشستگان را به آنان بازگرداند. ما کارگران بازنشسته گریزی نداریم یا باید با ادامه روند کنونی در فقر روز افزون و ذلت هر چه بیشتر فرو رویم و یا با اتحاد و همبستگی به طورمتشکل و سراسری برای احقاق حقوق خود مبارزه کنیم تا بیش از این دسترنج ما را غارت نکنند...

"جمعی از بازنشستگان"

و در انتها با طرح این سوال که "اما چگونه باید متحد و متشکل برای احقاق حقوق خود اقدام کنیم" روزهایی را برای گردهم آبی جهت همفکری و پیگیری مطالبات شان تعیین نموده اند تا به خواسته ی اصلی شان دست یابند که همانا "کسب حقوق واقعی و زندگی با کرامت انسانی" به جای "ذلت و زندگی در فقر مطلق" است.

کانون مدافعان حقوق کارگر

تجمع کارگران اداره راه و شهرسازی دشتستان در دفترپهارستان نشین

به گزارش سایت بوشهرنیوز، در 10 مرداد آمد است: کارگران معترض اداره راه و شهرسازی دشتستان ساعت 14 روز جمعه دردفتر موسوی نژادبهارستان نشین تجمع کردند و با نگارش نامه ای مراتب اعتراضشان را از وضع موجود در این اداره اعلام کردند. بنا بهمین گزارش بدنبال تجمع اعتراضی کارگران اداره راه و شهرسازی دشتستان، است شمس، رییس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی دشتستان و همچنین دهقایدی، معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری این شهرستان با حضور در دفتر موسوی نژاد و شنیدن مشکلات این کارگران به آنان قول پیگیری و رفع مشکلات دادند.

مربیان پیش‌دبستانی امروز هم با شعار زیر در مقابل مجلس تجمع کردند: «پنجره‌ها را باز کن، عدالت رو نگاه کن»

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس از قول خانه ملت در 10 مرداد آمده است: مربیان پیش‌دبستانی نزدیک به یک ماه است با تجمع در برابر مجلس، خواستار استخدام خود در وزارت آموزش و پرورش هستند. تعدادی از مربیان مقطع پیش‌دبستانی آموزش و پرورش امروز برای چندمین بار پی در پی مقابل مجلس تجمع کردند.

براساس این گزارش، یکی از تجمع کنندگان گفت: ما امروز برای چندمین بار متوالی است که مقابل مجلس می‌آییم ولی مجلس برای ما کاری نمی‌کند. وی افزود: مطالبه اصلی ما استخدام در آموزش و پرورش است و از مسئولان می‌خواهیم که هرچه سریعتر برای روشن شدن وضعیت ما چاره‌اندیشی کند.

این گزارش حاکیست، تجمع کنندگان مقابل مجلس شعاری هم چون «پنجره‌ها را باز کن، عدالت رو نگاه کن»، «مربی پیش‌دبستان، استخدام استخدام»، «آقای لاریجانی عدالت، عدالت» سر می‌دادند.

به گزارش 10 مردادخانه ملت، از صبح امروز تعدادی از مربیان پیش‌دبستانی که با تغییر نظام آموزشی، از کار برکنار شده‌اند، برای چندمین بار متوالی مقابل مجلس تجمع کرده‌اند.

این تعداد از مربیان، که نزدیک به یک ماه است با تجمع در برابر مجلس، خواستار استخدام خود در وزارت آموزش و پرورش هستند، پس از سال‌ها تدریس به کودکان پیش‌دبستانی با تغییر نظام آموزشی به ۳، ۳، ۶ و حذف دوره پیش‌دبستانی، از ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها اخراج شده‌اند.

به گفته مربیان حاضر در برابر مجلس، تعداد مربیانی که در سراسر کشور با چنین وضعیتی روبرو هستند، به ۲۵ هزار نفر می‌رسد که با بی‌مهری وزارت آموزش و پرورش، از مدارس دولتی کنار گذاشته شده‌اند. در نظام جدید آموزشی، دوره پیش‌دبستانی حذف و به بخش غیردولتی و مدارس غیرانتفاعی واگذار شده است.

بنا بهمین گزارش، یکی از مربیان تجمع‌کننده در برابر مجلس، که برخی از آنها سابقه دوازده سال تدریس در آموزش و پرورش را دارند گفت: تا پیش از حذف دوره پیش‌دبستانی با عناوینی چون نیروی آزاد، حق‌التدریسی و شرکتی فعالیت داشته‌ایم؛ اما با دستور رئیس‌جمهوری مبنی بر تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به قرارداد مستقیم، آموزش و پرورش نیز اعلام کرده است مربیان پیش‌دبستانی شرکتی نبوده‌اند و مشمول این قانون نمی‌شوند. درخواست مربیان پیش‌دبستانی، استخدام آنها بر اساس قانون استخدام مربیان و آموزشیاران نهضت سوادآموزی مصوب سال ۸۵ مجلس شورای اسلامی است

بیمه سه روزه و حقوقهای باور نکردنی برای منشیهای مطب پزشکان!

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 10 مرداد آمده است: منشی‌های مطبها شاید از مظلومترین اقشار در بازار کار باشند چه آنها علاوه بر آنکه در مظان انواع حرفه‌های ناخوشایند قرار دارند از انجام کارشان نیز توشه‌ای بر نمی‌گیرند که نمونه کوچک آن بهره‌مندی از بیمه‌های سه روزه و حقوقهای 100 هزار تومنی است.

منشی‌ها قشری هستند که اغلب نزد افراد متمول از جمله پزشکان مشغول بکار هستند، اما معلوم نیست که چرا هیچ وقت حقوق و مزایای قانونی نمی‌گیرند و بر چه اساسی بیمه‌های چند روزه می‌شوند و حقوقهای 150 هزار تومانی دریافت می‌کنند.

هر چند این گزارش قصد ندارد پزشکان را افرادی متمول بخواند چرا که آنها نیز مانند بسیاری از اقشار جامعه با مشکلات مختلف دست‌بگریبان هستند، اما واقعیت این است که آنها به هر حال جز اقشار آسیب‌پذیر نیستند و از متوسط به بالا محسوب می‌شوند.

حال سئوالی که مطرح است این است که چرا گروهی از کم‌درآمدترین اقشار جامعه به نام منشی‌های نزد گروهی از پردرآمدترینها مشغول به کار هستند و علاوه بر آنکه توشه‌ای از کار بر نمی‌گیرند نگاه‌های جامعه به آنها نیز چندان مطلوب نیست.

الهام بعد از انصراف از دانشگاه اولین جایی را که مناسب کار کردن دید مطب دندان پزشکی بود. او ابتدای کار با دکتر توافق کرده است که حقوقش صد هزار تومان باشد و البته اگر اضافه‌کاری هم داشت در حد ۲۰ تا ۴۰ هزار تومان این رقم افزایش داشته باشد.

اگر چه در ابتدا می‌گوید راضی است ولی تا می‌خوهم از او جدا شوم می‌گوید کاش بیمه هم داشتم. سمیرا دیگر منشی ساختمان پزشکان است که برای فراهم کردن هزینه دانشگاهش مدت سه سال است که منشی شده است. او چون از ۹ صبح تا ۴ عصر می‌آید حقوقش سی هزار تومان از الهام بیشتر می‌گیرد و البته او بیمه هم دارد اما فقط سه روز! وقتی از او علت این سه روز بیمه داشتن را می‌پرسیم می‌خندد و گویی ادامه مصاحبه را صلاح نمی‌داند. وقتی از کسانی که در جریان کار منشی‌های پزشکان بودند پرسیدم، آن‌ها گفتند: بیمه سه روزه برای این است که اگر در طی یک ماه سه بار هم بازرس برای بازدید از محل کارشان رفت؛ حرفی نداشته باشد.

وقتی از فهمیه در خصوص ساعت کاری و بیمه‌اش سؤال می‌کنم می‌گوید: بعد از ۴ سال کار در مطب و یا ۸ ساعت کار هنوز بیمه ندارد. وی ادامه داد: در ابتدای کار قرار بوده که یک هفته در ماه بیمه داشته باشم و مبلغی را از این بابت از حقوقم کسر گردد اما خودش کارفرما نپذیرفته چرا که این مدت بیمه را اصلاً مناسب نمی‌داند و ترجیح می‌دهد حقوقش را بدون کسری و کامل دریافت کند. اعظم دیگر منشی معترض است که ۱۰ سال است که منشی پزشک بوده و دو سال است که منشی پزشک متخصص مغز و اعصاب است. ۱۰ صبح تا ۲ ظهر و ۵ عصر تا ۹ شب کار می‌کند، ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد و فقط نصف روز را بیمه است و بقیه را خودش واریز می‌کند.

وی علاوه بر مشکل بیمه از نبود «اتحادیه‌ای برای منشی پزشکان» گله منداست. برپایه این گزارش، بازرس اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی خراسان شمالی در این باره می‌گوید: طبق ماده ۳۹ قانون کار سال ۹۱، حداقل دستمزد کارگر روزانه ۱۲ هزار و ۹۹۰ تومان برای ۹ ساعت کاری منظور شده است که اگر کارگر بیشتر یا کمتر از ساعت معین کار کند حقوقش طبق آن محاسبه می‌شود.

هادی ذوقی اظهار داشت: اگر قرارداد بسته شود حقوق کارگر با افزایش حقوق طبق قانون کار محاسبه می‌شود و کارگر از مرخصی ساعتی می‌تواند استفاده کند.

همچنین کارفرما حق اخراج کارگر با قرارداد دائم را ندارد مگر اینکه در راستای حفظ نظم کارگاه باشد. وی ادامه می‌دهد: طبق مصوبه ۶ مجلس دهم، عیدی ۲ ماه کار برای کارگر با قرارداد موقت یا دائم منظور می‌شود. این گزارش حاکیست، هیچ یک از این موارد رعایت نمی‌شود و منشی طبق ساعت کاری خود حقوق نمی‌گیرد، بیمه نمی‌شود، عیدی نمی‌گیرد و...

این بازرس اشتغال در پاسخ به این مطلب ادامه می‌دهد: اگر کارفرمایی حق و حقوقش را پرداخت نمی‌کند کارگر می‌تواند در اداره کار شکایتش را تنظیم کند قطعاً پی گیری خواهد شد و به حقوقش خواهد رسید. سخنان این مقام مسئول در حالی بیان می‌شود که همه به خوبی می‌دانند که اگر یک منشی شکایت کند بعد از رای اداره کار مبنی بر پرداخت حقوق و ملزم شدن کارفرما به پرداخت و رعایت حقوق کارگر، اخراج می‌شود. ذوقی در پاسخ به این سؤال که «آیا احساس نمی‌شود که در این مورد در قوانین کار مشکل وجود دارد» گفت: این قانونگذار است که باید در مجلس چنین قانونی را تصویب کند.

مرگ یک کارگر ساختمانی در عملیات مرمت حوزه علمیه یزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۱ مرداد آمده است: یک کارگر ساختمانی در یزد بر اثر ریزش آوار جان خود را از دست داد.

بنا بهمین گزارش، روز گذشته - سه‌شنبه - بر اثر ریزش آوار در مدرسه خان (حوزه علمیه) یزد یک کارگر ساختمانی جان خود را از دست داد. بر اساس این گزارش، چهار نفر در این مدرسه مشغول به اجرای عملیات مرمت بودند که بعلت ریزش ناشی از قدمت بنا، یک نفر جان خود را از دست داد.

یک کارگر دیگر نیز در بیمارستان بسر می‌برد و حال دو فرد دیگر رضایت بخش گزارش شده است. مراسم تدفین این کارگر ساختمان عصر امروز در یزد برگزار می‌شود.

توضیحی درباره انتقادات اخیر به کمیته هماهنگی برای کمک

اخیراً در برخی سایت‌ها مطالبی درباره‌ی نامه‌ی کمیته‌ی هماهنگی به وزارت کار در خصوص تأمین مکان مناسب جهت برگزاری مجمع عمومی سالانه‌ی این کمیته منتشر شده و همچنین پس از انتشار نامه‌ی سرگشاده‌ی کمیته‌ی هماهنگی به رئیس قوه قضائیه، سؤالاتی در بین فعالان کارگری مطرح شده است. در این میان نوشته‌ی علیرضا بیانی، که مدت‌ها در صدر فهرست برخی سایت‌ها قرار داشت، جالب توجه است. پاسخ به این نوشته (بدون این که قصد مقایسه‌ی علیرضا بیانی با منتقدین دیگر را داشته باشیم) می‌تواند گوشه‌هایی از زوایای ناروشن این بحث‌ها را روشن کند. علیرضا بیانی با انتقاد از نوشتن نامه‌ی سرگشاده، آن را با انتقاد کمیته‌ی هماهنگی به کمیته‌ی پیگیری در مقطع شکل‌گیری این دو کمیته مقایسه کرده و این را تناقضی در رفتار و گفتار کمیته‌ی هماهنگی می‌داند.

اگر چه نکاتی که بیانی در این‌جا مطرح می‌کند در زمان خود پاسخ شایسته و درخور را دریافت کرده و در نوشته‌ها و مصاحبه‌های متعدد فعالان کمیته‌ی هماهنگی به آن پرداخته شده است، اما طرح دوباره‌ی این‌ها در چند نوشته‌ی مختلف از یکسو و گذشت مدت زمان زیادی از آن نوشته‌ها و مهمتر از همه روشن شدن برخی ابهامات در این مدت، ضرورت پرداختن مجدد به این بحث را تشدید می‌کند.

علیرضا بیانی در نوشته‌ی اخیر خود این پرسش را مطرح می‌کند که: «چرا کمیته‌ی هماهنگی در تقابل با کمیته‌ی پیگیری اعلام موجودیت کرده و چرا با فعالان کمیته‌ی پیگیری در یک کمیته فعالیت نکرده و اختلافات خود را در درون همان کمیته به بحث نگذاشته است» و خود از جانب کمیته‌ی هماهنگی پاسخ می‌دهد که تنها دلیل کمیته برای فعالیت جداگانه این است که «کمیته‌ی پیگیری ساختن تشکلات را به نیروی خود کارگران نخواست و به همین دلیل اجازه ایجاد تشکلات کارگری را از وزارت کار درخواست کرده است»

و در ادامه ایشان درخواست کمیته‌ی هماهنگی برای تأمین مکان مجمع را با درخواست اجازه‌ی ایجاد تشکلات کارگری از وزارت کار یکی گرفته و می‌پرسد: «اما نکته‌ی اصلی این است که معلوم نمی‌شود در این سال‌ها چه تغییرات اساسی در ساختار درونی کمیته‌ی هماهنگی و یا ظرفیت نهادهای جمهوری اسلامی به وجود آمده که اکنون این کمیته خود را مجاز دانسته چنین درخواستی از وزارت کار داشته باشد!»

علیرضا بیانی که در آن سال‌ها برای مدتی در ایران به سر برده و هم‌جا خود را به عنوان یکی از فعالان کارگری که از نزدیک با این کمیته‌ها در ارتباط بوده است معرفی می‌کند، آگاهانه یا ناآگاهانه خلط بحث کرده و نکته‌ی ظریف اما مهم بحث را نادیده می‌گیرد و با ساده‌سازی مسئله و نشستن در جای‌گاه معلم اخلاق تأکید می‌کند که اختلافات را می‌شد در درون کمیته‌ای واحد از طریق «دموکراسی کارگری» حل کرد و کمیته‌ی هماهنگی را به دلیل عدم همراهی با کمیته‌ی پیگیری متهم به فرقه‌گرایی می‌کند.

واضح است که هیچ عقل سلیمی در شرایطی که پس از سال‌ها رکود، عرصه و فرصتی برای ظهور و عرض اندام فعالان کارگری فراهم شده، تشتت و پراکندگی را تأیید نکرده و آن را نمی‌پذیرد. مسئله اما آن‌طور که بیانی دانسته و ندانسته تصویر می‌کند ساده نیست. نمی‌توان دلایل مشخص و واضحی که در آن زمان مانع از اتحاد همه‌ی فعالان گرد یک تشکل واحد شد را نادیده گرفت و دلایل را تنها به عدم توجه به ملاحظات اخلاقی از سوی این فعالان تقلیل داد.

بخش سخت حل این معما آن‌جاست که نمی‌توان به موشکافی و بررسی ماجرا پرداخت و هم‌زمان ده‌ها ملاحظه‌ی امنیتی را برای افراد هم‌اکنون درگیر در این تشکل‌ها نادیده گرفت. به خصوص این که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها اکنون در ایران بوده و زیر انواع و اقسام فشارها قرار دارند. رعایت چنین ملاحظاتی اما، برای برخی از جمله علیرضا بیانی و بهمن شفیق و . . . میدانی برای تاخت‌وتاز و حمله به کمیته‌ی هماهنگی و در مواردی دیگر تشکل‌ها مهیا کرده و گه‌گاهی سوژه و خوراک برای فضای مجازی فراهم می‌کنند. ترک‌تازی این افراد اما محصول وجود شرایط اختناق در داخل کشور و در نتیجه عدم امکان و فرصت برابر برای دفاع از خود است!

با این حال تلاش می‌کنیم با در نظر گرفتن همه‌ی این جوانب و برای روشن شدن مخاطبان، آن‌چه که قابل طرح است عنوان کنیم. اولین نکته‌ی مهم این است که برخلاف نظر بیانی، «کسب اجازه از مقامات رسمی جهت فعالیت» تنها یکی از اختلافات این دو کمیته بوده و مسایل دیگری هم در عدم همراهی همه‌ی فعالان در یک کمیته واحد وجود داشته که تا حدی به آن‌ها خواهیم پرداخت.

در رابطه با نام‌نگاری کمیته‌ی پیگیری به وزارت کار، انتقاد در نفس نام‌نگاری به نهادهای سرمایه‌داری و تحمیل خواست‌ها و توقعات برحق خود به این قبیل نهادها و یا سایر ارگان‌های رسمی سرمایه‌داری و حتی بر سر استناد به برخی از قوانین جاری برای گشودن روزنه‌ای در مسیر پیش‌روی فعالیت کارگری نیست. این‌گونه مسائل از بدو پیدایش طبقه‌ی کارگر و با شکل‌گیری اولین نطفه‌های سیستم سرمایه‌داری برای این طبقه امری بدیهی و روشن بوده است. کارگر در مبارزه‌ی روزانه‌ی خود با کارفرما از دریافت سهمیه‌ی کفش و لباس و دست‌کش کار تا افزایش دستمزد یا لغو قراردادهای موقت و هر مطالبه‌ی ریز و درشت دیگر نمی‌تواند چون کودکان روی خود را به سمت دیگر گرفته و رو به هوا فحش و ناسزا سردهد و به هوا مشت پرتاب کند. او سرمایه‌دار و حامیان ریز و درشت‌اش را نادیده نمی‌گیرد و چون کودکان قهر نمی‌کند. او از تمامی ابزارهای قانونی و فراقانونی، علنی و غیرعلنی برای هر درجه بهبودی در کار و معیشت خویش بهره می‌گیرد. کارگر به حکم زندگی سخت و دهشتناکی که سرمایه‌داری به او تحمیل کرده، در زمین واقعی دنیای پر از ستم طبقاتی قدم بر می‌دارد و نه فضاهای خیالی و رؤیایی!

اختلاف با کمیته‌ی پیگیری اما این‌ها نبود. مشکل نه خود «درخواست مجوز»، بلکه مؤکول کردن فعالیت به کسب اجازه از دولت بود. مشکل بر سر قانون‌گرایی مطلق گرایشی در کمیته‌ی پیگیری بود که حتی برگزاری مراسم اول ماه مه در سینما فردوسی را هم بدون کسب اجازه‌ی رسمی از مقامات صلاح نمی‌دانست و تهدید به عدم شرکت در آن می‌کرد. نگارنده به عنوان یکی از فعالانی که از بدو شروع به‌کار کمیته‌ی پیگیری در جریان مباحث آن بود، از نزدیک شاهد تقابل چند گرایش بر سر این‌گونه مسایل، خصوصاً بحث قانون‌گرایی بوده‌ام. اگر چه این تقابل و برخورد با نظرات انحرافی در کمیته‌ی پیگیری که در نهایت با خروج مدافعان این گرایش همراه بود، راه را برای پیش‌روی دیدگاه سالمی که ایجاد تشکل کارگری را بی‌اجازه و یا با اجازه از دولت حق مسلم کارگر می‌داند هموار کرد، اما به هر حال باید پذیرفت که تا مدت‌ها دست و پای کمیته‌ی پیگیری را برای پیش‌روی بسته بود. خوش‌بختانه کمیته‌ی پیگیری در ادامه‌ی کار و تا به امروز مواضع در مجموع قابل دفاعی از خود ارائه کرده و نزدیک‌ترین روابط را با کمیته‌ی هماهنگی داشته است و همین‌ها موجب تشکیل «شورای همکاری تشکل‌ها و فعالان کارگری» شد که مهم‌ترین دستاورد آن تأثیرگذاری مهم و ارزنده در مراسم اول ماه ورزش‌گاه شیرودی بود. این نزدیکی به خصوص با جدائی طیفی در کمیته‌ی هماهنگی که هرگونه همکاری و نزدیکی تشکل‌ها و فعالان را به باد تمسخر و ریشخند می‌گرفت و خود را تا به امروز هم تافته‌ی جدا بافته‌ای از دیگران می‌داند، بیشتر شده است.

اما با این همه ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا فعالان خارج از کمیته‌ی پیگیری که اندکی بعد کمیته‌ی هماهنگی را تشکیل دادند با اعلام موجودیت کمیته پیگیری به این کمیته نپیوستند تا با تقویت بیشتر گرایش سالم‌تر و رادیکال‌تر آن مانع از ابراز وجود طیف رفرمیست و قانون‌گرای آن شوند؟

برای پاسخ به این بحث ناگزیر از پرداختن به وضعیت و شرایطی هستیم که این کمیته‌ها در آن تشکیل شدند. کمیته‌ی پیگیری و به دنبال آن کمیته‌ی هماهنگی در شرایطی امکان ظهور یافتند که فضای جامعه به نسبت گذشته کمی بازتر شده و با روی‌گردانی بخش زیادی از مردم از اصلاحات حکومتی و عدم پاسخ‌گویی حاکمیت به مشکلات عدیده‌ای که در جامعه وجود داشت، چشم‌انداز گشودن افق جدیدی پیش چشمان فعالان جنبش‌های اجتماعی گشوده شده بود. این تغییرات اما موجب شده بود که برخی از تشکل‌ها و فعالان با درکی به غایت غیرواقعی و اشتباه، وقوع تغییراتی ناگهانی در جامعه را در مدت زمانی کوتاه پیش‌بینی کنند. این توهم دامن برخی از فعالان کارگری را هم گرفته بود و برخی از افراد حتماً برای شش ماه آینده شرطیندی می‌کردند! در نتیجه این توهم که جامعه در حال دگرگونی اساسی است و کمیته‌ی پیگیری باید هرچه سریع‌تر مهر خود را بر این تحولات بکوبد، بیش‌ترین آسیب را به روند صحیح و اصولی تشکیل آن وارد کرد. به عنوان مثال در حالی که هنوز بحث‌های اولیه با فعالان با تجربه‌ی کارگری همچون محمود صالحی و . . . در جریان بود، با شتاب‌زدگی ناشی از همان تحلیل غلط از شرایط و برای دور نماندن از سیر تحولات احتمالی، کمیته‌ی پیگیری را با برخی از عناصر و فعالانی که با مواضع راست در جنبش کارگری شناخته می‌شدند، تشکیل داده و با اعمال نفوذ این افراد و تحمیل ولو موقتی دیدگاه «کار صرفاً قانونی» به کمیته‌ی پیگیری، در عمل راه را برای ورود بخش زیادی از فعالان رادیکال کارگری مسدود

کردند و برای دیگران چاره‌ای جز فعالیت در غالب تشکلی دیگر باقی نگذاشتند. خلاصه این که بر خلاف ادعای علیرضا بیانی تناقضی در رفتار و گفتار کمیته‌ی هماهنگی وجود ندارد چرا که این کمیته همان‌گونه که در طول ۹ سال فعالیت خود اثبات کرده، ضمن استفاده از همه‌ی ظرفیت‌ها و امکانات موجود، هیچ‌گاه خود را محدود و مقید به چارچوب‌های رسمی و قانونی موجود نکرده و با وجود همه‌ی فشارها و تهدیدها هر آنچه که در توان محدود خود داشته با از جان‌گذشتگی اعضا و دوستاران کمیته در جهت احقاق حقوق حقه‌ی هم طبقه‌های خویشتن به کار گرفته و در این مسیر گام برداشته است. طی این مسیر دشوار تا به امروز قطعاً با خطاها و اشتباهاتی هم همراه بوده است. این خطاها را کمیته‌ی هماهنگی و کل جنبش کارگری به عنوان تجارب ارزشمند این نسل از فعالان ثبت خواهد کرد تا از تکرار آن‌ها در آینده اجتناب گردد. اما آن چه برای بخش بزرگی از اعضای کمیته تا به امروز مهم بوده تلاش برای به‌کارگیری تجربیات دویست سال مبارزات کارگران جهان و استفاده از آن‌ها متناسب با سطح درک و دانش اعضای این کمیته و با توجه به عینیت طبقه‌ی کارگر ایران بوده است. حماسه‌ی پر شور حمایت‌های همه‌جانبه و تحسین‌برانگیز تشکل‌ها و فعالان آگاه جنبش کارگری داخل و خارج از اعضای دستگیرشده‌ی این کمیته نشانه‌ای از ارج نهادن فعالان جنبش کارگری از این تلاش چندساله‌ی کمیته‌ی هماهنگی بوده است.

پی‌نوشت: پرداختن به باقی ادعاهای عجیب و گاه مضحک علیرضا بیانی مانند این که «چنانچه با این نوع درخواست‌ها موافقت حاصل شود، چه فایده‌ای برای خود جمهوری اسلامی در پی خواهد داشت. . .» و سوءاستفاده‌های احتمالی حاکمیت، درست مانند این است که بگوییم شعار «آزادی زندانیان سیاسی» را سر ندهیم چرا که اگر حاکمیت زندانیان سیاسی را آزاد کند آن‌گاه قادر خواهد بود که در اذهان مردم توهّم ایجاد کرده و خود را حاکمی مهربان جا بزند! همچنین جواب به ادعای دیگر ایشان که می‌گوید: «وقتی فعالین کمیته‌ی هماهنگی به صورت رسمی یا غیررسمی این کمیته را تشکل کارگری معرفی می‌کنند» را تنها به توجه به عنوان «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» ارجاع می‌دهیم! توضیح: در متن منظور از «کمیته‌ی هماهنگی» همان «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» است که به دلیل طولانی بودن به اختصار عنوان شده است.

فریدون فرزانی - ۱۱ مردادماه ۱۳۹۱

تعطیلی کارخانه مواد پارس اسلت آمل و بیکاری ۵۰ کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۱ مرداد آمده است: واردات بی‌رویه لوازم تحریر چینی سبب تعطیلی کارخانه پارس اسلت (مداد روزنامه‌های آسیا) و بیکاری ۵۰ کارگر با سوابق ۱۰ ساله شده است. برپایه این گزارش، مشکلات مالی باعث شد این کارخانه در پرداخت بدهی‌های معوقه بانکی خود دچار مشکل شود و اعلام انحلال کند.

یک سوم نیروی شاغل در صنعت قطعه‌سازی از چرخه تولید حذف شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۲ مرداد آمده است: دولت در نشستی با خودروسازان وعده داده بود که دو هزار میلیارد تومان برای بهبود وضعیت خودروسازان و قطعه‌سازان پرداخت کند که اخیراً در نشست مشترک کمیسیون صنایع و معادن مجلس با وزیر صنعت، معدن و تجارت، معاون وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی، مقرر شد این اعتبار طی روزهای آینده نهایی شود.

برپایه این گزارش، ساسان قربانی، دبیر انجمن قطعه‌سازان در این خصوص به ایلنا گفت: کارگروه خودرو در ماه‌های اخیر مصوبه‌ای داشت که بر مبنای آن مقرر شد دو هزار میلیارد تومان اعتبار به دو خودروساز بزرگ کشور تخصیص یابد تا با استفاده از این اعتبار، بخشی از مشکلاتشان مرتفع شود. وی با اذعان به اینکه در این راستا مقرر شد که هر یک از دو خودروساز، ۶۰ درصد از این اعتبار را به قطعه‌سازان تخصیص دهند، تصریح کرد: بر این اساس باید یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان از کل مبلغ به قطعه‌سازان تخصیص یابد. قربانی اضافه کرد: متأسفانه آنقدر بین اعلام این طرح و اجرای آن فاصله افتاده که مشکلات خودروسازان و قطعه‌سازان به شدت تشدید شده است. هم‌اکنون بسیاری از قطعه‌سازان توان تولید خود را از دست داده‌اند.

به گفته وی؛ به تبع مشکلات موجود، بسیاری از قطعه‌سازان مجبور به تعدیل نیرو شده و خط تولید قطعه‌سازان نیز با مشکلاتی مواجه شده است. میزان تولید خودروسازان نیز کاهش یافته است.

دبیر انجمن قطعه‌سازان ضمن تأکید بر کاهش قابل ملاحظه نقدینگی قطعه‌سازان، تصریح کرد: به تبع کاهش نقدینگی قطعه‌سازان و مشکلات مربوط به ورود مواد اولیه و انتقال پول به خارج از کشور، با آمار نگران‌کننده‌ای از تعدیل نیرو در واحدهای قطعه‌سازی روبرو هستیم. هم‌اکنون یک سوم نیروهای شاغل در صنعت قطعه‌سازی شامل؛ کارگران و متخصصان از ادامه فعالیت در واحدها بازمانده‌اند. به گفته وی؛ ادامه روند کنونی ممکن است به تعطیلی کامل صنعت خودروسازی و قطعه‌سازی کشور بی‌انجامد.

قربانی در خصوص تخصیص اعتبار دو هزار میلیارد تومانی از سوی دولت به خودروسازان، گفت: این منابع مالی در شرایط کنونی تنها می‌تواند به منزله یک مسکن عمل کرده و مشکلات را سه‌الی چهار ماه به تعویق بی‌اندازد. تنها در صورتی این مبلغ می‌تواند موثر واقع شود که همزمان با تخصیص آن، به صورت موازی اقدام به رفع مشکلات دیگر از جمله مسائل بانکی شود. وی اذعان کرد: به صراحت می‌توان گفت که سیستم بانکی در سال‌های اخیر بدترین عملکرد خود در تاریخ تجربه کاری ما را داشته است. عملکرد بانک‌ها به نوبه خود یکی از مهم‌ترین چالش‌های بخش تولید محسوب می‌شود.

خودسوزی جوان ملاردی در شهرداری به دلیل فشار ناشی از بیکاری

به گزارش سایت قانون، در ۱۲ مرداد آمده است: اشتغال و بیکاری یکی از مهم‌ترین مسایل پیش‌روی جوامع امروزی است که می‌تواند پیامدهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مختلفی را به دنبال داشته باشد. اگرچه هر روز بیش از پیش تاوان سنگین بیکاری جوانان را می‌پردازیم، اما هنوز این مشکل حل نشده است.

بیکاری جوانان نه تنها ضرر و زیان‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی برای جامعه مایجاد کرده، بلکه ضربات سنگین فرهنگی و اخلاقی به جامعه وارد کرده است. جوان بیکار خود را فردی زائد و بی‌فایده در جامعه می‌داند و با گذشت زمان، زندگی مفهوم واقعی خود را که همانا پویایی و نشاط است، برایش از دست می‌دهد و زنده بودن را بی‌معنا می‌پندارد و این خود عاملی می‌شود برای ایجاد بیماری‌های روحی و روانی برای فرد که احساس مفید بودن برای جامعه و خانواده را از او می‌گیرد. هر جوانی مایل است کاری داشته باشد تا ارزشمند بودن در جامعه را احساس کند و با داشتن شغلی مناسب با توانمندی‌ها و علایق خود هویت خویش را نمایان سازد. هیچ یک از ما وعده ایجاد دو

میلیون و پانصد هزار شغل دولت آقای احمدی نژاد را فراموش نمی‌کند، وعده‌ای که هیچ‌گاه محقق نشد و پیامدهای آن را امروز در جامعه می‌بینیم.

برپایه این گزارش، شنیده‌ها حاکی از آن است، جوانی ۲۴ ساله صبح روز سه‌شنبه در محوطه ساختمان شهرداری ملارد و جلوی دفتر شهردار این شهر اقدام به خودسوزی کرده است. یک شاهد عینی با اعلام این خبر تاکید کرد که او خواهان استخدام در بخش خدماتی بود. او گفت: این مرد پس از بیرون آمدن از ساختمان شهرداری یک مخزن چهار لیتری بنزین تهیه و پس از آن جلوی دفتر شهردار اقدام به خودسوزی کرد.

به گفته شاهدان عینی این جوان با توجه به استخدام‌های خارج از چهارچوب و بلا تکلیف ماندن استخدام خود اقدام به خود سوزی کرده شایان ذکر است وی سرپرست خانواده و دارای یک مادر پیر و دو خواهر نابیناست. طبق آخرین خبر پس از کسب اطلاع از وضعیت او از بیمارستان شهریار، این جوان با 60 در صد سوختگی حالش وخیم گزارش شده است.

بیانیه 50 کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

شاهرخ زمانی کارگر نقاش و عضو هیئت باز گشایی سندیکای نقاشان و تزیینات ساختمانی و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری را بدون هیچ دلیل و مدرکی دستگیر کرده، بر علیه او پرونده سازی کردند. علی رغم اینکه در پرونده ساخته شده نیز هیچ مدرک و دلیلی برای محاکمه او وجود ندارد. طبق اعترافات قاضی پرونده حملبر که در دادنامه به صورت واضح نوشته است که شاهرخ زمانی تمامی اتهامات را رد کرده است. پس او کاملاً بیگناه است. اما کاملاً غیر قانونی، شاهرخ را بنا به اعترافات شخص دیگری (متهم ردیف چهارم) محاکمه کرده و با اتهامات دروغین به 11 سال زندان محکوم نمودند. در زندان تبریز با ایجاد جو و فضای نامناسب و خطر ناکی برای او و دیگر زندانیان سیاسی و کارگری زندان را به جهنم واقعی تبدیل کرده اند. و اکنون او را به زندان یزد تبعید کردند. ما بدون هیچ قید و شرطی خواهان آزادی فوری شاهرخ زمانی و دیگر زندانیان کارگری و سیاسی هستیم. در این راستا از تمامی کارگران، تشکلها، نهادها و آزادیخواهان و جوانان می‌خواهیم از هر طریق ممکن بر جمهوری اسلامی جهت آزادی زندانیان فشار بیاورند.

شاهرخ زمانی را به سلول انفرادی انتقال دادند؟

در حکومت جمهوری اسلامی یعنی حکومت عدل الهی یا حکومت عدل علی، نظام مملو از عتوفت اسلامی یا دولت مهر ورزی و ... هر کسی از حق خود یا حق دیگری که زیر ستم قرار دارد دفاع کند مورد غضب (عتوفت اسلامی) رهبران اسلامی، حافظان ارتجاعی سرمایه داری و سرایان گمنام امام زمان واقع می‌شود. چنانچه هر روز دیده می‌شود کارگران و فعالین کارگری را به دلیل اینکه برای مقابله با گرانی، مقابله با بیکاری و گرسنگی، اخراج، دشمنی با تشکل‌های کارگری، فقر و اعتیاد و فحشا و در کل مخالفت با استثماری که علیه هم طبقه‌های آنها روا می‌شود فعالیت می‌کنند دستگیر شده، مورد اذیت و آزار و شکنجه و پرونده سازی و اتهامات دروغین و زندان قرار می‌گیرند. صد ها دانشجو و معلم به دلیل خواستن نیازها و حق خود کشته شده یا طی پرونده سازی‌های در زندان به سر می‌برند، دهها تن از فعالین زنان که حق برابری می‌خواهند توسط فاشیست‌های مرتجع اسلامی مورد شکنجه و پرونده سازی و زندان قرار گرفتند. یا هزاران جوان به دلایل مختلف که همگی از محصولات و نتایج وجودی حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی سر چشمه می‌گیرند در زندان بسر می‌برند. این حکومت ضد کارگری و ضد انسانی نه تنها به فعالین خواهان حق خود اجازه فعالیت و آزادی نمی‌دهند بلکه برای وکلای که از فعالین دفاع می‌کنند نیز حقی قائل نیستند که افرادی چون زرافشان را بدلیل اینکه توانسته بود ثابت کند آمرین و عاملین قتل‌های زنجیره‌ای در درون نظام هستند به 5 سال زندان فرستاد یا اکنون وکلای چون جاوید هوتن کیان، دادخواه، ستوده، بهرامیان و ... به دلیل اینکه توانستند از فعالین و موکلین خود دفاع کنند توسط ماموران مختلف به خصوص سر بازان گمنام امام زمان بر علیه شان پرونده‌های دروغین بر مبنای مدارک گمنام و غیبی ساخته شده و اکنون در زندان به سر می‌برند. دروغ پردازی‌ها و پرونده سازی‌ها و آزار کارگران، دانشجویان، معلمان و زنان و جوانان به همین جا ختم نمی‌شود بلکه به طور دائم نهادها و ماموران و بخصوص سر بازان گمنام امام زمان بطور دائم مشغول دروغ گویی، تهدید خانواده زندانیان، فحاشی در حد کثیف ترین انسان‌ها که فقط در قامت و قاموس دست پرورده‌های نظام جمهوری اسلامی امکان پذیر است صورت می‌گیرد.

نهادها مختلف از جمله وزارت ضد انسانی اطلاعات و قوه بی اختیار قضاییه و ماموران حکومت اسلامی فعالین حق طلب را به بهانه‌ها و اتهامات واهی و دروغین زندانی می‌کنند. سپس کسانی را که از بی گناهی زندانیان دفاع کنند یا برای آزادی آنها تلاش نمایند با هزار دروغ و حيله، تهدید و فحاشی سعی در مرعوب کردشان می‌نمایند. و برای شکست اتحاد نیروهای فعال برای آزادی زندانیان و جدایی بین آنها و خانواده زندانیان می‌خواهند نفاق بافکنند و دلیل زندانی شدن فرد یا افراد را به مدافعين آزادی منتسب کنند تا با ایجا فاصله بین نیروهای فعال و خانواده‌ها یقه خود را از چنگ مدافعين آزادی زندانیان خلاص نماید به این جهت است که اگر زندانی برای رسیدگی به پرونده اش یا برای دفاع از خود در مقابل اتهامات دروغین و محاکمه بی دلیل و بی مدرک تلاش کند و یا شکایتی به ارگانی یا ارگانهای بدهد او را مورد اذیت و تنبیه قرار می‌دهند و اگر پدر یا مادر یا خانواده اش دلیل این همه قساوت و ضد انسانی بودن را جویا شوند ضمن تهدید آنها و مورد فحاشی اسلامی قرار دادن آنها با هزاران دروغ و فریب می‌گویند فلان افراد از او دفاع کردند بنا بر این کار او را خراب کردند. جمهوری اسلامی با همه ساختار ضد انسانی و ضد آزادی خودش بین انسانها نفاق افکنی می‌کند.

شاهرخ زمانی را 5 روز پیش پس از تراشیدن موی سرش به انفرادی برده اند به این بهانه که چرا شکایت می‌کنی که تو را بدون دلیل و مدرک محاکمه و به 11 سال زندان محکوم کرده اند. چرا به خانواده و دوستان تلفن می‌زنی و ... شاهرخ از آنها پرسیده است که آیا من طبق قانون خود شما حق شکایت ندارم؟ یا حق ندارم از قاضی بیرسم با کدام مدرک و با کدام اعتراف مرا محاکمه کرده‌ای؟ اگر زندانی حق شکایت ندارد پس به چه دلیل این همه نهادها و دادگاه‌های مختلف درست کرده‌اید؟ آیا اینها برای دکوراسیون و فریب مردم است؟ پس برای چه از جیب مردم این همه هزینه نهادها ی دکوری می‌کنید؟

طی یک ماه گذشته مادر و دختر شاهرخ به دادگاه‌های و نهاد‌های مختلف مراجعه کرده اند و وقتی همه آنها متوجه شدند که این خانواده با

اراده راسخ و پشتیبانی دوستان فعالین پی گیر پرونده نا عادلانه ساخته شده علیه شاهرخ هستند شروع کردند به جواب های سر بالا و فحاشی های مخصوص اسلامی که سال هاست مردم ایران به صورت های مختلف شاهدش بودند. و برای بیشتر مرعوب کردن آنها تا اینکه کوتاه بیایند و از تعقیب پرونده دروغین دست بکشند شاهرخ را نیز به عنوان ترساندن مادر و دخترش به انفرادی فرستادند و برای تکمیل سنایوراسلامی ضد کارگری و ضد انسانی خود ضمن تهدید مادر و دختر شاهرخ و فحاشی علیه آنها به عناوین مختلف گفته اند که چون سایت ها و تلویزیون های خارج از ایران از او دفاع می کنند او را به انفرادی فرستادیم. از این طریق می خواهند از احساسات مادری و فرزندی سو استفاده کرده زندانی را از مدافعانش محروم کنند. خانواده زندانیان باید بدانند دشمن واقعی آنها و زندانیان حکومت اسلامی، با تمامی عوامل پیدا و نا پیدایش است خانواده ها باید بگویند اصلاً" به چه دلیل و با کدام مدرک او را دستگیر و زندانی کرده اید که حالا به بهانه های مختلف می خواهید بین ما و مدافعان زندانیان نفاق بافکنید. چون شاهرخ به صورت ها و عناوین مختلف شکایت می کند ماموران رنگارنگ اسلامی به خانواده او می گویند چون نمی تواند زندان را بکشد این کار ها را می کند از این طریق می خواهند فعالیت اصولی شاهرخ را در نزد خانواده و دوستانش لوٹ کنند. شاهرخ گفته است حتی اگر 10 سال و 11 ماه از مدت زندان گذشته باشد و فقط یک ماه به پایان حکم دروغین مانده باشد باز هم از دادگاه و قاضی بی اختیار و از ماموران پرونده ساز و شکنجه گر شکایت خواهم کرد. این حق هر زندانی حتی اگر واقعا" جرمی مرتکب شده باشد نیز است چه رسد به من که هرگز جرمی مرتکب نشدم و با اتهامات دروغین به دست دادگاه و قاضی بی اختیار محاکمه شده ام.

حکومت اسلامی مانند هر حکومت فاشیستی هیچ گونه حقوقی برای کسی قائل نیست، اگر کسی بخواهد از ابزار و وسائل وحتى راه های قانونی از حق خود دفاع کند ضمن مسود کردن همه راه ها، هر روز او و خانواده اش را مورد آزار و شکنجه قرار می دهند و با کمال وقاحت که مخصوص حکومت اسلامی است می گویند عتوافت اسلامی شامل حال شما شده است که هنوز پدر، مادر، و فرزندان شما را دستگیر و زندانی نکردیم، یا به خانواده ها می گویند شما تحت الطاف جمهوری اسلامی قرار دارید که هنوز زندانی شما را نکشتم.

این ها جملات و عبارات دائمی ماموران و نهاد های اسلامی است که مانند نقل و نبات هر روز تحویل زندانی یا خانواده های زندانیان داده می شوند. ماموران نهاد های مختلف اسلامی با تهدید و فشار و سر دو راهی قرار دادن خانواده ها آنها را علیه زندانی می شورانند که ساکت باش و حرف گوش کن باش، شاید بهتر شود. اما لازم است بدانیم از جمهوری اسلامی و تمامی عوامل آن هر گز یک کلمه راست شنیده نشده است. تا به این روز جز فریب و دروغ حاصلی نداشته است و نباید فراموش کنیم که این حکومت در دهه شصت حتی توانایی که همه گونه در خدمتش بودند را گشت. خانواده ها باید بدانند هیچ بخشی از این حکومت قابل اعتماد نیست فقط باید با فشار و با استفاده از هر وسیله ممکن این حکومت را مجبور به عقب نشینی کرد. و باید همه گونه از فعالیت زندانیان برای آزادی شان دفاع کنیم.

یکی از دلایلی که شاهرخ و خانواده اش همچنان تحت فشار و تهدید هستند این است که ماموران به شاهرخ و خانواده اش می گویند چرا می گویند شاهرخ بی گناه است و هیچ مدرکی علیه او وجود ندارد و او را دادگاه بدون دلیل، بدون مدرک با پرونده خالی از مدرک و اعتراف با اتهامات دروغین محاکمه کرده است؟

وقتی خانواده شاهرخ می گویند اگر پرونده دروغین و ساختگی نیست و اگر در پرونده مدرکی وجود دارد چرا به ما نشان نمی دهید تا ما قانع شویم؟

در این حالت بیشتر مواقع ماموران نا توان از جواب دادن می شوند ضمن طفره رفتن از پاسخ، شروع به تهدید و فحاشی می کنند.

حکومت اسلامی تمامی تلاش خود را به کار می برد تا خانواده و دوستان زندانی را قانع کند که مقصر خود زندانی است که در مقابل محاکمه و حکم صادره سر فرود نمی آورد. و اعلام می دارد که چرا بدون دلیل و مدرک مرا زندانی کردید. در مقابل چنین نقشه و طرح جمهوری اسلامی علیه زندانیان در جهت به سکوت کشاندن آنها وظیفه ما در جهت دفاع از زندانیان و جلوگیری از تحمیل سکوت به آنها چیست؟

اکنون وضعیت جمهوری اسلامی سرمایه داری هر روز بدتر از قبل می شود این حاکمان که از آینده خود بیم ناک هستند تا می توانند علیه زندانیان فشار بیشتری می آورند تا شاید از این طریق بتوانند به فشار و ترس علیه مردم بافزایند تا شاید از اعتراضات قریب الوقوع کاسته شود. جمهوری اسلامی می داند که هم از طرف داخل و هم از طرف خارج هر روز بیشتر میان دو فک یک منگنه فشرده می شود.

باید هر کدام از دو طیف (طیف داخل و طیف خارج) فعالین مدافع آزادی زندانیان در داخل و بیرون متناسب با امکانات خود به دفاع همه جانبه و متحدانه برای آزادی زندانیان دست به کار های عملی متحدانه بزنند.

ما از کارگران، دانشجویان، معلمان و زنان و جوانان می خواهیم ضمن سازماندهی خود و توده ها برای مبارزات حق طلبانه و آماده شدن جهت هدایت و رهبری اعتراضات آتی، اکنون به طور منظم در جهت حمایت از آزادی زندانیان برنامه ریزی نمایند. همچنین از تشکل ها و سازمانها و احزاب می خواهیم هر چه بیشتر و دقیق تر در جهت حمایت و دفاع متحدانه و گسترده برنامه ریزی نمایند.

بخصوص شاهرخ زمانی اکنون نیاز به حمایت های هرچه بیشتری دارد تا بتوانیم با گسترش اعتراضات هر چه متحدانه خود ماموران جمهوری اسلامی را به عقب رانده امکان اعتراض و شکایت را برای شاهرخ مهیا کنیم در این راستا شاهرخ نیاز به وکلای دارد تا بتوانند شکایات او را به نهاد های مختلف ارایه و ادامه بدهند از افراد و نهاد های که آمادگی جهت وکالت ایشان را دارند می خواهیم با ما تماس برقرار کنند.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

12/5/1391

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com

تصمیم به خودکشی کارگر جوشکاری به دلیل پرداخت نشدن حقوقش

به گزارش پیامهمان در تاریخ 12 مرداد آمده است : ساعت 9 و 45 دقیقه روز چهارشنبه بود که فردی به نام «الف.ع» که جوشکار یکی از شرکت‌های ساختمانی در شهرک بهشتی همدان به نام پروژه مسکن مهر کارکنان دانشگاه پیام نور همدان بود به خاطر بستن کاری از پیمانکار قبلی پروژه و نقد نشدن طلب خود، به بالای اسکلت‌بندی یکی از آپارتمان‌های بلندمرتبه رفته بود.

براساس این گزارش، این جوشکار 50 ساله عنوان داشت که مدت یک ماه مشغول جوشکاری این پروژه ساختمانی بوده است اما بعد از پایان کار، پیمانکار قبلی پروژه از پرداخت حقوق وی سر باز می‌زند. وی ادامه داد: با این که یک ماه از پایان کار می‌گذرد اما پیمانکار هر روز به دلایل مختلف برخلاف تعهدات و صحبت‌های خود رفتار می‌کند و حاضر به پرداخت حق و انجام تعهد خود نیست.

به گفته «الف.ع» کل مبلغ بستن کاری وی، یک میلیون تومان بوده که 400 هزار تومان آن پرداخت شده و پیمانکار برای پرداخت مابقی پول، برگه چکی می‌دهد که هنگام مراجعه به بانک معلوم می‌شود حساب صادرکننده چک مسدود است. وی اظهار داشت: ظرف مدت این یک ماه برای به دست آوردن حق خود هزینه‌های زیادی صرف رفت و آمد از شهرستان نهاوند به همدان کرده است؛ به طوری که بیکار شدن او از سوی پیمانکار و پرداخت نشدن حقوق یک ماه کاری، باعث ناراحتی و نگرانی وی شده است؛ چراکه به دلیل همین مسأله مالی، مشکلات زیادی برای او و خانواده‌اش ایجاد شده است.

وی در پایان دلیل این اقدام خود را نارضایتی از وضعیت نابسامان موجود و راه نبردن تلاش‌های او برای احقاق حقوق خود دانست. این گزارش حاکیست، پس از وساطت نیروی انتظامی و وعده پرداخت حقوقش، این کارگزار انجام عمل خودکشی خودداری کرد و متقاعد شد از طریق قانون خواسته خود را پیگیری کند.

جلیل محمدی و علیرضا عسگری همچنان بلاتکلیف!

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در 13 مرداد آمده است : با گذشت حدود 50 روز از بازداشت اعضای کمیته‌ی هماهنگی در کرج، هنوز 2 تن از آنان در بازداشت به سر می‌برند. این در حالی است که بازپرس پرونده در ابتدا برای هر کدام از آن‌ها 100 میلیون تومان وثیقه تعیین کرده بود و با وجودی که خانواده‌ی علیرضا عسگری و جلیل محمدی به صراحت اعلام کردند که توانایی پرداخت وثیقه را دارند، بازپرس از پذیرش وثیقه خودداری کرد و بعد از این که پرونده را به دادگاه فرستاد، عنوان کرد که «خانواده‌ها توانایی پرداخت وثیقه را نداشته‌اند» که سخنی خلاف واقع است!

کمیته‌ی هماهنگی بار دیگر اعلام می‌دارد که این دو عضو به مانند دیگر اعضای کمیته هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و شعبه‌ی تعیین شده در دادگاه انقلاب اسلامی کرج باید در اسرع وقت آنان را آزاد کند. همچنین بنا بر اخبار رسیده مأموران قصد داشته‌اند به علیرضا عسگری نسبت دهند که ایشان فراخوان‌دهنده و برگزارکننده‌ی مجمع عمومی کمیته‌ی هماهنگی در کرج بوده است که حقیقت ندارد، زیرا کمیته‌ی هماهنگی از مدت‌ها قبل به دنبال پیدا کردن سالن مناسبی در تهران و حومه جهت برگزاری مجمع عمومی خود بود و پس از این که هیچ مکان مناسبی پیدا نشد از تمامی اعضا درخواست کرد که اگر مکان مناسبی سراغ دارند به کمیته معرفی کنند. در همین راستا علیرضا عسگری آدرس منزلی در کرج را در اختیار کمیته گذاشت و این کمیته نیز آدرس را به صورت گسترده به اعضای خود اعلام کرد تا در جمعه‌ی آخر خرداد ماه در این مکان گرد هم آیند و ایشان هیچ مسئولیت خاصی در برگزاری مجمع نداشته و اساساً برگزاری مجمع بر عهده‌ی تمام اعضا و به خصوص هیأت اجرایی کمیته‌ی هماهنگی است.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

آتش‌سوزی در بزرگترین مجتمع پتروشیمی ایران

به گزارش خبرنگار دولتی مهر در 13 مرداد آمده است : این آتش‌سوزی در یکی از واحدهای فرآیندی مجتمع پتروشیمی بندر امام به عنوان یکی از بزرگترین مجتمع پتروشیمی ایران امروز جمعه اتفاق افتاد که متأسفانه منجر به خسارات مالی و جانی شده است.

قدرت الله نصیری از مسئولان شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در گفتگو با مهر با تائید آتش‌سوزی در یکی از واحدهای فرآیندی مجتمع پتروشیمی بندر امام، گفت: کمیته بحران در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی (بندر ماهشهر) برای بررسی دلایل این اتفاق تشکیل شده است.

وی افزود: به زودی جزئیات بیشتری از دلایل این آتش‌سوزی و خسارات مالی و جانی آن اعلام خواهد شد.

گزارش خبرنگار مهر حاکی از آن است که در حال حاضر نیروهای امدادی و آتش‌نشانی در محل این حادثه حضور دارند.

پتروشیمی بندر امام یکی از مجتمع‌های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی است. محصولات تولیدی این مجتمع شامل اتان، پروپان، بوتان، پنتان، اتیلن، بنزین پیرولیز، نفت کوره، بنزن، زایلن‌ها، رافینت، اروماتیک‌های سنگین و پارازیلین است و با داشتن ظرفیت

بالای تولید، نخستین تولیدکننده محصولات پتروشیمی ایران است.

این مجتمع دارای 3 شرکت تولیدی فرآورش بندرامام، کیمیا بندرامام و بسپاران بندرامام است که در این میان فرآورش موفق شد سال گذشته نزدیک به 4 میلیون تن محصول تولید کند.

وضعیت رضا شهابی بعد از عمل جراحی، در گفتگو با ربابه رضایی(صوتی)

به گزارش رادیو ندا در گفتگو با خانم ربابه رضایی، همسر رضا شهابی، در 13 مرداد آمده است: در گفتگو با رادیو ندا ضمن قدردانی و تشکر فراوان از زحمات پرسنل بیمارستان، گفت: «به امید آن روزی که همه پشت هم باشیم!»
بشنوید:

http://www.radioneda.de/2012/07/30/R_Rezai120730.mp3

احضار و بازجویی یک فعال اجتماعی در سنج

به گزارش سایت اصلاح طلب جرس در 13 مرداد آمده است: به گزارش منابع خبری، طی روزی اخیر یک فعال اجتماعی در سنج به نام احمد مرادی برای بار دوم به ستاد خبری اداره اطلاعات این شهر احضار و مورد بازجویی قرار گرفت.

به گزارش آژانس خبری موکریان، احمد مرادی طی این بازجویی که چند ساعت به طول انجامید به دلیل قصد انتشار بیانیه‌ای در حمایت از اعتصاب غذای محمدصدیق کیبوندن مورد بازخواست قرار گرفته است.

گفتنی است روز شنبه گذشته نیز احمد مرادی به ستاد خبری اداره اطلاعات سنج احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود.

آمار تکان‌دهنده نابودی محصولات کشاورزی/ ناتوانی دولت از مدیریت سیب‌زمینی

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 13 مرداد آمده است: چهار روز قبل کلمه از رشد انفجاری قیمت پیاز و نابودی هزاران تن پیاز تولید داخل گزارش داد و تصاویری را از انبوه پیازهای آماده فروش بر سر مزرعه منتشر کرد که زیر آفتاب در حال فاسد شدن بودند. اکنون گزارش می‌رسد که وضع سیب‌زمینی تولید داخل به مراتب فاجعه‌بارتر است و طبق اعلام رسمی اتحادیه سیب‌زمینی کاران، دست کم 100 هزار تن! سیب‌زمینی به خاطر سوء مدیریت دولت نابود شده است.

در همین باره بخوانید:

دولت سیب‌زمینی کاران را هم ورشکسته کرد/ دهی 4 سال قبل هنوز پرداخت نشده

اقتصاد کشاورزی رو به ورشکستگی پیش می‌رود

به گزارش کلمه، اگر تا چند روز قبل خبر نابودی پیاز در مزارع خوزستان، کرمان و بوشهر منتشر شد، حالا گزارش‌های جدیدتر حاکی از آن است که سرنوشت پیاز در استان خراسان رضوی نیز بهتر از دیگر استان‌ها نیست و وضع سیب‌زمینی هم بهتر از پیاز نیست.

در واقع به دلیل آنکه محصولات کشاورزی با قیمت پایین خریداری یا اصلاً خریداری نمی‌شود کشاورزان مجبورند محصولات تولیدی خود را در خاک دفن کنند. قیمت پیاز در بازار کیلویی 1000 تومان است اما دولت این محصول را کیلویی 80 تومان از کشاورزان پیازکار خریداری می‌کند که این نوع خرید نه تنها سودی برای کشاورزان ایرانی ندارد که فقط منجر به ضرر بیشتر آنان می‌شود.

در همین رابطه، یک تولیدکننده محصول سالم پیاز خراسان رضوی در سال 90 با تاکید بر اینکه کشاورزان و دامداران روز به روز متضررتر می‌شوند، می‌گوید: «با وجود افزایش قیمت تمام شده تولیدات در بخش کشاورزی، دولت محصولات کشاورزی را ارزان از کشاورزان خریداری می‌کند.»

همین کشاورز با تولید 4000 تن پیاز ارگانیک در مزرعه خود اعلام کرده که این محصول را کیلویی 46 تومان به بازار تهران ارسال کرده، در حالی که با احتساب هزینه کارگر، این محصول کیلویی 120 تومان تمام شده است.

هم پیاز، هم سیب‌زمینی

از بین رفتن محصولات کشاورزی فقط شامل پیاز نمی‌شود و دیگر محصولات نیز دارند در نتیجه بی‌تدبیری مسوولان و همچنین تبعات تحریم‌ها از بین می‌روند. در همین رابطه رییس اتحادیه سیب‌زمینی‌کاران خبر از بین رفتن 100 هزار تن سیب‌زمینی را اعلام کرده است. بر اساس این خبر، کشاورزان به عنوان بذر محبور به کشت سیب‌زمینی شدند اما به دلیل نداشتن بازار میزان تولید جذب نشده و کنار جاده‌ها و رودخانه‌ها دور ریخته شدند که از طرفی نیز منجر به فاجعه زیست محیطی شد.

حسن محمدی رییس اتحادیه سیب‌زمینی‌کاران اعلام کرده که مستندات دور ریخته شدن این میزان محصول نیز موجود است، او در این رابطه گفت: «15 هزار تن از این محصول در استان همدان، 20 هزار تن در استان کردستان و 7 هزار تن در استان فارس، 6 هزار تن در استان اصفهان و بخشی دیگر در استان گرگان تولید شده بود.»

بر اساس این گزارش و اخبار اعلام شده از سوی مسوولان در حال حاضر شش هزار تن سیب زمینی در استان اصفهان در سردخانه مانده و کشاورزان قادر به پرداخت حق سردخانه‌دار نیستند که منجر به این امر شده که سردخانه‌دار فقط از کشاورز کرایه حمل این محصول برای دور ریختن را طلب کند.

چندی پیش هم قائم مقام سازمان جهادکشاورزی استان اصفهان خبر داد که بیش از ۴۰ هزار تن سیب زمینی در شهرستان فریدن و حدود ۳۵ هزار تن در شهرستان چادگان در حال خراب شدن است. در واقع بنا بر گفته این مقام دولتی، با از بین رفتن این مقدار سیب زمینی در این دو شهرستان، بیش از ۹۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به کشاورزان منطقه خسارت وارد شده است.

بر اساس این گزارش، سالانه بیش از ۱۷۰ هزار تن سیب زمینی از بیش از ۱۲ هزار هکتار از زمین های کشاورزی شهرستان های چادگان و فریدن برداشت می شود و استان اصفهان با تولید ۵۰۰ هزار تن سیب زمینی رتبه دوم تولید سیب زمینی را در کشور دارد.

از طرفی دیگر، سیب زمینی کاران گلستانی نیز با اشاره به نرخ پایین خرید این محصول عنوان کرده اند که نرخ تعیین شده سبب می شود کشاورز به ازای هر هکتار دو میلیون تومان ضرر کند.

نرخ خرید دولتی، زیر قیمت تمام شده

بر اساس اطلاعات رسمی منتشر شده، نرخ خرید تضمینی سیب زمینی پاییزه ۱۴۷ تومان، سیب زمینی بهاره و تابستانی ۱۵۲ تومان، سیب زمینی طرح استمرار ۱۷۰ تومان، از سوی شورای اقتصاد اعلام شده است.

از همین رو فعالان حوزه کشاورزی گلستان با هشدار نسبت به اینکه چرا کسی باور نمی کند کشاورزی در حال از بین رفتن است، عنوان می کنند: "سیب زمینی کیلویی ۲۰۰ تومان یعنی ضرر دو میلیون تومانی کشاورزان در هر هکتار!"

این سیب زمینی ها در حالی تولید می شود که برای تولید آن بیش از ۸۶۰ لیتر آب نیاز است در نتیجه تولید هر کیلوگرم سیب زمینی حدود ۳۰۰ تومان هزینه آبیاری نیاز دارد که این هزینه به غیر از هزینه مصرف نهاده های کود و سم و بذر و دستمزد کارگری است.

به گفته تولیدکنندگان، با احتساب تمام این موارد قیمت تمام شده هر کیلو سیب زمینی ۳۰۰ تومان است لذا برای تولید هر کیلو سیب زمینی حدود ۶۰۰ تومان هزینه می شود. در حالی که قیمت خریداری، بسیار پایین تر از آن چیزی است که کشاورزان تولید می کنند و در نهایت نیز محصولی که اینقدر هزینه برداشته است، خراب می شود و از بین می رود.

به نظر می رسد که اگر همین روند ادامه پیدا کند و فکری برای پایان یافتن حضور مدیران بی کفایت در رأس دولت نشود، بسیاری از محصولات کشاورزی از بین خواهند رفت و مردم چیزی برای مصرف نخواهند داشت.

در حالی که این روزها گوشت و مرغ و شیر بسیار گران شده و بسیاری از اقشار مردم قادر به خرید این مواد غذایی نیستند و در کنار آن گندم داخلی نیز در حال از بین رفتن است، تا جایی که مسوولان ابایی ندارند از اینکه اعلام کنند نفت می دهند و آرد هندی وارد می کنند، بهتر است برای جبران بسیاری از کمبود ها و کسری ها، متصدیان امور حداقل کمی بیشتر به محصولات کشاورزی توجه کنند تا سیب زمینی و پیاز که زمانی یکی از ارزان ترین محصولات غذایی بود، اینگونه از بین نرود.

سیاست فشار بر کارگران شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو که با تعدیل نیرو در این شرکت آغاز شده بود با قطع کلیه مزایای نقدی و غیر نقدی وارد فاز جدیدی شد

به گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 13 مرداد آمده است: در ادامه بحران در شرکت ایران خودرو، سیاست فشار بر کارگران شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو که با تعدیل نیرو در این شرکت آغاز شده بود وارد فاز جدیدی شد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در ادامه سیاستهای ضد کارگری در شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو، مدیریت این شرکت اقدام به قطع کلیه مزایای نقدی و غیر نقدی هزار کارگر این مجتمع صنعتی کرده است و علاوه بر این، از مقدار پایه حقوق کارگران این شرکت در تیر ماه سالجاری فقط 70 درصد آن را پرداخت کرده است.

بنا بر این گزارش، مدیریت شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو برای جلوگیری از اعتراضات کارگری در این مجتمع از اطلاع رسانی شفاف به کارگران در مورد وضعیت بحرانی این کارخانه خودداری میکند.

این در حالی است که بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، در ادامه بحران در شرکت ایران خودرو و شرکتهای زیر مجموعه آن، شرکت مهر کام پارس نیز با سه هزار کارگر شاغل، فقط 300 هزار تومان از دستمزد این کارگران را در تیر ماه سالجاری بصورت علی الحساب پرداخت کرده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

خبرهای تکمیلی

اخراج کارگران شرکت قالب های صنعتی ایران خودرو

بر پایه خبر منعکس شده در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران: شرکت قالب های صنعتی ایران خودرو شروع به اخراج و تعدیل نیرو خود نموده است

طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: این شرکت که در 5 کیلومتری آزاد راه کرج-قزوین قرار دارد با بیش از 1000 کارگر مشغول به کار است که از اوایل امسال در پی قطع رابطه‌ی شرکت‌های بزرگی همانند هیوندای، کیاموتورز و پژو، اکثر خطوط تولید این شرکت به طور کامل از کار افتاده است و بعضی از خطوط نیز با حداقل ظرفیت به کار مشغول می‌باشند. در همین ارتباط مدیریت شرکت شروع به تعدیل نیرو از پرسنل پیمانی این شرکت نموده است و برای اینکه انعکاس خبری گسترده‌ای نداشته باشد هر روزه تعدادی از کارگران را به مرخصی اجباری می‌فرستند و به کارگران می‌گویند که فعلاً به مرخصی بروید تا وضعیت مناسب شود.

طبق اخبار رسیده دیروز 7 نفر و امروز چهارشنبه 4 نفر را به مرخصی اجباری فرستاده‌اند و در ابتدا از کارگران مجرد شروع به تعدیل نیرو نموده‌اند.

طبق اخباری که به کارگران رسیده امکان اینکه تا 150 نفر را از کارگران را، بیکار کنند زیاد است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

مصاحبه با علی، کارگر اخراجی سد خاکی زیویه

سلام علی آقا، خسته نباشی.

علی: ممنون.

س: امکان داره در مورد محلی که در آن کار می‌کردید توضیحاتی برای ما بیان کنید.

علی: بله. من در سال 86 با 20 میلیون تومان سفته و کارت پایان‌خدمت و شرایط دیگری به عنوان نگهبان در سد خاکی زیویه در 20 کیلومتری کامیاران که تحت پیمان‌کاری «جهاد نصر» بود مشغول به کار شدم.

س: آیا می‌دانید که این سد در چه سالی احداث شده، چه تعداد کارگر در آن مشغول بودند و بعد از گذشت چند سال اکنون چه تعداد کارگر در آن کار می‌کنند؟

علی: بله. این سد در سال 84 احداث شد و اوایل حدود 872 نفر در آن مشغول به کار بودند که بعد از حدود 7 سال تقریباً 120 کارگر در بخش‌های مختلف باقی مانده است.

س: حقوق ماهیانه شما چقدر بود و چگونه پرداخت می‌شد؟

علی: مثل همه کارگران شاغل طبق قانون کار پرداخت می‌شد. پرداخت حقوق 3 ماه یک بار و بعضی مواقع 6 ماه یک بار بود و همیشه یک ماه از حقوق به بهانه‌های مختلف بایستی نزد کارفرما می‌ماند.

س: قرارداد کارگران در این شرکت به چه صورت است؟

علی: نود درصد کارگران با قرارداد موقت 3 ماهه و 2 ماهه که در موقع پرداخت حقوق امضا می‌شد در این شرکت مشغول به کار بودند و همیشه کارفرما، کارگران را تهدید به اخراج می‌کرد.

س: آیا در طی این 4 سال که مشغول به کار بودید بیمه شده بودید؟

علی: بله. ماهانه مقداری از دستمزدمان را بابت حق بیمه در فیش‌های حقوقی کسر می‌کردند.

س: ساعت کار شما چگونه بود؟

علی: از 7 صبح تا 6 غروب یا 6 غروب تا 8 صبح.

س: شرایط کاری شما به عنوان نگهبان در طی این دوران چگونه بود؟

علی: در شرایط نابسامانی قرار داشتیم. برای مثال هیچ‌گونه امکاناتی برای محافظت در اختیارمان قرار نمی‌دادند. زمستان را با چادری خراب شب تا صبح زیر باران و برف به سر می‌بردیم و صبح مستقیم راه بیمارستان را در پیش می‌گرفتیم. این روال اکثر روزها ادامه داشت به صورتی که تمامی دکترها و پرستارها ما را در بیمارستان می‌شناختند.

س: در این مدت که شما در این سد مشغول بودید آیا اعتراض یا اعتصابی به وضع نابسامان شرایط کار توسط کارگران صورت گرفت؟

علی: بله در سال 86 و 88 دو بار کارگران دست از کار کشیدند به دلیل کم بودن دست‌مزد و به تعویق افتادن آن. که هر دو بار این اعتصابات به نتیجه نرسید، زیرا کارفرما با اخراج چند نفر از کارگران و اعلام این که این روال ادامه دارد اگر می‌خواهید کار کنید در غیر اینصورت می‌توانید بروید، چیزی که زیاد است کارگر است و گفتن این حرفها باعث پایان یافتن اعتصاب می‌شد.

س: آیا در این چند سال که شما مشغول کار در این پروژه بودید حادثه‌ای اتفاق افتاد که کارگری جان خود را از دست بدهد یا منجر به نقص عضو شود؟

علی: بله در سالهای 87 و 88 یک راننده به علت خرابی کومپرس تریلی زیر آن له شد. همچنین یک کارگر هم که در حین تمیز کردن سنگ شکن، به دلیل نبود شرایط ایمن، دستگاه روشن و منجر به پودر شدن کارگر بیچاره شد.

س: تأثیرات طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر زندگی شما و کارگران چه بوده است؟

علی: به قیمت خانه خرابی ما تمام شد. هر چند ماه مقداری از دستمزدمان را کاهش دادند. در اکثر موارد پرداخت دستمزدمان از 3 ماه به 4 و حتی 6 ماه به تعویق می‌افتاد، به صورتی که تمامی کارگران به صاحب‌خانه، مغازه‌سر کوچک، همسایه، فامیل و ... بدهکار بودند و وقتی هم که مقداری از دستمزد پرداخت می‌شد همه آن بابت پرداخت بدهی‌ها خرج می‌شد و دوباره روز از روز و روزی از روز. تهدید به اخراج‌ها زیاد شده بود و کارگران دسته‌دسته اخراج می‌شدند. قراردادهای 6 ماهه تبدیل به قراردادهای 2 ماهه شد و ساعات کار از 8 ساعت به 10 و 12 ساعت افزایش یافت.

س: دلیل اخراج شما چه بود؟

علی: فشار کار زیاد شده بود به طوری که چند روز بیمار بودم و کمرم به علت سرما خوردن در حین ساعات نگهداری درد می کرد به طوری که مجبور به استراحت در منزل شدم، زمانی که به سرکار باز گشتم، کارفرما گفت که داریم شرکت را تعطیل می کنیم و دیگر به نگهداری احتیاج نداریم.

مهرداد صبوری (از اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری)

مرداد ماه 1391

سه کشته و 15 مجروح در حادثه آتش سوزی ماهشهر

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 13 مرداد آمده است: رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی استان خوزستان گفت: در حادثه آتش سوزی در پتروشیمی بندرامام خمینی سه نفر کشته و 15 نفر مجروح شدند.

براساس این گزارش، سید اسدالله موسوی اظهار کرد: این حادثه که ساعت 16 و 15 دقیقه روز جمعه رخ داد باعث شد که سه نفر از نیروهای امدادی منطقه در همان انفجار کشته شوند و 15 نفر دیگر مجروح شوند. وی افزود: در همان لحظه شنیدن این خبر به ستاد بحران کشور و سایر مسئولان اطلاع دادیم و حالت آماده باش کامل در این مرکز اعلام شد.

موسوی تصریح کرد: همچنین به کلیه آمبولانس‌های مستقر در ماهشهر برای کمک به امدادگران پتروشیمی ماهشهر اطلاع دادیم که به محل حادثه اعزام شدند.

رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی استان خوزستان گفت: طبق اطلاع رسانی مرکز پزشکی ماهشهر، متأسفانه سه نفر از نیروهای این پتروشیمی در همان لحظه جان سپردند و 15 نفر دیگر مصدوم شدند.

موسوی عنوان کرد: همچنین 9 نفر از حادثه دیدگان به بیمارستان سوختگی طالقانی اهواز برای مداوای بیشتر منتقل و همچنین دو نفر دیگر به صورت سرپایی مداوا معالجه شدند.

گفته می شود لوله انتقال گاز به پتروشیمی ماهشهر عصر امروز دچار نشستی و سپس آتش سوزی کوچکی می شود که نیروهای امداد و آتش نشانی برای مهار آن وارد عمل می شوند ولی هنگام تجمع آنان لوله ناگهان منفجر می شود و اغلب نیروهای امدادی دچار سوختگی می شوند.

پتروشیمی بندرامام یکی از مجتمع‌های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی است. محصولات تولیدی این مجتمع شامل اتان، پروپان، بوتان، پنتان، اتیلن، بنزین پیرولیز، نفت کوره، بنزن، زایلن‌ها، رافینت، آروماتیک‌های سنگین و پارازایلین است و با داشتن ظرفیت بالای تولید، نخستین تولیدکننده محصولات پتروشیمی ایران است. این مجتمع دارای 3 شرکت تولیدی فرآورش بندرامام، کیمیا بندرامام و بسپاران بندرامام است که در این میان فرآورش موفق شد سال گذشته نزدیک به 4 میلیون تن محصول تولید کند.

شاهکاری به نام «سقوط آزاد قیمت مرغ»!

به نوشته سایت عصرایران در 13 مرداد آمده است: «سقوط آزاد قیمت مرغ»؛ این تیتیری بود که دیروز برخی رسانه‌های ارتزاق کننده از بودجه عمومی بر روی خروجی خود قرار دادند و حتی آن را از طریق پیامک هم اطلاع رسانی کردند: قیمت مرغ با سقوط آزاد به 5850 تومان رسید!

گویب شاهکاری شگرف در عرصه اقتصاد کشور و به مدد مدیریت جهانی آقایان دولتی شکل گرفته است: سقوط آزاد قیمت مرغ!

مردم هم که نه حافظه دارند و نه احترام! مرغ 3-4 هزار تومانی به طرفه العینی سر به 9 هزار گذاشته و اینک، به 5850 تومان کاهش (!) یافته است و این فتح الفتوح، حتماً هم بوق و کرنا می خواهد و لابد کلی هم مدعی برایش پیدا می شود و مسوولانی که تا کنون در قبایل گرانی مرغ سکوت کرده بودند، نطق شان به منت باز می شود که "ما بودیم!"

این که قیمت مرغ از 9 هزار تومان پایین آمده، حتماً خبر خوبی است و تنها کسانی که دوست ندارند آب خوش از گلوی ملت پایین برود و می خواهند گرانی‌ها را چماق سیاسی خود بر سر دولت کنند، از کاهش قیمت‌ها افسرده می شوند.

از این رو، ما نیز خوشحالیم که مرغ 9 هزار تومان نیست و کمتر است اما نکته اینجاست که 5850 تومان هم نه تنها ارزان نیست بلکه نسبت به همین یکی دو ماه گذشته، گران تر هم شده است.

البته مردم صبور و واقعاً مقاوم ایران، به گرانی‌ها، ناچار عادت کرده اند ولی آنچه بدتر از گرانی‌ها رنج‌شان می دهد، ادبیات برخی مسوولان و رسانه هاست که احتمالاً برای مردم، قوه عاقله‌ای متصور نیستند و مثلاً در باب همین مرغ، آن را از 3-4 هزار تومان به 9 هزار افزایش می دهند و سپس 6 هزار تومانش می کنند و در پایان، اسم این افزایش دو - سه هزار تومانی را کاهش قیمت و سقوط آزاد می گذارند و لابد پیش خود فکر می کنند "کسی هم حواسش نبود که چه شد!"

ما در شرایط تحریم هستیم و البته برخی سوء مدیریت‌ها و رانت جویی‌های داخلی هم در شکل‌گیری وضعیت حاضر مؤثر است، وضعیتی که باعث شده است رهبر انقلاب، بحث "اقتصاد مقاومتی" را مطرح کنند.

بی‌گمان، یکی از پایه‌های اقتصاد مقاومتی، مردم هستند و اگر همراهی مردم نباشد، کشور با مشکل جدی مواجه خواهد شد. اما دولتمردان و رسانه‌های وابسته به بودجه بیت المال بدانند راه همراه کردن مردم، نادیده گرفتن شعور و بی‌احترامی به آنها و شعار دادن نیست.

باور کنید اگر مسوولان دولتی و برخی رسانه‌های وابسته به جای این که ادعای کاهش قیمت مرغ داشته باشند و ترانه "همه چی آرومه" را

بخوانند ، صادقانه به مردم می گفتند که "ای مردم! به این دلایل قیمت مرغ افزایش می یابد و ما نیز خطاهای خود را می پذیریم و عذر می خواهیم" ، نوسان قیمت اینقدر برای مردمی که قدرت درک شان از عمده مسوولان برتر است ، عذاب آور نبود.

ملت ایران ، ماجرای پذیرش قطعنامه 598 و پایان جنگ را هنوز به خاطر دارند. در آن زمان ، نه امام (ره) و نه مسوولان وقت ، به مردم دروغ نگفتند و هرگز ادعا نکردند که "مثلاً بغداد در آستانه سقوط بود و ترحم کردیم و ... " بلکه صادقانه مشکلات کشور را بیان کردند و از جمله هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه ، اعلام کرد که بودجه مملکت ته کشیده بود و به خط قرمز رسیده بودیم و ... مردم هم پذیرفتند و همه چیز تمام شد.

در همان قضیه ، امام (ره) - که حرفش برای مردم حجت بود - در اعلامیه پذیرش قطعنامه چنان با تواضع با مردم سخن گفت و از شرمندگی خود در برابر ملت ایران نوشت که کاملاً مشخص شود در برابر ملت ، خود را مسوول می داند ، اما مسوولانی که مدام دم از امام (ره) می زنند و با شنیدن نامش در جمع ، صلوات هم می فرستند و البته در مقایسه با مقام تاریخی امام (ره) در حکم "هیچ" هستند ، حاضر نشدند به خاطر رنجی که بر مردم و مشخصاً بر طبقات محروم جامعه در ماجرای بازار مرغ و سایر گرانی ها تحمیل شد ، یک عذرخواهی خشک و خالی هم بکنند تا لااقل نمایشی از مسوولیت پذیری اجرا کنند.

تنها مسوول مهمی که در سال های اخیر از مردم عذرخواهی کرد ، خاوری - مدیر عامل سابق بانک ملی - بود که در پی رسوایی موسوم به "سه هزار میلیارد" استعفا کرد و پوزش خواست - و کلی هم از این که بالاخره یک مسوول عذرخواهی کرد ذوق زده شدیم - ولی نهایتاً معلوم شد همه ماجرا فیلم است و طرف "تو زرد از آب در آمد" و با پولی که به خاطرش عذر خواهی کرده بود ، راهی کانادا شد!

مخلص کلام این که اگر مسوولان می خواهند مردم در کنارشان باشند ، قبل از این که وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را سر و سامان دهند ، "صداقت" پیشه کنند و "عقل و شعور خود را بیشتر از مردم نپندارند" و در یک کلمه متوجه باشند که "مردم می فهمند و خوب هم می فهمند" و مثلاً در همین قضیه بازار مرغ ، از این که می بینند مرغ 3-4 هزار تومانی را 5-6 هزار تومان می کنند و منت هم می گذارند که ارزان کردیم(!) ، ناراحت می شوند و حق هم دارند زیرا علاوه بر گران شدن مرغ ، مورد بی احترامی هم قرار گرفته اند.

لازمه اقتصاد مقاومتی ، صداقت و احترام گذاشتن به مردم و بیان واقعیت هاست و اگر مسوولان این نکات را رعایت نکنند و صرفاً چون رهبری بر اقتصاد مقاومتی تأکید کرده اند ، آنها هم تکرارش کنند ، مشخص می شود که همان طور که در پیروی از سیره امام (ره) پایشان می لنگد ، در ادعای تبعیت از رهبری هم صداقت ندارند و البته این ها را هم "مردم می فهمند".

مهمترین ضعف تشکلهای صنفی وابستگی به احزاب و دولت است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 13 مرداد آمده است : يك فعال کارگری در هرزگان وابستگی تشکلهای کارگری به احزاب سیاسی و دولت را مهمترین عامل ضعف این نهادهای صنفی در پیگیری حقوق کارگران دانست.

محمد دریانوس در این باره به ایلنا گفت: تشکلهای کارگری برای حفظ استقلال باید تمامی تلاش خود را به کار بگیرند تا بتوانند در انجام وظیفه خود که حمایت از کار و جامعه کارگری است موفق عمل کنند.

دبیر خانه کارگر هرزگان در بخش دیگری از سخنان خود بر توجه هر چه بیشتر به نیروی کار جهت پیشبرد اهداف و برنامههای اقتصادی کشور تأکید کرد و افزود: اهمیت و جایگاه نیروی کار در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاب می کند که نمایندگان و تشکلهای کارگری با ارائه برنامه کاربردی و با تدوین و تصویب و تغییر قوانین کار امکان قرار گرفتن نیروی کار را در جایگاه حقیقی اش فراهم کنند.

او با بیان اینکه رشد صنعتی و اقتصادی به مهارت نیروی کار بستگی دارد، اظهار کرد: منافع اقتصادی کشور زمانی حاصل می شود که دانش ایجاد شده به دست نیروی کار در بخش تولید و خدمات مورد استفاده قرار گیرد.

مصاحبه با علی، کارگر اخراجی سد خاکی زیویه

سلام علی آقا، خسته نباشی.

علی: ممنون.

س: امکان داره در مورد محلی که در آن کار می کردید توضیحاتی برای ما بیان کنید.

علی: بله. من در سال 86 با 20 میلیون تومان سفته و کارت پایان خدمت و شرایط دیگری به عنوان نگهبان در سد خاکی زیویه در 20 کیلومتری کامیاران که تحت پیمان کاری «جهاد نصر» بود مشغول به کار شدم.

س: آیا می دانید که این سد در چه سالی احداث شده، چه تعداد کارگر در آن مشغول بودند و بعد از گذشت چند سال اکنون چه تعداد کارگر در آن کار می کنند؟

علی: بله. این سد در سال 84 احداث شد و اوایل حدود 872 نفر در آن مشغول به کار بودند که بعد از حدود 7 سال تقریباً 120 کارگر در بخشهای مختلف باقی مانده است.

س: حقوق ماهیانه شما چقدر بود و چگونه پرداخت می شد؟

علی: مثل همه کارگران شاغل طبق قانون کار پرداخت می شد. پرداخت حقوق 3 ماه یک بار و بعضی مواقع 6 ماه یک بار بود و همیشه یک ماه از حقوق به بهانه های مختلف بایستی نزد کار فرما می ماند.

س: قرارداد کارگران در این شرکت به چه صورت است؟

علی: نود درصد کارگران با قرارداد موقت 3 ماهه و 2 ماهه که در موقع پرداخت حقوق امضا می شد در این شرکت مشغول به کار بودند و همیشه کارفرما، کارگران را تهدید به اخراج می کرد.

س: آیا در طی این 4 سال که مشغول به کار بودید بیمه شده بودید؟

علی: بله. ماهانه مقداری از دستمزدمان را بابت حق بیمه در فیشهای حقوقی کسر می کردند.

س: ساعت کار شما چگونه بود؟

علی: از 7 صبح تا 6 غروب یا 6 غروب تا 8 صبح.

س: شرایط کاری شما به عنوان نگهبان در طی این دوران چگونه بود؟

علی: در شرایط نابسامانی قرار داشتیم. برای مثال هیچ گونه امکاناتی برای محافظت در اختیارمان قرار نمی دادند. زمستان را با چادری خراب شب تا صبح زیر باران و برف به سر می بردیم و صبح مستقیم راه بیمارستان را در پیش می گرفتیم. این روال اکثر روزها ادامه داشت به صورتی که تمامی دکترها و پرستارها ما را در بیمارستان می شناختند.

س: در این مدت که شما در این سد مشغول بودید آیا اعتراض یا اعتصابی به وضع نابسامان شرایط کار توسط کارگران صورت گرفت؟

علی: بله در سال 86 و 88 دو بار کارگران دست از کار کشیدند به دلیل کم بودن دست مزد و به تعویق افتادن آن. که هر دو بار این اعتصابات به نتیجه نرسید، زیرا کارفرما با اخراج چند نفر از کارگران و اعلام این که این روال ادامه دارد اگر می خواهید کار کنید در غیر اینصورت می توانید بروید، چیزی که زیاد است کارگر است و گفتن این حرفها باعث پایان یافتن اعتصاب می شد.

س: آیا در این چند سال که شما مشغول کار در این پروژه بودید حادثه ای اتفاق افتاد که کارگری جان خود را از دست بدهد یا منجر به نقص عضو شود؟

علی: بله در سالهای 87 و 88 یک راننده به علت خرابی کومپرس تریلی زیر آن له شد. همچنین یک کارگر هم که در حین تمیز کردن سنگ شکن، به دلیل نبود شرایط ایمن، دستگاه روشن و منجر به پودر شدن کارگر بیچاره شد.

س: تاثیرات طرح هدفمند کردن یارانه ها بر زندگی شما و کارگران چه بوده است؟

علی: به قیمت خانه خرابی ما تمام شد. هر چند ماه مقداری از دستمزدمان را کاهش دادند. در اکثر موارد پرداخت دستمزدمان از 3 ماه به 4 و حتی 6 ماه به تعویق می افتاد، به صورتی که تمامی کارگران به صاحب خانه، مغازه سر کوچه، همسایه، فامیل و ... بدهکار بودند و وقتی هم که مقداری از دستمزد پرداخت می شد همه آن بابت پرداخت بدهی ها خرج می شد و دوباره روز از روز و روزی از روزی نو. تهدید به اخراج ها زیاد شده بود و کارگران دسته دسته اخراج می شدند. قراردادهای 6 ماهه تبدیل به قراردادهای 2 ماهه شد و ساعات کار از 8 ساعت به 10 و 12 ساعت افزایش یافت.

س: دلیل اخراج شما چه بود؟

علی: فشار کار زیاد شده بود به طوری که چند روز بیمار بودم و کمربند به علت سرما خوردن در حین ساعات نگهبانی درد می کرد به طوری که مجبور به استراحت در منزل شدم، زمانی که به سرکار باز گشتم، کارفرما گفت که داریم شرکت را تعطیل می کنیم و دیگر به نگهبان احتیاج نداریم.

مهرداد صبوری (از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری)

مرداد ماه 1391

تهدید شغل کارگران مرغداری ها در پی واردات گسترده مرغ

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 مرداد آمده است: يك کارشناس اقتصاد-کارگری واردات گسترده مرغ را زمینه ساز بیکاری کارگران مرغداری ها دانست.

علیرضا حیدری سیاست واردات گوشت مرغ را خطری بزرگ برای کارگران توصیف کرد و در این زمینه به ایلنا گفت: این سیاست زمانی به کار گرفته می شود که در داخل کشور امکان تولید محصول مورد نظر نباشد. برای مثال هنگامی که با عدم تولید داخلی در اثر تلفات گسترده مرغ روبه رو می شویم، دولت می تواند برای یک مقطع کوتاه اقدام به واردات محصول مورد نظر بکند.

وی در ادامه تاکید کرد: اقدام فعلی دولت برای واردات گسترده مرغ از این جنس نیست و در حال حاضر شرایط تولید در داخل طبیعی است.

به گفته این کارشناس مسائل کارگری، دولت در حال ایجاد رقیب برای تولید کننده داخلی است.

علیرضا حیدری راه حل به تفاهم رسیدن دولت و تولید کننده های داخلی را گفتگوی اجتماعی ذکر کرد و اعلام کرد: قضایا برای طرفین ماجرا باید شفاف سازی شود. تولید کننده های داخلی شورای خاص خود را دارند و باید از طریق این شوراها، برای شفاف سازی قیمت تمام شده مرغ وارد عمل شوند و با دولت مذاکره کنند.

او در ادامه افزود: متأسفانه دولت همواره برای کنترل قیمت ها از این ابزار استفاده می کند. این در حالی است که اگر ادعای مرگذاران درست باشد با تعطیلی مرغداری ها و در نتیجه بیکاری کارگران مواجه خواهیم شد.

حیدری خاطر نشان ساخت: تعطیلی واحدهای تولیدی داخل کشور پدیده جدیدی نیست و سابق بر این نیز به دلیل سیاست نادرست واردات، بسیاری از صنوف و کارخانه ها دست از کار کشیدند و تعطیل شدند.

این کارشناس اقتصاد-کارگری در بخش دیگری از سخنانش اعلام کرد: نهادهای مختلف کشور از جمله دولت و تولیدکننده ها بر افزایش قیمت

تمام شده گوشت مرغ اتفاق نظر دارند.

علیرضا حیدری مولفه‌های تاثیر گذار بر افزایش قیمت تمام شده مرغ را قانون هدفمندی یارانه‌ها، تحریم‌ها و گرانی ارز دانست و تاکید کرد: این مولفه‌ها همگرای نزدیکی به یکدیگر دارند که باعث گرانی خوراک دام و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده گوشت مرغ شدند.

تهدید کارگران مخابرات لارستان: اخراج در صورت نپذیرفتن قراردادهای ۱۵ روزه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۴ مرداد آمده است: دبیر خانه کارگر لارستان اعلام کرد: کارفرمای مخابرات شهرستان لارستان با تغییر قرارداد ۲۷ کارگر خود آنان را تهدید به اخراج در صورت عدم پذیرش قراردادهای ۱۵ روزه کرده است.

محمد حسن قوامی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: تعدادی از کارگران شرکت مخابرات شهرستان لارستان با سوابق پنج تا ۲۶ سال با مراجعه به خانه کارگر به اقدام کارفرمای خود نسبت به تغییر قرارداد خود از ۳۰ روز به ۱۵ روز اعتراض کرده‌اند.

او افزود: شرکت مخابرات لارستان کارگران خود را در صورت رد پیشنهاد خود تهدید به اخراج کرده است و گفته است در ازای ۱۵ روز کار و بیمه، ۲۰۰ هزار تومان دستمزد پرداخت می‌کند.

به گفته این فعال کارگری به نظر می‌رسد تنها بهانه کارفرمای مخابرات لارستان از تهدید کارگران و کاهش حقوق آنان جایگزین کردن نیروی کار ارزان قیمت باشد که این اقدام خلاف قانون و عرف کار است.

سه کشته و ۱۵ مجروح در آتش سوزی پتروشیمی بندر امام

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا - بندر امام در ۱۴ مرداد آمده است: ساعت ۱۶:۱۵ دقیقه روز جمعه نشت گاز و بدنبال آن آتش سوزی باعث کشته شدن سه نفر در همان محل انفجار شد که گفته می‌شود از نیروهای امدادی همان منطقه بوده‌اند.

همچنین در اثر استمرار آتش سوزی تاکنون ۱۵ نفر دیگر مجروح شده‌اند.

آمبولانس‌ها و نیروهای امدادی ماهشهر در همان دقایق اولیه به محل حادثه اعزام شدند و تلاش برای نجات افراد درگیر در آتش آغاز شد.

رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی استان خوزستان نیز کشته و مجروح شدن ۱۸ نفر شامل ۳ کشته و ۱۵ مجروح در این حادثه را تایید کرد.

۳ نفر از حادثه دیدگان سرپایی مداوا شدند و بقیه آسیب دیدگان به بیمارستان سوختگی طالقانی اهواز انتقال یافتند.

لوله انتقال گاز به پتروشیمی ماهشهر عصر جمعه دچار نشتی و سپس آتش سوزی کوچکی شد که نیروهای امداد و آتش نشانی برای مهار آن وارد عمل شدند ولی هنگام تجمع آنان ناگهان لوله منفجر و اغلب نیروهای امدادی دچار سوختگی شدند.

پتروشیمی بندر امام نخستین تولید کننده محصولات پتروشیمی ایران و یکی از مجتمع‌های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی است که محصولات نظیر بنزن، زایلین‌ها، نفت کوره، بنزین پیرولیز، رافینت، اتان، پروپان، بوتان، اتیلن، پنتان، آروماتیک سنگین و پارازایلین تولید می‌کند.

شرکت تولیدی فرآورش بندرامام، کمیا و بسپاران شرکتهای تابعه این مجتمع عظیم هستند.

اختلاس ۱۵ میلیارد تومانی در بنیاد شهید

به گزارش آخرین خبر به نقل از خراسان در ۱۴ مرداد آمده است: تجسس ماموران سازمان بازرسی کل کشور در امور مالی بنیاد شهید به کشف اختلاسی ۱۵ میلیارد تومانی منجر شد. در این پرونده یکی از مدیران باسابقه بنیاد متهم است با سندسازی و تقلب ۱۵ میلیارد تومان به جیب زده است.

چندی پیش ماموران سازمان بازرسی کل کشور در جریان بررسی وضعیت مالی بنیاد شهید با مورد مشکوکی رو به رو شدند. بررسی های اولیه نشان می داد در جریان پرداخت حق بیمه افراد تحت پوشش بنیاد به یکی از شرکت های بیمه، چندین میلیارد تومان به حساب دیگری واریز شده است. از این رو بازرسان به بررسی اسناد موجود پرداختند تا زوایای پنهان این ماجرا آشکار شود.

تحقیقات در این باره حاکی از آن بود که یکی از مسئولان باسابقه بخش تسهیلات پشت پرده این ماجرا حضور دارد که در جریان پرداخت حق بیمه افراد تحت پوشش این اختلاس کلان را رقم زده است. بررسی اسناد نشان می داد در حالی که مبلغ بدهی بنیاد به شرکت بیمه ۵ میلیارد تومان بود این مدیر مبلغ ۹ میلیارد تومان به حساب این شرکت واریز کرده است.

ادامه ردیابی ها فاش کرد این مسئول بعد از مدتی با اعلام این که به دلیل اشتباه ۴ میلیارد بیشتر به حساب شرکت بیمه واریز شده از مدیران بیمه خواسته است این مبلغ به حسابی که او اعلام می کند واریز شود. به این ترتیب این فرد با این ترفند توانسته بود ۴ میلیارد تومان به جیب بزند.

اما این تنها مورد اختلاس این مدیر با سابقه نبود و او با شگردهای گوناگون توانسته بود مبلغ ۱۵ میلیارد تومان از سرمایه بنیاد شهید را که حق خانواده های شاهد و ایثارگران بود، از صندوق بیت المال خارج کند. به دنبال تکمیل این گزارش پرونده روی میز بازپرس مفاخری، رئیس شعبه ۲ دادسرای ناحیه ۶ (خارک) تهران قرار گرفت تا در این باره تصمیم گیری شود.

در این مرحله اطلاعات تازه تری درباره اختلاس میلیاردی به دست آمد که جای تردیدی در متهم بودن این مقام بنیاد باقی نمی گذاشت. این فرد به شکل ماهرانه ای نقشه اختلاس را طراحی و اجرا کرده بود اما اشتباهش در استفاده از حساب یک بانک دیگر دستش را برای ماموران سازمان بازرسی کل کشور رو کرد. در حالی که همه امور مالی بنیاد از طریق یکی از بانک های دولتی انجام می شد این شخص پول ها را به حساب دیگری واریز کرده بود.

از سویی بررسی این حساب نیز آشکار کرد مدیر متخلف با استفاده از پول های بیت المال چندین باب خانه خریده است. در حالی که هنوز پرونده در مرحله تحقیقات بود این شخص به نام رضا که از تحت نظر بودن خود مطلع شده بود، با گروهی از ماموران پرونده تماس گرفت و رشوه کلانی به آن ها پیشنهاد کرد. این مرد که تصور می کرد ماموران پیشنهاد او را بپذیرند به آن ها وعده یک و نیم میلیارد تومان رشوه داد.

این پیشنهاد فرصت مناسبی بود تا شواهد و مدارک علیه این مرد تکمیل شود. به همین دلیل ماموران با هماهنگی بازپرس پرونده در قراری صوری در پارک لاله حاضر شدند. رضا که نگران برملا شدن نقشه اختلاش بود از ماموران استقبال گرمی کرد و از آنان قول گرفت تا پرونده اختلاس مختومه شود. او سپس یک و نیم میلیاردی را که وعده داده بود در قالب چند فقره چک به ماموران داد اما درست در همان زمان سردی دستبند را در دستانش حس کرد و به پلیس آگاهی منتقل شد.

زمانی که این مرد پای میز بازجویی نشاند شد در حالی که همه شواهد و مدارک را علیه خود می دید، اختلاس ۱۵ میلیاردی از بنیاد شهید را بر عهده گرفت و چگونگی ارتکاب آن را شرح داد.

ایران وارد لیست کشورهای بحران زده آب می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 مرداد آمده است: با حضور مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران، شرکت آب منطقه ای استان البرز راه اندازی شد بر این اساس مدیر عامل آب منطقه ای استان البرز با اشاره به اهمیت آب در سطح بین الملل، گفت: استفاده درست و بهینه از آب تنها راه مدیریت آب است و با توجه به افزایش جمعیت استان البرز، تغییر الگوی مصرف، بارندگی و عدم سرمایه گذاری مناسب و کافی مدیریت نامناسب و رشد مصرف آب منجر به عدم پاسخگویی منابع آب موجود به نیازهای استان البرز شده است.

بهزاد پارسا در ادامه افزود: برای هر نفر در کشور باید هزار و ۷۰۰ متر مکعب ذخیره آب موجود باشد و در صورتی که این رقم به ۱۰۰۰ متر مکعب کاهش یابد از وضعیت نامناسبی برخوردار خواهیم شد و با کاهش آن تا مرز ۵۰۰ متر مکعب بحران آب در کشور بوجود خواهد آمد.

وی با اشاره به کشورهایی که طی سال های اخیر در سطح بین الملل جز لیست بحران آب قرار داشتند، افزود: در سال ۱۹۵۵ سه کشور عربی از جمله کویت و بحرین در لیست کشورهای بحران زده آبی قرار گرفتند و در سال ۱۹۹۰ این لیست یازده کشور دیگر را در خود جای داد که می توان به عربستان، الجزیره، سومالی، تونس، امارات، یمن و قطر اشاره کرد ویر اساس پیش بینی ها تا سال ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۵ هفت کشور دیگر مانند مراکش، اردن، سوریه، لیبی، مصر در زمره کشورهای بحران زده آب قرار خواهند گرفت که ایران هم جز این هفت کشور قرار گرفته است.

به گفته وی راه حل خروج از قرار گرفتن کشور در وضعیت بحرانی آب، بهبود روش های استفاده، تعمیر و نوسازی شبکه های فرسوده و از همه مهمتر مدیریت مناسب آب است.

خروج 5 مدیر بانکی ایران از فهرست تحریم ها

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 15 مرداد آمده است: روزنامه رسمی اتحادیه اروپا از حذف نام پنج تن از مدیران بانکی کشورمان که در فهرست تحریم های اتحادیه اروپا قرار داشتند، خبر داد.

بر این اساس شورای اتحادیه اروپا در راستای پیمان عملکرد اتحادیه اروپا و مقررات شماره 267/2012 و بندهای (1)46 و (2) آن نام برخی از اشخاص را از فهرست اشخاص نهادها و ارکان حقیقی و حقوقی تحت تحریم این اتحادیه خارج کرد.

در این میان نام دکتر احمد عزیزی (بانک ملی لندن)، دکتر علی دیواندری (بانک ملت)، دکتر عبدالناصر همتی (بانک سینا)، محمدرضا مسکریان و سعید زوار (بانک ملی لندن) از فهرست اشخاص تحت تحریم توسط این اتحادیه خارج شدند.

نحوه تهیه آمار بیکاری

به نوشته سایت آفتاب و به نقل از خبرگزاری دولتی ایسنا در 15 مرداد آمده است: رییس مرکز آمار با بیان این که در تهیه آمار بیکاری از استانداردهای بین المللی استفاده می کنیم، گفت: برای تهیه نرخ اشتغال ناقص يك ساعت کار در هفته کافی است و در واقع آماري که اعلام

می‌شود مربوط به اشتغال ناقص است.

عادل آذر با اشاره به این‌که عمده آمار و ارقامی که درباره‌ی اشتغال اعلام می‌شود، مبتنی بر طرح نیروی کار مرکز آمار ایران است، اظهار کرد: به‌عنوان یک مرجع حرفه‌ای و رسمی با استدلال‌هایی که مراجع و افراد مختلف اعلام می‌کنند، کاری نداریم و مبنای اطلاع‌رسانی آمار دقیقی است که از طرح نیروی کار مرکز آمار ایران که به صورت فصلی انجام می‌گیرد، به دست می‌آید.

رییس مرکز آمار ایران تصریح کرد: این آمارگیری از طریق پرسشنامه از نیمه‌ی دوم هر فصل با قاعده 2، 2، 2 انجام می‌شود، به این صورت که از فصلی به فصل دیگر نیمه‌ی از نمونه‌ها، از سالی به سال دیگر نیمه‌ی دیگر از نمونه‌ها و در دو فصل پیاپی هم نمونه‌ها ثابت است.

به گزارش ایسنا، وی با اشاره به اینکه مبنای سنجش نرخ بیکاری از سال 1384 تاکنون یکسان بوده است، گفت: تعریف نرخ بیکاری، یک ساعت همان ملاک و معیاری است که از سال 1384 رایج شده است و براساس این استاندارد نرخ بیکاری سال 1389، 13.5 درصد با سه میلیون و 200 هزار بیکار بوده است.

آذر با بیان این‌که نرخ بیکاری به‌طور فصلی اعلام می‌شود، افزود: در مورد نرخ بیکاری از تعاریف بین‌المللی استفاده می‌کنیم و علاوه بر دولت و نظام باید به مراجع بین‌المللی نیز پاسخ بدهم بنابراین نمی‌توانیم در مورد نرخ بیکاری تعاریف را عوض کنیم.

رییس مرکز آمار با بیان این‌که اتفاقاً در مورد تعاریف مربوط به نرخ بیکاری هنوز بومی‌سازی نکرده‌ایم، خاطر نشان کرد: بنا به تعریف سازمان بین‌المللی کار برای تهیه نرخ اشتغال ناقص یک ساعت کار در هفته کافی است و در واقع آمار که اعلام می‌شود مربوط به اشتغال ناقص است.

آپارتمان‌های لوکس تهران متری 10 میلیون

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 15 مرداد آمده است: قیمت واحدهای لوکس در تهران در حال رشد است به‌گونه‌ای که شواهد نشان دهنده افزایش 500 هزار تومانی تا دو میلیون تومانی برای هر متر مربع آن در شمال شهر است.

به گزارش ایسنا، 40 درصد از قیمت تمام شده آپارتمان‌های لوکس متأثر از قیمت زمین است و با تغییرات قیمت ارز و مصالح ساختمانی و همچنین زمین، هزینه ساخت آپارتمان‌های لوکس هم تغییر داشته است.

این در حالی است که نیمه‌ی از قیمت مسکن را زمین و درصد قابل توجهی از آن را مصالح ساختمانی تعیین می‌کند. بر این اساس طی چند ماهه اخیر با تاکید بر این‌که این واحدها متقاضیان ویژه دارد، شاهد تغییر قیمت برای هر متر مربع واحدهای لوکس در شمال تهران در سال جاری بین 500 هزار تا 2 میلیون تومان بوده‌ایم و همچنین افزایش اجاره بها برای این دسته از واحدهای مسکونی نزدیک به 30 درصد نسبت به سال قبل روی داده است.

ایرج رهبر-رییس کانون سراسری انبوه‌سازان-در این‌باره تصریح کرد: در ساخت ساختمان‌های لوکس عمدتاً از مصالح وارداتی و با کیفیت استفاده می‌شود که با گرانی ارز، قیمت این‌گونه از مصالح که در داخل ساختمان به‌کار می‌رود، با افزایش مواجه شده است.

وی ادامه داد: علاوه بر مصالح داخلی، تزئینات خارجی یک ساختمان لوکس و تامین امکانات رفاهی که در این ساختمان‌ها به‌کار می‌رود، با نوسان مواجه شده است که در نهایت بر قیمت تمام شده تأثیرگذار خواهد بود.

در حال حاضر ساخت و ساز در آپارتمان‌های لوکس با نوسان قیمت مواجه است و نوسانات قیمت ارز و زمین طی یک‌سال گذشته بازار خانه‌های لوکس را نیز متأثر کرده است.

البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که این واحدها متقاضیان خاص خود را دارد و نوسانات قیمت بازار آن را دچار رکود نمی‌کند.

به‌طور مثال واحدهای مسکونی سوپر لوکس که مساحتشان بیش از 300 متر مربع است و با امکانات کامل و خاص به بازار عرضه می‌شوند، مشتریان خاص خود را دارند و معمولاً گرانی و تورم بر حجم متقاضیان این گروه از تقاضا تأثیر نمی‌گذارد.

قیمت یک واحد لوکس در کامرانیه شمالی از متری شش میلیون و پانصد و پنجاه تا 11 میلیون تومان، در اقدسیه این قیمت از هشت میلیون و 500 هزار تومان به بالا و در خیابان فرشته حداقل قیمت یک واحد لوکس از شش میلیون و دویست هزار تا 10 میلیون تومان و در نیاوران نیز این واحدها با متری هفت میلیون تومان به فروش می‌رسند و براساس امکاناتی که دارند بعضاً قیمت‌ها تا متری 15 میلیون تومان نیز به چشم می‌خورند.

شارژ ماهیانه واحدهای لوکس و سوپرلوکس نیز در این ناطق با توجه به مترآژ واحد از حداقل 200 هزار تومان در ماه پرداخت می‌شود.

تجمع معلمان شرکتی و مربیان پیش‌دبستانی مقابل مجلس در اعتراض به اخراجشان

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دولتی فارس در 15 مرداد آمده است: تعدادی از مربی‌های پیش‌دبستانی و نیروهای شرکتی

آموزش و پرورش امروز در اعتراض به اخراجشان از آموزش و پرورش مقابل مجلس تجمع کردند.

تجمع‌کنندگان با دادن شعارهایی همچون «نیروی پیش‌دستان استخدام»، «نمایندگان مجلس عدالت خواستار تعیین تکلیف هر چه سریعتر وضعیتشان شدند».

یکی از نیروهای شرکتی آموزش و پرورش به خبرنگار فارس گفت: ما نیروهای شرکتی آموزش و پرورش خواستار تعیین تکلیف هر چه سریعتر وضعیتمان هستیم.

وی افزود: خواسته اصلی ما استخدام در آموزش و پرورش است چراکه سال‌ها تحت عنوان معلم شرکتی کار کرده‌ایم.

همچنین یکی از نیروی پیش‌دستانی نیز به خبرنگار فارس گفت: شاید دهمین بار باشد که ما در مقابل مجلس تجمع می‌کنیم ولی متأسفانه تاکنون هیچکدام از مطالباتمان مورد توجه قرار نگرفته است.

«نفوذ مافیای چای در وزارت جهادکشاورزی»

به نوشته سایت اعتدال در 15 مرداد آمده است: رئیس اتحادیه چایکاران کشور ضمن انتقاد از سازمان چای به دلیل عدم پرداخت مطالبات 90 روزه کشاورزان چایکار، گفت: مافیای چای در وزارت جهادکشاورزی نفوذ کرده است.

ایرج هوسمی درخصوص پرداخت مطالبات چایکاران در سال جاری، اظهارداشت: باوجود اینکه رئیس سازمان چای کشور اخیراً اعلام کرد قرار است مبلغ 10 میلیارد تومان از مطالبات چایکاران کشور را پرداخت کنیم اما متأسفانه هنوز این مبلغ پرداخت نشده است.

وی افزود: سازمان چای کشور تنها مطالبات کشاورزان چایکار را تا 18 اردیبهشت ماه سال جاری پرداخت کرده است و مابقی مطالبات را که شامل "نیمه دوم اردیبهشت، نیمه اول خرداد، نیمه دوم خرداد، نیمه اول تیر، نیمه دوم تیر و نیمه اول مردادماه سال جاری" است را به کشاورزان چایکار پرداخت نکرده است.

رئیس اتحادیه چایکاران کشور در ادامه با بیان اینکه هم اکنون بسیاری از کارخانجات چای شمال کشور به دلیل شرایط بد اقتصادی یا تعطیل شده اند یا درحال تعطیلی هستند، گفت: براین اساس، کشاورزان چایکار مجبورند برگ سبز چای خود را به مناطق دیگری ببرند که این اقدام موجب بروز مشکلاتی می‌شود.

وی با انتقاد از عملکرد سازمان چای گفت: اگر سازمان چای کشور برنامه مدونی برای این کار داشت، دیگر چنین مشکلاتی بوجود نمی‌آمد.

هوسمی با تأکید بر اینکه سازمان چای درحال حاضر دچار سوء مدیریت شده است، گفت: متأسفانه سازمان چای از زمانی که زیر نظر وزارت جهادکشاورزی رفته است، علی‌رغم اینکه همه تصور می‌کردند وضعیتش بهتر از قبل می‌شود، عملکردش به مراتب بدتر از گذشته شده است.

وی اضافه کرد: در زمانی که سازمان چای زیر نظر وزارت بازرگانی وقت بود شرایط خیلی بهتر بود بطوریکه به کشاورزان در آذرماه هر سال بدون گرفتن هیچ بهره‌ای مساعده پرداخت می‌کرد و همچنین کودشیمیایی ارزان قیمت در اختیار کشاورزان چایکار می‌گذاشت.

رئیس اتحادیه چایکاران کشور بیان داشت: درحال حاضر سازمان چای نه تنها مساعده به کشاورزان چایکار نمی‌دهد بلکه حق الزحمه عادی آنها را هم پرداخت نمی‌کند و از دادن کود شیمیایی به کشاورزان چایکار مضایقه می‌کند. وی تصریح کرد: همه این اقدامات نشان دهنده نفوذ مافیای چای در وزارت جهادکشاورزی است.

منبع: فرارو

43 درصد اهالی روستای میانندگان سفلی معطل هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا - بویر احمد در 15 مرداد آمده است: رئیس اداره بهزیستی بویراحمد از واقعیتهای تلخ در مورد سلامتی و رفاهی روستائینان «می‌انتگان سفلی بخش لوداب» این شهرستان پرده برداشت.

«دارا زمانی فر» در گفت‌وگو با ایلنا در یاسوج، با اظهار نگرانی از وضعیت کنونی روستائینان «می‌انتگان سفلی بخش لوداب شهرستان بویراحمد» تأکید کرد که سازمان بهزیستی کهگیلویه و بویراحمد برای رفع مشکلات ساکنان این روستا به تنهایی نمی‌تواند کاری از پیش ببرد.

وی خواستار همکاری فوری مسوولان استانی و شهرستانی برای رفع این مشکلات شد و تصریح کرد: اگر تلاشی برای رفع مشکلات فعلی در روستای «می‌انتگان سفلی بخش لوداب بویراحمد» صورت نگیرد بطور حتم شاهد به صدا در آمدن آژیر خطر در بخش سلامتی روستائینان این منطقه خواهیم بود.

رئیس اداره بهزیستی شهرستان بویراحمد با تشریح مشکلات کنونی سلامت و معیشتی روستائینان «می‌انتگان سفلی بخش لوداب» این شهرستان، خاطر نشان کرد: ۱۴۴ نفر در قالب ۳۳ خانوار در این روستا ساکن که ۴۳ درصد آن‌ها معادل ۶۲ نفر دارای معلولیت ذهنی و

حرکتی هستند.

زمانی فر، وضعیت معیشتی و رفاهی ساکنان این روستا را نگران کننده خواند و بیان داشت: ازدواج‌های فامیلی مهمترین عامل معلولیت‌های ذهنی و حرکتی است و اگر تدابیر ویژه‌ای اندیشیده نشود شاهد افزایش این معلولیت‌ها در آینده‌ای نه چندان دور خواهیم بود.

وی گفت: تلاش‌های فراوانی برای رفع و یا توقف صعودی معلولیت‌های ذهنی و حرکتی در روستای «می‌انتنگان سفلی بخش لوداب شهرستان بویراحمد» از سوی سازمان بهزیستی شهرستان و استان شکل گرفته اما این تلاش‌ها با توجه به کمی اعتبارات و امکانات این سازمان به هیچ عنوان جوابگو نیست و همکاری سایر دستگاه‌ها در این ارتباط بسیار ضروری است.

رئیس اداره بهزیستی شهرستان بویراحمد، اعزام تیم‌های پزشکی تخصصی ژنتیکی به همراه مشاوران باتجربه، توزیع برخی اقلام خوراکی، تحت پوشش قرار دادن برخی از ساکنان و صدور دفترچه‌های بیمه درمانی و تکمیلی را از مهمترین اقدامات سازمان بهزیستی کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان در روستای «می‌انتنگان سفلی بخش لوداب این شهرستان» برشمرد.

زمانی فر تاکید کرد: با وجود همه این اقدامات اما متأسفانه بدلیل کمی امکانات و اعتبارات، سازمان بهزیستی کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان بویراحمد به تنهایی نمی‌تواند مشکلات کنونی سلامت و معیشت در این روستا را حل کند و خیرین و سایر دستگاه‌ها نیز می‌بایست بطور جدی وارد حل مشکلات موجود روستای «می‌انتنگان سفلی بخش لوداب شهرستان بویراحمد» شوند.

وی گفت: آژیر خطر در بعد سلامتی ساکنان این روستا بصدا درآمده و ما معتقدیم اگر سایر دستگاه‌های اجرایی وارد عمل نشوند در آینده‌ای نه چندان دور شاهد بحران جدی تری خواهیم بود که شاید امکان بازگرداندن سلامتی به سایر روستانشینان به آسانی صورت نگیرد.

رئیس اداره بهزیستی شهرستان بویراحمد، معلولیت‌های ذهنی و حرکتی روستانشینان «می‌انتنگان سفلی بخش لوداب» این شهرستان را شامل آقایان و خانم‌ها دانست و اظهار داشت: نیازمند یک نهضت جهادی با همکاری سایر دستگاه‌ها و خیرین در این روستا هستیم.

زمانی فر، فاصله مکانی این روستا با یاسوج مرکز کهگیلویه و بویراحمد را کمتر از ۹۰ کیلومتر ذکر و خواستار همکاری جدی و شبانه روزی مسوولان و خیرین با سازمان بهزیستی جهت رفع مشکلات موجود این روستا شد.

وی در ادامه به تشریح درصد معلولیت در روستای «سیلاب کلوار زیلایی بویراحمد» بعنوان محروم‌ترین روستای کهگیلویه و بویراحمد هم پرداخت و تاکید کرد درصد معلولیت در این روستا برغم تمامی محرومیت‌ها از درصد کشوری بسیار پایین‌تر است.

رئیس اداره بهزیستی شهرستان بویراحمد معتقدست تنها لطف پرودگار متعال سبب شده که درصد معلولیت در روستای «سیلاب کلوار زیلایی» این شهرستان نسبت به درصد آن در کشور پایین باشد.

زمانی فر گفت: درصد معلولیت در کشور ۴/۲ درصد، در کهگیلویه و بویراحمد ۷/۲ درصد و در روستای «سیلاب کلوار زیلایی بویراحمد» این عدد به یک درصد می‌رسد.

وی جمعیت این روستا را یک هزار و ۲۰۰ نفر عنوان و یادآور شد: این در حالیست که تعداد معلولان ذهنی و حرکتی آن کمتر از ۱۲ نفر است.

رئیس اداره بهزیستی شهرستان بویراحمد، روستای «سیلاب کلوار زیلایی بویراحمد» را فاقد امکانات رفاهی ویژه محورهای ارتباطی مناسب دانست و از نبود محورهای ارتباطی مناسب اظهار تأسف و گل‌مندی کرد.

زمانی فر افزود: روستای «سیلاب کلوار زیلایی بویراحمد» با شهرهای دهدشت و یاسوج در کهگیلویه و بویراحمد و «لردگان» از استان چهارمحال بختیاری هرکدام بیش از ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد اما برغم تمامی مشکلات کنونی از درصد پایین معلولیت‌های ذهنی و حرکتی برخوردار است.

به گزارش ایلنا از یاسوج مرکز کهگیلویه و بویراحمد، ۱۴ هزار نفر در هشت هزار و ۵۰۰ خانوار تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان بویراحمد هستند.

۱۵۰ هزار تومان (بخش عمده‌ای از حقوق يك ماه کارگر) در ازای یک معرفی‌نامه تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 15 مرداد آمده است: در پی انتشار اخباری از تخلفات کاریابی‌ها در لارستان به نقل از دبیر خانه کارگر این شهرستان و جوابیه انجمن صنفی کاریابی‌های کشور مبنی بر کذب بودن مطالب ایراد شده، تعدادی از کارگران در تماس با ایلنا به شرح برخی تخلفات کاریابی‌های لارستان که ممکن است در باقی شهرهای کشور نیز رخ دهد پرداختند.

اسماعیل صحرائیان که کارگر یک تعمیرگاه مکانیکی است، به ایلنا گفت: تنها کاریابی‌های شهرستان لارستان از کارگرانی که متقاضی دریافت معرفی نامه بیمه تامین اجتماعی هستند ۱۵۰ هزار تومان پول دریافت می‌کند.

این کارگران با ابراز تعجب از دریافت چنین مبلغی در ازای یک معرفی نامه، عنوان کرد: مبلغ پایه دستمزد 389 هزار تومان است و کارگران باید بخش عمده‌ای از حقوق يك ماه کاری‌شان را برای دریافت يك برگ معرفی‌نامه بپردازند.

علی‌علیزاده کارفرمای این کارگر نیز نسبت به دریافت مبلغ فوق از متقاضیان دریافت معرفی نامه انتقاد کرد و گفت: دریافت مبالغ اینچنینی از کارگران و جویندگان کار اجحاف به آنان است.

دبیر اجرایی خانه کارگر لارستان نیز با تایید ادعای این کارگر و کارفرما تصریح کرد: دریافت مبلغ فوق به ازای فقط معرفی نامه بوده و با این مبلغ هیچ شغلی به کارگر معرفی نمی‌شود.

محمد حسن قوامی با اشاره به ماده ۸۰ قانون تامین اجتماعی در خصوص کاهش هزینه‌های بیمه شدگان اظهار داشت: سازمان تامین اجتماعی برای بیمه کردن کارگران کارگاه‌های زیر ۱۰ و ۵ نفر معرفی نامه مراکز کارپایی‌ها را ضروری کرده است این در حالیست که معرفی کارگران به بیمه تامین اجتماعی از سوی ادارات کار نیز امکان پذیر است.

او با بیان اینکه وزارت کار باید نظارت و بازرسی خود را نسبت به عملکرد کارپایی‌ها بیشتر کند عنوان کرد: تعدادی از کارپایی‌ها به ازای خدمات ارائه شده به کارگران و یاجویندگان کار مبالغ زیادی دریافت می‌کنند که خلاف قانون است.

پیام تسلیت اتحادیه آزادکارگران ایران بمناسبت جانباختن تعدادی از کارگران مجتمع پتروشیمی بندرامام

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: وقوع حادثه دلخراش آتش سوزی و انفجار خط لوله گاز که بعد از ظهر روز جمعه در پتروشیمی بندرامام بوقوع پیوست و بر اثر آن تعدادی از همکاران آتش نشان این مجتمع جان خود را از دست داده و تعدادی نیز بشدت مجروح شدند ما را عمیقاً متأثر و بهت زده کرد و از همان ساعات اولیه ضمن انعکاس خبری آن با نگرانی و تاسف تعداد جانباختگان و وضعیت مجروحان را دنبال کردیم.

ما جان باختن حداقل ۳ تن از این عزیزان را به همه همکاران در مجتمع پتروشیمی بندرامام مخصوصاً به خانواده های داغدار عمیقاً تسلیت می‌گوییم و اعتقاد داریم که این حوادث (که متأسفانه هرازگاهی جان کارگران را گرفته یا مجروح و ناقص میکند) ناشی از پائین بودن ضریب ایمنی محیط کار و کم توجهی به استانداردهای شرایط کار است که هزینه آنرا طبق معمول ما کارگران و خانواده هایمان با جسم و جان خود پرداخت می‌کنیم.

اتحادیه آزادکارگران ایران با آرزوی بهبودی حال مصدومین خواهان ادامه موثر و پیگیر مددجوی آنان با تمام امکانات موجود در جامعه و بویژه خواهان پرداخت خسارت و کلیه مزایای قانونی برای بازماندگان کارگران جان باخته است.

طبقه کارگر ایران دیگر نمیتواند بیش از این جان باختن و مصدوم و ناقص شدن همکاران خود را در محیط های کار تحمل کند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

تجمع اعتراضی کارگران مخابرات لارستان در مقابل فرمانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 16 مرداد آمده است: بیش از ۴۰ کارگر و کارگزار شرکت مخابرات شهرستان لارستان در اعتراض به تبدیل قرارداد کاری‌شان به پاره وقت و ساعتی در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

دبیر خانه کارگر شهرستان لار با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بیش از ۴۰ کارگر شرکت مخابرات شهرستان لارستان نسبت به تغییر قرارداد خود از سالانه به ۱۵ روز در ماه اعتراض کرده و با ارائه طوماری که یک نسخه از آن در اختیار خبرگزاری ایلنا قرار گرفته است خواستار رفع مشکلاتشان از مسئولان شده‌اند.

محمد حسن قوامی در ادامه افزود: کارگران مخابرات شهرستان لارستان با سوابق پنج تا ۲۶ سال در اعتراض به اقدام کارفرمای خود نسبت به تغییر قرارداد خود به ۱۵ روز ابراز نارضایتی کرده و از تغییر شرایط کار و تهدید امنیت شغلی خود ابراز ناامیدی کرده‌اند.

به گفته قوامی از کارگران خواسته شده است با امضاء فرم و تقاضای همکاری (بدون قرارداد قانونی) روزانه فقط ۴ ساعت کار کنند و بطور ماهانه فقط ۲۰۰ هزار تومان به آنان دستمزد داده می‌شود.

او با بیان اینکه اجرای این طرح از سوی شرکت مخابرات استان فارس برای همه شهرستان‌ها ابلاغ شده است افزود: در حال حاضر شرکت مخابرات شهرستان لارستان نسبت به اجرای این طرح پیش قدم بوده است و اقدام تجمع کارگران در مقابل فرمانداری شهرستان تا هم اکنون بی‌نتیجه بوده است.

تجمع کارگران مخابرات لارستان مقابل فرمانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 16 مرداد آمده است: بیش از ۴۰ کارگر شرکت مخابرات شهرستان لارستان نسبت به تغییر قرارداد خود از سالانه به ۱۵ روز در ماه اعتراض کردند.

این گزارش حاکیست بیش از ۴۰ کارگر و کارگزار شرکت مخابرات شهرستان لارستان در اعتراض به تبدیل قرارداد کاری‌شان به پاره وقت و ساعتی در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

تجمع معلمان معترض در مقابل مجلس

به نوشته سایت فارسی بی بی سی در 16 مرداد آمده است: تعدادی از مربیان مقطع پیش دبستانی و نیروهای شرکتی (حق التدریسی) آموزش و پرورش، در اعتراض به اخراج خود از آموزش و پرورش در مقابل مجلس ایران تجمع کردند.

تعدادی از مربیان مقطع پیش دبستانی و نیروهای شرکتی (حق التدریسی) آموزش و پرورش، در اعتراض به اخراج خود از آموزش و

پرورش در مقابل مجلس ایران تجمع کردند. خبرگزاری فارس دوشنبه ۱۶ مرداد (۶ اوت) گزارش کرده که تجمعکنندگان با سر دادن شعارهایی همچون "نمایندگان مجلس، عدالت، عدالت" خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده اند.

هفته پیش نیز جمعی از مربیان اخراج شده مقطع پیش دبستانی، با تجمع در مقابل ساختمان مجلس بر لزوم پاسخگویی مسئولان آموزش و پرورش تاکید کرده بودند. این مربیان می گفتند که به نمایندگی از حدود ۲۵ هزار نفر از همکاران اخراجی خود دست به اعتراض زده اند.

مربیان مقطع پیش دبستانی، پس از آن بیکار شده اند که وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده که مدارس دولتی، با شروع سال تحصیلی جدید مجوز برگزاری دوره های آموزش این مقطع را نخواهند داشت.

یکی از مربیان حاضر در تجمع امروز، به خبرگزاری فارس گفته است: "شاید دهمین بار باشد که ما در مقابل مجلس تجمع می کنیم، ولی متأسفانه تاکنون هیچ کدام از مطالباتمان مورد توجه قرار نگرفته است."

در همین حال حمیدرضا حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش به خبرگزاری ایسنا گفته است: "آموزش و پرورش براساس قانون هیچ گونه تکلیفی برای استخدام مربیان پیش دبستانی ندارد."

وی افزوده که این وزارتخانه در عوض، "شرایط ارتقای درآمدهای این معلمان" را "با حذف شرکتها و واسطه ها و صدور مجوز به خود مربیان پیش دبستانی" فراهم کرده است.

تعیین تکلیف معلمان حق التدریسی همزمان گروهی از معلمان حق التدریسی، با تجمع در مقابل مجلس، خواستار تعیین تکلیف طرح استخدام معلمان حق التدریسی شده اند که کلیات آن در مجلس هشتم به تصویب رسیده بود.

نادر قاضی پور، نماینده مردم ارومیه، دیروز در جلسه علنی مجلس گفته بود که معلمان حق التدریسی معترض، "۱۰ سال در آموزش و پرورش کار کرده اند اما در حق آنها ظلم شده و اکنون بابت تکلیف هستند."

معلمان حق التدریسی، از چند سال پیش خواستار تعیین تکلیف و استخدام خود هستند و این در حالی است که در سال های اخیر، عده زیادی از آنها به علت نداشتن قرارداد، از مدارس محل کار خود اخراج شده اند.

وزارت آموزش و پرورش، چندی پیش اقدام به برگزاری یک آزمون استخدامی برای معلمان حق التدریسی کرد اما در پی برگزاری این آزمون، بسیاری از شرکت کنندگان گلایه کردند که درصد محدودی از معلمان در آن موفق شده اند.

یکی از شرکت کنندگان در تجمع امروز، به خبرگزاری فارس گفته است که در آزمون استخدامی معلمان حق التدریسی، "تنها افرادی که سهمیه داشته اند" قبول شده اند.

در آزمون های استخدامی ایران، گروه هایی از شرکت کنندگان، که پرتعدادترین آنها اعضای بسیج هستند، دارای اولویت تلقی می شوند.

نامه ی یکی از اعضای موسس کمیته ی پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری در سال 83

با سلام به دست اندرکاران سایت افق روشن، روشنگری، مجله ی هفته و سایر سایت ها. (با پوزش از سایت هایی که اسمشان در این جا نیامده است)

با توجه به مقالاتی که در رابطه با بحثهای مطرح شده در مورد کمیته هماهنگی برای کمک ... و درخواست های این کمیته از وزارت کار برای مجوز فعالیت و برگزاری مجمع عمومی و همچنین تقاضای به رسمیت شناخته شدن به عنوان تشکل مستقل از طرف آی ال او و تقاضا از قوه ی قضاییه و ... منتشر شده است و با توجه به این که بار دیگر در این مطالب به اولین بیانیه کمیته ی پیگیری اشاره شده است که خطاب به وزارت کار، سازمان های جهانی کارگری و سازمان جهانی کار (ای ال او) نوشته شده بود و با امضای حدود 4 هزار کارگر منتشر شد، برای روشن شدن ابهامات و برای اینکه خوانندگانی که متن آن بیانیه را نخوانده اند و همچنین برای اینکه خود آنان بتوانند با مقایسه و نقد بی طرفانه، به این بخش از تاریخ جنبش کارگری ایران بپردازند، خواهشمندم که این مطلب را نیز در کنار سایر مقالات منتشر کنید.

به عنوان یکی از اعضای اولیه کمیته ی پیگیری که در تمام جلساتی شرکت داشتم که برای تدوین این بیانیه تشکیل شد و شاهد 1_ تلاش بی دریغ افرادی با گرایشات فکری بسیار متفاوت (از سندیالیست های معتقد تا طرفداران شورا به عنوان تنها تشکل کارگری) بودم، دوستانی که اکنون در کمیته ی هماهنگی، اتحادیه آزاد و سایر تشکل های کارگری فعالند، 2- همچنین شاهد تلاش و انتشار مقالات مغرضانه ای بودم که در پی این حرکت مستقل کارگری صورت گرفت و مداخله های مغرضانه ی بعضی خارج نشینان که فتوای فتح کمیته ی پیگیری یا از هم پاشاندن آن را به دوستانشان در داخل دادند و به فرقه گرایی در داخل دامن زدند، (و هنوز هم دست از این کارهایشان برنداشته اند) ابتدا متن بیانیه را برای بازخوانی در زیر آورده و سپس نکاتی را در مورد این بیانیه متذکر می شوم:

متن بیانیه از قرار زیر است:

به: - وزارت کار و امور اجتماعی

- سازمان‌های کارگری در سراسر جهان

و سازمان بین‌المللی کار ILO :

امروزه در ایران حدود نیمی از کارگران با قراردادهای موقت کار و حتی با برگه‌های سفید امضا در بی حقوقی مطلق مشغول به‌کارند. طبق پیش‌بینی‌های رسمی، کارگرانی که با قراردادهای موقت به کار گرفته می‌شوند، طی چند سال آینده 90 درصد از کارگران شاغل را در بر خواهند گرفت. از سوی دیگر قانونگذاران در ایران به دنبال خارج کردن کارگاه‌های دارای کمتر از پنج و ده نفر (خروج از شمول سی ماده قانون کار) و کارگران قالیباف از شمول قانون کار، در پی محروم کردن کامل همه کارگران موقت از حداقل تأمین اجتماعی می‌باشند. در این شرایط زمانی سازمان جهانی کار با اعزام نمایندگان به ایران و نظارت به امضای تفاهم‌نامه‌ای درخصوص اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با تشکل‌های کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل کارگران انجام گرفته، در کمال تأسف عملاً بر بی‌حقوقی کارگران در ایران صحنه گذاشته و به این وسیله به آن رسمیت بخشیده است. قطعاً کارگران ایران که به دلیل محرومیت از داشتن تشکل‌های مستقل خود همواره شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری و مغایر با مقوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار (ILO) بوده‌اند، تفاهم‌نامه‌ای را که نمایندگان آنها در تنظیم و امضای آن حضور نداشته‌اند، به رسمیت نخواهند شناخت. لذا ما امضاکنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری هستیم. در این راستا ضمن درخواست از وزارت کار و امور اجتماعی جهت رفع موانع تشکل‌یابی کارگران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشست‌های مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار، از سازمان‌های کارگری نیز در سراسر جهان می‌خواهیم تا از خواست‌های برحق کارگران ایران حمایت نمایند. همچنین از همکاران خود در این سازمان‌ها و سایر مجامع بین‌المللی کارگری می‌خواهیم تا از سازمان جهانی کار بخواهند که به رسمیت‌شناسی و نظارت به امضای هر گونه تفاهم‌نامه مربوط به قوانین کارگری در ایران را، منوط به حضور نماینده‌های مستقل کارگران (از طریق تصمیمات جمعی کارگران) و استفاده از ابزارهای لازم جهت نظارت بر این انتخابات، بنمایند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری در ایران

به علاوه ی

لیست بیش از چهار هزار امضا در زیر بیانیه ی بالا،

- 1- همان گونه که در بیانیه می‌خوانیم ابتدا دشوار شدن شرایط کار و زندگی کارگران به روشنی آمده است.
- 2- در این بیانیه به تشکل‌های مستقل و آزاد کارگری اشاره شده است
- 3- این بیانیه نقد خود را به سازمان جهانی کار در مورد امضای تفاهم‌نامه با دولت ایران بدون حضور نمایندگان مستقل کارگری به روشنی بیان کرده است
- 4- از وزارت کار خواسته شده است که "جهت رفع موانع تشکل‌یابی کارگران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشست‌های مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار اقدام کند."
- 5- از سازمان‌های دیگر کارگری در سراسر جهان خواسته "تا از سازمان جهانی کار بخواهند که به رسمیت‌شناسی و نظارت به امضای هر گونه تفاهم‌نامه مربوط به قوانین کارگری در ایران را، منوط به حضور نماینده‌های مستقل کارگران (از طریق تصمیمات جمعی کارگران) و استفاده از ابزارهای لازم جهت نظارت بر این انتخابات، بنمایند."
- 6- بر انتخاب نمایندگان مستقل کارگران از طریق تصمیمات جمعی کارگران صحنه گذاشته است

همان گونه که مشخص است و برخلاف آنچه در بسیاری این به اصطلاح نقدها آمده است، کمیته ی پیگیری به هیچ عنوان از وزارت کار تقاضای به رسمیت شناختن خود را نکرد و تقاضای مجوزی برای ادامه ی فعالیت خود نداد.

کمیته ی پیگیری از سازمان جهانی کار نیز تقاضای مجوز و به رسمیت شناختن خود را نکرد و به رسمیت شناختن تشکلهای و نمایندگان مستقل کارگری را از جانب این نهاد خواسته بود و برای ایجاد تشکلهای نیز مطالبه هیچ مجوزی از اداره ی کار و نهادهای بین‌المللی نکرد و آن را منوط به تصمیمات جمعی کارگران دانست.

ضمناً دوستان به این نکته هم توجه کنند که این حرکت بعد از سالها سکون و خفقان و با کمک کارگران و فعالان کارگری با گرایشات فکری بسیار متفاوت صورت گرفت که از موج سرکوب نجات یافته بودند و هنوز دغدغه ی دنیایی بهتر برای کارگران ایران را داشتند. این بیانیه با زحمات، با هدف ایجاد همگرایی در بین طیف‌های مختلف فکری بسیار تهیه شد، پس لازم بود که متن به گونه ای تهیه شود که این همگرایی ایجاد شود. بعد از سالها سرکوب این همگرایی نوازش‌رویی بود برای جنبش کارگری ایران. افسوس که بسیاری از خارج‌نشینان این را درک نکردند.

درج این مطالب، تاریخ جنبش کارگری را از تحریف نجات خواهد داد. قضاوت با کارگران و فعالان صادق جنبش کارگری است.

با تشکر از همکاری شما

یکی از اعضای موسس کمیته ی پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری در سال 83

دادگاه علیرضا عسگری، جلیل محمدی و ریحانه انصاری برگزار شد!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی روز دوشنبه 16 مردادماه آمده است: دادگاه جلیل محمدی، علیرضا عسگری و ریحانه انصاری 3 عضوی که در مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی بازداشت شده بودند در شعبه ی 4 دادگاه انقلاب اسلامی کرج برگزار شد. اتهام این افراد «اقدام علیه امنیت ملی کشور از طریق تشکیل گروه غیرقانونی کمیته ی هماهنگی» مطرح شد که این اتهام از سوی آنان رد شد چرا که هیچکدامشان از مؤسسان کمیته ی هماهنگی نبوده اند. در جریان این محاکمه هر سه نفر از اهداف کمیته ی هماهنگی که حرکت در مسیر کمک به ایجاد تشکل های کارگری است دفاع کردند. همچنین در جریان دادگاه سعی شد که کمیته ی هماهنگی به یکی از احزاب سیاسی منتسب شود که این امر نیز با واکنش هر سه نفر مواجه شد و آنان بار دیگر بر استقلال کمیته ی هماهنگی از احزاب و جریانات سیاسی تأکید کردند.

علیرضا عسگری و جلیل محمدی پس از اتمام دادگاه به زندان مرکزی کرج بازگردانده شدند و همچنین ریحانه انصاری پیش تر با قید کفالت آزاد شده بود.

کمیته ی هماهنگی بار دیگر تأکید دارد که این سه عضو هیچ جرمی مرتکب نشده اند و باید کاملاً تبرئه شوند. همچنین علیرضا عسگری و جلیل محمدی شرایط بسیار سختی را در زندان مرکزی کرج تحمل می کنند و دچار مشکلات جسمی زیادی شده اند و باید در اسرع وقت از زندان آزاد شوند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

شاهرخ زمانی به زندان تبریز بر گردانده شد

امروز خبر دار شدیم شاهرخ زمانی که در تاریخ 7/3/1391 از زندان مرکزی تبریز به زندان مرکزی یزد به طور غیر قانونی تبعید شده بود در تاریخ 14/5/1391 مجدداً به زندان مرکزی تبریز بر گردانده شده است دو روز گذشته را در بند قرنطینه بوده و امروز 16/5/1391 به بند متادون انتقال یافته است.

هنوز از علل برگرداندن او به زندان تبریز خبر نداریم. ممکن است فعالیت های خانواده شاهرخ که به نهاد های مختلف برای تبعید غیر قانونی مراجعه کرده بودند و تلاش و اعتراضات گسترده فعالین جواب داده باشد و مسئولین زندانها مجبور به لغو تبعید شده باشند. و یا شاید مربوط به وضعیت جدید در زندان مرکزی تبریز باشد که پس از تشکیل کمیته امنیت در این زندان کنترل در آنجا بیشتر از زندان یزد شده است، باشد.

به محض دریافت اخبار جدید اعلام خواهد شد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

16/5/1391

تجمع اعتراضی کارگران مخابرات لارستان در مقابل فرمانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 مرداد آمده است: بیش از ۴۰ کارگر و کارگزار شرکت مخابرات لارستان در اعتراض به تبدیل قرارداد کاری شان به پاره وقت و ساعتی در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

دبیر خانه کارگر شهرستان لار با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بیش از ۴۰ کارگر شرکت مخابرات شهرستان لارستان نسبت به تغییر قرارداد خود از سالانه به ۱۵ روز در ماه اعتراض کرده و با ارائه طوماری که یک نسخه از آن در اختیار خبرگزاری ایلنا قرار گرفته است خواستار رفع مشکلاتشان از مسئولان شده اند.

محمد حسن قوامی در ادامه افزود: کارگران مخابرات شهرستان لارستان با سوابق پنج تا ۲۶ سال در اعتراض به اقدام کارفرمای خود نسبت به تغییر قرارداد خود به ۱۵ روز ابراز نارضایتی کرده و از تغییر شرایط کار و تهدید امنیت شغلی خود ابراز ناامیدی کرده اند. به گفته قوامی از کارگران خواسته شده است با امضاء فرم و تقاضای همکاری (بدون قرارداد قانونی) روزانه فقط ۴ ساعت کار کنند و بطور ماهانه فقط ۲۰۰ هزار تومان به آنان دستمزد داده می شود.

او با بیان اینکه اجرای این طرح از سوی شرکت مخابرات استان فارس برای همه شهرستان ها ابلاغ شده است افزود: در حال حاضر شرکت مخابرات شهرستان لارستان نسبت به اجرای این طرح پیش قدم بوده است و اقدام تجمع کارگران در مقابل فرمانداری شهرستان تا هم اکنون بی نتیجه بوده است.

دادگاه 3 عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری برگزار شد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 17 مرداد آمده است: روز دوشنبه 16 مردادماه دادگاه جلیل محمدی، علیرضا عسگری و ریحانه انصاری 3 عضوی که در مجمع عمومی سالیانه کمیته ی هماهنگی بازداشت شده بودند در شعبه ی 4 دادگاه انقلاب اسلامی کرج برگزار شد.

اتهام این افراد «اقدام علیه امنیت ملی کشور از طریق تشکیل گروه غیرقانونی کمیته ی هماهنگی» مطرح شد که این اتهام از سوی آنان رد

شد چرا که هیچ‌کدامشان از مؤسسان کمیته‌ی هماهنگی نبودند. در جریان این محاکمه هر سه نفر از اهداف کمیته‌ی هماهنگی که حرکت در مسیر کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری است دفاع کردند. همچنین در جریان دادگاه سعی شد که کمیته‌ی هماهنگی به یکی از احزاب سیاسی منتسب شود که این امر نیز با واکنش هر سه نفر مواجه شد و آنان بار دیگر بر استقلال کمیته‌ی هماهنگی از احزاب و جریانات سیاسی تأکید کردند.

علیرضا عسگری و جلیل محمدی پس از اتمام دادگاه به زندان مرکزی کرج بازگردانده شدند و همچنین ریحانه انصاری پیش‌تر با قید کفالت آزاد شده بود.

کمیته‌ی هماهنگی بار دیگر تأکید دارد که این سه عضو هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و باید کاملاً تبرئه شوند. همچنین علیرضا عسگری و جلیل محمدی شرایط بسیار سختی را در زندان مرکزی کرج تحمل می‌کنند و دچار مشکلات جسمی زیادی شده‌اند و باید در اسرع وقت از زندان آزاد شوند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

16 مردادماه 1391

لینک متن اصلی در سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

http://www.k-hamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1046:1391-05-16-19-12-57&catid=10:1389-12-23-23-55-18&Itemid=26

صدور وعده‌های جدید برای پرستاران

هنوز وعده‌های قبلی به مرحله اجرا در نیامده است

به گزارش 16 مردادقانون، جامعه پرستاری کشور بیش از آنکه قدمی برای بهبود شرایطش برداشته شود، بیشتر شاهد سخنرانی‌های دلگرم‌کننده مسئولان و اظهارات پر از وعده و وعید بوده است، اما در عمل هیچ اتفاقی نیفتاده و وضعیت زندگی پرستاران بهبود نیافته است. این گزارش حاکیست، سازمان نظام پرستاری وعده جدیدی برای بهبود زندگی پرستاران داد؛ تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری. این وعده جدید در حالی صادر شده که هنوز جوهر وعده‌های قبلی عمل بدون عمل، خشک نشده است.

قرار است آبان ماه امسال قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری اجرایی شود. به گفته رئیس کل سازمان نظام پرستاری مرحله اول قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در حال حاضر در سه بیمارستان اجرا می‌شود و بعد از بررسی نتایج آن از آبان ماه امسال این قانون در سراسر کشور اجرا می‌شود.

طبق این قانون خدمات پرستاران در بخش دولتی با تعرفه‌های دولتی و در بخش خصوصی با تعرفه‌های خصوصی پرداخت خواهد شد. یکی از اهداف اصلی این قانون توزیع عادلانه‌تر درآمدها بین پرستاران و پزشکان است. به گفته رئیس کل سازمان نظام پرستاری با اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، بین 600 هزار تومان تا یک میلیون و 400 هزار تومان یعنی به طور میانگین یک میلیون تومان به حقوق هر پرستار اضافه می‌شود و دیگر یک پرستار مجبور نیست شیفت‌های غیرمتعارف بگیرد، بلکه می‌تواند در یک جا کار کند، استراحت داشته باشد و به جای آن خدمات با کیفیت به مردم ارائه کند.

قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری سال ۸۶ در مجلس به تصویب رسید و بلافاصله این قانون برای اجرا به دولت ابلاغ شد و دولت نیز برای اجرا آن را به وزارتخانه‌های بهداشت و رفاه ابلاغ کرد، اما اجرای آن بعد از 6 سال مسکوت مانده است.

به گفته رئیس کل سازمان نظام پرستاری با پیگیری‌های این سازمان تاکنون چهار قانون درباره وضعیت پرستاران به تصویب رسیده و سه قانون هم در بخش دولتی در حال اجراست. وی با بیان اینکه مهمترین قانون تصویب شده، قانون ارتقای بهره‌وری است، مدعی شده 95 درصد از بیمارستان‌های بخش دولتی این قانون را اجرا می‌کنند، اما بخش خصوصی آن را اجرا نمی‌کند.

گوش پرستاران پر از وعده است

رئیس سازمان پرستاری کشور در حالی از بهبود وضعیت پرستاران می‌گوید که خودش هم معترف است اکثر قوانینی که برای بهبود وضعیت کاری این قشر تصویب شده، اجرا نمی‌شود.

وعده پراکنی مسئولان کشور درباره پرستاران هر سال با شکل‌های مختلف ادامه می‌یابد. امسال هم اعلام کرده‌اند که پرستاران با 20 سال خدمت بازنشسته می‌شوند، اما گوش پرستارها پر است از این وعده‌ها.

مثلاً هر سال در روز پرستار به پرستاران وعده داده می‌شود که وضعیت حقوق، مزایا، مسکن، ایاب و ذهاب و مسائل رفاهی و تفریحی آنها بهتر می‌شود، اما در عمل اتفاقی نمی‌افتد. روز پرستار برای پرستاران روز تکرار وعده‌های عملی نشده است.

طبق گزارش‌ها سن خدمت در شغل پرستاری در اکثر کشورها در حد ۲۰ سال و ساعت کار آنها بین ۳۰ تا ۳۴ ساعت در هفته متغیر است و لیکن در کشور ما از این خبرها نیست و کاهش ساعت کار پرستاران از 44 ساعت به 36 ساعت هم به سرنوشت بقیه وعده‌ها دچار است.

هنوز وعده‌های عمل نشده درباره استخدام 23 هزار پرستار در سال 90 فراموش نشده که مدتی قبل سازمان نظام پرستاری اعلام کرد که در سال جدید 10 هزار پرستار دیگر استخدام می‌شود. سال گذشته دولت و مجلس درباره استخدام پرستاران یکدیگر را به کمکاری متهم کردند و امسال هم پیش‌بینی می‌شود، این پاس‌کاری و بهانه‌جویی ادامه پیدا کند.

به هر حال جامعه پرستاری کشور بیش از آنکه قدمی برای بهبود شرایطش برداشته شود، بیشتر شاهد سخنرانی‌های دلگرم‌کننده مسئولان و اظهارات پر از وعده و وعید بوده است، اما در عمل هیچ اتفاقی نیفتاده و وضعیت زندگی پرستاران بهبود نیافته است.

کارگران پارکت ساری ۸ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 17 مرداد آمده است: هشت ماه حقوق معوقه کارگران شرکت پارکت ساری پرداخت نشده است.

این گزارش حاکیست، شرکت پارکت ساری پس از واگذاری به بخش خصوص دچار مشکلات مدیریتی شده و اکنون به سبب افزایش مشکلات مالی در پرداخت ۸ ماه حقوق ۳۰ کارگر خود ناتوان شده است.

وضعیت ۳ تن از کارکنان پتروشیمی بندرامام وخیم اعلام شد

یکی از کارکنان به خارج منتقل می شود

بنا به گزارش سایت خبرآنلاین، در ۱۷ مرداد آمده است: به گفته مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، آتش سوزی در خارج از پتروشیمی بندرامام اتفاق افتاده است.

روز جمعه هفته گذشته آتش سوزی در مجتمع پتروشیمی بندر امام ۳ کشته برجا گذاشت و به گفته مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، وضعیت ۳ تن از کارکنان این مجتمع نیز در حال حاضر وخیم اعلام شده است.

به گفته مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، آتش سوزی در خارج از پتروشیمی بندرامام اتفاق افتاده است. براساس اظهارات عبدالحسین بیات، این آتش سوزی در خط لوله خروجی از این پتروشیمی صورت گرفته که علت آن نشت گاز این خط لوله و ایجاد ابر گاز بوده است. وی تاکید کرد: این ابر پس از فاصله گرفتن از این خط لوله مشتعل شده که منجر به آتش سوزی شده است. به گفته او، در ابتدا کارکنان سعی بر حل این مشکل داشته اند و احتمال آتش سوزی داده نشده بود.

وی از فوت ۳ تن از کارکنان این مجتمع پتروشیمی خبرداد و تصریح کرد: وضعیت ۳ تن از کارکنان فعال در این مجتمع وخیم اعلام شده و در حال حاضر در بیمارستان اصفهان تحت مداوا هستند. با اینحال یکی از این کارکنان به دلیل وخامت حال قرار است با رضایت خانواده وی و با هزینه شرکت ملی صنایع پتروشیمی به خارج از کشور انتقال داده شود. در عین حال بیات در خصوص علت چنین حادثه ای متذکر شد: نمی توان گفت که رعایت نکردن موارد ایمنی باعث این حادثه شده چراکه نگهداری از یک مجتمعی که بیش از ۶ هزار پرسنل دارد کار آسانی نیست و کوچکترین بی دقتی می تواند فاجعه ای بزرگ به همراه داشته باشد.

براساس اظهارات معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی، در حال حاضر واحدهای دیگر این مجتمع مشغول به تولید هستند.

واردات از ترس افزایش قیمت: کارگران مرغداری نگران امنیت شغلی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۷ مرداد آمده است: مسئله گرانی مرغ تبهعاتی بیش از تشکیل صفهای طولانی و انباشته از مردم نگران از قحطی مرغ به همراه داشته است. پس از اظهار نگرانی مراجع تقلید، فرمانده نیروی انتظامی، رسانهها و مردم از مسئله گرانی مرغ، اینک نوبت کارگران مرغداری هاست که به دلیل پیچیدگی این گره اقتصادی، نگران امنیت شغلی خود باشند.

به گزارش ایلنا، مسئله گرانی مرغ حجم زیادی از فضای شبکههای اجتماعی و رسانههای حقیقی و مجازی را به خود اختصاص داد. این میزان خبر، تحلیل، کاریکاتور و... مسئولان دولتی را وادار به پاسخگویی در برابر مردم کرد. در حالی که تولید کنندگان مرغ در کشور، گرانی مرغ را ناشی از گران شدن خوراک دام می دانستند و در این بین به خصوص به گران شدن کنجاله سویا اشاره می کردند، معاون اول احمدی نژاد در اجلاس روسای آموزش و پرورش سراسر کشور به این موضوع پرداخت و عنوان کرد که گرانی مرغ، آلفاء دشمنان است.

در گام بعدی و با بالا گرفتن موضوع و غیر قابل انکار شدن آن، استاندار تهران در مصاحبه ای سخن مقام بالاتر خود را اینگونه تصحیح کرد: تقاضای مازاد بر مصرف، بالا بردن عطف مصرف با دادن کد غلط به مردم، جولان دلالان و واسطهها و عدم ذخیره سازی کافی این محصول، دلیل گرانی گوشت مرغ است.

این سخنان مقدمه چینی برای برخورد با مرغداری ها و مرغ فروشیها بود. در تهران تعداد زیادی از مرغ فروشیها به جرم گران فروشی جریمه شدند. در حالی که مرغ با قیمت بالای ۷ هزار تومان در بازار عرضه می شد، دولت ضمن قبول جهش قیمت مرغ، قیمت واقعی را ۵۵۰۰ تومان اعلام کرد.

علیرضا حیدری، کارشناس اقتصادی کارگري، در این زمینه به ایلنا گفت: مولفه های تاثیر گذار بر افزایش قیمت تمام شده مرغ، قانون هدفمندی یارانهها، تحریمها و گرانی ارز است که این مولفهها همگرایی نزدیکی به یکدیگر دارند و باعث گرانی خوراک دام و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده گوشت مرغ شدند.

وی تصریح کرد: اختلاف دولت و تولید کنندگان بر سر میزان افزایش قیمت است. در حالی که تولید کنندگان از رقمهایی معادل ۷ هزار تومان صحبت می کنند، دولت قیمت تمام شده تولید مرغ را ۵ هزار تومان اعلام می کند.

علیرضا حیدری راه حل به تفاهم رسیدن دولت و تولید کنندگان داخلی را گفتگوی اجتماعی ذکر کرد و اعلام کرد: فضای برای طرفین ماجرا باید شفاف سازی شود. تولید کنندگان داخلی شورای خاص خود را دارند و باید از طریق این شوراها، برای شفاف سازی قیمت تمام شده مرغ وارد عمل شوند و با دولت مذاکره کنند.

اما محمد رضا عمادی، کارشناس کارگري، در اظهاراتی متضاد با سخنان حیدری، اعلام کرد: «منشا گرانی اخیر مرغ را باید در سود جویی تولید کنندگان دید. در چند وقت اخیر خوراک دام تنها ۱۰ درصد گران شده است. اگر سری به مرغداریها بزنیم می بینیم که انبار آنها مملو از گوشت مرغ است و به خاطر سود و منفعت شخصی خودشان تعداد کمتری را به کشتارگاه می فرستند. مسئله گرانی گوشت هم همین طور است. اخیرا به خاطر فرمایش مقام رهبری واردات گوشت های برزیلی کم شده بود که به دلیل کارشکنی مرغداریها این واردات از سر گرفته شد.»

وقتی پایین آوردن قیمت مرغ به صورت دستوری ممکن نشد، دولت واردات مرغ را آزاد اعلام کرد تا از این راه قیمت عرضه مرغ در بازار را کاهش دهد. این سیاست اگرچه افزایش قیمت مرغ را تا حدی مهار کرد ولی هر عملی پیامدهای خواسته یا ناخواسته ای دارد.

در همین رابطه علیرضا حیدری معتقد است: «متأسفانه دولت همواره برای کنترل قیمت‌ها از این ابزار استفاده می‌کند. این در حالی است که اگر ادعای مرغداران درست باشد با تعطیلی مرغداری‌ها و در نتیجه بیکاری کارگران مواجه خواهیم شد. تعطیلی واحدهای تولیدی داخل کشور پدیده جدیدی نیست و سابق بر این نیز به دلیل سیاست نادرست واردات، بسیاری از صنوف و کارخانه‌ها دست از کار کشیدند و تعطیل شدند.»

با توجه به فضای کشور و رویه دولت فعلی، امیدی به گفتگوی شفاف اجتماعی در عرصه عمومی باقی نیست و به نظر هم نمی‌رسد دولت قصد تجدید نظر در تصمیمش را داشته باشد. در این میان نگرانی کارگران مرغداری‌ها همچنان به قوت خود استوار می‌ماند. در صورتی که در اثر این واردات بی‌رویه مرغداری‌ها تعطیل شوند، اولین قربانی این اتفاق کارگران خواهند بود. آیا ما باز هم شاهد چرخه افزایش قیمت، واردات بی‌رویه و تعطیلی واحدهای تولیدی خواهیم بود؟

افزایش ۴۰۰ درصدی واردات شکر

به گزارش روزنامه خراسان در ۱۷ مرداد آمده است: در ۲ ماه اول سالی که سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گذاری شده، میزان واردات شکر به کشور ۶۸۰ درصد از نظر ارزشی افزایش یافته است.»

معلوم نیست تداوم این قبیل واردات چه زیانی به کشاورزی و تولید وارد خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری ایسنا در ۲ ماه نخست امسال بیش از ۱۱۸ هزار تن قند و شکر از نیشکر تصفیه نشده بدون مواد خوشبو کننده یا رنگ کننده به ارزش بیش از ۱۹۹ میلیون دلار وارد کشور شد. این میزان واردات نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب رشد ۴۰۱ و ۶۸۰ درصدی را نشان می‌دهد. بیش از ۷۵ درصد واردات کشور ایران از طریق دو کشور امارات و سوئیس انجام و از کشورهای برزیل، ترکیه و روسیه هم مقداری شکر وارد ایران شد.

بر اساس آمار گمرک ایران، افزایش واردات شکر به حدی بوده که این کالا به نهمین کالای عمده وارداتی کشور طی ۲ ماه نخست امسال تبدیل شده است.

واردات گسترده شکر به کشور در حالی رخ داده است که اواخر پارسال انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر ایران درباره تلاش برخی دلالان و واسطه‌ها برای صفر کردن تعرفه واردات شکر به کشور هشدار داده و این اقدام را زنگ خطری جدی برای کارخانه های قند و شکر دانسته بود.

چالش های شکر

واردات شکر از دیرباز تا به امروز همواره یکی از مهم ترین چالش های بخش های کشاورزی بوده است به طوری که استعفای «محمد جهرمی» وزیر سابق کار و مدیرعامل سابق بانک صادرات را به همراه داشت. آن روزها وزارت کار در اطلاعیه ای از اعتراض جهرمی به رئیس جمهور در مورد واردات بی رویه شکر خبر داده بود در حالی که کارخانجات داخلی قادر بودند نیازهای مردم را پوشش دهند. داستان مافیای شکر، آن چنان در ایران پیچیده و پنهان است و هیچ کس از چگونگی فعالیت آن ها سر در نمی آورد. اگرچه برای صنعت کاران این محصول و همین طور برای بسیاری از تولیدکنندگان و کارگران بیکار شده شاید پنهان باشد که چه افرادی در طول صدسال گذشته از این محصول بهره برداری کرده اند و از طریق آن به منفعت مالی رسیده اند ولی برای برخی ها دست های پشت پرده رو شده است. در ایران پس از انقلاب، شکر همیشه یکی از استراتژیک ترین محصولات کشاورزی بوده و هیچ کس را یارای آن نبوده که به افشای دست های پشت پرده و مافیای شکر بپردازد با آن که ظرفیت تولید چغندر قند در استان های مختلفی فراهم بوده و کارخانجات داخلی می توانند محصول قابل توجهی را تولید کنند اما برخی آن ها را به سمت تعطیلی سوق داده و می دهند.

کاهش تولید داخلی

آمار رسمی سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) هم حکایت از کاهش تولید شکر و تعطیلی کشت و کار محصول چغندر قند در برخی نقاط ایران دارد. این نهاد رشد تولید شکر در ایران در فاصله سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ را منفی ۵.۰۷ درصد اعلام و تأکید کرده است که این رقم در فاصله سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ به ۳.۳۵ درصد خواهد رسید و از این رو پیش بینی کرده است که واردات شکر ایران تا سال ۲۰۲۱ بیش از ۴۴۰ هزار تن افزایش پیدا می کند. گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) نیز درباره دورنمای محصولات کشاورزی طی سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ حاکی است میانگین تولید شکر ایران در فاصله سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ برابر با ۹۲۵ هزار تن بوده و انتظار است این میزان در سال ۲۰۲۱ به یک میلیون و ۱۰۵ هزار تن افزایش پیدا کند. در شرایطی که مقام معظم رهبری بر قطع واردات و افزایش تولید داخلی به ویژه در عرصه کشاورزی تأکید دارند، نبود حمایت های لازم موجب دلسردی کشاورزان و کاهش سطح زیر کشت محصول چغندر قند نیز شده است.

شاهد مثال کاهش ۱۰ برابری سطح کشت چغندر قند در استان اردبیل است و «قدیر نوری» رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی این استان گفته است مرکز تهیه بذر چغندر کشور سطح زیر کشت خود را از ۵ هزار هکتار به ۵۰۰ هکتار کاهش داده که این امر مشکلات معیشتی را برای کشاورزان رقم زده است. «بهزاد قریاضی» کارشناس ارشد بخش کشاورزی نیز در گفت و گو با «ایلنا» می گوید: در پی واردات شکر به داخل کشور ۸۰ درصد از چغندر کاران در آستانه بیکاری قرار گرفته اند و تداوم واردات بی رویه شکر موجب خواهد شد که چغندر کاران به مشاغل دیگری مانند هندوانه کاری روی بیاورند.

به گفته او صنعت قند و شکر که در سال ۸۵ با زیر کشت بردن ۱۸۰ هزار هکتار و تولید ۶ میلیون و ۵۹۲ هزار تن چغندر قند در طول عمر ۱۱۲ ساله خود تجربه بی سابقه ای را پشت سر گذاشت و خودکفایی شکر را در چند قدمی می دید با واردات شکر در سال گذشته و امسال که در مجموع به بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تن رسیده است با بحران کمبود نقدینگی و ورشکستگی رویه رو شده است. رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارخانجات قند و شکر با اعلام این که وارداتی که صورت می گیرد سال آینده اثرات منفی گسترده ای بر

حوزه تولید به همراه خواهد داشت، می افزاید: موجودی تولیدات داخلی با احتساب آن چه در فروردین و اردیبهشت ماه وارد کشور شده، شکر مورد نیاز یک سال کشور تأمین شده است.

«علیرضا اشرف» به خبرگزاری ایلنا گفته است از مهرماه محصول جدید نیز وارد مرحله تولید می شود که به تبع آن می توان پیش بینی کرد برای سال ۹۱ با مازاد تولید روبه رو باشیم.

فانو و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در تازه ترین گزارش خود میزان واردات شکر ایران در ۳ سال گذشته را به طور میانگین یک میلیون و ۶۲۶ هزار تن برآورد و پیش بینی کرده است که این میزان در سال ۲۰۲۱ میلادی به ۲ میلیون و ۶۷ هزار تن افزایش پیدا کند که از رشد ۴۴۱ هزار تنی برخوردار خواهد بود. مصرف شکر ایران نیز در این گزارش در فاصله سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ برابر با ۲ میلیون و ۴۲۷ هزار تن اعلام شده که این میزان در سال ۲۰۲۱ به ۳ میلیون و ۱۳۲ هزار تن خواهد رسید.

همچنین آمار انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر ایران نشان می دهد که تولید داخلی شکر در سال گذشته با کاهش بیش از ۳ درصدی به یک میلیون و ۱۳۷ هزار تن رسید. این در حالی است که بر اساس آمار گمرک ایران پارسال بیش از ۷۵۲ میلیون و ۱۰۵ هزار دلار قند و شکر از نیشکر تصفیه نشده وارد کشور شده و وزن این میزان واردات نیز به بیش از یک میلیون و ۲۲۸ هزار و ۲۹۱ تن رسید.

با توجه به موجودی شکر که تا اول خرداد ماه امسال یک میلیون و ۱۲ هزار تن بوده است و با توجه به میانگین مصرف ماهیانه ۱۸۰ هزار تن شکر، موجودی فعلی تکافوی مصرف کشور تا آبان ماه امسال را دارد.

نقش دولت

صاحب نظران بر این نظرند که اگر دولت از صنعت قند و شکر دست بردارد همه چیز درست می شود.

«بهمن دانایی» از اعضای کمیسیون کشاورزی و صنایع غذایی اتاق بازرگانی تهران بر این نظر است که به علت افزایش قیمت جهانی شکر و نه حمایت و کمک دولت، مشکلات صنعت قند و شکر نسبت به سال های قبل کمتر شده است.

او زیان های ناشی از سیاست گذاری های نادرست را در مواردی از جمله واردات ۵.۲ میلیون تن شکر به کشور در سال ۱۳۸۵ و در حالی که تولید داخل در یکی از بهترین سال های خود به سر می برد و ۳.۱ میلیون تن شکر تولید شده بود می داند و می گوید: در سال ۸۶ ما حدود ۹۰ هزار چغندر کار داشتیم که وزیر وقت جهاد کشاورزی به کشاورزان توصیه کرد «سیب زمینی» بکارند و آن لطمه بزرگ وارد شد که تولید از ۶.۶ میلیون تن به ۱.۷ میلیون تن چغندر قند رسید و سیب زمینی ها هم روی دست دولت ماند، این کار باعث شد برنامه ما برای تولید ۱.۸ میلیون تن شکر در سال ۸۹ به نتیجه نرسد و تنها ۵۰۰ هزار تن تولید داشتیم.

این فعال صنعت قند و شکر همچنین از ناهماهنگی دولت با تشکل های فعال در این حوزه گلایه و از صفر کردن تعرفه درست در زمان برداشت محصول و تولید و توزیع شکر داخلی انتقاد می کند.

«بهمن دانایی» با تاکید بر این که چغندر تنها محصولی است که کارخانه ها تمام تولید کشاورز را می خردند و نیازی به ورود دولت و خرید تضمینی نیست می گوید: اگر دولت از این صنعت دست بردارد همه چیز درست می شود، دولت تعرفه را صفر می کند اما تنظیم بازار را از ما می خواهد. دولت برای واردات شکر باید با انجمن صنایع قند و شکر ایران هماهنگ باشد تا حذف تعرفه در زمان مناسب صورت گیرد که کشور دچار مشکلی از لحاظ عرضه و تولید نباشد. ما مخالف واردات نیستیم بلکه معتقدیم باید ابتدا از تولید داخلی استفاده شود و سپس اگر نیاز بود به واردات بپردازیم.

طبق اعلام انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر ایران قرار است امسال تولید داخلی شکر به حدود ۵.۱ میلیون تن برسد. در حالی که موجودی شکر تا پایان سال گذشته بالغ بر ۴.۱ میلیون تن بوده است و برآورد شده که همین حدود ذخیره به سال جاری منتقل شده در این صورت ذخیره کافی برای شکر در کشور وجود دارد و مسئولان دولتی باید با برآورد دقیق آمار و ارقام درباره واردات شکر به کشور تجدیدنظر کنند و جلوی آن را بگیرند.

«علی محمد بزرگوری» دبیر کمیسیون کشاورزی مجلس در واکنش به واردات شکر می گوید: در حال حاضر شکر به اندازه نیاز و مصرف داخلی کشور تولید می شود و نیازی به واردات نیست. وی از بررسی این موضوع با حضور وزیر جهاد کشاورزی در کمیسیون خبر می دهد و می افزاید: با توجه به نام گذاری امسال به نام تولید ملی، واردات هرگونه محصولات کشاورزی و دامی باید در راستای حمایت از تولید داخل صورت گیرد که این موضوع در مورد واردات شکر رعایت نشده است.

«رحمتی» معاون انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر ایران نیز در گفت و گو با خراسان با انتقاد از صفر شدن تعرفه واردات شکر می گوید: متأسفانه از زمانی که به یاد داریم درست برعکس آن چه باید انجام می شد از این صنعت حمایت شده است.

او درباره افزایش ۶۰۰ درصدی واردات شکر در ۲ ماه اول سال جاری می گوید: طی این مدت ۱۴۰ هزار تن شکر وارد کشور شده که به لحاظ تناژی حجم زیادی نیست و با توجه به تحریم ها و معضلاتی که در انتقال وجه و حساب های بانکی وجود دارد شکر زیادی وارد کشور نشده و اگر شرایط عادی بود حجم انبوهی شکر وارد می شد و ضربه مهلکی به صنعت قند و شکر ایران وارد می شد.

ناهماهنگی سازمان ها

صاحب نظران به دنبال واردات بی رویه و بلبشوی بازار داخلی دلیل اصلی این نابه سامانی ها را تداخل وظایف سازمانی دستگاه های مختلف در یک مجموعه به نام وزارت صنعت، معدن و تجارت می دانند. دکتر «اسماعیل نیا» نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس واگذاری تمام امور مربوط به تولید و بازرگانی و تأمین مایحتاج مردم را به یک وزارت خانه اشتباه و واردات شکر، شیر خشک، نابسامانی در بازار مرغ و گوشت و شیر را موید این ناهماهنگی می داند. او می گوید: تئلیبار شدن اختیارات در یک وزارت خانه و ناتوانی در برنامه ریزی نتیجه اش همین است.

«سید حسین هاشمی» رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس هم می گوید: از ابتدا مخالف ادغام دو وزارت خانه بازرگانی و صنایع و معادن بودیم و الان هم این شرایط را برای صنعت و تولید کشور بسیار ناگوار می بینیم.

او واردات مجدد شکر تصفیه شده و سفید را برای صنعت کشور مضر می داند و تصریح می کند: با وجود امضای تفاهم نامه هایی بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و اتحادیه کارخانجات قند و شکر شنیده می شود دوباره واردات شکر خواهیم داشت که در راستای حمایت از تولید نیست.

در حالی که به گفته معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت رئیس جمهور چند روز قبل دستور ذخیره سازی برخی کالاهای اساسی را برای مقابله با تحریم ها و مشکلات احتمالی صادر کرده ولی آیا افزایش واردات شکر در ۲ ماه اول امسال هم در راستای ذخیره سازی بوده است؟ دکتر «محمد اسماعیل نیا» نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس معتقد است احتمالاً افزایش واردات شکر به کشور در راستای طرح های ذخیره سازی دولت و مقابله با تحریم ها بوده است ولی «رحمتی» معاون انجمن صنفی کارخانجات قند و شکر ایران می گوید: نه این طور نیست، این شکرها توسط بخش خصوصی وارد شده و دولت تا حالا یک کیلوگرم هم شکر وارد نکرده است. به گفته وی برنامه دولت واردات ۲۰۰ هزار تن شکر بوده که هنوز موفق به وارد کردن آن نشده است.

به هر حال در حالی که توان، ظرفیت و شرایط تولید چغندر قند و استحصال شکر در کشور وجود دارد و نیز از این راه اشتغال خیل کثیری در مزارع و کارخانجات فراهم می شود. به ویژه در سال تولید ملی دلیلی برای صفر شدن تعرفه ها و تداوم واردات شکر به کشور وجود ندارد و جفای غیرقابل توجیه به تولید و اقتصاد کشور است.

چکیده گزارش

در سالی که به تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گذاری شده است افزایش ۶۸۰ درصدی واردات شکر طی ۲ ماه نخست سال جای تأمل دارد. در حالی که فعالان عرصه تولید با توجه به ظرفیت ذخیره سازی از سال قبل و تولید داخلی نیازی به واردات احساس نمی کنند متأسفانه صفر کردن تعرفه واردات شکر بار دیگر مافیای واردات این محصول را فعال کرده است. اگرچه برخی انجام واردات شکر را در راستای تحقق دستور رئیس جمهور مبنی بر ذخیره سازی کالاهای اساسی و مقابله با تحریم ارزیابی می کنند ولی شواهد امر نشان می دهد که دولت در واردات ۲۰۰ هزار تن شکر مورد نیاز برای ذخیره سازی توفیقی نداشته و شکرهای وارداتی توسط بخش خصوصی وارد شده است. تداوم واردات شکر آن هم در سال تولید ملی باعث کاهش سطح زیر کشت و تولید شکر شده و صنعت قند و شکر را نیز به ورشکستگی کشانده است. به نظر می رسد به جای واردات مسئولان باید به حمایت از تولید داخلی و تقویت چغندر کاران کشور بپردازند تا خوراک کارخانجات قند را به موقع تأمین کنند.

کارگر فضای سبز مشهد در حین کار کشته شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۷ مرداد آمده است: به نقل از روابط عمومی آتش نشانی مشهد، برخورد شدید خودروی پراید و سانتافه جان یک کارگر فضای سبز را گرفت. این حادثه در حالی اتفاق افتاد که دو خودروی پراید و سانتافه در مسیر میدان انقلاب مشهد به سمت گاراژدارها در حرکت بودند که به دلیل نامعلومی با یکدیگر برخورد می کنند و با پرتاب هر دو خودرو به لاین وسط خیابان، منجر به مرگ کارگر شهرداری می شوند که در آن محدوده مشغول آبیاری فضای سبز بود.

واردات از ترس افزایش قیمت: کارگران مرغداری نگران امنیت شغلی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۷ مرداد آمده است: مسئله گرانی مرغ تبعاتی بیش از تشکیل صف های طولانی و انباشته از مردم نگران از قطعی مرغ به همراه داشته است. پس از اظهار نگرانی مراجع تقلید، فرمانده نیروی انتظامی، رسانه ها و مردم از مسئله گرانی مرغ، اینک نوبت کارگران مرغداری هاست که به دلیل پیچیدگی این گره اقتصادی، نگران امنیت شغلی خود باشند.

به گزارش ایلنا، مسئله گرانی مرغ حجم زیادی از فضای شبکه های اجتماعی و رسانه های حقیقی و مجازی را به خود اختصاص داد. این میزان خبر، تحلیل، کاریکاتور و... مسئولان دولتی را وادار به پاسخگویی در برابر مردم کرد. در حالی که تولید کنندگان مرغ در کشور، گرانی مرغ را ناشی از گران شدن خوراک دام می دانستند و در این بین به خصوص به گران شدن کنجاله سویا اشاره می کردند، معاون اول احمدی نژاد در اجلاس روسای آموزش و پرورش سراسر کشور به این موضوع پرداخت و عنوان کرد که گرانی مرغ، القاء دشمنان است. در گام بعدی و با بالا گرفتن موضوع و غیر قابل انکار شدن آن، استاندار تهران در مصاحبه ای سخن مقام بالاتر خود را اینگونه تصحیح کرد: تقاضای مازاد بر مصرف، بالا بردن عطف مصرف با دادن کد غلط به مردم، جولان دلالان و واسطه ها و عدم ذخیره سازی کافی این محصول، دلیل گرانی گوشت مرغ است.

این سخنان مقدمه چینی برای برخورد با مرغداری ها و مرغ فروشی ها بود. در تهران تعداد زیادی از مرغ فروشی ها به جرم گران فروشی جریمه شدند. در حالی که مرغ با قیمت بالای ۷ هزار تومان در بازار عرضه می شد، دولت ضمن قبول جهش قیمت مرغ، قیمت واقعی را ۵۵۰۰ تومان اعلام کرد.

علیرضا حیدری، کارشناس اقتصادی - کارگری، در این زمینه به ایلنا گفت: مولفه های تاثیر گذار بر افزایش قیمت تمام شده مرغ، قانون هدفمندی یارانه ها، تحریم ها و گرانی ارز است که این مولفه ها همگرایی نزدیکی به یکدیگر دارند و باعث گرانی خوراک دام و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده گوشت مرغ شدند.

وی تصریح کرد: اختلاف دولت و تولید کنندگان بر سر میزان افزایش قیمت است. در حالی که تولید کنندگان از رقم هایی معادل ۷ هزار تومان صحبت می کنند، دولت قیمت تمام شده تولید مرغ را ۵ هزار تومان اعلام می کند.

علیرضا حیدری راه حل به تفاهم رسیدن دولت و تولید کنندگان داخلی را گفتگوی اجتماعی ذکر کرد و اعلام کرد: فضاها برای طرفین ماجرا باید شفاف سازی شود. تولید کنندگان داخلی شورای خاص خود را دارند و باید از طریق این شوراها، برای شفاف سازی قیمت تمام شده مرغ وارد عمل شوند و با دولت مذاکره کنند.

اما محمد رضا عمادی، کارشناس کارگری، در اظهاراتی متضاد با سخنان حیدری، اعلام کرد: «منشا گرانی اخیر مرغ را باید در سودجویی تولید کنندگان دید. در چند وقت اخیر خوراک دام تنها ۱۰ درصد گران شده است. اگر سری به مرغداری ها بزنیم می بینیم که انبار آن ها مملو از گوشت مرغ است و به خاطر سود و منفعت شخصی خودشان تعداد کمتری را به کشتارگاه می فرستند. مسئله گرانی گوشت هم همین طور است. اخیراً به خاطر فرمایش مقام رهبری واردات گوشت های برزیلی کم شده بود که به دلیل کارشکنی مرغداری ها این واردات از سر گرفته شد.»

وقتی پایین آوردن قیمت مرغ به صورت دستوری ممکن نشد، دولت واردات مرغ را آزاد اعلام کرد تا از این راه قیمت عرضه مرغ در بازار را کاهش دهد. این سیاست اگرچه افزایش قیمت مرغ را تا حدی مهار کرد ولی هر عملی پیامدهای خواسته یا ناخواسته ای دارد. در همین رابطه علیرضا حیدری معتقد است: «متأسفانه دولت همواره برای کنترل قیمت ها از این ابزار استفاده می کند. این در حالی است که

اگر ادعای مرغداران درست باشد با تعطیلی مرغدارها و در نتیجه بیکاری کارگران مواجه خواهیم شد. تعطیلی واحدهای تولیدی داخل کشور پدیده جدیدی نیست و سابق بر این نیز به دلیل سیاست نادرست واردات، بسیاری از صنوف و کارخانه‌ها دست از کار کشیدند و تعطیل شدند.»

با توجه به فضای کشور و رویه دولت فعلی، امیدی به گفتگوی شفاف اجتماعی در عرصه عمومی باقی نیست و به نظر هم نمی‌رسد دولت قصد تجدید نظر در تصمیمش را داشته باشد. در این میان نگرانی کارگران مرغدارها همچنان به قوت خود استوار می‌ماند. در صورتی که در اثر این واردات بی‌رویه مرغدارها تعطیل شوند، اولین قربانی این اتفاق کارگران خواهند بود. آیا ما باز هم شاهد چرخه افزایش قیمت، واردات بی‌رویه و تعطیلی واحدهای تولیدی خواهیم بود؟

۸ ماه حقوق معوقه کارگران شرکت پارکت ساری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 مرداد آمده است: ۸ ماه حقوق معوقه کارگران شرکت پارکت ساری پرداخت نشده است.

نصرت‌الله دریابویی، دبیر خانه کارگر مازندران، با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت پارکت ساری که در زمینه راه سازی و آسفالت فعالیت دارد قبل از اجرای طرح خصوصی سازی تحت پوشش سازمان اقتصادی کوثر فعالیت می‌کرد که متأسفانه بعد از اجرای این طرح به جهت سوء مدیریت و با افزایش بحرانهای مالی در پرداخت حقوق کارگران خود کوتاهی کرده است.

دبیر خانه کارگر مازندران با اعتراض به عدم نظارت بر مدیریت واحدهایی واگذار شده از مسئولان قوه قضائیه خواست تا با عواملی که سبب نارضایتی هزاران کارگر شده و در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی اختلال ایجاد کرده‌اند، برخورد کنند. کارخانه های و شرکت های از این دست فراوان هستند و شرکت پارکت ساری تنها نمونه در این بحران نیست. بعد از تفسیر یکجانبه رهبری از اصل ۴۴ و تنزیل آن به واگذاری ثروت های ملی و دولتی به نیروهای نزدیک حاکمیت، کارخانه های زیادی در سطح کشور دچار اختصاصی سازی شدند.

بسیاری از این کارخانه ها در این مدت ورشکسته و کاملن تعطیل شدند و زمین کارخانه و وسایل ان به فروش رفته است. بخش اعظمی نیز در حال ورشکستگی می باشند و میزان تولیدشان را کاهش داده اند و تعداد زیادی از کارگران را اخراج کرده اند و کارگران مشغول به کار در این کارخانه ها نیز با مشکل حقوق معوقه روبه رو هستند.

پلمپ ۱۲۳ چایخانه و ۴۲ کافی شاپ در استان البرز

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در 17 مرداد آمده است: فرمانده نیروی انتظامی استان البرز از پلمپ ۱۲۳ واحد چایخانه و ۴۲ کافی شاپ در چهار ماه نخست سال جاری خبر داد.

علیرضا اکبرشاهی این اقدام را در راستای طرح امنیت اجتماعی در استان ذکر کرده و افزود: در همین راستا به ۱۷۴ واحد چایخانه نیز اخطار پلمپ داده شده و از ۱۲۳ چایخانه نیز به صورت محسوس بازدید به عمل آمده است.

اکبرشاهی اعلام کرده که در این چایخانه ها دختران فراری و برخی افراد خلاف کار حضور داشته اند. به گزارش ایسنا وی اظهار کرد: علاوه بر این در مدت مذکور به ۸۵ کافی شاپ اخطار پلمپ داده شده و ۴۲ واحد از این صنف نیز پلمپ شده اند.

اکبر شاهی در بخش دیگر در ارتباط با سایر صنوف استان نیز اضافه کرد: در مدت مذکور ۱۷ واحد سایر صنوف نیز پلمپ و ۶۳ مورد نیز اخطار دریافت کرده‌اند.¹

تجمع کارگران کارخانه بانی پلاست غرب، جلوی اداره کار و تعاون و رفاه اجتماعی سندج

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 17 مرداد آمده است: امروز کارگران کارخانه بانی پلاست غرب جلوی اداره کار سندج دست به تجمع اعتراضی زدند. کارخانه بانی پلاست که دارای 21 کارگر میباشد سازنده کانالهای کولر میباشد که در سالهای گذشته جزء بهترین سازنده های نوع خود بوده است.

اما اکنون کارگران که سابقه 2 الی 8 سال خدمت در این شرکت را دارند، سه ماه است که حقوق زیر حداقل خود را دریافت نکرده اند و کارفرما بیش از 10 ماه حق بیمه پرنسل را به تامین اجتماعی واریز ننموده است. در ماههای گذشته نیز کارگران با فروش ضایعات توانسته اند قسمتی از حقوق خود را بدست آورند.

کارفرمای این شرکت با دریافت 3 میلیارد تومان تسهیلات از بانکهای سپه و ملی شهر سندج ادعا میکند که قادر به ادامه تولید نیست. اکنون آب و برق و گاز این کارخانه به علت بدهی قطع میباشد و کارگران هر روز به کارخانه میروند و ساعت کاری خود را با شرایط نبود ابتدایی ترین امکانات به سر میبرند و نگهداری و سرایدار این شرکت با خانواده در این شرایط فلاکت بار (نبود آب و برق و گاز) زندگی میکنند.

امروز در اداره کار سندج جلسه ایی با حضور کارفرما و مسئولان بانکهای مربوطه در اداره کار تشکیل شد و به کارگران قول دادند که مسایل آنان را پیگیری نمایند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

تجمع حق التدریس و معلمان پیش‌دبستانی مقابل مجلس

به نوشته سایت سحام‌نیوز در 17 مرداد آمده است: معلمان حق التدریس سازمان فنی و حرفه‌ای و معلمان پیش‌دبستانی، بهداشت یاران و نیروهای شرکتی وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به مشکلات استخدامی و بیمه خود مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

به گزارش مهر، معلمان حق التدریسی سازمان فنی و حرفه‌ای، نیروهای شرکتی آموزش و پرورش، بهداشتیاران و معلمان پیش‌دبستانی امروز سه‌شنبه بار دیگر در اعتراض به مشخص نبودن وضعیت بیمه و استخدام خود مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

طرح اصلاح ماده 17 قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در دستور کار صحن علنی مجلس قرار دارد.

حدود یک ماه است که معلمان پیش‌دبستانی و حق التدریس سازمان فنی و حرفه‌ای در روزهای برگزاری جلسه علنی مجلس در این مکان تجمع می‌کنند و خواستار رسیدگی به وضعیت استخدامی خود هستند.

تجمع مربیان فنی حرفه‌ای و پیش‌دبستانی در مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 مرداد آمده است: بیش از 500 مربی پیش‌دبستانی و مربیان حق التدریسی سازمان فنی و حرفه‌ای در اعتراض به وضعیت استخدام و شرایط کار خود صبح امروز در مقابل مجلس تجمع کردند. براساس این گزارش، یکی از مربیان حق التدریس آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای که بیش از 11 سال سابقه تدریس در زمینه فیزیک هسته‌ای را دارد در تشریح این اعتراض گفت: مشکل ما از آنجایی که شروع شد که در سال 88 مجلس قانونی را تصویب کرد مبنی بر تکلیف وضعیت معلمان حق التدریسی. در آن سال آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای زیر مجموعه آموزش و پرورش بودند اما اقدامی در رابطه با استخدام حق التدریسی‌های فنی و حرفه‌ای صورت نگرفت. او ادامه داد: در ابتدای سال 90 مجلس مصوبه دیگری را تصویب کرد که براساس آن آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای که زیر مجموعه آموزش و پرورش بودند به وزارت علوم ملحق شدند و در حال حاضر وزارت علوم ما را با این شرایط نمی‌پذیرد.

این مربی در ادامه بیان کرد: تاکنون برای حل مشکل خود با وزیر آموزش و پرورش نیز صحبت‌هایی داشته‌ایم ولی حاجی بابایی بیان کرد «ما آش را با جاش به وزارت علوم تقدیم کردیم و در حال حاضر نیز باید وزارت علوم تکلیف شما را مشخص کند».

این مربی با سابقه در ادامه گفت: در طول دو سالی که از مصوبه تعیین تکلیف وضعیت حق التدریس‌های آموزش و پرورش می‌گذرد به وضعیت ما رسیدگی نشده است در حالی که ما در طول دو سال زیر نظر آموزش و پرورش فعالیت می‌کردیم.

یکی دیگر از مربیان حق التدریس در تشریح روند پیگیری این مشکلات گفت: تاکنون برای حل مشکلات خود در دوره هشتم با نمایندگان مجلس صحبت‌هایی را انجام داده‌ایم که همه آن‌ها اذعان داشتند در حق ما ظلم شده است و درصدد هستیم تا از امروز با کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی رایزنی‌های خود را انجام دهیم تا به حق خود برسیم. او در رابطه با مشکلات حق التدریسی‌های آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای گفت: مشکل اساسی ما این است که وزیر آموزش و پرورش هر بار یک موضوع را با نمایندگان مجلس مطرح می‌کند و برای تعیین تکلیف وضعیت ما پاسخ مناسبی به نمایندگان مجلس نمی‌دهد.

این گزارش حاکیست، در تجمع امروز در مقابل مجلس همچنین طبق روال یک ماه و نیم گذشته مربیان پیش‌دبستانی نیز حضور داشتند برپایه این گزارش، یکی از مربیان پیش‌دبستانی گفت: یک ماه و نیم است که در مقابل مجلس تجمع کرده‌ایم و به دنبال این هستیم که در آموزش و پرورش استخدام شویم.

وی گفت: ما مربیان پیش‌دبستانی با چندین سال سابقه کار در مراکز دولتی انتظار داریم که در آموزش و پرورش استخدام شویم چرا که برای کار خود کلاس‌های ضمن خدمت گذرانده‌ایم.

در صورت تصویب نهایی، مربیان پیش‌دبستانی و خریدخدمتی‌ها به استخدام آموزش و پرورش درمی‌آیند

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 17 مرداد آمده است: مجلس کلیات طرحی را مصوب کرد که در صورت تصویب نهایی آموزش و پرورش موظف می‌شود ظرف دو سال تمام مربیان پیش‌دبستانی و نیروهای خریدخدمت خود را از طریق برگزاری آزمون استخدام کند. بهارستان‌نشینان پس از استماع سخنان موافقین و مخالفین کلیات این طرح، کلیات طرح اصلاح ماده 17 قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران سوادآموزی را با 178 رأی موافق، 47 رأی مخالف و 14 رأی ممتنع از مجموع 249 رأی مأخوذه به تصویب رساندند.

طبق این طرح 2 تبصره به ماده 17 قانون تعیین تکلیف استخدامی حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در آموزش و پرورش الحاق می‌شود.

در صورت تصویب نهایی جزئیات این طرح در ماده واحده آن مقرر می‌شود دو تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره‌های 8 و 9 به ماده 17 قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در آموزش و پرورش اصلاحیه مصوب 7 دی ماه 1389 الحاق گردد.

طبق تبصره 8، احکام قانون متعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش مصوب 8 خرداد 1369 به استثنای احکام ناظر و دانش‌آموزان دانشسراهای تربیت معلم به قوت خود باقی است. دانشجویان ورودی سال 1388 مرکز تربیت معلم نیز طبق مقررات مربوطه مشخص شده‌اند، مشمول این حکم می‌گردند. همچنین در تبصره 9 وزارت آموزش و پرورش موظف می‌شود در اجرای تبصره 2 ماده 51 قانون برنامه 5 ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب 5/10/1389 در بند ج ماده 24 قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 8 مهر 1386 از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون حداکثر ظرف دو سال کلیه مربیان پیش‌دبستانی و نیروهای خریدخدمت آموزشی خود را که با آموزش و پرورش همکاری داشته‌اند، از طریق برگزاری آزمون و با در نظر گرفتن شرایط مندرج در مواد 2 و 3 قانون تعیین تکلیف استخدامی حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در آموزش و پرورش مصوب 15 مهر 1388 و اصلاحات بعدی آن، مدرک و

رشته تحصیلی، جنسیت، نیاز منطقه‌ای و سنوات همکاری با آموزش و پرورش در اولویت استخدام قرار دهد. مربیان پیش دبستانی و نیروهای خرید خدمت آموزشی که در سال تحصیلی 90 - 91 با آن وزارتخانه همکاری داشته‌اند، مطابق روال همان سال به همکاری خود با آموزش و پرورش ادامه می‌دهند.

مرگ 2 کارگر در شهرک صنعتی میرجاوه سیستان و بلوچستان

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، در 17 مرداد آمده است: دو نفر در شهرک صنعتی میرجاوه سیستان و بلوچستان بر اثر سقوط در چاه جان خود را از دست دادند. بنا به همین گزارش، برابر اعلام مرکز فوریت های پلیسی 110 مبنی بر کشف دو جسد در شهرک صنعتی میرجاوه استان سیستان و بلوچستان بلافاصله ماموران اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی استان جهت بررسی موضوع به محل اتفاق مراجعه کردند.

ماموران در محل با جسد دو نفر زن و مرد برخورد کردند که در داخل چاه سقوط کرده بودند. با بررسی اجساد هیچگونه آثار ضرب و جرحی بر روی بدن آنها مشاهده نشد لذا اقدامات خود را در جهت بررسی چگونگی حادثه آغاز کردند. بنا بر این گزارش، ماموران در بررسی های خود به وجود دوربین های مدار بسته کارخانه پی برده و با بازبینی فیلم های ثبت شده در دوربین ها به حقیقت ماجرا پی بردند و مشاهده کردند هومن در حال کار با دستگاه به یکباره به داخل چاه سقوط کرده و سمانه نیز که قصد بیرون آوردن او از داخل چاه را داشته به داخل چاه سقوط می کند.

گفتنی است، با توجه به اینکه چاه مورد نظر محل تخلیه گازهای تصفیه خانه ای بوده هر دو بر اثر متصادف شدن گازهای سمی فوت کردند.

نبود امنیت شغلی برای کارگران ایرانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 مرداد آمده است: خیرگزاری دولتی ایلنا در گزارشی در مورد امنیت شغلی کارگران ایران نوشته که حقوق دریافتی بیش از 30 درصد از کارگران، کمتر از میزان حداقل دستمزد است. حداقل حقوق ماهانه کارگران در ایران توسط شورای عالی کار در اسفند سال گذشته حدود 390 هزار تومان تعیین شد؛ حداقل حقوقی که بسیاری از تشکلهای کارگری به آن معترض بوده و گفته اند که این حقوق جوابگوی هزینههای یک خانوار کارگری نیست.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، جمشید پژویان، رییس شورای رقابت، گفته است خانوارهای شهری با درآمد ماهانه کمتر از 946 هزار تومان زیر خط فقر به حساب می آیند.

علیرضا نوایی، از اتحاد بین المللی حمایت از کارگران در ایران که مقیم پاریس است، در این ارتباط به رادیو فردا می گوید: «کارگری که نیروی کار خود را می فروشد باید درباره امنیت شغلی و تامین هزینههای زندگی اش اطمینان خاطر داشته باشد.»

در این میان بهروز خباز، فعال کارگری در سوئد، ضمن نادرست دانستن نرخ 30 درصدی کارگرانی که حقوق شان کمتر از حداقل دستمزد ماهانه است، به رادیو فردا می گوید: «بیش از 80 درصد کارگران در واحدهای کوچک تولیدی کار می کنند که این واحدهای کوچک 58 درصد قراردادهای سفیدامضا را به خودشان اختصاص داده اند و کارگزارانشان فاقد امنیت شغلی هستند.»

خبرگزاری ایلنا به نقل از کارشناسان نوشته است: پایه ای ترین مشکل کارگران ایران، وجود قراردادهای موقت کار است و این موضوع به منزله شمشیر داموکلسی بالای سر آنان است و کارگران نمیتوانند برای مشکلات دیگرشان از جمله پرداخت نشدن دستمزد، کسر حقوق و نداشتن تشکلهای مستقل اعتراض کنند.

همچنین به گزارش خبرگزاری ایسنا، کاظم خلجی، مسئول خانه کارگر خرمدره، قراردادهای کوتاه مدت 15 روزه و یکماهه را تهدید کننده امنیت شغلی کارگران دانسته و گفته است: «همین حس عدم امنیت مانع جدی برای بروز خلاقیت و ابتکار کارگران در زمینه فعالیت آنها خواهد بود.»

این در حالی است که بر اساس گزارش خبرگزاری ها و برخی از سایت های کارگری، در بعضی از مناطق ایران قراردادهای سه روزه یا سفید امضا با کارگران بسته می شود.

بهروز خباز در این مورد می گوید: «مسئله قراردادهای موقت که زمانی ما در شعارهای روز اول ماه می تاکید می کردیم که باید لغو شود، امروز تبدیل به قراردادهای سفیدامضایی شده که غیرقانونی است و هیچکس مسئولین آن را به گردن نمی گیرد.»

علیرضا نوایی نیز در گفت و گو با رادیو فردا، ضمن تاکید بر لزوم امضای قراردادهای دائم با کارگران معتقد است بحث تعطیلی کارخانه ها و اخراج گسترده در سال های اخیر، امنیت شغلی کارگران را از بین برده است: «کارگری که کار می کند باید بتواند هزینه های زندگی خود را از نظر مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، ایاب و ذهاب و تحصیل فرزندانش تامین کند. بخشی از تامین این هزینه ها برمی گردد به میزان حقوق دریافتی کارگر و بخش دیگر به پرداخت منظم حقوق ماهیانه و پاداش و مزایای کارگر.»

اما به نظر می رسد بحث امنیت شغلی کارگران فقط در این محدوده ها نقض نمی شود.

برخی از کارشناسان در این ارتباط به تلاش دولت محمود احمدی نژاد برای تغییر قانون کار اشاره می کنند. از جمله فرامرز توفیقی، عضو کمیته اصلاح قانون کار، در اواخر سال گذشته به خبرگزاری ایلنا گفت: «با اصلاح قانون کار، شرایط اخراج کارگران در واحدهای تولیدی کشور هموار خواهد شد و به این ترتیب امنیت شغلی کارگران از بین خواهد رفت.»

اما تاثیر نبود امنیت شغلی که شماری از فعالان و تشکلهای کارگری از آن انتقاد می کنند، چه خواهد بود؟

علیرضا نوایی، از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران مقیم پاریس، به این سوال چنین پاسخ می دهد: «وقتی کارگران از امنیت شغلی برخوردار نباشد همیشه نگران هستند از این که آیا می توانند کارشان را حفظ کنند یا نه، می توانند از پس تامین هزینه های زندگی خود برآیند و آیا حقوق شان به موقع پرداخت خواهد شد. این مسایل باعث می شود کارگر آرامش روحی لازم را هنگام کار نداشته باشد که به صورت حوادث ضمن کار خود را نشان می دهد. در ضمن، این مسایل و نگرانی ها مشکلاتی را در خانواده های کارگری به وجود می آورد و باعث می شود فرزندان کارگران نتوانند به تحصیل خود ادامه دهند و حتی ممکن است منجر به از هم پاشیدن خانواده و گسستن روابط خانوادگی شود.»

در همین ارتباط، بهروز خباز، فعال کارگری در سوئد، بر تشکل یابی کارگران در جهت تامین امنیت شغلی شان تاکید می کند و می گوید: «گره اصلی مسایل و مطالبات کارگری به دست تشکل های مستقل کارگری باز می شود. اگر این مسئله به عنوان یک خواست عمده در صدر مطالبات کارگری مطرح شود، در رسیدن به مطالبات خود به فرجام خوبی خواهیم رسید.»

کارنامه 39- بهروز کارونی

اجرای نظام ۳-۳-۶؛ مربیان پیش دبستانی در برزخ ماندن و رفتن

به گزارش روزنامه خراسان در تاریخ 18 مرداد آمده است: اجرایی شدن نظام ۳-۳-۶ و اضافه شدن پایه ششم ابتدایی و حذف مقطع اول راهنمایی از نظام آموزش و پرورش، هم زمان مقطع پیش دبستانی را از آموزش دولتی حذف و آن را به مدارس غیرانتفاعی واگذار کرد. این تصمیم اعتراض حدود ۲۵ هزار معلمی را به دنبال داشته که از چند سال پیش به امید استخدام در آموزش و پرورش شرایط نه چندان مناسب کاری را تحمل کرده بودند و اکنون به راحتی به آن ها گفته شده که اخراج اند. به گفته معترضان در حالی که آن ها منتظر بودند مطابق تفاهم نامه سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش به کادر رسمی این نهاد اضافه شوند از محل کار خود اخراج شدند تا مشکلات اقتصادی آن ها افزایش پیدا کند. اما از سوی دیگر اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس مدعی اند در پی نشست هایی که با مسئولان آموزش و پرورش داشته اند با ریزنی هایی که با مسئولان آموزش و پرورش صورت پذیرفت، مربیان پیش دبستانی همانند سال گذشته بر سر کارهای خود باز خواهند گشت. ولی آیا این تصمیم احساس امنیت شغلی را به این قشر زحمت کش باز خواهد گرداند؟

وقتی دولت جیب به جیب میکند/ ۴۴ درصد خصوصی سازی سهم پرداخت بدهی های دولت شد

به گزارش سایت خبر آنلاین در تاریخ 18 مرداد آمده است: عملکرد خصوصی سازی در سال 90 نشان از سهم بالای بخش عمومی در سهام شرکت های دولتی دارد. برپایه این گزارش، دو هفته ای از هفتمین سالگرد ابلاغ تفسیر اصل 44 قانون اساسی می گذرد، دوره ای که قرار بود در آن دولت کوچک شود و بخش خصوصی کارآمد عمل کند اما انکار آنچه رخ داده با هدف اولیه فاصله فراوانی دارد. آخرین گزارش رسمی سازمان خصوصی سازی از وضعیت واگذاری سهام شرکت های دولتی نشان می دهد، طی سالهای 80 تا تیرماه سال 91 حدود 115 هزار میلیارد تومان سهام شرکت های دولتی توسط سازمان خصوصی سازی واگذار شده است. رکورد این واگذاری ها در سال 90 شکسته شده است. در این سال 37.5 هزار میلیارد تومان از سهام دولت واگذار شده ولی می بینیم، در نهایت این وضعیت تحرکی که باید در اقتصاد کشور ایجاد شود اتفاق نیفتاده است. این در حالی است که حجم سهام دولتی واگذار شده در مقایسه با حجم تولید ناخالص داخلی کشور نشان می دهد از سال 85 (ابلاغ تفسیر اصل 44 قانون اساسی)، دارایی بسیار زیادی به اقتصاد کشور تزریق شده است. طی سال 85 تا 90 سهام دولتی واگذار شده معادل 4.2 درصد تولید ناخالص ملی کشور بوده است، ولی طی همین دوره به همین میزان سهم بخش خصوصی در اقتصاد کشور اضافه شده است؟

تنها شاخص قابل استناد با توجه به آمارهای رسمی برای ارزیابی سهم دولت و بخش خصوصی نسبت بودجه کل کشور (سرجمع بودجه دولت و شرکت های دولتی) به تولید ناخالص ملی است که طی سالهای 86 تا 90 این نسبت از 81 درصد به 83 درصد رسیده یعنی سهم دولت دو درصد هم بالا رفته است.

واقعیست این است که بخش عمده ای از سهام طی روند واگذاری ها به عنوان رد دیون دولت به شرکت های دولتی و بخش عمومی که عمدتاً صندوق های بازنشستگی است واگذار شده.

بر اساس آمارهای سازمان خصوصی سازی از 115 هزار میلیارد تومان سهام واگذاری دولت 49 هزار میلیارد تومان به عنوان رد دیون پرداخت شده و 34 هزار میلیارد تومان نیز به عنوان سهام عدالت واگذار شده است و در نهایت 33 هزار میلیارد تومان سهام به بخش خصوصی واگذار شده که البته در بین این مجموعه با توجه به تعریف سازمان خصوصی سازی شبه دولتی های زیادی قرار دارند. یعنی شرکتهایی که سهام دولت در آنها زیر 49 درصد است ولی معلوم نیست مدیریت آنها دولتی است یا خصوصی. در بهترین حالت می توان گفت از جمع سهام واگذار شده توسط دولت زیر 28 درصد به بخش خصوصی رسیده است. به عبارت دیگر دولت به جای خصوصی سازی مالکیت ها را از جیب به جیب کرده و به اصطلاح بازار حسابهای خودش را صاف کرده و آنچه به عنوان تقویت بخش خصوصی هدف قرار گرفته بود، از اولویت خارج شده است.

افزایش مداوم نرخ ارز قدرت خرید کارگران را نصف کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 18 مرداد آمده است: يك کارشناس اقتصادي معتقد است افزایش مداوم نرخ دلار و ارز بر سطح حقوق کارگران تاثیر منفی می گذارد و به همین دلیل قدرت خرید کارگران و کارمندان در کشور نصف شده است. بنا به همین گزارش، عباس ابونوری در این باره گفت: افزایش مداوم نرخ دلار و ارز بر سطح حقوق کارگران تاثیر منفی می گذارد و آن را کاهش می دهد. برای مثال اگر فردی زمانی که دلار ۱۲۰۰ تومان بود ۱ میلیون تومان در آمد داشت، امروز که نرخ دلار ۲ برابر شده است قدرت خریدش به نصف کاهش پیدا کرده است.

این کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه افزایش نرخ ارز بر واحدهای تولیدی را زیان بار توصیف کرد و اظهار داشت: مواد اولیه بسیاری از کالاهایی که در کشور تولید می شوند به صورت نسبی وارداتی هستند که افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه تولیدات در داخل کشور می شود و این روند به افزایش قیمت کالاهای تولیدی منجر می شود. او افزود: تغییرات نرخ ارز در حال حاضر غیر واقعی و غیر منطقی است که ناشی از تنش هایی است که در اقتصاد ایران به وجود می آید. وی با اشاره به اینکه منشأ این تنش ها دولت و دلالتان هستند تاکید کرد: دولت عمده در به وجود آوردن این تنش ها ندارد بلکه متاسفانه کار در دستان کاردان نیست. زمانی که تحریم ها به خصوص تحریم بانک مرکزی اتفاق افتاد، این شرایط قابل پیش بینی بود.

ابونوری ادامه داد: دولت در حال حاضر سعی می کند با آزمون و خطا نرخ ارز و دلار را تعیین کند که این امر شکی نیست. دولت از حداقل ۱۰ سال پیش باید به فکر تصحیح این روند می بود تا پیشگیری های لازم را انجام بدهد. وی در پایان ذکر کرد: در این شرایط جواب منطقی برای حل بحران ارز و دلار وجود ندارد. این وضعیت یک شبه درست نمی شود و امکان حل این مشکل با آزمون و خطا نیست.

کارگری بر اثر سقوط از پروژه ساختمانی جان سپرد

به گزارش روز نامه خراسان در تاریخ 18 مرداد آمده است : دانشجوی ۲۲ ساله ای که در یک پروژه ساختمانی مربوط به ساخت هتل در مشهد کار می کرد، بر اثر سقوط از بلندی جان سپرد.

براساس این گزارش، این حادثه حدود ساعت ۲۳ شب سه شنبه و به دلیل مشکوک بودن ماجرا به قاضی ویژه قتل عمد اعلام شد. به دستور مقام قضایی، عوامل بررسی صحنه جرم و نیروهای انتظامی برای بررسی موضوع به محل اعلام شده واقع در خیابان شیرازی عزیمت کردند. بررسی ها نشان داد کارگر مذکور که اهل یکی از شهرهای خراسان شمالی است به دلیل رعایت نشدن برخی نکات ایمنی هنگام کار در ارتفاع سقوط کرده و جان باخته است. با تشکیل پرونده قضایی، بررسی های پلیس با دستورات قاضی ویژه قتل عمد، درباره چگونگی مرگ این جوان آغاز شد.

خبری درباره کلاهبرداری شرکت تعاونی مسکن کارگران برق منطقه‌ای تهران

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 18 مرداد آمده است : میزان کلاهبرداری متهمان این پرونده در حدود 180 میلیارد تومان برآورد شده است. به گزارش مهر، رئیس شعبه 76 دادگاه کیفری استان تهران گفت: پرونده کلاهبرداری مدیران سابق شرکت تعاونی مسکن کارگران برق تهران برای رفع نواقص آن به دادرسی بازگردانده شد.

برپایه این گزارش، قاضی سیامک مدیرخراسانی اظهار داشت : پس از صدور کیفرخواست برای متهمان و ارسال پرونده به دادگاه کیفری استان تهران ، بررسی و مطالعه آن آغاز شد که سرانجام 14 مرداد با بررسی کامل کیفرخواست و جلسه ای با نمایندگان شاکیان ، پرونده به دلیل وجود نواقصی در آن به دادرسی بازگردانده شد. وی افزود : پس از رفع نقص در دادرسی و ارسال آن به دادگاه کیفری استان رسیدگی به آن را آغاز می کنیم.

این گزارش حاکیست، رسیدگی قضائی به این پرونده از سال 1382 در دادرسیهای مختلف آغاز شد. در این زمینه پرونده های مختلفی در دادرسیهای ناحیه 6، 12، امور اقتصادی تهران و دادرسی هشتگرد مطرح شده بود که با توجه به حجم و کثرت شکات و مالباختگان وزارت اطلاعات موضوع را پیگیری و کلیه پرونده ها تجمیع و به شعبه 10 بازپرسی دادرسی ناحیه 6 تهران ارجاع شد. بازپرس شعبه دستور احضار و جلب مدیران اسبق شرکت تعاونی مسکن کارگران برق منطقه‌ای تهران را صادر و از حدود اواخر اسفندماه سال 1388 مدیرعامل و رئیس هیات مدیره شرکت تحت بازداشت قرار دارند.

با پیگیریهای صورت گرفته شکات و وکیل آنها بالاخره شعبه 10 بازپرسی در خصوص شکایت حدود 8 هزار نفر از شکات، علیه متهمین قرار مجرمیت به اتهام شرکت در تشکیل شبکه رهبری کلاهبرداری صادر و پرونده با صدور کیفرخواست از سوی سرپرست دادرسی ناحیه 6 تهران با 86 هزار صفحه و 67 کارتن جهت رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. علی رغم گذشت 4 ماه از ارسال کیفرخواست متهمین، شعبه 76 دادگاه کیفری استان هیچگونه تصمیمی در این خصوص اتخاذ نکرده است. براساس ماده 4 قانون تشدید مبارزه با مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مجازات تشکیل شبکه کلاهبرداری و رهبری آن حداقل 15 سال حبس و حداکثر حبس ابد می باشد.

شب همبستگی با جنبش کارگری ایران - کانادا

میلیونها کارگر در ایران ، این خالقین ثروتها ، برای کسب مطالبات خود ، در مبارزه و تلاشی دائم هستند!

مبارزات آنان برای یک زندگی اندکی بهتر بی وقفه سرکوب می شوند!

و فعالین مستقل کارگری دایما با اخراج و زندان و شکنجه و شلاق مواجه اند!

طبقه کارگر ایران در این مبارزه پشتیبانی جز انسان های آزادیخواه و برابری طلب ندارد!

بیایم شبی را در همبستگی با کارگران ایران و در حمایت از مبارزات آنان گرد هم آییم!

شامل: برنامه های هنری، دی جی، و شام

بلیط: 30 دلار

عایدات این برنامه برای کمک به جنبش کارگری ایران است

زمان: شنبه 22 سپتامبر 2012، از ساعت 6 بعد از ظهر تا 1 بامداد

Address:

Rouge River Community Centre

Rouge Bank Drive, Unit #2 120

Markham, ON, L3S 4B7

Direction: Go to 14th Ave east of Markham Rd, and just before Ninth Line, make left to the Legacy

.Drive and then shortly make left to the Rouge Bank Drive

.Google address: <http://goo.gl/maps/51DcS>

برگزار کننده:

صندوق همبستگی با جنبش کارگری ایران - کانادا

شاهرخ زمانی کارگر نقاش و عضو هیئت بازگشایی سندیکای نقاشان و تزیینات ساختمانی و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری را بدون هیچ دلیل و مدرکی دستگیر کرده، بر علیه او پرونده سازی کردند. علی رغم اینکه در پرونده ساخته شده نیز هیچ مدرک و دلیلی برای محاکمه او وجود ندارد. طبق اعترافات قاضی پرونده حملبر که در دادنامه به صورت واضح نوشته است که شاهرخ زمانی تمامی اتهامات را رد کرده است. پس او کاملاً بیگناه است. اما کاملاً غیر قانونی، شاهرخ را بنا به اعترافات شخص دیگری (منهم ردیف چهارم) محاکمه کرده و با اتهامات دروغین به 11 سال زندان محکوم نمودند. در زندان تبریز با ایجاد جو و فضای نامناسب و خطر ناکی برای او و دیگر زندانیان سیاسی و کارگری زندان را به جهنم واقعی تبدیل کرده اند. او را به زندان یزد تبعید کردند. بعد از دو ماه مجدداً او را به زندان مرکزی تبریز بر گرداندند و اکنون او را در زندان تبریز هر دو روز یک بار از بندی به بند دیگر انتقال می دهند ما بدون هیچ قید و شرطی خواهان آزادی فوری شاهرخ زمانی و دیگر زندانیان کارگری و سیاسی هستیم. در این راستا از تمامی کارگران، تشکلها، نهادها و آزادیخواهان و جوانان می خواهیم از هر طریق ممکن بر جمهوری اسلامی جهت آزادی زندانیان فشار بیاورند.

شاهرخ زمانی رابه بند مالی انتقال دادند.

کمیته امنیت زندان مرکزی تبریز با گرداندن شاهرخ زمانی در بند های مختلف می خواهد کاری را به انجام برساند که سران نهاد های مسئول در زندان به صورت جدا از هم نتوانستند انجام بدهند. آنها به دنبال ایجاد فضای خفقان آوری هستند که بتوانند کنترل بی عیب و نقصی که هیچ گونه روزنه و شکافی ارتباطی بدون اطلاع و اجازه مسئولین وجود نداشته باشد، ایجاد کنند. آنها فکر می کنند برخی از زندانیان مانند شاهرخ چنین روزنه های ارتباطی را ایجاد کردند.

این مسئولین قبل از ایجادکردن کمیته امنیت در زندان تبریز هر کدام در قالب نهاد های مربوطه خود مانند ادراه اطلاعات، سازمان زندان ها، قوه قضاییه مستقر در زندان و به صورت جدا گانه برای جلوگیری از وجود روزنه ها و کانال های ارتباطی و پیش برد کنترل همه جانبه زندانیان با سود جستن از خبر چین های خود تلاش می کردند. و هر کدام عدم موفقیت خود را به حساب بی کفایتی و حتی خیانت کار بودن دیگری می گذاشتند و تقریباً همه روزه باهم در گیر بودند. در نتیجه برای جلوگیری از پراکندگی و در گیری میان خود و یکدست کردن نهاد های مسئول فعال در زندان و البته برای امکان سازی جهت پیاده کردن طرح جدید سپاه پاسداران در زندانها، اقدام به تشکیل کمیته امنیت کردند.

پس از تشکیل شدن کمیته فوق اقدام به تحقیق منظم کردند، تقریباً تمامی زندانیانی که مورد سو ظن بودند به پایین برده تحت بازجویی قرار دادند طی بازجوییها و تحقیقات مربوطه کار به جایی رسیده است که برای تکمیل پرونده فوق شاهرخ زمانی را از زندان یزد به زندان مرکزی تبریز بر گرداندند. منتها برای اینکه کانال های ارتباطی با خبر تشوید بسیار محرمانه که حتی بیشتر مسئولین دو زندان و تعداد بسیاری از اعضای کمیته امنیت نیز نمی دانستند که او را به زندان تبریز انتقال خواهند داد یعنی تعداد کمی از اعضای کمیته امنیت از موضوع خبر داشتند بقیه از هیچ چیز اطلاع نداشتند این نشان می دهد که کمیته امنیت نه برای متحد کردن نهاد های مختلف بلکه برای تحت کنترل در آوردن نهادهای که برای سران قابل اعتماد نیستند تشکیل شده است تا در موارد مهم با دور زدن آنها از درز اخبار جلوگیری نمایند این نشان می دهد کمیته امنیت اعتقاد دارد اخبار نه از طرف زندانیان که بدون ارتباط دوستی با مسئولین نمی توانند از اخبار محرمانه خبر داشته باشند بلکه اخبار مهم از طریق مسئولین و کارکنان نهاد های مربوطه منتشر می شود. در هر حال شاهرخ را بسیار محرمانه اول به سلول انفرادی در زندان یزد بردند بعد به زندان تبریز انتقال داده دو روز در بند قرطینه بود سپس به بند 15 متادون انتقال یافت دو روز بعد از آن به بند 9 جرائیم سنگین منتقل شد و دو روز بعد نیز به بند مالی انتقال یافت و اکنون دو روز است که در بند مالی می باشد.

در حال حاضر هر گونه تماس برای شاهرخ ممنوع است فقط اجازه دارد با مادرش در حضور یک نفر مامور از طرف کمیته امنیت تلفنی صحبت کند و البته حرف های که می تواند بگوید نیز برایش مشخص کرده اند فرد مامور نیز کسی می تواند باشد که از آدمهای بخش اصلی کمیته امنیت است چون بیشتر اعضای کمیته فوق کاره ای در تصمیم گیری های کمیته نیستند. آنها فکر می کنند خبر های مربوط به شاهرخ را مادرش پخش می کند. خانواده شاهرخ را تهدید کردند که به بینید حال که شما اخبار را نمی گوئید، هیچ خبری درز نمی کنده خود آنها با این همه تحقیقات رنگارنگ خود خوب می دانند و حتی یقین یافتن به اینکه بیشتر اخبار محرمانه از طریق افراد خودی که به پرونده ها دست رسی دارند درز می کند و برای پیدا کردن خائنین داخل خود بازجویی از زندانیان را پیش می برند ولی هنوز به جایی نرسیده اند.

طبق برنامه، سپاه در شهریور ماه کلیه امور زندانها را به طور کامل تحت کنترل خود در خواهد آورد یکی از وظایف کمیته امنیت بستر سازی برای تحویل زندانها به سپاه و ایجاد زمینه های اجرایی نقشه جدید سرکوب زندانیان توسط سپاه است که باید قبل از آن هر گونه روزنه و شکاف اطلاع رسانی مسدود و نهادها و افراد غیر قابل اعتماد پاکسازی شده باشند.

کمیته امنیت چون نتوانسته از طریق بازجویی زندانیان ارتباطات را کشف کند سعی دارد با گرداندن کنترل شده زندانیان در بند های مختلف و بررسی جز به جز رابطه آنها با یک دیگر یا با فرستادن آدمهای خودشان به نزد زندانیان مورد سو ظن ارتباطات را کشف کند یا حداقل سر نخ بدست آورند. این همه تلاش و کوشش کمیته امنیت نشان می دهد که بسته شدن همه روزنه های اطلاع رسانی برایشان ضرورت حیاتی دارد تا پس از آن بتوانند طرح های ضد انسانی خود را انجام دهند.

بنا بر این به تمامی دوستان و رفقا که در زندانها یا بیرون به طریقی ارتباط با زندانها دارند اعلام می گردد در حفظ ارتباطات خود هرچه بیشتر دقت کنند. تا موضوع کمیته امنیت به حالت عادی در آید. نباید ارتباطی کنسل شود و در همین حال نباید بر اثر اشتباهی

ارتباطی را از دست داد.

جستجو در میان زندانیان قبل از تشکیل کمیته امنیت توسط مسئولین نهاد ها به صورت سلیقه ای و پراکنده وجود داشت اما اینها آنقدر پخته هستند که نمی توانند درک کند درز اخبار نه از کانال زندانیان بلکه از ساختار نظام و رو به افول بودن آن است که از درون خود نهاد های مربوطه هر روز تولید و باز تولید می شود و حال فرق نمی کند که پخته های پراکنده جمع شده کمیته امنیت را تشکیل داده اند در اصل همان پخته ها هستند که با عمل کردشان کمک می کنند این نظام ضد بشری سریعتر به سراشیب عمر خود برسد. اما برای اینکه خود را پیروز نشان بدهند بطور سنتی مجبورند در نهایت کسانی را با اتهامات دروغین به عنوان عاملین پخش اخبار معرفی نمایند تا به سران حکومت نشان دهند که وظایف خود را به نحو احسن انجام دادند.

در مقابل چنین عمل رذیلانه و سنتی ماموران، ما وظیفه داریم خود را با برنامه منظم، متحد برای اعتراضات و مبارزات گسترده آماده کنیم. ارتباطات مستقیم و غیر مستقیم خود با زندانیان و خانواده هایشان را حفظ کرده اخبار را با سرعت و دقت پخش کنیم و طرح ها و نقشه های آنها را کشف و افشا نماییم. هم چنین برای گسترش اعتراضات از هم اکنون توسط ارتباطات محلی با خانواده زندانیان عادی ارتباط برقرار کرده آنها را نیز در جهت حمایت از زندانیان و آزادی آنها آماده و متشکل نماییم. شرکت هر چه بیشتر خانواده ها و دوستان زندانیان می تواند باعث امنیت بیشتر زندانیان کارگری و سیاسی گردد.

باید تشکل های کارگری، فعالین، کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان خود را در هسته ها و کمیته های انقلابی متشکل کنند و بطور سازمان یافته در میان خانواده ها و دوستان زندانیان سیاسی و عادی اقدام به متصل کردن خانواده های زندانیان به یکدیگر و بر نامه ریزی و سازماندهی علنی، نیمه علنی و مخفی برای اعتراضات گسترده نمایند. با توجه به گزارشات دریافتی بسیاری از زندانیان عادی نیز استحقاق آزادی زودتر از موعود را دارند برای درگیر شدن در مبارزات آزادیخواهانه آنها و خانواده هایشان مستعد و مناسب هستند این گونه زندانیان و خانواده هایشان را می توان از طریق رهنمودهای زندانیان کارگری و سیاسی شناخته و سازماندهی کرد. موازی با عملکرد داخل جهت تکمیل نیازمندی های مبارزه نهاد ها، سازمانها و احزاب در بیرون از ایران باید با گستردگی و اتحاد هرچه تاملتر به پشتیبانی از فعالیت داخل در زوایای مختلف و کسب حمایت های عملی جهانی، برنامه ریزی اعتراضات گسترده و منظم اقدام نمایند.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

19/5/1391

www.chzamani.blogspot.com

freesahrookh@gmail.com

برق گرفتگی، جان یک کارگر ساختمانی را در کرمانشاه گرفت

به گزارش خبر دریافتی از کردپا، در تاریخ 19 مرداد آمده است: روز گذشته در شهر کرمانشاه یک کارگر ساختمانی به نام "فرهنگ حمیدی" فرزند فیض الله دچار برق گرفتگی شد و از دم جان سپرد.

بنا بهمین گزارش، فرهنگ حمیدی ۳۰ ساله، متأهل و از اهالی روستای "تسنار" در شهرستان سروآباد استان کردستان، در بالای ساختمان و به علت تماس با برق، جان باخته است.

مرگ کارگر سبزواری در پی سقوط تانکر آب

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 مرداد آمده است: کارگر شرکت احداث راه آهن در سبزواری بر اثر واژگونی تانکر آب به طرز دلخراشی جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه خبری پلیس، در پی اعلام مرکز ۱۱۰ مبنی بر یک فقره مرگ مشکوک مردی ۲۷ ساله در یک شرکت احداث ریل راه آهن در سبزواری، بلافاصله گروهی از ماموران پاسگاه سلطان آباد این فرماندهی به محل اعزام شدند.

این گزارش حاکی است پس از مراجعه تیم گشت پاسگاه سلطان آباد به محل، تحقیقات و مشاهدات ماموران حکایت از آن داشت که کارگر یک شرکت احداث ریل راه آهن در محدوده روستای «ترخاص» در حالی که روی یک تانکر آب ثابت، مشغول پرکردن تانکر آب بوده، با واژگونی تانکر به علت سنگینی بیش از حد، به زیر تانکر سقوط و به طرز دلخراشی جان خود را از دست داد.

خبرهای کوتاه:

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 مرداد آمده است: - پیمانکاران شهرداری رشت کارگران آسیب دیده را از کار اخراج کرده است

بسیاری از نیروهای شهرداری که بیش از ۱۰ سال سابقه کار داشتند، به خصوص در بخش خدمات شهری به بخش خصوصی واگذار شدند. برخی از کارگران در حین کار دچار آسیب جسمی می شوند و پیمانکار این شرکت ها آنان را از کار اخراج می کنند.

- کارگران رنگ سازی بوشهر ۵ ماه حقوق دریافت نکرده اند.

50 کارگر کارخانه رنگ سازی بوشهر پنج ماه حقوق دریافت نکرده اند.

- کارگران رنگ سازی بوشهر ۵ ماه حقوق دریافت نکرده اند

بیش از ۸۰ درصد از کارگران بروجردی دارای قرارداد موقت هستند.

بدلیل عدم توازن در عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار اشتغال، کارگران نیز چاره ای جز پذیرش شرایط ناعادلانه و خلاف قانون کار فرمایان ندارند.

تجمع کارگران مقابل اداره کار سندج در اعتراض به حقوق معوقه

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در تاریخ 19 مرداد آمده است: به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران روز گذشته کارگران کارخانه بانی پلاست غرب، در اعتراض به سه ماه حقوق معوقه شان مقابل اداره کار سندج تجمع کردند. کارخانه بانی پلاست سازنده کانالهای کولر است و دارای ۲۱ کارگر با سابقه دو تا هشت سال می باشد. علاوه بر سه ماه حقوق معوقه، بیش از ده ماه است که حق بیمه کارگران نیز به تامین اجتماعی پرداخت نشده است. مدیریت این کارخانه با دریافت ۳ میلیارد تومان تسهیلات از بانکهای سپه و ملی شهر سندج ادعا میکند که قادر به ادامه تولید نیست و در حال حاضر آب و برق و گاز این کارخانه نیز به علت بدهی قطع میباشد ولی با این وجود کارگران هر روز به کارخانه میروند و ساعت کاری خود را با وجود نبود ابتدایی ترین شرایط تولیدی در این کارخانه سپری می کنند. نگرهبانی و سرایدار این کارخانه نیز به همراه خانواده اش در نبود آب و برق و گاز در آنجا زندگی میکنند. روز گذشته در اداره کار سندج جلسه ای با حضور کارفرما و مسئولان بانکهای مربوطه تشکیل شد و به کارگران قول داده شد تا مشکلات آنان را پیگیری نمایند.

قرارداد ۸۰ درصد از کارگران بروجردی موقت است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 مرداد آمده است: یک فعال کارگری در بروجرد اعلام کرد: بیش از ۸۰ درصد از کارگران بروجردی دارای قرارداد موقت هستند. محمد گودرزی با بیان مطلب فوق به ایلنا گفت: بیش از ۸۰ درصد از کارگران بروجردی بدون توجه به استمراری بودن نوع کارشان با قرارداد موقت استخدام شده اند.

دبیر خانه کارگر بروجرد با بیان اینکه قراردادهای موقت امنیت شغلی کارگران را سلب می کند، اظهار داشت: بسیاری از واحدهای تولیدی در شهرستان بروجرد کارگران خود را وادار به امضاء قرارداد موقت و سفید امضاء می کنند و بدلیل عدم توازن در عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار اشتغال، کارگران نیز چاره ای جز پذیرش شرایط ناعادلانه و خلاف قانون کار فرمایان ندارند. این فعال کارگری افزود: به دلیل تعطیلی کارخانجات، تعدیل نیروهای انسانی و اخراج کارگران، جذب نیروهای جدید عملاً صورت نمی گیرد و بیش از ۸۰ درصد قراردادهای کاری هم که به امضا می رسد موقتی بوده و خارج از ضوابط قانون کار است. به گفته وی آمار کارگران قراردادی و پیمانی در این شهرستان رو به گسترش است و روزانه بر تعداد کارگران پیمانی و قرارداد موقت افزوده می شود.

گودرزی با بیان اینکه استان لرستان رتبه نخست بیکاری را در سطح کشور دارد، گفت: در این استان آمار تعداد متقاضیان آماده بکار جوان و تحصیل کرده افزایش یافته است.

تعدادجان باختگان انفجار پتروشیمی بندرامام به 5 نفر رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 مرداد آمده است: با مرگ دو نفر دیگر از حادثه دیدگان انفجار خطوط انتقال گاز پتروشیمی بندر امام، شدگان این حادثه به 5 نفر رسید. این گزارش حاکیست، سعید غیشاوی یکی از مصدومین اعزام شده به بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان، ساعتی قبل بعلت شدت صدمات وارده، در این بیمارستان جان داد. همچنین محمود عبدالله زاده یکی دیگر از مصدومان که در بیمارستان سوانح سوختگی تهران در کما بسر می برد، بامداد امروز فوت کرد، تا شمار کشته شدگان این حادثه غمبار و بزرگ به 5 نفر برسد.

کمیتة همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا

برگزاری 24 مین یادمان، کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران

علیه اعدام ، علیه شکنجه

برگزاری 24 مین یادمان، کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران به یاد هزاران زندانی سیاسی و هزاران مبارز راه آزادی و عدالت اجتماعی به خون در غلطیده. برای آنکه در دنیای آینده از شکنجه و اعدام و زندانی خبری نباشد باید اساس سیستم های اجتماعی را که بر بنیادهای نابرابری و سرکوب و بی حقوقی پی ریزی شده اند به موزه تاریخ سپرد. سرکوب گران و دشمنان عدالت و برابری انسانی در طول تاریخ هزاران هزار نیروی آگاه و مترقی را به جوخه های مرگ سپرده است. اما هر چه تاریخ به جلو می رود، اراده انسان مترقی و عدالتخواه برای دستیابی به دنیای بهتر ، آزاد و فارغ از استعمار و استعمار استوارتر می گردد.

امسال طبق روال سال های گذشته مراسم 24 مین یادمان قتل عام زندانیان سیاسی در سیدنی استرالیا با حضور چهره شناخته شده جنبش سیاسی ایران آقای بهرام رحمانی فعال سیاسی ، عضو کانون نویسندگان در تبعید برگزار خواهد شد. سخنرانی آقای رحمانی تحت عنوان " کشتار دهه 60 و بویژه قتل عام زندانیان سیاسی سال 1367 و پی آمد و تأثیرات اجتماعی آن در ایران " خواهد بود. برنامه ها شامل : سخنرانی آقای رحمانی ، شعر ، موسیقی زنده ، یک ویدئو کلیپ کوتاه ، و در صورت کفایت وقت پرسش و پاسخ با آقای رحمانی

ورودی 15 دلار

برای اطلاعات بیشتر با آقای طاهر پرتوی با شماره تلفن 0413489420 تماس حاصل نمایند
مکان : وست پنانت هیل کامیونیتی سنتر شماره 1 نیش خیابان هیل کرسٹ و یارا روبروی ایستگاه قطار پنانت هیل

(Hillcrest Road (Cnr of Yarra R.d 1

West Pennat Hills

زمان : شنبه 15 سپتامبر 2012 از ساعت 7 بعد از ظهر

کمیتة همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا

proletarianunite@gmail.com

از صندوق همبستگی با کارگران ایران حمایت کنیم محمد اشرفی

یکی برای همه همه برای یکی
خبر تشکیل صندوق همبستگی با کارگران ایران _ کانادا مسرت بخش ترین خبری بود که اخیراً شنیدم . سالهاست که ضرورت تشکیل صندوقهای حمایتی از مبارزات کارگران در زوایای مختلف احساس می شود . با توجه به اختناق و سرکوب شدید تشکیل آن در داخل کشور ممکن نشده است . البته به باور من اختناق و خفقان هر چقدر هم زیاد باشد دلیل اصلی عدم تشکیل صندوق حمایتی نمی تواند باشد بلکه دلیل اصلی آن، نفوذ شدید افکار و اندیشه رفرمیستی در درون فعالین شناخته شده کارگری است، که جز راه و رسم علنی گرائی و شناساندن خود و دیگر نیروها به دشمن راه دیگری را درک نمی کنند . اندیشه های رفرمیستی و کیش شخصیتی باعث شده بیشتر فعالین اسم و رسم دار که محبوبیت لازم برای تشکیل صندوقهای حمایت را دارند. به خاطر حفظ منافع شخصی و گروهی سکتاریستی تن به کارهای سخت و دور از دیده دیگران ندهند . چون کارهای دور از دیده دیگران باعث عدم نمایش ،چهره شدن و چهره سازی می شود و کارهای مخفی نمی تواند کیش شخصیتی و کمبودهای خودنمایی را جبران نماید، بنابراین تن به کارهای مخفی حتی در چنین مواردی نمی دهند، و البته تشکیل صندوق حمایتی با یا هر نامی در مقابل دید جمهوری اسلامی ممکن نیست. در نتیجه تاکنون تشکیل نشده است.

خوب به خاطر دارم در سال 1386 در کمیته پیگیری فراخوان تشکیل صندوق حمایتی از کارگران را صادر کردیم البته در جلسات مکرر صحبت از این بود که صندوق اعتصاب اعلام کنیم اما گفته شد خیلی سریع زیر ضرب می رود و همچنین ما توانایی ساخت چنان صندوقی را نداریم اول با نام صندوق همبستگی شروع کنیم سپس اگر مشارکتها بیشتر شد می توان به صندوق اعتصاب تغییر نام داد یک هفته بعد از آن از طرف شورای همکاری گلگشت کمپین حمایتی از اعتصاب کارگران هفت تپه را برگزار کردیم ، که در آن گلگشت یکی از فعالین اسم و رسم دار کارگری غیر مستقیم بر علیه آن فراخوان صحبت کرد که البته صحبتهای او برای مخالفت با ساختن صندوق حمایتی نبود بلکه از این ناراحت بود که چرا این فراخوان را خودشان ندادند و کمیته پیگیری پیش دستی کرده است به این دلیل در سخنرانی خود در میان جمع گفت: " تشکیل دادن صندوق حمایتی دیگر چندان مهم نیست زمانش هم سپری شده است ما باید صندوق اعتصاب تشکیل بدهیم . " اعضا شورای نمایندگان کمیته پیگیری همگی در آن گلگشت حضور داشتند سریعاً جلسه تشکیل داده و پس از ده دقیقه مشورت تصویب شد که ما از این پیشنهاد سخنران فوق استقبال کنیم و همین حالا اعلام کنیم که ما کلیت پیشنهاد را می پذیریم و می توانیم همین حالا که مسئولین بیشتر تشکل های موجود در ایران اینجا حضور دارند برای عملی کردن موضوع صحبتهای مقدماتی را انجام دهیم ، اما وقتی موضع خود را اعلام کردیم سخنران با ما دهها دلیل و بهانه حرف خود را پس گرفت و صدها اما و اگر آوردند . به هر صورت سالهاست که در داخل نیز این نیاز احساس می شود اما بنا به دلایل گفته شده و دیگر دلایل ممکن نشده است حتی ما اساسنامه پیشنهادی در این مورد را نیز تهیه کرده بودیم که چار چوب آن به صورت مخلوطی از اعمال علنی _ نیمه علنی و مخفی بود که می توانست در شرایط داخل ایران چنین صندوقی را ممکن سازد . قصدم از بیان این موضوع این است که ضرورت صد در صد چنین صندوقهایی را بیان کنم که در داخل نیز بسیار بیشتر از بیرون ضرورت دارد و حتی اگر بتوان در داخل چنین کاری را کرد بازده ، برد و کارایی آن صدها بار بیشتر خواهد بود، اعضا شرکت کننده در آن با شدت بیشتر نیاز ها درک می کنند و چون در درون مشکل به صورت مستقیم حضور دارند ابتکارات بیشتری به کار خواهند برد در همین حال احساس همیئت گروهی و طبقاتی می کنند و با شدت بسیار بیشتر اعتماد به نفسشان بالا می رود . این منافع غیر از منافع مالی و حمایتی است که باعث تعادل روحی و روانی در فعالین و مبارزان ایجاد می کند . قصدم از بیان اینها نشان دان اهمیت و بزرگی کار شماست که ترس و واهمه را کنار گذاشتید و شجاعت به خرج دادید کاری را شروع کردید که می تواند تبدیل به یک جنبش شود . امیدوارم شروع کار شما باعث اقدام دیگر رفقا در کشورهای دیگر شود و به دنبال آن امیدوارم کاری کنیم که فعالین داخل نیز بتوانند قسمت اصلی صندوق را که باید در داخل باشد با دستان پرتوان خود ممکن کنند شاید آن روز ، روز جشن و سرور بزرگی برای ما باشد .

رفقا راهی را که شروع کردید وسعت و بزرگی آن هنوز دیده نمی شود مانند کوه یخی است که قسمت اعظم آن زیر آب قرار دارد و بزرگی آن طی زمان دیده خواهد شد البته لازم است از نظر انجام کارهای عملی، شجاعت و اراده داشته و از جهت روحی و روانی خود را آماده کنید در این راه سختی ها و احتمال اشتباهات بسیاری در پیش است که باید با آنها مقابله کنید ، ناملایمتی ها، اهانتها و اتهامها نیز در راه هستند باید با همه آنها با اراده قوی و راسخ و با دقت و خوشرویی روبرو شوید . بدانید هر چقدر کار، بزرگ و مثبت باشد همانقدر سخت و توانفرسا خواهد بود . چند مورد را به خاطر بسپارید .

- 1- انجام چنین کارها و مبارزاتی از هر زاویه و در هر حوزه و عرصه ای کمک و خدمت نیست، بلکه وظیفه است یعنی فعالین کارگری که در داخل مبارزه می کنند به طبقه کارگر یا کارگران کمک نمی کنند بلکه وظیفه خود را انجام می دهند و ما و شما که در بیرون هر کدام کاری انجام می دهیم در واقع کمک به کارگران یا فعالین نیست بلکه انجام وظیفه است بنابراین کسانی که کار نمی کنند در واقع نسبت به انجام وظیفه خود دچار خیانت هستند چه در بیرون و چه در داخل .
- 2- پاسخ گو بودن رو به جنبش کارگری ، رو به طبقه کارگر لطف و مرحمت نیست بلکه این نیز انجام وظیفه است .
- 3- عمل شما بخشی از مبارزات طبقاتی است که اگر انجام نشود قسمتی از مبارزه و نبرد طبقاتی لنگ می شود .
- 4- در حین انجام وظایف خود در حوزه کاری خود موظف به گسترش و کمک به دیگر رفقا هستیم تا آنها نیز بتوانند انجام وظیفه نمایند .
- 5- مصائب و سختی های زیادی سر راه وجود خواهند داشت ، همچنان که با شجاعت شروع کردید با جسارت و شجاعانه ادامه بدهید . رفقای گرامی به عنوان عضوی از جنبش کارگری و جنبش کمونیستی ایران با تمام وجود، صمیمانه و رفقانه دستان پرتوان شما را می فشارم .

امیدوارم در راهی که شروع کردید پرتوان و پیروز باشید .

به امید روزی که چنین صندوقهایی در دیگر کشورها ، همچنین در داخل ایران نیز تشکیل شود و روزی را ببینیم که نمایندگان صندوقهای فوق شورای مرکزی صندوق همبستگی باهر نام دیگری را تشکیل بدهند.

مرگ 2 کارگزار سازای در شهر هشتجین اردبیل

به گزارش برگزاری دولتی فارس در 29 مرداد آمده است: بر اثر سقوط به دره کنار جاده غلتک در سرچم 8 کیلومتری شهر هشتجین راننده 22 ساله و سرنشین 58 ساله آن در مسیر انتقال غلتک به محل جدید به دره سقوط کرده و به دلیل شدت جراحات وارده جان باختند.

بنا بهمین گزارش، از ابتدای امسال تاکنون به دلیل غیراستاندارد بودن مسیر به ویژه وجود پیچ‌های خطرناک، شیب تند و آسفالت نامناسب، هفت تصادف منجر به فوت در محدوده 20 تا 25 کیلومتری شهر هشتجین رخ داده است.

مهاجرت سالانه ۱۰۰ پرستار ایرانی به آن سوی مرزها

به نوشته سایت سلامت نیوز در 20 مرداد آمده است: مهاجرت پرستاران به کشورهای خارجی یکی از معضلاتی است که بخش بهداشت و درمان در چند سال اخیر با آن مواجه بوده است. کشور آمریکا یکی از مهم‌ترین مقصدهایی است که مهاجران در چند سال اخیر به آن مهاجرت کرده‌اند.

ایران در کنار کشورهای هند، فیلیپین و پاکستان یکی از تامین کنندگان اصلی پرستار مورد نیاز در بیمارستان‌های آمریکایی بوده است. این روند از طریق مؤسسات غیر انتفاعی در آمریکا با همکاری برخی از گروه‌ها در داخل کشور صورت گرفت. هر روز جامعه پرستاران ایرانی شاهد آگهی‌هایی در شبکه‌های ماهواره‌ای هستند که از آنها می‌خواهند مهاجرت کنند. «این فرآیند در حالی است که غضنفر میرزا بیگی، رئیس کل سازمان نظام پرستاری در گفت‌وگو با خبرنگار سینانیوز این موضوع را تکذیب کرده و می‌گوید: «سازمان نظام پرستاری مهاجرت غیر معمول پرستاران را تکذیب می‌کند. با توجه به اینکه پرستاران برای مهاجرت باید برگه تأییدیه صلاحیت حرفه‌ای از سازمان نظام پرستاری دریافت کنند، بنابراین مهاجرت به صورت غیر معمول و غیر اخلاقی نمی‌تواند صورت گیرد»

به گزارش سلامت نیوز به نقل از سینا؛ وی با بیان اینکه روال مهاجرت به هیچ عنوان غیر معمول نیست، افزود: «به طور میانگین سالانه کمتر از ۱۰۰ پرستار از کشور ما مهاجرت می‌کنند که به همان میزان و یا حتی بیشتر مجدداً به کشور باز می‌گردند.» میرزا بیگی با توجه به استاندارد تعیین شده تعداد پرستار نسبت به تخت‌های بیمارستانی گفت: «کشور ما با کمبود نیروی پرستار مواجه است و در وضعیت کنونی به ازای هر تخت بیمارستان ۰.۷ پرستار وجود دارد که این عدد باید به ۱.۵ برابر برسد. استخدام نیرو نیز همچنان باید ادامه داشته باشد تا به استاندارد مورد نظر دست یابیم.» رئیس کل سازمان نظام پرستاری عنوان کرد: «ظرفیت دانشگاه‌های علوم پزشکی به لحاظ استخدام پاسخگوی این نیاز گسترده نیست و باید از ظرفیت‌های موازی و سایر روش‌ها از قبیل قرار داد کار معین، طرحی و تعاونی برای تامین نیرو استفاده شود.» میرزا بیگی در پایان خاطر نشان کرد: «شرایط کار و زندگی در بین پرستاران تهران و شهرستان بسیار متفاوت است اما بیان اینکه پرستاران از وضعیت فعلی راضی نیستند ظلم در حق جامعه پرستاری است. هر چند وضعیت پرستاران کشور ما در شرایط ایده آل نیست اما نسبت به ۱۰ الی ۱۵ سال قبل رضایت پرستاران افزایش یافته است»

در پی يك اعتراض صنفی صورت گرفت؛ تعدیل تدریجی کارگران معترض پرلیت آسیا

در پی تجمع و اعتراض صنفی کارگران واحد قطعه‌سازی پرلیت آسیا در ۲۱ خردادماه، تا کنون ۲۰ کارگر معترض اخراج شده‌اند. دبیر اجرایی خانه کارگر ساوه با اعلام این خبر به ایلنا گفت: به دلیل تعویق چهار ماهه حقوق و همچنین عدم پرداخت عیدی و پاداش، کارگران پرلیت آسیا در روز ۲۱ خردادماه در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. مهدی زمانی افزود: در پی این اعتراض صنفی پنج کارگر در همان روز اخراج و متعاقباً ۱۵ کارگر دیگر ظرف یک ماه گذشته به تدریج اخراج شدند. به گفته این فعال کارگری هم اکنون امنیت شغلی سایر کارگران معترض این واحد تولیدی که غالباً قراردادی و فاقد امنیت شغلی هستند در خطر است.

زمانی با بیان اینکه مدیران این کارخانه همچنین در پرداخت سایر مطالبات از جمله اضافه کاری کارگران نیز کوتاهی کرده‌اند، با اشاره به افزایش مشکلات قطعه‌سازان خودرو در کشور اظهار داشت: اکثر تولید کنندگان قطعات خودرو همانند کارخانه سوپا سازی (یدکی موتور ایران)، صنایع ریخته‌گری ایران و ... طلب قابل توجهی از شرکتهای بزرگ خودرو ساز کشور دارند. زمانی با اظهار اینکه تلاش فعالان کارگری از جمله خانه کارگر برای پی گیری مشکلات کارگران این کارخانه بی‌نتیجه مانده است افزود: علی‌رغم اینکه خودروسازان بزرگ کشور قبل از تحویل خودرو مبادرت به دریافت میلیون‌ها تومان وجه از خریداران می‌کنند، در پرداخت بموقع مطالبات تولید کنندگان خودرو به تعهدات مالی خود عمل نمی‌کنند.

دو جوابیه؛ سپاهان: ۵.۲ برابر حداقل دستمزد به کارگران می‌پردازیم

در پی انتشار گزارشی از اعتراض صنفی کارگران کارخانه سپاهان اصفهان، روابط عمومی و مسئول شورای کارکنان این کارخانه در جوابیه‌های جداگانه‌ای مطالبی را جهت انتشار به این خبرگزاری ارسال کرده‌اند که بدون تأیید یا تکذیب، مطابق ماده ۲۳ قانون مطبوعات به صورت کامل به انتشار آنها اقدام می‌کنیم:

خبرگزاری محترم ایلنا

- ۱- حقوق و مزایای پرسنل پیمانکاری این شرکت طبق طرح طبقه بندی مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی محاسبه و پرداخت می گردد و هیچگونه حقوق معوق در شرکت وجود نداشته و حقوق کلیه پرسنل اعم از رسمی، قراردادی و پیمانکار تا پایان خردادماه تسویه گردیده است. مضافاً اینکه در جهت رفاه کلیه پرسنل پیمانکاری بیمه تکمیل درمان، صندوق وام، استفاده از امکانات رفاهی و پرداخت کمک های نقدی و غیر نقدی به مناسبت های گوناگون در نظر گرفته شده است.
- ۲- میانگین حقوق پرداختی به پرسنل پیمانکاری در سال ۹۰ حداقل ۲.۵ برابر میزان حداقل حقوق و مزایای مندرج در قانون کار می باشد لذا پرداخت حقوق به میزان حداقل مبلغ قانون کار کذب محض است.
- ۳- تعداد کل پرسنل شرکت سیمان سپاهان اعم از رسمی، قراردادی و پیمانکاری بالغ بر ۱۲۲۵ نفر می باشد که تعداد ۱۱۰۰ نفر کارگر رسمی و قراردادی قید شده در خبر فوق الذکر صحیح نمی باشد.
- ۳- سهام شرکت سیمان سپاهان متعلق به بخش خصوصی بوده و در تابلوی بورس اوراق بهادار در حال انجام معامله است و این شرکت هیچگونه ارتباط و وابستگی با موسسه خیریه همدانیان ندارد.
- ۵- لازم به ذکر است که کلیه خطوط تولید این شرکت در حداکثر ظرفیت به تولید مشغول بوده و نارسائی ایجاد شده مربوط به واحد بارگیرخانه می باشد که با مذاکره در حال حل مشکل هستیم.
- ۶- با توجه به مراتب فوق این شرکت حق قانونی خود را جهت پیگیری قضائی موضوع به اتهام نشر اکاذیب محفوظ می داند.

خبرگزاری محترم ایلنا

- ۱- اینجانب مسعود غلامی نماینده کارگران و مسئول شورای اسلامی کارکنان سیمان سپاهان درخصوص تجمع یاد شده تاکنون با هیچ خبرنگار و خبرگزاری به هیچ صورتی و تحت هیچ عنوانی مصاحبه نداشته ام و اخبار درج شده از قول اینجانب کاذب محض می باشد.
- ۲- اینجانب به عنوان نماینده پرسنل ولایتمدار سیمان سپاهان در راستای منویات مقام معظم رهبری و نامگذاری امسال به نام سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی از سوی ایشان و تأکيدات مقامات و مسئولین نظام جمهوری اسلامی بر تولید ملی با حداکثر توان اعلام می دارم که تمامی تلاش و همت پرسنل سیمان سپاهان معطوف به تحقق فرمایشات مقام عظمای ولایت و مسئولین نظام محترم جمهوری اسلامی ایران بوده و می باشد و تمامی مطالب معنونه در خبر مذکور قویاً تکذیب می گردد.
- ۳- با توجه به مراتب فوق اینجانب حق قانونی خود را جهت پیگرد قضایی موضوع به اتهام نشر اکاذیب و افتراء محفوظ می دارد.

تجمع کارگران اعتصابی سپاهان اصفهان همراه با خانواده جلوی درب کارخانه

کارگران اعتصابی کارخانه سیمان سپاهان اصفهان از روز دوشنبه ۱۹ تیر، با تجمع و پرپایی چادرهایی به همراه خانواده هایشان جلوی درب کارخانه خواستار رسیدگی به مسئله تبعیض و بی عدالتی که در حق آنان اعمال شده است، گردیده اند. به گزارش ۲۰ تیرفارس، ۷۰۰ نفر از کارگران شرکتی شاغل در سیمان سپاهان دارای سوابق کاری از سه تا ۲۶ سال که در مشاغل سخت و زیان آور هستند، مدت ۱۲ روز است در اعتراض به عدم اجرای قوانین کار از جمله اختصاص مزایایی همچون بهره وری و کارانه دست از کار کشیده اند.

این کارگران اعلام می دارند که از سه سال گذشته تاکنون و در پی دستور رئیس جمهور و مصوبات هیئت وزیران مرتب پیگیر مسئله یکسان سازی حقوق و مزایای خود بوده اند، اما تاکنون از سوی مدیریت کارخانه به خواسته آنان (کارانه و بهره وری) ترتیب اثر داده نشده است.

محمداصادق نادری نماینده کارگران در گفتگو با خبرنگار فارس اظهار کرد: مدت ۱۲ روز است صبر کارگران به سر آمده است و مدیریت سیمان سپاهان هیچ گونه اقدامی برای حل مشکل انجام نداده است و در مقابل اعتراض کارگران آنان را تهدید به اخراج کرده است. وی افزود: از روز یکشنبه در پی سخنان مدیران شرکت مبنی بر اخراج تدریجی، جلوی درب کارخانه تجمع کرده و روز دوشنبه نیز با پرپایی چادرهایی به همراه خانواده هایشان خواستار رسیدگی به مسئله تبعیض و بی عدالتی که در حق آنان اعمال شده است، گردیده اند.

۷۰۰ کارگر پیمانی سیمان سپاهان دست از کار کشیدند

حکایت کهنه نابرابری حقوق کارگران رسمی و پیمانی (شرکتی)، بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران پیمانی سیمان سپاهان را اعتراض واداشته و باعث شده است آنان طی یک اعتراض صنفی هماهنگ برای چندمین بار متوالی ظرف یک سال گذشته، دست از کار بکشند.

داستان همیشگی نابرابری کارگران رسمی و پیمانی

به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، اعتراض کارگران کارخانه سیمان سپاهان به شرایط کاری و حقوقی سابقه طولانی دارد اما از آنجا که همه نامه نگاری ها و پی گیری های کارگران خطاب به مسوولان وزارت کار گرفته تا مجلس، به نتیجه نرسید، حدود ۷۰۰ نفرشان طی سه روز گذشته دست از کار کشیده اند و در محوطه کارخانه تجمع کرده اند.

غلامی نماینده کارگران پیمانی سیمان سپاهان خواسته این افراد را حذف تبعیض ها در پرداخت مزایا از جمله سنوات و کارانه میان نیروهای رسمی و پیمانی می داند و به ایلنا می گوید: کارخانه سیمان سپاهان یک هزار و ۱۰۰ کارگر پیمانی و رسمی دارد، خواسته کارگران معترض نیز به اطلاع فرمانداری، استانداری و اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسیده است و ما با استخدام وکیل از طریق مراجع قضایی پیگیر مطالبات خود هستیم.

شرکت های واسطه ای حقوق کارگران را نمی پردازند

احمدرضا معینی رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان در گفتگو با ایلنا، این مشکل را مربوط به کارگران طرف قرارداد با شرکت های پیمانکاری دانست و گفت: بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران این کارخانه، زیر نظر پیمانکاران فعالیت می کنند و همانگونه که بارها اعلام شده این شرکت های واسطه ای حقوق قانونی کارگران را نمی پردازند.

وی مهم ترین خواسته کارگران معترض را دریافت حقوق و مزایا بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل بیان کرد و افزود: متأسفانه در حالی که دو سوم کارکنان شرکت سیمان سپاهان، با این مشکلات دست و پنجه نرم می کنند، کار محول شده به کارگران پیمانی و رسمی برابر است و در این شرایط تبعیض در میان کسانی که شغل یکسانی دارند قابل قبول نیست.

معینی معتقد است بر اساس قانون طبقه بندی مشاغل، همه افرادی که در یک شغل خاص مثلا به عنوان تکنیسین برق در یک واحد تولیدی مشغول به کار هستند باید از حقوق و مزایای برابر برخوردار شوند، به عبارت دیگر کارخانه باید به افراد مزد شغل و کاری که انجام می‌دهند را بپردازد و نوع رابطه کاری آن‌ها را با واحد تولیدی را لحاظ نکند.

مزد به اندازه کار است نه نوع قرارداد

این فعال کارگری استان اصفهان دومین خواسته کارگران معترض این کارخانه را اجرای قانون بهره‌وری دانست و تاکید کرد: با توجه به اینکه قراردادهای کارگران غیر رسمی، سال به سال تمدید می‌شود نباید تفاوتی بین این قشر، با کارگران رسمی وجود داشته باشد و هر کس باید به نسبت اختیار و کارکرد خود، مزد و مزایای بهره‌وری را دریافت کند.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان راه حل تمام این مشکلات را داشتن قرارداد مستقیم با کارخانه اعلام کرد و گفت: کارگران معترض، حدود ده روز است که در اعتراض به تبعیض و پرداخت نشدن کامل حق و حقوق قانونی‌شان، دست از کار کشیده‌اند و در اعتصاب هستند.

معامله دوسر سود برای پیمانکاران

معینی با اشاره به فعالیت کارخانه سیمان زیر نظر خیریه همدانیان اصفهان خاطر نشان کرد: درست است که این کارخانه مشمول اجرای قانون حذف شرکت‌های پیمانکاری نیست با این حال اداره کار، تعاون و رفاه استان اصفهان موظف است بر عملکرد شرکت‌های واسطه‌ای نظارت داشته باشد تا کمتر، حقوق نیروهای وابسته به آن‌ها ضایع شود.

وی بزرگترین گلایه کارگران این واحد تولیدی را نابرابری رفتار با پرسنل رسمی و پیمانی بیان کرد و ادامه داد: شرکت‌های پیمانکار، از یک سو حقوق و مزایای کامل یک کارگر را از کارفرما دریافت می‌کنند و از سوی دیگر قسمتی از آن را به نیروی کار می‌پردازند و با این کار مثل زالو به جان کارگران افتاده‌اند.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان، خواستار تعریف طرح طبقه بندی مشاغل و بهره‌وری و اجرای آن در این کارخانه شد و گفت: عدم وجود نظارت کافی مسوولان بازار کار استان باعث شده این مشکل هر روز بزرگتر شود چرا که این کارگران، در سال گذشته هم بارها شکایت‌شان را به اداره کار و حتی کمیسیون اجتماعی مجلس اعلام کرده بودند اما گره‌ای از کارشان باز نشده است.

حداقل حقوق و مزایا برای کارگران قراردادی

وی با تاکید بر اینکه بیشتر کارگران فعال در این کارخانه پیمانکاری هستند و حداقل حقوق و مزایای مندرج در قانون کار را دریافت می‌کنند گفت: متأسفانه از این دست بی‌مهری‌ها به جامعه کارگری، کم نیست و امیدواریم با رسانه‌های شدن مشکلات، اندکی از فشار موجود بر این قشر زحمت کش، کاسته شود.

معینی اظهار امیدواری کرد این مشکل با توافق دو طرف کارگر و کارفرما حل شود و افزود: اخراج کارگران هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و فقط صورت مساله را پاک می‌کند.

همه قوانین کار اجرا شده است

از سوی دیگر اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان پاسخگویی درباره این موضوع را به محمد رضا اسلامی مدیر اداره تعاون، کار و رفاه شهرستان مبارکه واگذار کردند و او در پاسخ به اینها، هرگونه بی‌توجهی به اجرای قانون کار در این واحد تولیدی را رد کرد و گفت: حدود ۷۰۰ نفر از کارگران سیمان سپاهان، زیر نظر شرکت‌های پیمانکاری هستند با این حال همه آن‌ها در این اعتراض شرکت ندارند و مشکل فقط مربوط به ۱۵۰ نفر از کارگران قسمت بارگیری کارخانه است.

وی در واکنش به انتقاداتی که به عملکرد شرکت‌های پیمانکاری وارد شده، گفت: گفته‌ها و شنیده‌ها هیچ سندیتی ندارد و ما که در مسند کار این شهرستان هستیم می‌توانیم بگوییم همه اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد حق و حقوق قانونی این کارگران پرداخت شده است.

حذف شرکت‌های پیمانکاری منطقی نیست

اسلامی همچنین با تاکید بر پرداخت همه حق و حقوق قانونی این افراد ادامه داد: برخی از مطالبات کارگران سیمان سپاهان، قانونی نیست، مثل اینکه انتظار دارند به طور مستقیم با کارفرمای خود قرارداد ببندند و شرکت‌های پیمانکاریشان حذف شوند، چون این کارخانه جزو بخش خصوصی به شمار می‌آید و مشمول مصوبه دولت برای حذف پیمانکاران نمی‌شود.

وی تفاوت و نابرابری حقوق کارگران قراردادی و پیمانی در این واحد تولیدی را بی‌عدالتی ندانست و تصریح کرد: این مشکل فقط مربوط به سیمان سپاهان نیست و نمی‌توان انکار کرد تفاوت بین کارگران رسمی و پیمانی و حتی قراردادی در همه جای کشور وجود دارد و با اینکه نوع استخدام افراد متفاوت است هیچ اتفاق غیر قانونی رخ نداده است.

موضوع در حال بررسی است

مدیر اداره تعاون، کار و رفاه شهرستان مبارکه در پاسخ به این پرسش که آیا چنین تبعیضی در میان افرادی که مشاغل یکسانی دارند درست است گفت: هیچ حقی از این افراد ضایع نشده و اطمینان می‌دهم نه تنها این افراد تمام حداقل مزایای مندرج در قانون کار را دریافت کرده‌اند بلکه این مبلغ، از بسیاری کارگرانی که در واحدهای تولیدی دیگر مشغول به کار هستند، بیشتر است.

وی از تشکیل جلسات ویژه کمیسیون کارگری در فرمانداری مبارکه برای حل این مشکل خبر داد و گفت: به هیچ وجه اعتصاب و دست از کار کشیدن را تایید نمی‌کنیم با این حال موضوع در آرامش و به دور از هیاهو در دست بررسی است و به زودی نتیجه تصمیم‌گیری‌ها اعلام خواهد شد.

اسلامی در پاسخ به اینها درباره برنامه مسوولان اداره کار شهرستان مبارکه برای ایجاد تفاهمی منطقی بین کارگر و کارفرما گفت: بستن قرارداد مستقیم با کارگران پیمانی سیمان سپاهان، بار مالی سنگینی دارد که نمی‌توان کارفرما را به آن وادار کرد چون ممکن است پیامدهای بدتری مانند تعدیل نیرو و بحران مالی در این واحد تولیدی داشته باشد با این حال تلاش می‌کنیم دوطرف برای رسیدن به حق و حقوق و خواسته‌های خود به توافقی منطقی برسند.

کارخانه سیمان سپاهان در ۴۵ محور اصفهان- مبارکه قرار دارد که با سه خط تولید روزانه حدود ۱۳ هزار تن سیمان تولید می‌کند. گزارش از ناهید شفیعی

اعتصاب کارگران نساجی ایران برک رشت

جمعی از کارگران قراردادی نساجی ایران برک رشت در واکنش به عدم دریافت بخشی از حقوق معوقه اسفند و همچنین حقوق کامل فروردین ماه و سایر مطالبات قانونی، ضمن اعتراضی صنفی که به وقفه‌های کوتاه در تولید منجر شد، نامه‌ای خطاب به مدیرعامل این کارخانه تنظیم کردند.

به گزارش اینها، آنان خواستار دریافت «معوقات اسفند و حقوق کامل فروردین»، «پرداخت حق بیمه و امکان تمدید و تعویض دفترچه بیمه»، «بررسی و حذف نوبت کاری عصر و شب و اضافه‌کاری که در آخرین فیش حقوق دریافتی اعمال نشده است»، «پرداخت حقوق در فاصله زمانی ۵ تا ۱۰ هر ماه»، «دریافت نسخه قرارداد مطابق قانون با مشخص شدن تاریخ شروع و پایان کار» و «پرداخت مطالبات سال‌های ۸۹ و ۹۰ در صورت ادامه سودهی کارخانه» شده‌اند.

کارگران در خاتمه این نامه تاکید کرده‌اند که «بدیهی است که عدم همکاری مبنی بر اجرای تمامی بندهای فوق به منزله تداوم و تشدید بحران موجود و عدم پرداخت حقوق ماهیانه در تاریخ مقرر سبب تکرار این حوادث و توقف دستگاهها و تولید خواهد شد.»

خانوارهای کارگری قادر به تامین دو هزار کالری روزانه نیستند

یک تحلیل‌گر مسائل کارگری اعلام کرد: به دلیل افزایش قیمت اقلام خوراکی خانوارهای کارگری قادر به تامین کالری مورد نیاز نیستند. علیرضا حیدری، با اشاره به افزایش نرخ سبب هزینه خانوار کارگری طی سه ماهه نخست امسال یاد آور شد: افزایش افسار گسیخته نرخ تورم از آغاز امسال موجب افزایش ۶۰ درصدی هزینه اقلام مصرفی خانوارهای کارگری شده است و تمامی دستمزد کارگران باید صرف هزینه اجاره بهای مسکن در کلان شهرها شود.

عضو کمیته مزد خانه کارگر با اشاره به افزایش نرخ خط فقر تصریح کرد: نرخ خط فقر نسبی خانوارهای کارگری امسال به یک میلیون تومان افزایش یافته است.

حیدری با یادآوری اینکه حداقل کالری برای برای هر فرد بزرگسال ۲ هزار کالری و برای هر کودک خردسال نیز یک هزار و ۸۰۰ کالری تعیین شده است، تاکید کرد: میزان یادشده حداقل کالری است که فرد در طول روز نیاز دارد تا بتواند به فعالیت بپردازد و در صورتی که این میزان کالری به فرد نرسد فرد دچار سوء تغذیه می‌شود. این در حالیست که خانوارهای کارگری قادر به تامین کالری مورد نیاز نیستند. وی هیدروکربون‌ها، پروتئین، حبوبات، سبزیجات، میوه‌های تازه و مواد لبنی را بخشی از کالاهایی که می‌توانند حداقل کالری مورد نیاز خانوارها را در قالب سبد غذایی تامین کنند، ذکر کرد.

حیدری گفت: ارقام یاد شده در سبد هزینه خانوار کارگری فقط برای حداقل خوراک است در صورتی که خانوار کارگری نیاز به مخارج دیگری نظیر هزینه های مسکن، پوشاک، حمل و نقل، بهداشت و آموزش و سایر اقلام پیش بینی نشده دارد.

کارگران معترض نساجی مازندران خیابان اصلی قانم شهر را بستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - اینلنا در 21 مرداد آمده است: کارگران نساجی مازندران صبح امروز پس از راهپیمایی و تجمع مقابل فرمانداری قائمشهر وقتی با عدم پاسخگویی شفاف فرماندار مواجه شدند با نشستن مقابل فرمانداری خیابان اصلی شهر را بستند.

صبح امروز کارگران نساجی مازندران پس از تجمع مقابل فرمانداری قائمشهر وقتی با عدم پاسخگویی شفاف فرماندار مواجه شدند با نشستن بر روی زمین و مقابل فرمانداری خیابان اصلی شهر را بستند و خواستار حضور مسئولین و پاسخ شفاف آنها شدند. بنا به همین گزارش، تعدادی از کارگران معترض نساجی مازندران اظهار داشتند: طبق آخرین توافقی که بین نماینده سرمایه گذار، نماینده دولت در استان و قائمشهر انجام پذیرفت کارفرما متعهد شده بود تا قبل از ماه مبارک رمضان سه ماه از معوقات ما را پرداخت نماید. همچنین قرار بود 150 نفر از کارگران سرگردان این کارخانه باز نشست شوند ولی علیرغم تعهد نماینده سرمایه گذار و نماینده دولت که بصورت کتبی در اسناد فرمانداری قائمشهر موجود است سرمایه گذار تا این لحظه به تعهد خود عمل نکرده است. جمعی دیگر از کارگران معترض اظهار داشتند: باز نشستگی کارگران تنها نیازمند دو میلیارد تومان است و سرمایه گذار با توجه به تعهد و قولی که به مسئولان استان داده است نسبت به این بخش هم بی تفاوت است و سازمان تامین اجتماعی هم نسبت به تعهدات خود عمل نمی‌کند.

برپایه این گزارش، فرماندار قائمشهر هفته گذشته اعلام کرده بود اگر سرمایه گذار به تعهدات خود عمل ننماید مالکیت نساجی مازندران از وی خلع خواهد شد.

مرکز آمار نرخ بیکاری بهار سال 1391 را اعلام کرد

مرکز آمار ایران بتاریخ 21 مردادماه چکیده نتایج طرح آمارگیری بهار سال 1391 را اعلام کرد. براساس این گزارش:

- نرخ بیکاری در جمعیت بیش از 10 سال کشور طی بهار سال جاری به 12.9 درصد رسیده است. یعنی حدودا 3 میلیون و 146 هزار نفر بیکار بودند.

- نرخ بیکاری در جوانان 15 تا 24 ساله در این مقطع زمانی نشان از بیکاری 28.6 درصدی دارد.

- استان های ایلام، لرستان و فارس بترتیب با 21 درصد، 19/3 درصد و 18/3 درصد از بالاترین نرخ بیکاری برخوردارند.

- استان های خراسان جنوبی، کرمان و گلستان بترتیب با 6/5 درصد، 7/5 درصد و 7/8 درصد پایین ترین نرخ بیکاری رادارا می باشند. لینک این گزارش:

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1391/ch_n_b91.pdf

یکی دیگر از مجروحین مجتمع پتروشیمی بندر امام امروز جان خود را از دست داد

به گزارش سایت پانانویز، در 21 مرداد آمده است: در حادثه آتش سوزی مجتمع پتروشیمی بندر امام 13 مردادماه گذشته، 21 نفر مجروح شدند که 11 نفر به صورت سرپایی درمان شده، شش نفر جان خود را از دست دادند و چهار نفر دیگر هنوز در بیمارستان بستری هستند.

بنا بهمین گزارش، سخنگوی شرکت ملی صنایع پتروشیمی درباره آخرین وضعیت مصدومان حادثه پتروشیمی، گفت: یک تن از این مصدومین که وضعیت مناسبی دارد هم اکنون در اصفهان بستری است و سه نفر دیگر از حادثه دیدگان فردا برای درمان به کشور آلمان اعزام می شوند.

شمس الله جشنی اظهار کرد: یک نفر از همکاران پتروشیمی به نام 'عبدالنور بنی سعید' در حین سانحه، 'سید مرتضی موسوی نژاد' یکشنبه هفته گذشته و سه تن دیگر به نام های 'ایرج امیرزاده'، 'محمود عبدالله زاده بغلانی' و 'سعید غویشاوی' که در تهران و اصفهان بستری بودند روز چهارشنبه جان خود را از دست دادند. به گفته وی، محمد حمیدی نیز یکی دیگر از مجروحین بود که امروز جان خود را از دست داد.

سخنگوی شرکت ملی صنایع پتروشیمی اضافه کرد: تمهیدات اعزام 'مرتضی جواد نیا'، 'عبدالسعید سامری' و 'محمد امین دانش' به خارج از کشور انجام شده، این افراد فردا (یکشنبه) به منظور درمان به کشور آلمان اعزام خواهند شد. جشنی تصریح کرد: آخرین مصدوم این سانحه 'عبدالرضا نوروزی' است که وضعیتی مناسب (پائین تر از 16 درصد سوختگی) دارد و هم اکنون در یکی از بیمارستان های اصفهان بستری است.

یادآور می شود، حادثه آتش سوزی مجتمع پتروشیمی بندر امام، ساعت 15:25 بعدازظهر جمعه 13 مرداد در اثر نشتی گاز از مسیر خط لوله 30 اینچ خوراک ورودی مجتمع رخ داد.

مرگ دو کارگر بر اثر سقوط در چاه

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 21 مرداد آمده است: دو نفر در شهرک صنعتی میرجاوه سیستان و بلوچستان بر اثر سقوط در چاه جان خود را از دست دادند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ۱۱۰ یکی از کارگران شهرک صنعتی میرجاوه هنگام کار با دستگاه و تخلیه چاه به یکباره به داخل چاه سقوط می کند.

خانمی که در کنار او ایستاده بود به بهانه نجات وی داخل چاه می شود که متأسفانه هر دو جان خود را از دست می دهند. چاه مورد نظر محل تخلیه گازهای تصفیه خانه ای بوده است و هر فرد بر اثر متصاعد شدن گازهای سمی فوت کردند.

در هفته های گذشته نیز در بندر عباس سه کارگر هنگام تخلیه چاه یکی از شرکت های صنعتی جان خود را از دست داده بودند.

هنوز افزایش حقوق بازنشستگان پرداخت نشده است

رئیس هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تامین اجتماعی شهرستان ری گفت: با وجود گذشت سه ماه از سال هنوز افزایش حقوق بازنشستگان پرداخت نشده است.

به گزارش ایلنا، مرتضی اطمیابی که در جمع کارگران بازنشسته سخن می گفت با بیان اینکه سه ماه از سال جدید گذشته هنوز کسی در خصوص افزایش حقوق بازنشستگان پاسخگو نیست اظهار داشت: کانون های بازنشستگی در سراسر کشور اجازه نخواهند داد افراد غیرمسئول در سرنوشت کارگران بازنشسته دخالت کرده و در کارشان سنگ اندازی کنند.

به گفته وی با افزایش تورم ۲۱,۲ درصدی نرخ تورم بازنشستگان توان پرداخت هزینه های زندگی خود را ندارند. این فعال کارگری در بخش دیگری از سخنان خود نسبت به عملکرد بیمه دی انتقاد کرد و افزود: سازمان تامین اجتماعی و بیمه دی باید در انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی بازنشستگان تجدید نظر کنند.

او در این زمینه اضافه کرد: اگر قرار است مجدداً سازمان تامین اجتماعی بازنشستگان را مشمول بیمه تکمیلی کند باید پیش از اعمال در خصوص بیمه تکمیلی آنان اطلاع رسانی کرده تا بازنشستگان از روند بیمه تکمیلی خود اطلاعات داشته باشند. اطمیابی در خصوص بخش درمان سازمان تامین اجتماعی که وظیفه بزرگی در قبال بیمه شده دارد، خواستار نظارت بر عملکرد درمانگاه ها و بیمارستانهای تحت پوشش خود شد.

تجمع آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل آموزش و پرورش گیلان

به گزارش سایت شمال نیوز در 21 مرداد آمده است: جمعی از آموزشیاران گیلان در اعتراض به نحوه برگزاری آزمون استخدام آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کردند.

به گزارش شمال نیوز، جمعی کثیری از آموزشیاران گیلان صبح امروز در اعتراض به نحوه برگزاری آزمون استخدام آنها در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کردند. این عده که دارای سابقه های خدمتی بیش از پنج سال هستند نسبت به تصویب کلیات طرح اصلاح ماده 17 قانون استخدام معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی اعتراض دارند.

در کلیات این طرح آمده است که آموزشیاران مانند معلمان شرکتی و نیروهای پیش دبستانی با برگزاری آزمون استخدام شوند. معترضان مذکور خواستار در اولویت قرار دادن آموزشیاران بدون آزمون در تصویب جزئیات این ماده که در روز دوشنبه همین هفته در صحن علنی مجلس مطرح می شود، هستند.

۳۵ کوره پزخانه پاکدشت با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها تعطیل و ۴ هزار کارگر بیکار شده اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 21 مرداد آمده است: به گفته یک فعال کارگری ۳۵ کوره پزخانه پاکدشت با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها تعطیل و ۴ هزار کارگر بیکار شده اند. اجرای قانون هدفمندی یارانه ها از جمله دلایل ورشکستگی برخی صنایع ایران است.

به گفته یک فعال کارگری با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها ۳۵ کوره پزخانه در شهرستان پاکدشت تعطیل شده و ۴ هزار کارگر بیکار شده اند. خبرگزاری ایلنا، روز پنجشنبه (۱۵ تیر ۱۳۹۱) به نقل از عوض سلطانی دبیر اجرایی خانه کارگر ضمن اعلام این خبر گزارش

داده است از مجموع ۶۰ واحد کورمیزخانه فعال شهرستان پاکدشت، ۳۵ واحد تعطیل شده‌اند. به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر ۲۵ واحد کورمیزخانه باقی‌مانده نیز در حال حاضر با ظرفیت ۲۰ درصدی نیروی کار فعالیت دارند. عوض سلطانی همچنین یکی دیگر از دلایل بیکاری کارگران کارخانه‌های آجرسازی را جایگزینی دستگاه‌های خست‌زن با نیروی کار انسانی عنوان کرده است. خیرگزاری کار ایران ایلنا، اواخر خرداد ۱۳۹۱ نیز گزارش داده بود بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از ۵ استان ایران، با امضای نامه‌ای خطاب به وزیر کار به تأییراتی که اجرای قانونی هدفمندی یارانه‌ها بر زندگی آنان تحمیل کرده است اعتراض کرده‌اند.

رواج قراردادهای سفید امضا میان کارگر و کارفرما در بازار کار ایران از جمله دیگر مواردی است که در ماه‌های اخیر فعالان اقتصادی نسبت به آن هشدار داده‌اند. رشد نقدینگی بدون پشتوانه اقتصادی در کنار آشکار شدن تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تورم ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها باعث شده برخی صنایع ایران به مرز ورشکستگی برسند. تازمترین آمار بانک مرکزی از "شاخص بهای تولید کننده" نشان می‌دهد هزینه تولید در داخل ایران در سال ۹۰ نسبت به سال پیش، بیش از ۳۴ درصد افزایش داشته است. همچنین در هفته‌های اخیر بانک مرکزی در گزارشی رسمی هشدار داده بود به‌دنبال افزایش تورم ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، پرداخت یارانه‌ها بی‌تأثیر شده، سطح رفاه مردم کاهش یافته و شکاف طبقاتی عمیق‌تر شده است.

بیکاری کشاورزان

خبرگزاری ایلنا همچنین روز دوشنبه ۲۹ خرداد به نقل از محمد چپذیری کارشناس بخش کشاورزی، خبر داده بود که کاهش روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر به بیکاری گروه عظیمی از کشاورزان ایران شده است. این گزارش افزوده بود تولید محصولات کشاورزی یکی از پرمخاطره‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در ایران است. به عقیده برخی کارشناسان، با کاهش بهرهوری در بخش کشاورزی ایران، هزینه‌های تولید در این بخش افزایش چشمگیری یافته و تولید محصولات کشاورزی ایران نسبت به محصولات وارداتی گرانتر شده است.

بیانیه 52: با سازماندهی مردمی به حمایت از زلزله زدگان بشتابیم

خبر زمین لرزه در آذربایجان شرقی بسیار تأسف بار است. تأسف بارت‌تر از آن اینکه مردم تحت فشار از جانب نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی باید فشار گرانی مایحتاج اولیه زندگی را نیز تحمل کنند. مجبورند با گرانی و تورم بر اثر حذف یارانه‌ها و خصوصی سازی، اخراجها و عدم پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت و سفید امضا، حذف خدمات عمومی و آموزش و بهداشت عمومی و تعدیل نیرو را نیز تحمل نمایند، هم چنین افزایش هر روزه قیمت نان و گوشت و مرغ و برنج و بالا رفتن هر روزه بهای برق و آب و گاز و تلفن را با پوست و استخوان خود احساس کنند، در همین حال این فشارها بر اثر چنگ و دندان نشان دادن جناحهای مختلف سرمایه داری به یکدیگر که حاصل آن تحریمهای اقتصادی است باعث گردید فشارهای فوق بر علیه مردم ایران مضاعف شود. در چنین شرایطی بغرنجی اثرات زلزله باعث رنج و عذاب صد چندان بر علیه مردم می‌شود. حال مردم خفقان زده مجبورند با اثرات زمین لرزه نیز دست و پنجه نرم کنند و شکی نیست که جمهوری اسلامی و عوامل آن از موضوع زمین لرزه و مصیبت‌های وارده بر مردم قصد سو استفاده مانند آن که در زلزله بم انجام داد، دارد، مردم ایران و جهان به نشانه همدردی با انسانهای دچار مشکل و رنج شده خود را آماده کمک رسانی می‌کنند اما نظام اسلامی حتی در مورد اطلاع رسانی زمین لرزه نیز کوتاهی کرده و بدون توجه به مصائب انسانها مشغول برنامه های ضد مردمی خود است، آنچنان بی توجهی می‌کنند که ابعاد فاجعه بار این زلزله بسیار کوچک دیده می‌شود بر مبنای اخبار غیر رسمی بیش از 200 نفر تاکنون در زلزله جان خود را از دست داده‌اند و هزاران نفر بی خانمان شده‌اند اما هنوز جمهوری اسلامی مشغول کارهای روز مره و فریب مردم است. برای نجات هموطنان خود و کم کردن مصائب فوق باید خودمان مستقیماً و متحدانه آستین‌ها را بالا بزنیم تا اثرات و مشکلات زلزله فوق را کمتر کنیم.

ما ضمن ابراز همدردی با هموطنان رنج دیده و زلزله زده ی خود از تمامی نهادهای مردمی، کارگران، دانشجویان و جوانان می‌خواهیم برای کمک رسانی و حمایت از هموطنانی که دچار ضایعه و خسارت شده‌اند خود و اطرافیان‌شان را در گروه‌ها و کمیته‌های مردمی سازماندهی کنند تا ضمن کمک رسانی به زلزله زده‌ها از سو استفاده‌های رژیم و عوامل دزد آن که بارها در زلزله بم و دیگر زلزله‌ها مشت آنها باز شده است، جلوگیری نمایند. همچنین اعمال کمک رسانی عرصه‌ای است که کارگران و جوانان آزادیخواه و انقلابی می‌توانند توانایی و قدرت سازماندهی و انجام کارهای عملی خود را محک زده و در حین رفع نیازهای هموطنان، خود را برای مبارزات آینده هر چه بیشتر آماده کنند و در همین حین اتحاد و همبستگی میان خود و توده‌ها را هر چه بیشتر امکان پذیر نمایند.

کارگران، دانشجویان، زنان و جوانان مبارز:

بدون فوت وقت در هر جای ایران که هستید متشکل شده و به کمک و یاری هموطنان زلزله زده بشتابید. می‌توانید در اقصی نقاط کشور ستادهای ولو کوچک 3 نفره یا بیشتر برای کمک رسانی تشکیل دهید از مردم اطراف خود که به شما اعتماد دارند کمکهای لازم را جمع‌آوری کرده و از طریق برقراری ارتباط با کارگران، دانشجویان، زنان و جوانان که در منطقه زلزله زده حضور شناخته شده دارند کمکهای خود را بدون اینکه به دست دزدان جمهوری اسلامی بدهید مستقیماً به دست هموطنان برسانید. ما با این نوع سازماندهی تجربیات لازم برای آینده کسب می‌کنیم در چنین فرصتی دو نتیجه مثبت کسب می‌کنیم از یک طرف کمک رسانی لازم به هموطنان زلزله زده را پیش می‌بریم و از طرف دیگر راه و سبک کار سازماندهی لازم را یاد می‌گیریم بخاطر داشته باشیم هیچ نیازی نیست تشکیل شدن ستادهای کمک رسانی را تبلیغ یا علنی کنیم.

هر چه زودتر ستادهای کمک رسانی مردمی به هموطنان زلزله زده را تشکیل بدهیم.

کمیته حمایت شاهرخ زمانی

21/5/1391

www.chzamani.blogspot.com

freesahrookh@gmail.com

« تحریم دارو، مانند گروگان‌گیری سلامت مردم است »

به نوشته سایت سلامت نیوزدر 21 مرداد آمده است: تحریم اقتصادی ایران این‌بار به صورت غیر مستقیم حوزه دارو و درمان را هم در بر گرفته است. در نتیجه کم شدن دارو به دلیل اعمال تحریم‌های غرب علیه ایران، بیماران خاص دچار مشکل شده‌اند. تا کنون یک مورد فوت به دلیل کمبود داروی انعقادی گزارش شده است و خطر جانی و معلولیت، بسیاری از بیماران را تهدید می‌کند. دکتر احمد قویدل رئیس کانون هموفیلی ایران در گفت و گو با فرارو به بررسی اثرات تحریم دارو و خطرات آن در کشور، نتایج پرونده‌های مشهور به خون‌های آلوده و دیگر مشکلات بیماران هموفیلی پرداخت.

تحریم دارو، خروج غربی‌ها از اصول انسانی است
مدیرعامل کانون هموفیلی ایران با تأکید بر بحث کمبود دارو به دلیل تحریم بانک مرکزی و اینکه هیئت مدیره کانون در حال پی‌گیری جدی آن است، تشریح کرد: اتفاق بدی که افتاده این است که همراه با تحریم‌های اقتصادی و تحریم بانک مرکزی، مسیر خرید دارو هم دچار اختلال شده است. پیش از این هرگاه بحث تحریم مطرح می‌شد دارو جزو اقلام تحریم نبود. هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا به این امر تأکید می‌کردند. حتی در سایت وزارت خارجه آمریکا سند رسمی وجود دارد که دارو جزو کالاهای تحریمی نیست. اما متأسفانه با روش‌هایی که الان ایران را تحت فشار گذاشته‌اند و با بسته شدن راه‌ها و گشایش‌های خاص بانکی، عملاً دارو را مورد تحریم قرار داده‌اند.

وی تأکید کرد: با اینکه در سخت‌ترین منازعات و جنگ‌ها هم بیماران در امان بوده‌اند، اما حال در سال 2012 در دوره‌ای که ترقی‌خواهی، انسان‌دوستی، مدنیت و... با این شدت مطرح است، اینکه بیماران یک کشور، به‌خاطر منازعات سیاسی و از سوی مدعیان همین مفاهیم، تحت فشار قرار بگیرند، شرم‌آور است. قویدل ادامه داد: این یک واقعیت غیرقابل انکار است که بیشتر داروهای مورد نیاز بیماری‌های صعب‌العلاج و از جمله بیماران هموفیلی توسط کشورهای اروپایی و آمریکا تولید می‌شود و اگر این کشورها اصرار دارند که دارو در زمره تحریم نیست خط سیزی را برای خرید آسان دارو ایجاد کنند.

فوت پسر 15 ساله در اثر نبود داروی انعقادی
قویدل با اشاره به پیامدهای تلخ تحریم دارویی گفت: اخیراً پسر 15 ساله‌ای از ایلات و عشایر دزفول، در اثر پرت شدن از صخره فوت شده است. این نوجوان اگر دارو در منزلش داشت زنده می‌ماند و نبود داروی انعقادی در منزل وی، ناشی از تحریم‌ها بوده است. وی ادامه داد: همچنین زنان بیمار در ایران به دلیل کمبود دارو رنج بسیاری را به‌خاطر عادت ماهیانه تحمل می‌کنند و حتی زندگی زناشویی آنان در خطر است. مگر ممکن است که خانم اشتون این مسائل را نداند؟ کشورهای غربی چگونه می‌توانند به افکار عمومی بگویند ما در مجموعه فشارهای سیاسی که به ایران وارد کرده‌ایم جان کودکان، زنان و مردان بیمار را به خطر انداخته‌ایم؟

نامه کانون هموفیلی ایران به سازمان بهداشت جهانی برای رفع تحریم دارو
قویدل اقدامات کانون هموفیلی ایران را در این باره اینچنین تشریح کرد: بر این اساس هیئت مدیره کانون هفته گذشته، طی نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان بهداشت جهانی و رئیس فدراسیون جهانی هموفیلی درخواست کرد تا آنها تلاش‌هایی در جهت کمک به بیماران خاص در ایران و شکستن تحریم‌های دارویی انجام دهند. وی اضافه کرد: رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، اولین فردی بودند که نسبت به تحریم‌های دارویی در ایران اعلام خطر کردند و معترض شدند. انجمن تالاسمی و انجمن دیالیزی نیز اعتراض خود را در مورد تحریم‌های دارویی به سازمان‌های جهانی اعلام کرده‌اند.

وی گفت: تحریم دارو، مانند گروگان‌گیری سلامت مردم بی‌گناه و نقض حقوق انسانی مردم ایران است و سکوت در مقابل مواردی که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، نه تنها مطلوب نیست بلکه نشانه مقاومت ما هم نیست. این سکوت نشانه این است که نخواستیم از نیروی افکار عمومی جهان کمک بگیریم. وی افزود: مشکل بیماران هموفیلی این است که اگر فقط چند روز دارو به آنها نرسد، معلول می‌شوند. تحریم دارویی برای یک بیمار هموفیلی، منجر به تغییر سرنوشت او می‌شود زیرا بردن یک انسان و به خصوص کودک، به سمت گرداب معلولیت، تغییر سرنوشت اوست. غربی‌ها این حق را ندارند که با برنامه‌ریزی‌های ضد انسانی، فشار سیاسی وارد کنند.

پرونده خون‌های آلوده پس از 15 سال هنوز مفتوح است
در ادامه گفت و گو، قویدل به بحث پرونده خون‌های آلوده پرداخت. پرونده‌ای که پس از 15 سال هنوز مفتوح است و وزارت بهداشت تا به حال در 1421 پرونده، محکوم شده است. وی در این باره گفت: وقتی دولت نهم بر سر کار آمد پیشنهاد دادیم که طی یک اقدام داوطلبانه با مصالحه قانونی پرونده‌ها را از دادگاه خارج کنید و خسارات وارده به بیماران را بپردازید، اما قبول نکردند. از آن تاریخ هم در 812 پرونده از 1500 پرونده، رأی بدوی صادر شده است که 277 پرونده در دادگاه تجدیدنظر هم تأیید شده است. قویدل با بیان این نکته که کانون بهترین راه حل در این پرونده را مصالحه می‌داند، گفت: جای تعجب دارد که چرا وزارت بهداشت، با لجاجت خاصی، اصرار دارد که پرونده‌های بیماران هموفیلی در قوه قضاییه بماند. در اکثر کشورهای دنیا چنین اتفاقاتی می‌افتد و معمولاً مسئولین تلاش می‌کنند که وارد منازعات قضایی نشوند. چود خود را متولی بیماران می‌دانند در نتیجه سعی می‌کنند که وجه حمایتی خود را در چنین اتفاقاتی هم حفظ کنند.

وی با اشاره به نمونه ژاپن در این باره گفت: وزیر بهداشت ژاپن در تلویزیون حاضر شد و با تعظیم، از مردم ژاپن و به‌ویژه بیماران خسارت دیده عذرخواهی کرد و یک نفر که به قوه قضائیه مراجعه کرده بود را کافی دانست و از 10 هزار بیمار دیگر خواهش کرد که به دادگاه نروند. خیلی سریع جبران خسارت کردند و یک پرونده بزرگ قضایی را در چند ماه بستند. اما در ایران نزدیک به 15 سال است که این پرونده‌ها جاری است.

این فعال اجتماعی تأکید کرد: پرونده کیفری بیماران هموفیلی با دستور مقام معظم رهبری به قوه قضائیه ابلاغ شده است. پدر دو نفر از قربانیان آلوده شده به ایدز که یک فرزندش فوت شده بود، بعد از اینکه پیگیری‌هایش به جایی نمی‌رسد به مقام معظم رهبری شکایت

می‌برند و ایشان دستور پیگیری قضیه را می‌دهند. ریشه پرونده بیماران هموفیلی، کانون هموفیلی ایران نیست و اساساً این کانون به‌عنوان یک نهاد مردمنهاد قدرتی ندارد که بتواند چنین پرونده‌ای را به سمت قوه قضائیه هدایت کند. رفتن این پرونده به قوه قضائیه از توجهی بوده است که مقام معظم رهبری به مشکل بیماران داشته‌اند.

قوبدل تشریح کرد: این پرونده در واقع سه محور اصلی دارد: اول مشکل داروهای وارداتی که تقصیرات جدی را متوجه یک شرکت فرانسوی به نام مریو می‌کند. متأسفانه این شرکت توسط شرکت «سنوفی اونتیپس» خریداری شده و در حال حاضر هم در ایران مشغول به کار است و بالغ بر 100 میلیون دلار در سال مبادلات تجاری با ایران دارد. قسمت دوم این پرونده راجع به خرید تجهیزات پالایشگاه دست دوم بود که پول کلانی در کشور از بین رفت و عملاً هیچ پالایشگاهی در کشور راه اندازی نشد.

قسمت سوم این پرونده هم مربوط به فعالیت مرکز پژوهش و پالایش خون و تولید فاکتور 8 و 9 (فاکتورهای انعقادی) بدون سیستم ویروس زدایی، نظارت مسئول فنی و پروانه است که متأسفانه با این اقدامات هزاران نفر از بیماران هموفیلی با خون‌های ویروس زدایی نشده، به ویروس‌های HIV و هپاتیت آلوده شدند. در پایان لازم به ذکر است که هنگام انجام این گفت‌وگو، با توجه به تماس بیماران از بیمارستان امام خمینی مطلع شدیم این بیمارستان فاقد فاکتورهای انعقادی بود. همچنین طبق اطلاعات رسیده به کانون، استان‌های البرز، خراسان رضوی، لرستان، مرکزی، فارس، بوشهر، دزفول، کرمانشاه و گیلان با کمبود شدید و یا فقدان دارو روبه‌رو هستند.

اعتراض بازنشستگان قزوین به پرداخت حقوق از طریق حساب‌های الکترونیکی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 21 مرداد آمده است: این بازنشستگان خواستار آموزش استفاده از خدمات الکترونیکی پیش از اجباری کردن استفاده از این خدمات هستند و از سوءاستفاده سوجدجویان از بی‌اطلاعی و کم‌سوادی آنان ابراز نگرانی کرده‌اند.

صد نفر از کارگران بازنشسته شهرستان البرز در استان قزوین با امضای طوماری خطاب به رئیس کل بانک رفاه استان قزوین نسبت به اجباری شدن ایجاد حساب الکترونیکی و دریافت عابر بانک اعتراض کردند.

این گزارش حاکیست، این کارگران کم‌سواد بودن را دلیل ناتوانی در استفاده از عابر بانک ذکر کرده‌اند و به پرداخت حقوق‌شان در حساب‌های الکترونیکی اعتراض دارند.

در بخشی از این نامه، خطاب به رئیس بانک رفاه استان قزوین آمده است: «تعدادی از کارمندان شما بازنشسته‌ها را مجبور به استفاده از عابر بانک می‌کنند. متأسفانه بسیاری از بازنشسته‌ها به دلیل نداشتن سواد کامل نمی‌توانند با این دستگاه‌ها کار کنند و به کرات دیده شده است که به مشکل برخورده‌اند.»

این بازنشستگان خواستار آموزش استفاده از خدمات الکترونیکی پیش از اجباری کردن استفاده از این خدمات هستند و از سوءاستفاده سوجدجویان از بی‌اطلاعی و کم‌سوادی آنان ابراز نگرانی کرده‌اند.

تشکیل ستاد امدادسانی به زلزله زدگان شمال غرب کشور

ستاد امدادسانی به آسیب دیدگان زمین لرزه شمال غرب کشور در ایران خودرو تشکیل شد. کارگران ایران خودرو با اعلام آمادگی به طور داوطلبانه به یاری هموطنان آسیب دیده شتافتند.

این ستاد از اولین ساعات صبح امروز به سرعت پایگاه‌هایی را در سطح شرکت مستقر و اقدام به جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی کارگران کرده است.

ستاد امدادسانی به زلزله زدگان شمال غرب کشور در ایران خودرو، علاوه بر دریافت کمک‌های کارکنان، اقدامات لازم برای ارسال محموله‌ها به منطقه و اعزام امدادگر، در کمک‌رسانی نیز مشارکت گسترده خواهد داشت.

دهانفر از کارگران ایران خودرو با اعلام آمادگی، به‌طور داوطلبانه با ثبت نام در این ستاد به عنوان امدادگر به یاری هموطنان آسیب دیده‌شان شتافتند.

ما با درود به این همبستگی کارگری از همه دوستان کارگر می‌خواهیم از کمک به هموطنان و انسان‌های زحمتکش و آسیب دیده دریغ نکنیم به یاری هموطنان آسیب دیده بشتابیم.

همبستگی ما ضامن پیروزی ماست

زنده باد همبستگی کارگری

کارگران ایران خودرو - مردادماه 91

همدردی با مردم آذربایجان به مناسبت زلزله اهر، هریس و ورزقان

بار دیگر زلزله قسمتی از کشور ما را لرزاند و این بار بخشی از مردم اهر، هریس و ورزقان را دچار خسارات فراوان کرد. پس از زلزله خونبار رودبار، بم در ایران و زلزله ویرانگر وان در ترکیه، این زمین لرزه نیز بسیار ویرانگر و خسارت‌بار است. مانند تمام حوادث طبیعی دیگر در این زلزله نیز، زحمتکشان و مردم بیشترین خسارات را متحمل می‌شوند و سرمایه‌داران کمترین زیان را می‌بینند زیرا که مردم زحمتکش در خانه‌های بدون استحکام زندگی می‌کنند و به قول شهیر شاعر آذری

پایه‌های کلبه‌ی من چون دلم لرزان و ریزان / لیکن اسطبل فلانی پایه استبر دارد

و تأسف‌بارتر آنکه، درحالی‌که ایران منطقه‌ای زلزله‌خیز است و هزاران زندگی بخشی از مردم ما قربانی آن می‌شوند، اما هنوز کوچک‌ترین حرکت اساسی در جهت مقابله و جلوگیری از خسارات وارده بر اثر این امر طبیعی نشده است.

بنا به گزارش‌ها تاکنون صدها تن از مردم این منطقه کشته و هزاران نفر بی‌خانمان شده و بسیاری نیز هنوز کمکی دریافت نکرده‌اند. در چنین شرایطی، کمک‌های سایر زحمتکشان، هر چند ابتدایی می‌تواند در نجات زندگی زلزله‌زدگان بسیار موثر باشد.

کانون مدافعان حقوق کارگر این فاجعه را تسلیت گفته و بنا بر منشور خود، خواهان حرکت مردمی در جهت حمایت از کارگران و

زحمتکشان زلزله زده و مشارکت و حضور فعالانه در سازماندهی کمک های مردمی و اداره ی امور کمک رسانی توسط خود مردم است تا این کمک ها به طور واقعی به دست زلزله زدگان برسد. این یاری رسانی در این مقطع به زلزله زدگان کمک خواهد کرد تا توان از دست رفته خود را بازیابند و بتوانند در امر بازسازی ویرانی ها، خود نظارت و مشارکت فعال داشته باشند. تنها در این صورت است که این کمک ها می تواند زندگی از دست رفته زلزله زدگان را تا حدی جبران کند.

کانون مدافعان حقوق کارگر تلاش های خود را برای کمک به زلزله زدگان آغاز کرده و آن را پیگیری خواهد کرد.
کانون مدافعان حقوق کارگر - ۲۲ مرداد ۹۱

تقدیر و تشکر از کادر پزشکی بیمارستان امام خمینی و تشکل های کارگری

با سلام و درود به تمام عزیزان زحمتکش از جمله کارگران، معلمان، پزشکان، پرستاران، بهیاران:
اینجانب رضا شهابی کارگر زندانی از تمامی تیم پزشکی از جمله آقایان دکتر عبدالرضا شیخ رضائی، دکتر میری، دکتر حسین-خانی، دکتر شفیعی، دکتر استاد رحیمی و دکتر طیبی و پرسنل اتاق عمل و کادر پرستاری و خدماتی و نگهبانی ساختمان شماره 2 بیمارستان امام خمینی (ره) بخش جراحی مغز و اعصاب که در مدت بستری، برای بهبودی و سلامتی اینجانب تلاش کرده-اند و نهایت همکاری را با خانواده و دوستان و همکاران در ساعات ملاقات داشته اند بی نهایت تشکر و سپاس گزاری می کنم. از تمام عزیزانی که از جاهای دور و نزدیک با وجود تحمل مشکلات دوری راه و گرمای تابستان و غیره به عیادت آمدند تشکر کرده و دست همه آنها را می فشارم و آرزوی سلامتی و تندرستی و جهانی به دور از جنگ و خونریزی توام با آزادی دارم.

اینجانب رضا شهابی کارگر عضو هیأت مدیره و مسئول مالی سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه در آستانه بازگشت به زندان اوین، از تمام کارگران و فعالین کارگری در تشکل های کارگری از جمله همکارانم در سندیکای شرکت واحد، و همچنین هیأت موسس سندیکاهای کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کمیته پیگیری، فلزکار و مکانیک، سندیکای نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی خبازهای سفز و تشکل های کارگری بین المللی و تشکل های مردمی و شخصیت های مردمی که در مدت زندانی و بستری در بیمارستان از من و خانواده ام حمایت مادی و معنوی کردند بی نهایت سپاسگزاری می کنم.

در پایان از پاسیاران و سربازان مراقب که در مدت بستری اینجانب در بیمارستان با وجود کمی و کاستی های فراوان و بی خوابی بر اثر پست های طولانی مدت در یکان خدمتی، با رفتار و اخلاق و برخورد های خوششان بنده و خانواده ام را مورد لطف و مرحمت خودشان قرار داده اند بی نهایت تشکر و سپاسگزاری می کنم.

رضا شهابی عضو هیأت مدیره و مسئول مالی سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه

بیمارستان امام خمینی - 22/5/1391

تعطیلی واحدهای تولیدی به دنبال افزایش بیرویه نرخ ارز

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 22 مرداد آمده است: یک کارشناس اقتصادی تعطیلی واحدهای تولیدی، کاهش قدرت خرید کارگران، اخراج و تعدیل آنان از واحدهای تولیدی را از اثرات زیان بار افزایش نرخ ارز در بازار دانست.
مهدی تقوی با اشاره به دو گروه از تولید کنندگان، به اینها گفت: یک گروه، تولید کننده های ساده هستند که مواد اولیه و تجهیزات آن ها در داخل تولید می شود. این گروه تنها از تورم موجود در کشور زیان می بینند. اما گروه دوم تولید کنندگانی هستند که مواد اولیه و تجهیزات آن ها عمدتاً از خارج کشور تامین می شود. این دسته علاوه بر تورم از افزایش نرخ ارز نیز در رنج هستند.
به گفته تقوی بار اصلی افزایش نرخ ارز بر دوش کارگران است و تولید کنندگان به خصوص تولید کنندگان دولتی مشکل آنچنانی نخواهند داشت.

این کارشناس اقتصادی اعلام کرد: چون در ایران اتحادیه های کارگری قوی وجود ندارد، قدرت چانه زنی این قشر بسیار پایین است و کار فرمایان، چه خصوصی و چه دولتی می توانند در حق آنان اجحاف کنند. برای مثال در حالی که بانک مرکزی میزان تورم را ۲۲ در صد اعلام کرده افزایش حقوق کارگران تنها ۱۸ درصد بوده است و این دو با یکدیگر همخوانی ندارند.

وی تصریح کرد: متأسفانه در اقتصاد سرمایه داری، کارگر نیروی مغز و دست خویش را می فروشد و چون عرضه کار در این اقتصادها به دلیل افزایش جمعیت زیاد است، قدرت چانه زنی لازم برای کارگران از بین می رود.
او افزایش نرخ ارز را ناشی از یک اتفاق سیاسی و دو اتفاق اقتصادی اعلام کرد و اظهار داشت: اتفاق سیاسی همان تحریم هاست. اما در عرصه اقتصادی ما با دو پدیده مواجه هستیم. تبدیل پول ملی به ارز برای خرید کالا از خارج، مسافرت و حتی تامین خرج تحصیل دانشجویان در خارج از کشور اتفاقی است که به افزایش نرخ ارز کمک می کنند.

وی در ادامه افزود: اتفاق اقتصادی دیگر به دلیل تصمیم گیری های نادرست دولت و مجلس در این زمینه است که باعث می شود عده ای بالا و پایین رفتن نرخ ارز را پیش بینی کنند و دست به خرید یا فروش ارز در بازار بزنند. برای مثال وقتی دولت نرخ ارز مرجع را بالا برد، عده زیادی شروع به خرید ارز کردند و زمانی که مجلس با آن مخالفت کرد، همان ها شروع به فروش ارزهای خریداری شده کردند.

تقوی تأکید کرد: البته تصمیم این عده از نظر اقتصادی صحیح است و مثلاً اگر دولت نرخ ارز را ۵ هزار تومان اعلام کند حتی من و شما هم فرش خانه خود را می فروشیم تا ارز بخریم.

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه متذکر شد: بحران فعلی ناشی از سیاست های نادرست اقتصادی دولت به خصوص هدفمندی یارانه هاست. اولین کسی که در زمان هدفمندی یارانه ها با این امر مخالفت کرد من بودم. قرار دولت بر این بود که از محل ذخیره پول ناشی از طرح هدفمندی یارانه ها، ۳۰ درصد را به واحدهای تولیدی اختصاص دهد که اینطور نشد. نتیجه این امر نیز آسیب دیدن واحدهای تولیدی و به تبع آن اخراج و تعدیل کارگران از این واحدها شد.

وی در پایان اضافه کرد: منحنی فیلیپس در حقیقت نمایانگر وجود و ثبات یک رابطه معکوس بین دو مشکل مهم اقتصادی یعنی بیکاری و تورم است. در حالت عادی ممکن است با مشکل تورم زیاد رو به رو شویم ولی حداقل مشکل بیکاری خیلی حاد نیست. اما در حال حاضر هم با تورم رو به رو هستیم هم با بیکاری و منحنی فیلیپس سیر صعودی به خود گرفته است.

نیمرخ ستم در عمق 300 متری زمین

***جایی که چون "دور از چشم" است میتوان حداکثر ساعت کار را از 8 ساعت به 12 ساعت افزایش داد آنهم با استفاده از قوانین مربوط به کار مشقت بار!**

به نوشته سایت روشنگری و به نقل از خبرگزاری دولتی مهر گزارش بسیار کوتاهی دارد از وضعیت کارگران معدن در ایران که طبیعتاً نمیتواند گویای ابعاد وسیع مشکلات و مصائب این کارگران باشد اما در شرایط محرومیت کارگران ایران از آزادی تشکل و بیان، به همین گزارش کوتاه هم میتوان متوسل شد که مشقت نمونه خروار است. در رابطه با شرایط کارگر کارگران در گزارش از جمله آمده است:

***12 ساعت کارروانه و 240 ساعت کار در ماه در عمق 300 متری.**

***روزانه 34 هزار و ماهانه 400 هزار تومان برای کار طاقت فرسا در این شرایط مشقت بار.**

*** فرار پیمانکار از قوانین حمایتی و مناسب بودن شرایط برای فرار کارفرمایان از انجام وظایف خود در برابر کارگران.**

[در رابطه با نقاب کارفرما، به این نقل قول توجه کنید: «این مقام مسئول کارگری کشور افزود: طبق قانون کار، افراد در مشاغل عادی باید روزانه 8 ساعت کار کنند و این میزان در مورد کارگران مشاغل سخت و زیان آور به میزان 6 ساعت در هر روز است، البته در برخی مواقع خاص این میزان نیز قابل کاهش است اما 2 شیفت 6 ساعته در روز در هیچ کجای قانون وجود ندارد.»!! بعبارت دیگر

کارفرما فقط از قانون فرار نمیکند بلکه از قانون "کمک" هم میگیرد تا سقف حداکثر ساعت کار برای کار مشقت بار را از 8 ساعت به 12 ساعت افزایش دهد! و همه اینها هم «دور از چشم» دولت و قانون صورت میگیرد، چون دولت و قانون در جمهوری اسلامی با ستم و ستمگر دمساز است و چهار چشمی مواظب آنکه شهروندان علیه ستم و ستمگری سر به شورش برندارند.]

***رواج بیماری های پوستی، تنفسی، چشمی و انواع بیماری های ناشی از مسمومیت بعلاوه ناراحتی های روحی.**

***شکستن رکورد سوانح کار به علت شرایط نامناسب و مقام دوم در مرگ و میر نیروی کار.**

***تقلب در لیست بیمه کارگران توسط کارفرمایان به منظور خارج کردن کار در معدن از لیست مشاغل سخت و نادیده گرفتن حقوق کارگر.**

***حمایت دولت از پیمانکاران به هزینه کارگران و به بهای قربانی کردن کارگران**

این گزارش خبری کوتاه، گزارشات تصویری جالب توجهی هم به همراه دارد که در لینک های زیر به آنها دست یافت .

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1666383>

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1665568>

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1665570>

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1667114>

پیام کارگران دربند رضا شهبای عضو هیأت مدیره سندیکای واحد و علی نجاتی عضو هیأت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه

گرانی مایحتاج روزانه مردم و افزایش نجومی تورم و گرانی افسار گسیخته قیمت کالاهای مصرفی، پزشکی، دارویی نفس مردم محروم و ضعیف را بریده است و عملاً قدرت خرید اکثریت جامعه را پایین آورده است. افزایش سرسام آور بهای اجاره مسکن، افزایش لشکر بیکاری، نبود امنیت شغلی (البته شغلی وجود ندارد که امنیت شغلی داشته باشد) قدرت تصمیمگیری برای جوانان را جهت تشکیل زندگی غیر ممکن ساخته است.

طبق آمار و ارقام کارشناسان دولتی خط فقر یک میلیون تومان اعلام شده ولی دستمزد مصوبه شورای عالی کار و دستمزد، بر اساس تورم اسفند ماه سال 90، سیصد و نود و هشت هزار تومان تعیین می شود، یعنی یک سوم زیر خط فقر، این یعنی مرگ تدریجی برای خانواده بزرگ کارگری. یک خانواده چهار نفری طبق قانون باید از حداقل امکانات بهره مند شوند، یعنی با درآمد ماهانه بتواند حداقل مایحتاج یک خانواده چهار نفری از تحصیل تا مسکن، درمان، خوراک، پوشاک و تفریح را تامین کند، ولی عملاً می بینیم کارگران با این حقوق هیچ کدام از این مایحتاج که هر کدام به نوبه خود مهم و اساسی هستند را نمیتوانند برآورده کنند. تورم به روز افزایش پیدا می کند و قدرت خرید مردم به روز سیر نزولی به خود می گیرد.

ما کارگران دربند ضمن محکوم کردن گرانی ها و افزایش تورم و به طبع آن پایین آمدن قدرت خرید کارگران تقاضای تشکیل جلسه شورای عالی کار و دستمزد طبق ماده 41 قانون کار برای تعیین دستمزد کارگران براساس تورم اعلامی از طرف بانک مرکزی را که 5/22 درصد می باشد در نیمه دوم سال 91 هستیم. دولت همانطور که در پایان هر سال دستمزد کارگران را بر اساس تورم سه ماهه آخر همان سال برای سال جدید تعیین می کند، باید دوباره دستمزد کارگران را به دلیل افزایش تورم افزایش دهد تا کارگران حداقل بتوانند برای زنده ماندن امیدوار باشند، دستمزد مصوبه دولت در سال 90 در حقیقت برای زنده ماندن است نه برای زندگی کردن!!!

کارگران و زحمتکشان گرامی همانطور که می دانیم:

چرخ اقتصاد کشور با دستان پرتوان ما به چرخش در می آید، بیابید برای رهایی از این وضعیت اسفبار نابرابر و ظالمانه، برای رسیدن به یک زندگی شایسته با هم متحد شویم و تشکل های مستقل خودمان را در کارخانه ها و صنایع و کارگاه ها و شرکت ها ایجاد کنیم

و اعتراض خودمان را نسبت به افزایش تورم، گرانی مایحتاج روزانه مردم و بیکاری و اخراج‌های بی رویه نشان دهیم. این حداقل‌ها حتی در قانون اساسی و مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار ذکر شده است و جزء ابتدایی‌ترین حقوق ما می‌باشد.¹

ما کارگران در بند که بر اساس فشارهای روحی و روانی و بازداشت‌های طولانی مدت در سلولهای انفرادی گرفتار انواع بیماریهای جسمی شده‌ایم از تمامی کارگران و فعالین کارگری تشکل‌های کارگری از جمله همکارانمان در سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، و همچنین هیات موسس سندیکاهای کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کمیته پیگیری، فلزکار و مکانیک، انجمن صنفی خبازهای سقز و تشکل‌های کارگری بین‌المللی و تشکل‌های مردمی و شخصیت‌های مردمی که در مدت زندانی و بستری در بیمارستان از ما و خانواده‌های ما حمایت مادی و معنوی کردند بی نهایت سپاسگزاری می‌کنیم و امیدواریم که این همکاری و همبستگی هر روز از روز پیش بیشتر و بیشتر شود.

1) البته می‌دانیم که دولت‌های سرمایه‌داری حتی همین قوانین نیم بند خودشان را هم رعایت نمی‌کنند ولی ما کارگران از همین قوانین نیم‌بند برای رسیدن به مطالبات خودمان باید استفاده کنیم.

به امید اتحاد و همبستگی تمامی کارگران جهان

رضا شهابی عضو هیات مدیره و مسئول مالی سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه

علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بیمارستان امام خمینی تهران - 22/5/1391

اطلاعیه شماره 36 - پیام تسلیت رضا شهابی به زلزله زدگان استان آذربایجان شرقی - پیام مشترک کارگران دربند رضا شهابی و علی نجاتی

پیام تسلیت به زلزله زدگان استان آذربایجان شرقی

حادثه غم انگیز زلزله در شهرستان های اهر، ورزقان و هریس موجب تاسف و تأثر جامعه بزرگ کارگری گردید . در درجه ی اول مسبب این گونه حوادث کوتاهی مسئولین حکومتی است چرا که در طول این سال ها علی رغم داشتن تجربه ی زلزله های رودبار و منجیل و بم و آسیب های بدون بازگشت آنها، برای مقاوم نمودن و رعایت اصول ایمنی در ساخت و ساز هیچگونه کار بنیادی انجام نداده اند. ضمن ابراز همدردی و تسلیت به مردم شریف استان آذربایجان و ملت ایران برای بازماندگان صبر و اجر جزیل خواستارم و از تمام همشهری ها و مردم عزیز و تشکل های کارگری و مردمی، شخصیت های مردمی و آزادی خواه و نهادهای بین المللی و امداد رسانی داخلی و خارجی، عاجزانه تقاضا دارم در این گرمای طاقت فرسای تابستان با کمک های مالی، دارو، چادر، پتو، پوشاک و مواد غذایی، چراغ و والور به یاری مجروحین و زیر آوارمانگان و بی خانمان ها در شهرها و روستاهای اهر، هریس و ورزقان بشتابند.

رضا شهابی

کارگر زندانی، خزانهدار و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه

بیمارستان امام خمینی - 91 / 5 / 23

اطلاعیه شماره 35- بازگشت رضا شهابی به زندان اوین- تقدیر و تشکر از پزشکان، کادر درمان و

تشکل‌های کارگری

رضا شهابی که به علت صدمات وارده در هنگام دستگیری و انفرادی ها و بازجویی های طولانی مدت دچار دیسک گردن و کمر شده بود و در تاریخ 3 مرداد مورد عمل جراحی دیسک گردن قرار گرفته بود؛ امروز سه شنبه 23 مرداد به زندان اوین بازگردانده شد. رضا در شرایطی به زندان برگردانده می شود که از نظر پزشکان، وی به علت عمل دیسک گردن حتماً باید ضمن استراحت در منزل تحت درمان های تکمیلی قرار گیرد و پس از طی دوره درمان در صورت مهیا بودن شرایط جسمی، دیسک کمر او نیز مورد عمل قرار گیرد. همچنین پزشکان معالج وی تأیید کرده اند که وی به هیچ وجه به علت این عمل سنگین و دیسک کمر توان تحمل کیفر (حبس) را ندارد.

رضا همچنین امروز در آستانه بازگشت به زندان طی پیامی از همه پزشکان، کادر درمان و ... تشکل ها و فعالین کارگری تشکر کرد که متن آن نیز به پیوست است.

کمیته دفاع از رضا شهابی - 23 مردادماه ۱۳۹۱

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: 09357353412

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

لیست اعضای کمیته دفاع از رضا شهابی:

رحمان ابراهیم زاده - یوسف آب خرابات - بهنام ابراهیم زاده - لقمان ابراهیم زاده - سعید ابراهیمی - فرهاد ابراهیمی - هه ساره ابراهیمی - شجاع ابراهیمی - جلال احمدی - جمیل احمدی - فرزاد احمدی - لطف اله احمدی - علی آزادی - ولی آزادی - علی آذریان - یوسف آذریان - ربابه آذریان - حسن آذریان - حبیب آذریان - معصومه آذریان - لیلا آذریان - توفیق اسدی - طیب اسدی - محمد اسدی - بهروز اسماعیلی - سنا اسماعیلی - امیر اسلامی - سیما احسان خواه - یداله احمد پناه - علیرضا اکبری - توفیق امین پناه - مهرداد امین وزیری - جلال امینی - عباس اندریانی - ریحانه انصاری - صدیق امجدی - رقیه اصولی - اسماعیل باز افکن - حسین باقری - امیر باقری - امین باقری - فرهاد برنا - فرزاد برنا - سینا برنا - تورج برنا - مریم بختیاری - کوروش بخشنده - هوشیار بهمنی - شادی بهرامی - گلپاخ بهمنی - سمیه بهشتی زاد - کیانوش بهشتی - کیومرث بهشتی زاده - عبدالله بلواسی - ناصر پرکالیان - یاشار پورخامنه - زانیار پورعباد - برهان پیر خضرائی - جلال پیروتی - حسین پیروتی - رحمان تنها - وحید تیطاخ - یوسف جاهدی - قنبر جبارپور - سونیا جبار پور - سحر جبار پور - شبیم جبار پور - محمد چرتاب - سعیدی چمنی - فرهاد حاتمی - شوان حبیبی - ایوب حسن زاده - مجید حسن زاده - حسین حسن آبادی - محمد حسین - مجید حمیدی - سرکو حسینی - دیمین حسینی - نیشتمان حسینی - همدم حسینی - ناکو حسینی - شیرکو حسینی - علی حسینی - شاهو حسین پناهی - صباح حیدری - غالب حسینی - عبدالله حسینی - سعید حسینی - خالد حسینی - محسن حسینی تبار - دلیر حسینی - حسن حقیقی - ابوالفضل حکمتی - غلامعلی حکمتی - علیرضا خباز - علی خدارحمی - صدیق خسروی - گلریز خلیلی - چگوارا خورشیدی - خلیل خورشیدی - محمد علی خلیلی - سامره داشاد - شهلا دل بینا - سوسن رازانی - منیره رحیمی - غلام رزمی - افروز رزمی - احمد رزمی - بهمن رزمی - فاطمه رزمی - علیرضا رزمی - فاطمه رفیعی - ربابه رضایی - فریبا رضایی - نوراله رضایی - شهناز رضا قلی - دیلان رضاقلی - برهان رضوی - فریبرز رئیس‌دانا - بیژن رستمی - محی الدین رجبی - سید داوود رضوی - حمید رضایی - ظهیر رضوی - حشمت الله رضایی - هاشم رستمی - آرزو روحی - فواد رنجبری - حسن رنجبری - زاهد رضوی - فراز روشن - سارا زارع - اکبر زاهدی - بیژن زاهدی - ناصر زرافشان - بهزاد زمانی - لیلا زمانی - فواد زندی - بهمن زندی - شریف ساعد پناه - سوما ساعد پناه - کیوان ساعد پناه - یعقوب سبک‌خیز - صدیق سبحانی - شیوا سبحانی - عباس سپهری - احمد سجادی - حسن سعیدی - هوشیار سعیدی - هاجر سعیدی - دلیر سفیدی - علی سهرابی - نیما سهرابی - طلحه سلامی - مسعود سلیم پور - خالد سعیدی - فتاح سلیمانی - مسعود سبحانی - رحمان سلیمانی - ادیب سوره بومه - واحد سیده - دلیر سفیدی - حبیب اله سلیمانی - ژوبین شادی - پاشا شاکر - نسترن شامعلی - کیوان شریفی - شهرام شمشری - زاهد شریعتی - علی شهابی زکریا - بهنام شهابی زکریا - حسن شهابی زکریا - پژمان شهابی زکریا - شیرین شهابی زکریا - محمد امین شهابی زکریا - زهرا شهابی زکریا - بهمن شهابی زکریا - مهدی شهابی زکریا - عسگر شهابی زکریا - قاسم شهابی زکریا - لیلا شهابی - سارا شهابی - بهرام شهابی - شهرام شهابی - مسعود شهابی - محمود شهابی - آریاشهابی - آرینا شهابی - محمد شهابی - سیفعلی شهابی - فرامرز شریعتی - عمر شعبانی - جلیل شریفیان - سعید شوقی - علی شوقی - عباس شوقی - میناشوقی - سمیه شوقی - شندی - بهاره صابری - نظام صادقی - منیره صادقی - مریم صادقی - نجیبه صالحزاده - محمود صالحی - علی صالحی - مظفر صالح نیا - عبدالله صمدی - مهرداد صبوری - یدالله صمدی - مادر صمدی زکریا - بختیار صمدی - حاتم صمدی - رسول صمدی - مهران صمدی - مهرداد صمدی - منوچهر صمدی - مهدی صمدی - مریم صمدی - جعفر صمدی - حمید صمدی - علی صمدی - شاهو صفیاری - فریدون ضیائی - ناهید ضیائی - سالار ضیائی - شایان ضیائی - رها ضیائی - محمد عبیدی پور - مرضیه عبیدی - سیوان عبیدی - فرزاد عبیدی - ربیوار عبداللهی - فواد عبداللهی - محمد عزیز - علیرضا عسگری - سروش علیپور - آرام فاتحی - طاهره فاضلی - بیان فاتحی - سیروس فتحی - کوروش فتحی - رابعه فروردین - ابوبکر فطنی - چینی فیضی - حبیب فتحنائی - کیوان فروتن - شورش فروتن - بهزاد فرج الهی - کاظم فرج الهی - کژال فتحی - مریم قاسملو - پژمان قادری - وفا قادری - زینب قباد پور - یداله قطبی - محمود قلی زاده - صالح قهرمانی - عبدالله کاظمی - فهیمه کاملی - سورام کریمی - سیف اله کمانگر - عطیه کمانگر - ناصر کمانگر - مرتضی کمانگر - شاهرخ کریمی - رحمان کریمیان - چیمین کیخسروی - علی کریمی - شهناز گلزاری - شعله گودرزی - محمد گوپلیان - اقبال لطیفی - شهناز لرکی - بردیا مارابی - افسانه ملا زینل - فرید مجیدی - مینا موحد - جلیل محمدی - علی محمدی - عباس محمودی - مجید محمودی - فیروز محمدزاده - شمس الدین مرادی - زاهد مرادیان - غریب مرادیان - آزاد مرادی نیا - پروین مرادی نیا - اسعد مرادیان - مسعود مرادیان - صباح ملکی - کمال ملکی - مجید ملکی - خادر ملکی - ستار ملای - سیروان مجیدی - ایوب مجیدی - احد محمودی - جهانگیر محمود ویسی - حامد محمودی نژاد - لاله محمدی - وحید مختارپور - محمد مولانابی - فریدین میرکی - محمد امین میرکی - شریفه محمدی - منیره محمدی - نوشین محمدی - هدی محمدی - مریم میرکی - بهمن محمدی - سعید مقدم - منصور محمد - کوکب محمدی - فردین مهدی - عمر مینایی - کیوان مرادی - فرزاد مرادی نیا - خبات مرادی - مازیار مهرپور - دیاکو مردوخ - نسرین محمدی - علیرضا موثقی - منیره موحد - سیاوش موحد - نادر نادر - شاپور نادر - جهانگیر نادر - جهانپور نادر - جهانسوز نادر - فایق نامداری - کوروش نامداری - پروین نامداری - نقشین ناصری - فردین نگهدار - هوشیار نجاری - نامق نیکدل - پدram نصرالهی - گوهر ناصری - افشین ندیمی پور - علی اکبر نظری - صدیقه نظری - سید رضا نعمتی پور - آرمان نوری زاد - لیلا نیکو خصال - محمدعلی نیکو خصال - حسین نظیف کردار - آزاد ورمزیار - احسن وزیری - آزاد وکیلی - اشکان وکیلی - جهانبخش وکیلی - میلاد وکیلی - طه ولیزاده - عباس هاشمپور - میترا همایونی - آمانج یوسفی - قانع یوسفی - پروین یوسفی نژاد

تقدیر و تشکر از کادر پزشکی بیمارستان امام خمینی و تشکل‌های کارگری

با سلام و درود به تمام عزیزان زحمتکش از جمله کارگران، معلمان، پزشکان، پرستاران، بهیاران:

اینجانب رضا شهابی کارگر زندانی از تمامی تیم پزشکی از جمله آقایان دکتر عبدالرضا شیخ رضائی، دکتر میری، دکتر حسین‌خانی، دکتر شفیع، دکتر استاد رحیمی و دکتر طیبی و پرسنل اتاق عمل و کادر پرستاری و خدماتی و نگهبانی ساختمان شماره 2 بیمارستان امام خمینی (ره) بخش جراحی مغز و اعصاب که در مدت بستری، برای بهبودی و سلامتی اینجانب تلاش کرده‌اند و نهایت همکاری را با خانواده و دوستان و همکاران در ساعات ملاقات داشته‌اند بی نهایت تشکر و سپاس‌گزاری می‌کنم. از تمام عزیزانی که از

جاهای دور و نزدیک با وجود تحمل مشکلات دوری راه و گرمای تابستان و غیره به عیادت آمدند تشکر کرده و دست همه آنها را می فشام و آرزوی سلامتی و تندرستی و جهانی به دور از جنگ و خونریزی توام با آزادی دارم.

اینجانب رضا شهبابی کارگر عضو هیأت مدیره و مسئول مالی سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه در آستانه بازگشت به زندان اوین، از تمام کارگران و فعالین کارگری در تشکلهای کارگری از جمله همکارانم در سندیکای شرکت واحد، و همچنین هیأت موسس سندیکاهای کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته پیگیری، فلزکار و مکانیک، سندیکای نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی خبازهای سقز و تشکلهای کارگری بین‌المللی و تشکلهای مردمی و شخصیت‌های مردمی که در مدت زندانی و بستری در بیمارستان از من و خانواده‌ام حمایت مادی و معنوی کردند بی نهایت سپاسگزار می‌کنم.

در پایان از پاسپاران و سربازان مراقب که در مدت بستری اینجانب در بیمارستان با وجود کمی و کاستی‌های فراوان و بی‌خوابی بر اثر پست‌های طولانی مدت در یکان خدمتی، با رفتار و اخلاق و برخوردهای خوبشان بنده و خانواده‌ام را مورد لطف و مرحمت خودشان قرار داده‌اند بی نهایت تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

رضا شهبابی عضو هیأت مدیره و مسئول مالی سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه

بیمارستان امام خمینی - 22/5/1391

اعتراض کارگران شهرداری تهران به حقوق پایین

به گزارش سایت ملت، در 22 مرداد آمده است: اغلب کارگران مسئول جمع‌آوری زباله و نظافت منطقه دو شهرداری تهران به دلیل پایین بودن حقوق و دستمزد، یا در اعتصاب به سر می‌برند یا محل کار خود را ترک کرده‌اند، در نتیجه در اغلب روزها زباله‌های این منطقه با تاخیر بسیار جمع‌آوری می‌شود.

بر اساس این گزارش، گفت‌وگو با معهود کارگران باقی‌مانده در این منطقه حاکی از آن است که این مشکل که منجر به انباشت چندین روزه زباله‌ها در خیابان‌ها و کوچه‌ها شده از ابتدای سال جاری و پس از آن‌که پیمانکاران تعیین شده برای این بخش از تهران حقوق کارگران را سه میلیون ریال اعلام کرده، به وجود آمده و چون تدبیری برای احقاق دستمزد قانونی این کارگران به کار گرفته نشده است تاکنون که در اواخر ماه پنجم سال هستیم ادامه یافته و باعث شده که بسیاری از کارگران شاغل در این ناحیه محل کار خود را ترک کرده و حاضر به ادامه همکاری با شهرداری نیستند.

این گزارش می‌افزاید، پس از آن‌که شهرداری تهران امور مربوط به کارگران جمع‌آوری‌کننده زباله و نیز نظافتکاران منطقه را به شرکت‌های به ظاهر خصوصی واگذار کرد، متأسفانه بر میزان حقوق پرداختی به این کارگران زحمتکش نظارت نکرده و این شرکت‌های پیمانکاری نیز از ابتدای سال تاکنون بدون توجه به قانون کار از پرداخت حداقل حقوق تعیین شده برای کارگران امتناع کرده و با پرداخت مبلغ سه میلیون ریال باعث اعتراض بسیاری از این زحمتکشان شده‌اند.

در ادامه این گزارش آمده است: پس از گذشت چندین ماه از اعمال این روش غیرقانونی و اصرار بر پرداخت مبلغی بسیار کمتر از حداقل حقوق تعیین شده برای کارگران و عدم توجه به اعتراض‌های این کارگران، بسیاری کار خود را ترک کرده و به مشاغل دیگری مشغول شده و یا بیکاری را به چنین کاری ترجیح داده‌اند. در این بین حتی کارگران افغانی نیز که معمولاً با کمترین دستمزد کار می‌کردند، حاضر به ادامه همکاری با شهرداری نشده و از ادامه همکاری با این منطقه شهرداری تهران امتناع کرده‌اند.

به این ترتیب سوءمدیریت و نبود نظارت‌های لازم در این منطقه از شهرداری تهران باعث شده در بعضی از نواحی این منطقه، (که بخش‌هایی از سعادت آباد تا ضلع شرقی بزرگراه اشرفی اصفهانی را شامل می‌شود) زباله‌ها هر چند روز یک بار، آن هم به شکلی نیمه تمام، انجام شود. در نتیجه در فصل تابستان و با وجود گرمای هوا، مشکلات ناشی از تجمع انواع حشرات موذی و بوی بد ناشی از انباشت زباله‌ها ساکنین این منطقه را دچار نگرانی کرده است.

فرد هان و کنديس رنیک: به نمایندگی از ۲۳۰ هزار عضو اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انتاریو،

ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط علیرضا عسگری، جلیل محمدی و کلیه فعالین کارگری زندانی در ایران هستیم.

۱۳ اگوست ۲۰۱۲

به رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله سید علی خامنه‌ای

ما بدینوسیله ابراز نگرانی عمیق خود را در مورد بدرفتاری با علیرضا عسگری و جلیل محمدی ابراز داشته و خواهان آزادی فوری آنها از بازداشت می‌باشیم.

اطلاعات ما مبنی بر این است که علیرضا عسگری و جلیل محمدی، فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، پس از آنکه نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ حمله کردند، دستگیر شدند. گزارش شده است که در مجموع حدود ۶۰ نفر از فعالین کارگری وحشیانه توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان رجایی شهر در کرج منتقل شدند. اکثر بازداشت شدگان، پس از بازجویی‌های سخت، ضرب و شتم و اهانت آزاد شدند، با این حال، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان ناعادلانه در بازداشت به سر می‌برند.

ما در مورد سلامتی و امنیت علیرضا عسگری و جلیل محمدی به طور جدی نگران هستیم. کمیته هماهنگی گزارش داده است که این دو فعال کارگری تحت ضرب و شتم شدید و فشارهای روحی و روانی قرار گرفته‌اند. بنا به گزارش‌های رسیده، علیرضا عسگری از تیش قلب شدید، درد قلب، بی‌حسی و ضعف در دست چپ و ضعف شدید، که صدمات جسمانی ناشی از بازجویی‌ها هستند، رنج می‌برد. جلیل محمدی نیز از وضعیت رو به وخامت جسمانی به علت صدمات متحمل شده در طول بازجویی رنج می‌برد.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انترایو ۲۳۰ هزار کارگر را نمایندگی می کند، کارگرانی که بصورتی پایدار و محکم در حمایت از حقوق کارگران در سراسر جهان برای سازماندهی اتحادیه ها و دیگر تشکل های کارگری که برای بهبود شرایط کار تلاش میکنند ایستاده اند. ما اعتقاد داریم که این حقوق انسانی بنیادی، برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کارگران، از تورنتو تا تهران، حیاتی است. ما عمیقاً نگران گزارشهایی هستیم که مبنی بر آن علیرضا عسگری و جلیل محمدی در تاریخ ۴ اگوست ۲۰۱۲ در شعبه ۴ دادگاه انقلاب اسلامی کرج به اتهام " اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل گروه غیرقانونی کمیته هماهنگی " محاکمه شدند. ما قویاً این بازداشت های ناعادلانه و آزار و اذیت وحشیانه این فعالان کارگری که در بازداشت به سر می برند را محکوم نموده و تداوم آزار و اذیت و بازداشت فعالین کارگری در ایران و یورش اخیر به جلسه کارگران در کرج را محکوم می کنیم. به نمایندگی از ۲۳۰ هزار عضو اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انترایو، ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط علیرضا عسگری، جلیل محمدی و کلیه فعالین کارگری زندانی در ایران هستیم.

فرد هان، پرزیدنت؛ کنديس رننيک، دبیر خزانه داری

Click: CUPE Ontario: Free Alireza Asgari and Jalil Mohammadi

رونوشت:

Executive Board, International Solidarity Committee, info@leader.ir, info@judiciary.ir, dr-ahmadinejad@president.ir, iran@un.int, ijpr@iranjudiciary.org, info@dadiran.ir, office@justice.ir, support@irimlsa.ir, info@humanrights-iran.ir, avaei@Dadgostary-tehran.ir, bia.judi@yahoo.com, info@mlsa.ir; info@workers-iran.org

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

کمیته همبستگی بین المللی- اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا (CUPE) انترایو:

علیرضا عسگری و جلیل محمدی را آزاد کنید

۱۳ اگوست ۲۰۱۲، تورنتو، کانادا

به مقامات جمهوری اسلامی ایران

علیرضا عسگری و جلیل محمدی، از فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، پس از آنکه نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ حمله کردند، دستگیر شدند. در مجموع حدود ۶۰ نفر از فعالین کارگری وحشیانه توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان رجایی شهر در کرج منتقل شدند. اکثر بازداشت شدگان، پس از بازجویی های سخت، ضرب و شتم و اهانت، به قید وثیقه آزاد شدند، با این حال، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان غیر منصفانه در بازداشت به سر می برند. علاوه بر این دو فعال کارگری، فعالان کارگری خوش نام و با سابقه ای از جمله محمود صالحی، خالد حسینی، غالب حسینی، محمد عبدی پور و جلال حسینی در میان حدود شصت نفر دستگیر شدگان بوده اند و همگی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بسیاری از دستگیرشدگان متحمل آسیب های جدی شده اند. لکن محمود صالحی در اثر ضرب و شتم شکسته شد و به شنوایی خالد حسینی به شدت آسیب رسیده است.

نگرانی های جدی در مورد سلامتی و امنیت علیرضا عسگری و جلیل محمدی وجود دارد. کمیته هماهنگی اعلام کرده است که این دو از فعالین کارگری تحت ضرب و شتم شدید و فشارهای روحی و روانی قرار گرفته اند. علیرضا عسگری بنا به گزارش ها از تپش قلب شدید، درد قلب، بی حسی و ضعف در دست چپ و ضعف شدید، که تماماً صدمات جسمانی ناشی از بازجویی ها هستند رنج می برد. جلیل محمدی نیز از وضعیت رو به وخامت جسمانی به علت صدمات متحمل شده در طول بازجویی رنج می برد.

علیرضا و جلیل در تاریخ ۴ اوت ۲۰۱۲، در شعبه ۴ دادگاه انقلاب اسلامی کرج و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل گروه غیر قانونی کمیته هماهنگی" محاکمه شدند. خانم ریحانه انصاری که بدنبال حمله به مجمع عمومی با قرار وثیقه از زندان آزاد شده بود در همان روز با اتهامات مشابهی محاکمه شد. هر سه نفر این اتهامات را رد کردند. هیچ یک از آنها در میان بنیانگذاران کمیته هماهنگی نبوده اند و تنها اعضای کمیته هماهنگی می باشند. دادگاه همچنین این اتهام را مطرح کرد که کمیته هماهنگی منتسب به یکی از احزاب سیاسی میباشد، که با واکنش های این فعالین کارگری و تاکید آنها بر استقلال کمیته هماهنگی مواجه شد. من به شدت بازداشت ناعادلانه و آزار و اذیت این فعالین کارگری را محکوم می کنم. من آزار و اذیت و بازداشت فعالین کارگری در ایران و حمله اخیر به جلسه کارگران در کرج را محکوم می کنم. من خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط علیرضا عسگری، جلیل محمدی و همه فعالان کارگری در ایران هستم.

با احترام،

ایلین بوربانو

نماینده منتخب، اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا (CUPE) انترایو- کمیته همبستگی بین المللی

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

راجر هنسن

پرزیدنت، اتحادیه کارگران حمل و نقل نیروژ

۱۴ اگوست ۲۰۱۲، اسلو

به دولت ایران:

علیرضا عسگری و جلیل محمدی، از فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، پس از آنکه

نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ حمله کردند، دستگیر شدند. در مجموع حدود ۶۰ نفر از فعالین کارگری وحشیانه توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان رجایی شهر در کرج منتقل شدند. اکثر بازداشت شدگان، پس از بازجویی های سخت، ضرب و شتم و اهانت، به قید وثیقه آزاد شدند، با این حال، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان غیر منصفانه در بازداشت به سر می برند. علاوه بر این دو فعال کارگری، فعالان کارگری خوش نام و با سابقه ای از جمله محمود صالحی، خالد حسینی، غالب حسینی، محمد عیدی پور و جلال حسینی در میان حدود شصت نفر دستگیر شدگان بوده اند و همگی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بسیاری از دستگیرشدگان متحمل آسیب های جدی شده اند. لگن محمود صالحی در اثر ضرب و شتم شکسته شد و به شنوایی خالد حسینی به شدت آسیب رسیده است.

نگرانی های جدی در مورد سلامتی و امنیت علیرضا عسگری و جلیل محمدی وجود دارد. کمیته هماهنگی اعلام کرده است که این دو از فعالین کارگری تحت ضرب و شتم شدید و فشارهای روحی و روانی قرار گرفته اند. علیرضا عسگری بنا به گزارش ها از تپش قلب شدید، درد قلب، بی حسی و ضعف در دست چپ و ضعف شدید، که تماما صدمات جسمانی ناشی از بازجویی ها هستند رنج می برد. جلیل محمدی نیز از وضعیت رو به وخامت جسمانی به علت صدمات متحمل شده در طول بازجویی رنج می برد. علیرضا و جلیل در تاریخ ۴ اوت ۲۰۱۲، در شعبه ۴ دادگاه انقلاب اسلامی کرج و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل گروه غیر قانونی کمیته هماهنگی" محاکمه شدند. خانم ریحانه انصاری که بدنبال حمله به مجمع عمومی با قرار وثیقه از زندان آزاد شده بود در همان روز با اتهامات مشابهی محاکمه شد. هر سه نفر این اتهامات را رد کردند. هیچ یک از آنها در میان بنیانگذاران کمیته هماهنگی نبوده اند و تنها اعضای کمیته هماهنگی می باشند. دادگاه همچنین این اتهام را مطرح کرد که کمیته هماهنگی منتسب به یکی از احزاب سیاسی میباشد، که با واکنش های این فعالین کارگری و تاکید آنها بر استقلال کمیته هماهنگی مواجه شد. من به شدت بازداشت ناعادلانه و آزار و اذیت این فعالین کارگری را محکوم می کنم. من آزار و اذیت و بازداشت فعالین کارگری در ایران و حمله اخیر به جلسه کارگران در کرج را محکوم می کنم. من خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط علیرضا عسگری، جلیل محمدی و همه فعالان کارگری در ایران هستم.

با احترام،

راجر هنسن

پرزیدنت، اتحادیه کارگران حمل و نقل نروژ

لینک به اصل نامه:



Norwegian Transport Workers' Union: Free Alireza Asgari and Jalil Mohammadi

Norsk Transportarbeiderforbund

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۳۹۱-۵-۲۱

<http://www.workers-iran.org>

info@workers-iran.org

تجمع کارگران صنایع فلزی ایران در اعتراض به عقب افتادن حقوقشان

به گزارش صدای آلمان در تاریخ 23 مرداد آمده است: صبح روز دوشنبه (۲۳ مرداد / ۱۳ اوت) کارگران صنایع فلزی ایران در مقابل بزرگراه فتح تجمع کردند. دلیل این تجمع عقب افتادن هشتماهه حقوق این کارگران اعلام شده است. ولی موحد، نماینده این کارگران در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری ایلنا گفت در جلسه ای با حضور مدیران کارخانه در استانداری تهران قرار شد حقوق عقب افتاده تا روز یکشنبه (۲۲ مرداد / ۱۲ اوت) پرداخت شود، اما این قول عملی نشد و به همین جهت کارگران با این اقدام اعتراض خود را نشان می دهند. ولی موحد تاکید کرد که در صورت بی توجهی مسئولان به خواست قانونی کارگران، آنها "به تجمعات خود ادامه می دهند."

زلزله زدگان آذربایجان شرقی قربانیان نظام سرمایه داری هستند!

زنده باد همیاری و همبستگی مردمی با زلزله زدگان آذربایجان شرقی

روز شنبه برابر با ۱۱ آگوست ۲۰۱۲ زلزله ای با شش و دو ریشتر در چهار شهرستان هریس، کلبر، اهر و ورزقان به وقوع پیوست، که کلبر نسبت به شهرستان های دیگر آسیب کمتری دیده است. شهرستان هریس با ۹۶ روستا، اهر با ۳۲۵ روستا و ورزقان با ۱۱۰ روستا، که در مجموع بیش از ۵۰۰ روستا، بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد، تخریب شده اند. با گذشت دو روز از وقوع زلزله های آذربایجان شرقی تعداد جان باختگان و مجروحین این حادثه دلخراش ساعت به ساعت افزایش می یابد. رژیم اسلامی سرمایه تا کنون از دادن اطلاع دقیق از تعداد قربانیان این فاجعه خود داری کرده است. کمک رسانی به مناطق زلزله زده آنچنان ضعیف بوده است که حتی صدای نمایندگان مرتجع مجلس اسلامی را نیز در آورده است. فریاد دادخواهی این قربانیان با وجود سانسور آشکار رسانه های دولتی در انعکاس ابعاد فاجعه آمیز این زلزله، توسط افراد مستقل در اینترنت با تصاویر تراژیک و تاسف آور بسیاری منتشر می شود. جمهوری اسلامی برای حفظ منافع سرمایه داران، میلیون ها دلار صرف هزینه های نظامی برای سرکوب آزادی خواهان برابری طلب و فعالین کارگری می کند اما نه تنها از فرستادن امکانات ضروری و فوری برای کمک به زلزله زدگان در منطقه کوتاهی کرده است بلکه به انحاء مختلف از سازماندهی مستقل و خودجوش مردمی برای کمک به قربانیان زلزله جلوگیری می کند. کمک های مردمی توانسته تا کنون تعداد زیادی را از زیر آوار بیرون کشیده، بسیاری از مجروحین را از مرگ حتمی نجات داده و مصدومین زیادی را مورد درمان قرار داده و سقفی هر چند موقت برای بسیاری از زلزله زدگان فراهم نماید. مهمتر از هر چیز همدردی انسانی نیروهای داوطلب و مردمی بخشی هر چند کوچک از آلام روحی بازماندگان این حادثه که در غم از دست دادن عزیزان خویش سوگواری را التیام بخشیده است.

جمهوری اسلامی از ترس گسترش همیاری و همبستگی مردمی بجای تمرکز بر کمک به زلزله زدگان، بخش اصلی نیرو و امکانات خویش را به مقابله با همبستگی مردمی بسیج کرده است. اتحاد بین المللی ضمن همدردی با زلزله زدگان آذربایجان شرقی، جمهوری اسلامی را مسئول افزایش تعداد جان باختگان و مجروحین این حادثه دانسته و خودداری این رژیم برای بسیج همه امکانات برای کمک به زلزله زدگان را عملی جنایتکارانه دانسته و آنرا قویا محکوم می کند. ما ضمن تحسین و حمایت از همیاری و همبستگی مردمی تاکنونی با آسیب دیدگان زلزله اخیر خواهان تقویت و گسترش آن هستیم.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۳ آگوست ۲۰۱۲

۳۰۰ کارگر کارخانه عقاب افشان بیکار شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 مرداد آمده است: دبیر خانه کارگر سمنان اعلام کرد: ۳۰۰ کارگر کارخانه عقاب افشان تولید کننده اتوبوس اسکانیا بیکار شده‌اند.

حبیب الله محقق با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه عقاب افشان تولید کننده اتوبوسهای عقاب (اسکانیا) به دلیل واردات گسترده اتوبوس‌های ارزان قیمت و بی کیفیت چینی و همچنین ناتوانی در تهیه مواد اولیه تولید و قطعاتی که از کشور سوئیس تامین می‌شد، ناچار شده است ۳۰۰ کارگر خود را از ابتدای امسال به مرور با اتمام قرارداد کاری‌شان تعدیل کند.

او افزود: همچنین این واحد تولیدی برای کاهش مشکلات مالی اضافه کاری و نهار و شام و سرویس ایاب و ذهاب کارگران رسمی را نیز کاهش داده است و با تعطیل کردن کارگران از روز چهارشنبه تا صبح روز شنبه بنحوی سعی در کاهش مشکلات مالی خود دارند.

محقق عمده‌ترین مشکل این کارخانه را واردات اتوبوسهای ارزان قیمت چینی عنوان کرد و گفت: این اتوبوس‌ها با کارایی بسیار پایین و با قیمت ۶۰ میلیون تومان در مقایسه با اتوبوسهای اسکانیا که مجهز به امکانات استاندارد روز دنیا است وارد بازار فروش خودرو شده است.

او با بیان اینکه کارخانه عقاب افشان معوقات بیمه‌ای خود را به تامین اجتماعی پرداخت نکرده است عنوان کرد: هم اکنون ۳۰۰ کارگر بیکار شده برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره کار و تامین اجتماعی معرفی شده‌اند.

این فعال کارگری در خاتمه عمده مشکلات این واحد تولیدی را علاوه بر واردات مواد اولیه، مشکلات نقدینگی و بانکی عنوان کرد و افزود: ادامه روند کنونی و عدم حمایت دولت از بخش خصوصی باعث تعطیلی این کارخانه خواهد شد.

علیرضا سلیمانی از میان ما رخت بر بست

روزی ما دوباره کیوتراهیمان را پرواز خواهیم کرد و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت .

روزی که کمترین سرود

بوسه است

و هر انسان

برای هر انسان

برادری است

روزی که دیگر درهای خانه شان را نمی بندند قفل

افسانه انیست

...

و من آنروز را انتظار می کشم حتی اگر نباشم

از میان ما رخت بر بست

علیرضا سلیمانی

او سالها در کارزار زندگی واقعی در جستجوی نان و مبارزه به آگاهی طبقاتی و تاریخی کارگری دست یافته بود.

او دغدغه اش رهایی همزنجیران کارگرس و انسان های ستمدیده از یوغ ستم طبقاتی نظام بردگی مزدی بود.

از مبارزات ضد سرمایه داری او سند و مدارک بسیار موجود است.

آری رفیق کارگر

امروز یادت گرامی است با اینکه تو در میان ما نیستی

تو نیستی تا گره گشای مشکلات کارگران غیر بومی پایتخت باشی

تو نیستی تا کارگران مهاجر را در این برزخ سرمایه راهنما باشی

ما با یاد تو شمع می افروزیم

همانگونه که چراغ دلت راهنمای ما بود

اما نه

تو زنده ای هنوز

تا زمانیکه مبارزه کارگران علیه سرمایه جاریست...

تو زنده ای تا آرمان شهر کارگری برپا شود...

آنگاه کارگران نام تو و تمامی کارگران پیکارگر علیه سرمایه داری را بر دیوارهایش به رسم یاد بود حک می کنند.

تو زنده ای هنوز

تا نان به تسوای تقسیم شود

تو زنده ای ...
خانواده علیرضا سلیمانی ما را نیز در غم تان، غم از دست دادن دوست و رفیق فعال کارگری عزیزمان شریک بدانید.
یادش زنده و گرامی باد
فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان

سه روز کسر حقوق به جرم دفاع از همکار خود!

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در 23 مرداد آمده است : روز پنجشنبه 12/5/91 یدالله قطبی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، پس از اینکه یکی از رانندگان غلتک از طرف سرپرست کارگاهی که در آن مشغول به کار است برای کار در روز تعطیل تحت فشار قرار میگیرد به حمایت از همکارش با سرپرست کارگاه صحبت می کند. در پی این حمایت، راننده غلتک با تایید سخنان یدالله قطبی بیان می دارد که از من در طول روز 3 ساعت اضافه کار می کشید بدون اینکه یک ریال به من پرداخت کنید؛ دیگر توان آن را ندارم در روزهای تعطیل که باید پیش خانواده ام باشم در کارگاه کار کنم.

مجتمع تولید دانه بندی، آسفالت و خدمات توزیع و فروش

ابنیه و راهسازی



شرکت تعاونی ۱۶۳

(ثبت ۱۰۳۲)

شماره: ۳ / ۹۱۵۵۵ پیوست:

تاریخ: ۱۳۹۱ / ۵ / ۱۵

جناب آقای یداله قطبی

با سلام و احترام

به استحضار جنابعالی می رساند با توجه به دستور کار مدیریت محترم پروژه جناب آقای مهندس کلامی و تذکرات سرپرست کارگاه آقای علی پناه در جهت کارکرد روز پنجشنبه ۹۱/۵/۱۲ ضمن اعتراض به حرکت غیراخلاقی جنابعالی در محدوده کارگاهی بدینوسیله با تذکر کتبی سه روز جریمه و کسر حقوق می گردید امید است در آینده دیگر شاهد چنین اتفاقات ناخوشایندی نباشیم و با هماهنگی و تلاش کلیه عوامل بتوانیم پروژه را بنحو احسن به اتمام برسانیم.

شرکت توسعه و عمران کازا
Kazu Knal & Building Development Co.
ثبت ۱۰۳۲

آدرس کارخانه: کیلومتر بیست جاده سندج - کرمانشاه ۰۹۱۸۱۷۱۰۲۰۲ - ۰۹۱۸۱۷۱۰۶۹۳

سرپرست کارگاه پس از شنیدن این سخنان، گزارشی به مدیریت شرکت فرستاده و آنها نیز یزادانه قطعی را که حدود 62 سال سن دارد و بمدت 9 سال است که در این شرکت مشغول به کار می‌باشد، به بهانه واهی «حرکت غیر اخلاقی در محدوده کارگاه» به سه روز کسر حقوق محکوم می‌کنند.

لازم به ذکر است که شرکت تعاونی 163 در زمینه‌ی تولید دانه‌بندی، آسفالت و خدمات توزیع و فروش ابنیه و راهسازی فعالیت می‌کند؛ هم اکنون این شرکت در پروژه آسفالت باند فرودگاه سنندج به عنوان پیمانکار مشغول به فعالیت است.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

امروز صدها کارگر معترض کارخانه های صنایع فلزی شماره یک و دو، باند اصلی جاده قدیم کرج به تهران را بمدت دو ساعت بستند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 23 مرداد آمده است: از ساعات اولیه صبح امروز حدود 600 کارگر کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود و خلف وعده های کارفرما و سازمان حمایت از صنایع، از مقابل این کارخانه ها در خیابان صنایع فلزی دست به راهپیمایی به سمت جاده قدیم کرج (بزرگراه فتح) زدند و از حدود ساعت 30/9 تا 30/11 دقیقه بمدت دو ساعت باند اصلی این بزرگراه به سمت تهران را بستند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال این اقدام اعتراضی از سوی کارگران صنایع فلزی، نیروهای انتظامی و امنیتی و لباس شخصی در محل حاضر شدند و تلاش کردند با تهدید و همچنین وعده رسیدگی به مشکلات کارگران، آنان را از ادامه اعتراض و بستن جاده باز دارند اما کارگران با اصرار بر تحقق خواستههای خود همچنان به اعتراض خود ادامه دادند. بدنبال این وضعیت حدود ساعت 30/10 یگانی از موتورسوران گارد ویژه با تجهیزات کامل در محل تجمع کارگران حضور پیدا کردند که با هو کردن از سوی کارگران معترض مواجه شدند. در ادامه این کشمکش و احتمال تعرض گسترده این نیروها، کارگران بناچار حدود ساعت 30/11 با شعار "فردا مقابل سازمان صنایع" به تجمع خود پایان داده و عازم کارخانه شدند. اما علیرغم عزیمت کارگران به محل کارشان، موتور سواران گارد ویژه با چرخیدن حول کارخانه و مانور دادن در این محل به تهدیدات خود بر علیه کارگرانی که تنها جرم شان اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان بود ادامه دادند.

کارگران کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2، امروز در حالی دست به بستن باند اصلی جاده قدیم کرج زدند که بر اساس توافق نامه ای در استانداری تهران قرار شده بود 50 درصد دستمزدهای معوقه آنان از 18 تا 22 مرداد ماه جاری پرداخت شود اما با فرارسیدن امروز 23 مرداد، هیچ خبری از عمل به توافق صورت گرفته نشد. این توافق نامه در تاریخ 16 مرداد ماه جاری طی جلسه ای در استانداری تهران با حضور مقامات بالای استانداری، وزارت اطلاعات، وزارت کار، دادگستری تهران، نماینده های مالک قبلی و مالک فعلی و همچنین نمایندگان کارگران حاصل شده و به امضای همه شرکت کنندگان در این جلسه رسیده بود.

کارگران کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 از چندین سال پیش با عدم پرداخت دستمزدهای خود مواجه هستند. این کارگران بویژه از مرداد ماه سال گذشته هر بار با خلف وعده های مسئولین استانداری تهران، وزارت کار، سازمان حمایت از صنایع و کارفرما مواجه شده اند و در این مدت به دلیل عدم پرداخت دستمزد هایشان خود و خانواده هایشان با مشکلات شدید اقتصادی و فقر و فلاکت مواجه بوده اند. آخرین اعتراض این کارگران، تجمع آنان در مقابل وزارت صنایع در 28 فروردین ماه سالجاری بود که منجر به استقرار مدیریت دولتی و سپس مدیریتی مشتمل از کارفرما و نمایندگان سازمان حمایت از صنایع بر این دو کارخانه شد.

کارگران صنایع فلزی شماره 2 به استثنای حقوق خرداد ماه سال جاری و صد هزار تومان علی الحساب از دی ماه سال گذشته تاکنون هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران صنایع فلزی شماره 1 نیز از اول سال به استثنای حقوق خردادماه سالجاری تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند و ناهارشان نیز از اول خرداد ماه قطع شده است. همچنین مدیریت کارخانه صنایع فلزی شماره 1 در اقدامی عوامفریبانه و با وعده بازنشسته کردن حدود 150 نفر از کارگران با سابقه بالای 25 سال، آنان را از اول تیرماه خانه نشین کرده است اما خبری از بازنشستگی این کارگران نیست.

300 کارگر کارخانه عقاب افشان بیکار شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 مرداد آمده است: در سال جاری 300 کارگر کارخانه عقاب افشان تولید کننده اتوبوس اسکانیا بمرور بیکار شده‌اند.

بنا بهمین گزارش، اضافه کاری و نهار و شام و سرویس ایاب و ذهاب کارگران رسمی کاهش داده شده است و کارخانه از چهارشنبه تا صبح شنبه تعطیل است.

اداره آماربانک مرکزی نرخ تورم تیرماه را اعلام کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 23 مرداد آمده است: اداره آمار بانک مرکزی اعلام کرد: نرخ تورم در تیر ماه 1391 معادل 22.9 درصد است

خلاصه نتایج به دست آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران براساس سال پایه 100=1383 در تیرماه 1391 به شرح زیر است:

- شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در تیرماه 1391 به عدد 336.6 رسید.

- نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به تیرماه 1391 نسبت به دوازده ماه منتهی به تیرماه 1390 معادل 22.9 درصد است.

بنابهمین گزارش، از سوی بانک مرکزی نرخ تورم در اردیبهشت و خردادماه امسال نیز به ترتیب معادل 22.2 و 22.4 درصد اعلام شده بود.

افزایش 10 تا 120 درصدی قیمت کالاهای مورد نیاز مردم

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 23 مرداد آمده است: قدرت الله گودرزی مدیرعامل فروشگاه زنجیره ای شهروند گفت: قیمت کالاهای مورد نیاز مردم در فروشگاه های زنجیره ای طی شش ماه گذشته بین 10 تا 120 درصد افزایش یافته است.

همدردی با مردم آذربایجان به مناسبت زلزله اهر، هریس و ورزقان تنها تولید کننده پارچه‌های ضد آب ایران در آستانه تعطیلی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 مرداد آمده است: مدیر عامل کارخانه دکاموند گفت: کارخانه دکاموند تنها تولید کننده انواع پارچه‌های ضد آب ایران و سازنده بیش از ۵۰۰ قلم انواع مواد اولیه صنایع مختلف پارچه کشور در آستانه تعطیلی قرار گرفته است.

جعفر امامی با اشاره به اینکه این کارخانه در سال ۸۹ واحد نمونه کشور شناخته شد به ایلنا گفت: عمده‌ترین مشکل این واحد تولیدی عدم حمایت مسئولان دولتی از ایجاد اشتغال و حمایت از تولیدات این کارخانه است.

او با بیان اینکه هم اکنون به تولید اهمیت داده نمی‌شود اضافه کرد: در صورت حمایت دولت از این واحد صنعتی و تولیدی در دراز مدت امکان اشتغال بسیاری از جوانان ایجاد خواهد شد.

به گفته وی کارخانه دکاموند در سال ۸۹ بیش از ۱۵۰ کارگر داشت که این تعداد به دلیل مشکلات نقدینگی که در نتیجه تاخیر در پرداخت از سوی خریداران دولتی محصولات این کارخانه فراهم شده است به ۲۰ نفر رسیده است.

امامی در بخش دیگری از گفتگوی خود با اعلام اینکه این واحد تولیدی بازار فروش خوبی دارد اظهار داشت: بعضی از خریداران همانند سازمان هلال احمر که یکی از اصلی‌ترین سفارش دهندگان چادر به این کارخانه بود با وارد کردن ماشین آلات بی‌کیفیت چینی اقدام به ساخت چادرهایی نموده است که علاوه بر هزینه‌های بالا از کیفیت پایین تری نیز برخوردار است.

او همچنین یکی از مشکلات این واحد تولیدی را پیچ و خم‌های اداری و بانکی عنوان کرد و گفت: بسیاری از ادارات دولتی ذی‌ربط و بانک‌ها در ارائه خدمات به تولید کنندگان همکاری ندارند و آنان را در پیچ و خم اداری خسته و ناتوان می‌سازند.

پیام تسلیت کمیته‌ی هماهنگی به خانواده‌های آسیب‌دیده در زلزله‌ی استان آذربایجان شرقی!

متأسفانه روز شنبه بر اثر وقوع زلزله در شهرها و روستاهای تابعه‌ی اهر، هریس و ورزقان از استان آذربایجان شرقی خانه‌های زیادی ویران گردید و تعداد زیادی از اهالی این مناطق کشته و زخمی شدند. این بلای طبیعی چون همیشه بیش‌ترین آسیب را به محرومان و زحمت‌کشان جامعه وارد کرد و باز هم این خانه‌های سست آنان بود که آماج هجوم بی‌رحم طبیعت گردید. پدر علم زمین‌شناسی ایران بعد از این حادثه در نظری کارشناسانه اعلام کرد که: «در هیچ کجای دنیا زلزله ۶ ریشتری کشته نمی‌دهد و در نهایت حداکثر در چنین زلزله‌ای باید ۱۰ نفر زخمی می‌شد»، اما این زلزله‌ی ۶ ریشتری موجب ویران شدن خانه‌های حداقل ۱۱۵ روستا گردید! در این میان آنچه قابل مشاهده و تحسین است تلاش جمعی افراد و جمع‌های مردمی است که دست‌به‌دسته برای کمک به زلزله‌زدگان به سوی این مناطق می‌شتابند و کمک‌هایی است که به شکل خودجوش جمع‌آوری شده و به آن مناطق مأمور شده ارسال می‌شود. با این همه عمق فاجعه فراتر از این‌ها است و نباید به انتظار کمک‌های دولتی نشست که تا همین جا به علت کم‌کاری و بی‌تفاوتی حتماً مورد انتقاد شدید برخی نمایندگان مجلس حاکمیت نیز قرار گرفته است! بلکه باید تلاش کرد تا با سازمان‌دهی کمک‌های مردمی در جهت کاهش رنج و درد زلزله‌زدگان قدمی هر چند کوچک برداشت. ما اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های قربانیان این واقعه، دوشادوش سایر افراد و تشکل‌های مردمی تمام تلاش خود را در جهت کمک و یاری به این عزیزان انجام خواهیم داد.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۲۳ مرداد ۱۳۹۱

گفتگوی پروین محمدی با رادیو بین المللی فرانسه در رابطه اعتراضات کارگران کارخانه های صنایع فلزی

به گزارش رادیو بین المللی فرانسه در 23 مرداد آمده است: پروین محمدی، عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و همچنین یکی از کارکنان کارخانه صنایع فلزی ایران از تهران در گفت و گو با بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه گفت: «از آن جا که امروز کارگران هیچ نتیجه ای از تجمع خود نگرفتند، تصمیم دارند فردا در مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کنند.»

او در مورد علت اصلی پرداخت نشدن حقوق کارگران کارخانه صنایع فلزی ایران توضیح داد: «این کارخانه که ابتدا دولتی بود به بنیاد شهید واگذار شد و پس از آن نیز مدیریت این کارخانه به بخش خصوصی و افرادی رسید که چند ماه پس از وقوع ماجرای اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی غیب شدند و این کارخانه بدون مدیریت ماند. چند ماه پس از آنکه حقوق کارگران پرداخت نشد.»

به گفته خانم پروین محمدی، بعدها به دنبال مذاکرات و اعتراض‌های کارگران یک مدیر دولتی برای کارخانه صنایع فلزی انتخاب شد و تصمیم مدیر جدید برای فروش کارخانه باعث شد تا مدیران خصوصی کارخانه که ناپدید شده بودند دوبار بازگشتند و این کارخانه هم‌زمان با مدیریت خصوصی و دولتی بدون تولید، به حیات خود ادامه داد.

پروین محمدی معتقد است، مدیران کارخانه صنایع فلزی ایران قصد دارند با افزایش بدهی‌های این کارخانه آن را به ورشکستگی کامل بکشانند.

علی نجاتی کارگر زندانی جهت مداوا به بیمارستان منتقل شد!

بر اساس گزارش رسیده، به سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 23 مرداد آمده است: علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه امروز سه شنبه 23 مرداد به دلیل ناراحتی قلبی در بیمارستانی در تهران بستری و مورد عمل آنژیوپلاستی قرار گرفت. پزشکان معالج وی تاکید کرده اند که وی بایستی برای جلوگیری از عود مجدد بیماری حتماً به دور از فشارهای روحی ناشی از شرایط زندان در منزل به استراحت بپردازد.

فشارهای روحی ناشی از شرایط زندان باعث گرفتگی مجدد عروق قلب و عمل مجدد وی شده است. پزشکان علی نجاتی، بارها هشدار داده‌اند که در صورت نگهداری علی نجاتی در زندان، احتمال سکته قلبی و عواقب شدید پزشکی برای او بسیار بالاست. گرفتگی عروق،

التهاب دریچه میترال، اجبار به استفاده از انواع داروها و ضرورت استفاده از رژیم غذایی، از جمله تاکیدات و دلایل پزشکی هستند که به هیچ عنوان امکان تحمل حبس برای علی نجاتی را مقدور نمی‌کند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری بار دیگر تداوم زندان علی نجاتی را به شدت محکوم کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط وی و کلیه کارگران و فعالین کارگری زندانی است. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری-

تخم مرغ در انتظار سرنوشت مرغ

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 24 مرداد آمده است: ناصر نبی‌پور عضو هیئت مدیره مرغداران تخم‌گذار آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در رابطه با سهم ۲۰ درصدی بخش کشاورزی در اشتغال کشور را فاجعه آمیز دانست و افزود: تا زمانی که مسئولان نگران از دست دادن اختیارات خود باشند و با مرغداری‌ها به عنوان قاچاقچی برخورد کنند و به دنبال این باشند که با آن‌ها قراردادهای ترکمانچایی ببندند، وضعیت فعلی تغییری نخواهد کرد.

وی در این زمینه به گفت: این آمار نشان می‌دهد که بخش کشاورزی روز به روز تحلیل می‌رود و بخش خدمات بالعکس فربه‌تر می‌شود. به گفته نبی‌پور خدمات زمانی ارزشمند است که در حوزه فنی و مهندسی باشد. وی تصریح کرد: برای مثال شما اگر سری به مرغداری‌ها بزنید می‌بینید که اکثر آن‌ها فروخته شده‌اند یا به حال خود رها شده‌اند. دلیل آن هم مشخص است، زیرا در وضعیت فعلی کار در بخش کشاورزی سود و صرفه ندارد. متأسفانه کارگران اولین گروهی خواهند بود که از این روند صدمه می‌بینند.

رئیس جامعه دامپزشکان ضمن اعلام این موضوع که سرمایه جایی می‌رود که امنیت باشد، اظهار داشت: مرغداری‌ها وقتی می‌بینند دولت با زور قیمت را پایین می‌آورد، دیگر رغبتی برای ادامه کار و تولید نخواهند داشت.

او در ادامه افزود: جای تأسف است که مسئولین با خوشحالی اعلام می‌کنند قیمت تمام شده مرغ و ارداتی از برزیل برای ما ۳۶۰۰ تومان در می‌آید، گویا متوجه نیستند این سیاست به تعطیلی مرغداری‌ها می‌انجامد و زمانی که در داخل کشور امکان تولید مرغ نباشد، کشورهای صادر کننده دیگر با این قیمت‌ها به دولت مرغ خواهند فروخت.

به گزارش ایلنا، عضو هیئت مدیره مرغداران تخم‌گذار با اظهار تأسف از سخنان چندی پیش محمدرضا عمادی، عنوان کرد: آقای عمادی گرانی اخیر مرغ را به سودجویی مرغداری‌ها نسبت داده بود و مرغداری‌ها را به انبار کردن مرغ‌های خودشان متهم کرده بود. شاید آقای عمادی در دولت مسئولیتی دارند که اینگونه سخن می‌گویند.

ناصر نبی‌پور با پیش بینی افزایش قیمت تخم مرغ در اوایل مهر ماه اعلام کرد: به طور کلی در تابستان به دلیل گرما مصرف تخم مرغ کم می‌شود. ماه رمضان نیز مزید بر علت شده است تا مصرف کمتر شود. ولی با بازگشایی مدارس، دیر یا زود بحران مرغ فعلی به بحران مرغ تبدیل خواهد شد.

رئیس جامعه دامپزشکان در ادامه بیان کرد: در حالی که متولی بخش کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی است، وزارت صنعت و معدن و تجارت را متولی مرغداری‌ها قرار داده‌اند که هیچ ارتباطی با مرغداری‌ها ندارد و این مشکلات را به وجود آورده‌اند. وی در پایان خاطر نشان کرد: تا زمانی که مسئولان نگران از دست دادن اختیارات خود باشند و با مرغداری‌ها به عنوان قاچاقچی برخورد کنند و به دنبال این باشند که با آن‌ها قراردادهای ترکمانچایی ببندند، وضعیت فعلی تغییری نخواهد کرد.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنایع تندرقابل استانداری گیلان به دلیل عدم دریافت 18 ماه حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 24 مرداد آمده است: حدود 60 نفر از کارگران شرکت صنایع تندرقابل به دلیل عدم دریافت 18 ماه حقوق و پرداخت نشدن حق بیمه، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

بنا به همین گزارش، نماینده کارگران معترض با بیان اینکه مدت سه سال است دفترچه‌های بیمه کارگران تمدید نشده است، اظهار کرد: «حسینعلی آفرینش» کارفرمای شرکت صنایع تندرقابل با دریافت تسهیلات، آن را در جای دیگر هزینه کرده و حقوق و حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده است.

حسن جعفرزاده، با اشاره به اینکه اکنون کارخانه صنایع تندرقابل تعطیل شده است، افزود: کارگران این کارخانه بیکار شدند و امروز 60 نفر به نمایندگی از دیگر کارگران مقابل استانداری تجمع کرده‌ایم و خواستار احقاق حق و حقوق خود که چهار سال به صورت متناوب عقب می‌افتاد و اکنون نیز 18 ماه است که آن را دریافت نکرده‌ایم، هستیم. وی ادامه داد: کمیسیون کارگری ابلاغ کرده که تامین اجتماعی دفترچه‌های بیمه ما را تمدید کند که تمکین نمی‌کند.

نماینده کارگران شرکت صنایع تندرقابل با بیان اینکه این کارخانه از سال 52 تاسیس شد و ابتدا دولتی بود، ابراز کرد: این کارخانه از سال 70 به فرد مذکور واگذار شده است.

وی فعالیت شرکت صنایع تندرقابل را در زمینه تولید دینام و استارت خودرو عنوان کرد و یادآور شد: تاکنون حکم قانون کار برای ما اجرا نشده است.

نیمی از بازار کار ایران در اختیار شغل‌های خدماتی و غیرمولد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 مرداد آمده است: نیمی از بازار کار ایران در اختیار شغل‌های خدماتی و غیرمولد قرار گرفته است. این عبارت، چکیده گزارش بهار مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری و همچنین سهم بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات از بازار کار کشور است که از ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی کشور، در ایجاد شغل برای شهروندان کشور نشان دارد.

به گزارش ایلنا، طبق آخرین گزارش مرکز آمار ایران از سهم بخش‌های مختلف از اشتغال کشور، صنعت کشور تنها ۴.۳ درصد در اشتغال کشور سهم دارد و بیشترین سهم از کل آمار افراد شاغل در کشور مربوط به شغل‌های خدماتی با ۳۷.۳ درصد است و بخش کشاورزی با وجود پتانسیل‌های موجود در کشور تنها ۳.۲۰ درصد در اشتغال سهم دارد. مشاهده این آمار نشان می‌دهد زیرساخت‌های

اقتصادی و صنعتی ایران، همچنان در زمینه تولید و فعالیتهای صنعتی دچار مشکل است که در بلند مدت می‌تواند در زمینه میزان صادرات، درآمدهای غیرنفتی و... تأثیرات منفی از خود برجای گذارد.

خدماتی که معطوف به دلالتی و بازرگانی است

طبق مولفه‌های اقتصاد پویا، نمی‌توان سهم خدمات از اشتغال کشورها را نادیده گرفت یا به میزان بالابودن آن، ایرادی وارد کرد. بالابودن سهم خدمات از اشتغال، زمانی می‌تواند بعنوان امتیاز منفی و عاملی مشکل ساز برای اقتصاد کلان کشورها در نظر گرفته شود که تنها معطوف به دلالتی و بازرگانی بوده و از نظر سطح ارائه خدمات در نازل‌ترین شکل ممکن یعنی واسطه‌گری باشد. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، خدمات شامل، ارائه مشاوره‌های تخصصی، طراحی‌های صنعتی، اطلاع رسانی و خدمات پس از فروش مناسب محصولات تولیدی آنهاست که عموماً در زمره خدمات کاملاً تخصصی ارائه می‌شود و در نهایت به افزایش بازدهی و راندمان واحدهای صنعتی و تولیدی منجر می‌شود و بعنوان خدمات مولد محسوب می‌شوند. اما نگرانی اینجاست که در کشورمان، شغل‌های خدماتی عموماً به شغل‌هایی در زمینه واسطه‌گری یا خدمات بدون تولید ارزش افزوده اطلاق و منحصر می‌شود. احمد حاتمی یزد، یکی از کارشناسان اقتصادی در این زمینه به اینها گفت: احمد حاتمی یزد در خصوص تفاوت‌های بخش خدمات در کشورهای پیشرفته و ایران، به اینها گفت: با مقایسه آماری نباید فراموش کنیم بخش خدمات در این کشورها عمدتاً فنی، مهندسی، طراحی و در یک کلام خدمات از نوع مولد است. ولی در ایران این بخش شامل تجارت، بهداشت، حمل و... است. لذا می‌بینیم که کیفیت خدمات در کشورهای پیشرفته نسبت به ایران بسیار بالاتر است. تقسیم نیروی کار همیشه در ایران به همین ترتیب بوده و مشکل خاصی نیز ندارد. اما باید توجه کنیم بخش خدمات اگر معطوف به دلالتی و بازرگانی شود بسیار زیان‌بار خواهد بود اما اگر معطوف به ارائه خدمات فنی و مهندسی شود مفید است.

نگاهی گذرا به سیاست‌های دولت در توسعه اشتغال در کشور و همچنین مقایسه این سیاست‌ها با برنامه توسعه کشور نشان می‌دهد، دولت نهم و دهم سیاست روشنی در راستای توسعه اشتغال مولد و پایدار نداشته است و به نوعی با واردات بی‌رویه، عدم پرداخت سپهه بخش تولید از محل درآمدهای طرح هدفمندی یارانه‌ها و در مقابل این‌ها با اعطای وام به مشاغل زودبازده، عملاً توسعه اشتغال در بخش صنعت را که مولد ثروت در جامعه است با مشکل مواجه کرده است. اگرچه دولت و زیرمجموعه‌هایش مدام بر طبل ایجاد شغل در کشور می‌کوبند، اما بادر نظر گرفتن صحت آمارهای ارائه شده از سوی دولت باید این نکته را در نظر داشت که تفاوت تعریف از شغل و استانداردهای آن می‌تواند در سیاست گذاری و اجرای دولت تأثیرگذار باشد و دولت بدون رعایت قواعد ایجاد شغل، به این امر اقدام کند.

ابهام در سهم ۲۰ درصدی کشاورزی از اشتغال

علیرغم اعلام سهم ۲۰ درصدی کشاورزی از اشتغال کشور، هنوز تردیدهایی در این زمینه وجود دارد و کارشناسان معتقدند که نحوه آمارگیری مرکز آمار ایران در این زمینه صحیح نبوده است و باید روش صحیح انتخاب شود. عنایت الله بیابانی نایب رئیس خانه کشاورز در این باره به اینها گفت: در حالی که در شرایط فعلی اقتصادی، کشاورزی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بخش در حوزه اشتغال کشور است، باید از مرکز آمار پرسیم که این آمار را از کجا آورده‌اند و آمارگیری آن‌ها مبتنی بر چه اصولی است؟

نایب رئیس خانه کشاورز فعال‌ترین بخش در زمینه اشتغال را بخش کشاورزی دانست و اظهار کرد: آمار اعلام شده دید صحیحی از سهم اشتغال در حوزه‌های مختلف به ما نمی‌دهد و مرکز آمار باید نسبت به نحوه آمارگیری خود در این زمینه شفاف سازی کند. این درحالی است که طبق آمار منتشر شده، حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشورهای توسعه یافته در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند و با گسترش این بخش، نه تنها به توسعه صادرات کمک می‌کنند، بلکه با واردات ارز و تولید ثروت برای کشور، زمینه بی‌نیازی به کشورهای دیگر و مقابله با خروج ثروت را نیز موجب می‌شوند.

واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی، یکی از عوامل اصلی توسعه نایافتگی بخش کشاورزی در میزان اشتغال کشور است تا جایی که واردات کالاهای خارجی به ویژه در بخش صنعت و کشاورزی، به اقتصاد و اشتغال کشور آسیب می‌رساند که با توجه به سال مزین به نام حمایت از کار و سرمایه ایرانی، لازم است در این زمینه تمهیدات جدی اندیشیده شود.

خام فروشی و عدم فرآوری محصولات کشاورزی را نیز می‌توان از علت‌های دیگر توسعه نایافتگی بخش کشاورزی عنوان کرد، که اگر ایران بتواند به بسیاری از بازارهای کشاورزی در دنیا دسترسی پیدا کند و سهم درآمد از بخش کشاورزی را بیشتر کند و در نهایت، این مساله باعث توسعه فرصت‌های شغلی در کشور می‌شود که می‌تواند سهم بخش کشاورزی از اشتغال کشور را افزایش دهد.

اظهارات کارگران صنایع فلزی ایران شرکت کننده در اجتماع اعتراضی امروز

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 24 مرداد آمده است: یکی از کارگران این کارخانه، با اشاره به اینکه طی سال‌های گذشته این شرکت به بخش خصوصی واگذار شده، عنوان کرد: مشکلات و معضلاتی که در حال حاضر وجود دارد ناشی از سوءمدیریت مسئولان بخش خصوصی است، در حالی که از لحاظ نیروی کار، دانش تخصصی، مواد اولیه و عرضه و تقاضا مشکل خاصی وجود ندارد. این کارگر تأکید کرد: تجمع این کارگران مقابل وزارتخانه ارتباطی به تحریم‌های بین‌المللی نداشته، چرا که از همه لحاظ مواد اولیه و دانش فنی و تولیدات در داخل کشور تأمین می‌شود.

یکی دیگر از کارگران این شرکت نیز گفت: در حال حاضر مسئولان جواب درستی به ما نمی‌دهند و در بلاتکلیفی به سر می‌بریم. وی خاطر نشان می‌کند: مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت باید به مشکلات این شرکت رسیدگی کنند و تکلیف بیش از 600 نیروی رسمی را با بخش خصوصی مشخص کنند، چرا که این کارگران نمی‌توانند با شرایط موجود گذران زندگی کنند.

یکی از کارگران دیگر صنایع فلزی ایران گفت: شرکت سفارش کافی برای انجام کار دارد ولی مدیران شرکت می‌خواهند زمین شرکت را بفروشند و به همین دلیل درصدد تعطیلی کارخانه هستند.

خبر فوری

از صبح امروز کارگران کارخانه های صنایع فلزی تحت تدابیر شدید امنیتی در مقابل ساختمان اصلی وزارت صنایع در تقاطع خیابان نجات الهی و سمیه دست به تجمع اعتراضی زده اند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 24 مرداد آمده است: کارگران کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 بدنبال اقدام اعتراضی دیروز خود از ساعت 30/10 صبح امروز دست به تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان اصلی وزارت صنایع و معادن زده اند. تا لحظه دریافت این خبر (ساعت 13) هیچیک از مسئولین این وزارتخانه در میان کارگران حاضر نشده اند به همین دلیل کارگران در فواصل معینی اقدام به دادن شعارهایی از قبیل صنایع فلزی آباد باید گردد- معاون صنایع اعدام باید گردد و ... میکنند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این تجمع اعتراضی و سر دادن شعار از سوی کارگران، نیروهای انتظامی و امنیتی و گارد ویژه به طور گسترده ای تا شعاع چند کیلومتری ساختمان وزارت صنایع و معادن مستقر شده اند و کارگران معترض عملاً در محاصره شدید این نیروها قرار گرفته اند. خبر تکمیلی این اعتراض متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید.

گزارش تکمیلی تجمع کارگران صنایع فلزی در مقابل وزارت صنایع

اتحادیه آزاد کارگران ایران: بیش از ششصد کارگر کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 که صبح دیروز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان باند اصلی جاده قدیم کرج به تهران (بزرگراه فتح) را بمدت دو ساعت بستند از صبح امروز اعتراض خود را به مقابل ساختمان اصلی وزارت صنایع در تقاطع خیابان نجات الهی و سمیه گشاندند و از ساعت 30/10 در مقابل این وزارتخانه دست به تجمعی اعتراضی زدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، پس از تجمع این کارگران در مقابل وزارت صنایع بلافاصله نیروهای انتظامی و امنیتی بطور گسترده ای در محل حاضر شدند و تلاش کردند کارگران را وادار به پایان دادن به تجمع خود کنند. این درحالی بود که یگانهای موتور سوار گارد ویژه با تجهیزات کامل در خیابانهای اطراف مستقر شده بودند اما کارگران بدون توجه به این تهدیدات، در اعتراض به وضعیت خود بطور یکپارچه ای اقدام به شعار دادن میکردند. کارگران در این تجمع شعار میدادند: وزارت صنایع حیا کن، سرمایه دار رها کن - وزیر بی لیاقت استعفا استعفا- صنایع فلزی آباد باید گردد، معاون صنایع اعدام باید گردد - صنایع فلزی فلسطین ایران است- نصر من الله و فتح قریب مرگ بر این وزیر مردم فریب، وزارت صنایع، صنایع ها ویرانند و ...

بنا بر این گزارش پس از گذشت حدود سه ساعت از تجمع کارگران صنایع فلزی، صالح نیا معاون وزیر صنایع و صادقی رئیس صنایع استان تهران با حضور در میان کارگران اعلام کردند: کارفرما خانه ای را برای فروش جهت پرداخت دستمزدهای معوقه شما (5 میلیارد تومان) در اختیار وزارت صنایع قرار داده است و پس از فروش این خانه معوقات شما پرداخت خواهد شد که این اظهارات با هو کردن از سوی کارگران و اعتراض شدید آنان مواجه شد. در ادامه مدیر دولتی منتصب استانداری تهران در کارخانه های صنایع فلزی در میان کارگران اعلام کرد: دستمزدهای معوقه شما را از بهمن ماه سال گذشته تا پایان فروردین ماه جاری تا روز پنجشنبه پرداخت خواهیم کرد که این اظهارات نیز با شعار "امروز امروز" از سوی کارگران مواجه شد. بدنبال این وضعیت مسئولین وزارت صنایع ناچار شدند نماینده های کارگران را به داخل ساختمان دعوت کنند که پس از مذاکرات فی مابین نماینده های کارگران و مسئولین این وزارتخانه نهایتاً به کارگران اعلام شد یک چک تضمینی از کارفرما برای پرداخت معوقات کارگران از بهمن ماه سال گذشته تا پایان فروردین ماه جاری از طرف وزارت صنایع دریافت شد اما این مقدار از دستمزدهای کارگران بدون توجه به چک کارفرما فردا 25 مرداد ماه راساً از سوی وزارت صنایع به حساب کارگران واریز خواهد شد.

کارگران کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 پس از این توافق حدود ساعت 30/15 به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند چنانچه فردا پول و عده داده شده به حسابهایشان واریز نشود به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. فایل صوتی بخشی از شعارهای کارگران صنایع فلزی در تجمع امروزشان در مقابل وزارت صنایع و معادن بر روی قسمت فایلهای صوتی سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران قرار دارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 24 مرداد ماه 1391

تجمع اعتراض آمیز کارگران صنایع فلزی به وزارت صنایع رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 مرداد آمده است: پس از تجمع بی نتیجه صبح دیروز کارگران صنایع فلزی ایران در بزرگراه فتح، این کارگران صبح امروز - سهشنبه - در اعتراض به عدم دریافت بیش از ۸ ماه حقوق و ۱۱ ماه بیمه معوقه، در مقابل ساختمان شماره یک وزارت صنایع تجمع کردند. بنا به همین گزارش، پروین محمدی، نماینده کارگران معترض در این تجمع اعتراض آمیز گفت: بعد از تجمع صبح دیروز کارگران صنایع فلزی ایران در بزرگراه فتح، امروز نیز حدود ۶۰۰ کارگر در مقابل ساختمان وزارت صنایع و دفتر وزیر تجمع کردند تا صدای اعتراضشان را از فاصله نزدیکتری به گوش مسئولان برسانند.

نماینده این کارگران با تاکید بر اینکه کارفرما موظف به پرداخت تمامی مطالبات معوقه کارگران تا پایان ماه جاری است افزود: وزارت صنایع کارفرما را متعهد به پرداخت مطالبات قانونی کارگران کرده است اما در حال حاضر کارفرما به بهانه اینکه سرمایه دار اصلی جهت پرداخت مطالبات کارگران تامین مالی نکرده از انجام تعهد خود طفره می رود.

این کارگر معترض اضافه کرد: بدلیل عدم پرداخت معوقات حقوقی کارگران کارخانه صنایع فلزی ایران، در جلسه استانداری تهران با مدیران کارخانه قرار شد حداکثر تا روزیکشنبه ۲۲ مرداد، هشت ماه حقوق معوقه کارگران پرداخت شود که با عملی نشدن این وعده دیروز و امروز کارگران اعتراض کردند و اعتراض کارگران تا به دست آوردن حقوق ادامه دارد.

گزارشی از تجمع اعتراضی دیروز کارکنان دانشگاه علوم پزشکی همدان

به گزارش سایت همدان پرس؛ در تاریخ 24 مرداد آمده است: از ساعت 8 صبح امروز بلوار کاشانی شهر همدان خواستگاه زنان و مردان معترضی بود که خواهان عدل و داد و باز ستانی حق و حقوق خود بودند.

اجتماع کنندگان که جمعیت آنان حدود 500 تا 700 نفر متغیر بود از کارکنان علوم پزشکی همدان بوده که به نشان اعتراض نسبت به کسورات فیش حقوقی تا سقف حدود 300 هزار تومان مقابل ساختمان اداری دانشگاه علوم پزشکی شهر همدان واقع در چهار راه خواجه رشید تجمع کرده و بیش از هر چیز دیگری بی حرمتی هایی که به آنها روا شده و از ورود آنها به اداره مخاطب پرداخت حقوق خود ممنوع شده بودند اعتراض داشتند.

معترضین از همان ساعات اولیه خواستار پیگیری حقوق، مطالبات و کسوراتی بودند که از سوی دولت از این پس قرار است در پرداختی های کارمندان منظور گردد، ضمن این که پیرو همه این مطالبات مادی موضوع دیگری که بیش از هر چیز در این اعتراض ها بین معترضین مشترک بود استعفا و برکناری مدیران ارشد علوم پزشکی و در راس آن ریاست دانشگاه علوم پزشکی بود. خواسته های معترضین آن گونه که در پرسش و پاسخ از برخی از کارمندان معترض به آن اشاره شد کسری هایی از جمع دریافتی است که به گفته حاضران حق جذب، حق محرومیت از مطب، حق بدی آب و هوا، حق اشعه و گازهای بیهوشی اتاق عمل است که تعدادی از آنها در فیش حقوقی جدید لحاظ شده است و تعدادی از آنها مصوب و به بیمارستان ها و مراکز زیر مجموعه علوم پزشکی ابلاغ شده و از ماه های آینده منظور خواهد شد.

اما از سوی تعدادی از معترضین اینگونه بیان می شد که قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری مبلغ 50 هزار تومان به حقوق ها افزوده شد؛ اما بعد از مدت کوتاهی مجددا حذف می شود و این که استفاده منفعت طلبی از این قشر می شود برای آنها ناراحت کننده است. "الله اکبر - هیئات من الذله - مدیر بی لیاقت استعفاء استعفاء - ما صدقه نمی خواهیم - استاندار حمایت حمایت" شعارهایی بود که کارمندان و شاغلین معترض سر می دادند، حضور یکی از کارمندان ارشد علوم پزشکی با یک بلندگو در بین تجمع کنندگان برای گفت و شنود و آرام کردن جو متشنج چاره ساز نبود و بیش از این که راهی برای آرام کردن اوضاع باشد تنش و سر دادن شعارها را بیشتر کرد و با وجود این که از مردم خواسته شد به واحد نقلیه ساختمان علوم پزشکی رفته و در آنجا تجمع و مطالباتشان را پیگیری کنند اما تنها تعداد اندکی از معترضین به پارکینگ ساختمان رفتند و پس از مدتی به جمع معترضان در چهار راه خواجه رشید پیوستند. بر اساس این گزارش؛ صفی آریان که از سال 88 و به دنبال جابجایی دکتر فرهادی نسب به سمت ریاست دانشگاه علوم پزشکی همدان منصوب شده بود تاکنون شاهد موج اعتراض ها به این شدت نبود.

گمان می شود وی در این آزمون سر بلند بیرون نیامده و در صورتی که خواسته کارمندان تحقق بخشیده نشود شاهد یک جابجایی دیگر در این دانشگاه خواهیم بود و صفی آریان قبل از جشن سه سالگی مدیریتش در علوم پزشکی همدان وداع پر سر و صدایی را خواهد داشت. پیش از این بارها و بارها از سوی مدیران وابسته به ادارات زیر مجموعه علوم پزشکی بد رفتاری و اهانت هایی به جامعه خبری استان شده بود که هر بار با بزرگ منشی جامعه مطبوعاتی استان اعمال ناپسند آن دسته از مدیران نادیده گرفته شد و پس از مدت کوتاهی تحریم خبری واسطه برخی مدیران راه را برای سازش و چشم پوشی از رفتارهای ناپسند هموار کرد.

این اولین تجمعی نیست که در سال جاری و سالهای اخیر استان شاهد آن بوده است اما از نظر حضور افراد معترض و زمان ایستادگی معترضین برای باز ستانی حق و حقوق خود بسیار متفاوت بود.

پس از تجمعات اعتراضی مال باختگان صندوق های قرض الحسنه، مخصوصا صندوق احسان الزهرا که از سال گذشته تا سال جاری نیز ادامه داشت و هنوز نیز وضعیت تعدادی از آنها مشخص نشده است این تجمع را می توان نگرانی این قشر از وضعیت کسری های پیش رو و مشکلات اقتصادییشان دانست.

کارگران شرکت سازه پاد اعتصاب کردند

طبق خبر رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، حدود 50 نفر از کارگران شرکت سازه پاد در پالایشگاه گاز فاز 12 واقع در کنگان در اعتراض به 3 ماه حقوق معوقه خود روزهای شنبه و یکشنبه 21 و 22 مرداد 91 اعتصاب کردند. کارگران با وعده های کارفرما از روز 23 به سر کار هایشان رفته اند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه 24/5/1391

اجتماع اعتراضی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی همدان

به گزارش سایت دانشگاه علوم پزشکی همدان، جمعی از کارکنان دانشگاه پیش از ظهر امروز با تجمع در مقابل ساختمان ستاد مرکزی دانشگاه خواستار پیگیری مسئولان استان و دانشگاه در خصوص پرداخت مطالبات خود شدند.

بنا بهمین گزارش، دکتر رضا صفی آریان رئیس دانشگاه در جمع کارکنان معترض به حذف حق جذب اعضای غیر هیئت علمی دانشگاه، با اشاره به پیگیری های مستمر از طریق وزارت متبوع اظهار داشت: طبق پیگیری های انجام شده هیچگونه تغییری در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دانشگاه اعمال نمی شود.

تجمع اعتراض آمیز کارگران صنایع فلزی به وزارت صنایع رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 مرداد آمده است: پس از تجمع بی نتیجه صبح دیروز کارگران صنایع فلزی ایران در بزرگراه فتح، این کارگران صبح امروز - سه شنبه - در اعتراض به عدم دریافت بیش از ۸ ماه حقوق و ۱۱ ماه بیمه معوقه، در مقابل ساختمان شماره یک وزارت صنایع تجمع کردند.

پروین محمدی، نماینده کارگران معترض در این تجمع اعتراض آمیز به خبرنگار ایلنا گفت: بعد از تجمع صبح دیروز کارگران صنایع فلزی ایران در بزرگراه فتح، امروز نیز حدود ۶۰۰ کارگر در مقابل ساختمان وزارت صنایع و دفتر وزیر تجمع کردند تا صدای اعتراضشان را از فاصله نزدیکتری به گوش مسئولان برسانند.

نماینده این کارگران با تاکید بر اینکه کارفرما موظف به پرداخت تمامی مطالبات معوقه کارگران تا پایان ماه جاری است افزود: وزارت صنایع کارفرما را متعهد به پرداخت مطالبات قانونی کارگران کرده است اما در حال حاضر کارفرما به بهانه اینکه سرمایه دار

اصلی جهت پرداخت مطالبات کارگران تامین مالی نکرده از انجام تعهد خود طفره می‌رود. این کارگر معترض اضافه کرد: بدلیل عدم پرداخت معوقات حقوقی کارگران کارخانه صنایع فلزی ایران، در جلسه استانداری تهران با مدیران کارخانه قرار شد حداکثر تا روزیکشنبه ۲۲ مرداد، هشت ماه حقوق معوقه کارگران پرداخت شود که با عملی نشدن این وعده دیروز و امروز کارگران اعتراض کردند و اعتراض کارگران تا به دست آوردن حقوق ادامه دارد. گفتنی است تا زمان انتشار این خبر مسئولان وزارت صنایع در مقابل خواسته و اعتراض کارگران صنایع فلزی ایران هنوز حاضر به پاسخگویی نشده‌اند.

بازگشت رضا شهابی و حسن اسدی زیدآبادی به بند ۳۵۰ زندان اوین

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در ۲۴ مرداد آمده است: رضا شهابی کارگر دربند در زندان اوین که اردیبهشت ماه سال جاری و پس از بی حس شدن یک طرف بدنش به بیمارستان منتقل شده بود به زندان اوین بازگردانده شد. حسن اسدی زیدآبادی فعال دانشجویی محبوس در همین زندان نیز با پایان مرخصی به بند ۳۵۰ زندان اوین بازگشت. علی جمالی فعال دانشجویی محبوس در بند ۳۵۰ زندان اوین ساعتی پیش با پایان یافتن حبس خود آزاد شد.

به گزارش کلمه، رضا شهابی، فعال کارگری و عضو سندیکای شرکت واحد و اتوبوس رانی تهران و حومه که طی ماه‌های گذشته از درد شدید در ناحیه گردن و ستون فقرات خود رنج می‌برد پس از آنکه یک سمت بدنش بی حس شد توسط مسئولان زندان به بیمارستان امام خمینی تهران اعزام شده بود، روز گذشته به زندان اوین بازگردانده شد.

عضو هیات مدیره و مسئول امور مالی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی ۲۲ خرداد ۸۹ بازداشت شد و در حین انتقال به بند ۲۰۹ به دلیل ضرب و شتم شدید از ناحیه گردن به شدت آسیب دید. این فعال کارگری دو ماه پیش از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران توسط قاضی صلواتی به شش سال حبس تعزیری و محرومیت از فعالیت‌های سندیکایی محکوم شد.

۱۹ ماه نگهداری رضا شهابی در بند ۲۴۰ و ۲۰۹ زندان اوین و بازجویی‌ها تحت فشار و شکنجه و تهدید به اعدام موجب شد، این زندانی برای رسیدگی به وضعیت حقوقی و قضایی چندین بار دست به اعتصاب غذا بزند.

در پی عدم تمدید مرخصی حسن اسدی زیدآبادی، عضو شورای مرکزی سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) وی عصر روز یکشنبه به زندان اوین بازگشت.

به گزارش کلمه، حسن اسدی زیدآبادی مسوول کمیته حقوق بشر سازمان ادوار تحکیم وحدت که به اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، توهین به رییس جمهور، شرکت در تجمعات غیرقانونی و تشویش اذهان عمومی از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی مقیسه به پنج سال حبس تعزیری محکوم شده است در پی عدم موافقت دادستان تهران با تمدید مرخصی وی عصر روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۹۱ به زندان اوین بازگردانده شد.

این عضو ارشد سازمان ادوار تحکیم وحدت در ۳۱ مرداد ماه سال ۸۹ برای دومین از سوی نهادهای امنیتی بازداشت و در و از آن زمان تاکنون تنها دوبار به مرخصی کوتاه مدت آمده است.

اسدی پیش از این نیز در ۱۲ آبان ماه سال ۸۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

همزمان علی جمالی فعال دانشجویی محبوس در بند ۳۵۰ زندان اوین ساعتی پیش با پایان یافتن حبس خود آزاد شد.

به گزارش کلمه، علی جمالی دبیر سیاسی سازمان دانش‌آموختگان ایران که ۳۱ مرداد سال ۸۹ در خیابان بازداشت شده بود، ساعتی پیش پس از تحمل دو سال و نیم حبس تعزیری از زندان اوین آزاد شد.

این فعال دانشجویی به اتهام توهین به رهبری، توهین به رییس جمهور، تبلیغ علیه نظام و همچنین تجمع و تبانی برای برهم زدن امنیت داخلی، محاکمه شد و بر این اساس به دو سال و نیم حبس تعزیری و پرداخت یکصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم شده بود.

علی جمالی چندی پیش در زندان اوین برای فرزندش از تاریخ انقلاب نوشت و گفت که دقیقاً ۳۱ سال پیش از تولد تو، در ۱۲ فروردین ۵۸ پایه‌های نظامی بنیان نهاده شد که قرار بود «جمهوری اسلامی» باشد؛ نه یک کم و نه یک کلمه بیش. قرار بود جمهورش در آن اساس تصمیم‌گیری باشد و اسلامش رحمانی، اطمینان بخش و سازگار با دنیای جدید اما امروز و در روزهایی که تو به دنیا آمدی و به دو سالگی رسیدی، هم زمان با تو ۳۳مین سال تاسیس جمهوری اسلامی نیز سپری می‌شود، در حالی که زندان‌هایی که قرار بود دانشگاه باشد، لبریز است از دانشجویانی که به زندان شدن دانشگاه و شهر و کشور خود اعتراض دارند. تو ۲ساله می‌شوی و جمهوری اسلامی ۳۳ساله و چه کنایه آمیز که از کارزار سبز و پیوسته ما برای اعاده ی «جمهوریت» هم دو سال و اندی می‌گذرد.

هجوم زنان به بازار کار/ افزایش تعداد زنان بیکار به 916 هزار نفر

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در ۲۴ مرداد آمده است: ارتقای تحصیلات زنان، شکستن نگاه سنتی و دور شدن از چارچوب‌های قدیمی باعث نزدیک شدن رقابت زنان با مردان در مشاغل مختلف و افزایش تعداد بیکاران زن به ۹۱۶ هزار نفر شده است، با این حال دهه پیش‌رو حضور زنان در بازار کار تا ۲.۵ برابر افزایش می‌یابد.

به گزارش خبرنگار مهر، همزمان با افزایش تقاضا برای کار در حدود دو دهه اخیر و بالا رفتن تعداد کارجویان مرد، در جمعیت زنان نیز تغییراتی ایجاد و متقاضیان کار در این گروه نیز افزایش یافته است.

به عبارتی، به نسبت رشدی که در تعداد کارجویان مرد کشور در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اتفاق افتاد، در بین زنان نیز تقاضا برای کار بالا رفت که این موضوع به تغییر جایگاه زنان در جامعه نیز مربوط می‌شود.

هم اکنون طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، ۹۱۶ هزار نفر از بیکاران کشور در بهار سال جاری را زنان تشکیل می‌دهند و نرخ بیکاری در این گروه نیز ۲۰ درصد است در حالی که در مدت زمان مشابه نرخ بیکاری برای مردان معادل ۱۱.۲ درصد بوده است.

در حداقل ۲۰ سال گذشته تلاش زنان برای ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور افزایش یافته است و آنها تلاش‌های زیادی را برای شکستن نگاه سنتی جامعه نسبت به خود که همان خانه داری و زندگی سنتی بوده است، انجام داده‌اند.

خروج زنان از تفکر سنتی
می توان گفت امروز زنان موفق شده اند با افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی خود، ورود به عرصه های مختلف اجتماعی و تجربه مشاغل گوناگون را به دست آورند. دیگر درصد بالایی از زنان امروز آن تفکر سنتی خانه داری صرف و نگهداری از فرزندان را ندارند و درصد قابل توجهی از آنها در لایه های مختلف جامعه حضور موثری دارند.
علاوه بر اینکه افزایش گرایش زنان به تحصیلات دانشگاهی به صورت بالقوه می تواند نوع نگاه آنان را به حضور در عرصه های اجتماعی تغییر دهد و قالب های سنتی گذشته را بشکند، نیاز خانواده های جدید به بهبود وضعیت معیشتی و کسب درآمد بیشتر نیز باعث شده است تا زنان زیادی برای ورود به بازار کار با مردان به رقابت بپردازند.
امروزه تامین نیازهای معیشتی زندگی و تلاش برای بهبود وضعیت درآمدی و کمک به مردان در پیشبرد یک زندگی مشترک در نگاه بسیاری از زنان متبلور و این مسئله باعث شده است تا حضور زنان در مشاغل گوناگون اجتماعی نه تنها افزایش، بلکه محسوس شود. کارشناسان بازار کار معتقدند به دلیل تغییرات سریعی که در نگرش زنان نسبت به فعالیت های اجتماعی خصوصا در دهه های اخیر ایجاد شده است و همچنین موفقیت درصد بالایی از آن به کسب مدارج علمی؛ دهه پیش رو دهه حضور و هجوم 2.5 برابری زنان در بازار کار کشور باشد.

ناتوانی بازار کار در تامین نیاز شغلی زنان
با اینکه نگاه زنان به مقوله کار نسبت به چند دهه گذشته به کلی تغییر کرده است و امروز زنان قدرتمندی در عرصه های مدیریتی و اجرایی کشور به فعالیت می پردازند اما هنوز بازار کار کشور نتوانسته خود را با پیشرفت سریع زنان برای ورود به مشاغل مختلف همگون کند و می بینیم که بازار کار در برخی از رشته های شغلی در پذیرش زنان مقاومت هایی را از خود نشان می دهد.
سند دیگر اینکه به گواه آمارهای رسمی از بازار کار کشور که در سال های اخیر منتشر شده، همواره نرخ بیکاری در بین زنان فارغ التحصیل دانشگاهی حداقل 2 برابر مردان در وضعیت مشابه تحصیلی بوده است در حالی که زنان تلاش دارند در حداقل 90 درصد مشاغل موجود فعلی با مردان به رقابت بپردازند.
حمید حاج اسماعیلی در گفتگو با مهر در ارتباط با تحولات سریع جمعیتی کشور به ویژه در دهه 60 و افزایش یکباره تعداد زنان در کشور، همچنین بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و تلاش آنان برای ورود به عرصه های مختلف اجتماعی، گفت: ورود زنان به بازار کار متناسب با شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور اتفاق می افتد.
نماینده کارگران در هیئت حل اختلاف با اشاره به اینکه در گذشته زنان به صورت سنتی فقط به خانه داری می پرداختند، اظهار داشت: با این حال، امروزه به دلیل اینکه درآمد مردان و کار کردن یک نفر دیگر کفاف هزینه ها و نیازهای خانوار را نمی دهد، زنان را مجبور به ورود در بازار کار کرده است.

حاج اسماعیلی، تغییر شرایط اجتماعی زنان و تحصیلات آنان را یکی دیگر از دلایل گرایش به حضور در فعالیت های اجتماعی و اشتغال اعلام کرد و افزود: بالا رفتن سن ازدواج، نیازهای جدیدی را برای زنان به وجود آورده است.
این مقام مسئول کارگری تاکید کرد: حتی زنان مجرد نیز امروز تلاش می کنند تا به لحاظ اقتصادی شرایط خود را نسبت به گذشته تغییر دهند. به عبارتی گرایش زنان به حضور در جامعه و کار به مراتب از گذشته بیشتر شده است.
وی با بیان این مطلب که در چند سال اخیر رشد چشمگیری در حضور زنان برای کنکور و ورود به دانشگاه ها ایجاد شده است، ادامه داد: با این حال هنوز آنان را به عنوان متقاضیان واقعی کار به رسمیت نمی شناسند و اساسا دولت ها برنامه مشخصی برای اشتغال زنان در دستور کار نداشته است.

حضور زنان در بازار کار؛ یک فرصت
نماینده کارگران در هیئت حل اختلاف گفت: واگذاری مشاغل سطح پایین مانند منشی گری و جوابگویی به تلفن در عین حالی که بسیاری از زنان توان بر عهده گرفتن مسئولیت های مهم را دارند، باعث شده است تا ظرفیت سازی مناسبی در جهت اشتغال زنان در جامعه صورت نگیرد.
حاج اسماعیلی با اشاره به اینکه بازار کار برای پذیرش درخواست های فراوان زنان جهت اشتغال آماده نیست، خاطر نشان کرد: در بسیاری از کشورها حضور زنان در بازار کار به عنوان یک ظرفیت عظیم و جدی مورد توجه است و اساسا در نگاه به سرمایه انسانی در مورد زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد.
به گفته وی، درست است که در ایران نیز زنان بسیار زیادی موفق به ورود در بازار کار شده اند و امروز تصدی بسیاری از مشاغل را در دست دارند، اما همواره در برابر مردان از شانس کمتری برای اشتغال برخوردارند و نرخ بیکاری در گروه زنان به مراتب از مردان بالاتر است.
این مقام مسئول کارگری، این مطلب را نیز افزود که متأسفانه هنوز بستر حضور زنان در بازار کار کشور فراهم نیست و این مسئله در دیدگاه های بسیاری از مدیران نیز وجود دارد به نحوی که آنها در مواردی ترجیح می دهند حتی در شرایط برابر نیز، مردان را به استخدام بنگاه درآورند.

کمیته همبستگی بین المللی- اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا (CUPE) انتاریو:
علیرضا عسگری و جنیل محمدی را آزاد کنید

۱۳ اگوست ۲۰۱۲، تورنتو، کانادا

به مقامات جمهوری اسلامی ایران

علیرضا عسگری و جلیل محمدی، از فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، پس از آنکه نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی در تاریخ 15 ژوئن 2012 حمله کردند، دستگیر شدند. در مجموع حدود 60 نفر از فعالین کارگری وحشیانه توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان رجایی شهر در کرج منتقل شدند. اکثر بازداشت شدگان، پس از بازجویی های سخت، ضرب و شتم و اهانته، به قید وثیقه آزاد شدند، با این حال، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان غیر منصفانه در بازداشت به سر می برند. علاوه بر این دو فعال کارگری، فعالان کارگری خوش نام و با سابقه ای از جمله محمود صالحی، خالد حسینی، غالب حسینی، محمد عبدی پور و جلال حسینی در میان حدود شصت نفر دستگیر شدگان بوده اند و همگی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بسیاری از دستگیرشدگان متحمل آسیب های جدی شده اند. لگن محمود صالحی در اثر ضرب و شتم شکسته شد و به شنوایی خالد حسینی به شدت آسیب رسیده است.

نگرانی های جدی در مورد سلامتی و امنیت علیرضا عسگری و جلیل محمدی وجود دارد. کمیته هماهنگی اعلام کرده است که این دو از فعالین کارگری تحت ضرب و شتم شدید و فشارهای روحی و روانی قرار گرفته اند. علیرضا عسگری بنا به گزارش ها از تپش قلب شدید، درد قلب، بی حسی و ضعف در دست چپ و ضعف شدید، که تماما صدمات جسمانی ناشی از بازجویی ها هستند رنج می برد. جلیل محمدی نیز از وضعیت رو به وخامت جسمانی به علت صدمات متحمل شده در طول بازجویی رنج می برد.

علیرضا و جلیل در تاریخ 4 اوت 2012، در شعبه 4 دادگاه انقلاب اسلامی کرج و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل گروه غیر قانونی کمیته هماهنگی" محاکمه شدند. خانم ریحانه انصاری که بدنبال حمله به مجمع عمومی با قرار وثیقه از زندان آزاد شده بود در همان روز با اتهامات مشابهی محاکمه شد. هر سه نفر این اتهامات را رد کردند. هیچ یک از آنها در میان بنیانگذاران کمیته هماهنگی نبوده اند و تنها اعضای کمیته هماهنگی می باشند. دادگاه همچنین این اتهام را مطرح کرد که کمیته هماهنگی منتسب به یکی از احزاب سیاسی میباشد، که با واکنش های این فعالین کارگری و تاکید آنها بر استقلال کمیته هماهنگی مواجه شد.

من به شدت بازداشت ناعادلانه و آزار و اذیت این فعالین کارگری را محکوم می کنم. من آزار و اذیت و بازداشت فعالین کارگری در ایران و حمله اخیر به جلسه کارگران در کرج را محکوم می کنم. من خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط علیرضا عسگری، جلیل محمدی و همه فعالان کارگری در ایران هستم.

با احترام،

ایلین بوربانو

نماینده منتخب، اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا (CUPE) انترپرو - کمیته همبستگی بین المللی

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

<http://www.workers-iran.org>

info@workers-iran.org

اتحادیه کارگران حمل و نقل نروژ: علیرضا عسگری و جلیل محمدی را آزاد کنید

۱۴ اگوست ۲۰۱۲، اسلو

به دولت ایران:

علیرضا عسگری و جلیل محمدی، از فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، پس از آنکه نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی در تاریخ 15 ژوئن 2012 حمله کردند، دستگیر شدند. در مجموع حدود 60 نفر از فعالین کارگری وحشیانه توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان رجایی شهر در کرج منتقل شدند. اکثر بازداشت شدگان، پس از بازجویی های سخت، ضرب و شتم و اهانته، به قید وثیقه آزاد شدند، با این حال، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان غیر منصفانه در بازداشت به سر می برند. علاوه بر این دو فعال کارگری، فعالان کارگری خوش نام و با سابقه ای از جمله محمود صالحی، خالد حسینی، غالب حسینی، محمد عبدی پور و جلال حسینی در میان حدود شصت نفر دستگیر شدگان بوده اند و همگی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بسیاری از دستگیرشدگان متحمل آسیب های جدی شده اند. لگن محمود صالحی در اثر ضرب و شتم شکسته شد و به شنوایی خالد حسینی به شدت آسیب رسیده است.

نگرانی های جدی در مورد سلامتی و امنیت علیرضا عسگری و جلیل محمدی وجود دارد. کمیته هماهنگی اعلام کرده است که این دو از فعالین کارگری تحت ضرب و شتم شدید و فشارهای روحی و روانی قرار گرفته اند. علیرضا عسگری بنا به گزارش ها از تپش قلب شدید، درد قلب، بی حسی و ضعف در دست چپ و ضعف شدید، که تماما صدمات جسمانی ناشی از بازجویی ها هستند رنج می برد. جلیل محمدی نیز از وضعیت رو به وخامت جسمانی به علت صدمات متحمل شده در طول بازجویی رنج می برد.

علیرضا و جلیل در تاریخ 4 اوت 2012، در شعبه 4 دادگاه انقلاب اسلامی کرج و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل گروه غیر قانونی کمیته هماهنگی" محاکمه شدند. خانم ریحانه انصاری که بدنبال حمله به مجمع عمومی با قرار وثیقه از زندان آزاد شده بود در همان روز با اتهامات مشابهی محاکمه شد. هر سه نفر این اتهامات را رد کردند. هیچ یک از آنها در میان بنیانگذاران کمیته هماهنگی نبوده اند و تنها اعضای کمیته هماهنگی می باشند. دادگاه همچنین این اتهام را مطرح کرد که کمیته هماهنگی منتسب به یکی از احزاب سیاسی میباشد، که با واکنش های این فعالین کارگری و تاکید آنها بر استقلال کمیته هماهنگی مواجه شد.

من به شدت بازداشت ناعادلانه و آزار و اذیت این فعالین کارگری را محکوم می کنم. من آزار و اذیت و بازداشت فعالین کارگری در ایران و حمله اخیر به جلسه کارگران در کرج را محکوم می کنم. من خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط علیرضا عسگری،

جلیل محمدی و همه فعالان کارگری در ایران هستیم.
با احترام،

راجر هنسن

پرزیدنت، اتحادیه کارگران حمل و نقل نروژ

لینک به اصل نامه:

Norwegian Transport Workers' Union: Free Alireza Asgari and Jalil Mohammadi

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

<http://www.workers-iran.org>

info@workers-iran.org

گزارشی از بانک‌هایی که به نظامیان وابسته‌اند؛ دو درصد سود بیشتر برای بسیجیان فعال

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در 25 مرداد آمده است: بازتاب در گزارشی از رانت ویژه برخی بانک‌ها و موسسات اقتصادی وابسته به نهادهای نظامی برای بسیجیان دارنده کارت عضویت فعال خبر داد و با اشاره ای سر بسته به تبعات خطرناک حضور نظامیان در عرصه اقتصاد، نوشت:

یکی از مشکلات و آسیب‌های اقتصادهای رانتی، اثرگذار بودن سازمانها و ارگانهایی در اقتصاد است که مأموریت ذاتی آنها نسبتی با فعالیتهای اقتصادی ندارد. از این رو در این اقتصادها با پدیده‌هایی مواجه می‌شویم که در اقتصادهای سالم و غیررانتی نمونه مشابهی ندارند.

یکی از این پدیده‌ها در اقتصاد کشور ما، فعالیت چشمگیر نهادهای نظامی در بازار سرمایه و صنعت بانکداری کشور است؛ به گونه‌ای که به دلیل وابسته بودن برخی موسسات به آنها، موجب اثرگذاری قوی و گاه به هم ریختگی معادلات بازار می‌شوند. در حال حاضر هر ۴ رکن اصلی نظامی کشور هر یک به طور جداگانه دارای بانک مستقل هستند. در حال حاضر بانک حکمت ایرانیان متعلق به ارتش، بانک انصار متعلق به سپاه، بانک قوامین به ناجا و موسسه مهر وابسته به بسیج مشغول به فعالیت گسترده اقتصادی هستند.

این بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، سهم بزرگی از اقتصاد کشور را در اختیار دارند و هر یک دارای چندین شرکت سرمایه‌گذاری با نام‌های مختلف همچون قدر، اطلس ایرانیان، مهر اقتصاد و... می‌باشند که در حوزه‌های مختلف مشغول به فعالیت هستند. اگرچه حل برخی مشکلات مالی پرسنل نیروهای مسلح و ناجا نکته مثبت و توجیه اولیه ورود به این عرصه بوده، اما در واقع این بانکها با تکیه بر منابع مالی هنگفت و با تامین مالی نامحدود شرکت‌های خود، زمینه فعالیت آنها را در شاخه‌های مختلف از ساخت و سازهای بزرگ تا واردات و هتل‌داری و خرید سهام شرکت‌های بزرگ و همچنین فعالیت در صنعت نفت و گاز و انرژی فراهم می‌سازند. و رقابت ناجوانمردانه‌ای با بخش خصوصی و غیر وابسته اقتصاد کشور را رقم می‌زنند. که این موضوع بر خلاف اصل ۴۴ و سیاستهای اقتصادی کشور به شمار می‌رود.

منابع سپرده‌گذاری شده در این بانک‌ها در مجموع چیزی در حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود که سهم قابل توجهی از سپرده‌گذاری‌های سیستم بانکی را شامل می‌شود. مواردی رخ می‌دهد که گاه برخی از این بانک‌ها در جذب سپرده‌ها چندان به ضوابط بانک مرکزی توجهی ندارند، به گونه‌ای که مثلاً بانک قوامین به راحتی تا ۷ درصد بیشتر از سقف تعیین شده توسط بانک مرکزی به سپرده‌ها سود می‌دهد و در حالی که سود سپرده‌های یک ساله در سیستم بانکی ۱۸ درصد است، بانک قوامین ۲۵ درصد، آن هم به صورت روزشمار به سپرده‌ها سود پرداخت می‌کند.

نکته جالب در این میان پرداخت ۲ درصد سود بیشتر به اعضای فعال بسیج است که توسط برخی از این بانک‌ها پرداخت می‌شود؛ امری که توسط روسای برخی شعبه‌ها گفته می‌شود و احتمالاً مبتنی بر بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی این بانک‌هاست. اگرچه تقدیر از فعالیتهای داوطلبانه و خدایسندانه اعضای بسیج قابل قبول است، اما این شیوه نه تنها موجب بی‌نظمی می‌شود، بلکه به نوعی می‌تواند زمینه تحقیر بسیجیان باشد که فعالیتهایشان با دو درصد سود بیشتر جبران می‌شود. این همه در حالی است که کشور در سایه سوء مدیریت‌ها و تشدید تحریمها ناگزیر در فضای اقتصاد مقاومتی قرار گرفته است و در این میان این بانکهایی که متعلق به نهادهای نظامی هستند، قاعدتاً می‌بایست در این زمینه پیشرو بوده و در عمل اعتقاد خود را به این راهبرد اقتصادی نظام نشان دهند.

ردگذشت علیرضا سلیمانی از فعالین کارگری گیلان

به نوشته سایت کمیته هماهنگی... آمده است: با خبر شدیم در خردادماه 1391 یک فعال کارگری به نام «علیرضا سلیمانی» متولد شهرستان سراوان گیلان بر اثر سکته‌ی قلبی بدرد حیات گفته است. نامبرده از کارگران اخراجی کارخانه‌ی ناسیونال و ساکن شهر تهران بود.

خانانش مأمّن کارگران شهرستانی بود و همیشه با روی خوش دوستان و همشهریان را پذیرا می‌شد.

کمیته‌ی هماهنگی فقدان این دوست فداکار را به خانواده و دوستان تسلیت می‌گوید.

متن زیر توسط چند تن از دوستان و فعالان کارگری گیلان برای کمیته‌ی هماهنگی ارسال شده که عیناً در ادامه خواهد آمد:

روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد

و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت

روزی که کم‌ترین سرود

بوسه است

وهر انسان
برای هر انسان
برادری است
روزی که دیگر درهای خانه‌شان را نمی‌بندند
قفل
افسانه‌نویست...

...
...

و من آنروز را انتظار می‌کشم حتا اگر نباشم
سال‌ها در کار و پیکار زندگی واقعی در جستجوی نان به آگاهی طبقاتی و تاریخی دست یافته بود. دغدغه‌اش رهایی انسان ستمدیده و
آرزوی‌اش دست‌یابی بشر به درکی صحیح از تاریخ فلسفه و آزادی بود. از سلیمانی بودن‌اش بسیار سند و مدرک موجود است اما در نهایت
گم‌نامی... .

آری رفیق، امروز در یادت به حال خود می‌گرئیم. حالا تو نیستی و جایات واقعاً خالی است اما راهات از هر روز پرخطرتر است و آه که تو
نیستی تا مرهمی بر زخم‌های کارگران غیربومی پایتخت باشی! نیستی تا خانه‌ات مأمن امنی برای دوستان شود و آهی دیگر، آری این‌بار آهی
بلند می‌کشیم و آهسته و بی‌صدا در خود می‌گرئیم. در سوگات شمعی می‌افروزیم و آرزو می‌کنیم دنیای ما خالی از وجود انسان‌هایی چون تو
نشود. چه انتظار می‌رفت؟

باید که مراسم تدفین بی‌صدا باشد. نکند گرگان و ددان بدانند که علی‌رضا رفته است!
که آنروز میلادشان باشد!

پس ای رفیق آهسته در دل می‌گوئیم: «علیرضا بدرود»
یادش گرامی

جمعی از دوستان و فعالان کارگری گیلان

نرخ بیکاری در خوزستان بیش از ۲۵ درصد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 مرداد آمده است: دبیر خانه کارگر خوزستان گفت: بسیاری از کارگران
خوزستانی در سال گذشته شغل خود را از دست دادند و تعداد زیادی از آنان به ناچار برای تامین مخارج زندگی خود به شغل‌های کاذب
روی آورده‌اند که احتساب اشتغال آنان در نرخ بیکاری صحیح نیست.

آقایار حسینی مستندات نرخ بیکاری 10 درصدی خوزستان از سوی مرکز آمار کشور را غیر واقعی خواند و گفت: رقم واقعی نرخ
بیکاری در استان خوزستان بیش از ۲۵ درصد است.

این فعال کارگری افزود: با وجود افزایش مشکلات واحدهای تولیدی در استان که به تعطیلی و یا تعدیل گسترده نیروی کار انجامیده
است ارائه آمار غیر واقعی ۱۰ درصدی نرخ بیکاری نادرست است.

حسینی با ذکر مثالی در این زمینه یاد آور شد: تعطیلی و تعدیل کارگران کارخانجاتی همانند تسویه شکر اهواز، لوله سازی خوزستان،
کشتی سازی اروندان، آرمین گستر آبادان، خرم نوش اهواز، زمزم اهواز، و ده‌ها نمونه دیگر نقض کننده‌ی ادعای نرخ بیکاری 10
درصدی خوزستان است.

او با اشاره به اینکه آمار ارائه شده مرکز آمار کشور غیر واقعی به نظر می‌رسد تصریح کرد: در هر خانواده خوزستانی حداقل یک یا
دو نیروی آماده بکار تحصیل کرده وجود دارند که به جهت نبود اشتغال مناسب همچنان جویای کار هستند.

او در انتقاد به تعریف یک ساعت کار در هفته به عنوان شغل، عنوان کرد: تعریف یک ساعت کار در هفته که درآمد آن جوابگوی
مخارج زندگی نیست شغل محسوب نمی‌شود.

حسینی در این زمینه اضافه کرد: امروزه بسیاری از کارگران برای تامین مخارج معیشتی خود سعی دارند در چند شیفت کاری فعالیت
کنند و این در حالیست که جای سوال دارد که چگونه برای تامین مخارج زندگی یک ساعت کار در هفته می‌تواند تامین کننده معیشت
کارگران باشد.

دولت "کول برها" را هم شاغل حساب میکند

به گزارش سایت آفتاب در 25 مرداد آمده است: کول بری کاری است که در مرزهای کردستان اتفاق می‌افتد و مردم کالاهایی که می
خواهند از مرز عبور بدهند، بر روی دوش کول برها می‌گذارند و از مسیرهای ناهموار عبور می‌دهند. این بارها بسیار سنگین است و
گاه تا ۱۰۰ کیلو هم می‌رسد. نماینده سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از آمارهایی که دولت اعلام میکند گفت: آمارهای
دولت بیانگر آن است که میزان بیکاری در مرز ۱۱ درصد است، اما استاندار کردستان به صراحت اعلام کرده که میزان بیکاری
استان کردستان بالای ۲۰ درصد است.

محسن بیگلری عضو فراکسیون رهروان ولایت مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار مجلس نیوز، با انتقاد از اینکه دولت
مدعی کاهش بیکاری است، گفت: متأسفانه دولت هر حرکتی برای کسب یک لقمه نان بخور و نمیر را هم کار حساب می‌کند.

وی با اعلام اینکه در کردستان بحثی به نام "کول بری" داریم، گفت: آقایان این کارها را هم جزو آمار اشتغال حساب می‌کنند در حالی
که اینها درآمدهای ناچیزی دارند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در توضیح کول بری گفت: کول بری کاری است که در مرزهای کردستان
اتفاق می‌افتد و مردم کالاهایی که می‌خواهند از مرز عبور بدهند، بر روی دوش کول برها می‌گذارند و از مسیرهای ناهموار عبور

میدهند. این بارها بسیار سنگین است و گاه تا ۱۰۰ کیلو هم میرسد. بیکاری با تاکید بر اینکه آیا کول بری کار است که بخواهیم آنرا شغل بدانیم گفت: این کار چه امنیتی دارد که ادامه داشته باشد و اگر هم ادامه داشته باشد مگر آن کارگر بخت برگشته چقدر میتواند به این کار ادامه دهد؟ وی با ابراز تاسف از اینکه آمار بیکاری در همه جای ایران همین گونه است گفت: اما در منطقه کردستان آمار بیکاری بسیار بیشتر از این حرفهاست.

نماینده سفر و بانه با تاکید بر اینکه آمارهایی که دولت ارائه میدهد به هیچ وجه درست نیست گفت: باید صنعت تمرکز زدایی بشود وقتی تمام کارخانه ها در تران و شهرهای بزرگ باشد، آمار بیکاری همین گونه ارائه میشود.

وی با ابراز تاسف از اینکه برای کردستان صنایع را نادیده میگیرند گفت: فرض بگیرید که صنعت در کردستان نداریم اما معادن بسیاری داریم که مواد آن استخراج میشود و پس از آنکه به تهران یا شهرهای بزرگ دیگر منتقل شد، دوباره به محصول نهایی تبدیل میشود و به کردستان باز میگردد.

بیکاری افزود: برای حمل و نقل این محصول کلی ترافیک ایجاد میشود گفت: در این مسیر سوخت مصرف میشود، تصادفات اتفاق می افتد و تبعات خطرناک دیگری دارد.

وی با اعلام اینکه نیروی انسانی در کردستان ارزان است گفت: کارگر در شهرهای بزرگ گران است در نتیجه محصول نهایی گران تمام میشود و هیچ نتیجه ای هم نداشته است.

به گزارش مجلس نیوز، عضو کمیسیون صنایع و معادن اکنون در کردستان معدن سنگهای تزئینی داریم، معدن سرب، آهن، سیلیس و ... داریم گفت: بارها برای ساخت صنایع در کردستان پیشنهاد داده ایم، اما نتیجه ای نداشته است. حتی من پیشنهاد داده ام که شهرک صنعتی فقط برای معادن ما تشکیل شود که موافقت نشده و فقط قول داده اند که با این وضعیت، فقط امیدوار هستیم به قولشان عمل کنند اما مطمئن نیستیم.

بخشی از مطالبات کارگران صنایع فلزی ایران پرداخت می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 مرداد آمده است: این چک در اختیار وزارت صنایع است و امروز بخشی از معوقات حقوقی کارگران به حساب آنان واریز خواهد شد.

نماینده کارگران صنایع فلزی اعلام کرد: بخشی از مطالبات کارگران صنایع فلزی ایران پرداخت می شود.

بنا بهمین گزارش، پروین محمدی با اعلام این خبر گفت: در پی تجمع حدود ۶۰۰ کارگر این کارخانه طی روزهای دوشنبه و سه شنبه در بزرگراه فتح و مقابل ساختمان شماره یک وزارت صنایع، مدیریت دولتی صنایع فلزی ایران با حضور در جمع معترضین با دریافت چک از صاحب اصلی کارخانه وعده پرداخت حقوق معوقه بهمین، اسفند و عیدی سال گذشته را داده است. وی افزود: این چک در اختیار وزارت صنایع است و امروز بخشی از معوقات حقوقی کارگران به حساب آنان واریز خواهد شد.

گفتنی است پرداخت دستمزد و حقوق کارگران صنایع فلزی ایران حدود هشت ماه به تعویق افتاده است.

سه عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به زندان محکوم شدند

به گزارش آژانس خبری موکریان، سرویس حقوق بشر در 25 مرداد آمده است:

عباس جمالی وکیل یکی از این شهروندان در گفتگو با خبرنگار آژانس خبری موکریان ضمن تأیید این خبر اظهار داشت: براساس حکم صادره از سوی شعبه 4 دادگاه انقلاب اسلامی کرج سه عضو کمیته هماهنگی به نام های جلیل محمدی، ریحانه انصاری و علیرضا عسگری به اتهام تشکیل و عضویت در گروه غیرقانونی کمیتهی هماهنگی به حبس محکوم شدند.

جمالی در ادامه افزود: جلیل محمدی و ریحانه انصاری که حدود دو ماه پیش به اتهام شرکت در تجمع غیرقانونی در پوشش کمیته هماهنگی در کرج بازداشت شده بودند، روز گذشته توسط دادگاه انقلاب کرج به اتهام تشکیل و عضویت در گروه غیرقانونی کمیتهی هماهنگی هر کدام به یک سال حبس به مدت سه سال تعلیق محکوم شدند.

وی در ادامه گفت: علیرضا عسگری دیگر متهم این پرونده نیز به همین اتهام از طرف دادگاه انقلاب اسلامی به یک سال زندان تعزیری محکوم شد.

لازم به ذکر است جلیل محمدی، ریحانه انصاری و علیرضا عسگری از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به همراه 54 نفر دیگر عضو کمیته پس از مراجعه نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی در خرداد ماه سال جاری دستگیر و به زندان کرج منتقل شدند.

اکثر بازداشت شدگان، پس از بازجویی از زندان آزاد شدند، با این حال، جلیل محمدی، ریحانه انصاری و علیرضا عسگری همچنان در زندان به سر می بردند که ریحانه انصاری چندی پیش با قرار کفالت آزاد و جلیل محمدی نیز دقایقی پیش از زندان آزاد شد.

کارخانه های تعطیل خوزستان نرخ بیکاری رسمی را نقض می کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 مرداد آمده است: دبیر خانه کارگر خوزستان گفت: بسیاری از کارگران خوزستانی در سال گذشته شغل خود را از دست دادند و تعداد زیادی از آنان به ناچار برای تأمین مخارج زندگی خود به شغل های کاذب روی آورده اند که احتساب اشتغال آنان در نرخ بیکاری صحیح نیست.

آقایار حسینی مستندات نرخ بیکاری 10 درصدی خوزستان از سوی مرکز آمار کشور را غیر واقعی خواند و گفت: رقم واقعی نرخ بیکاری در استان خوزستان بیش از ۲۵ درصد است.

این فعال کارگری افزود: با وجود افزایش مشکلات واحدهای تولیدی در استان که به تعطیلی و یا تعدیل گسترده نیروی کار انجامیده است ارائه آمار غیر واقعی ۱۰ درصدی نرخ بیکاری نادرست است.

حسینی با ذکر مثالی در این زمینه یاد آور شد: تعطیلی و تعدیل کارگران کارخانجاتی همانند تسویه شکر اهواز، لوله سازی خوزستان، کشتی سازی اروندان، آرمین گستر آبادان، خرم نوش اهواز، زمزم اهواز، و دهها نمونه دیگر نقض کنندهی ادعای نرخ بیکاری 10

درصدی خوزستان است. او با اشاره به اینکه آمار ارائه شده مرکز آمار کشور غیر واقعی به نظر می‌رسد تصریح کرد: در هر خانواده خوزستانی حداقل یک یا دو نیروی آماده بکار تحصیل کرده وجود دارند که به جهت نبود اشتغال مناسب همچنان جویای کار هستند. او در انتقاد به تعریف یک ساعت کار در هفته به عنوان شغل، عنوان کرد: تعریف یک ساعت کار در هفته که درآمد آن جوابگوی مخارج زندگی نیست شغل محسوب نمی‌شود. حسینی در این زمینه اضافه کرد: امروزه بسیاری از کارگران برای تامین مخارج معیشتی خود سعی دارند در چند شیفت کاری فعالیت کنند و این در حالیست که جای سوال دارد که چگونه برای تامین مخارج زندگی یک ساعت کار در هفته می‌تواند تامین کننده معیشت کارگران باشد.

کارگران غرب استیل سمنان ۳ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 مرداد آمده است: یک فعال کارگری در سمنان اعلام کرد: کارگران غرب استیل سمنان 3 ماه حقوق دریافت نکرده‌اند. حبیب الله محقق با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه غرب استیل تولید کننده قطعات خودرو بیش از سه ماه است که در پرداخت حقوق بیش از ۴۰۰ کارگر خود ناتوان شده است.

دبیر خانه کارگر سمنان عمده مشکلات این واحد تولیدی را عدم وجود نقدینگی عنوان کرد و افزود: به دلیل کاهش تولید محصولات کارخانه‌های خودرو ساز و همچنین تاخیر در پرداخت بدهی‌های خود به قطعه‌سازان، این واحد تولیدی دچار مشکل شده است. او در پایان گفت: بسیاری از صنایع و تولید کنندگان قطعات خودرو در سمنان به دلیل کاهش سفارشات در بحران مالی به سر می‌برند.

شمار کارگران اخراجی کارخان عقاب افشان به ۳۴۰ نفر رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 مرداد آمده است: با عدم تمدید قرارداد ۴۰ کارگر دیگر، شمار کارگران اخراجی کارخانه عقاب افشان سمنان- تولید کننده اتوبوسهای عقاب (اسکانیا)- به ۳۴۰ نفر رسید. بنا به همین گزارش، ۶۰ کارگر دیگر نیز در لیست عدم تمدید قرارداد وجود دارند. پیش بینی می‌شود ظرف چهار ماه آینده این کارخانه قرارداد بیش از ۷۰۰ کارگر خود را تمدید نکند.

جلیل محمدی آزاد شد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 26 مرداد آمده است: صبح روز پنج شنبه 26/5/91 جلیل محمدی فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری پس از گذراندن 2 ماه زندان، به شهر سنجند بازگشت و در یکی از میدانهای شهر با حلقه گل و پخش گل و شیرینی و آزاد نمودن کبوتر، مورد استقبال گرم و پرشور صدها کارگر و فعال کارگری و مردم شریف شهر سنجند قرار گرفت و همچنین در مسیر بازگشت به منزل، توسط آنان همراهی شد.

لازم به ذکر است که نامبرده روز قبل در ساعت 20 با اعلام حکم 1 سال در 3 سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) توسط دادگاه، از زندان مرکزی کرج آزاد شده بود.

کمیته‌ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی جلیل محمدی به خانواده‌ی این فعال کارگری و تمام کسانی که دل در گرو رهایی طبقه‌ی کارگر از مناسبات استثماری سرمایه‌داری دارند، بار دیگر اعلام می‌دارد که به شدت نگران وضعیت جسمی علیرضا عسگری است که هنوز در زندان مرکزی کرج و در شرایط بسیار دشوار به سر می‌برد. اخبار رسیده حاکی از وخامت وضعیت جسمی علیرضا عسگری است به نحوی که دست او به مدت طولانی بی‌حس می‌شود و این امر به همراه تپش و درد قلب نگرانی احتمال مشکل قلبی حاد را در مورد وی افزایش داده است. همچنین او از مشکلات روده‌ای حاد نیز رنج می‌برد و این امر به همراه کوفتگی‌ها در ناحیه‌ی لگن توان نشستن را نیز از او سلب کرده است.

ما ضمن محکوم کردن احکام صادره برای تمامی اعضای خود از جمله علیرضا عسگری، پدram نصراللهی، ریحانه انصاری ... خواستار آزادی بدون قید و شرط علیرضا عسگری و تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند می‌باشیم. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

علی اخوان آزاد شد

روز 4 شنبه 25 مرداد 91 همراه با تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی، علی اخوان فعال کارگری که به يك سال ونیم حبس محکوم بود پس از گذراندن 7 ماه از دوران محکومیت خود از بند 350 اوین آزاد شد. این آزادی را به خانواده و کلیه فعالین کارگری واجتماعی تبریک گفته و خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی هستیم. با امید آنکه هیچ فردی به خاطر ابراز عقیده و داشتن نظرات مخالف و دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان در زندان نباشد.

منبع: وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر- ۱۶ اوت ۲۰۱۲

علی اخوان آزاد شد

علی اخوان از اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر که به 18 ماه زندان محکوم و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بود شامگاه چهارشنبه 25 مرداد ماه از زندان اوین آزاد شد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آزادی علی اخوان را به خانواده ایشان و همه فعالین کارگری تبریک گفته و امیدوار است هر چه زودتر شاهد آزادی رضا شهابی عضو زندانی خود باشد

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

مرداد ماه 1391

تبریک به مناسبت آزادی علیرضا اخوان

بر پایه نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 26 مرداد آمده است: بنا بر خبر مندرج در وبلاگ «کانون مدافعان حقوق کارگر»، فعال کارگری علیرضا اخوان که به یک سال و نیم حبس محکوم شده بود پس از گذراندن 7 ماه از دوران محکومیت خود از بند 350 زندان اوین آزاد شد. کمیته هماهنگی آزادی علیرضا اخوان را به خانواده‌ی این فعال کارگری و تمامی انسان‌هایی که دل در گرو جنبش کارگری دارند تبریک می‌گوید و خواستار آزادی تمامی کارگران و فعالان کارگری در بند است.

جلیل محمدی آزاد شد

به نوشته انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه در 27 مرداد آمده است: علیرضا عسگری و جلیل محمد از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری با حمله نیروهای اطلاعاتی و انتظامی حدود 2 ماه قبل به همراه 58 نفر دیگر از اعضای همین کمیته بازداشت شده بودند، در تاریخ 14 تیر در شعبه 4 دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شدند که در نتیجه علیرضا به یک سال حبس تعزیری و جلیل محمدی به سه سال حبس تعلیقی محکوم شدند. جلیل محمدی روز 25 مرداد از زندان آزاد شد. روز 26 مرداد جلیل محمدی به سندان رسید و از طرف اعضای کمیته هماهنگی و جمعی از فعالین کارگری سندانج و دیگر کارگران و خانواده ها مورد استقبال قرار گرفت.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

کارگران شرکت صنایع تندر خواستار پرداخت معوقات خود شدند

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه و به نقل از قول خبرگزاری دولتی فارس در 26 مرداد آمده است: جمع زیادی از کارگران کارخانه صنایع تندر رشت، به دلیل عدم دریافت 18 ماه حقوق و حق بیمه پرداخت نشده، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. به گزارش فارس، نماینده کارگران معترض با بیان اینکه مدت سه سال است دفترچه‌های بیمه کارگران تمدید نشده است، اظهار کرد: کارفرمای شرکت صنایع تندر با دریافت تسهیلات، آن را در جای دیگر هزینه کرده و حقوق و حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده است.

حسن جعفرزاده، با اشاره به اینکه اکنون کارخانه صنایع تندر تعطیل شده است، افزود: کارگران این کارخانه بیکار شدند و امروز 60 نفر به نمایندگی از دیگر کارگران مقابل استانداری تجمع کرده‌ایم و خواستار احقاق حق و حقوق خود که چهار سال به صورت متناوب عقب می‌افتاد و اکنون نیز 18 ماه است که آن را دریافت نکرده‌ایم، هستیم.

وی ادامه داد: کمیسیون کارگری ابلاغ کرده که تامین اجتماعی دفترچه‌های بیمه ما را تمدید کند که تمکین نمی‌کند. نماینده کارگران شرکت صنایع تندر با بیان اینکه این کارخانه از سال 52 تاسیس شد و ابتدا دولتی بود، ابراز کرد: این کارخانه از سال 70 به فرد مذکور واگذار شده است.

وی فعالیت شرکت صنایع تندر را در زمینه تولید دینام و استارت خودرو عنوان کرد و یادآور شد: تاکنون حکم قانون کار برای ما اجرا نشده است.

به گزارش فارس، جمع زیادی از کارگران شرکت صنایع تندر با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "18 ماه حقوق دریافت نکرده‌ایم" همچنان مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات کارگران این کارخانه از مسئولان ارشد استان هستند.

مرگ کارگر در چاهک آسانسور

به گزارش سامانه، در 26 مرداد آمده است: دیروز 125 کارگر میانسالی بر اثر سقوط به چاهک آسانسور یک ساختمان 4 طبقه در حال احداث واقع در خیابان پاسداران، خیابان دولت تهران جان خود را از دست داد. براساس این گزارش، غلامعلی دیرمینا در مورد چگونگی وقوع این حادثه گفت: بنا به اظهار سرکارگر، این کارگر در قسمت تأسیسات آسانسور در طبقه چهارم ساختمان در حال ساخت، سرگرم کار بود که ناگهان به داخل چاهک آسانسور افتاد. وی افزود: این کارگر که بیژن-ب نام داشت بدنبال این حادثه از طبقه چهارم تا انتهای این چاهک در زیرزمین ساختمان فروافتاد و در دم جان سپرد.

تجمع کارکنان دانشگاه علوم پزشکی همدان

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در 26 مرداد آمده است: در پی تصمیم معاون پشتیبانی این دانشگاه مبنی بر قطع فوق‌العاده بدی آب و هوا در تیرماه و متعاقب آن قطع فوق‌العاده جذب پرسنل، جمعی از کارکنان دانشگاه در مقابل ستاد مرکزی تجمع کردند.

بنابه گفته یکی از تجمع‌کنندگان با قطع مبالغ مربوط به دو مورد مذکور، بین 130 تا بیش از 300 هزار تومان و در برخی موارد 500 تا 600 هزار تومان به یکباره از دریافتی ماهانه کارکنان ستادی و نیز کادر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی استان کاسته شده است که این موضوع با توجه به میزان تورم و شرایط اقتصادی مردم، ضربه بزرگی به اقتصاد خانواده‌های پرسنل این دانشگاه وارد می‌کند.

به گزارش آرمان، همچنین یکی از دیگر پرسنل دانشگاه از نپرداختن حق مسکن، حق لباس کارکنان بیمارستان‌ها و حتی سبد کالایی خانوار ویژه ماه مبارک رمضان به کارکنان خبر داد. «می ریز» نماینده کارکنان و کادر دانشگاه علوم پزشکی همدان به خبرنگاران گفت: ما در درجه اول احترام به شخصیت پرسنل و یکسانی مقابل قانون و عدالت را خواستاریم چرا که مبلغ فیش‌های حقوق ما حتی با سابقه کار بالای 25 سال بسیار کمتر از حقوق برخی ادارات دیگر است. وی ادامه داد: از مسئولان می‌خواهیم که حق جذب و فوق‌العاده بدی آب و هوا و حق مسکن و ارتقای شغلی را به ما برگردانند. همدان اولین استانی است که نسبت به قطع حق جذب پرسنل علوم پزشکی اقدام کرده است که از دولت و وزارتخانه درخواست داریم مسئله را حل کند چون یک چهارم حقوق ما از این راه تامین می‌شود.

همچنین دکتر رضا صفی آریان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی همدان در گفت‌وگو با خبرنگاران با تأیید حق پرسنل دانشگاه، اظهار داشت: به لحاظ گستردگی بدنه پرسنلی وزارت بهداشت، کار پرداخت حق جذب که مصوبه دولت بود به مجلس کشیده شد و با رای 50-

۵۰ در مجلس تصویب شد و دولت نیز خود را ملزم به پرداخت ندانست در حالی که وزارت علوم به علت پایین بودن تعداد کارکنان، مصوبه را اجرایی کرد.

وی افزود: براین اساس وزارتخانه پرداخت حق جذب را در سال ۱۹۰ از درآمدهای اختصاصی دانشگاهها ملزم دانست و مقرر شد در سال ۹۱ از خزانه پرداخت شود اما متأسفانه امسال تا کنون هیچ بودجه ای بابت این امر به وزارت بهداشت اختصاص نیافت و ما مجبور به پرداخت از درآمدهای خود شدیم اما اکنون منابع درآمدی ما به اتمام رسیده و نمی‌توانیم مبلغ سنگین ۲ و نیم میلیارد تومان در ماه را بپردازیم. وی اعلام کرد: پس از انعکاس انتقادات پرسنل، با معاون پشتیبانی وزارت بهداشت و درمان ریزی شده و فعلاً قرار نیست یک ریال از آخرین فیش حقوقی پرسنل کم شود. دکتر صفی آریان در عین حال تأکید کرد: اگر دولت نسبت به تامین اعتبارات حق جذب پرسنل اقدام نکند این مشکل همچنان باقی خواهد بود. در همین حال رئیس دانشگاه علوم پزشکی همدان به دنبال تجمع اعتراض‌آمیز کارکنان دانشگاه علوم پزشکی گفت: با قول معاون توسعه و پشتیبانی وزیر بهداشت یک ریال از آخرین فیش حقوقی پرسنل دانشگاه کم نخواهد شد.

اطلاعیه شماره 36 - پیام تسلیت رضا شهابی به زلزله زدگان استان آذربایجان شرقی - پیام مشترک کارگران دربند رضا شهابی و علی نجاتی

پیام تسلیت به زلزله زدگان استان آذربایجان شرقی

حادثه غم انگیز زلزله در شهرستان های اهر، ورزقان و هریس موجب تأسف و تأثر جامعه بزرگ کارگری گردید. در درجه ی اول مسبب این گونه حوادث کوتاهی مسئولین حکومتی است چرا که در طول این سال ها علی رغم داشتن تجربه ی زلزله های رودبار و منجیل و بم و آسیب های بدون بازگشت آنها، برای مقاوم نمودن و رعایت اصول ایمنی در ساخت و ساز هیچگونه کار بنیادی انجام نداده اند. ضمن ابراز همدردی و تسلیت به مردم شریف استان آذربایجان و ملت ایران برای بازماندگان صبر و اجر جزیل خواستارم و از تمام همشهری ها و مردم عزیز و تشکل های کارگری و مردمی، شخصیت های مردمی و آزادی خواه و نهادهای بین المللی و امداد رسانی داخلی و خارجی، عاجزانه تقاضا دارم در این گرمای طاقت فرسای تابستان با کمک های مالی، دارو، چادر، پتو، پوشاک و مواد غذایی، چراغ و والور به یاری مجروحین و زیر آوارمانگان و بی خانمان ها در شهرها و روستاهای اهر، هریس و ورزقان بشتابند.

رضا شهابی

کارگر زندانی، خزانedar و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه

بیمارستان امام خمینی - 91 / 5 / 23

پیام کارگران دربند رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد و علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه

گرانی مایحتاج روزانه مردم و افزایش نجومی تورم و گرانی افسار گسیخته قیمت کالاهای مصرفی، پزشکی، دارویی نفس مردم محروم و ضعیف را بریده است و عملاً قدرت خرید اکثریت جامعه را پایین آورده است. افزایش سرسام‌آور بهای اجاره مسکن، افزایش لشکر بیکاری، نبود امنیت شغلی (البته شغلی وجود ندارد که امنیت شغلی داشته باشد) قدرت تصمیم‌گیری برای جوانان را جهت تشکیل زندگی غیر ممکن ساخته است.

طبق آمار و ارقام کارشناسان دولتی خط فقر یک میلیون تومان اعلام شده ولی دستمزد مصوبه شورای عالی کار و دستمزد، بر اساس تورم اسفند ماه سال 90، سیصد و نود و هشت هزار تومان تعیین می‌شود، یعنی یک سوم زیر خط فقر، این یعنی مرگ تدریجی برای خانواده بزرگ کارگری. یک خانواده چهار نفری طبق قانون باید از حداقل امکانات بهره‌مند شوند، یعنی با درآمد ماهانه بتواند حداقل مایحتاج یک خانواده چهار نفری از تحصیل تا مسکن، درمان، خوراک، پوشاک و تفریح را تامین کند، ولی عملاً می‌بینیم کارگران با این حقوق هیچ کدام از این مایحتاج که هر کدام به نوبه خود مهم و اساسی هستند را نمی‌توانند برآورده کنند. تورم به روز افزایش پیدا می‌کند و قدرت خرید مردم به روز سیر نزولی به خود می‌گیرد.

ما کارگران دربند ضمن محکوم کردن گرانی‌ها و افزایش تورم و به طبع آن پایین آمدن قدرت خرید کارگران تقاضای تشکیل جلسه شورای عالی کار و دستمزد طبق ماده 41 قانون کار برای تعیین دستمزد کارگران براساس تورم اعلامی از طرف بانک مرکزی را که 5/22 درصد می‌باشد در نیمه دوم سال 91 هستیم. دولت همانطور که در پایان هر سال دستمزد کارگران را بر اساس تورم سه ماهه آخر همان سال برای سال جدید تعیین می‌کند، باید دوباره دستمزد کارگران را به دلیل افزایش تورم افزایش دهد تا کارگران حداقل بتوانند برای زنده ماندن امیدوار باشند، دستمزد مصوبه دولت در سال 90 در حقیقت برای زنده ماندن است نه برای زندگی کردن!!!

کارگران و زحمتکشان گرامی همان‌طور که می‌دانیم:

چرخ اقتصاد کشور با دستان پرتوان ما به چرخش در می‌آید، بیاید برای رهایی از این وضعیت اسفبار نابرابر و ظالمانه، برای رسیدن به یک زندگی شایسته با هم متحد شویم و تشکل‌های مستقل خودمان را در کارخانه‌ها و صنایع و کارگاه‌ها و شرکت‌ها ایجاد کنیم و اعتراض خودمان را نسبت به افزایش تورم، گرانی مایحتاج روزانه مردم و بیکاری و اخراج‌های بی‌رویه نشان دهیم. این حداقل‌ها حتی در قانون اساسی و مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار ذکر شده است و جزء ابتدایی‌ترین حقوق ما می‌باشد.¹

ما کارگران در بند که بر اساس فشارهای روحی و روانی و بازداشت‌های طولانی مدت در سلول‌های انفرادی گرفتار انواع بیماری‌های جسمی شده‌ایم از تمامی کارگران و فعالین کارگری تشکل‌های کارگری از جمله همکارانمان در سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، و همچنین هیات موسس سندیکاهای کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کمیته پیگیری، فلزکار و مکانیک، انجمن صنفی خبازهای سقز و تشکل‌های کارگری بین‌المللی و تشکل‌های مردمی و شخصیت‌های مردمی که در مدت زندانی و بستری در بیمارستان از ما و خانواده‌های ما حمایت مادی و معنوی کردند بی‌نهایت سپاسگزاری می‌کنیم و امیدواریم که این همکاری و همبستگی هر روز از روز پیش بیشتر و بیشتر شود.

(2) البته می‌دانیم که دولت‌های سرمایه‌داری حتی همین قوانین نیم بند خودشان را هم رعایت نمی‌کنند ولی ما کارگران از همین قوانین نیم‌بند برای رسیدن به مطالبات خودمان باید استفاده کنیم.

به امید اتحاد و همبستگی تمامی کارگران جهان

رضا شهابی عضو هیأت مدیره و مسئول مالی سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه

علی نجاتی عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بیمارستان امام خمینی تهران - 22/5/1391

انتشار: کمیته دفاع از رضا شهابی - 26 مردادماه ۱۳۹۱

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

مرگ کارگر در چاهک آسانسور

به نوشته سایت آفتاب در 26 مرداد آمده است: کارگر میانسالی بر اثر سقوط به چاهک آسانسور يك ساختمان 4 طبقه در حال احداث جان خود را از دست داد.

پس از اطلاع این حادثه به سامانه 125، در ساعت 14:22 روز گذشته نیروهای ایستگاه 61 رهسپار محل حادثه در خیابان پاسداران، خیابان دولت شدند.

غلامعلی دیرمینا مسئول تیم اعزامی در مورد چگونگی وقوع این حادثه گفت: بنا به اظهار سرکارگر، این کارگر در قسمت تأسیسات آسانسور در طبقه چهارم ساختمان در حال ساخت، سرگرم کار بود که ناگهان به داخل چاهک آسانسور افتاد.

وی افزود: این کارگر که بیژن-ب نام داشت بدنبال این حادثه از طبقه چهارم تا انتهای این چاهک در زیرزمین ساختمان فرو افتاد و در دم جان سپرد.

براساس گزارش سایت آتش نشانی، دیرمینا در ادامه اظهار داشت: پس از معاینه عوامل اورژانس و تشخیص مرگ این کارگر، جنازه وی جهت بررسی بیشتر تحویل عوامل انتظامی شد.

تجمع کارکنان دانشگاه علوم پزشکی همدان

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 26 مرداد آمده است: در پی تصمیم معاون پشتیبانی این دانشگاه مبنی بر قطع فوق‌العاده بدی آب و هوا در تیرماه و متعاقب آن قطع فوق‌العاده جذب پرسنل، جمعی از کارکنان دانشگاه در مقابل ستاد مرکزی تجمع کردند.

بنابه گفته یکی از تجمع‌کنندگان با قطع مبالغ مربوط به دو مورد مذکور، بین ۱۳۰ تا بیش از ۳۰۰ هزار تومان و در برخی موارد ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان به یکباره از دریافتی ماهانه کارکنان ستادی و نیز کادر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی استان کاسته شده است که این موضوع با توجه به میزان تورم و شرایط اقتصادی مردم، ضربه بزرگی به اقتصاد خانواده‌های پرسنل این دانشگاه وارد می‌کند.

به گزارش آرمان، همچنین یکی از دیگر پرسنل دانشگاه از نپرداختن حق مسکن، حق لباس کارکنان بیمارستان‌ها و حتی سبد کالایی خانوار ویژه ماه مبارک رمضان به کارکنان خبر داد. «می‌ریز» نماینده کارکنان و کادر دانشگاه علوم پزشکی همدان به خبرنگاران

گفت: ما در درجه اول احترام به شخصیت پرسنل و یکسانی مقابل قانون و عدالت را خواستاریم چرا که مبلغ فیش‌های حقوق ما حتی با سابقه کار بالای ۲۵ سال بسیار کمتر از حقوق برخی ادارات دیگر است. وی ادامه داد: از مسئولان می‌خواهیم که حق جذب و

فوق‌العاده بدی آب و هوا و حق مسکن و ارتقای شغلی را به ما برگردانند. همدان اولین استانی است که نسبت به قطع حق جذب پرسنل علوم پزشکی اقدام کرده است که از دولت و وزارتخانه درخواست داریم مسئله را حل کند چون یک چهارم حقوق ما از این راه تامین

می‌شود.

همچنین دکتر رضا صفی آریان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی همدان در گفت‌وگو با خبرنگاران با تایید حق پرسنل دانشگاه، اظهار داشت: به لحاظ گستردگی بدنه پرسنلی وزارت بهداشت، کار پرداخت حق جذب که مصوبه دولت بود به مجلس کشیده شد و با رای ۵۰-۵۰ در مجلس تصویب شد و دولت نیز خود را ملزم به پرداخت ندانست در حالی که وزارت علوم به علت پایین بودن تعداد کارکنان، مصوبه را اجرایی کرد.

وی افزود: براین اساس وزارتخانه پرداخت حق جذب را در سال ۱۹۰ از درآمدهای اختصاصی دانشگاهها ملزم دانست و مقرر شد در سال ۹۱ از خزانه پرداخت شود اما متأسفانه امسال تا کنون هیچ بودجه ای بابت این امر به وزارت بهداشت اختصاص نیافت و ما مجبور به پرداخت از درآمدهای خود شدیم اما اکنون منابع درآمدی ما به اتمام رسیده و نمی‌توانیم مبلغ سنگین ۲ و نیم میلیارد تومان در ماه را بپردازیم. وی اعلام کرد: پس از انعکاس انتقادات پرسنل، با معاون پشتیبانی وزارت بهداشت و درمان ریزی شده و فعلاً قرار نیست یک ریال از آخرین فیش حقوقی پرسنل کم شود. دکتر صفی آریان در عین حال تاکید کرد: اگر دولت نسبت به تامین اعتبارات حق جذب پرسنل اقدام نکند این مشکل همچنان باقی خواهد بود. در همین حال رئیس دانشگاه علوم پزشکی همدان به دنبال تجمع اعتراض‌آمیز کارکنان دانشگاه علوم پزشکی گفت: با قول معاون توسعه و پشتیبانی وزیر بهداشت یک ریال از آخرین فیش حقوقی پرسنل دانشگاه کم نخواهد شد.

استقبال از جلیل محمدی فعال کارگری در سندج

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در 26 مرداد آمده است: صبح روز پنج شنبه ۲۶/۵/۹۱ جلیل محمدی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری پس از گذراندن ۲ ماه زندان، به شهر سندج بازگشت و در یکی از میدان های شهر با حلقه گل و پخش گل و شیرینی و آزاد نمودن کبوتر، مورد استقبال گرم و پرشور صدها کارگر و فعال کارگری و مردم شریف شهر سندج قرار گرفت و همچنین در مسیر بازگشت به منزل، توسط آنان همراهی شد. لازم به ذکر است که نامبرده روز قبل در ساعت ۲۰ با اعلام حکم ۱ سال در ۳ سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) توسط دادگاه، از زندان مرکزی کرج آزاد شده بود.

کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی جلیل محمدی به خانواده ی این فعال کارگری و تمام کسانی که دل در گرو رهایی طبقه ی کارگر از مناسبات استثمارگرانه ی سرمایه داری دارند، بار دیگر اعلام می‌دارد که به شدت نگران وضعیت جسمی علیرضا عسگری است که هنوز در زندان مرکزی کرج و در شرایط بسیار دشوار به سر می‌برد. اخبار رسیده حاکی از وخامت وضعیت جسمی علیرضا عسگری است به نحوی که دست او به مدت طولانی بی‌حس می‌شود و این امر به همراه تپش و درد قلب نگرانی احتمالی مشکل قلبی حاد را در مورد وی افزایش داده است. همچنین او از مشکلات روده ای حاد نیز رنج می‌برد و این امر به همراه کوفتگی‌ها در ناحیه ی لگن توان نشستن را نیز از او سلب کرده است.

ما ضمن محکوم کردن احکام صادره برای تمامی اعضای خود از جمله علیرضا عسگری، پدram نصراللهی، ریحانه انصاری و... خواستار آزادی بدون قید و شرط علیرضا عسگری و تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند می‌باشیم.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۲۶ مرداد ۱۳۹۱

کارگران شرکت صنایع تندر خواستار پرداخت معوقات خود شدند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 26 مرداد آمده است: جمع زیادی از کارگران کارخانه صنایع تندر رشت، به دلیل عدم دریافت ۱۸ ماه حقوق و حق بیمه پرداخت نشده، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

به گزارش فارس، نماینده کارگران معترض با بیان اینکه مدت سه سال است دفترچه‌های بیمه کارگران تمدید نشده است، اظهار کرد: کارفرمای شرکت صنایع تندر با دریافت تسهیلات، آن را در جای دیگر هزینه کرده و حقوق و حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده است.

حسن جعفرزاده، با اشاره به اینکه اکنون کارخانه صنایع تندر تعطیل شده است، افزود: کارگران این کارخانه بیکار شدند و امروز ۶۰ نفر به نمایندگی از دیگر کارگران مقابل استانداری تجمع کرده‌ایم و خواستار احقاق حق و حقوق خود که چهار سال به صورت متناوب عقب می‌افتاد و اکنون نیز ۱۸ ماه است که آن را دریافت نکرده‌ایم، هستیم.

وی ادامه داد: کمیسیون کارگری ابلاغ کرده که تامین اجتماعی دفترچه‌های بیمه ما را تمدید کند که تمکین نمی‌کند. نماینده کارگران شرکت صنایع تندر با بیان اینکه این کارخانه از سال ۵۲ تاسیس شد و ابتدا دولتی بود، ابراز کرد: این کارخانه از سال ۷۰ به فرد مذکور واگذار شده است.

وی فعالیت شرکت صنایع تندر را در زمینه تولید دینام و استارت خودرو عنوان کرد و یادآور شد: تاکنون حکم قانون کار برای ما اجرا نشده است.

به گزارش فارس، جمع زیادی از کارگران شرکت صنایع تندر با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "۱۸ ماه حقوق دریافت نکرده‌ایم" همچنان مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات کارگران این کارخانه از مسئولان ارشد استان هستند.

اعتراض کانون صنفی معلمان ایران به رویکرد جدید جنسیتی به آموزش

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 27 مرداد آمده است: کانون صنفی معلمان ایرانی طی بیانیه ای به رویکرد جدید جنسیتی در امر آموزش اعتراض کرد. در این بیانیه به حذف حق دختران از تحصیل در برخی رشته ها اشاره شده و نسبت به عواقب آن هشدار داده شده است.

به گزارش ملی - مذهبی، متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

به نام خداوند جان و خرد

اعتراض کانون صنفی معلمان ایران به رویکرد جدید جنسیتی به آموزش

”هر کس حق دارد از آموزش بهره مند شود.“

بند ۱ ماده ی ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

حق آموزش برای همه ی انسان ها، بدون در نظر گرفتن نژاد، دین، جنسیت، زبان و در همه ی پیمان نامه های جهانی به رسمیت شناخته شده است و یکی از حقوق بنیادین افراد به شمار می رود. اما افسوس این حق بنیادین، آنچنان که باید و شاید، محترم شمرده نمی شود تا آنجا که نهادی مدنی- آموزشی همچون EI (آموزش جهانی)، با توجه به تبعیض های گوناگون، به ویژه تبعیض جنسیتی که در آموزش رسمی برخی از کشورهای جهان روا داشته می شود، شعار آموزشی سال ۲۰۱۲ را ”آموزگاران برای برابری جنسیتی“ اعلام نمود. با این همه، در تابستان سال گذشته و چند روز مانده به آغاز سال تحصیلی، خبرهایی شنیده شد که گویا قرار است در ایران، خردسالان در مهد کودک ها، تفکیک جنسیتی گردند؛ سخنی که شگفتی بسیاری را برانگیخت و مورد اعتراض برخی کارشناسان آموزشی قرار گرفت. گرچه جداسازی جنسیتی خردسالان، لزوماً، تبعیضی را به همراه ندارد، با این حال بنا به گفته ی برخی اندیشه وران آموزشی، رشد آنها را با دشواری های بنیادینی روبرو کرده و نوباوگان را از تعامل درست و سازنده با جنس مخالف در سال های آینده باز می دارد. اما باز هم در چند روز گذشته، فضای عمومی و آموزشی کشور را موجی از نگرانی ها فراگرفت، که پیامد رویکرد ویژه ی پاره ای از کارگزاران آموزشی کشور درباره جداسازی جنسیتی است. خبرها حکایت از آن دارد که در ۳۶ دانشگاه کشور و در ۷۸ رشته ی دانشگاهی، پذیرش دانشجوی دختر انجام نخواهد گرفت. هر کس که کمترین تجربه آموزشی را داشته باشد می داند که تصمیماتی از این دست نه تنها گره ای از دشواری های آموزشی نمی گشاید بلکه دست کم تجربه ای نه چندان کامیاب را در گستره اجتماعی پشت خود یدک می کشد که بسیاری از اندیشمندان آموزشی و جامعه شناسی با آن همدل نیستند.

کاهش و حذف تدریجی سهم دختران در برخی دانشگاه ها و رشته های تحصیلی، به هر دلیل و بهانه ای که انجام پذیرد نشانی است از وجود تبعیض در جامعه، و نه تنها برخلاف قوانین رسمی کشور می باشد، زبان هایی هم در پی دارد که در دراز مدت متوجه کل جامعه خواهد گردید. گویا طراحان و مجریان این برنامه، با نگاهی کاملاً سنتی و بی توجه به دگرگونی هایی که در جامعه ی ایران نه حتی جامعه جهانی- رخ داده، تمایل چندانی به حضور اجتماعی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی ندارند و آن را بی فایده و حتی زیان آور تلقی می نمایند. در این نگاه، نقش زن بیشتر در چارچوب خانواده، بارآوری و پرورش فرزندان دیده می شود که هرچند اهمیت آن انکار ناپذیر است اما تمامی آن چیزی نیست که می توان از یک انسان با توانایی های گوناگون انتظار داشت.

واقعیت این است که در دو دهه ی اخیر، زنان جامعه ما انگیزه بالایی برای رشد و ارتقاء جایگاه علمی، اجتماعی و اقتصادی خود داشته اند و برای اثبات توانایی های نادیده گرفته شده شان، تلاش فراوان نموده اند. البته موفقیت های بسیاری نیز در بازار کار و کسب درآمد و ورود به عرصه های علمی که در گذشته جایگاهی در آن نداشته اند، بدست آورده اند. اکنون نیز، آماده و خواهان ورود به عرصه های بالاتر مدیریتی می باشند.

اما درباره ی این تصمیمات جدید، نکات زیر قابل توجه است:

- ورود به دانشگاه اگر به عواملی به جز توانایی های علمی و هوش و علاقه ی افراد مربوط شود موجب کاهش سطح علمی دانشگاه ها و در نتیجه افت سطح علمی کشور می گردد.

- منع نمودن دختران از ورود به برخی رشته های دانشگاهی که مورد علاقه آنان است موجب هدر رفتن استعداد های آنان و محروم نمودن آن ها از کسب موقعیت اجتماعی و اقتصادی دلخواه و در نتیجه سرخوردگی بخش مهمی از جامعه می گردد.

- بی تردید زنان تحصیل کرده و فعال در عرصه ی اجتماعی و اقتصادی، فرزندان آگاه تری تربیت می کنند و در خانواده های هسته ای کنونی، همراه مناسب تری برای همسر خود خواهند بود.

- برای حل مشکل بی انگیزگی پسران به تحصیل ضرورت دارد به ریشه های این مشکل بپردازیم. دست نیافتن به موقعیت های مناسب اقتصادی و اجتماعی بعد از تحصیلات دانشگاهی و چه بسا بیکاری طولانی مدت، به ندادن به تحصیلات و کسب علم، انتخاب مدیران میانی و ارشد با معیارهایی به جز شایسته سالاری و صلاحیت های علمی، ناکارآمدی نظام آموزشی و می توانند برخی از دلایل این بی انگیزگی باشند.

- جداسازی جنسیتی و تک جنسی کردن دانشگاه ها، مانع یادگیری برقرار نمودن ارتباط سالم میان دختران و پسران در یک محیط علمی و کنترل شده گردیده، در وهله ی نخست نگاه صرفاً جنسی را در آنان تقویت می نماید و در وهله ی دوم این روابط را از محیط کنترل شده دانشگاه به محیط ها غیر قابل کنترل خصوصی، خیابان و پارک می کشاند.

- فراموش نکنیم یکی از مهمترین دلایل رشد طلاق در کشور، عدم شناخت کافی همسران از یکدیگر در مرحله ی پیش از ازدواج است. فشار به جامعه برای حاکم کردن نوعی از روابط که به زمان دیگری در گذشته تعلق دارد، نه تنها موفقیتی در پی نخواهد داشت بلکه موجب کژروی بیشتر و انتخاب نادرست همسر و سست شدن بنیان خانواده می گردد. نکته ای که قطعاً مورد نظر طرفداران این طرح نمی باشد.

از این رو، ما به عنوان یک نهاد آموزشی، نگرانی جدی خود را از برخوردهای سلیقه ای و ناکارشناسانه ی تحمیلی، با مسأله ی مهم آموزش اعلام می کنیم و بر این باوریم که چنین تصمیماتی، نه تنها کمکی به بهبود سطح و کیفیت آموزش نخواهند کرد بلکه بر نابسامانی های آن افزوده، همچنین با بند نهم اصل سوم قانون اساسی یعنی ”رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی“ و حق برابری در آموزش ناسازگارند.

کانون صنفی معلمان ایران

۲۴/۵/۹۱

فرسودگی 90 درصد از بیمارستان‌های دولتی

به گزارش سایت تابناک در 27 مرداد آمده است: رییس بیمارستان امیراعلم، 90 درصد بیمارستان‌های دولتی کشور را قدیمی و فرسوده توصیف کرد و گفت: نوسازی این مراکز نیازمند به اختصاص بودجه کلان دارد که متأسفانه امسال نیز همانند سال‌های گذشته با گذشت چند ماه از سال هنوز بودجه‌ای از سوی وزارتخانه به این مراکز داده نشده است.

دکتر جلال رضایی در گفت و گو با خبرنگار ایسنا منطقه دانشگاه علوم پزشکی تهران، افزود: وضعیت اقدامات تشخیصی و درمانی برای بیماران در بیمارستان‌های دولتی به دلیل اینکه اساتید و اعضای هیات علمی این مراکز باید از هزاران فیلتر اخلاقی، علمی و عملکردی عبور کنند به مراتب بهتر و با کیفیت‌تر از بیمارستان‌های خصوصی است و این مراکز در ارائه خدمات درمانی به بیمار فقط به سود خود فکر می‌کنند.

وی در ادامه با بیان اینکه بیمارستان‌های دولتی در بحث هتلینگ (بستری) بیماران به مراتب در وضعیت نامطلوبی قرار دارند، تصریح کرد: بیمارستان‌های خصوصی در هتلینگ بیمارستانی نظیر امکانات بستری، فضای فیزیکی، کادر پرستاری، زیرساخت‌های نرم افزاری و سخت افزاری و نوسازی ساختمان‌های بیمارستان نسبت به مراکز دولتی در حد بسیار مطلوبی قرار دارد و شاید این تنها مزیت این مراکز نسبت به بیمارستان‌های دولتی است.

دکتر رضایی همچنین مرکز قلب تهران را تنها بیمارستان نوساز از بین 26 بیمارستان دانشگاه علوم پزشکی تهران دانست و اظهار کرد: بیش از 90 درصد بیمارستان‌های دولتی کشور قدیمی و فرسوده هستند که نیازمند بازسازی دوباره هستند به طوری که بیمارستان امیراعلم بعد از بیمارستان سینا قدیمی‌ترین و کهنه‌ترین بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران است.

رییس بیمارستان امیر اعلم ادامه داد: اگرچه قدمت بیمارستان سابقه تاریخی آن مرکز را در کشور بیان می‌کند اما بیمارستان امیراعلم به قدری به لحاظ فضای فیزیکی فرسوده و کهنه است که با کمتر حادثه‌های امکان ریزش ساختمان‌های آن وجود دارد.

دکتر رضایی در پایان از اختصاص بودجه هفت و نیم میلیاردی دانشگاه علوم پزشکی تهران جهت نوسازی این بیمارستان خبر داد و گفت: اگرچه نوسازی بیمارستان‌ها نیازمند بودجه‌های کلان کشوری است اما با اختصاص این بودجه دانشگاه می‌توانیم تا 15 ماه دیگر ساختمان‌های نیمه کاره این بیمارستان را تکمیل کنیم.

نامه ای به یک دوست گم شده (رضارخشان)

حالا راستشو بگو تو دوست داشتی الان زندان باشی یا ازاد؟ بابا ازادی هیچ نمی ارزه .کسی بهت توجه نداره . زنده ای؟ مرده ای؟ اما تو زندان واست سند شرافت درست میشه بدون سند شرافت حرفت مفته . بابا یارو را ندیدی که چه به اب و آتیشی زد تا واسش چند ماه سند شرافت صادر کنند؟ گویا که او نا که از اندن دور از جون تو همه بی- را-تند؟

نامه ای به یک دوست گم شده

دوست گرامی سلام. حال احوال خوبه؟ امیدوارم که اوضاع روبراه باشه. باری دوست عزیز خیلی تلاش کردم که پیدات کنم. ولی نشد. یه مدتی بود که دچار یبوست الفلم شده بودم و گرنه خیلی وقت پیشا واست نامه می نوشتم. و با هات درد دل می کردم. من احساس می کنم که تو از دست من دلخوری و یا کلا از من نامیدشده ای؟ و یا شاید نامید از همه کس و یا نامید از همه چیز؟

اما برآستی چرا؟ بخدا من تنها مقصر نبودم. خیلی ها بودند که ادعای آمدن و بودن را داشتند. اما نیامده رفتند. یزار اصلا از روز اول بگم. از روزی که شدیم فعال جنبش کارگری. راستی قبل چی بودیم؟ کارگر گمنام؟ کارگری زبون؟ و یا شاید اصلا ولش کن. خلاصه از آن روزی که فهمیدیم چی هستیم (فعال جنبش کارگری) اتفاقات جالبی افتاد. البته کمی هم تلخ بود. قبیلش یه سنوال؟ راستی چرا شیرینی که میتواند منشا بیماری باشه (دیابت) نماد خوبییه؟ ولی تلخی که میتواند مانند داروی تلخ، شفا بخش هم باشه، نشانه غم و اندوهه؟ ما که نفهمیدیم. مهم اینه که زیر این زبونه شیرین باشه حالا حقیقتش چی باشه و یا بعدش چی میشه زیاد مهم نیست. بگذریم. داشتم می گفتم، کارگران هفت تپه بعد از تحقق مطالباتشان و تاسیس سندیکا به اعتصابشان پایان دادند. ما اینو گفتیم که اعتصاب اساس نیست و سیله است. مهم اینه که کارگر به حقش برسه. اما نتیجه چی شد؟ فحشمان دادند. رفرمیست، سازشکار، سندیکالیست، داب سرمایه دار، نخاله. خلاصه رضارخشان کلی مورد لطف قرار گرفت. ما که نفهمیدیم تلخی زیر زبون بهتره یا شیرینی. بنظرت دلیل این حرفها (تلخ و یا شیرین) چی بود؟ الان بهت می گم. راستش واژگانی مثل بی نهایت، همیشگی جاودانگی، خیلی هیجان آمیزه. و بعضی ها از دو چیز خیلی لذت می برند و حال می کنند. یکی، اعتصاب بی پایان و یکی کارگر همیشه زندانی. حالا یزار از اولی بگم. کارگران باید همیشه در حال اعتصاب باشند. شب و روز. دلیلی نداره که کارگر سرکارش بره. فقط اعتصاب. اگر کسی پیدا شد که گفت بریم سرکارمون، به حرفش گوش نکنید. او از مانعیت دشمنه. نوکر و وردست سرمایه داریه. اصلا وجود کارگر با اعتصاب معنی پیدا می کنه. اصلا کارگر خوب یا باید در حال اعتصاب باشه و یا در زندان. تا ما هم واسش سینه بزنیم. بزرگش کنیم.

زیارتگاهش کنیم. نوحه واسش بخونیم. مهم نیست که این کارگر، بخاطر دفاع از حقش رفته زندان و یا بخاطر جرائمی دیگر. همین که یک کارگر در زندان است کافیه. بابا یارو حتی جرات نمی کرد بره اعتصاب. از دور می ایستاد و رفقاشو نگاه می کرد. هر چند بیشتر مواقع داشت با ماشینش مسافرکشی می کرد. و رفقاشو تنها می گذاشت. حالا بخاطر دلایلی دیگه بردنش زندان فوری همه جوانب دیگه پاک میشه و فقط روی کارگر بودنش مانور می دن. دوست گرامی یه وقت فکر نکنی من با زندان موافقم. بخدا ارزوی دنیایی دارم که در آن حتی پرنندگان از قفس در بیان چه برسه به آنها. ولی این فریبه قبول داری؟ قلب حقیقت برآستی چه سودی برای ما کارگران داره؟ با این حال، کارگر زندانی، آخر معرفته بالاترین تقدس را داره. مسیح در بند شده است. کارگر زندانی یه شبه همیشه قهرمان زندانی. همیشه رهبر زندانی. همیشه (تازه آگه تو زندان بتونه پشت سر هم بیانیه بده که دیگه اخرشه) خدای زندانی. میشه ||||| اما رفیق عجله نکن این سکه دو رو داره. کارگر زندانی ازاد شده، یک شبه میشه فراموش. میشه قهرمان پنجر شده. قهرمان گم شده. بعدش دوباره میشه هیچی. همون موجود گمنامی که اول بود. راستی اول چی بود؟

حالا راستشو بگو تو دوست داشتی الان زندان باشی یا ازاد؟ بابا ازادی هیچ نمی ارزه .کسی بهت توجه نداره . زنده ای؟ مرده ای؟ اما تو زندان واست سند شرافت درست میشه بدون سند شرافت حرفت مفته . بابا یارو را ندیدی که چه به اب و آتیشی زد تا واسش چند ماه سند شرافت صادر کنند؟ گویا که او نا که از اندن دور از جون تو همه بی- را-تند؟

حالا برسیم به سندیکا که کلی و آسش حرف دارم. آقا ما با هزار بدبختی و چون کندی که بود سندیکا رو زدیم. به عده می گفتند اشتباه کردید. گفتیم چرا؟ گفت آگه ما زودتر باهاتون آشنا میشدیم نمی گذاشتیم این کارو بکنین. زحمت بیخودی. حصار باغ را خورد. سندیکا راسته. سندیکاها نو کر سرمایه داریند. پس بی خاصیتند. بجاش باید مجمع عمومی خود را همیشه بر پا می کردید، بهتر بود. یعنی هر هفته مجمع می زاشتین. خب کسی نبود بهش بگه آدم حسابی وقتی جلسات هفت هشت نفره اینهمه سختی و کوفت وز هرمار داره، مجمع عمومی چهار پنج هزار نفری که دیگه گفتن نداره. خلاصه عده ای دیگه داشتن روی سایشها امضا جمع می کردند تا ما سندیکا را منحل کنیم. یکی دیگه ما را متهم می کرد که جلوی انقلاب سوسیالیستی کارگران را گرفته ایم چرا که فقط شورای کارگری میتواند به داد کارگران برسد. دیگه چی بود؟ والا الان خیلی وقته همشون یادم رفته. ولی به چیز مستمر بود و اونم فحاشی و تهمت و تخریب ما و عده ای هم مشغول تفرقه پراکنی و یار کشی در بین ما. اهان یادم آمد. دیگری می گفت کارگران فلان جا نزد ما اومدند و با اعلام کردند که قصد دارند سندیکا ی خود را برپا دارند اما من به آنها گفتم که شما نباید این کارو بکنید. بدبخت میشدید. زیر ضرب می روید. فقط به فکر مجمع عمومی باشین. حالا در انجا میتوانید با انتخابات شورای اسلامی کار و انجمن صنفی کنترل را در دست بگیرید. ولی سندیکا نه.

گذشت تا ما رسیدیم به پارسال. آقا یکی دوفتر از اقایونی که که همیشه پز انقلابی گری بخودش می گرفتند و به کمتر از انقلاب سرخ رضایت نمی دادند. در حالیکه به سندیکانیهای داخل ایران فحش می دادند ولی دخیلشو به سندیکاهای خارجی می بستند. گویا که مدل ایرانیش بدلی ولی خارجیش اورژیناله. تازه صبر کن بهت بگم. اونا می گفتند با توجه به این که سندیکا های غربی همه در خدمت سرمایه هستند و برای کارگران سودی ندارند سندیکاهای ایرانی هم پدر نمی خورند. اما در عمل فحشها برای ما بود و تمنا و خواهش و غیره برای رفقای سندیکاهای فرانسه و غیره بود. آقا ما اینو به سندیکا های فرانسه گفتیم که این رفقای ایرانی با ما چیکار کرده اند. گفتن این جمله کافی بود که سیل انواع مقالات انتقادی سرازیر بشه. اونهم با انواع تهمت و اتهامات گوناگون و خوشگل و زیبا. مثل: آقا این رفرمیست. آقا این رهبر جریان راسته. نمی دونم، این با حکومت ساخته اون یکی نساخته. هرچی فکر کنی بما گفتن. حالا بماند توی اون ایام بخاطر این هم حمله و تهمتهای ناجوانمردانه دچار آنچنان گرفتاری فکری شدم که در اثر سانحه تصادفی که بخاطر داشتن تمرکز اعصاب، با یک ماشین (ماسوار موتور بودیم) برخورد کردم، که پای زانو بچه ام خورد شد، حالا بماند.

از تو چه پنهان یه روز نشستم و شمردم تا حالا صد و هشتاد مقاله انتقادی گزنده بر علیه رضا رخشان طی این چهار سال نوشته شده است. بنظرت من اینقدر مشکل دارم و خطرناکم. فکر کنم تا حالا هیچ چیزی (روی هیچ چیز تا کید دارم) به اندازه کوبیدن من در جنبش کارگری مهم نبوده است.

دوست گرامی اشتباه نگرفته ای. من خودم. رضا رخشانم. کارگر هفت تپه. با شماره پرسنلی

72-109459

الان نزدیک سه ساله که از کار هم اخراج شده ام. به لحظه فکر کردی که من یا بیل گیتس یا با فلان سرمایه داری که خون کارگران را در شیشه می کند. چون مگه ممکنه یه فعال کارگری بیشتر از انواع سرمایه داران کوبیده بشه اونهم از طرف با اصطلاح دوستداران طبقه کارگر؟ خب ببین بنظرت من مهمترین معضل کارگران یا مسائلی مانند اخراج کارگران، قراردادهای سفید امضا و پرداخت نشدن حقوق کارگران. اصلا اینا به کنار، این تحریمهای بیرحمانه کشورهای بزرگ سرمایه داری که مستقیما سفره کارگران و ضعفا را نشانه رفته از موضوع رضا رخشان بی اهمیت تره؟ تو تا حالا دیدی که صد و هشتاد مقاله بر علیه تحریم نوشته بشه؟ یا یه کارزار گسترده بر علیه ان راه بیافته؟ همه با صدای بلند بگویند که این عملی که کشورهای جنایتکار غربی بنام آزادی و حقوق بشر انجام می دهند حقه فریبی بیش نیست. کاری کرده اند که اگر عده ای در خارج کشور بخواهند برای مردم آسیب دیده از زلزله اذربایجان کمک نقدی انسان دوستانه، بفرستند هیچ بانکی این کار را انجام نمی دهد. آیا این جنایت نیست؟ نظام سرمایه داری که بخاطر منافع خود از براه انداختن دو جنگ بزرگ ویرانگر جهانی ابایی نداشت. بر روی مردم بی گناه بمب اتم انداخت. به ملل محروم و ضعیف تجاوز کرد، حالا هم با این تحریمهای ضد انسانی قصد دارد تا با بهانه مسئله هسته ای، توده مردم را مورد تنبیه و آزار قرار دهد. حالا دخالتگری هایشان در کشورهایی مانند لیبی و سوریه که به جنگهای خونینی کشیده شد، بماند برآستی ای دوست، چرا کسانی که خود را مدافع حقوق کارگر می دانند، عموما در مقابل این وحشیگری سرمایه داری ساکتند؟ و یا با لکنت حرف می زنند؟ بنظرم جواب اینه خداکانه اشتباه کنم. بسیاری (نه همه) از این رفقا میهمانان این کشورها هستند. و سرمایه داری جهانی میزبان آنهاست. خب رسم میهمان و میزبانی بر همه هم واجب قبول داری؟ بعدش درین سه چهار ساله زیاد دیده ایم که سیکل کارگر گمنام میشود کارگر معترض و دنبال حق. کارگر معترض به فعال کارگری تبدیل میشود. فعال کارگری، زندانی میشود و صاحب سند شرافت می گردد. و میشود زندانی سیاسی. زندانی سیاسی (عموما) در نهایت میشود پناهنده سیاسی کشورهای غربی ضد حقوق کارگر. پس همانطور که دیدی جنبش کارگری فعلا شده بنگاه ارسال پناهنده کارگری - سیاسی به غرب.

خنده داره نه؟ می دونم تو هم ازین وضعیت بوجود آمده ناراحت و غمگینی. و یا شاید هم پاک از مانا امید شده ای؟ حق داری. منم بهت حق میدم. لابد با خود فکر میکنی بابا این رضا هم آگه پای رفتن داشت در این وادی نمی ماند درسته؟ ولی دوست گرامی باور کن من همانم. نه در این کافرستان زمین گیر شده ام و نه می خواهم قهرمانه زندانی و یا... باشم. من کارگری هستم که با وجود همه سختیها و دشواریها و بی مهریها، هنوز هم ارزومند دنیای بهتری برای همه کارگران هستم. و برای ایجاد ان دنیا تلاش می کنم. امیدوارم مرا با وجود همه بی عرضگیها و اشتباه ه هاوشکستها و باید و نبایدها ببخشی؟ و فراموش نکن من از اول همان کارگری بودم که هیچ بودم. روی ماه تو می بوسم.

سلام برسان

با ارزوهای صمیمانه

رضارخشان

27/5/1391

نامه اعتراضی واسکو پدرینا نماینده اونی و بی دبلیو آی

به مقامات جمهوری اسلامی ایران

اقدام فوری:

علیرضا عسگری و جلیل محمدی، از فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، پس از آنکه نیروهای امنیتی به مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ حمله کردند، دستگیر شدند. در مجموع حدود ۶۰ نفر از فعالین کارگری وحشیانه توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان رجایی شهر در کرج منتقل شدند. اکثر بازداشت شدگان، پس از بازجویی های سخت، ضرب و شتم و اهانت، به قید وثیقه آزاد شدند، با این حال، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان غیر منصفانه در بازداشت به سر می برند. علاوه بر این دو فعال کارگری، فعالان کارگری خوش نام و با سابقه ای از جمله محمود صالحی، خالد حسینی، غالب حسینی، محمد عبدی پور و جلال حسینی در میان حدود شصت نفر دستگیر شدگان بوده اند و همگی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بسیاری از دستگیرشدگان متحمل آسیب های جدی شده اند. لکن محمود صالحی در اثر ضرب و شتم شکسته شد و به شنوایی خالد حسینی به شدت آسیب رسیده است.

نگرانی های جدی در مورد سلامتی و امنیت علیرضا عسگری و جلیل محمدی وجود دارد. کمیته هماهنگی اعلام کرده است که این دو از فعالین کارگری تحت ضرب و شتم شدید و فشارهای روحی و روانی قرار گرفته اند. علیرضا عسگری بنا به گزارش ها از تپش قلب شدید، درد قلب، بی حسی و ضعف در دست چپ و ضعف شدید، که تماما صدمات جسمانی ناشی از بازجویی ها هستند رنج می برد. جلیل محمدی نیز از وضعیت رو به وخامت جسمانی به علت صدمات متحمل شده در طول بازجویی رنج می برد.

علیرضا و جلیل در تاریخ ۴ اوت ۲۰۱۲، در شعبه ۴ دادگاه انقلاب اسلامی کرج و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل گروه غیر قانونی کمیته هماهنگی" محاکمه شدند. خانم ریحانه انصاری که بدنبال حمله به مجمع عمومی با قرار وثیقه از زندان آزاد شده بود در همان روز با اتهامات مشابهی محاکمه شد. هر سه نفر این اتهامات را رد کردند. هیچ یک از آنها در میان بنیانگذاران کمیته هماهنگی نبوده اند و تنها اعضای کمیته هماهنگی می باشند. دادگاه همچنین این اتهام را مطرح کرد که کمیته هماهنگی منتسب به یکی از احزاب سیاسی میباشد، که با واکنش های این فعالین کارگری و تاکید آنها بر استقلال کمیته هماهنگی مواجه شد. من به شدت بازداشت ناعادلانه و آزار و اذیت این فعالین کارگری را محکوم می کنم. من آزار و اذیت و بازداشت فعالین کارگری در ایران و حمله اخیر به جلسه کارگران در کرج را محکوم می کنم. من خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط علیرضا عسگری، جلیل محمدی و همه فعالان کارگری در ایران هستم.

واسکو پدرینا نایب رئیس، فدراسیون بین المللی کارگران صنایع ساختمانی و چوب (بی. دبلیو. آی) ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

<http://www.workers-iran.org>
info@workers-iran.org

۱۷ اگوست ۲۰۱۲

آزادی دو تن از فعالین کارگری

به نوشته سایت احادیه ازاد کارگران ایران در ۲۷ مرداد آمده است: پس از زرمه شدن برخی اخبار مبنی بر آزادی شماری از زندانیان سیاسی و عقیدتی، براساس خبری که در وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگران منتشر شد، علی رضا اخوان روز ۴ شنبه هفته گذشته پس از تحمل ۷ ماه حبس از زندان آزاد شد. این فعال کارگری به یک سال و نیم حبس محکوم شده بود. هم چنین جلیل محمدی کارگر عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در روز ۵ شنبه و پس از تحمل حدود دو ماه حبس از زندان آزاد شد. اتحادیه ازاد کارگران ایران ضمن تبریک آزادی این دو فعال کارگری، خواستار منع تعقیب از فعالین کارگری و آزادی دیگر زندانیان کارگری و عقیدتی می باشد.

شمار اخراج کارگران عقاب افشان به ۳۴۰ نفر رسید

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در ۲۷ مرداد آمده است: در پی انتشار خبر بیکار شدن ۳۰۰ کارگر کارخانه عقاب افشان، دبیر خانه کارگر سمنان اعلام کرد این کارخانه با تمدید نکردن قرارداد ۴۰ کارگر دیگر، شمار کارگران تعدیلی خود را به ۳۴۰ نفر رساند. حبیب الله محقق با اعلام این خبر به اینها گفت: کارخانه عقاب افشان که از ابتدای سال جاری ۳۰۰ کارگر قراردادی خود را به دلیل افزایش مشکلات مالی کارخانه تعدیل و اخراج کرده بود، هم اکنون با عدم تمدید قرارداد ۴۰ کارگر قراردادی دیگر تعداد کارگران اخراجی خود را افزایش داده است. این فعال کارگری با اشاره به اینکه ۶۰ کارگر دیگر نیز در لیست عدم تمدید قرارداد وجود دارند، اضافه کرد: پیش بینی می شود ظرف چهار ماه آینده این واحد تولیدی به دلیل افزایش مشکلاتش قرارداد بیش از ۷۰۰ کارگر خود را تمدید نکند. گفتنی است کارخانه عقاب افشان تولید کننده اتوبوسهای عقاب (اسکانیا) به دلیل واردات گسترده اتوبوس های ارزان قیمت چینی و همچنین ناتوانی در تهیه مواد اولیه تولید و قطعات ساخت اتوبوس که از کشور سوئیس تامین می شد، با تعدیل نیروهای کار بخشی از مشکلات مالی خود را جبران کند.

کارگر نوجوانی بر اثر برق گرفتگی جان سپرد

کارگر نوجوان ۱۷ ساله ای بر اثر برق گرفتگی در بیمارستان روان پزشکی جان سپرد. به گزارش خراسان، این حادثه چهارشنبه گذشته در بیمارستان روان پزشکی هنگامی رخ داد. براساس این گزارش، کارگر نوجوانی به نام مجتبی در حال کار ساختمانی در داخل محوطه بیمارستان بود که ناگهان به دلیل اتصال برق، دچار برق گرفتگی شد و جان سپرد.

به دنبال اعلام این حادثه به پلیس ۱۱۰، ماموران کلانتری شفا به محل وقوع حادثه عزیمت کردند و به تحقیق در این باره پرداختند. از سوی دیگر نیز مقام قضایی دستور داد تا ماموران انتظامی ضمن تحقیق از کارگران دیگری که در محل حضور داشتند نظر بازرس اداره کار را نیز ضمیمه پرونده کنند.

در محکومیت کشتار کارگران اعتصابی آفریقای جنوبی!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی... در تاریخ 28 مرداد آمده است: بنا بر خبرهای منتشر شده پلیس آفریقای جنوبی به روی چند هزار کارگر معدن پلاتین لائین (سومین معدن بزرگ پلاتینیوم در جهان در شصت مایلی شمال غربی ژوهانسبورگ) که برای افزایش دستمزد اعتصاب کرده بودند آتش گشود و 36 تن از این کارگران معترض را کشت. این اولین بار نیست که نیروهای سرکوبگر حاکمیت‌های سرمایه‌داری برای حفظ سودآوری سرمایه‌داران به کارگران معترض حمله می‌شوند و آنان را در خون‌شان غرق می‌کنند؛ صفحات تاریخ مناسبات سرمایه‌داری پر از چنین اقدامات سبوعانه‌ای از جانب سرمایه‌داران و حامیان آن‌ها است.

کمیته‌ی هماهنگی ضمن محکوم کردن این اقدام جنایت‌کارانه‌ی حکومت سرمایه‌داری آفریقای جنوبی، هم‌دردی و هم‌بستگی خود را با کارگران معدن پلاتین لائین اعلام می‌دارد و از کارگران و تشکل‌های کارگری سراسر دنیا می‌خواهد به هر طریق ممکن به این اقدام وحشیانه اعتراض کنند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

کارگران شرکت کیسون اعتصاب کردند

بر پایه خبر دریافتی از انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در تاریخ 28 مرداد آمده است: طبق خبر دریافتی 130 نفر از کارگران شرکت کیسون در پالایشگاه گاز فاز 12 واقع در کنگان در اعتراض به نپرداختن سه ماه حقوقشان بعد از ظهر روز پنجشنبه 26 مرداد 91 دست از کار کشیدند. در پایان همین روز کارفرما به میان کارگران آمده و وعده پرداخت حقوقها را به زودی داد. روز جمعه کارگران با وعده کارفرما به سر کارشان رفتند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

کارگران ساختمانی

بهروز بیدار

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2012/08/blog-post_20.html

کانون مدافعان حقوق کارگر - گزارش مختصری که پیش رو دارید گشایش در بجه ای است به سوی یکی از عقب مانده ترین زیر بخش های نیروهای تولیدی یعنی "بخش ساختمان" شاید بتوان گفت یکی از "بازو محور" ترین بخش تولید است. در این بخش هنوز استفاده از نیروی انسانی به جای ماشین آلات مقرون به صرفه است، چندان که گاه از انسان به جای جرثقیل در بالا بردن مصالح ساختمانی یا حتی آهن واسکلت استفاده می شود و در آنجایی هم که از تکنولوژی ها بهره گیری می شود باز هم نیروی انسانی دست بالا را دارد (مانند استفاده از بالابر یا بتونیر دستی و کامیونی در فونداسیون ریزی). گفتنی است که در زیربخش های ساختمان هم مانند تاسیسات برقی و مکانیکی وضع کمابیش به همین منوال است.

در این شرایط کاری، انسان همچون ابزارهایی ساده به کار گرفته می شود و محیط به شدت خشونت باری شکل گرفته که فاقد ویژگی های روابط کاری متعادل و رفتارهای مبتنی بر حداقل های حقوق انسانی است. در این بخش روابط میان کارفرما و کارگر (و حتی میان خود کارگران) را به شکلی دور از تصور و غیرقابل قبول (هر چند متأسفانه اجتناب ناپذیر و تحمیلی) در آورده، چیزی که به سادگی و از بیرون قابل مشاهده نیست. با ورود به درون روابط، حتی با نگاهی گذرا و نه چندان عمیق، به فاجعه ای می رسیم که لخت ترین اشکال خشونت آشکار (حتا در موارد زیادی تنبیه بدنی منجر به جرح) و پنهان (رفتارهایی برده واران و تحقیرآمیز) در آن به چشم می آید که خود قربانی نیز مانند سرنوشتی محتوم آن را پذیرفته و نادرست یا عجیب نمی داند، در این جا اشکالی از عقب مانده ترین گونه های خرید و فروش نیروی کار را می بینیم که نابسامانی و عدم توسعه و بهره وری پایین آن به شکلی غیرقابل تصور دیده می شود. * بهره وری پایین این بخش که ناشی از سود زیاد و نامتعادل بورس بازی زمین و درآمدهای بادآورده و صوری و انگلی است و در کنار آن حضور نیروی کار فراوان و در دسترس بیکاران و کمبود انباشت و پراکندگی سرمایه در حقیقت سه عامل مهمی است که این نابسامانی را ایجاد کرده است. به ویژه در چهار دهه ی اخیر که نیروی کار ارزان و فراوان و کم توقع و فاقد هر گونه توان فنی و تجربه ی مبارزاتی افغان های مهاجر هم به آن افزوده شده است.

به واقع در بخش ساختمان ماهرترین عوامل کاری، کارگران در حد يك بیل یا فرغون و به شیوه ای بسیار ابتدایی مورد بهره کشی و استفاده قرار می گیرند و با کمترین تخصص و بازده، با بازار کاری که در دسترس هر بیکار مانده ای اعم از مهاجرین داخلی (روستا به شهر) یا خارجی (جنگ زده و آواره) و هر رانده شده ای است و شاید بتوان از آن به عنوان يك اقتصاد تعادل بخشی یاد کرد که به نوعی بیکاری پنهان و ارتش بیکاران و نیروی ذخیره را سرپا نگه می دارد، که اگر چه به تولید می پردازد ولی حقیقتاً با همه ی بزرگی که از نظر عددی دارد، نقش چندان بزرگی در اقتصاد به عهده ندارد، همان گونه که يك سیگار فروش یا روزنامه فروش سر چهارراه ها به راستی نقشی در چرخه ی توزیع ندارد. البته واضح است که این تعبیر کاملاً دقیق و منطبق بر واقعیت نیست و تا حد زیادی می توان گفت تعبیر است تا بیان دقیق، ولی کمی است برای این که درکی نسبتاً نزدیک به واقعیت بدهد.

گذرنا که بازار مکاره ای عرضه و تامین نیروی کاری ساختمان است مکانی است که بدون هیچ تمهیدی و فقط به خاطر مسیر رفت و آمد معماران و بساز و بفروش ها (که خود این اصطلاح حرف های زیادی برای گفتن دارد) انتخاب شده آن هم کاملاً غریزی و مانند همه ی امور دیگر این بخش بدون برنامه. درگذرها کارگران ساده و کم مهارت و گاه حتی ماهر می ایستند و کارفرما با نگاه خریدارانه بررسی و بعد از انتخاب نیروی مورد نیاز وارد مذاکره بر سر نوع و شرایط کار و دستمزد می شوند که گاه کمیاب بودن کار موجب می شود برخی که تنگدست ترند حاضر به کار بیشتر با مزد کمتر و شرایط سخت تر می شوند که خود این عوامل از مهمترین مسابلی است که جلو هر گونه اتحاد، تشکل و هم اندیشی و به هم اندیشی را می گیرد و این عدم تشکل بازخورد موجب عقب ماندگی بیشتر و

استثمار شدیدیتر می گردد چرخه ای که کمابیش هم چنان ادامه دارد.

گاه توسط تحصیل کردگانی که بیکاری آنها را به میان این کارگران پرتاب کرده و صد البته به کمک بالا رفتن میانگین تحصیلات و سطح دانش عمومی جامعه و برخی کارگران گذر، حرکتی از جنس آگاهانه ایجاد می شود مانند تلاش برای ساماندهی نرخ دستمزد و تنظیم نوبت اعزام به سر کار که گاه اتفاق می افتد ولی معمولاً توسط عقب مانده ترین نیروها و فرصت طلب ها و قاعدتا موش دوانی عوامل احتمالاً اجبر شده (حتا بی جیره و موجب ها) با بهانه هایی مانند نامساوی بودن توان کاری و نیاز مالی و عدم مهارت و ابراز و اینکه مسایل دیگران به من ربطی ندارد و ... همه ی این حرکات معمولاً به بلوغ نمی رسند و البته در میان مهم ترین عواملی که دست بر هم زندگان این تحرکات را باز می گذارد نیاز مالی و دست به دهان بودن این کارگران است که به خاطر شدت استثمار حتا از کمترین امکانات پس انداز هم برخوردار نیستند و بسیاری نیز مستاجر، عیالوار، معتاد و درمانده به معنای واقعی هستند و به خاطر نداشتن بیمه با آسیب دیدن در سر کار خیلی زود فرسوده و از رده خارج می شوند و فرزندانشان (که گاه هنوز به کمال رشد جسمانی خود نرسیده اند) جایگزین می شوند و ... چرخه به تکرار می رسد.

به تازگی شهرداری ها برای جلوگیری و کنترل تشکل هایی که کم و بیش صورت می گیرد و نیز کسب درآمد و البته به ظاهر برای کمک به کارگران و کارفرمایان و ساماندهی امور ساختمانی و دور کردن گذر از دید مردم و جلوگیری از زشتی معابر و ترافیک و ... دست به ایجاد مکان های خاصی زده و همزمان انجمن نظام صنفی معماران و در برخی موارد کانون کاردان های فنی ساختمان با نظارت و همکاری نظام مهندسی سعی در ارزیابی شناسنامه دار کارگران فنی (بناها و...) کرده تا از این رهگذر تشکل هایی مانند شوراهای اسلامی کار (یا همان انجمن های اسلامی بعدی) اگر چه با نام و تریبی دیگر ایجاد کند و جلو تجربه هایی مانند سندیکاهایی موفق مانند اتوبوس رانی و ... را بگیرند. این عمل پیشگیرانه حاکی از آن است که دولت مردان و سازمان اجتماعی موجود اگر چه در کوچک ترین برنامه ریزی های اقتصادی ناموفق است ولی با خصلت ذاتی و غریزی سرمایه داری در برنامه ریزی برای حفظ ارتش ذخیره ی کار کاملاً دقیق و درست عمل می کند.

*دلایل این عدم توسعه که گویای شکل و محتوای بروز بسیاری از مسایل و مشکلات این بخش تولید است به خاطر این که دیدگاه این نویسندگان در متن به صورت تحلیل و تحمیل نیاید، در آینده در یادداشت جداگانه ارایه خواهد شد.

بیانیه در رابطه با کشتار کارگران معدن طلای وسترن

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 29 مرداد آمده است: روز پنجشنبه 16 آگوست 2012 برابر با 26 مرداد 91 پلیس جنایت کار آفریقای جنوبی در حمله ای وحشیانه به صف کارگران اعتصابی معدن طلای پلاتینیوم وسترن در شمال غربی یوهانسبورگ حداقل 40 کارگر را کشتند. ماههست که 3000 کارگر بزرگترین معدن طلای جهان برای بهبود وضعیت معیشت خود و افزایش دستمزدهایشان به 1000 دلار مبارزه می کنند. جرم این کارگران این بوده که در روز پنجشنبه خود را برای تحقق خاسته شان اعتصاب کرده بودند. اما پلیس آدم کش آفریقای جنوبی مانند هر پلیس دیگر مدافع منافع سرمایه داران در هر نقطه ای دیگر از جهان، به روی کارگران آتش گشود و دهها نفر را کشته و زخمی کرد. این وحشیگری در جانی صورت گرفته که کمتر از سه دهه گذشته همین کارگران قتل عام شده در براندازی رژیم نژاد پرست حاکم با قدرت اعتصابات و مبارزات سازمان یافته همراه با مبارزات مردم به تنگ آمده از نابرابری و تبعیض، نقش تعیین کننده داشته اند. امروز دولت حاکم بر آفریقای جنوبی به روشنی نشان داد که آزادی خواهی و برابری طلبی خارج از چهارچوب منافع سرمایه داران را تحمل نمی کند و مانند هر نظام و دولت سرمایه دارانه دیگر تنها به رسالت خود پایبند است و از هیچ جنایتی علیه طبقه کارگر فرو گذار نیست.

ما کارگران در ایران ضمن اعلام همدردی با بازماندگان و اعلام همبستگی با کارگران معدن طلای وسترن، جنایت پلیس آفریقای جنوبی را شدیداً محکوم می نمایم و خواهان محاکمه آمران و عاملان این قتل عام ددمنشانه هستیم.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان

جمعهای از فعالین کارگری سمنج و کامیاران

29/5/1391 برابر با 19 آگوست 2012

کشتار معدنچیان آفریقای جنوبی باید بمثابه جنایت علیه بشریت ثبت گردد

به نوشته سایت اتحادیه کارگران ازاد در تاریخ 29 مرداد آمده است: روز پنج شنبه 26 مرداد ماه جاری خبری تکانهنده مبنی بر کشتار وحشیانه کارگران معترض معدن لان مین در آفریقای جنوبی، بار دیگر خصلت جنایتکارانه نظام سرمایه داری را به نمایش گذاشت. این جنایت در کشور لغو آپارتاید نژادی و مهد دموکراسی قاره آفریقا رخ داد و نشان داد هر زمان که سود و سود آوری سرمایه به خطر بیافتد دموکراسی سرمایه داری و وجود فضای آزاد مبتنی بر مناسبات این نظام، نمیتواند متضمن تفاهم اجتماعی برای پایان دادن به فقر و فلاکت و جنایت علیه کارگران باشد.

مصادره سر پناه توده های مردم در آمریکا، تعرض هر روزه به زندگی و معیشت میلیونها کارگر در کشورهای مهد دموکراسی در اروپا، وجود میلیونها انسان گرسنه در سرتاسر جهان، جنگ و آدمکشی در بسیاری از مناطق دنیا و کشتار ددمنشانه 34 کارگر معدنچی در آفریقای جنوبی که خواستی جز افزایش دستمزد نداشتند و بیشمار مصائب دیگری که همین امروز میلیاردها انسان را در کام خود فرو برده است، همه و همه چیزی جز بیانگر بن بست تاریخی و عجز و ناتوانی مناسبات سرمایه داری جهت تامین حداقلی از امنیت و رفاه برای بشریت معاصر نیست.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام همبستگی و همدردی عمیق با خانواده های کارگران جان باخته و کارگران معدن لان مین در آفریقای جنوبی از همه سازمانهای کارگری در سرتاسر جهان میخواهد تا متحدانه و با عزمی راسخ خواهان ثبت کشتار کارگران معدن لان مین به مثابه جنایت علیه بشریت شوند، عاملین و آمرین این جنایت در دادگاهی علنی و در پیشگاه جهانیان به محاکمه کشیده شوند و ضایعات مادی و معنوی وارده بر خانواده های کارگران جان باخته در بالاترین سطح مورد جبران قرار بگیرد.

مرگ یک کارگر در شهر سمنج

به گزارش خبر دریافتی از گُردها، در 29 مرداد آمده است: یک کارگر کُرد به علت سقوط از ارتفاع در حین کار، در بلوار "شبللی" شهر سنندج، جان خود را از دست داد.

بنابراین گزارش، چند روز قبل جوانی 27 ساله به نام "بدیع عبداللهی" ساکن روستای "نسنار" از توابع شهرستان سروآباد استان کُردستان در حین کار در بلوار شبللی سنندج از ارتفاع ساختمانی سقوط کرده و جان خود را از دست داد.

۷۰ درصد شرکتهای ساخت و ساز در آستانه ورشکستگی/بدهی 15 هزار میلیاردی شرکت های خصوصی به بانک ها

به نوشته سایت آفتاب در 29 مرداد آمده است: دبیر کانون سراسری پیمانکاری عمران گفت: قراردادهای مقطوع مناسب شرایط اقتصادی کشور نیست به طوری که در 5 سال گذشته 70 درصد شرکتهای ساخت و ساز در قالب این قراردادها ضررهای مالی زیادی کرده‌اند.

احمدرضا چابک با بیان اینکه این کانون دارای 25 هزار عضو است گفت: متأسفانه در پنج سال گذشته قراردادهایی وارد بخش ساخت و ساز شده است که به ضرر ساخت و ساز و مصلحت کشور است.

وی افزود: در این قراردادها پیمانکارانی که در مناقصات شرکت می‌کنند یا به صورت زیر بنا یا کلیدی قیمت را اعلام می‌کنند در حالیکه با توجه به رشد تورم و نمودار سینوسی تورم در چند سال گذشته این قراردادها از همان ابتدا مورد اعتراض پیمانکاران بود. وی ادامه داد: این تیپ قراردادها مناسب شرایط اقتصادی کشور نیست به طوری که در 5 سال گذشته 70 درصد شرکتهای ساخت و ساز در قالب این قراردادها ضررهای مالی زیادی کرده‌اند.

وی تأکید کرد: وقتی نمی‌توان برای یک سال آینده عدد دقیقی از نرخ تورم ارائه کرد چطور می‌توان قراردادهای مقطوع امضا کرد هر چند معتقدیم این نوع قراردادها در کشورهایی که آینده اقتصادی مشخصی دارند مناسب است. وی اضافه کرد: درخواست کتبی به دولت ارائه کرده‌ایم تا قراردادها به روال قبلی یعنی همان قرارداد تعدیل بازگردد.

**بدهی 15 هزار میلیاردی شرکت های خصوصی به بانک ها

براساس این گزارش محمد احمدی با اشاره به اینکه هزینه‌های وارد شده از قبیل هدفمندی یارانه‌ها به فهرست بهای شرکت های خصوصی از سوی دولت مورد توجه نیست گفت: نادیده گرفته شدن قوانین مربوط به مالیات بر ارزش افزوده نسبت به پیمانکاران، مطالبات معوقه پیمانکاران و مشکلات بانکی از سوی دولت مشکلات بسیار عمده ای برای پیمانکاران بخش خصوصی ایجاد کرده است.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، رئیس انجمن شرکتهای پیمانکاری تأسیسات و تجهیزات صنعتی ایران ادامه داد: اگر چنانچه دولت هرچه سریعتر به مشکلات پیمانکاران صنعت احداث رسیدگی نکند روزی خواهد رسید که حتی در ساخت درب و پنجره ساختمان هم به مشکل برخورد.

احمدی یاد آور شد: اگر بخواهیم مقایسه‌ای داشته باشیم باید بگویم اگر 5 میلیارد تومان از دولت طلبکار باشیم به خاطر تأخیر در پرداخت این بدهی‌ها 15 میلیارد تومان به بانک‌ها بدهکار شده‌ایم.

100 درصد قراردادهای کار بخش خصوصی موقت شد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر-گروه اقتصادی در تاریخ 30 مرداد آورده است: مواد دست و پاگیر قانون کار، وفور متقاضیان اشتغال، کاهش سطح تولید بنگاه‌ها، واردات بی‌رویه از خارج و مسائل تامین مالی و نقدینگی باعث تغییر نگرش کارفرمایان به جذب نیرو و انعقاد 100 درصد قراردادهای موقت شده است!

به گزارش خبرنگار مهر، افزایش روزافزون نیروی متقاضی کار در کشور و ایجاد آشفتگی در عرضه و تقاضای نیروی کار؛ در نتیجه ارزانی و در دسترس بودن نیروی کار باعث شد تا امروز تمام قراردادهای کاری بخش خصوصی با نیروی کار که حداقل چند میلیون نفر شاغل مشمول قانون کار را در خود جای داده است، به صورت موقت و غیردائم باشد.

تا دهه 60 که در کشور تعداد کارجویان کمتری بودند و از سویی نیز آنچنان که امروز است نیروی کار فارغ التحصیل دانشگاهی متقاضی ورود با بازارهای کار نبوده، 70 تا 80 درصد کل قراردادهای نیروی کار با کارفرمایان بخش های دولتی و خصوصی به صورت دائم و مستمر بود.

هجوم متولدین 50 و 60 به بازار کار

هجوم یکباره متولدین دهه های 50 و 60 به بازارهای کار دهه های 70 و 80، باعث از بین رفتن در تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار و در نتیجه تغییر ماهیت قراردادهای از دائم و مستمر به موقت و غیردائم شد که این مسئله حتی در مورد مشاغل دارای ماهیت دائم نیز دیده می شود.

امروز دیگر بخش خصوصی به صورت کامل همه قراردادهای جذب نیروی کار را به صورت موقت منعقد می کند و دیگر آن نگاه سابق به نیروی کار وجود ندارد. دیگر کارفرمایان ترجیح می دهند ارتباط کاری با نیروی خود را در حداقل مقررات و قوانین نگاه دارند و از اتصال بیش از حد نیروی کار به خود به شدت می پرهیزند.

عباس وطن پرور در گفتگو با مهر با تحلیل وضعیت اشتغال موقت در ایران و تنوع طلبی بنگاه ها و واحدهای تولیدی به علت وفور نیروی کار، گفت: ابتدا باید به این نکته توجه داشته باشیم که تعریف اشتغال موقت و دائم در ایران و طبق قانون کار چگونه است و آیا این تعریف از سوی کارفرمایان پذیرفته می شود و یا خیر؟

نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار اظهار داشت: امروز مفهوم شغل با ماهیت دائم در اروپا با آنچه که در ایران وجود دارد متفاوت است به نحوی که در ایران می گویند اگر بنگاهی راه اندازی می شود آن بنگاه حتما نیاز به منشی دارد، بنابراین این شغل در تعریف دارای ماهیت دائم می شود.

نگاه متفاوت قانون کار به شغل دائم
وطن پرور با اشاره به اینکه در اروپا نگاه به گونه ای دیگر است، افزود: برخی مشاغل مانند خلبانی، رانندگی و یا معدن کاری در اروپا به دلیل اینکه دیگر ارتقاء شغلی در آن اتفاق نمی افتد یک تعریف دارند و مشاغل دیگری که در ادارات و سازمان ها طبق گروه و پایه شغلی شکل می گیرند و امکان ارتقاء دارند را به نحو دیگری می بینند.
وی ادامه داد: در اروپا به دلیل عدم امنیت شغلی پس از وقوع بحران اقتصادی و رکورد مالی در کشورها، مشاغلی مانند معدن کاری و پیمانکاری ها به صورت موقت دیده شده و برای آن قرارداد منعقد کردند به دلیل اینکه اینگونه مشاغل در پایان کار مشمول ضوابط قانونی نشوند.

این فعال کارفرمایی کشور تاکید کرد: در ایران به دلیل اینکه قانون کار از ابتدا دست کارفرمایان را در نوع انعقاد قرارداد نیروی کار بست، کارفرمایان مجبور شدند به سمت انعقاد قراردادهای موقت بروند. قانون به نحوی نوشته شد که اگر دوره 3 ماهه استخدام آزمایشی افراد به پایان برسد و فرد ادامه کار دهد، کارفرما دیگر حق اخراج وی را نداشته باشد و تا ابد مجبور باشد آن نیرو را نزد خود نگاه دارد.

نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار اظهار داشت: در ایران افراد براساس یک ضابطه و شرایط مشخصی از کار منفک و در اختیار بیمه بیکاری قرار نمی گیرند و قبل از آن نیز دولتها از انجام وظایف خود در قبال نیروی کار سر باز می زنند.

فرار از قانون کار

وطن پرور ادامه داد: کارفرمایان فقط به دلیل اینکه از دست قانون کار فرار کنند و گرفتار بندهای آن نشوند مجبور به انعقاد قراردادهای موقت کاری شدند ولی هدف این نیست که بخواهیم حق و حقوق نیروی کار را نپزدازیم و افراد را دور بزیم.
نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار بیان داشت: امروز قانون کار آنقدر گزنده و دردسرساز است که کارفرمایان ترجیح می دهند تا جایی که ممکن است از آن دور باشند. متأسفانه در همان سال 69 که قانون کار فعلی تصویب و ابلاغ شد، ما شاهد ریزش شدید نیروی کار بودیم.

وی با اشاره به ضعف های قانون کار، تاکید کرد: این مسائل و موانع موجود در قانون کار باعث از بین رفتن بسیاری از مشاغل از جمله "استاد شاگردی ها" شد. امروز هم کارفرما حاضر است هزینه های مربوط به جستجوی نیروی کار جدید و هزینه های آموزش وی را بپردازد ولی دائما در حال تغییر و جابجایی نیروی کار خود باشد.

به گفته وطن پرور، کارفرمایان به دلیل وجود مواد دست و پاگیر در قانون کار ترجیح می دهند امنیت بنگاه را به امنیت نیروی کار ترجیح بدهند. قانون کار شرایطی را ایجاد کرد که بسیاری از نیروهای کار و کارفرمایان در مقابل همدیگر ایستادند و اختلاف پیدا کردند.

نیازی به اصلاح قانون کار نیست

این فعال کارفرمایی کشور در ارتباط با اینکه در حدود 7 سال اخیر برخی تلاش ها برای اصلاح قانون کار صورت گرفته است، آیا این اصلاحات می تواند به بهبود شرایط و فضای کسب و کار کشور کمک کند؟ گفت: به اعتقاد من امروز دیگر شرایطی برای اصلاح قانون کار وجود ندارد.

نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار اظهار داشت: فضای فعلی کسب و کار کشور باعث شده تا کارگر و کارفرما در شرایط فعلی به جای اینکه بخواهند موانعی بر سر راه یکدیگر ایجاد کنند، به فکر اعتماد به همدیگر بیافتند تا بتوانند از شرایط نامتعارف فعلی خارج شوند.

وطن پرور تاکید کرد: همچنین موادی در قانون کار فعلی وجود دارد که طبق آن دیگر کارگر و کارفرما امکان سوء استفاده احتمالی را نخواهند داشت که البته شرط آن آشنایی به حقوق خود در قانون کار است.

وی با اشاره به ریزش بالای نیروی کار در بنگاه ها و واحدهای تولیدی به دلایلی از جمله واردات بی رویه از خارج، ناتوانی در تامین مالی طرح ها و همچنین سرمایه در گردش و مسائلی از این دست، بیان داشت: به دلیل وجود شرایط نامناسب در تولید، کارفرمایان مجبور به انعقاد قراردادهای موقت و غیردائم می شوند.

وفور کارجویان و کاهش مشاغل مولد

این فعال کارفرمایی کشور اظهار داشت: وفور نیروی کار متقاضی اشتغال نیز باعث می شود تا کارفرما بتواند با دست بازتر نسبت به جابجایی نیروهای خود اقدام کند.

به گفته وطن پرور، در برنامه 5 ساله اول 73 درصد از جمعیت فعال کشور در تولید ناخالص داخلی نقش داشتند که این میزان در برنامه پنجم توسعه به زیر 30 درصد تنزل یافته است که نشان می دهد کشور به سمت مشاغل غیرمولد، غیردائم، نامطمئن و دلالی پیش می رود به نحوی که بسیاری از مشاغل فعلی در گذشته وجود نداشته اند و امروز بر پایه برخی تغییرات در اقتصاد از جمله نوسانات بازارهای کالا و خدمات، ارز و سکه و مسکن ایجاد شده اند.

نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار اظهار داشت: کاهش سهم جمعیت فعال اقتصادی از 73 درصد برنامه اول به زیر 30 درصد برنامه پنجم نشان می دهد که بخش قابل توجهی از نیروی کار و جمعیت فعال کشور اساسا در بهبود تولید ناخالص داخلی کشور نقشی ندارند.

80 درصد قراردادهای کارگران و کارفرمایان مازندران سفید امضا منعقد می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 مرداد آمده است: رئیس کانون همهانگی شوراهای اسلامی کار، کارخانجات مازندران با اعلام اینکه بیش از 80 درصد کل قراردادهای بین کارگران و کارفرمایان در مازندران سفید امضا منعقد می شود، گفت: در شرایط کنونی عدم امنیت شغلی مهمترین دغدغه جوامع کارگری است.

میر علی شیر افکن در گفتگو با خبرنگار ایلنا ضمن بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد کل بنگاه‌های کشور خرد و کوچک هستند یاد آور شد: گسترش قراردادهای سفید امضا در این بنگاه‌های اقتصادی نشان از بی‌اعتبار شدن قراردادهای کاری و فقدان امنیت شغلی کارگران دارد و از اهمیت بالایی برخوردار است.

وی با تأکید بر لزوم حمایت دولت از بنگاه‌های کوچک اقتصادی یاد آور شد: از دولت درخواست می‌شود تا با حمایت از بنگاه‌های تولیدی موجبات تقویت بدنه تولید کشور را فراهم کند.

شیر افکن با اشاره به افزایش تعداد کارگران قراردادی در بسیاری از بنگاه‌های تولیدی که فعالیت مستمر انجام می‌دهند خواستار انعقاد قراردادهای رسمی کار با این کارگران شد و خاطرنشان ساخت: با انعقاد قراردادهای رسمی کار، کارگران از امنیت شغلی بیشتری برخوردار می‌شوند.

رئیس کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار، کارخانجات مازندران با بیان این مطلب که کارگران پیمانی از امنیت شغلی پایداری برخوردار نیستند، خاطرنشان ساخت: دولت باید از موضع کارگران مسئله امنیت شغلی را مورد توجه قرار دهد.

شیر افکن ورود بی‌رویه کالاهای خارجی را موجب افزایش بیش از پیش نرخ بیکاری در کشور عنوان کرد و گفت: دولت باید به منظور کاهش نرخ بیکاری از واردات بی‌رویه کالاهای خارجی به داخل کشور جلوگیری کند.

پرداخت دو ماه حقوق کارگران ایران برک و نوپوش

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 مرداد آمده است: جلسه کمیسیون کارگری استان گیلان با هدف بررسی مسائل و مشکلات کارخانجات ایران برک و نوپوش به ریاست استاندار گیلان برگزار شد.

به گزارش ایلنا از رشت، در این نشست که جمعی از اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل این دو کارخانه حضور داشتند مقرر شد با توجه به تسهیلاتی که کمیسیون کارگری برای شرکت ایران برک و نوپوش فراهم کرده است این کارخانه‌ها در مدت دو هفته ۷۰۰ میلیون تومان، معادل دوماه حقوق ۵۲۰ کارگر خود را پرداخت کنند. استمهال بدهی مالیاتی به مدت یکسال، تقسیط بدهی و همکاری بانکهای عامل از دیگر مصوبات نشست کمیسیون کارگری استان بود.

استاندار گیلان در این نشست تأکید کرد: معاونین برنامه ریزی و سیاسی امنیتی بر نحوه اجرای صحیح و به موقع مصوبات کمیسیون کارگری نظارت دقیق داشته باشند. مهدی سعادت افزود: تیمی به سرپرستی معاون برنامه ریزی در مدت ۲۰ روز گزارش جامعی از وضعیت ترکیب و اعضای سهام دار ایران برک و نوپوش تهیه کند تا با فراخوان همه این افراد تصمیمات لازم به منظور حل مشکلات گرفته شود، ضمن اینکه ضرورت دارد مدیران این دو کارخانه برای حل مشکلات نقشه راه مناسبی تهیه کنند.

وی تأکید کرد: بی‌شک در کنار حمایت مسئولان اگر ایران برک و نوپوش کیفیت محصولات خود را افزایش دهند در بازاریابی بهتر و حل مشکل کمبود نقدینگی این دو شرکت موثر خواهد بود. استاندار گیلان در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه در سال تولید ملی مدیران استان و بانک‌ها با کار آفرینان واقعی نهایت همکاری را داشته باشند، اذعان داشت: باید از همه توان برای ایجاد اشتغال در جامعه بهره برد.

بدنبال اعتراضات متحدانه کارگران کارخانه های صنایع فلزی، عیدی و پاداش و دستمزد معوقه این کارگران تا پایان فروردین ماه امسال پرداخت شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در سی مرداد 91 آمده است: بدنبال دو روز اعتراض بیش از ششصد کارگر صنایع فلزی شماره 1 و 2 در روز های 23 و 24 مرداد ماه جاری، عیدی و پاداش و دستمزد های معوقه این کارگران تا پایان فروردین ماه امسال، از روز 26 تا 28 مرداد ماه به حساب این کارگران واریز شد و بدین ترتیب کارگران صنایع فلزی شماره 1 و 2 موفق شدند با اعتراضات قاطعانه خود، کارفرما و وزارت صنایع و معادن را وادار به تمکین به خواست هایشان کنند.

کارگران این کارخانه ها بارها از سوی کارفرما و وزارت صنایع برای دریافت دستمزدهای معوقه خود سر دوانده شده بودند و هر بار با مراجعه نماینده های این کارگران به وزارت صنایع توافق نامه ای برای پرداخت دستمزدهای معوقه آنان امضا میشد اما هیچگاه به این توافق نامه ها عمل نمیشد به همین دلیل کارگران این کارخانه ها در اعتراض به وضعیت خود در اقدامی متحدانه روز 23 مرداد ماه باند اصلی جاده قدیم کرج به تهران را بمدت دو ساعت بستند و روز بعد دست به تجمعی گسترده در مقابل وزارت صنایع و معادن زدند و پس از توافق برای پرداخت بخش مهمی از دستمزدهایشان (شامل دستمزد بهممن و اسفند سال 90 - عیدی و فروردین ماه امسال) به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند چنانچه توافق صورت گرفته فوراً به مرحله اجرا در نیاید تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت. این کارگران دستمزد خرداد ماه امسال خود را نیز قبلاً دریافت کرده بودند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز چهارشنبه 25 مرداد لیست کارگران برای دریافت دستمزدهای معوقه توافق شده به وزارت صنایع تحویل شد و این وزارتخانه از روز 26 مرداد اقدام به واریز دستمزدهای کارگران به حسابهای آنان کرد. کارگران صنایع فلزی پس از دریافت دستمزدهای خود، از روز 29 مرداد و طبق روال هر ساله به مرخصی تابستانی رفتند.

یادبود رفیق کارگر سلمان یگانه

سپاس، رفقای کارگر

در تاریخ ۲۶ و ۲۷ مرداد ماه ۹۱ دوستان کارگر کوهنورد، از سراسر ایران به یادبود رفیق کارگرمان سلمان یگانه، "جانباخته حادثه کارگری" به قله دماوند صعود کردند. این دوستان کارگر با این اقدام بشر دوستانه کارگری نه تنها از شخصیت کارگری و انسانی "سلمان یگانه" تقدیر کردند، بلکه تلاش در این صعود را با یاد تمامی جانباختگان و آسیب دیدگان حوادث کارگری انجام دادند.

ما فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان از تک تک شما دوستان کوهنورد و از تمامی سایت های کارگری بویژه افق روشن، دوستان کمیته ها هم‌هنگی و حتی KTV به دلیل بازتاب این خیر و شناساندن چهره و شخصیت سلمان یگانه تشکر ویژه داریم.

در ضمن، نوشته ای را که در مراسم سومین سالمرگ سلمان یگانه خوانده شد را برایتان می فرستیم.

پاینده باشید

ویژگی های سلمان یگانه از نگاه ما

سلمان کارگر و کارگر زاده بود رفیق مهربان، دوست داشتنی، شفاف همچون آب زلال رودخانه با لیخندی مهربانانه، نگاهی نافذ و پرسشگرانه کلامی گرم و دلنشین صداقت انقلابی داشت نیک کردار، نیک پندار، نیک گفتار بود ساده زیست و وقت شناس و منظم و نظم پذیر بود ژرف اندیش، تیزبین و واقع بین بود دارای ارتفاع فکری بوده گوش نیوش داشته و مخالف خوان بود.

سلمان جنگنده ای علیه سرمایه داری بوده و سرشت ضد سرمایه داری داشت هرگونه انحراف از منافع کارگری را نفی کرده و به نقد می کشید اهل ماماشات نبود بی شیله و پیله و پای بند رفاقت بشر دوستانه کارگری بود او منشوری از دوستی بود و دوستانش را به یک چشم می نگریست. خودی و غیر خودی برایش مفهومی نداشت.

تجربیات سخت زندگی، شخصیت پر صلابت وی را پرداخت کرده بود. در مقابل مشکلات مانند کوه استوار ایستاده بود.

سرآخر!

سلمان، رفیق راه، تا به آخر انقلابی بود. او یگانه بود یگانه
به مناسبت سومین سال جان باختن سلمان یگانه
فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان

نماینده آستانه در واکنش به اعلام نرخ بیکاری ۱۶ درصدی:

نرخ بیکاری در گیلان بیش از ۲۵ درصد است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 مرداد آمده است: نماینده مردم آستانه اشرافیه در مجلس نهم، اعلام کرد: مسوولان دولتی اعلام کرده‌اند که نرخ بیکاری در گیلان ۱۶.۵ درصد هست ولی بنده با جرات می‌گویم نرخ بیکاری در این استان و آستانه اشرافیه بیش از ۲۵ درصد است.

به گزارش خبرنگار ایلنا از آستانه اشرافیه، محمد حسین قربانی در جریان بازدید از طرح‌های عمرانی این شهرستان، توسعه آستانه اشرافیه را حول دو محور کشاورزی و گردشگری دانست. او اظهار کرد: کشاورزی گیلان حول محور برنج است و اگر سیاست‌های غلط دولت در زمینه واردات بی‌رویه برنج همچنان تداوم یابد، وضعیت این محصول استراتژیک به بادام زمینی و چای دچار خواهد شد و برای کشاورز صرف نمی‌کند به تولید آن بپردازد.

قربانی وضعیت شهرک‌های صنعتی آستانه اشرافیه را بسیار نامناسب دانست و بیان داشت: این شهرک‌ها از نداشتن آب، برق و گاز رنج می‌برند و مانع از سرمایه گذاری شده و از سویی دیگر رونق اقتصادی خوبی ندارند، کارخانجات آن فعال نیستند و ۳۰ درصد شهرک‌های این شهرستان فعال هستند. نماینده آستانه اشرافیه از موافقت وزیر جهاد کشاورزی برای انتقال مرکز تحقیقات بادام زمینی ارزشت به شهرک صنعتی نقره ده آستانه اشرافیه خبر داد و اظهار کرد: ۹۰ درصد بادام زمینی کشور در این شهرستان تولید می‌شود و این امر می‌تواند نقطه عطفی در جهت توسعه کشاورزی این شهرستان قلمداد بشود.

پایان پیام

تهدید به بازداشت دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه

آژانس خبری موکریان، سرویس حقوق بشر در 30 مرداد آمده است: محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه در گفتگو با خبرنگار آژانس خبری موکریان ضمن تایید این خبر اظهار داشت: در پی کسر حقوق فرهنگیان و قطع 20 درصد هزینه بدی آب و هوا در استانهای کشور از سوی وزارت آموزش و پرورش و اعلام این مطلب از طرف بنده (محمد توکلی) به مقامات آموزش و پرورش استان کرمانشاه که این کار واکنش فرهنگیان این استان را در پی خواهد داشت، پنجشنبه هفته گذشته یکی از نهادهای امنیتی اینجانب را به صورت تلفنی احضار نمود.

وی افزود: طی آخرین تماسی که از سوی مامور امنیتی با اینجانب گرفته شد به بنده اعلام گردید که کانون صنفی معلمان کرمانشاه غیر قانونی است و در صورت ادامه فعالیت با شما برخورد قهری خواهد شد.

یاد آور می‌گردد محمد توکلی دبیر آموزش و پرورش ناحیه 2 کرمانشاه، ظرف چند سال گذشته به خاطر فعالیت صنفی چندین بار احضار و بازداشت شده است.

40 درصد از تولید روغن نباتی ایران در دست یک شرکت مشترک ایرانی - عربستانی

به نوشته سایت آفتاب در 30 مرداد آمده است: در حالی مصرف سالانه روغن نباتی در ایران حدود 1.5 میلیون تن برآورد می‌شود که یک شرکت مشترک ایرانی - عربستانی سهمی 40 درصدی از تولید آن را برعهده دارد.

در حال حاضر شرکت صافولا بهشهر که مالکیت و مدیریت آن بر عهده عربستانی‌هاست، دارای دو شرکت زیرمجموعه صنعتی بهشهر و مارگازین ایران بوده که این دو شرکت در مجموع سهمی معادل 40 درصد از تولید روغن نباتی کشور را در اختیار دارند. دیگر تولیدکننده بزرگ کشور در حوزه روغن نباتی گروه مدلل بوده که سهم آن در بازار به 20 درصد می‌رسد. اگرچه گفته می‌شود تولید آن به شدت کاهش یافته است.

براساس برخی دیگر از آمارهای منتشر شده، سهم شرکت صافولا بهشهر در بازار روغن نباتی ایران با توجه به تغییر و تحولات ایجاد شده در سایر تولیدکنندگان حتی به 50 درصد هم می‌رسد.

در سه ماه نخست امسال شرکتهای صنعتی بهشهر و مارگازین ایران در مجموع بیش از 100 هزار تن روغن نباتی در کشور تولید کردند.

براساس جدیدترین اطلاعات دریافتی شرکت صافولا بهشهر قصد دارد بعد از گرفتن سهم عمده تولید روغن نباتی در ایران، توزیع این کالای اساسی را نیز در کشور تحت اختیار خود گیرد.

تاکنون شرکت به پخش توزیع روغن نباتی‌های تولیدی صافولا به شهر را در اختیار داشت که گفته می‌شود این دو شرکت هم‌اکنون با یکدیگر به مشکل برخوردند و قرار است از هم جدا شوند.

بر اساس اطلاعات دریافتی، صافولا به شهر قصد دارد تنها تا پایان آذر ماه امسال به همکاری خود با به پخش ادامه داده و بعد از آن به دنبال جایگزینی برای این شرکت خواهد بود. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی صافولا به شهر یا یک شرکت پختی دیگر را خریداری خواهد کرد یا اساساً اقدام به ایجاد یک شرکت جدید پخش روغن نباتی خواهد کرد.

در حال حاضر به شهر بزرگترین کارخانه تولید روغن نباتی در منطقه خاورمیانه است. به گفته ابوالحسن خلیلی - دبیر انجمن صنایع روغن نباتی ایران، از نظر تامین دانه‌های روغنی و مواد اولیه مورد نیاز برای تولید، روغن نباتی به میزان بیش از 90 درصد به خارج از کشور وابسته است.

کارشناسان، وابستگی به واردات دانه‌های روغنی و مواد اولیه تولید این کالای اساسی را در شان ایران نمی‌دانند. پیشتر قرار بود طی یک برنامه 10 ساله ایران در زمینه تولید دانه‌های روغنی به خودکفایی برسد.

بر اساس آمار منتشر شده، در سال گذشته واردات روغن خام به کشور بالغ بر 1.2 میلیون تن شد. ارزش این میزان واردات نیز با رشد 11 درصدی به 1.5 میلیارد دلار رسید؛ اگرچه وزن روغن خام وارداتی 14 درصد کمتر شد. همچنین سال قبل 550 هزار تن دانه روغنی وارد کشور شد که کاهش 30 درصدی را نشان داد.

صنایع به شهر پیش از پیروزی انقلاب اسلامی توسط گروه سرمایه‌گذاری لاجوردی تاسیس شد. پس از پیروزی انقلاب نیز تا سال 1371 سهام این شرکت در دست دولت بود، اما پس از آن روند خصوصی‌سازی در این شرکت آغاز شد.

در سال 1383 شرکت صافولا عربستان که یک سرمایه‌گذار بزرگ در حوزه تولید روغن نباتی در کشورهای عربی است، برای سرمایه‌گذاری در این شرکت اعلام آمادگی کرد و در فاز اول 49 درصد سهام شرکت صنایع به شهر را خرید. همچنین قرار شد مدیریت اجرایی شرکت را نیز به مدت سه سال بر عهده داشته باشد. پس از آن در سال 1386 بار دیگر شرکت صافولا 31 درصد سهام به شهر را خرید و هم‌اکنون 80 درصد سهام این شرکت در اختیار صافولا عربستان است.

به گفته محمد عباسعلی‌پور - مدیر عامل شرکت صنعتی به شهر، این شرکت به همراه شرکت مارگارین تا 45 درصد روغن نباتی مورد نیاز کشور را تامین می‌کنند. این در حالی است که 30 شرکت تولیدکننده روغن در کشور وجود دارد.

قانون کار در جهت تامین منافع دولت و کارفرما تغییر می‌کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 مرداد آمده است: رئیس شورای اسلامی کار کارخانه سیمان مازندران پیش نویس اصلاح قانون کار را مغایر با سیاست‌های حمایتی دولت از کارگران دانست و گفت: پیش نویس فعلی اصلاح قانون کار برخلاف مقوله نامه‌های بین‌المللی کار تدوین شده است.

غلامعلی نوپور وضعیت واحدهای تولیدی کشور را بحرانی دانست و به ایلنا گفت: پیش نویس اصلاحی قانون کار در راستای اهداف دولت و کارفرما تدوین شده است.

این فعال کارگری در ادامه وضعیت واحدهای تولیدی کشور را بحرانی توصیف کرد و افزود: به علت کمبود نقدینگی در واحدهای تولیدی از ابتدای سال جاری تا کنون بخش زیادی از کارگران اخراج شده‌اند.

او معتقد است دولت به منظور ایجاد اشتغال در کشور باید نسبت به پرداخت یارانه واحدهای تولیدی اقدام کند.

گزارش آکسیون اعتراضی ۱۴ جولای در

بروکسل در حمایت از حقوق شهروندان افغانستانی ساکن ایران

این برنامه به ابتکار "کمیته ی دفاع از مبارزات مردم ایران- بلژیک، سازمان زنان ۸ مارس- بلژیک، شورای جوانان و دانش جویان چپ- بلژیک" تدارک و برگزار شد. طبق اجازه ی پلیس از ساعت ۱۵ در برابر سفارت ایران جمع شدیم. در ابتدای امر افسر پلیس مسئول ضمن هماهنگی با برگزارکننده گان تقاضا کرد که صدای سیستم صوتی را رعایت کنیم چون در غیر این صورت سفارت از آن ها شکایت خواهد کرد و ما پذیرفتیم ولی بعد از ۱۰ - ۱۵ دقیقه که ما پلاکاردها و بنر همامان را آماده کرده و موزیک پخش می کردیم پلیس دوباره مراجعت کرد و خواهان برچیدن سیستم صوتی شد و علی رغم مخالفت قانونی و منطقی ما، تهدید به لغو اجازه ی آکسیون کرد؟! و ما ناچاراً بدون سیستم صوتی برنامه را آغاز کردیم. در هوای بسیار نامساعد و بارانی بروکسل جمعی از نیروهای مترقی و چپ بلژیکی گردآمده و فریاد حمایت خود از شهروندان افغانستانی ساکن ایران را سردادیم.

برنامه با خواندن فراخوان و توضیح اهداف این آکسیون شروع شد و به آکسیون های هم زمان در شهرهای کلن، برلین، لندن، هامبورگ، تورنتو و ... نیز اشاره شد. شعارهایی در مخالفت با اقدامات فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی و در حمایت از مهاجران و شهروندان افغانستانی سرداده شد و سپس رفیق جوانی به بررسی ۳ دهه حضور افغانستانی ها در ایران پرداخت و با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی!" سخن خود را به پایان برد. رفیق دیگری بر ضرورت همبستگی کارگران و زحمت کشان و خلق های تحت ستم با افغانستانی ها اشاره کرد و این که بحران های حاد بین المللی و داخلی رژیم ایران را به سمت اشکال جدیدی از سرکوب سوق می دهد و بسیج شدن بخش هایی از مردم در این سرکوب و جنایت یادآور دوران فاشیسم هیتلری است. پیامی از سوی "شمله سلیمانخیل" زن فعال سیاسی افغانستانی از اعضای هیئت تحریریه نشریه روشنگر در اروپا قرائت شد که در بخش پایانی آن تاکید کرده بود که: «... ما مرز نمی شناسیم کارگران زحمتکش افغان بخشی از کارگران زحمتکش ایران هستند. دفاع از کارگران افغان در ایران دفاع از طبقه ی کارگر ایران است. به امید روزی که نه مرز باشد و نه نژاد پرستی و نه استعمار!»

با وجودی بدی هوا و نبود سیستم صوتی تلاش جمع کوچک ما این بود که پیام سیاسی بزرگمان را به گوش ها برسانیم: «مرگ بر جمهوری اسلامی! - جمهوری اسلامی، فانوس رو به باد است! - جمهوری اسلامی، مرگت فرارسیده! - زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی! - دخالت خارجی، استبداد داخلی محکوم است! - اتحاد، مبارزه، پیروزی! ...» و بخشی از پیاممان را نیز بر

پلاکارهای سزخمان نوشته بودیم: «جمهوری اسلامی از هر جناح و دسته نابود باید گردد! - Smash Fascism! - ایران مدفن فاشیسم خواهد شد! - مرگ بر این رژیم زن ستیز! - نه به دخالت امپریالیستی در ایران! - انترناسیونال است نژاد انسان‌ها! - You can't have capitalism without! Racism - هیچ‌کس غیرقانونی نیست! - خلق‌های تحت ستم ایران، متحد طبقاتی افغانستانی‌ها! - اتحاد خلق‌های تحت ستم، در برابر فاشیسم! - گرد، عرب، بلوچ، تُرک، ترکمن، افغانستانی و ... متحد در برابر سرمایه داری جمهوری اسلامی! - جدایی دین از دولت اولین گام رهایی زنان خاورمیانه! - اعدام اعراب، سرکوب افغانستانی‌ها، زنان و کارگران حلقه‌های زنجیر سرکوب ملل! - انقلاب تنها راه رهایی!!!...»

رفیق دیگری پرده از جنایات رژیم در خوزستان و اعدام و سرکوب اعراب برداشت و به ارتباط حلقه‌های زنجیر سرکوب خلق‌های تحت ستم و شرایط خاص رژیم اشاره کرد. او همچنین تاکید داشت که در ماجرای سرکوب افغانستانی‌ها در ایران نیز ستم بر زن، در مرکز اسلامیت جمهوری اسلامی قرار گرفته است و در پس این جنایت نیز باید سرکوب سیستماتیک زنان پوشیده بماند و زن‌ستیزترین حکومت معاصر ندای دفاع از زنان سر داده که مورد تجاوز قرار گرفتن "ناموس" ایرانی‌مان باید دلیلی برای برافروختن "خشم ملی" بر علیه ملتی ستم‌دیده باشد!!! و آنچه پوشیده می‌ماند این است که منشا تمام این کتافات جمهوری اسلامی است، که ما امروز خواهان سرنگونی تمامیت این رژیم هستیم و... رفیق دیگری با ادامه ی نکات قبلی، به دستگیری کارگران و زندانی کردن فعالین کارگری اشاره کرد و تمام این موارد را بخش‌هایی از طرح‌های سرکوب گریبان‌های رژیم برای بقا شمرد.

و در پایان آکسیون را با امید به ادامه‌ی مبارزات با سردادن شعارهای سرنگونی رژیم ارتجاعی و فریاد همیسته‌گی بین المللی به پایان بردیم. لینک کلیپی از برگزاری این آکسیون در سایت یوتیوب و De Wereld Morgen با سپاس از همه دوستانی که صمیمانه و فروتنانه در تهیه آن یاری نمودند.

هشت هزار کارگر شارپ بیکار خواهند شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 مرداد آمده است: شرکت تولیدکننده تلویزیون شارپ هزاران نفر از نیروی کار خود را اخراج می‌کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز از توکیو، سه هزار نفر از کارکنان شرکت شارپ با فروش کارخانه‌های تولید تلویزیون این شرکت در چین و مکزیک بیکار خواهند شد. شرکت شارپ پیش‌تر اعلام کرده بود تصمیم دارد تا پنج هزار فرصت شغلی را در این شرکت حذف کند اما خبرگزاری کیودو ژاپن به تازگی اعلام کرده است که این شرکت درصدد است به رغم برنامه اولیه خود برای حذف پنج هزار فرصت شغلی، ده هزار نفر از کارکنان خود را اخراج کند.

گزارش روزنامه یومیوری تازه‌ترین گزارش درباره گام‌های مضاعفی است که پیش می‌شود شرکت تولیدکننده تلویزیون شارپ در تلاش برای جلوگیری از افزایش هزینه‌ها بردارد. بنابر این گزارش، شرکت شارپ با بدهی شانزده میلیارد دلاری در تلاش است تا با جلوگیری از هزینه‌های اضافی و اخراج کارکنان این شرکت بدهی‌های خود را پرداخت کند. ارزش سهام شرکت شارپ که از آغاز ماه اوت بیش از سی و پنج درصد کاهش داشته است امروز سه شنبه نیز با سیر نزولی یک و هفت دهم درصدی مواجه شد.

پایان پیام

قاتلان برای کارگران ضرب‌الاجل تعیین کرده‌اند!

به کارگران معدن‌چی آفریقای جنوبی یک روز دیگر برای بازگشت به کارشان در معدن ماریکانا فرصت داده شده است. شرکت «لان‌مین» مالک معدن ماریکانا گفته است که تمام کسانی را که تا روز دوشنبه ۲۰ اوت به اعتصاب ادامه دهند، از کار برکنار می‌کند، اما در ادامه به دنبال گفت‌وگو با اتحادیه‌های کارگری این مهلت را یک روز دیگر افزایش داد!

چند روز پیش‌تر اما پلیس سرسپرده و آدمکش آفریقای جنوبی در روز پنجشنبه شانزده اوت، به دستور حاکمان و فرماندهان سرمایه‌دار خود، در یورش وحشیانه و به‌غایت حیوانی که تنها از مدافعان و حامیان سرسپرده و سینه‌چاک سرمایه برمی‌آید، به روی کارگران معدن ماریکانا واقع در شمال غربی این کشور آتش گشودند و بیش از 34 تن از آنان را کشته و تعداد زیادی را زخمی کردند. برخی خبرگزاری‌ها تعداد کشته‌شدگان را حتی بیش‌تر از این نیز اعلام کرده‌اند!

معدن ماریکانا یکی از معادن پلاتین موجود در آفریقای جنوبی است که به کمپانی «لان‌مین» تعلق دارد. دفتر این شرکت عظیم و چندملیتی در لندن قرار دارد و این همان جایی است که داعیه‌ی حقوق بشرش گوش فلک را کر کرده است! لازم به توضیح است کارگران معدن آفریقای جنوبی 80% پلاتین جهان را تولید می‌کنند. کارگران این معدن در اعتراض به دستمزدهای پایین و شرایط طاقت‌فرسای کار و زندگی، دست به اعتراض زده و در تظاهراتی متحد و یکپارچه خواهان دست‌مزدهای بیش‌تر جهت مرهم نهادن بر زخم‌های کشنده و عمیق خود بودند که با این تهاجم ددمنشانه از جانب عوامل سرمایه مواجه گشته و به خاک و خون در غلطیدند.

یکی از کارگران در همین تظاهرات خطاب به هم‌نجیران و حاضرین در این تجمع اعتراضی می‌گوید: «ما کارگران به شکل رنج‌آور و طاقت‌فرسائی کار می‌کنیم اما حتا نمی‌توانیم بچه‌هایمان را به مدرسه بفرستیم!» و این همان منطق همیشگی سرمایه است که کارگران را حتا برای بهبود شرایط کار و فرستادن فرزندان‌شان به مدرسه، به گلوله می‌بندد و قتل عام می‌کند.

جنایت اخیر مدافعان سرمایه، که به نوبه‌ی خود یکی از خشنونت‌بارترین حوادث و جنایت‌های سرمایه‌داری حاکم در آفریقای جنوبی پس از دوران آپارتاید و تبعیض نژادی است، یک بار دیگر نشان داد که «همه جا آسمان سرمایه یک رنگ است» و نظم سرمایه در هر شکل و هیأتی و تحت هر نام و عنوانی آن هنگام که منافع‌اش ایجاب کند تنها و تنها زبان زور و سرکوب می‌فهمد و به راحتی آب خوردن دست به خشنونت و کشتار می‌زند. این واقعه‌ی عجیب و خون‌بار همچنین ثابت کرد که سرمایه چه به شکل استبدادی و خشنونت‌بار آن و چه با پزدموکراتیک و بزک‌کرده‌اش چیزی جز سود و سرمایه و در یک کلام منفعت طبقاتی نمی‌شناسد و حاضر است برای تأمین و پاس‌داری از ذره‌دهی آن به ددمنشانه‌ترین جنایت‌ها دست بزند و تعداد زیادی کارگر بی‌گناه را که تنها به خاطر بهبود شرایط نکیبت‌بار زندگی‌شان دست به تجمع اعتراضی می‌زنند به خاک و خون کشد. این حادثه‌ی دل‌خراش در عین حال نشان داد که عوامل و گماشته‌گان سرمایه، باز هم در جهت تأمین منفعت طبقاتی و پاس‌داشت و حفاظت از سرمایه، با وجود تمام ریاکاری‌ها و ادعاهای مزورانه‌ی خویش، آن زمان که لازم ببینند، نه

سیاه می‌شناسند و نه سفید، نه دین می‌فهمند و نه مذهب، نه وطن برای آنان معنایی دارد و نه آئین و زبان و قومیت. آری کشتار بی‌رحمانه‌ی کارگران معدن ماریکانا در آفریقای جنوبی و عمل شنیع و ضدبشری پلیس این کشور، که به کلاه و جلبقه‌های ضدگلوله (لابد ساخت بهترین کارخانه‌های اروپایی) مجهز بوده‌اند، بار دیگر نشان داد که مقوله‌هایی چون «حقوق بشر»، «حقوق انسانی» و مفاهیمی از این دست فقط و فقط بازیچه‌ای در دست این جانیان است و نظم سرمایه به وقت لزوم و آنجا که منافع طبقه‌ی سرمایه‌دار حکم کند، همه این مفاهیم را تنها آن‌گونه می‌فهمد که منافع خودش را تضمین کند!

«کمیت‌های هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» بار دیگر ضمن اعلام انزجار و تنفر عمیق نسبت به این جنایت هولناک و همدردی با آسیب‌دیدگان و خانواده‌های رنج‌دیده‌ی آنان، به سهم خود از تمامی کارگران آفریقای جنوبی می‌خواهد که به شکل متشکل و یک‌پارچه‌ای نسبت به این حادثه‌ی دل‌خراش اعتراض کرده و مسئولان و سران سرمایه‌دار حاکم بر کشور آفریقای جنوبی را وادار به پاسخ‌گویی کرده و عاملان و آمران این جنایت را محاکمه کنند. کمیت‌های هماهنگی همچنین از کارگران سراسر دنیا تقاضا می‌کند که به هر نحو ممکن و به شکل متشکل و منسجم نسبت به این واقعه‌ی تأسفبار اعتراض کرده و ضمن حمایت از کارگران مبارز آفریقای جنوبی، مراتب تنفر و انزجار خود را از این جنایت هولناک اعلام کنند.

کمیت‌های هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۳۱ مردادماه ۱۳۹۱

نایب رئیس فراکسیون کارگری مجلس:

پیش نویس اصلاح قانون کار هنوز به مجلس نرسیده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 مرداد آمده است: نایب رئیس فراکسیون کارگری گفت: ما در مجلس همچنان منتظر پیش نویس تهیه شده برای قانون کار هستیم که تا به حال به دست ما نرسیده است. نادر قاضی‌پور از مخالفت فراکسیون کارگری مجلس با این پیش نویس خبر داد و در این زمینه به ایلنا اظهار داشت: در برنامه چهارم مقرر شده بود با یک طرح سه جانبه از طرف کارگر، کارفرما و دولت، این قانون به نفع تولید ملی اصلاح شود. وی تصریح کرد: اما اخبار رسیده به ما حاکی از آن است که بدون در نظر گرفتن خواسته‌های کارگران و کارفرمایان این اصلاحات صورت گرفته است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: باید به نظرات کارفرمایان به عنوان سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان جامعه و کارگران به عنوان نیروهای انسانی که در نهایت همه چیز را به ثمر می‌رسانند احترام گذاشت.

پایان پیام

احضار دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه

به نوشته سایت آژانس خبری موکریان: محمد توکلی، دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه تهدید به بازداشت و محاکمه شد. محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه ضمن تایید این خبر اظهار داشت: در پی کسر حقوق فرهنگیان و قطع ۲۰ درصد هزینه بدی آب و هوا در استان‌های کشور از سوی وزارت آموزش و پرورش و اعلام این مطلب از طرف بنده به مقامات آموزش و پرورش استان کرمانشاه که این کار و اکتش فرهنگیان این استان را در پی خواهد داشت، پنجشنبه هفته گذشته یکی از نهادهای امنیتی اینجانب را به صورت تلفنی احضار نمود.

وی افزود: طی آخرین تماسی که از سوی مامور امنیتی با اینجانب گرفته شد به بنده اعلام گردید که کانون صنفی معلمان کرمانشاه غیر قانونی است و در صورت ادامه فعالیت با شما برخورد قهری خواهد شد.

اعتصاب کارگران کارخانه سیمان اصفهان

- نارضایتی کارگران نسبت به قراردادهای موقت به صنعت سیمان کشور نیز کشیده شده است. کارخانه سپاهان اصفهان شاهد اعتصاب برخی از کارگران خود در هفته‌های گذشته بود. براساس آمار وزارت صنایع و معادن در سال ۱۳۸۳ جمعیت شاغل در صنایع سیمان حدود هجده هزار و صد نفر بوده است. علیرضا نوایی از فعالان اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران، جزئیات اعتصاب کارگران سیمان سپاهان، اتمام اعتصاب آنان و خواست کارگران را اینگونه بازگو می‌کند: «۷۰۰ نفر از کارگرهای پیمانی کارخانه سیمان سپاهان اصفهان دو هفته در اعتصاب بودند. خواست اصلی آن‌ها خواست خیلی از کارگران یعنی حذف شرکت‌های پیمانکاری و تبدیل شدن به کارگران قراردادی است. آنها خواست خود را براساس مصوبه هیئت وزیران در پیوند با تبدیل وضعیت کارگران پیمانی و برخورداری از حق مساوی با کارگران رسمی در پیوند با پرداخت کارانه و بهره‌موری کار مطرح کرده‌اند. اگر بخواهیم ساده‌اش کنیم، مسئله پاداش افزایش تولید است که آمده‌اند این مسئله را به صورت فرمول‌رهایی به اسم مسئله کارانه و بهره‌موری کار درآورده‌اند که هر وقت بتوانند براساس این فرمول‌ها تعدادی از کارگران را از پاداش اضافه تولید محروم کنند.

این کارگران که اعتصاب‌شان را شروع کردند، یک مرحله از مبارزه‌شان در رابطه با تبدیل وضعیت‌شان از کارگران موقت به کارگران رسمی بوده است. در حدود یکی دو سال گذشته در پیوند با همین مسئله اعتراض‌هایی را انجام دادند و نام‌نگاری‌هایی کردند و خواست‌های خودشان را به گوش مدیر کارخانه و مسئولان تراز اول استان رساندند. مدیریت آن‌ها را تهدید به اخراج کرد و کارگران برای اینکه بتوانند شدت بیشتری به اعتراض خود دهند، آمدند جلوی کارخانه تجمع کردند و خانواده‌هاشان هم به آن‌ها پیوستند و چادرهایی را برپا کردند. به این صورت یک وضعیت ویژه‌ای به اعتراض آنها داده شد. آنها به مدیریت اعلام کردند که اگر به خواستشان پاسخ داده نشود، با خانواده‌هاشان در همین چادرها می‌مانند تا به خواستشان برسند.

براساس اخبار رسیده روز ۲۲ تیر با وساطت وکیل مجلس، علی ایرانی‌پور، یعنی نماینده شهرستان مبارکه استان اصفهان نشست‌های متعددی در سطح شهر بین مدیریت و مسئولان شهر صورت گرفت. این اعتصاب روز ۲۲ تیر پایان یافت و کارگران حال به سر کار برگشته‌اند. با

بازگشت آنها به کار مدیریت متعهد شده که پاداش اضافه تولیدشان را به آنها بدهد یا اینکه براساس قانون کار با آنها رفتار کند و در عین حال از کارگران دو ماه فرصت خواسته‌اند که مسائشان را یک به یک بررسی کنند و به خواست‌شان پاسخ دهند.»

سیمان صنعتی قدیمی

صنعت تولید سیمان کشور به سال‌های خیلی دور بازمی‌گردد. فکر ایجاد کارخانه سیمان در ایران و انجام بررسی‌های لازم برای مواد اولیه مناسب سیمان‌سازی از سال‌های ۱۳۰۷ شروع و منجر به قراردادی در شهریور ۱۳۱۰ بین دولت ایران و سوئد و خرید یک کارخانه سیمان به ظرفیت صد تن در روز از شرکت دانمارکی اس ال اسمیت شد. حاصل مطالعات روی مواد اولیه انتخاب کوه سرسره در جوار شهر ری در هفت کیلومتری جنوب تهران و در امتداد کوه بی‌بی شهربانو بود. با گذشت زمان و افزایش تقاضا برای این محصول نیاز به کارخانه‌های دیگر آشکار شد. براین اساس در سال ۱۳۱۴ کارخانه دیگری با ظرفیت روزانه ۲۰۰ تن از شرکت آلمانی پولزیوس خریداری و در سال ۱۳۱۵ در جوار کارخانه قبلی عملیات ساختمانی آن شروع و در سال ۱۳۱۶ بهره‌برداری از واحد دوم آغاز شد. در ابتدای دهه ۶۰ تولید سیمان به ۱۳ میلیون تن رسید. این میزان تولید با ۲۸ درصد رشد در ابتدای دهه ۷۰ به ۱۷ میلیون تن افزایش یافت. دهه ۷۰ اوج تلاش در صنعت سیمان بود. ۷۲ درصد رشد کمی، کشور را به مرزهای خودکفایی نزدیک کرد.

حال در چنین شرایطی از رشد، محمدرضا اسلامی که مدیر اداره تعاون کار و رفاه شهرستان مبارک است، گفته که حدود ۷۰۰ نفر از کارگران سیمان اصفهان زیر نظر شرکت‌های پیمانکاری هستند. با این حال همه آنها در اعتراض و اعتصاب اخیر شرکت نداشتند و اعتراض و اعتصاب به طور مستقیم فقط از سوی ۱۵۰ نفر از کارگران قسمت بارگیری کارخانه مطرح شد. علیرضا نوایی می‌گوید: «این خواست ۷۰۰ نفر از این کارگران پیمانی است که در این کارخانه هستند، اما کارگران تلاش کردند اعتصاب را طوری پیش ببرند که مشکلی ایجاد نشود و بخشی از کارها در کارخانه لنگ نماند و کارها انجام گیرد. در واقع خواستند به نوعی حسن نیت خودشان را نشان دهند که مسئله‌شان اخلاف یا خواباندن کارخانه نیست، بلکه می‌خواهند خواست خودشان را مطرح کنند و براین اساس اگر مسئله را از زبان کارگران بشنویم، آن‌ها اینگونه بیان می‌کنند که ما طوری اعتصاب‌مان را سازماندهی کردیم که کار به کلی نخوابد و برخی از کارها پیش برود. نمی‌توانیم بگوییم چه درصدی و فلان روز چند نفر بودند. چون اعتصاب طولانی‌مدت بود و دو هفته‌ای طول کشید. روزهایی تعداد بیشتری شرکت داشتند و روزهایی تعداد کمتری و روزهایی هم با گردهمایی همراه بوده است، ولی مسئله این بوده که طی این مدت کارخانه وضعیت اعتصابی پیدا کرده و این مسئله به یک بحران در استان و در شهرستان مبارکه استان اصفهان تبدیل شده که حتی منجر به وساطت وکیل مجلس و جلسات متعدد در سطح شهرستان شده است.»

تاریخچه شرکت سیمان سپاهان

تاریخچه تأسیس و فعالیت شرکت سیمان سپاهان اصفهان به پیش از انقلاب بازمی‌گردد. شروع فعالیت آن به سال ۱۳۴۸ و اولین خط تولید سیمان به ظرفیت سه هزار و سیصد تن به تیرماه سال ۵۸ برمی‌گردد. دومین خط تولید با همان ظرفیت در آبان ۶۰ به بهره‌برداری رسید. در شرکت سیمان سپاهان ۹ نوع سیمان، انواع سیمان‌های پرتلند، پرتلند سرباره‌ای، آهکی، فضولاتی و مرکب تولید می‌شود. سپاهان اصفهان اکنون هزار و دویست نفر کارگر دارد که هفتصد نفر آن پیمانی هستند. علیرضا نوایی در مورد کارگران پیمانی می‌گوید: «کارفرمایان همیشه می‌خواهند از قرارداد دسته‌جمعی فرار کنند و قراردادهای را اولاً به سطح یک کارگاه، یک کارخانه و یک واحد تولیدی بکشانند و حتی اگر بتوانند آن را فردی کنند. براین اساس شاهد قراردادهای سفید هستیم. مثلاً قراردادی را به‌شان می‌دهند که دو صفحه است. از کارگر برای صفحه دوم امضا می‌گیرند. بعد هر مفادی را که در صفحه اول هست، هر وقت دلشان خواست تغییر می‌دهند. اکنون پیرامون قراردادهای موقت خبرهایی هست مبنی بر اینکه نه تنها همچون قبل یکساله یا سه ماهه هستند، بلکه آنها را به ماهانه و هفتگی تبدیل کرده‌اند برای اینکه حقوق روز جمعه کارگر را ندهند. یعنی هفته به هفته قرارداد را تمدید می‌کنند. این یک نوع اجحاف به کارگران است. این کار یک نوع امضا گرفتن از کارگران است که حتی از همان قانون کار فرار کنند. یعنی اگر یک روز مورد بازخواست قرار گرفتند، بگویند نه این کارگر حق و حقوقی ندارد. می‌دانیم که براساس قوانین اسلامی، قانون اسلامی تراضی بین دو نفر صورت گرفته و بعد عنوان می‌کنند که کارگر خودش به این مسئله رضایت و تن داده و بنابراین هیچ حق و حقوقی به او تعلق نمی‌گیرد. در واقع می‌توان گفت که این قراردادهای موقت و قراردادهای سفید قراردادهایی هستند که از کارگران بدون پرداخت حق بیمه، بدون پرداخت حق و حقوقی کار بکشند و آنها را مورد بهره‌کشی قرار دهند.»

ایمیل گزارشگر: پانته‌آ بهرامی

زیاده خواهی سرمایه داران و داغدار کردن طبقه کارگر

بر پایه گزارش دریافتی از انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان- در 31 مرداد آمده است: در هفته‌های پایانی زیاده خواهی مدافعان سرمایه باعث کشته شدن 2 کارگر در فاز 12 کنگان شد.

هوای گرم مرداد ماه در جنوب همیشه همراه با گرد و غبار همراه است. در این شرایط برای جلوگیری از حادثه و رخداد هر اتفاقی باید کارگران محل کار را ترک کنند اما به علت تعطیل نشدن کار و عدم آموزش‌های کافی در رابطه با ایمنی فردی و گروهی در محیط کار توسط کارفرمایان متأسفانه یک کارگر ایرانی و یک کارگر فیلیپینی به فاصله یک هفته جان باختند که یکی بر اثر دستگاه برش و دیگری بر اثر پرس شدن بین دو لوله و هر دو در ارتفاع و در هوای گرم و توام با گرد و غبار که مانع از دید کافی برای کارکردن میشد همراه بود. این حادثه تلخ را به کارگران ایران، فیلیپین و سایر کارگران جهان تسلیت می‌گوییم.

اخراج و تعلق بیش از 400 کارگر کارخانه ریسندگی گوه‌ربافان اصفهان در یک هفته

بر پایه گزارش دریافتی از انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان- در 31 مرداد آمده است: بنابر تماسی که برخی از کارگران مجموعه کارخانه‌های گوه‌ربافان شهرک صنعتی مورچه خورت که در استان اصفهان با انجمن برق و ساختمان اصفهان داشتند، صاحبان سرمایه بیش از 400 کارگر را که کارشان تولید روکش‌های صندلی برای شرکت ایران خودرو بوده را اخراج، 100 نفر دیگر را در لیست انتظار برای اخراج قرار داده‌اند و در حدود 100 خیابان این مجموعه را به مرخصی طولانی مدت یک ماهه و بدون حقوق فرستاده‌اند. انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان-

بحران به بازار کاغذ رسید: ورشکستگی ناشران

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در 31 مرداد آمده است: بحران در بازار کاغذ هر روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند و دامن‌گیر تمام بخش‌های مربوط به حوزه‌ی چاپ و نشر کتاب شده است. علی‌اکبر توراean؛ عضو هیات مدیره انجمن ناشران دانشگاهی، مدیر انتشارات شهراب و عضو هیات مدیره‌ی انتشارات آینده‌سازان، شرایط کاغذ را بسیار بحرانی دانست و به این‌گونه گفت: وضعیت فاجعه‌آمیز کاغذ، ناشران کتاب‌های دانشگاهی هم مانند سایر ناشران با بحران ادامه‌ی حیات روبرو کرده است. قیمت هر بند کاغذ به ۷۶ هزار تومان رسیده و دست تمامی ناشران برای تولید کتاب بسته مانده است.

به گزارش این‌ها، وی از بی‌توجهی مسئولان به شدت گلّه کرد و گفت: ناشران و به خصوص ناشران کتاب‌های دانشگاهی، نقش بسیار بزرگ و مهمی در رشد فرهنگ و دانش جامعه دارند، اما در این شرایط بحرانی هیچ‌کس به فکر ما نیست. بعد از گندم که قوت و غذای اصلی مردم است، کاغذ یکی از مهمترین کالاهای اساسی به حساب می‌آید. متأسفانه کاغذ به حال خود رها شده و به دلیل سوء مدیریت با بهتر بگویم عدم مدیریت، این بحران هر روز گسترده‌تر می‌شود. عضو هیات مدیره انجمن ناشران دانشگاهی ادامه داد: اگر کاغذ در داخل کشور نبود و واردات آن ممنوع شده بود، این شرایط طبیعی و قابل قبول بود، اما من اطلاع دارم در حال حاضر کاغذ به مقدار کافی در انبارهای ما وجود دارد و واردات کاغذ در حدی بوده که به جرات می‌توان گفت تا پایان امسال کاغذ مصرفی داخل، در انبارها وجود دارد و آمار واردات کاغذ از طریق گمرک گویای این قضیه است. با این شرایط، وجود بازار سیاه و مافیای اقتصادی و احتکار در این بازار و عدم نظارت بر این جریان، قیمت‌ها را به این سطح رسانده و افراد سودجو و فرصت‌طلب همچنان چشم طمع بر این بازار دارند و درصدد افزایش بیش از پیش قیمت‌ها هستند. فروشنده‌های کاغذ تمایل چندانی برای فروش آن ندارند، چون می‌دانند که باز هم قیمت بیشتر می‌شود و عجله‌ای برای فروش ندارند. خرید کاغذ قبلاً به صورت چکی صورت می‌گرفت، اما امروز کاغذفروشان با چک تاریخ روز هم با منت کاغذ را به ناشران می‌فروشند.

مدیر انتشارات شهراب، در مورد غیرواقعی بودن قیمت کاغذ گفت: اگر بنای قیمت کاغذ را واردات آن با دلار ۲ هزار تومانی هم بگذاریم، قیمت هر بند از کاغذ نباید بیشتر از ۴۰ هزار تومان باشد. امروز وقتی قیمت به بندی ۷۶ هزار تومان رسیده، این رقم به شدت غیرواقعی است و جریانات دلالی بازار را می‌چرخانند. بازارهای کاذب باعث شکل گرفته، بسیاری از فروشندگان کاغذ را نمی‌فروشند، دست به شایعه‌سازی می‌زنند و باعث بحران‌سازی می‌شوند. مساله‌ی دیگر افزایش قیمت کاغذ داخلی است. البته کاغذ تولید داخل بخش کوچکی از بازار را تامین می‌کند، اما دلیل بالا بودن قیمت آن مشخص نیست. این کاغذ که وارداتی نیست تا قیمت آن را متأثر از افزایش قیمت ارز بدانیم.

تورانیان ادامه داد: مشخصاً کمترین کنترلی بر بازار وجود ندارد و دلالتان کوچکترین هراسی از اقدامات خود ندارند. اداره‌ی تعزیرات به خار و بار فروشی‌ها سرکشی می‌کند و کوچکترین اجناس را هم کنترل می‌کند، اما در مورد بازار کاغذ شاهد این رفتارها نیستیم. یعنی ارزش کاغذ از خار و بار هم کمتر است؟

وی در خصوص این‌که متولی اصلی این مساله چه کسی است گفت: ما بارها شرایط را به گوش مسئولان وزارت ارشاد رسانده‌ایم و از آن‌ها به عنوان مسئول حوزه‌ی فرهنگ تقاضای رسیدگی کردیم، اما آن‌ها در جواب صرفاً به گفتن این‌که «ارشاد مسئول حوزه‌ی تهیه و توزیع کاغذ نیست» اکتفا کرده‌اند. البته مسئول اصلی تعدیل بازار، وزارت صنعت، معدن و بازرگانی است که آن‌ها هم حرکت خاصی در راستای تعدیل بازار انجام نمی‌دهند.

عضو هیات مدیره‌ی انجمن ناشران دانشگاهی ادامه داد: ما در همه‌ی شرایط حامی دولت بوده‌ایم و با تحریم‌ها هم به مقابله پرداخته‌ایم و تا آخرین لحظه از کشورمان دفاع می‌کنیم، اما دولت باید در مقابل مردم پاسخگو باشد که چرا وضعیت به این شکل درآمده است. مسئولان بر مساله‌ی کنترل قیمت کاغذ و رفع مشکلات تاکید دارند، اما امروز شرایط به این ترتیبی است که می‌بینید و باید از مسئولان پرسید که چرا به تاکیدات مقام معظم رهبری عمل نمی‌کنند.

بحث بالا رفتن قیمت مرغ و دخالت دولت برای تعدیل بازار آن، مساله‌ای بود که تورانیان به آن اشاره کرد و گفت: ما شاهد بودیم که در زمان مساله‌ی گرانی مرغ آن همه سر و صدا به پا شد و دولت با تمام توان سعی در پائین آوردن قیمت آن کرد و با واردات گسترده و راهکارهای دیگر اهمیت آن را نشان داد. در موارد مشابه دیگری مثل لبنیات و نان و مواد غذایی دیگر هم شاهد همین رفتار هستیم. حال سوال من این است که اهمیت کاغذ از شیر و پنیر و مرغ کمتر است؟ ناشر ایرانی نمی‌تواند کتاب چاپ کند و بسیاری از ناشرین کارهای خود را واگذار کرده‌اند و در پی تغییر شغل هستند، از سوی دیگر دانشجوی ایرانی نمی‌تواند کتاب بخرد، مسئول این‌ها چه کسی است؟ چرا برای مساله‌ی فرهنگ و دانش اهمیتی قائل نیستیم؟

وی تصریح کرد: من به عنوان ناشر کتاب‌های دانشگاهی خودم را در مقابل دانش‌آموزان و دانشجویان مسئول هستم، اما وقتی شرایط برای ناشران سخت شود و ادامه‌ی کار ممکن نباشد، بسیاری از ناشران مجبور به تغییر شغل می‌شوند و به دنبال کارهای کاذبی مثل بازار سکه و ارز می‌روند. در این مدت چاپ کتاب‌های انتشارات ما به یک سوم قبل رسیده که آن هم با سختی بسیار زیادی انجام می‌شود. من با تمام وجودم می‌گویم که به داد کاغذ برسید تا ناشران ما از این بخش خارج نشوند. در این شرایط حساس که باید از کشور دفاع کنیم.

مدیر انتشارات شهراب نقش کتاب‌های دانشگاهی را در پیشرفت‌های بشر انکار نشدنی دانست و گفت: تمام پیشرفت‌های ما مدیون و مرهون کتاب است. کتاب‌های درسی که در ایران چاپ می‌شوند کاملاً به روز هستند و دانشجوی ایرانی، همان مباحثی را می‌خواند که یک دانشجو در آمریکا و اروپا در اختیار دارد. این ساز و کار مناسب دارد از ما گرفته می‌شود. چاپ یک کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای برای ما در حدود ۵۰ هزار تومان هزینه ایجاد می‌کند و این به هیچ وجه قابل قبول نیست. دیگر کسی با این قیمت کتاب را نمی‌خرد و ما هم کتاب را با این قیمت تولید نمی‌کنیم. ما در مقطع حساسی قرار داریم و ترم تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموزان در حال آغاز شدن است و آن‌ها نیاز به کتاب دارند، باید حرکتی بزرگ برای جبران این مشکل صورت بگیرد.

تورانیان ادامه داد: ثمره‌ی این اتفاقات چیزی جز به وجود آمدن بازارهای سیاه برای تهیه کتاب نیست. میلیون‌ها دانش‌آموز و دانشجو به دلیل گرانی کتاب با مشکل تهیه آن روبرو می‌شوند. تا امروز ده‌ها ناشر برای واگذاری کتاب‌های خود اقدام کرده‌اند و برخی هم در حال

خروج از این صنف هستند. سال‌ها طول کشیده تا یک انتشارات به مرحله‌ی فعلی برسد و تجربیات زیادی بیاندوزد. تعطیلی هر انتشارات، خلائى بسیار بزرگی در این قسمت ایجاد می‌کند. بسیاری از ناشران به مولفان جواب منفی می‌دهند و نویسندگان و مترجمان ما هم در میان آسیب‌های زیادی می‌بینند. عضو هیات مدیره‌ی انجمن ناشران دانشگاهی در پایان گفت: ما نیاز به یک حرکت بزرگ داریم تا از این وضعیت نجات پیدا کنیم و فرهنگ و دانش کشور را هم نجات دهیم.

شکایت 18 نفر از کارگران کارخانه آجر پزی شل

بر اساس گزارش رسیده، به سایت کمیته هماهنگی ... در سی و یکم مرداد آمده است: 18 نفر از کارگران کارخانه آجر پزی شل که سال گذشته اخراج شده بودند پس از ماه‌ها پیگیری مداوم سرانجام به سر کارهای خود باز گشتند. اما روز چهارشنبه، تنها پس از گذشت تنها چند روز از شروع به کار مجدد این کارگران، باز هم مسئولین کارخانه با همکاری رییس اداره کار و استانداری و ... قصد دارند به بهانه‌های واهی آنها را مجدداً اخراج کنند. به طوری که در مدت این چند روز به هیچ یک از این کارگران غذای کارگاه تعلق نگرفته و یا آنها را که هر کدام بین 10-15 سال سابقه کار دارند مجبور ساخته اند زیر آفتاب سوزان آجرهای ناسالم و ضایعات را جدا کنند. لازم به ذکر است که این کارگران شکایت نامه‌ای را که گزارشی است از شرایط نامناسب کاری خود به اداره کار استان کردستان در سنندج تحویل داده اند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران ایران خودروکشتار کارگران معدن در آفریقای جنوبی را محکوم می کنند

همکاران گرامی ودوستان کارگر

هنوز از غم از کشتار مردم آذربایجان در زلزله رها نگشته بودیم که این بار شاهد کشتار هولناک انسان های بی گناه بدست انسان های دیگر شدیم این بار نه زلزله ونه سیل بلکه باز هم سرمایه داران جنایت آفرینند وباردیگر دستان خون آلود سرمایه داران به خون کارگران آغشته گردید دولت ضدکارگری آفریقای جنوبی در حمایت از منافع سرمایه داران اعصاب شکوهمند کارگران معدن را به خاک وخون کشید ودر یک اقدام جنایتکاران ضدبشری و ضد انسانی کارگران را به گلوله بست ودهها کارگر کشت، ودهها نفر را زخمی کرد. ما کارگران ایران خودرو ضمن محکومیت کشتار کارگران معدن خواهان دستگیری ومحاکمه عاملان آن این جنایت می باشیم.

کارگران ایران خودرو - مردادماه 91

بانک مرکزی تورم نقطه به نقطه تیر ماه را اعلام کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 31 مرداد آمده است: بر اساس آمارهای بانک مرکزی تورم نقطه به نقطه تیر ماه امسال 27.06 درصد است.

بنا به همین گزارش، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (بر اساس سال پایه 100=1383) در تیر ماه امسال توسط بانک مرکزی 336.6 اعلام شده است.

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که این شاخص در تیر ماه سال گذشته 264.9 بوده که مقایسه این میزان با شاخص تورم تیر ماه امسال حاکی از افزایش 27.06 درصدی این میزان است. نرخ تورم نقطه به نقطه تیر ماه امسال در حالی 27.06 درصد است که این میزان در تیر ماه سال گذشته 21.1 درصد بوده است. در واقع شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در تیر ماه امسال نسبت به تیر ماه سال 90 بیش از 27 درصد و در تیر ماه سال گذشته نسبت به تیر ماه سال 89 بیش از 21 درصد افزایش داشته است.

پیش از این، تورم نقطه به نقطه فروردین و اردیبهشت ماه امسال توسط بانک مرکزی به ترتیب 23.9 و 24 درصد اعلام شده بود.

مرکز آمار: مواد خوراکی 35 درصد گران شده؛ مسکن 48 درصد

به نوشته سایت آفتاب در 31 مرداد آمده است: عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با اشاره گزارش مرکز آمار به کمیسیون در خصوص نرخ تورم گفت: بر اساس این گزارش در تیرماه شاخص گروه اصلی خوراکی ها نسبت به ماه مشابه سال قبل 44.8 درصد افزایش نشان می‌دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه 35.4 درصد است.

علی محمد احمدی در گفتگو با مهر با بیان اینکه بر اساس گزارش سازمان آمار در تیرماه شاخص گروه اصلی خوراکی ها نسبت به ماه مشابه سال قبل 44.8 درصد افزایش نشان می‌دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه 35.4 درصد است، گفت: طبق این آمار در گروه عمده خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات بیشترین افزایش ماهانه مربوط است به گروه نان و غلات با 10.2 درصد، گروه شیر و پنیر و تخم مرغ با 8 درصد، گروه میوه و خشکبار با 7.5 درصد و گروه گوشت قرمز و سفید و فرآورده های آنان با 6.5 درصد. نماینده مردم دهلران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بر اساس گزارش مرکز آمار همچنین شاخص گروه عمده کالاها ی غیرخوراکی و خدمات در تیر ماه 91 به رقم 398.5 رسید که 2.5 درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می‌دهد ادامه داد: بیشترین سهم از این افزایش به ترتیب به گروه مسکن و آب و برق و گاز و سایر سوخت ها با 47.7 درصد، گروه بهداشت و درمان با 14.5 درصد و گروه کالاها و خدمات متفرقه با 14.3 درصد متعلق است.

وی نرخ تورم در دو بخش مواد غذایی و مسکن را غیر طبیعی خواند و ادامه داد: افزایش نرخ تورم در دو شاخص مواد غذایی و مسکن در افزایش نرخ تورم کل بسیار تأثیر گذار است.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه رشد صعودی قیمت مصالح ساختمانی ادامه داد: توجیه مسئولان برای افزایش قیمت گوشت و مرغ افزایش جهانی قیمت نهاده های این محصولات بود اما مصالح ساختمانی کاملاً ساخت داخل هستند و کشور ما از صادر کنندگان مصالح ساختمانی است که افزایش قیمت در این بخش نمایانگر قصور مسئولان در کنترل بازار است.

احمدی با بیان اینکه اگر قانون هدفمندی یارانه هابه درستی اجرای می‌شد، شاهد چنین افزایش قیمت هایی نبودیم تصریح کرد: بخش مهمی از افزایش تورم در کشور مربوط به اجرای نادرست قانون هدفمندی یارانه ها بود، مسئولان در اجرای این قانون از تولید حمایت نکرده و یارانه این بخش را پرداخت نکردند و در تنظیم بازار کوتاهی کردند.

وی ادامه داد: این قصور باعث شد در فاز اول تورم ناشی از هدفمندی به بازار تحمیل شود و در فاز دوم اثراتش را بر بخش های مختلف تحمیل کند اگر در ابتدای اجرای این قانون سهم تولید را مشخص می کردیم شاید دچار این مشکلات نمی شدیم. احمدی تصریح کرد: مجلس نهم از ابتدای کار خود به طور مکرر وزرای اقتصادی را برای ارائه توضیحات در خصوص وضعیت اقتصادی دعوت کرد استدلال هایی از طرف وزیران اقتصادی برای افزایش قیمت در بخش های مختلف اعلام شد که بخشی قابل قبول و بخشی بویژه در عدم تنظیم بازار ارز و سکه غیر قابل قبول بود. عضو کمیسیون برنامه و بودجه در خصوص احتمال ادامه افزایش صعودی نرخ تورم در کشور گفت: اقتصاد ما قابل کنترل است و می توان شوک تورمی وارد آمده به بخش های تولیدی را کنترل کرد اما اگر روند کنونی ادامه یابد نرخ تورم هم به همین سرعت افزایش می یابد.

به گزارش جهان، پیش از این بانک مرکزی اعلام کرده بود: نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به تیرماه 1390 معادل 22.9 درصد بوده است.

در جلسه هفته گذشته رئیس سازمان آمار با کمیسیون برنامه و بودجه هم تورم امسال 26.2 درصد اعلام شد که تورم در دو بخش مسکن و مواد غذایی تأثیر به سزایی در افزایش نرخ تورم داشته است.

طبقه کارگر، به ویژه کارگران معادن سراسر جهان

با خشمی فروریخته، در ماتم فزاینده ای بسر می برند!

در طول کمتر از سه روز دو حادثه در معادن پلاتین از نواحی شهر "ماریکانا" در آفریقای جنوبی و در تعاقب آن، معدن قلع و طلا در منطقه ی "اورینتال" در کشور کنگو، بی رحمانه جان ده ها کارگر را گرفت و بی دریغ آنها را با همه ی رنج هایشان به دیار نیستی راند.

در آفریقای جنوبی اعتصاب معدنچیان پلاتین با مطالبه ی افزایش دستمزد، با تهاجم بربرمنشانه ی پلیس حامی نظام سرمایه داری به خون کشیده شد. آنها از اعتصاب کنندگان خواسته بودند که به اعتراض خویش پایان داده و به کار خود بازگردند و چون با مقاومت دلیرانه ی معدنچیان روبرو گشتند، آتش مسلسل سرمایه را گشودند و 36 نفر از کارگران را به خاک و خون نشانده و بسیاری را زخمی نمودند. این واقعه، یکی از خونبارترین اعتصابات در تاریخ چند دهه ی معاصر معادن به شمار می رود که در تحقق جنایت یاد شده از طرف دولت سرمایه داری آفریقای جنوبی، حتا اخبارهای کشورهای امپریالیستی به این کشتار جمعی بغایت وحشیانه، پوشش واقعی و مداوم نداده و کوتاه و زودگذر از کنار آن گذشتند؛ چرا که همه ی آنها دستانی تا مرفق آلوده به خون کارگران و زحمتکشان جهان دارند و نیز برخی از نهادهای جهانی "کارگری" که در مواقع حساس خود را مخفی می سازند و به این ترتیب علیه منافع کارگران، جانب سرمایه داری را می گیرند، تقریباً بی تفاوت عمل نمودند.

پس از مدت کوتاهی مطابق گزارش رادیو "اوکابی" از جمهوری دموکراتیک کنگو، بیش از 60 کارگر که در عمق صد متری زمین مشغول به کار بودند، به دلیل ریزش خاک معدن، جان خود را از دست دادند. این دو حادثه ی خونبار به فاصله ی دو روز، کارگران و به ویژه معدنچیان را در سراسر گیتی در اندوه عظیمی می نشانند. با چنین وضعیتی جانکاه و غیر قابل تحمل، وظیفه ی همه ی ما کارگران و نهادهای مسئول کارگری است که نسبت به جنایت کاران قدرت سیاسی آفریقای جنوبی واکنش نشان دهیم و همراه با ریزش معدن "اورینتال"، اعتراض های گسترده ای را در سطح جهانی دامن زنیم.

همبستگی با جنبش طبقاتی کارگری - پاریس

Solidarité avec le mouvement de classe prolétarien - Paris

s.mouvement@gmail.com

31 مرداد 1391 - 21 اوت (آگوست) 2012

روزشمار کارگری ماه شهریور سال ۱۳۹۱ - ۲۰۱۲

اطلاعیه شماره 37- جای عمل رضا شهابی عفونت کرده و حال او هر روز رو به وخامت است - مسکوت گذاشتن وضعیت عفو رضا شهابی

بنابر اخبار رسیده رضا شهابی که پس از انجام عمل جراحی سنگین دیسک گردن و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر لزوم دست کم 2 ماه استراحت در منزل" و "عدم توان تحمل کیفر" راهی بند 350 زندان اوین شد، دچار مشکلات جدی شده است به نحوی که جای عمل روی گردن چرک و عفونت کرده و کتف ها و دست راست او به شکل آزار دهنده ای درد می کند. شرایط جسمی رضا به حدی وخیم شده است که حال عمومی او نسبت به قبل از عمل بسیار بدتر است و خطر آسیب رسیدن به بافت های عصبی و نخاعی به دلیل عفونت وی را تهدید می کند. مسئولیت مستقیم این وضعیت بر عهده ی مسئولان قضایی است که با وجود دستور صریح و شفاف

پزشکان معالج مبنی بر لزوم استراحت مطلق در منزل در درجه ی اول و عدم توان تحمل کیفر در حالت کلی، رضا را به زندان بازگرداندند.

همچنین بنا بر گفته ی وکیل بنده، اسم رضا شهابی در ابتدا درون لیست عفوشدگان اخیر بوده است اما در ادامه و بدون هیچ توضیحی این ماجرا مسکوت گذاشته شده است و به او مطلبی در مورد آزاد شدن و یا عفو گفته نشده است.

با توجه به وضعیت جسمی حاد رضا و عفونت شدید جای عمل او که بیم آسیب رساندن به بافت های عصبی و فلجی دائم را به همراه دارد و همچنین دردهای آزار دهنده، اعضای کمیته ی دفاع از رضا شهابی به شدت نگران سلامتی او هستند و مسئولیت هر گونه عوارض ناشی از نگهداری رضا در زندان را مستقیماً متوجه مقامات قضایی و امنیتی می دانند. رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود و به سرعت مورد مداوا قرار بگیرد.

کمیته دفاع از رضا شهابی - 1 شهریورماه ۱۳۹۱
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com
www.k-d-shahabi.blogspot.com

لیست اعضای کمیته دفاع از رضا شهابی:

رحمان ابراهیم زاده - یوسف آب خرابات - بهنام ابراهیم زاده - لقمان ابراهیم زاده - سعید ابراهیمی - فرهاد ابراهیمی - هه ساره ابراهیمی - شجاع ابراهیمی - جلال احمدی - جمیل احمدی - فرزاد احمدی - لطف اله احمدی - علی آزادی - ولی آزادی - علی آذریان - یوسف آذریان - ربابه آذریان - حسن آذریان - حبیب آذریان - معصومه آذریان - لیلا آذریان - توفیق اسدی - طیب اسدی - محمد اسدی - بهروز اسماعیلی - سنا اسماعیلی - امیر اسلامی - سیما احسان خواه - یداله احمد پناه - علیرضا اکبری - توفیق امین پناه - مهرداد امین وزیری - جلال امینی - عباس اندریانی - ریحانه انصاری - صدیق امجدی - رقیه اصولی - اسماعیل بازافکن - حسین باقری - امیر باقری - امین باقری - فرهاد برنا - فرزاد برنا - سینا برنا - تورج برنا - مریم بختیاری - کوروش بخشنده - هوشیار بهمنی - شادی بهرامی - گلپاغ بهمنی - سمیه بهشتی زاد - کیانوش بهشتی - کیومرث بهشتی زاده - عبدالله بلواسی - ناصر پرکالیان - یاشار پورخامنه - زانیارپور عباد - برهان پیر خضرائی - جلال پیروتی - حسین پیروتی - رحمان تنها - وحید تیطاخی - یوسف جاهدی - قنبر جبارپور - سونیا جبار پور - سحر جبار پور - شبنم جبار پور - محمد چرتاب - سعید چمنی - فرهاد حاتمی - شوان حبیبی - ایوب حسن زاده - مجید حسن زاده - حسین حسن آبادی - محمد حسین - مجید حمیدی - سرکو حسینی - دیمین حسینی - نیشتمان حسینی - همدن حسینی - ناگو حسینی - شیرکو حسینی - علی حسینی - شاهو حسین پناهی - صباح حیدری - غالب حسینی - عبدالله حسینی - سعید حسینی - خالد حسینی - محسن حسینی تبار - دلیر حشمتی - حسن حقیقی - ابوالفضل حکمتی - غلامعلی حکمتی - علیرضا خباز - علی خدارحمی - صدیق خسروی - گلریز خلیلی - چگوارا خورشیدی - خلیل خورشیدی - محمد علی خلیلی - سامره داشاد - شهلا دل بینا - سوسن رازانی - منیره رحینی - غلام رزمی - افروز رزمی - احمد رزمی - بهمن رزمی - فاطمه رزمی - علیرضا رزمی - فاطمه رفیعی - ربابه رضایی - فریبا رضایی - نوراله رضایی - شهناز رضا قلی - دیلان رضاقلی - برهان رضوی - فریبرز رئیس دانا - بیژن رستمی - محی الدین رجبی - سید داوود رضوی - حمید رضایی - ظهیر رضوی - حشمت الله رضایی - هاشم رستمی - آرزو روحی - فواد رنجبری - حسن رنجبری - زاهد رضوی - فراف روشن - سارا زارع - اکبر زاهدی - بیژن زاهدی - ناصر زرافشان - بهزاد زمانی - لیلا زمانی - فواد زندی - بهمن زندی - شریف ساعد پناه - سوما ساعد پناه - کیوان ساعد پناه - یعقوب سبکخیز - صدیق سبحانی - شیوا سبحانی - عباس سپهری - احمد سجادی - حسن سعیدی - هوشیار سعیدی - هاجر سعیدی - دلیر سفیدی - علی سهرابی - نیما سهرابی - طلحه سلامی - مسعود سلیم پور - خالد ساعدی - فتاح سلیمانی - مسعود سبحانی - رحمان سلیمانی - ادیب سوره بومه - واحد سیده - دلیر سفیدی - حبیب اله سلیمانی - ژوبین شادی - پاشا شاکر - نسترن شامعلی - کیوان شریفی - شهرام شمشری - زاهد شریعتی - علی شهابی زکریا - بهنام شهابی زکریا - حسن شهابی زکریا - پیمان شهابی زکریا - شیرین شهابی زکریا - محمد امین شهابی زکریا - زهرا شهابی زکریا - بهمن شهابی زکریا - مهدی شهابی زکریا - عسگر شهابی زکریا - قاسم شهابی زکریا - لیلا شهابی - سارا شهابی - بهرام شهابی - شهرام شهابی - مسعود شهابی - محمود شهابی - آریاشهابی - آرینا شهابی - آنیتا شهابی - محمد شهابی - سیفعلی شهابی - فرامرز شریعتی - عمر شعبانی - جلیل شریفیان - سعید شوقی - علی شوقی - عباس شوقی - میناشوقی - سمیه شوقی - شندی - بهاره صابری - نظام صادقی - منیژه صادقی - مریم صادقی - نجیبه صالحزاده - محمود صالحی - علی صالحی - مظفر صالح نیا - عبدالله صمدی - مهرداد صبوری - یدالله صمدی - مادر صمدی زکریا - بختیار صمدی - حاتم صمدی - رسول صمدی - مهران صمدی - مهرداد صمدی - منوچهر صمدی - مهدی صمدی - مریم صمدی - جعفر صمدی - حمید صمدی - علی صمدی - شاهو صفیاری - فریدون ضیائی - ناهید ضیائی - سالار ضیائی - شایان ضیائی - رها ضیائی - محمد عبدی پور - مرضیه عبدی - سیوان عبدی - فرزاد عبدی - ریبوار عبدالهی - فواد عبدالهی - محمد عزیزی - علیرضا عسگری - سروش علیپور - آرام فاتحی - طاهره فاضلی - بیان فتاحی - سیروس فتحی - کوروش فتحی - رابعه فروردین - ابوبکر فطنی - چینی فیضی - حبیب فتحنائی - کیوان فروتن - شورش فروتن - بهزاد فرج الهی - کاظم فرج الهی - کژال فتحی - مریم قاسملو - پیمان قادری - وفا قادری - زینب قباد پور - یداله قطبی - محمود قلی زاده - صالح قهرمانی - عبدالله کاظمی - فهیمه کاملی - سورام کریمی - سیف اله کمانگر - عطیه کمانگر - ناصر کمانگر - مرتضی کمساری - شاهرخ کریمی - رحمان کریمی - چیمن کیخسروی - علی کریمی - شهناز گلزاری - شعله گودرزی - محمد گویلیان - اقبال لطیفی - شهناز لرکی - بردیا ماری - افسانه ملا زینل - فرید مجیدی - مینا موحد - جلیل محمدی - علی محمدی - عباس محمودی - مجید محمودی - فیروز محمدزاده - شمس الدین مرادی - زاهد مرادیان - غریب مرادیان - آزاد مرادی نیا - پروین مرادی نیا - اسعد مرادیان - مسعود مرادیان - صباح ملکی - کمال ملکی - مجید ملکی - نادر ملکی - ستار ملای - سیروان مجیدی - ایوب مجیدی - احد محمودی - جهانگیر محمود ویسی - حامد محمودی نژاد - لاله محمدی - وحید مختارپور - محمد مولانای - فریدین میرکی - محمد امین میرکی - شریفه محمدی - منیره محمدی - نوشین محمدی -

هدی محمدی - مریم میرکی - بهمن محمدی - سعید مقدم - منصور محمد - کوکب محمدی - فردین مهدی - عمر مینایی - کیوان مرادی - فرزاد مرادی نیا - خبات مرادی - مازیار مهرپور - دیاکو مردوخ - نسیرین محمدی - علیرضا موثقی - منیره موحد - سیاوش موحد - نادر نادری - شاپور نادری - جهانگیر نادری - جهانپور نادری - جهانسوز نادری - فایق نامداری - کوروش نامداری - پروین نامداری - نقشین ناصری - فردین نگهدار - هوشیار نجاری - نامق نیکدل - پدram نصرالهی - گوهر ناصری - افشین ندیمیپور - علی اکبر نظری - صدیقه نظری - سید رضا نعمتی پور - آرمان نوری زاد - لیلانیکو خصال - محمدعلی نیکوخصال - حسین نظیف کردار - آزاد ورمزیار - احسن وزیری - آزاد وکیلی - اشکان وکیلی - جهانبخش وکیلی - میلاد وکیلی - طه ولیزاده - عباس هاشمپور - میترا همایونی - آمانج یوسفی - قانع یوسفی - پروین یوسفی نژاد

آخرین قیمت ارز و طلا در بازار ایران/دلار ۲۱۲۰، یورو ۲۶۳۰ و پوند ۳۳۵۵ تومان

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در اول شهریور آمده است: بنا به گزارش منابع اقتصادی، امروز سه شنبه ۳۱ مرداد ماه، سکه تمام بهار آزادی طرح قدیم در بازار ۷۹۰ هزار تومان و طرح جدید ۷۸۸ هزار تومان و نیم سکه ۳۹۵ هزار تومان خرید و فروش می‌شود.

به گزارش ایسنا، در بازار غیر رسمی طلا و ارز، امروز قیمت ربع سکه ۱۹۹ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۸۰ هزار و ۴۰۰ تومان است و سکه‌های یک گرمی ۱۱۵ هزار تومان به فروش می‌رسد.

همچنین هر دلار ۲۱۲۰ تومان، یورو ۲۶۳۰ تومان و پوند ۳۳۵۵ تومان خرید و فروش می‌شود.

اوضاع متشنج اقتصادی کارگران شهرکهای صنعتی اصفهان

بنا به گزارشات رسیده از جانب انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان در تاریخ یکم شهریور آمده است: کارگران مجموعه گیتی پسند واقع در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان که جمعیت آنان در حدود سه هزار نفر است چهار ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. به گفته کارگران این مجموعه حتی امکان ورشکستگی کامل و بیکاری کارگران بخشی از آن مجموعه هم وجود دارد.

عضو کانون شوراهای اسلامی کار تهران:

خدمات رفاهی از حقوق فراموش شده کارگران است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول شهریور آمده است: عضو کانون شوراهای اسلامی کار تهران خدمات رفاهی کارگران را یکی از حقوق مغفول مانده کارگران دانست و از عدم اجرای قانون کار در این بخش ابراز نارضایتی کرد.

عبدالله مختاری در این زمینه به ایلنا گفت: متأسفانه در حال حاضر در پرداخت حقوق اولیه کارگران مشکلاتی وجود دارد و در این شرایط سخن گفتن از خدمات رفاهی مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

وی اصلاح قانون کار در این بخش را بی‌ثمر دانست و اظهار کرد: مگر بخش خدمات رفاهی در قانون قبلی رعایت می‌شد که اینک با اصلاح آن تغییر خاصی ایجاد شود؟

مختاری تصریح کرد: هر قانونی که تصویب می‌شود باید ضمانت اجرایی داشته باشد و بدون ضمانت اجرایی بهترین قانون هم بی‌معنی خواهد شد که نتیجه آن بی‌اعتمادی کارگران به مسئولین است.

عضو کانون شوراهای اسلامی کار تهران در پایان خاطر نشان کرد: ما باید ببینیم تمام دنیا برای پیشرفت چه کرده‌اند و ما هم از آن‌ها الگو بگیریم. وقتی از چین و یا از کره شمالی که از نظر اقتصادی دارای شرایط خاص و ویژه‌ای هستند الگو برداری کنیم، این مشکلات ممکن است دامنگیر کشور ما هم شود.

پایان پیام

تعطیلی حدود ۵۰ درصد واحدهای فرشبافی در یک شهر/ خطر بیکار شدن ۱۳ هزار کارگر صنعت فرش

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا - کاشان در تاریخ اول شهریور آمده است: بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه واحدهای نساجی، نوسانات نرخ ارز و سوء استفاده عرضه کنندگان نخ منجر به تعطیلی حدود ۵۰ درصد واحدهای فرشبافی در شهرستان آران و بیدگل شده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا در آران و بیدگل با توجه به اینکه بیش از ۸۰ درصد واحدهای تولیدی و صنعتی شهرستان آران و بیدگل فرش ماشینی است بی‌ثباتی خرید و فروش مواد اولیه واحدهای نساجی ضمن اینکه باعث تعطیلی حدود ۵۰ درصد از این واحدها شده است در صورتی که تمهیدات لازم جهت رفع این مشکل صورت نگیرد در آینده بخش عظیمی از کارگران این شهرستان بیکار می‌شوند.

مدیر اجرایی هیئت امنای شهرک صنعتی صباحی آران و بیدگل در گفتگوی اختصاصی با خبرنگار ایلنا در آران و بیدگل، ضمن ابراز نگرانی از احتمال تعطیلی حدود ۵۰ درصد واحدهای تولیدی این شهرستان به دلیل نوسانات نرخ مواد اولیه، ارز و وجود سودجویان در این بخش گفت: گرانی و بی‌ثباتی نرخ مواد اولیه، منجر به تعطیلی واحدهای تولیدی این شهرستان و بیکاری کارگران شده است.

وی گفت: اگر تولیدکنندگان فرش ماشینی شهرستان آران و بیدگل بخواهند صادرات فرش را با قیمت تمام شده فعلی با توجه به افزایش قیمت نخ براساس تعهدات و قراردادهای قبلی خود عمل نمایند موجب ضرر و زیان آن‌ها خواهد شد و اگر هم به تعهدات خود عمل نمایند با توجه به رقیبایی که ایران در کشورهای خارجی دارد باعث از دست دادن مشتریان خود خواهند شد.

«ابوالفضل مظفری» با اشاره به اینکه هر چند برخی از مشکلات بوجود آمده در این بخش ناشی از نوسانات نرخ ارز است، گفت:

دولت باید جهت حفظ تعهدات واحدهای تولیدی در صادرات فرش ماشینی به کشورهای خارجی و جلوگیری از بیکاری بیش از ۱۳ هزار نفر کارگر در شهرستان آران و بیدگل در اجرای قوانین داخلی تجدید نظر نماید و نسبت به پرداخت مابه تفاوت حامل‌های انرژی مانند آب، برق و گاز به تولید کنندگان این بخش کمک کند.

وی تصریح کرد: به تعلیق در آوردن بعضی از قوانین داخلی، تزریق تسهیلات بانکی جهت گذراندن بحران موجود و جلوگیری از سوء استفاده کنندگان در ایجاد بازار کاذب مواد اولیه فرش ماشینی راهکار دیگری است که مسئولان اجرایی کشور باید جهت رفع این مشکل بکار گیرند.

آران و بیدگل با داشتن بیش از ۸۰۰ واحد تولیدی و صنعتی و اشتغال بالغ بر ۱۳ هزار نفر کارگر سهم عمده‌ای در تولید و صادرات

فرش ماشینی کشور دارد به طوری که بیش از ۸۰ درصد واحدهای تولیدی این شهرستان فرش ماشینی است لذا انتظار می‌رود در سالی که مقام معظم رهبری به نام تولید، صادرات ملی و حمایت از سرمایه و کار ایرانی نام‌گذاری فرموده‌اند مسئولان و متولیان جامعه کارگری و صنعتی تلاش جدی خود را در جهت حل معضلات کارگری و جلوگیری از تشدید وضعیت فعلی در اولین فرصت ممکن در این شهرستان بکار گیرند.

وجود ۸ هزار پزشک جویای کار در کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول شهریور آمده است: علیرضا زالی قائم مقام سازمان نظام پزشکی در گفت‌وگویی با ایلنا که به مناسبت اول شهریورماه روز پزشک انجام شد یکی از مشکلات موجود در جامعه پزشکی را بحث اشتغال عنوان کرد و گفت: در این زمینه آمارهای مختلفی وجود دارد اما براساس گمانه‌زنی‌هایی موجود، حدود ۸ هزار پزشک بیکار در کشور وجود دارد که عمده آن‌ها پزشکان جوان و پزشکان عمومی هستند که تازه فارغ التحصیل شده‌اند.

وی خاطر نشان کرد: آمار نگران‌کننده دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۰ پزشک در طول سالهای اخیر مطلقاً به هیچ‌کدام از مصادر حوزه سلامت اعم از وزارت بهداشت، معاونین درمان و دانشگاه‌ها مراجعه نکرده‌اند.

زالی ادامه داد: این آمار نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از پزشکان به دلیل مشکلات فراوانی که با آن روبرو هستند به هیچ‌کدام از مراکز درمانی به فعالیت پزشکی مطلوب دست پیدا کنند.

قائم مقام سازمان نظام پزشکی با بیان اینکه بخشی از این تعداد پزشکانی هستند که به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، افزود: البته آمار دقیقی در این زمینه نداریم زیرا بسیاری از پزشکانی که مهاجرت می‌کنند رابطه‌شان با وزارت بهداشت و نظام پزشکی قطع می‌شود از همین رو ارتباط پیوسته‌ای وجود ندارد که به این آمار دست پیدا کنیم.

وی این ۱۰ هزار و ۵۰۰ پزشک را جز حلقه آماری مفقوده حوزه پزشکی کشور دانست و تصریح کرد: این پزشکان به احتمال خیلی زیاد به مشکلات حرفه‌ای بسیاری دچار شده‌اند که متأسفانه فاقد هرگونه فعالیت شغلی در حوزه پزشکی هستند.

زالی همچنین در ادامه به وضعیت گروه مامایی در کشور اشاره کرد و افزود: برخی از همکاران در گروه مامایی بر این عقیده هستند که حدود دو سوم ماماها در کشور بیکار هستند این در حالی است که هنوز کشور ما از نظر استاندارد از نظر تعداد ماماها به ازای تعداد تولد هنوز به آمار جهانی نرسیده است.

قائم مقام سازمان نظام پزشکی ادامه داد: اما با این حال می‌بینیم که عدم اشتغال و بیکاری نگران‌کننده‌ای برای جامعه مامایی کشور وجود دارد.

وی با تأکید بر اینکه طی چند سال اخیر ظرفیت سازی شغلی جدید برای جامعه پزشکی نشده است، افزود: یعنی به رغم اینکه تعداد قابل توجهی پزشک از دانشگاه‌های مختلف فارغ التحصیل می‌شوند اما زیر ساخت اشتغال این گروه تعریف نشده است.

زالی تصریح کرد: این در حالی است که در کشور های توسعه یافته موضوعی که برای اشتغال پزشکان مطرح می‌شود بحث ظرفیت‌های پژوهشی جدید است.

به گفته وی در کشور های توسعه یافته وقتی یک پزشک جوانی فارغ التحصیل می‌شود برای مدت کوتاهی وارد حوزه پژوهش می‌شود و آنقدر در آن حوزه جذابیت اقتصادی وجود دارد که پزشک تامل مالی نمی‌کند.

قائم مقام سازمان نظام پزشکی خاطر نشان کرد: این در حالی است که در کشور ما ظرفیت لازم در حوزه پژوهشی برای جذب پزشکان عمومی جوان وجود ندارد و تقریباً کمتر پزشک جوانی است که در حوزه پژوهش بتواند جذب شود و از آن طریق معیشت خود را تأمین کند.

تجمع اعتراضی کارکنان سازمان محیط زیست

به نوشته سایت عصر خبر در اول شهریور آمده است: ظهر دیروز جمعی از کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست مقابل دفتر مرکزی این سازمان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش عصر خبر، کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست پس از مراجعه به محل کار خود با فیش‌های حقوقی مواجه شدند که در آن رقم درج شده مقابل اضافه کار و حق ماموریت صفر بود.

در پی این امر جمعی از کارمندان این سازمان در تماس‌هایی با خبرنگار ما اعلام کردند که به آنها اعلام شده که از این پس حق ماموریت کاری برای آنها محاسبه نمی‌شود.

حال برای سازمان نظارتی و حفاظتی مانند سازمان محیط زیست سوال اینجاست که اگر قرار بر نرفتن به ماموریت باشد تکلیف مناطق تحت حفاظت چیست؟

گفته می‌شود اقدام اخیر موجب شده حقوق کارمندان این سازمان بعضاً تا ۴۰۰ هزار تومان کاهش یافته و به حدود ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان برسد.

گفته می‌شود حذف ردیف‌های حقوقی در راستای اظهارات اخیر یکی از مسوولان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در خصوص احتمال کاهش اضافه کاری کارمندان بوده است.

صعود سراسری به دماوند در یادبود سلمان یگانه

سلمان یگانه کارگر شرکت صنایع فولاد لوشان گیلان در ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ به خاطر حادثه کار (گیر کردن لای پره های میکسر) جان باخت. او کارگری ضدسرمایه بود و عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری و در میان خانواده، اقوام، دوستان و هم‌زمانش نیز محبوب و دوست داشتنی. تعدادی از کارگران کوهنورد تصمیم گرفتند که در برنامه ای دو روزه یاد و خاطره او را بر فراز قله دماوند گرامی بدارند. به همین منظور ۲۵ نفر از کوهنوردان کارگر از شهرهای رشت، کرمانشاه، کرج، گرمسار و تهران از تاریخ ۲۶ الی ۲۷ مرداد ۱۳۹۱ با صعود به قله دماوند یاد همکار و هم‌نورد خود و دیگر کارگران جانبازانه در حادثه کار را گرامی داشتند.

ایران در مورد مرگ در اثر کار در جهان رتبه سوم را دارد و در سطح کشور نیز مرگ در اثر کار بعد از حوادث جاده ای دومین علت از دست رفتن جان انسان هاست .

گرامی باد یاد و خاطره سلمان یگانه و تمامی کارگران جان باخته در حوادث کار .
کارگران برگزارکننده یادبود سلمان یگانه-اول شهریور 1391
شرایط ضد کارگری، در شرکت سقر سازی کردستان (ون) ادامه دارد!

بر اساس گزارشات رسیده به سایت کمیته هماهنگی ... در اول شهریور آمده است : ، ساعت کاری شرکت سقرسازی کردستان (ون)، در سه شیفت تعیین شده و کارفرما کارگران را وادار به انجام اضافه کار نموده است. اما کارگران این شرکت به شدت نسبت به این موضوع اعتراض نموده و به کارفرما اعلام کرده اند که پس از اتمام ساعت کاری مقرر خود، دیگر توان اضافه کاری را ندارند. در مقابل، کارفرما اعلام نموده که اگر کارگری اعتراض داشته باشد و اضافه کار انجام ندهد، در طول ماه به او مساعده پرداخت نمی شود و حقوق ماهیانه و همچنین عیدی سالانه اش با سه ماه تاخیر پرداخت خواهد شد!

شیفت کار شبانه، مورد دیگری است که کارگران این شرکت را بیشتر نگران کرده است؛ چرا که در این ساعت از شبانه روز، در کارخانه وسیله نقلیه ای نیست که اگر کارگری دچار سانحه شد، او را به بیمارستان برسانند! (مانند کارگری که چندی پیش در سانحه ای انگشتانش را از دست داد.) لازم به ذکر است که چند نفر از کارگران با سابقه ای 15 تا 17 سال، به کارفرما شفاهاً اعلام نموده اند که اگر این وضعیت ضد کارگری ادامه یابد، از کارشان استعفا خواهند داد. اما کارفرمای این شرکت همچنان نسبت به این مسائل و اعتراض کارگران، بی اعتنا است!

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-1 شهریور 1391

جان باختن کارگرجوانی بر اثر ریزش آوار در خیابان ولی عصر تهران

به گزارش خبری 125، در اول شهریور آمده است : روز گذشته در پی وقوع ریزش آوار در ساختمان در حال تخریب، خیابان ولیعصر، نبش میرداماد کارگری جوانی جان باخت.

محمدرضا وکیلی (رئیس ایستگاه 11) در این باره اظهار داشت: در محل حادثه یک چهار دیواری مشاهده می شد که قسمتی از آن گودبرداری شده و کارگران در حال تخریب بخش دیگری از این ساختمان بودند که در هنگام تخریب سقف و دیوارهای جانبی تیر آهن و بخشی از سقف بر روی کارگران فرو می ریزد و کارگری نیز در زیر آوار محبوس شده بود. وی افزود: آتش نشانان با رعایت اصول ایمنی تیر آهن و قسمت های فرو ریخته را برداشته و کارگر جوان را بنام (فضل-ا) از اتباع بیگانه، از زیر خاک، آجر و تیر آهن خارج کردند.

وکیلی خاطر نشان کرد: این شخص بر اثر ضربات وارده و حجم زیادی از خاک و آجر که در زیر آن مدفون شده بود با تأیید عوامل اورژانس فوت کرده بود و آتش نشانان جنازه کارگر را برای انجام مراحل قانونی تحویل عوامل نیروی انتظامی دادند.

رئیس ایستگاه 11 خاطر نشان کرد: کارگران در هنگام انجام عملیات ساختمانی می بایستی ضمن رعایت اصول ایمنی از تجهیزات و کلاه ایمنی استفاده کنند تا در هنگام بروز حادثه و سقوط اجسام سنگین کمتر دچار آسیب شوند.

تظاهرات

در محکومیت کشتار معدن چیان در آفریقای جنوبی

در روز ۱۶ آگوست سال جاری جهان شاهد یکی دیگر از کشتارهای کارگران توسط سرمایه داران و دولت های آنان بود. اینبار نوبت دولت ضد کارگری آفریقای جنوبی بود که کارگران را سلاخی کند. در عرض دو سه دقیقه بیش از صد کارگر معدن پلاتین شرکت لومین در منطقه ماریکانا که در اعتصاب هستند در خون غلطیدند. ۳۵ نفر فوراً جان باختند و بیش از ۸۰ تن بطرز وحشی زخمی و به بیمارستانها منتقل شدند و صدها نفر بازداشت و به زندانها روانه گشتند.

جرم این کارگران اعتراض علیه فقر و فلاکت و دستمزدهای ناچیز، علیه خانه های مخروبه و آب آشامیدنی آلوده و غیر بهداشتی، علیه فقدان امکانات مناسب تحصیلی برای فرزندان، و بالاخره علیه کلیت شرایط به غایت پیرانسانی کار و زندگی شان در کشوری ثروتمند است که همه ثروتش توسط همین کارگران تولید شده است. اما علاوه بر اینها جرم این کارگران در محضر طبقه سرمایه دار و دولت حاکم در آفریقای جنوبی این بود که آنان با عزمی راسخ و با مبارزه ای رزمنده و سازش ناپذیر به میدان آمدند. کارگران بی هیچ اما و اگر حق خود را می خواستند، و دولت نیز همین حق طلبی را بخون کشید.

اما طبقه کارگر در آفریقای جنوبی تنها نیست و حمایت کارگران جهان را با خود دارد. از ۱۶ آگوست تاکنون اعتراض به دولت ضد کارگری آفریقای جنوبی و حمایت از معدن چیان منطقه ماریکانا پیوسته در جریان است. در تورنتو نیز تظاهراتی در مقابل کنسولگری آفریقای جنوبی توسط فعالین کارگری و اجتماعی و با حمایت چند اتحادیه و تشکل کارگری فراخوانده شده است. «شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا)» از همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب دعوت می کند تا با شرکت در این حرکت اعتراضی به دولت آفریقای جنوبی، از کارگران اعتصابی حمایت کنند.

زمان: همین شنبه، ۲۵ آگوست، ساعت ۱ بعد از ظهر

مکان: مقابل کنسولگری آفریقای جنوبی در تورنتو واقع در: Sheppard Ave East, Suite 600 110

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو-کانادا)

۲۲ آگوست ۲۰۱۲

چندین مورد فوت ناشی از نبود دارو: دارو اولین ضربه از نوسانات ارز و تحریم را خورده است

به نوشته سایت قانون در اول شهریور آمده است : صدیقه محمودی: دارو اولین ضربه از نوسانات ارز و تحریم را خورده است. بیماری که وضعیت سلامتیشان به داروهای خارجی بستگی دارد امروز در پیچ و خم رفت و آمد به داروخانه های دولتی گرفتار شده اند و چیزی دستشان را نمی گیرد. بازار دارو در چند سال اخیر افت و خیزهای بسیاری را به چشم خود دیده است. در این میان کس و قوس برای ورود داروهای مارک خارج از کشور بسیار بوده است به طوری که وضعیت بسیاری از بیماران خاص را با مشکل مواجه کرده است. در سال جاری با طبقه بندی شدن کالاها برای دریافت ارز دولتی، دارو در طبقه دوم قرار گرفت تا به جای دریافت دلار دولتی، این بخش از ارز ناشی از صادرات کالایی کشور بتواند نیاز خود را برطرف کند. این کس و قوس ها و از سوی دیگر مشکلات

اقتصادی به وجود آمده در جامعه، بازار دارو را پرتنش کرد به طوری که برخی داروها نایاب شدند و برخی داروها دیگر نیز به صورت دانه‌ای میان بیماران خاص پخش می‌شود. بیماری که وضعیت حیاتی‌شان به دارو بستگی دارد و ممکن است در این میان بیشترین ضربه را بخورند.

در حالی که مرضیه وحید دستجردی، وزیر بهداشت با تاکید بر نبود هیچ‌گونه مشکل در زمینه دارو، صحبت درباره کمبودها را شایعه عنوان می‌کند، بسیاری از مسئولان انجمن‌های حمایت از بیماری‌های خاص و خانواده‌های این بیماران از کمبود و گاهی نبود دارو خبر می‌دهند و گلایه می‌کنند. مادر یکی از بیماران تالاسمی که برای دریافت دارو به داروخانه شهید عابدینی مراجعه کرده است، می‌گوید: با کمبود شدید داروی دسفرال، ایکس جید و دسفوناک مواجه هستیم و تعداد اندکی دارو برای مصرف یک ماه به ما اختصاص می‌دهند. این خانم که دخترش دارای بیماری تالاسمی است، می‌افزاید: میزان دسفرالی که دخترم نیازمند مصرف مداوم آن در طول یک ماه است ۱۰۰ عدد است اما متأسفانه به دلیل کمبود دارو در چندماه اخیر ۳۰ عدد برای یک ماه به او تعلق می‌گیرد که این تعداد جوابگوی نیاز جسمی‌اش نیست. به گفته وی مراجعه مکرر آن‌ها به داروخانه‌های دولتی که این داروها را پخش می‌کنند، فایده‌ای ندارد زیرا تعداد دارو محدود است و تعداد مراجعه کنندگان زیاد.

بیماران تالاسمی با نبود دارو سفارش سنگ قبر می‌دهند

نائب رئیس انجمن تالاسمی ایران نیز با تایید این گفته‌ها و انتقاد از مسئولان به دلیل بی‌توجهی به بیماران تالاسمی گفت: کمبود دارو مدت زمان زیادی است که بیماران تالاسمی را با مشکل مواجه کرده است اما در چند ماه اخیر این مشکل به حدی حاد شده که چندین مورد فوت ناشی از نبود دارو را داشتیم.

به گزارش قانون، هنگامه ابراهیمزاده با گلایه از وضعیت داروی بیماران تالاسمی و کم توجهی نسبت به جان و زندگی این بیماران، افزود: بیماران تالاسمی چون خون می‌زنند آهن بدنشان بالا می‌رود، بنابراین باید دسفرال یا دسفوناک مصرف کنند تا آهن خون آن‌ها پایین بیاید. با کلی مشقت در سال‌های گذشته تلاش کردیم و فرآیند خون بچه‌ها را پایین آوردیم، اما متأسفانه با نبود دارو در چند ماه اخیر فرآیند بدنشان به ۱۵ هزار هم رسیده که خطر مرگ را به همراه دارد و کسانی را هم داشتیم که بر اثر این مسئله فوت کرده‌اند. وی با اشاره به اینکه وضعیت داروی بیماران تالاسمی در چند ماه اخیر بسیار بحرانی است، اظهار داشت: در ماه‌های گذشته با کمبود شدیدی مواجه بودیم به طوری که یک دانه دارو هم وجود نداشت.

وی افزود: در پیگیری‌های که با معاونت غذا و دارو انجام دادم هر بار جوابی شنیدیم و یک بار هم آقای تقوی مشکل ارز را عنوان کرد. در حال حاضر که از نظر آن‌ها شرایط درست شده اما به نظر انجمن تغییری در وضعیت صورت نگرفته است. به جای اینکه به بیمار ۱۰۰ عدد قرص برای یک ماه بدهند ۳۰ عدد قرص برای یک ماه داده‌اند. ۳۰ عدد قرص دسفرال برای بیماری که فرآیند ۷ هزار دارو در ۵ شب مصرف می‌شود.

وی با اشاره به اینکه وزیر بهداشت در صحبت‌هایش از نبود تحریم‌های دارویی صحبت کردند، گفت: این بیماران مثل گل می‌مانند روز به روز دارد از این گل‌ها کمتر می‌شود. خدا را شاهد می‌گیرم امثال مرگ و میرمان بسیار بالا بود. این ظلمی است که در حق آن‌ها صورت می‌گیرد. پدر و مادر این بچه‌ها برایشان زحمت کشیدند و بزرگشان کردند. آن‌ها به زندگی فرزندانشان امید دارند. به اعتقاد وی دارو در کشور ما بسیار کم است. «امروز اگر برای فلان دارو به داروخانه مراجعه کنید دارو وجود ندارد اما به ناصر خسرو بروید دارو را به راحتی در بازار آزاد و توسط دلال‌ها می‌خرید. این مشکل را به دکتر تقوی معاون غذای دارو گفتیم و جواب ایشان این بود شما باید جلوی این مشکلات را بگیرید. مگر وظیفه من جلوگیری از کار دلال‌هاست؟!» وی اظهار داشت: مدت‌هاست که برای من این سوال پیش آمده که چطور دارویی که داروخانه دولتی ندارد دلال‌ها آن را دارند. وی در پاسخ به این سوال که گویا داروهای موجود در بازار ناصر خسرو تقلبی یا تاریخ مصرف گذشته هستند، گفت: یکی از بیماران خانمی که بیماری تالاسمی دارد این دارو را از بیرون می‌خرد مصرف می‌کند که دچار مشکلات بسیار حادی شده است. یک نفر هم آنقدر در خانه می‌نشیند و وقتی می‌بیند دارو پیدا نمی‌شود، سفارش سنگ قبر می‌دهد.

کمبود سرم به دلیل نبود مواد اولیه

رئیس انجمن حمایت از بیماران کلیوی با بیان اینکه تنها کمبود دارویی در بخش بیماران کلیوی نبود محلول سرم است که دارای کمبود شدید هستیم. مصطفی قاسمی با بیان اینکه در زمینه دیگر داروها یکسال کمبود داشتیم ولی امروز این مشکلات برطرف شده است، افزود: کمبود این محلول که توسط شرکت‌های ایرانی ساخته می‌شود، به دلیل وارد نشدن مواد اولیه‌ای است که جزو تحریم‌ها رفته است. برخی شرکت‌های دارویی به دلیل نداشتن مواد اولیه دیگر قادر به ساخت این محلول نیستند. به همین دلیل این سرم‌ها در حال تمام شدن است.

وی با تاکید بر اینکه درباره بیماران دیالیزی دارویی نیست که در ایران وجود نداشته باشد، اظهار داشت: تنها چیزی که کمی گران هست رناژل هست که خوشبختانه جزو داروهای هست که در لیست ۵۵ قلم داروی درخواست شده است و با ورودش به لیست بیمه تنها قیمت ۱۰ درصد آن پرداخت می‌شود.

وی افزود: هر چند داروهای گان و ورساید از جمله داروهای گران بیماران کلیوی هستند که هنوز وجود دارد ولی به صورت آزاد می‌خریم و یارانه به آن تعلق می‌گیرد. داروی تاکرو لیموس را دانه‌ای هزار تومان می‌خریم و ۴ هزار تومان هم بهش یارانه تعلق می‌گیرد که در واقع ۵ هزار تومان می‌شود ولی وارد لیست ۵۵ تایی شده که در صورت وارد شدن به لیست بیمه ۱۰ درصد پولش را پرداخت می‌کنیم.

وی با اشاره به اینکه باید منتظر یک سری کمبودها باشیم، گفت: در گذشته به دلیل شدت کمبودها، دارویی که باید برای دو ماه به بیماران کلیوی داده می‌شد ۱۰ تایی توزیع می‌شد ولی خوشبختانه مشکل حل شد. نبود این داروها دلیل انحصار ایجاد شده توسط یک شرکت دارویی بود. مسئولان تا راهکار مقابله با این مشکل را پیدا کردند و دارو وارد بازار شد یک مدت زمانی طول کشید و بیماران سختی کشیدند. به گفته وی اکثر داروهای بیماران دیالیزی در داخل ساخته می‌شود. هر چند بسیاری از این داروها اول خارجی بوده ولی بعد ایرانی‌اش ساخته شده و مشکلی وجود ندارد.

آمیول بیماران سرطانی نایاب شد
نایاب شدن آمیول اوستین در داروخانه‌های ۱۳ آبان، هلال احمر، ۲۹ فروردین و دیگر داروخانه‌های تهران هم یکی دیگر از مشکلات این روزهای بیماران خاص است که بیماران سرطانی را با نگرانی جدی مواجه کرده است. پایگاه اطلاع رسانی بنیاد امور بیماری‌های خاص و به نقل از یک منبع با اعلام این خبر هشدار داده که در صورت جدی گرفته نشدن این خبر از سوی مسئولان ذریبیط و نبود واکنش مناسب به آن، بیماران سرطانی در آینده نزدیک با مشکلاتی به مراتب بی‌تر از امروز روبه‌رو می‌شوند.
حال با وجود این کمبودها و تبعات خطرناک آن‌ها باید دید مسئولان درمان و سلامت کشور برای رفع مشکلات این روزهای بیماران خاص در زمینه دارو چه راهکارهایی را در نظر می‌گیرند تا برخی محدودیت‌های وارداتی موجب به خطر انداختن جان این بیماران نشود.

افزایش حقوق‌ها با تورم موجود خنثی شده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا - ساری در تاریخ دوم شهریور آمده است: سید حمزه درواری گفت: دولت نمی‌تواند با وجود کاهش نرخ رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی مدعی ایجاد یک میلیون شغل در کشور باشد.
رئیس کانون کارفرمایان مازندران در گفتگویی در ساری با انتقاد از ارائه آمارهای اشتغالزایی ضد و نقیض از سوی دولت، به ایلنا گفت: نرخ رشد اقتصادی در ایران بیانگر نرخ منفی اشتغالزایی در کشور است. براساس سیاست‌های برنامه به منظور ایجاد اشتغال در کشور باید نرخ رشد اقتصادی به هشت درصد می‌رسید. اما هم اکنون شاهدیم که نرخ رشد تنها یک درصد است.
عضو کانون عالی کار کشور در بخش دیگری از سخنان خود نحوه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را طی یک سال گذشته منجر به بیکاری و ورشکستگی واحدهای تولیدی کشور دانست و یاد آور شد: طی سال جاری به دلیل ناتوانی در تامین نقدینگی واحدها، کارفرمایان نسبت به تمدید قرارداد با کارگران پیمانکاری اقدام نکردند.
او با اشاره به اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، افزود: به دلیل افزایش شدت تحریم‌ها نرخ رشد سرمایه‌گذاری در ایران کاهش یافته است. بنابراین دولت نمی‌تواند با وجود کاهش نرخ رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی مدعی ایجاد یک میلیون شغل در کشور باشد.

درواری در ادامه با اشاره به ترفندهایی برای کاهش نمایشی نرخ بیکاری در کشور یادآور شد: دولت با محاسبه تبدیل قراردادهای پیمانی کارگران به قرارداد مستقیم در آمار اشتغال جدید، سعی بر افزایش آمار اشتغالزایی در کشور دارد. در حالیکه کارگران پیمانی از سال‌ها قبل شاغل بوده‌اند.

عضو کانون عالی کار کشور در ادامه کاهش خدمات سازمان تامین اجتماعی به صاحبان اصلی این سازمان را از پیامدهای سیاست‌های غلط و بعضاً سیاسی‌کاری در دولت نهم دانست و گفت: با اعمال این سیاست‌ها ذخایر سازمان تامین اجتماعی در معرض نابودی قرار گرفته است.

او تاکید کرد: دولت به جای پاسخگویی در مورد تورم و نقش آن در کاهش قدرت خرید مردم، با روش‌های تبلیغاتی اینطور وانمود می‌کند که حقوق‌ها را افزایش داده در حالی که با تورم موجود این افزایش حقوق‌ها خنثی شده‌اند.

پایان پیام

قطعی گاز و برق در مناطق سیل‌زده مازندران

به نوشته سایت آفتاب در دوم شهریور آمده است: مدیرکل مدیریت بحران مازندران در محل سیل میاندرود حاضر شد. هادی خنجری مدیرکل مدیریت بحران استان مازندران بلافاصله پس از باخبر شدن از جاری شدن سیل در شهرستان میاندرود و روستاهای این شهرستان به محل وقوع سیل اعزام شد.
بر اثر بارش شدید باران از شب گذشته تاکنون سیل جاری و موجب نگرانی مردم روستاهای شهرستان میاندرود شده است. بر اساس گفته‌های منابع محلی، سیل به زمین‌های کشاورزی و تاسیسات روستایی خسارت زد.

هنوز از خسارت‌های دقیق سیل خبری در دست نیست.
روستاهای بالادست شهرستان میاندرود از جمله روستای دارابکلا، اسرم، جامخانه و.... از جمله روستاهایی هستند که بلافاصله پس از جاری شدن سیل به علت موقعیت جغرافیایی در معرض جاری شدن سیل قرار دارند.
بر اثر بارندگی شدید در مرکز مازندران و شهرهای مرکزی مازندران، برق برخی از مناطق نیز قطع شد.
جاده ورودی روستای دارابکلا در شهرستان میاندرود مسدود شد و عبور و مرور در این روستا به سختی انجام می‌شود.
قطعی گاز و برق نیز از جمله پیامدهای سیل بوده است که این مسئله سبب شد ماموران مراکز امداد گاز بلافاصله از باخبر شدن این واقعه به روستای دارابکلا اعزام شوند.
زمین‌های کشاورزی روستای دارابکلا و روستاهای اطراف و مرکزی شهرستان میاندرود نیز دچار خسارت شد.
سیل به داخل برخی از منازل نیز وارد شده است به طوری که رفت و آمد به خانه‌ها با مشکل مواجه شده است.
به گزارش فارس، نیروهای فرمانداری میاندرود و جهادکشاورزی شهرستان میاندرود هم‌اکنون در محل بروز سیل حاضر شدند

هشدار استاد دانشگاه زوریخ به مسئولان و صاحبان خانه های فرسوده تهران

به گزارش خبرنگار دو لتی مهر، در دوم شهریور آمده است: ساسان محاسب دارای دکترای مهندسی عمران در موضوع آسیبهای زلزله و تقویت بنا از دانشگاه صنعتی زوریخ، کارشناس ارشد دانشگاه اکسفورد و مدیرعامل شرکت مهندسی و تقویت سازه برای سدها و ساختمانهای بزرگ در سوئیس است که بازدید از مناطق زلزله زده آذربایجان شرقی داشت.

وی که در کارنامه خود تقویت سازه هتل آزادی تهران، مقاوم سازی خانه دکتر شریعتی، تقویت سازه هتل استقلال و به تازگی مطالعه بر روی تقویت ساختمان وزارت نفت را دارد در مورد سازه ها و مقاومت بناهای کشور در برابر زلزله با خبرنگار مهر به گفتگو نشست.

محاسب در مورد وضعیت ساختمانها و بناهای کشور گفت: آیین نامه زلزله 2800 یک آیین نامه کامل است که در آن استاندارهای بین المللی لحاظ شده و ایران هم به آن پایبند است. در شهرهای زلزله زده رعایت این آیین نامه بعضا دیده شد ولی در روستاها 30 سال است که این تصاویر و حوادث تکرار می شود. ما بم و منجیل را داریم و شاهد بودیم که چگونه ساختمانهای فرسوده و غیر اصولی ویران شدند.

این استاد دانشگاه زوریخ اظهار داشت: ما یاد گرفتیم یه قابی درست کنیم و بعد آن را پر کنیم. به واقع فلز و دیوار رفتارهای مختلفی دارند و با هم نمی سازند. هنگام زلزله دیوارها بازی می کنند و برای همین وقتی به فلز متصل باشند آسیب می بینند. در حالی که باید میان دیوار و فلز فاصله باشد. اگر توجه کنید در زلزله اخیر دیوارها به صورت ضربدری ترک برداشته بودند چون به فلز متصل بودند.

همه جای ایران در برابر زلزله خطرناک است

از پروفیسور محاسب در مورد سازه های خانه های تهران با وجود 6 هزار هکتار بافت فرسوده و مقاومت آنها در برابر زلزله و تئوری انتقال پایتخت سؤال شد که وی گفت: علم ثابت کرده می توان به سرعت سازه های مهم مانند پلها، مدارس، ساختمانهای بزرگ و بیمارستانها را مقاوم سازی کرد و این برای تهران هم امکان پذیر است. به اعتقاد من همه جای ایران در برابر زلزله در امان نیست و اگر تهران را به جای دیگری منتقل کنیم آنجا هم قطعاً زلزله داریم. این کارشناس حوزه مقام سازی بنا در برابر زلزله اعلام کرد: باید مسئولان جلوی سازه های جدید در تهران که بدون نظارت و رعایت اصول آیین نامه های بین المللی ساخته می شود را بگیرند.

تقویت خانه های فرسوده تهران با 30 میلیون تومان

وقتی از پروفیسور محاسب سؤال شد که آیا تهرانیها می توانند خانه های فرسوده خود را در برابر زلزله مقاوم کنند، گفت: در سوئیس بر روی بتونی از جنس الیاف تحقیق کردم که قرار است در دانشگاه تهران آن را تدریس کنم. این بتون که هزینه کمتری هم دارد مردم بهتر می توانند ساخت و ساز کنند و مقاومتش در برابر زلزله بیشتر است.

ولی تهرانیها می توانند با قرارداد با شرکتیهای متخصص در تقویت سازه بناهای خود را مستحکم کنند. البته نمی توان گفت هزینه آن چقدر می شود ولی شاید برای یک خانه دو طبقه قدیمی حدود 30 میلیون هزینه داشته باشد که البته شاید به صرفه باشد تا با وامهایی که دولت می دهد خانه را نوسازی کنند. ما برای مقاوم سازی هتل بزرگ آزادی 6 ماه وقت گذاشتیم که برای خانه های کوچک این وقت کمتر خواهد بود.

استاد دانشگاه زوریخ اظهار داشت: در کشور سوئیس بناهایی با قدمت 150 تا 200 سال داریم که هنوز سرپا هستند. حتی نقشه های آنها دستی است. امروزه در جهان هم سازه ها با قدمت 80 تا 100 ساله ساخته می شود ولی آیا بناهای تهران هم این مقاومت را دارند؟

در خارج از کشور مهندس ناظر همان طراح است و باید طرح را تا انتها دنبال کند اگر هم تخلف کند به شدت با وی برخورد می شود ولی آیا در ایران هم اینگونه است؟

پروفیسور محاسب اعلام کرد: مقاومت بتون در ایران 20 مگاپاسکال است و این اندازه در سوئیس حدود 50 است. در سوئیس بتون با نظارت کارشناس و به صورت تخصصی مخلوط و ساخته می شود ولی آیا در ایران این نظارت و تخصص در ساختمانها برای ساخت بتون وجود دارد؟ ما اگر قوانین و اصول طراحی را به درستی رعایت کنیم سازه های مقاومی خواهیم داشت. امروزه مشکل اصلی خانه های قدیمی ایرانی طبقه اول است. در سایر طبقات دیوارها با هم سری نیستند. و به آیین نامه احترام گذاشته نشده است. متأسفانه در بسیاری از خانه ها دیوار نقش حامل را بازی می کند در حالی که باید اسکلت بنا حرف اول را بزند و همین مسئله هنگام زلزله مشکل ساز خواهد بود. برای همین به مسئولان مربوطه توصیه می شود مردم را به سوی تقویت سازه ها و یا بازسازی سوق داده و بر رعایت استاندارهای بین المللی ساخت بنا نظارت بیشتری داشته باشند. گفتگو از سید هادی کسایی زاده

در صنایع ایران تنها ۸۵۲ هزار فرصت شغلی در اختیار زنان است

به گزارش سایت صدای المان در دوم شهریور آمده است:

بنا بر آمار رسمی نرخ بیکاری و اشتغال در ایران، سهم زنان از اشتغال در بخش صنایع کل کشور تنها ۸۵۲ هزار نفر است. به نقل از خبرگزاری مهر، این رقم در بخش کشاورزی به یک میلیون و ۴۸ هزار نفر و در بخش خدمات به حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر می رسد. جدول جدیدترین تغییرات اشتغال در شهرها و روستاهای ایران به تفکیک زن و مرد، انتشار بهار ۱۳۹۱ همچنین از بیکاری ۴۰ درصدی زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور خبر می دهد. این رقم در میان مردان ۸/۲۵ درصد است. بر اساس این جدول ۴/۲۴ میلیون نفر از جمعیت ده ساله و بیش از ده سال کشور دارای فعالیت اقتصادی هستند. جمعیت کل ایران بر اساس آخرین آمار بیش از ۷۵ میلیون نفر است.

اطلاعیه دعوت به تظاهرات در استکهلم در دفاع از کارگران آفریقای جنوبی

قتل عام کارگران در آفریقای جنوبی:

چهره واقعی سرمایه داری

روز پنج شنبه ۱۶ اوت، پلیس ضد شورش حکومت آفریقای جنوبی، اعتصاب کارگران معدن پلاتین ماریکانا برای افزایش دستمزد را با گلوله جواب داد. نیروهای سرکوبگر سرمایه داران اجتماع ۳۰۰۰ نفره کارگران اعتصابی را از هر سو به رگبار بستند و دستکم ۳۴ کارگر را به قتل رساندند و صدها نفر را زخمی و دستگیر نمودند. امروز نیز کارفرمای معدن میگوید اگر به اعتصاب خاتمه ندهید همه را اخراج میکنم.

آفریقای جنوبی چهره واقعی سرمایه داری است. خیلی ها پایان حکومت آپارتاید نژادی را پایان مشقات مردم تلقی کردند. پایان حکومت آپارتاید یک واقعیت شیرین بود اما همانوقت معلوم بود که اینبار باید طبقه کارگر آفریقای جنوبی در خدمت بورژواهای تازه بقدرت رسیده کنگره ملی آفریقا جان بکند، و استثمار و سرکوب شود. واقعه اخیر بار دیگر نشان داد که سرمایه داری هر وقت منفعت اش به خطر بیافتد، با زبان نژاد پرستان و فاشیستها و مرتجع ترین سرکوبگران طبقه اش سخن میگوید.

در اعتراض به این جنایت بزرگ و در دفاع از طبقه کارگر و معدنچیان آفریقای جنوبی، باید همه جا علیه حکومت جنایتکار آفریقای جنوبی اعتراض کرد. شورا همراه با دیگر نیروهای آزادیخواه و سازمانها و احزاب چپ در سوند، در اعتراض به قتل عام کارگران گرسنه در مقابل سفارت آفریقای جنوبی تظاهرات برگزار میکند. ما عموم آزادیخواهان و همه کسانی که از جنایت و کشتار منجرند را به شرکت فعال در این تظاهرات و اعلام همبستگی بین المللی با طبقه کارگر آفریقای جنوبی فرا میخوانیم.

زمان: روز دوشنبه ۲۷ اگوستی ساعت ۱۵:۳۰

مکان: مقابل سفارت آفریقای جنوبی واقع در Fleminggan 20

مرگ بر سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکهلم

۲۱ اوت ۲۰۱۲

تظاهرات در مقابل کنسولگری آفریقای جنوبی در تورنتو

، ساعت یک بعدازظهر شنبه، ۲۵ اگوست ۲۰۱۲

(Sheppard Ave East, Suite 600, (Sheppard-Yonge Subway Station 110)

قتل عام معدنچیان آفریقای جنوبی را محکوم کنیم!

تظاهراتی توسط فعالین و تشکلات کارگری و اجتماعی در مقابل کنسولگری آفریقای جنوبی در تورنتو، در همبستگی با جنبش کارگری در آفریقای جنوبی و محکومیت قتل عام کارگران معدن پلاتین ماریکانا، در ساعت یک بعد از ظهر شنبه ۲۵ اگوست ۲۰۱۲، برگزار میگردد. این تظاهرات مورد حمایت اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، فدراسیون کارگری انتاریو و تشکلات همبستگی بین المللی و کارگری از آفریقا تا آمریکای لاتین و آسیا و خاورمیانه قرار گرفته است. متن بیانیه به زبان انگلیسی با اطلاعات لازم در زیر آمده است.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران-کانادا به عنوان یکی از حمایت کنندگان از این تظاهرات از تمامی فعالین کارگری و اجتماعی و معترضین به سرکوب و کشتار کارگران در آفریقای جنوبی دعوت میکند که در این اکسیون اعتراضی شرکت نمایند.

در همبستگی با معدنچیان آفریقای جنوبی به پا خیزیم!

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران-کانادا

2 شهریور 1391

بیانیه زندانیان بند ۳۵۰ همبستگی با کارگران آفریقای جنوبی

رنج سالیان دراز محرومیت و هلاکت میلیون ها نفر به ویژه کارگران سیاه پوست آفریقای جنوبی که از سوی حکومت آپارتاید تحمیل می شد جای خود را به آزادی و رهایی از عذاب فقر نداد. نولیبرالیسم اقتصادی با جابه جایی حکومت پیشین نه تنها از میان نرفت بلکه با چهره ای دژم و عزمی جهنمی برای غارت و بهره کشی به حیات خود جان تازه ای بخشید. دولت آفریقای جنوبی اکنون و از مدتها پیش عهده دار وظیفه ای است که پیش از آن آپارتاید انجام می داد، یعنی بهره کشی از مردم و منابع این مردم حتا در مقیاسی وسیع تر و شدیدتر. آپارتاید میلیون ها نفر را در داخل و در کشورهای همسایه ی آفریقای جنوبی با ددمنشی از پای در آورد و اکنون در ادامه آن راه سرمایه داری بومی و جهانی به میلیون ها نفر دیگر داغ نکبت زده است. امپریالیسم جدید در لباس نولیبرالیسم پس از تغییر حکومت در دفاع از شرکت های معدنی و صنعتی و کشاورزی، به جان مردم فقیر سراسر آفریقا و جنوبی افتاده است. نمونه ی اخیرش کشتار معدنچیان معترض آفریقای جنوبی است. تا زمانی که این کارگران در جهت منافع سرمایه داری جان می کنند و فقیر و بی کار می شدند و زبان به اعتراض نمی گشودند، کارفرمایان و دولت هم از دموکراسی ظاهری لیبرال دم می زدند و چهره ی دولت آزادیخواه از خود به نمایش می گذاشتند، اما بلافاصله پس از آنکه فریاد اعتراض به محرومیت و گرسنگی کارگرانی بلند شد که در اعماق ۳۰۰ متری زمین با کمترین ایمنی زمین را می شکافتند، رژیم آپارتاید اقتصادی و نولیبرالی به روی آنان آتش گشودند. پاسخ شرکت های بومی و جهانی به درخواست کارگران معدن برای لقمه ای نان و نجات خانواده هایشان از مرارت، کشتن بیش از ۳۰ نفر از کارگران و زخمی و از کار انداختن بیش از یک صد نفر دیگر بود. امپریالیسم نو و رسانه های وابسته به آنان از يك سو و دولت حامی سرمایه داران از دیگر سو به تکاپو افتادند تا از داوری تاریخ بگریزند، خشم مردم اما نمی گذارد این جنایت از دامن تاریخ کارگر کشی پاک شود. معدن چیان در همه ی کشورهای سرمایه داری در فرایند عادی کار خود نیز فجایع بیشماری را تجربه کرده اند. آنها در اعماق زمین جان باخته اند یا در اعتصاب و اعتراض از پای در آمده اند یا رنج و فقر را تحمل می کنند و نمونه های آن در انگلستان، چین، اسپانیا، شیلی و آفریقا راهمه به یاد داریم. امروز وضع زندگی در آفریقای جنوبی رقت بار شده است. بیکاری، فقر پس از اتمام دوره ی آپارتاید هنوز وجود دارد. زاغه ها پر شده است از زنان و کودکان و از کارگران از افتاده، خیابان

را لشگر بی کاران به نمایش گذاشته اند. دستمزدهای واقعی سقوط می کنند و از خدمات رفاهی و اجتماعی و آموزش برای بخش وسیعی از مردم خبری نیست. مالکین پیشین داخلی وخارجی و عمدتا سفید پوست بر اریکه ی قدرت اقتصادی نشسته اند. اما سیاهان و رنگین پوستان و حتا بخشی از مردم عادی سفید پوست در ناکامی کامل اقتصادی به سر می برند. دولت نئولیبرال که مردم را به پایان یافتن آپارتاید دل خوش می کند و با ابزار سهمگین سرکوب ادامه راه بهره کشی وغارت منابع گرانبهای کشور را هموار می سازد. این بار ماشین کشتار در جلوی معدن و نیز در زیر زمین به جان کارگران محروم و رنج دیده ی سیاه پوست افتاد. این دولت نیز مانند همه ی موارد مشابه از حمایت نظامی و سیاسی و رسانه ای امپریالیستی به ویژه امریکا و متحدان ناتو برخوردار است و جنایت بهای بیشتری را در حق مردم معترض در سر می پروراند . ما زندانیان که در راه دفاع از حقوق انسانی، آزادی همگانی و عدالت مردم جهان ومیهن خود در بند ۳۵۰ عمر می گذرانیم وما که خود را هم بسته ی کارگران جهان و ایران می دانیم، از این جنایت بشری به خشم آمده ایم. گر چه نمی توانیم آن را جز از این طریق ابراز داریم. درحالی که دست ما برای یاری کارگران کشورمان کوتاه است که با بیکاری بی سابقه و گسترده و گرانی سرسام آور و دستمزدهای مادون حداقلی روبه رویند و امکان تشکل و اعتراض از ایشان سلب شده است، همدل و همصدا با کارگران آگاه و مردم آزادیخواه جهان این جنایت را محکوم می کنیم که بی شک از چهره های عربیان همه روزه ی سرمایه داری جهانی است و دل واندیشه و بازوی خود را در کنار مقاومت معدنچیان افریقای می گذاریم. به جانبختگان ادای احترام می کنیم و همدردی عمیق خود را با داغ دیدگان ابراز می داریم.

فریبرز ربیب دانا، سعیدمتین پور، رضا شهبایی، فریدون صیدی راد، سعید جلالی فر، بهنام ابراهیم زاده

حادثه در محیط کار!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در دوم شهریور آمده است : به گزارش رسیده در تاریخ 22 مرداد کارگری به نام عبدالرحمان خاکی اهل سنندج در حین کار در کارگاه سنگ چینی کنار رودخانه، دست راستش زیر سنگ گیر کرده و پنجه دست راستش قطع می شود. یک ساعت بعد از حادثه تنها زمانی که کارگر مذکور هزینه آمبولانس را تقبل می کند وی به بیمارستان بعثت سنندج منتقل و دستش مورد عمل پیوند قرار می گیرد. کارفرما هیچ هزینه ای برای درمان این کارگر حادثه دیده تقبل نکرده و تمامی هزینه 600 هزار تومان زیرمیزی به دکتر و مخارج بیمارستان توسط خود کارگر حادثه دیده پرداخت شده است. وی به صورت قراردادی برای شرکت همیاری در شهر دهگلان کار می کند. لازم به ذکر است این کارگر دارای سه فرزند است و مستاجر نیز می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-2 شهریور 1391

گزارشی از شرایط دشوار کار برای کارگرانی که در شرکت های خارجی کار می کنند

http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2012/08/blog-post_24.html
<"http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2012/08/blog-post_24.html

کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 3 شهریور می نویسد : شرکت دیلیم یکی از این شرکت هائی است که تابعیت کره ای دارد و در پروژه های نفت وکاز به خصوص در پارس جنوبی فعال است این شرکت در قراردادهای جدیدش دو ونیم روز مرخصی ماهانه کارگران را از لیست پرداخت ها حذف کرد و اعلام نمود که این تعطیلی درمبلغ قرارداد منظور شده است و درحقیقت بخشی از حقوق نیروی کار را از جیب کارگران به جیب کره ای ها می ریزد.

سوال این جاست که چرا يك شرکت خارجی که در حال کسب سود میلیارد دلاری از منابع ماست به قانون کار پشت می کند. شرکت دیلیم به عنوان يك شرکت بین المللی در مورد زیر پا گذاشتن قوانین موجود باید پاسخگو باشد.

با توجه به این که قوانین کار در ایران رسماً لغو نشده است و تعدیل ساختاری و خصوصی سازی با وجود قانون کار اعمال می شود و با توجه به این که شرکت های خارجی در ایران نمی توانند بر خلاف قوانین کشوری (قانون کار) عمل نمایند و هیچ اطلاعیه ای هم صادر نشده که شرکت های خارجی بتوانند با مقررات و قوانین کشور خود در اینجا کار کنند از این رو شرکت دیلیم (کره ای) با زیر پا گذاشتن قوانین قراردادهایی را با نیروی کار ایرانی وضع می کند که عملاً سنوات، دو روز نیم مرخصی ماهانه و عیدی و پاداش سالانه حذف می گردد و اعتراض کارگران را با اخراج آنان پاسخ می گوید. حذف این سه مورد دقیقاً سه ماه حقوق يك نیروی کار است که 24 ساعته در خدمت پروژه آن هم در پارس جنوبی است.

کارگری که ماهی 5 روز می تواند درخانه باشد و بقیه را در کارگاه شرکت دیلیم در خدمت کار است (با توجه به دو روز برای رفت و آمد جمعا 7 روز مرخصی) شرایط نامساعد آب و هوایی شرایط نامساعد آلودگی های گازی و شرایط سختی کار برای روز 12 ساعت کار را پشت سر می گذارد. در این شرایط وضعیتی است که باید حقوق فوق العاده دریافت کند و تحمل این وضعیت به فرسودگی جسمی وروانی او می انجامد ولی این شرکت بیگانه به دلیل حمایت غیرمستقیم بعضی نهادها و بی توجهی اداره کار از شرایط سوءاستفاده کرده و در سال سه ماه حقوق نیروی کار کارگران را به جیب می زند تا سودهای خود را افزایش دهد. نهادهای مسئول هم با بی خیالی نظاره گر این اجحاف به نیروی کار کارگران هستند.

زنائی که زندگی را از زیر آوار بیرون می کشند

به نوشته سایت تغییر برای برابری در سوم شهریور آمده است :رها عسکری زاده:شهرستان ورزقان واقع در استان آذربایجان شرقی ،پس از کرمان، دومین تامین کننده مس کشور محسوب می شود. استخراج این فلز گران قیمت اما در زندگی و رفاه مردم هیچ تاثیری نداشته است. روستاییان و ساکنان شهرستان ورزقان بیش از این زمین لرزه هم با فقر دست به گریبان بودند، چنانچه تا سال گذشته ورزقان بیمارستان هم نداشت.

طی زمین لرزه اخیر حدود 300 روستا در مناطق اهر، هریس و ورزقان تخریب شده اند. بنابر گزارش خبرگزاری ها در زمان وقوع زمین لرزه فرماندار ورزقان در شهر حضور نداشته و با تاخیری چند ساعته به محل ماموریت خود رسیده است. ستاد بحران استان آذربایجان شرقی وضعیت بحرانی ورزقان را مخفی نگه داشته و نخستین نیروهای امدادی پس از گذشت ۷ ساعت (ساعت ۱۲ نیمه

شب) از وقوع زمین‌لرزه به منطقه ورزقان اعزام شده‌اند و در طول این مدت تنها خود اهالی و مردم نسبت به امداد رسانی و نجات مجروحان اقدام کرده‌اند. به استناد گفته‌های مدیرکل سازمان پزشکی قانونی آذربایجان شرقی 66 درصد قربانیان زلزله زنان بوده‌اند. یک هفته پس از وقوع زمین‌لرزه 6.3 ریشتری آذربایجان، به روستاهای توابع ورزقان رفتیم. در جاده اصلی مسیر تمامی روستاهای آسیب دیده در زلزله با پارچه‌ای مشخص شده بود: به سمت روستای زلزله زده "باجه باج"

وارد روستا که می‌شوی با تلی از خاک و تیرک‌های چوبی که زمانی سقف خانه‌هایی ابتدایی بوده روبرو می‌شوی. بوی تند ماندگی و تعفن مشام را آزار می‌دهد. 4-5 نفر را بر سر ویرانه‌ای در حال جستجو می‌بینیم. آنها بعد از این آوار و مصیبت به جستجوی چیزی آمده‌اند که آنها را به زندگی برگرداند. زنی که دماغ و دهانش را با ماسک پوشانده، در حالی که آینه و شمعدانش را از زیر آواری که روزی خانه‌اش بود، بیرون می‌کشد و کنار بشقابهای ملامین خاک گرفته‌اش می‌گذارد به ترکی می‌گوید: گفته‌اند باران می‌بارد، آمده‌ایم وسایل سالم را از زیر آوارها نجات دهیم.

سطح زمین را آوار خانه‌ها و طولیه‌ها پوشانده. هر قدمی که برمی‌داری پاپیت روی تکه‌ای از زندگی گذشته است. زندگی‌ای که با همه محرومیتش لاف‌سرا بود و هنوز تبدیل به تلی از خاکروبه نشده بود. زن اشاره می‌کند که از دیوار نیمه ویرانی فاصله بگیریم: امروز این خانه دوباره ریزش کرده.

همین طور که با دست خاک‌ها را کنار می‌زند تا ظرفی را بیرون بکشد با حسرت از دار قالی‌اش می‌گوید که زیر آوار مانده است. اگر طبیعت امان می‌داد، اگر دیوار خانه استوارتر بود، از فروش قالی 50 هزار تومان می‌گرفت. مردان روستا دار قالی خاک گرفته او را از خاک بیرون می‌کشند. رنگ گل‌های قالی همه رنگ خاکند. اما چشم زن رنگ‌ها را می‌شناسد. چشم‌هایش از شادی می‌درخشند و با خوشحالی صدایمان می‌کند تا قالی دست‌بافش را روی دار شکسته و خاک خورده نشانمان دهد. دار شکسته، خاطرهای است از زندگی که سرپا بود، هنوز نشکسته بود.

کمی آن طرف‌تر دختر جوان رنگ پریده‌ای، در حالی که جعبه‌ای را به سختی از آوارها دور می‌کند با مهربانی به ما سلام می‌دهد. نامش سمیرا و 25 ساله است. از نوعروسی می‌گوید که چند روزی را عروس روستایشان شد و دیوار خانه‌اش فرو ریخت و حجله کوچک، گور او شد تا اهالی روستا از میان آنهمه جنازه، با یاد او چشم‌هایشان پر شود که: غریب بود.

باد می‌وزد و بوی لاشه حیوانات که گوشه کنار افتاده‌اند از روی خاک مصیبت زده بلند می‌کند. سمیرا روسری‌اش را جلوی بینی‌اش می‌گیرد و می‌گوید: زیاد اینجا نمائید، وضع بهداشت خوب نیست. به جنازه حیوانات اشاره می‌کند و می‌گوید اینها یک هفته است همین‌جا افتاده‌اند. باد آرام نمی‌گیرد و بو تعفن و غبار را از ویرانه‌ها پخش می‌کند. سمیرا رنگ به صورت ندارد. گوشه‌ای می‌نشیند و می‌خواهد بالا بیاورد. 4 ماهه حامله است. قرص‌هایی که نمی‌داند چه بودند و دکتر داده بود، زیر آوار مانده. می‌پرسیم آیا پس از زلزله از وضع جنینش باخبر است، که می‌گوید هنوز دکتری را در روستایشان ندیده. این روستا روز قبل شاهد حضور مقام‌های بلند پایه دولتی بوده است.

چادرهای سفید هلال احمر در گوشه و کنار دیده می‌شود. به خاطر شرایط خاص جغرافیایی منطقه مجبور بوده‌اند از مناطق مسطح برای نصب چادرها استفاده کنند. همین امر موجب شده که در بعضی مناطق به خاطر نبود زمین صاف تعداد چادرها کمتر از خانوارها باشد یا نزدیک به آوار روستا نصب شود.

دختر 17 ساله‌ای همراه مادرش کنار چادرشان ایستاده. مادرش برای بردن او به تبریز آمده اما او می‌خواهد در منطقه بماند. همسرش دهیار است و به روستاییان زلزله زده کمک می‌کند. برای همین او هم ترجیح می‌دهد منطقه را با وجود کمبودها و شرایط سخت ترک نکند.

می‌گوید: از 5 بعدازظهر که زلزله آمد تا فردا حوالی ظهر روی همین زمین نشسته بودیم تا نیروهای امداد برایمان چادر بیاورند. روستای آنان بیش از 36 کشته و تعداد زیادی زخمی داشته است.

محل اسکان روستاییان "چای کندی" بر روی قبرستان روستا، کنار جاده قرار دارد. دام و طیور روستاییان کنار چادرهایشان، در مناطقی که با چوب و تخته‌های به جا مانده از آوار درست کرده‌اند نگهداری می‌شود. یکی از آنها می‌گوید: شبها حیوانات وحشی به قصد دام هایشان از کوه‌ها به پایین می‌آیند.

بسیاری از روستاها پس از گذشت یک هفته هنوز کانکس توالت و حمام ندارند. زنان روستای "چای کندی" از توالت به جا مانده از مدرسه استفاده می‌کنند. اما حمام ندارند. تنها حمام منطقه آنها حمام صحرایی است که دو سه روز قبل نصب شده و فقط مردها می‌توانند از آن استفاده کنند.

در روستای "زنگبار" اوضاع کمی بهتر است. اکثر چادرهایشان برق دارد و دو روزی است که از دکل، تلفن کشیده‌اند و می‌توانند نوبتی از آن استفاده کنند.

بیرون چادرها، انبوهی از نان و آب معدنی که با کمک‌های مردمی به منطقه رسیده، دیده می‌شود. از زن جوانی می‌پرسیم آیا به اندازه کافی لوازم بهداشتی مانند "نوار بهداشتی" دارند؟ می‌گوید: نوار بهداشتی زیاد آورده‌اند. با شرم می‌خندد و آرام ادامه می‌دهد، از مردها خجالت کشیدیم وقتی نوار بهداشتی آوردند. اضافه می‌کند ما استفاده می‌کنیم، اما مادر من و چند نفر دیگر عادت به نوار بهداشتی ندارند. آنها از کهنه پارچه استفاده می‌کنند. برای او و زنان جوان دیگر استفاده از توالتی که نصب شده شرم‌آور است. آنها خود را به مخروبه‌ها می‌رسانند و با نگرانی از هم، این شرم‌ملموس و عمومی زنان را پوشش می‌دهند.

مطمئن که می‌شوند موضوع برایمان قابل درک است، زن دیگری به آرامی کنار گوش کسی که ماجرا توالت را توضیح می‌داد، چیزی می‌گوید. برایمان می‌گوید آن زن برای پیشگیری از بارداری از "آی یو دی" استفاده می‌کند. بعد از بلند کردن وسایل به جا مانده از زلزله کمردرد دارد و نگران است. می‌پرسیم با کسانی که در چادر بهداشت نشسته‌اند مشورت کرده؟ می‌گوید: امشب راحت نیستیم؛ فردا شاید حرف بزنم.

زنان این روستا با مهربانی ما را به چادرهایشان دعوت می‌کنند تا کنار هم هندوانه بخوریم. زن جوان کودک شیرخواره‌اش را روی زمین می‌گذارد و می‌گوید از روز زلزله تا امروز نتوانسته درست به بچه شیر بدهد. کودکش شیر خشک نمی‌خورد. خودش هم اشتهايش را از دست داده. می‌گوید: امروز که با هم هندوانه می‌خوریم به من خوش می‌گذرد. نگرانی‌اش از ماه‌های سردی است که در راه است. از شبهای بارانی پاییز. می‌گوید: هوا که سرد شود دیگر نمی‌شود با پتو در این چادرها ماند. هوای آذربایجان به زودی سرد

خواهد شد. این روزها روزهای آخری است که زور خورشید به گرم کردن زمین این منطقه می‌رسد. اگر خاکبرداری و راهسازی در این زمان باقی مانده انجام نشود، گل و لای بحران دیگری است که این مردم باید با آن سر کنند. این روستا به لبنیات و خصوصاً کره محلی که زنان تولید می‌کنند شهره است. از روستا که بیرون می‌آیم پشت سرمان آب می‌ریزند. ماه آذر، زنی از اهالی روستا، کنار گوشمان می‌گوید: ببخشید کره نداریم، هم‌شان زیر آوار مانده، وگرنه همراهتان می‌کردیم. از شرمندگی، از این سخاوت، از این دست‌هایی که بعد از کندن گور این همه عزیز همچنان می‌خواهند ببخشند، زبان در دهانمان نمی‌چرخد که تشکر کنیم.

کودکان روی آوار روستا بازی می‌کنند. آواری که هنوز کامل نشده و هر دیوار نیمه فروریخته‌ای چون حیوانی گرسنه به کمین نشسته و هر لحظه ممکن است فرو بریزد و تن کوچکی را به زیر خود بگیرد.

سایت زلزله نگاری ایران بیش از هزار پس لرزه در منطقه ورزقان را در هفته گذشته ثبت کرده است. منطقه را ترک می‌کنیم و شاید دیگر هیچ گاه به آن برنگردیم و نفهمیم کودک سمیرا زنده به دنیا آمد یا نه. شاید هیچ وقت نفهمیم جای آن طویله‌ها و خانه‌ها تا چند سال، خالی مانده. شاید هیچ وقت به این منطقه برنگردیم و ندانیم آیا زنان توانستند بر شرم خود غلبه کنند یا نه. زنانی که هنوز کاسه‌ای دارند تا آب پاک را بدرقه راه مسافر کنند، زندگی را از زیر اینهمه آوار زنده بیرون می‌کشند و شاید نگذرانند روی دار قالی‌ها گل‌های خاکی رنگ، نقش نبیند.

رئیس اتحادیه زنان کارگر: عدم تعادل بازار کار تبعیض علیه زنان را تشدید می‌کند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در سوم شهریور آمده است: رئیس اتحادیه زنان کارگر از بی‌توجهی و قصور بازرسان اداره بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با تبعیض‌هایی که علیه زنان کارگر وجود دارد، انتقاد کرد. سهیلا جلودارزاده با اشاره به عملکرد ضعیف بازرسان وزارت کار به ایلنا گفت: متأسفانه عدم تعادل در بازار کار و عدم تناسب عرضه و تقاضا در این عرصه مزید بر علت شده است تا شاهد کاستی‌هایی در نظارت و بازرسی باشیم. وی درباره تبعیضی که فزونی تقاضا بر عرضه نیروی کار برای زنان کارگر به دنبال دارد، توضیح داد: در بعضی کارگاه‌های کشور، زنان حاضرند در سخت‌ترین شرایط ممکن و با مخفی کاری عملکرد غیر قانونی کارفرمایان خود، به کار خویش ادامه دهند. این فعال کارگری ممنوعیت ازدواج و حقوق کمتر از نرخ مصوب وزارت کار را از جمله موارد غیر قانونی دانست که در برخی کارگاه‌ها علیه زنان به کار گرفته می‌شود. رئیس اتحادیه زنان کارگر در پایان مهم‌ترین مشکل حال حاضر جامعه کارگری کشور را چه برای آقایان و چه برای خانم‌ها، فقدان امنیت شغلی اعلام کرد و دلیل آن را مشکلات اقتصادی و واحدهای تولیدی دانست.

پایان پیام

مرگ 3 کارگر ایران خودرو به دلیل نشت گاز ناشی از فقدان ایمنی!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در سوم شهریور آمده است: ظهر روز پنجشنبه 2 شهریور کارگران بخش گازرسانی شرکت ایران خودرو برای تعمیر لوله‌های گاز مشغول به کار می‌شوند که در هنگام کار یکی از لوله‌ها شکسته و یکی از کارگران بر اثر نشت گاز دچار تنگی نفس می‌شود. در ادامه یکی دیگر از کارگران به قسمت مونتاژ می‌رود تا کمک بیاورد و یکی از کارگران مونتاژ برای کمک با او همراه می‌شود اما شدت نشت گاز به حدی بوده است که هر 3 کارگر (2 نفر از گازرسانی و 1 نفر از مونتاژ) جان خود را از دست می‌دهند.

شرکت ایران خودرو که از محل ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران سودهای سرشاری به جیب می‌زند هیچ ارزشی برای جان کارگران قائل نیست و تنها به فکر سودآوری هر چه بیشتر است و این اولین بار نیست که کارگران ایران خودرو بر اثر کوتاهی در رعایت اصول ایمنی جان خود را از دست می‌دهند.

کمیته هماهنگی ضمن عرض تسلیت به خانواده‌ی این کارگران جان‌باخته و کارگران ایران خودرو، مسئولان کارخانه را مسبب جان باختن کارگران می‌داند و شدیداً به نبود شرایط ایمن در کارخانه‌ی ایران خودرو اعتراض می‌کند و تأکید می‌کند که تنها راه حل در پیش پای کارگران حرکت به سمت ایجاد تشکل کارگری خودساخته و اعتراض متشکل و دسته‌جمعی نسبت به شرایط موجود است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-3 شهریورماه 1391

به دلیل عدم رعایت موارد ایمنی رخ داد؛

بروز حادثه در بخش گاز رسانی ایران خودرو

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا - ساری در تاریخ 4 شهریور آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر غرب تهران اعلام کرد: به دلیل عدم رعایت ایمنی در بخش گازرسانی کارخانه ایران خودرو، این بخش دچار حادثه شد.

سهراب قنبری با اعلام این خبر به ایلنا گفت: مطابق با اطلاعات رسیده ظهر روز پنجشنبه 2 شهریور سه کارگر بخش گازرسانی شرکت ایران خودرو بر اثر نشت گاز دچار حادثه شده و جان باختند. او افزود: عدم رعایت نکات ایمنی در حین کار باعث وقوع حوادثی ناگوار شده است که متأسفانه این بار سه کارگر ایران خودرو بر اثر کوتاهی در رعایت اصول ایمنی جان خود را از دست دادند.

پایان پیام

افزایش تلفات انفجار پتروشیمی بندرامام

به گزارش پانا نیوز در 4 شهریور از قول، یک منبع آگاه در پتروشیمی بندر امام اعلام کرد: متأسفانه با فوت یکی از مصدومان حادثه آتش سوزی در پتروشیمی بندرامام که از مجروحان و در آلمان بستری بود جمع کشته‌های این حادثه تاکنون به 7 تن رسیده است.

بنابراین گزارش، با گذشت نزدیک به سه هفته از حادثه آتش سوزی در پتروشیمی بندر امام، تاکنون مسئولین پتروشیمی بندر امام علت آتش سوزی را اعلام نکرده و فقط گفته‌اند در دست بررسی است. سه نفر از مصدومان در آلمان بستری بوده که با فوت آقای جوادنیا هنوز دو تن بستری هستند. مسئولان پتروشیمی بندر امام، علت آتش سوزی را نشت گاز می‌دانند.

خودکشی کارگر ۵۰ ساله در مشهد

به گزارش 4 شهریور خراسان، کارگر ۵۰ ساله افغانی، خود را با یک رشته طناب در منزل مسکونی اش حلق آویز کرد و جان سپرد. بنابراین گزارش، بعد از ظهر چهارشنبه گذشته فرزند کوچک مرد افغانی وقتی به اتاقک طبقه دوم ساختمان رفت و در سرویس بهداشتی را باز کرد ناگهان با جسد حلق آویز پدرش مواجه شد. این کودک با فریاد اهالی منزل را خبر کرد و بدین ترتیب ماموران کلانتری گلشهر برای بررسی موضوع به محل اعلام شده عزیمت کردند. آنان با تایید خبر خودکشی مرد افغانی، ماجرا را به قاضی «موحدی راد» (قاضی ویژه قتل عمد) اطلاع دادند. دقایقی بعد با حضور مقام قضایی تحقیقات در این باره آغاز شد. جسد مربوط به کارگر افغانی بود که در طرح «اگو» کار می‌کرد و با یک رشته طناب سفید رنگ خود را از میله ای که سرفرصت و با حوصله ساخته، حلق آویز کرده بود.

تجمع اعتراضی در مقابل استانداری کردستان

آژانس خبری موکریان - سرویس اجتماعی: طبق خبر دریافتی، روز شنبه 4 شهریور ماه جمعی از مردم روستای دوشان در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج دست به تجمع زدند. به گزارش خبرنگار آژانس خبری موکریان، مردم معترض در این گردهمایی اعلام داشتند که طی 24 ساعت، کمتر از 2 ساعت آب دارند و سه ماه است که پیگیر این مسئله هستند ولی مقامات مسئول تاکنون پاسخی ندادند. لازم به ذکر است که روستای دوشان در فاصله 5 کیلومتری شهر سنندج واقع در استان کردستان قرار دارد.

هدفمندی یارانه‌ها و افزایش ۵ درصدی مصرف انرژی!

به نوشته سایت آفتاب در 4 شهریور آمده است: معاون وزیر نیرو از افزایش ۵ درصدی مصرف انرژی کشور از ابتدای سال جاری خبر داد.

وی با اشاره به این‌که رشد مصرف انرژی در یک ماه اخیر معادل سه درصد بوده است در پاسخ به این سؤال که آیا رشد مصرف انرژی به معنی بی‌اثر شدن هدفمندی یارانه‌ها است؟ گفت: به هیچ وجه نباید چنین تعبیری داشت؛ تا قبل از هدفمند شدن یارانه‌ها مصرف انرژی کشور حداقل سالانه هشت درصد افزایش می‌یافت که رشد ۵ درصدی در سال جاری نشان‌دهنده متوقف شدن روند سابق و کسیده شدن ترمز رشد مصرف انرژی در کشور است.

این مقام مسئول با اشاره به این‌که بیک (اوج) مصرف برق امسال نسبت به سال قبل 2.5 درصد افزایش داشته، ادامه داد: این در حالی است که در سال قبل شاهد رشد 3.04 درصد اوج مصرف بودیم و روند کنونی حاکی از تلاش مناسب مردم و مشترکان صنعت برق برای مدیریت مصرف است.

به گفته بهزاد، مدیریت مصرف انرژی از سوی مردم، پتانسیل‌های صادرات برق کشور را افزایش می‌دهد و رشد بیش از 40 درصدی صادرات برق ایران از ابتدای سال جاری مویید همین نکته است.

به گزارش ایسنا، بررسی تاثیر هدفمند شدن یارانه‌ها در بخش برق از کاهش 10 تا 12 درصدی مصرف انرژی در کشور در یکسال نخست اجرای این قانون حکایت می‌کند. امری که هرچند ضروری و قابل توجه بوده، ولی هنوز با پیش‌بینی کاهش 30 درصدی مصرف انرژی در کشور فاصله دارد.

البته مسئولان صنعت برق دستیابی به هدف نهایی کاهش 30 درصدی مصرف انرژی را منوط به اجرای دو فاز دیگر هدفمند شدن یارانه‌ها در بخش برق می‌دانند.

براساس آخرین اطلاعاتی که در بخش مصرف برق بعد از هدفمندی یارانه‌ها جمع‌آوری شده، در سال نخست اجرای این قانون شاهد توقف رشد هفت تا هشت درصدی مصرف سالانه انرژی بوده‌ایم و این درحالی است که بین سه تا پنج درصد نیز کاهش مصرف انرژی در کشور رخ داده که در مجموع می‌توان به طور قطعی اعلام کرد که مصرف انرژی در کشور 10 تا 12 درصد کاهش داشته است.

محمد بهزاد پیشتر نیز به ایسنا گفته بود که بررسی‌ها حاکی از این است که می‌توان کاهش مصرف انرژی در کشور را از 10 درصد به 30 درصد افزایش داد که این مهم با اقداماتی که مردم و بخش صنعت باید انجام دهند، عملیاتی خواهد شد.

وی که پیشتر از برنامه وزارت نیرو برای افزایش قیمت برق در دو مرحله دیگر خبر داده بود، در این زمینه می‌افزاید که پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که می‌توانیم تا 30 درصد کاهش مصرف را داشته باشیم و منتظر هستیم که در هر کدام از دو مرحله آینده 10 درصد کاهش مصرف داشته باشیم، اما در نهایت امیدواریم که حداقل 25 درصد از مصرف انرژی برق کاسته شود.

کارکنان فروشگاه زندان اوین دست به اعتصاب زدند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 4 شهریور آمده است: کارکنان فروشگاه زندان اوین روز سه شنبه ۳۱ مرداد ۹۱ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دو ماهه خویش دست از کار کشیدند.

این کارکنان که تعدادشان ۲۵ نفر است و کنترل فروشگاه‌های اوین را بر عهده دارند، ماهیانه مبلغ چهارصد هزار تومان به عنوان

حقوق دریافت می کردند که از زمان واگذاری این فروشگاه ها به بخش خصوصی، پیمانکار آن از پرداخت منظم حقوق خودداری کرده و اضافه کاری آنان را نیز قطع کرده است. این افراد اعلام کرده اند در صورت محقق نشدن وعده ی پیمانکار طی روزهای آینده دست از کار می کشند.

پیمانکار زندان فردی است به نام مکیان که دو سال پیش به دلیل تخلفات گسترده سازمان زندان ها مجبور به لغو قرارداد با وی شد. اما پس از دوسال این فرد با به کارگیری و استفاده از نفوذ نهادهای قدرت توانست بار دیگر امتیاز فروشگاه های زندان های استان تهران و البرز را به عهده بگیرد.

بر اساس گزارشات به دست آمده از زندان های مختلف تهران و البرز از زمان شروع کار این پیمانکار کیفیت اجناس ارائه شده به زندانیان پایین آمده و قیمت آنها نیز گران تر از قیمت واقعی بوده و گاهی مشاهده شده برخی اجناس تاریخ مصرف گذشته جهت فروش وارد زندان شده است.

بخش پیمانکاری فروشگاه های زندان اوین و سایر زندان های کشور از جمله نقاطی است که برای تصاحب آن بین باندهای مختلف سازمان زندان ها و قوه قضاییه رقابت شدیدی وجود دارد. در چارچوب این رقابت گاهی برخی مقامات زندان ها از ابزار زندانیان برای پیشبرد برنامه های باندى و منفعت طلبانه و حذف رقبای خود استفاده می کنند.

مرگ ۳ کارگر ایران خودرو به دلیل نشت گاز

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 4 شهریور آمده است : سه کارگر ایران خودرو در روز پنجشنبه بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست دادند.

بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ظهر روز پنجشنبه ۲ شهریور کارگران بخش گازرسانی شرکت ایران خودرو برای تعمیر لولههای گاز مشغول به کار می شوند که در هنگام کار یکی از لوله ها شکسته و یکی از کارگران بر اثر نشت گاز دچار تنگی نفس می شود.

در ادامه یکی دیگر از کارگران به قسمت مونتاژ می رود تا کمک بیاورد و یکی از کارگران مونتاژ برای کمک با او همراه می شود اما شدت نشت گاز به حدی بوده است که هر ۳ کارگر (۲ نفر از گازرسانی و ۱ نفر از مونتاژ) جان خود را از دست می دهند. گفتنی است، این اولین بار نیست که کارگران ایران خودرو بر اثر کوتاهی در رعایت اصول ایمنی جان خود را از دست می دهند.

عدم پرداخت بیمه کارگران شرکت صنایع امید ابتکار سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 4 شهریور آمده است : کارفرمای شرکت صنایع امید ابتکار سنندج با وجود کسر مبلغ حق بیمه از دستمزد ماهانه کارگران برای مدت 7 ماه از واریز بیمه کارگران شرکت به سازمان تامین اجتماعی خودداری کرده است .

بنابراین دفترچه بیمه کارگران به دلیل بدهی کلان این شرکت به سازمان تامین اجتماعی تمدید نشده و کارگران و خانواده هایشان برای خدمات درمانی به شدت دچار مضیقه و تنگنا شده اند.

شایان ذکر است شرکت صنایع امید ابتکار سنندج با 45 کارگر در شهرک شماره 1 صنعتی سنندج واقع می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اخراج دو تن از کارگران کارخانه کاشی کسری سنندج

بنا به خبر دریافتی روز پنجشنبه ۹۱/۶/۲ کارفرمای کارخانه کاشی کسری به دو تن از کارگران شاغل در این کارخانه به اسامی مختار محمدی و سامان معروفی که هر کدام به ترتیب هشت و پنج سال سابقه ی کار داشتند اعلام کرد که دیگر نمی توانند در این کارخانه به کار خود ادامه دهند.

این دو کارگر بدون اینکه سه ماه دستمزد معوقه و دیگر حقوق و مزایای خود را دریافت کنند، اخراج شدند. همچنین دویست نفر از کارگران شاغل در این کارخانه دستمزد ماههای خرداد، تیر و مرداد را دریافت نکرده اند. کارخانه کاشی کسری در بیست و پنج کیلومتری جاده سنندج -دهگلان واقع شده است.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-

5 شهریور 1391

مخالفت یکپارچه کارگران با لایحه دولت برای اصلاح قانون کار

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه گروه کارگری در 5 شهریور آمده است : : درست یک سال بعد از آنکه رهبری ابلاغیه سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را صادر کرد و روندی آغاز شد که نامش خصوصی سازی، اما در واقع نوعی اختصاصی سازی و واگذاری منابع و ثروت های ملی به نهادهای شبه دولتی و حاکمیتی بود، در سال ۱۳۸۵ دولت احمدی نژاد نیز بحث تغییر و اصلاح قانون کار را به بهانه توجه بیشتر به تولید، اشتغال و سرمایه گذاری مطرح کرد.

اگرچه برنامه پنجم توسعه کشور، دولت را ملزم به تغییر قانون کار کرده بود، اما با توجه به ماهیت ضد کارگری و ضد تولیدی دولت احمدی نژاد و علاقه وافر این دولت به فروش کارخانجات تولیدی به نیروهای اختصاصی و سپس ورشکسته کردن آنها و فروش زمین کارخانه و سپس روی آوردن به سمت واردات و اقتصاد دلالی و بنکداری، تغییر قانون کار نمی توانست در راستای احیای حقوق کارگران و تلاش برای گسترش فضای کسب و کار و تولید باشد.

تقویت بیمه بیکاری و حق اعتراض صنفی کارگران از جمله موارد مهمی است که در ماده ۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه و در ماده ۱۰۱ برنامه چهارم بر آن تاکید شده بود، ولی دولت احمدی نژاد بدون در نظر گرفتن این موارد در پی تغییر قانون کار است. در آن

زمان دولت پیش نویس اصلاحیه برخی از بندهای قانون کار را مطرح کرد که با مخالفت شدید جامعه کارگری و تشکل های کارگری مواجه شد. این اعتراضات موجب شد تا پیش نویس مذکور به طور موقت از دستور کار دولت خارج شود. از آن زمان تا کنون دولت بارها به سمت تغییر قانون کار خیز برداشته است تا اینکه بالاخره در ۱۷ شهریور ۱۳۹۰ توانست پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار را پس از ۵ سال به شکل علنی منتشر کند.

مطابق قانون، این پیش نویس باید مورد تائید شورای عالی کار، متشکل از نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت قرار گیرد و سپس برای تصویب نهایی به مجلس ارسال شود. اما در میانه کار، دولت مراحل مذاکره و تصویب پیش نویس اصلاحیه در شورای عالی کار را به مذاکرات دوجانبه نمایندگان کارفرمایان و کارگران محول کرد. در تاریخ ۷ دی ۱۳۹۰ عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر کار، در هشدار به نمایندگان کارگران و کارفرمایان گفت: "اگر کارگران و کارفرمایان با هم تفاهم نکنند، الزامی نداریم که حتما نظر آنها را تأمین کنیم. در این زمینه (تدوین و ارائه لایحه اصلاح قانون کار از سوی دولت) ما تکلیف قانونی داریم و اگر حتی بدون نظرخواهی از کارگران و کارفرمایان لایحه را به دولت و مجلس ارسال کنیم تخلفی مرتکب نشده ایم!"

بعد از این سخنان تهدید آمیز وزیر کار، در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۰ رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار، اولیا علی بیگی، پایان مذاکرات دوجانبه میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان را اعلام کرد و به اینها گفت: با ۶ اختلاف نظر در ماده های ۷، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۷ پرونده ۶ ماهه اصلاح قانون کار به شورای عالی کار رفت.

از آن زمان تا کنون هنوز این اصلاحیه به مجلس نرفته است و جامعه کارگری و تشکل های کارگری، اعم از تشکل های مستقل و تشکل های نزدیک به دولت و حاکمیت، یک صدا مخالفت خود را با این اصلاحیه اعلام کرده اند. علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر و نماینده و رئیس فراکسیون کارگری مجلس در تاریخ ۹ مهر ۱۳۹۰ در گفت و گو با خانه ملت گفت: پیش نویس تهیه شده از اصلاح قانون کار هیچ تاجی به سر کارگران نزنده است و به همین دلیل هم با آن مخالف هستیم. اگر کسی بخواهد از حقوق کارگر حمایت کند از آن دفاع می کنیم ولی اگر بخواهند حقوقی از این مجموعه کم کنند ما صدایمان بلند بوده و بلندتر هم خواهد شد. ما بر این باوریم که بدون لحاظ شدن نظرات کارگران در اصلاح قانون کار، پیش نویس تهیه شده اعتباری ندارد. بررسی مواد اصلاحی مورد اعتراضی جامعه کارگری و مقایسه آن با قانون کار فعلی، از عمق سیاست کارگرسنیزی و ضد تولیدی دولت گمارده و برآمده از کودتای انتخاباتی ۸۸ نشان دارد. دولتی که در سال ۱۳۸۴ با شعار توجه به محرومان جامعه و تأکید بر عدالت اجتماعی وارد میدان پاستور شد و اکنون دیگر طشت رسوای اش از بام قدرت و توهم مدیریت جهان بر زمین افتاده است و حتی مدعیان اصول و حامیان سابقش نیز زبان به نقد عملکرد آن گشوده اند.

تسهیل در اخراج کارگران

یکی از مواد اعتراضی کارگران اصلاحیه ماده ۲۱ قانون کار است. ماده ۲۱ قانون کار راجع به خاتمه قرارداد کار بین کارگر و کارفرما است. با تغییری که در این ماده صورت گرفته است، شرایط برای اخراج کارگران تسهیل می شود. ماده ۲۱ قانون کار به شرح ذیل است:

قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می یابد:

- الف - فوت کارگر.
- ب - بازنشستگی کارگر.
- ج - ازکارافتادگی کلی کارگر.
- د - انقضای مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن.
- ه - پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است.
- و - استعفای کارگر.

در پیش نویس اصلاحیه قانون کار سه مورد دیگر نیز به این ماده اضافه شده است تا امکان اخراج کارگران بدون موانع قانونی به راحتی برای کارفرما میسر شود. مواد اضافه شده به این ماده به شرح زیر است:

ز- کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزامات قانون و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا لزوم تغییرات گسترده در فناوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار شود.

ح- توافق بین کارگر و کارفرما

ط- فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه

لازم به یادآوری است که بند "ز" قبل از این پیش نویس اصلاحیه، در آذر سال ۱۳۸۷ توسط کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام و در جلسه ای با حضور فقهای شورای نگهبان، وزیران و کارشناسان و روسای کمیسیون های مربوطه از دولت و مجلس شورای اسلامی مطرح شده و به تصویب شورای تشخیص مصلحت نظام رسیده بود و از آن زمان تا کنون عملاً اجرا می شود. اضافه شدن بند "ز" به ماده ۲۱ قانون کار، این اختیار را به کارفرما می دهد تا با این توجیه که تولید کارخانه پایین است، شرایط اقتصادی مطلوب نیست و یا کارخانه نیاز به تغییرات ساختاری دارد تمام و یا بخشی از کارگران را بدون هیچ گونه موانع قانونی اخراج کند.

تغییر دیگری که در راستای تسهیل اخراج کارگران است، اصلاحیه ماده ۲۷ است. بر اساس ماده ۲۷ قانون کار، کارفرما بدون نظر مثبت شورای اسلامی کار و یا انجمن صنفی هیات تشخیص نمی تواند کارگر خاطی را از کار اخراج کند. این ماده به شرح ذیل است:

ماده ۲۷ - هر گاه کارگر در انجام وظائف محوله قصور ورزد و یا آیین نامه های انضباطی کارگاه را پس از تذکرات کتبی نقض نماید کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار علاوه بر مطالبات و حقوق معوقه به نسبت هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به عنوان "حق سنوات" به وی پرداخته و قرارداد کار را فسخ نماید.

در واحدهایی که فاقد شورای اسلامی کار هستند نظر مثبت انجمن صنفی لازم است و در هر مورد از موارد یاد شده اگر مسأله با توافق

حل نشد به هیأت تشخیص ارجاع و در صورت عدم حل اختلاف از طریق هیأت حل اختلاف رسیدگی و اقدام خواهد شد. در مدت رسیدگی مراجع حل اختلاف، قراردادکار به حالت تعلیق در می آید.

تبصره ۱ - کارگاههایی که مشمول قانون شورای اسلامی کار نبوده و یا شورای اسلامی کار و یا انجمن صنفی در آن تشکیل نگردیده باشد یا فاقد نماینده کارگر باشند اعلام نظر مثبت هیأت تشخیص (موضوع ماده ۱۵۸ این قانون) در فسخ قرارداد کار الزامی است.

تبصره ۲ - موارد قصور و دستورالعملها و آییننامههای انضباطی کارگاهها به موجب مقرراتی است که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیرکار و امور اجتماعی خواهد رسید.

اما در پیش نویس اصلاحیه قانون کار نظر مثبت تشکل های کارگری در امر اخراج کارگر خاطی حذف شده است و این وظیفه به تشکل مجهولی به نام کمیته انضباطی محول شده است که آیین نامه و ترکیب آن مشخص نشده است. اصلاحیه ماده ۲۷ قانون کار به شرح ذیل است:

ماده ۲۷ - تخلفات کارگران در کمیته انضباطی کارگاه مطرح و در مورد آن تصمیمگیری خواهد شد. در صورتی که کارگاه فاقد کمیته انضباطی باشد موضوع مستقیماً در مراجع حل اختلاف مطرح و رسیدگی خواهد شد.

تبصره - مقررات مربوط به موارد قصور، تدوین و تصویب آییننامه انضباطی و چگونگی تشکیل، ترکیب و رسیدگی کمیته انضباطی کارگاهها با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.

تسهیل در اعلام حداقل دستمزدها

یکی از وظایف شورای عالی کار اعلام حداقل دستمزدها در هر سال بر اساس تورم موجود در کشور و با در نظر گرفتن مبلغ مورد نیاز برای تامین زندگی یک خانواده چهار نفره. در این ماده بدی شرایط اب و هوا در مناطق مختلف کشور و سختی کار در صنایع مختلف در تعیین حداقل دستمزدها لحاظ شده است. این ماده به شرح ذیل است:

ماده ۴۱ - شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

- ۱ - حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود.
 - ۲ - حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگیهای کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تامین نماید.
 - تبصره - کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت نمایند و در صورت تخلف ضامن تأدیه مابهالتفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید می باشد.
- در اصلاحیه این ماده، نه تنها تفاوت حداقل دستمزدها بخاطر بدی اب و هوا و یا کار در صنایع سخت حذف شده است، بلکه مولفه ی "شرایط اقتصادی" کشور هم در تعیین حداقل دستمزدها لحاظ شده است. به طوری که شورای عالی کار می تواند به خاطر شرایط بحرانی اقتصاد کشور، حداقل دستمزد را پایین تر از تورم سالیانه اعلام کند و هیچ مانع قانونی برای این کار نداشته باشد. از این گذشته، این اصلاحیه مزد کارگران موقت را تا ۱۰ درصد بیشتر از مزد کارگران دائمی تعیین کرده است تا از این طریق اعتراض های جامعه کارگری را نسبت به قراردادهای موقت کارهای که جنبه مستمر دارند، فروکش کند.

متن این اصلاحیه به شرح ذیل است:

ماده ۴۱ - شورای عالی کار موظف است همه ساله موارد ذیل را تعیین نماید:

الف - میزان حداقل مزد کارگران و تغییرات سایر سطوح مزدی با توجه به شرایط و معیارهای ذیل:

- ۱- درصد تورم اعلامی از سوی مرجع ذیصلاح رسمی
 - ۲- تامین معیشت یک خانواده که تعداد متوسط اعضای آن توسط مراجع رسمی ذیصلاح اعلام می شود.
 - ۳- شرایط اقتصادی
- تبصره ۲ - حداقل مزد کارگران با قرارداد موقت تا ۱۰ درصد بیشتر از حداقل مزد کارگران دارای قرارداد دائم حسب مورد می باشد.

جایگزینی حق سنوات به جای حقوق بیکاری

بر اساس قانون کار، کارگرانی که از کار اخراج می شوند و یا دچار حادثه، بیماری و تعلیق می شوند، شرایط حمایتی آنها تابع قانون تامین اجتماعی است. مثلاً کارگران بیکار شده مشمول حقوق بیکاری می شوند.

ماده ۲۳ قانون کار به شرح ذیل است:

ماده ۲۳ - کارگر از لحاظ دریافت حقوق یا مستمری های ناشی از فوت، بیماری، بازنشستگی، بیکاری، تعلیق، از کار افتادگی کلی و جزئی و یا مقررات حمایتی و شرایط مربوط به آنها تابع قانون تامین اجتماعی خواهد بود.

اما در اصلاحیه جدید همه حمایت های تامین اجتماعی حذف شده است و به جای آن حق سنوات به کارگر تعلق می گیرد، که مبلغ آن نسبت به حقوق بیکاری تامین اجتماعی بسیار ناچیز است.

اصلاحیه این ماده به شرح ذیل است:

ماده ۲۳ - در صورت خاتمه قرارداد کار به علت توافق بین کارگر و کارفرما و یا فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه، کارفرما باید براساس آخرین مزد کارگر به نسبت کارکرد به ازای هر سال سابقه کار حق سنوات به میزان ۳۰ روز مزد به کارگر

پرداخت نماید.

تسهیل برای قراردادهای موقت
در قانون کار حداکثر زمان موقت برای کارهای غیرمستمر توسط وزارت کار باید تعیین شود، تا کارفرما صرفن بر اساس منافع خود عمل نکند. ماده هفت قانون کار در این مورد می گوید:

ماده ۷ - قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیرموقت برای کارفرما انجام می دهد.

تبصره ۱ - حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲ - در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد. در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می شود. در اصلاحیه این ماده، تبصره یک حذف شد و لذا زمان کار موقت و غیر مستمر از هیچ قانونی پیروی نمی کند و کارفرما بر اساس تشخیص خود حتی می تواند کارهای مستمر را غیر مستمر معرفی کند و قرارداد موقت با کارگر منعقد کند.

کارگاه های زیر ده نفر همچنان مشمول قانون کار نیست
معافیت کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار، از اتفاقات ناگواری بود که متأسفانه در دوره اصلاحات به وقوع پیوست. این طرح در تاریخ ۲۹ دی ۸۱ بنا به پیشنهاد شورای عالی کار در هیات دولت به تصویب رسید. این در حالی است که بخش اعظمی از زنان کارگر و کودکان و نوجوانان کار، علی رغم اینکه کار کودکان زیر ۱۵ تمام بر اساس ماده ۷۹ قانون کار ممنوع است، در کارگاه های زیر ده نفر کار می کنند.

متأسفانه این قانون در پیش نویس اصلاحیه قانون کار نیز وجود دارد. متن ماده ۱۹۱ قانون کار به شرح ذیل است:
ماده ۱۹۱ - کارگاه های کوچک کمتر از ده نفر را می توان بر حسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنی نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثناء به موجب آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

پیش نویس اصلاحیه قانون کار هنوز به مجلس برای بررسی ارائه نشده است. امید است که فراکسیون کارگری مجلس بتواند از حقوق جامعه کارگری که از همه جانب تحت ستم و بهره کشی است، دفاع کند و مانع از تصویب مواد ضد کارگری این اصلاحیه شود. اعتراضات جامعه کارگری و همگرایی و اتحاد میان تشکل های کارگری اعم از تشکل های مستقل و تشکل های نزدیک به دولت و حاکمیت در این موضوع خاص می تواند کمکی باشد برای ممانعت از تصویب این موادی که تنها در راستای استثمار بیشتر کارگران است.

آیا جامعه کارگری کشور می تواند مانع از اعمال این تغییرات نامطلوب در قانون کار شود؟

تجمع اعتراضی در مقابل استانداری کردستان

به گزارش سایت آژانس خبری موکریان، سرویس اجتماعی در ۵ شهریور آمده است: طبق خبر دریافتی، روز شنبه ۴ شهریورماه جمعی از مردم روستای دوشان در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج دست به تجمع زدند. به گزارش خبرنگار آژانس خبری موکریان، مردم معترض در این گردهمایی اعلام داشتند که طی ۲۴ ساعت، کمتر از ۲ ساعت آب دارند و سه ماه است که پیگیر این مسئله هستند ولی مقامات مسئول تاکنون پاسخگویی آنان نبوده اند. لازم به ذکر است که روستای دوشان در فاصله ۵ کیلومتری شهر سنندج واقع در استان کردستان قرار دارد.

صدها کارگر بازارچه پرویزخان دست از کار کشیدند

به نوشته سایت کرمانشاه پست آمده است: روز یکشنبه ۵ شهریور صدها کارگر بازارچه پرویزخان بدلیل عدم پرداخت دستمزد روزانه معوق خود دست از کار کشیدند.

بیش از دو هفته است دستمزد کارگران پرداخت نشده است. یکی از کارگران به کرمانشاه پست گفت: آقایان هر روز سفره هایمان رنگی می شود و ما کارگران هر روز سفره هایمان خالی.

کارگری دیگر می گوید: سؤال ما اینست چگونه دستمزد روزانه ما را پس از گذشته دو هفته هنوز پرداخت نمی کنند؟! از بازارچه خبر می رسد مسئولان با مراجعه به قصر شیرین و برخی نقاط نزدیک تعدادی از بیکاران را برای کار در بازارچه گسیل داشته اند.

بازارچه پرویز خان مهمترین پایانه صادرات به کشور عراق است.

صدها کارگر بازارچه پرویزخان دست از کار کشیدند

به گزارش کرمانشاه پست، در ۶ شهریور آمده است: روز گذشته (یکشنبه) صدها کارگر بازارچه پرویزخان بدلیل عدم پرداخت دستمزد روزانه معوق خود دست از کار کشیدند.

بیش از دو هفته است دستمزد کارگران پرداخت نشده است.

براساس این گزارش، یکی از کارگران گفت: آقایان هر روز سفره هایمان رنگی می شود و ما کارگران هر روز سفره هایمان خالی. کارگری دیگر می گوید: سؤال ما اینست چگونه دستمزد روزانه ما را پس از گذشته دو هفته هنوز پرداخت نمی کنند؟! از بازارچه خبر می رسد مسئولان با مراجعه به قصر شیرین و برخی نقاط نزدیک تعدادی از بیکاران را برای کار در بازارچه گسیل

داشته اند .
بازارچه پرویز خان مهمترین پایانه صادرات به کشور عراق است .

ضرب و شتم دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه در سندج

به گزارش موکریان در 6 شهریور آمده است : محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه از سوی افراد ناشناس به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

برپایه این گزارش، محمد توکلی ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: پنج شنبه شب دوم شهریورماه جاری، با چند تن از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان و به همراه خانواده، جهت صرف شام به پارک آبیبر رفته بودیم که چند نفر لباس شخصی برای بازداشت بنده و دیگر اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به محل آمدند. محمد توکلی افزود: ما از آنها درخواست کارت شناسایی نمودیم ولی از نشان دادن کارت خودداری کردند و پس از این درخواست من را به داخل ماشین برده و به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند که با وساطت اطرافیان، درگیری خاتمه و این افراد محل را ترک کردند.

بیکاری بیش از ۴۰۰۰ کارگر نساجی قائمشهر/ ماشین آلات کارخانه را به حراج گذاشته اند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 5 شهریور آمده است: یک عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با انتقاد شدید از تعطیلی و رکود صنعت نساجی در داخل کشور، گفت: نساجی قائمشهر تبدیل به قبرستان ماشین آلات شده و تعداد کارگران آن از ۵ هزار نفر به ۹۰۰ نفر کاهش یافته است.

نادر قاضی پور در گفت و گو با خانه ملت با اعلام این خبر که اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس به منظور بازدید از صنایع مازندران امروز (۵ شهریور ماه) وارد این استان شدند، گفت: کمیسیون صنایع و معادن مجلس در قالب ۵ گروه از مناطق مختلف صنعتی و معدن های استان مازندران در حال بازدید هستند.

نماینده ارومیه در مجلس با بیان اینکه نساجی قائمشهر تبدیل به قبرستان ماشین آلات شده است، افزود: دستگاه های موجود در این کارخانه باز شده و در حال فروش است؛ ضمن اینکه تعداد کارگرهای این کارخانه از ۵ هزار نفر به ۹۰۰ نفر کاهش یافته است. عضو هیئت رئیسه کمیسیون حمایت از تولید ملی و نظارت بر اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس ادامه داد: قرار بود با واگذاری این کارخانه طبق اصل ۴۴ قانون اساسی شریک خارجی وارد گود شود و با آوردن سرمایه بهر موری در این کارخانه را افزایش دهد ولی با آمدن بخش خصوصی ترکیه ای این کارخانه رو به تعطیلی رفته است.

وی با بیان اینکه حداقل ۲۰ میلیون جمعیت زنان ایران نیاز به چادر و مانتویی دارند که صنعت نساجی باید آن را تولید کند، گفت: اگر سالانه هر فرد مصرفی حدود ۵ متر هم داشته باشد، ما در سال نیاز به ۱۰۰ میلیون متر پارچه داریم، حال مسئولان باید توضیح دهند برای اینکه صنعت نساجی این نیاز را تأمین کند چه کرده اند. این عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تصریح کرد: متأسفانه در شرایط کنونی نیاز ایران از طریق واردات تأمین می شود که مسئله بسیار نگران کننده است.

ضرب و شتم دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه در سندج

به گزارش سایت موکریان در 6 شهریور آمده است : محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه از سوی افراد ناشناس به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

برپایه این گزارش، محمد توکلی ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: پنج شنبه شب دوم شهریورماه جاری، با چند تن از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان و به همراه خانواده، جهت صرف شام به پارک آبیبر رفته بودیم که چند نفر لباس شخصی برای بازداشت بنده و دیگر اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به محل آمدند. محمد توکلی افزود: ما از آنها درخواست کارت شناسایی نمودیم ولی از نشان دادن کارت خودداری کردند و پس از این درخواست من را به داخل ماشین برده و به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند که با وساطت اطرافیان، درگیری خاتمه و این افراد محل را ترک کردند.

کارخانه نساجی قائمشهر رو به تعطیلی است

به گزارش سایت ملت در 6 شهریور آمده است : نادر قاضی پور، نماینده ارومیه در مجلس اسلامی ایران، اعلام کرد کارخانه نساجی قائمشهر تبدیل به قبرستان ماشین آلات شده است.

او در ادامه گفت شمار کارگران این کارخانه به تدریج از پنج هزار نفر به ۹۰۰ نفر کاهش یافته و دستگاه های نساجی این کارخانه انبار شده و به فروش می روند.

نادر قاضی پور که عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس است در گفت و گو با خانه ملت گفت اعضای این کمیسیون روز یکشنبه (۵ شهریور/ ۲۶ اوت) از این کارخانه بازدید کردند.

قاضی پور با اشاره به طرح ناموفق واگذاری این کارخانه طبق اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی گفت: «با آمدن بخش خصوصی ترکیه ای این کارخانه رو به تعطیلی رفته است.»

اعتراض نسل اولی ها - اعتصاب نسل دومی ها

روز دوم ماه رمضان است. بامداد امروز لکه های سفید ابر در آسمان خاکستری پارس جنوبی با بی تحرکی و سکون خود شرجی بودن هوا را اعلام می کند. لکه های پراکنده با شکل های متنوع بر بالای پروژۀ ایستاده اند و خیره به این همه اسکلت فلزی و لوله های تو در

تو چشم دوخته اند. سازه هایی که سه سال است کند پیش می رود و معلوم نیست کی مشکلات فنی اش به پایان رسد. ابرها و آدم ها در آرزوی نسیمی از سوی دریا هستند. حتماً تش باد را به این وضع ترجیح می دهند. (تش باد به لهجه برازجانی به معنای بادهای بسیار گرم هستند. تش به معنای آتش است) تا آنها را از این وضعیت آلوده به گازهای بودار و بی بو، ترش و شیرین نجات دهد. بومی ها می گویند در فاصله ی جزر و مد دریا این حالت همیشه اتفاق می افتد. کارگران بیل و کلنگی به خصوص بلوچ ها همه روزه هستند. بعضی ها با لباس های مندرس کارگاهی آبی رنگ با لکه های رنگ و رو رفته ی فرسوده و برخی با لباس های بلوچی و دستارهای بلند و با شلوارهایی گشاد و پرچین درست مانند لباس هایی که بر تن سنگ نگاره های تخت جمشید بر پای سربازان است. بیل و کلنگ بر دوش در میان کارگران به وسیله ی سرکارگر تقسیم شده اند. با بالا آمدن خورشید اثرات شرعی شدیدتر می شود و دم هوا هر لحظه افزون تر. شرایطی که همه را کلافه می کند. گاهی حتماً تنفس به دلیل بالا بودن رطوبت مشکل می شود. همه بی وقفه عرق می ریزند. روده های کوچک عرق که همیشه یک قطره ی آن جلودار است با شتاب از سرو گردن آغاز می شود و تا توی کفش بر گوشت و پوست جاری می گردد. تن و جان آدمی به این گونه دما و رطوبت هوا را به چالش می گیرد. دستار بلند بلوچ ها وسیله ی خوبی برای خشک کردن این روده های جاری و پر شتاب است. اگر چه اکثریت کارگران به خصوص بلوچ ها روزه هستند ولی کلمن های پر آب و یخ در کنارشان است تا هر لحظه که فشار کار و گرما آنها را به تنگ آورد، یک لیوان آب سرد را بر روی سر و صورتشان بریزند. آب سرد با عرق تن به سرعت در همه سوی تنشان جاری و آهی ناشی از رضایت از حلقومشان خارج می شود. سرکارگر اهل لرستان است و چاق و درشت هیکل. او هم با کاری پر تنش و پرچالش، روزه است. از یک سو باید کارگران را سازمان دهد و به کار وادارد و از سوی دیگر ناگزیر است فشار اوامر و فرمان های مدیرانی را تحمل کند که در فضای خنک در زیر کولر گازی لمیده اند. در همین حال باید بسیار پرتحرک باشد تا جاهای مختلف کار را سرکشی نماید. این سرکارگر که با وجود اضافه وزن زیاد، بیش از حد دچار مشکل شده است، یک چغیه عربی دور گردنش دارد و مرتب با آن عرق هایش را خشک می کند. بیسیمی به کمر بسته که مرتب او را صدا می زند. علی از موقعیت ... علی از ... بفرما... علی هر چه زودتر آن فنداسیون... را آماده ی بتن ریزی کن. باید امروز به طور حتم بتن ریزی شود. مفهوم بود؟ ... چشم دارم می روم توی موقعیت... و با سرعت خود را به محل فنداسیون می رساند. چند کارگر بلوچ و یک کارگر یاسوجی در حال خاک برداری از محل فنداسیون هستند. با شدت گرفتن گرما و زبان روزه، کار مانند هر روز پیش نمی رود. علی باز با فریاد:

- این چه وضعیه؟ باید کار را تمام کرده باشید. بجنیدید. مگه با شما نیستیم؟

کارگران مثل این که هیچ نشنیده اند، آرام با بیل خاک ها را به بیرون محل فنداسیون می ریزند. در چنین مواقعی روال همیشگی سرکارگر پس از چند غرولند از آن محل دور می شد و به دیگران سر می زد. ولی امروز برای کار در این قسمت دستور کار ویژه ای داشت از این رو در محل باقی مانده تا کارگران بدون وقفه کار را ادامه دهند. کار آرام کارگران او را عصبی کرده است. بی حوصله مرتب قدم می زند. به فکرش نمی رسد که با این تعداد نیرو، بازده کار بیش از این نخواهد بود به خصوص با روزه ی کارگران و هوای واژگون شده ی امروز. از سوی دیگر به کار گرفتن تعداد بیشتر کارگر با توجه به محدود بودن محل فنداسیون امکان پذیر نیست. او باید با همین تعداد افراد و این شرایط معجزه کند. والا حقوق سرکارگری را به او نمی دهند. به یاد قسمت دیگری می افتد که آنجا نیز در اولویت خاک برداری است. فشار کارهای پیمانکاری که از یک نیروی کار چندین کار طلب می کند و تنها یک حقوق می دهد او را از کوره به در برده است. باعصابانیت:

- مگه باشما نیستیم. میگم سریع تر کار کنید.

کارگر یاسوجی که پیرمردی است بالای هفتاد سال با خشم و لهجه لری که کیلویه ای:

- هی هولو (دایی) یه چه ته؟ بره ریز، اندای وکنت نشون ای دم...

- آگه من فردا تو را آوردم سرکار

- تو که دیگ (دیروز) التماس ای کردی، بره، بره آقای گیر.

سرکارگر به سوی کارگران بلوچ برمی گردد و آنها را زیر فشار غرولندایش می گیرد. آنها ساکت با بیل خاک ها را زیر و رو می کنند. و بعد به بالا می اندازند. خوراک افطاری آنها همان ناهاری است که در ظرف یک بار مصرف گرفته و در این هوای گرم آن را در یک گوشه ی سایت تا غروب مخفی می کنند. مشتی برنج نامرغوب خارجی آغشته به زردچوبه و چند دانه لپه و مقداری آب و روغن جامد. وعده ی سحری هم نان است و چای. از این رو توان کار به شدت پایین آمده است. ولی در این جهنم آلوده به گازهای زیان بار و هوای دم و گرم جز کارگران بلوچ عده ی انگشت شماری از جاهای دیگر برای کار در اینجا پیدا می شوند. برای کسی اهمیت ندارد که این مردمان سرزمین مان چه بر سرشان می آید. سرکارگر که سکوت و بی اعتنایی آنها را می بیند که حتماً تظاهر به شدت کار هم نمی کنند، با اعصاب به هم ریخته مقداری خاک را با نوک پوتینش به طرف کارگران شوت می کند:

- هی با توام.

کارگر بلوچ که کارد به استخوانش رسیده، خاک توی بیلش را به طرف سرکارگر پرت می کند.

- هی پدرته.

خشم و نفرت در آنها نیرویی می آفریند که غیرمنتظره است. هر دو با سرعت از گودال فونداسیون بالا می آیند. سرکارگر که صورت و لباس خیس از عرقش خاکی شده، آماده ی درگیری فیزیکی است. ولی وجود بیل در دست کارگران او را به تردید می اندازد. در این فاصله بقیه کارگران دور آنها جمع می شوند. پیر یا بزرگ بلوچ ها با سرعت خود را به محل درگیری می رساند. او نمی خواهد کار به درگیری فیزیکی بکشد. وقتی او به معرکه می رسد، کارگران بلوچ ساکت می شوند و در حضور او اقدام به عمل یا حرفی نمی کنند. پیر با خشم:

- تو فکر کردی کی هستی؟ رفتار تو را درست کن. والا مغزت را تو سایت پخش می کنم.

در حال فریاد زدن دستش را به شدت تکان می دهد. سرکارگر در محاصره بیل به دستان به شدت ترسیده است. او حتماً تصور نمی کرد کارگرها شهامت برخورد با او را داشته باشند. رنگش پریده و به سفیدی می زند.

- هی تویی که فشار می یاری کار کنید، کار کنید، چرا پول ما را نمی دین. ما روزمزد هستیم باید هر عصر به عصر پول ما را بدهید. نه بیمه هستیم نه دارو و درمان و دکتر داریم. نه خوراک و نه خوابگاه. آن وقت به ما توهین هم می کنی؟

با بیان این واقعیت ها خشم پیر افزون شد. کف اطراف دهان روزه گرفته اش را گرفته بود و صدایش دور رگه شده و به سختی از گلویش بیرون می آمد:

- تو غلط می کنی به کارگر توهین بکنی

و دستش را با تهدید تکان می دهد. از شدت خشمی که لحظه به لحظه بیشتر می شود دیگر نمی تواند به فارسی حرف بزند. چند جمله بلوچی می گوید و بعد دست چپ را به علامت تعطیلی کار در هوا تکان می دهد و با این اشاره همه ی کارگران بلوچ بیل و کلنگ ها را بر دوش انداخته و دست از کار می کشند. و به دنبال پیرشان به سوی دفاتر اداری به راه می افتند تا تسویه حساب کنند. خبر به مسوولان پیمانکار دست اول می رسد که در حکم کارفرمای این پیمانکاری است. فریاد مسوولان بالا از پشت بیسیم ها سرکارگر را به شدت به باد انتقاد و توهین می گیرد.

- علی باز ، علی باز جواب بده

- بله قربان

- مردک مگه قرار نبود امروز بتن ریزی بشه؟ چه غلطی کردی...

علی باز کلافه و پریشان در مانده و نمی داند چه کار کند. همه ی نیروی کار او همین کارگران زحمتکش بلوچ هستند که او نمی توانست درکشان کند. به سوی پیر بلوچ می دود تا شاید با خواهش او را راضی کند و به کار برگردند.

کارگران در سایه کاروان ها نشسته اند ، کاروان هایی که درونش به لطف اختراع کفار (کولر گازی) بهشت و بیرونش جهنم سوزان است همه ی کارگران ساکت به خاک ها و ریگ ها ور می رفتند. تنها پیر خشمگین که همه ی شرایط دست به دست هم داده بودند تا او را در این سن بالا مانند آتشفشان کند، نا آرام و بی قرار بود و در زیر خورشید سوزان قدم می زد. هر چند لحظه یک بار دستار بلندش را بر دوش می انداخت و یا از روی دوش برمی داشت. او به خوبی می دانست که چقدر به کارشان نیاز دارند. ولی نمی دانست چگونه از این شرایط به خوبی بهره ببرد. در سویی دیگر اربابان در پی راهی برای برون رفت از چاله ای بودند که توقف کار برایشان ایجاد کرده بود. مذاکره ای که در این مصاف با پیمانکار به نفع بلوچ ها خاتمه یافت. و یک ساعت بعد کار ادامه یافت. کارگران بلوچ قول گرفتند که آخر ماه حقوق بگیرند . پیمانکار نیز خود را در شرایطی دید که ناگزیر تعدادی از دیپلمه های بلوچ را از روزمزدی خارج کرد و به آنها خوابگاه داد. البته بدون تخت خواب ولی با سه وعده ی خوراک که برای کارگران امتیازی بزرگ و ویژه بود.

تا مدتی پیش مدیران این پیمانکاری، خود از کارگران فنی بودند. آنها با کار سنگین و مداوم برای پیمانکاران اعتماد آنها را نسبت به توانایی های فنی و پشت کار خود جلب نمودند و به مرور به صورت پیمانی از آنها کارهای کوچک گرفتند و به سرعت انجام دادند. به مرور یاد گرفتند که یک پیمانکار موفق پیمانکاری است که به راحتی حقوق کارگران را ندیده بگیرد و بتواند با نهادهای قدرت ارتباط موثر داشته باشد. اولین اقدام عملی برای پیمانکار موفق شدن، ضایع کردن حقوق قانونی کارگران است و حالا به طور کامل در مقابل کارگران قرار گرفته اند.

در همین منطقه در روزهای منتهی به انتخابات مجلس در سال 90 کارگران با تجربه تصور می کردند که بهترین فرصت برای گرفتن حقوق قانونی شان است که توسط پیمانکاری غارت شده است که اتفاقاً از همشهری های خودشان هم بوده اند. همه ی کارگران پیمانکار که بیش از یک صد تن بودند دست به اعتصاب زدند. خواست های کارگران همان حقوق قانونی بود که در قانون کار جمهوری اسلامی اعلام شده بود. دو روز و نیم مرخصی ماهانه که آخر سال به دلیل نوع کار پروژه ای و عدم استفاده از آن باید پولش پرداخت شود و معادل یک ماه حقوق کارگر است، سنوات ، عیدی و پاداش آخر سال که هر ساله توسط دولت اعلام می شود. خواست کارگران دریافت همان حداقل هایی بود که قانون کار موجود هم بر آنها مهرتایید زده بود. ولی شرکت ها با پشتوانه هایی که دارند با قدرت از پرداخت آن خودداری می کنند. حتما شرکت کره ای داپلیم هم اعلام نموده این سه مورد را پرداخت نمی کند. در حالی که هنوز قانون کار ملغی نشده است و کارمزد معطف رسمی نشده است. ولی پیمانکاران و حتی پیمانکاران خارجی به استقبال آن رفته اند. تا به حال ادارات مربوطه از جمله اداره کار و سازمان تامین اجتماعی اطلاع داده اند که در پروژه ها لیست بیمه تعدیلی شده است و بیمه کامل کارگران پرداخت نمی شود. ولی مسئولین سازمان تامین اجتماعی نسبت به این قانون شکنی پیمانکاران چشم می بندند. در حقیقت کارگران قربانی منافع کوتاه مدت پیمانکاران و منافع دراز مدت تامین اجتماعی می شود. به هر حال اعتصاب سه روز ادامه یافت. خواست های سه گانه ی کارگران در حقیقت معادل 2 الي 3 ماه حقوق طی یک سال می شود که پیمانکاران آن را مال خود کرده اند. آن هم با کاری معادل حداقل 12 ساعت در روز. کاری که 23 تا 25 روز از ماه را مدام و شبانه روزی در خدمت پروژه و پیمانکار هستند. و در ماه فقط 5 الي 7 روز با خانواده ی خود زندگی می کنند. این حقوق در حقیقت پول خون کارگران است و پول بیماری های روحی و نابهنجاری هایی روانی است که این نوع کار برایشان به ارمغان می آورد. آقای پیمانکار امروز و کارگر دیروز به سوی کارگران می آید و با اخم اعلام می کند:

- یا سرکارتان می روید یا بلایی سرتان می آورم که به خواب هم ندیده باشید.

کارگران بی اعتنا به اعتصاب ادامه می دهند پیمانکار به نهادهایی در منطقه اطلاع می دهد که مشتکی خرابکار برای اخلال در کار پروژه و انتخابات کارگران را تحریک کرده اند و اعتصاب به راه انداخته اند. باکمال تأسف آقایان هم بدون آن که علت اعتصاب را که یک دزدی آشکار است بررسی کنند، دزدی ای که طبق قوانین شرع باید دست مدیر پیمانکارش قطع شود، لیست کارگران اعتصابی را می خواهند و ایشان هم 50 نفر از صد و اندی کارگانش را معرفی می کند. که منجر به اخراج 8 نفر می شود. نام همه محرکین! در بلک لیست (لیست سیاه) قرار می گیرد ، این عمل یعنی این کارگران در هیچ یک از پروژه های پارس جنوبی نمی توانند کار پیدا کنند. همه ی این اعمال برخلاف قانون کار است. ولی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی برای مستقر شدن در ساختار اجتماعی ما حذف قانون را از جامعه ی ما از قانون کار شروع کرده است. اعلام این وضعیت روحیه کارگران را به کلی ویران کرد. بقیه کارگران اعتصاب را رها کردند و به کار ادامه دادند ولی کار بیشتر تخریبی بود تا تولیدی. دستگاه های پیمانکار به سرعت دچار اشکال فنی می شد و هیچ کارگری بر خلاف دیروز تلاش نمی کرد ابزار کار را تعمیر کند. همه می نشستند تا پیمانکار وسیله در اختیارشان بگذارد. پیمانکار به چنان تنگنایی افتاد که خود اعلام کرد همه ی حقوق قانونی را پرداخت خواهد کرد. ولی دیگر اعتمادی وجود نداشت.

اخراجی ها هم به نهادهای مربوطه مراجعه کردند و توضیح دادند. آنها خواستار آن حقوقی شدند که دولت آن را تایید کرده و پیمانکار خودسرانه لغو کرده بود و خواستار خارج شدن از لیست سیاه شدند.
منبع: وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر- ۲۷ اوت ۲۰۱۲- یاور

ضرب و شتم دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه توسط لباس شخصی هایی که قصد بازداشت وی را داشتند

به نوشته سایت آژانس خبری موکریان بخش سرویس حقوق بشر در 6 شهریور آمده است: محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه از سوی افراد ناشناس به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت.
محمد توکلی در گفتگو با خبرنگار آژانس خبری موکریان ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: پنجشنبه شب دوم شهریورماه جاری، با چند تن از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان و به همراه خانواده، جهت صرف شام به پارک آبپدر رفته بودیم که چند نفر لباس شخصی برای بازداشت بنده و دیگر اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به محل آمدند.
محمد توکلی افزود: ما از آنها درخواست کارت شناسایی نمودیم ولی از نشان دادن کارت خودداری کردند و پس از این درخواست من را به داخل ماشین برده و به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند که با وساطت اطرافیان، درگیری خاتمه و این افراد محل را ترک کردند.
این فعال صنفی در خاتمه عنوان نمود که در نظر دارد موضوع را از طریق نمایندگان کرمانشاه و کردستان و مراجع قضایی و دیگر مسئولین مربوطه پیگیری نماید.
یادآور می گردد محمد توکلی دبیر آموزش و پرورش ناحیه 2 کرمانشاه، ظرف چند سال گذشته به خاطر فعالیت های صنفی چندین بار احضار و بازداشت شده است.

قیمت کاغذ در ایران طی یک سال، سه برابر شد

به نوشته سایت مردمک در 6 شهریور آمده است: قیمت کاغذ تحریر که از سال گذشته سیر صعودی را طی کرده، امروز در بازارهای تهران به قیمت بی سابقه ای رسید.
به گزارش خبرگزاری کار ایران، قیمت هر بند کاغذ تحریر ۷۰ گرمی روز دوشنبه، ششم شهریورماه از مرز ۸۰ هزار تومان گذشت و در بعضی موارد به قیمت ۸۳ هزار تومان فروخته شد.
افزایش قیمت کاغذ در پنج ماه گذشته به حدی بوده که تعداد زیادی از ناشرین فعلاً از چاپ کتاب خودداری می کنند و کتاب های چاپ شده نیز با قیمت بسیار بالایی وارد بازار می شود.
زهرامیرزاخانی، مدیر سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد هم سال گذشته گفته بود که قیمت کاغذ تحریر ۷۰ گرمی، به هر بند ۴۳ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده، در حالی که اوایل سال گذشته بهای این کاغذ ۲۷ هزار و ۵۰۰ تومان بود.
اما ناشران معتقدند قیمت کاغذ در بازار ایران بیش از ارقامی که خانم میرزاخانی گفته، بالا رفته است. مقامات مسئول و مدیران کارخانه های کاغذسازی، اختلال در واردات مواد اولیه را دلیل عمده افزایش قیمت کاغذ عنوان می کنند.
مجدالدین معلمی، معاون امور کتابخانه های نهاد عمومی کتابخانه ها اواخر تیرماه گفت که یکی از آسیب های جدی حوزه کتاب و کتابخوانی گرانی کاغذ است که ضرورت دارد با تعدیل قیمت ها به تقویت حوزه نشر کمک شود.
وزیر صنعت، معدن و تجارت، دلیل مشکل را در واردات خمیر کاغذ، پیچیدگی ها و نوسان نرخ ارز دانسته است. به گفته آقای غضنفری توافق شده بانک مرکزی واردات این مواد مورد نیاز در صنعت کاغذسازی را در گروه ارز مرجع قرار دهد.
اگرچه کارشناسان می گویند که کاهش واردات صرفاً به دلیل نوسانات ارزی نبوده، بلکه تحریم های اقتصادی هم باعث کاهش واردات کاغذ و مواد اولیه کاغذسازی شده است.
در همین حال، مدیر عامل شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران و رئیس هیئت مدیره سندیکای تولید کنندگان کاغذ و مقوای ایران در این باره گفته است: اجرای قانون هدفمندی یارانه ها، به تولیدکنندگان آسیبی جدی وارد کرده است.
به گفته ابوالفضل روغنی گلپایگانی، با اجرای این قانون، نرخ گاز و برق مصرفی افزایش یافت، اما نظامی بانکی اصلاح نشد.
در ایران سالانه حدود دو میلیون تن کاغذ مصرف می شود، در حالی که فقط ۷۵۰ هزار تن کاغذ در کشور تولید می شود.
علی رغم اعتراضات مکرر ناشران به افزایش قیمت کاغذ، این موضوع وقتی جدی گرفته شد که رهبر جمهوری اسلامی در بازدید از نمایشگاه کتاب در اردیبهشت ماه، خواستار حل این مشکل شد.
طبق آمار مدیران وزارت ارشاد، هر ایرانی سالانه حدود ۱۰ دقیقه کتاب می خواند. افزایش قیمت کتاب ها می تواند باعث کاهش این رقم ناچیز هم شود.
در حال حاضر گرانی کاغذ به شدت بر صنعت نشر تاثیر گذاشته و در روند انتشار روزنامه ها و نشریات و کتاب اختلال ایجاد کرده است.

بیش از ۷۰ درصد کارگران در استان البرز با قرارداد موقت کار می کنند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در تاریخ 6 شهریور آمده است: بیش از ۷۰ درصد از کارگران استان البرز با قرارداد موقت مشغول به کارند.
به گزارش ایلنا، عباس میربازل در جلسه کمیسیون صنعت و معدن استان البرز در خصوص مشکلات بیمه بیکاری این استان گفت: اگر کارگری شغل خوبی داشته باشد به فکر بیمه بیکاری نمی افتد و هیچ کارگری حاضر نیست به خاطر بیمه بیکاری کار خود را از دست بدهد.
معاون اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان البرز در خصوص آیت های بیمه بیکاری گفت: بیمه بیکاری دارای آیت های مختلفی است که شامل معرفی کردن فرد به اداره فنی و حرفه ای جهت آموزش هم می شود و اگر فردی بیسواد باشد به اداره سواد آموزی جهت آموزش معرفی می شود.

وی بیان کرد: در این میان اگر کارخانه‌ای جهت تکمیل منابع انسانی خود بر آید در وهله اول لیست افراد موجود در بیمه بیکاری در اولویت قرار دارد.

میربازل در ادامه پیرامون قانون کار نیز افزود: در شرایط موجود، قانون کار معضلی برای صنعت به شمار نمی‌رود. این مقام دولتی در باره اصلاح قانون کار گفت: بحث اصلاح قانون کار در یک ترکیب سه جانبه به مجلس ارجاع داده شده تا نظرات خود را بگویند.

وی با تاکید بر آموزش قانون کار به مدیران و سرپرستان و خلاءهای موجود در بحث سازمانی گفت: در بحث سازمانی، وجود سازمانی که بتواند به حمایت از اصناف و مشاغل بپردازد در استان البرز احساس می‌شود.

وی در پایان گفت: فقدان انجمن صنفی کارفرمایی در استان البرز با خواست‌های ملی مبنی بر وجود نهاد قوی کارفرمایی در کشور سازگار نیست.

جان باختن 2 کارگر بر اثر سقوط در چاه

به گزارش واحد مرکزی خبر، در تاریخ 6 شهریور آمده است: 2 کارگر تبعه افغان عصر امروز حین حفر چاه در ساختمانی نیمه کاره در قم جان خود را از دست دادند.

بر اساس این گزارش، این حادثه زمانی روی داد که یکی از کارگران که در بالای چاه بالابر مشغول در آوردن آوار بوده بر اثر برق گرفتگی به داخل چاه سقوط می‌کند و بر اثر این سقوط کارگر حفر در کف چاه نیز جان خود را از دست می‌دهد.

فرمانده ایستگاه آتش نشانی 125 دلیل این حادثه را بی احتیاطی در نصب برق به دستگاه بالابر و مهارت ناکافی کارگر عنوان کرد.

کارگران زندانی و بحران روزافزون

پانته‌آ بهرامی - ده‌ها فعال کارگری در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر می‌برند. علت اکثر این بازداشت‌ها به خواست کارگران برای ایجاد تشکل‌های کارگری برمی‌گردد.

علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، ساسان واهیوش، بهنام ابراهیمزاده، رسول بداغی، محمد حسینی، مهدی فراهیشاندیز، فرزاد احمدی، مهرداد امین‌وزیری و پیرام نصراللهی از جمله فعالان سندیکایی مستقل زندانی هستند.

رضا شهابی صندوقدار و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در فروردین ماه ۱۳۹۱ توسط وکیل خود مطلع شد که قاضی ابوالقاسم صلواتی، رئیس شعبه پانزده دادگاه انقلاب اسلامی وی را به شش سال زندان محکوم کرده است.

وی به اتهام تبلیغ علیه نظام یکسال و تبنانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی به پنج سال زندان محکوم شد. او همچنین به پنج سال محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی و سندیکایی محکوم شده است. به علاوه محکومیت او شامل پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۷۰ میلیون ریال است.

رضا شهابی هنگام دستگیری و در مدت بازجویی توسط وزارت اطلاعات در بند ۲۰۹ مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت تا جایی که نیاز به عمل جراحی در ناحیه گردن و دیسک پیدا کرد و احتمال می‌رفت که سمت چپ بدنش فلج شود.

وی قبل از محاکمه ۲۲ ماه در زندان بهسر برد و برای اعتراض به این بلاتکلیفی و انتقال به بیمارستان دست به اعتصاب غذای خشک زد.

این اعتراض‌ها و همچنین فشار سازمان‌های بین‌المللی منجر به انتقال وی به بیمارستان شد. او چند ماهی در بیمارستان بهسر برد و از ناحیه گردن مورد عمل جراحی قرار گرفت. زمانه گفت‌وگوی کوتاهی با ربابه رضایی، همسر رضا شهابی انجام داده است. رضا شهابی روز ۲۳ مردادماه دوباره از بیمارستان به زندان منتقل شد.

ربابه رضایی - سه ماه و نیم است که در بیمارستان است. گردنش را عمل کردند، مهره‌های گردنش را عمل کردند. توی زندان اینجوری شده. قبلاً این جوری نبود.

می‌خواستم از آخرین ملاقاتی که با آقای شهابی داشتید پرسیم.

حالشان چطور بود؟ آخرین ملاقاتی که داشتید در بیمارستان بود یا در زندان؟ او سه ماه و نیم در بیمارستان بود و ما هر روز در بیمارستان به دیدن‌شان می‌رفتیم

روحیه‌شان چطور بود؟

خوب است.

مهره‌هاشان چرا آسیب دیده بود؟

بالاخره آن موقع که دستگیرشان کردند، یک مقداری اذیت‌شان کردند. به خاطر همین.

الان وضعیت‌شان چطور است؟ گردن‌شان را می‌توانند تکان بدهند؟

نه، گردن‌شان را که نمی‌توانند تکان دهند. چون عمل کردند و دکتر گفته باید مدتی تحت نظر باشد و یک مدتی استراحت کند تا بهتر

شود. مثل قبل که نمی‌شود، ولی خب دیگر حالا یک مقداری بهتر شده.

یعنی ایشان اصلاً هیچ مشکل اینجوری نداشتند و بر اثر ضرب و شتم در زندان به این وضعیت افتادند؟

قبلاً هیچ مشکلی نداشتند، نه.

درد داشتند؟

خیلی درد داشتند. سمت چپ بدن‌شان که اصلاً یک مدت انگار که از کار افتاده بود.

آقای شهابی چند سالع هستند؟

42 سال‌شان است.

آیا در استخدام شرکت واحد هستند؟

قبل از اینکه دستگیرش کنند، استخدام بود، ولی بعد، هم بیمه‌اش را قطع کردند، هم حقوقش را قطع کردند. ما الان بیمه نداریم و نمی‌دانم

آن‌ها چه تصمیم دیگری می‌گیرند. نمی‌دانم.
یعنی بیمه کل خانواده قطع شده است؟
بله. همان اول که او را دستگیر کردند بیمه ما هم قطع شد. ما هم بیمه‌مان قطع شده و هم حقوق‌مان.
مدت زمان حکم‌شان چقدر است؟
شش سال. دو سال و دو ماهش گذشته.

شما تقاضایی برای تجدید نظر داده‌اید؟
تقاضا دادیم، ولی در تجدید نظر گفتند که تأیید شده، ولی هنوز ابلاغ کتبی نشده. شفاهی گفتند که تأیید شده، ولی کتبی به آقای شهابی ابلاغ نشده.

خودشان نظرشان راجع به این حکم چیست؟ چقدر این حکم را عادلانه می‌دانند؟
نه عادلانه نیست. نه خودشان و نه خانواده‌شان، هیچکس این حکم را قبول ندارد. چون این حکم اصلاً عادلانه نیست.
چرا؟

چون ایشان کار خلافی انجام ندادند. فقط دفاع از حق و حقوق خودشان و دوستانشان و همکارانشان بوده. کار خلافی انجام ندادند. حالا این آقایان که این حکم را دادند، نمی‌دانم روی چه حسابی بوده.
با توجه به اینکه ایشان دو سال است در زندان هستند، شما چگونه هزینه‌های زندگی را فراهم می‌کنید؟
اطرافیان قدری کمک می‌کنند ولی باز هم به سختی می‌گذرد. وقتی بزرگتر یک خانواده نباشد، معلوم است که زندگی به سختی می‌گذرد.
دیگر.

شما چند فرزند دارید؟

یک دختر و پسر ۱۳ و ۱۴ ساله.

با این وضعیتی که به‌وجود آمده، تقاضای‌تان از مسئولان چه هست؟

تقاضایم این است که حداقل حکمی را که می‌خواهند بدهند عادلانه باشد. چون این حکم اصلاً عادلانه نیست. همچنین می‌خواستم از پرسنل بیمارستان، از پرسنل اتاق عمل که خیلی برای آقای شهابی زحمت کشیدند، تشکر کنم.

محمود صالحی: فعالیت ما به قوت خود باقی است

روز جمعه ۲۶ تیرماه مأموران امنیتی با محاصره مسلحانه خانه‌ای در کرج، ۵۷ نفر از کارگران را دستگیر کردند. این کارگران در پیوند با کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری فعالیت می‌کردند.

دستگیری، همراه با ضرب و شتم شدید و بدون ارائه حکم صورت گرفت. پس از آن با تجمع خانواده‌ها اعتراض‌های خود دستگیرشدگان و فشارهای سازمان‌های حقوق بشری تمامی دستگیرشدگان به‌جز علیرضا عسکری آزاد شدند. جلیل محمدی و علیرضا عسکری همراه ریحانه انصاری در ۱۶ مردادماه با دستبند و پابند در دادگاه محاکمه شدند.

در جریان دادگاه سعی شد این کمیته هماهنگی به یکی از احزاب سیاسی نسبت داده شود. این موضوع اما با واکنش هر سه نفر مواجه شد و آنان بار دیگر بر استقلال کمیته هماهنگی از احزاب و جریان‌های سیاسی تأکید کردند. مأموران قصد داشتند فراخوان مجمع عمومی کمیته هماهنگی را به علیرضا عسکری نسبت دهند. کمیته هماهنگی از مدت‌ها قبل به دنبال پیداکردن سالن مناسبی در تهران بود و از تمامی اعضا درخواست کرد اگر مکان مناسبی سراغ دارند، به کمیته معرفی کنند. در همین زمینه علیرضا عسکری آدرس منزلی در کرج را در اختیار کمیته گذاشت و اعلام کرد هیچ مسئولیت خاصی در برگزاری مجمع ندارد و اساساً برگزاری مجمع به عهده همه اعضاست.

علیرضا عسکری و جلیل محمدی پس از اتمام دادگاه به زندان مرکزی کرج بازگردانده شدند و ریحانه انصاری پیشتر با قید کفالت آزاد شد. خبر جدید این است که در روزهای اواخر مردادماه جلیل محمدی از زندان آزاد شد.

علیرضا عسکری اما به‌هیچ وجه حال عمومی مناسبی ندارد و دارای تپش قلب شدید در ناحیه قلب، بی‌حسی در دست چپ و ضعف و بی‌حالی شدید است. این عوارض جسمی ناشی از فشارهای سنگین و صدماتی است که در دوره بازجویی به او وارد شده است. جلیل محمدی به علت صدمات وارده دچار مشکلات حاد در ناحیه کمر و ستون فقرات شده است. زمانه گفت‌وگوی کوتاهی کرده است با محمود صالحی که از دستگیرشدگان کمیته هماهنگی بود و اکنون آزاد است.

شما هم در زمان دستگیری بودید. شما و دیگران چگونه دستگیر شدید؟

محمود صالحی: بله، من خودم آنجا بودم. من همانجا بازداشت شدم. ۳۳ ساعت بازداشت بودم. به ما حمله کردند. خیلی وحشیانه حمله کردند. بچه‌های ما را زخمی کردند و زدند. من خودم کلیه‌هایم ناراحت است. آنها روی پشت من راه می‌رفتند. در آن حادثه چندتا از دنده‌های پشت‌ام شکست. یکی از بچه‌ها سرش شکسته بود. همه ما را به هر شکلی می‌زدند.

چند نفر در حال حاضر در زندان هستند؟

57 نفر دستگیر شدیم. هنوز هم یک نفر در زندان است.

لطفاً کمی در مورد کمیته هماهنگی توضیح دهید که اساساً چه هست و چه می‌کند و چرا این قدر حاکمیت روی آن حساس است؟

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری است. به‌هرحال این‌ها روی کمیته هماهنگی حساس هستند، چون کمیته هماهنگی در ایران فعالیت می‌کند و فعالیت‌اش هم گسترده است و به همین دلیل این‌ها حساسیت نشان می‌دهند و بچه‌های ما را درگیر می‌کنند، اعضای ما را درگیر و آن‌ها را تهدید می‌کنند که باید از کمیته هماهنگی استعفا دهید و آن را لغو کنید. چند نفر از بچه‌های ما مثل خسرو بوکانی و پدram نصراللهی هرکدام به دو سال حبس محکوم شده‌اند، به جرم اینکه عضو کمیته هماهنگی هستند. به‌هرحال همیشه دوستان ما زیر فشار هستند و اکنون که با شما صحبت می‌کنم برای ۶۰ نفر از آنها پرونده تشکیل داده‌اند و پرونده همه مفتوح و در دادگستری در حال اقدام است.

خانم ریحانه انصاری هم جزو دستگیرشده‌ها بودند؟

بله. ریحانه انصاری هم جزو دستگیرشده‌ها بود.

او هم الان در زندان است یا آزاد شده؟
به قرار وثیقه صد میلیون تومانی فعلاً آزاد است.
اساساً اینکه کارگران در ایران کمیته‌ها و سندیکاهای مستقلی داشته باشند، چه ضروری به حاکمیت می‌زند که اینقدر حساسیت روی آن نشان داده می‌شود؟

به‌هرحال باید این سؤال را از حاکمیت کنید نه از من. آنها باید جواب این سؤال را بدهند. من نمی‌توانم پاسخ این پرسش را بدهم که چه ضروری به حاکمیت می‌زند یا نمی‌زند. فعالیت‌های ما فعالیت‌هایی برای کارگران است، برای محرومان است، برای کسانی است که در واقع از زندگی محرومند. خواست ما این است که کارگران باید تشکل داشته باشند و از حق و حقوق خودشان دفاع کنند و کسی حق این‌ها را ضایع نکند، کسی آن‌ها را استثمار نکند. ما خواهان جامعه‌ای هستیم که در آن استثمار وجود نداشته باشد. این خواست طبقه کارگر ایران است.

حالا با توجه به این فشاری که حکومت آورده و ۶۰ نفر از اعضای کمیته هماهنگی را هم دستگیر کرده است که عمدتاً آزاد شده‌اند آیا فعالیت‌های شما به اصطلاح خواهد خوابید؟

نه، فعالیت ما نمی‌خوابد. فعالیت ما به قوت خودش باقی است. بچه‌ها همه روحیه‌شان عالی است و هیچ مشکلی نیست. دو سال پیش هم ۷۲ نفرمان در سندانج دستگیر شدند. به‌هرحال در یک مجمع دیگر ۷۲ نفر دستگیر شدند. حالا هم خب ۵۷ نفر دستگیر شده‌اند. هیچ مشکلی نیست. بچه‌ها همه روحیه‌شان عالی است. کارگران دیگری هنوز در زندان هستند. رضا شهابی از بیمارستان به زندان منتقل شده. بهنام ابراهیمزاده هم که مریض است. شاهرخ زمانی هم که زندانی تبعیدی است. پدram نصراللهی هم که حبس تغزیری گرفته. یک عده از دوستان دیگر هم حالا در زندان هستند.

نامه شاهرخ زمانی از زندان

شاهرخ زمانی ۴۷ ساله و نقاش ساختمان در دی‌ماه ۱۳۹۰ توسط مأموران وزارت اطلاعات در محل کارش بازداشت و به ۱۱ سال حبس تغزیری محکوم شد.

به گزارش خبرگزاری هرانا چندی پیش وی در حالی که حکم تبعید در پرونده‌اش وجود نداشت، از زندان تبریز یعنی شهر محل سکونت‌اش به زندان شهر یزد تبعید شد. شاهرخ زمانی در نامه‌ای با اشاره به امکانات زندان و بیماری‌های موجود در میان زندانیان نسبت به شرایط غیراستاندارد زندان یزد اعتراض کرد و نوشت: «شخصی به نام دکتر فقط اوضاع بیمار را از خود بیمار طی زمان بسیار کوتاهی می‌پرسد و سپس اغلب به پیشنهاد خود بیمار دارویی می‌نویسد.»
به گفته مسئولان بهداری بیماری ایدز و هیپاتیت از نوع C آن در بندهای چهار، پنج و شش به شدت رواج دارد.
یکی از مسئولان بهداری توضیح می‌دهد که «کسی از این زندان به مرخصی رفته و مغز بادام را از دهانش درآورده و به بچه‌اش داده که از همین طریق بچه و همسرش نیز مبتلا شده‌اند.»

وی ادامه می‌دهد: «در زمان وضعیت اضطراری زندانی بیمار باید حداقل دو ساعت درب زندان را به شدت بکوبیم تا نگهبان در را باز کند که در این مدت اغلب کسانی که بدحال می‌شوند، حالشان با سرعت به وخامت می‌گراید. طبق گفته زندانیانی که طولانی‌مدت اینجا هستند، تا به حال چهار مورد دیده‌اند که تا با باز کردن درب بند و بردن زندانی به بهداری یا جای دیگر، زندانی مرده است.»
وی در نامه خود اضافه می‌کند: «طبق آمار این زندان یکی از قصابی‌ترین زندان‌های ایران است که ۱۲ درصد کل اعدام زندانیان در اینجا انجام می‌شود. ماهی نیست که حداقل شش تا هفت زندانی اعدام نشوند. مثلاً از اردیبهشت تا ۲۰ تیرماه ۹۱، ۲۴ نفر در زندان یزد اعدام شده‌اند.»

وی در خاتمه اضافه می‌کند: «یکی از معمولی‌ترین مشکلات ۱۶ زندانی سیاسی تبعیدی که اغلب از استان‌های کردستان، آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاه و اهواز تبعید شده‌اند، آمدن خانواده‌ها از فاصله بین هزار و دویست تا دو هزار کیلومتری با هزینه سنگین و مسافت طولانی برای یک دیدار ۲۰ دقیقه‌ای است. برخی از خانواده‌ها به خاطر مشکلات مالی بیش از سه سال است عزیزانشان را ندیده‌اند.» شاهرخ زمانی اکنون در زندان تبریز است.

خطر تعطیلی کارخانه ی احیاء صنعت سندانج!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 7 شهریور آمده است: کارفرمای کارخانه ی احیاء صنعت سندانج مدت دو هفته است که به دلیل نامشخصی تمامی کارگران خود را که حدود 40 نفر می‌باشد به مرخصی اجباری فرستاده است. این سیاست در حالی از طرف کارفرمای این کارخانه اجراء می‌شود که به کارگران اعلام شده، روزهایی که به مرخصی اجباری فرستاده شده‌اند از مرخصی سالانه ی کارگران کم می‌شود.

همچنین تمامی کارگران شاغل در این کارخانه به صورت قراردادی مشغول به کار می‌باشند که مدت چند ماهی است که قرارداد کارگران به صورت یک ماهه منعقد می‌گردد؛ کارگران نگران آن می‌باشند که کارخانه تعطیل شود و آنها نیز به ارتش ذخیره ی کار بپیوندند.

لازم به ذکر است که کارخانه احیاء صنعت در زمینه‌ی تولید قطعات پلاستیکی اتومبیل در شهرک صنعتی شماره ی یک سندانج مشغول به فعالیت می‌باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

دستگیری ۱۰ کارمند یک اداره دولتی بخاطر ساخت وبلاگ و نوشتن علیه اداره مربوطه

به نوشته سایت آفتاب در 7 شهریور آمده است: پایگاه اطلاع رسانی پلیس، چند نفر از کارمندان یک اداره دولتی با ساخت وبلاگ جعلی اقدام به نشر اکاذیب علیه اداره مذکور می‌کردند طی یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند.

رئیس پلیس فتا اردبیل در تشریح این خبر بیان داشت: پلیس فتا این استان در پی کسب خبری از پلیس آگاهی استان مبنی بر اینکه فرد یا افرادی با ایجاد وبلاگ جعلی اقدام به نشر اکاذیب علیه یکی از ادارات دولتی این استان کرده است، بلافاصله وارد عمل شدند.

وی ادامه داد در این راستا با انجام یک سری اقدامات تحقیقاتی و اطلاعاتی ۱۰ نفر از کارکنان اداره مذکور به عنوان مظنون شناسایی و ضمن معرفی به مراجع قضایی، جرم آنان مورد اثبات قرار گرفت. رئیس پلیس فتا اردبیل ادامه داد: در این راستا با هماهنگی مقام قضایی وبلاگ جعلی مذکور مسدود شد. سرهنگ اکبر امینی رئیس پلیس فتا استان اردبیل در خاتمه بیان داشت: در اقدامات صورت گرفته متهمان پرونده جهت سیر مراحل قانونی به بازپرس شعبه ۵ دادسرای عمومی انقلاب اردبیل تحویل داده شد. سرهنگ امینی در آخر هشدار داد: نشر اکاذیب علیه سازمان ها و اداره های دولتی جرم تلقی شده و پلیس با آنها برخورد قانونی خواهد کرد.

برق جان دو کارگر را در عمق چاه گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 شهریور آمده است: بازپرس شعبه اول دادسرای انقلاب عمومی تربت حیدریه گفت: کف شکنی غیر مجاز یک حلقه چاه در روستای اسفیوخ تربت حیدریه باعث مرگ دو کارگر شد. به گزارش ایلنا، حسین زرداری در این باره افزود: کارگران مزبور درحال حفاری با کمپرسور در داخل چاه بودند که اتصال برق این دستگاه با آب منجر به برق گرفتگی و فوت آنها شد. وی اظهارداشت: اجساد این دو تن پس از معاینه، توسط پزشکی قانونی تحویل اولیای دم شد و تحقیقات بیشتر در این زمینه در حال انجام است.

هر خانواده ایرانی در ماه به طور متوسط حداقل ۶۰ هزار تومان کسری درآمد دارد.

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 7 شهریور آمده است: براساس آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران هر خانواده ایرانی در ماه به طور متوسط حداقل ۶۰ هزار تومان کسری درآمد دارد. درآمد یک خانوار شهری در سال ۸۹ به میزان حداقل ۶ و حداکثر ۱۶ میلیون تومان و درآمد یک خانوار روستایی نیز حداقل ۴,۸ و حداکثر ۱۱,۶ میلیون تومان اعلام شد. به گزارش مهر، بررسی جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۸۹ نشان می دهد که متوسط افراد شاغل خانوارهای نمونه گیری شده ۰,۹۹ نفر و متوسط تعداد افراد دارای درآمد ۱,۴۱ نفر بوده است. همچنین خانوارهای با یک نفر شاغل با سهم ۵۷,۴۹ درصد از کل خانوارهای نمونه بیشترین و خانوارهای دارای ۵ نفر شاغل و بیشتر با ۰,۲۷ درصد کمترین تعداد خانوارها را به خود اختصاص داده اند. همچنین ۲۴,۳۹ درصد از خانوارها نیز بدون فرد شاغل بوده اند. ۶۶,۳۴ درصد از کل سرپرستان خانوار بررسی شده در سال ۸۹ شاغل و ۱,۸۸ درصد نیز بیکار بوده اند. همچنین ۲۹,۷۹ درصد درآمد بدون کار داشته اند، ۰,۱۴ درصد محصل و ۰,۸۴ درصد نیز خانه دار بوده اند. در مقایسه با آمار سال ۸۸ تفاوت هایی در این بخش وجود دارد به نحوی که ۶۷,۵۸ درصد از سرپرستان خانوار در سال ۸۸ شاغل و ۲,۶۸ درصد بیکار بوده اند. همچنین ۲۷,۷۱ درصد در این سال درآمد بدون کار داشته اند و ۰,۱۹ درصد محصل و ۰,۷۸ درصد هم خانه دار بودند.

طی سال ۸۹ بررسی ۱۸ هزار خانوار نشان داد که ۱۲,۵۶ درصد در بخش عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل موتوری و موتورسیکلت ها، کالاهای شخصی و خانگی اشتغال داشته اند. ۱۰,۵۶ درصد در صنعت، ۱۰,۳۴ درصد در ساختمان، ۱۰,۰۲ درصد در حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری، ۵,۰۹ درصد در اداره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی اجباری، ۴,۳۰ درصد در کشاورزی، شکار و جنگلداری، ۳۳,۶۶ درصد غیرشاغل و ۱۳,۴۸ درصد نیز در دیگر فعالیت های اقتصادی بوده اند. ۵,۴۶ درصد جامعه آماری در سال ۸۹ کارفرما، ۲۱,۷۲ درصد کارکن مستقل، ۱۱,۹۴ درصد مزد و حقوق بگیر عمومی، ۰,۱۴ درصد مزد و حقوق بگیر تعاونی، ۲۷,۰۵ درصد مزد و حقوق بگیر خصوصی، ۰,۰۳ درصد کارکن فامیلی بدون مزد و ۳۳,۶۶ درصد نیز غیرشاغل بوده اند.

همچنین طبق نتایج به دست آمده، متوسط درآمد اظهار شده سالیانه یک خانوار شهری در سال ۸۹ برابر با ۱۰ میلیون و ۶۱۵ هزار و ۵۹۷ تومان بوده است که نسبت به سال قبل تر از آن به میزان ۱۳,۴ درصد رشد داشته است.

بررسی منبع تامین درآمد خانوارهای شهری نشان می دهد که ۴۹,۴ درصد درآمد از محل درآمدهای متفرقه، ۳۳ درصد از مشاغل مزد و حقوق بگیر و ۱۷,۶ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی خانوار، تامین شده است. خانوارهایی که فعالیت اصلی آنها استخراج معدن بود درآمد سالیانه خود را ۱۶ میلیون و ۹۷۷ هزار و ۵۸۲ تومان اعلام کردند. کمترین میزان درآمد سالیانه نیز مربوط به گروه خانوارهای معمولی دارای مستخدم بود که درآمد اظهار شده سالیانه آنها ۶ میلیون و ۵۹۰ هزار و ۵۹۶ تومان اعلام شد.

همچنین ترکیب درآمد سالیانه یک خانوار شهری در سال ۸۹ نشان می دهد که ۳۳ درصد افراد دارای درآمد از بخش حقوق بگیر بوده اند، ۴۹,۴ درصد از درآمدهای متفرقه و ۱۷,۶ درصد نیز از مشاغل آزاد کسب درآمد کرده اند.

در این بخش متوسط تعداد افراد شاغل در حدود ۲۰ هزار خانوار بررسی شده ۱,۳۴ نفر و متوسط تعداد افراد دارای درآمد ۱,۴۸ نفر بوده است. خانوارهای دارای یک نفر شاغل با سهم ۵۰,۱۷ درصد از کل خانوارهای نمونه بیشترین و خانوارهای ۵ نفر شاغل و بیشتر با ۱,۸۰ درصد؛ کمترین تعداد خانوارهای نمونه را به خود اختصاص داده اند، در این بخش، خانوارهای بدون فرد شاغل ۱۸,۱۸ درصد از خانوارهای نمونه را تشکیل داد.

بررسی فعالیت اصلی و محل کار سرپرست خانوار روستایی در سال ۸۹ نشان می دهد که ۳۷,۶۷ درصد از سرپرستان خانوار در بخش کشاورزی، شکار و جنگلداری، ۱۲,۴۰ درصد در بخش ساختمان، ۷,۰۳ درصد در حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری، ۵,۶۲ درصد عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت ها و کالاهای شخصی و خانگی، ۵,۳۱ درصد در صنعت، ۱,۵۹ درصد در بخش اداره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی اجباری و ۵,۵۱ درصد نیز در سایر بخش ها به کار اشتغال داشته اند.

طبق نتایج به دست آمده، متوسط درآمد اظهار شده سالیانه یک خانوار روستایی در سال ۸۹ به میزان ۵ میلیون و ۹۳۳ هزار و ۶۸۷ تومان بوده که نسبت به سال قبل از آن به میزان ۱۳،۲ درصد رشد داشته است. بررسی منبع تامین درآمد خانوار روستایی در سال ۸۹ نشان می دهد که ۳۲،۶ درصد درآمد از مشاغل مزد و حقوق بگیری، ۳۴،۲ درصد از مشاغل کشاورزی و غیرکشاورزی و ۳۳،۲ درصد نیز از منابع متفرقه به دست آمده است.

خانوارهای روستایی که در بخش های واسطه گری مالی بوده اند درآمد سالیانه خود را ۱۱ میلیون و ۶۷۴ هزار و ۶۷۸ تومان اعلام کردند و همچنین خانوارهایی که سرپرست آنها در بخش ساختمان به کار اشتغال داشته اند نیز درآمد سالیانه خود را ۴ میلیون و ۸۶۷ هزار و ۲۹۲ تومان اعلام کردند که کمترین درآمد در سال ۸۹ بوده است.

ترکیب درآمد یک خانوار روستایی در سال ۸۹ نیز نشان می دهد که ۳۲،۶ درصد خانوارهای روستایی در سال ۸۹ درآمد خود را از طریق حقوق بگیری، ۳۳،۲ درصد از طریق متفرقه و ۳۴،۲ درصد نیز از طریق مشاغل آزاد کسب درآمد کرده اند

گزارش تظاهرات در مقابل کنسولگری آفریقای جنوبی در تورنتو

در محکومیت کشتار معدنچیان اعتصابی در آفریقای جنوبی

از ساعت یک تا سه بعدازظهر شنبه ۲۵ اگوست ۲۰۱۲، تظاهراتی با شرکت حدود ۱۲۰ نفر در مقابل کنسولگری آفریقای جنوبی در تورنتو و سپس راهپیمایی به سمت یکی از تقاطعهای اصلی در منطقه نورث یورک، در همبستگی با کارگران در آفریقای جنوبی و محکومیت کشتار کارگران معدن پلاتین لومین در ماریکانا، برگزار گردید. بیش از ده سخنران به نمایندگی از سازمانهای حمایت کننده، در مقابل کنسولگری آفریقای جنوبی به این کشتار بی رحمانه اعتراض کردند و پلیس، دولت آفریقای جنوبی، شرکتهای صاحب معدن و کلیت سیستم استعمارگر، ضدکارگر و ضد انسانی سرمایه داری را به شدت محکوم نمودند. شعارهای تظاهرات از جمله شامل موارد ذیل بود: قدرت به کارگران، قدرت به مردم؛ عدالت برای معدنچیان؛ نه به پلاتین خونین، آری به آزادی کارگران؛ لومین شرمت باد؛ تشکل، سلاح کارگران؛ اعتصاب، سلاح کارگران، همبستگی، سلاح کارگران؛ سرنگون باد سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم. سخنرانان از جمله تشکلات زیر را نمایندگی میکردند: کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انتاریو، فدراسیون کارگری انتاریو، شبکه همبستگی آفریقای، کارگران برای فلسطین، اتحاد کارگری کانادایی-آسیایی، اتحاد سومیالیایی-کانادایی، شبکه همبستگی آمریکای لاتین و کارائیب، عدالت برای کارگران مهاجر، سازمان اقدام سوسیالیستی، اسپارتاکیستی، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، گروه تحقیقات و ابتکارات برای آزادی آفریقا، شبکه همبستگی علیه بی عدالتی در معادن، شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران-تورنتو، کانادا و اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران-کانادا. فیلم کوتاهی از این تظاهرات و راهپیمایی را در زیر مشاهده نمایید.

فعالین اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران-کانادا و شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران-تورنتو از مبتکرین و سازماندهندگان این تظاهرات بودند و با همیاری دیگر فعالین کارگری در تورنتو و شبکه های همبستگی کارگری آمریکای لاتین و آفریقا تلاشی انترناسیونالیستی را در اعتراض به سرکوب و کشتار کارگران در آفریقای جنوبی به نمایش گذاشتند و متعهد شدند که این همبستگی بین المللی به طرق مختلف ادامه یابد. بدین منظور، جلسه ای از طرف سازماندهندگان این تظاهرات در روز جمعه ۷ سپتامبر ۲۰۱۲ ساعت ۷ بعدازظهر در دانشگاه تورنتو، شماره ۲۵۲ خیابان بلور غربی، طبقه ۷، نزدیک ایستگاه متروی سنت جورج، برگزار خواهد شد.

در همبستگی با معدنچیان و طبقه کارگر آفریقای جنوبی!

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران-کانادا

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران-تورنتو-کانادا

۲۷ اگوست ۲۰۱۲

فیلم کوتاهی از تظاهرات و راهپیمایی:

<http://www.youtube.com/watch?v=VP17wiiQrI&feature=youtu.be>

لینک به عکسهایی از تظاهرات ایستاده:

[Click here to see more photos from Saturday's demonstration](#)

ضرب و شتم دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در ۷ شهریور آمده است: محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه از سوی افراد ناشناس به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

محمد توکلی در گفتگو با خبرنگار آژانس خبری موکریان ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: پنجشنبه شب دوم شهریورماه جاری، با چند تن از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان و به همراه خانواده، جهت صرف شام به پارک آبیبر رفته بودیم که چند نفر لباس شخصی برای بازداشت بنده و دیگر اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به محل آمدند.

محمد توکلی افزود: ما از آنها درخواست کارت شناسایی نمودیم ولی از نشان دادن کارت خودداری کردند و پس از این درخواست من را به داخل ماشین برده و به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند که با وساطت اطرافیان، درگیری خاتمه و این افراد محل را ترک کردند.

این فعال صنفی در خاتمه عنوان نمود که در نظر دارد موضوع را از طریق نمایندگان کرمانشاه و کردستان و مراجع قضایی و دیگر مسئولین مربوطه پیگیری نماید.

یادآور می گردد محمد توکلی دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرمانشاه، ظرف چند سال گذشته به خاطر فعالیت های صنفی چندین بار احضار و بازداشت شده است

حداقل هزینه ماهانه سکونت در تهران

به نوشته سایت آفتاب در 8 شهریور آمده است: از حداقل هزینه ماهانه خانوارهای ساکن تهران، رقمی معادل یک میلیون و ۲۱۶ هزار تومان است؛ به طوری که هزینه سالانه خانوارهای مناطق شهری تهران حداقل ۱۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برآورد شده است که ۱۲ میلیون آن را هزینه های غیرخوراکی و مابقی را خوراکی تشکیل می دهد.

روابط عمومی شهرداری تهران نوشت: بر این اساس، سهم هزینه تامین مسکن شامل اجاره بها یا قیمت خرید، بخش قابل توجهی از هزینه های غیرخوراکی را به خود اختصاص می دهد.

به گزارش جام جم آنلاین، نتایج بررسی های شهرداری تهران همچنین درباره کیفیت زندگی و اوضاع اقتصاد مسکن در پایتخت نشان می دهد: گرایش متقاضیان مسکن به سمت واحدهای مسکونی با متراژ کمتر از ۱۰۰ متر افزایش پیدا کرده است، به طوری که عمده تهرانی ها تمایل به اجاره یا خرید آپارتمان های ۵۰ تا ۷۰ مترمربعی با حداقل دارای دو اتاق را دارند که همین گرایش هم اکنون باعث افزایش واحدهای مسکونی با تعداد دو اتاق در سطح شهر تهران شده است.

باز انتشار مطالب کانون مدافعان حقوق کارگر با ذکر منبع بلامانع است. با تشکر
http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2012/08/blog-post_28.html

تسلیمت به شاهرخ زمانی

با خبر شدیم که عموی شاهرخ زمانی کارگر زندانی فوت کرده است. وی از زندانیان سیاسی دوران ستم شاهی بوده است. شاهرخ زمانی، عضو هیات موسس سندیکای نقاش، که به علت فعالیت های کارگری به 11 سال زندان محکوم شده است و اکنون دوران محکومیت خود را در زندان تبریز به سر می برد، از حقوق اولیه زندانیان دیگر محروم است و تا کنون نتوانسته است از مرخصی هایی که برای سایر زندانیان در نظر گرفته می شود استفاده کند، در نتیجه امکان شرکت در مراسم تشیع جنازه و خاکسپاری را نداشته است.

ضمن تسلیمت به شاهرخ زمانی و خانواده ی وی، امیدواریم که هر چه زودتر او و سایر زندانیان سیاسی، که تنها به خاطر ابراز عقایدشان محکوم شده اند، آزاد شوند. به امید آن که هیچ کس به خاطر اندیشه مخالف و تلاش برای داشتن يك زندگي بهتر در زندان نباشد

**نامه ۱۲ زندانی بند ۳۵۰ اوین:
دولت فریبکارانه فقر را پنهان می کند**

متن کامل این نامه به گزارش کلمه به شرح زیر است:

محرومیت ها، مسائل و آسیب های اجتماعی، گرچه در همه جوامع امروز بشری وجود دارد و از مرزهای رنج و حقارت و خشونت فراتر هم رفته است و گرچه این بیماری های اجتماعی علیه حیثیت بشری روز به روز افزایش می یابند اما گستردگی و عمق فاجعه آفرینی آن در جوامع مختلف متفاوت است.

هرچه لجام گسیختگی قدرت اقتصادی به زیان بهزیستی همگانی، بیشتر و همراه با آن هر چه فقر و عقب ماندگی اجتماعی فزونی می شود، در پی آن ها آلام اجتماعی هم زیادتر می شوند. به هر حال تجربه سالیان دراز بشری و آزمون اجتماعی ما در کشورمان، ایران، به ما آموخته است که حاصل جمع کارکرد و ساختار دولت ها و نظام اجتماعی- اقتصادی می توانند مصیبت آسیب های اجتماعی را به آن سوی آستانه ای که حیات و امنیت اجتماعی را به طور جدی تهدید می کنند برسانند. دولت های عصر ما بی تردید باید در برابر مردم و نیازهای بشری ایشان پاسخگو باشد. ممکن است میزان عملی پاسخگویی بستگی به توان واقعی مالی و فرهنگی و مدیریتی جامعه داشته باشد و توقع از دولت ها را محدود کند، اما هرگز این خواست انسانی را که دولت ها باید پاسخگو باشند را نقض نمی کند. ضرورت پاسخگویی دولت ها به نیازهای ایمنی و رفاه و سلامت اجتماعی آنگاه بسیار جدی تر می شود که درباب سیاست ها و سمت گیری های دولت، خودشان پدید آورنده مسائل، محرومیت ها و آسیب های اجتماعی بوده اند. دولت هایی که منابع مالی کافی، نیروی نظامی و انتظامی بسیار قوی دارند و ادعای ثبات و قدرت می کنند در سایه نظارت و تسلط آن ها بخش کوچکی از جامعه شامل قدرت مداران اقتصادی و وابستگان حکومت، به ثروت های باد آورده دست یافته اند و مدام ثروت های مردمی و ملی را تصاحب و به خارج روانه می کنند، به هیچ عنوان نمی توانند در مقابل فقر و فساد و له شدگی انسان های محروم دست خود را بشویند. آن ها نه تنها مسئول بلکه عامل پیدایی بدبختی ها و حرمان های اجتماعی اند. ابتدایی ترین حق، و حتی تکلیف مردم، اعتراض نسبت به این نابسامانی ها و سیاست های پدید آورنده آن است.

تکدی گری، کودکان خیابانی و زنان تن فروش، که معمولاً آمیزه های دهشتناک از بزهکاری و اعتیاد به مواد مخدر را نیز در خود جمع می آورند، از اصلی ترین عارضه های بیماری اجتماعی اند. در میهن ما، شوربختانه، این عارضه های شایع و خطر آفرین به تهدید جدی سلامت و ایمنی فردی و اجتماعی تبدیل شده اند. این ها به اضافه مصرف و تجارت مواد مخدر میلیون ها نفر را به کام مرگ و فرومایگی کشانده اند.

این ها جنبه هایی از آسیب اجتماعی ملی ما هستند که خود چیزی نیستند جز تبلور ساختار اجتماعی و اقتصادی ناعادلانه، سوء سیاست های دولتی، هدر رفتن تاسف بار منابع و بی اعتنایی به جان و حیثیت و سلامت انسان ها. ما از نکبت و فقر و محرومیت سخن می گوئیم، اما برای آن که واقعیت نادیده گرفته شدن حیات انسان را دریابیم فقط کافی است توجه کنیم که وقوع زلزله بر بنیاد فقر و ناامنی خانه های مردم در آذربایجان جان صدها و سلامت هزاران و خانه و کاشانه ده ها هزار را گرفت. در تعطیلات سه روزه اخیر، بنا به آمارهای رسمی، فقط ۱۳۰ نفر در جاده ها جان باخته اند و این به جز زخمی و معلول شدگان چند هزار نفری و خسارت های مالی و فشار بر بنیهِ ی خانوارهای با توان است.

ما از نکبت و فقر و محرومیت می گوئیم پس بگذارید یاد آورر شویم که برآوردها در مورد شمار معتادان کشور از ۲ میلیون تا ۵

میلیون نفر حکایت دارند. این ها جوان ها و امیدهای آینده ما هستند که خاکستر می شوند و بر باد می روند. نتایج بررسی های کارشناسان و پژوهشگران می گوید بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار کودک کار و خیابان در ایران با مشقت و ناکامی و فقر زندگی می کنند. این گل های معصوم در سرزمینی که سالانه تا ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است و در همانجا که فرزندان اقلیتی محدود و مرفه در ناز و نعمت به سر می برند و از گل نازک تر به پایشان نمی رود، پای برهنه در داغی تابستان و یخبندان زمستان و با انواع وسایل عادی و یا غیر عادی و گاه بی شرمانه، برای امرار معاش در خیابان ها ویلانند. بررسی ها از حضور ده ها هزاری و حتی چند صد هزاری از زنان خیابانی و زنانی تلفنی و ساکن در خانه های خاص حکاست دارد که عمدتاً از شدت فقر و محرومیت حاد به این حرفه ضد اجتماعی و ضد حیثیت انسانی پناه می برند. آن ها چند سالی پس از آغاز کار حرفه ای در منجلاب فقر و اعتیاد و ناامنی و خشونت های بدنی و رفتاری وحشیانه گرفتار می آیند.

متکدیان بی تردید زاده فقر و بیکاری در جامعه ای هستند که می تواند به ثروت اندوزی کلان و هزینه های نا لازم دولتی فرصت بدهد اما نمی خواهد از طریق دولت خدمات حمایتی و رفاهی و تامین شغل برای همگان را که دستور موجد قانون اساسی است، ارائه کند. در برنامه های رسانه ها به عوض پرداختن به ریشه های این درد و درمان جویی و جمع آوری نظرهای مستقل و آزاد کارشناسان و فعالان اجتماعی خبره و بی طرف مدام تبلیغ می کنند که متکدیان همه اشان فریبکارند و هر کدامشان را از اعضای باندهای منحرفی می دانند که از بیخ و بن برای خجالت زده کردن جامعه و بردن آبروی نظام به میدان ها فرستاده شده اند.

هما این کارها و ظاهر سازی ها فقط برای آن نیست که دولت از مسئولیت خود و بی کفایتی در تامین سلامت امنیت اجتماعی بگریزد، این کارها همچنین برای آن است که فرصت فراهم آید تا ثروت اندوزان در زیر سایه وجدان به خواب فرو برده شده جامعه به کار خود در خارج کردن ارزش های آفریده شده مردم، به ویژه کارگران و خرده پاها و کم بضاعت ها، از دستشان ادامه دهند و حاصل را به خارج بفرستند و از نظرها پنهان بمانند. دستگیری گاه به گاه و عملیات نمایشی در مورد چند تنی از مفسدان که باید قربانی شوند تا اعتراض ها مفری نیابد، چیزی از واقعیت بی عدالتی و فساد که زاینده فقر و تن فروشی و اعتیاد است نمی کاهد. راستی چه کسانی

ریاکارند؟ متکدیان و تن فروشان و قربانیان مواد مخدر و یا مسؤلان این مصائب اجتماعی که برای پوشاندن اثر کار خود به جهل نوین دامن می زنند؟ چه کسانی ریاکارند، له شدگان و نفرین شدگان و داغ نکبت خوردگان یا صاحبان نیرنگ باز زر و زور و تزویر که با بخشی از منابع در اختیار آنها و با تغییر در ساخت قدرت آن ها می توان مبارزه واقعی و ریشه ای و ثمربخش را به انجام رسانید؟

بدترین و وهن آورترین اقدام و تصمیم سیاسی دولت در مقابل مصائبی که باید پاسخگوی آن باشد، کار اخیر آن در پاکسازی خیابان ها به هنگام حضور روسا و نمایندگان در اجلاس غیر متعهد هاست. دولت تصمیم گرفته است کودکان خیابانی، زنان تن فروش، متکدیان و معتادان قابل تشخیص و خلاصه خیابان نشین ها را جمع آوری کند. این کار اگر برای بیمه کردن چهره میهمانان در برابر تکدر ناشی از مشاهده این آسیب هاست هم بی ثمر است هم ریاکارانه زیرا شمار زیادی از آن ها در سرزمین خود با این مصیبت ها روبه رویند و تقریباً همه هم می دانند و واقعیت در جامعه میزبان چیست. این کار اگر برای نشان دادن چهره ای خوش از جامعه ایرانی است، بی ثمر است و نیرنگ بازانه زیرا خبر این اقدام پیشاپیش در همه جا طنین انداخته است. این کار اگر برای حفظ امنیت خانم ها و آقایان میهمان است، کاری بیهوده است و ظاهر سازانه زیرا قربانیان فقر و نکبت هرگز در میان تروریست ها و برهم زندگان نظم جای نداشته اند، برعکس این عاملان بدبختی آنانند که مدام به سرکوب دیگران و وحشت آفرینی مشغولند.

ما روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر و فعالان اجتماعی و کارگری که هر یک به دلیل احساس مسئولیت و اقدام مشروع و قانونی و به حق در برابر ستم ها و محرومیت هایی که حیات اجتماعی ما را تهدید می کند به بند ۳۵۰ سیاسی زندان اوین آورده شده ایم، ما که خود را بیش از هر چیز آزادیخواه می دانیم و به حضور و رشد آسیب دیدگان اجتماعی در جامعه خود اعتراض داریم. فقر و محرومیت، دشمن آزادی فردی و اجتماعی بوده است. مسؤلانی که به وظایف خود عمل نکرده اند یا به پای ستمگران و متجاوزان و بهره کشان عامل حذف اصلی ترین موهبت های بشری یعنی آزادی و کرامت انسانی بوده اند افزایش شمار متکدیان، کودکان خیابانی، معتادان و تن فروشان تیره های تازه ای به قلب ما که در سینه در آرزوی بهروزی همگانی می طپد خنجر می زند. ما زندانیان سیاسی آماده ایم از همین جا تشکلی گسترده و مردم پایه را با حضور فعال و نافذ آسیب دیدگان و آسیب پذیران اجتماعی در چارچوب ضوابط پذیرفته شده برای یاری های انسانی و ریشه ای بنا کنیم.

ما می توانیم با بکارگیری توان و افزایش آگاهی ها برای ستیز علیه جهل و فقر و محرومیت و یاری رسانی به قربانیان بلایای اجتماعی اقدام کنیم. انگیزه های اصلی ما نگرانی برای هستی جامعه مان است. ما با تمام وجود خواهان نجات قربانیان جامعه هستیم و کسانی را که آن ها را مزاحم و مخل خوشی و قدرت و ورزی خود می دانند محکوم می کنیم.

ما این آخرین اقدام دولت برای خیابان آرای ظاهر سازانه را زشت و خشن و ریاکارانه تشخیص می دهیم. این بزک کردن خیابان، آن هم به قیمت فشار بیشتر بر قربانیان فقر و جهل و خودکامگی و نامعلوم بودن سرنوشت بعدی آنان پس از پایان اجلاس و میهمانی، دل همه ما را به درد آورده است.

این گونه پاکسازی هیچ کمکی به آسیب دیدگان جامعه ما نمی کند بلکه نگران کننده و تشدید کننده فلاکت است. این دارندگان داغ اجتماعی بزه و آسیب بر پیشانی، هم نوع، هم میهن و فرزندان و خویشان ما هستند. ما سخت نگران کودکان و نوجوانان فلاکت زده ایم. واقعا اجلاس غیر متعهدها به چه چیز تعهدی ندارد؟ به تلخکامی و سرنوشت تیره بشر؟ امضا کنندگان:

عبدالفتاح سلطانی، فریبرز ریس دانا، سیامک قادری، محمد داوری، محمد سیف زاده، رضا شهبابی، رضا انصاری راد، فریدون صیدی راد، سعید متین پور، مصطف نیلی، مهدی خدایی، سعید جلالی فر

بند ۳۵۰ زندان اوین

شهریور ۹۱

علت مهاجرت زیاد پرستاران ایرانی چیست ؟

به گزارش سایت خبر آنلاین آمده است، در چند سال اخیر همیشه حقوق کم، ساعت کاری زیاد و سختی کار همیشه دلیل مهاجرت

پرستاران عنوان می‌شد اما علی کائیدی نایب رئیس اول کمیسیون بهداشت و درمان مجلس علت اصلی مهاجرت پرستاران به خارج از کشور را تربیت بیش از حد پرستار در کشور می‌داند.

نایب رئیس اول کمیسیون بهداشت و درمان مجلس به مهر می‌گوید که مسئولان به جای افزایش آمار فارغ‌التحصیلان، باید به فکر افزایش کیفیت آموزش در کشور باشیم. اما محمد شریفی مقدم دبیر کل خانه پرستار درباره مهاجرت پرستاران گفته نماینده مجلس را رد می‌کند و می‌گوید که ماجرا از این قرار است که با توجه به کارآمدی و تبحر پرستاران ایرانی، کشورهای زیادی به دنبال جذب پرستاران ایرانی هستند.

وی در گفت‌وگو با خبرآنلاین ادامه می‌دهد: متوسط حقوق یک پرستار در کشور در بهترین حالت حدود 600 هزار تومان یعنی معادل 400 دلار است، اما همین میزان در کشورهای پیشرفته حدود 4000 دلار است و همین حقوق کم سبب اشتغال در خارج از کشور، ترک شغل، تغییر شغل و در نهایت خانه نشینی پرستاران می‌شود.

دبیرکل خانه پرستار ادامه می‌دهد: در مراکز بیمارستان ما به دلیل کمبود نیروی پرستار به ازای هر 12 تا 15 تخت بیمارستانی یک پرستار مشغول به کار است، در حالی که در کشوری مانند آمریکا یک پرستار تنها مسوول چهار تخت است و در شیفت کاری‌اش مسوولیت بیشتر از چهار بیمار را ندارد و چطور این نماینده مجلس تعداد پرستاران را زیاد می‌داند؟

وی می‌افزاید: علاوه بر مقایسه‌هایی که درباره میزان درآمد و فشار کار پرستاران ایرانی و خارجی مورد بحث است، اجرا نشدن قوانینی که به نفع پرستاران در مجلس به تصویب رسیده نیز از مباحث قابل چالش مطالبات این گروه محسوب می‌شود.

شریفی مقدم ادامه می‌دهد: طرح تعرفه گذاری خدمات پرستاری با بیش از 400 نوع خدمت انجام شده و حدود چهار سال پیش در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده، اما هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. علاوه بر این، قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت نیز فروردین 88 به تصویب رسید و در پی آن دولت آیین‌نامه اجرایی این قانون را با پیگیری‌های وزارت بهداشت تصویب کرد. مطابق این قانون قرار شد با استخدام نیروی جدید، ساعت کاری پرستاران کاهش یابد، اما این قانون نیز مشمول گذشت زمان شده است.

پرستاران به کدام کشورها می‌روند

از بین کشورهایی که پرستاران ایرانی را جذب می‌کنند کانادا با 47 درصد و امارات متحده عربی با 33 درصد بیشترین آمار را در این زمینه به خود اختصاص داده‌اند. استرالیا، آمریکا و انگلیس به ترتیب از دیگر کشورهایی هستند که شرایط خوبی را برای اشتغال پرستاران ایرانی فراهم کرده‌اند و پرستاران مایل هستند برای کار به این کشورها مهاجرت کنند.

آماری از مهاجرت وجود ندارد

هر چند همه شواهد از افزایش مهاجرت پرستاران حکایت دارد و به گفته رییس هیات مدیره انجمن کارپایی‌های بین‌المللی 2000 نفر فقط در سال 90 از ایران خارج شده‌اند، اما هیچ عدد و رقمی از این مهاجرت‌ها موجود نیست.

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار نیز نبود آمار در این خصوص را تایید می‌کند و می‌گوید: آماری نداریم اما از آنجا که اغلب پرستاران شخصا برای رفتن اقدام می‌کنند، عدد و رقم واقعی

مهاجرت پرستاران برآحتی به دست نمی‌آید

به گفته وی، مسیرهای مهاجرت پرستاران تنها به مراکز کارپایی ختم نمی‌شود و به جرات می‌توان گفت 70 درصد پرستاران شخصا برای رفتن اقدام می‌کنند.

شریفی مقدم ادامه می‌دهد: اغلب کشورهای متقاضی کار پرستاران ایرانی دارای سایت‌های مشخصی هستند که پرستاران با مراجعه به این سایت‌ها و پر کردن فرم‌های موردنظر می‌توانند برای مهاجرت اقدام کنند و لزوما نیازی به استفاده از موسسات کارپایی نیست.

مرگ يك كارگر بر اثر سقوط از درخت در مشهد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 8 شهریور آمده است: کارگر ۳۰ ساله‌ای بر اثر سقوط از بالای درختی در کوهستان پارک شادی مشهد کشته شد.

بنا بهمین گزارش به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس، کارگر ۳۰ ساله‌ای بر اثر سقوط از بالای یک درخت در کوهستان پارک شادی مشهد کشته شد.

این حادثه صبح روز گذشته - سه‌شنبه - در کوهستان پارک هنگامی رخ داد که جوان ۳۰ ساله‌ای برای هرس کردن شاخه‌ها، بالای درخت رفت اما ناگهان از روی درخت سقوط کرد و به شدت مصدوم شد. این کارگر هنگام انتقال به مرکز درمانی بر اثر شدت صدمات وارده جان سپرد.

با اعلام مرگ این جوان به پلیس ۱۱۰، ماموران انتظامی با دستورات قضایی موحدی راد، تحقیقات خود را درباره چگونگی سقوط این مرد آغاز کردند.

برق‌گرفتگی دو کارگر در بردخون، در دو روز اخیر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 8 شهریور آمده است: رعایت نشدن اصول ایمنی در حین کار، موجب بروز دو حادثه خطرناک طی دو روز گذشته در بردخون از شهرهای استان بوشهر شد.

به گزارش ایلنا، در حادثه اول جوانی ۲۰ ساله در حین انجام عملیات جوشکاری بر روی داربستی به ارتفاع ۷ متر دچار برق‌گرفتگی شد و سقوط کرد.

بنا بر این گزارش، فرد مذکور که بر اثر عدم رعایت ایمنی و اتصال برق به داربست دچار حادثه شده بود از ناحیه پا دچار شکستگی

شد و ضرباتی نیز به کتف و کمر وی وارد شد. این گزارش می‌افزاید: کارگر دیگری نیز در حین انجام کار دچار برق گرفتگی شد که دست چپ وی دچار سوختگی شدیدی شد. هر دو کارگر پس از اقدامات اولیه درمانی توسط تکنسین‌های اورژانس ۱۱۵ بردخون، جهت مداوای بهتر به بیمارستان امام خمینی بوشهر اعزام شدند.

رئیس مرکز آمار: نرخ تورم را محرمانه برای مقامات می‌فرستیم

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در ۸ شهریور آمده است: رئیس مرکز آمار ایران با اشاره به دلایل اعلام نرخ تورم از سوی بانک مرکزی گفت: مرکز آمار نرخ تورم را تهیه و به صورت محرمانه برای مقامات می‌فرستد. عادل آذر در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: در تهیه نرخ تورم در سه محور با سید کالا، سال پایه و تورم شهر و روستا با بانک مرکزی اختلاف نظر داشتیم و با توجه به اینکه از گذشته نرخ تورم بر اساس سری زمانی بانک مرکزی محاسبه می‌شد، بنا شد تا پایان ۹۱ نرخ تورم را بانک مرکزی اعلام کند. وی با بیان اینکه اکنون نیز نرخ تورم را تهیه می‌کنیم و به صورت محرمانه برای همه مقامات فرستیم، گفت: از پایان امسال نرخ تورم را مرکز آمار اعلام می‌کند. رییس مرکز آمار ایران در پاسخ به این‌که آیا آمار جدیدی از طبقات مختلف جامعه در مورد هدفمندی دارید؟ گفت: از نیمه دوم سال ۹۰ مسوولیت مسائل مربوط به یارانه‌ها از مرکز آمار جدا و به سازمان هدفمندی منتقل شد و متولی اصلی این سازمان خواهد بود.

نامه‌ی شاهرخ زمانی به عفو بین الملل

از: شاهرخ زمانی
به: سازمان عفو بین الملل
موضوع: مرا بدون هیچ گناهی زندانی کردند
(به من کمک کنید آزادم را بدست آورم)

من برای اثبات بی گناهی و به دست آوردن آزادی سلب شده‌ی خود احتیاج به کمک و حمایت نهاد های بین المللی و وکلایی دارم که بتوانند پرونده مرا در دادگاههای مستقل، علنی و دارای هئیت منصفه مستقل و آگاه به قوانین و حق و حقوق انسانی، حق شرکت وکلا و تحت ریاست قاضی مستقل و با وجدان و شرافتمند دارم. در دادگاه های جمهوری اسلامی ایران به طور عام و در دادگاه های مربوط به من بطور خاص هیچ کدام از اینها وجود نداشت. مرا مانند بسیاری از زندانیان کارگری و سیاسی در دادگاهی محاکمه کردند که طبق اعتراف خود قاضی مستقل نبود، وکیل من حق خواندن پرونده را نداشته است و حتی در دادگاه حق دفاع نداشت، تنها حقی که به او دادند این بود که می تواند در زمان مثلا" بر گذاری دادگاه از درب اوطاق دادگاه به داخل آمده و ساکت روی یکی از صندلی ها بنشیند و بس، در دادگاه محاکمه کننده من یک قاضی وام دار و وابسته و کارمند که از ترس اخراج یا حتی محاکمه خودش تابع تام و تمام دستورات اداره اطلاعات بود، یک منشی دادگاه که فقط کارمند است و حقوق بگیر ارباب که طرف مقابل من می باشد بود، و نماینده اداره اطلاعات و دادستانی که دشمن من بوده و دستور دهنده اصلی دادگاه بوده است. هئیت منصفه وجود نداشت من در دادگاه تنها و تنها در مقابل این همه دشمن و دادگاهی که هرگز قانونی را اجرا نمی کند بلکه از قبل به قاضی بی اختیار کتبا" دستور داده شده بود که مرا به ۱۱ سال زندان محکوم نماید، محاکمه و محکوم شدم. و اکنون ضمن اینکه بی گناه زندانی شدم مرا هر روز به عناوین گوناگون اذیت و آزار می کنند که چرا از قانون حرف می زنی؟ چرا به نهادها و دادگاه های مختلف شکایت می فرستی؟ و به آنها اعلام می کنی که بیگناه هستی هر چند روز یک بار مرا زیر شکنجه های مختلف قرار می دهند و از بندی به بند دیگری یا از زندانی به زندانی دیگر می فرستند و می گویند تو را تنبیه می کنیم تا دیگر دست از شکایت و خواستن حق و حقوق خود برداری، من در چنین شرایطی در بند هستم.

در ذیل این نامه بخشی از جزئیات دستگیری، محاکمه و زندانی شدنم را برای شما ارسال می کنم همچنین به همراه این در خواست و شکایت نامه رونوشت دادنامه ای که رئیس دادگاه علیه من تهیه کرده و مرا بر مبنای مستندات بدون مدرک و سند قید شده در دادنامه ی فوق محکوم کرده است به پیوست ارسال می نمایم امید وارم شما بتوانید در جهت بدست آوردن حق آزادی، به من کمک کنید.

بخشی از جزئیات دستگیری و محاکمه من:

ریاست محترم سازمان عفو بین الملل اینجانب شاهرخ زمانی کارگر نقاش، عضو هئیت موسس سندیکای کارگران نقاش و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری هستم مرا مأموران اطلاعات تبریز در تاریخ 17/3/1390 در شهر تبریز دستگیر کرده و در زندان مرکزی تبریز زندانی کردند.

36 روز در انفرادی تحت سخت ترین اذیت و آزار و شکنجه بودم و مأموران و بازجوها تمام توان و تلاش خود را به کار بستند تا از طریق شکنجه های جسمی و روحی و با تهدید به انواع مختلف اهانتها و توهین به خانواده ام و خردم و شکنجه های سفید اتهامات دروغین آنها را بپذیرم و متون دیکته شده آنها را به عنوان اعتراف به جرم پذیرفته و امضا کنم. چون هیچ جرمی مرتکب نشده بودم تصمیم گرفتم حتی اگر زیر شکنجه های جسمی و روحی کشته شوم، اتهامات دروغین را نپذیرم، بنابراین زیر هیچ کدام از برکه های بازجویی که اتهامات دروغین را مأموران نوشته بودند قبول نکرده و امضا نکردم و برای رها شدن از انفرادی 32 روز دست به اعتصاب غذا زدم با اعتصاب غذا و کمک دیگر دوستانم که توانسته بودند اعتراضات گسترده ای را سازماندهی نمایند مأموران مجبور شدند مرا از انفرادی به بند عمومی انتقال دهند حتی پس از انتقال به بند عمومی باز هم زیر شدیدترین شکنجه ها قرار داشتم، بالاخره پس از 4 ماه شکنجه و آزار و اذیت مجبور شدند بدون اعتراف گیری مرا با اتهامات دروغین به دادگاه ببرند و قاضی دادگاه انقلاب شعبه یک آقای حلمبر خود در دو نوبت اعتراف کرده است که من بیگناه هستم یک بار در دادنامه ای شماره 863-997413490-99

مورخ 06/06/1390 که علیه من تنظیم کرده اعتراف نموده که شاهرخ زمانی تمامی اتهامات را رد کرده است و با استناد به اعترافات غیر مرا به 11 سال زندان محکوم کرده است، و بار دوم در نزد آقای بیوک پور فرید وکیل اینجانب اعتراف کرده است و وقتی وکیل من از ایشان سؤال کرده که آقای قاضی شما با استناد به کدام مدارک یا اعترافات موجود در پرونده به موکل من 11 سال حکم زندان داده اید قاضی حلیمر چند لحظه ای سکوت کرد با سرخ و سفید شدن گفت: من کاره ای نیستم، اداره اطلاعات این طور خواسته است

مرا در تاریخ 27/7/1390 با وثیقه 200 میلیون تومانی موقتاً آزاد کردند و در تاریخ 25/10/1390 مجدداً برای اجرای حکم دستگیر و زندانی کردند.

آقای رئیس چهار دادگاه، طی کمتر از 4 ماه بر علیه من حکم صادر، تأیید و اجرا کردند. یعنی از تاریخ 27/7/1390 تا تاریخ 25/10/1390 دادگاه شعبه یک حکم 11 سال زندان را صادر و دادگاه تجدید نظر شعبه 6 آن را تأیید و همچنین دادگاه شعبه 29 دیوان عالی مجدداً آن را تأیید و دادگاه اجرایی احکام، دستور اجرای حکم را صادر کرده است. من که اصلاً و ابداً جرمی مرتکب نشده ام و حتی اگر جرمی داشتم چگونه ممکن است چهار دادگاه تمام مراحل را فقط طی کمتر از 4 ماه کامل کنند پس از صدور، تأیید و اجرای حکم غیر قانونی و فرمایشی باز هم اداره اطلاعات دست از سر من بر نداشته، این بار با استفاده از سازمان زندانها که آن را نیز زیر سلطه دارد (این گونه مسلط بودن پلیس بر تمامی نهادها و ادارات مصداق انکار ناپذیر پلیسی بودن یک نظام است بنا براین تمامی زندانیان احتیاج میرم به کمک شما دارند.) پس از دستگیری مجدد مرا به مدت دو ماه در بند قرنطینه که از بدترین، کثیف ترین و محدود ترین بند زندان است نگهداشتند. باز به اجبار دست به اعتصاب غذا زدم، پس از 15 روز اعتصاب غذا مرا به بند مالی منتقل کردند. در آنجا نیز دست بر دار نبودند و با استفاده از عوامل خود باعث بی نهایت انیت و آزار می شدند. وقتی متوجه شدند که من توانستم با برخورد انسانی و برقراری دوستی با دیگر زندانیان توطنه های آنها را در مورد ایجاد درگیری خنثی کنم مرا به بند 15 متادون تبعید کردند. بیشترین زندانیان این بند معتاد های با دوز بالا هستند که تعدادی از آنها غیر از بیماریهای مربوط مستقیم به اعتیاد، و فریاد و آه و ناله های دائمی که بند را غیر قابل زیست کرده است به ایدز، هپاتیت و قانقاراً نیز مبتلا می باشند. من برای قاضی حلیمر نامه ارسال کردم و از قاضی مستقر در زندان خواستم از این عمل غیر قانونی جلوگیری کنند و از رئیس زندان که آقای استادی بود درخواست رسیدگی کردم، او گفت این دستور از طرف قوه قضاییه و سازمان زندانها نیست بلکه دستور اداره اطلاعات است، من گفتم پرونده متهم پس از صدور حکم طبق قانون باید از دست پلیس خارج شود رئیس زندان گفت زندانیان سیاسی دائماً تحت مسئولیت وزارت اطلاعات هستند. در ایران هیچ قانونی اجرا نمی شود و زندانیان سیاسی هیچ گونه حق و حقوقی حتی حقوق زندانیان عادی را نیز ندارند. مسئولین نظام حکومت ایران همیشه اعلام می کنند ما زندانی سیاسی نداریم تا در خلاء قانونی در رابطه با موضوع سیاسی ما را از هرگونه حقی محروم کنند. اما در داخل زندان برای ایجاد محرومیت بیشتر، بدون قید کردن در پرونده ها ما را سیاسی می گویند تا از هر گونه حقوق زندانی عادی از جمله مرخصی، عفو عمومی بدون شروط خاص، کار در زندان یا بیرون، بند مجزا برای سیاسی ها، ملاقات های منظم و... نیز محروم شویم، همه این اعمال غیر قانونی و ضد انسانی با سیاست یک بام دو هوا توسط تمامی مسئولین رده بالا صورت می گیرد.

همین زمان کوتاه و اعتراف قاضی حلیمر نشان می دهد که هر 4 دادگاه بدون بررسی پرونده و بدون توجه به نبود هیچ مدرکی علیه من تمامی دادگاههای فوق به دستور اداره اطلاعات، اطاعت امر کرده اند بنابراین هیچ کدام از دادگاههای فوق در مقابل پلیس و نظامیان استقلال ندارند در نتیجه حق محاکمه مرا نداشته اند در این راستا حکم صادر شده کاملاً غیر قانونی و غیر انسانی است و من تقاضا دارم هر چه زودتر برای رسیدگی به شکایت و پرونده ام افرادی را مأمور کنید تا من بتوانم حق پایمال شده خود را به دست آورم.

آقای رئیس لازم به ذکر است که پس از دستگیری مجدد من در تاریخ 25/10/1390 برای اجرایی احکام مانند دوره قبل تلاش کردند با سو استفاده از زندانیان دیگر مرا مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار دهند، در دوره دوم دستگیری پس از انتقال از قرنطینه، مرا هر هفته به یک بند منتقل می کردند و با تحریک زندانیان می خواستند مرا مجبور به درگیری کرده و در نتیجه جانم را به خطر بیندازند و البته هنوز هم به طور دائم جانم در خطر است و هر روز به نوعی تهدیدهایی به کار می برند.

بعد از گرداندن من در بندهای مختلف زندان مرکزی تبریز به من گفتند چون تو به دادگاهها و نهادهای مختلف از دست اداره اطلاعات و قاضی دادگاه شکایت می کنی ما هم تو را بیشتر و بیشتر تنبیه می کنیم و برای اینکه من نتوانم از حق قانونی خودم استفاده کرده و برای به دست آوردن آزادی که در مقابل هیچ گناهی از من سلب شده است به نهادها و دادگاههای مختلف شکایت کنم مرا در تاریخ 7/3/1391 به زندان مرکزی یزد تبعید کردند این تبعید حتی بدون دستور قاضی بود. حدود دو ماه در یزد به صورتهای مختلف باعث آزار و اذیت من و خانواده ام که برای دیدن من می آمدند شدند بالاخره پس از دو ماه زندان یزد به دلیل شکایتها و اعتراضات خودم و خانواده ام به نهادهای گوناگون و اعتصاب غذای مجدد و به دلیل اینکه هیچ دستور قضایی برای نگهداری من در زندان مرکزی یزد نبود مجبور شدند در تاریخ 14/5/1391 مرا به زندان تبریز برگردانند و در حال حاضر مرا در بند متادون زندان مرکزی تبریز که چهار برابر ظرفیتش در آن زندانی نگهداری می شود و زندانیان اکثریت قریب به اتفاقشان بیماریهای خطرناک مسری مانند ایدز، قانقاریا و... دارند نگر می دارند. هر روز در این بند خطر مرگ ما را تهدید می کند و طی دو ماه اخیر تماسهای تلفنی مرا قطع کرده اند و نامه های مرا به خانواده ام، نهادها و دادگاهها نمی دهند و مأموران اداره اطلاعات دهها بار پدر، مادرم، دختر و خواهرانم را به انواع مختلف تهدید کرده اند. آنها را تهدید می کنند که چرا به ملاقاتش می روید؟ چرا می گویند شاهرخ بی گناه است؟ آنها را تحت فشار قرار می دهند که از شاهرخ بخواهید از دادگاه و اداره اطلاعات شکایت نکنند، به آنها می گویند شاهرخ را و ادار کنید حکم 11 سال را بپذیرد و ادعای بی گناهی نکند. حتی خانواده ام، بخصوص مادرم را به دستگیری، محاکمه و زندان تهدید کرده اند، آنها نیز بسیار ترسیده اند چون در ایران هزاران بار چنین اعمال غیر قانونی که پلیس پدر یا مادر را به جای فرزند یا فرزندانش را به جای پدر و مادر گروگان گرفته باشند بارها اتفاق افتاده است. مثلاً همین طی چند ماه اخیر مادر بهکیش ها را زندانی کردند که شش فرزندش را در دهه شصت اعدام کرده اند و اکنون او را تهدید می کنند که چرا پرونده فرزندانش بی گناهت را دنبال می کنی، از این نمونه ها بسیار زیاد است.

مرا از هر گونه حق و حقوقی که همه زندانیان باید داشته باشند محروم کرده اند.

افرادی که دچار سرنوشت مشابه سرنوشت من شدند در زندانهای جمهوری اسلامی تعداد بسیار زیادی هستند که همه ای آنها احتیاج به حمایت و کمک های نهاد های بین المللی از جمله شما دارند.

لطفاً به شکایت من رسیدگی کنید.

با تشکر شاهرخ زمانی

زندان مرکزی تبریز بند 15 متادون

9/6/1391

موانع فعالیت اقتصادی زنان و تجربه های یک زن کارآفرین

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در تاریخ 9 شهریور آمده است: فاطمه دانشور، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران و رییس کمیسیون اخلاق و کسب و کار و مسوولیت اجتماعی اتاق بازرگانی ایران، درباره فعالیت های اقتصادی زنان و تجربه های خود با خبرنگاران گفت و گو کرده است.

با وجود اینکه روزهای زیادی از شگفت بودن خبر حضور زنان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی می گذرد اما باز هم این موضوع جذابیت های خاص خودش را به دنبال دارد. همین موضوع سبب شد تا این گفت و گو با فاطمه دانشور انجام شود. درست در روزهای واپسین شهریور سال گذشته او به عنوان رییس کمیسیون اخلاق کسب و کار و مسوولیت اجتماعی شرکت های اتاق ایران انتخاب شد.

این نخستین بار بود که در مناسبات ساختاری اتاق ایران چنین اتفاقی افتاد. از این رو برخی ناظران و کارشناسان این انتخاب را محصول تغییر و تحول در شاکله هیات ریسه پارلمان بخش خصوصی می دانند. وی در این گفت و گو که در نخستین روز شهریور سال جاری انجام شده، از حضور زنان در عرصه تجارت سخن گفته است. او اعتقاد دارد زن ها به دلیل عاملی به نام «ترس» حضورشان در عرصه تجارت چندان بازتاب نداشته است. متن کامل این گفت و گو را در ادامه خواهید خواند:

حتی حالا هم که به دفعات شاهد حضور «زن» ها در عرصه تجارت و فعالیت های اقتصادی هستیم و گفت و گو هایی در رابطه با عملکرد آنان در عرصه اقتصاد منتشر شده است باز هم برای بسیاری این موضوع جذاب و تا حدودی باور نکردنی به شمار می آید. علت آن را در چه چیزی می توان جستجو کرد؟ آیا سیستم اقتصادی ما آنقدر ضد زن است که حضور آنها در این عرصه همواره خبر سازی می کند؟

به نظر من باید ریشه این داستان را در زمین فرهنگ جستجو کرد. تجارت زنانه و مردانه ندارد و هر دو جنسیت می توانند وارد آن شوند. اینکه چرا زن ها دیر تر و کم تر وارد عرصه تجارت می شوند به دلیل محدودیت هایی است که فرهنگ ایجاد کرده است. من در حال حاضر در سمینارهای مختلفی که سخنرانی می کنم شاهد این هستم که نامه های زیادی از سوی زن ها به دستم می رسد. نخستین بار در سال 87 در گفت و گو با یک مجله خانوادگی، زندگی خودم را شرح دادم. 1300 نامه پس از انتشار آن گفت و گو از اقصی نقاط ایران به دست من رسید که اکثر ارسال کنندگان نامه ها خانم بودند و بخشی هم شامل جوانان بود. خانم هایی که گویی تشنه دانستن بودند. خانم هایی که انگار روزنه امیدی جایی درخشیده است و آنها می توانند موفق شوند شروع کرده بودند در نامه هایشان در رابطه با محدودیت هایی که پدر هایشان، برادران شان و همسران شان ایجاد می کنند که حتی بخواهند بروند یک دسته چک عادی بگیرند. حتی مانع از این می شدند که شرکتی را با سرمایه ای آنک به ثبت برسانند. کاری که من کردم این بود که تعداد گفت و گو های خودم را با این خانم ها بیشتر کردم. برای آنان نشست هایی گذاشتم و شروع به گفت و گو کردیم. سال 1388 من جلسه ای با تعدادی از این خانم ها به همراه همسر هایشان داشتم. در حال حاضر و در سال 91 همسران آنها به من گفتند: «ما فکر نمی کردیم خانم های ما اینقدر استعداد داشته باشند و توانمند باشند.»

من در گفت و گو های سال 88 به همسران خانم هایی که با آنها گفت و گو کرده بودم را متقاعد کردم که اجازه بدهند تا خانم های شان کسب و کاری را راه اندازی کنند. آنها کسب و کاری را راه انداز کرده بودند و برای من امسال بسیار شیرین بود که مردها می گفتند ما توان زن ها بمان را تازه کشف کردیم و تازه فهمیدیم که به طور مثال چه مهارتی در بازاریابی، مدیریت داخلی شرکت و دارند. می خواهم بگویم که زن ها فی الذاته یکسری مهارت هایی را دارند. من همیشه این را گفتم که ماهیت زن به زایش و تولید نزدیک است. جدی ترین کار یک زن زایش است و جدی ترین کار یک مرد کشتن است. این یک واقعیت است. تمامی کار های ما که ماهیت تولیدی دارد اتفاقاً به روحیه و ماهیت زن نزدیک تر است. خودتان مشاهده کردید که کارهای تولیدی که خانم ها مدیریت می کنند به طور مثال بسته بندی های قشنگ تری دارد، حوصله بیشتری دارند و دقت بیشتری دارند. یعنی در برخی موارد فی الذاته یکسری توان مندی های آنان خاص تر است. خانم ها به دلیل محدودیت هایی که داشتند و هنوز هم وجود دارد یک عاملی در زنان ما به نام «ترس» رشد کرده است که ریشه در دوران کودکی و تربیت دختران ما دارد. ما در کودکی وقتی از ادبیات کلامی استفاده می کنیم و می گوئیم: «پسر زرنگم، دختر قشنگم». با این ادبیات داریم پسر های مان را به سوی انجام کار های بزرگ سوق می دهیم تا برود رانندگی کند، اسکی بازی کند، دوچرخه سواری کند و اقدام هایی از این دست را انجام دهد. در مقابل با به کار گیری «دختر قشنگم» داریم به دختر مان می گوئیم آینه دستش بگیرد و به چهره اش برسد. یا اینکه پسر مان زمین می خورد دستش را می گیریم و بلندش می کنیم اما اگر دختر مان سوار بر دوچرخه باشد و زمین بخورد به او می گوئیم دوچرخه سواری کار تو نیست. همین عوامل و این ادبیاتی که به آن اشاره کردم سبب می شود تا عامل ترس از دوران کودکی در زنان ریشه کند. این «ترس» مانع از این می شود که ریسک پذیر شوند.

یعنی دقیقاً اعتقاد دارید به این طریق موردی که در کسب و کار و تجارت نکته ای کلیدی به حساب می آید که همان ریسک پذیری است در آنها شکل نمی گیرد؟

دقیقاً همین طور است. صد در صد یکی از الزامات تجارت و کسب و کار «ریسک پذیری» است. این عامل ترس مانع از ریسک پذیری می شود و روانی است. این موضوع به صورت طبیعی و در جریان تربیت زنان به وجود می آید. عده ای دیگر از آنها خود ساخته اند، عده ای دیگر خودشان روحیه مقاوم دارند و یا اینکه عده ای از آنها در خانواده ای هستند که کم تر از این نوع ادبیات به

کار گرفته می شود.

قاعدتا شما هم در گروه سوم قرار می گیرید؟

خود من در یک خانواده خیلی سنتی بزرگ شدم ولی پدرم همیشه نقش حمایت گر داشت. به خاطر دارم تنها قصد داشتم به سفر چین بروم و باید دو هفته آنجا می ماندم. به دلیل همین سفر دو هفته ای که قرار بود تنها بروم کل فامیل ارتباطش را با پدر من قطع کرد که چطور اجازه داده است دختر او یک سفر خارجی تنها برود. خیلی تعصب به قضیه داشتند. پدر من از این اقدام من حمایت کرد و گفت من به دخترم اطمینان خاطر دارم. آن سفر در پیچه ای از موفقیت و راه ها را پیش روی من باز کرد. اگر پدر من به مانند اقوام خود تعصب های قومی و فرهنگی مان را در رابطه با من جاری می کرد قطعاً به اینجا نمی رسیدم. بنابراین بخشی از عدم پیشرفت زنان را می توان در محدودیت های فرهنگی جست و جو کرد که ریشه در خانواده دارد. بعد می آیی و وارد جامعه می شوی؛ وقتی وارد جامعه می شوی مشاهده می کنی باز در گفت و گو های دانشگاهی اساتید به ما می گفتند که دختران پس از فارغ التحصیلی باید کارشناس و یا مشاور شوند و پست های مدیریتی در اختیار آقایان قرار بگیرد.

واقعا همین طور هم بود؟

بله. من لیسانس مدیریت بیمارستانی دارم و فوق لیسانس مدیریت بازرگانی دارم. تمام پست های مدیریتی را به آقایان می دانند و خانم هایی که به لحاظ و معدل بالاتر بودند این امکان را نداشتند. در بانک ها هم می توان نمونه این موضوع را مشاهده کرد. خانم هایی که رشته مدیریت بانکداری خوانده اند چند درصد شان ریاست شعب بانکی را بر عهده دارند. خانم ها بیشتر در بخش کارشناسان بانکی در شعب مشغول به کارند و من تا کنون رییس شعبه بانکی را ندیده ام که زن باشد.

یعنی می خواهید بگویید بر اساس شایسته سالاری مدیران انتخاب نمی شوند و صرفاً جنسیت آنها در اولویت قرار می گیرد؟
وقتی که فرد به عنوان یک زن وارد دانشگاه می شود و درس اش را به پایان می برد با یک دیوار مواجه می شود و به او می گویند به دلیل جنسیتی که داری نمی توانی مدیر شوی. این موضوع ادامه دارد.

ادامه آن در شاخه فعالیت های شما چگونه است؟

وقتی وارد بازار کسب و کار می شوی قاعدتاً باید برای دریافت دسته چک به بانک مراجعه کنید. در این حالت مشاهده می کنید که برای شما مانع تراشی می کنند. مخصوصاً در شهرستان ها این مانع تراشی ها بیشتر است. این موانع را مرد ها ندارند. طبیعی است هر کسی که وارد بازار کسب و کار می شود در تجربیات نخست ممکن است شکست بخورد. شکست یک زن برای خانواده و اطرافیان قابل قبول نیست ولی اگر شکستی برای یک مرد به وقوع بپیوندد همه دور آن جمع می شوند تا این شکست را طی کند. چرا که اعتقاد بر این است که یک پسر باید وارد کسب و کار شود. قدیم ها پدر بزرگ های ما می گفتند پسر ها باید یک کسبی را یاد بگیرند و این ادبیات گفت و گوی آنها بود اما در رابطه با دختر ها بیان نمی کردند که دختران هم باید کسبی یاد بگیرند. نهایت ارفاقی که به دختران می شد « تحصیلات » بود. در حال حاضر هم خیلی جا ها می خونم آمار حضور دختران در دانشگاه بالا رفته است. درست است که مشارکت زنان در حوزه تحصیلات بالا رفته است اما این موضوع در بحث کسب و کار علامت منفی است. یعنی اینکه دختران ما حضور در دانشگاه را به حضور در بازار کسب و کار ترجیح داده اند. در مقابل پسران ما حضور در بازار کسب و کار را به حضور در دانشگاه ترجیح می دهند. در بسیاری از افراد مشاهده می کنم که در صحبت هایشان از موضوع آمار بالای قبولی دختران در دانشگاه اینگونه تعبیر می کنند که انگار دختر های ما توانمند تر و باهوش تر از پسران ما بودند که رفتند و کرسی های دانشگاه را به دست آوردند. اما اینگونه نیست و پسران ما به سراغ بازار کسب و کار رفتند و اصلاً در آزمون ورودی دانشگاه شرکت نکردند.

چرا دختران ما کم تر جذب بازار کسب و کار می شوند؟

ترس. اگر در رابطه با این موضوع علت یابی کنید به « ترس » می رسید.

چرا ترس؟

عوامل فرهنگی سبب شکل گیری این « ترس » می شود. خود من وقتی وارد بازار کسب و کار شدم و در شرکتی به مشکل بر خوردم می رفتم با رییس بانک صحبت کنم، به من گفت: « برو مردت رو بر دار بیار. » این فرد که از مدیران شناخته شده بانک توسعه صادرات بود در حالی این جمله را به من گفت که من سهام دار عمده شرکت بودم و مدیرعاملی شرکت بر عهده خودم بود و رفته بودم برای بازپرداخت اقساط زمان بگیرم. وقتی به من گفت: « برو مردت رو بیار » ، چون از این حرف ها در جامعه زیاد شنیدم نشکستم. با اینکه برای نخستین بار برای خرید به فولاد مبارکه اصفهان رفته بودم تمام هیات همراه من را راه دادند و من که یک زن بودم راهم ندادند خواهی، خواهی سه تابلو در ذهن من نقش بست؛ کشیدن سیگار ممنوع، آشغال ریختن ممنوع و ورود زنان ممنوع. برای چی ما باید این قدر تحقیر شویم؟ مگر قرار است جنسیت من داخل چه کاری کند که مانع ورود من به داخل شدند؟ این برخورد خیلی تحقیر آمیز بود که زن ها نمی توانند وارد محوطه فولاد مبارکه شوند. خیلی از این نمی توانند ها در بسیاری دیگر از مکان ها وجود دارد. به طور مثال در رابطه با اسکله شهید رجایی دو روز لازم بود نامه نگاری شود تا من وارد محوطه شوم ولی کارمند های من از همان لحظه نخست وارد شدند. این محدودیت ها تعدادش زیاد است و می توانم آنها را بشمارم. این محدودیت ها سبب می شود زن ها دیر تر به مقصد برسند.

بخش گفته های شما در رابطه با ریشه های فرهنگی این موضوع را می پذیرم اما فقط همه چیز را نمی توان گردن ریشه های فرهنگی و ترس انداخت. قبول ندارید اتحاد یک حرکت جمعی به شکلی پایدار در میان خود زنان در حوزه کسب و کار به چشم نمی خورد؟
جاهایی هم بوده است که توانسته اند در حوزه کسب و کار رویداد هایی را به ثبت برسانند. تعداد آنها کم بوده است چون از لایه های محدودیت هایی که جامعه برای شان گذاشته است به سختی عبور می کنند. به طور مثال در بخش خیریه ها مشاهده کنید. خیریه بزرگی

مانند محک را یک زن راه اندازی کرد که بعد ها جایزه بانک توسعه اسلامی را هم ایشان گرفتند. یا اینکه خیره بزرگ دیگری مانند کهریزک را هم یک خانم به این وضعیت رسانده است. در خیره ها و N.G.O ها زن ها حضور خوبی داشتند اما در حوزه اقتصاد نتوانستند حضور خوبی داشتند. در حوزه های کلان اقتصادی حضور زنان کم رنگ است. به نظر من زن و مرد می توانند کار اقتصادی انجام دهند اما مشکل « فرهنگی » است. من شاید ماهی ۵۰۰ تا ۶۰۰ خانم باشند که با آنها هم صحبت می شوم اکثرا می ترسند از اینکه چک هایشان برگشت بخورد و همسرشان کار را به جدایی بکشاند.

باور کنید آنقدر ها که شما می گوئید شرایط بسته نیست. این روزها به نظرم خیلی از مرد ها بیشتر از این موضوع رنج می برند و زن ها حضور پررنگ تری هم لا اقل در لایه های رویی دارند. این موضوعی است که به وفور قابل مشاهده است و می توان نمونه های عینی زیادی را هم مطرح کرد. قبول ندارید؟

یک حالت نگرانی از خانواده را مرد ها بهتر می توانند کنترل کنند. این شخصیت های درونی مرد را قبول دارم اما در رابطه با حضور زنان در کسب و کار امروز در سال ۱۳۹۱ داریم با همدیگر گفت و گو می کنیم. شواهد امر حکایت از حضور زنان در عرصه های اقتصادی دارد اما به نظر خودشان تمایل درونی شان چندان به این موضوع نیست. تحلیل شما چیست؟

در حوزه کسب و کار مردی که به مشکل بخورد و بخواهد برود زندان را هیچ کس مواخذه نمی کند اما زنی که در عرصه کسب و کار شکست بخورد و بخواهد راهی زندان شود مورد سرزنش همگی قرار می گیرد.

اصلا چرا نباید یک روند حرکتی مناسب با تدبیر باشد که نتیجه آن زندان نباشد؟

شما در حال حاضر به نوسان های اقتصادی در جامعه نگاه کنید، پر از ریسک است. به طور مثال من می آیم امروز بر اساس نرخ ارز کنونی کالا وارد می کنم و چک هایم را هم بر همان اساس می کشم اما به یکباره رقم ها دو یا سه برابر می شود و من نمی توانم تعهد های مالی ام انجام دهم. در این شرایط فعال اقتصاد در شرایط ریسکی می افتد که باید مدیریت کند. اتفاقا زنی که صاحب همسر و خانواده است در این شرایط همسرش باید او را همراهی کند نه اینکه بترسد. یک موضوع جالب بگویم و آنهم اینکه با بسیاری از خانم هایی که من ارتباط دارم و به مشکل خوردند، متوجه شدم که فعالیت اقتصادی شان را از همسر هایشان پنهان کردند. این یک ضعف است و نباید اینطور باشد.

یعنی در یک جمع بندی به نظر شما ترس باعث عدم حضور زنان در عرصه تجارت و اقتصادی است؟ عوامل زیادی در این رابطه نقش دارند که مهم ترین آنها « ترس » است. عامل دیگر « نا آگاهی » است. من اعتقاد دارم چون فرصت های کار برای آقایان بیشتر بوده است بسیاری از مهارت های تجارت را آنان به طور تجربی یاد گرفتند. به طور مثال یکی از مهم ترین موارد در تجارت فنون مذاکره است. اینکه بتوان با مشتری مذاکره کرد. مرد هایی که در کنار مدیران قدرتمند این فنون را تجربه کردند بعد ها آمدند و در کارشان پیاده کردند اما این فرصت برای زنان نبوده است که بیایند و در کنار مدیران رده بالا قرار بگیرند و فنون مذاکره را بلد باشند. تعدادش بسیار کم است. رفته رفته باید این موضوع بهتر شود ولی یکسری قوانین بازدارند از سوی نهاد های سیاست گذار وضع می شود که این روند را با مشکل مواجه می کند.

ولی به نظر من جامعه این موضوع را نمی پذیرد. علت آن هم می توان به سادگی مطرح کرد. به طور مثال در همین آغاز به کار دولت دهم سه زن از سوی رییس جمهوری به عنوان وزیر پیشنهادی به مجلس معرفی شدند که در نهایت یکی از آنان هم در حال حاضر در راس وزارت بهداشت فعالیت می کند. بنابراین نمی توان گفت نهاد های سیاسی مخالف این موضوع هستند. تحلیل شما از این ماجرا چیست؟

اما مشاهده می کنیم انتخاب رشته معدن برای زنان ممنوع است. این دارد به زن ها می گوید نمی توانید. ولی من به عنوان یک مثال عینی می توانم بگویم که به عنوان یک زن وارد فعالیت های معدنی شدم و در آن هم موفق بودم. در بین تمام مرد های معدن کار دین خودم را نسبت به اجتماع بیشتر ادا کردم.

اشاره کردید به لحاظ فرهنگی سالیان متمادی حضور زنان در عرصه تجارت برای تان تعریف نشده بود. حالا پس از اینکه به عنوان یک زن وقتی وارد سیستم اقتصادی قرار گرفتید و در مقابل سر فصل هایی قرار می گیرید که دغدغه تان نبوده است چه احساسی دارید؟

آزاد دهنده است اما آدم هم ویژگی خاصی دارد که باید برای آن به خداوند تبریک گفت بابت این خلقتی که کرده است. انسان روحیه عادت پذیری دارد و ذهنی که خداوند به عنوان سرمایه به آدم ها داده است می تواند برای هر محدودیت و مشکلی راهکاری پیدا کند.

به یک عدم اقبال عمومی که ریشه در فرهنگ ما دارد اشاره کردید اما به هر حال بسیاری از زن ها در حال حاضر فعالیت اقتصادی می کنند. راهکار شما به عنوان یک نمونه موفق برای این موضوع چیست؟

راهکار این است که ابتدا آدم بتواند باور هایش را تقویت کند. باوری را در خودش ایجاد که می تواند از عهده سختی ها بر بیاید. قبل از توانستن خواستن است که آدم بخواهد در شرایط اقتصادی قرار بگیرد و مسئولیت تمامی اشتباه هایش را به عهده بگیرد. یک قدرتی می خواهد که انسان ابتدا باید آن را برای خودش جا بیاندازد. یعنی برای فرد جا بیافتد که می خواهد یک کارآفرین و ثروتمند باشم. در مسیر حرکت ممکن است فرد به مشکل بخورد یا اینکه اشتباه کند. باید مسئولیت این اشتباه پذیرفته شود. استقامت، پایداری و صبر آیم هایی است که کارآفرینان موفق همیشه داشته اند. کارآفرین همیشه باید روی روحیه خودش کار کند چرا که بیشترین فردی که مقابل لشکر بلا ایستاده است خود کارآفرین است. اگر کارآفرین نتواند در جلو محکم بیایند تمام کارمند ها و کارگران او آسیب می خورند. من نشستی با این ورشکسته های اقتصادی داشتم و به آنها گفتم: « همیشه پشت میز های تان بنشینید، به موبایل هایتان جواب دهید و لبخند بزنید. »

به هر حال زیاد هم نمی تواند لحظه لبخند برانگیزی باشد چون به هر حال نهاد های قضایی می آیند و فرد را می برند؟ ایراد ندارد. فرار کردن بد تر است. من توانسته ام بحران های مالی چند میلیاردری را با پشت میز قرار گرفتن و تلفن جواب دادن و فن مذاکره از سر بگذارم. فن مذاکره بسیار مهم است. اینکه چطور طرف مقابل را متقاعد کنی به حرف هایی که می زنی. مهم تر از همه این ها توکل به خداست. آدم باید یکسری ویژگی هایی را داشته باشد سپس به خدا توکل کند. من این موضوع را به صورت تجربی دیدم که خداوند انسان ها را از بحران هایی عبور می دهد. قدرت خداوند را هم نباید نادیده گرفت. من تمایل دارم راجع به موضوعی در اینجا صحبت کنم که مشاهده نکردم جایی پیرامون آن گفت و شنود شود و آن هم « هوش آدم ها » است. راجع به هوش آی کیو و ای کیو زیاد صحبت شده است اما در رابطه با هوش معنوی کسی حرفی نزده است. افرادی که هوش اول و دوم را داشته باشند و در کنار آن هوش معنوی هم داشته باشند بسیار موفق هستند. من می گویم این افراد نه تنها می توانند به موفقیت برسند که بلکه می توانند معجزه کنند. معجزه فراتر از موفقیت است. موفقیت را می شود تصور کرد اما معجزه فراتر از آن است. این موضوع هم در رابطه با افرادی که هوش معنوی دارند اتفاق می افتد.

ویژگی آنها چیست؟

این افراد به هیچ وجه دچار تکبر نمی شوند و متواضع هستند. استقامت بالایی دارند و همیشه به دیگران فکر می کنند. این به دیگران فکر کردن جایی است که بحث مسئولیت اجتماعی را باز می کند. به دیگران فکر کردن سبب می شود که یک قدرت عجیبی شما را از کائنات حمایت کند. آن قدرت زاینده خلقت خداوند است و شما نمی توانید آن را انکار کنید. شامل افرادی است که در این فرمول جای بگیرند. این فرمول قسمت مهمش کمک به دیگران است.

جان باختن 5 کارگر ساختمانی اهل شهرستان کامیاران

به گزارش رسیده، در تاریخ 8/6/1391 پنج کارگر ساختمانی با نامهای منصور کوپیک، امین کوپیک، عمر کوپیک، انور کوپیک و افشار کمانگر در حین بازگشت از محل کار در مسیر کرمانشاه به کامیاران بر اثر تصادف جان باختند. لازم به ذکر است که کارگران مذکور در داخل یک دستگاه خودرو سواری پژو بودند که بر اثر تصادف با یک دستگاه کامیون کمپرسی جان باختند و کلیه نامبرده گان متاهل بوده و صاحب همسر و فرزند می باشند.

کمیته ی هماهنگی ضمن ابراز تسلیت به خانواده ی این کارگران، نبود شرایط ایمنی و استاندارد در محیط های کار را عامل این گونه حوادث برای کارگران می داند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

10 شهریور ماه 1391

در مراسم گرامیداشت

کشته شدگان زلزله هرچه گسترده تر شرکت کنیم

بر اثر زلزله آذربایجان شرقی بسیاری از ساکنان شهرهای ورزقان، اهر و روستاهای اطراف کشته شده، بسیاری زخمی و هزاران نفر بی خانمان گشتند. به مناسبت گرامیداشت کشته شدگان و ابراز همدردی با بازماندگان مراسمی در شهر تبریز روز یکشنبه مورخ 12 شهریور 1391 از ساعت 16 الی 18 برگزار خواهد شد.

ما امضا کنندگان زیر از کارگران، دانشجویان، زنان و مردان و جوانان آگاه و فعال می خواهیم در این مراسم فعالانه شرکت کنند. با شرکت خود در این مراسم ضمن این که تسلاهی خاطر خانواده و هم وطنان باشند، در همین حال رنج و مشکلات مردم دچار زلزله را که هم اکنون بی خانمان و در سرما مانده اند به گوش همه برسانند. از مردم شریف و نوع دوست بخواهند برای رفع مشکلات این عزیزان هرچه گسترده تر و متحد تر دست به اقدامات عملی بزنند. بگویند که هر روز هوا سردتر می شود در نتیجه مشکلات بی خانمانی صد چندان می گردد.

تا دیر نشده باید با هدف بر طرف کردن مشکل اسکان زلزله زدگان متشکل شده و با برنامه های دقیق دست به کارهای عملی بزنیم.

امروز ضمن اینکه ابراز همدردی و غمگین بودن از نظر روحی تسلاهی خاطر است اما بیشتر از آن و بیشتر از اشک ریختن، حمایت های عملی و کمک های مادی مورد نیاز هم وطنان است.

کارگران، دانشجویان و جوانان آگاه:

باید با سازماندهی دقیق و متناسب با شرایط ایران اقدام به هدایت و رهبری نیروها و پتانسیل عظیم کمک های مردمی به سو زلزله زدگان کنید. با اطمینان می توان گفت اگر مردم بدانند از طریق کارگران، دانشجویان و جوانان فعال و آگاه کانال مطمئینی به وجود آمده است، دریای بی کرانی از کمک های مردمی به سمت زلزله زدگان سرا زیر خواهد شد. شما به طور عاجل این اطمینان را به هم وطنان بدهید، سپس به بینید که خلق های ایران هرگز هموعان خود را تنها نمی گذارند. بدون ترس و واهمه و هر چه سریعتر دست به کار شوید از این که شما را دستگیر و زندانی کنند نهراسید، اقدامات شما هر چه گسترده و توده ای تر شود به همان اندازه دستگیری شما کمتر خواهد شد.

کارگران ، دانشجویان و جوانان آگاه :

عرصه حمایت و کمک رسانی به هموطنان زلزله زده، عرصه گسترده ای جهت محک زدن میزان نوع دوستی ، آگاهی و توانایی های برنامه ریزی و اجرایی شما است. که امکان انجام وظایف انسانی و کسب تجربیات لازم برای انجام کارهای بزرگتر را پیش روی شما قرار داده است. در نتیجه با اقدامات دقیق، ضمن انجام وظایف انسانی ، در قبال هم وطنان زلزله زده ، خود را به دانش و توانایی بیشتر سازمانیابی و سازماندهی مجهز کنید.

ما ضمن گفتن تسلیت و ابراز همدردی با بازماندگان ، از تمامی مردم می خواهیم در مراسم روز یکشنبه شرکت کنند و در این مراسم خواستار آزادی بدون قید و شرط جوانانی باشند که برای کمک رسانی به زلزله زدگان در منطقه ورزقان و اهر کمپ های کمک رسانی بر پا کرده بودند، که توسط ماموران جمهوری اسلامی با اتهامات دروغین دستگیر شده اند.

ضمن عرض تسلیت به شما خانواده کشته شدگان و هم وطنان امیدواریم ابراز همدردی مارا بپذیرند.

زنداد مرکزی تبریز

شاهرخ زمانی و محمد جراحی

11/6/1391

به یاد داشته باشیم که مردم متحد هرگز شکست نمی خورد

اشتغال ۵ میلیون نفر به صورت روز مزد و بدون بیمه

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 11 شهریور آمده است: برآوردها حاکی از اشتغال ۵ میلیون نیروی روزمزد در کشور است که از هیچگونه حمایت قانونی از قبیل بیمه و حقوق مشخص برخوردار نیستند و روابط در این بخش عموماً طبق عرف بازار کار شکل می گیرد.

به گزارش مهر، کارگر روزمزد؛ نیروهایی هستند که صرفاً به میزان روزهایی که کار می کنند مزد دریافت می کنند و از کلیه حمایت های جانبی قانون کار اعم از بیمه، سنوات، عیدی، پاداش، گروه، رتبه، اضافه کاری، حقوق ثابت و مواردی از این دست محروم هستند.

تاکنون هیچگونه آمار روشنی از وضعیت نیروهای روزمزد کشور منتشر نشده است و اگر چنین بررسی هایی نیز در مرکز آمار ایران انجام شده، نتایج آن مشخص نشده و در اختیار عموم قرار نگرفته است اما طبق گزارش سال گذشته سازمان خصوصی سازی حداقل ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر کارگر در کشور به صورت روزمزد مشغول به کار هستند که البته این میزان به گفته مقامات کارگری کشور تا ۵ میلیون نفر نیز قابل افزایش است.

حمید حاج اسماعیلی، در گفتگو با مهر با بیان اینکه بیشترین میزان روزمزدان کشور در بخش های خدمات و ساختمان فعالیت دارند، گفت: با اینکه این گروه ها از عیدی، پاداش، سنوات و بیمه نیز برخوردار نیستند؛ اما به دریافت حقوق های روزانه خود راضی هستند.

این فعال کارگری با بیان اینکه دولت مدعی آسیب زدن نیروهای فاقد شناسنامه به بازار کار هستند، ادامه داد: با این حال، تعداد کارگران روزمزد در کشور افزایش یافته و اغلب نیز در بخش های خدماتی مشغول به فعالیت هستند. افزایش ثبت شرکت های خدماتی در سال های اخیر به این روند دامن زده است.

وی خاطر نشان کرد: ممکن است به دلیل افزایش سطح دستمزدها در مشاغل مانند ساختمان سازی نیروهای روزمزد در مواردی دریافتی های مناسبی را نیز داشته باشند، اما دولت نتوانسته است در این زمینه ورود جدی و مناسبی به منظور نظارت و ساماندهی نیروی کار داشته باشد و می بینیم که امروز نیروهای کار غیرمجاز خارجی به راحتی در کشور تردد و اشتغال دارند. نماینده سابق کارگران در هیئت حل اختلاف، گفت: اینکه هیچ دستگاهی در کشور خود را متولی نیروی کار نمی داند باعث می شود تا ما امروز هیچگونه آماری از وضعیت اشتغال نیروهای روزمزد و حقوق و دستمزدهای آنها نداشته باشیم. این فعال کارگری تصویب دستمزد روزانه ۱۲ هزار و ۹۹۰ تومانی برای مشمولان قانون کار را در مورد نیروهای روزمزد ناکارآمد و غیرقابل اجرا دانست و گفت: امروز کارگران روزمزد شاغل در ساختمان سازی ها بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان در هر روز مزد دریافت می کنند.

کارگران شرکت سپهر دیزل به مرخصی اجباری رفتند

طبق خبر دریافتی کارفرمای کارخانه سپهر دیزل به علت کمبود مواد اولیه و بدهی از اول شهریور همه 200 کارگر خود را به مدت یک ماه به مرخصی اجباری فرستاده است. کارخانه سپهر دیزل مونتاژ کننده اتوبوس است و نزدیک به شهر رباط کریم قرار دارد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه 11/6/1391

گزارشی از کارطاعت فرساو خطرناک کارگران بارچین

به نوشته روزنامه خراسان در 11 شهریور آمده است: رضا گر چه جوانی بیست ساله و نسبتاً لاغر اندام بود اما در هوای گرم مرداد به اتفاق دوست و همکار هم سن و سالش آن چنان سر و گردن و شانه های خود را زیر بارهای سنگین اثاثیه منزل می داد که گویی عمرشان را به تمرینات ورزشی سخت و سنگین سپری کرده اند اما واقعیت این است که نه رضا و نه همتا دیگرشان رمضان که او هم حدود ۲۷ سال بیشتر نداشت هیچ گاه فرصت ورزش کردن در سالن های ورزشی را پیدا نکرده اند! بلکه پیچ و خم های زندگی آنان را از دوران

نوجوانی به گردنه ها و سربالایی های سختی کشانده که مجبور شده اند به جای درس و دانشگاه به کاری سخت و طاقت فرسا تن بدهند تا چرخ زندگی شان هر چند لنگ لنگان بچرخد و لقمه نانی برای سفره خود و پدر و مادرشان تهیه کنند. این دو کارگر ساده و به اصطلاح «بارچین» اهل یکی از شهرهای مرزی و کردزبان خراسان رضوی هستند. راننده کامیون نیز سی سال بیشتر نداشت گر چه راننده به اقتضای شغلش فقط مسئولیت رانندگی را بر عهده دارد اما با لته جراحی شده و موتورم نیز مجبور به ادامه کار بود. رضا و حجت و همچنین رمضان پله های آپارتمان را یکی پس از دیگری پشت سر می گذاشتند و اثاثیه منزل را بر دوش هم می نهادند. حالا نوبت پایین آمدن از پله ها با آن یخچال سنگین و دیگر لوازم منزل بود. هر کدامشان هم باید مراقب باشند که اثاثیه و بعد از آن در و دیوار خانه و راه پله آسیب نبیند و هم آن چنان گام بر روی پله ها بگذارند که پایشان نلغزد چرا که اندکی لغزش نه تنها آسیب جدی لوازم منزل و خسارت مالی را در پی دارد بلکه سلامت کارگر را به شدت تهدید می کند. انتقال اثاثیه منزل از پله های آپارتمان به داخل حیاط بعد از حدود دو ساعت به پایان می رسد. ظرف این دو ساعت چند بار کلمن آب پر و خالی می شود. شدت گرما و عرق ریزان باعث نوشیدن پی در پی لیوان های آب شده است. حالا نوبت چیدن اثاثیه در کامیون است، اما پس از زور زدن های عجیب و غریب و کمرشکن، چیدن بار هم تمام می شود و درهای کامیون را می بندند. پس از رسیدن به محل مورد نظر نوبت پیاده کردن اثاثیه با آن همه مراقبت و مشکلات می شود. به عنوان صاحب اثاثیه، کارگران را باز به سمت پله های آپارتمان جدید هدایت می کنم. باور کنید خودم از نشان دادن پله ها به کارگران خجالت می کشم. باز باید همه این اثاثیه که از چوب و فلز و آهن و پلاستیک است بر سر و شانه های این کارگران جوان قرار گیرد و با مراقبت و با زحمت زیاد از پله ها به طبقات بالا حمل شود. گر چه این جوانان کارآموده در پیچ و خم های زندگی، پله ها را با بارهایی که بر دوش دارند و با تحمل فشار بسیار زیاد بالا می روند و صدایشان در نمی آید و بسیار مراقبتند که اثاثیه منزل آسیبی نبیند اما انصاف حکم می کند که صاحب بار و اثاثیه در کتف قلب خود خیلی بیشتر از آن چه به فکر آسیب ندیدن لوازم منزل خود است نگران سلامت این کارگران زحمت کش باشد. حالا گر چه در هنگام غروب آفتاب از هرم هوای مرداد کاسته شده، اما به وضوح آثار خستگی مفرط در چهره این کارگران نمایان است. موقع حساب و کتاب می رسد، بر اساس تعرفه مزد هر ساعت کار طاقت فرسا و خطرناک این قشر زحمتکش چهار هزار تومان تعیین شده است، تعیین ۴ هزار تومان برای این کار سخت و خطرناک و طاقت فرسا را پیش وجدان خود منصفانه نمی یابی. جالب این که مبلغ قابل توجهی از این ساعتی ۴ هزار تومان نیز به کیسه صاحبان باربری ها ریخته می شود. با یک حساب سرانگشتی درمی یابی که حتی اگر این کارگران و امثال این افراد سی روز ماه را بدون تعطیلی روزی هفت ساعت کار کنند بعد از کسر سهم صاحبان باربری آن چه که برای این کارگران می ماند حتی کفاف اجاره یک خانه نقلی در نقاط محروم شهر و یک خورد و خوراک بسیار معمولی را هم نمی دهد چه رسد به پس انداز برای آینده! از همه مهم تر این که این کار بسیار سخت و خطرناک حتی در مقابل کارهای ساختمانی و کار در معدن آن چنان سخت و طاقت فرساست که بعید به نظر می رسد حتی آدم های قوی و کارکشته و سالم بتوانند بیشتر از ده یا پانزده سال در این کار سخت دوام بیاورند تازه آن هم به شرطی که در این بالا و پایین رفتن از پله ها با این اثاثیه منزل دچار سقوط و شکستگی اعضای بدن نشوند. سختی کار این قشر زحمتکش و مشاهده کار طاقت فرسای آنان از نزدیک، این بار مرا و امی دارد که از مسئولان ذی ربط و خصوصا اتحادیه مربوطه طلب حمایت های ویژه برای این قبیل از کارگران کنم تا لاقفل این افراد از پوشش بیمه ای برخوردار شوند و تدبیری بیندیشند که بتوانند از حداقل معیشت برخوردار شوند و همچنین در دوران حادثه دیدگی همین لقمه نانیشان بریده نشود. نکته مهم دیگر این که آیا واقعا نمی توان و نباید چاره ای اندیشید که لاقفل اجاره نشین ها که تعداد آن ها بسیار است با تمهیداتی که در نظر گرفته می شود کمتر مجبور به جابه جایی و «خانه به دوشی» شوند، نکته دیگر این که آیا واقعا نمی توان و نباید در ساخت و تجهیز منازل به گونه ای عمل کرد که نیازی به جابه جایی این همه اثاثیه منزل نباشد. نمی خواهم ادعا کنم که باید مثل برخی کشورهای اروپایی بشویم که ساکنان منازل برای جابه جا شدن فقط لوازم شخصی و مقداری از اثاثیه را جابه جا می کنند، اما می توان تدبیری اندیشید که لاقفل برای اجاره نشین ها اثاثیه سنگین و ضروری که جابه جایی و حمل و نقلشان، هم خطرناک و هم هزینه بر و مشکل است به صورت مرکزی در هر آپارتمان تعبیه شود. مثلا حالا که بساط آن طاقچه های قدیمی و متعدد و پستوها که کارایی ها و کاربری های متعددی در خانه های سنتی و قدیمی داشت جمع شده است، چه ایرادی دارد که در خانه های جدید، کمدها و محل استقرار اشیای دیگر بیشتر و کارآمدتر تعبیه شود تا دیگر نیازی به حمل انواع و اقسام کمد و بوفه و امثال این ها نباشد از این گونه مثال ها، موارد دیگری نیز می توان ذکر کرد خصوصا اگر به این جمله اقتصادی نسبتا معروف توجه کنیم که گفته می شود «خسارت هر چهار اثاث کثیفی برابر است با خسارت یک آتش سوزی کامل» آن وقت به این نکته بیشتر پی می بریم که شاید ضروری باشد فکری برداریم و تمهیدی بیندیشیم که اجاره نشین ها مجبور نباشند این همه اثاثیه از نخ و سوزن گرفته تا گاز و یخچال و کمدهای سنگین را جابه جا کنند و علاوه بر لطمات روحی متحمل خسارات سنگین اقتصادی شوند.

از این ها که بگذریم با این که چند روز از آن روزهای سخت اثاث کشی و مشاهده عرق ریختن آن جوانان زحمتکش در جریان حمل اثاثیه می گذرد هر وقت چشمم به کامیون حمل اثاثیه می افتد نه تنها دلم که پشتم می لرزد و این حرف تنها من نیست بلکه اکثر اجاره نشین ها یکی از سخت ترین مشکلات زندگی خود را اجاره های نجومی و سرسام آور، خانه به دوشی و اثاث کشی هر ساله یا چند سال یک بار می دانند. دوشنبه دو هفته پیش وقتی اثاثیه به طبقه سوم آپارتمان جدید منتقل شد و موقع حساب و کتاب رسید با طیب خاطر علاوه بر تعرفه، انعام ناقابلی به عنوان هدیه به این جوانان زحمتکش پرداخت کردم و هر چند مشاهده آن همه عرق ریختن و سختی کشیدن آن کارگران جوان زیر اثاثیه منزل برایم سخت و رنج آور بود اما خوشحال بودم که رضا، حجت و رمضان، گر چه کاری سخت و طاقت فرسا و خطرناک انتخاب کرده اند ولی لقمه هایی که سر سفره هایشان می برند به پاکتی و زلالی آب است و حلال و دسترنج آنان همانند بسیاری دیگر از افراد و اقشار جامعه بی غل و غش و پاک و بی شبهه است نه مانند برخی که ربا می خورند و رشوه می گیرند و اختلاس می کنند و به ناحق در بیت المال و کیسه مردم دست می کنند و لقمه های حرام و چرکین و آلوده به کام خود فرو می برند.

خروج چین از پروژه فاز ۱۱ پارس جنوبی

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 11 شهریور آمده است: پس از گذشت حدود ۴۰ ماه از سپردن توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی به یک شرکت چینی، بدون اجرای ابتدایی ترین فعالیت های توسعه ای، این شرکت برای خروج از این طرح ابراز تمایل کرده اما تاکنون خروج آنها از این طرح نهایی نشده است. به گزارش ایسنا با وجود این که در یک سال گذشته تلاش های زیادی از سوی مسوولان ایرانی برای ترغیب چینی ها به ماندن در پارس جنوبی صورت گرفت و البته هر از گاهی همین مدیران اولتیماتوم هایی یک ماهه برای شرکت چینی سی.ان.پی.سی تعیین می کردند اما

بالاخره چینی‌ها خواستار ترک پارس جنوبی برای دستیابی به سود بیشتر شدند. مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس در جریان بازدید خبرنگاران از فازهای در حال توسعه میدان گازی پارس جنوبی درباره رفتن یا ماندن چینی‌ها در فاز ۱۱ این میدان گازی اظهار کرده بود که به هر حال قراردادی بین ایران و چین بسته شده و انجام کار یا خاتمه آن باید در چارچوب قرارداد و تعهدات بین‌المللی باشد. موسی سوری با اظهار این‌که گزینه‌های مختلفی در این زمینه در حال بررسی است، یادآور شده بود: البته بعضی چیزها در اختیار ما نیست، با وجود این چینی‌ها برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی یا باید در کارها تسریع کنند یا کنار بروند. البته سوری با تأکید بر این‌که تلاش می‌کنیم که این قرارداد اجرایی شود، اظهار کرده بود که شاید به نفع کشور نباشد چینی‌ها از فاز ۱۱ کنار بروند. البته این مدیر خاطر نشان کرده بود: مطمئن باشیم دولت و وزارت نفت در راستای منافع ملی و در نظر گرفتن شرایط بین‌المللی تصمیم درست را خواهند گرفت.

اما انگار تلاش‌ها برای ماندن به ثمر نرسید و چینی‌ها برای سود بیشتر ساز رفتن از پارس جنوبی کوک کرده‌اند. علی‌رضا نیکزاد رهبر-سختگوی وزارت نفت ایران با تأکید بر اینکه رفتن شرکت چینی سی.ان.پی.سی از فاز ۱۱ پارس جنوبی نهایی نشده است، گفت: چینی‌ها برای رفتن ابراز تمایل زیادی دارند اما این به معنی خروج آنها از تمام فعالیت‌های اقتصادی در ایران نیست؛ بلکه آنها مایل به حضور در سایر بخش‌های اقتصادی و حتی طرح‌های نفتی کشور هستند. او با بیان این‌که شرکت چینی بعد از انجام یک بررسی اقتصادی دیگر تمایلی برای حضور در فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی ندارد، اظهار کرد: آنها تمایل دارند که بیشتر در بخش‌هایی که بعد اقتصادی دارد فعال شوند. سختگوی وزارت نفت با تأکید بر این‌که "با چینی‌ها مشکلی از نظر تعاملات اقتصادی نداریم" خاطر نشان کرد: چینی‌ها برای حضور در سایر طرح‌های نفتی ایران و دیگر بخش‌های اقتصادی اشتیاق دارند و ما نیز پذیرای آنها هستیم. بر اساس این گزارش، قرارداد بخش بالادستی فاز ۱۱ پارس جنوبی به مدت ۵۲ ماه بین شرکت ملی نفت ایران و سی.ان.پی.سی چین امضا شده بود که بر این اساس این فاز باید در مهر سال ۱۳۹۲ به تولید می‌رسید. سرمایه مورد نیاز برای توسعه این فاز حدود پنج میلیارد دلار پیش‌بینی شده بود که طبق قرارداد این شرکت چینی باید همه منابع مالی و سرمایه مورد نیاز در بخش بالادستی فاز ۱۱ را تأمین می‌کرد. توسعه فاز ۱۱ با هدف تأمین گاز ترش مورد نیاز واحد پارس ال.ان.جی و استحصال میعانات گازی همراه گاز اجرا می‌شود.

مشخصات فنی پروژه شامل تولید گاز از میدان پارس جنوبی به میزان دو هزار میلیون فوت مکعب استاندارد در روز، گاز ترش استحصالی برای خوراک واحدهای ال.ان.جی به میزان دو هزار میلیون فوت مکعب استاندارد در روز و استحصال میعانات گازی سنگین به میزان ۷۰ هزار بشکه در روز بوده است. پیشتر طرح توسعه این فاز به صورت قرارداد بیع متقابل به مشارکت شرکت‌های توتال و پتروناس واگذار شده بود که پس از تعلل این دو شرکت برای آغاز طرح توسعه، بخش بالادستی آن به شرکت چینی واگذار شد. در حالی چینی‌ها با وجود تمایلشان به ترک پارس جنوبی، خواستار حضور در بخش‌های دیگر اقتصاد ایران با هدف کسب سود بیشتر شده‌اند که پروژه‌های نفتی ایران پرسودترین بخش اقتصاد کشور محسوب می‌شود. از سوی دیگر نباید از این موضوع غافل شد که شرکت سی.ان.پی.سی در حالی هیچ‌گونه فعالیت توسعه‌ای در فاز ۱۱ پارس جنوبی در طول ۳،۵ سال گذشته انجام نداد که در همین مدت برای توسعه میدان‌های نفتی عراق و افغانستان قرارداد امضا کرده است و چندی پیش هم موفق به تولید نفت از یکی از میدان‌های نفتی عراق شد.

فتح الله اسدزاده از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران جان باخت

به گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در ۱۱ شهریور آمده است: فتح الله اسدزاده از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران روز پنجشنبه نهم شهریور ماه در سن ۵۵ سالگی و پس از حدود یکسال مقاومت در برابر سرطان ریه جان باخت. وی کارگر کارخانه کولر غرب بود و یکسال و نیم پیش باز نشسته شده بود. فتح الله اسدزاده در طول حیات خود همچون میلیون‌ها کارگر در ایران در فقر و فلاکت زیست. وی هنگام فوت در خانه ای سی متری در محله فرجه در حاشیه شهر سنندج همراه با خانواده ۷ نفره خود زندگی میکرد. وی بمدت سی سال، کارگر کارخانه های فرش نقشین، گونی بافی گل بافت و کارخانه کولر غرب بود و در تمام طول دوران کارش با مواد شیمیایی و رنگی سر و کار داشت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز تأسف عمیق از فوت فتح الله اسدزاده این ضایعه را به خانواده، همکاران و دوستان وی تسلیت میگوید. ما در غم از دست دادن فتح الله همدرد این عزیزان هستیم و آرزوی سعادت و بهروزی برای بازماندگان این عزیز داریم.

سوءاستفاده از نیروی کار کودکان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۱ شهریور آمده است: عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان از کم کاری و عدم انجام وظیفه بازرسین اداره بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انتقاد کرد. براساس این گزارش، باشار پورخامنه، روند بازرسی در حوزه نظارت بر وضعیت نوجوانان را نامطلوب توصیف کرد و گفت: وضعیت سن، سختی کار، دستمزد و ساعت کار نوجوانان نیازمند رسیدگی سریع بازرسین وزارت کار است.

وی در ادامه افزود: من کارگاهی را سراغ دارم که نوجوانی ۱۴ ساله با دستگاه پرس ۱۹ تنی در آن کار می‌کرد. این در حالی بود که او روزانه با بیش از ۱۰ ساعت کار پشت این دستگاه تنها ۲۴ هزار تومان دستمزد می‌گرفت.

پور خامنه تصریح کرد: البته همه کارفرماها در برخورد با نوجوانان اینگونه نیستند اما در بهترین حالت دستمزدی معادل ۱۰۰ یا ۱۵۰ هزار تومان به آنان پرداخت می‌کنند. این فعال حقوق کودکان وضعیت کارگاه‌های خانوادگی را بحرانی‌تر از سایر کارگاه‌ها عنوان کرد و اظهار داشت: در بسیاری از خانواده‌ها به دلیل وجود دیدگاه سنتی به دختران اجازه اشتغال در بیرون از خانه را نمی‌دهند و وقتی به سن ۱۲ یا ۱۳

سالگی می‌رسند کارهای طاقت فرسایی را به آنان محول می‌کنند. بسته بندی کلوچه با مارک‌های حتی معروف یکی از کارهایی است که در کارگاه‌های خانوادگی انجام می‌شود.

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان سوء استفاده فراوان از نوجوانان در اشتغال را به دلیل ارزانی کار آن‌ها و عدم توانایی آنان در ایجاد تشکل و دفاع از حقوق خود دانست و در پایان اعلام کرد: در حالی که طبق قوانین بین المللی سن قانونی آغاز به کار ۱۸ سال است، سن ممنوعیت اشتغال در ایران ۱۵ سال اعلام شده که این امر خود به خود باعث ایجاد سوء استفاده‌های رایج در این زمینه می‌شود.

در صورت عدم رسیدگی به خواستهای کارگران تعاونی مسکن نساچی کردستان، این کارگران دست به تجمع اعتراضی خواهند زد

به نشانه سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در ۱۱ شهریور آمده است: کارگران تعاونی مسکن نساچی کردستان اعلام کرده اند در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان تا آخر هفته جاری، روز شنبه ۱۸ شهریور ماه در مقابل اداره مسکن و شهرسازی سنندج دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران تعاونی مسکن نساچی کردستان خواهان صدور مجوز ساخت مسکن در زمین متعلق به این تعاونی هستند اما اداره مسکن و شهرسازی سنندج از صدور این مجوز به بهانه قرار گرفتن این زمین در محدوده فرودگاه سنندج، خودداری میکند.

این کارگران حدود یکماه پیش و بدنبال بی توجهی مسئولین اداره مسکن و شهرسازی سنندج به خواست شان دست به تجمع اعتراضی زدند که حاصل آن برگزاری جلسه ای میان اعضای هیئت مدیره این تعاونی مسکن با مسئولین سازمان مسکن و شهرسازی سنندج و وعده این مسئولین برای حل مشکل کارگران در مدت ۲۵ روز بود. اما پس از گذشت ۲۵ روز هیچ پاسخ روشنی به کارگران عضو تعاونی مسکن نساچی کردستان داده نشده است به همین دلیل این کارگران اعلام کرده اند چنانچه تا پایان هفته جاری به خواست شان رسیدگی نشود روز شنبه آینده ۱۸ شهریور ماه در مقابل سازمان مسکن و شهرسازی سنندج دست به تجمعی اعتراضی خواهند زد

تعطیلات تابستانی کارگران و نبود اطمینان از بازگشت به کار

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در ۱۱ شهریور آمده است: در هفته های اخیر بسیاری از کارگران در تعطیلات تابستانی به سر می برند. بسیاری از واحدهای تولیدی تعطیلات تابستانی خود را به نسبت سال گذشته افزایش دادند. علاوه بر تعطیلات تابستانی، بعضی از کارخانه های صنعتی بزرگ به علت بحران اقتصادی و کاهش تولیدات خود، بخشی از کارگران را به مرخصی های اجباری می فرستند که در بعضی موارد تعدادی از این کارگران از سوی کارفرما برای ادامه همکاری پذیرفته نمی شوند. اینها مسائلی است که باعث نگرانی بسیاری از کارگران قراردادی در این ایام تعطیلات می شود و آنها با اضطراب و عدم اطمینان از بازگشت به کار این روزهای تعطیل را سپری می کنند.

حوادث ناشی از کار و ناکارآمدی دولت

در هفته گذشته پنج کارگر در حین کار جان خود را از دست داده اند و دو نفر دیگر نیز مجروح شدند. این مرگ ها را نمی توان تنها یک حادثه تلقی کرد و ردپای ناکارآمدی دولت در عدم نظارت بر حسن اجرای قوانین بهداشت کار کاملا مشهود است. ماده ۸۵ قانون کار رعایت بهداشت کار را الزام آور می داند و بر اساس ماده ۹۵ کارفرما موظف است که ضوابط بهداشت و ایمنی کار را رعایت کند. اداره کل بازرسی وزارت کار نیز موظف است تا اجرای صحیح ضوابط فنی و بهداشت کار در کارگاه ها را بازرسی کند و با کارگاه های متخلف قبل از وقوع حادثه برخورد کند.

اما گویا همه این قوانین فقط بر روی کاغذ است و دولت تعهدی برای اجرای آنها ندارد و در عمل این جان کارگران است که به علت نبود ایمنی در کار تلف می شود. تنها در سال گذشته و در کل کشور ۱۵۰۷ کارگر در حین کار به علت حواث ناشی از عدم ایمنی در کار جان خود را از دست داده اند.

در تربت حیدریه و در روستای اسفیوخ کف شکنی غیر مجاز یک حلقه چاه باعث مرگ دو کارگر شد. کارگران مزبور درحال حفاری با کمپرسور در داخل چاه بودند که اتصال برق این دستگاه با آب منجر به برق گرفتگی و فوت آن ها شد. در شهر قم نیز دو کارگر افغان در حین حفر چاه در حادثه ای مشابه جان خود را از دست دادند. یکی از کارگران در بالای چاه بالا بر مشغول درآوردن آوار بوده که بر اثر برق گرفتگی به داخل چاه سقوط می کند. با این سقوط، کارگر حفار در کف چاه نیز جان خود را از دست می دهد.

در مشهد نیز کارگر ۳۰ ساله ای بر اثر سقوط از بالای درختی در کوهستان پارک شادی مشهد کشته شد. این کارگر برای هرس کردن شاخه ها، بالای درخت رفت اما ناگهان از روی درخت سقوط کرد و به شدت مصدوم شد و هنگام انتقال به مرکز درمانی بر اثر شدت صدمات وارده جان سپرد.

در بردخون از شهرهای استان بوشهر نیز رعایت نشدن اصول ایمنی در حین کار، موجب بروز مرگ دو کارگر شد. به گزارش ایلنا، در حادثه اول جوانی ۲۰ ساله در حین انجام عملیات جوشکاری بر روی داربستی به ارتفاع ۷ متر دچار برق گرفتگی شد و سقوط کرد. کارگر دیگری نیز در حین انجام کار دچار برق گرفتگی شد که دست چپ وی دچار سوختگی شدیدی شد.

اخراج و بیکاری کارگران

”نساچی قائمشهر تبدیل به قبرستان ماشین آلات شده و دستگاه های موجود در این کارخانه باز شده و در حال فروش است؛ تعداد کارگران آن از ۵ هزار نفر به ۹۰۰ نفر کاهش یافته است.“ این سخنی است که نادر قاضی پور نماینده ارومیه و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در توصیف شرایط فعلی حاکم بر نساچی قائم شهر به خانه ملت گفت. وی با بیان اینکه حداقل ۲۰ میلیون جمعیت زنان ایران نیاز به چادر و مانتویی دارند که صنعت نساچی باید آن را تولید کند، گفت: اگر سالانه هر فرد مصرفی حدود ۵ متر هم داشته باشد، ما در سال نیاز به ۱۰ میلیون متر پارچه داریم، حال مسئولان باید توضیح دهند برای اینکه صنعت نساچی این نیاز را تأمین کند، چه کرده اند.

نساچی مازندران متشکل از نساچی تالر، نساچی طبرستان، گونی بافی و کارخانه ریسندگی و بافندگی و نساچی تجن است. نساچی

مازندران در دو دهه گذشته بیش از ۷۰۰۰ کارگر داشته است که در سال های اخیر بخش اعظمی از این کارگران اخراج شدند و در حال حاضر تعداد کارگران این کارخانه تنها حدود ۷۰۰ نفر می باشد. این کارخانه بعد از انقلاب زیر نظر بانک صنعت و معدن اداره می شد. در سال ۱۳۷۲ به علت بدهی به بانک ملی و اگذار شد. ناکارآمدی بانک ملی موجب افزایش بحران در کارخانه شده بود، بطوریکه در سال ۸۷ بیش از ۱۸۰ میلیارد تومان بدهی داشت. در سال ۱۳۸۴ با ابلاغیه سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط رهبری روند واگذاری کارخانجات و ثروت های ملی و دولتی به افراد و جریان های نزدیک به حاکمیت آغاز شده بود. به علت بدهی فراوان کارخانه که محصل بی تدبیر مسئولین بود، افراد و جریان های مالی اختصاصی داخل کشور حاضر نشدند مسئولیت این کارخانجات را بر عهده بگیرند. دولت نیز بدون پذیرفتن مسئولیت این بحران ها و احساس تعهد به زندگی هزاران کارگران بیکار شده، در سال ۱۳۸۷ طی توافقنامه ای سهام شرکت کارخانجات نساجی مازندران را به یک سرمایه گذار خارجی تبعه ترکیه واگذار کرد. این واگذاری زمانی انجام شد که خاوری، متهم فراری اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، مدیر عامل بانک ملی بود. با تحریم بانک ملی روند تجهیز و نوسازی کارخانه هم دچار مشکل شد. سرمایه گذار ترکیه ای هم هنوز نتوانست به تعهدات خود عمل کند و کارگران همچنان بیکار هستند و بیش از دو سال است که هیچ حقی دریافت نکرده اند.

اعتصاب کارگران

در هفته گذشته صدها کارگر بازارچه پرویزخان بدلیل عدم پرداخت دستمزد روزانه معوق خود دست از کار کشیدند. این کارگران روز مزد می باشند و بیش از دو هفته است که مزدی دریافت نکرده اند. یکی از این کارگران به خبرنگار کرمانشاه پست گفت: آقایان هر روز سفره هایشان رنگی می شود و ما کارگران هر روز سفره هایمان خالی. بازارچه پرویز خان مهمترین پایانه صادرات به کشور عراق است. مسئولین بجای پرداخت مزد کارگران اعتصابی با مراجعه به قصرشیرین و برخی نقاط نزدیک تعدادی از بیکاران را برای کار در بازارچه گسیل داشته اند.

وعده های خالی دولت به کارگران

بیش از بیست ماه از مصوبات هیات دولت در سفر به استان قزوین می گذرد. در این مدت هنوز وعده های دولت در خصوص حل مشکلات کارگران کارخانه های نخ ریزی این استان عملی نشده است. کارخانجات نخ ریزی استان قزوین از سال ها قبل بواسطه ناکارآمدی در مدیریت دچار بحران شده بودند. از دو سال گذشته تا کنون به بهانه دریافت وام و نوسازی کارخانه ها تعطیل شده است و همه کارگران نیز بیکار شدند. در آبان ماه گذشته صد نفر از کارگران بیکار شده این کارخانه ها رو به روی نهاد ریاست جمهوری تجمع اعتراضی داشتند و علی رغم وعده های که به آنها دادند اما هنوز مشکلات شان حل نشده است و هنوز بخش اعظمی از کارگران بیکار هستند و ماها حقوق معوقه دارند. کارخانه های فرنیخ، مه نخ و ناز نخ حدود هزار کارگر داشتند که اکنون تنها حدود دویست نفر از آنها به کار اشتغال دارند. سعید نعمت نیا رئیس شورای اسلامی کارخانجات نخ ریزی فرنیخ و مه نخ در این زمینه به خبرنگار ایلنا گفت: با حمایت و همکاری مدیران داخلی کارخانه و اعضای شورای کارگری و کارگران، و با انعقاد قراردادهایی با عرضه کنندگان پنبه جهت خرید مواد اولیه باعث فعالیت مجدد بخشی از کارخانه شده است و در حال حاضر حدود ۲۵۰ کارگر با مدیریت کارگران و اعضای شورای کارگری فعالیت می کنند.

دستمزد کم و سفره کوچک کارگران

هم اکنون حدود ۱۳ میلیون کارگر در کشور داریم که تنها ده میلیون آنها مشمول قانون کار هستند و دارای سوابق بیمه ای می باشند و حدود ۳ میلیون کارگر نیز بدون داشتن بیمه کار می کنند و در آمار تامین اجتماعی حضور ندارند. بیش از پنجاه درصد از جامعه کارگری کشور در کارگاه های کوچک و زیر ۲۵ نفر کار می کنند که در بسیاری از موارد قوانین کار در آنجا بخصوص در زمینه حداقل دستمزدها و بیمه رعایت نمی شود و نظارتی هم بر آنها در این زمینه اعمال نمی شود. بر اساس گزارش های فعالان کارگری و کارشناسان حوزه کار، تنها حدود ۷۵ درصد از کل کارگران صرفاً حداقل دستمزدهای سالیانه مصوب شورای عالی کار را دریافت می کنند؛ و حقوق ۲۵ درصد از کارگران نیز در ماه کمتر از ۳۹۰ هزار تومان است. به دلیل گسترده گی بیکاری و اوضاع نابسامان کار و اشتغال در سطح کشور، کارگران مجبورند به این دستمزدهای کم تن دهند. میزان دستمزد کارگران در ماه تنها برای تامین هزینه زندگی ده روز آنها کفایت می کند. با توجه به این دستمزدهای اندک و قیمت مواد غذایی در این روزها باید گفت که کارگران میهن ما گرسنه هستند!

جای خالی حقوق کارگران در سخن منتقدان

متأسفانه جامعه کارگری اولین قربانی ناکارآمدی دولت در اداره کشور است و روز به روز سفره اش تنگ تر می شود و حیات بر آنها سخت تر می شود؛ و از آن بدتر گم شدن خواست ها و مطالبات این بخش از جامعه در میان کنش های سیاسی روزمره است.

عدم مواجهه با "سپهر سیاست از زمین کار"، معیشت و زیست روزانه و بی توجهی به عنصر کار و تولید در زمینه سازمان دهی مردم و کنشهای اعتراضی - اصلاحی، شاید یکی از اساسی ترین نقطه ضعف فعالان سیاسی منتقد در سال های گذشته در دل جنبش اصلاحات و اکنون در دل جنبش سبز باشد. کار، اساسی ترین فعل آدمی در حیات است و مواجهه با سیاست از زمین کار روزانه، واقعی ترین و انضمامی ترین شکل مواجهه با سیاست است.

مصدومیت و مرگ ۲ کارگر در میدان خراسان تهران

به گزارش پایگاه خبری 125، در 11 شهریور آمده است: این واقعه روز گذشته در میدان خراسان، خیابان طبیب اتفاق افتاد و مرگ یک کارگر و مصدومیت کارگر دیگری را بهمراه داشت.

برپایه این گزارش، بنقل از نصر اله نفر (فرمانده نجاتگران): بی توجهی و رعایت نکردن نکات ایمنی در هنگام تخریب سقف و بالکن یک ملک باعث ریزش آوار و محبوس شدن دو نفر از کارگران (30 و 32 ساله) شده بود. نجاتگران آتش نشانی بی درنگ پس از ایمن سازی محل با رعایت کامل نکات ایمنی و با بکارگیری تجهیزات نجات با سرعت عمل و تلاش خود توانستند دو کارگر را از زیر آوار خارج کنند که متأسفانه یکی از آنها بر اثر شدت جراحات وارده و بنا بر نظر عوامل اورژانس فوت کرده بود.

اشتغال 5 میلیون "ساعت‌مزدی"

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در اریخ 11 شهریور آمده است: برآوردها حاکی از اشتغال 5 میلیون نیروی روزمزد در کشور است که از هیچگونه حمایت قانونی از قبیل بیمه و حقوق مشخص برخوردار نیستند و روابط در این بخش عموماً طبق عرف بازار کار شکل می‌گیرد. کارگر روزمزد؛ نیروهایی هستند که صرفاً به میزان روزهایی که کار می‌کنند مزد دریافت می‌کنند و از کلیه حمایت‌های جانبی قانون کار اعم از بیمه، سنوات، عیدی، پاداش، گروه، رتبه، اضافه کاری، حقوق ثابت و مواردی از این دست محروم هستند. اهمیت بررسی نیروهای روزمزد در کشور که اغلب در مشاغل خدماتی و ساختمانی فعالیت دارند از این جهت حائز اهمیت است که اولاً تعداد آنها با توجه به نبود آمارهای رسمی بالا است و از سویی نیز به دلیل وارد نشدن لیست آنها در هیچ یک از بانک‌های اطلاعاتی مانند بیمه، مورد سوء استفاده برخی کارفرمایان نیز قرار می‌گیرند.

علاوه بر موارد یاد شده که باید گفت نیروهای کار روزمزد را در ردیف آسیب پذیرترین گروه‌های کاری کشور قرار می‌دهد، عدم وجود آمارهای مشخص از تعداد شاغلان روزمزد، میزان مهارت‌ها و تخصص آنها، وضعیت فراوانی در بخش‌های مختلف مانند ساختمان، خدمات، کشاورزی و غیره، نبود هرگونه پوشش بیمه‌ای و مواردی از این دست؛ باعث شده تا روزمزدان به عنوان فراموش شدگان بازار کار کشور شناخته و محسوب شوند.

فراموش شدگان بازار کار

تاکنون هیچگونه آمار روشنی از وضعیت نیروهای روزمزد کشور منتشر نشده است و اگر چنین بررسی‌هایی نیز در مرکز آمار ایران انجام شده، نتایج آن مشخص نشده و در اختیار عموم قرار نگرفته است. در دوره فعالیت وزارت سابق رفاه، مقامات ارشد آن وزارتخانه خبر از برنامه ریزی دولت برای ایجاد پوشش بیمه‌ای 1 میلیون و 500 هزار کارگر روزمزد ساختمانی داده بودند که این مسئله نشان می‌دهد احتمالاً بررسی‌ها و آمارگیری‌هایی از کارگران روزمزد انجام شده است.

اگر بتوان به آمار ثبت نامی‌های در سامانه درخواست سهام عدالت که شناسایی گروه‌های روزمزد شاغل در بخش ساختمان و فصلی را هدفگذاری کرده بود، استناد کرد طبق گزارش سال گذشته سازمان خصوصی سازی حداقل 3 میلیون و 200 هزار نفر کارگر در کشور به صورت روزمزد مشغول به کار هستند که البته این میزان به گفته مقامات کارگری کشور تا 5 میلیون نفر نیز قابل افزایش است. با این حال، تاکنون نه تنها هیچگونه برنامه ریزی مشخصی برای ساماندهی گروه‌های شاغل در بخش روزمزد انجام نشده است، بلکه در قانون کار نیز اساساً هیچ پوشش حمایتی قانونی برای شاغلان روزمزد در نظر گرفته نشده است.

تنها اقدامی که می‌توان به نوعی آن را شناسایی شاغلان روزمزد نیز تلقی کرد، همان ثبت نام از کارگران متقاضی سهام عدالت در سال گذشته بود که متأسفانه آن برنامه نیز متوقف شده است.

اشتغال 5 میلیون روزمزد

نبود آمارها در مورد نیروهای ساعتی و یا روزمزد می‌تواند اقدام به هرگونه برنامه ریزی حمایتی برای این گروه‌ها را با شکست همراه سازد، همچنین باعث ادامه آشفته‌گی فعالیت‌های روزمزدی و ساعت‌مزدی در کشور شود. با اینکه به صورت کلی قانون کار، پایه و اساس شکل‌گیری ارتباط بین کارگر و کارفرما را فعالیت ساعتی قرار داده است، اما همانگونه که عنوان شد روزمزدان آن دسته از افراد ساعت‌مزد محسوب می‌شوند که اساساً امکان دسترسی به حمایت‌های جانبی قانون کار را ندارند و اغلب در وضعیت حداقلی مزایا که همان مزد روزانه است، قرار می‌گیرند.

فعالان بازار کار معتقدند در سال‌های اخیر میزان روزمزدان در کشور ما افزایش یافته و می‌توان این افراد را به وضوح در خیابان‌ها و بر سر چهارراه‌ها مشاهده کرد.

دستگیری ده کارمند در اردبیل به اتهام "نشر اکاذیب در وبلاگ"

به نوشته سایت فارسی بی بی سی در 12 شهریور آمده است: به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ایران، که اختصاراً با عنوان فتا از آن یاد می‌شود، ده تن از کارمندان یک اداره دولتی در شهر اردبیل بازداشت شده‌اند. پلیس فتا اعلام کرده است که این افراد با ساخت وبلاگی به "نشر اکاذیب" علیه اداره محل کار خود پرداخته بودند. وبلاگ مذکور نیز پس از دستگیری کارمندان مسدود شده است.

پتروشیمی اصفهان تعطیل شد

به نوشته سایت آفتاب در 12 شهریور آمده است: مجتمع پتروشیمی اصفهان با ظرفیت تولید سالانه 300 هزار تن انواع محصولات پتروشیمی فعلاً تعطیل شد.

این واحد پتروشیمیایی از ظرفیت تولید سالانه 55 هزار تن بنزن، 72 هزار تن تولوئن، 22 هزار تن ارتوزایلین، 44 هزار تن پارازیلین، 75 هزار تن مخلوط زایلین‌ها و 40 هزار تن انیدریدفتالیک برخوردار است.

عبدالحسین بیات امروز در گفتگو با مهر با تایید تعطیلی مجتمع پتروشیمی اصفهان، گفت: دلیل اصلی تعطیلی این واحد پتروشیمی افزایش حجم بدهی‌ها به پالایشگاه نفت اصفهان بابت خرید خوراک مایع است.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اعلام اینکه در حال حاضر به تمامی واحدهای پتروشیمی نسبت به پرداخت به موقع بدهی‌ها

تاکید شده است، تصریح کرد: با این وجود، مجتمع پتروشیمی اصفهان بدهی‌های خود را به موقع به پالایشگاه اصفهان پرداخت نکرده است.

معاون وزیر نفت با اشاره به مشکلات تامین نقدینگی پتروشیمی اصفهان، اظهار داشت: همزمان با افزایش بدهی‌ها، اختلاف نظر در تعیین قیمت خرید خوراک هم در تعطیلی این مجتمع پتروشیمی تأثیرگذار بوده است. این عضو هیات مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی با تأکید بر اینکه از ابتدای فعالیت دولت دهم اقدامات گسترده‌ای برای تصویب حساب بدهی برخی از مجتمع‌های پتروشیمی انجام شده است، اظهار داشت: هم اکنون خوراک واحدهای پتروشیمی به صورت بین مجتمعی و یا از پالایشگاه‌های نفت و گاز تامین می‌شود. به گفته این مقام مسئول واحدهای تامین کننده خوراک پتروشیمی‌ها، قطعاً برای پرداخت حقوق کارکنان، تامین اقلام یدکی، تجهیزات، کتالیست به منابع مالی نیاز دارند که عدم پرداخت پول خوراک مشکلاتی در این واحدهای بالادستی ایجاد می‌کند. به گزارش مهر، در حال حاضر به طور متوسط سالانه باید 363 هزار تن پلاستفرمیت و سه هزار تن هیدروژن به عنوان خوراک توسط پالایشگاه نفت اصفهان به پتروشیمی تحویل داده شود.

هشدار وزارت اطلاعات درباره احتمال بروز شورش اجتماعی

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 12 شهریور آمده است: اتمام ذخایر ارزی و کسری بودجه شدید در ماه‌های آینده/ افزایش کسری بودجه دولت، کاهش شدید ذخایر ارزی و نگرانی دستگاه امنیتی از شورش گرسنگان، آخرین گزارش‌هایی است که در هفته‌های اخیر در اختیار مقام‌های عالی نظام قرار گرفته است تا با توجه به آنها در خصوص روند آتی کشور تصمیم‌گیری شود. بر اساس گزارش‌های در اختیار کلمه، یکی از زیرمجموعه‌های اقتصادی دولت اخیراً گزارش داده که ذخایر ارزی کشور رو به اتمام است و احتمال ناتوانی دولت از پرداخت حقوق کارمندان در ماه‌های آینده وجود دارد. همزمان بازوی امنیتی دولت نیز درباره احتمال وقوع شورش‌های اجتماعی در اعتراض به شرایط اقتصادی کشور هشدار داده است. در گزارش محرمانه‌ای که در کمیسیون اقتصادی هیات دولت طرح شده، از اتمام ذخایر ارزی کشور در شش ماه آینده سخن به میان آمده است. نرخ واقعی برابری ارزش دلار با ریال نیز در این گزارش، به ازای هر دلار ۶۷۰۰۰ ریال برآورد شده است. همچنین این گزارش خبر داده که با توجه به افزایش مداوم کسری بودجه دولت، طی سه ماه آینده وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی در پرداخت حقوق کارکنان و مجموعه‌های مرتبط با خود دچار مشکل خواهند شد. در پی طرح این گزارش در دولت، بخشنامه‌ای دارای طبقه بندی برای همه زیرمجموعه‌های دولت و دستگاه‌های اداری ارسال شده که در آن با طرح احتمال کاهش ۵۰ درصدی حقوق و دستمزد ماهانه کارمندان در صورت تداوم وضعیت کنونی، از بالاترین مقام مسئول هر دستگاه خواسته شده تدابیر لازم را جهت پیشگیری از وقوع هرگونه نارضایتی در میان کارمندان و کارکنان آن دستگاه مربوطه پیش بینی کند. بر اساس گزارش رسیده به کلمه، در شماره اخیر بولتن محرمانه وزارت اطلاعات نیز با اشاره تلویحی به این شرایط دشوار اقتصادی، از احتمال بروز شورش گرسنگان به ویژه در حاشیه شهرهای بزرگ کشور سخن به میان آمده است. کارشناسان این دستگاه امنیتی هشدار داده‌اند که از شهریورماه جاری به بعد، این زنگ خطر همواره به عنوان یک چالش جدی در برابر دولتمردان قرار خواهد داشت.

سه سال پیش سید علیرضا بهشتی شیرازی، از مشاوران میرحسین موسوی که هم اکنون در بند ۳۵۰ اوین زندانی است، همانند بسیاری دیگر از دلسوزان کشور که وضعیت امروز را پیش بینی می‌کردند، در یادداشتی هشدار داد که ادامه شیوه فعلی مدیریت نظام، کار را به شورش نان هم خواهد کشاند. امروز که کشور در حال غرق شدن در باتلاق مشکلات اقتصادی و اجتماعی است، آن یادداشت را باید دوباره خواند:

چگونه نظارت استصوابی به شورش نان منجر می‌شود

[/http://www.kaleme.com/1388/08/19/klm-2729](http://www.kaleme.com/1388/08/19/klm-2729)

انتقاد از تبعیض علیه کارگران زن در ایران

به نوشته سایت فارسی بی بی سی در 12 شهریور آمده است: سهیلا جلودارزاده، رییس اتحادیه زنان کارگر، در گفتگو با خبرنگاری ایلنا از تبعیض علیه کارگران زن انتقاد کرده است. او گفته است که بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به این تبعیض‌ها بی‌توجه هستند. خانم جلودارزاده با اشاره به شرایط اقتصادی ایران گفته است که در برخی موارد زنان کارگر "حاضرند در سخت‌ترین شرایط ممکن و با مخفی کردن عملکرد غیر قانونی کارفرمایان خود، به کار خویش ادامه دهند". او ممنوعیت ازدواج و دریافت حقوق کمتر از کف دستمزد تعیین شده توسط وزارت کار را از جمله شرایط «غیرقانونی» خوانده که به کارگران زن تحمیل می‌شود. به گفته خانم جلودارزاده «امنیت شغلی» مهم‌ترین مسأله کارگران ایران، زن یا مرد، است. در ماه‌های اخیر وضعیت اقتصاد ایران، که با پیامدهای تحریم‌های بین‌المللی و طرح هدفمند کردن یارانه‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، مستمراً اعتراض کارگران ایران را برانگیخته است.

اتحاد و همبستگی ضامن پیروزی ما کارگران است

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران 12 شهریور ماه 1391 آمده است: بدنبال گذشت یکسال و نیم از مبارزه و اعتصاب کارگران پتروشیمی های ماهشهر و بخشنامه وزارت نفت در روز دهم خرداد ماه سالجاری، انعقاد قرارداد مستقیم با هزاران کارگران صنایع نفت و پتروشیمی به اجرا در آمد

اتحادیه آزاد کارگران ایران: پس از گذشت 18 ماه از شروع مبارزات کارگران مجتمع های پتروشیمی منطقه ماهشهر، روند حذف شرکتهای پیمانکاری در صنایع نفت و پتروشیمی به سرانجام رسید و انعقاد قرارداد مستقیم با هزاران کارگر پیمانکاری در این صنایع به اجرا در آمد. خواست انعقاد قرارداد مستقیم و حذف شرکتهای پیمانکاری از سال 1389 در میان کارگران شرکتهای پیمانکاری پتروشیمی بندر امام و دیگر مجتمع های پتروشیمی در منطقه ماهشهر به یک خواست اصلی تبدیل شد اما این خواست با مخالفت مسئولین پتروشیمی ها مواجه گردید. به همین دلیل این کارگران در اواخر اسفند 1389 دست به یک تجمع اعتراضی بزرگ زدند و سپس با آغاز سال 1390 اقدام به سازماندهی و انجام دو اعتصاب بزرگ و قدرتمند در فرودین ماه و سپس مهر ماه همانسال کردند. در این اعتصابات کارگران اکثریت پتروشیمی های منطقه ماهشهر شرکت داشتند. شش هزار کارگر پیمانکاری پتروشیمی بندر امام متحدانه و با عزمی راسخ پیشتاز و پیشگام این اعتصابات بودند. این دو اعتصاب گسترده زمانی بیش از پیش به بار نشست که رهبران این کارگران برای روز 23 بهمن ماه 1390 فراخوان اعتصاب دیگری را دادند. این فراخوان بطور گسترده ای در تمامی پتروشیمی ها پخش شد و در تابلوی اعلانات نصب گردید. اما این اعتصاب با وعده های جدی تر مسئولین پتروشیمی ها انجام نگرفت و از این تاریخ وزارت نفت تلاش کرد با ارائه طرحهای مختلفی مسئله حذف شرکتهای پیمانکاری را با صورتی به جز آنکه کارگران میخواستند (انعقاد قرارداد مستقیم) به پیش برد اما همه این طرحها از سوی کارگران رد شد و نهایتاً وزارت نفت در مورخه 10/3/91 با صدور بخشنامه ای با عنوان "فوری" مبنی بر انعقاد قرارداد مستقیم با کلیه کارکنان و کارگران پیمانکاری در تمامی سطوح و سوابق کاری، روند تن دادن به خواست کارگران را آغاز کرد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران با صدور این بخشنامه روند عملی اجرایی شدن انعقاد قرارداد مستقیم با دهها هزار کارگر پیمانکاری صنایع نفت و پتروشیمی از اوایل تیر ماه سال جاری آغاز شد. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در حال حاضر هزاران کارگر در این صنایع در رسته های ذیل در استخدام مستقیم وزارت نفت و صنعت پتروشیمی قرار گرفته اند:

1- کلیه کارگران و کارکنان فوق دیپلم و لیسانس و به بالا با سابقه 1 سال کار تا مورخه 1390 /1/11 با مدرک تحصیلی مرتبط با شغل شان
2- کلیه کارگران و کارکنان فوق دیپلم و لیسانس و به بالا، با سابقه 1 سال کار تا مورخه 1390 /1/11 ، با مدرک تحصیلی غیر مرتبط با شغل شان با درجه شغلی یک مقطع پایین تر از سطح تحصیلاتشان
3- کلیه کارگران و کارکنان با مدرک دیپلم با سابقه 10 سال کار لازم به یاد آوری است تاریخ انعقاد قرارداد مستقیم با این دسته از کارگران، اول فروردین ماه سال 1391 قرار داده شده است و این کارگران و کارکنان مطالبات مشمول قرارداد مستقیم را از اول سال 91 دریافت خواهند کرد.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در حال حاضر شرکتهای پیمانکاری در صنایع پتروشیمی دولتی در منطقه ماهشهر عملاً بر چیده شده اند و کارگران سایر سطوح این شرکتها نیز که انعقاد قرار داد مستقیم با آنان به اجرا در نیامده است بدون حضور پیمانکار در سمنهای خود مشغول بکار هستند و روند اجرایی شدن انعقاد قرارداد مستقیم با آنان در حال انجام است. بنا بر این گزارش امروز 12 شهریور ماه لیست و نامه مربوط به کارگران با مدرک دیپلم دارای 8 سال سابقه کار نیز جهت انعقاد قرارداد مستقیم به وزارت نفت ارسال شد.

دستآورد پیروزی قاطعانه کارگران صنایع پتروشیمی منطقه ماهشهر، امروز شامل حال دهها هزار کارگر پیمانکاری این صنعت و وزارت نفت شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران این پیروزی بزرگ را نتیجه اتحاد و همبستگی کارگران شرکتهای پیمانکاری منطقه ماهشهر، بویژه کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام و حاصل درایت رهبران آنان میدانند و دروهای صمیمانه خود را نثار یکپایه این کارگران و اتحاد و همبستگی آنان میکنند.

پیروزی کارگران مجتمع های پتروشیمی منطقه ماهشهر یک پیروزی بزرگ و گامی مهم برای طبقه کارگر ایران در راستای دستیابی ما کارگران به مطالبات مان است. بی تردید پیروزهای بزرگتر ما برای خلاصی از وضعیت مشقت بار کنونی در گرو اتحاد و همبستگی سراسری طبقه کارگر ایران قرار دارد.

زنده باد کارگران صنایع پتروشیمی منطقه ماهشهر

زنده باد همبستگی و مبارزه متحدانه سراسری کارگران ایران

روپاهانی که هرگز تحقق نیافت پول نفت بر سر سفره ها و تورم يك رقمی

به نوشته داوود رضوی فعال سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه در 12 شهریور آمده است: در اکثر کشورها کاندیداهای ریاست جمهوری جهت تبلیغات و معرفی خودشان از شعارهایی استفاده میکنند که مورد تائید و نیاز جامعه است. اما احمدی نژاد از شعارهایی استفاده کرد که تا کنون کمتر کسی به این صراحت اعلام کرده بود. مثل اینکه پول نفت را بر سر سفره مردم خواهم آورد و یا اینکه تا پایان ریاست جمهوری همه صاحب خانه خواهند شد و دیگر مستاجری وجود نخواهد داشت و یا تورم را يك رقمی خواهیم کرد، بیکاری را ریشه کن خواهیم کرد. و یا اینکه به این زودی ها هیچ قیمتی افزایش نخواهد یافت. یادم است در همان ابتدای ریاست جمهوری احمدی نژاد وزیر کار دولت ایشان اعلام کردند کارگران میتوانند تشکلهای مستقل کارگری خودشان را داشته باشند و ما حتی به تشکیل این تشکلهای کمک هم خواهیم کرد. در آن زمان من در شرکت واحد مشغول بکار بودم به اتفاق همکارانمان در شرکت واحد اقدام به تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد کردیم که با برگزاری مجمع عمومی، انتخابات سندیکای کارگران شرکت واحد در حضور عوامل امنیتی و کارفرما شکل گرفت، پس از مدتی با مطرح کردن مشکلات کارگران چنان برخوردی با این سندیکای کارگری شد که منجر به دستگیری و اخراج صدها نفر از رانندگان و اعضای سندیکا گردید که تعدادی از اعضای این سندیکا سالها در زندان بودند و تعدادی از رانندگان سالها از کار بیکار شدند. نمی خواهم سرگذشت سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی را بگویم، خواستم بگویم این شروع دولت احمدی نژاد بود که با برخورد سرکوبگرانه با سندیکای واحد برایمان مسجل شد که هیچ نونی از تنور این دولت برای کارگران بیرون نخواهد آمد. یکی دیگر از شعارهایی که ایشان بسیار رویش مانور می کردند رو کردن اسامی مفسدین اقتصادی و کوتاه کردن دست آنها از منابع بیشمار و درآمد کشور بوده،

وضعیت کنونی اقتصادی ما کارگران نشانگر عملکرد و کارنامه ایشان در این مدت است. اگر کمی به حافظه خود فشار بیاوریم همان ابتدای کار ایشان، قیمت لبنیات تا پنجاه درصد افزایش یافت. بعد از کلی سر و صدا به سی در صد افزایش رضایت دادند. تکلیف تشکل های آزاد و انجمن صنفی های کارگری هم معلوم است، هنوز هم عده ای از کارگران و اعضای انجمن صنفی ها، مثل معلمان و اعضای سندیکای شرکت واحد و دیگر تشکل ها در زندان هستند. مسئله حل مسکن، هر چند در برخی از ادارات دولتی عده ای توانستند از امکاناتی استفاده کنند و صاحب خانه شوند اما اگر نگاهی به اجاره مسکن در سال جاری داشته باشیم در اکثر نقاط شهر تهران اجاره بهای مسکن هر متر مربع به یک میلیون تومان رسیده البته در شمال شهر از این رقم هم بالاتر است در صورتی که در ابتدای ریاست جمهوری ایشان خرید خانه متری یک میلیون تومان هم کمتر بود در صورتی که طبق اظهار نظر کارشناسان درآمد 7 سال گذشته کشور از درآمد کل دولت های قبلی بیشتر بوده. واقعا این تفاوت و افزایش چه دلیلی می تواند داشته باشد؟ با توجه به آمارهای ارائه شده از طرف دولت و ساخت و ساز انبوه خانه های مسکن مهر چرا این همه افزایش قیمت در بخش مسکن وجود دارد؟ بطوری که از سال گذشته تا به امروز مسکن متری یک میلیون تومان افزایش داشته یعنی نزدیک به 85 درصد افزایش! اگر به وضعیت تورم بپردازیم در ابتدای ریاست جمهوری احمدی نژاد آمار و ارقامی که دولت ارائه میداد در حدود 9 درصد و 13 درصد بود که همان آمارها را خیلی از کارشناسان اقتصادی قبول نداشتند. اما امروز خود کارشناسان دولتی تورم 26 درصدی اعلام کرده اند و دلایل آن را هم سیاست های نادرست پولی و توقف چرخه تولید و هماهنگ نبودن نقدینگی با چرخه تولید و صنعت میداند که باعث افزایش قیمت ها گردیده. در مسئله بیکاری هم طرح بنگاه های زود بازده که بدون هیچ کارشناسی انجام شده بود باعث شد عده ای سود جو و خودمانی از این طرح نهایت سو استفاده را بکنند و این طرح هم سرنوشتش همچون طرح های نیمه کاره به فراموشی سپرده شد و با توجه به تعطیلی کارخانجات مختلف نرخ 12 و یا 11 درصد بیکاری هم جای سوال و کارشناسی دارد. در مورد رو کردن دست مفسدین اقتصادی هم که همگان در جریان قرار دارند بزرگترین اختلاس در طول تمام عمر جمهوری اسلامی در سال گذشته اتفاق افتاد که معروف به سه هزار میلیاردی است. و اگر به هدفمند کردن یارانه بخواهیم اشاره کنیم بخش بزرگی از مشکلات کنونی را در بر خواهد گرفت که این خود بخشی از شعارها و یا رویاهایی بود که احمدی نژاد در سرداشت که نه تنها تحقق نیافت بلکه نتیجه صد درصد معکوس هم داشت به این معنی که تمام شعارها برعکس عمل شد و بیشترین فشارها در این سالها به ما کارگران وارد شد. البته فکر میکنم پاسخگو نبودن مسئولین در برابر خواست های مردم و توجه نکردن به خواست های عمومی نبود آزادی های تشکل های کارگری و حق آزادی اعتصاب نبود تشکیلات مدنی و آزادی احزاب و آزادی مطبوعات و رسانه ها و امنیتی برخورد کردن با اعتراض های مردمی باعث شده که دولت ها بیایند و بروند بدون اینکه توجه ای به منافع ملی و عمومی داشته باشند و همیشه نا کارآمدی خودشان را بگردن عوامل ناشناخته بیاندازند و یا مثل خاتمی بگویند ما تدارک چی بوده ایم. شاید هم در کشور ما رئیس جمهور ها فقط همان تدارکات چی باشند. باید منتظر بمانیم ببینیم احمدی نژاد پایان کارش را چگونه بیان خواهد کرد.

تعطیلی پتروشیمی اصفهان و بیکار شدن بیش از 700 نفر از کارکنانش

به گزارش نفت نیوز، در 12 شهریور آمده است: کارکنان شرکت پتروشیمی اصفهان که در سال های گذشته به بخش خصوصی واگذار گردید با ارسال نامه ای سرگشاده به وزیر نفت اعلام کردند به دلیل قطع خوراک این شرکت از طرف پالایشگاه اصفهان بعنوان تنها تامین کننده خوراک - از تاریخ 4 تیرماه 91 تاکنون کلیه واحدهای تولیدی آن از سرویس خارج و شرکت به طور کامل تعطیل شده است. براساس این نامه بدنبال تعطیلی پتروشیمی اصفهان بیش از 700 نفر بیکار شده اند.

20 هزار کارگر زن در آستانه بیکاری

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 13 شهریور آمده است: نماینده مردم شهرستانهای کاشان و آران و بیدگل گفت: میزان محرومیت و توسعه یافتگی شهرستان آران و بیدگل نسبت به 10 سال پیش تغییر چندانی نکرده است به طوری که محرومیت در این شهرستان همانند شهرهای محروم سیستان و بلوچستان است.

به گزارش ایلنا، «عباسعلی منصوری آرنی» در جلسه شورای اداری شهرستان آران و بیدگل که با حضور استاندار اصفهان، معاون سیاسی امنیتی این استان، امام جمعه و فرماندار شهرستان آران و بیدگل برگزار شد، با انتقاد از اینکه عدم توجه مسئولان استان اصفهان به شهرستان آران و بیدگل باعث شده تا این شهرستان به عنوان شهری کویری و محروم در کنار استان توسعه یافته اصفهان خودنمایی کند، گفت: عدم رسیدگی به این موضوع باعث خواهد شد تا محرومیت در این شهرستان گسترش بیشتری پیدا کند.

منصوری در ادامه به مشکلات واحدهای تولیدی فرش ماشینی این شهرستان اشاره کرد و گفت: اگر به مشکلات واحدهای تولیدی و صنعتی این شهرستان رسیدگی نشود شاهد بیکاری 20 هزار نفر در این شهرستان خواهیم بود

قانون عدم نظارت بر کارگاه های کمتر از 10 نفر فاجعه بار است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 13 شهریور آمده است: ساعت کار طولانی، کار طاقت فرسا و سنگین، دستمزد اندک، عدم رعایت ایمنی و بهداشت و... از جمله پیامدهایی است که به صورت رایج در این کارگاه های کوچک به چشم می خورد.

عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان کار از عدم نظارت وزارت کار بر کارگاه هایی با جمعیت کمتر از 10 نفر انتقاد کرد. علی اکبر اسماعیلی پور ضمن اشاره به ماده 191 قانون کار که کارگاه های کوچک کمتر از 10 کارگر را بر حسب مصلحت از شمول برخی از مواد حمایتی این قانون خارج کرده است، بیان کرد: بنابر تصویب این قانون، کارگاه هایی با جمعیت کمتر از 10 نفر از شمول قانون کار بیرون هستند.

وی تصریح کرد: نتیجه چنین قانونی همانطور که از ابتدا نیز مشخص بود، فاجعه بار بوده است. ساعت کار طولانی، کار طاقت فرسا و سنگین، دستمزد اندک، عدم رعایت ایمنی و بهداشت و... از جمله پیامدهایی است که به صورت رایج در این کارگاه های کوچک به چشم می خورد.

این فعال حقوق کودکان کار طرح های جمع آوری کودکان و نوجوانان در سطح شهر را بسیار خطرناک توصیف کرد و اظهار داشت: این طرح ها کودکان و نوجوانان را به سمت این کارگاه ها و بدتر از آن برخی کارگاه های مخفی سوق می دهد و بدین ترتیب فرصت استثمار آنان فراهم می شود.

عضو هیئت مدیر انجمن حمایت از حقوق کودکان کار در پایان وزارت کار را به اجرای مقوله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار تحت عنوان برطرف کردن بدترین اشکال اشتغال کودکان که در سال ۱۳۸۰ به امضاء رسانده دعوت کرد.

بیکار شدن 40 نفر از کارگران بدنبال تعطیلی کارخانه تراکتورسازی جیرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 13 شهریور آمده است: کارخانه تراکتورسازی جیرفت در سال 1363 در فاصله پنج کیلومتری شهرستان جیرفت در زمینی به مساحت 46 هکتار راه اندازی شد. این کارخانه توسط هیئت مدیره‌ای که راه اندازی شده بود به علت عدم تأمین مخارج آن، چند سال پیش به هیئت مدیره‌ای جدید واگذار شد که بعد از چند سال فعالیت تعطیل شد. بعد از تعطیلی این کارخانه 40 نفر کارگران آن از کار بیکار شدند. هیئت مدیره این کارخانه دلیل تعطیلی آن را عدم همکاری بانک عامل اعلام کردند.

خشک شدن پنج تالاب در فارس

به گزارش واحد مرکزی خبر در 13 شهریور آمده است: مدیرکل حفاظت محیط زیست فارس گفت: تالاب های بختگان، پریشان، هرم، هیرم و کافت در این استان به علت تداوم خشکسالی به طور کامل خشک شده است. ابراهیمی کارنامی افزود: تالاب های کمجان و هفت برم، وضعیت نسبتاً خوبی دارند و 30 درصد از تالاب های مهارلو و طشک نیز دارای آب است. او، عامل خشک شدن تالاب ها را در این فصل، علاوه بر پیامد خشکسالی های سال های گذشته، گرمای هوا و کاهش آب های سطحی و زیرزمینی دانست. به گفته مدیرکل محیط زیست استان فارس، حق آبه تالاب های طشک و بختگان از رودخانه کر تأمین می شود و تعیین میزان حق آبه و تخصیص آن به تالاب بختگان از سوی سازمان محیط زیست هم اینک در حال پیگیری است. ابراهیمی کارنامی افزود: خشک شدن تالاب نه تنها موجب از بین رفتن تنوع زیستی در یک منطقه می شود بلکه سبب از بین رفتن سفره های آب زیر زمینی، بایر شدن اراضی زراعی و همچنین پدیده گرد و غبار و افزایش بیماری ها شده و متعاقب آن صنعت کشاورزی، باغبانی و گردشگری دچار بحران می شود.

وضعیت فاجعه بار کودکان کار در کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر

ساعت کار طولانی، کار طاقت فرسا و سنگین، دستمزد اندک، عدم رعایت ایمنی و بهداشت و..

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 13 شهریور آمده است: علی اکبر اسماعیلی پور عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان کار ضمن اشاره به ماده ۱۹۱ قانون کار که کارگاه های کوچک کمتر از ۱۰ کارگر را بر حسب مصلحت از شمول برخی از مواد حمایتی این قانون خارج کرده است، بیان کرد: بنابر تصویب این قانون، کارگاه هایی با جمعیت کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار بیرون هستند.

وی تصریح کرد: نتیجه چنین قانونی همانطور که از ابتدا نیز مشخص بود، فاجعه بار بوده است. ساعت کار طولانی، کار طاقت فرسا و سنگین، دستمزد اندک، عدم رعایت ایمنی و بهداشت و... از جمله پیامدهایی است که به صورت رایج در این کارگاه های کوچک به چشم می خورد.

این فعال حقوق کودکان کار طرح های جمع آوری کودکان و نوجوانان در سطح شهر را بسیار خطرناک توصیف کرد و اظهار داشت: این طرح ها کودکان و نوجوانان را به سمت این کارگاه ها و بدتر از آن برخی کارگاه های مخفی سوق می دهد و بدین ترتیب فرصت استثمار آنان فراهم می شود.

عضو هیئت مدیر انجمن حمایت از حقوق کودکان کار در پایان وزارت کار را به اجرای مقوله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار تحت عنوان برطرف کردن بدترین اشکال اشتغال کودکان که در سال ۱۳۸۰ به امضاء رسانده دعوت کرد.

سوختگی شدید دو کارگر در آتش سوزی کارخانه مشهد نخ

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 13 شهریور آمده است: این آتش سوزی که ساعت ۲۲ شب گذشته رخ داد و در ساعت ۳ و ۴۰ دقیقه بامداد امروز، ۷۰ نیرو با ۲۲ خودرو از ۱۱ ایستگاه آتش نشانی اطفاء شد. مدیر روابط عمومی آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد درباره این حادثه گفت: در این آتش سوزی دو سوله بزرگ به میزان ۱۰۰ درصد در آتش سوخت و دو کارگر این کارخانه دچار سوختگی شدید شدند. خاکپور افزود: ۱۰ دستگاه تانکر ۳۰ هزار لیتری آبرسانی شهرداری نیز به کمک نیروها اعزام شدند. وی گفت: ۴ آتش نشان نیز در جریان اطفای حریق این حادثه دچار دودزدگی شدید شدند. شرکت مشهد نخ تولید کننده انواع نخ دارای واحدهای ریسندگی رینگ الیاف بلند، واحد ریسندگی چرخانه‌ای، واحد ریسندگی رینگ الیاف کوتاه و واحد رنگرزی است.

این کارخانه در سال ۱۳۵۹ تاسیس شد و از سال ۱۳۶۸ با استفاده از تکنولوژی کشورهای سوئیس و آلمان شروع به کار نمود و بزرگترین تولید کننده نخ با بیش از ۴۵ تن تولید در روز است.

رئیس اتحادیه زنان کارگر: عدم تعادل بازار کار تبعیض علیه زنان را تشدید می کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 13 شهریور آمده است: رئیس اتحادیه زنان کارگر از بی توجهی و قصور بازرسان اداره بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با تبعیض هایی که علیه زنان کارگر وجود دارد، انتقاد کرد. سهیلا جلودارزاده با اشاره به عملکرد ضعیف بازرسان وزارت کار گفت: متأسفانه عدم تعادل در بازار کار و عدم تناسب عرضه و تقاضا در این عرصه مزید بر علت شده است تا شاهد کاستی هایی در نظارت و بازرسی باشیم. وی درباره تبعیضاتی که فزونی تقاضا بر عرضه نیروی کار برای زنان کارگر به دنبال دارد، توضیح داد: در بعضی کارگاه های کشور،

زنان حاضرند در سخت‌ترین شرایط ممکن و با مخفی کاری عملکرد غیر قانونی کارفرمایان خود، به کار خویش ادامه دهند. این فعال کارگری ممنوعیت ازدواج و حقوق کمتر از نرخ مصوب وزارت کار را از جمله موارد غیر قانونی دانست که در برخی کارگاه‌ها علیه زنان به کار گرفته می‌شود. رئیس اتحادیه زنان کارگر در پایان مهم‌ترین مشکل حال حاضر جامعه کارگری کشور را چه برای آقایان و چه برای خانم‌ها، فقدان امنیت شغلی اعلام کرد و دلیل آن را مشکلات اقتصادی واحدهای تولیدی دانست.

عدم پرداخت 3 ماه حقوق نیروهای قراردادی مخابرات تربت جام

به گزارش روزنامه خراسان در 13 شهریور آمده است: نیروهای قراردادی مخابرات تربت جام که با پیمانکار... قرارداد دارند 3 ماه است حقوق نگرفته اند.

بنا به همین گزارش علیرغم شکایتشان به اداره کار و مخابرات شهرستان تاکنون جوابی نگرفته اند.

عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان کار:

قانون عدم نظارت بر کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر فاجعه بار است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 13 شهریور آمده است: عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان کار از عدم نظارت وزارت کار بر کارگاه‌هایی با جمعیت کمتر از ۱۰ نفر انتقاد کرد.

علی اکبر اسماعیلی‌پور ضمن اشاره به ماده ۱۹۱ قانون کار که کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ کارگر را بر حسب مصلحت از شمول برخی از مواد حمایتی این قانون خارج کرده است، بیان کرد: بنابر تصویب این قانون، کارگاه‌هایی با جمعیت کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار بیرون هستند.

وی تصریح کرد: نتیجه چنین قانونی همانطور که از ابتدا نیز مشخص بود، فاجعه بار بوده است. ساعت کار طولانی، کار طاقت فرسا و سنگین، دستمزد اندک، عدم رعایت ایمنی و بهداشت و... از جمله پیامدهایی است که به صورت رایج در این کارگاه‌های کوچک به چشم می‌خورد.

این فعال حقوق کودکان کار طرح‌های جمع آوری کودکان و نوجوانان در سطح شهر را بسیار خطرناک توصیف کرد و اظهار داشت: این طرح‌ها کودکان و نوجوانان را به سمت این کارگاه‌ها و بدتر از آن برخی کارگاه‌های مخفی سوق می‌دهد و بدین ترتیب فرصت استثمار آنان فراهم می‌شود.

عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان کار در پایان وزارت کار را به اجرای مفاد نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار تحت عنوان برطرف کردن بدترین اشکال اشتغال کودکان که در سال ۱۳۸۰ به امضاء رسانده دعوت کرد. پایان پیام

یك فعال کارگری: تشکل‌های دولتی بیش از حقوق کارگران نگران سیاست هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 شهریور آمده است: پروین محمدی در تشریح ادعای خود به ایلنا گفت: ماده ۱۹۱ قانون کار، قراردادهای موقت و سفید امضاء و... نتیجه ورشکستگی اقتصاد کشور است و این قوانین تنها برای کسب رضایت سرمایه گذاران اجرا می‌شوند.

وی مشکل اصلی کارگران زن کشور را وضعیت کار در کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک عنوان کرد و گفت: تولیدی‌های که جمعیتی کمتر از ۱۰ نفر دارند به موجب ماده ۱۹۱ قانون کار از شمول قانون کار خارج‌اند.

به گفته محمدی در این واحدهای تولیدی تفاوت‌های فاحشی میان دستمزد، ساعت کاری و وضعیت کار زنان با آنچه که قانون مشخص کرده است وجود دارد و بازرسان وزارت کار نیز از این تولیدی‌ها بازرسی کافی به عمل نمی‌آورند.

او از دولت خواست همانگونه که خود ادعا می‌کند، دولت همه مردم باشد نه آنکه تنها حامی حقوق سرمایه گذاران باشد. این فعال کارگری به وضعیت خوب بازرسی از کارگاه‌ها در سال‌های اولیه انقلاب و بازه زمانی ۵۹ تا ۶۷ اشاره کرد و بیان داشت: در آن دوره کسی از کارفرمایان جرات نمی‌کرد که از زیر بیمه‌های تأمین اجتماعی شانه خالی کند.

پروین محمدی از بیمه کردن روزانه کارگران کشور خبر داد و اعلام کرد: طبق این روال اگر کارگری بخواهد ۳۰ سال بیمه خود را پر کند باید چیزی نزدیک به ۷۵ سال کار کند.

عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران تشکل‌های کارگری را در بهبود وضعیت کارگران تأثیر گذار خواند و گفت: تجربه کشورهای صنعتی و نقش تشکل‌ها و صنوف کارگری به ما نشان می‌دهد که این گروه‌ها می‌تواند نقش جدی در احقاق حق کارگران ایفا کنند. او با انتقاد از عملکرد تشکل‌های دولتی کارگری اظهار کرد: این تشکل‌ها بیشتر از آنکه به فکر حل مشکلات کارگران باشند، نگران مسائل سیاسی کشور هستند.

تجمع اعتراضی کارگران آونگان مقابل درب کارخانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 شهریور آمده است: با اعلام رای قطعی دادگاه در شعبه ۸ حقوقی اراک مبنی بر ورشکستگی شرکت آونگان، کارگران این واحد تولیدی در اعتراض به حکم صادره از صبح امروز - ۱۴ شهریور ماه - در مقابل شرکت تجمع کرده و خواستار حمایت مسئولین شدند.

بنا به همین گزارش، کارگران تا هفته گذشته در کارگاه‌ها مشغول بکار بودند که با ابلاغ رای دادگاه و تعطیلی کارگاه‌ها، پروژه‌های تولید سفارشات تعطیل شده است/ ۱۰۰ کارگر این شرکت با تایید حکم به خیل بیکاران کشور اضافه خواهند شد.

بر اساس این گزارش کارگران شرکت آونگان که از ساعت ۹ صبح در مقابل درب کارخانه تجمع کرده‌اند خواسته‌های خود مبنی بر لغو رای ورشکستگی شرکت، تأیید لیست بیمه کارگران، پرداخت مطالبات معوق با تعهد به وعده‌های حمایت مالی استانداری و از سرگیری فعالیت خطوط تولید در شرکت را با فریاد اعلام می‌کردند.

ماده ۱۹۱ قانون کار سوءاستفاده از نیروی کار کودکان را تشدید کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۴ شهریور آمده است: عضو انجمن دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان یکی از مشکلات امروز کشور را، عدم رابطه قانون گذاران و برنامه ریزان کشور با نهادها و تشکلهای مدنی و کارگری عنوان کرد. طاهره پژوهش در این زمینه به ایلنا گفت: نتیجه این عدم ارتباط دوسویه، تصویب و تداوم ماده ۱۹۱ قانون کار است که به موجب آن کارگاههایی که جمعیت آنها از ۱۰ نفر کمتر است از شمول بسیاری از مواد حمایتی این قانون محروم شده‌اند. به گفته پژوهش، کسانی که این قانون را تصویب کرده‌اند، هیچ ایده و دورنمایی از پیامدهای ناگوار این قانون نداشته‌اند. دلیل آن هم چیزی جز عدم ارتباط با نهادهای مدافع حقوق کارگران از جمله نهادهای مدافع حقوق کودکان کار نبوده است چرا که اگر نظرات کارشناسی فعالان مدنی و صنفی شنیده می‌شد، قانون گذاران متوجه می‌شدند که با خروج کارگاههای کوچک از نظارت و حمایت قانون کار، فرصت سوءاستفاده از نیروی کار کودکان برای فرصت طلبان فراهم می‌شود. این فعال حقوق کودکان کار ضمن اشاره به عدم دستمزد کافی کودکان کار اظهار کرد: در جشنی که به مناسبت روز جهانی کارگر برای کودکان کار برگزار کردیم، آنان مهمترین خواسته‌شان را مشخص کردن ساعت کار خود عنوان می‌کردند. پژوهش در حکم نمونه به کودکان و نوجوانانی که در بازار تهران از ساعت یک شب تا ۵ صبح بار خالی می‌کنند اشاره کرد. این فعال حقوق کودکان کار از جمع آوری زباله‌ها و پاک کردن راه آب‌ها توسط کودکان و نوجوانان به عنوان مصادیق تجاوز به حقوق کودکی آنان یاد کرد و گفت: متأسفانه پیمانکارانی که با شهرداری‌های سراسر کشور در این زمینه قرارداد می‌بندند، به هیچ اصولی پایبند نیستند و از کسانی که به سن قانونی کار نرسیده‌اند استفاده می‌کنند.

عدم پوشش بیمه‌ای ۱۰۰ هزار کارگر ساختمانی دارای کارت مهارت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۴ شهریور آمده است: عضو انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور از عدم پوشش بیمه‌ای نیمی از سهمیه امسال کارگران ساختمانی، با وجود سپری شدن نیمی از سال خبر داد. محمد باقری در تشریح این خبر به ایلنا گفت: مطابق قانون بیمه‌های کارگران ساختمانی، سازمان تامین اجتماعی موظف است سالانه ۲۰۰ هزار نفر از کارگرانی را که موفق به دریافت کارت مهارت و سایر مدارک لازم از سازمان فنی و حرفه‌ای شده‌اند را تحت پوشش بیمه قرار دهد. وی تصریح کرد: هم اکنون که در نیمه سال ۹۱ هستیم سازمان تامین اجتماعی از سهمیه بیمه ۲۰۰ هزار کارگر امسال، تنها ۱۰۰ هزار نفر از کارگران دارای کارت مهارت را بیمه کرده است و مابقی همچنان در انتظار به سر می‌برند. عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی تهران اظهار داشت: سهمیه استان تهران از این بیمه در کل کشور ۳۱ هزار و ۵۰۰ نفر است که به گفته سازمان تامین اجتماعی ۱۱ هزار نفر تاکنون بیمه شده‌اند. او در ادامه خواستار آن شد که سازمان تامین اجتماعی لیست اسامی بیمه شدگان استان تهران را در اختیار انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی تهران به عنوان نمایندگان جامعه کارگران ساختمانی این استان قرار دهد. باقری ضمن اشاره به ماده ۱۸ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، بیان کرد: متأسفانه برخلاف این ماده از قانون، سازمان فنی و حرفه‌ای در روند مهارت سنجی کارگران، از نیروهای متخصصی که در انجمن‌های صنفی وجود دارند استفاده نمی‌کند. عضو انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور در پایان ضمن انتقاد از دولت و مجلس به دلیل عدم نظارت کافی بر روند مهارت سنجی و پوشش بیمه‌ای کارگران اظهار داشت: در جلسه‌ای که اخیراً در کمیسیون اجتماعی مجلس در حضور معاونت درآمد سازمان تامین اجتماعی داشتیم، خواسته‌های خود را مطرح کردیم و ایشان نیز در همان راستا وعده‌هایی را به ما دادند که متأسفانه تاکنون تحقق نیافته است.

تشکلهای دولتی بیش از حقوق کارگران نگران سیاست هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۴ شهریور آمده است: اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار، قراردادهای موقت و سفید امضاء و... نتیجه ورشکستگی اقتصاد کشور است. یک فعال کارگری از تصویب و تداوم در اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار انتقاد کرد و آن را در جهت کسب رضایت سرمایه گذاران و کارفرمایان خواند. پروین محمدی در تشریح ادعای خود گفت: ماده ۱۹۱ قانون کار، قراردادهای موقت و سفید امضاء و... نتیجه ورشکستگی اقتصاد کشور است و این قوانین تنها برای کسب رضایت سرمایه گذاران اجرا می‌شوند. وی مشکل اصلی کارگران زن کشور را وضعیت کار در کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک عنوان کرد و گفت: تولیدی‌های که جمعیتی کمتر از ۱۰ نفر دارند به موجب ماده ۱۹۱ قانون کار از شمول قانون کار خارج‌اند. به گفته محمدی در این واحدهای تولیدی تفاوت‌های فاحشی میان دستمزد، ساعت کاری و وضعیت کار زنان با آنچه که قانون مشخص کرده است وجود دارد و بازرسان وزارت کار نیز از این تولیدی‌ها بازرسی کافی به عمل نمی‌آورند. او از دولت خواست همانگونه که خود ادعا می‌کند، دولت همه مردم باشد نه آنکه تنها حامی حقوق سرمایه گذاران باشد. این فعال کارگری به وضعیت خوب بازرسی از کارگاه‌ها در سال‌های اولیه انقلاب و بازه زمانی ۵۹ تا ۶۷ اشاره کرد و بیان داشت: در آن دوره کسی از کارفرمایان جرات نمی‌کرد که از زیر بیمه‌های تامین اجتماعی شانه خالی کند. پروین محمدی با انتقاد از بیمه کردن روزانه کارگران، اعلام کرد: طبق این روال اگر کارگری بخواهد ۳۰ سال بیمه خود را پر کند باید چیزی نزدیک به ۷۵ سال کار کند.

عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران تشکل‌های کارگری را در بهبود وضعیت کارگران تأثیر گذار خواند و گفت: تجربه کشورهای صنعتی و نقش تشکل‌ها و صنوف کارگری به ما نشان می‌دهد که این گروه‌ها می‌تواند نقش جدی در احقاق حق کارگران ایفا کنند. او با انتقاد از عملکرد تشکل‌های دولتی کارگری اظهار کرد: این تشکل‌ها بیشتر از آنکه به فکر حل مشکلات کارگران باشند، نگران مسائل سیاسی کشور هستند.

کارخانه زرگاز با ۲۲۰ کارگر در آستانه تعطیلی است

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 14 شهریور آمده است: مدیر عامل کارخانه زرگاز کاشان گفت: در صورتی که از افزایش بی‌رویه قیمت مواد اولیه جلوگیری نشود و ارزش مورد نظر جهت نقدینگی تزیق نشود، این واحد تولیدی که ۲۲۰ کارگر در آن مشغول به کار هستند، ظرف دو ماه آینده تعطیل خواهد شد.

محمد رضا یوسفی در گفتگو با ایلنا در کاشان، با اشاره به اینکه شرکت تولیدی زرگاز کاشان در حال حاضر تولید کننده انواع اجاق گاز است و مدت ۲۸ سال است که به تولید لوازم خانگی فعالیت دارد و به عنوان صادرکننده نمونه کشور طی سه دوره شناخته شده است، گفت: به علت افزایش قیمت و کمبود مواد اولیه و عدم تأمین نقدینگی مورد نیاز، در صورتی که تمهیدات جدی اندیشیده نشود و ارزش مورد نظر تزیق نشود این واحد تولیدی و صنعتی که بالغ بر ۲۲۰ نفر در آن مشغول به کار هستند ظرف دو ماه آینده تعطیل خواهد شد.

این صادرکننده نمونه کشور با بیان اینکه متأسفانه تاکنون هیچ کمک و اقدامی در جهت آزادسازی حامل‌های انرژی پس از هدفمندی یارانه‌ها به این شرکت نشده است گفت: افزایش ۶۰ درصدی مواد اولیه پس از هدفمندی یارانه‌ها تأثیر بسیار زیادی در کاهش تولیدات این کارخانه گذاشته است.

مدیر عامل شرکت زرگاز کاشان با بیان اینکه سال گذشته ورق روغنی را کیلویی ۱۱۰۰ تومان خریداری می‌کردیم گفت: با تشدید فشارهای خارجی، در حال حاضر برای تهیه ورق مورد نیاز این شرکت باید بابت آن هر کیلو ۱۸۲۰ تومان پرداخت کنیم. به نظر می‌رسد هر چند تحریم‌ها در افزایش قیمت مواد اولیه بی تأثیر نبوده، ولی ایجاد بازار کاذب مواد اولیه در داخل کشور توسط سوداگران و واسطه‌ها می‌تواند نقش به‌سزایی در افزایش قیمت مواد اولیه داشته باشد. از این رو انتظار می‌رود مسئولین مربوطه ضمن برخورد با سوداگران و تأمین ارزش مورد نظر جهت حفظ اشتغال این واحد تولیدی اقدام اساسی انجام دهند.

اعتراض کارگران آونگان اراک به رای قطعی دادگاه مبنی بر اعلام ورشکستگی شرکت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا / اراک در 14 شهریور آمده است: با اعلام رای قطعی دادگاه در شعبه 8 حقوقی اراک مبنی بر ورشکستگی شرکت آونگان، کارگران این شرکت در اعتراض به حکم صادره از ساعت 9 صبح امروز 14 شهریور ماه در مقابل شرکت تجمع کرده و خواستار حمایت مسئولین شدند.

مهدی اسکندری نماینده کارفرما و رئیس حراست شرکت آونگان که در میان اجتماع کنندگان حضور داشت در گفتگو با ایلنا ضمن اعتراض به رای دادگاه که عملاً منجر به تعطیلی شرکت و بیکاری کارگران می‌شود گفت: شرکت از سال گذشته با قبول سفارشات متعدد برای ساخت دکل از داخل و خارج از کشور حیات دوباره یافت و با فروش ضایعات کارگاه های تولید حقوق پرسنل را پرداخت می‌کرد اما در حال حاضر در حالی که در انبارهای شرکت شمش کافی برای تولید موجود است و شرکت، توانایی کار در سه شیفت را با توجه به سفارش های جدید از کشور پاکستان دارد با اعلام حکم دادگستری مدیریت شرکت جرات هیچ گونه سرمایه گذاری را نداشته و عملاً کار خوابیده است.

نماینده کار فرما و مدیریت حراست شرکت آونگان با اشاره به این که با ابلاغ حکم ورشکستگی، تأمین اجتماعی نیز لیست بیمه کارگران را از تیر ماه تأیید نکرده تصریح کرد: این در حالی است که کارگران تا هفته گذشته در کارگاه ها مشغول بکار بوده اند که با تعطیلی کارگاه ها با ابلاغ رای دادگاه پروژه‌های تولید سفارشات تعطیل شده است.

اسکندری اعلام رای دادگاه را با توجه به شکایت بازنشستگان شرکت مبنی بر عدم دریافت مطالبات سنواتشان عنوان کرد و گفت: از زمان شروع بحران از 5 سال گذشته تا کنون بدلیل عدم حمایت از سرمایه گذار و به تعویق افتادن انجام وعده ها مشکلات مالی شرکت بیشتر شده بطوریکه قول استانداری مبنی بر پرداخت 16 میلیارد تومان برای حمایت مالی پس از تاخیر در اجرا به 8 میلیارد تومان و سپس به 4 میلیارد تومان در قالب مصوبه سفر هیات دولت به استان درآمد اما همان مصوبه هم به اجرا در نیامد تا این که استانداری شخصاً در بهار سال 90 در حضور خبرنگاران و مسئولان قول پرداخت 2 میلیارد تومان برای پرداخت سنوات حقوق بازنشستگان را داد اما عدم تعهد به اجرای این قول باعث شد تا بازنشستگان بار دیگر شکایت خود را پیگیری نمایند تا این حکم اعلام شود. موسوی قاضی شعبه 8 حقوقی نیز در گفتگو با ایلنا ضمن تأیید این مطلب گفت: حکم قطعی ورشکستگی شرکت با توجه به شکایات مطرح شده اعلام شده است.

بر اساس این گزارش کارگران شرکت آونگان که از ساعت 9 صبح در مقابل شرکت تجمع کرده اند خواسته های خود مبنی بر لغو رای ورشکستگی شرکت، تأیید لیست بیمه کارگران، پرداخت مطالبات معوق با تعهد به وعده های حمایت مالی استانداری و از سرگیری فعالیت خطوط تولید در شرکت را با فریاد اعلام می کردند.

به گفته نماینده کارگران، حراست شرکت طی یک نامه کتبی در خواست کارگران را همراه با درخواست اجرای ماده 18 به استانداری و دادگستری اعلام کرده تا در صورت رای مثبت مشمول شدن شرکت در ماده 18 لغو حکم ورشکستگی و تأیید آن در تهران این حکم شکسته شده و شرکت آونگان فعالیت خود را از سر گیرد و گر نه 100 کارگر این شرکت با تأیید حکم به خیل بیکاران کشور اضافه خواهند شد.

این تجمع در مقابل شرکت هم چنان ادامه دارد.

پایان پیام

کارکنان شهرداری باشت از سه ماه قبل حقوق نگرفته‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 شهریور آمده است: کارکنان شهرداری باشت استان کهگیلویه و بویراحمد حدود 2 سال است که اضافه کاری و عیدی خود را دریافت نکرده‌اند و از 3 ماه پیش تاکنون نیز حقوقی دریافت نکرده‌اند.

این گزارش، تعداد پرسنل این اداره را 80 نفر عنوان کرد.

این گزارش حاکیست، برخی از کارگران و پرسنل شهرداری باشت اعلام کرده‌اند از وضعیت موجود به ستوح آمده زیرا توانایی خرید مایحتاج اولیه زندگی را ندارند.

یکی از این کارگران گفت: اکنون 3 ماه است برای اینکه در نزد خانواده‌ی خود شرم‌منده نباشیم از دوستانمان یا فامیل هایمان پول قرض می‌کنیم.

علاوه بر شهرداری برخی از ادارات شهرستان باشت نیز حقوق پرسنل خود را پرداخت نکرده‌اند.

شهرستان باشت یکی از شهرستان‌های تازه تاسیس استان کهگیلویه و بویر احمد است.

تجمع کارگران آونگان در اعتراض به حکم ورشکستگی کارخانه

به نوشته سایت اطلاع طلب کلمه در 14 شهریور آمده است: با اعلام رای قطعی دادگاه در شعبه 8 حقوقی اراک مبنی بر ورشکستگی شرکت آونگان، کارگران این واحد تولیدی در اعتراض به حکم صادره از صبح امروز 14 شهریور ماه در مقابل شرکت تجمع کرده و خواستار حمایت مسئولین شدند.

مهدی اسکندری، نماینده کارفرما و رئیس حراست کارخانه آونگان که در میان معترضین حضور دارد، در گفتگو با خبرنگار ایلنا در اراک ضمن اعتراض به رای دادگاه که منجر به تعطیلی شرکت و بیکاری کارگران شده است، گفت: این واحد تولیدی از سال گذشته با قبول سفارشات متعدد برای ساخت دکل از داخل و خارج از کشور حیات دوباره یافت و با فروش ضایعات کارگاه‌های تولید حقوق پرسنل را پرداخت می‌کرد اما در حال حاضر در حالی که در انبارهای شرکت شمش کافی برای تولید موجود است و شرکت توانایی کار در سه شیفت را با توجه به سفارش‌های جدید از کشور پاکستان دارد، با اعلام حکم دادگستری مدیریت شرکت امکان هیچ گونه سرمایه‌گذاری را نداشته و عملاً کار تعطیل شده است.

نماینده کار فرمای کارخانه آونگان با اشاره به اینکه با ابلاغ حکم ورشکستگی، سازمان تامین اجتماعی نیز لیست بیمه کارگران را از تیر ماه تایید نکرده است تصریح کرد: این در حالی است که کارگران تا هفته گذشته در کارگاه‌ها مشغول بکار بودند که با ابلاغ رای دادگاه و تعطیلی کارگاه‌ها، پروژه‌های تولید سفارشات تعطیل شده است.

اسکندری اعلام رای دادگاه را با توجه به شکایت بازنشستگان شرکت مبنی بر عدم دریافت مطالبات سنواتشان عنوان کرد و گفت: از زمان شروع بحران از 5 سال گذشته تا کنون بدلیل عدم حمایت از سرمایه‌گذار و به تعویق افتادن وعده‌ها، مشکلات مالی شرکت بیشتر شده بطوریکه قول استانداری مبنی بر پرداخت 16 میلیارد تومان برای حمایت مالی پس از تاخیر در اجرا به 8 میلیارد تومان و سپس به 4 میلیارد تومان در قالب مصوبه سفر هیات دولت به استان درآمد اما همان مصوبه هم به اجرا در نیامد تا اینکه استاندار شخصاً در بهار سال 90 در حضور خبرنگاران و مسئولان قول پرداخت 2 میلیارد تومان برای پرداخت سنوات حقوق بازنشستگان را داد اما عدم تحقق این وعده نیز باعث شد تا بازنشستگان بار دیگر شکایت خود را پیگیری کنند تا این حکم اعلام شود.

ایلنا در گفتگو با قاضی موسوی، رئیس شعبه 8 دادگاه حقوقی، وی ضمن تایید این مطلب گفت: حکم قطعی ورشکستگی شرکت با توجه به شکایات مطرح شده اعلام شده است.

بر اساس این گزارش کارگران شرکت آونگان که از ساعت 9 صبح در مقابل درب کارخانه تجمع کرده‌اند خواسته‌های خود مبنی بر لغو رای ورشکستگی شرکت، تایید لیست بیمه کارگران، پرداخت مطالبات معوق با تعهد به وعده‌های حمایت مالی استانداری و از سرگیری فعالیت خطوط تولید در شرکت را با فریاد اعلام می‌کردند.

به گفته نماینده کارگران، حراست شرکت طی یک نامه کتبی در خواست کارگران را همراه با درخواست اجرای ماده 18 به استانداری و دادگستری اعلام کرده تا در صورت رای مثبت مشمول شدن شرکت در ماده 18 لغو حکم ورشکستگی و تایید آن در تهران این حکم شکسته شده و شرکت آونگان فعالیت خود را از سر گیرد. در غیر این صورت 100 کارگر این شرکت با تایید حکم به خیل بیکاران کشور اضافه خواهند شد.

کارگران ریسندگی خاور رشت 26 ماه حقوق نگرفته‌اند/ تجمع اعتراضی مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا/ رشت در 15 شهریور آمده است: از ساعات اولیه صبح چهارشنبه تعدادی از کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت مقابل استانداری گیلان تجمع و نسبت به عدم توجه مسوولین در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی به کارگران گلایه کردند.

به گزارش ایلنا از گیلان، یکی از کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت در حاشیه این تجمع در گفتگو با خبرنگار ایلنا در رشت، تعداد کارگران این واحد صنعتی را حدود 200 نفر عنوان کرد.

وی با اشاره به واگذاری شرکت ریسندگی خاور رشت در سال 83 به بخش خصوصی خاطر نشان کرد: از آن سال تاکنون 4 استاندار گیلان تغییر کرده ولی فقط وعده و وعید، به ما می‌دهند و سرگردانمان کرده‌اند و هیچ مشکلی نیز حل نشده است.

این کارگر با اشاره به تجمع 50 نفر از کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت در مقابل استانداری گیلان، تصریح کرد: هیچ مسوولی در استان سوال نمی‌کند چرا تجمع کرده‌اید، من خود کارگرم و 21 سال سابقه کار داشته‌ام و بازنشسته هستم.

وی اذعان کرد: بیمه نیستیم و معوقات من و همکارانم پرداخت نمی‌شود، محصل دارم و در آستانه بازگشایی مدارس مشکل مالی دارم.

مطالبات کل کارگران حدود 2 میلیارد تومان است

این کارگر میزان مطالبات کل کارگران بازنشسته را حدود 2 میلیارد تومان اعلام کرد و ابراز داشت: تاکنون آقایان جزایری و زهرایی

و خانواده 3 میلیارد و 600 میلیون تومان از بانک صنعت و معدن به صورت وام دریافت کرده اند که بخشی از آن به کارگران پرداخت شده و مابقی کارگران چیزی دریافت نکرده اند.

هیچ مسئولی حتی علت تجمع ما را نمی پرسد
وی با اشاره به نام گذاری سال جاری از سوی مقام معظم رهبری با عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، بیان داشت:
هیچ مسئول استانی نمی آید از کارگران تجمع کننده سؤال کنند چرا تجمع کرده اید تا این که بخواهد مشکلمان را حل نمایند.
این کارگر در پایان از مسئولان خواست نسبت به حل مشکلات متعدد کارگران ریسندگی خاور بعد از 8 سال پیگیر باشند.

کارشناس قانون کار: به بهانه اشتغال زایی همه نوع بلایی بر سر کارگران می‌آورند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 15 شهریور آمده است: علیرضا حیدری، فعال کارگری، ضمن آسیب زنده توصیف کردن تصمیم گیری دولت برای کارگران و کارفرمایان گفت: برای احقاق حق هر گروه، طرفین می‌بایست از طریق نمایندگان واقعی خود به مذاکره بپردازند نه آنکه دولت از بالا برای آنان تصمیم بگیرد. وی تشکلهای کارگری پر قدرت و سازمان یافته و اصل سه جانبه گرایی را کلید حل مشکلات اقتصادی و روابط کار امروز ایران دانست و هر دولتی را که قدرت سیاسی را جایگزین نهادهای کارگری کند و یک سری گروه نمادین را برای حفظ پرستیژ در عرصه بین المللی در داخل تشکیل دهد، ناتوان از حل معضلات خواند.

این کارشناس قانون کار، اصلاحیه این قانون در زمینه قراردادهای شفاهی را دارای آثار زیان باری دانست و آن را تبلور همکاری دولت و کارفرمایان علیه کارگران عنوان کرد. حیدری اصلاحیه قانون کار در این زمینه را ادامه پروژه اصلاح محیط کسب و کار عنوان کرد و گفت: به نام این طرح همه نوع بلایی بر سر کارگران و به نفع کارفرما می‌آورند و دلیل آن را اشتغال زایی اعلام می‌کنند. وضعیت اشتغال کشور هم با اجرای این طرح‌ها مشخص است که به کدام سو می‌رود.

این فعال کارگری در تشریح این اصلاحیه به اینها گفت: به موجب اصلاحیه‌ای که دولت تدوین کرده است، قراردادهای بالای یک ماه میان کارگران و کارفرمایان می‌بایست کتبی باشد. گزاره هم ارز این اصلاحیه به این معنی است که هر قراردادی که کتبی نباشد، عمر آن زیر یک ماه خواهد بود. این تغییر به آن معناست که عمر قراردادهای شفاهی یک ماهه و قابل تجدید و تکرار خواهد بود. سابقاً در قراردادهای شفاهی عمر قرارداد مشخص نبود و عملاً قراردادهای شفاهی دائمی محسوب می‌شدند، در حالی که در قراردادهای کتبی تاریخ شروع و پایان همکاری کارگر و کارفرما از ابتدا مشخص می‌شد.

وی قراردادهای شفاهی در شرایط فعلی را فاقد تضمین اجرایی خواند و اعلام کرد: در این قراردادها کارفرما هرگاه اراده کند کارگر را از کار اخراج می‌کند. این در حالی است که در قراردادهای کتبی هر چقدر هم ناعادلانه باشند، یک تعهد مشخصی میان کارگر و کارفرما وجود دارد.

به گفته حیدری ماهیت قراردادهای شفاهی میان کارگران و کارفرمایان به گونه‌ای است که برای مراجع رسیدگی به شکایات مناسب نیستند و اگر یکی از طرفین از دیگری شکایت کند، معمولاً آنچه حق به معنای واقعی کلمه است اتفاق نمی‌افتد.

وی تأکید کرد: ضمانت حسن اجرای قانون کار با وزارت کار است که هم به لحاظ فرهنگ سازی، هم نظارت و هم آموزش کم کاری کرده است. اگر فرهنگ سازی، اطلاع رسانی و آموزش صحیحی در سطح کشور انجام می‌شد الان شاهد پایداری شدن حقوق کارگران و کارفرمایان نبودیم.

تجمع کارگران و بازنشستگان کنفکار مقابل استانداری گیلان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 شهریور آمده است: «معوقات من و همکارانم پرداخت نمی‌شود، فرزند محصل دارم و در آستانه بازگشایی مدارس پول ندارم یک جفت کیف و کفش برای فرزندم بخرم.»

از ساعات اولیه صبح چهارشنبه تعدادی از بازنشستگان کارخانه کنفکار رشت، با تجمع در مقابل استانداری گیلان نسبت به عدم توجه مسئولین به مشکلات معیشتی‌شان اعتراض کردند.

براساس این گزارش، یکی از کارگران کنفکار در حاشیه این تجمع، تعداد کارگران این واحد صنعتی را حدود 200 نفر عنوان کرد و با اشاره به واگذاری شرکت ریسندگی خاور رشت در سال 83 به بخش خصوصی خاطر نشان کرد: از آن سال تاکنون 4 استاندار گیلان تغییر کرده‌اند ولی فقط وعده و وعیدها تغییر کرده و هیچ مشکلی حل نشده است.

این کارگر ادامه داد: هیچ مسئولی در استان سؤال نمی‌کند چرا تجمع کرده‌اید، من خود کارگرم و با 21 سال سابقه کار بازنشسته شده‌ام اما معوقات من و همکارانم پرداخت نمی‌شود، فرزند محصل دارم و در آستانه بازگشایی مدارس پول ندارم یک جفت کیف و کفش برای فرزندم بخرم.

مطالبات کل کارگران حدود 2 میلیارد تومان است

این کارگر میزان مطالبات کل کارگران بازنشسته را حدود 2 میلیارد تومان اعلام کرد و با اشاره به نام گذاری سال جاری با عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، بیان داشت: هیچ مسئول استانی نمی‌آید از کارگران تجمع کننده سؤال کنند چرا تجمع کرده‌اید تا اینکه بخواهد مشکلمان را حل نمایند.

این کارگر در پایان از مسئولان خواست نسبت به حل مشکلات متعدد کارگران ریسندگی خاور بعد از 8 سال پیگیر باشند.

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بار دیگر در روز 15 مهر ماه مورد محاکمه قرار خواهند گرفت

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 15 شهریور آمده است: شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که بندباز داشت در 15 دی ماه 1390، در روز بیست و نهم همان ماه از زندان آزاد شدند و در 25 اسفند سال نود اولین دادگاه آنان برگزار شد بدون اینکه در نزدیک به هفت ماه حکمی در مورد آنان صادر شود بار دیگر در روز 15 مهر ماه سالجاری جهت محاکمه مجدد به دادگاه شعبه یک انقلاب سندانج فرا خوانده شده اند.

بازداشت مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه در دی ماه 1390 با اتهامات کاملاً واهی صورت گرفت. شریف ساعد پناه سالها نماینده کارگران کارخانه ریسندگی پرریس و از رهبران کارگری خوشنام در شهر سنندج است و مظفر صالح نیا معلم اخراجی، فعال کارگری در شهر سنندج و انسان شریفی است که بدنبال کمک به یک فرد خیابان خواب در سرمای شدید شهر سنندج و اعتراض به چنین وضعیتی بازداشت شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران بازداشت شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را در دی ماه سال 1390 و محاکمه آنان در 25 اسفند همانسال و بر گزاری دادگاهی دیگر برای آنان در 15 مهر ماه را در راستای سیاست اعمال فشار مداوم بر کارگران معترض بمنظور جلوگیری از حق خواهی کارگران ایران ارزیابی میکند و با محکوم کردن بازداشت و به محاکمه کشیدن چنین انسانهای شریفی، خواهان تیرنه بی قید و شرط آنان، آزادی فوری کلیه کارگران و فعالین کارگری زندانی و منع تعقیب قضائی تمامی کارگرانی است که برای آنان پرونده سازی شده است.

قیمت دلار بار دیگر افزایش یافت؛ مخالفتها با بورس ارز شدت گرفت

به نوشته سایت مردمک در 15 شهریور آمده است: قیمت دلار بار دیگر در بازار معاملات ارز تهران بالا رفت و این در حالی است که در چند روز گذشته، راهاندازی بورس ارز و شایعه افزایش قیمت دلار تا سه هزار تومان مطرح شده است. خبرگزاری مهر امروز چهارشنبه، 15 شهریور گزارش داد که دلار در بازار آزاد تهران 2205 تومان معامله شد در حالی که روز قبل نرخ دلار در این بازار 2179 تومان بود و نرخ ارز مرجع بانک مرکزی هم 1260 تومان است. این در حالی است که قیمت یورو و پوند کمی در بازار ارز نسبت به روز گذشته کاهش پیدا کرد. به این ترتیب که یورو 2785 تومانی در روز سهشنبه، امروز 2773 تومان خرید و فروش شد و قیمت پوند هم به 3498 تومان رسید. پوند روز گذشته 3500 م معامله شده بود.

قیمت سکه تمام طرح قدیم اما نسبت به روز قبل با افزایش همراه شد و از 844 هزار تومان به 850 هزار تومان رسید. نوسان حاکم بر بازار ارز ایران در حالی است که در روزهای گذشته مقامات اقتصادی دولت و بانک مرکزی بر راهاندازی بورس ارز تاکید کردهاند و در همین حال بعضی از منابع خبری غیر رسمی از شایعه سه هزار تومانی شدن دلار خبر دادهاند که در روزهای گذشته در بازار تهران دهان به دهان شده است.

هر چند که محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی شایعه ارز سه هزار تومانی را تکذیب و تاکید کرد در روزهای آینده قیمت طلا و سکه در بازار معاملات کاهش پیدا می کند اما همچنان منتقدان، راه اندازی بورس ارز را باعث ایجاد نوسان در بازار می دانند. در این ارتباط امروز یوسف تقی زادگان، بازرس اتحادیه طلا و جواهر در گفت و گو با وب سایت قدس آنلاین مدعی شد دلیل اصلی نوسانات بازار ارز وعدههای عملی نشده محمود بهمنی در ارتباط با ساماندهی بازار است. آقای تقی زادگان توضیح داد در حالی که قیمت طلا در بار ایران در حال کاهش بود اما روز دوشنبه بار دیگر رئیس بانک مرکزی اعلام کرد با هدف ساماندهی و جلوگیری از نوسانات نرخ ارز، ارز وارد بازار بورس می شود. به گفته او، همین اظهارات کافی بود تا هر گرم طلا به 85 هزار و 400 تومان برسد در حالی که تا روز قبل قیمت آن، 83 هزار و 900 تومان بود و قیمت جهانی این فلز گرانبها هم دچار نوسان کمی است. بازرس اتحادیه طلا و جواهر ادامه داد: در حالی که بازار منتظر عملی شدن تصمیم رئیس کل بانک مرکزی بود اما این تصمیم موعده وعده داده شده یعنی سهشنبه، 14 شهریور عملی نشد. هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و همچنین کنفدراسیون صادرات طی موضع گیری هایی مخالفت خود را با این تصمیم اعلام کردهاند.

بر این اساس امروز اعضای اتاق بازرگانی تهران با پیشنهاد یحیی آل اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی تهران به دولت مبنی بر تعویق یک ماهه در راهاندازی بورس ارز موافقت کردند.

اعضای کنفدراسیون صادرات هم در نشست امروز خود با تشکیل بورس ارز مخالفت کردند یکی از اعضای این کنفدراسیون راهاندازی اجباری بورس ارز را باعث ناهماهنگی و ایجاد رانت ارزیابی کرد. محمد لاهوتی یکی دیگر از اعضای این تشکل اقتصادی هم تاسیس این بورس را زمینه ساز ایجاد نرخ سوم برای ارز دانست. ارزیابی که از سوی بانک مرکزی و وزارت امور اقتصاد و دارایی رد شده و باقی ماندن شرایط حاضر و اختلاف حدود هزار تومانی در هر دلار در نظام چند نرخ را باعث ایجاد رانت می دانند.

در این ارتباط روز گذشته محمد پاریزی، معاون اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی راهاندازی تاکید کرد که بورس ارز در شرایط فعلی یک ضرورت است و دیگر زمان تعیین نرخ ارز به صورت دستوری به سر آمده است. او تایید کرد که تجربه بانک مرکزی در دو سال گذشته در کنترل افزایش نرخ سکه موفق نبوده و قیمت سکه با گذشت مدت کوتاهی باز هم افزایش پیدا کرده است.

به گفته آقای پاریزی قیمت گذاری در بورس ارز و تعیین سیاست های اصلی آن شرایط را تغییر می دهد. محمود دودانگه، عضو هیئت عامل صندوق توسعه ملی هم امروز به خبرگزاری مهر گفت که 20 درصد از منابع موجود صندوق توسعه ملی معادل پنج میلیارد دلار در بورس ارز عرضه خواهد شد.

پیش از این مدیرکل دفتر تحقیقات و سیاست های پولی و بازرگانی وزارت امور اقتصادی و دارایی گفته بود کلیات بورس ارز در کارگروه ارز با حضور نمایندگان مجلس و بخش خصوصی و دولت مورد تاکید قرار گرفته است و فرآیند اجرای این طرح با حضور بانک مرکزی و سازمان بورس در حال انجام است.

نوسانات بازار ارز ایران طی سال گذشته با تحریم بانک مرکزی توسط آمریکا و افزایش احتمال تحریم نفت ایران شدت گرفت و نرخ سکه به یک میلیون و پنجاه هزار تومان و نرخ دلار آمریکا در رکوردی تاریخی، به حدود 2300 تومان رسید. برای مقابله با این جریان در ماه های گذشته نمایندگان مجلس از تهیه بسته ای اقتصادی با محوریت ارز سه نرخ خبر داده در حالی که بانک مرکزی با شدت با این موضع مخالفت کرده است.

تورم 23.5 درصدی مردادماه به روایت آمارهای بانک مرکزی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 15 شهریور آمده است: بنقل از اداره آمار بانک مرکزی، بر اساس خلاصه نتایج به دست آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران که بر اساس سال پایه 100=1383 تهیه می‌شوند در مردادماه 1391 شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران به عدد 341 رسیده است.

بر این اساس نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به مردادماه 1391 نسبت به دوازده ماه منتهی به مردادماه 1390 معادل 23.5 درصد است. بر اساس آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی نرخ تورم طی سال جاری و در پنج ماه گذشته تنها حدود دو درصد (1.7 درصد) رشد داشته است.

بنا به همین گزارش، از سوی بانک مرکزی نرخ تورم در فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیرماه امسال نیز به ترتیب معادل 21.8 - 22.2 - 22.4 و 22.9 درصد اعلام شده بود.

در همین زمینه مرکز آمار ایران اعلام کرده است که از ابتدای سال 1392 نرخ تورم را با بهره‌گیری از شاخص‌های جدید و متفاوت از بانک مرکزی اعلام خواهد کرد.

۵۰۰ کارگر پتروشیمی اصفهان در شرف بیکاری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 شهریور آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان نسبت به بیکاری بیش از ۵۰۰ کارگر پتروشیمی اصفهان در پی تعطیلی این کارخانه هشدار داد.

اصغر برشان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بیش از ۵۰۰ کارگر در پی تعطیلی کارخانه پتروشیمی اصفهان در شرف بیکاری قرار دارند.

او افزود: پتروشیمی اصفهان به دلیل فقدان نقدینگی دچار مشکل تامین مواد اولیه تولید از پالایشگاه اصفهان است و هم اکنون مسئولان این کارخانه به سبب کاهش تولیدات خود ناچار شده‌اند کارخانه را بطور موقت تعطیل کنند.

به گفته برشان پالایشگاه اصفهان مدعی است بدون دریافت پول قادر به تامین مواد اولیه پتروشیمی نیست و تنها در قبال دریافت پول حاضر است مواد اولیه تولید این کارخانه را تامین کند.

این فعال کارگری با بیان اینکه با افزایش تعطیلی واحدهای تولیدی تنها کارگران قربانی می‌شوند تصریح کرد: صاحبان سهام پتروشیمی به خاطر مسائل داخلی و نقل و انتقالات متاسفانه تا به حال بدهی خود را به پالایشگاه پرداخت نکرده‌اند.

برشان گفت: علاوه بر این مشکلات، عدم پرداخت معوقات مالی به واحدهای بزرگی چون پالایشگاه، تبعاتی را در خصوص بیکاری کارگران این مجموعه تولیدی بوجود خواهد آورد که بسیار نگران کننده است.

این فعال کارگری در اصفهان خواستار رفع مشکلات این واحد تولیدی توسط مسئولان کشوری و استانی شد و افزود: مسئولان می‌توانند با احیاء و راه اندازی مجدد این کارخانه نگرانی کارگران از بیکار شدن و عدم تامین معاش خانواده‌شان را کاهش داده و گام بزرگی را در زمینه ارتقاء صنعت تولیدی کشور بردارند.

10 هزار دانش‌آموخته کشاورزی بیکار در استان مازندران

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 16 شهریور آمده است: استاندار مازندران در همایش سراسری معاونان آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، با بیان اینکه بیش از 249 هزار دانشجو در دانشگاه‌های مازندران در حال تحصیل هستند، گفت: 10 درصد آمار این دانشجویان مربوط به مراکز دولتی است.

به گزارش ایسنا، سید علی اکبر طاهایی اظهار داشت: مأموریت دانشگاه آزاد اسلامی در راستای حل معضلات کشور و تامین نیازهای دانشی کشور است.

طاهایی با بیان اینکه امروز شاهد توسعه آموزش عالی در دولت نهم و دهم هستیم، افزود: در مازندران نیز نقطه عطفی در حوزه آموزش عالی در دولت نهم و دهم شاهد بودیم.

وی یادآور شد: ارتقای دانشکده صنعتی نوشیروانی بابل به دانشگاه نوشیروانی و ارتقای دانشکده علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری به دانشگاه از خدمات دولت نهم و دهم بوده است.

وی با بیان اینکه جهت‌گیری‌های خوبی توسط وزارت علوم و وزارت بهداشت جهت تربیت نیروی انسانی در دستور کار قرار دارد، گفت: در این اقدامات توسعه کمی همراه با دقت و ویژه و ژرف‌نگری مورد توجه است و این نگاه در دانشگاه آزاد اسلامی نیز مورد تأکید است.

وی با اشاره به اینکه دانش، مهارت و توانمندی پیش‌نیاز جوانان است گفت: توسعه آموزش عالی در مازندران در این خصوص در دستور کار قرار گرفته است.

استاندار مازندران با بیان اینکه مازندران بالاترین نرخ آموزش عالی را دارد، تأکید کرد: نباید از دانشگاه‌ها استفاده ابزاری شود، چراکه دانشگاه‌ها صاحب اندیشه و تفکر هستند.

طاهایی با بیان اینکه به دانشگاه‌های حل‌المسائل نیاز داریم، گفت: دانشگاه، دانشجو و پایان‌نامه‌های آنان باید مساله محور باشد و موضوع پایان‌نامه‌های دانشجویان به مسایل و مشکلات استان (مازندران) معطوف شود.

استاندار مازندران خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه مازندران قطب کشاورزی کشور است باید توسعه مکانیزاسیون محصولات کشاورزی به خصوص برنج که از محصولات استراتژیک کشور است لحاظ شود.

وی با اشاره به وجود معضل زباله در استان گفت: این معضل در مازندران بیشتر خود را نشان می‌دهد، چراکه زمین برای دفن زباله وجود ندارد. در این رابطه قرارداد احداث کارخانه تولید برق از زباله در شهرهای ساری و نوشهر با شرکت چینی منعقد شده است.

استاندار مازندران ادامه داد: همچنین برای حل مشکل شیرابه زباله با دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل قراردادی در خصوص استفاده از

دانش فناوری نانو برای حل مشکل شیرابه زیاله با اعتبار 300 میلیون تومان منعقد شده است. وی با تاکید بر اینکه توسعه متوازن علم مد نظر ماست، گفت: امروز 10 هزار دانش‌آموخته کشاورزی بیکار در مازندران داریم که باید در خصوص این موضوع چاره‌اندیشی جدی صورت گیرد.

در سعادت آباد تهران رخ داد :

کشته شدن کارگر ۱۶ ساله زیر آوار ساختمان

به گزارش ایلنا به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا به نقل از پایگاه خبری آتش نشانی در ۱۶ شهریور آمده است: به نقل از پایگاه خبری آتش‌نشانی، در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵، سناد فرماندهی ساعت ۲ بامداد امروز از این خیر مطلع شد و گروه امداد و نجات ۳ این سازمان را به سمت محل حادثه در سعادت آباد، ۲۴ متری فرهنگ اعزام کرد. به گفته علی عبدالآبادی فرمانده نجاتگران آتش‌نشانی، در محل مشاهده شد که کارگر ۱۶ ساله‌ای از اتباع افغانستان در زیر آوار دیوار مدفون شده بود.

وی تصریح کرد: طبق اظهار افراد حاضر در محل، این حادثه به دنبال برخورد یک دستگاه لودر با دیوار ساختمان اتفاق افتاد. به گفته عبدالآبادی، ظاهراً راننده لودر به قصد گودبرداری یک قطعه زمین در حال ورود به این محل بود که ناگهان بیل لودر به شدت با دیوار ساختمان مجاور برخورد کرد و موجب ریزش بخشی از آن شد.

وی ادامه داد: در پشت این دیوار یک کارگر ساختمانی در چادر خوابیده بود که ناگهان دیوار بر روی او ریزش کرد. این فرمانده آتش‌نشانی مشخصات این کارگر را عبادن ۱۶ ساله اعلام کرد و افزود: متأسفانه این کارگر افغانی بر اثر ماندن در زیر آوار دیوار و وارد آمدن صدمات زیاد در همان لحظات اولیه جان خود را از دست داد. عبدالآبادی هم چنین تصریح کرد: جنازه متوفی جهت بررسی علت مرگ و نیز انجام تحقیقات بیشتر در اختیار نیروی انتظامی قرار گرفت.

تعیین نحوه عقد قرارداد با کارگران خدماتی

به گزارش خراسان، در 16 شهریور آمده است: بر اساس دستوری که اخیراً توسط یک مقام ارشد دولتی صادر شده، با توجه به ممنوعیت تأمین نیروی انسانی دستگاه‌های اجرایی از طریق عقد قرارداد با شرکت‌های خدماتی، کلیه ادارات موظفند با کارکنان شاغل در مشاغل خدماتی نظیر پیشخدمت، آبدارچی، نظافتچی، آشپز، نامه‌رسان و نگهبان، قرارداد موقت یکساله منعقد و در پایان سال حتماً با آنها تسویه حساب کنند و اگر نیاز به ادامه خدمت آنها بود، سال آینده مجدداً دعوت به کار شوند.

تفکیک فعالین ملی آذربایجان از دیگر زندانیان سیاسی در زندان مرکزی تبریز

در خبرهای خبرگزاری‌های داخلی و سایت‌ها آمده است: روز یکشنبه 12/6/1391 در مراسم گرامیداشت کشته‌شدگان زلزله آذربایجان شرقی تعدادی از شرکت‌کنندگان توسط انواع مختلف پلیس جمهوری اسلامی دستگیر شدند هنوز تعداد دقیق دستگیر شدگان را نداریم.

دیروز 16/6/1391 بیست نفر از دستگیر شده‌ها که سه روز در اطلاعات تبریز بازداشت بودند مستقیماً" به بند 9 زندان مرکزی تبریز منتقل شدند.

چون در حال حاضر ورود زندانی به زندان تبریز بسیار زیاد شده است بند قرنطینه چندین برابر بیشتر از ظرفیتش زندانی دارد (بیش از 300 نفر در قرنطینه نگهداری می‌شوند) همچنین بند ویژه یا همان انفرادی‌ها نیز کاملاً" پر شده‌اند. البته بند‌های دیگر نیز دچار چنین مشکلی هستند.

سیاست جدید مسئولین زندان تبریز این است که زندانیان مربوط به حرکت ملی و هویت طلب را از دیگر زندانیان سیاسی بخصوص از زندانیان کارگری جدا کنند. طبق اخبار در یافتی کمیته امنیت زندان تبریز در طرح جدید خود دستور داده است زندانیان هویت طلب آذربایجان را در بند کار درمانی نگهداری کنند. در بند کار درمانی دو سالن وجود دارد که یکی از آنها به فعالین هویت طلب آذربایجان تعلق دارد، طبق اخبار رسیده کمیته امنیت زندان تبریز اعتقاد دارد در صورتی که این زندانیان تحت تأثیر زندانیان کارگری و سیاسی قرار نگیرند قابل کنترل و جذب می‌باشند در راستای چنین سیاستی است که وقتی در بند کار درمانی جالی خالی ندارند 20 نفر اخیر را به بند 9 جرائم منتقل کردند.

جمهوری اسلامی از تجربیات چندین دهه حکومت شاه و خودش و بخصوص تجربه دو سه ساله اخیر استفاده کرده است و اکنون این تجربه را در زندان تبریز با تفکیک فعالین ملی آذربایجان از دیگر زندانیان سیاسی و بخصوص زندانیان کارگری می‌خواهد فعالین ملی آذربایجان که در درون یک جنبش توده‌ای حضور دارند را از تأثیرات افکار و اندیشه انقلابی دور نگهدارد در این راستا حتی می‌تواند از آنها بر علیه دیگر فعالین و انقلابیون سو استفاده کند.

کمیته امنیت در طرح تفکیک زندانیان سیاسی از فعالین ملی آذربایجان بند کار درمانی و بند 9 را موقتاً" به فعالین ملی آذربایجان اختصاص داده است و دیگر زندانیان ساسی را در بقیه بند‌ها بخصوص بند مالی و بند متادون نگهداری می‌کند. گفته شده است برخی از مهمترین دلایل تفکیک فوق این است که بازداشتی‌های فعالین ملی، رو به افزایش است و زمان ماندن آنها در زندان کوتاه خواهد بود و بیشتر آنها از نظر تئوری و علوم سیاسی در حد مقابله با دیگر زندانیان نیستند و در نتیجه زندان در صورت مخلوط بودن به مرکز آموزش انقلابی تبدیل خواهد شد و با ورود و خروج چند ماهه‌ای این فعالین و انتقال آگاهی‌های مختلف در میان توده‌ها زمینه رشد و گسترش بیشتری برای مبارزات انقلابی‌تر در جامعه ایجاد می‌شود. در همین حال جمهوری اسلامی با تمام توان و استفاده از عوامل مستقیم و غیر مستقیم خود تلاش می‌کند اختلافات نظری میان فعالین ملی آذربایجان با دیگر فعالین اجتماعی

بخصوص کمونیست ها و سوسیالیست ها را به دشمنی تبدیل کند. یکی دیگر از دلایل تفکیک فوق در این راستا است. همچنین در اخبار دریافتی آمده است در راستای حمایت از بازماندگان زلزله و اعتراض به دستگیری های 12/6/1391 روز شنبه سیاسی خواهد بود در این راستا شرکت تمامی فعالین و انقلابیون در اعتراضات وظیفه انکار ناپذیری است. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد. کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

16/6/1391
www.chzamani.blogspot.com
freesahrookh@gmail.com

قطری ها و کشاورزی در زمین های ایران

به نوشته سایت الف در 16 شهریور آمده است: اواخر تیرماه و اوایل مرداد بود که رسانه ها دست به انتشار خبر قابل توجهی زدند: "قطری ها اراضی کشاورزی ایران را اجاره می کنند." کارشناسان صاحب نظر به سبک سنگین کردن خبر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مقامات مسئول کشور چنان مسحور درآمدهای نفتی هستند که به کلی ظرفیت های وسیع کشاورزی را از یاد برده اند تا آنجا که کشاورزی با اینکه حدود ۲۰ درصد درآمد ملی را تأمین می کند، تنها سهمی که از سرمایه گذاری نصیبش می شود، حدود ۵ درصد است. یکی از کارشناسان اقتصاد کشاورزی در این باره گفته است: "یکی از دلایل مطرح شدن درخواست مشارکت خارجی ها برای سرمایه گذاری در زمین های ایران، وجود ظرفیت های بالای این اراضی است و در غفلت داخلی از این ظرفیت ها، خارجی ها به فکر توسعه امور کشاورزی افتاده اند. کشور های پیشرفته نگاه ویژه ای به بخش کشاورزی دارند و به این نتیجه رسیده اند که لازمه توسعه اقتصادی، توسعه بخش کشاورزی است." جالب این است که مسئولان کشور در آغاز صرفاً به تکذیب خبر پرداختند. مدیرکل حمایت از سرمایه گذاری ضمن رد موضوع صریحاً اظهار می دارد که "تا کنون قطری ها هیچ گونه پیشنهاد و درخواستی مبنی بر واگذاری، فروش یا اجاره اراضی کشاورزی ایران نداشته اند."

و "علیرضا اورنگی" سرپرست سازمان امور اراضی کشور هم می گوید: "واگذاری اراضی مستعد کشاورزی به سرمایه گذاران خارجی امکان پذیر نیست؛ چگونه ممکن است که زمین هایمان را به خارجی ها واگذار کنیم تا آن ها برایمان کشاورزی کنند؟" و سرانجام سخنگوی وزارت خارجه نیز در صدد تکذیب موضوع برآمد و اظهار داشت: "تا کنون چنین چیزی صورت نگرفته و مطالبی که راجع به کشور قطر عنوان شده درست نیست." اما بعداً زمزمه های دیگری به گوش می رسید. "امیری" نماینده کهنوج با اما و اگرهایی به تأیید موضوع پرداخت و یادآور شد: "باید قطری ها از نیروی کار بومی استفاده کنند. اجاره کوتاه مدت و با قیمت مناسب باشد و اگر این گونه نباشد، این اجاره هیچ سودی برای مردم جنوب کرمان به همراه نخواهد داشت."

اما پیگیری های اصحاب رسانه، عاقبت صحت خبر را تأیید کرد و معلوم شد، "با توجه به رایزنی های به عمل آمده از سوی سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در قطر، مسئولان قطر آمادگی خود را جهت اجاره زمین های کشاورزی کشورمان اعلام کرده اند." اما بعد از تأیید خبر، محل جغرافیایی اراضی مورد بحث برای همه موضوع غامضی شده بود و چون سفارت قطر درباره این مسئله صراحت بیشتری داشت، مراجعه به آن ها فقط این جواب را به همراه داشت: "از محل دقیق این زمین ها خبر ندارم، ولی فقط می دانم که از تهران با هواپیما به آنجا می روند و بعد که علاقمندی مردم به موضوع را می بینند، اضافه می کنند: شما چرا خبرها را این قدر دیر می خوانید؟ زمین های مورد نیاز حدود ۷ تا ۸ ماه پیش از ایران اجاره شده است."

ما بدون اینکه بخواهیم در مورد تقاضای قطری ها حرف و حدیثی داشته باشیم و یا اینکه درصدد کشف علت تکذیب های بی پایه مقامات باشیم، استفاده از سرمایه خارجی را عیب نمی دانیم ولی مسئولان مملکتی در برابر چنین تقاضاهایی به جای اینکه خارجیان را دعوت به زراعت در کشور بکنند، بهتر است متقاضیان را به بخش هایی هدایت بکنند که واقعاً ما دچار کمبود و کم و کسری هستیم. و مثلاً قطری ها را که خواهان سرمایه گذاری در کشور ما شده اند به سوی صنایع تبدیلی و بسته بندی و بازار رسانی محصولات کشاورزی بکشانیم.

در حال حاضر، کشمش مملکت به ترکیه می رود و در آنجا پس از پاک کردن در بسته بندی های شیک و نظر گیری به نام خود آنها در دنیا صادر می شود. همین کار را اماراتی ها با زعفران ما می کنند. واقعاً ما در این زمینه ها نیازمند سرمایه گذاری و نوآوری هستیم. در امر تولید محصولات و مقایسه آن با درآمدهای نفتی تنها به نقل گفته های کارشناسی اشاره می کنیم که روزنامه جهان اقتصاد در شماره چهارم مرداد خود درج نموده است: "ایران دارای ۱۲ هزار سال سابقه سکونت و ۷۰۰۰ سال سابقه تمدن است که طی این قرون متمادی بخش کشاورزی و دامپروری ثروت لایزال بوده و کشور را اداره کرده است. نفت حدود ۱۰۰ سال است که پیدا شده اما متأسفانه برخی افراد فکر می کنند، ثروت لایزال است."

کارگرنوجوان 16ساله زیر آوار دیوار جان باخت

به گزارش پایگاه خبری 125، در 16 شهریور آمده است: امروز ریزش ناگهانی دیوار موجب مرگ کارگرنوجوانی در جریان عملیات گودبرداری ساختمانی در سعادت آباد تهران شد.

به گفته علی عبدالآبادی فرمانده نجاتگران آتش نشانی، در محل مشاهده کردیم که کارگر 16 ساله‌ای از اتباع افغانستان در زیر آوار دیوار مدفون شده بود. وی تصریح کرد: طبق اظهار افراد حاضر در محل، این حادثه به دنبال برخورد یک دستگاه لودر با دیوار ساختمان اتفاق افتاد.

عبدالآبادی افزود: ظاهراً راننده لودر به قصد گودبرداری یک قطعه زمین در حال ورود به این محل بود که ناگهان بیل لودر به شدت با دیوار ساختمان مجاور برخورد کرد و موجب ریزش بخشی از آن شد. وی ادامه داد: در پشت این دیوار یک کارگر ساختمانی در چادر خوابیده بود که ناگهان دیوار بر روی او ریزش کرد.

این فرمانده آتش نشانی مشخصات این کارگر را عبادن 16 ساله اعلام کرد و افزود: متأسفانه این کارگر افغانی بر اثر ماندن در زیر آوار دیوار و وارد آمدن صدمات زیاد در همان لحظات اولیه جان خود را از دست داد.

افزایش دو هزار تومانی قیمت تخم مرغ

به نوشته سایت اصلاح طلب ندای سبز در 16 شهریور آمده است: در حالی که سرپرست معاونت بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی عنوان می‌کند به زودی قیمت تخم‌مرغ کاهش پیدا می‌کند، قیمت هر شانه تخم‌مرغ در 10 روز اول شهریورماه دو هزار تومان گران شد و این به منزله زنگ خطری است که به گوش می‌رسد.

در دهه اول ماه جاری قیمت هر شانه تخم‌مرغ به 9 هزار تومان رسید. این در حالی است که سال گذشته در برهه‌ی از سال قیمت هر شانه تخم‌مرغ در کشور به بیش از 9 هزار تومان افزایش یافت، امسال با نزول قیمت به شانه‌ی چهار هزار تومان رسیده است.

به گزارش روزنامه اعتماد در همین حال قیمت هر شانه تخم‌مرغ در فصل بهار به بین چهار هزار و 800 تا شش هزار تومان رسید. تابستان هم قیمت تخم مرغ روند افزایشی خود را همچنان حفظ کرد تا اینکه در این ماه قیمت هر شانه تخم‌مرغ به بالای 9 هزار تومان رسید. در حالی که دولت در دفاع از حقوق مصرف‌کنندگان سعی در پایین آوردن مجدد قیمت تخم‌مرغ دارد، تولیدکنندگان از پایین بودن قیمت این کالا اعتراض دارند و عنوان می‌کنند با توجه به افزایش قیمت‌های نهاده‌های دامی قیمت تخم‌مرغ باید بالاتر برود.

در همین حال تولیدکنندگان شیر هم ادعا می‌کنند که قیمت تمام‌شده یک کیلو شیر خام از قبل بالاتر رفته و به همین دلیل آنها قیمت‌های خود را افزایش داده‌اند. با این وجود برخی مسوولان دولتی نظیر سرپرست معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت در نشست‌های خود عنوان می‌کنند قیمت این دو قلم پرمصرف خانوارها کاهش می‌یابد.

بدون شرح

ابراز رضایت خامنه‌ای از اوضاع در شرایط گسترش بیکاری و گرانی و بحران اقتصادی: کشور در شرایط پیشرفت مطلوب قرار دارد!

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 شهریور آمده است: روز پنجشنبه 16 شهریور حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز (پنجشنبه) در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان شرایط کشور را در مجموع، در حال پیشرفت مطلوب دانستند و با اشاره به برگزاری اجلاس سران عدم تعهد در تهران به عنوان نمایش اقتدار، شکوه و عظمت نظام اسلامی، تأکید کردند: دشمنان ملت ایران، با حماقت خود، این اجلاس را به یک جنگ دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران تبدیل کردند که نتیجه آن، شکست مفتضحانه آنها بود.

به گزارش ایلنا، رهبر انقلاب اسلامی داشتن یک جمع بندی صحیح و منطقی از وضعیت کشور را ضروری خواندند و افزودند: ارزیابی مسائل از جهات گوناگون، نشانگر شرایط مناسب و خوب کشور برای نشان دادن عظمت اسلام است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای خاطر نشان کردند: برگزاری موفقیت آمیز اجلاس سران عدم تعهد در تهران، یک نمونه از شرایط مهیا و آماده نظام فکری است که جمهوری اسلامی ایران به دنیا ارائه کرده است.

ایشان برگزاری اجلاس سران عدم تعهد در تهران را از همه جهات، نمایش اقتدار، شکوه و عظمت دانستند و گفتند: منشأ این شکوه و عظمت، همان تفکری است که امام (ره) بر اساس اسلام، در کشور بوجود آورد و آن را پرورش داد تا رویش پیدا کرد.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: اجلاس سران عدم تعهد در تهران، می‌توانست همانند سایر اجلاس‌های بین‌المللی، بصورت معمولی برگزار شود اما شرایط سیاسی دنیا و زمان و مکان برگزاری اجلاس و همچنین حماقتی که بدخواهان ملت ایران انجام دادند، موجب شد که این اجلاس به پدیده‌ای تأثیرگذار و مورد توجه در دنیا و یک جنگ دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران، تبدیل شود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای افزودند: تلاش شد تا با برخی فضا‌سازیه‌ها، جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس خود سانسوری کند و مواضع خود را بخصوص بر ضد رژیم صهیونیستی، اعلام نکند اما اجلاس آنچنان پرابهت برگزار شد که این تلاشها نیز نتیجه نداد.

رهبر انقلاب اسلامی حضور حدود دوسوم کشورهای جهان را در نشست تهران و ایجاد زمینه برای اعلام مواضعی که در اجلاس‌های بین‌المللی دیگر بیان نمی‌شوند، از دیگر نقاط برجسته اجلاس سران عدم تعهد دانستند و افزودند: مواضعی که از زبان برخی رؤسای کشورها و هیأت‌های حاضر در نشست تهران بویژه انتقاد از ساختار سازمان ملل و شورای امنیت و دیکتاتوری بین‌المللی حاکم بر جهان، بیان شد در اجلاس‌های بین‌المللی مشابه آن سابقه ندارد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی دیگر از نتایج برگزاری اجلاس سران عدم تعهد در تهران را خنثی شدن تبلیغات و هیاهو در مورد تحریم‌ها دانستند و افزودند: رؤسای کشورها و هیأت‌های شرکت‌کننده در اجلاس سران عدم تعهد، از نزدیک جریان عادی زندگی و نشاط مردم را در پایتخت و شهرهای دیگر دیدند و در حاشیه اجلاس نیز با مسوولان کشور در خصوص قراردادهای مختلف رایزنی کردند.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه نتیجه جنگ دیپلماتیک بدخواهان ملت ایران، شکست مفتضحانه آنان بود، خاطر نشان کردند: موفقیت و شکوه و عظمت اجلاس تهران به گونه‌ای بود که مخالفان نظام اسلامی و رسانه‌های آنها منفعل و مجبور به اعتراف به

واقعیات شدند.

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به تعبیر رسانه های غربی از جمله «سیلی ایران بر صورت معارضان» و «اقدام ایران در گوشمالی کسانی که می خواستند او را منزوی کنند»، گفتند: بر اساس قاعده قرآنی، هر کاری که دشمن را به عصبانیت وادارد، يك حسنه و عمل صالح است، بنابراین برگزاری باشکوه و موفقیت آمیز اجلاس سران عدم تعهد در تهران، يك عمل صالح بود. ایشان تأکید کردند: در مسائل مختلف از جمله مسائل داخلی باید مراقب بود تا مغالطه ها ما را به اشتباه در تحلیل گرفتار نکند. رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: ارزیابی من از شرایط این است که کشور، در مجموع در حال پیشرفت مطلوب است. حضرت آیت الله خامنه ای تأکید کردند: البته ممکن است در برخی مسائل اجرایی و فکری، نقاط ضعفی هم وجود داشته باشد اما ارزیابی از شرایط کشور، با در نظر گرفتن همه نقاط قوت و پیشرفتهای و برخی نقاط ضعف، است. در ابتدای این دیدار آیت الله مهدوی کنی رئیس مجلس خبرگان رهبری ضمن بارزوش خواندن مباحث مطرح شده در نشست دوازدهم مجلس خبرگان گفت: نشست های مجلس خبرگان از لحاظ شکلی و محتوایی مهم است زیرا علمای صاحب نام و صاحب نفوذ، از سراسر کشور حضور دارند و در مورد مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین المللی اظهار نظر می کنند. در ادامه آیت الله محمدی یزدی نایب رئیس مجلس خبرگان گزارشی از مهمترین محورهای مطرح شده در این اجلاس ارائه کرد. وی افزود: قدردانی از برگزاری موفقیت آمیز اجلاس سران عدم تعهد در تهران، تأکید بر بازسازی سریعتر مناطق زلزله زده استان آذربایجان شرقی، اقتصاد مقاومتی و شرایط اقتصادی کشور، مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه از جمله حجاب و عفاف، و مسائل سوریه از جمله مباحثی بود که در نشست دوازدهم خبرگان مورد بحث قرار گرفتند.

تعطیلی پتروشیمی اصفهان و بیکاری ۵۰۰ کارگر/ پنهان کاری دو ماهه از ترس «متشنج شدن جو سیاسی»

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در تاریخ ۱۷ شهریور آمده است: با تعطیلی کارخانه پتروشیمی اصفهان بیش از ۵۰۰ تن از کارگران بیکار شدند.

به گزارش کلمه، خبر این تعطیلی روز ۱۲ شهریور در رسانه ها نشر پیدا کرد، در حالی که به گفته مدیرعامل آن، این کارخانه از ۴ تیرماه یعنی بیش از دو ماه قبل تا کنون تعطیل است، که به علت نگرانی از «متشنج شدن جو سیاسی» این خبر تا کنون علنی نشده بود. پالایشگاه اصفهان به علت عدم پرداخت مواد اولیه به این شرکت موجب تعطیلی این کارخانه شده است. دلیل این امر بدهی ۲۳۰ میلیارد تومانی این کارخانه به پالایشگاه اصفهان عنوان شد. محمد ابراهیم یآوری، مدیرعامل پتروشیمی اصفهان، در گفت و گو با فارس این بدهی را امری طبیعی در سابقه این کارخانه دانسته و گفته است: تعطیلی این شرکت از بیش از ۷۰ روز پیش بوده که ما طی این مدت صبر کردیم تا جو سیاسی کشور متشنج نشود. ۲۰ سال است که بحث خوارک و طلب و بدهی مطرح است. چون در دو واحد و سیستمی که کاملاً به هم وابسته اند، موضوع طلب کاری و بدهی کاری عادی ترین موضوع در ایران است.

وی افزود: همه واحدهای پالایشگاهی و پتروشیمی چنین مسائلی را دارند. حال اینکه آقایان بعد از ۲۰ سال می گویند ما دهه کاریم ناشی از مسائل دیگری است. ۵ سال پیش هم که یزدانجو (رئیس سازمان تأمین اجتماعی و عضو هیئت مدیره کنونی پالایشگاه اصفهان) رئیس هیئت مدیره پتروشیمی اصفهان بود در این رابطه با پالایشگاه اصفهان دعوا داشته؛ سه سال پیش هم آقای ریخته گران (رئیس هیئت مدیره کنونی پتروشیمی اصفهان) دعوا داشته. این موضوع مال الان نیست. فقط فرقی این است که آقای یزدانجو قبلاً رئیس هیئت مدیره پتروشیمی اصفهان بوده اما الان در پالایشگاه اصفهان است. پس چرا در ۵ و ۳ سال گذشته که چنین دعوی بوده، در هیچ مقطعی خوراک دریافتی را قطع نکردند؟ مگر یک طرف تعهد می کند که بدهی ها را بدهد؟ مگر دولت و سازمان خصوصی سازی تعهداتی در قبال شرایط موجود و خوارک و قیمت ها ندارند؟ مگر دولت در قانون هدفمند سازی یارانه ها ۲۰ سال خوراک پتروشیمی ها را تعهد نکرده؟

یآوری در ادامه این گفت و گو، حذف یارانه های سوخت و بنزین را عامل بروز مشکلات در این کارخانه اعلام کرده و گفته است: پالایشگاه اصفهان ۲۰ سال در قالب یک بسته، خوراک را به ما می دادند که ۵۵ درصد از محصول «رافینت» را که نهاده واسطه تولید بنزین به شمار می رود، به پالایشگاه می دادیم و ۴۵ درصد دیگر محصول، مال ما می شد. اما آقایان گفتند محصول رافینت را نمی خواهند. چون دولت دیگر یارانه ای را برای تولید بنزین به پالایشگاه نمی داد؛ برای همین ما با حجم عظیمی کالای برگشتی مواجه شدیم که هم باید پولش را می دادیم و هم اینکه نمی دانستیم با آن چه کار کنیم. چون ۲۰ سال همین رویه بود و ما هم برنامه ای نداشتیم.

به گزارش نفتا، شرکت پتروشیمی اصفهان از شرکت های زیرمجموعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی از وزارت نفت بوده که بعنوان یکی از طرح های مهم دهه اول انقلاب با سرمایه گذاری حدود ۲۲۴ میلیون دلار و بالغ بر ۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ به بهره برداری رسید. بعد از ابلاغیه سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط رهبری و فروش ثروت های ملی و عمومی به بخش خصوصی، سهام این کارخانه از سال ۱۳۷۸ در سازمان بورس اوراق بهادار عرضه و از سال ۳۸۹ بطور کامل به بخش خصوصی واگذار گردید. پالایشگاه نفت اصفهان نیز در سال ۱۳۸۶ به بخش خصوصی واگذار شد.

به گفته یآوری، پالایشگاه اصفهان نتوانسته است تعهد خود را در زمینه تهیه مواد خوراک اولیه شرکت پتروشیمی عملی کند. قرار بود که روزانه ۹ هزار و ۷۰۰ بشکه مواد اولیه از جانب پالایشگاه اصفهان به این شرکت پرداخت شود ولی پتروشیمی اصفهان مدعی است که در این ۱۸ ماه گذشته تنها ۶۵ درصد خوراک را به طور متوسط دریافت کرده است.

اکنون واضح است که در نزاع بین این دو شرکت ملی خصوصی شده، این تولید ملی کشور است که ضرر می کند و از همه بدتر سفره خانواده های کارگران است که تهی می شود. دو طرف نزاع اندکی به این مساله توجه نمی کنند که در میان این دعوای، نان و زندگی ۵۰۰ خانواده در معرض تهدید است.

نابسامانی هایی از این دست، نتیجه ی چوب جراح زدن به ثروت های ملی و واگذاری آنها به بخش خصوصی- شبه دولتی و نیروهای غیر متعهد به تولید و کار به بهانه اشتغال و افزایش تولید است؛ روندی که ادامه ی آن برای اقتصاد این سرزمین فاجعه بار خواهد بود.

چهل درصد صنعت دامپروری کشور تعطیل است/ دولت با واردات بی‌رویه شرایط را سخت‌تر می‌کند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 17 شهریور آمده است: صنعت دامداری به دلیل مشکلات متعدد با کاهش اشتغال مواجه شده و واحدهای ساخته‌شده در این بخش معطل و خالی مانده و تولیدکنندگان نیز به دهکاران بانکی تبدیل شده‌اند.

این واقعیت را سعید سلطانی مدیرعامل اتحادیه مرکزی دامداران اعلام می‌کند و در ادامه به ایسنا می‌گوید: در چنین شرایطی نسل جدید رغبت سرمایه‌گذاری و فعالیت در این بخش ندارند که این امر باعث از دست رفتن تولید خودکفای کشور و امنیت غذایی خواهد شد.

وی خاطر نشان می‌کند: علی‌رغم همه تاکیداتی که به کشاورزی و تولید شده است این بخش شرایط مناسبی ندارد. سرمایه‌گذاری‌های بالایی با استفاده از تسهیلات دولتی در این زمینه صورت گرفته اما با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند و اکنون 40 درصد از ظرفیت صنایع دامپروری خالی مانده است در حالی که این ظرفیت‌ها می‌تواند باعث افزایش تولید و ایجاد اشتغال شود.

سلطانی با گلایه از این‌که مسوولان امر کوتاه‌ترین راه را برای حل مشکلات انتخاب کرده و واردات را چاره هر دردی می‌دانند، تصریح می‌کند: با ادامه این وضعیت اشتغال و سرمایه‌های تولیدی کشور از دست می‌رود و شیر و لبنیات نیز نابود خواهد شد. مدیرعامل اتحادیه مرکزی دامداران می‌افزاید: در بخش دامداری کاهش اشتغال داشته‌ایم و واحدهای ساخته‌شده معطل مانده‌اند و تولیدکنندگان به دهکاران بانکی تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی که تولیدکنندگان با مشکلات متعدد دست و پنجه نرم می‌کنند، نه تنها حمایتی برای حفظ تولید، سرمایه و اشتغال نمی‌شود بلکه با اعمال سیاست‌های وارداتی، کنترل بازار محصول و رها کردن بازار تامین نهاده‌ها شرایط را برای ادامه راه تولید سخت‌تر می‌کنند که این امر باعث می‌شود نسل جدید رغبت سرمایه‌گذاری و فعالیت در این بخش را نداشته باشد.

وی می‌پرسد: تا چه زمانی پول نفت وجود دارد که در وقت مشکلات بتوان به واردات متوسل شد. از سوی دیگر بر اساس تجربیات زمانی که محتاج به واردات هستیم کشورهای فروشنده قیمت‌های خود را افزایش می‌دهند. در چنین شرایطی و با وجود مزیت‌های تولید داخلی جای سوال است که چرا باید محصولات وارداتی را به تولید خودکفا و اقتصادی کشورمان ترجیح دهیم؟

گرانی مواد اولیه 60 کارگاه شیری‌پزی در خوزستان را به تعطیلی کشاند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 17 شهریور آمده است: رییس اتحادیه قناد و بستنی‌فروشی‌های اهواز گفت: با وجود افزایش هزینه‌های تولید شیرینی، قیمت آن هیچ تغییری نکرده است، این در حالیست که افزایش هزینه‌ها بر میزان تولید اثرگذار است و به همین دلیل میزان تولید با افت زیادی مواجه شده است.

سیامک جعفری در گفت‌وگو با ایسنا، عنوان کرد: قیمت انواع مواد اولیه از جمله خامه 30 درصد، گردو، پسته و پودر نارگیل 40 درصد، هر کیسه 50 کیلویی شکر 67 هزار تومان، هر کیسه 40 کیلویی آرد 28 هزار تومان و هر کیلوگرم پودر کاکائو 20 هزار تومان افزایش داشته است؛ در حالی که قیمت این اقلام در گذشته خیلی کمتر بود.

وی ادامه داد: در حال حاضر قیمت هر کیلوگرم خامه پاستوریزه 4000 تومان و هر کارتون تخم‌مرغ 6 شانه‌ای 26 هزار تومان است و تهیه مواد اولیه با این قیمت‌ها برای تولیدکنندگان شیرینی به صرفه نیست.

رییس اتحادیه قناد و بستنی‌فروشی‌های اهواز تصریح کرد: از آذرماه سال گذشته تاکنون 60 کارگاه تولید شیرینی تعطیل شده و در حال حاضر فقط 160 واحد فعال است؛ این در حالیست که میزان خرید مردم نیز 60 درصد کاهش یافته است.

جعفری افزود: واحدهای فعال تولید شیرینی از هزینه‌های برق ناراضی هستند، زیرا تعرفه‌های برق آنها صنفی-صنعتی حساب می‌شود؛ به طوری که هزینه ماهانه برق یک مغازه 60 متری، به یک میلیون و 700 هزار تومان می‌رسد.

وی بیان کرد: دست‌فروشان در تولید ما خیلی تأثیر منفی گذاشته‌اند؛ آنها اقدام به فروش شیرینی‌های بی‌کیفیت و تاریخ گذشته با قیمت‌های کمتر به مردم می‌کنند. این امر موجب شده مغازداران، به دلیل ورشکستگی واحدهای خود را تعطیل کنند. ما این مسأله را به وزارت بهداشت و شهرداری اعلام کردیم، اما هیچ اقدامی جهت جمع‌آوری دست‌فروشان انجام نشد.

جعفری به قیمت انواع شیرینی در اهواز اشاره کرد و گفت: قیمت هر کیلوگرم شیرینی محمدی و کره‌ای 5500 هزار تومان، هر کیلوگرم شیرینی آلمانی و خشک 5 هزار تومان، هر کیلوگرم شیرینی تر 6200 هزار تومان، هر کیلوگرم رولت ناپلونی 7 هزار تومان، هر کیلوگرم کیک یخچالی مغزدار و نارگیلی 7500 تومان، هر کیلوگرم شیرینی گردویی 9 هزار تومان و هر کیلوگرم کیک فیگوری 10 هزار تومان است.

کارگران میسو زند و میسازند/ قانون کار اجرا نمی‌شود

به نوشته سایت آفتاب در 17 شهریور آمده است: دبیر خانه کارگر استان قم با انتقاد از به چالش کشیدن قانون کار و عدم اجرای این قانون از سوی کارفرمایان، شرایط نیروی کارگری در این استان را دشوار دانست.

علی طالبی در گفتگو با مهر، با انتقاد از اعلام آمارهایی در مورد تعداد اشتغال‌های ایجاد شده در استان قم اظهار کرد: یکی از چالش‌های جدی در موضوع اشتغال، روش‌های بررسی آمارها است که از گذشته تاکنون با مشکلاتی مواجه بوده و با واقعیت فاصله دارد.

وی با بیان اینکه این گونه آمارها قابل اعتنا و اعتماد نیست گفت: چندی پیش گزارشی ارائه شد که برخی شرکت‌ها هر سه ماه یکبار قرارداد کارگران خود را تمدید می‌کنند و در هر بار آمار نیروهای خود را برای فراهم کردن زمینه اشتغال اعلام کرده است.

دبیر خانه کارگر قم دلیل اصلی این اقدام را استفاده از تسهیلات عنوان کرد و در مورد اشتغال فرصت‌های شغلی توسط نیروهای غیرایرانی گفت: در قم کارگران بسیاری با تابعیت افغانی و پاکستانی وجود دارند که بسیاری از فرصت‌های شغلی را اشغال کرده‌اند و علاوه بر این به خاطر غیربومی بودن بسیاری از پیمانکاران، نیروهای کاری طرح‌ها و پروژه‌ها نیز غیربومی هستند از این رو

نیروی کار بومی سرگردان و دنبال کار است. این در حالی است که به گفته طالبی آمار و اطلاعاتی در مورد فعالیت کارگران غیرمجاز غیربومی در قم صادر نشده است اما در مورد تعداد فعالیت نیروی کار تنها می‌توان به آمار افرادی که در سامانه تامین اجتماعی ثبت شده‌اند استناد کرد. طالبی یکی دیگر از مشکلات کارگران را عدم اجرای قوانین دانست و تاکید کرد: متأسفانه قانون کار را به چالش کشیده‌اند و این قانون اکنون اجرایی نمی‌شود.

وی افزود: هر زمانی که نیروی کار نسبت به مشکلاتش اعتراض کند سازمان‌های مربوطه به این مشکلات رسیدگی می‌کنند اما در مجموع آنچه که هرگز به جایی نرسد فریاد است.

دبیر خانه کارگر قم با بیان اینکه عادی نبودن وضعیت تولید به مشکلات نیروی کار دامن زده است، اظهار کرد: در این میان دیواری کوتاه‌تر از دیوار کارگران وجود ندارد و تولیدکنندگان برای جبران ضررهای خود حق و حقوق نیروی کار را کاهش می‌دهند. وی ادامه داد: پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها این وضعیت کمی بهتر شد و نیروی کار با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. در چنین وضعیتی نیروی کار باید از طریق تشکل‌های کارگری مشکلات خود را مورد بررسی قرار دهد ولی به گفته طالبی، موقعیت و توانمندی تشکل‌های کارگری به شدت کاهش یافته است.

دبیر خانه کارگر قم اظهار کرد: در زمینه دفاع از حق و حقوق کارگر کمتر نماینده‌ای وجود دارد که به دفاع از این قشر برخیزد و مسائل و مشکلات آنها را منتقل کند و نیروی کار با مشکلاتی که دارد، می‌سوزد و می‌سازد.

باز هم اخراج

1- فارچ ملارد

فارچ ملارد یکی از واحدهای بزرگ تولید فارچ و کنسرو فارچ کشور است. در ابتدای سال جاری مدیریت این شرکت به دلیل اختلاس عوض شده است.

یکی از اولین اقدامات اولیه مدیر جدید برای سرو سامان دادن اوضاع، تعدیل نیروست. از تعداد 430 نفر کارگر این واحد 360 نفر مشمول تعدیل نیرو شدند. اکثر کارگران اخراجی دارای سابقه‌ی کار 13 تا 15 سال بودند.

نحوه اخراج هم به این گونه بود که مدیر عامل جدید عنوان کرد قرارداد سفید امضا غیرقانونی است و باید کارگران قرارداد تاریخ دار داشته باشند و از کارگران خواست که برای بستن قرارداد جدید، قراردادهای قبلی‌شان را تسویه کنند. در این بین با بسیاری از آنان قرارداد جدید بسته نشد و برای تعدادی نیز ترک کار زده شد که هیچ کدام از این کارگران نتوانستند برگردند و از بیمه بیکاری نیز نمی‌توانند استفاده کنند. اکنون کارگران با قراردادهای شش ماهه کار می‌کنند. این شیوه سبب شده که بعد از هر شش ماه با بستن قرارداد جدید فرصت استفاده از طرح طبقه بندی مشاغل از کارگران گرفته شود و همیشه حقوق آنان را در سطح حداقل حقوق باقی بماند.

دستمزدها به نسبت سختی کار و محیط فیزیکی کار متفاوت است. حقوق کارگرانی که بیشتر از حداقل حقوق است نیز در دو قسمت پرداخت می‌شود. بخش اول دستمزد به میزان حداقل حقوق رسمی، هر ماه به حساب کارگران واریز می‌شود و مابقی آن به صورت "پشت لیست". دلیل این شیوه پرداخت فرار از پرداخت حق بیمه واقعی کارگران است. این بخش از دستمزد آنان (پشت لیست) که شامل اضافه کار نیز می‌باشد، با تاخیر زمانی گاه تا سه ماه پرداخت می‌شود.

ساعت کار این کارگران از 7 و بیست دقیقه تا 4 و نیم است. حدود یک چهارم کارگران این واحد تولیدی فارچ زن و بیشتر سرپرست خانواده هستند. شرایط کار این کارگران بسیار دشوار است. 8 ساعت کار ایستاده برای برداشت، شست و شو و بسته بندی فارچ در محیطی مرطوب و سرد سبب می‌شود که اکثراً به بیماری‌هایی نظیر کمردرد، رماتیسم و... مبتلا شوند.

بسیاری از کارگران این واحد تولیدی هنوز سنوات سال 89 را نگرفته‌اند. گفته می‌شود که 82 نفر دیگر هم کنار گذاشته خواهند شد.

2- اخراج در عسلویه ، 01

گروهی از شرکت‌های فعال در عسلویه از جمله 01 کارگران بالای 55 سال را اخراج کرده‌اند. این کارگران میانسال که به دلیل کار کردن در پروژه‌های مختلف سابقه‌ی بیمه مستمر ندارند، از امکان گرفتن مستمری بازنشستگی محروم هستند. به رغم این که سالهای طولانی کار کرده‌اند میزان سالهای پرداخت حق بیمه برای آنان بسیار کمتر از سالهای خدمتشان است. به دلیل تعطیلی بسیاری از واحدها و بیکاری گسترده، امکان یافتن کار جدید برای آنان بسیار کم است. و از آنجایی که شرایط بازنشستگی به حقوق 5 سال آخر خدمت بستگی دارد، پیدا کردن کار مناسب که سوابق کاری این کارگران را مخدوش نکند، بسیار سخت است.

منبع: کانون مدافعان حقوق کارگر- 8 سپتامبر 2012

اجتماع اعتراضی اعضای تعاونی مسکن کارگران نساجی کردستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 18 شهریور آمده است: 100 نفر از مجموع 335 عضو تعاونی مسکن کارگران نساجی کردستان صبح شنبه در اعتراض به عدم صدور مجوز ساخت مسکن در مقابل اداره کل مسکن و شهرسازی استان تجمع کردند.

براساس این گزارش، نایب رئیس هیئت مدیره تعاونی کارگران نساجی کردستان در این رابطه گفت: اداره مسکن و شهرسازی استان کردستان با بلا تکلیف کردن تعاونی مسکن کارگران نساجی مجوز ساخت مسکن برای این تعاونی را صادر نمی‌کند و این در حالی است که حدود 11 سال قبل زمینی برای ساخت مسکن کارگران نساجی کردستان خریداری شد.

فرشید بهشتی زاد تصریح کرد: تاکنون هیئت مدیره تعاونی کارگران نساجی کردستان در این خصوص سه نامه به مسکن و شهرسازی استان جهت صدور مجوز برای ساخت مسکن داده است اما هیچ گونه پاسخی دریافت نکرده‌ایم. وی با بیان اینکه نه تنها این اداره کل بلکه هیچ نهاد و ارگانی جواب ما را نمی‌دهند، گفت: در سفری که رهبر معظم انقلاب اسلامی، هیئت دولت، معاون اول رئیس جمهور و وزیر مسکن و شهرسازی به استان کردستان داشتند نامه‌ای جهت رسیدگی به وضعیت اعضای تعاونی نوشتیم که هنوز جوابی نداده‌اند.

بهشتی زاد افزود: همچنین اعضای تعاونی نامه‌ای در این رابطه به سید احسن علوی نماینده شهرستان‌های سنندج، دیواندره و کامیاران در مجلس و حسام شریعتی شهردار سنندج نوشتیم. وی با اشاره به اینکه در زمینی که برای اعضا خریداری شده افرادی در آن مشغول کشت و کارند گفت: اداره کل مسکن و شهرسازی در آن منطقه زمینی ندارد و قصد دارند آن را از ما بگیرند.

بهشتی زاد افزود: هم اکنون از مجموع ۲۲ تعاونی مسکن واحدهای مختلف تولیدی، ۱۹ تعاونی در این زمینه با اداره مسکن و شهرسازی درگیر هستند.

نایب رئیس هیئت مدیره تعاونی کارگران نساجی کردستان اظهار داشت: حدود دو ماه قبل کارگران این تعاونی با تجمع مقابل ساختمان مسکن و شهرسازی خواستار صدور مجوز ساخت از سوی این اداره کل شدند.

وی افزود: این اداره کل نیز برای اینکه تجمعی دیگر جلوی این ساختمان شکل نگیرد به ما قول داد که بعد از ۲۰ روز به کار ما رسیدگی خواهد کرد اما هم اکنون ۲ ماه از آن جریان می‌گذرد اما هیچ اقدامی نکرده‌اند.

بهشتی زاد در پایان خواستار رسیدگی و صدور مجوز اداره کل مسکن و شهرسازی استان برای ساخت و ساز مسکن کارگران نساجی کردستان شدند.

در همین رابطه:

به نوشته اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: در صورت عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران تعاونی مسکن نساجی کردستان، این کارگران دست به تجمع اعتراضی خواهند زد

اتحادیه آزاد کارگران ایران: کارگران تعاونی مسکن نساجی کردستان اعلام کرده اند در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان تا آخر هفته جاری، روز شنبه ۱۸ شهریور ماه در مقابل اداره مسکن و شهرسازی سنندج دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران تعاونی مسکن نساجی کردستان خواهان صدور مجوز ساخت مسکن در زمین متعلق به این تعاونی هستند اما اداره مسکن و شهرسازی سنندج از صدور این مجوز به بهانه قرار گرفتن این زمین در محدوده فرودگاه سنندج، خودداری میکند.

این کارگران حدود یکماه پیش و بدنبال بی توجهی مسئولین اداره مسکن و شهرسازی سنندج به خواست شان دست به تجمع اعتراضی زدند که حاصل آن برگزاری جلسه ای میان اعضای هیئت مدیره این تعاونی مسکن با مسئولین سازمان مسکن و شهرسازی سنندج و وعده این مسئولین برای حل مشکل کارگران در مدت ۲۵ روز بود. اما پس از گذشت ۲۵ روز هیچ پاسخ روشنی به کارگران عضو تعاونی مسکن نساجی کردستان داده نشده است به همین دلیل این کارگران اعلام کرده اند چنانچه تا پایان هفته جاری به خواست شان رسیدگی نشود روز شنبه آینده ۱۸ شهریور ماه در مقابل سازمان مسکن و شهرسازی سنندج دست به تجمعی اعتراضی خواهند زد

دستور قطع گاز مجتمع‌های مسکونی و صنایع بدهکار صادر شد

به گزارش پاناویوز، در ۱۸ شهریور آمده است: معاون وزیر نفت با اشاره به آغاز قطع گاز مشترکان بدهکار دولتی، خانگی، تجاری، صنایع و جایگاه‌های سی.ان.جی اعلام کرد: صورت‌حساب جدید این دسته از مشترکان پس از پرداخت بدهی‌ها به صورت آزاد و غیر یارانه‌ای محاسبه می‌شود.

برپایه این گزارش، جواد اوجی امروز با اشاره به پایان رسیدن ضرب العجل دولت مبنی بر تسویه حساب قبوض گاز مشترکان بدهکار، گفت: بر این اساس ابلاغیه جدیدی به تمامی شرکت‌ها و ادارات گاز استانی برای قطع انشعاب گاز مشترکان بدهکار صادر شده است.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با تاکید بر اینکه در این مدت با وجود صدور اخطارهای متعدد اما بخشی از مشترکان بدهکار اقدام به پرداخت بدهی‌های گازی خود به دولت نکرده‌اند، تصریح کرد: براین اساس در حال حاضر بخشی از مشترکان خانگی، تجاری، دولتی، صنایع عمده و غیر عمده و جایگاه‌های CNG به دلیل انباشت بدهی خود به دولت در معرض قطع انشعاب گاز قرار دارند.

معاون وزیر نفت با تاکید بر اینکه در حال حاضر حتی ۱۸ روز از مهلت سه ماه دولت برای قطع گاز مشترکان بدهکار اظهار داشت: از این رو به زودی قطع گاز مشترکان بدهکار در استان‌های مختلف کشور آغاز می‌شود.

این مقام مسئول با بیان اینکه پس از قطع انشعاب گاز مشترکان بدهکار قیمت گاز این دست از مشترکان به صورت غیر یارانه‌ای و آزاد محاسبه می‌شود، بیان کرد: با این وجود در این مدت برخی از مشترکان بدهکار نسبت به تسویه حساب بدهی‌های گازی خود با دولت اقدام کرده‌اند که از تلاش این دست از مشترکان تقدیر می‌شود.

اوجی کل حجم بدهی مشترکان خانگی، تجاری، صنایع، دولتی و جایگاه‌های CNG را به شرکت ملی گاز بیش از ۸۳۰ میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: از این میزان صنایع عمده و غیر عمده ۳۳۰ میلیارد تومان مشترکان دولتی بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان و جایگاه‌های CNG حدود ۳۸۰ میلیارد تومان بدهی گازی به دولت دارند.

جواد اوجی ۱۶ فروردین ماه سالجاری با اشاره به بدهی حدود ۲ هزار میلیارد تومانی صنایع، نیروگاه‌ها، جایگاه‌های سی.ان.جی، برخی از دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی بابت عدم پرداخت قبوض گاز، گفته بود: بر این اساس هیات دولت به تازگی مجوزی در اختیار شرکت ملی گاز ایران برای قطع انشعاب گاز مشترکان قرار داده است.

معاون وزیر نفت با تاکید بر اینکه قطع گاز مشترکان بدهکار در دو مرحله انجام می‌شود، اظهار کرده بود: در مرحله نخست انشعاب گاز صنایع، نیروگاه‌ها، جایگاه‌های سی.ان.جی، برخی از دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی بدهکار برای مدتی قطع خواهد شد.

بنا به همین گزارش، هیات دولت زمستان سال گذشته هم مجوزی برای قطع ۲۴ تا ۴۸ ساعته گاز مشترکان پر مصرف گاز دولتی در اختیار شرکت ملی گاز ایران قرار داده بود.

شکایت خانواده زندانی کشته شده در تبریز

بدنبال شکایت و پیگیری‌های خانواده محمد رنگ‌گری معروف به مهدی ۳۷ ساله، اهل بستان آباد دارای ۴ فرزند که دو سال از حکم زندانش سپری شده و در تاریخ ۲۷/۵/۱۳۹۱ بدست مسئولین زندان مرکزی تبریز کشته شده بود ۴ نفر از کارمندان و ۳ نفر از سربازان زندان که در قتل او دست داشتند برایشان قرار مجرمیت صادر شده و با سپردن وثیقه آزاد هستند.

نام کارمندان مجرم شناخته شده در قتل فوق عبارتند از: چاوشی، تیمور زاده، رستمی و عبدول محمد پور. هنوز نام سربازان را نمی دانیم. لازم به ذکر است که دادستان مستقیماً مسئولیت رسیدگی به پرونده فوق را به عهده گرفته است. ماجرای کشته شدن زندانی فوق به صورت زیر بوده که در تاریخ 30/5/1391 اعلام گردیده است.

روز جمعه مورخ 27/5/1391 یکی از زندانیان بند متادون به نام مهدی را که بیمار بود و مجبوراً برای رفع گرسنگی حدود 4 ساعت بعد از ظهر غذا خورده بود به علت روزه خواری می خواستند به بند ویژه یعنی سلول انفرادی ببرند ولی او مقاومت می کرد. ماموران به دستور چاوشی معاون زندان او را کشتان کشتان همراه با ضرب و شتم شدید به سلول انفرادی بردند.

دستان او را با دستبند از میله های پنجره سلول که در ارتفاع بالای است بسته و او را آویزان کردند پا های مهدی حدود 30 سانت از زمین فاصله داشت در حالی که او آویزان بود تا صبح شنبه به تناوب توسط ماموران مورد ضرب و شتم قرار داشت.

روز شنبه صبح که زندانیان برای ملاقات می رفتند دیده اند که شهرام رضازاده یکی از مسئولین زندان و چاوشی معاون زندان دو نفره مشغول کتک زدن مهدی که همچنان آویزان بوده هستند. و چند سرباز نیز در اطراف آنها حضور دارند.

تعدادی از زندانیان که حدود ساعت 11 قبل از ظهر از ملاقات بر می گشتند دیدند که کتک زدن تمام شده و مهدی روی زمین بی حرکت افتاده است. به دستور چاوشی معاون زندان دو نفر از زندانیان به نام های بهزاد زارع حسن پور و یوسف فتعلی نژاد، مهدی را به بهداری بردند، در بهداری پس از معاینه گفتند بر اثر خونریزی داخلی مرده است. کشتن زندانیان آنقدر عادی است که ماموران و مسئولین زندان آدم کشی خود را پنهان نمی کنند بلکه فقط در گزارشات کتبی یک دلیل دروغ برای مرگ مقتول می نویسند و بیس.

غیر از افرادی که از عصر روز جمعه تا صبح شنبه زندانی آویزان از میله پنجره را بطور متناوب کتک زده اند که ما آنها را نمی شناسیم اما این را می دانیم که شهرام رضا زاده از مسئولین زندان و چاوشی معاون زندان از ساعت 8 صبح تا ده و سی دقیقه دو نفره مشغول کتک زدن مهدی بودند و می خواستند صواب روزه گرفتن و لذت مومن بودن را به او بچشانند. این مومنین با ضرب و شتم توانستند انجام وظیفه کرده و به نهی از منکر خود عمل نموده یک انسان را به قتل برسانند.

شهرام رضازاده و چاوشی دو نفر از قاتلین مهدی هستند که نباید فراموش شوند و باید آنها در زمان مناسب محاکمه و مجازات شوند. نباید فراموش کرد که این دو جنایت کار یک زندانی اسیر را به خاطر اینکه برای رفع گرسنگی غذا خورده است در راه خدا به قتل رساندند.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

18/6/1391

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com

محیط کار یا قتلگاه کارگران

سعید محمدی

http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2012/09/blog-post_11.html کانون مدافعان حقوق کارگر -

بنا بر گزارش خبرگزاری دولتی فارس، مدیرعامل پتروشیمی بندرامام تعداد کشته شدگان حادثه مرداد ماه این واحد را 6 نفر دانست. با نهایت تاسف و همدردی با خانواده ی قربانیان و کارگران بندر امام باید گفت این نه تنها آخرین خبر از این نوع وقایع دردناک نخواهد بود، (کما این که در این مدت کوتاه در مشهد، سمنان و ... تعداد دیگری از کارگران جان خود را در محیط کار از دست دادند) بلکه در شرایط کنونی احتمال وقوع چنین حوادثی را باید بیش از پیش دانست. سوانحی آنقدرگسترش یافته که از آن به راستی باید به عنوان فجایع محیط کار و جنایت های خاموش نام برد. وفور این دست فجایع تا آنجاست که با قربانیان جنگ های بین دولت ها و تصادفات جاده ای و مرگ و میر ناشی از سرطان و ایدز و بیماری های شایع و فراگیر و سیل و زلزله برابری می کند.

اطلاعات ما در این زمینه عمدتاً مربوط به اخبار اعلام شده و منتشر در روزنامه ها و سایت ها و اطلاع رسانی و آگاهی بخشی جریان ها و فعالین کارگری است. بدیهی است که عواقب وحشتناک و زیانبار مخرب محیط کار که در اثر تماس با مواد شیمیایی و خطرناک و یا رادیواکتیو (که در گزارش کارگران جوشکار و ... آمده است) و یا گازهای خروجی از دودکش ها و سایر آلوده کننده ها و ... ناشی می گردد و همچنین بیماری های عمومیت یافته از قبیل دردهای استخوانی و یا ناراحتی های قلبی و تنفسی و گوارشی و ... که دامنگیر توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان شده و می باشد. (بگذریم از آن دست امراضی که به نسل های بعدی منتقل شده و نقص عضو آنان منجر می شود) بسیار فراتر از آمارهای رسمی موجود است. پدیده هایی مانند سردردهای مزمن، ضعف سیستم اعصاب، کاهش سیستم ایمنی و پیری زود رس و همچنین ده ها مشکل حاد و جدی که به خصوص زنان و کودکان کار دچار آن هستند از حد تصور خارج و به معنی واقعی بدان ابعاد فاجعه باری می بخشد.

در همین ارتباط با يك بایکوت و سکوت معنی دار خبری تمامی آن چه را که حوادث محیط کار نامیده می شود، به محاق فراموشی و بی توجهی می سپارند. ابعاد آن را بسیار کوچک و کم اهمیت جلوه داده و در آخرین قسمت پرده اقدامات نمایشی خود، نقش عوامل فرعی انسانی را بخصوص اشتباهات عوامل درجه دو و سه، را مسبب اصلی این نوع فجایع قلمداد می کنند. نتیجه چنین روند و برخوردی نیز کاملاً روشن است. عدم پرداخت و یا کمترین توجه برای جبران خسارت به خانواده های کارگری، که این حوادث همچون صاعقه ای مرگبار به تار و پود نه چندان مستحکم آن ها اصابت می کند. و در این برهوت تنهای تنها رها می شوند.

ایران و چین در رقابتی بسیار نزدیک و تنگاتنگ تمامی مدال های طلای نقض حقوق پایه ای کارگری و انسانی را درو کرده و می کنند مثل اجرای احکام اعدام که احتیاجی به بازگویی ندارد، در زمینه حوادث ناشی از کار نیز ید طولایی دارند. کفایت دست به تحقیق ساده زده شود تا روشن شود چه تعداد معدن کار نگون بخت چینی جان خود را از دست می دهند. و یا چگونه در کارخانه فولادغیر یزد، پتروشیمی ماهشهر و معادن کرمان و پالایشگاه آبادان و ایران خودرو و... همچنین تعداد زیادی کارگر و زحمتکش که در امر ساختمان سازی و... هر روزه جانانشان را قفدر رایگان از دست می دهند. و قفدر راحت و کم هزینه می توان از وقوع حوادث مرگبار جلوگیری کرد.

به هر حال سیاست رسمی کارفرمایان بخش خصوصی و دولتی بر این اساس است که اولاً کارگران را به عدم رعایت نکات ایمنی و... متهم و آن ها را مقصر جلوه دهند. ثانیاً با بی اهمیت و کوچک وانمود کردن قضیه از دامنه ی تعهدات وظایف و مسوولیت های خود بکاهند و ثالثاً با يك سری اقدامات و کارهای تبلیغاتی و فرمایشی و ظاهری مثل تشکیل کمیسیون ها ی تحقیقی بی بو و خاصیت و در حقیقت با اتلاف وقت، خود را دلسوز و مدافع کارگران نشان داده تا بتوانند سر بزنگاه گریبان خود را خلاص کنند. امری که به راحتی در ماجرای کارخانه فولاد یزد و ماهشهر و آتش سوزی پالایشگاه آبادان و حادثه ایران خودرو دیده شد. متأسفانه وضعیت کارگاه های کوچک و بخش خصوصی وحشتناک تر است. موارد متعددی شنیده و مشاهده شده است که حتا کارگر حادثه دیده اخراج و یا به خاطر وارد شدن خسارت و توقف کار به دادگاه فراخوانده شده و یا وادار به جبران ضرر و زیان گردیده است.

در رابطه با سوانح محیط کار نقش رسانه های دولتی و نشریات هم در نوع خود جالب است. آنان به عنوان یار قافله و شریک دزد نقش موثری دارند. مثلاً نگاه کنید به نقش آنان در همین فاجعه ی پتروشیمی بندر امام، گزارشی در صدا و سیما یا اصلاً پخش نشده است و یا در حد چند ثانیه یعنی کمتر از زمان يك آگهی تبلیغاتی برای فیک نمکی. در جراید و نشریات نیز همین خط را می بینیم. یا چیزی درج نشده و یا مثلاً در روزنامه ی شرق در 15 مرداد کشته شدن چند کارگر در سطح يك آگهی 5 سانتی متری آن هم با خطر ریز. اما يك چهارم بالای صفحه اول همان روز با يك عکس رنگی به سفراحتمالی فلان کارگردان سینما اختصاص یافته است!!

علیرغم این که در طی سالیان گذشته این تعداد حادثه و وقایع مرگبار و دردناک رخ داده است هنوز با داشتن آیین نامه های جوراجور هیچ راهکار جدی و جمع بندی معتبر و تجربه اندوزی برای جلوگیری از تکرار فاجعه و هیچ دانش و آموزش عمومیت یافته و کاربردی وجود ندارد! زیرا اصولاً اراده و برنامه انسانی برای حفاظت از جان و زندگی کارگران به عنوان انسان وجود ندارد. کارگر فقط باید کار کند. ثروت تولید کند و این که چه بلایی سرش می آید امری ثانوی است و ابتدا ربطی به سرمایه و دم و دستگاه های عربض و طویل دولتی ندارد! مگر زمانی که اعتراض توده ای و حرکت دسته جمعی و یا رسوایی و پافشاری افکار عمومی به خصوص در سطح بین المللی در میان باشد. همانند نمایش های مسخره ای که در ماجرای گیر افتادن معدن کاران شیلیایی در اعماق زمین رخ داد و اشک تمساح ریختن و ریاکاری های دولت و رییس جمهور شیلی، کارفرمایان و همچنین دولت و... امریکا در همین چارچوب قابل تفسیر و توضیح است. نهادهای دولتی مثل وزارت کار و... در چنین موقعیتی هایی با دستورالعمل ها و بخش نامه های غلیظ و شدید صادر شده، خود را نشان داده، بدون این که نتیجه مشخصی حاصل شود به خصوص برای خانواده های کارگری که در نهایت پریشانی و با وجود مشکلات زیاد بین ادارات گوناگون سرگردان و هاج و واج می مانند و با وعده و وعید مسئولان با توهم و به امید رسیدگی عادلانه و در پی جبران خسارات جبران ناپذیر خود هستند.

آن چه قطعی و روشن به نظر می رسد آن است که حوادث یا فجایع ناشی از محیط کار با درصد بسیار بسیار بالایی به ماهیت و ساختار کلی نظام سرمایه مرتبط است. مشخصاً سود و طمع بی اندازه سرمایه داران، مدیران کمپانی های خصوصی یا دولتی و سایر عوامل دست اندرکار سرمایه داری همه چیز و همه جا را تحت الشعاع قرار داده و می دهند؛ چرا که ابتدایی ترین و بدیهی ترین پدیده ی نظام سرمایه داری آن است که برای کاهش هزینه ی تولید، یعنی افزایش سود، می باید دائماً اقدامات معینی در دستور کار قرار گیرد. در شرایط بی حقوقی مطلق کارگران و عدم شکل های سراسری رزمنده و آبدیده کارگران در عرصه ی کار و مضافاً در شرایط بحران فزاینده ی اقتصادی، کاهش سود تشدید رقابت های سرمایه داران و کمپانی ها و دول سرمایه داری، از آموزش کافی سیستم های ایمنی دستگاه ها و وسایل و ابزارهای لازم خودداری می شود چرا که به اصطلاح برای آنان هزینه بر می باشد. این روال همیشه و همه جا و به وضوح گریبان گیر تولید کنندگان ثروت در زمین و دریا و اعماق معادن کلیه کارگاه های بزرگ و کوچک و در پشت دستگاه هایی است که مستقیماً از خون و رنج کارگران پدید آمده اند. قضیه به همین جا هم ختم نمی شود و تمامی زحمتکشان فداکاری که در بیمارستان ها و سایر مراکز درمانی، مدارس، جاده ها و مزارع را نیز در بر می گیرد که با کمترین دستمزد به کار و فعالیت مشغول هستند.

زندگی تحت نظم پوسیده سرمایه آن چنان وخامت بار است که به خودی خود توجیه گر واقعی هر گونه اشکال و ایرادی باشد که ظاهراً طبیعی می نمایاند. کارگران و زحمتکشانی که بابت شب کاری ها، اضافه کاری های ممتد و با انواع مشغله های فکری فراوان پر از غم نمانند و در اندیشه هزینه های بالای زندگی، تحصیل و بی آیندی فرزندان و اتوماتیک وار در معرض سانحه و بلا و مصیبت هستند. پس چرا و با کدام منطق و عقلی باید دوبار محکوم شوند و آسیب ببینند و به منجالب فقر و نکبت بیشتری سوق یابند؟ محیط کار باید امن باشد و در هر صورت مسئولان و گردانندگان آن موظفند که به خاطر سود سرشاری که عاید آنان می گردد، در قبال تمام مسایل آن باید پاسخگو باشند.

جنبه های دیگری که باید همیشه مد نظر قرارگیرد آن است که در اکثر جوامع سرمایه داری از ابتدایی ترین تا پیشرفته ترین آن ها به خاطر عدم وجود بیمه های فراگیر و کارساز و همه جانبه این کارگران بوده اند که از همان ابتدا و بنا بر دیدگاه های انسانی طبقاتی و اجتماعی خود، بار کمک، همیاری و همدردی با کارگران حادثه دیده را به دوش کشیده اند. از گلوی خود و خانواده ی خویش زده و به کمک همکاران خود شتافته اند چرا که کارفرمایان و مدیران به علل فراوان و... یا نخواسته اند و یا در نهایت زیرکی و باگذر از پیچ و

ختم های قانونی، عامدانه از زیر این امر شانه خالی کرده اند و از لطف و انسان دوستی کارگران نهایت سوءاستفاده را کرده اند. با توجه به مشخص بودن مسئولیت آنان و سرنوشت شومی که هر روزه برای کارگران رقم می زند کارگران باید آن ها را وادار سازند که وظایف و تعهدات خود را به نحو احسن برای کارگر حادثه دیده و خانواده ی آنان به تمامی انجام دهند. خلایق که در قانون کار کنونی دیده می شود می باید توسط فعالین کارگری برای همگان و به دفعات توضیح داده شود و این مباحث را تا به کرسی نشاندن نهایی و نتیجه گیری مطلوب دنبال نمایند.

نکته ی دیگری که قاعدتا انتظار می رود از ذهن کارگران دور نمانده باشد آن است که علی القاعده کارفرمایان خصوصی و یا دولتی ای وجود ندارد که دلسوز واقعی کارگران باشد. بنا براین می باید به آن شیوه ها و راهکارهایی اندیشید که امر نظارت بازرسی و آموزش کارگران را در این جهنم واقعی با جدیت دنبال کند. بر طبق آمار رسمی بیش از یک میلیون کارگاه در ایران وجود دارد که با یک قانون ضد کارگری و غیر انسانی تعداد زیادی از کارگاه های زیر ده نفر از کنترل و نظارت وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی خارج هستند. از طرف دیگر فقط حدود 700 بازرس رسمی وزارت کار هستند و همه ی کارگران بارها دیده اند که چگونه کارفرمایان و نیروهای مدیریت و بالاسری و ضد کارگری محیط کار با پرداخت رشوه و هزار شیوه ی رذیله و ... مساله ی بازرسی و نظارت را حتا در دشوارترین شرایط و علیرغم گذشته معلول شدن و سوختن تعداد بسیار بالای کارگران در نقاط مختلف به نفع خود حل و فصل کرده اند و آب از آب هم تکان نخورده است. درنگ جایز نیست و می باید خود کارگران برای جلوگیری از ضایعات هر چه بیشتر و کاهش آسیب ها و ... آستین ها را بالا بزنند.

توضیح و تبلیغ و ترویج فعالین کارگری بسیار ضروری و فوری به نظر می رسد. واقعا سخت و دشوار است که کارگران معلول و گرفتار را دید که به خاطر عدم رعایت مسایل و نکات ایمنی همه ی هست و نیستشان به تاراج رفته باشد. کمیته های نظارت و بازرسی کارگری در هر کارگاه و محیط کاری از تعاونی مصرف ها و مسکن ها کم اهمیت تر نیستند. این کمیته ها می توانند به خصوص امر بازرسی مداوم و اصولی و همچنین آموزش کارگران را در ساعت کار و به خرج کارفرمایان و دولت پیش برده و با معاینات رایگان منظم و اجباری هر شش ماه یک بار به ارتقای سطح سلامت و افزایش آگاهی آنان و ایمن سازی محیط کار بسیار کمک کنند.

پیشنهاد ما این است که برای شروع بحث و بررسی مسایل زیر را در جلسات و محافل کارگری و با حضور فعالان ی کارگران در میان بگذاریم:

- 1- حوادث محیط کار باید جنایت علیه کارگران تلقی شده و کارفرمایان و مدیران متخلف باید به این اتهام محاکمه شوند.
 - 2- به هیچ عنوان کارگران نباید بی گناهی خود و یا کوتاهی کارفرما را اثبات نمایند. باید وقوع حادثه در محیط کار باید برای تشکیل پرونده و رسیدگی فوری و جبران خسارات وارده، کافی باشد. داشتن یا نداشتن بیمه هم نباید مورد توجه قرار گیرد.
 - 3- توجه ویژه به کارگران و زحمتکشانی که در محیط های سخت و پرمخاطره به کار و فعالیت می پردازند از اولویت های غیرقابل تخفیف کارگران محسوب می شود. آیین نامه ها و مقررات مربوط به این دسته از کارگران به خصوص در زمینه ساعات کار کمتر، دستمزد بالاتر و بازنشستگی و سختی کار و همچنین معاینات رایگان در هر سه ماه یک بار، باید در صدر خواسته ها و مطالبات کارگران در این زمینه باشد.
 - 4- با توجه به این که بخش عمده ای از سوانح و فجایع محیط کار برای کارگران تازه کار مهاجر و جوان رخ می دهد، باید برای پوشش مناسب بیمه ای و تامین اجتماعی و جبران خسارات وارده بر اینان فارغ از هر گونه تبعیض های قومی مذهبی و جنسی و به دور از هر گونه کاغذ بازی های مرسوم و بهانه تراشی های کثیف و ... اقدامات گسترده ای در دستور کار قرار گیرد. به خصوص برای کارگران مهاجر.
 - 5- امر آموزش و نظارت بر روند کار و تولید در رابطه با حوادث و ایمنی محیط کار باید توسط خود کارگران و تشکل های آنان با دقت هر چه تمام تر دنبال شود. ایمن سازی محیط کار و با شاخص ها و استانداردهای دقیق و به دقت موشکافی شده در دستور کار قرار گیرد و نباید به هیچ عذر و بهانه ای به تعویق افتد.
- همان طور که قبلا بیان شد در شرایط بحران اقتصادی این مسایل اهمیت و اعتبار بیشتری پیدا می کنند. به هر حال سرمایه می کوشد تا در این شرایط بار هر چه بیشتری را بر کرده ی کارگران تحمیل نماید. با توجه به این که شمشیر بیکاری و اخراج را به مثابه تهدید جدی مداوما بالای سر کارگران به حرکت در می آورند و از آن به عنوان مانعی جدی علیه هر گونه اعتراضی سود می جوید. بی توجهی به عواقب ویرانگر چنین مسایلی گرسنگی و فقر را مسلما دو چندان خواهد کرد. فقط کفایت شرایط زیست و زندگی خانواده ی کارگران از کار افتاده بیمار و یا ناقص العضو و یا قربانیان را پیش چشم مجسم کرد. یا اتحاد و همبستگی و مبارزه و تشکل پذیری و یا سقوط به ته دره ی فلاکت و بی حقوقی و وضعیت غیر انسانی. برای کارگران شوق سومی وجود ندارد.

اعتصاب کارگران یک کارگاه تولید شیرینی در سندنج!

به گزارش رسیده در سایت کمیته هماهنگی ... در 18 شهریور آمده است: در روز شنبه 18/6/91 کارگران یک کارگاه شیرینی فروشی در سندنج، همراه با خانواده های خود در مقابل این کارگاه، واقع در خیابان فردوسی کوچه هتل آبیدر، دست به تجمع اعتراضی زدند. از روز چهارشنبه گذشته، به بهانه های واهی، از طرف اداره بهداشت به این کارگاه اعلام شده بود که به دلیل استفاده از رنگ های خوراکی، این کارگاه باید تعطیل شود؛ که با مقاومت هوشیارانه ی کارگران مواجه گردید و کارگران گفتند که رنگ های خوراکی در این کارگاه مجاز بوده و دارای تاییدیه وزارت بهداشت و پروانه ساخت می باشد.

در پی این اعتراض، مامورین بهداشت به کارگران این کارگاه وعده دادند که اگر تجمع خود را به هم بزنند، این کارگاه فقط تا 48 ساعت پلمپ خواهد شد و بعد از 48 ساعت دیگر کارگران می توانند به سر کار خود برگردند. کارگران نیز اعلام کردند چنانچه تا 48 ساعت دیگر نتوانند به سر کار خود بازگردند، این بار در مقابل یکی از نهادهای دولتی تجمع خواهند نمود.

لادم به ذکر است که حدود 50 نفر در این کارگاه کار می کنند که 15 نفر آنها زن می باشند. این کارگاه دارای چهار شعبه در سطح شهر سندنج می باشد.

گفتنی است این تجمع اعتراضی با همراهی جمع زیادی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری برگزار گردید.

نقره کاران اصفهان در خطر ورشکستگی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 18 شهریور آمده است: عباس شیردل نایب رییس اتحادیه صنایع دستی شهرستان اصفهان در گفت و گو با ایسنا، با بیان این که این هنر میراثی ارزشمند از دوران هخامنشی در اصفهان است، اظهار کرد: این حرفه یکی از 23 رسته هنری صنایع دستی مانند مینا، خاتم و منبت کاری، قلمکاری، معرق، مس و برنج کاری است که متأسفانه به دلیل عدم دیدگاه های کارشناسی، در زیر مجموعه اتحادیه طلا و جواهر قرار گرفته است. وی با بیان این که به دلیل گرانبها بودن فلز نقره این اقدام غیراصولی صورت گرفته است، افزود: این شغل در گذشته زیرمجموعه صنف تولیدکنندگان فلزی هنری قرار داشت که می توانست از قانون مزایای صنایع دستی مصوب مجلس مانند معافیت از مالیات و رقم هفت تا 10 درصد حق بیمه هنرمندان استفاده کند در حالی که تولیدکنندگان طلا و جواهر مشمول این قوانین نبوده و با زیر مجموعه قرار گرفتن هنر نقره کاری در صنف طلا از این حقوق تاحدودی محروم شده اند. شیردل با بیان اینکه فروش محصولات نقره در هر مغازه صنایع دستی نوعی تداخل صنفی محسوب می شود، تصریح کرد: متأسفانه در حال حاضر مصنوعات هنری برنج و مس با آبکاری نقره در بازار اصفهان در اختیار فروشندگان فاقد تخصص قرار گرفته که باعث بی ارزش شدن این هنر در اصفهان و سطح کشور شده است. وی گفت: محصولات نقره اصفهان در سال های گذشته به تمامی نقاط جهان به ویژه اروپا صادر می شد، اما به دلیل کاهش کیفیت محصولات با توجه به آشفستگی در عدم نظارت صحیح بر تولید از طرف اتحادیه طلا و جواهر و نیز افزایش فروشندگان غیر تخصصی، کیفیت تولید این مصنوعات دچار افت شدید شده است.

به واردکننده محصولات هنری نقره از چین، پاکستان و هند تبدیل شده ایم نایب رییس اتحادیه صنایع دستی شهرستان اصفهان تأکید کرد: به دلیل دادن اعتماد مردم توان رقابت با اجناس با کیفیت خارجی را از دست داده ایم و متأسفانه به واردکننده محصولات هنری نقره از چین، پاکستان و هند تبدیل شده ایم. شیردل افزود: در سال های اخیر با ارایه دلایل کافی در این خصوص که نقره کاری جزء صنایع دستی است اقدام به تشکیل پرونده در خصوص خروج از اتحادیه طلا و جواهر در مجمع امور صنفی و سپس سازمان صنعت، معدن و تجارت نموده ایم که تاکنون مسؤولان ذی ربط توجهی به رفع این مشکل نکرده اند. وی بیان کرد: هنرمندان نقره کار در شرایط فعلی با ورشکستگی و تعطیلی مواجه هستند و در حال حاضر اتحادیه صنایع دستی برای مهار بیکاری این گروه به آنان اجازه فعالیت بر روی مس و برنج را داده است.

نیازمند تعویض کوره های قدیمی با کوره های برقی هستیم نایب رییس اتحادیه صنایع دستی شهرستان اصفهان، علمی و به روز نبودن تولیدات نقره را از دیگر عوامل کاهش کیفیت اجناس نقره عنوان کرد و از تشکیل کارگروه آسیب شناسی تولید نقره با مشارکت اعضای تحصیل کرده و هنرمندان قدیمی این حرفه در سال گذشته در اصفهان خبر داد. شیردل تصریح کرد: در زمینه ذوب فلز نقره نیازمند تعویض کوره های قدیمی با کوره های برقی هستیم، چرا که در حین ذوب علاوه بر بسته بودن درب خود این کوره ها، از تزریق گاز آرگون برای خروج اکسیژن و عدم اکسید و سیاه شدن نقره استفاده می شود. وی افزود: برای افزایش بهره وری و کیفیت باید به جای فعالیت پراکنده کوره های ذوب نقره اقدام به ایجاد کوره های مدرن ذوب مرکزی کرد که تمامی نقره کاران از یک منبع مشخص از ماده اولیه خود استفاده کنند. نایب رییس اتحادیه صنایع دستی اصفهان ادامه داد: دستگاه های نورد ورق نقره موجود در بازار نیز ورق مورد نیاز را با قطر یکنواخت تولید نمی کنند که نوسازی و سرمایه گذاری در این زمینه نیز اجتناب ناپذیر است. شیردل با بیان این که تنوع مصنوعات نقره بسیار زیاد است، گفت: در زندگی آپارتمان نشینی اجناس عمدتاً سبک و ارزان انتخاب می شوند که در زمینه این گونه طرح های هنری نیز شروع به مطالعه و تحقیقات کرده ایم. وی درباره انتقال نقره کاران به شهرک طلا و جواهر، اظهار کرد: حرفه نقره کاری باید متصل به شهر باشد و به خاطر بعد مسافت، عدم امنیت و موارد فنی تمایلی به انتقال به این شهرک نخواهیم داشت. نایب رییس اتحادیه صنایع دستی اصفهان درباره زیر مجموعه های این شغل به خبرنگار ایسنا گفت: قلمزن، خم کار، پرداخت کار، چرخ کار، سوهان کار، ریخته گران، ذوب کنندگان، نورد نقره در ذیل این رسته هنری هستند.

مرگ خاموش به علت کمبود تخت ICU در بیمارستان های تأمین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 18 شهریور آمده است: مرگ خاموش بیماران به علت کمبود تخت های ICU و CCU ادامه دارد و این در حالی است که در بیمارستان های خصوصی تخت ICU خالی وجود دارد اما هزینه هر شب آن 2 میلیون تومان است که بیمار قبل از بستری باید 20 میلیون تومان پرداخت کند.

تلفن همراه خبرنگار به صدا در می آید. پشت خط گریه و زاری فردی به گوش می رسد که نا آشناست؛ می گوید به خاطر خونریزی مغزی، خواهرش را در یکی از بیمارستان های تأمین اجتماعی بستری کرده اند و از روز چهارشنبه در اورژانس است.

وی می گوید: خواهرم از 3 روز قبل دچار خونریزی مغزی شده و او را به یکی از بیمارستان های تأمین اجتماعی منتقل کردند اما مسئولان این بیمارستان عنوان می کنند که تخت و تخصص مغز و اعصاب ندارند و این بیمار باید به یکی از بیمارستان هایی که این تخصص را دارد ارجاع شود ولی هیچکدام از بیمارستان های تهران این بیمار را نمی پذیرد.

بیمارستان ها تخت ICU خالی ندارند

برادر این بیمار ادامه می‌دهد: با دستور پزشک خواهرم را برای سی‌تی‌اسکن به بیمارستان شهدای تجریش (وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) که تخصص مغز و اعصاب دارد بردیم در حالی که سطح هوشیاری خواهرم 4 بود و شوهرش چون مرد ساده‌ای است نتوانست از انتقال خواهر بیمارم با این وضعیت خطرناک خودداری کند و در بیمارستان شهدای تجریش نیز پس از انجام سی‌تی‌اسکن اعلام کردند که تخت خالی برای بستری شدن خواهر بیمارم ندارند و باید به بیمارستان مبدا برگردد.

این فرد حتی گفت که با ستاد حوادث و هدایت بیمار دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی تماس گرفته و پاسخی دریافت نکرده است زیرا پشت تلفن صدای اپراتور خودکار برای وصل کردن به قسمت‌های مختلف شنیده می‌شد و پس از تماس با ستاد هدایت بیمار دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران نیز، آنها شماره وزارت بهداشت را به من دادند و در نهایت پس از تماس با ستاد تأمین اجتماعی آنان اعلام کردند که تخت خالی ICU برای پذیرش خواهر بیمارم وجود ندارد.

وی ادامه می‌دهد: این در حالی است که پس از تماس با رسانه‌ها از طرف دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی فردی با موبایل با من تماس گرفت و اعلام کرد که شما با ستاد این دانشگاه تماس نگرفتی اما وقتی شماره‌ها را اعلام کردم آن فرد که خودش را هم معرفی نمی‌کرد شماره‌های ستاد را تصدیق کرد و به من عنوان کرد الان با ستاد تماس بگیر که من هم گفتم آن موقع که این همه تماس داشتم چرا کسی پاسخ من را نداده بود.

برادر این بیمار می‌گوید: وضعیت بیمارستان تأمین اجتماعی که خواهرم الان در اورژانس آن است. اصلاً مناسب نیست به‌طوری که خودم مشاهده کردم یکی از بیماران که همین مشکل خواهرم را داشت (خونریزی مغزی) به دلیل کمبود تخت جان خود را از دست داد. این فرد با اشاره به اینکه با راهنمایی مسئولان تاکنون با بیش از 10 بیمارستان دولتی برای پذیرش خواهر بیمارم که تقریباً بیهوش است و مشکل خونریزی مغزی پیدا کرده تماس داشته و این تماس‌ها را هم پرسنل بیمارستان هم انجام داده‌اند ولی نتیجه نگرفته است، می‌افزاید: خواهرم دارای 3 فرزند است و 4 سال قبل نیز پیوند کلیه شده است و حالا هم نیمه جان بر روی تخت اورژانس بیمارستان افتاده است و نمی‌دانم چه کنم.

واریز 20 میلیون تومان برای بستری در تخت‌های ICU خصوصی

برادر این بیمار می‌گوید که با چند بیمارستان خصوصی نیز تماس گرفته است و آنها اعلام کرده‌اند که باید در وهله نخست 20 میلیون تومان واریز کند و تعهد دهد که در صورت هرگونه مشکلی برای بیمارم هیچ شکایتی از بیمارستان نکند.

وی مدعی شد یکی از مراکز (تأمین اجتماعی) نیز به وی اعلام کرده که در یکی از بیمارستان‌های خصوصی تخت ICU وجود دارد ولی باید شبی 1.5 میلیون تومان پرداخت کند.

این گزارش حاکیست، برای پیگیری این موضوع با مسئولان روابط عمومی اداره کل درمان تأمین اجتماعی استان تهران تماس گرفته شد که اعلام کردند: برای تهیه تخت ICU و بستری این بیمار هیچ بیمارستان تأمین اجتماعی در تهران تخت خالی ندارد و این بیمار باید همچنان صبر کند تا شاید یک ساعت دیگر یا چند روز دیگر تختی خالی شود، البته این در حالی است که بسیاری از بیماران دیگر نیز منتظر تخت خالی هستند.

در مورد پرونده این بیمار و اظهارات همراه این بیمار که در اورژانس بیمارستان لواسانی است، مسئولان روابط عمومی اداره کل درمان تأمین اجتماعی استان تهران اعلان کردند، با مسئولان برای گفت و گو در این زمینه هماهنگی خواهد شد.

مژگان کریمی، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز در این مورد گفت: بررسی‌های که از سوپروایزر بیمارستان لواسانی داشتیم نشان می‌دهد که این بیمار یک زن 43 ساله‌ای است که سابقه بیماری کلیوی هم دارد و اکنون در اورژانس بیمارستان لواسانی تأمین اجتماعی بستری است البته دستگاه‌های لازم و برخی تجهیزات ICU اورژانس نیز به وی وصل است ولی این بیمارستان تخت ICU ندارد.

وی ادامه داد: مسئولان این بیمارستان به ما اعلام کردند که GCS یا سطح هوشیاری این بیمار 4 و خیلی پایین است و انتقال این بیمار بسیار خطرناک است. با این حال بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم اکنون (شنبه) تحت تخت خالی ICU دارد و اگر مسئولان بیمارستان مبدا با توجه به سطح هوشیاری این بیمار اجازه دهند می‌توانیم برایش پذیرش بگیریم و تخت ICU تأمین کنیم. البته تخت ICU خالی همیشه نیست و ممکن است دیروز نبوده باشد و امروز باشد.

کریمی اضافه کرد: تمام مکالمات ستاد حوادث و هدایت بیمار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم ضبط می‌شود و هیچ تماسی از بیمارستان لواسانی برای تأمین تخت ICU برای این بیمار گرفته نشده است ضمن اینکه روال کار این است که باید از بیمارستان مبدا تماس بگیرند و اگر همراه بیمار خودش تماس بگیرد برای ستاد حوادث دانشگاه با توجه به تعداد زیاد تماس‌ها قابل استناد نیست.

گریه و دعا تنها راه حل بیماران نیازمند به ICU

مشکل این بیمار که هنوز در اورژانس یکی از بیمارستان‌های تأمین اجتماعی است و با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند تا زمان انتشار این گزارش با گذشت 3 روز از حضور در اورژانس حل نشده است و معلوم نیست تا کی باید برای پیدا شدن تخت ICU انتظار بکشد و این در و آن در بزند و جواب «تخت خالی ICU نداریم» را بشوند. جان این بیمار و بیماران بسیاری دیگر به خاطر کمبود این تخت‌ها در بخش دولتی در خطر است و بخش خصوصی هم که پول‌های آنچنانی می‌خواهد شاید تنها راه حل این بیماران نیازمند، دعا و گریه باشد.

فاجعه بیکاری 65 هزار خانوار چایکار را تهدید می‌کند

به نوشته سایت آفتاب در 18 شهریور آمده است: رئیس مجمع دوره‌ای نمایندگان گیلان با بیان اینکه وضعیت چای در حالت رکود است، گفت: دولت باید هر چایکار را به رسمیت بشناسد در غیر این صورت بیکاری 65 هزار خانوار چایکار یک فاجعه است. محمدمهدی رهبری املشی درباره وضعیت چای و حمایت دولت از چایکاران اظهار کرد: اکنون در چای رکودی وجود دارد که عده‌ای از کشاورزان از تولید چایکاری دست کشیدند و فاجعه‌ای در حال برای 65 هزار خانوار که از این راه امرار معاش می‌کنند، در حال رخ دادن است.

* فاجعه بیکاری در کمین 65 هزار خانوار چایکار/ دولت باید چایکار را به رسمیت بشناسد
وی با بیان اینکه خطر بیکاری برای 65 هزار خانوار چای یک فاجعه است، افزود: میانگین ایجاد شغل 85 میلیون تومان است و در صورت بیکاری دولت باید 6 تا 7 هزار میلیارد تومان بدهد تا این عده بر سر کار بروند.
نماینده مردم رودسر و املش در مجلس شورای اسلامی کار کشاورزی را ناموس کشاورزان دانست و تصریح کرد: کار کشاورزی به ویژه در بحث چای آبرو و حیثیت، هویت و فرهنگ کشاورزان است و نباید این را از دست دهیم.
وی با تاکید بر اینکه دولت باید هر کشاورز چایکار را به رسمیت بشناسد، ابراز کرد: مالکیت کشاورز چایکار حدود 6 دهم هکتار است و دولت نباید بگوید توجیه اقتصادی ندارد زیرا از قبل همین بوده است.
رهبی املشی با تاکید بر رسیدگی به وضعیت معاش کشاورزان چایکار ادامه داد: باید به آن اندازه به کشاورز رسیدگی شود که حداقل معیشت او تامین شود.

* قیمت تضمین برگ سبز چای یکدهم قیمت واقعی آن است
وی خط فقر در روستا را زیر 600 هزار تومان عنوان کرد و گفت: کشاورز باید حداقل از محل کشاورزی در ماه 300 هزار تومان درآمد داشته باشد به ویژه اینکه تک محصولی است و تنها از این محل درآمد کسب می‌کند.
رئیس مجمع نمایندگان گیلان درباره راهکار نجات چای و چایکار اضافه کرد: دولت از محل بودجه عمومی به کشاورز رسیدگی کند و یا اجازه دهد از محل تعرفه گمرکی واردات چای قیمت برگ سبز واقعی شده و کشاورز تامین معیشت شود.
وی قیمت تضمینی برگ سبز چای را یکدهم قیمت واقعی نامید و اذعان کرد: اگر قیمت برگ سبز واقعی شود باید هر کیلو برگ سبز چای حدود 4 هزار تومان نرخ‌گذاری شود.
رهبی املشی، هزینه تولید برگ سبز چای را زیاد دانست و افزود: در صورت افزایش نرخ تضمینی کیفیت محصول نیز بالا می‌رود و تمام مسایل چای برطرف می‌شود.
وی با اشاره به اینکه صنعت چای دارای مراحل مختلف است، خاطرنشان کرد: مهم‌ترین مسئله چای رسیدگی به کشاورز چایکار است در غیر این صورت بقیه چیزها ابتر بوده و قابل حل می‌شود.
نماینده مردم رودسر و املش با بیان اینکه چای سنوای در انبارها موجود است، ابراز کرد: هر سال نیز به مقدار این چای سنوای اضافه می‌شود.
وی درباره تعیین تکلیف چای سنوای ابراز کرد: معاون اول رئیس جمهور کارگروهی برگزار کرد و ما مذاکراتی در این راستا انجام دادیم و برخی از افراد که در این زمینه تصمیم‌گیرنده هستند کاملا واقف به امور چای نیستند و ما باید صدای خود را به آنها برسانیم و زبان مشترک داشته باشیم.

* 70 هزار تن چای وارد می‌شود
رهبی املشی، تولید برگ سبز چای را متفاوت دانست و یادآور شد: سال گذشته 130 هزار تن چای تولید شد و در برخی سال‌ها که دولت چای داشت تولید تا 300 هزار تن نیز می‌رسید.
وی درباره میزان مصرف داخلی چای و واردات آن اذعان کرد: حدود 30 درصد مصرف چای از محل تولیدات داخلی بوده و 70 درصد چای وارداتی است.

به گزارش فارس، نماینده مردم رودسر و املش در مجلس، 30 درصد مصرف چای داخلی را به میزان 35 هزار تن و 70 درصد چای وارداتی را نیز حدود 70 هزار تن عنوان کرد.
وی با بیان اینکه رسیدگی به چای کار خدایسندان‌های است، متذکر شد: اگر به چای رسیدگی شود در واقع کمک به 65 هزار خانوار چایکار است.

مسلم شدن اورژانس اجتماعی به سلاح سرد: مشکلاتی از قبیل فقر، ترافیک، ناامنی شغلی، باعث افزایش خشونت در جامعه ایران

به نوشته سایت قانون در 18 شهریور آمده است: اورژانس اجتماعی برای مقابله با بحران‌های اجتماعی به سلاح سرد مجهز شد.
به گزارش قانون، بلاخره بعد از چند ماه سازمان بهزیستی کشور خبر از تجهیز مأموران اورژانس اجتماعی سراسر کشور به سلاح سرد داده است. به گفته معاون اجتماعی سازمان بهزیستی در حال حاضر وسایل دفاع شخصی و ایمنی از قبیل گاز اشک‌آور، اسپری فلفل و شوکر به تعداد مأموران اورژانس اجتماعی در میان پایگاه‌ها و مأموران اورژانس اجتماعی در حال توزیع است.
به دنبال افزایش درگیری‌های خشونت‌بار ماه‌های اخیر و ضرب و شتم مددکاران و مأموران اورژانس اجتماعی، سازمان بهزیستی به دنبال این بود که مأموران و مددکاران این سازمان در مواردی همچون کودکان آزاری، آنها را به سلاح‌های دفاعی مانند گاز اشک‌آور و شوکر مسلح کند. به گفته معاون دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی رفتار مردم تغییر کرده و تعداد برخوردهای خشونت‌بار مددکاران این سازمان با مردم افزایش یافته است. به همین دلیل مددکاران اورژانس باید امنیت روانی و جانی داشته باشند، تا بتوانند در امور دخالت کنند. وی می‌گوید که اورژانس اجتماعی در زمان آغاز به کار خود فکر نمی‌کردند که نیاز به وسایل دفاعی برای نیروهای باشد، تا اینکه حوادث اخیر در ورامین و تهران نشان داد که این نیاز ضروری است.
حدود شش سال قبل بود که سازمان بهزیستی به منظور کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، جرائم و حمایت از افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی از قبیل کودکان آزاری، سالمندان آزاری، همسر آزاری، دختران فراری، کودکان خیابانی، خانواده‌های در معرض طلاق، خودکشی و برخی معضلات دیگر اقدام به راه‌اندازی خط سه رقمی تلفن 123 اورژانس اجتماعی کرده است. اورژانس اجتماعی تلفیقی

از مداخله در بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی است و با اعزام تیم سیار به محل به طور مستقیم در حل مشکل مداخله می‌کند. در حال حاضر 144 مرکز مداخله در بحران، 198 ماشین خدمات سیار اورژانس اجتماعی، 106 خط تلفن و 101 پایگاه خدمات اجتماعی در قالب اورژانس اجتماعی فعالیت می‌کنند.

به گفته مسئولان بهزیستی بیشترین داخله مأموران این اورژانس در جامعه پیرامون اعتیاد، همسرآزاری و کودک‌آزاری است. ضمن اینکه در معضلاتی نظیر خودکشی، کودک‌آزاری و همسرآزاری سازمان بهزیستی در شرایط اورژانسی وارد عمل می‌شود تا مشکل حل شود.

در اردیبهشت ماه امسال بود که یکی از مددکاران زن اورژانس اجتماعی هنگام مداخله در پرونده کودک‌آزاری مورد ضرب و شتم قرار گرفت. این حادثه به فاصله چند هفته بعد از حمله به یکی از مددکاران مرد در ورامین صورت گرفت که این مأمور اورژانس مورد حمله فردی ناشناس قرار گرفت و به شدت مجروح شد.

افزایش خشونت در جامعه؟

بسیاری از کارشناسان آسیب‌ها و مسائل اجتماعی معتقدند مسلح شدن اورژانس اجتماعی به سلاح سرد نشانه افزایش خشونت در جامعه است. آنها بر این باورند که مشکلاتی از قبیل فقر، ترافیک، ناامنی شغلی و باعث افزایش خشونت در جامعه ایران شده است. متأسفانه آمار روشنی درباره این افزایش در دست نیست، اما کنار هم قرار گرفتن افزایش اخبار مربوط به آزارهای خانوادگی، افزایش نزاع‌های خیابانی، افزایش همسرکشی، آزار زنان، کودک‌آزاری و قتل‌های غیر عمد نشان می‌دهد که خشونت در جامعه ایران احتمالاً افزایش زیادی داشته است. به گفته کارشناسان اجتماعی نبود آمار متقن درباره افزایش خشونت‌های اجتماعی در جامعه ایران و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر این آمار از سوی مراکز تحقیقاتی و آمار رسمی باعث شده که موضوع افزایش خشونت در ایران در حد یک آسیب فراگیر مطرح نشود. در عین حال این کارشناسان می‌گویند که تحلیل فضای کلی جامعه اعم از فضای عمومی و خصوصی نشان می‌دهد که احتمالاً این آمار نسبت به سال‌های گذشته افزایش چشمگیری داشته است. این کارشناسان ضمن انتقاد از ادبیات رسمی حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور یکی از دلایل افزایش خشونت در جامعه را خشونت نهفته در این ادبیات عنوان می‌کنند. در عین حال تخمین‌های جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که این روند در سال‌های آینده و به دلیل افزایش انواع فشارها تشدید خواهد شد. به هر حال مسلح شدن اورژانس اجتماعی به سلاح سرد می‌تواند، یکی از پایه‌های این تخمین باشد!

کاهش 70 درصدی درآمدهای نفتی طی چند ماه تحت تاثیر تحریم ها

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 18 شهریور آمده است: به دنبال عملی شدن تحریمها، درآمدهای نفتی تهران در ماه جولای سال جاری میلادی احتمالاً به کمتر از یک سوم در مقایسه با زمان مشابه در سال قبل کاهش یافته است. به گزارش شبکه خبری سی ان بی سی آمریکا به دنبال عملی شدن تحریمهای آمریکا و اتحادیه اروپا، صادرات و درآمدهای نفتی ایران، کاهش چشمگیر یافته و بنا بر ارزیابیهای کارشناسان انرژی، درآمد نفتی ایران در ماه جولای سال جاری نسبت به جولای سال گذشته از حدود ده میلیارد دلار به حدود سه میلیارد دلار کاهش یافته است. بنا بر این گزارش به نقل از ترور هوسر، کارشناس بین المللی در حوزه انرژی و ذخایر طبیعی، بررسی اطلاعات مربوط به معاملات خریداران نفت خام ایران نشان می‌دهد که آنها در ماه جولای سال جاری نسبت به مدت مشابه در سال گذشته خرید نفت خود از ایران را به یک سوم کاهش داده اند. ترور هوسر در این گفتگو گفته است گرچه روند اثرگذاری تحریمهای اقتصادی سریعتر از برخی پیش بینی ها در حال شکل گیریست ولی تاثیر کم آنها بر ایران باعث شده که برخی در واکنش خواستار اعمال تحریم های اقتصادی سخت گیرانه تری علیه ایران شوند.

ساکنان قدیمی محله هردی/ تعطیلی 5 مدرسه دخترانه به دلیل نا امنی

برگزاری دولتی مهر در 18 شهریور آمده است: کوچ اجباری ساکنان قدیمی محله هردی، تعطیلی مدارس دخترانه به دلیل نا امنی محله، بی‌گانه‌سازی و مهاجران و کارگران فصلی، نا امنی پارک ها و... از مهمترین معضلات یکی از محلات قدیمی پایتخت است. خبرنگار مهر، جایی نزدیک به انتهای تهران. این جا آسمانش همیشه خاکستری و پردود است و برای آفتابی شدن معتادان نیازی به تاریکی شب بیانه روز هم به این محله سر بزنی حضور معتادان و ارادل و اوباش را در پارک ها و سر کوچه ها می بینید. این جا پر از کودکانی است که در کنار سرنگ های آلوده و معتادانی که زیر سایه درختان چمباتمه زده اند بازی می کنند. محله هردی یکی از پر آسیب ترین محله های تهران است. قدمت این محله بر اساس نقشه های قدیمی تهران به زمان صفویه می رسد. بر 7 هزار و 843 خانوار در این محله ساکن هستند. کل جمعیت این محله 28 هزار و 236 نفر است که از این تعداد 15 هزار و 589 نفر مرد و 647 نفر زن هستند. از این جمعیت حدود ده هزار و 120 نفر شاغل، 726 نفر بیکار، 20 هزار و 124 نفر باسواد، 5 هزار و 702 نفر بی

از اهالی قدیمی محله هردی افراد نامدار بسیاری هم چون شیخ رجبعلی نکوگویان (خیاط)، آیت الله حاج سید محمد تقی گوشه، آیت الله انصاری، رندی، شهید بخارایی و... در این محله ساکن بودند.

قدیمی معضلات بسیاری دارد. پرویز اکبری عضو شورایاری محله شوش هردی درباره معضلات این محله تاریخی در تهران می گوید: محله با معضلاتی هم چون حضور معتادان و مواد فروشان و ارادل و اوباش در پارک ها و کوچه ها مواجه است. ساکنان آبرومند این محله با آن زندگی می کنند. بی عدالتی ها موجب شده که تمام حسن های این محله دیده نشود. ناامنی و وجود ارادل و اوباش باعث شده که 5 دبیرستان دخترانه به طور کامل تعطیل شوند.

د حسین، معاون آموزش متوسطه شهر تهران اما این خبر را تایید نمی کند و می گوید: اطلاعی از تعطیلی این 5 مدرسه به دلیل نا امنی

ارد.

می دهد: بر اثر معضلات این محله، خانواده های متدین و قدیمی به تدریج از محله رفتند. برخی از خانواده های دیگر خانه های خود را به ملی و افغانی اجاره دادند. از طرفی برخی خانواده های مهاجر که برای دستفروشی به تهران می آیند، با توجه به این که قیمت اجاره نشینی در ن است، در این محل ساکن می شوند. ما از شورای شهر و دیگر نهاد های مسئول در این شهر می خواهیم که به مشکلات این شهر رسیدگی

رای محله شوش هرندی با اشاره به امکانات این محله می گوید: این محله 17مسجد، 10حسینیه، 3 مرکز فرهنگی و 6 زمین بازی دارد. او درخواست های شورایی و ساکنان محله شوش هرندی از شورای شهر، شهرداری و دیگر سازمان های شهری می گوید: جمع آوری و نادن مخصوصا معتادین پارکها، جمع آوری مواد فروشان و ارادل و اوپاش، فراهم کردن امکان فعالیت بانوان و کودکان در پارکها، فعال شدن و شرکت های حفاظتی خصوصی، انتقال گاراژهای باربری از خیابان شوش و واگذاری پارک های سطح حوزه استحفاظی به اجرائیات فریب خانه های در حال ریزش و فرسوده، از خواست های ماست.

دبیر دبیران شورایی منطقه 12 نیز معتقد است: رفع برخی از مشکلات محله شوش هرندی هزینه زیادی نمی خواهد، تنها کافی است ک اعتیاد و خانه خورشید از این محله به جای دیگری منتقل شوند

ران در خبر اخراج کارگران از واحد تولیدی قارچ ملارد اشتباهی رخ داده که به این وسیله تصحیح می شود:
کارگر و کارمند این واحد تنها 360 تن باقی مانده و بقیه مشمول تعدیل نیرو شده اند. یعنی حدود 70 نفر تعدیل شده اند.
بن اصلاحیه را در کنار خبر اولیه، منتشر کنید.

رش مجدد

ن حقوق کارگر - 9 سپتامبر 2012

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2012/09/blog-post_8.html#more

تجمع کارگزاران مخابرات روستایی 3 استان در مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 شهریور آمده است: کارکنان کارگزاری مخابرات روستایی استان های آذربایجان غربی، همدان و کردستان، برای چندمین مرتبه در ماه های اخیر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، حدود 100 نفر از کارکنان مخابرات روستایی استان های غربی کشور در اعتراض به عدم داشتن قرارداد و همچنین نداشتن بیمه در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.
یکی از حاضرین در این تجمع درباره علت حضور در مقابل مجلس شورای اسلامی به خبرنگار ایلنا گفت: ما از کارگزاران مخابرات روستایی، از سال 88 به این سمت از داشتن بیمه و قرارداد محروم هستیم و در حال حاضر در حالت تعلیق به سر می بریم.
وی افزود: ما خواستار انعقاد قرارداد کاری در چارچوب قانون کار بوده و می خواهیم که تحت نظر بیمانکار به فعالیت خود ادامه دهیم.
بنا بر مشاهدات خبرنگار ایلنا این تجمع با همراهی نیروی انتظامی، به صورت مسالمت آمیز در حال برگزاری است.

پایان خبر

اعتصاب کارگران یک کارگاه تولید شیرینی در سنندج!

به گزارش رسیده به سایت کمیته هماهنگی ... در 19 شهریور آمده است: در روز شنبه 18/6/91 کارگران یک کارگاه شیرینی فروشی در سنندج، همراه با خانواده های خود در مقابل این کارگاه، واقع در خیابان فردوسی کوچه هتل آبیتر، دست به تجمع اعتراضی زدند. از روز چهارشنبه گذشته، به بهانه های واهی، از طرف اداره بهداشت به این کارگاه اعلام شده بود که به دلیل استفاده از رنگ های خوراکی، این کارگاه باید تعطیل شود؛ که با مقاومت هوشیارانه ی کارگران مواجه گردید و کارگران گفتند که رنگ های خوراکی در این کارگاه مجاز بوده و دارای تائیدیه وزارت بهداشت و پروانه ساخت می باشد.
در پی این اعتراض، مامورین بهداشت به کارگران این کارگاه وعده دادند که اگر تجمع خود را به هم بزنند، این کارگاه فقط تا 48 ساعت پلمپ خواهد شد و بعد از 48 ساعت دیگر کارگران می توانند به سر کار خود برگردند. کارگران نیز اعلام کردند چنانچه تا 48 ساعت دیگر نتوانند به سر کار خود بازگردند، این بار در مقابل یکی از نهاد های دولتی تجمع خواهند نمود.
لازم به ذکر است که حدود 50 نفر در این کارگاه کار میکنند که 15 نفر آنها زن میباشند. این کارگاه دارای چهار شعبه در سطح شهر سنندج می باشد.

گفتنی است این تجمع اعتراضی با همراهی جمع زیادی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری برگزار گردید.

بیکاری 200 کارگر شهرداری ایذه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 شهریور آمده است: گزارش شهرداری شهرستان ایذه 200 کارگر روزمزد و قرارداد موقت خود را بیکار کرده است.
این گزارش حاکیست، این کارگران سه ماه حقوق معوقه طلب دارند، معمولاً حقوق کارگران شهرداری ایذه با میانگین سه ماه تاخیر به آنان پرداخت می شود.

ترک تحصیل وسیع دختران در روستاها

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی مهر در 19 شهریور آمده است: ترک تحصیل دختران در روستاهای بخش "لوداب" شهرستان بویراحمده ادامه دارد و اکنون به دلیل نبود زیرساختهای لازم برای اجرای طرح جداسازی دانش آموزان دبیرستانی در این بخش، برخی از دانش آموزان دختر اقدام به ترک تحصیل کرده اند. اندک اندک بوی ماه مهر از راه می رسد و زنگ آغاز سال تحصیلی جدید به صدا در می آید اما در برخی روستاهای بخش لوداب، مهر دیگر ماه مدرسه نیست.

طرح جداسازی دانش آموزان دختر و پسر در دبیرستانهای روستایی شهرستان بویراحمده از امسال اجرایی می شود اما به حدنصاب نرسیدن دانش آموزان در برخی روستاهای این بخش منجر به تعطیلی تعدادی مدرسه شده است. دو دبیرستان شهید ارجمند روستای "عزیزی" و "سیلارستان" در لوداب از جمله مدارس هستند که به این دلیل در آستانه تعطیلی قرار دارند.

اگرچه پسران می توانند برای ادامه تحصیل به روستاهای همجوار یا مرکز بخش بروند اما این امکان برای دختران وجود ندارد و آنان راهی جز آویزان کردن کیف مدرسه به دیوار خانه ها ندارند.

رئیس اداره آموزش و پرورش بخش لوداب شهرستان بویراحمده در این خصوص به خبرنگار مهر گفت: با اجرای طرح جداسازی دانش آموزان دبیرستانی منطقه لوداب، تعداد دانش آموزان دختر برای تشکیل کلاس در برخی مدارس به حد نصاب نمی رسد. علی کمالی افزود: فاصله دبیرستان ها در مناطق روستایی از هم زیاد است و دانش آموزان دختر قادر به طی این مسیر برای تحصیل نیستند.

وی بیان کرد: از طرفی به دلیل نبود خوابگاه شبانه روزی در مرکز این بخش، برخی دانش آموزان دختر این منطقه مجبور به ترک تحصیل شده اند.

با این حال ترک تحصیل دختران در روستاها دلایل دیگری نیز داشت که پیش از این نماینده گچساران و باشت به آن اشاره کرده بود. غلامرضا تاجگردون گفته بود: از زمانی که قیمت بنزین و گازوئیل بالا رفته، به دلیل افزایش هزینه حمل و نقل، تعداد زیادی از دختران روستایی ساکن مناطق محروم مجبور به ترک تحصیل و خانه نشینی شده اند.

وی افزود: در بسیاری از مناطق کوچک روستایی مقاطع تحصیلی محدود است و چه بسیار کودکان روستایی مجبور هستند برای رفتن به مدرسه هر روز از روستای خود به روستای مجاور و شهرهای نزدیک بروند، افزایش قیمت بنزین و گازوئیل و گرانی کرایه راه، به قدری است که برخی از خانوارهای روستایی توان پرداخت آن را ندارند، این خانوارها برای جبران هزینه ها فرزندان پسر خود در محل تحصیل ساکن کرده اند، چند خانوار باهم اتاقی برای پسران دانش آموزان کرایه کرده اند و یا فرزندان خود را در خانه بستگان ساکن کرده اند، اما در مورد فرزندان دختر چنین امکانی را ندارند و همین موضوع باعث ترک تحصیل و خانه نشینی دختران روستایی شده است.

تعطیلی مدارس روستایی به دلیل رشد مهاجرت به شهرها اما تعطیلی نه تنها گریبانگیر برخی مدارس مقطع دبیرستان شده بلکه به دلیل رشد مهاجرت از روستاها به شهرها طی سالهای اخیر در این استان، شاهد تعطیلی برخی مدارس ابتدایی روستایی نیز بوده ایم. بر طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال گذشته، 52 درصد جمعیت کهگیلویه و بویراحمد در شهرها و 48 درصد در روستاها ساکن هستند و این در حالی است که براساس سرشماری سال 85، 52 درصد جمعیت استان در روستاها و 48 درصد در شهرها ساکن بودند و این نشان از روند روبه رشد مهاجرت دارد. رئیس اداره آموزش و پرورش بخش لوداب در این خصوص گفت: مهاجرت مردم به شهرها هم باعث تعطیلی برخی مراکز آموزشی از جمله ابتدایی در این بخش شده است. کمالی اظهار داشت: مدارس در این بخش ساخته شده ولی اکنون به دلیل افزایش مهاجرت کسی نیست که در این مدارس درس بخواند.

انتقال معلمین مجرب مانع پیشرفت آموزشی مناطق محروم رئیس اداره آموزش و پرورش لوداب همچنین با اشاره به نقش نیروی انسانی ممتاز و توانمند در تعلیم و تربیت، افزود: انتقال معلمین مجرب به مرکز شهرستان بویراحمده هم به یکی از موانع پیشرفت آموزشی در مناطق محروم و دور افتاده تبدیل شده است. وی همچنین به مشکل کمبود امکانات آموزشی در این بخش اشاره کرد و بیان داشت: اداره آموزش و پرورش لوداب از تجهیزات، وسایل نقلیه و فضای آموزشی لازم برخوردار نیست و در حال حاضر 44 باب واحد آموزشی استیجاری در این بخش وجود دارد که فاقد استانداردها و امکانات آموزشی لازم هستند.

کمالی، نبود خانه معلم برای اسکان معلمان را از دیگر مشکلات مهم آموزشی در لوداب عنوان کرد و افزود: کمک خیرین برای رفع مشکلات آموزشی در این بخش راهگشا خواهد بود. برخی از دانش آموزان دختر اقدام به ترک تحصیل کرده اند. به گزارش خبرنگار مهر، اندک اندک بوی ماه مهر از راه می رسد و زنگ آغاز سال تحصیلی جدید به صدا در می آید اما در برخی روستاهای بخش لوداب، مهر دیگر ماه مدرسه نیست.

طرح جداسازی دانش آموزان دختر و پسر در دبیرستانهای روستایی شهرستان بویراحمده از امسال اجرایی می شود اما به حدنصاب نرسیدن دانش آموزان در برخی روستاهای این بخش منجر به تعطیلی تعدادی مدرسه شده است. دو دبیرستان شهید ارجمند روستای "عزیزی" و "سیلارستان" در لوداب از جمله مدارس هستند که به این دلیل در آستانه تعطیلی قرار دارند.

اگرچه پسران می توانند برای ادامه تحصیل به روستاهای همجوار یا مرکز بخش بروند اما این امکان برای دختران وجود ندارد و آنان راهی جز آویزان کردن کیف مدرسه به دیوار خانه ها ندارند.

رئیس اداره آموزش و پرورش بخش لوداب شهرستان بویراحمد در این خصوص به خبرنگار مهر گفت: با اجرای طرح جداسازی دانش آموزان دبیرستانی منطقه لوداب، تعداد دانش آموزان دختر برای تشکیل کلاس در برخی مدارس به حد نصاب نمی رسد. علی کمالی افزود: فاصله دبیرستان ها در مناطق روستایی از هم زیاد است و دانش آموزان دختر قادر به طی این مسیر برای تحصیل نیستند.

وی بیان کرد: از طرفی به دلیل نبود خوابگاه شبانه روزی در مرکز این بخش، برخی دانش آموزان دختر این منطقه مجبور به ترک تحصیل شده اند.

با این حال ترک تحصیل دختران در روستاها دلایل دیگری نیز داشت که پیش از این نماینده گچساران و باشت به آن اشاره کرده بود.

غلامرضا تاجگردون گفته بود: از زمانی که قیمت بنزین و گازوئیل بالا رفته، به دلیل افزایش هزینه حمل و نقل، تعداد زیادی از دختران روستایی ساکن مناطق محروم مجبور به ترک تحصیل و خانه نشینی شده اند.

وی افزود: در بسیاری از مناطق کوچک روستایی مقاطع تحصیلی محدود است و چه بسیار کودکان روستایی مجبور هستند برای رفتن به مدرسه هر روز از روستای خود به روستای مجاور و شهرهای نزدیک بروند، افزایش قیمت بنزین و گازوئیل و گرانی کرایه راه، به قدری است که برخی از خانوارهای روستایی توان پرداخت آن را ندارند، این خانوارها برای جبران هزینه ها فرزندان پسر خود در محل تحصیل ساکن کرده اند، چند خانوار باهم اتاقی برای پسران دانش آموزان کرایه کرده اند و یا فرزندان خود را در خانه بستگان ساکن کرده اند، اما در مورد فرزندان دختر چنین امکانی را ندارند و همین موضوع باعث ترک تحصیل و خانه نشینی دختران روستایی شده است.

تعطیلی کارخانه صنعتی جام لران الیگودرز و بیکاری کارگزارانش

به گزارش روزنامه دولتی کیهان در 19 شهریور آمده است: کارخانه صنعتی جام لران الیگودرز، تولیدکننده شیشه های ممتاز که محصولات خود را به کشورهای خاورمیانه صادر می کرد، به دلیل مشکلات مالی، اختلاف شرکا و عدم حمایت مسئولان تعطیل و نزدیک به 6 ماه است که کارگران این کارخانه بیکار شده اند.

تجمع اعتراضی کارگزاران روستایی شرکت مخابرات مقابل مجلس

به گزارش خبر گزارش دولتی ایسنا در 19 شهریور آمده است: جمعی از کارگزاران روستایی شرکت مخابرات ایران با تجمع مقابل مجلس خواستار پرداخت حقوق معوقه خود طبق قانون کار از ابتدای سال جاری شدند.

بنا به همین گزارش، جمعی از کارگزاران شرکت مخابرات ایران که از استان های مختلف مقابل مجلس تجمع کرده بودند اعلام کردند حق بیمه هایشان از دی ماه سال 88 به این سو پرداخت نشده است همچنین بیان داشتند حقوقشان به جای افزایش کاهش یافته است. تجمع کنندگان خواستار اجرای قانون بیمه کارگزاران مخابرات روستایی بویژه در استان آذربایجان غربی شدند.

آنها همچنین خواستار انعقاد قرارداد دائم با کارگزاران شرکت مخابرات بر اساس قانون کار، لغو قراردادهای پیمانکاری و شرکت های واسطه ای طبق مصوبه مجلس و ثبت سوابق بیمه ای و جاری شدن بیمه هایشان از دی ماه سال 88 به این سو شده اند.

به گزارش 19 شهریور مهرداد همین رابطه، تجمع کنندگان مدعی هستند سابقه کاری آنان دو تا 27 سال است اما ماهانه 180 هزار تومان حقوق می گیرند و با وجود مصوبه مجلس مبنی بر اینکه از دی ماه سال 88 باید از سوی مخابرات بیمه می شدند، حق بیمه ای برای آنان پرداخت نشده است.

بر پایه این گزارش، به گفته یکی از تجمع کنندگان شرکت مخابرات علاوه بر اینکه حق بیمه کارگزاران مخابرات روستایی را پرداخت نمی کند بلکه در نظر دارد قراردادی با آنها ببندد که در طی آن 2 ساعت در روز به کار اشتغال داشته باشند.

این گزارش حاکیست، در بهمن سال 88 قانون بیمه کارگزاران مخابرات روستایی از سوی رئیس مجلس ابلاغ شد.

در ماده واحده این قانون آمده است: دولت مکلف است ضمن درج در بودجه سال 1389 کل کشور، حق بیمه کلیه کارگزاران مخابرات روستایی (از هر نوع بیمه) را بر اساس دوره کارگزاری، نسبت به سنوات کارکرد آنان که بابت آنها بیمه پرداخت نشده است، بر مبنای سهم کارفرما و صرفاً بابت حق بیمه از محل بودجه سال 1389 کشور و حداکثر تا پایان سال مذکور پرداخت کند. این پرداخت مشمول جریمه تاخیر نمی شود و از هر نوع جریمه ای معاف است. هر نوع پرداخت بابت خدمات این کارگزاران بعد از واگذاری در بورس بر عهده شرکت طرف قرارداد با آن کارگزاران است.

قانون فوق در جلسه علنی روز یکشنبه 31 خرداد 1388 تصویب و در تاریخ 12/10/1388 از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. پیش از این مصوبه مذکور مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود. بررسی درخواست جمعی از نمایندگان برای اعمال ماده 233 آیین نامه داخلی مجلس در خصوص عدم اجرای بیمه کارگزاران مخابرات روستایی به هیات رئیسه مجلس ارایه شده است و در دستور کار هفته جاری مجلس قرار دارد.

بر اساس این گزارش ماده 233 آیین نامه داخلی مجلس تصریح دارد در صورتی که گزارشی در خصوص تخلفات دستگاهها و نهادها در مجلس مورد تایید نمایندگان قرار گیرد برای رسیدگی قضایی به قوه قضائیه ارجاع می شود.

شهری با 60 هزار جمعیت بدون بهداری و دیگر خدمات درمانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 شهریور آمده است: عضو هیات رئیسه شورایی قیامدشت گفت: به رغم وعده وزیر بهداشت، قیامدشت با 60 هزار جمعیت هنوز از وجود یک مرکز درمانی دولتی که خدمات پزشکی و درمانی به مردم ارائه دهد، محروم است.

حسین فتحی در گفت و گو با ایلنا گفت: در قیامدشت تنها یک مرکز بهداشت وجود دارد که خدمات پیش پا افتاده ای همچون سرم زدن، آمپول زدن و دندانپزشکی به مردم ارائه می دهد، که تا ساعت 2 بعداز ظهر هم بیشتر باز نیست.

وی ادامه داد: چندمطب خصوصی هم در قیامدشت وجود دارد اما به دلیل اینکه بیشتر مردم این منطقه کارگر و از طبقه محروم جامعه

هستند هزینه ارائه این خدمات پزشکی به مردم بسیار بالاست. عضو هیات رئیسه شور ایاری قیامدشت نزدیکترین بیمارستان دولتی را که مردم منطقه به آن دسترسی دارند بیمارستان بعثت عنوان کرد و افزود: این بیمارستان در اتوبان بسیج تهران قرار دارد که حدود ۲۵ کیلومتر با قیامدشت فاصله دارد و همین دوری راه تا مراکز درمانی موجب شده است که در بسیاری از موارد امید برای نجات شهروندان به حداقل برسد. فتحی به حضور وزیر بهداشت در حدود ۶ ماه گذشته در قیام دشت اشاره کرد و افزود: وزیر بهداشت در آن زمان قول دادند که مرکز بهداشت قیامدشت را که خدمات پزشکی و درمانی پیش پا افتاده‌ای به مردم ارائه می‌دهد را تجهیز کنند و به صورت درمانگاه شبانه روزی در آورند اما متأسفانه این وعده عملی نشد. وی با بیان اینکه آمادگی معرفی زمین برای ایجاد درمانگاه را داریم، افزود: اگر بخش دولتی قصد ایجاد مرکز درمانی را داشته باشد، شهرداری ناحیه ۷ منطقه ۱۵ زمین را در اختیار آنان خواهد گذاشت.

کاهش 38 درصدی تولید خودرو

به نوشته سایت آفتاب در 19 شهریور آمده است: معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت از کاهش 38 درصدی تولید انواع خودرو در کشور در پنج ماهه نخست 1391 خبر داد. محسن صالحی نیا در يك نشست خبری افزود: در پنج ماهه نخست امسال در مجموع حدود 405 هزار دستگاه انواع خودرو در کشور تولید شد که این رقم نسبت به مدت مشابه در سال قبل که 620 هزار دستگاه بود که کاهش 38 درصدی را نشان می‌دهد. وی با اشاره به این‌که در تلاشیم تولید خودرو در نیمه دوم سال به حالت طبیعی آن برگردد، گفت: در پنج ماهه نخست امسال تولید محصولات مانند کاتد مس، شمش آلومینیوم، روغن نباتی، پودر شوینده، لاستیک خودرو و محصولات پتروشیمی نیز با کاهش مواجه شد.

به گزارش ایسنا، معاون امور اقتصادی و صنایع وزارت صنعت، معدن و تجارت همچنین با اشاره به اینکه هم اکنون ارز مورد نیاز صنایع به غیر از کالاهای اساسی و دارو با نرخ غیر مرجع تامین می‌شود، گفت: امیدواریم با راه اندازی بورس ارز صنایع بتوانند نیاز ارزی خود را براساس نرخ رقابتی و به اندازه کافی تامین کنند.

تصحیح خبر اخراج کارگران از واحد تولیدی قارچ ملارد

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2012/09/blog-post_9.html

تصحیح خبر
با پوشش فراوان در خبر اخراج کارگران از واحد تولیدی قارچ ملارد اشتباهی رخ داده که به این وسیله تصحیح می‌شود: از 430 نفر کارگر و کارمند این واحد تنها 360 تن باقی مانده و بقیه مشمول تعدیل نیرو شده اند. یعنی حدود 70 نفر تعدیل شده اند. از تمامی دوستانی که این خبر را بازانتشار داده اند، خواهشمندیم این اصلاحیه را در کنار خبر اولیه، منتشر کنید.
با تشکر و پوزش مجدد
کانون مدافعان حقوق کار

بیکاری ۲۰۰ کارگر شهرداری ایذه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 شهریور آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر اهواز اعلام کرد: شهرداری شهرستان ایذه ۲۰۰ کارگر روزمزد و قرارداد موقت خود را بیکار کرده است. آقایار حسینی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ۲۰۰ کارگر خدمات و فضای سبز شهرداری شهرستان ایذه با حضور شهردار جدید این شهر کار خود را از دست داده‌اند.

او افزود: به گفته کارگران اخراجی شهر دار جدید قصد دارد با اخراج کارگران با سابقه نیروهای جدید استخدام کند. دبیر اجرایی خانه کارگر با بیان اینکه این کارگران سه ماه حقوق معوقه طلب دارند یاد آور شد: معمولاً حقوق کارگران شهرداری ایذه با میانگین سه ماه تاخیر به آنان پرداخت می‌شود.

هر خانواده بروجردی حداقل یک الی دو جوان تحصیلکرده وجود دارد/ ۳۰ هزار بیکار در شهر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 شهریور آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر بروجرد اعلام کرد: با توجه به جمعیت ۴۰۰ هزار نفری این شهرستان، حدود ۳۰ هزار نفر جویای کار هستند. محمد گودرزی با انتقاد از سخنان امروز وزیر کار در خصوص بحرانی نبودن وضعیت بیکاری، به ایلنا گفت: بیکاری در شهرستان بروجرد نسبت به سالهای گذشته افزایش داشته و در هر خانواده بروجردی حداقل یک الی دو جوان تحصیلکرده جویای کار وجود دارند که این وضعیت برای آنان نامی جز بحران ندارد. او با بیان اینکه استان لرستان در زمینه بیکاری رتبه اول کشور را در اختیار دارد، یادآور شد: نرخ صحیح بیکاری در لرستان و بروجرد بیش از آمار اعلام شده است و بخش اعظم تحصیلکرده‌های این استان بیکار هستند. این فعال کارگری ادامه داد: مسئولان استانی در جهت رفع مشکلات اشتغال استان بی‌تفاوت بوده و هم اکنون حتی افراد شاغل نیز دغدغه از دست دادن شغل خود را دارند. او با اشاره به مشکلات پیش روی واحدهای تولیدی شهرستان بروجرد، گفت: برنامه ریزی‌های اشتغال در این شهرستان ریشه‌ای نیست و طی ده سال اخیر هیچ واحد عمرانی که در زمینه اشتغال دائم موثر بوده باشد احداث نشده است.

تجمع کارگران قند اهواز مقابل اداره صنعت خوزستان در اعتراض به عدم دریافت ۱۸ ماه حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 شهریور آمده است: کارگران کارخانه قند اهواز، صبح امروز در اعتراض به عدم دریافت ۱۸ ماه از حقوق خود، در مقابل اداره صنعت، معدن و تجارت استان خوزستان واقع در امانیه اهواز تجمع کردند. براساس این گزارش، در این تجمع اعتراضی که از ساعت ۹ صبح امروز برگزار شد، نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارگران قند اهواز با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار رسیدگی مسئولان استان خوزستان به مشکلات خود شدند.

همین منبع بتاريخ 20 شهریور طی گزارشی تحت عنوان-کارگران قند اهواز قربانی مصوبات غیرقانونی دولت- از وضعیت کارخانه قند اهواز و کارگزارانش خبر داد. در بخش هایی از این گزارش آمده است:

در حال حاضر کارگران این کارخانه ۱۸ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و علاوه بر آن با وجود داشتن دفترچه بیمه، به دلیل عدم ارسال لیست بیمه شدگان از سوی کارخانه، از پوشش بیمه تامین اجتماعی نیز محروم شده‌اند.

عدم پرداخت حقوق کارکنان قند اهواز در حالی که ۱۸ ماه می‌رسد که هنوز تکلیف مالکیت این کارخانه مشخص نشده است. مالکیتی که در جریان دور دوم سفر استانی هیات دولت به استان خوزستان، با تصویب هیات وزیران از مالکیت بانک‌های ملت و ملی خارج و به مالکیت وزارت صنایع و معادن درآمده و این مساله آغازی بر مشکلات مالکیتی در این کارخانه شد. جدیدترین خبرها همچنین از درخواست هیات مدیره منصوب وزارت صنایع برای ورشکسته اعلام کردن کارخانه حکایت دارد.

کارخانه قند اهواز با ظرفیت تولیدی بالغ بر ۲۵۰ تن قند و شکر در روز، چهار سالی است که تعطیل و تولید آن متوقف شده است. مالکیت این کارخانه در گذشته بر عهده بانک ملی و ملت بوده که با افزایش مشکلات این واحد تولیدی با تصویب هیات دولت به وزارت صنایع جهت راه‌اندازی مجدد واگذار شد اما چندی پس از معرفی و استقرار مدیر عامل جدید کارخانه از سوی معاون اقتصادی وقت وزارت صنایع و معادن، روند بازسازی و فعالیت مجدد کارخانه متوقف شد.

در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت منصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد و وزارت صنایع و معادن با استناد به همین مساله بازسازی کارخانه را تعلیق کرد. جای تاسف دارد که چنین اشتباهاتی در سطح هیات دولت و با حضور رئیس آن صورت می‌گیرد، چرا که مصوبه دولت مبنی بر انتقال کارخانه قند اهواز مغایر اصل ۴۴ (خصوصی سازی) محسوب می‌شود که این مساله جای تعجب و گله دارد.

وزارت صنایع و معادن در شرایطی از عدم مالکیت بر کارخانه قند اهواز صحبت می‌کند که هیات مدیره منتخب این وزارت خانه در کارخانه قند اهواز، از دادگاه حقوقی اهواز درخواست اعلام ورشکستگی این کارخانه را کرده است. براساس این درخواست روز یکشنبه ۱۹ شهریور ماه، جلسه دادگاهی در شعبه ۷ دادگاه حقوقی اهواز به منظور بررسی این درخواست برگزار شد که به دلیل غیبت اعضای هیات مدیره، منجر به طی روند دادرسی و صدور رای دادگاه نشد.

درخواست اعلام ورشکستگی در شرایطی از سوی هیات مدیره منصوب به وزارت صنایع و معادن به دادگاه ارائه می‌شود که این افراد با استعفا از سمت خود در کارخانه، اعلام کرده بودند که مسئولیتی در قبال مسائل مالی و غیرمالی کارخانه قند اهواز ندارند، که این سوال مطرح می‌شود که در این شرایط با استناد به چه جایگاه حقوقی، درخواست اعلام ورشکستگی کارخانه قند اهواز را به دادگاه ارائه کرده‌اند؟ گسترش مشکلات معیشتی کارگران

مدیر اجرایی کارخانه قند اهواز در زمینه مشکلات ایجاد شده برای کارگران قند اهواز در مدت ۱۸ ماه اخیر می‌گوید: سازمان تامین اجتماعی از دریافت لیست بیمه کارگران کارخانه قند اهواز خوداری می‌کند.

سید محمد علی موسوی اظهار داشت: سازمان تامین اجتماعی از دریافت لیست بیمه کارگران کارخانه قند بدون دریافت پول خوداری می‌کند که این عمل خلاف قانون تامین اجتماعی است. کارگران کارخانه قند اهواز از لحاظ معیشتی دچار مشکل شده و دفترچه‌های بیمه درمانی آنان فاقد اعتبار است.

او با اشاره به فشارهای اقتصادی این کارگران تاکید کرد: مستمری بیمه فوتی خانواده بعضی از کارگران که با سوابق بالا در طول این مدت در این کارخانه کار کرده‌اند به دلیل اینکه بین بیمه آنان فاصله افتاده است برقرار نمی‌شود.

این کارخانه در شرایطی دوران بدون مالکیت خود را سپری می‌کند که کارکنان این کارخانه در استفاده از امکانات بیمه تامین اجتماعی به مشکلات زیادی برخورد کرده‌اند و در زمان وقوع حوادث باید به صورت شخصی به پرداخت هزینه بپردازند.

برپایه این گزارش، کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که هم اکنون در حالت تعطیل کامل به سر می‌برد، با ایجاد بیش از ۵۰۰ فرصت شغلی مستقیم و اشتغال ۲ هزار نفر به صورت غیر مستقیم یکی از کارخانه‌های مهم و استراتژیک اهواز محسوب می‌شود که به دلیل تعطیلی این واحد تولیدی، مردم منطقه از این فرصت بی‌بهره مانده‌اند.

بدون شرح

یک مقام دولتی: کارگران اخراجی یا تمایل به کار ندارند یا زیاده خواه هستند!

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 20 شهریور آمده است: "کسانی که کارگر اخراجی هستند به نوعی یا تمایل به کار ندارند و یا به حدی زیاده خواهند که همین امر فعالیت آن‌ها را کاهش می‌دهد اما اگر حق اخراج چنین کارگرانی وجود داشته باشد، به نوعی میان کارگر و کارفرما اعتمادسازی شده، حواشی محافل کارگری کاهش پیدا کرده و تولید افزایش می‌یابد."

اینها بخش‌های از سخنان رحیم بنامولایی، نایب رئیس اتاق بازرگانی استان البرز در گفتگو با ایلنا است. این مقام دولتی بدون کمترین اشاره ای به ورشکستگی و بحران مالی کارخانه‌ها و ناکارآمدی دولت در این عرصه، کارگران اخراجی را زیادی خواه توصیف کرد. این مقام دولتی ضمن دفاع از صلاحیه قانون کار آن را تعادلی میان کارگر و کارفرما دانست و به ایلنا گفت: امنیت سرمایه که بخشی از آن مربوط به قانون کار است در سایه اصلاح قانون کار به وجود می‌آید زیرا به صنعت‌گر و تولیدکننده اختیاراتی داده می‌شود که

می‌تواند با کمک آن نظم قانون‌مندی را در کارخانه خود ایجاد کند. مولایی بدون اشاره به حق اعتصاب کارگران که حتی در ماده ۴۵ قانون کار مصوب سال ۱۳۳۷ نیز وجود داشته است، به بهانه اغتشاش در کارخانه از اخراج کارگران دفاع کرد و گفت: قانونی که در آن کارفرما حق اخراج کارگر را نداشته باشد ممکن است به جای نظم، بی‌نظمی و اغتشاش رخ دهد؛ زیرا عده‌ای از کارگران ممکن است با سوءاستفاده از این حق عامل اغتشاش در کارخانه یا محل کار خود شوند.

این سخنان بیان‌کننده روح ضد کارگری، حاکم بر مسئولین است که خود را در اصلاحیه قانون کار به وضوح عیان کرده است. این مقام دولتی چشم خود را بر ماه‌ها حقوق معوقه کارگران بست و به این‌ها گفت: سیستم کارگری باید از سمت وقت‌زدی به سمت کارمزدی سوق پیدا کند در این صورت حاشیه‌های کارگری از بین می‌رود و در نتیجه تولید افزایش می‌یابد.

بیانیه شورای مرکزی تشکل‌های صنفی معلمان ایران: فلاکت اقتصادی دامن معلمان، تمام مزدبگیران و کارگران را گرفته است

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 20 شهریور آمده است: شورای مرکزی تشکل‌های صنفی معلمان ایران در آستانه بازگشایی مدارس با صدور بیانیه‌ای ضمن تاکید بر مطالبات صنفی خود به موضوع احکام جدید کارگزینی و عدم تناسب افزایش حقوق سالانه با تورم موجود در کشور اعتراض کرده و تاکید کرده معلمان در صورت عدم رسیدگی به حقوق‌شان برای استیفای حقوق خود به اعتراض‌های قانونی‌شان ادامه خواهند داد.

به گزارش سایت ملی- مذهبی، متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

به نام خداوند جان و خرد

بیانیه‌ی شورای مرکزی تشکل‌های صنفی معلمان ایران

بگذار سخن را به یاد کودکانی آغاز کنیم که با کیف‌ها و کتا بهای محقر و رویا‌های بزرگ در خانه‌های گلی آذربایجان به کام مرگ فرو رفتند. به یاد کودکانی که از این پس سر کلاس‌ها نخواهند بود، غنچه‌هایی که قبل از شکفتن پژمرده شدند.

ضمن اعلام همدردی و تسلیت به مردم شریف و بزرگ آذربایجان در رویداد دردناک اخیر، امیدواریم مسئولان کشور هرچه سریعتر نسبت به بازسازی مناطق آسیب دیده اقدام کنند و وزارت آموزش و پرورش نیز در اسرع وقت مدارس تخریب شده را بازسازی نموده تا کودکان آن خطه نیز سروقت در کلاس‌هایشان حاضر شده و از آموزش محروم نگردند. همچنین مراتب سپاس خود را از همه‌ی نهاد‌های مردمی بویژه تشکل‌های صنفی معلمان سراسر کشور بیان می‌داریم که در لحظه‌های سخت مردم آذربایجان را تنها نگذاشته و صحنه‌هایی با شکوه از همبستگی خلق کردند.

آنگونه که می‌دانید گذشته از وضعیت نابسامان آموزشی کشور که متأسفانه این سال‌ها روز افزون گشته است و واکاوی علل آن فضایی دیگر می‌طلبد، مسئله‌ای که ذهن بسیاری از معلمان را سخت به خود مشغول کرده است، وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی و معیشتی است. اگرچه این شرایط غیر انسانی تنها مختص معلمان نیست بلکه دامن تمام مزدبگیران و کارگران را گرفته است و با کاهش قدرت خرید آنها سفره‌های خانواده‌هایشان هر روز خالی‌تر از دیروز می‌گردد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان ایران در خصوص موضوع احکام جدید کارگزینی و افزایش حقوق سالانه که علاوه بر تاخیر پنج ماهه در عمل و در نهایت افزایش سه درصدی حقوق فرهنگیان شهرستانها را در پی داشته، رسماً معترض بوده و آن را بی‌توجهی آشکار به مسئله‌ی معیشت فرهنگیان قلمداد می‌کند. و همچنان مغایر بند ۱۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌داند که تاکید دارد افزایش حقوق کارکنان دولت باید متناسب با نرخ تورم لحاظ گردد، چرا که نرخ تورم بطور رسمی ۲۶٪ اعلام شده است. با این وصف این تناقض آشکار غیر قابل‌پذیرش است.

اقدام دولت در تغییرات احکام کارگزینی در دی ماه سال گذشته در هنگام انتخابات مجلس نهم تحت عنوان اعمال بند "بدی آب و هوا" که بر اساس آن بطور میانگین صد و بیست هزار تومان به احکام اضافه شد و با حذف مجدد آنها پس از صدور احکام، توهینی آشکار به شعور فرهنگیان است. حال این شائبه پیش می‌آید که هدف دولت تنها سیاسی بوده و هدفی جز تغییر تعداد آرای فرهنگیان نداشته است که این امر موجبات اعتراض معلمان زحمتکش را فراهم آورده است.

بدیهی است که انتظار می‌رود در این شرایط دشوار اقتصادی و گرانی طاقت فرسا، مسئولان با برخوردی صادقانه به سرعت نسبت به تغییر احکام صادر شده و احقاق حقوق حقه اقدام نمایند، در غیر این صورت معلمان ایران این حق را برای خود قائل هستند که از پای ننشسته و با اعتراض‌های قانونی ناراضیتی خود را اعلام نمایند.

شورای مرکزی تشکل‌های صنفی معلمان ایران

شهریور ۹۱

در اعتراض به تعویق ۱۸ ماه حقوق؛

کارگران قند اهواز در مقابل اداره صنعت خوزستان تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 شهریور آمده است: کارگران کارخانه قند اهواز، صبح امروز در اعتراض به عدم دریافت ۱۸ ماه از حقوق خود، در مقابل اداره صنعت، معدن و تجارت استان خوزستان واقع در امانیه اهواز تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در این تجمع اعتراضی که از ساعت ۹ صبح امروز برگزار شد، نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارگران قند اهواز با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار رسیدگی مسئولان استان خوزستان به مشکلات خود شدند.

امامی، رئیس شورای اسلامی کارخانه قند اهواز در این زمینه به ایلنا گفت: این تجمع به صورت مسالمت‌آمیز و در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان به وضعیت کارگران قند اهواز صورت گرفت که خوشبختانه با مساعدت مسئولان اداره صنعت و معدن خوزستان، این کارگران توانستند جلسه‌ای با آقای نظری، رئیس اداره صنعت و معدن خوزستان داشته باشند. وی درباره جزئیات این نشست گفت:

در این جلسه، کارگران مشکلات خود را مطرح کردند که آقای نظری هم با تکرار وعده‌های قبلی این وعده را دادند که با تشکیل جلسه‌ای در استانداری خوزستان، مبلغی برای مشکلات کارگران در نظر گرفته شود. امامی درباره وعده‌های رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت استان خوزستان به کارگران گفت: تا زمانی که کارگروه ویژه‌ای برای بررسی مشکلات کارخانه قند اهواز تشکیل نشود، نمی‌توان امید داشت که این مشکلات برطرف شود. از سوی دیگر، تشکیل کارگروه ویژه باعث می‌شود که مشکلات به صورت جدی تری بررسی شود.

پایان پیام

۲۸۰ کارگر پیمانکاری کیسون به مرخصی اجباری فرستاده شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 شهریور آمده است: بیش از ۲۸۰ کارگر شرکت کیسون، پیمانکار قطار شهری اهواز از روز پنجشنبه به جهت مشکلات مالی برای مدت نامعلومی به مرخصی اجباری فرستاده شده‌اند. بنا به همین گزارش، با وجودی که چندین سال از مشکلات کارگران و تعطیلی مکرر کارگاه‌های قطار شهری می‌گذرد، تاکنون برای حل مشکل این کارگران اقدام عملی صورت نگرفته است. این در حالیست که این کارگران امید خود را برای بازگشت به کار از دست داده‌اند؛ اما گویا حقوق این کارگران در میان اختلافات مدیران سازمان قطار شهری اهواز و شرکت کیسون (مجری طرح و پیمانکار) به فراموشی سپرده شده است. نماینده کارگران قطار شهری اهواز در این باره گفت: شرکت کیسون ۲۸۰ کارگر خود را از روز پنجشنبه به سبب مشکلات مرخصی اجباری فرستاده است.

او گفت: دلیل مرخصی این کارگران کمبود منابع مالی این شرکت اعلام شده که باید از سوی شرکت قطار شهری اهواز تامین شود. این گزارش حاکیست، شرکت کیسون از فروردین ماه سال جاری حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است.

ترک تحصیل دختران در روستاهای یاسوج، به علت اصرار بر جداسازی دانش آموزان دختر و پسر

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 20 شهریور آمده است: ترک تحصیل دختران در روستاهای بخش "لوداب" شهرستان بویراحمد ادامه دارد و اکنون به دلیل نبود زیرساختهای لازم برای اجرای طرح جداسازی دانش آموزان دبیرستانی در این بخش، برخی از دانش آموزان دختر اقدام به ترک تحصیل کرده‌اند. بنا به گزارش مهر، طرح جداسازی دانش آموزان دختر و پسر در دبیرستانهای روستایی شهرستان بویراحمد از امسال اجرایی می‌شود اما به حدنصاب نرسیدن دانش آموزان در برخی روستاهای این بخش منجر به تعطیلی تعدادی مدرسه شده است. دو دبیرستان شهید ارجمند روستای "عزیزی" و "سیلارستان" در لوداب از جمله مدارس هستند که به این دلیل در آستانه تعطیلی قرار دارند.

اگرچه پسران می‌توانند برای ادامه تحصیل به روستاهای همجوار یا مرکز بخش بروند اما این امکان برای دختران وجود ندارد و آنان راهی جز آویزان کردن کیف مدرسه به دیوار خانه‌ها ندارند.

رئیس اداره آموزش و پرورش بخش لوداب شهرستان بویراحمد در این خصوص گفت: با اجرای طرح جداسازی دانش آموزان دبیرستانی منطقه لوداب، تعداد دانش آموزان دختر برای تشکیل کلاس در برخی مدارس به حد نصاب نمی‌رسد. علی‌کمالی افزود: فاصله دبیرستان‌ها در مناطق روستایی از هم زیاد است و دانش آموزان دختر قادر به طی این مسیر برای تحصیل نیستند.

وی بیان کرد: از طرفی به دلیل نبود خوابگاه شبانه روزی در مرکز این بخش، برخی دانش آموزان دختر این منطقه مجبور به ترک تحصیل شده‌اند.

با این حال ترک تحصیل دختران در روستاها دلایل دیگری نیز داشت که پیش از این نماینده گچساران و باشت به آن اشاره کرده بود. غلامرضا تاجگردون گفته بود: از زمانی که قیمت بنزین و گازوئیل بالا رفته، به دلیل افزایش هزینه حمل و نقل، تعداد زیادی از دختران روستایی ساکن مناطق محروم مجبور به ترک تحصیل و خانه نشینی شده‌اند.

وی افزود: در بسیاری از مناطق کوچک روستایی مقاطع تحصیلی محدود است و چه بسیار کودکان روستایی مجبور هستند برای رفتن به مدرسه هر روز از روستای خود به روستای مجاور و شهرهای نزدیک بروند، افزایش قیمت بنزین و گازوئیل و گرانی کرایه راه، به قدری است که برخی از خانوارهای روستایی توان پرداخت آن را ندارند، این خانوارها برای جبران هزینه‌ها فرزندان پسر خود در محل تحصیل ساکن کرده‌اند، چند خانوار باهم اتاقی برای پسران دانش‌آموزشان کرایه کرده‌اند و یا فرزندان خود را در خانه بستگان ساکن کرده‌اند، اما در مورد فرزندان دختر چنین امکانی را ندارند و همین موضوع باعث ترک تحصیل و خانه نشینی دختران روستایی شده است.

رئیس اداره آموزش و پرورش لوداب همچنین با اشاره به نقش نیروی انسانی ممتاز و توانمند در تعلیم و تربیت، افزود: انتقال معلمان مجرب به مرکز شهرستان بویراحمد هم به یکی از موانع پیشرفت آموزشی در مناطق محروم و دور افتاده تبدیل شده است.

وی همچنین به مشکل کمبود امکانات آموزشی در این بخش اشاره کرد و بیان داشت: اداره آموزش و پرورش لوداب از تجهیزات، وسایل نقلیه و فضای آموزشی لازم برخوردار نیست و در حال حاضر ۴۴ باب واحد آموزشی استیجاری در این بخش وجود دارد که فاقد استانداردها و امکانات آموزشی لازم هستند.

کمالی، نبود خانه معلم برای اسکان معلمان را از دیگر مشکلات مهم آموزشی در لوداب عنوان کرد.

وضعیت نگران‌کننده کارگران

دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان ضمن تایید ادعای کارگران قطار شهری اهواز اظهار داشت: مرخصی اجباری تعداد زیادی از کارگران توسط شرکت کیسون نگران‌کننده است و کارفرمای این کارگران به دلایلی همچون کمبود منابع مالی، آنان را به مدت نامعلومی به مرخصی فرستاده است.

آقایار حسینی گفت: کارگران نگرانند که مرخصی اجباری نیروهای بومی شرکت کیسون مقدمه اخراجشان باشد.

تکذیب بدهی قطارشهری اهواز به پیمانکار

مدیر عامل شرکت قطار شهری اهواز ضمن رد عدم پرداخت معوقات مالی شرکت کیسون، در این زمینه افزود: شرکت قطار شهری اهواز هیچ گونه تاخیری در پرداخت صورت وضعیت شرکت کیسون ندارد.

عباس هلاکویی با اعلام این مطلب به اینها اظهار داشت: علی‌رغم اینکه در سال ۹۱ هیچ گونه تخفیفی بابت اعتبارات سال جاری به قطار شهری اهواز پرداخت نشده است، اما هر ماهه به میزان کارکرد و صورت وضعیت‌های شرکت کیسون، منابع مالی تامین اعتبار شده و به این شرکت پرداخت شده است.

او با بیان اینکه شرکت قطار شهری اهواز بدهی ندارد در ادامه اضافه کرد: در سال جاری هیچ یک از مجریان پروژه‌های بزرگ به دلیل عدم ابلاغ اعتبارات دولتی نتوانسته‌اند به پیمانکاران خود با توجه به صورت وضعیت‌شان مبلغی را پرداخت کنند این در حالیست که شرکت قطار شهری اهواز تا پایان مرداد ماه همه بدهی خود را به این شرکت (کیسون) پرداخت کرده است. گفتنی است با وجود تماس‌های خیرنگار اینها، مدیر عامل شرکت پیمانکاری کیسون حاضر به پاسخگویی درباره دلیل مرخصی اجباری کارگران نشد.

پایان پیام

کارگران قند اهواز قربانی مصوبات غیرقانونی دولت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - اینها در 20 شهریور آمده است: عدم پرداخت حقوق کارکنان قند اهواز در حالی به ۱۸ ماه می‌رسد که هنوز تکلیف مالکیت این کارخانه مشخص نشده است. مالکیتی که در جریان دور دوم سفر استانی هیات دولت به استان خوزستان، با تصویب هیات وزیران از مالکیت بانک‌های ملت و ملی خارج و به مالکیت وزارت صنایع و معادن درآمده و این مساله آغازی بر مشکلات مالکیتی در این کارخانه شد. جدیدترین خبرها همچنین از درخواست هیات مدیره منصوب وزارت صنایع برای ورشکسته اعلام کردن کارخانه حکایت دارد.

به گزارش اینها، کارخانه قند اهواز با ظرفیت تولیدی بالغ بر ۲۵۰ تن قند و شکر در روز، چهار سالی است که تعطیل و تولید آن متوقف شده است. مالکیت این کارخانه در گذشته بر عهده بانک ملی و ملت بوده که با افزایش مشکلات این واحد تولیدی با تصویب هیات دولت به وزارت صنایع جهت راه‌اندازی مجدد واگذار شد اما چندی پس از معرفی و استقرار مدیر عامل جدید کارخانه از سوی معاون اقتصادی وقت وزارت صنایع و معادن، روند بازسازی و فعالیت مجدد کارخانه متوقف شد.

کارخانه قند اهواز و بلاتکلیفی در مالکیت

در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد و وزارت صنایع و معادن با استناد به همین مساله بازسازی کارخانه را تعلیق کرد. جای تاسف دارد که چنین اشتباهاتی در سطح هیات دولت و با حضور رئیس آن صورت می‌گیرد، چرا که مصوبه دولت مبنی بر انتقال کارخانه قند اهواز مغایر اصل ۴۴ (خصوصی سازی) محسوب می‌شود که این مساله جای تعجب و گله دارد.

ایرج امامی، رئیس شورای اسلامی کار کارخانه قند اهواز در این زمینه به اینها می‌گوید: با پیگیری‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را بر عهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت متبوع خود، روند بازسازی و راه‌اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که هم اکنون در حالت تعطیل کامل به سر می‌برد، با ایجاد بیش از ۵۰۰ فرصت شغلی مستقیم و اشتغال ۲ هزار نفر به صورت غیر مستقیم یکی از کارخانه‌های مهم و استراتژیک اهواز محسوب می‌شود که به دلیل تعطیلی این واحد تولیدی، مردم منطقه از این فرصت بی‌بهره مانده‌اند.

در حال حاضر کارگران این کارخانه ۱۸ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و علاوه بر آن با وجود داشتن دفترچه بیمه، به دلیل عدم ارسال لیست بیمه شدگان از سوی کارخانه، از پوشش بیمه تامین اجتماعی نیز محروم شده‌اند.

به گفته نمایندگان کارگران کارخانه، بانک ملت و بانک ملی که مالکین قبلی کارخانه محسوب می‌شوند، با استناد به مصوبه دولت در جریان دور دوم سفرهای استانی، و دولت نیز با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه هیات دولت به شماره ۴۱۵۹۱/۱۹۰۱۰، از پذیرش کارخانه سرباز زده و پاسخگوی مشکلات آن نیستند.

درخواست اعلام ورشکستگی از سوی هیات مدیره مستعفی

وزارت صنایع و معادن در شرایطی از عدم مالکیت بر کارخانه قند اهواز صحبت می‌کند که هیات مدیره منتخب این وزارت خانه در کارخانه قند اهواز، از دادگاه حقوقی اهواز درخواست اعلام ورشکستگی این کارخانه را کرده است. براساس این درخواست روز یکشنبه ۱۹ شهریور ماه، جلسه دادگاهی در شعبه ۷ دادگاه حقوقی اهواز به منظور بررسی این درخواست برگزار شد که به دلیل غیبت اعضای هیات مدیره، منجر به طی روند دادرسی و صدور رای دادگاه نشد.

بنابراین اعلام عضو شورای اسلامی کار کارخانه قند اهواز، در این جلسه قرار بود نمایندگانی از هیات مدیره کارخانه، شورای اسلامی کار، دارایی و همچنین نمایندگان بانک‌های ملی و ملت حضور داشته باشند که این افراد به صورت کامل شرکت نداشتند و بنابر دستور قاضی، جلسه دیگری برای رسیدگی به این درخواست تشکیل می‌شود.

درخواست اعلام ورشکستگی در شرایطی از سوی هیات مدیره منسوب به وزارت صنایع و معادن به دادگاه ارائه می‌شود که این افراد با استعفا از سمت خود در کارخانه، اعلام کرده بودند که مسئولیتی در قبال مسائل مالی و غیرمالی کارخانه قند اهواز ندارند، که این

سوال مطرح می‌شود که در این شرایط با استناد به چه جایگاه حقوقی، درخواست اعلام ورشکستگی کارخانه قند اهواز را به دادگاه ارائه کرده‌اند؟

افزایش 45 درصدی قیمت مسکن در 7 ماه اخیر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 شهریور آمده است: یک کارشناس حوزه مسکن با اشاره به افزایش 45 درصدی قیمت مسکن در سال جاری گفت: طبق پیش بینی هایی که ابتدای امسال صورت گرفته، قیمت مسکن در این مدت روند افزایشی داشته است.

بیت الله ستاریان استاد دانشگاه تهران در گفت و گو با خبرنگار ایلنا تصریح کرد: برخلاف آمارهایی که مبنی بر تعادل عرضه و تقاضا ارائه شده است، شاهد افزایش قیمت مسکن در نیمه نخست امسال بوده ایم.

وی با بیان اینکه از ابتدای امسال تاکنون قیمت مسکن 45 درصد افزایش یافته، گفت: برای نیمه دوم امسال نیز افزایش قیمت مسکن به همین میزان و شاید بیشتر پیش بینی می شود که کنترل این افزایش قیمت منوط به تثبیت سیاست های دولت در بخش مسکن است. ستاریان با اشاره به چگونگی عرضه و تقاضا در بازار مسکن گفت: طی پنج سال گذشته از سال 85 تا 90 باید نزدیک به 6 میلیون واحد مسکن تولید کرده باشیم؛ این در حالی است که سقف توان تولید مسکن توسط دولت و بخش خصوصی در این مدت تنها تولید 600 هزار واحد در سال 86 بود.

وی ادامه داد: در سال های 87 و 88 تولید مسکن در کشور کمتر از 300 هزار واحد بود که کاهش عرضه را در پی داشت و به تبع آن قیمت مسکن افزایش یافت.

ستاریان تصریح کرد: اگر به آمارهایی که توسط دولت ارائه می شود استناد کنیم از سال 85 تاکنون افزایش قیمتی در بخش مسکن نداشتیم و توانسته ایم پاسخگوی تقاضا در بازار مسکن باشیم، این درحالی است که با آمارهایی که ارایه می شود مبهم است و یا افزایش قیمت مسکن توهم است.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر 4 میلیون واحد مسکونی در کشور کمبود داریم، گفت: کمبود مسکن و عدم تعادل عرضه و تقاضا عمده ترین دلیل افزایش قیمت مسکن طی سال های اخیر بوده است.

علیرضا عسگری با شرایط وخیم جسمانی در انتظار حکم دادگاه تجدیدنظر

بنا بر اخبار رسیده به سایت کمیته هماهنگی ... در 21 شهریور آمده است: وضعیت عمومی «علیرضا عسگری» فعال کارگری در بند و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری همچنان وخیم بوده و وی با شرایط نامناسب جسمی در انتظار حکم دادگاه تجدیدنظر است. این فعال کارگری در بند از بیماری های متعددی رنج می برد: بیماری مزمن و حاد روده، آسیب دیدگی شدید لگن و مهره های تحتانی کمر، ناراحتی قلبی که بیشتر اوقات دست چپ او را تحت تاثیر قرار داده و بی حس می کند، کم خونی شدید که غالباً او را می آزارد و حتی ایستادن را برای او سخت می کند و بیماری های پوستی (قارچ و دمل های چرکین زیر پوستی) که خارش بسیار آزاردهنده ای دارد، از جمله مشکلاتی است که ضرورت رسیدگی و معالجه ی جدی و فوری را در مراکز ویژه ی درمانی می طلبد.

گفتنی است «علیرضا عسگری» قبل از دستگیری و بازداشت حال عمومی مناسبی داشته است و این خود سندی محکم بر اعمال فشارهای شدید جسمی و روانی بر او و شرایط بسیار بد نگهداری اش است. ضمناً کادر پزشکی زندان نیز با توجه به وخامت حال «علیرضا عسگری» و نبود امکانات لازم جهت معالجه ی او در زندان، اعزام هر چه سریع تر ایشان را به مراکز درمانی جهت انجام معالجه های مربوطه و عمل های جراحی لازم و ضروری دانستند اما تا این لحظه هیچ گونه اقدامی از طرف کارگزاران مربوطه جهت رسیدگی به وضعیت وخیم ایشان صورت نگرفته است.

ما اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن دعوت از تمامی تهادها و تشکل های مدافع حقوق کارگر و تمامی فعالان کارگری جهت اعلام همبستگی و حمایت از این فعال کارگری در بند، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط «علیرضا عسگری» و تمامی کارگران و فعالان کارگری زندانی هستیم.

عدم پاسخ مسئولان به ۱۲ تماس تلفنی ایلنا

برای روشن شدن ابعاد بیشتری از مشکلات کارخانه قند اهواز، تلاش کردیم که دیدگاه و دفاعیات مسئولان بانک ملی و بانک ملت را نیز منتشر کنیم که متأسفانه طبق روالی که برای خبرنگاران و مخاطبان ایلنا بسیار آشناست، طی پنج روز گذشته هیچکدام از مسئولان بانک ملت و ملی حاضر به پاسخگویی در این زمینه نشدند.

طی ۱۲ تماس تلفنی با مدیران بخش های مختلف بانک ملی و ملت، به ویژه تماس با دفتر مدیر امور سرمایه گذاری بانک ملت، تلاش های خبرنگار ایلنا برای صحبت با مسئولان بدون پاسخ ماند و هر بار افرادی که تلفن را پاسخ می دادند، به بهانه جلسه یا داشتن میهمان از برقراری ارتباط با این مدیر میانی خودداری کردند.

این درحالی بود که این افراد با دریافت شماره تماس خبرنگاری این اطمینان را می دادند که بعد از پایان یافتن جلسه مسئول محترم، با خبرگزاری تماس گرفته و مقدمات گفت و گو را فراهم می کنند که عملاً این اتفاق رخ نداد و تماسی حاصل نشد.

این تلاش های بیهوده برای دریافت پاسخی از مسئولان نشان از واقعیتی تلخ داد که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته تقریباً منسوخ شده است و مدیران به ویژه مدیران میانی، در هر جایگاه و رتبه ای، به برقراری رابطه خوب و شفاف میان سازمان متبوع و رسانه های مختلف علاقه زیادی دارند.

گسترش مشکلات معیشتی کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 شهریور آمده است: مدیر اجرایی کارخانه قند اهواز در زمینه مشکلات ایجاد شده برای کارگران قند اهواز در مدت ۱۸ ماه اخیر به ایلنا می گوید: سازمان تامین اجتماعی از دریافت لیست بیمه کارگران کارخانه قند اهواز خودداری می کند.

سید محمد علی موسوی اظهار داشت: سازمان تامین اجتماعی از دریافت لیست بیمه کارگران کارخانه قند بدون دریافت پول خوداری می‌کند که این عمل خلاف قانون تامین اجتماعی است. کارگران کارخانه قند اهواز از لحاظ معیشتی دچار مشکل شده و دفتر چه‌های بیمه درمانی آنان فاقط اعتبار است.

او با اشاره به فشارهای اقتصادی این کارگران تاکید کرد: مستمری بیمه فوتی خانواده بعضی از کارگران که با سوابق بالا در طول این مدت در این کارخانه کار کرده‌اند به دلیل اینکه بین بیمه آنان فاصله افتاده است برقرار نمی‌شود.

این کارخانه در شرایطی دوران بدون مالکیت خود را سپری می‌کند که کارکنان این کارخانه در استفاده از امکانات بیمه تامین اجتماعی به مشکلات زیادی برخورد کرده‌اند و در زمان وقوع حوادث باید به صورت شخصی به پرداخت هزینه بپردازند.

پایان پیام

محاکمه ی «شهناز سگوند» (همسر «علی نجاتی»، کارگر زندانی)

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 21 شهریور آمده است: روز دوشنبه 20/6/91 «شهناز سگوند» همسر «علی نجاتی» کارگر زندانی، پس از احضار به شعبه ی دوم دادیاری دادگاه شوش، به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق ارتباط و مصاحبه با رادیوهای بیگانه و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، محاکمه گردید.

این در حالی است که ایشان تنها به تشریح وضعیت بد جسمی همسرش «علی نجاتی» پرداخته بود. شایان ذکر است «شهناز سگوند» موقتا تا صدور حکم دادگاه، با قید کفالت آزاد گردید.

کمیته ی هماهنگی این برخورد دستگاه قضایی را با همسر علی نجاتی که تنها جرم او دفاع از همسر کارگر خود است را به شدت محکوم می‌کند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

بیمه بیکاری کارگران شهاب خودرو پرداخت نمی‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 21 شهریور آمده است: بعد از گذشت شش ماه از اخراج کارگران پیمانی شهاب خودرو، بیمه بیکاری بسیاری از آنان هنوز پرداخت نشده است.

بسیاری از کارگران پیمانی مجموعه شهاب خودرو که در آغاز امسال بیکار شده بودند، پس از گذشت شش ماه از سال هنوز بیمه بیکاری خود را دریافت نکرده‌اند.

بعد از گذشت شش ماه از قطع همکاری با کارگران پیمانی شهاب خودرو، بیمه بیکاری اغلب آنان هنوز پرداخت نشده است. همچنین بسیاری از کارگران رسمی که موعد بازنشستگی آن‌ها فرا رسیده است همچنان در مجموعه مشغول به کارند و حکم بازنشستگی آنان صادر نمی‌شود.

لازم به ذکر است کارخانه شهاب خودرو زیر نظر آستان قدس رضوی فعالیت می‌کند و بیش از ۶۵۰ کارگر این مجموعه بدلیل عدم موافقت آستان قدس رضوی با حکم شورای تامین مبنی بر توانایی این مجموعه برای به کارگیری دوباره این کارگران، با اتمام قرارداد موقت کاری‌شان در فروردین ماه امسال بیکار شده بودند.

کارگران نساجی مازندران 25 ماه حقوق نگرفته اند

به گزارش دریا نیوز، در 21 شهریور آمده است: 700 نفر از کارگران نساجی مازندران متشکل از کارخانجات تلار، گونی بافی، طبرستان و چند واحد دیگر بیش از 25 ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

محیط کار یا قتلگاه کارگران

سعید محمدی

بنا بر گزارش خبرگزاری دولتی فارس، به نقل از کانون مدافعان حقوق کارگر- ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲ آمده است: مدیرعامل پتروشیمی بندرامام تعداد کشته شدگان حادثه مرداد ماه این واحد را 6 نفر دانست. با نهایت تاسف و همدردی با خانواده ی قربانیان و کارگران بندر امام باید گفت این نه تنها آخرین خبر از این نوع وقایع دردناک

نخواهد بود، (کما این که در این مدت کوتاه در مشهد، سمنجان و ... تعداد دیگری از کارگران جان خود را در محیط کار از دست دادند) بلکه در شرایط کنونی احتمال وقوع چنین حوادثی را باید بیش از پیش دانست. سوانحی آنقدر گسترش یافته که از آن به راستی باید به عنوان فجایع محیط کار و جنایت های خاموش نام برد. وفور این دست فجایع تا آنجاست که با قربانیان جنگ های بین دولت ها و تصادفات جاده ای و مرگ و میر ناشی از سرطان و ایذ و بیماری های شایع و فراگیر و سیل و زلزله برابری می‌کند.

اطلاعات ما در این زمینه عمدتاً مربوط به اخبار اعلام شده و منتشر در روزنامه ها و سایت ها و اطلاع رسانی و آگاهی بخشی جریان ها و فعالین کارگری است. بدیهی است که عواقب وحشتناک و زیانبار مخرب محیط کار که در اثر تماس با مواد شیمیایی و خطرناک و یا رادیواکتیو (که در گزارش کارگران جوشکار ... آمده است) و یا گازهای خروجی از دودکش ها و سایر آلوده کننده ها و ... ناشی می‌گردد و همچنین بیماری های عمومیت یافته از قبیل دردهای استخوانی و یا ناراحتی های قلبی و تنفسی و گوارشی و ... که دامنگیر توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان شده و می‌باشد. (بگذریم از آن دست امراضی که به نسل های بعدی منتقل شده و نقص عضو آنان منجر می‌شود) بسیار فراتر از آمارهای رسمی موجود است. پدیده هایی مانند سردردهای مزمن، ضعف سیستم اعصاب، کاهش سیستم ایمنی و پیری زود رس و همچنین ده ها مشکل حاد و جدی که به خصوص زنان و کودکان کار دچار آن هستند از حد تصور خارج و به معنی واقعی بدان ابعاد فاجعه باری می‌بخشد.

در همین ارتباط با یک بایکوت و سکوت معنی دار خیری تمامی آن چه را که حوادث محیط کار نامیده می‌شود، به محاق فراموشی و بی توجهی می‌سپارند. ابعاد آن را بسیار کوچک و کم اهمیت جلوه داده و در آخرین قسمت پرده اقدامات نمایشی خود، نقش عوامل فرعی انسانی را بخصوص اشتباهات عوامل درجه دو و سه، را مسبب اصلی این نوع فجایع قلمداد می‌کنند. نتیجه چنین روند و برخوردی نیز کاملاً روشن

است. عدم پرداخت و یا کمترین توجه برای جبران خسارت به خانواده های کارگری، که این حوادث همچون صاعقه ای مرگبار به تار و پود نه چندان مستحکم آن ها اصابت می کند. و در این برهوت تنهایی تنها رها می شوند.

ایران و چین در رقابتی بسیار نزدیک و تنگاتنگ تمامی مدال های طلای نقض حقوق پایه ای کارگری و انسانی را درو کرده و می کنند مثل اجرای احکام اعدام که احتیاجی به بازگویی ندارد، در زمینه حوادث ناشی از کار نیز ید طولایی دارند. کفایت دست به تحقیق ساده زده شود تا روشن شود چه تعداد معدن کار نگون بخت چینی جان خود را از دست می دهند. و یا چگونه در کارخانه فولادغیر یزد، پتروشیمی ماهشهر و معادن کرمان و پالایشگاه آبادان و ایران خودرو و... همچنین تعداد زیادی کارگر و زحمتکش که در امر ساختمان سازی و... هر روزه جانشان را چقدر رایگان از دست می دهند. و چقدر راحت و کم هزینه می توان از وقوع حوادث مرگبار جلوگیری کرد.

به هر حال سیاست رسمی کارفرمایان بخش خصوصی و دولتی بر این اساس است که اولاً کارگران را به عدم رعایت نکات ایمنی و... متهم و آن ها را مقصر جلوه دهند. ثانیاً با بی اهمیت و کوچک وانمود کردن قضیه از دامنه ی تعهدات وظایف و مسوولیت های خود بکاهند و ثالثاً با یک سری اقدامات و کارهای تبلیغاتی و فرمایشی و ظاهری مثل تشکیل کمیسیون ها ی تحقیقی بی بو و خاصیت و در حقیقت با اتلاف وقت، خود را دلسوز و مدافع کارگران نشان داده تا بتوانند سر بزنگاه گریبان خود را خلاص کنند. امری که به راحتی در ماجرای کارخانه فولاد یزد و ماهشهر و آتش سوزی پالایشگاه آبادان و حادثه ایران خودرو دیده شد. متأسفانه وضعیت کارگاه های کوچک و بخش خصوصی وحشتناک تر است. موارد متعددی شنیده و مشاهده شده است که حتی کارگر حادثه دیده اخراج و یا به خاطر وارد شدن خسارت و توقف کار به دادگاه فراخوانده شده و یا وادار به جبران ضرر و زیان گردیده است.

در رابطه با سوانح محیط کار نقش رسانه های دولتی و نشریات هم در نوع خود جالب است. آنان به عنوان یار قافله و شریک دزد نقش موثری دارند. مثلاً نگاه کنبد به نقش آنان در همین فاجعه ی پتروشیمی بندر امام، گزارشی در صدا و سیما یا اصلاً پخش نشده است و یا در حد چند ثانیه یعنی کمتر از زمان یک آگهی تبلیغاتی برای پفک نمکی. در جرایم و نشریات نیز همین خط را می بینیم. یا چیزی درج نشده و یا مثلاً در روزنامه ی شرق در 15 مرداد کشته شدن چند کارگر در سطح یک آگهی 5 سانتی متری آن هم با خط ریز. اما یک چهارم بالای صفحه اول همان روز با یک عکس رنگی به سفر احتمالی فلان کارگردان سینما اختصاص یافته است!!

علیرغم این که در طی سالیان گذشته این تعداد حادثه و وقایع مرگبار و دردناک رخ داده است هنوز با داشتن آیین نامه های جوراجور هیچ راهکار جدی و جمع بندی معتبر و تجربه اندوزی برای جلوگیری از تکرار فاجعه و هیچ دانش و آموزش عمومی یافته و کاربردی وجود ندارد! زیرا اصولاً اراده و برنامه انسانی برای حفاظت از جان و زندگی کارگران به عنوان انسان وجود ندارد. کارگر فقط باید کار کند. ثروت تولید کند و این که چه بلایی سرش می آید امری ثانوی است و ابداً ربطی به سرمایه و دم و دستگاه های عریض و طویل دولتی ندارد! مگر زمانی که اعتراض توده ای و حرکت دسته جمعی و یا رسوایی و پافشاری افکار عمومی به خصوص در سطح بین المللی در میان باشد. همانند نمایش های مسخره ای که در ماجرای گیر افتادن معدن کاران شیلیایی در اعماق زمین رخ داد و اشک تمساح ریختن و ریاکاری های دولت و رییس جمهور شیلی، کارفرمایان و همچنین دولت و... امریکا در همین چارچوب قابل تفسیر و توضیح است. نهادهای دولتی مثل وزارت کار و... در چنین موقعیتی هایی با دستورالعمل ها و بخش نامه های غلیظ و شدید صادر شده، خود را نشان داده، بدون این که نتیجه مشخصی حاصل شود به خصوص برای خانواده های کارگری که در نهایت پریشانی و با وجود مشکلات زیاد بین ادارات گوناگون سرگردان و هاج و واج می مانند و با وعده و وعید مسئولان با توهم و به امید رسیدگی عادلانه و در پی جبران خسارات جبران ناپذیر خود هستند. آن چه قطعی و روشن به نظر می رسد آن است که حوادث یا فجاج ناشی از محیط کار با درصد بسیار بسیار بالایی به ماهیت و ساختار کلی نظام سرمایه مرتبط است. مشخصاً سود و طمع بی اندازه سرمایه داران، مدیران کمپانی های خصوصی یا دولتی و سایر عوامل دست اندرکار سرمایه داری همه چیز و همه جا را تحت الشعاع قرار داده و می دهند؛ چرا که ابتدایی ترین و بدیهی ترین پدیده ی نظام سرمایه داری آن است که برای کاهش هزینه ی تولید، یعنی افزایش سود، می باید دائماً اقدامات معینی در دستور کار قرار گیرد. در شرایط بی حقوقی مطلق کارگران و عدم تشکل های سراسری رزمنده و آبدیده کارگران در عرصه ی کار و مضافاً در شرایط بحران فزاینده ی اقتصادی، کاهش سود تشدید رقابت های سرمایه داران و کمپانی ها و دول سرمایه داری، از آموزش کافی سیستم های ایمنی دستگاه ها و وسایل و ابزارهای لازم خودداری می شود چرا که به اصطلاح برای آنان هزینه بر می باشد. این روال همیشه و همه جا و به وضوح گریبان گیر تولید کنندگان ثروت در زمین و دریا و اعماق معادن کلیه کارگاه های بزرگ و کوچک و در پشت دستگاه هایی است که مستقیماً از خون و رنج کارگران پدید آمده اند. قضیه به همین جا هم ختم نمی شود و تمامی زحمتکشان فداکاری که در بیمارستان ها و سایر مراکز درمانی، مدارس، جاده ها و مزارع را نیز در بر می گیرد که با کمترین دستمزد به کار و فعالیت مشغول هستند.

زندگی تحت نظم پوسیده سرمایه آن چنان وخامت بار است که به خودی خود توجیه گر واقعی هر گونه اشکال و ایرادی باشد که ظاهراً طبیعی می نمایاند. کارگران و زحمتکشانی که بابت شب کاری ها، اضافه کاری های ممتد و با انواع مشغله های فکری فراوان پر از غم نمانند و در اندیشه هزینه های بالایی زندگی، تحصیل و بی آینده گری فرزندان و اتوماتیک وار در معرض سانحه و بلا و مصیبت هستند. پس چرا و با کدام منطق و عقلی باید دوبار محکوم شوند و آسیب ببینند و به منجلا ب فقر و نکبت بیشتری سوق یابند؟ محیط کار باید امن باشد و در هر صورت مسئولان و گردانندگان آن موظفند که به خاطر سود سرشاری که عاید آنان می گردد، در قبال تمام مسایل آن باید پاسخگو باشند.

جنبه های دیگری که باید همیشه مد نظر قرارگیرد آن است که در اکثر جوامع سرمایه داری از ابتدایی ترین تا پیشرفته ترین آن ها به خاطر عدم وجود بیمه های فراگیر و کارساز و همه جانبه این کارگران بوده اند که از همان ابتدا و بنا بر دیدگاه های انسانی طبقاتی و اجتماعی خود، بار کمک، همیاری و همدردی با کارگران حادثه دیده را به دوش کشیده اند. از گلوئی خود و خانواده ی خویش زده و به کمک همکاران خود شتافته اند چرا که کارفرمایان و مدیران به علل فراوان و... یا نخواستند و یا در نهایت زیرکی و باگذر از پیچ و خم های قانونی، عامدانه از زیر این امر شانه خالی کرده اند و از لطف و انسان دوستی کارگران نهایت سوءاستفاده را کرده اند. با توجه به مشخص بودن مسوولیت آنان و سرنوشت شومی که هر روزه برای کارگران رقم می زند کارگران باید آن ها را وادار سازند که وظایف و تعهدات خود را به نواحسن برای کارگر حادثه دیده و خانواده ی آنان به تمامی انجام دهند. خلایقی که در قانون کار کنونی دیده می شود می باید توسط فعالین کارگری برای همگان و به دفعات توضیح داده شود و این مباحث را تا به کرسی نشانند نهایی و نتیجه گیری مطلوب دنبال نمایند.

نکته ی دیگری که قاعدتاً انتظار می رود از ذهن کارگران دور نمانده باشد آن است که علی القاعده کارفرمایان خصوصی و یا دولتی ای وجود ندارد که دلسوز واقعی کارگران باشد. بنا براین می باید به آن شیوه ها و راهکارهایی اندیشید که امر نظارت بازرسی و آموزش

کارگران را در این جهنم واقعی با جدیت دنبال کند. بر طبق آمار رسمی بیش از یک میلیون کارگاه در ایران وجود دارد که با یک قانون ضد کارگری و غیر انسانی تعداد زیادی از کارگاه های زیر ده نفر از کنترل و نظارت وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی خارج هستند. از طرف دیگر فقط حدود 700 بازرسی رسمی وزارت کار هستند و همه ی کارگران بارها دیده اند که چگونه کارفرمایان و نیروهای مدیریت و بالاسری و ضد کارگری محیط کار با پرداخت رشوه و هزار شیوه ی رذیله و ... مساله ی بازرسی و نظارت را حتا در دشوارترین شرایط و علیرغم کشته و معلول شدن و سوختن تعداد بسیار بالایی کارگران در نقاط مختلف به نفع خود حل و فصل کرده اند و آب از آب هم تکان نخورده است. درنگ جایز نیست و می باید خود کارگران برای جلوگیری از ضایعات هر چه بیشتر و کاهش آسیب ها و ... آستین ها را بالا بزنند.

توضیح و تبلیغ و ترویج فعالین کارگری بسیار ضروری و فوری به نظر می رسد. واقعا سخت و دشوار است که کارگران معلول و گرفتار را دید که به خاطر عدم رعایت مسایل و نکات ایمنی همه ی هست و نیستشان به تاراج رفته باشد. کمیته های نظارت و بازرسی کارگری در هر کارگاه و محیط کاری از تعاونی مصرف ها و مسکن ها کم اهمیت تر نیستند. این کمیته ها می توانند به خصوص امر بازرسی مداوم و اصولی و همچنین آموزش کارگران را در ساعت کار و به خرج کارفرمایان و دولت پیش برده و با معاینات رایگان منظم و اجباری هر شش ماه یک بار به ارتقای سطح سلامت و افزایش آگاهی آنان و ایمن سازی محیط کار بسیار کمک کنند.

پیشنهاد ما این است که برای شروع بحث و بررسی مسایل زیر را در جلسات و محافل کارگری و با حضور فعالان ی کارگران در میان بگذاریم:

- 1- حوادث محیط کار باید جنایت علیه کارگران تلقی شده و کارفرمایان و مدیران متخلف باید به این اتهام محاکمه شوند.
- 2- به هیچ عنوان کارگران نباید بی گناهی خود و یا کوتاهی کارفرما را اثبات نمایند. باید وقوع حادثه در محیط کار باید برای تشکیل پرونده و رسیدگی فوری و جبران خسارات وارده، کافی باشد. داشتن یا نداشتن بیمه هم نباید مورد توجه قرار گیرد.
- 3- توجه ویژه به کارگران و زحمتکشانی که در محیط های سخت و پرخطر به کار و فعالیت می پردازند از اولویت های غیر قابل تخفیف کارگران محسوب می شود. آیین نامه ها و مقررات مربوط به این دسته از کارگران به خصوص در زمینه ساعات کار کمتر، دستمزد بالاتر و بازنشستگی و سختی کار و همچنین معاینات رایگان در هر سه ماه یک بار، باید در صدر خواسته ها و مطالبات کارگران در این زمینه باشد.

4- با توجه به این که بخش عمده ای از سوانح و فجایع محیط کار برای کارگران تازه کار مهاجر و جوان رخ می دهد، باید برای پوشش مناسب بیمه ای و تامین اجتماعی و جبران خسارات وارده بر اینان فارغ از هر گونه تبعیض های قومی مذهبی و جنسی و به دور از هر گونه کاغذ بازی های مرسوم و بهانه تراشی های کثیف و ... اقدامات گسترده ای در دستور کار قرار گیرد. به خصوص برای کارگران مهاجر.

5- امر آموزش و نظارت بر روند کار و تولید در رابطه با حوادث و ایمنی محیط کار باید توسط خود کارگران و تشکل های آنان با دقت هر چه تمام تر دنبال شود. ایمن سازی محیط کار و با شاخص ها و استانداردهای دقیق و به دقت موشکافی شده در دستور کار قرار گیرد و نباید به هیچ عذر و بهانه ای به تعویق افتد.

همان طور که قبلا بیان شد در شرایط بحران اقتصادی این مسایل اهمیت و اعتبار بیشتری پیدا می کنند. به هر حال سرمایه می کوشد تا در این شرایط بار هر چه بیشتری را بر کرده ی کارگران تحمیل نماید. با توجه به این که شمشیر بیکاری و اخراج را به مثابه تهدید جدی مداوما بالایی سر کارگران به حرکت در می آورند و از آن به عنوان مانعی جدی علیه هر گونه اعتراضی سود می جوید. بی توجهی به عواقب ویرانگر چنین مسایلی گرسنگی و فقر را مسلما دو چندان خواهد کرد. فقط کفایت شرایط زیست و زندگی خانواده ی کارگران از کار افتاده بیمار و یا ناقص العضو و یا قربانیان را پیش چشم مجسم کرد. یا اتحاد و همبستگی و مبارزه و تشکل پذیری و یا سقوط به ته دره ی فلاکت و بی حقوقی و وضعیت غیر انسانی. برای کارگران شوق سومی وجود ندارد.

تیراندازی نظامیان ایران در مناطق مرزی سردشت، مرگ یک کولبر را در پی داشت

به گزارش کردپا در 21 شهریور آمده است: روز گذشته یک کولبر کُرد در مناطق مرزی شهرستان سردشت بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی جان خود را از دست داد.

بیستم شهریورماه مأموران نظامی حکومت اسلامی ایران در نزدیکی روستای "قلعمرش" از توابع بخش مرکزی شهرستان سردشت یک کولبر ساکن این روستا به نام "ملاحامی" 25 ساله فرزند احمد را هدف تیراندازی قرار داده و در نتیجه این شهربوند کُرد جان سپرد. وی متاهل و دارای یک فرزند می باشد. این کولبر کُرد در منطقه ی مرزی روستای قلعمرش مشغول امرار معاش بوده است. این گزارش حاکیست، طی بیست روز اخیر شش شهروند کُرد در مناطق مرزی کُردستان هدف شلیک مستقیم نیروهای نظامی-انتظامی حکومت اسلامی ایران قرار گرفته که سه تن از آنان جان خود را از دست داده و سه تن دیگر زخمی شده اند.

قطع عضو یک کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 21 شهریور آمده است: در دهستان محمد اباد، کارگر 55 ساله با استفاده از دستگاه سمپاش متصل به تراکتور، در حال سم پاشی باغ پسته بود که بر اثر بی احتیاطی آستین لباسش به دستگاه سمپاش گیر کرد و از ناحیه دست دچار مصدومیت شد. وی به بیمارستان زرنده و سپس به بیمارستان باهنر کرمان انتقال یافت و هم اکنون دست وی از بالای آرنج قطع و در بیمارستان بستری است.

علیرضا عسگری با شرایط وخیم جسمانی در انتظار حکم دادگاه تجدیدنظر

بنا بر اخبار رسیده به کمیته هماهنگی ... در تاریخ 21 شهریور آمده است: وضعیت عمومی «علیرضا عسگری» فعال کارگری در بند و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری همچنان وخیم بوده و وی با شرایط نامناسب جسمی در انتظار حکم دادگاه تجدیدنظر است. این فعال کارگری در بند از بیماری های متعددی رنج می برد: بیماری مزمن و حاد روده، آسیب دیدگی شدید لگن و مهره های تحتانی کمر، ناراحتی قلبی که بیشتر اوقات دست چپ او را تحت تاثیر قرار داده و بی حس می کند، کم خونی شدید که غالباً او را می آزارد و حتی ایستادن را برای او سخت می کند و بیماری های پوستی (قارچ و دمل های چرکین زیر پوستی) که خارش بسیار آزاردهنده ای

دارد، از جمله مشکلاتی است که ضرورت رسیدگی و معالجه ی جدی و فوری را در مراکز ویژه ی درمانی می طلبد. گفتنی است «علیرضا عسگری» قبل از دستگیری و بازداشت حال عمومی مناسبی داشته است و این خود سندی محکم بر اعمال فشارهای شدید جسمی و روانی بر او و شرایط بسیار بد نگهداری اش است. ضمناً کادر پزشکی زندان نیز با توجه به وخامت حال «علیرضا عسگری» و نبود امکانات لازم جهت معالجه ی او در زندان، اعزام هر چه سریع تر ایشان را به مراکز درمانی جهت انجام معالجه های مربوطه و عمل های جراحی لازم و ضروری دانستند اما تا این لحظه هیچ گونه اقدامی از طرف کارگزاران مربوطه جهت رسیدگی به وضعیت وخیم ایشان صورت نگرفته است. ما اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن دعوت از تمامی تهادها و تشکل های مدافع حقوق کارگر و تمامی فعالان کارگری جهت اعلام همبستگی و حمایت از این فعال کارگری در بند، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط «علیرضا عسگری» و تمامی کارگران و فعالان کارگری زندانی هستیم. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران نساجی مازندران 25 ماه حقوق نگرفته اند

به گزارش سایت دریا نیوز، در تاریخ 21 شهریور آمده است: تعداد 700 نفر از کارگران نساجی مازندران متشکل از کارخانجات تالار، گونی بافی، طبرستان و چند واحد دیگر بیش از 25 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

بیمه بیکاری کارگران شهاب خودرو پرداخت نمی شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 21 شهریور آمده است: بعد از گذشت شش ماه از اخراج کارگران پیمانی شهاب خودرو، بیمه بیکاری بسیاری از آنان هنوز پرداخت نشده است. بسیاری از کارگران پیمانی مجموعه شهاب خودرو که در آغاز امسال بیکار شده بودند، پس از گذشت شش ماه از سال هنوز بیمه بیکاری خود را دریافت نکرده اند.

بعد از گذشت شش ماه از قطع همکاری با کارگران پیمانی شهاب خودرو، بیمه بیکاری اغلب آنان هنوز پرداخت نشده است. همچنین بسیاری از کارگران رسمی که موعد بازنشستگی آنها فرا رسیده است همچنان در مجموعه مشغول به کارند و حکم بازنشستگی آنان صادر نمی شود.

لازم به ذکر است کارخانه شهاب خودرو زیر نظر آستان قدس رضوی فعالیت می کند و بیش از ۶۵۰ کارگر این مجموعه بدلیل عدم موافقت آستان قدس رضوی با حکم شورای تامین مبنی بر توانایی این مجموعه برای به کارگیری دوباره این کارگران، با اتمام قرارداد موقت کاری شان در فروردین ماه امسال بیکار شده بودند. پایان پیام

وضعیت کشاورزان ایلامی اسفبار است

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در 21 شهریور آمده است: سایت ایلام فردا در گزارشی با اشاره به وضعیت دشوار کشاورزان آبدانان و افزایش شدید قیمت کود شیمیایی در استان اسلام، نوشت:

این روزها اگر بخواهیم جوئی حال جامعه ی زحمتکش کشاورزان و زراعتکاران شهرستان آبدانان باشیم بایستی گفت که برای این قشر باعزت، حال و روزی نمانده است. آری! وضعیتی که امروزه گریبانگیر کشاورزان زحمتکش شهرستان آبدانان شده است را باید اسفبار توصیف کرد.

چرا که این قشر زحمتکش از یک سو با اثرات زیان بار تداوم خشکسالی های چند سال اخیر بر برداشت محصول مواجه است و از سوی دیگر در سایه ی رفتارهای دور از انصاف و قابل تامل مسئولین کشاورزی شهرستان، روزگار می گذراند. خشکسالی و بلایای طبیعی برای کشاورز جماعت قابل تحمل است ولی موضوعی که برای ایشان ابهام انگیز و توجیه ناپذیر است رفتارها و تصمیم سازی های دور از انصاف مسئولین کشاورزی شهرستان در قبال جامعه ی کشاورزی شهرستان است.

این روزها بحث عمده ای که بین کشاورزان شهرستان آبدانان جاری است این است که چرا و به چه سبب قیمت کود شیمیایی نسبت به سال پیش ۵ الی ۶ برابر افزایش یافته است؟ کمتر کسی است که نداند معاش غالب خانوارهای این منطقه از مجرای کشاورزی و تولید محصول آبخور می کند.

با این وجود سوالاتی را باید از مسئولان کشاورزی شهرستان آبدانان پرسید؛ چگونه است که با وجود اذعان مدیران کشاورزی شهرستان به وقوع خشکسالی صددرصدی در این شهرستان در سال جاری، هیچ راهکار حمایتی برای کمک به قشر زحمتکش کشاورزان اندیشیده نشده است؟ چگونه است که با آگاهی مسئولان کشاورزی از وضعیت نابسامان کشاورزان شهرستان، عرصه برای معیشت ایشان تنگتر از قبل شده است؟ آیا این آقایان از تاثیر تضعیف کشاورزی بر افزایش بیکاران شهرستان آگاهی ندارند؟ آیا این مسئولان فهم نمی دانند که تضعیف کشاورزی به بهای نابودی روستاهای شهرستان و هجوم آنها به شهر برای امرار معاش است؟ کاش به جای محدود کردن "سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی" بر پارچه نوشته ها و بنرهای کوچک و بزرگی که بر در و دیوار اداره ها و سازمان هایمان آویزان است، اندکی عمل و تعهد به این سخن و آرمان را سرلوحه کارمان کنیم.

در تظاهرات اعتراضی "رفاه بدون سود" شهر استکهلم شرکت کنیم!

سیمای جامعه سوئد در سالهای اخیر شدت تغییر یافته است. حمله به دستاوردهای کارگران و مردم آزاده سال به سال افزایش یافته و در چند ساله اخیر شدت زیادی یافته است. افزایش بیکاری، افزایش قراردادهای موقت و ساعتی و کاهش امنیت شغلی، تصویب قوانین ضد کارگری از یک طرف و بازگذاشتن بیشتر دست سرمایه داران در کسب سود هر چه بیشتر از سوی دیگر بخشی از تصویر امروز جامعه سوئد است. در اعتراض به این وضعیت روز دوشنبه ۱۷ اسفند تظاهرات اعتراضی وسیعی در شهر استکهلم با نام "رفاه بدون سود" برگزار میشود. در این تظاهرات که با استقبال احزاب و گروهها و تشکلها و فعالین کارگری زیادی مواجه شده است به کاهش رفاه در کشور سوئد در سالهای اخیر اعتراض خواهد شد. این تظاهرات از میدان اصلی شهر شروع و تا جلوی مجلس سوئد ادامه خواهد یافت.

اتحاد بین المللی - سوئد همگان را به شرکت در این تظاهرات اعتراضی دعوت می کند!

زمان: دوشنبه ۱۷ سپتامبر، ساعت ۱۷

مکان: میدان سرگل، استکهلم

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - سوئد

۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲

بیکاری ۱۴۰ کارگر فرو آلیاژ بدلیل خاتمه قرارداد پیمانکار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۲ شهریور آمده است: دبیر خانه کارگر خرم آباد از بیکاری ۱۴۰ کارگر کارخانه «فرو آلیاژ» در پی اتمام قرارداد پیمانکار تامین نیروی انسانی این واحد تولیدی خبر داد.

پیمان نادرینا در تشریح این خبر به ایلنا گفت: با اتمام قرارداد پیمانکار کارخانه فرو آلیاژ ۱۴۰ کارگر با سوابق کاری یک ماه تا چهار سال بیکار شدهاند و این در حالی است که شغل این کارگران جنبه دائمی دارد و اصل وجود پیمانکار در مشاغل دائمی جای سؤال دارد و کارفرما میبایست به صورت مستقیم با کارگران قرارداد امضا می کرد.

این فعال کارگری در ادامه افزود: نفس وجود پیمانکار به عنوان دلال نیروی انسانی در مشاغلی که جنبه مستمر دارند به نوعی فرار از مسئولیت های قانونی کارفرما در قبال کارگران است.

نادرینا خواستار بازگشت به کار این کارگران و انعقاد قرارداد مستقیم از سوی کارفرمای واقعی این کارخانه شد و اضافه کرد: عدم نظارت دولت بر نحوه استخدام نیروی کار واحدهای تولیدی و واگذاری بخشی از وظیفه جذب کارگران کارخانجات بزرگ به پیمانکاران تبعات جبران ناپذیری را برای نیروی کار به همراه داشته است، از جمله بیکاری کارگران متخصصی که چهارسال تجربه اندوخته اند و اکنون باید کار دیگری را آغاز کنند.

گفتنی است کارخانه فرو آلیاژ ازنا، تولید کننده فروسیلیسیم و میکروسیلیکا (به عنوان یکی از اصلیتترین مواد اولیه صنایع فولاد و چدن) در سال ۱۳۶۵ تاسیس شد و در بهمن ماه ۱۳۷۲ رسماً مورد بهره برداری قرار گرفت.

315 کارگردر آتش سوزی دوکارخانه پاکستان جان باختند

به گزارش دویچه وله، شمار کشته شدگان دو آتش سوزی در پاکستان افزایش یافت و به ۳۱۵ تن رسید. بسیاری طی این دو حادثه مجروح شده اند.

شاهدان عینی خبر داده اند شعله های آتش طی چند دقیقه سراسر کارخانه پوشاک شهر کراچی را فرا گرفت. گفته می شود به دلیل قفل بودن درهای اضطراری کارخانه کارگران نتوانسته اند خود را نجات دهند.

پلیس کراچی اعلام کرد دست کم ۲۹۰ تن از مجموع ۴۵۰ کارگر کارخانه پوشاک شهر کراچی در این آتش سوزی کشته شدند.

آتش سوزی بعدی در یک کارخانه تولیدی کفش در شهر لاهور رخ داد. در جریان این آتش سوزی نیز ۲۵ تن کشته شدند.

به گزارش ۱۲ سپتامبر یورونیوز در همین رابطه، دست کم ۲۶۱ نفر در دو آتش سوزی که در دو شهر بزرگ پاکستان رخ داد جان خود را از دست دادند. این آتش سوزی ها ظرف چند ساعت دو کارخانه در کراچی و لاهور را دربر گرفت و علاوه بر خسارات جانی و ایراد جراحات شدید به افراد حاضر در محل، خسارات مالی بسیاری را هم دربرداشته است.

در آتش سوزی بندر کراچی در جنوب این کشور در ساعات اولیه بامداد چهارشنبه، یک کارخانه تولید پوشاک دچار حریق شد. پیش تر تعداد کشته شدگان در حدود بیست نفر اعلام شده بود اما با اعزام نیروهای امدادی به محل حادثه و مشخص شدن عمق فاجعه تعداد قربانیان این حادثه افزایش یافت.

رعایت نکردن مسائل ایمنی در ساخت این کارخانه و نامناسب بودن امکانات تهویه ای ساختمان از دلایل اصلی افزایش شمار قربانیان اعلام شده است. در همین زمینه پرونده ای در مورد اهمال مالکان کارخانه گشوده شده است.

در لاهور هم در حادثه ای مشابه در یک کارخانه تولید سندنل های پلاستیکی، حداقل ۲۱ نفر جان خود را از دست دادند. از نقص فنی ژنراتور برق بعنوان عامل اصلی این حادثه نام برده شده است.

رعایت نشدن استانداردهای فنی و قوانین ساخت و ساز، درکنار نادیده گرفته شدن حقوق اولیه کارگران، تاکنون حوادث مشابه فراوانی را در پاکستان رقم زده است.

۱۰۰۰ نفر از کارکنان کوداک اخراج شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۲ شهریور آمده است: شرکت ورشکسته کدک تا آخر سال جاری میلادی بیش از هزار نفر دیگر از کارمندان خود را اخراج می کند.

به گزارش ایلنا به نقل از رویترز، شرکت کدک که چندی پیش اعلام ورشکستگی کرد، گفته است که تا پایان سال جاری میلادی هزار و ۱۰۰ نفر دیگر از نیروی کار خود را اخراج خواهد کرد.

کدک در همین حال از احتمال اخراج افراد بیشتری خبر داد و گفت که تلاش می‌کند تا فعالیت خود را بر بستهبندی‌های تجاری و صنعت پرینت متمرکز کند. شرکت کدک مخترع دوربین دیجیتال بود اما در عصر دیجیتال با چالش‌های بسیاری مواجه شده است. این شرکت بیش از هزار و ۱۰۰ حق اختراع خود را در معرض فروش قرار داده است تا بتواند پول‌هایی که قرض گرفته است را بازپرداخت کند.

این گزارش حاکی است که ارزش دارایی‌های معنوی کدک بین دو میلیارد و ۲۰۰ تا دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. شمار کارمندان شرکت کدک که در دهه ۱۹۸۰ برابر با ۱۴۵ هزار نفر بود در سال گذشته به ۱۷ هزار و ۱۰۰ نفر کاهش یافت. پایان پیام

تجمع معلمان همدان مقابل سازمان آموزش و پرورش این شهر

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در ۲۲ شهریور آمده است: صبح روز شنبه ۱۸ شهریور ماه از ساعت ۹ معلمان مناطق مختلف شهر همدان مقابل سازمان آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند. بنا به گزارش‌های رسیده به کلمه، خواسته‌ی اصلی این اجتماع حدوداً ۱۰۰ نفری عذرخواهی سازمان از اعلام غیرواقعی افزایش ۱۵ درصدی حقوق کارمندان و ایجاد شرایط مناسب رفاهی برای معلمان با توجه به تورم واقعی اقتصاد کشور بود. پس از حدود دو ساعت تجمع در پیاده‌رو خیابان فرهنگ (محل سازمان آموزش و پرورش استان همدان) حسنی محتشم مدیر کل آموزش و پرورش به همراه معاونین خود معلمان را به داخل محوطه دعوت کرد و از ایشان خواست به سالن اجتماعات بروند تا طرفین صحبت‌های همدیگر را بشنوند، که این درخواست با مخالفت حاضران روبه‌رو شد و در همان محوطه باز سازمان بر زمین نشستند. بر اساس این گزارش حسنی محتشم با گزارش تغییرات و تحولات چند سال اخیر در آموزش و پرورش ایران خصوصاً با اشاره به اقدامات حاجی‌بابایی، این دوره را پرافتخارترین دوره‌ی آموزش و پرورش خواند و مدعی شد که در هیچ دوره‌ای تا این حد به شأن و مقام معلم اهمیت داده نشده است.

این اظهارات با اعتراض حاضران مواجه شد و چند تن از معلمان به اظهارنظر در مورد آمار و گزارشات صوری و کذب که در تمام وزارتخانه‌های دولت‌های نهم و دهم به صورت امری عادی درآمده پرداختند. در این لحظه چند تن از تحصن‌کنندگان متوجه شدند که در تمام این مدت از یکی از پنجره‌ها شخصی با دوربین مشغول فیلمبرداری از تجمع‌کنندگان است که با شعار دادن مانع صحبت‌های بیشتر مسئولین حاضر شده و اظهار کردند تا مسئولین فضای اعتماد و همدلی ایجاد نکنند و برخورد امنیتی با این قبیل مسایل نداشته باشند، انجام هرگونه گفت‌وگوی سالم غیرممکن خواهد بود. یکی از نمایندگان معلمان هم در پایان به حسنی محتشم یادآور شد در صورتی که فقط یک نفر از همکاران حاضر در تجمع به هر صورتی مورد احضار و بازخواست قرار گیرد یا خواسته‌های معلمان به دست فراموشی سپرده شود این قبیل تجمعات در آینده‌ی نزدیک و شدیدتر از وضع فعلی ادامه خواهد داشت. این تجمع در حدود سه و نیم ساعت به طول انجامید و ساعت دوازده و نیم پایان یافت.

صدور حکم زندان برای فعال کارگری در سنندج

برپایه خبردریافتی، یک فعال کارگری اهل سنندج به زندان محکوم شد. به گزارش ۲۲ شهریور موکریان، شعبه یکم دادگاه انقلاب اسلامی سنندج فرزند احمدی را به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به نفع یکی از گروه‌های مخالف، به تحمل ۴ ماه حبس تعزیری محکوم کرد. بر اساس همین گزارش، احمدی در اوایل تیرماه سال جاری بازداشت و پس از سپری کردن مدتی در بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی، اخیراً به زندان مرکزی سنندج منتقل شده است. یاد آور می‌گردد این فعال کارگری سال گذشته نیز به اتهام اقدام علیه امنیت مدتی را در زندان به سر برده بود.

بیکاری ۱۴۰ کارگر فرو آلیاژ بدلیل خاتمه قرارداد پیمانکار

به گزارش ۲۲ شهریور ایلنا، ۱۴۰ کارگر کارخانه فرو آلیاژ در پی اتمام قرارداد پیمانکار تامین نیروی انسانی با سوابق کاری يك ماه تا چهار سال بیکار شدند.

بنا به همین گزارش، شغل این کارگران جنبه دائمی دارد و اصل وجود پیمانکار در مشاغل دائمی جای سؤال دارد و کارفرما می‌بایست به صورت مستقیم با کارگران قرارداد امضا می‌کرد.

برپایه این گزارش، کارخانه فرو آلیاژ از نا، تولید کننده فروسیلیسیم و میکروسیلیکا (به عنوان یکی از اصلیترین مواد اولیه صنایع فولاد و چدن) در سال ۱۳۶۵ تاسیس شد و در بهمن ماه ۱۳۷۲ رسماً مورد بهره برداری قرار گرفت.

شکنجه و آزار و اذیت فعالین کارگری

زندانی و تعقیب قضایی خانواده های کارگران زندانی

بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری "وضعیت عمومی علیرضا عسگری، فعال کارگری در بند و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، همچنان وخیم و وی با شرایط نامناسب جسمی در انتظار حکم دادگاه تجدیدنظر است. این فعال کارگری در بند، از بیماری های متعددی رنج می برد: بیماری مزمن و حاد روده، آسیب دیدگی شدید لگن و مهره های تحتانی کمر، ناراحتی قلبی که بیشتر اوقات دست چپ او را تحت تاثیر قرار داده و بی حس می کند، کم خونی شدید که غالباً او را می آزارد و حتی ایستادن را برای او سخت می کند و بیماری های پوستی (قارچ و دمل های چرکین زیر پوستی) که خارش بسیار آزاردهنده ای دارد، از جمله مشکلاتی است که ضرورت رسیدگی و معالجه ی جدی و فوری را در مراکز ویژه ی درمانی می طلبد." کمیته هماهنگی تاکید میکند که "علیرضا عسگری قبل از دستگیری و بازداشت حال عمومی مناسبی داشته است". کاملاً روشن است که همانند تمامی دستگیر شدگان یورش کرج که به شدت و وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، علیرضا عسگری نیز در تداوم بازداشت و در بازجویی ها تحت اذیت و آزارهای فیزیکی و شکنجه های جانبیان جمهوری اسلامی در زندان قرار گرفته

است.

علاوه بر این، کمیته دفاع از رضا شهبابی در آخرین اطلاعیه خود گزارش داده است که سلامتی رضا شهبابی بدنیاال انتقال دوباره وی به زندان در خطر است. کمیته دفاع از رضا شهبابی اعلام کرده است رضا شهبابی که "پس از انجام عمل جراحی سنگین دیسک گردن و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر لزوم دست کم ۲ ماه استراحت در منزل" و "عدم توان تحمل کیفر" راهی بند ۳۵۰ زندان اوین شد، دچار مشکلات جدی شده است؛ به نحوی که جای عمل روی گردن چرک و عفونت کرده و کتف ها و دست راست او به شکل آزار دهنده ای درد می کند. شرایط جسمی رضا به حدی وخیم شده است که حال عمومی او نسبت به قبل از عمل بسیار بدتر است و خطر آسیب رسیدن به بافت های عصبی و نخاعی به دلیل عفونت وی را تهدید می کند."

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری همچنین گزارش داده است که "روز دوشنبه ۲۰/۶/۹۱ 'شهنواز سگوند' همسر 'علی نجاتی' کارگر زندانی، پس از احضار به شعبه ی دوم دادیاری دادگاه شوش، به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق ارتباط و مصاحبه با رادیوهای بیگانه و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، محاکمه گردید. این در حالی است که ایشان تنها به تشریح وضعیت بد جسمی همسرش 'علی نجاتی' پرداخته بود. شایان ذکر است «شهنواز سگوند» موقتا تا صدور حکم دادگاه، با قید کفالت آزاد گردید."

وضعیت فعالین کارگری در بند از جمله شاهرخ زمانی، محمد جراحی و بهنام ابراهیم زاده کماکان کاملا وخیم بوده و علی رغم تلاشهای صورت گرفته در ایران و در ابعاد جهانی، این فعالین کارگری به دلایل واهی و با احکام طولانی و کاملا بی پایه، در زندان بسر می برند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی در کمال بی شرمی به خانواده های ستم کشیده کارگران در بند که برای آزادی عزیزانشان تلاش میکنند و به دنبال اخراج و حبس عزیزانشان دچار مشکلات فروان روحی و مالی شده اند نیز رحم نمیکند و در موارد متعدد با تهدید و ارعاب می کوشد از فعالیت ها و مصاحبه های آنها در دفاع از ابتدایی ترین حقوق عزیزانشان جلوگیری کند. تعقیب قضایی شهنواز سگوند، همسر علی نجاتی، نشان می دهد که این رژیم ضدکارگر و سرکوبگر از دادخواهی و یک مصاحبه ساده نیز به شدت وحشت دارد. اما رژیم سرمایه بیهوده فکر میکند که میتواند جلوی دادخواهی و عدالت طلبی میلیونها خانواده کارگری را بگیرد.

اتحاد بین المللی تمامی موارد فوق و مظالم بیکران این حاکمیت ارتجاعی علیه کارگران و خانواده های کارگری در ایران را در ابعاد وسیع و به زبانهای گوناگون به گوش کارگران، تشکلات کارگری و آزادی خواه جهان خواهد رساند و همچون گذشته برای آزادی بدون قید و شرط کلیه فعالین کارگری در بند با تمام توان کوشش خواهد کرد.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲

info@workers-iran.org

<http://www.workers-iran.org>

محاکمه همسر «علی نجاتی» از فعالین کارگری زندانی

به گزارش سایت سحام نیوز در 22 شهریور آمده است: «شهنواز سگوند» همسر «علی نجاتی» کارگر زندانی، پس از احضار به شعبه ی دوم دادیاری دادگاه شوش در روز دوشنبه بیست شهریور، به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق ارتباط و مصاحبه با رادیوهای بیگانه و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، محاکمه گردید.

بر اساس گزارش تارنمای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری «شهنواز سگوند» موقتا تا صدور حکم دادگاه، با قید کفالت آزاد گردید. این در حالی است که ایشان تنها به تشریح وضعیت بد جسمی همسرش «علی نجاتی» پرداخته بود. کمیته ی هماهنگی این برخورد دستگاه قضایی را با همسر علی نجاتی که تنها جرم او دفاع از همسر کارگر خود است را به شدت محکوم می کند. علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نی شکر هفت تپه است که به علت فعالیت سندیکایی از کار اخراج شد و به یک سال زندان محکوم شده است. نجاتی از مشکل حاد قلبی رنج می برد. در سال گذشته دو اتحادیه بین المللی کارگری، فدراسیون بین المللی کارگران صنایع غذایی، کشاورزی و خدماتی و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری در شکایت نامه خود از جمهوری اسلامی ایران از دبیر کل سازمان بین المللی کار خواسته اند تا این سازمان در بالاترین سطح برای اطمینان یافتن از سلامتی آقای نجاتی و آزادی او اقدام کند.

سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ابتدا در سال ۱۳۵۳ تأسیس شده بود. بعد از انقلاب این تشکل مستقل کارگری منحل و به جای آن شورای اسلامی کار نشانده شد. کارگران این کارخانه در آبان ماه ۱۳۸۶ در نامه ای به مدیر کل کار استان خوزستان، درخواست شان را مبنی بر بازگشایی سندیکا اعلام کردند. مسولین از همان ابتدا با خواست کارگران مبنی بر تشکیل سندیکا برخوردی امنیتی داشتند و بررسی درخواستشان از اداره کار استان به شورای تأمین استان منتقل شد. با وجود همه این ممانعت ها و مخالفت ها، در تاریخ هفتم آبان ماه سال ۸۷ سندیکای کارگران هفت تپه با رأی گیری عمومی کارگران اعلام موجودیت کرد. بلافاصله بعد از اعلام موجودیت سندیکا، فشار نیروهای امنیتی بر اعضای هیات مدیره دو چندان شد و آنها بارها دستگیر شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. اعضای هیات مدیره ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در تاریخ ۲۹ بهمن و ۵ اسفند ۸۷ در دادگاه انقلاب دزفول به اتهام تبلیغ علیه نظام محاکمه شدند. دادگاه برای تمامی اعضای هیات مدیره یک سال حکم زندان صادر کرده و آنها را به مدت سه سال از حضور در تمامی فعالیت ها و انتخابات صنفی کارگران محروم کرده بود.

170 روستای بیله سوار در استان اردبیل محروم از آب

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا/ اردبیل در 23 شهریور آمده است: روستاهای بیله سوار مغان در حالیکه از نبود آب می نالند که استان اردبیل به لحاظ میزان بازندگی و منابع زیرزمینی آب جزو استانهای غنی است.

به گزارش خبرنگار ایلنا از اردبیل، اکثر روستاهای بیله سوار مغان همه ساله در فصول بهار و تابستان با نبود ویا کمبود آب مواجه می شوند که این امر نارضایتی اهالی را در پی داشته است. هم اکنون اکثریت این روستاها از جمله خلیفه لو، ولی مملو، قره درق و دیگر روستاهای همجوار این روستاها نمی توانند آب مورد نیاز

خود را تأمین کنند و برغم درخواست‌های مکرر از مسئولین امر در جهت رسیدگی به مشکلات هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌اند. اهالی این روستاها سال گذشته نامه اعتراض آمیزی به ریاست جمهوری و مقام معظم رهبری جهت تأمین آب آشامیدنی ارسال داشته‌اند که علیرغم دستور اکید ریاست جمهوری و مقام رهبری هنوز مشکلات آب به قوت خود باقی است. امسال نیز اهالی این روستاها دومین نامه اعتراض آمیز خود را به ریاست جمهوری و مقام معظم رهبری ارسال داشته و خواستار حل معضل آب در این منطقه شدند.

در این نامه آمده است ما اهالی روستاهای تابعه بیله سوار مغان حدود 10 سال است که از نبود آب آشامیدنی رنج می‌بریم در حال حاضر آب آشامیدنی ما از طریق تانکر با قیمت 30 هزار تومان تأمین می‌شود بیش از 10 سال است که عملیات آبرسانی به این روستاها انجام گرفته اما بدلیل کمبود ظرفیت منبع آب و تصفیه خانه، آب به تمام روستاها نمی‌رسد بخشی از روستاها از آب بیشتر بهره‌مند و بخشی دیگر نیز بی بهره هستند.

در بخشی از این نامه به بی توجهی مسئولین امر در استان نسبت به مشکلات آب اشاره شده است بطوریکه اهالی روستاها اعلام داشتند که در طول این چند سال به مشکلاتشان توسط مسئولین مربوطه رسیدگی نشده است آنان در این نامه اظهار کردند که در سالهای گذشته متولی آبرسانی به روستاهای ما امور عشایر استان بود اما اخیراً مدیریت آب رسانی به روستاها به آب و فاضلاب روستایی واگذار شده که این جابجایی نه تنها مشکل را برطرف نکرده بلکه بر مشکلات هم افزوده است.

در بخش دیگری از این نامه آمده است نبود آب آشامیدنی نه تنها بهداشت ما را به مخاطره انداخته است بلکه خساراتی را هم به احشام ما وارد نموده است.

عضو شورای اسلامی خلیفه لو در این باره به خبرنگار ایلنا گفت: ما برای حل این معضل راهکاری به آب فاضلاب روستایی پیشنهاد دادیم که متأسفانه به اجرای آن عمل نشد در حال حاضر اکثریت روستاهای تابعه جعفرآباد از نبود آب آشامیدنی در مضیقه هستند.

وی اظهار داشت: 10 سال است مکاتبات لازم را برای حل این معضل انجام می‌دهیم اما نتیجه‌ای دریافت نکردیم.

وی تأکید کرد: آب فاضلاب روستایی باید دست به کار شده این مشکل را حل کند اهالی این روستاها از تولید کنندگان نمونه کشور هستند در تولید محصولات زراعی پیشتاز هستند شایسته نیست این عزیزان و زحمت کشان در مضیقه باشند.

وی یادآور شد: اهالی این روستاها در برهه‌هایی از زمان خدمات ماندگاری را انجام دادند و از اینکه به مشکلاتشان رسیدگی نمی‌شود واقعاً از مسئولین مربوطه دلگیر هستند ما هم انقدر پیگیر رفع مشکل آب این روستاها شدیم که دیگر خسته شدیم.

بهمین نیرومند یکی از ریش سفیدان این روستاها می‌گوید: بیشتر اهالی آب آشامیدنی خود را از طریق تانکر به قیمت 30 هزار تومان تأمین می‌کنند و آب و فاضلاب روستایی در تأمین آب مورد نیاز مردم اهالی کوتاهی کرده است.

وی ادامه داد: برای کلیه اهالی هم که در این فصل مشغول امورات زراعی هستند خیلی سنگین است که کار و اشتغال خود را ترک کنند و ب دنبال آب بگردند.

رسول زبیبانژاد فرماندار بیله سوار مغان نیز گفت: اکثریت روستاهای بیله سوار مغان به لحاظ نبود آب آشامیدنی در مضیقه بودند که ما مجبور بودیم از طریق تانکر های سیار آب مورد نیاز آنان را تأمین کنیم.

وی بابیان اینکه با احداث مجتمع آبرسانی خروسلو مشکل آب آشامیدنی روستاها رفع می‌شود تصریح کرد: اگر این پروژه بزودی افتتاح بشود شاهد آبرسانی به 170 روستا در منطقه مغان خواهیم بود.

فرماندار بیله سوار افزود: این مجتمع در هفته دولت با حضور استاندار اردبیل و مدیران دستگاه‌های اجرایی کلنگ زنی شده و پیش بینی می‌شود که در سال آینده هم به بهره برداری برسد.

زیبا نژاد بابیان اینکه مجتمع خروسلو تمام روستاهای فاقد آب آشامیدنی را پوشش می‌دهد افزود: این مجتمع صرفاً برای آبرسانی به روستاهای که سالیان سال از نبود آب در مضیقه بودند اجرا می‌شود بطوریکه با بهره برداری از این مجتمع هیچ روستایی در شهرستان بیله سوار مغان بدون آب لوله کشی شده نخواهد ماند.

در حال حاضر آب آشامیدنی این اهالی از پمپاژ اشمه تأمین می‌شود که بدلیل کمبود ظرفیت پمپاژ آب و استفاده بی رویه برخی از روستاهای همجوار مجتمع از آب، باعث شده که آب آشامیدنی به همه روستا نرسد.

یکی دیگر از دلایل این امر عدم نظارت کافی در مدیریت مجتمع، بی توجهی و سهل انکاری میراب این مجتمع است

نابودی دو انبار بزرگ دارو و مواد شیمیایی بر اثر آتش سوزی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 شهریور آمده است: معاون عملیات منطقه 4 سازمان آتش نشانی تهران گفت: در یک آتش سوزی گسترده و بزرگ که مقارن ظهر دیرروز در کیلومتر 10 جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال اتفاق افتاد، دو انبار بزرگ دارو و مواد شیمیایی یک کارخانه داروسازی طعمه شعله‌های آتش شد و خسارت سنگینی ببار آورد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، سعید علیزاده با اعلام این مطلب اظهار داشت: به دنبال اعلام وقوع این حادثه در ساعت 3:30: 12 دقیقه دیرروز چهار شنبه به سامانه 125 آتش نشانی تهران، ستاد فرماندهی این سازمان با توجه به اهمیت موضوع بلافاصله آتش نشانان ایستگاه‌های 20، 45، 59، 44، 16، 77 و 87 و هم چنین گروه هذمت ویژه مقابله با حوادث شیمیایی، 7 دستگاه تانکر آب و 7 دستگاه خودروی فوماتیک سازمان آتش نشانی تهران را روانه محل حادثه کرد.

وی ادامه داد: به دلیل پیوستگی سوله‌ها با یکدیگر و مملو بودن این انبارها از اجناس مواد شیمیایی به ویژه مایعات قابل اشتعال فراوان مانند الکل، آتش سوزی به سرعت گسترش یافت.

علیزاده افزود: هنگام رسیدن آتش نشانان به محل حادثه، اجناس داخل محوطه و هم چنین داخل سوله‌ها که تا سقف آن به ارتفاع بیش از 10 متر چیده شده بود کاملاً شعله ور بودند و هر آن نیز به خاطر وجود مواد سریع‌الاشتعال زیاد در محل احتمال می‌رفت به انبارهای دیگر سرایت کند که خوشبختانه با تلاش نیروهای آتش نشانی از انتقال حرارت و آتش به انبارهای مجاور جلوگیری شد.

علیزاده ادامه داد: در جریان این حادثه دو سوله بزرگ کاملاً دچار آتش سوزی شد که به سرعت توسط آتش نشانان خاموش شد. معاون عملیات منطقه 4 آتش نشانی تصریح کرد: تلاش آتش نشانان در جلوگیری از گسترش آتش سوزی بسیار ایثارگرانه و چشمگیر بود به طوری که با سعی زیاد توانستند با محاصره این انبارها، آتش سوزی را کاملاً مهار و خاموش کنند و اجازه ندادند آتش به دیگر

انبارهای مجاور که مملو از مواد دارویی و شیمیایی بود سرایت کند. علیرضا با اعلام اینکه در این حادثه به هیچ کس صدمات جانی نرسیده است، در مورد میزان خسارت وارده و علت وقوع این آتش سوزی اظهار داشت: با توجه به گستردگی این آتش سوزی و فراوانی اجناس سوخته شده، گروهی از کارشناسان آتش نشانی پس از لکه گیری کامل این آتش سوزی کار خود را برای بررسی علت بروز این حادثه و نیز برآورد خسارت وارده آغاز کرده اند.

اخراج کارگران در ۵۰ واحد تولید کننده قطعات خودرو در قزوین

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 شهریور آمده است: محمد احمدی رئیس کانون هماینگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین در تشریح این خبر به ایلنا گفت: سازندگان قطعات خودرو در استان قزوین به دلیل بحران نقدینگی در وضعیت دشواری به سر می‌برند و به همین دلیل در ماه‌های اخیر شاهد شدت گرفتن تعدیل نیرو در ۵۰ واحد قطعه‌سازی استان قزوین هستیم. او با بیان اینکه اغلب واحدهای قطعه‌سازی استان قزوین در طول هفته دو الی سه روز تولید ندارند، تصریح کرد: به دنبال بحران نقدینگی در ماه‌های اخیر، علاوه بر تعدیل نیرو، برخی واحدهای قطعه سازی نیز به طور کامل تعطیل شده‌اند. عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور همچنین از تعطیلی تعدادی از این واحدهای قطعه‌سازی در ماه‌های اخیر همچون پارس و آشر، قفل سازی ایران، ماشین لامپ و... خبر داد و تأکید کرد: این وضعیت بحرانی در سایر واحدهای قطعه‌سازی خودرو رو به گسترش بوده و به شرایط غیرقابل بازگشت نزدیک می‌شود. این مقام کارگری تنها راه جلوگیری از دچار شدن سایر واحدهای قطعه‌سازی به سرنوشت کارخانه‌های تعطیل شده را تسریع پرداخت تسهیلات مصوب صنعت خودرو و تامین نقدینگی مورد نیاز جهت تولید عنوان کرد

یک فعال کارگری: هزینه نوشت‌افزار دو دانش آموز، درآمد یک ماه خانواده کارگری را می‌بلعد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 شهریور آمده است: یک فعال کارگری خاطر نشان کرد: با توجه به وضعیت نامساعد واحدهای تولیدی که گریبانگیر کارگران نیز شده است، در آستانه بازگشایی مدارس لازم است با اختصاص بن و توزیع نوشت‌افزار یارانه‌ای از کارگران حمایت شود. به گزارش ایلنا، کرملی سامانی‌پور، دبیر خانه کارگر ساوجبلاغ گفت: با نزدیک شدن به ماه مهر و شروع فصل مدارس، تهیه نوشت‌افزار برای کارگرانی که با حداقل حقوق معاش خود را تامین می‌کنند بسیار دشوار است. این فعال کارگری با بیان اینکه در پی افزایش قیمت ناگهانی، اکنون هزینه نوشت‌افزار ضروری برای یک دانش‌آموز در حدود ۱۵۰ هزار تومان است، گفت: تهیه نوشت‌افزار برای خانواده‌های کارگری که دو دانش آموز دارند تقریباً تمامی درآمد یک ماه آنان را می‌بلعد.

سامانی‌پور در ادامه واردات بی‌رویه، گرانی کاغذ و عدم حمایت دولت از این صنف را از عوامل گرانی این محصولات دانست و افزود: در این شرایط دولت باید وزارت بازرگانی را مکلف به حمایت از اقشار آسیب پذیر کند. او اضافه کرد: اختصاص یارانه و ارائه بن‌های خرید (همچون گذشته) و برگزاری نمایشگاه‌های عرضه مستقیم نوشت‌افزار تولید داخل، هم به اقشار ضعیف و آسیب پذیر جامعه کمک می‌کند و هم چرخه تولید داخلی را به گردش می‌اندازد.

مأموران نیروی انتظامی سردشت یک کولبر کُرد را کشتند

به گزارش کُردپا، در 23 شهریور آمده است: طی تیراندازی مأموران انتظامی حکومت اسلامی ایران به کولبران مرزی در شهرستان سردشت، یک از شهروندان کُرد جان خود را از دست داد.

این گزارش حاکیست، شامگاه بیست و یکم شهریورماه تعدادی از کولبران کُرد در مناطق مرزی سردشت هدف شلیک مستقیم نیروهای انتظامی ایران قرار گرفته که در نتیجه آن یک کولبر کُرد به نام "محمود دیوالان" از دم جان سپرد و دو تن دیگر نیز به شدت زخمی شدند. هویت یکی از زخمی‌شدگان "صالح" از اهالی روستای "حلوه" در بخش وزینه عنوان گردیده است. آقای صالح علی‌رغم مصدومیت اما از سوی مأموران انتظامی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد که تاکنون از سرنوشت وی اطلاع دقیقی در دسترس نمی‌باشد.

براساس این گزارش، در ماه جاری 4 کولبر کُرد در نتیجه تیراندازی نیروهای نظامی-انتظامی حکومت ایران در مناطق مرزی کُردستان جان خود را از دست داده و 5 تن دیگر نیز زخمی شده‌اند.

کارگران شهرداری سوسنگرد از حداقل دستمزد تعیین شده هم کمتر حقوق می‌گیرند

بنابه گزارش منتشره، 260 نفر از کارگران شهرداری سوسنگردسال گذشته با دریافت مبلغ 250 هزار تومان مشغول کار بوده اند و امسال با افزایش 50 هزار تومانی، 300 هزار تومان حقوق یعنی کمتر از حداقل دستمزد تعیین شده از طرف شورای عالی کار دریافت می‌کنند. باتوجه به مصوبه شورای عالی کار که حداقل دستمزد سال 1391 را برای کارگران و مشمولان قانون کار 389 هزار و 754 تومان تعیین کرده است که جوابگوی هزینه یک هفته زندگی خانواده های کارگری نمی باشد، کارگران شهرداری سوسنگرد 89 هزار و 754 تومان هم کمتر حقوق می‌گیرند.

بنا به همین گزارش، علیرغم حکم هیات حل اختلاف مبنی بر پرداخت حقوق کارگران مطابق مصوبه شورای عالی کار، شهرداری سوسنگرد این دست آن دست می‌کند و کمترین 300 هزار تومان حقوق به کارگران پرداخت می‌کند.

بدنبال صدور حکم شورای حل اختلاف، شهرداری سوسنگرد جهت عدم پرداخت حقوق کارگران، درخواست فرصت ازدادگاه کرد. در حال حاضر با توجه به اینکه فرصت داده شده از سوی دادگاه هم پایان یافته است همچنان حق این کارگران را پرداخت نمی‌کند.

کارگاه سرمایه داری، کوره آدم سوزی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 23 شهریور آمده است: هنوز که هنوز است مردم دنیا وقتی می خواهند اوج توحش و جنایت علیه بشریت را نشان دهند آدم سوزی دسته جمعی (هولوکاست) در آلمان هیتلری را مثال می زنند. تا پیش از آن، شاید به آتش کشیدن مخالفان عقیدتی کلیسا در قرون وسطا نماد توحش و جنایت برضد انسان شمرده می شد. به هر حال، این آدم سوزی ها نقاط عطف تاریخی مهمی در دستیابی به قله های جنایت علیه بشریت به حساب می آیند و، بی تردید، انسان معاصر باید آنها را بی وقفه یادآوری و محکوم کند، بر پیشانی مدافعان شان عرق شرم بنشانند، و بدین سان تا آنجا که ممکن است امکان تکرار آنها را منتفی سازد.

با این همه، خلاصه کردن بانیان آدم سوزی در کلیسای قرون وسطا و آلمان نازی می تواند پرده ساتری برای پنهان ساختن بانی و عامل اصلی سوختن دسته جمعی انسان در دنیای کنونی باشد. 300 کارگر در یک کارگاه لباس دوزی در کراچی پاکستان زنده زنده در آتش می سوزند و در عرض چند ساعت جزغاله می شوند. اینجا دیگر نه پای کوره های آدم سوزی آلمان هیتلری در میان است و نه تل هیزم کلیسای قرون وسطا. اینجا کار مزدی است که انسان را زنده زنده در آتش می سوزاند. اینجا رابطه خرید و فروش نیروی کار است که انسان را جزغاله می کند. اینجا حرص سوداندوزی برای انباشت هر چه بیشتر سرمایه است که انسان را نیست و نابود می سازد. اینجا کارگاه سرمایه است که نقش کوره آدم سوزی را ایفا می کند. آیا بازم لازم است برای بازگویی و افشای جنایت علیه بشریت از استعاره ها و کلیشه های هولوکاست و کلیسای قرون وسطا استفاده کنیم؟ در واقع، یک هدف مهم دنیای سرمایه داری لیبرال از عمده کردن و برجسته ساختن هولوکاست و کلیسای قرون وسطا همین است. سرمایه داری می گوید با این کار بر عامل اصلی جنایت علیه انسان کنونی یعنی رابطه خرید و فروش نیروی کار پرده اندازد. بی شک، همان گونه که گفتیم، جنایات آلمان نازی و کلیسای قرون وسطا را باید محکوم کرد. اما آنچه باید بسیار بیش از اینها محکوم شود سرمایه یعنی رابطه خرید و فروش نیروی کار است. این رابطه است که انسان ها را زنده زنده می سوزاند و نابود می کند، آن هم نه فقط یکبار در تاریخ بلکه به طور روزمره، آن هم نه فقط در پاکستان بلکه در سراسر دنیای کنونی. همزمان با انتشار خبر سوختن 300 کارگر در پاکستان، خبری نیز از سوئد - مهد تمدن و رفاه سرمایه داری - در رسانه ها منتشر شد که در اینجا بازگویی آن را جهت اطلاع مدافعان و سینه چاکان دنیای سرمایه داری غرب لازم می دانیم.

در ویدیویی که روز چهارشنبه 12 سپتامبر 2012 در رسانه ها منتشر شد و در دوربین سقف یکی از ایستگاه های قطار در جنوب استکهلم - پایتخت سوئد - ثبت شده است، مردی را می بینیم که احتمالاً مشروب زیادی نوشیده و تلو تلو می خورد و روی ریل قطار می افتد و بیهوش می شود. اندکی بعد مرد دیگری از دیواره کوتاه ریل پائین می پرد و به طرف مرد اول می رود، اما نه برای کمک به او بلکه برای خالی کردن جیب اش. او شروع می کند به جستجوی جیب های مرد بیهوش که حالا معلوم شده 38 ساله است و «جانی» نام دارد. سارق بعد از این که جیب های «جانی» را خالی می کند او را بیهوش روی ریل رها می کند، از دیواره بالا می پرد و بدون این که حتی به نگهبان ایستگاه بگوید که مردی بیهوش روی ریل قطار افتاده فرار می کند. ده دقیقه بعد قطار وارد ایستگاه می شود و از روی پیکر مرد بیهوش می گذرد. «جانی» به طور معجزه آسایی از مرگ نجات یافته اما سخت زخمی است و نیمی از پای چپ اش را از دست داده است. (www.dailymail.co.uk)

نظام سرمایه داری چه در پاکستان و چه در سوئد دوزخ سوزانی است که انسان ها را زنده زنده در آتش خود می سوزاند و هر چیز انسانی را در آنها نابود می کند. اکنون هیچ استعاره ای بهتر از سرمایه یعنی رابطه خرید و فروش نیروی کار اوج جنایت علیه بشریت را بیان نمی کند. بکشیم هر جنایتی علیه بشریت را با رابطه سرمایه توضیح دهیم و این رابطه را به چیزی تبدیل کنیم که مدام در ذهن تک تک کارگران دنیا تیرباران می شود.

اطلاعیه اتحاد بین المللی در مورد فاجعه آدم سوزی در کارخانه پوشاک در کراچی

سه شنبه شب 11 سپتامبر، در آتش سوزی مهیبی در یک کارخانه پوشاک در شهر کراچی پاکستان حدود سیصد نفر کارگر، شامل تعداد زیادی کودک کار، جان باختند. بنا به گزارش پلیس و آتش نشانی شهر، بنای این کارخانه، شامل یک ساختمان چهار طبقه و فاقد امکانات اولیه اطفای حریق، بدون وجود درب های خروج اضطراری و شامل فضایی تنگ و بدون امکان جابجایی کارگران در مواقع اضطراری بوده است. بسیاری از کارگران بر اثر پرش از پنجره های ساختمان کارخانه، جان باخته اند. در حالی که مسئولین آتش نشانی به عملیات پیدا کردن اجساد بیشتر در میان جزغاله و دود ادامه می دهند، مقامات دولتی خبر داده اند که تحقیقات گسترده ای را برای شناسایی علت این آتش سوزی شروع کرده اند. ماهنوز مقامات دولتی تحقیقات خود را شروع نکرده بودند که آتش سوزی دیگری در روز چهارشنبه 12 سپتامبر در کارخانه کفش در شهر لاهور، جان بیش از 25 کارگر را گرفت.

جدا از اینکه این آتش سوزی ها ناشی از اتصال در سیستم برق باشد و یا نقص فنی ژنراتور، آیا برای شناسایی علت اصلی این فجایع، تحقیقات وسیع و کارشناسانه ای لازم است؟ آیا مثل روز روشن نیست که عطش سودآوری بدون مرز صاحبان کارخانه پوشاک در کراچی، کارخانه کفش در لاهور و هزاران کارخانه در پاکستان، بنگلادش، هندوستان و در اقصی نقاط جهان، علت اصلی وقوع چنین فجایع انسانی است؟ آیا روشن نیست که عامل اصلی جان باختن کارگران در کراچی و لاهور، سرمایه دارانی هستند که با اتکاء به نیروی کار بسیار ارزان، در فراهم کردن امکانات اولیه ایمنی کار صرفه جویی می کنند تا به سود حداکثر دست یابند؟ آیا روشن نیست که در فقدان قوانین مشخص که بر اساس آن عاملان چنین فجایعی به اتهام ارتکاب جنایت، مجازات شوند، این فجایع همچنان به وقوع می پیوندند؟ آیا روشن نیست که سرمایه داران و دولت پاکستان عاملان اصلی وقوع آتش سوزی فاجعه بار در کراچی هستند؟ آیا روشن نیست که سرمایه داران و شرکت های کشور های دیگر، بویژه شرکت های زنجیره ای در کشورهای غربی که مشتری اصلی محصولات ارزان چنین کارخانه هایی هستند، شریک جرم محسوب می شوند؟

اتحاد بین المللی ضمن همدردی با بازماندگان و اعضای خانواده جان باختگان این فاجعه انسانی که بر اثر سیاست های عامدانه و سودجویانه صاحبان کارخانه پوشاک در کراچی و لاهور و چشم پوشی آگاهانه دولت پاکستان، بوقوع پیوسته است، خود را در اندوه و خشم اعتراضی کارگران پاکستان سهیم می داند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران- ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۲

در تظاهرات اعتراضی "رفاه بدون سود" شهر استکهلم شرکت کنیم!

سیمای جامعه سوئد در سالهای اخیر بشدت تغییر یافته است. حمله به دستاوردهای کارگران و مردم آزاده سال به سال افزایش یافته و در چند ساله اخیر شدت زیادی یافته است. افزایش بیکاری، افزایش قراردادهای موقت و ساعتی و کاهش امنیت شغلی، تصویب قوانین ضد کارگری از یک طرف و بازگذاشتن بیشتر دست سرمایه داران در کسب سود هر چه بیشتر از سوی دیگر بخشی از تصویر امروز جامعه سوئد است. در اعتراض به این وضعیت روز دوشنبه 17 اسفند تظاهرات اعتراضی وسیعی در شهر استکهلم با نام "رفاه بدون سود" برگزار میشود. در این تظاهرات که با استقبال احزاب و گروهها و تشکلها و فعالین کارگری زیادی مواجه شده است به کاهش رفاه در کشور سوئد در سالهای اخیر اعتراض خواهد شد. این تظاهرات از میدان اصلی شهر شروع و تا جلوی مجلس سوئد ادامه خواهد یافت.

اتحاد بین المللی - سوئد همگان را به شرکت در این تظاهرات اعتراضی دعوت می کند!

زمان: دوشنبه 17 سپتامبر، ساعت 17

مکان: میدان سرگل، استکهلم

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - سوئد

12 سپتامبر 2012

بیست و سوم شهریور 1391

سایه بیکاری بدنبال ۵۰۰ کارگر پتروشیمی اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا/ اصفهان در 24 شهریور آمده است: به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، کارخانه پتروشیمی اصفهان، صنعت پایین دستی است که ۱۳ سال بعد از احداث پالایشگاه اصفهان و برای تبدیل مواد خام پالایشگاه به مواد اولیه کارخانههای رنگ سازی، سم سازی، پلاستیک سازی، تولیدکنندگان محصولات شوینده صنایع نظامی، الیاف پلی استر، خودروسازی و... ایجاد شد.

اما این همکاری با خصوصی سازی پتروشیمی و شبه دولتی ماندن پالایشگاه روز به روز دشوارتر شد تا جایی که سرانجام هفته گذشته، کارخانه پتروشیمی تعطیل شد و مدیر عامل آن اعلام کرد: متأسفانه بیش از ۷۰ روز است که تعطیل هستیم، اما به دلیل عدم تشویش اذهان عمومی و نبود گرفتاری برای مسئولان امر، سکوت را اختیار کرده ایم.

دلایل اختلاف کارخانه شبه دولتی با بخش خصوصی

محمدابراهیم یآوری با تاکید بر اینکه ۲۰ درصد از سهام پالایشگاه اصفهان متعلق به وزارت نفت و امور کشور و ۳۰ درصد نیز به نام سهام عدالت و دولتی است، افزود: با وجود اینکه این کارخانه را خصوصی قلمداد می کنند، نیست زیرا این شرکت به طور کامل دولتی بوده و باید بر اساس مقررات و قوانین مدیریت آن نیز باید توسط وزارتخانه نفت اجرایی شود.

وی آغاز اختلاف طلب و بدهی پالایشگاه و پتروشیمی اصفهان را مربوط به ۴.۵ سال قبل دانست و گفت: حجم بدهی های این شرکت به پالایشگاه اصفهان طبق نرخ گذاری برنامه ریزی وزارت نفت تا خرداد امسال حدود ۱۷۹ میلیارد تومان است، اما مسوولان پالایشگاه بر اساس محاسبات خود آن را ۲۴۰ میلیارد تومان برآورد کرده اند.

مدیر عامل شرکت سهامی پتروشیمی اصفهان تامین خوراک مورد نیاز شرکت را بر اساس میزان تحویل از پالایشگاه اصفهان ۹ هزار و ۷۰۰ بشکه در روز اعلام کرد و متذکر شد: این میزان از سال ۱۳۸۸ شامل ۳۰ درصد تخفیف بوده، اما بتدریج کاهش یافته و در حال حاضر به ۵ درصد رسیده است.

یآوری می گوید: هنگام ورود بخش خصوصی به شرکت پتروشیمی بحث تامین خوراک مطرح بوده و موضوعی با عنوان کارخانه پتروشیمی بدون خوراک نبوده، مگر امکان دارد که بیان کرد که پتروشیمی را با قیمت خوراک گران و حتی عدم فروش تحویل می دهیم.

خودداری از پرداخت بدهی ۴ ساله و امضاء قرارداد

در واکنش به این سخنان، روابط عمومی شرکت پالایشگاه اصفهان با ارسال بیانیه ای از انتشار مالب غیر واقعی درباره دلایل تعطیلی پتروشیمی انتقاد کرد و گفت: شرکت پالایش نفت اصفهان، تا کنون برای جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی داخلی و خارجی تمایلی به رسانه ای کردن موضوع نداشته اما ناگزیر، برای رفع ابهامات و تنویر افکار عمومی موارد ذیل را در ارتباط با موضوع و علت تعطیلی پتروشیمی اصفهان و سوابق امر اعلام می دارد.

پالایشگاه اصفهان از بدو تأسیس پتروشیمی اصفهان تاکنون براساس تعهدات و قراردادهای فیما بین، خوراک اولیه پتروشیمی اصفهان را تأمین کرده است، اما از مهرماه سال ۱۳۸۷ تاکنون پتروشیمی اصفهان از امضاء قرارداد و پرداخت کامل وجوه مربوط به تأمین خوراک و مواد اولیه خودداری کرده، با این وجود شرکت پالایش نفت اصفهان در طول چهار سال گذشته بر برای حفظ مصالح ملی و به امید توجه مدیران پتروشیمی به پرداخت بدهی های معوق، همچنان خوراک رسانی به پتروشیمی را ادامه داده است.

درآمد پتروشیمی، در مسیرهای دیگری خرج شد

همچنین پتروشیمی اصفهان در سال های اخیر قیمت های تکلیفی دولت و مصوب را نپذیرفته و خواستار تخفیف بیشتری بوده و بهای خوراک دریافتی را بر اساس قوانین و مصوبات موجود ثبت نکرده و بنابراین اختلاف عمده ای در ثبت بدهی ها بین دفاتر مالی پالایشگاه اصفهان و پتروشیمی اصفهان به وجود آمده است. به طوری که در حال حاضر حسب دفاتر مالی پتروشیمی اصفهان و گزارش مسئولین این شرکت، مانده بدهی پتروشیمی به پالایشگاه حدود ۱۷۹ میلیارد تومان اعلام گردیده، اما طبق مصوبات مربوطه و دفاتر پالایشگاه اصفهان این عدد، ۲۴۲ میلیارد تومان می باشد.

پتروشیمی اصفهان یک شرکت بورسی است و اطلاعات مالی دفاتر این شرکت در دسترس عموم است. جریان نقدینگی در دفاتر مالی این شرکت نشان دهنده فروش کل مواد تحویلی و محصولات تولیدی است و وجوه تأمین شده از این بابت در طول این سالها، قابل

پرداخت به پالایشگاه بابت بدهیهای انباشته و تعهدها بوده است، اما متأسفانه مسیرهای دیگری را طی کرده و همان طور که در صورتیهای مالی این شرکت به وضوح دیده می‌شود، منجر به وضعیت بحرانی موجود گردیده است.

مشکل فقط با تعامل منطقی و قانونی پتروشیمی حل می‌شود
با توجه به این شرایط و بی‌توجهی پتروشیمی به پرداخت بدهی‌های معوق و مطالبه سهام داران شرکت پالایش نفت اصفهان، ابتدا خوراک پتروشیمی در مقاطعی کاهش یافت و سپس از اوایل تیرماه امسال خوراک پتروشیمی قطع گردید با این حال مدیران پتروشیمی، کوچکترین قدمی در جهت پرداخت بدهی‌ها برنداشته‌اند و با جو سازی و جنجال‌های رسانه‌ای، پالایشگاه را برای برقراری دوباره خوراک تحت فشار قرار داده و از سوی دیگر متأسفانه حتی پرداخت این بدهی‌های معوق و انباشته ۴ ساله را مشروط به دریافت خوراک جدید و امکان پرداخت از محل سودآوری‌های آینده موکول نموده‌اند.
پالایشگاه اصفهان نیز در جلسات و مکاتبات خود همین موارد را به مسئولین و مدیران استان و وزارت نفت انعکاس داده که در جریان کامل امور می‌باشند و موضوع در حال پیگیری می‌باشد. بنابراین امیدواریم با برخورد و تعامل منطقی و قانونی از طرف پتروشیمی مشکلات مرتفع گردد، در غیر اینصورت این شرکت از طریق مجاری قانونی در پیگیری از تضییع حقوق سهامداران و وصول مطالبات مربوطه اقدام خواهد نمود.

بازگشایی پتروشیمی با پادرمیانی استاندار و وزیر نفت
اما در پاسخ به این پرسش که آیا راهی جز تعطیلی و جنجال، برای حل مشکل این دو کارخانه وجود نداشت، مشاور استاندار در امور صنعت به اینها گفت: در حال حاضر استاندار و وزیر نفت برای حل مشکل پتروشیمی و پالایشگاه در حال رایزنی هستند و قرار شده بدهی پتروشیمی تقسیم و در بازه زمانی ۶ تا ۸ ماهه به طور کامل پرداخت شود و با فرمول قیمت جدید، روند تولید در پتروشیمی اصفهان ادامه داشته باشد.
وی اظهار امیدواری کرد با امضای قرارداد بلندمدت، مسائل دو طرف طور کامل برطرف شود و گفت: قرار است تا پایان همین هفته کارخانه پتروشیمی تولید خود را از سر گیرد و ۵۰۰ کارگر این کارخانه نیز از خطر بیکاری نجات خواهند یافت.
ناهید شفیعی

آمار تکان دهنده تعداد حاشیه نشینان در ایران

به نوشته سایت قانون در 24 شهریور آمده است: خانه‌های روستایی ایران از حداقل امکانات موجود در یک خانه نیز بهره چندانی ندارند.
به گزارش قانون، در حالی که دولت سیاست‌های فراوانی را برای جلوگیری از مهاجرت از روستاها به شهرها به مرحله اجرا می‌گذارد و حتی در برخی موارد سعی دارد با اجرای سیاست‌هایی روند مهاجرت معکوس را سرعت ببخشد، اما با این حال تعداد جمعیت روستایی ایران روز به روز بیشتر از گذشته دستخوش کاهش می‌شود و این بدان معناست که بخش مهمی از جمعیت کشور در شهرها ساکن می‌شوند.
آمار تکان دهنده تعداد حاشیه نشینان در ایران نشان می‌دهد بسیاری از مهاجران روستایی امکان سکنی گزیدن در شهرها را نداشته و در حاشیه شهرها ساکن شده‌اند که همین امر سبب روز بحران‌های اجتماعی شده است.
بررسی‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در طی سال‌های 1375 تا 1385 بیش از 5 هزار روستا در ایران از میان رفته است.
به این ترتیب سالانه هزار روستا در ایران خالی از سکنه شده و این به معنی تهی شدن بخش‌های تولیدی اقتصاد ایران از جمعیت است.
جمعیت روستایی وقتی ساکن شهرها می‌شوند به مصرف کننده تبدیل می‌شوند و همین امر سبب می‌شود کشاورزی و اقتصاد تولیدی در ایران از میان برود.
آخرین گزارش مرکز آمار ایران در خصوص امکانات خانه‌های روستایی ایران نشان می‌دهد، برخی از واحدهای مسکونی در روستاها حتی از ابتدایی‌ترین امکانات و تسهیلات نظیر حمام و آشپزخانه برخوردار نیستند.
بر اساس آمارهای ارائه شده از جمعیت 74 میلیون و 971 هزار نفری ایران 71 درصد شهر نشین و 29 درصد روستانشین هستند.
بررسی‌ها نشان می‌دهد رشد جمعیت روستایی در ایران طی سال‌های 1385 تا 1390 منفی شده است.
بر اساس این گزارش از کل خانه‌های روستایی ایران تنها 2.80 درصد به اینترنت مجهز هستند و همین امر نشان می‌دهد که بهره‌گیری از اینترنت در روستاهای ایران به شدت ضریب پتابینی دارد.
از سوی دیگر 93.06 درصد روستاهای ایران از آب لوله کشی برخوردارند و ضریب برخورداری از برق به 99.51 درصد می‌رسد.
79.11 درصد خانه‌های روستایی ایران از حمام برخوردارند و نرخ برخورداری از آشپزخانه در خانه‌های روستایی ایران 81.40 درصد گزارش شده است.
برخورداری از کولر و پکیج و سیستم حرارات مرکزی و سیستم فاضلاب نیز بسیار اندک است.
تنها 40.55 درصد خانه‌های روستایی ایران از گاز شهری برخوردارند.
بر اساس این گزارش تحلیل تعداد روستاهای ایران و کاهش مداوم جمعیت در این مناطق به شدت هشدار دهنده است و بسیاری از کارشناسان اتخاذ تدابیری برای بهبود وضع زندگی روستاها را ضروری می‌دانند.

شکنجه و آزار و اذیت فعالین کارگری زندانی و تعقیب قضایی خانواده های کارگران زندانی

بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری "وضعیت عمومی علیرضا عسگری، فعال کارگری در بند و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، همچنان وخیم و وی با شرایط نامناسب جسمی در انتظار حکم دادگاه تجدیدنظر است. این فعال کارگری در بند، از بیماری های متعددی رنج می برد: بیماری مزمن و حاد روده، آسیب دیدگی شدید لگن و مهره های تحتانی کمر، ناراحتی قلبی که بیشتر اوقات دست چپ او را تحت تاثیر قرار داده و بی حس می کند، کم خونی شدید که غالباً او را می آزارد و حتی ایستادن را برای او سخت می کند و بیماری های پوستی (قارچ و دمل های چرکین زیر پوستی) که خارش بسیار آزاردهنده ای دارد، از جمله مشکلاتی است که ضرورت رسیدگی و معالجه ی جدی و فوری را در مراکز ویژه ی درمانی می طلبد." کمیته هماهنگی تاکید میکند که "علیرضا عسگری قبل از دستگیری و بازداشت حال عمومی مناسبی داشته است". کاملاً روشن است که همانند تمامی دستگیر شدگان یورش کرج که به شدت و وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، علیرضا عسگری نیز در تداوم بازداشت و در بازجویی ها تحت اذیت و آزارهای فیزیکی و شکنجه های جانپایان جمهوری اسلامی در زندان قرار گرفته است.

علاوه بر این، کمیته دفاع از رضا شهبایی در آخرین اطلاعیه خود گزارش داده است که سلامتی رضا شهبایی بدنبال انتقال دوباره وی به زندان در خطر است. کمیته دفاع از رضا شهبایی اعلام کرده است رضا شهبایی که "پس از انجام عمل جراحی سنگین دیسک گردن و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر لزوم دست کم "2 ماه استراحت در منزل" و "عدم توان تحمل کیفر" راهی بند 350 زندان اوین شد، دچار مشکلات جدی شده است؛ به نحوی که جای عمل روی گردن چرک و عفونت کرده و کتف ها و دست راست او به شکل آزار دهنده ای درد می کند. شرایط جسمی رضا به حدی وخیم شده است که حال عمومی او نسبت به قبل از عمل بسیار بدتر است و خطر آسیب رسیدن به بافت های عصبی و نخاعی به دلیل عفونت وی را تهدید می کند."

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری همچنین گزارش داده است که "روز دوشنبه 20/6/91 'شهناز سگوند' همسر 'علی نجاتی' کارگر زندانی، پس از احضار به شعبه ی دوم دادیاری دادگاه شوش، به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق ارتباط و مصاحبه با رادیوهای بیگانه و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، محاکمه گردید. این در حالی است که ایشان تنها به تشریح وضعیت بد جسمی همسرش 'علی نجاتی' پرداخته بود. شایان ذکر است «شهناز سگوند» موقتاً تا صدور حکم دادگاه، با قید کفالت آزاد گردید." وضعیت فعالین کارگری در بند از جمله شاهرخ زمانی، محمد جراحی و بهنام ابراهیم زاده کماکان کاملاً وخیم بوده و علی رغم تلاشهای صورت گرفته در ایران و در ابعاد جهانی، این فعالین کارگری به دلایل واهی و با احکام طولانی و کاملاً بی پایه، در زندان بسر می برند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی در کمال بی شرمی به خانواده های ستم کشیده کارگران در بند که برای آزادی عزیزانشان تلاش میکنند و به دنبال اخراج و حبس عزیزانشان دچار مشکلات فروان روحی و مالی شده اند نیز رحم نمیکند و در موارد متعدد با تهدید و ارعاب می کوشد از فعالیت ها و مصاحبه های آنها در دفاع از ابتدایی ترین حقوق عزیزانشان جلوگیری کند. تعقیب قضایی شهناز سگوند، همسر علی نجاتی، نشان می دهد که این رژیم ضدکارگر و سرکوبگر از دادخواهی و یک مصاحبه ساده نیز به شدت وحشت دارد. اما رژیم سرمایه بیهوده فکر میکند که میتواند جلوی دادخواهی و عدالت طلبی میلیونها خانواده کارگری را بگیرد. اتحاد بین المللی تمامی موارد فوق و مطالب بیکران این حاکمیت ارتجاعی علیه کارگران و خانواده های کارگری در ایران را در ابعاد وسیع و به زبانهای گوناگون به گوش کارگران، تشکلات کارگری و آزادی خواه جهان خواهد رساند و همچون گذشته برای آزادی بدون قید و شرط کلیه فعالین کارگری در بند با تمام توان کوشش خواهد کرد.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲

info@workers-iran.org

تنها 10 درصد از نوشت افزارها تولید داخل است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 شهریور آمده است: رییس اتحادیه لوازم التحریر کشور گفت: تنها 10 درصد از نوشت افزارها تولید داخل است و 90 درصد دیگر وارداتی است.

عباس هدایتیان در گفتگو با خبرنگار ایلنا با اشاره به عرضه مستقیم لوازم التحریر در طول برگزاری نمایشگاه های پاییزه در سراسر کشور اظهار داشت: با حمایت وزارت صنعت، معدن و تجارت غرفه هایی در این نمایشگاه برای عرضه دفتر با نرخ دولتی در نظر گرفته شده است، این دفتر ها از کاغذ مرغوبی برخوردارند اما جلد آنها جذابیتی برای دانش آموزان ندارد و طی جلساتی که با تولیدکنندگان داشتیم مقرر شد برای سال آینده طرح های بهتری بر روی جلد دفتر ها انتخاب شود.

وی با بیان اینکه ایجاد تعادل قیمت میان عرضه و تقاضا از جمله اهداف برگزاری این نمایشگاههاست و تولیدکنندگان کالا به صورت مستقیم و بدون واسطه محصولات خود را عرضه می کنند تا ارزان تر به دست مصرف کنندگان برسد گفت: فروشندگان لوازم التحریر چندان از خریداران جدا نیستند و آن ها نیز برای خود دغدغه و مشکلاتی دارند که شاید بتوان گفت در سال های قبل این مشکلات تا این حد نبود.

هدایتیان ادامه داد: با توجه به گرانی لوازم التحریر متأسفانه فروشندگان لوازم التحریر در زمان برگزاری نمایشگاه وقتی اجناس غرفه شان به اتمام می رسد و برای خرید مراجعه می کنند نمی توانند اجناس مورد نظرشان را تهیه و جایگزین کنند. وی گرانی کاغذ را علت اصلی گرانی لوازم التحریر دانست و افزود: چند ماهی است کاغذ به شدت گران شده موج گرانی قیمت ها مردم را شوکه کرده است و این مسئله به طور قطع تاثیرات منفی بر بازار دارد.

رئیس اتحادیه لوازم التحریر میزان واردات لوازم التحریر را ۹۰ درصد عنوان کرد و گفت: اکثر لوازم التحریر موجود در بازار وارداتی است و اگر امروز دیده می شود که تولید کنندگان داخلی تمایلی به رقابت با کشورهای وارد کننده را ندارند، به این دلیل است که حمایت های لازم از تولیدکنندگان نمی شود.

وی تصریح کرد: تولیدکنندگان باید محصولات اولیه را با ارز آزاد وارد کنند که با گران شدن هر روزه ارز و بالا رفتن قیمت کاغذ این

موضوع به نفع تولیدکنندگان نیست. وی در خاتمه گفت: عمده لوازم التحریر کشور از چین، کره، تایوان، تایلند و هند تامین می شود و در حال حاضر صادرات لوازم التحریر نداریم اما باید گفت مداد های ایرانی از نظر کیفیت قدرت برابری با مدادهای آلمانی را دارد.

بحران نوشت افزار در آستانه بازگشایی مدارس

به نوشته سایت مردمک در 24 شهریور آمده است: در آستانه بازگشایی مدارس در ایران دست اندرکاران نوشت افزار نسبت به تعطیلی واحدهای تولیدی این صنعت هشدار داده و گفته اند که دولت از تولید داخلی نوشت افزار حمایت نمی کند. هزینه نوشت افزار یک دانش آموز حدود دوبرابر شده است.

محمدرضا رقیب پرور، مدیرعامل یک کارخانه تولید نوشت افزار، به اینها گفته است که افزایش واردات نوشت افزار نامطلوب چینی در آستانه بازگشایی مدارس باعث نوسان قیمت محصولات مشابه داخلی شده است و این محصولات وارداتی با قیمت به مراتب ارزانتری در مقایسه با تولیدات داخلی به فروش می رسند.

به گفته او مشکل برای پرداخت معوقات بانکی به خاطر سود بالا، تهیه مواد اولیه تولید با ارز آزاد، پرداخت حقوق نیروی کار و مالیات از دیگر مشکلات کارخانه های نوشت افزار هستند.

او گفته است که تنها راه نجات تولیدکنندگان داخلی نوشت افزار «کنترل و قاعده مند کردن واردات، حمایت دولت در تهیه مواد اولیه، پرداخت وام های کم بهره و معافیت های مالیاتی است.

آقای رقیب پرور افزوده که کارخانه تحت مدیریت او به دلیل افزایش مشکلات تولید در سه سال گذشته، کارگران خود را اخراج کرده و پس از پرداخت اقساط بانکی، کارخانه را تعطیل می کند.

همزمان محمد احمدی، عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار ایران، گفته است که عرضه نوشت افزار دارای تصاویر جذاب و فانتزی خارجی بازار تولید داخلی این محصولات را کساد کرده است.

این در شرایطی است که براساس بخش نامه ای که وزارت آموزش و پرورش دولت دهم تیرماه سال جاری صادر کرد «جلوگیری از واردات نوشت افزار و کیف دارای نقوش و طرح ها و مفاهیم بیگانه» به عنوان راهکاری برای تحقق شعار «تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی» اعلام شد.

حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش در بخشنامه ای، ۳۱ راهکار و سیاست فرهنگی تحقق شعار «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» را به ادارات کل آموزش و پرورش استان های ایران ابلاغ کرد.

آقای احمدی گفته است که در نتیجه عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان نوشت افزار در کشور قیمت نوشت افزار بالا رفته و بسیاری از کارخانه های تولیدی از جمله کارخانه «قدس پلاستیک» تعطیل شده اند.

به گفته او بسیاری از کارگران در واحدهای بحران زده ماه ها از دریافت حقوق محروم مانده اند و برای تهیه نوشت افزار فرزندان خود دچار مشکل شده اند.

کرمعلی سامانی پور، فعال کارگری، گفته است که تهیه «نوشت افزار ضروری» برای خانواده های کارگری که دو دانش آموز دارند تقریباً تمامی درآمد یک ماه آنان را می بلعد. او هزینه نوشت افزار ضروری برای یک دانش آموز را ۱۵۰ هزار تومان اعلام کرده است.

چند روز پیش خبرگزاری مهر به نقل از یک شهروند همدانی گزارش داد که هزینه تهیه نوشت افزار برای یک دانش آموز در سال جاری ۱۱۰ هزار تومان است اما این رقم در سال گذشته ۶۰ هزار تومان بود.

بیکاری و معضل اشتغال بازنشستگان

به نوشته سایت اعدال در تاریخ 24 شهریور آمده است: مشکلات شدید اقتصادی و تورم موجود، راهی جز این را باقی نمی گذارد که یک فرد شاغل با رسیدن به مرحله بازنشستگی، باید به دنبال شغل جدید باشد تا بتواند هزینه های سنگین زندگی خود را تامین کند و از سویی هم انبوه جوانانی که هر یک مدرکی کارشناسی و بالاتر در دست دارند، در انتظار کاری مناسب به سر می برند.

بازنشسته به دنبال استراحت دوران بازنشستگی است و جوان با انگیزه، خلاق و دارای انرژی هم تلاش می کند تا با به دست آوردن شغل مناسب، آینده خود را رقم بزند. در یک روند طبیعی، این اتفاق باید رخ دهد. اما هزینه های بالای زندگی، بازنشستگان را بر آن می دارد تا با وجود میل باطنی خود به دنبال مشاغل مختلف در دوران بازنشستگی باشند. از سوی دیگر جوانان با عرضه این نیروی ارزان در بازار کار، با وجود انگیزه های بالایی که دارند بیکار می مانند.

از سویی در بازار کار، نیروی بازنشسته در برخی موارد ارزان ترین نیروی کار است و بسیاری از مدیران واحدهای تولیدی، کارگاه ها و سازمان ها و سوسه می شوند که به سراغ این نیروهای کار ارزان بروند و از این نیروی ارزان قیمت به جای نیروی جوانی که استخدام آن ها با احتساب سال های سنوات خدمتی و پرداخت بیمه ها هزینه بر است استفاده کنند.

هم اکنون، برخی از سازمان ها و بخش های دولتی نیز علیرغم ممنوعیت های قانونی، تمایل به جذب نیروی کار بازنشسته و قدیمی را دارند که این موضوع به نیروی جوان آماده به کار لطمه می زند؛ در حالی که کودکان متولد شده در سال های دهه ۶۰ و حتی 70 امروز به سن اشتغال رسیده اند، بیش از دو سوم آنان نیز تاکنون شغلی را تصاحب کرده اند، اما بخش قابل توجهی هنوز باید منتظر یافتن شغلی باشند.

وقتی در به کارگیری نیروهای بازنشسته به تجربه کاری آن ها اشاره می شود، این واقعیت تنها یک روی سکه است. اما این سکه، روی دیگری هم دارد، یعنی این که به کارگیری نیروهای بازنشسته ممکن است برای یک سازمان تبعاتی را هم به دنبال داشته باشد.

یک نیروی جوان با انگیزه رسیدن به موفقیت، زندگی کاری خود را در یک سازمان آغاز می کند و وجود افراد با انگیزه، بستر برنامه ریزی مناسب را در یک سازمان فراهم می آورد. در واقع بسیاری از مدیران، امروز ممکن است با پدیده کاهش انگیزه کاری در سازمان ها روبه رو شوند. ولی وقتی نیروهای جوان با انگیزه پیشرفت و ترقی در یک سازمان باشند، مدیران با برنامه ریزی های درست، می توانند به

راحتی اهداف سازمانی خود را محقق کنند، بنابراین از نظر داشتن انگیزه کاری برای رشد و پیشرفت، نیروهای جوان با بازنشسته ها قابل مقایسه نیستند. یک نیروی بازنشسته به شکل روزمره کار می کند، ولی یک نیروی جوان در راستای بهبود کاری و برای ارتقای شغلی تلاش می کند.

یک نیروی ۶۰ ساله بازنشسته، ممکن است در مقابل تغییرات سازمانی که در عصر دانایی یک امر اجتناب ناپذیر است، مقاومت کند. بدون تردید این مقاومت ها، حرکت چرخ سازمان ها به سمت رشد و ترقی را کند خواهد کرد و انگیزه های یادگیری در یک نفر بازنشسته کم است و به همین دلیل برنامه های آموزشی یک سازمان ممکن است با ازدیاد افراد بازنشسته دچار مشکل شود و نیروهای بازنشسته به دلیل شرایط سنی که دارند، ممکن است در برخی موارد کم حوصله باشند.

یک کارشناس درباره علت به کارگیری نیروهای بازنشسته در سازمان ها با اشاره به ماده ۹۵ قانون مدیریت خدمات کشوری می گوید: در این ماده آمده است که به کارگیری افراد متخصص بازنشسته با مدرک کارشناسی و بالاتر از آن در موارد خاص به عنوان اعضای کمیته ها، کمیسیون ها، شوراهای، مجامع و خدمات مشاوره ای به شکل غیر مستمر و مشروط بر این که ساعت به کارگیری آن ها در سازمان ها از یک سوم کار موظفی کارمندان بیشتر نشود، بلامانع است و ذکر یک سوم کار موظفی هم به این دلیل است که با افراد بازنشسته، نمی توان قرارداد کاری اشتغال نوشت. البته حذف این ماده در پیش نویس سیاست های برنامه پنجم آمده است.

از سوی دیگر در ماده ۱۹ قانون مدیریت خدمات کشوری درباره شرایط جذب نیروهای بازنشسته از طریق مراکز آموزشی و پژوهشی آمده است: سازمان ها و شرکت ها برای ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات خود برای انجام خدمات مشاوره ای در زمینه توسعه مدیریت، نظیر استقرار نظام های نوین مدیریتی، بازرگری، پاداش و وظایف و مأموریت ها و توسعه سرمایه های انسانی و فناوری های نوین اداری، می توانند با موسسات و شرکت هایی که صلاحیت آن ها از نظر قانونی تایید شده است قرارداد منعقد کنند. بنابراین سازمان ها براساس این ماده مجاز به جذب افراد بازنشسته برای منظور خاص و یا واسطه هستند، ولی برخی از سازمان ها هم ممکن است از منظر ارزان بودن این نیروها، اقدام به جذب آن ها نکنند.

به هر حال تامین هزینه های زندگی، دغدغه اول بازنشستگان در دوران بازنشستگی و جوانان جویای کار است و این دغدغه ها آن ها را روانه بازار کار می کند و به همین دلیل امروز بین بازنشستگان و جوانان بر سر اشتغال در بازار کار، رقابت جدی و نابرابری وجود دارد که معمولاً جوانان بازنده این میدان هستند.

واردات بی رویه و بیکاری ۳ میلیونی: واردات ۲۱,۹ میلیارد دلار کالا در ۱۵۰ روز!

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در ۲۴ شهریور آمده است: با وجود انتقادات فراوان مقامات دولتی مبنی بر واردات بی رویه کالاهای غیرضروری به کشور؛ ادامه این روند باعث تهدید اشتغال موجود شده تا جایی که هر ۱۰۰۰ دلار واردات ۱ شغل ثابت داخلی را نابود می کند.

به گزارش مهر، حل مشکل اشتغال و بیکاری و وعده رئیس جمهور مبنی بر ریشه کن کردن بیکاری تا پایان کار دولت دهم در سال آینده، راه اندازی طرح های ضربتی اشتغال از جمله زودبازده ها، مشاغل خانگی، پرداخت وام های خوداشتغالی و برنامه هایی از این دست در حالی طی سال های اخیر به اوج خود رسیده است که با وجود ادعاهای دولت مبنی بر ایجاد میلیون ها فرصت جدید شغلی؛ تعداد بیکاران در کشور همچنان در مرز ۳ میلیون نفر باقی مانده است.

هرچند بر خود این آمار و قرار دادن تنها ۱ ساعت کار در هفته به عنوان مرز بین شاغل و بیکار نیز به شدت از سوی فعالان بازار کار مورد انتقاد است، اما وجود ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بیکار در فصل بهار امسال نیز آمار بسیار بالایی است که نشان دهنده وجود صف های طولانی کارجویان جوان برای ورود به بازار کار است.

وعده ها و بیکاری ۳ میلیونی

واردات بی رویه به کشور؛ یکی از مهم ترین عواملی که در چند سال اخیر به شدت از سوی بنگاه ها و واحدهای تولیدی، همچنین کارشناسان و خیرگان بازار کار مورد نقد و توجه قرار گرفته و به صورت کلی فعالان عرصه کار و تولید معتقدند که ادامه روند فعلی واردات بی رویه و اغلب غیرضرور به کشور باعث تهدید مشاغل موجود و از بین رفتن شانس کارجویان در ورود به بازار کار داخلی است.

محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی در روزهای اخیر اعلام کرد که متأسفانه درصد قابل توجهی از ثبت سفارش های انجام شده در ماه های اخیر و به ویژه پس از افزایش یکباره قیمت دلار در بازار مربوط به کالاهایی است که یا دارای مشابه داخلی است و یا چندان ضرورتی برای واردات انبوه آن به کشور وجود ندارد.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین با انتقاد شدید از ادامه این روند به آسیب پذیری تولید داخلی در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و همچنین بالا ماندن نرخ بیکاری، گفت: باید جلوی این روند نادرست گرفته شود و ما به سراغ واردات غیرمفید و غیرضروری خواهیم رفت.

واردات ۲۱,۹ میلیارد دلار کالا در ۱۵۰ روز!

عباس معمارنژاد، رئیس کل گمرک ایران طی روزهای اخیر از واردات ۲۱,۹ میلیارد دلاری به کشور در ۵ ماهه ابتدای سال جاری خبر داد. آماري که به شدت از سوی رئیس کل بانک مرکزی مورد انتقاد است و اعتقاد دارد درصد قابل توجهی از این واردات نه تنها مشمول اولویت های دریافت ارز مرجع نبوده اند، بلکه کالاهای غیرضروری و مشابه داخل بوده است.

پیش تر نیز یک نماینده مجلس با انتقاد از واردات بی رویه به کشور، انجام هر ۱۰۰۰ دلار واردات را باعث از بین رفتن یک شغل ثابت دانست و گفت: به نظر می رسد با واردات فراوانی که به کشور انجام می شود، پول اشتغال جوانان خارجی را ما می پرازیم! عباس وطن پرور، نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار با بیان اینکه وقتی یک واردکننده می تواند از زمان قانونی ثبت سفارش و تصمیم به انجام واردات یکسال زمان داشته باشد، طبیعی است که تولیدکننده داخلی باید همیشه در فضای نامناسبی فعالیت

کند.

نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار، اظهار داشت: یک زمانی میلیون ها ثبت سفارش برای واردات موبایل به ایران انجام شد، بعد دولت تعرفه ۶۰ درصدی برای آن وضع کرد؛ اما این مسئله باعث شد تا واردات موبایل با میلیاردها تومان سود همراه شود. این فعال کارفرمایی و تولیدکننده، تصریح کرد: سوال این است که چرا دولت ابزاری را در اختیار واردکننده قرار می دهد که احتمالاً مورد سوء استفاده قرار گیرد؟ آیا من به عنوان یک فعال اقتصادی حق دارم که به دنبال کسب سود باشم؟ بنابراین دولت باید در دادن ابزارها دقت کند.

سایه واردات مضر بر بازار کار داخلی وی ادامه داد: طبق گزارشاتی که در گمرک ایران وجود دارد، ۸۰ درصد واردات به کشور در ۳ ماهه ابتدای سال جاری با ارز مرجع بوده است. حال وقتی رئیس کل بانک مرکزی از این روند انتقاد می کند می توانند بررسی کنند که ارز ۱۲۲۶ تومانی به چه کالاهایی داده شده است؟ آیا در راستای حمایت از تولید داخل و حفظ اشتغال بوده و یا صرفاً مراتب سودجویی را برای برخی واردکنندگان فراهم آورده است؟

وطن پرور خاطر نشان کرد: متأسفانه انجام واردات بی رویه و تغییراتی که در قیمت ارز وجود دارد باعث ایجاد نوعی سردرگمی برای بنگاه ها شده و این مسئله به شدت اشتغال موجود در واحدهای تولیدی را تهدید می کند و احتمال ریزش قابل توجه نیروی کار وجود دارد.

نماینده سابق کارفرمایان در اجلاس جهانی کار، اظهار داشت: متأسفانه در چندسال اخیر تنها در مورد واردات بی رویه صحبت شده اما این روند همچنان ادامه دارد و این وضعیت باعث به وجود آمدن شرایط تهدید جدی برای بازار کار و اشتغال کشور شده است. به گفته وی، هم اکنون تنها ۹ درصد جمعیت ۱۵ سال به بالای کشور در مشاغل مولد و رسمی فعالیت دارند و در این بخش بیشتر نیروها دارای مشاغل واسطه گری، دلالی و خدماتی هستند.

نامه دوم به دوست گم شده ام رضارخشان

دوست عزیز سلام. حال و احوال چگونه؟ امیدوارم که اوضاع رو برآه باشه؟ باری دوست عزیز باز هم تنهایی، مرا در اغوش خود گرفت، تنهایی که از نبودن تواج گرفت. و در اعماق تنهایی هایم باز هم این یاد توست که مرا آرام میکند. ازینرو دوباره خواستم این فراق را با گفتن بعضی ناگفته ها و یا توضیح بعضی گفته ها پاسخ دهم. دوست گرامی، شاید اینهایی که میگویم تنها مشوش افکار کودکانه ای باشد که بدنبال جلب توجه توست و یا بهانه ای باشد تا با آوردن تو در خیال من از تنهایی خویش بگریزم. نامه اولی که برایت نوشتم و اکنشهایی را به همراه داشت، انتظارات و تصوراتی را ایجاد کرد و برداشتهای متفاوتی را به وجود آورد که در تماسها و شنیده ها یم از آن مطلع شدم. گفتیم که بهت زنگ بزنم و شرح حال و ماموقع را با زبان گویم. ولی احتمالاً نه تو در دسترس بودی و اگر هم بودی زبان را یارای بیان نبود. ازینرو دوباره دستم بر قلم لغزید چرا که در بیان احوالات دوست و توضیح برخی افعال سره از ناسره، بیشتر از قلم برمی آید تا با زبان قاصری که زود به لکنت می افتد. ازینرو اینبار تصمیم به جد دارم که جدا از احساسات و عواطف دوستانه به تشریح پاره ای از گفته هایم در نامه اول پردازم. خودت بهتر می دانی، انجا که پای احساس و عواطف به میان می آید افراط و تفریط امریست معمول. لذا بنظرم اشتباه می آید که بیان احساسی را با منطق پاسخ داد.

میدانم که نامه اولم، ذهن ترا اندکی مشوش ساخته است؟ و حتما سخت با خود کلنجار میروی که توضیحی برای برخی گفته هایم پیدا نمایی؟ که نامه رضا قبل از آنکه نامه ای برای دوست گم شده اش باشد، بیشتر به رنج نامه می ماند؟ و یا شاید هم مرا انسانی خسته و رنجور یافته ای که با این فرافکنیها، بدنبال خلاص کردن وجدان خود از عذاب شکست میباشند؟ و یا شاید هم در نامه ام اینطوری احساس میکنی که من از زندانی شدن دیگر فعالین کارگری ناراحت نیستم، که هیچ تازه در دعوی زندانی شونده با زندانی کننده، لاید من طرف زندانی کننده هستم؟ قبلش من باب توضیح درباره آن بخش از نامه اولم، یعنی در مورد حادثه تصادف، لازم است نکاتی را بگویم تا سوء تفاهمی ایجاد نگردد. این درسته که آن موقع از جنبه روانی تحت فشار بودم ولی در اون حادثه کسی را مقصر نمی دانم. همچنین بدنبال مظلوم نمایی و یا اینکه رفیق گرامی خواسته باشم با انگشت گذاشتن بر عواطف، ترا تحت تاثیر قرار داده باشم، نبودم. آن تصادف، امری در زندگی شخصی من و خانواده ام بود. اما چیزیکه بعد از حادثه تصادف، (که صدمه شدیدی به پای زن و بچه ام وارد کرد) مرا تحت تاثیر فراوانی قرار داد این بود که، با توجه به وضعیت اخراج از کار و همچنین سختی تامین معیشت زندگی، رفقای نازنینی، مانند خودت (من باب نازنین بودن میگویم) بودند که با وجود بالا بودن هزینه عمل جراحی، توی اون وضعیت دشوار ما را یاری دادند. بجز آن میگویم اگر این همبستگی طبقاتی (و یا شاید هم یک عمل رفیقانه بود) توی اون شرایط دشوار نبود نمیتوانم حدس بزنم که چه عوارض وخیمی در پی داشت.

نامه اولی را که برایت ارسال نمودم. در شرایط خاصی به سر می بردم. ازین حیث که کنش و واکنش بسیار مخربی که سرمایه داری جهانی، حول و حوش ایران از قبیل وضع تحریمهای ویرانگر، براه انداخته است ناگفته پیداست که چوب عتاب آنها هم، مستقیماً زندگی ما کارگران را نشانه رفته است. در نتیجه، از بی توجهی ها و پرداختن به مسائل حاشیه ای از طرف به اصطلاح دوستداران طبقه کارگر، مرا خشمگین ساخت. خود بهتر میدانم که بجز بازداشتهای متعدد، یک دوره شش ماهه را در زندان سپری کرده ام و بخوبی از حال و هوای زندان آشنا. جدایی از خانواده و دوستان، افتادن در محیطی که اصلاً محل مناسبی برای زندگی نیست. و بدتر از همه سلب آزادی فیزیکی انسان که واقعا عذاب آورست. بخصوص اگر این شرایط برای کارگری رخ دهد که تنها بخاطر دفاع از منافع کارگری خود، این چنین توانی بردارد. عمیقاً ناراحت. و آرزو دارم که بطور اخص هیچ کارگری بصرف اقدامات کارگری در بند نباشد و برای رهائیش مبارزه میکنم. اما بطور اعم، آرزوی روزی را دارم که، همه زندانهای دنیا برداشته شود.

دوست عزیز، در رابطه با چیزهایی که در مورد ارج و قرب کارگر زندانی نوشتم و این که عده ای فقط منتظرند تا کارگر زندانی شود

و بعد مقام او را بالا ببرند و همین که از زندان آزاد شد دیگر کاری به کارش هم نداشته باشند، عده ای تصور کردند که مخالفت من با کارگری است که حالا دلایل دیگری غیر از فعالیت کارگری هم ممکن است باعث زندانی شدن او شده باشد. اما ناگفته پیداست که همه این مصیبت را برای این داریم که در کشور ما، متأسفانه کوچکترین فعالیت مستقل کارگری، مورد برخورد مقامات قضائی قرار می گیرد. اگر اینطور نبود اصلاً کسی هم امکان آن را پیدا نمی کرد که به فرض مدعی شود که، فلانی به جرم فعالیت سندیکایی به شش هفت سال زندان محکوم شده است. اما نه مقامات قضائی اطلاع رسانی می کنند و نه خود دوستان ما که پرونده برایشان تشکیل می شود. هیچ کس درست نمی داند که اتهام فرد چیست. اما من با این همه، مخالفم که فعالیت سیاسی را در قالب جنبش کارگری جا بزیم. یعنی با توجه به پایین بودن حقانیت حقوقی فعالیت سیاسی و بالا بودن هزینه آن، بخواهیم این حقانیت را از جنبش کارگری قرض بگیریم. تا هزینه کمتری پرداخت گردد. هنگامی که با برپایی کمپین تبلیغی برای آزادی افرادی که با عملکرد خارج از حوزه کارگری، تنها در زمان دروسربردنبال وام گرفتن از حقانیت کارگری هستند یعنی داریم به غلط برای خود و دیگر کارگران این پیام را ارسال میکنیم که مثلاً فعالیت سندیکایی در ایران شش هفت سال مجازات در پی دارد. در حالی که اینطور نیست. در همین سندیکای هفت تپه همه اعضای هیات مدیره را به جرم اعتصاب و سندیکا و همه چیزهایی که به آن اضافه کردند به شش ماه تا یک سال و نیم حبس محکوم کردند و از کار بیکارشان کردند و از این قبیل اقدامات. تحمل همه این مجازاتها خیلی سخت است. اما بین این مجازاتها تا شش سال و هفت سال زندان خیلی فرق هست. زندان شش سال و هفت سال مجازات خیلی سنگین تری است. حالا اگر ما وانمود کنیم که زندان سندیکا این مجازات سنگین را دارد، این عمل ما دو وجه مخرب دارد. اول اینکه، با اشاعه ترس در بین کارگران، انگیزه سایر کارگران را از رفتن به فعالیت کارگری را از بین می بریم. و دوم، اینکه در حال حاضر گردن ما کارگران بقدری نحیف و شکننده است که نمیتواند، بار سایر جنبشها رو هم با خودش بکشد.

خیلی جالبه، در زمانه ای که بعضی جریانها که عملاً فعالیت حزبی، سیاسی دارند ولی بعلمت بالا بودن هزینه فعالیت سیاسی، به جنبش کارگری روی آورده اند. تازه باید ببینی که چطور خود را فعال کارگری دواتیسه جا میزنند. البته آگه واقعا کاری که میکنند بدرد زندگی کارگران بخورد خیلی هم خوبه. ولی من از روزی میترسم که در جنبش کارگری، آنها صاحب خانه باشند. و کارگران مستاجر آنها. بگذریم. فکر میکنم حالا برای روشن شدن باشد که درد من در آن نامه چه بود.

حالا حتماً تو هم دیده ای که چند روز بعد از آن نامه، شخصی از یک دسته معلوم الحال مرا به باد ناسزا گرفت که حقیقتاً نامش مرا بیاد سلسله پیشادایان می اندازد که معلوم نیست بالاخره بودند یا نبودند. یعنی هم با توجه به نمود عینی که در هستی دارد نشان از بودنش دارد. اما بسبب کردار و عملکرد مدعایی اش، در جنبش کارگری بی اثر و بی نشان است. میدانم تو این جماعت هوچیکر را بیشتر از من میشناسی. و می دانی که اینها خورده سرمایه دارانی هستند که پز حمایت از کارگر را دارند. تا روزی با سواستفاده از نیروی کارگر به پست و مقامی برسند. و از خورده سرمایه داری به سرمایه دار خیلی مایه دار برسند. البته همه اینها خوابه. کارگران ایران برایشان تره هم خورد نمی کنند. اما کسی اگر کمی دقت داشته باشد می بیند که این آدمها در رابطه با کارگران از هیچ بهتانی هم خودداری نمی کنند.

به این جملات نگاه کن و ببین که چطور به دروغ کسی را خراب می کنند. یارو در نوشته اش رو به من میگوید که: یادتان هست دوره راه افتادید و شدید مبلغ و طرفدار طرح خانه خراب کن "هدفمندی یارانه ها" احمدی نژاد؟ گفتید وضع کارگر خوب میشود، یادتان هست؟ ظاهراً آنقدر در این باره دروغ بهم بافته اند که خودشان هم این دروغها را باور کرده اند. با این همه، مودبانه ترین چیزیکه میتوانم نثارشان کنم اینست که شما یا خیلی کج فهم هستید و یا شارلاتان. چرا اینرا را میگویم؟ بخاطر اینکه من هیچ وقت از طرح یارانه ها دفاع نکردم و چه برسه بخاطر آن دوره راه افتاده باشم.

دوست گرامی خودت بهتر میدانی که، در مقاله یارانه ها، تلاشی برای یک ارزیابی بهتر سعی نمودم که از لحظه ای که مناسبات سرمایه داری در ایران بعد از اصلاحات ارضی جای نظام کهنه فئودالیزم را گرفت. که ابتدا بخاطر ضعف خود، نمیتوانست بدون پشتیبانی دولت به حیات خود ادامه دهد. در سنوات بعد با پیشرفت بیشتر سرمایه داری شاهد خروجی بخشی از این مناسبات از دولت هستیم. یعنی زایش بخش خصوصی. که هر چه جلوتر میرفتیم این بخش خصوصی بزرگتر میشد. بعد از اصلاح متمم اصل چهل و چهار، تنها مانع قانونی در واگذاری صنایع مادر وکلاً آن بخش از منابع و صنایع بزرگی که تنها در حیطه بخش دولتی اقتصاد بود، به بخش خصوصی برداشته شد. این حرکت از حیث مناسبات سرمایه داری، حرکتی در جهت برداشتن موانع از پیش پای سرمایه بود و در چارچوب همین مناسبات، مهم و پیشرو به شمار میرفت. بعد که رسیدیم به زمانیکه دولت احمدی نژاد و اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها که در واقع، کمر به برداشتن جهشی عملی در حرکت بسوی سرمایه داری پیشرفته تر و مدرن تر. چراکه، دولت گرایی جای خود را به خصوصی سازی و آزادسازی داده است. این در چهارچوب سرمایه داری یک تحول ناگزیر است و دیر یا زود واقع می شد. بعبارت دیگر، پدیده هدفمند کردن یارانه ها ناشی از تکامل نظام سرمایه داری در ایران است. یعنی سرمایه داری به این درجه از رشد و تکامل رسیده است که می خواهد حوزه های هر چه بیشتری از تولید و خدمات را از کنترل دولت خارج نموده و تبدیل به عرصه انباشت سرمایه بکند، در نتیجه سرنوشت رقابت، تجارت و تعیین قیمت را فقط در بازار معلوم سازد. و نه با اهرم هایی مانند بخشنامه های دولتی و غیره. حال اگر احمدی نژاد، دست به اجرای آن نمی زد، دیگری انجام میداد. و گفتیم که، بحثهای ابتدایی هدفمند کردن یارانه ها چه در دوران دولت هاشمی و بخصوص دولت خاتمی صورت گرفت ولی بدلیل فقدان اراده سیاسی لازم در حد حرف باقی ماند. تا اینکه دولت احمدی نژاد این طرح را اجرا نمود. حالا بماند که چه طیف کارشناسان دسته راستی از همونهایی که نزدیک به سایت تابناک بودند و چه بیرونی ها اینطور تلقی میکردند که این امر شدنی نیست و یکی از اقتصاد دانهای داخلی حتی سر شرافت حرفه ای شرط میندند که دولت شش ماهه طرح را پست میگیرد. بماند که چه افرادی از میان همین فعالین جنبش کارگری تحت تأثیر نظریات خورده بورژوازی تا روزهای آخر، اصرار داشتند که این طرح اجرا نمیشود. چراکه اگر بشود چنین میشود و چنان میشود. اما اجرا شد. من در مقاله گفتم که، " بنظرم بودن یا نبودن یارانه ها زیاد مهم نیست از این لحاظ که، نه عدم وجود این طرح موجب خوشبختی و سعادت کارگران و نه وجود آن به تنهایی مایه بدبختی است. بلکه آنچه که مهم است، اینکه این طرح چگونه اجرا می شود و آیا در زمان اجرا دولت طبق شعارهای خود (یعنی حمایت از دهکهای پایین جامعه) مصالح و منافع کارگران را در نظر می گیرد؟ و

همچنین در بخشی هم یاد آور شدیم که، خصوصی سازی و از بین بردن یارانه ها چتر حمایتی دولت را از سر کارگران بر می‌دارد و آن‌ها را در برابر سرمایه داران بی پناه بر جا می‌گذارد. اما این چتر حمایتی خودش مانعی برای متشکل شدن کارگران هم هست. اگر تشکلهای کارگری جای این چتر حمایتی دولتی را بگیرند، طبقه کارگر خیلی بهتر خواهد توانست از زندگی خود دفاع کند. بنابراین سیاست ما کارگران نمی‌تواند مخالفت با هرگونه کاهش نقش دولت باشد. مهم این است که ما بتوانیم ملزومات این امر را فراهم کنیم تا طبقه کارگر در جریان این تحول خانه خراب نشود چراکه، سهم طبقات مختلف اجتماعی در جریان این تحول هم مثل همه تحولات دیگر در درون نظام سرمایه داری توسط میزان سازماندهی و نیروی اجتماعی آنان تعیین می‌شود. و یه سری ملزومات که میتواند در صورت محقق شدن، هدفمند کردن یارانه ها منافع طبقه کارگر را تا حدود زیادی تامین مینماید و ما باید برای اجرا آنها مبارزه کنیم اینها هستند.

1- حق ایجاد تشکلهای کارگری و حق اعتصاب. کارگران باید بتوانند با تشکلهای خود و همچنین با اعتصاب از حقوق خود دفاع کنند. کارگر در مذاکره با کارفرما از موضع ضعیف اقتصادی برخوردار است که سبب اجحاف کارفرمایان به کارگران می‌شود. از طرف دیگر کارفرما می‌تواند هر زمان که دلش خواست سرمایه اش را از تولید بیرون بکشد و اعتصاب کند. کارگر نیز باید بدون ترس از زندان و مجازات از همان حق برخوردار باشد.

2- عدم دخالت دولت در تعیین دستمزد. حال که دولت قصد آزاد سازی قیمت‌ها را دارد کارگران هم باید بتوانند دستمزد خود را توسط نمایندگان کارگری، از تشکلهای مستقل کارگران و در شرایط برابر با کارفرما تعیین نمایند البته دولت هم در موسسات دولتی می‌تواند کارفرما باشد آنهم بشرط عادلانه بودن و در فضای عاری از تهدید می‌توان دستمزدها را تعیین نمود.

3- پرداخت بیمه بیکاری تا زمان اشتغال مجدد. در صورت اجرای این طرح ممکنست که تعدادی از کارخانجات ورشکسته گردند این از آن جهت مهم است که در اثر این رخداد تعدادی از کارگران بیکار می‌گردند لذا دولت باید به این کارگران بیمه بیکاری معادل با بالاترین سطح حقوقی شان تا زمان بدست آوردن شغل دیگری پرداخت نماید.

4- حضور نمایندگان تشکلهای کارگری در کمیسیون یارانه ها. مجلس شورای اسلامی توانسته است طرح یارانه ها را طوری تغییر دهد که میلیاردرها هم یارانه دریافت کنند. اما هدفمند کردن یارانه باید هدف حمایت از اقشار کم درآمد جامعه را داشته باشد. در حالی که نمایندگان کارفرمایان با تشکلهای خود و با لابی خود در مجلس هر قانونی را به هر شکلی که خود می‌خواهند تغییر می‌دهند، کارگران از کمترین امکان دخالت در روال امور برخوردارند. نمایندگان تشکلهای کارگری باید بتوانند با شرکت در کمیسیون یارانه ها در تصمیم گیری و نظارت بر اجرای آن حضور داشته باشند.

5- افزایش دستمزدها به تناسب تورم. اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها افزایش تورم را به دنبال خواهد داشت. میزان این افزایش مورد اختلاف است. اما هیچکس نمی‌تواند منکر شود که این افزایش تورم وضع زندگی کارگران را وخیم تر خواهد کرد. سیاست کنونی اعلام تورم سالانه جبران این خسارتهای را نمی‌کند. دستمزدها باید هر سه ماه یک بار با سطح تورم افزایش یابند و در این موضوع نیز نمایندگان تشکلهای مستقل کارگری باید حضور داشته باشند و با کمک اقتصاددانان طرفدار کارگران در تعیین نرخ تورم دخالت کنند و بانک مرکزی تنها مرجع اعلام نرخ تورم نباشد". رفیق من، شرح گفتن اینکه سرمایه داری در ایران چه دگرذیبی تاریخی را سپری کرده است تا کشیده شد به اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ،کافی بود تا عده ای مرا راست بخوانند. اینکه به من چه ربطی دارد که از تکامل سرمایه داری حرف می‌زنم. من کارگری هستم که باید فقط به سفره خودم فکر کنم. در صورتی که بنظر من ،اگرما کارگران در توضیح مناسبات اقتصادی و چرخه سرمایه داری، فقط به سفره مان فکر کنیم(سفره ای که بنا به غریزه کمی و زیادیش را با سپری و گرسنگی شکم احساس میکنیم و نه با منطق)،در معادلات اجتماعی، بی وزن وبی اثر خواهیم ماند. ازینرو براین باورم که طبقه کارگر برای اینکه خود را در عرصه بزرگتری نشان دهد که مورد احترام سایر طبقههای اجتماعی و سیاسی اقتصادی واقع شود، باید در نقد و توضیح مناسبات کلان جامعه ظاهر شود. تا دیدگاه غالب جامعه ما که به کارگر بعنوان انسانی بیسواد و دون مایه نگریسته میشود (اصولا در ایران کارگر بودن عار محسوب میشود و همه بدنبال میز هستند) برداشته شود.

دوست من، آیا مسائل گفته شده نشان دهنده موافقت رضا رخشان با طرح هدفمند کردن یارانه هاست. و یا بیان یکسری راهکارهای عملی جهت دفاع از منافع طبقه کارگر. اما اینها چه کرده اند؟ راستی جدا از محکوم کردن طرح و اینکه اجرا نمیشود و اگر طرح هدفمند کردن یارانه ها اجرا بشود، چه میشود؟ اینها حتی بر این باور بودن که پشت سر طرح هدفمند کردن یارانه ها، انقلاب است. با این حال، چه راهکار عملی که میتواند قطب نمایی برای تامین شدن منافع طبقه کارگر در زمان اجرای این طرح، ارائه نمودند؟ در زمانی که جناح دولت، در تقابل با سایر جناحهای رقیب، تمام حیثیت سیاسی خود را در گرو اجرای طرح مذکور گذاشته بود، برای یک فعال کارگری و یا کسی که خود را دوستدار منافع کارگران می‌داند چسبیدن به اینکه طرح یارانه ها نباید اجرا شود. مانند خرگوشیست که در جنگ فیلهها به جنابداری از دیگری برخیزد. ولی اگر میتوانستیم با درخواست یک سری مطالباتی که از جنبه پراتیک به کار آید، جهت بهبودی زندگی کارگری خود، بهتر میتوانستیم دفاع نماییم.

حالا همین بابا با پرونی مرا متهم می‌کند که در دفاع از احمدی نژاد راه افتاده ام و خودش درمورد تحریم. با نقل قول از سایت تابناک میگوید: اقتصاد این مملکت به گل نشسته، تحریمها آنرا تشدید کرده ولی علت ورشکستگی اقتصادی، "بی‌عرضگی و بی‌برنامگی" دولت است. به من می‌گوید به حرف تابناک آقای رضائی گوش کنم. کار را ببین که چنین جماعتی تحت نام کارگر به ما حمله می‌کنند.

این آقا با نقل قول از تابناک، که جدا از رقابتهای انتخاباتی که هر چه به سال آینده نزدیک میشویم تشدید میشود و یا درگیریهای جناحی،

این جماعت بخاطر اینکه دولت احمدی نژاد به اندازه کافی نئو لیبرال (لیبرالیسم اقتصادی) نیست میکوبند. جماعت تابناک تا امثال قالیباف خواهان انجام تمامی آزادسازیها در اقتصاد بودند بدون آنکه پولی به مردم پرداخت شود. همین الان، هم همینها جلوی اجرای افزایش پرداخت یارانه ها را گرفتند در ظاهر برای گریز از تورم اما تنها بخاطر اینکه پول بیشتری به توده مردم پرداخت نگردد. حالا یارو برای اینکه نشان دهد تحریمها بی اثر هستند و تنگناهای اقتصادی موجود را از زبان سایت تابناک بیعرضگی دولت معرفی میکند؟ واقعا خنده داره. اینها مرا احمدی نژادی میخوانند اما خودشان زیر چتر راست ترین جناحها قايم شده اند. از بدی روزگار خود را اپوزیسیون جای داده اند. تازه آنهم نوع پیش، اما با این حال از اقدام دولت سرمایه داری کانادا در قطع رابطه دیپلماتیکش با ایران به وجد می آیند. و هورا میکشند. بی پرنسبیبی تا چه حد؟ برای اینها، همیشه روزگار، دشمن دشمن، دوست بوده است. برگردیم به موضوع یارانه ها، هرچند که این جا، جای بازی آنها نیست چرا که قدشان به این بازی نمیخورد. تمامی دریافتشان از مناسبات اقتصادی و چرخش سرمایه در ایران به این حد سطحی و ساده انگارانه است که مثلا توکلی ویا علی مطهری، از ضعف و ناتوانی دولت احمدی نژاد سخن برانند و آنها هم مثل طوطی شیرین سخن آنرا بشکل خنده داری تکرار کنند تا صاحب خوش ببیاید. به راستی دریافت اینها از مناسبات اقتصادی در ایران چیست؟ اگر گفتیم که دولت نهم دولتی انبساطی بود. چراکه دریافتی های کارگران و بازنشستگان افزایش خیلی خوبی پیدا کرد. قدرت خرید کارگر افزایش پیدا نمود. از نظر اینا میشیم طرفدار دولت، مدافع سرمایه داری. اگر جواب تز، آنتی تز باشد اما رفتار این جماعت در مقابل تز، چیزی بیشتر از تهمت و لجن پراکنی نیست. چرا که آنتی تزی در آستین ندارند که رو کنند.

مثلا دوست من، کافی است کسی حرف بزند که کارگرها امروز بیشتر ماشین دارند، فوری می کنندش طرفدار احمدی نژاد. این خرده بورژواها نمی توانند بفهمند که در مملکتی سالانه بیش از یک میلیون ماشین در آن تولید می شود، کلی از خریدارهای همان ماشینها، کارگرها هم هستند. نخیر از نظر اینها باید جار بزنیم که ایران هم مثل هائیتی است و مردمش دسته دسته در حال مرگ از گرسنگی اند تا انقلابی باشیم. همین طرز تفکر است که در اروپا و کانادا می شود طرفدار دولت، آنجاها چون که بیشتر کارگرها ماشین دارند. به همین دلیل هم از پارلمانهای آنجاها کمک می خواهد تا اینجا انقلاب کنند. نمی توانند بفهمند یا نمی خواهند مردم بفهمند که افزایش قدرت خرید کارگرها برای خرید یک ماشین هم جزئی از همان روند استثمار است. آخر در زندگی شهری جدید مگر می شود بدون وسیله نقلیه سر کار رفت؟

اما از طرفی درین یک دوساله با افزایش تحریمها، کاهش درآمدهای نفتی، پایین رفتن ارزش پول ملی و غیره، تورم بشدت افزایش پیدا کرده به شکلی که قدرت خریدی که طبقه کارگر در دوران دولت نهم پیدا نموده بود، را بشدت از دست داده است. الان خرید همان خودرو هم برای کارگران بسیار سخت شده است چراکه با افزایش تورم قدرت خرید کارگربشدت آسیب دیده است.

اما تحریمها. دوست گرامی، در این سالیان گذشته موارد مختلفی از تحریمهای غرب بر علیه تعدادی از کشورها را شاهد بوده ایم. نظیر تحریمهای 50 ساله آمریکا بر علیه کوبا. ویا کره شمالی، عراق، لیبی و جدیدا هم ایران. با این همه خودت بهتر میدانی که، تحریمهای صورت گرفته به نقل از خود محافل سرمایه داری، حتی اگر تأثیرات کوچکی هم بر رفتار دولتها داشته، تنها تنبیه شدگان اصلی آن مردم هستند. البته مدیای سرمایه داری تنها از یک مورد تحریمهای موفق، انهم بر روی کشور افریقای جنوبی اسم می برند. هرچند به نظر من، مسئله افریقای جنوبی، یعنی مبارزه با آپارتاید از جنبه انسانی انقدر حقانیت داشت که پیروز شود. اما در مسئله هسته ای ایران، غرب از چه حقانیت انسانی و تاریخی نسبت به ایران برخوردار است؟ بیشترین زرادخانه های هسته ای در اختیار همین کشورهای تحریم کننده است. دو بمب اتمی که بر روی انسانهای بیگناه فرود آمد و از کشته ها، پشته ساخت، از سوی آمریکا، که سر دسته کلوب تحریم گران است. ویا مسئله اسرائیل که به باور همگان بیش از دو بیست کلاهدک هسته ای در اختیار دارد. آژانس بین المللی انرژی هسته ای کوچکترین نظارتی روی تاسیسات هسته ای اسرائیل ندارد. اما در مورد ایران حتی اگر سازمانهای اطلاعاتی خودشان هم بگویند که برنامه هسته ای ایران برای ساختن بمب اتمی نیست، حرفش را نشنیده می گیرند. اما برای سرمایه داری که حفظ هژمونی نظامی طفیلی خود، یعنی اسرائیل از همه چیز بالاتر است، با خطرناک خواندن برنامه هسته ای ایران، و با اعمال فشارهای اقتصادی و تحریمهای گسترده به ظاهر امر برای بازداشتن ایران از برنامه هسته ای خود، ولی در واقع به منظور فشار بر توده مردم و بخصوص کارگران و اقشار کم درآمد، بدنبال به عصیان کشانیدن توده هاهستند. لابد بهترین مدل آنها، عراق و لیبی و سوریه است. یاد این ضرب المثل افتادم که، رطب خوار منع رطب کی کند؟ با این حال، مقامات امریکایی خود معترفند که تحریمهایشان بر علیه ایران شدیدترین نوع تحریمهایی بوده است که بر روی کشوری تحمیل کرده باشند. انوقت یارو با نقل گزارش تابناک درصدد تقلیل این سیاست ویرانگر دولتهای جنگ طلب سرمایه داری برمی آید. اگر ذره ای زندگی کارگران و زحمتکشان ایران برای کسی ارزشمند باشد. و حتی اگر راست هم باشد، اما ذره ای آزاد منش باشد هیچگاه چراغ خاموش در کنار این پدیده ویرانگر، آرام رد نمیشود. اینها اما گویا که ته دلشان از رخدادهایی نظیر تحریم ویا جنگ احتمالی موافقتند. نمونه اش هم جریان معلوم الحالی که همین شخص به آن وابسته است و طرفدار ارتش آزادی سوریه است. پشت ارتش آزاد به سران مرتجع جهان عرب(نظیر دولت فاسد و سرکوب گر عربستان سعودی) و محافل دنیای سرمایه داری بین المللی وابسته است. چه تقارن نامیمونی. منافع سرمایه داری را میفهمم. اما منافع آنها را نه. فقط کسی که از نظر سیاسی کاملا فاسد شده باشد می تواند بپذیرد که با همراهی مراکز مرتجع قدرت و به قیمت نابودی هزاران و میلیونها انسان به اهداف خود برسد. دوست عزیزم، فکر میکنم حالا کمی بیشتر توانسته باشم اصل حرفم را بیان کنم. اوضاع امروزی که ما در آن هستیم حقیقتا باید مورد انتقاد خود ما واقع بشود تا بتوانیم جلو تر برویم. به نظرم می شود در همین قضیه تلخ تحریمها هم گامهای جدی برداشت و این انفعال فعلی را کنار گذاشت. برای ما کارگران این خیلی مهم است که این تحریمها برداشته شود. هم فشار بر زندگی روزمره کاهش پیدا می کند و هم با برداشته شدن فشار سنگین سیاسی و روانی تحریمها از روی جامعه و از روی مبارزه کارگران، امکان گام برداشتن برای رسیدن به حق و حقوق بیشتر راحت تر می شود. به همین دلیل هم فکر میکنم امروز تمامی انسانهای باسرف و دلسوز بشریت، که در اروپا ویا امریکا زندگی میکنند می توانند که با انجام کارزارهای گسترده ضدتحریم و ضدجنگ، وحشیگری و اعمال ضدانسانی سرمایه داری چه در وضع تحریمهای فلج کننده که تنها در راستای تنبیه کردن و ایجاد فشار بر روی زندگی ما کارگران است، را محکوم نمایند و صدای کارگران ایران را که، نه به تحریم و نه بجنگ را به گوش

جهانیان برسانند. امروز هرکسی که ذره ای به زندگی کارگران در ایران علاقه دارد، در ایجاد چنین کارزار تبلیغی، لحظه ای درنگ نمی کند.

ازینکه با صبر و بردباری نامه ام را مطالعه کردی بینهایت سپاسگذارم.
با آرزوهای رقیفانه

رضارخشان

کارگر اخراجی

25/6/1391

افزایش 35 درصدی قیمت خودرو در سایه گرانی دلار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 شهریور آمده است: رئیس اسبق صنف نمایشگاه داران و فروشندگان اتومبیل، با اشاره به اینکه قیمت خودرو از فروردین 1390 تا شهریور 1391 نزدیک به 35 درصد افزایش داشته است، گفت: محدودیت واردات، افزایش حباب گونه قیمت دلار و کاهش تولید داخلی از مهمترین عوامل افزایش قیمت خودرو بوده است. جلال ریخته گر قدیمی، در گفتگو با خبرنگار ایلنا، با بیان اینکه مهمترین عامل افزایش قیمت خودرو کاهش عرضه و باقی ماندن تقاضا در همان سطح قبلی است، افزود: افزایش قیمت خودرو ممکن است تا 5 درصد قیمت کنونی ادامه داشته باشد. وی با اشاره به اینکه تا حدودی افزایش قیمت خودرو طبیعی است، تاکید کرد: این افزایش قیمت ناگهانی باعث بوجود آمدن حباب در بازارهای نظیر سکه دلار و خودرو شده است.

این کارشناس بازار عدم مدیریت مناسب و بی توجهی مسئولین را موثر دانست و گفت: در صورت وجود مدیریت کارآمد امکان مقابله با این افزایش قیمت وجود خواهد داشت.

به گفته وی شرط ثابت ماندن قیمت خودرو توقف افزایش قیمت دلار و متوازن شدن میزان عرضه و تقاضای بازار است. براساس این گزارش، در پی افزایش قیمت دلار و سکه در یک ماهه اخیر قیمت خودرو نیز افزایش داشته است، بطورمثال قیمت برخی از خودروها بصورت زیر تغییر کرده است:

پژو 206 تیپ 6 اتوماتیک در ماه اخیر 29 میلیون تومان بوده است و همکنون 33 میلیون و 200 هزار تومان به فروش می رسد. لازم به ذکر است که پژو 207 دنده اتوماتیک 29 میلیون و 500 هزار تومان نیز با تفاوت قیمت چشمگیر یعنی 35 میلیون و 100 هزار تومان به فروش می رسد.

همچنین خودروهای تندر E1 و تندر E2 به ترتیب با قیمت های 17 میلیون و 19 میلیون تومان بوده است در حالی که در ماه قیمت روز آن ها به 17 میلیون و 700 هزار تومان و 20 میلیون و 700 هزار رسیده است.

قیمت پراید 131 اس ال، 10 میلیون و 800 هزار تومان بوده است که به 11 میلیون و 200 هزار تومان، تی با اس ایکس در ماه گذشته 12 میلیون و 800 هزار تومان و هم اکنون به قیمت 15 میلیون تومان به فروش می رسد.

همچنین مگان اتوماتیک 2000 سی سی با قیمت 42 میلیون و 500 هزار تومان بوده است و در حال حاضر با نرخ 44 میلیون و 500 هزار تومان به فروش می رسد.

اعتصاب رانندگان شرکت واحد کرمانشاه

رانندگان شرکت واحد کرمانشاه عدم پرداخت یارانه گازوئیل در طی یکسال اخیر و پایین بودن کرایه ها را از علل اصلی اعتصاب خود عنوان کردند. آنها همچنین از فرسوده بودن اتوبوس ها ابراز گلایه می کنند ...

به گزارش 25 شهریور کرمانشاه پست، رانندگان شرکت واحد کرمانشاه از صبح امروز شنبه دست به اعتصاب زدند. از سطح شهر خبر می رسد مسافران سرگردان شده و مسئولان برای جابجایی آنها تاکسی و ون ها را بکار گرفته اند.

ترافیک سنگینی نیز تا زمان ارسال خبر نقاط شلوغ، میدین و چهارراه های اصلی شهر را فرا گرفته است.

برپایه این گزارش، رانندگان شرکت واحد کرمانشاه عدم پرداخت یارانه گازوئیل در طی یکسال اخیر و پایین بودن کرایه ها را از علل اصلی اعتصاب خود عنوان کردند. آنها همچنین از فرسوده بودن اتوبوس ها ابراز گلایه می کنند.

عدم پرداخت حقوق کارگران صنایع فلزی ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 شهریور آمده است: حدود 600 نفر از کارگران مجموعه صنایع فلزی ایران حقوق ماه های اردیبهشت، تیر و مرداد خود را دریافت نکرده اند و در وضعیت اقتصادی نامناسبی قرار دارند.

حقوق چند ماه اخیر تعدادی از کارگران این مجموعه پرداخت نشده است. این در حالی است که پیش از این نیز بخش وسیعی از حقوق این کارگران در پی تجمعات مکرر آنان در مقابل نهادهای مختلف، سرانجام از سوی وزارت صنایع پرداخت شده بود.

همچنین به دلیل عدم پرداخت حق بیمه 150 تن از کارگران بازنشسته واحد 1 این مجموعه از سوی کارفرما، حکم بازنشستگی آنها صادر نشده و همچنان مجبور به کار در مجموعه هستند.

در همین رابطه پروین محمدی، یکی از کارگران بازنشسته صنایع فلزی ایران از عدم پرداخت 2 میلیارد تومانی سنوات بازنشستگان چند سال اخیر این مجموعه خبر داد.

این فعال کارگری ضمن تاکید بر عدم رابطه نوسانات بازار ارز با مشکلات این مجموعه، اظهار داشت: حوزه کاری مجموعه صنایع فلزی ایران به گونه ای است که رابطه ای با نوسانات بازار ارز ندارد.

اخراج رضا امجدی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی

بر اساس گزارش رسیده، به سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 25 شهریور آمده است: در تاریخ 24/4/91 رضا امجدی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی طی حکمی از طرف کارفرمایان مجتمع تجاری صدف در سنندج (آقایان امیر اسدی، دکتر حجازی، زانیار محمدی، رسول اکبری، عبدالکریم قریشی و خانم رعدی) بدون ذکر دلیل مشخصی از کار اخراج گردید.

لازم به ذکر است که رضا امجدی یکی از نخبه‌بانان مجتمع تجاری صدف در سنندج می باشد که حدود 7 سال است که در این مجتمع مشغول بکار می باشد. در طول این 7 سال نام برده به دلیل شرایط سخت و حساسیت ناشی از وضعیت بهداشتی محیط کار، دچار بیماری پوستی (اگزما) شده است. در این مجتمع 5 نخبه‌بان دیگر نیز مشغول به کار می باشند که هیچ یک از آنها نیز از حق و حقوقی که حتی قوانین نیم بند اداره کار برای کارگران در نظر گرفته است، برخوردار نیستند و در شرایط بسیار سختی مشغول به کار می باشند.

کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن اخراج رضا امجدی، خواستار بازگشت به کار فوری وی می باشد.

به آتش کشیدن کارگران در پاکستان!

بنا بر اخبار منتشر شده، در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 25 شهریور آمده است: روز سه‌شنبه 21 شهریورماه در پی آتش‌سوزی فاجعه‌آمیز در یک کارخانه‌ی پوشاک در شهر کراچی پاکستان حدود 300 کارگر زن و مرد، شامل تعداد زیادی کودک کار، جان خود را از دست دادند. بر اساس همین اخبار بنای این کارخانه، شامل یک ساختمان چهار طبقه و فاقد امکانات اولیه‌ی اطفای حریق، بدون وجود درب‌های خروج اضطراری و شامل فضایی تنگ و بدون امکان جابه‌جایی کارگران در مواقع اضطراری بوده است. بسیاری از کارگران بر اثر پرش از پنجره‌های ساختمان کارخانه جان باخته‌اند. تنها 1 روز پس از این فاجعه‌ی انسانی و در روز چهارشنبه 22 شهریورماه در پی آتش‌سوزی دیگر در کارخانه‌ی کفشی در شهر لاهور بیش از 25 کارگر جان باختند.

کمیته‌ی هماهنگی ضمن عرض تسلیت به خانواده‌ی کارگران جان‌باخته و کارگران پاکستان، سرمایه‌داران خارجی و داخلی و دولت سرمایه‌داری حامی آنان را مسبب این جنایت هولناک می‌داند که با هدف سودآوری بیش‌تر از رعایت ابتدائی‌ترین موارد ایمنی سر باز می‌زنند و در حقیقت به کشتار دسته‌جمعی کارگران دست زده و آنان را به آتش کشیدند!

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

عدم پرداخت حقوق 600 نفر از کارگران صنایع فلزی ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 شهریور آمده است: حدود 600 نفر از کارگران مجموعه صنایع فلزی ایران حقوق ماه‌های اردیبهشت، تیر و مرداد خود را دریافت نکرده‌اند و در وضعیت اقتصادی نامناسبی قرار دارند. به گزارش ایلنا، حقوق چند ماه اخیر تعدادی از کارگران این مجموعه پرداخت نشده است. این در حالی است که پیش از این نیز بخش وسیعی از حقوق این کارگران در پی تجمعات مکرر آنان در مقابل نهادهای مختلف، سرانجام از سوی وزارت صنایع پرداخت شده بود.

همچنین به دلیل عدم پرداخت حق بیمه 150 تن از کارگران بازنشسته واحد 1 این مجموعه از سوی کارفرما، حکم بازنشستگی آن‌ها صادر نشده و همچنان مجبور به کار در مجموعه هستند.

در همین رابطه پروین محمدی، یکی از کارگران بازنشسته صنایع فلزی ایران از عدم پرداخت 2 میلیارد تومانی سنوات بازنشستگان چند سال اخیر این مجموعه خبر داد.

این فعال کارگری ضمن تاکید بر عدم رابطه نوسانات بازار ارز با مشکلات این مجموعه، اظهار داشت: حوزه کاری مجموعه صنایع فلزی ایران به گونه ای است که رابطه ای با نوسانات بازار ارز ندارد.

۱۷ سپتامبر روز ارائه مانیفست ۸۰ درصدی ها در سوئد

در این تظاهرات شرکت کنیم

نابودی جامعه رفاه در سوئد شتابزده پیش می‌رود. در یک طرف عمیق‌تر شدن دره طبقاتی، کم شدن روزافزون امکانات اجتماعی، بیکارسازی و تحمیل فقر به بخش وسیع‌تری از مردم چهره زشتش را مینمایاند و در طرف دیگر فربه شدن هر چه بیشتر سرمایه داران. خصوصی سازیها که در واقع بخش عظیم سرمایه آن از جیب مالیات دهندگان تامین میشود. شرکتهای دست اندرکار با از پرداخت مالیات معافند و با مقدار ناچیزی میبردارند و کل جامعه را مورد هجوم قرار داده اند. بیمارستانها و مراکز نگهداری از سالخوردهگان به بخش خصوصی تحویل میشود.. روزی نیست که در مطبوعات در مورد مرگ انسانها بر اثر کمبود امکانات در این مراکز خبری منتشر نشود. کل سیستم درمانی به ماشین سود دهی سرمایه داران تبدیل شده است. برای سود دهی بیشتر کارکنان این مراکز اخراج میشوند و آنان که باقی میمانند باید با تحمل حجم و شدت کار بیشتر مهر سکوت بر لب بزنند تا بیکار نشوند. بخش ترافیک، مدارس، کارخانه ها و در واقع کل جامعه از این هجوم در امان نمانده. بیمه های عمومی، اجتماعی تا آنجا تقلیل یافته که فقر و بی خانمانی وسعت بی سابقه ای یافته است. قشر وسیعی از کارگران خدمات خانگی پدید آمده که بخشی از آنها زنانی هستند که در آرزوی دستیافتن به زندگی انسانی تر به سوئد آمده اند و در اینجا به کارگران خانگی برای ثروتمندان تبدیل شده اند. سرمایه داران یا در بازار سیاه از آنان همچون برده سکس و کارگر خانگی استفاده میکنند و یا در بهترین شکل در بازار سفید در ازای مزدی ناچیز که به این کارگران خانگی میدهند از پرداخت بخشی از مالیات معاف میشوند. تلخی این پدیده در این است که مدت زیادی از دورانی نمیگذرد که داشتن کارگر خانگی برای کسانی که از توانائی معمول جسمی برخوردارند در سوئد ممنوع شده بود و جریانات مدافع حقوق زنان به درستی اینرا دستاوردی برای زنان میدانستند. در واقع در طول تاریخ این بیشتر زنان بوده و هستند که مورد این نوع استثنای و بردگی قرار میگیرند. سیستم سرمایه داری با وقاحت و شتابزده دستاوردهائی که مردم در یک شرایط تاریخی خاص بدان دست یافته اند را به یغما میبرد.

طبق آمار رسمی ۸۰ درصد مردم سوئد مخالف سودبری سرمایه، از سیستم امکانات رفاه اجتماعی هستند. روز ۱۷ سپتامبر، روز اعتراض عمومی مردم سوئد بر علیه این هجوم گسترده به رفاه اجتماعی است. روز ارائه مانیفست ۸۰ درصدی ها در سوئد بر علیه وابسته کردن امکانات و رفاه اجتماعی به منافع سرمایه است.

اواخر سال ۲۰۱۱ گروه‌های مختلف چپ و سوسیالیست در سوئد، مبارزان متشکل در نهادها و فعالین مستقل و فعالین اتحادیه ای که عمدتاً

متعلق به بدنه اتحادیه ها هستند خود را در یک شبکه همکاری تحت عنوان شبکه "جامعه رفاه، نه سودبری سرمایه" متشکل کردند و تا به حال اعتراضات متعددی را سازمان داده اندو اکنون تظاهرات ۱۷ سپتامبر را فراخوان داده اند.

شورای - استکهلم که یکی از اعضای شبکه "جامعه رفاه، نه سودبری سرمایه" است از شما دعوت میکند که در این تظاهرات و مانیفست بر علیه هجوم سرمایه به رفاه اجتماعی شرکت کنید.

دوشنبه ۱۷ سپتامبر ساعت ۱۷-۱۸ در مرکز شهر استکهلم - سرگل توری سخنرانی و موزیک اجرا میشود و سپس بطرف مینت توریت پارلمان راهپیمائی میکنیم ، در مینت توریت یک پارلمان خیابانی، مردمی به همکاری گروه تاتر تربیونال، برگزار میشود.

رفاه اجتماعی حق مسلم انسانی است.
زنده باد سوسیالیسم، رفاه و آزادی. نابود باد کاپیتالیسم
شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

www.shora.se shoraye1@gmail.com tel : Mobil:0728379451

کارگران شرکت سازه پاد اعتصاب کردند

بنا بر خبر دریافتی، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در تاریخ 26 شهریور آمده است : کارگران شرکت سازه پاد در پالایشگاه فاز 12 کنگان در اعتراض به 2 ماه حقوق معوقه خود ، صبح روز شنبه 25 شهریور 91 به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند. با وعده مدیریت شرکت مبنی بر پرداخت حقوق تا چند روز آینده کارگران بعد از یک ساعت سر کارشان رفتند. تعداد کارگران اعتصابی حدود 100 نفر بوده اند.

اعتصاب رانندگان شرکت واحد کرمانشاه

ه نوشته خبرگزاری کرمانشاه پست در 26 شهریور آمده است : رانندگان شرکت واحد کرمانشاه از صبح امروز شنبه دست به اعتصاب زدند.

از سطح شهر خبر می رسد مسافران سرگردان شده و مسئولان برای جابجایی آنها تاکسی و ون ها را بکار گرفته اند. ترافیک سنگینی نیز تا زمان ارسال خبر نقاط شلوغ ، میادین و چهارراه های اصلی شهر را فرا گرفته است.
رانندگان شرکت واحد عدم پرداخت پارانگازوئیل در طی یکسال اخیر و پایین بودن کرایه ها را از علل اصلی اعتصاب خود عنوان کردند . آنها همچنین از فرسوده بودن اتوبوس ها ابراز گلایه می کنند.

یک هفته با کارگران/ بیماری فعالان کارگری زندانی، حقوق معوقه و اخراج کارگران

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 26 شهریور آمده است : جامعه کارگری در حالی به پایان تابستان نزدیک می شود که حقوق معوقه، تعطیلی کارخانجات اخراج از کار و بیماری فعالان کارگری زندانی مهمترین رویدادهای این هفته اش بود.
بازگشایی مدارس نزدیک است و کودکان و فرزندان کارگر که بسیاری از آنان امکان حتی یک روز مسافرت را نداشته اند برای رفتن به مدرسه آماده می شوند. بازگشایی مدارس اندوهی دیگر بر دوش کارگران می افزاید. از هزینه های نوشت و افزار گرفته تا هزینه های حمل و نقل. هزینه نوشت افزار ضروری برای یک دانش آموز حدود ۱۵۰ هزار تومان است، بنابراین تهیه نوشت افزار برای خانواده های کارگری که دو دانش آموز دارند تقریباً تمامی درآمد یک ماه آنان را می بلعد.
اما درد فزون تر این است که این تنگناهای معیشتی و مصائب جامعه کارگری جایگاه پررنگی در کنش های فعالان سیاسی ندارد، اگر نگوییم هیچ جایگاهی در کنش های آنها ندارد. آنهایی که گاهی تریبون نصیب شان می شود، در میان سخنان شان هیچ نشانی از اعتراض به این تنگناهای معیشتی و دشواری های زیستی بخش اعظمی از مردم نیست. آیا تعطیلی پتروشیمی اصفهان و بیکار شدن پانصد کارگر، به اندازه یک دهم تعطیلی سفارت ایران در کانادا حساسیت فعالان سیاسی را برانگیخته است؟

بیماری فعالان کارگری زندانی و ممانعت از درمان آنها

برخی از فعالان کارگری زندانی با شرایط سخت بیماری در زندان مواجه هستند و مسئولین برای اعزام آنها به بیمارستان و انجام معاینات پزشکی و درمانشان همکاری های لازم را انجام نمی دهند.
محمد جراحی، فعال کارگری در بند است که مسئولین زندان تبریز از اعزام وی به بیمارستان جهت درمان سر باز می زنند. جراحی دچار عارضه بیماری از ناحیه گردن می باشد و طبق گفته های پزشک باید برای تشخیص نوع بیماری نمونه برداری شود که تا کنون مسئولین زندان از این امر ممانعت به عمل آورده اند و فقط با سی تی اسکن موافقت کرده اند.
محمد جراحی از اعضای سندیکای کارگران نقاش است که در دی ماه سال ۱۳۹۰ برای اجرای محکومیت خود بازداشت شده بود. از سوی دادگاه انقلاب به ۵ سال و شش ماه زندان محکوم شده بود.
رضا شهابی نیز در زندان با دردهای ناشی از بیماریش مواجه است. کمیته دفاع از رضا شهابی در آخرین اطلاعیه خود گزارش داده است که سلامتی اش بدنبال انتقال دوباره وی به زندان در خطر است.
این کمیته اعلام کرده است: رضا شهابی که پس از انجام عمل جراحی سنگین دیسک گردن و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر لزوم دست کم ۲ ماه استراحت در منزل و عدم توان تحمل کیفر راهی بند ۳۵۰ زندان اوین شد، دچار مشکلات جدی شده است؛ به نحوی که جای عمل روی گردن چرک و عفونت کرده و کتف ها و دست راست او به شکل آزار دهنده ای درد می کند. شرایط جسمی رضا به حدی وخیم شده است که حال عمومی او نسبت به قبل از عمل بسیار بدتر است و خطر آسیب رسیدن به بافت های عصبی و نخاعی به دلیل عفونت وی را تهدید می کند.

علیرضا عسگری فعال کارگری در بند نیز از بیماری های متعددی رنج می برد. بیماری مزمن و حاد روده، آسیب دیدگی شدید لگن و مهره های تحتانی کمر، ناراحتی قلبی که بیشتر اوقات دست چپ او را تحت تاثیر قرار داده و بی حس می کند، کم خونی شدید که غالباً او را می آزارد و حتی ایستادن را برای او سخت می کند و بیماری های پوستی (قارچ و دمل های چرکین زیر پوستی) که خارش بسیار

آزاردنده‌ای دارد، از جمله مشکلاتی است این فعال کارگری در بند با آن مواجه است؛ که ضرورت رسیدگی و معالجه جدی و فوری را در مراکز ویژه درمانی می‌طلبد. کادر پزشکی زندان نیز با توجه به وخامت حال علیرضا عسگری و نبود امکانات لازم جهت معالجه او در زندان، اعزام هر چه سریع‌تر وی را به مراکز درمانی جهت انجام معالجه‌های مربوطه و عمل‌های جراحی لازم و ضروری دانستند اما تا کنون هیچ گونه اقدامی از طرف کارگزاران مربوطه جهت رسیدگی به وضعیت وخیم ایشان صورت نگرفته است. عسگری قبل از دستگیری و بازداشت حال عمومی مناسبی داشته است و این خود سندی محکم بر اعمال فشارهای شدید جسمی و روانی بر او و شرایط بد نگهداری‌اش است. این فعال کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری است که در حمله نیروهای امنیتی و نظامی به مجمع سالیانه این تشکل کارگری در خردادماه گذشته به همراه جمع زیادی از فعالان کارگری دیگر بازداشت شده است و از آن زمان تا کنون در زندان به سر می‌برد.

محکومیت فعالان کارگری

در هفته گذشته فرزاد احمدی فعال کارگری اهل سنندج به زندان محکوم شد. شعبه یکم دادگاه انقلاب اسلامی سنندج فرزاد احمدی را به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به نفع یکی از گروه‌های مخالف، به تحمل ۴ ماه حبس تعزیری محکوم کرد. احمدی در اوایل تیرماه سال جاری بازداشت و پس از سپری کردن مدتی در بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی، اخیراً به زندان مرکزی سنندج منتقل شده است. این فعال کارگری سال گذشته نیز به اتهام اقدام علیه امنیت مدتی را در زندان به سر برده بود.

در شهر شوش نیز شهناز سگوند، همسر علی نجاتی فعال کارگری زندانی، پس از احضار به شعبه ی دوم دادبایر دادگاه شوش در روز دوشنبه بیست شهریور، به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق ارتباط و مصاحبه با رادیوهای بیگانه و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، محاکمه شد. شهناز سگوند موقتاً تا صدور حکم دادگاه، با قید کفالت آزاد گردید. این در حالی است که ایشان تنها به تشریح وضعیت بد جسمی همسرش علی نجاتی پرداخته بود. علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نی شکر هفت تپه است که به علت فعالیت سندیکایی از کار اخراج شد و به یک سال زندان محکوم شده است. نجاتی از مشکل حاد قلبی رنج می‌برد.

تجمع اعتراضی کارگران و معلمان

در هفته گذشته بخشی کارگران کشورمان مجبور شدند در اعتراض به پایمال شدن حقوق شان تجمع اعتراضی برگزار کنند. کارگران کارخانه قند اهواز، در اعتراض به عدم دریافت ۱۸ ماه از حقوق خود، در مقابل اداره صنعت، معدن و تجارت استان خوزستان واقع در امانیه اهواز تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارگران قند اهواز با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار رسیدگی مسئولان استان خوزستان به مشکلات خود شدند.

در تجمع دیگری، کارکنان کارگزاری مخابرات روستایی استان‌های آذربایجان غربی، همدان و کردستان، برای چندمین مرتبه در ماه‌های اخیر در مقابل مجلس تجمع کردند. این کارگران از سال ۸۸ تا کنون از داشتن بیمه و فرار دادکاری محروم هستند و در حال حاضر در حالت تعلیق به سر می‌برند. خواسته این کارگران این است که در چهارچوب قانون کار با آنها قرارداد انعقاد شود. گویا تحقق چنین خواسته‌ای برای سپاه که بخش اعظمی از سهام مخابرات را خریده است، دشوار خواهد بود!

در رخداد اعتراضی دیگر که کلمه گزارش کرده بود معلمان مناطق مختلف همدان نیز مقابل سازمان آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند. خواسته‌ی اصلی این اجتماع حدوداً ۱۰۰ نفری عنبرخواهی سازمان از اعلام غیرواقعی افزایش ۱۵ درصدی حقوق کارمندان و ایجاد شرایط مناسب رفاهی برای معلمان با توجه به تورم واقعی اقتصاد کشور بود.

معلمان معترض حدود دو ساعت در پیاده‌رو خیابان فرهنگ (محل سازمان آموزش و پرورش استان همدان) تجمع کردند و سپس حسنی محتشم مدیر کل آموزش و پرورش به همراه معاونین خود معلمان را به داخل محوطه دعوت کرد و از آنها خواست به سالن اجتماعات بروند تا طرفین صحبت‌های همدیگر را بشنوند، که این درخواست با مخالفت حاضران روبه‌رو شد و در همان محوطه باز سازمان بر زمین نشستند. حسنی محتشم در سخنان خود دوره ریاست حاجی بابا را پرافتخارترین دوره آموزش و پرورش خواند و مدعی شد که در هیچ دوره‌ای تا این حد به شأن و مقام معلم اهمیت داده نشده است. که این اظهارات با اعتراض حاضران مواجه شد و چند تن از معلمان به اظهار نظر در مورد آمار و گزارشات صوری و کذب که در تمام وزارتخانه‌های دولت‌های نهم و دهم به صورت امری عادی درآمده پرداختند. فیلمبرداری از تجمع‌کنندگان توسط نهاد‌های امنیتی موجب اعتراض معلم‌ها شد. یکی از نمایندگان معلمان هم در پایان به حسنی محتشم یادآور شد در صورتی که فقط یک نفر از همکاران حاضر در تجمع به هر صورتی مورد احضار و بازخواست قرار گیرد یا خواسته‌های معلمان به دست فراموشی سپرده شود این قبیل تجمعات در آینده‌ی نزدیک و شدیدتر از وضع فعلی ادامه خواهد داشت.

اخراج کارگران و مرخصی‌های اجباری بدون حقوق

در هفته گذشته شهرداری شهرستان ایذه ۲۰۰ کارگر روزمزد و قرارداد موقت خود را بیکار کرده است. این افراد کارگران خدمات و فضای سبز شهرداری شهرستان ایذه بودند که با حضور شهردار جدید این شهر کار خود را از دست داده‌اند. به گفته کارگران اخراجی شهر دار جدید قصد دارد با اخراج کارگران با سابقه نیروهای جدید استخدام کند. حقوق کارگران شهرداری ایذه با میانگین سه ماه تاخیر به آنان پرداخت می‌شود و همه این کارگران اخراجی سه ماه حقوق معوقه طلب دارند.

در خرم آباد نیز ۱۴۰ کارگر کارخانه "فرو آلیاژ" از کار اخراج شدند. با اتمام قرارداد پیمانکار کارخانه فرو آلیاژ ۱۴۰ کارگر با سوابق کاری یک ماه تا چهار سال بیکار شده‌اند. این در حالی است که شغل این کارگران جنبه دائمی دارد و اصل وجود پیمانکار در مشاغل دائمی غیر قانونی است و کارفرما می‌باید به صورت مستقیم با کارگران قرارداد امضا کند. نفس وجود پیمانکار به عنوان دلال نیروی انسانی در مشاغلی که جنبه مستمر دارند به نوعی فرار از مسئولیت‌های قانونی کارفرما در قبال کارگران است. عدم نظارت دولت بر نحوه استخدام نیروی کار واحدهای تولیدی و واگذاری بخشی از وظیفه جذب کارگران کارخانجات بزرگ به پیمانکاران تبعات جبران ناپذیری را برای نیروی کار به همراه دارد، و موجب می‌شود که کارگران پس از مدتی تجربه اندوزی و سابقه کار به راحتی از کار اخراج شوند.

در اهواز نیز بیش از ۲۸۰ کارگر شرکت کیسون، پیمانکار قطار شهری اهواز به جهت مشکلات مالی برای مدت نامعلومی به مرخصی اجباری فرستاده شده‌اند. دلیل مرخصی این کارگران کمبود منابع مالی این شرکت اعلام شده که باید از سوی شرکت قطار شهری اهواز تامین شود. شرکت کیسون از فروردین ماه سال جاری حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده و همچنین در پرداخت سنوات حقوقی ۲۰۰ نیروی کار حراست این کارگاه و افزایش حقوق سال ۹۱ این کارگران کوتاهی کرده است. کارگران نگرانند که مرخصی اجباری نیروهای بومی شرکت کیسون مقدمه اخراجشان باشد.

و در کرج نیز تعداد ۷۰ کارگر شرکت قارج ملارد اخراج شدند. اکثر کارگران اخراجی دارای ۱۳ تا ۱۵ سال سابقه کار بودند. قارج ملارد به عنوان یکی از واحدهای بزرگ تولید قارج و کنسرو قارج کشور در وقوع اختلاس در آن و تعویض مدیریت وارد بحران شد. مدیر عامل جدید به بهانه غیرقانونی بودن قرارداد سفید امضاء، از کارگران خواست که قراردادهای قبلی را ملغی کنند تا با آنها قراردادهای مدت دارد منعقد گردد. در این میان با بسیاری از کارگران دیگر قراردادی جدید بسته نشد و برای تعدادی نیز ترک کار زده شد. این نحوه برخورد کارفرما باعث شد تا کارگران اخراج شده نتوانند از بیمه بیکاری استفاده کنند. اکنون کارگران با قراردادهای شش ماهه کار می‌کنند. قرارداد شش ماهه موجب می‌شود که تا کارگران نتوانند از مزایای فرصت طرح طبقه بندی مشاغل استفاده کنند و همیشه حقوق آنان در سطح حداقل دستمزد باقی می‌ماند.

گرانی روزافزون و حقوق معوقه

هفتصد کارگر نساجی مازندران شامل کارخانجات تلار، گونی بافی، طبرستان و چند واحد دیگر بیش از ۲۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. در دو دهه گذشته هزاران نفر در این کارخانجات مشغول به کار بودند که به مرور بخش زیادی از آنها از کار اخراج شدند و امروزه این کارخانجات تنها ۷۰۰ کارگر دارد که آن هم بیش از ۲۵ ماه است که از دریافت حقوق محروم مانده‌اند. در طی این سالها این کارگران بارها از طریق تجماعت و نامه نگاری های صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین رساندند. اما گویا هیچ گوش شنوایی در این میان نیست تا به داد آنها برسد و مشکلات این واحد تولیدی را حل کند. این واحد تولیدی در اختیار بانک ملی بود و در زمان مدیریت خاوری، متهم اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، بر بانک ملی به یک فرد ترکیه ای واگذار شده است. کارگران شهاب خودرو نیز ماه هاست که حقوق بیکاری دریافت نکرده اند. بیش از ۶۵۰ کارگر پیمانی مجموعه شهاب خودرو در آغاز امسال بیکار شده بودند. اکنون پس از گذشت شش ماه از سال هنوز بیمه بیکاری خود را دریافت نکرده‌اند. همچنین بسیاری از کارگران رسمی که موعد بازنشستگی آن‌ها فرا رسیده است همچنان در مجموعه مشغول به کارند و حکم بازنشستگی آنان صادر نمی‌شود. کارخانه شهاب خودرو زیر نظر آستان قدس رضوی فعالیت می‌کند و این کارگران بدلیل عدم موافقت آستان قدس رضوی با حکم شورای تامین مبنی بر توانایی این مجموعه برای به کارگیری دوباره این کارگران، با اتمام قرارداد موقت کاری‌شان در فروردین ماه امسال بیکار شده بودند.

در اهواز نیز کارگران کارخانه قند اهواز ۱۸ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. این کارخانه زمانی بالغ بر ۲۵۰ تن قند و شکر در روز تولید می‌کرد. در سالها اخیر دولت با پایین آوردن تعرفه وارداتی شکر موجب شد تا این ماده به شکل بی رویه ای توسط نهادهای شبه دولتی به کشور وارد شود. این واردات به حدی بود که کارخانه قند اهواز عملن به ورشکستگی رسیده است. این کارخانه با ایجاد بیش از ۵۰۰ فرصت شغلی مستقیم و اشتغال ۲ هزار نفر به صورت غیر مستقیم یکی از کارخانه‌های مهم و استراتژیک اهواز محسوب می‌شود که امروزه در حالت تعطیل کامل به سر می‌برد. اکنون نیز مالکیت این کارخانه میان بانک های ملت و ملی و وزارت صنایع سرگردان است. هیات مدیره منصوب وزارت صنایع نیز چندی پیش از دادگاه حقوقی اهواز درخواست اعلام ورشکستگی این کارخانه را کرده است. به علت عدم دریافت حقوق کارگران کارخانه قند اهواز از لحاظ معیشتی دچار مشکل شدند و دفتر چه‌های بیمه درمانی آنان نیز فاقط اعتبار است. سازمان تامین اجتماعی از دریافت لیست بیمه کارگران کارخانه قند بدون دریافت پول خوداری می‌کند که این عمل خلاف قانون تامین اجتماعی است.

توقف برخی از خطوط تولید خودرو در ایران به دلیل نبودن قطعه

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 26 شهریور آمده است: محمدرضا نجفی‌منش گفت: «افزایش نرخ ارز، قیمت مواد اولیه و همچنین عدم پرداخت تسهیلات به قطعه‌سازان، همانند تحریم داخلی عمل کرده و عامل اصلی افزایش قیمت انواع خودرو در بازار است.» وی افزود: «تنها پنج درصد از مشکلات تولید قطعات خودرو به دلیل تحریم‌های خارجی است و ۹۵ درصد دیگر به دلیل تحریم داخلی است.»

در حالی که معاون وزیر صنعت ایران از توقف برخی از خطوط تولید خودرو به دلیل نرسیدن قطعه خبر داده است، دبیر انجمن قطعه‌سازان می‌گوید وضعیت قطعه‌سازان، به دلیل عدم حمایت دولت و تعلق نگرفتن تسهیلات به آنها دچار بحران شده است. در کنار این اظهارات، دبیر انجمن قطعه‌سازان نیز می‌گوید بخش قطعه‌سازی بیش از هر چیز به دلیل به گفته وی «تحریم داخلی»، دچار بحران شده که این مسئله، افزایش قیمت خودرو را به همراه داشته است.

محمدرضا نجفی‌منش گفت: «افزایش نرخ ارز، قیمت مواد اولیه و همچنین عدم پرداخت تسهیلات به قطعه‌سازان، همانند تحریم داخلی عمل کرده و عامل اصلی افزایش قیمت انواع خودرو در بازار است.» وی افزود: «تنها پنج درصد از مشکلات تولید قطعات خودرو به دلیل تحریم‌های خارجی است و ۹۵ درصد دیگر به دلیل تحریم داخلی است.»

نجفی در ادامه با اظهار این که بخش قطعه‌سازی به دلیل «عدم حمایت دولت در پرداخت تسهیلات» دچار «کمبود نقدینگی» شده است، توضیح داد: «بانک‌ها از پرداخت تسهیلات به قطعه‌سازان خودداری می‌کنند.»

اشاره دبیر انجمن قطعه‌سازان به کمبود نقدینگی بخش قطعه‌سازی در حالی مطرح شده است که ششم شهریورماه، یک عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس ایران، از اختصاص وام میلیاردی به دو شرکت خودروسازی «ایران خودرو و سایپا» به منظور «جلوگیری از بیکاری کارگران شرکت‌های قطعه‌سازی» خبر داده بود.

اظهارات متضاد دو معاون وزیر صنعت در خصوص قیمت خودرو در عین حال در حالی که جواد تقوی تأکید دارد که «تاکنون افزایش قیمت هیچ خودرویی در کمیته خودرو مصوب نشده است»، محسن صالحی‌نیا، دیگر معاون وزیر صنعت، افزایش قیمت خودروها را تأیید می‌کند. تقوی ۲۴ شهریورماه به مهر گفت که متعاقب نرسیدن قطعه، خط تولید برخی خودروها متوقف یا کند شده است تا، به گفته وی، خودروسازان بتوانند به تعهدات خود در قبال خودروهای فروخته شده به موقع عمل کنند و «بازار دچار افزایش قیمت نشود». این در حالی است که محسن صالحی‌نیا ۲۵ شهریورماه در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، در اظهاراتی کاملاً متضاد، از افزایش قیمت خودرو خبر داد و بخشی از این افزایش قیمت را به کاهش عرضه خودرو نسبت داد. وی با این حال تأکید کرد که از «مهرماه امسال» روند کاهش تولید خودرو «متوقف» می‌شود و قیمت خودرو به حال «عادی» باز می‌گردد.

رئیس پیشین صنف نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودرو می‌گوید قیمت خودرو در ایران در طول ۱۸ ماه «نزدیک به ۳۵ درصد» افزایش داشته است.

جلال ریخته‌گر قدیمی ۲۴ شهریورماه در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا با اظهار کرد که قیمت خودرو از فروردین ۱۳۹۰ تا شهریور ۱۳۹۱ «نزدیک به ۳۵ درصد» افزایش داشته است و افزود: «محدودیت واردات، افزایش قیمت دلار و کاهش تولید داخلی از مهم‌ترین عوامل افزایش قیمت خودرو بوده است.»

انجمن خودروسازان ایران مردادماه اعلام کرده بود که تولید خودرو در ایران طی سه ماهه اول سال جاری ۳۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته است.

شکست "طرح بهسازی قراردادهای کار" / پرونده شرکتی‌ها با 50 هزار نفر بسته شد!

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 26 شهریور آمده است: با اینکه در یکی دو سال اخیر تبلیغات فراوانی به منظور حذف دلالت و واسطه‌گران بازار کار صورت گرفت، اما از میلیون‌ها کارگر و نیروی دارای قرارداد موقت و غیردائم، تنها به وضعیت 50 هزار نیروی شرکتی رسیدگی شد!

ساماندهی نیروهای شرکتی و تبدیل قرارداد بخشی از نیروی کار شاغل در بدنه دستگاه‌های دولتی و سازمانها؛ موضوعی است که در دو سه سال اخیر از سوی دولت مطرح و دنبال شده است.

هم اکنون بالغ بر 10 میلیون نفر بیمه شده در کشور مشغول به کار در بخش‌های مختلف از جمله بنگاه‌ها و واحدهای مختلف دولتی هستند که مشمول قانون کار محسوب می‌شوند و باید تحت شمول این قانون قرار گیرند.

به صورت کلی هم اکنون حداقل 85 درصد کل قراردادها در بازار کار کشور به صورت موقت منعقد می‌شود و طی یک دهه اخیر اینگونه قراردادها جای خود را حتی در جذب نیروی مورد نیاز در بدنه دولت نیز باز کرده است و امروز درصد قابل توجهی از شاغلان دولتی کشور نیز به صورت قراردادی، پیمانی و عناوینی از این دست مشغول به کار هستند.

85 درصد بازار کار؛ قرارداد موقت است

از دهه 70 به بعد بنگاه‌هایی در کشور تحت عناوین تامین نیروی انسانی مورد نیاز دستگاه‌های دولتی شکل گرفت که بعدها عنوان شد دولت در آن زمان با هدف برون‌سپاری و واگذاری امورات به بخش خصوصی این اقدام را انجام داده است. با این حال، ارتباط شرکت خصوصی به عنوان کارفرمای واسطه بین دولت و نیروهای شرکتی باقی بود.

پس از وعده‌ها و اظهارات فراوان مقامات دولتی و بیانات شعارگونه مانند اینکه دولت می‌خواهد بساط واسطه‌گری را از بازار کار برچیند و یا اینکه وجود واسطه بین نیروی کار و کارفرمای اصلی بی‌معنا است و اگر کارفرما نیرویی نیاز دارد خود می‌تواند نسبت به جذب آن اقدام کند؛ مباحث مختلفی در چند سال اخیر مطرح و شکل جدی به خود گرفت.

پس از آن نیز به سرعت راه هیئت وزیران را پیمود و در قالب دستورالعمل و ابلاغیه خودنمایی کرد. اما طرح این مسئله که فی‌نفسه مورد اقبال و نیاز بازار کار بود و تقریباً مورد توجه همه نیروهای قراردادی کشور قرار گرفت، خیلی زود دچار تغییرات متعدد و تفسیر گوناگون شد.

این مسائل و برداشت‌های متفاوت از برنامه دولت باعث شد تا برخی اختلافات و مشکلات نیز بین کارگران و کارفرمایان شرکتی به وجود آید. پس از آن نیز اعلام شد که هدف دولت تبدیل قرارداد همه نیروهای شاغل در بخش شرکتی نیست و تنها افراد دارای تحصیلات عالی و متخصص تبدیل وضعیت می‌شوند.

تفکیک مشاغل تخصصی از جمعی

همچنین مطرح شد که نیروهای به اصطلاح جمعی و یا در مشاغلی که نیاز به کسب مهارت ویژه ای مانند چاپ و تکثیر، حمل و نقل، نگهداری فضای سبز و مواردی از این دست است، باید مانند سابق به همکاری خود با کارفرمای خصوصی ادامه دهند و اساساً مورد نظر دولت در طرح تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی نیستند.

اینگونه موارد و اصلاحات فراوان از برنامه اولیه دولت باعث شد تا رفته رفته مجلس نیز نسبت به هدف دولت موضع متفاوتی بگیرد و در نهایت نیز چندماه پیش رئیس مجلس با اعلام 7 ایراد قانونی از مصوبات مجلس در اینباره، آن را ابطال و فاقد ارزش اجرایی خواند.

متأسفانه باید گفت مواردی که از ابتدا توسط دولت مطرح شده بود با تغییرات فراوانی در مسیر اجرا مواجه شد تا اینکه نه تنها میلیون‌ها کارگر قراردادی به این نکته برسند که هدف دولت از بهبود قراردادها آنها نیستند، بلکه برخی مقامات دولتی نیز کمی بعدتر اعلام کردند که تنها حدود 50 هزار نفر نیروی شرکتی شاغل در بدنه دولت مشمول مصوبه بوده‌اند و با تغییر قراردادها، عملاً پرونده نیروهای شرکتی بسته شد!

عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش تر اعلام کرده بود که آنچه مدنظر دولت در این خصوص بود انجام شده است و تبدیل وضعیت 50 هزار نیروی شرکتی شاغل در بدنه دولت به پایان رسید و بقیه مباحث موجود در این بخش، ناشی از سوء برداشت از مصوبه دولت است.

تجمع معلمان مقابل مجلس

به گزارش جام جم آنلاین، در 26 شهریور آمده است: جمعی از مربیان، معلمان و حق التدریسی های وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار استخدام در این وزارتخانه هستند.

براساس این گزارش، این عده از معلمان که سابقه تدریس در وزارت آموزش پرورش را دارند طی روزها و ماههای گذشته هم مقابل مجلس تجمع کرده بودند. تجمع کنندگان که تعدادشان به حدود 50 نفر می رسد همگی زن بوده و از شهرهای مختلف خود را مقابل مجلس رساندند. مجلس هشتم قانونی را برای استخدام معلمان در وزارت آموزش و پرورش تصویب کرد که بیش از 40 هزار معلم دارای شرایط در این وزارتخانه استخدام شدند اما برخی از معلمان اعم از مربیان پیش دبستانی معلمان شرکتی و حق التدریسی ها که دارای شرایط لازم نبودند نتوانستند استخدام شوند.

آمار جمعیت دانشجویی در سال تحصیلی جدید: 4 میلیون و 400 هزار دانشجو در 2200 موسسه آموزش عالی/سالانه 600 تا 700 هزار دانش آموخته

به نوشته سایت آفتاب در تاریخ 26 شهریور آمده است: مدیر کل نظارت و ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اعلام آمار جمعیت دانشجویی و دانش آموختگی در سال تحصیلی جدید، گفت: امسال باز هم یک سری صندلی خالی خواهیم داشت. رضا عامری با اشاره به آمار دانشجویان در سال تحصیلی 92-91 اظهار داشت: امسال حدود 4 میلیون و 400 هزار دانشجو در 2 هزار و 200 موسسه آموزش عالی سال تحصیلی را آغاز خواهند کرد و به دانشگاهها مجوز داده شد سال تحصیلی را از شنبه 18 شهریورماه آغاز کنند و برخی دانشگاهها از امروز به استقبال سال تحصیلی جدید خواهند رفت. وی با اشاره به جمعیت دانشجویی زیر تحصیلات تکمیلی که امسال صندلیهای در نظر گرفته شده را پر می کنند، اظهار داشت: امسال یک میلیون و 80 هزار صندلی در دانشگاههای دولتی از جمله، علمی کاربردی، پیام نور، فنی و حرفه ای، غیرانتفاعی در نظر گرفته شده اما تعداد داوطلبان چیزی در حدود 930 هزار نفر است که در واقع باز هم یک سری صندلی خواهیم داشت.

500 هزار صندلی خالی در سال تحصیلی جدید

مدیر کل نظارت و ارزیابی وزارت علوم در پاسخ به این پرسش که در سال تحصیلی جدید چه میزان صندلی خالی در دانشگاهها پیش بینی می شود، اظهار داشت: حداقل یک ظرفیت 500 هزار نفری در آموزش عالی برای همه زیرنظامها از جمله کاردانی و کارشناسی خالی خواهد ماند.

در تحصیلات تکمیلی ظرفیت مورد نیاز را نتوانستیم فراهم کنیم

وی همچنین درباره ظرفیت تحصیلات تکمیلی گفت: در دکتری 130 هزار داوطلب داریم در حالیکه تنها 10 هزار نفر پذیرفته می شوند و برای کارشناسی ارشد تعداد متقاضیان حدود 10 برابر تعداد قبول شدگان بود که این آمار نشان می دهد در تحصیلات تکمیلی بین عرضه و تقاضا توافقی دیده نمی شود و ظرفیت مورد نیاز را نتوانستیم فراهم کنیم.

ظرفیت تحصیلات تکمیلی 2 برابر می شود

به گزارش مهر، عامری خاطر نشان کرد: بر اساس سیاستها و برنامه های کلی اگر وضعیت موجود ظرفیت تحصیلات تکمیلی کشور را به 30 درصد افزایش دهیم تا پایان برنامه پنجم ظرفیت تحصیلات تکمیلی در کشور حداقل 2 برابر خواهد شد.

آمار دانش آموختگان در سال تحصیلی جدید

این مقام مسئول در وزارت علوم با اشاره به میزان دانش آموختگان در سال تحصیلی جدید، اعلام کرد که به طور میانگین سالانه چیزی حدود 600 تا 700 هزار دانش آموخته داریم که به این ترتیب می توان گفت نسبت ورودیها و خروجیها تقریباً برابر است.

۸۵ درصد کل قراردادهای بازار کار به صورت موقت منعقد می شود

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 27 شهریور آمده است: با اینکه در یکی دو سال اخیر تبلیغات فراوانی به منظور حذف دلالتان و واسطه گران بازار کار صورت گرفت، اما از میلیونها کارگر و نیروی دارای قرارداد موقت و غیردائم، تنها به وضعیت ۵۰ هزار نیروی شرکتی رسیدگی شد!

به گزارش مهر، ساماندهی نیروهای شرکتی و تبدیل قرارداد بخشی از نیروی کار شاغل در بدنه دستگاه های دولتی و سازمانها؛ موضوعی است که در دو سه سال اخیر از سوی دولت مطرح و دنبال شده است.

هم اکنون بالغ بر ۱۰ میلیون نفر بیمه شده در کشور مشغول به کار در بخش های مختلف از جمله بنگاهها و واحدهای مختلف دولتی هستند که مشمول قانون کار محسوب می شوند و باید تحت شمول این قانون قرار گیرند.

به صورت کلی هم اکنون حداقل ۸۵ درصد کل قراردادهای بازار کار کشور به صورت موقت منعقد می شود و طی یک دهه اخیر اینگونه قراردادهای خود را حتی در جذب نیروی مورد نیاز در بدنه دولت نیز باز کرده است و امروز درصد قابل توجهی از شاغلان دولتی کشور نیز به صورت قراردادی، پیمانی و عناوینی از این دست مشغول به کار هستند.

۸۵ درصد بازار کار؛ قرارداد موقت است از دهه ۷۰ به بعد بنگاه‌هایی در کشور تحت عناوین تامین نیروی انسانی مورد نیاز دستگاه‌های دولتی شکل گرفت که بعدها عنوان شد دولت در آن زمان با هدف برون سپاری و واگذاری امورات به بخش خصوصی این اقدام را انجام داده است. با این حال، ارتباط شرکت خصوصی به عنوان کارفرمای واسطه بین دولت و نیروهای شرکتی باقی بود. پس از وعده‌ها و اظهارات فراوان مقامات دولتی و بیانات شعارگونه مانند اینکه دولت می‌خواهد بساط واسطه‌گری را از بازار کار برچیند و با اینکه وجود واسطه بین نیروی کار و کارفرمای اصلی بی‌معنا است و اگر کارفرما نیرویی نیاز دارد خود می‌تواند نسبت به جذب آن اقدام کند؛ مباحث مختلفی در چند سال اخیر مطرح و شکل جدی به خود گرفت. پس از آن نیز به سرعت راه هیئت وزیران را پیمود و در قالب دستورالعمل و ابلاغیه خودنمایی کرد. اما طرح این مسئله که فی‌نفسه مورد اقبال و نیاز بازار کار بود و تقریباً مورد توجه همه نیروهای قراردادی کشور قرار گرفت، خیلی زود دچار تغییرات متعدد و تفاسیر گوناگون شد. این مسائل و برداشت‌های متفاوت از برنامه دولت باعث شد تا برخی اختلافات و مشکلات نیز بین کارگران و کارفرمایان شرکتی به وجود آید. پس از آن نیز اعلام شد که هدف دولت تبدیل قرارداد همه نیروهای شاغل در بخش شرکتی نیست و تنها افراد دارای تحصیلات عالی و متخصص تبدیل وضعیت می‌شوند.

تفکیک مشاغل تخصصی از حجمی همچنین مطرح شد که نیروهای به اصطلاح حجمی و یا در مشاغلی که نیاز به کسب مهارت ویژه ای مانند چاپ و تکثیر، حمل و نقل، نگهداری فضای سبز و مواردی از این دست است، باید مانند سابق به همکاری خود با کارفرمای خصوصی ادامه دهند و اساساً مورد نظر دولت در طرح تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی نیستند. اینگونه موارد و اصلاحات فراوان از برنامه اولیه دولت باعث شد تا رفته رفته مجلس نیز نسبت به هدف دولت موضع متفاوتی بگیرد و در نهایت نیز چندماه پیش رئیس مجلس با اعلام ۷ ایراد قانونی از مصوبات مجلس در اینباره، آن را ابطال و فاقد ارزش اجرایی خواند.

متأسفانه باید گفت مواردی که از ابتدا توسط دولت مطرح شده بود با تغییرات فراوانی در مسیر اجرا مواجه شد تا اینکه نه تنها میلیون‌ها کارگر قراردادی به این نکته برسند که هدف دولت از بهبود قراردادها آنها نیستند، بلکه برخی مقامات دولتی نیز کمی بعدتر اعلام کردند که تنها حدود ۵۰ هزار نفر نیروی شرکتی شاغل در بدنه دولت مشمول مصوبه بوده‌اند و با تغییر قراردادها، عملاً پرونده نیروهای شرکتی بسته شد!

عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش‌تر اعلام کرده بود که آنچه مدنظر دولت در این خصوص بود انجام شده است و تبدیل وضعیت ۵۰ هزار نیروی شرکتی شاغل در بدنه دولت به پایان رسید و بقیه مباحث موجود در این بخش، ناشی از سوء برداشت از مصوبه دولت است.

۵۰ هزار نفر تبدیل وضعیت شدند؛ مابقی سوء برداشت است فتح‌الله بیات در گفتگو با مهر در پاسخ به این سؤال که چرا با وجود میلیون‌ها کارگر و نیروی قراردادی و حتی فاقد قرارداد مشخص در بازارکار که نیازمند ساماندهی قراردادها و لزوم توجه در اجرای قانون کار درباره آنها است، دولت به دنبال اجرای یک طرح نمایشی و تبلیغاتی رفت که آن هم با وجود هیاهوی فراوان امروز به نتیجه نامشخصی رسیده است؟ گفت: از حدود ۱۲ سال قبل طرحی در مجلس به نام "بهسازی قراردادهای کار" مطرح و دنبال شده است. رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور، اظهار داشت: در این باره بارها به مجلس رفتیم و با نمایندگان پیرامون لزوم تغییر روند انعقاد قراردادهای کار در کشور گفتگو شد، اما هر بار وقتی به رای گیری رسید نمایندگان دولت و مجلس با ساماندهی و بهسازی قراردادها مخالفت کردند.

بیات خاطر نشان کرد: متأسفانه کارگران قراردادی و موقت امروز در بدنه دولت و حتی بخش‌هایی از مجلس مشغول به کار هستند و تا زمانی که اصلاح از خود دولت و مجلس آغاز نشود، نمی‌توان به بهبود وضعیت قراردادها در بازار کار و بخش خصوصی امیدوار بود.

این مقام مسئول کارگری کشور افزود: امروز کارگرانی در کشور داریم که با وجود اشتغال در بنگاه‌های با ماهیت دائم‌کاری، دارای قراردادهای موقت، غیررسمی و خارج از قانون کار هستند در صورتی که وقتی شغلی دارای ماهیت دائم است چرا باید نیروی شاغل در آن با سابقه ۱۰ تا ۲۰ سال، قرارداد موقت باشد؟

شکست طرح بهسازی قراردادهای کار وی ادامه داد: دولت به عنوان کارفرمای بزرگ، مهم‌ترین عامل بر سر راه اجرای درست قوانین در انعقاد قراردادهای کار است. اگر طرح بهسازی قراردادهای کار نهایی و به اجرا در می‌آید، می‌توانستیم امیدوار باشیم که مسئله قراردادها نیز حل شود. به گفته بیات، امروز در بخش‌هایی مانند نفت، گاز و شهرداری‌ها بیشترین درصد نیروهای قراردادی موقت و شرکتی فعالیت دارند و حقوق دریافتی بخش قابل توجه از افراد نیز ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان است. رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور اظهار داشت: مهم‌ترین پیام و هدف طرح بهسازی قراردادهای موقت، این است که افراد شاغل در کارهای با ماهیت دائم، باید دارای قراردادهای دائم نیز باشند و دلیلی ندارد تا یک بنگاهی که می‌خواهد چندین دهه فعالیت داشته باشد، نیروی موقت جذب کند.

این مقام مسئول کارگری کشور تصریح کرد: متأسفانه در حال حاضر، مرز و فاصله‌ای بین قراردادهای موقت و دائم وجود ندارد و به دلیل عدم عرضه و تقاضای نیروی کار، افراد مورد سوء استفاده کارفرمایان قرار می‌گیرند. وی درباره مهم‌ترین دلایل مطرح شده از سوی مجلس و دولت برای مخالفت با طرح بهسازی قراردادهای کار، گفت: یک دلیل اصلی

مطرح شده در این خصوص، بار مالی ناشی از تغییر قراردادها بوده است که از سوی دولت و مجلس مطرح شد. بیات خاطر نشان کرد: درباره ساماندهی نیروهای شرکتی نیز هیاهو و مباحث فراوانی ایجاد شد که تأثیر چندانی در بهبود روند ساماندهی قراردادهای کاری نداشته است

مناسبات ضد کارگری در نیروگاه سیکل ترکیبی قلیان سندج

طبق گزارش رسیده به سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 27 شهریور آمده است: کارفرمایان نیروگاه سیکل ترکیبی قلیان سندج در شرایطی ضد کارگری، کارگران نیروگاه را بر اساس معیارهایی کاملاً ضد انسانی طبقه بندی نموده و رفتاری ضد انسانی بر اساس این طبقه بندی با کارگران دارند. طبق شواهد و قرائن موجود معیارهایی از قبیل غیر بومی بودن کارگران، وابستگی به نهادها و سازمان های دولتی (بسپج و غیره) و داشتن ارتباط با مدیریت نیروگاه و شامل شرایطی است که می تواند در ارتقاء موقعیت کارگران نقش مهمی را ایفا نماید.

بر این اساس طبقه بندی کارگران به ترتیب زیر است:

سازمانی: که از لحاظ حق و حقوق، شرایطی به مراتب مناسب تر از سایر کارگران دارند به نحوی که هم از بیشترین امنیت شغلی برخوردار می باشند و هم میزان حقوقشان بیشتر بوده و به موقع حقوقشان پرداخت می گردد.

رسمی: این کارگران تا حدودی از شرایط مناسبتری نسبت به سایر کارگران برخوردار می باشند، اما آنان به طور مداوم حقوق یک ماهشان جهت تضمین نزد شرکت نگه داشته می شود.

قراردادی: کارگران قرار دادی از حداقل امنیت شغلی برخوردار بوده و میزان حقوقشان به مراتب از کارگران سازمانی و رسمی کمتر می باشد، با این وجود همیشه 3 الی 5 ماه از حقوق آنان به صورت معوقه نزد کارفرمایان می ماند (که در حال حاضر نیز کارفرمایان از پرداخت چهار ماه حقوق آنها خوداری می کنند).

پیمانی: کارگران پیمانی به هیچ وجه از امنیت شغلی برخوردار نبوده و با غیر انسانی ترین و ضد کارگری ترین شرایط استثمار می شوند. آنان از حداقل مزایا و حق و حقوق استفاده می کنند و هر لحظه در خطر اخراج و بیکار شدن به سر می برند. آنان نیز مانند کارگران قراردادی همیشه 3 الی 5 ماه از حقوقشان به صورت معوق نزد کارفرما می باشد.

با این اوصاف کارفرمایان نیروگاه سیکل ترکیبی قلیان سندج طی یک سال گذشته حدود 800 نفر از کارگران شاغل خود را به بهانه های مختلف از کار بیکار کرده و آنان را اخراج نموده اند تا بدین وسیله، بار دیگر بر مناسبات ضد کارگری و ضد انسانی حاکم بر نیروگاه قلیان مهر تأیید نهاده باشند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

از کار افتاده ها؛ 15 درصد گدایان پایتخت

به نوشته سایت سلامت نیوز در 27 شهریور آمده است: اگرچه داستان متکدیانی که در گوشه و کنار شهر، با لباس های رنگور و رفته و صورتی غمگین، دستشان را به سوی شهروندان دراز می کنند تا اسکناسی را صاحب شوند، دیگر به داستانی تکراری بدل شده است؛ اما بدون شك همه آنها را با يك چوب نمي زنيد اگر بدانيد كه تنها در تهران 15 درصد از متكديان، روزگاری نه چندان دور، شغلی آبرومند داشته اند؛ شغلی که شاید از درآمد آن خرج خانواده بیرون می آمد اما برخوردار نشدن از بیمه سبب شد که پس از گذشت سال ها، در زندگی این افراد نه از مستمري بازنشستگی خبری باشد و نه از پشتیبانی نهادهای حمایتگر.

این آمار را «رضا جاگیری» معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت های اجتماعی شهرداری تهران به «نهران امروز» اعلام کرده است. به گفته او تا همین چند سال پیش این افراد که حالا به متکدی تغییر نام داده اند، نان بازاری خود را می خوردند و هر روز صبح در حالی که روزی خود را از خدا طلب می کردند، خانه را ترک می کردند. اما در، همیشه روی يك پاشنه نمی چرخد. پیری و ناتوانی از راه رسید و آنها دیگر توان کار کردن نداشتند. شاید هم بر اثر سانحه ای از کار افتاده شده اند و دیگر چاره ای برایشان نمانده جز اینکه کنار خیابان بنشینند و گدایی کنند. حتی «محمدعلی عرفان منش» مدیرکل امور اجتماعی استانداری تهران نیز روز گذشته با اینکه به عده ای اشاره کرد که به صورت حرفه ای و برای تشکیلات خاصی وارد این حوزه می شوند، تأکید کرد که «معتقدیم بخشی از این افراد تنها برای رفع نیازهای خود دچار آسیب های اجتماعی شده اند.» کارشناسان می گویند داشتن حمایت بیمه ها و خلأ نظارت های دولتی سبب شده تا روز به روز بر تعداد متکدیان و دستفروشان کشور به ویژه در کلانشهرها افزوده شود.

معتاد نیستم، کمک کن!

مرد کنار یکی از میادین تره بار شهرداری در خیابان رسالت نشسته و دست بردار نیست. هر عابری که از کنارش می گذرد او شروع می کند به دعا کردن: «هر چی از خدا میخوای بهت بده! از کار افتاده ام! کمک کن!» يك شلوار وصله زده به پا دارد و يك پیراهن چهارخانه چرك به تن. «اسماعیل» 73 ساله است و 4 دختر در خانه دارد. دلش می خواهد دخترانش ازدواج کنند و زودتر بروند سر خانه و زندگی شان، اما همین که از این آرزویش می گوید آه می کشد و ادامه می دهد: «کی دختر یه گدا رو می گیره؟»

9 - 8 سالی می شود که دیگر توان کار کردن ندارد اما پیش از آن در يك شرکت بزرگ خصوصی کار می کرده است. می گوید: «آبدارچی بودم. همه در شرکت به سرم قسم می خوردند. امانتدار بودم. ببین روزگار با ما چه کار کرد؟ هیچ کس هم به فکر ما نیست.» اسماعیل از روزی می گوید که به همراه متکدیان دیگر در طرح جمع آوری متکدیان او را سوار بر خودرو کرده اند و به یکی از سامانسرهای شهرداری انتقالش داده اند: «من با بقیه فرق می کنم. نه معتادم و نه مثل خیلی های دیگر هستم که گروهی برای گدایی می آیند. خیلی ها به من کمک نمی کنند چون فکر می کنند که معتادم و برای پول مواد گدایی می کنم.»

اقدامات بهارستانی ها

به گفته «علیرضا محبوب» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، وکلای ملت در مجلس‌های هشتم و نهم چندان هم از این امر غافل نبوده‌اند. بیمه کارگران ساختمانی با قید فوریت به کمیسیون اجتماعی آمده و در دست بررسی است. حتی مجازات‌هایی برای کسانی که مانع بیمه شدن آنها شده‌اند، در نظر گرفته شده است. او به تهران امروز می‌گوید: «برای این موضوع قوانین زیادی در دست داریم. اما این قوانین یا اجرا نشده اند یا بد اجرا شده اند یا به اشتباه اجرایی شده اند. متأسفانه برخی دستگاه‌های مسئول و بیمه در این امر به وظایف خود عمل نکرده و هنوز هم در مواردی عمل نمی‌کنند.

اکنون نیز تنها چاره کار اصلاح بیمه‌هاست.» او ادامه می‌دهد: «اما به جز همه قوانینی که در برنامه‌های توسعه و قانون خدمات کشوری آمده است، در مجلس گذشته طرح بیمه بیکاری را به معنای عام برای همه با رای بالای نمایندگان تصویب کردیم که شورای نگهبان 2 بار ایراداتی به آن وارد کرده است. هر بار هم رفع ایراد کرده‌ایم اما دوباره طرح را برگردانند. اگر در همان بار اول تصویب می‌شد تا حالا یک‌سال از اجرای آن گذشته بود.» او ادامه می‌دهد: «برای اجرای این طرح دو هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده اما این قانون همچنان بین شورای نگهبان و مجلس در رفت و آمد است. مجلس حساسیت این موضوع و وضع مردم را در نظر گرفته است. این یک معضل مهم اجتماعی است. به همین دلیل اعلام کرده‌ایم که هر چه شورای نگهبان بگوید را اصلاح می‌کنیم تا زودتر این طرح تصویب شود.» او درباره ایراداتی که شورای نگهبان به این طرح گرفته است، می‌گوید: «این ایراد مربوط به تامین منابع مالی بیمه بیکاری کارمندان بود که هم در دو قانون برنامه به‌عنوان تکلیف دولت گفته شده و هم در قانون مدیریت خدمات کشوری به دولت تکلیف شده است. از نظر مجلس دولت براساس این قوانین مکلف است به تامین منابع مالی اما شورای نگهبان کماکان آن را مغایر اصل 75 می‌شناسد. مشکلات به سه‌صدی مربوط می‌شود که دولت باید به کارمندان در زمینه بیمه بیکاری بپردازد و مربوط می‌شود به یک درصد کمکی که در همان راستا باید از سوی دولت پرداخت شود.» به گفته محبوب، با حذف بخش‌هایی که شورای نگهبان آن را محل ایراد می‌داند، مجلس در تسریع نهایی شدن این قانون گام برمی‌دارد و بعد به‌طور خاص در طرحی به بیمه بیکاری کارمندان دولت می‌پردازد.

از گروه‌های سازمان‌یافته تا از کارافتاده‌ها از میان رهگذرانی که با عجله از خیابان طالقانی می‌گذرند، کمتر کسی به «شمس الله» توجه می‌کند که گوشه خیابان نشسته است. شمس‌الله هر روز صبح از قرچک ورامین می‌آید تا بساطش را روبه‌روی وزارت نفت پهن کند و با فروش جلد شناسنامه یا کیف مدارک خودرو بتواند شکم سه فرزند و همسرش را سیر کند. از درآمدش که می‌پرسم سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «آخرین بار شش ماه پیش بود که گوشت خریدم!» شمس‌الله کارگر گچ کار بوده است. 40 سال از کار نان بازاری خود را به خانه برده است اما این روزها دیگر توان کار کردن ندارد. می‌گوید که 60 ساله است اما چین‌های صورتش 10 سالی از شناسنامه‌اش جلو زده اند. از بی‌کسی و بی‌پولی گله دارد. از 180 هزار تومانی که باید در ماه کرایه خانه 50 متری‌اش را بدهد. از اینکه شرمند همسر بیماراش است: «دیابت دارد. باید دوا درمان کند اما نه پول دارم و نه بیمه که ببرمش دکتر.» با گردش در کلانشهرها می‌توان متکدیانی را دید که تا همین چند سال پیش آرایشگر یا کفاش بوده اند. از کارگران ساختمانی گرفته تا صاحبان مشاغل دیگر نظیر نجاری، خیاطی و... در میان این افراد دیده می‌شود.

رضا جاگیری معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران می‌گوید: «معتادان و گروه‌های سازمان یافته در میان متکدیان حرف اول را می‌زنند اما این سبب نمی‌شود که معضل پیرمردان و افراد از کارافتاده که تحت پوشش هیچ نهادی نیستند و برای امرار معاش خود چاره‌ای جز گدایی ندارند، نادیده گرفته شود.» او ادامه می‌دهد: «در کشورهای پیشرفته، اول آنکه نظارت‌های دولتی و قضایی برای جلوگیری از بروز چنین اتفاقاتی وجود دارد و اگر شرکت‌ها و کارگاه‌هایی، کارکنان خود را بیمه نکنند شناسایی شده و تحت پیگرد قرار می‌گیرند اما متأسفانه نهنتها از بروز چنین اتفاقی در کشور ما جلوگیری نشده بلکه این افراد در میان غفلت دستگاه‌های حمایتی برای گذران زندگی خود به تکدی‌گری روی آورده‌اند»

عدم گردش چرخ صنعت در شیروان و بیکار شدن کارگران

به نوشته روزنامه خراسان در 27 شهریور 91 آمده است: کارخانه الیاف و اسفنج شیروان به همراه کارخانه قند این شهر در سال 57 مصادره شد و در اختیار دولت قرار گرفت. گویا در سال 72 بود که دولت، این کارخانه را به بخش خصوصی واگذار کرد که تا 10 سال بعد از آن هم فعال بود، اما از سال 83 به این سو با تعطیلی کارخانه که دلیل آن از سوی مالکان، شرایط دشوار اقتصادی و به صرفه نبودن ادامه تولید عنوان شده است، تمام کارگران شاغل در آن به جرگه انبوه بیکاران شهرستان اضافه شده اند.

پیرمرد در حال آب پاشی محوطه مقابل اتاقک نگهبانی خود بود تا شاید برای دقایق کوتاهی در آن بعد از ظهر گرم، هم از شدت هُرم گرما رهایی یابد و هم مجبور نباشد گرد و خاکی را که از تخریب بخشی از دیوار سوله‌های وسیع کارخانه برپا شده بود، به ریه‌های خود فرو برد. نگهبان پیر وقتی از این کار فارغ شد، یک صندلی برای خودش و یکی هم برای من آورد. «علی محمد» 17 سال در این کارخانه کار کرده، چند سالی در کار بازار بوده و مدتی را هم در کارخانه قند سپری کرده است و حالا دوران بازنشستگی خود را با نگهبانی از کارخانه بزرگی پشت سر می‌گذراند که روزگاری، نام آن با نام شیروان گره خورده بود؛ به این امید که به جبران سال‌ها بیکاری فرزندانش، اندک پس اندازی فراهم کند تا شرایط برای داماد شدن پسر کوچک ترش مهیا شود. در خلال صحبت‌هایمان نیم‌نگاهی به خودروی مشکلی مدل بالایی می‌اندازد که بیرون کارخانه متوقف شده است و 4 سرنشین آن در حال گفت‌وگو با یکدیگر دیده می‌شوند.

«علی محمد» می‌گوید: «یک شیروان بود و یک کارخانه الیاف زمانی این جا 800 تا هزار کارگر و مهندس داشت و کامیون‌ها مرتب می‌آمدند و می‌رفتند، ولی حالا چه؟!»

با افسوس سری تکان می‌دهد؛ انگار در پستوی خاطراتش به یادآوری روزهای خوش این کارخانه و اهالی آن می‌پردازد؛ روزهایی که شیروان با کارخانه قند و با همین کارخانه «الیاف سنتتیک و اسفنج خراسان»، دومین شهر صنعتی خراسان قبل از تقسیم محسوب می‌شد و بعضی روزها تا 20 کامیون از تولیدات همین کارخانه را بارگیری و به اقصی نقاط کشور حمل می‌کرد.

او که بزرگ ترین مشکل جوانان شیروان را بیکاری می داند، سپس از خودش می گوید و فرزندانش که در جست وجوی شغل، راهی «دیوار غربت» شده اند: «4 پسر دارم که 3 نفر آن ها الان در مشهد زندگی می کنند و چهارمی که 28 ساله است مدرک لیسانسش را گرفته ولی بیکار است و چون شغلی ندارد، هر چه اصرار می کنیم، تن به ازدواج نمی دهد».

کارخانه الیاف و اسفنج شیروان به همراه کارخانه قند این شهر در سال 57 مصادره شد و در اختیار دولت قرار گرفت. گویا در سال 72 بود که دولت، این کارخانه را به بخش خصوصی واگذار کرد که تا 10 سال بعد از آن هم فعال بود، اما از سال 83 به این سو با تعطیلی کارخانه که دلیل آن از سوی مالکان، شرایط دشوار اقتصادی و به صرفه نبودن ادامه تولید عنوان شده است، تمام کارگران شاغل در آن به جرگه انبوه بیکاران شهرستان اضافه شده اند. اینک نیز با فروش ماشین آلات و تخریب سوله ها یکی پس از دیگری، زمین کارخانه در معرض فروش قرار گرفته است و 4 سرنشین آن خودرویی مشکلی مدل بالایی پارک شده مقابل کارخانه، سرگرم چانه زنی برای خرید این زمین وسیع هستند که حالا با قرار گرفتن در محدوده شهری، ارزش افزوده ای دو چندان یافته است. سال هاست که کسی در شیروان صدای سوت کارخانه الیاف را نشنیده است و از صدها کارگر و مهندس و تکنسین که هر روز صبح از دور و نزدیک به این جا می آمدند، خبری نیست. کارخانه ای که حل مشکلات و فعال سازی دوباره آن، از جمله مصوبه های سفر نخست هیئت دولت به استان بوده ولی اکنون رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت شیروان معتقد است که «دیگر هیچ وقت راه اندازی نخواهد شد». «غیرتمند» در توضیح این گفته خود اظهار می کند: طلبکاران فشار آورده اند و حالا مدیران این کارخانه می خواهند با فروش ماشین آلات و زمین، مطالبات آن ها را تسویه کنند. وی ادامه می دهد: مدیرعامل این شرکت دیگر به ادامه کار تمایلی ندارد، چون بدهی دارد و می گوید که در این شرایط حمایتی هم از آن ها نمی شود.

خوشه چینی در شهرک صنعتی!

دقیقی می شود که همین ۲-۳ خیابان احداث شده در شهرک صنعتی شیروان را به اتفاق همکارم بالا و پایین می روم؛ خلوت تر از آن چیزی است که در ذهنم مجسم می کردم. چند عکس از واحدهای بهره برداری شده و سوله های در حال ساخت می اندازیم و به سراغ یکی از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک می رویم که به قول معروف، برای خودش اسم و رسمی دارد. اما نتیجه دیدار ما با آن چه پیش بینی می کردیم، متفاوت است. کارخانه غیرفعال است و «علی» تنها نگهبان آن فارغ از هیاهوی مرسوم محیط های صنعتی، مشغول آبیاری باغچه و درختان کاشته شده در محوطه است! او البته تاکید می کند که پس از چند مدت تعطیلی کامل، از حدود یک هفته قبل، 5 نفر از کارگران زن شاغل در کارخانه دوباره به کار دعوت شده اند ولی به دلیل تعطیلی خط اصلی تولید، هنوز برای کارگران مرد فراخوان نداده اند. گویا تلاطم بازار ارز و دشواری تهیه مواد اولیه و ارداتی، گریبان این مجموعه صنعتی را هم گرفته است. نگهبان جوان کارخانه در حالی که مقداری میوه تازه چیده شده به ما تعارف می کند، از سرنوشتی مشابه برای تعداد دیگری از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک صنعتی خبر می دهد، مسئله ای که البته هر ناظر کنجکاری پس از روبه رو شدن با این شهرک صنعتی وسیع اما سوت و کور، به آن پی می برد؛ اگر چه متولیان امر شاید نظر متفاوتی داشته باشند، آن گونه که معاون صنایع کوچک شرکت شهرک های صنعتی استان از شهرک صنعتی شیروان به عنوان یکی از شهرک های برتر در جذب سرمایه گذار یاد می کند. «یوسفی» می گوید: در حال حاضر در این شهرک 53 هکتار زمین صنعتی قابل واگذاری داریم و 49 قرارداد با سرمایه گذاران منعقد شده که از این تعداد هم 22 واحد به بهره برداری رسیده است. وی ادامه می دهد: 27 واحد نیز در حال ساخت است که پیش بینی ما بهره برداری از 6 یا 7 واحد تا پایان سال است. اما دلیل رکود فعالیت برخی از این واحدها که در نگاه نخست به چشم می آید، چیست؟

«یوسفی» در این باره عنوان می کند: فقط یک واحد را که در این شهرک داریم که آن هم در حال واگذاری است و بقیه فعال هستند. با این حال، وی بلافاصله اذعان می کند: در این شرایط اقتصادی کشور، اگر یک واحد صنعتی حتی هفته ای یک بار هم کار کند، از نظر ما فعال یا نیمه فعال است و شاید بعضی از واحدها مشکل تأمین سرمایه در گردش داشته باشند اما 80 درصد آن ها خوب کار می کنند. وی که انتخاب کارآفرین نمونه کشوری از بین واحدهای مستقر در شهرک صنعتی شیروان را از جمله دلایل دیگر برای ارزیابی مثبت خود از مجموعه کارکردهای این شهرک بر می شمرد، عنوان می کند: شرکت شهرک های صنعتی استان در بخش نوسازی صنایع، 8 شرکت را برای دریافت تسهیلات به بانک توسعه تعاون معرفی کرده است که 4 شرکت از شهرک صنعتی شیروان بود، هر چند که شاید رقم این تسهیلات خیلی بالا نباشد.

اما شاید مهم تر از همه این مسائل، سرانجام نامعلوم واحدهای صنعتی بزرگ باشد که سال ها تابلوی عناوین و نشانی آن ها در ورودی و خروجی شیروان نصب بود و نه تنها جوانان تحصیل کرده این خطه، بلکه عموم مسافران عبوری از این دیار، بارها و بارها نام و نشان حک شده بر تابلوها را دیده و شاید هم برای ساخت و راه اندازی آن ها روزشماری کرده اند؛ واحدهایی مثل کارخانه سیمان، آلومینیم سازی و پتروشیمی که احداث هر یک از آن ها نه تنها می توانست صدها نیروی کار جذب کند، بلکه می توانست به اقتصاد دومین شهرستان بزرگ استان رونق ببخشد.

شواهد نشان می دهد که این روزها، حال و روز صنایع در منطقه و شهرستانی که روزگاری نه چندان دور به یمن فعالیت 2 واحد بزرگ صنعتی و چندین و چند واحد کوچک تر، از آن به عنوان قطب صنعتی شمال شرق کشور یاد می شد، چندان مساعد نیست. به باور بسیاری از کارشناسان، دشواری تأمین سرمایه از منابع داخلی و به ویژه خارجی و بی ثباتی قیمت مواد اولیه و تغییر ناگهانی سیاست گذاری های کلان اقتصادی کشور، شرایط سختی را برای واحدهای تولیدی به وجود آورده است.

خطر تعطیلی کارخانه های تولیدمداد و بیکاری کارگران

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در 27 شهریور آمده است: هر واحد تولید مداد بین 150 تا 250 نفر کارگر دارد که بیکاری آنها مشکلات زیادی را ایجاد خواهد کرد و علاوه بر این، پرداخت حقوق سوابق کار آنها نیز بار مالی زیادی را به کارفرما تحمیل می کند. دبیر انجمن تولیدکنندگان مداد با اشاره به تعطیلی 5 کارخانه داخلی تولیدکننده مداد، گفت: افزایش شدید نرخ ارز تولیدات داخل را کاهش داده و در حال حاضر تنها 30 تا 35 درصد از ظرفیت کارخانه ها فعال است.

جهانبخش بهزادی کیا با بیان اینکه نوسان نرخ ارز بیشترین مشکل را برای تولیدکنندگان مداد ایجاد کرده است، ادامه داد: 60 تا 65 درصد از مواد اولیه مورد نیاز برای تولید مداد، وارداتی است که چوب مداد سهم 45 درصدی را دارا است. وی با اشاره به اینکه از 6 ماه پیش به

دلیل برخی محدودیت های بین المللی و همچنین افزایش نرخ ارز، واردات مداد از چین کاهش یافته است، تصریح کرد: در حال حاضر نیاز بازار از طریق موجودی انبارها تأمین می شود و گرنه واردات از 6 ماه پیش کاهش یافته و تولید داخلی نیز به شدت کم شده است. بهزادی کیا با بیان اینکه در مورد تأمین نیاز بازار به مداد برای سال آینده نگرانی هایی وجود دارد، گفت: افزایش بی رویه قیمت ارز و ضعف نقدینگی کارخانه ها این نگرانی را تشدید می کند.

وی افزود: در حال حاضر نرخ سود تسهیلات بانکی به 26 تا 30 درصد می رسد، در چنین شرایطی افزایش قیمت جهانی چوب مداد اتفاق افتاده و علاوه بر این، در خرید چوب از خارج نیز با محدودیت روبرو هستیم.

به گفته وی، قیمت فروش مداد امسال نسبت به سال گذشته حدود 60 درصد افزایش یافته که شرایط اقتصادی کشور و جهان دلیل اصلی آن است.

دبیر انجمن تولیدکنندگان مداد با اشاره به برگزاری جلساتی با نمایندگان وزارت صنعت، گفت: در این جلسات مشکلات کارخانه های تولیدکننده مداد را مطرح کردیم اما اتفاق خاصی حاصل نشد. وی با بیان اینکه واردات مداد آزاد است، گفت: واردکنندگان برای خرید محصولاتی سرمایه گذاری می کنند که ریسک کمتری داشته باشد.

وی در مورد آینده کارخانه های داخلی مداد نیز گفت: این موضوع را قرار است با تولیدکنندگان داخلی بررسی کنیم و با وجود اینکه برخی تولیدکنندگان معتقدند تولید را باید برای یک تا دو سال متوقف کنیم اما مشکلات کارگری مانع از این کار می شود.

بهزادی کیا تصریح کرد: هر واحد تولید مداد بین 150 تا 250 نفر کارگر دارد که بیکاری آنها مشکلات زیادی را ایجاد خواهد کرد و علاوه بر این، پرداخت حقوق سوابق کار آنها نیز بار مالی زیادی را به کارفرما تحمیل می کند.

وی افزود: اگر شرایط تولید در سال آینده نیز مانند امسال باشد ظرفیت تولید کارخانه ها با کاهش 10 درصدی همراه خواهد بود.

یک هفته تحصن بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در اعتراض با عدم پرداخت حقوق مرداد و شهریور

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 27 شهریور 91 آمده است: " خرم دشتی در خصوص این که طی یک هفته اعتراض بازنشستگان ذوب آهن اصفهان برای دریافت حقوق مرداد خود آیا تنها پیگیری در دستور کارتان بوده است، گفت: ما هنوز در حال پیگیری هستیم و تا زمانی که واحدهای تولیدی سهام خود را واریز نکنند و توسط صندوق اجرایی نشود به دلیل کسری صندوق ما نمی توانیم کاری انجام دهیم " رییس کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان، 30 هزار نفر از بازنشستگان این شرکت تاکنون حقوق مرداد سال جاری خود را دریافت نکرده اند.

بنا به همین گزارش، علی اکبر خرم دشتی امروز با بیان این که به اعتبار 20 میلیارد تومانی برای پرداخت حقوق مرداد ماه 30 هزار بازنشسته ذوب آهن اصفهان نیازمندیم، اظهار داشت: برخی از بازنشستگان این شرکت به دلیل پرداخت سهم بعضی از واحدهای تولیدی حقوق خود را دریافت کرده اند، اما برای این تعداد هنوز ریالی واریز نشده است. وی افزود: تاکنون 40 میلیارد تومان از حقوق مرداد ماه بازنشستگان ذوب آهن تنها منطقه اصفهان جدا از شهر اصفهان واریز شده است.

رییس کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در خصوص اینکه مسوولان استان طی یک هفته اعتراض بازنشستگان این شرکت برای رفع آن اقدامی انجام داده اند، بیان داشت: استانداری اصفهان با وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت این مساله را منعکس کرده، اما این که چه پاسخی گرفته اند را هنوز بنده اطلاعی ندارم.

" خرم دشتی در خصوص این که طی یک هفته اعتراض بازنشستگان ذوب آهن اصفهان برای دریافت حقوق مرداد خود آیا تنها پیگیری در دستور کارتان بوده است، گفت: ما هنوز در حال پیگیری هستیم و تا زمانی که واحدهای تولیدی سهام خود را واریز نکنند و توسط صندوق اجرایی نشود به دلیل کسری صندوق ما نمی توانیم کاری انجام دهیم "

عدم تصمیم گیری نهایی تعیین سهام واحدهای تولیدی دلیل کسری صندوق

وی تأکید کرد: بر اساس بند 59 بودجه 91 مقرر شد که صندوق بازنشستگان صنعت فولاد زیر نظر وزارت تأمین اجتماعی برود، اما تاکنون این مساله عملیاتی نشده است.

خرم دشتی در خصوص این که بازنشستگان تا چه زمانی برای گرفتن حق خود باید در تیغ آفتاب در خیابان به نشانه اعتراض تحصن کنند، ادامه داد: تا این لحظه به دلیل کسری صندوق، سازمان نتوانسته نقدینگی را پرداخت کند، اما ما در حال پیگیری هستیم و به محض واریز کمتر از یک ساعت حقوق عقب افتاده بازنشستگان را پرداخت می کنیم. وی تأکید کرد: مقرر شده بود که سهام بخشی از واحدهای تولیدی فولاد مبارکه، ذوب آهن و برخی معادن زغال سنگ و سنگ آهن بابت کسری صندوق بازنشستگان صنعت فولاد پرداخت شود، اما تا این لحظه هنوز بر روی تقسیم سهام برای شرکتها توافق نشده است.

رییس کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان ادامه داد: اگر توافق لازم برای سهام شرکتها و واحدهای تولیدی اجرایی می شد در حال حاضر این گونه مشکلات هم برای بازنشستگان ذوب آهن اصفهان پیش نمی آمد.

پرداخت احکام مطالبات بازنشستگان ذوب آهن تا پایان شهریور امسال

وی پیگیری حکم بخشی از مطالبات بازنشستگان ذوب آهن اصفهان را یکی از اقدامات مهم دانست و اظهار کرد: پیش بینی می کنیم اگر مشکل خاصی نباشد احکام آنها تا پایان شهریور امسال به دست بازنشستگان برسد.

وی با پاسخ به این که چرا به غیر از حقوق مرداد ماه بر اساس گفته های بازنشستگان دستمزد شهریور امسال آنها هم واریز نشده است، اظهار داشت: هنوز هیچ ارگان و سازمانی حقوق شهریور ماه کارکنان خود را پرداخت نکرده است.

رییس کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان تأکید کرد: تاکنون اقدام و تصمیم گیری سریع و جدی توسط سازمان توسعه اجرایی نشده و این سازمان باید با جدیت بیشتری مشکلات بازنشستگان را رفع کند.

حکم دادگاه در مورد پرونده انفجار کارخانه فولاد غدیر یزد ناعادلانه است

جریمه انفجاری که ۱۸ کارگر را کشت / شش ماه حبس و پرداخت دیه

ایلنا / پس از گذشت یک سال از حادثه انفجار کارخانه فولاد غدیر یزد که به کشته شدن ۱۸ کارگر این کارخانه منجر شد؛ سرانجام دادگستری استان یزد در خصوص رسیدگی به پرونده شکایت بازماندگان این حادثه رای صادر کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا، شامگاه روز ۲۰ آذر سال ۹۰ حوالی ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه و درست یک ربع مانده به اتمام آخرین شیفت کاری کارگران، کوره نوب آهن کارخانه فولاد غدیر منفجر شد و در پی این انفجار به دلیل پرتاب مواد مذاب و گدازه‌های گداخته درون کوره، ۱۸ کارگر کشته و سه کارگر دیگر مجروح شدند.

این حادثه در حالی روی داد که بنا بر اظهارت منابع آگاه از جمله کارگران کارخانه فولاد غدیر، کارخانه یاد شده همواره یکی از واحدهای تولیدی حادثه خیز محسوب می‌شده است؛ بطوری که از زمان راه‌اندازی این کارخانه در سال ۸۶ تا زمان انفجار در آذر ماه سال ۹۰، حداقل ۵ حادثه مشابه دیگر در کارخانه فولاد غدیر رخ داده است.

کارگران فولاد غدیر و خانواده قربانیان همچنین با متهم کردن کارفرمای خود به رعایت نکردن موارد حفاظت و ایمنی در محیط کار، مدعی شدند «نظر به وقوع حوادث مشابه در این واحد تولیدی انتشار اخبار آن به بیرون از کارخانه، مسوولان اداره کار نیز از تخلف کارفرما مطلع بوده‌اند.»

به گفته این کارگران چه در زمان وقوع حادثه بیستم آذر و چه پیش از آن، کارفرما بدون در اختیار گذاشتن پوشش و لباس کار مناسب کارگران را به محیط کار اعزام می‌کرده است و آن‌ها همواره به اجبار در مجاورت کوره مشغول کار بوده‌اند بطوری که سوختگی سطحی همواره یکی از حوادث شایع در میان کارگران این واحد تولیدی بود.

با وجود آغاز بررسی‌ها برای تعیین علت انفجار، هنوز اطلاع دقیقی از دلیل حادثه در دست نیست اما در زمان وقوع حادثه خبرگزاری ایلنا به نقل از علی اکبر اولیا نماینده وقت مجلس شورای اسلامی و عزیزالله سیفی فرماندار وقت یزد نوشت که انفجار کپسول گاز یا مهمات مستعمل و عمل نکرده به جا مانده از زمان جنگ دلیل این حادثه بوده است.

صدور حکم دادگاه و محکومیت کارفرما

در پی این انفجار و با شکایت نزدیک به ۵۴ نفر از اولیاء دم کارگران قربانی، سرانجام شعبه ۱۰۷ جزائی شهرستان یزد به ریاست قاضی محمود رضا مسعودی رای خود را صادر کرد.

بر اساس شکایت‌های مطرح شده از سوی اولیاء دم، کارفرمای کارخانه فولاد غدیر یزد از یکسو در ارتباط با مرگ ۱۸ کارگر به «تسبیب در قتل غیر عمدی در ماه حرام» ناشی از عدم رعایت نظامات متهم شد و از سوی دیگر بابت مصدومیت سه کارگر باقیمانده نیز به اتهام «تسبیب در ایراد صدمه بدنی غیر عمدی» ناشی از عدم رعایت نظامات تحت پیگرد قضایی قرار گرفت.

در رای صادره دادگاه آمده است: با توجه به محتویات پرونده شکایت اولیاء دم مرحومان و نیز شکات پرونده نظریه پزشکی، نظریه کارشناسان کار، اظهارات متهم و تحقیقات معموله بزه انتسابی به نظر دادگاه محرز و مسلم بوده و فعل ارتكابی متهم با ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی منطبق است؛ دادگاه به لحاظ وضعیت خاص متهم و حسن سابقه او نامبرده را به تحمل شش ماه حبس تعزیری و یک و یک سوم دیه کامل مرد مسلمان در حق هر یک از اولیاء دم مرحومان محکوم می‌کند و در خصوص تنها کارگر کشته شده غیرمسلمان نیز مبلغ مذکور وفق دستور اجرای احکام به صندوق دادگاه واریز خواهد شد.

خطر تعطیلی کارخانه های تولیدمدادوبیکاری کارگران

به نوشته خبرنگاری دولای فارس در ۲۷ شهریور آمده است: هر واحد تولید مداد بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ نفر کارگر دارد که بیکاری آنها مشکلات زیادی را ایجاد خواهد کرد و علاوه بر این، پرداخت حقوق سوابق کار آنها نیز بار مالی زیادی را به کارفرما تحمیل می‌کند. به گزارش ۲۷ شهریور فارس، دبیر انجمن تولیدکنندگان مداد با اشاره به تعطیلی ۵ کارخانه داخلی تولیدکننده مداد، گفت: افزایش شدید نرخ ارز تولیدات داخل را کاهش داده و در حال حاضر تنها ۳۰ تا ۳۵ درصد از ظرفیت کارخانه‌ها فعال است.

جهانبخش بهزادی کیا با بیان اینکه نوسان نرخ ارز بیشترین مشکل را برای تولیدکنندگان مداد ایجاد کرده است، ادامه داد: ۶۰ تا ۶۵ درصد از مواد اولیه مورد نیاز برای تولید مداد، وارداتی است که چوب مداد سهم ۴۵ درصدی را دارا است.

وی با اشاره به اینکه از ۶ ماه پیش به دلیل برخی محدودیت‌های بین‌المللی و همچنین افزایش نرخ ارز، واردات مداد از چین کاهش یافته است، تصریح کرد: در حال حاضر نیاز بازار از طریق موجودی انبارها تأمین می‌شود و گرنه واردات از ۶ ماه پیش کاهش یافته و تولید داخلی نیز به شدت کم شده است.

بهزادی کیا با بیان اینکه در مورد تأمین نیاز بازار به مداد برای سال آینده نگرانی‌هایی وجود دارد، گفت: افزایش بی‌رویه قیمت ارز و ضعف نقدینگی کارخانه‌ها این نگرانی را تشدید می‌کند.

وی افزود: در حال حاضر نرخ سود تسهیلات بانکی به ۲۶ تا ۳۰ درصد می‌رسد، در چنین شرایطی افزایش قیمت جهانی چوب مداد اتفاق افتاده و علاوه بر این، در خرید چوب از خارج نیز با محدودیت روبرو هستیم.

به گفته وی، قیمت فروش مداد امسال نسبت به سال گذشته حدود ۶۰ درصد افزایش یافته که شرایط اقتصادی کشور و جهان دلیل اصلی آن است.

دبیر انجمن تولیدکنندگان مداد با اشاره به برگزاری جلساتی با نمایندگان وزارت صنعت، گفت: در این جلسات مشکلات کارخانه‌های تولیدکننده مداد را مطرح کردیم اما اتفاق خاصی حاصل نشد.

وی با بیان اینکه واردات مداد آزاد است، گفت: واردکنندگان برای خرید محصولاتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ریسک کمتری داشته باشد. وی در مورد آینده کارخانه‌های داخلی مداد نیز گفت: این موضوع را قرار است با تولیدکنندگان داخلی بررسی کنیم و با وجود اینکه برخی تولیدکنندگان معتقدند تولید را باید برای یک تا دو سال متوقف کنیم اما مشکلات کارگری مانع از این کار می‌شود. بهزادی کیا تصریح کرد: هر واحد تولید مداد بین 150 تا 250 نفر کارگر دارد که بیکاری آنها مشکلات زیادی را ایجاد خواهد کرد و علاوه بر این، پرداخت حقوق سوابق کار آنها نیز بار مالی زیادی را به کارفرما تحمیل می‌کند. وی افزود: اگر شرایط تولید در سال آینده نیز مانند امسال باشد ظرفیت تولید کارخانه‌ها با کاهش 10 درصدی همراه خواهد بود.

آزادی مشروط علیرضا عسگری

سه سال حبس تعلیقی برای علیرضا عسگری

بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، علیرضا عسگری، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی، بر اساس رای شعبه تجدید نظر دادگاه انقلاب کرج، در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲، به طور مشروط آزاد شد. پیشتر دادگاه انقلاب اسلامی کرج علیرضا عسگری را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرده بود. اما بر اساس رای دادگاه تجدیدنظر، یک سال حبس تعزیری این فعال کارگری به یک سال در سه سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) تبدیل شد.

قاضی شعبه ۴ دادگاه انقلاب اسلامی کرج همچنین ریحانه انصاری و جلیل محمدی را هر کدام به یک سال در سه سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) محکوم کرده بود.

یورش سبانه ماموران جمهوری اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی در کرج، که منجر به ضرب و شتم وحشیانه و بازداشت حدود ۶۰ فعال کارگری گردید، با انزجار جنبش کارگری ایران و بین‌المللی مواجه شد و در سراسر دنیا قویا محکوم گردید. اگر چه اکنون تمامی دستگیر شدگان یورش کرج آزاد شده‌اند، اما تعدادی همچون ریحانه انصاری، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان با توجه به حبسهای تعلیقی تحت فشار و اذیت و آزار قرار خواهند داشت. بعلاوه فعالین کارگری همچون رضا شهابی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده با اتهامات کاملاً واهی در زندانهای تهران و تبریز به حبسهای ظالمانه و طولانی محکوم شده‌اند.

اتحاد بین‌المللی ضمن تبریک آزادی علیرضا عسگری، خواهان آزادی بی‌قید و شرط کلیه فعالین کارگری می‌باشد و معتقد است تشکل، اعتصاب، تجمع و فعالیت حق انکارناپذیر طبقه کارگر است و تا تحقق کامل و بدون قید و شرط آن به دست طبقه کارگر به حمایت و جلب همبستگی بین‌المللی کارگری از فعالین کارگری و کارگران در بند بدون انقطاع ادامه خواهد داد.

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۲

info@workers-iran.org

<http://www.workers-iran.org>

زنده باد کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان روح جدیدی به مبارزات کارگران ایران بخشید. این کارگران به دنبال عدم پاسخگویی به مطالبه‌شان که پرداخت ۴ ماه حقوق است، با اتکاء به قدرت متحدانه خود از روز شنبه ۲۵ شهریور اقدام به اعتراضی قدرتمند کردند که هنوز هم ادامه دارد. کارگران بازنشسته مصمم هستند تا رسیدن به خواسته‌شان بدون توجه به وعده‌های دروغین به تجمع و اعتراض خود ادامه دهند.

ما کارگران وظیفه داریم که از مبارزه کارگران بازنشسته ذوب آهن که مبارزه ما نیز هست حمایت و پشتیبانی کنیم و بنابراین پشتیبانی خود را اعلام می‌کنیم.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان

جمعهای از فعالین کارگری سندج و کامیاران

۲۸/۶/۱۳۹۱

یکی از امضاکنندگان تاکید کرد:

نامه حمایت 164 نماینده از مرتضوی یک دروغ بزرگ/ مجلس از متخلفان حمایت نمی‌کند

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 28 شهریور 91 آمده است: نماینده مردم بیجار در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه قسم می‌خورم هیچ نماینده‌ای در حمایت از سعید مرتضوی نامه امضا نکرده است گفت: نامه تشکر نمایندگان در راستای حمایت از تبدیل صندوق تأمین اجتماعی به سازمان بود و هیچ حمایتی از شخص خاصی وجود نداشته است.

سید محمد بیاتیان در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص نامه 164 نماینده مجلس در حمایت از سعید مرتضوی اظهار داشت: مطرح کردن حمایت 164 نماینده از مرتضوی یک دروغ آشکار است.

وی با بیان اینکه نماینده سازمان تأمین اجتماعی در مجلس در اوج بحث‌های دیوان عدالت اداری با دولت در خصوص برکناری مرتضوی نامه‌ای را برای امضا میان نمایندگان می‌گرداند گفت: این نامه در حمایت از تغییر اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی و تبدیل

آن از صندوق به سازمان و حتی بنده نیز این نامه را امضا کردم. نماینده مردم بیجار در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه قسم می خورم هیچ نماینده در حمایت از سعید مرتضوی نامه امضا نکرده است گفت: نامه تشکر نمایندگان در راستای حمایت از تبدیل صندوق تامین اجتماعی به سازمان بود و هیچ حمایتی از شخص خاصی وجود نداشته است.

بیاتیانی در پاسخ به سئوالی مبنی بر اینکه آیا نیت رئیس جمهور از تبدیل صندوق تامین اجتماعی به سازمان ماندگاری سعید مرتضوی نبوده است گفت: ما معتقدیم تاسیس سازمان تامین اجتماعی می تواند برای زیرمجموعه های این سازمان از جمله کارگران منافعی داشته باشد و به همین دلیل از رئیس جمهور تقدیر کردیم.

عضو کمیسیون صنایع و معادن خاطرنشان کرد: اینکه برخی بخواهند حمایت از تاسیس سازمان تامین اجتماعی را به حمایت از شخص سعید مرتضوی تعبیر کنند دروغ بزرگی است.

بیاتیانی در پایان خاطرنشان کرد: مجلس و نمایندگان آن هیچگاه از متخلفین حمایت نکرده و نخواهند کرد.

حذف یک نوبت کاری ایران خودرویی خراسان و تمدیدنشده قرارداد تعدادی از کارگران

روزنامه خراسان رضوی تاریخ 28 شهریور ماه 1391، در خبری اعلام کرد که شرکت ایران خودرویی خراسان 3 شیفت کاری خود را به 2 شیفت کاهش داده و قرارداد 600 کارگر خود را تمدید نکرده است. در واقع کارگران یک شیفت کاری این شرکت اخراج شده اند. یکی از کارگران پیمانی شرکت ایران خودرویی خراسان با ارسال پیامک به این روزنامه خواستار پیگیری این موضوع شد. این کارگر 26 ساله در گفت و گو با «خراسان رضوی» می گوید: حدود 600 نفر از کارگران ایران خودرویی خراسان با شرکت تعاونی مهندسی (پیمانکار) قرارداد دارند و بنا به دلایلی مسئولان اعلام کردند شیفت کاری شرکت ایران خودرو از 3 شیفت به 2 شیفت کاهش یافته و کارگران پیمانی ایران خودرو اخراج می شوند.

۸۰ هزار بیمه شده شهرستان لار فاقد امکانات درمانی تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 شهریور آمده است: یک فعال کارگری در شهرستان لار اعلام کرد: تاسیس درمانگاه تامین اجتماعی لارستان که از مصوبات دور دوم سفر ریاست جمهوری به استان فارس است هنوز اجرایی نشده است. محمد حسن قوامی در این زمینه به ایلنا گفت: جلسات متعددی طی سالهای گذشته بین مسئولان لارستان و مسئولان تامین اجتماعی استان فارس در خصوص احداث حداقل یک درمانگاه تامین اجتماعی در شهرستان تشکیل شده اما تا کنون هیچ پاسخ روشنی در این مورد ارائه نشده است.

او افزود: همچنین در این زمینه جمعی از نمایندگان و معتمدین حوزه کارگری نیز در دیدار با امام جمعه شهرستان لار خواستار پی گیری این موضوع و رفع مشکلات درمانشان شده اند که امید داریم موثر واقع شود.

این فعال کارگری در ادامه گفت: شهرهای لار، گراش، اوز و خنج در استان فارس از امکانات مطلوب درمانی و بیمارستانی تامین اجتماعی محروم اند.

محمد حسن قوامی در این باره اضافه کرد: با وجود اینکه شهرهای لار، گراش، اوز و خنج 80 هزار بیمه شده تامین اجتماعی دارند اما از امکانات درمانی و بیمارستانی برخوردار نیستند.

او با بیان اینکه اداره تامین اجتماعی شهرستان لارستان از سال 59 افتتاح شده است، افزود: با این وجود تاکنون سازمان تامین اجتماعی در این شهرستانها امکانات درمانی و بیمارستانی فراهم نکرده است.

قوامی با اشاره به اینکه فاصله این شهرستانها با نزدیکترین درمانگاه تامین اجتماعی بیش از 100 کیلومتر است گفت: کارگران بیمه شده از سال 59 تا هم اکنون اعتراضات و درخواستهای زیادی در این خصوص به سازمان تامین اجتماعی ارائه کرده اند که به نتیجه نرسیده است.

بازار ایران در اشغال تولیدکنندگان نوشت افزار جنوب شرق آسیا

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 شهریور آمده است: یک کارشناس مسائل کارگری معتقد است: صنعت نوشت افزار در ایران هرگز صنعتی منسجم، با برنامه و دارای تشکیلی قوی نبوده و مجموعه این عوامل شرایط را برای داغ شدن بازار محصولات وارداتی در کشور فراهم کرده است.

اسماعیل حق پرستی با اشاره به افزایش محصولات متنوع نوشت افزار در بازار تهران گفت: در حالی که این روزها مسئولان در شعار مشغول کنترل و ساماندهی واردات کالا و محصولات خارجی به کشور هستند، بازار داخلی در بسیاری از حوزهها به تولیدکنندگان خارجی تقدیم شده است.

دبیر خانه کارگر تهران با بیان اینکه سهم تولیدات داخلی از بازار نوشت افزار بسیار ناچیز است افزود: انواع نوشت افزار خارجی که عمدتاً از کشورهای جنوب شرقی آسیا با طرحها و رنگهای مختلف وارد بازار ایران شده اند فرصتی برای رقابت محصولات ایرانی باقی نگذاشته اند.

به اعتقاد او نگاه دولت به تولیدات داخلی اقتصادی نبوده و قیمت تمام شده یک محصول داخلی با مشابه خارجی خود تناسبی ندارد. حق پرستی اضافه کرد: از جمله این حوزهها می توان به بازار نوشت افزار اشاره کرد که قیمت این محصولات با توجه به نزدیکی ماه مهر و فصل بازگشایی مدارس بسیار افزایش داشته است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به فعالیت زیر زمینی تولید کنندگان دفتر اشاره کرد و گفت: فعالیت این بخش از تولید لوازم التحریر بیشتر زیر زمینی بوده و کارخانه یا واحدی که به صورت قانونی فعالیت مشخص داشته باشد وجود ندارد و به همین جهت

نظارت دولت بر این تولید کنندگان متخلف محدود شده است. این فعال کارگری ادامه داد: باتوجه به افزایش قیمت کاغذ و همچنین افزایش قیمت حامل‌های انرژی بسیاری از همین تولید کنندگان زیر زمینی دفتر که در بازار تهران فعالیت می‌کنند قیمت‌های محصولات خود را افزایش داده‌اند.

حذف یک نوبت کاری ایران خودروی خراسان و تمدیدشدن قرارداد تعدادی از کارگران

کانون مدافعان حقوق کارگر: روزنامه خراسان رضوی تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۹۱، درخبری اعلام کرد: که شرکت ایران خودروی خراسان ۳ شیفت کاری خود را به ۲ شیفت کاهش داده و قرارداد ۶۰۰ کارگر خود را تمدید نکرده است. در واقع کارگران یک شیفت کاری این شرکت اخراج شده اند. یکی از کارگران پیمانی شرکت ایران خودروی خراسان با ارسال پیامک به این روزنامه خواستار پیگیری این موضوع شد. این کارگر ۲۶ ساله در گفت و گو با «خراسان رضوی» می‌گوید: حدود ۶۰۰ نفر از کارگران ایران خودروی خراسان با شرکت تعاونی مهندسی (پیمانکار) قرارداد دارند و بنا به دلایلی مسئولان اعلام کردند شیفت کاری شرکت ایران خودرو از ۳ شیفت به ۲ شیفت کاهش یافته و کارگران پیمانی ایران خودرو اخراج می‌شوند.

اعتصاب ۴روزه کارگران کارخانه سیمان دهلران بدلیل عدم پرداخت حقوقشان

به گزارش باشگاه خبرنگاران، در ۲۸ شهریور آمده است: کارگران کارخانه سیمان دهلران به خاطر عدم پرداخت حقوق خود چهار روز دست به اعتصاب زدند.

بنا بهمین گزارش، کارخانه سیمان شهرستان دهلران با گذشت شش سال از آغاز ساخت و وعده های فروان همچنان به بهره برداری نرسیده است.

کارخانه سیمان شهرستان دهلران در سال ۸۴ عملیات اجرایی آن آغاز شد و قرار شد فاز اول آن پایان شهر یورماه سال جاری افتتاح شود حال با گذشت ۶ سال از زمان عملیات اجرایی آن هنوز به مرحله اجرا در نیامده و فاز اول آن که قرار بود در شهر یور ماه افتتاح شود به خاطر مشکلات مالی به بعد موکول شد. این در حالی است که کارگران این شرکت به خاطر عدم پرداخت حقوق خود چهار روز دست به اعتصاب زدند.

مهدی نژادپان نماینده کارفرما در این باره گفت: همه کارگران کارگاه دومه است حقوق خود را دریافت نکرده اند. وی افزود: ۶۴۰ نفر در کارخانه سیمان دهلران مشغول کار هستند.

رفع تبعیض بین کارگران زن و مرد از طریق تشکلیابی زنان کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۸ شهریور آمده است: دومین دوره انتخابات هیات مدیره اتحادیه سراسری زنان کارگر کشور همزمان با سراسر کشور در استان آذربایجان شرقی نیز با حضور اعضای این اتحادیه در سالن اجتماعات خانه کارگر تبریز برگزار شد.

به گزارش ایلنا، دبیر اتحادیه زنان کارگر استان آذربایجان شرقی در آغاز این مراسم گفت: اتحادیه سراسری زنان کارگر کشور از سال ۸۱ با تصویب اساسنامه و آیین نامه‌هایی در سطح گسترده برای جامعه کارگری به خصوص برای زنان کارگر بوجود آمد.

اصغری با بیان اینکه در حال حاضر نزدیک به ۲۵ اتحادیه زنان کارگر با ریاست سهیلا جلودارزاده در سطح کشور فعالیت می‌کنند گفت: اتحادیه زنان کارگر به منظور حفظ و احقاق حقوق مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران، صیانت از نیروی کار و اتحاد بین کارگران، حفظ و گسترش و هماهنگی منافع حرفه‌ای و رفع هرگونه تبعیض بین کارگران زن و مرد، افزایش میزان اشتغال و بهره برداری کارگران و نهایتاً رشد اقتصادی کشور فعالیت می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه استان آذربایجان شرقی به عنوان یکی از قطبهای اقتصادی کشور توانسته با برنامه ریزی صحیح، دارای اتحادیه زنان کارگر فعال با بیش از هشت هزار و ۳۱۳ عضو در کشور باشد گفت: اتحادیه زنان کارگر استان سه سال متوالی است که توانسته است رتبه اول را از نظر تعداد اعضا و نوع فعالیت در کشور کسب کند.

دبیر اتحادیه سراسری زنان کارگر استان در مورد نحوه عضویت در اتحادیه زنان کارگر گفت: زنان کارگر شاغل در کلیه سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها، بخشهای خصوصی، خدماتی، درمانی، همچنین همسران، فرزندان دختر و مادران کارگرانی که تحت پوشش بیمه سازمان تامین اجتماعی هستند می‌توانند با عضویت در اتحادیه و خانه کارگر از کلیه خدمات رفاهی، درمانی، آموزشی، تفریحی، مشاوره حقوقی و استفاده کنند.

در پایان که جمعی از زنان کارگر استان از کارخانجات، کارگاه‌ها و شرکتهای بخش خصوصی و دولتی حضور داشتند طبق آیین نامه و دستورالعمل اتحادیه تعدادی از زنان کارگر جهت انتخابات مزبور داوطلب و در نهایت مهدیه احمدی کمالی به عنوان نایب رئیس، اکرم احمدلو دبیر، مینا عجیشیری و میترا جودی به ترتیب بازرس اول و دوم انتخاب شدند که انتخاب شدگان بمدت سه سال در این اتحادیه فعالیت خواهند کرد.

گفتنی است ایجاد زمینه و بسترسازی جهت توانمندسازی و شکوفایی استعدادها و خودباوری زنان کارگر، ایجاد روحیه همکاری بین اعضا به منظور پیشرفت سریع امور، ارائه برنامه‌های آموزشی برای بالا بردن آگاهی اعضا در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، حفاظت ایمنی فنی، بهداشت حرفه‌ای، همکاری با کنفدراسیون عالی کارگران ایران در تهیه برنامه‌ها به منظور پیشبرد امور جامعه کارگری، بررسی شکایات زنان در مورد نارسایی‌ها و پیگیری موارد حقه در کلیه مراجع زیربط، تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی، حفظ، حمایت و احقاق قانونی و منافع حرفه‌ای اعضا مانند بیمه بازنشستگی، از کارافتادگی، شرکت‌های تعاونی مصرف و مسکن، صندوق قرض الحسنه امور اجتماعی خدمات فرهنگی و، همکاری در جهت بهبود شرایط کار و دستیابی به وضعیت مطلوب، تشویق عناصر فعال و معرفی افراد لایق برای احراز مسئولیت‌های مناسب به کنفدراسیون عالی کارگران ایران، انجام مذاکره

و همکاری و تبادل نظر با سایر اتحادیه‌های کارگری و شورای هماهنگی اتحادیه‌های کارگران کشور از اهداف اتحادیه سراسری زنان کارگر کشور می‌باشد.

علیرضا عسگری آزاد شد

بر پایه خبر مندرج در سایت کمیته هماهنگی ... در 28 شهریور آمده است: عصر روز سه شنبه ۲۸/۶/۱۳۹۱ علیرضا عسگری فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بر اساس رای شعبه تجدید نظر دادگاه انقلاب کرج آزاد شد. بر اساس رای دادگاه تجدیدنظر، یک سال حبس تعزیری این فعال کارگری به ۱ سال در ۳ سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) تبدیل شد.

کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی علیرضا عسگری به خانواده ی این فعال کارگری و تمام کسانی که دل در گرو رهایی طبقه‌ی کارگر از مناسبات استثمارگرانه‌ی سرمایه‌داری دارند، خواهان آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۲۸ شهریور ماه ۱۳۹۱

سه سال حبس تعلیقی برای علیرضا عسگری

بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، علیرضا عسگری، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی، بر اساس رای شعبه تجدید نظر دادگاه انقلاب کرج، در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲، به طور مشروط آزاد شد. پیشتر دادگاه انقلاب اسلامی کرج علیرضا عسگری را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرده بود. اما بر اساس رای دادگاه تجدیدنظر، یک سال حبس تعزیری این فعال کارگری به یک سال در سه سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) تبدیل شد. قاضی شعبه‌ی ۴ دادگاه انقلاب اسلامی کرج همچنین ریحانه انصاری و جلیل محمدی را هر کدام به یک سال در سه سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) محکوم کرده بود.

یورش سبعمانه ماموران جمهوری اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی در کرج، که منجر به ضرب و شتم وحشیانه و بازداشت حدود ۶۰ فعال کارگری گردید، با انزجار جنبش کارگری ایران و بین المللی مواجه شد و در سراسر دنیا قویا محکوم گردید. اگر چه اکنون تمامی دستگیر شدگان یورش کرج آزاد شده اند، اما تعدادی همچون ریحانه انصاری، علیرضا عسگری و جلیل محمدی کماکان با توجه به حبسهای تعلیقی تحت فشار و اذیت و آزار قرار خواهند داشت. بعلاوه فعالین کارگری همچون رضا شهابی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده با اتهامات کاملاً واهی در زندانهای تهران و تبریز به حبسهای ظالمانه و طولانی محکوم شده اند. اتحاد بین المللی ضمن تبریک آزادی علیرضا عسگری، خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری می‌باشد و معتقد است تشکل، اعتصاب، تجمع و فعالیت حق انکارناپذیر طبقه کارگر است و تا تحقق کامل و بدون قید و شرط آن به دست طبقه کارگر به حمایت و جلب همبستگی بین المللی کارگری از فعالین کارگری و کارگران در بند بدون انقطاع ادامه خواهد داد.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۲

مدرسه‌ها امسال برای خانواده‌های کارگری سخت‌تر باز می‌شوند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 شهریور آمده است: قیمت نوشت افزار نسبت به سال گذشته افزایش محسوس و چشمگیری داشته است. این افزایش قیمت به گونه‌ای است که برخی از خانواده‌ها از جمله کارگران برای تهیه نوشت افزار فرزندان خود دچار مشکل شده و در تنگنا قرار گرفته‌اند.

به گزارش ایلنا، با وجود مشکلات بنگاه‌های اقتصادی که به سبب اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و افزایش قیمت حاملهای انرژی رخ داده است، آن دسته از کارگرانی که شغل خود را از دست نداده‌اند هم برای دریافت حقوق حداقلی خود دچار مشکل هستند، از این رو قدرت خرید کارگران کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است.

در حالی که تنها چند روز تا بازگشایی مدارس باقی است، همه دانش آموزان می‌خواهند که با کیف، کفش و نوشت افزار جدید سال تحصیلی خود را آغاز کنند. در این میان افزایش قیمت نوشت افزار خود را بیش از سایر اقلام بر زندگی کارگران تحمیل می‌کند چرا که فرزندان جامعه کارگری آموخته‌اند از وسایل ضروری‌شان چنان استفاده کنند که در صورت نیاز قابلیت استفاده مجدد برای سال جدید را داشته باشند اما خرید نوشت افزار از ضروریات آغاز سال تحصیلی جدید است.

آقای بهزاد، کارگر پیمانکاری یک کارخانه تولید قطعات خودرو در این باره به ایلنا می‌گوید: هزینه مدرسه، کتاب و نوشت افزار در حال حاضر بسیار سنگین و حقوقی که در واحدهای تولیدی به کارگران پرداخت می‌شود بسیار ناچیز است. بخشی از این دستمزد ناچیز هم توسط واسطه‌های نیروی کار تصاحب می‌شود. من به زحمت نیازهای خانواده‌ام را در این زمینه تامین می‌کنم. فشار اقتصادی به حدی است که فرزند من در تابستان سر کار می‌رفت تا هزینه‌های بعدی خود را فراهم کند. او ادامه می‌دهد: هم اینک به دلیل وضعیت بد اقتصادی کشور، بسیاری از همکاران من از کار خود اخراج شده‌اند. این فشار اقتصادی تا حدی است که فرزندان برخی از آنان دیگر به مدرسه نمی‌روند و شاغل شده‌اند.

ایرانی یا خارجی؟

اگر به یکی از فروشگاه‌های نوشت افزار در کشور مراجعه کنیم، شاید آنچه که بیش از همه به چشم می‌آید نوشت افزارهای وارداتی هستند که با رنگ و طرح‌های جذاب خود دل هر دانش آموزی را - فارغ از اینکه پدر او با چه نوع قراردادی مشغول کار است و یا نیست - را می‌برند. حتی برخی از کارشناسان از نفوذ ۹۰ درصدی لوازم التحریر وارداتی در بازار خبر می‌دهند. عدم حمایت دولت از تولید کنندگان داخلی، نوسانات نرخ ارز، گرانی کاغذ و مهم‌تر از همه عدم جذابیت محصولات تولیدی داخلی به

دلیل محدودیت‌های وارده بر آن‌ها از عمده دلایلی هستند که باعث به وجود آمدن وضع فعلی شده‌اند. در همین رابطه، اسماعیل حق پرستی، یک فعال کارگری، با اشاره به افزایش محصولات متنوع نوشت افزار در بازار تهران اظهار می‌دارد: در حالی که این روزها مسئولان در شعار مشغول کنترل و ساماندهی واردات کالا و محصولات خارجی به کشور هستند، بازار داخلی در بسیاری از حوزه‌ها به تولیدکنندگان خارجی تقدیم شده است. دبیر خانه کارگر تهران با بیان اینکه سهم تولیدات داخلی از بازار نوشت‌افزار بسیار ناچیز است، می‌افزاید: انواع نوشت‌افزار خارجی که عمدتاً از کشورهای جنوب شرقی آسیا با طرح‌ها و رنگ‌های جذاب و مختلف وارد بازار ایران شده‌اند فرصتی برای رقابت محصولات ایرانی باقی نگذاشته‌اند.

در حالی که بازار خرید محصولات نوشت‌افزار ایرانی به خودی خود با توجه به آنچه گفته شد کم رونق است، مسئولان به جای برداشتن محدودیت‌های تولید نوشت‌افزارهای جذاب و ایجاد تسهیلات برای تولیدکنندگان این عرصه، گمان می‌برند با دستورالعمل‌های بخشنامه‌ای خود می‌توانند در قوانین اقتصاد بازار دست برده و شرایط را مطابق میل خود عوض کنند. اخیراً معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در دستورالعمل جدیدی اعلام کرده که ورود لوازم التحریر خارجی به مدارس از مهر ماه امسال ممنوع می‌شود.

فاطمه قربان در این زمینه می‌گوید: ورود لوازم‌التحریر غیر ایرانی و غیراسلامی به مدارس از مهر ۹۱ ممنوع است و تولیدکنندگان باید توجه داشته باشند که تولیدات آن‌ها با فرهنگ و تمدن غنی ایرانی - اسلامی همخوانی داشته باشد. همچنین خانواده‌ها نیز با ارائه اطلاعات کافی به فرزندان خود آن‌ها را به استفاده از لوازم‌التحریری که نقوش آن متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی است، متقاعد کنند.

تجربه نشان داده است نمی‌توان با بخشنامه‌های دستوری مشکلات اقتصادی و فرهنگی را حل کرد. اگر مسئولان خواهان خریداری شدن محصولات نوشت‌افزار داخلی هستند، راهی جز حمایت از تولیدکنندگان داخلی و برداشتن محدودیت‌ها ندارند.

خطر بیکاری کارگران وابسته به صنایع پتروشیمی در پی نوسانات بازار سهام

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 شهریور آمده است: دبیر خانه کارگر سمنان نسبت به تأثیر نوسانات بازار سهام صنایع پتروشیمی بر امنیت شغلی کارگران واحدهای تولیدی وابسته به این محصولات ابراز نگرانی کرد.

حبییب الله محقق در این باره به ایلنا گفت: اکثر واحدهای تولیدی بویژه واحدهای وابسته مستقیم به صنایع پتروشیمی با توجه به روند معاملات و نوسانات قیمت در بازار سهام پتروشیمی، قدرت خرید مواد اولیه تولید را از دست داده‌اند و ادامه این روند امنیت شغلی کارگران این واحدها را به مخاطره خواهد انداخت.

این فعال کارگری با بیان اینکه در این زمینه کارگاه‌های کوچک زودتر از واحدهای بزرگ دچار مشکل شده‌اند اظهار داشت: هر واحدی که به نحوی در تهیه مواد اولیه و حتی بسته بندی نیازمند به این صنعت هستند با توجه به افزایش قیمت ارز و به تبع آن نوسانات قیمت در بازار سهام دچار تردید در خرید مواد اولیه شده‌اند.

محقق با بیان اینکه نوسانات بازار سهام صنایع پتروشیمی رابطه مستقیمی با افزایش قیمت محصولات تولیدی صنایع وابسته دارد، افزود: اگر قیمت سهام این محصولات در بازار بورس ثبات نداشته باشند بودجه بندی واحدهای تولید کننده و مصرف کننده دستخوش تغییرات زیادی خواهند شد.

تجمع معلمان پیش دبستانی مقابل مجلس

به نوشته سایت آفتاب در 29 شهریور آمده است: تعدادی از معلمان پیش دبستانی امروز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. تعدادی از معلمان پایه پیش دبستانی امروز برای چندمین بار مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

یکی از تجمع کنندگان به فارس گفت: امروز چندمین باری است که ما برای پیگیری مطالباتمان مقابل مجلس تجمع می‌کنیم. وی افزود: امروز ما از استان‌های اصفهان، شیراز و چند استان دیگر به اینجا آمدیم تا نمایندگان، مطالبات ما را پیگیری کنند. این معلم پیش دبستانی اضافه کرد: درخواست ما این است که دستور لازم برای استخدام ما صادر شود، چرا که ما چندین سال است که کار کرده‌ایم و در حال حاضر هم ما را اخراج کرده‌اند.

اطلاعیه شماره 38 - پیام مشترک رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده به مناسبت اول مهر روز بازگشایی مدارس :

سومین مهر، بدون مهر پدري!

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌شود که 27 ماه از بهترین دوران عمرمان را دور از همکاران، هموطنان و کانون گرم خانواده آن هم به جرم تشکیل و عضویت در تشکل‌های کارگری برای دفاع از حقوق مسلم کارگران و آشنایی آنها با حقوق اولیه خود برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه سزاوار هر انسان، گرفتار زندان شده ایم.

دوستان و هموطنان!

فرزندان ما 27 ماه است از مهر پدري محروم اند، آنهم در سنینی که نیاز به مراقبت و رسیدگی و کمک و آموزش دارند. گرچه مادرانشان در همه حال در کنار آنها هستند ولی دوری پدر و مشکلات پیش رو ضربات جبران ناپذیری به آنها وارد کرده است.

فرزندان عزیز این مرز و بوم!

ما می‌دانیم که همه ی شما عزیزان در شرایط برابر زندگی نمی‌کنید و بخش زیادی از شما از نعمت پدر یا مادر یا از داشتن غذا و سرپناه کافی یا مدرسه و معلم مناسب محرومید، شماری از هم سن و سالهای شما به اجبار از تحصیل باز مانده اند. ما نیز به دلیل آزادی خواهی و برابری 27 ماه از عمرمان را پشت میله های زندان و به دور از خانواده و فرزندانمان به سر می‌بریم. در این سال تحصیلی فرزندان ما نیز به جز محرومیت های اقتصادی و تحصیل باید محرومیت از پدر را تجربه کنند، و با اضطراب، مثل شما به مدرسه رفته و در سر کلاس حاضر شوند. با این وصف ما نگران وضع زندگی همه شما عزیزان آینده ساز این مرز و بوم هستیم.

رفقا و هموطنان عزیز!
زنگ آغاز سال تحصیلی جدید، درس تغییر و پیام آزادی و برابری و امنیت را نوید می دهد، در این فصل که فاصله ها از میان رفته و دست ها مهربانانه همدیگر را می فشارند، باید امتحان نیکو پس داده و کارنامه درخشانی از خود بر جای بگذاریم. شاگرد خوب زمانه باشیم، از معلم تاریخ آموخته ایم که بعضی فرصت ها یگانه و تکرار ناپذیرند و برای قبولی در آزمون این فصل سخت باید با جسارت گزینه مقاومت را برگزید.

ما کارگران زندانی ضمن تبریک سال تحصیلی جدید به غنچه های نوشکفته، دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و هنرجویان، آزادی و پیشرفت در تحصیل و صعود به قله های بلند علم و دانش را آرزو می کنیم و به خانواده بزرگ جامعه کارگری و زحمتکش و تمام ایرانیان آزاده و شریف و سندیکاها و تشکل های کارگری، دانشجویی، زنان، پرستاران، فعالان مدنی و صلح جو و همه عزیزان و مادران داغ دیده و شخصیت های مردمی از پشت دیوار های زندان اوین با روحیه و اراده قوی و استوار شادباش می گوئیم.

زنده باد کارگر زنده باد آزادی و برابری

کارگر متحد همه چیز کارگر متفرق هیچ چیز

به امید پیروزی شما در راه ساختن جهانی عاری از جنگ و جهل و محرومیت
رضا شهابی- عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
(اسعد) بهنام ابراهیم زاده- عضو کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری
شهریور 91- زندان اوین

انتشار: کمیته دفاع از رضا شهابی - 29 شهریورماه ۱۳۹۱

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

تجمع اعتراضی کارگران یک شرکت تولیدی قطعات صنعتی در گرگان در اعتراض به پرداخت نشدن هشت ماه حقوقشان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 29 شهریور آمده است: کارگر یک شرکت تولیدی مواد اولیه شرکت در بازار آزاد فروخته می شود / 8 ماه حقوق نگرفته ایم

به گزارش خبرگزاری فارس، تعدادی از کارگران یک شرکت تولیدی قطعات صنعتی در گرگان در اعتراض به پرداخت نشدن هشت ماه از حقوق خود، تجمع کردند.

براساس این گزارش، تجمع کارگران یک شرکت تولیدی قطعات صنعتی در حالی است که آنها از گرفتن هشت ماه حقوق خود محروم مانده اند و در این راستا کسی پاسخگوی آنها نیست.

یکی از کارگران این شرکت تولیدی که نمی خواهد نامی از وی فاش شود، گفت: چرا همیشه باید کارگران در زیر بار مشکلات، بیشترین آسیب را متحمل شوند مگر نه این است که آنها در چرخاندن چرخه های اقتصادی، نقش کاملا برجسته و مهمی دارند. وی ادامه داد: تقریباً تا دو سال پیش فعالیت این شرکت بسیار خوب بود و مشکل آنچنانی نداشتیم هرچند ما کارگران برای دریافت حقوق مان با یکی الی دو ماه تاخیر مواجه بودیم اما اکنون این مشکلات دیگر از حد خود گذشته و زندگی را برایمان سخت تر کرده است و مدیرعامل شرکت نیز هر بار بنا به دلایلی برای ندادن حقوق به موقع به کارگران بهانه های می آورد و امروز که دیگر هشت ماه از کار کردن مان می گذرد هنوز هیچ حقوقی دریافت نکرده ایم.

این کارگر با بیان اینکه شرکت اکنون با معوقات زیادی روبه رو شده است، خاطر نشان کرد: متوجه شدیم که این شرکت دیگر توان پرداخت معوقات خود را ندارد هرچند که در حال تولید قطعه برای شرکت ساپکو نیز است. وی با ابراز نارضایتی از اینکه علاوه بر حقوق ماهانه هنوز عیدی، بَن و ملزومات مورد نیاز برای کارمان دریافت نکرده ایم، یادآور شد: ما می دانیم آنها مواد اولیه شرکت را تا سال گذشته از صنایع به قیمت دولتی خریداری می کردند ولی آن را در بازار آزاد به قیمتی بالاتر می فروختند که البته برای این ادعا سند و مدرک نیز وجود دارد.

این کارگر شرکت تولیدی با بیان اینکه تمام کارگران برای اینکه به حقوق و مزایای خود برسند از مدیرعامل شرکت، شکایت کرده اند، متذکر شد: شرکت متعهد شده تا معوقات و بدهی خود را به کارگران بدهد اما حقوق یک ماه کارگران را در دو قسط پرداخت کردند و اکنون می گویند که شرکت سوددهی ندارد و شما را به بیمه معرفی می کنیم تا از مزایای بیمه بیکاری برخوردار شوید در صورتی که از ابتدای سال تاکنون سابقه ای از کارگران در بیمه تامین اجتماعی ثبت نشده است. وی یکی دیگر از مشکلات کارگران این شرکت را در برخورد ناعادلانه بیمه تامین اجتماعی نسبت به کارگران بیان کرد و گفت: چرا باید این سازمان قبول کند تا 700 میلیون تومان بیمه کارگران به تعویق افتد و کارگرانی که اکنون در آستانه بازنشستگی هستند در برابر این عمل ناخوشایند دچار آسیب شوند.

این کارگر با ابراز نگرانی از اینکه اکنون اوضاع شرکت نابسامان شده است، افزود: دستگاه های این شرکت در حال فروش است و این شرکت اکنون در آستانه تعطیلی است و تمام زندگی این پرسنل نیز با بحران مواجه شده است، شما خودتان قضاوت کنید با این شرایط چه طور باید معاش زندگی را تهیه کرد و از عهده مخارج برآمد. وی از مسئولان ذیربط خواست تا به داد کارگران برسند و خاطر نشان کرد: اکنون سه ماه است که از مدیرعامل شکایت کرده ایم اما به ما می گویند تا چهار ماه دیگر معطلی دارد تا از طریق قانونی به حق و حقوق تان برسید حال ما در این میان، چگونه باید قوت لایموت خود را تهیه کنیم؟

بیکاری ۳۰۰ کارگر واحدهای تولید قطعات خودرو در قزوین

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 شهریور آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین اعلام کرد: طی یک ماه گذشته بیش از ۳۰۰ کارگر واحدهای تولیدی قطعات خودرو بیکار شده اند.

عید علی کریمی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: این کارگران که با سوابق ۱۰ الی ۱۸ سال در واحدهای تولید قطعات خودرو همچون

پلی اوتان، سندان ایرانیان، ادریش خودرو، مالیک سان و... فعال بوده‌اند. این فعال کارگری معتقد است اخراج کارگران در واحدهای تولید قطعات خودرو شدت گرفته است. دبیر خانه کارگر قزوین افزود: اشتغال مجدد برای کارگرانی که دارای سوابق و به تبع سن بالایی قرار دارند بسیار دشوار است چرا که این کارگران در هیچ کارگاهی پذیرفته نمی‌شوند.

پایان پیام

مرگ ۲ کارگر در راور کرمان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 شهریور آمده است: دو کارگر افغان در راور کرمان بر اثر سقوط در چاه کشته شدند.

این گزارش حاکیست، این دو کارگر (پدر و پسر) مشغول حفر چاهی در راور بودند که فاضلاب چاه همجوار به درون این چاه نفوذ کرد و پدر که درون چاه بود بر اثر گاز گرفتگی و نفوذ فاضلاب از پسرش کمک خواست. هنگامی که پسر به درون چاه می‌رسد، پدر خفه شده و پسر که راه فرار نداشته به پدر می‌پیوندد. جنازه‌ها توسط ماموران آتش‌نشانی شهرداری راور و امداد رسانیان جمعیت هلال احمر این شهرستان و آشنایان کشته‌ها پس از تخلیه فاضلاب چاه از درون چاه بیرون آورده شدند.

اعتراض کارگران ابر صنعتی ایران به ۱۹ ماه بلاتکلیفی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 30 شهریور آمده است: جمعی از کارگران کارخانه ابر صنعتی ایران با امضای نامه‌ای به عدم دریافت بیش از ۱۹ ماه حقوق معوق خود اعتراض کردند.

۲۶ کارگر کارخانه ابر صنعتی ایران واقع در شهرک صنعتی قزوین در نامه‌ای که خطاب به خبرگزاری ایلنا امضاء کرده‌اند به شرح مشکلاتی که باعث شده است با متوقف شدن تولید کارخانه ۲۷ کارگر آن ماه‌ها در بلاتکلیفی به سر ببرند، انتقاد کرده و آورده‌اند: کارخانه ابر صنعتی ایران با ادعای کمبود نقدینگی تا هم اکنون از پرداخت بیش از ۱۹ ماه حقوق و سنوات ۲۷ کارگر خود امتناع کرده است.

به گفته کارگران، کارفرمای خصوصی این کارخانه از فروردین ماه سال گذشته حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است. در این نامه کارگران تصریح کرده‌اند: وعده کارفرمای کارخانه برای پرداخت معوقات حقوقی کارگران همچنان عملی نشده است و وی با حضور در دادگاه کیفری (شعبه ۱۰۲) در پی شکایت کارگران قول داده بود که بخشی از مطالبات کارگران را قبل از ماه مبارک رمضان پرداخت کند که متأسفانه هنوز انجام نشده است.

این کارگران در ادامه اظهار داشته‌اند: هر ماه کارگران کارخانه ابر صنعتی برای اجرای رای اداره کار به شعبه ۲ شهرستان مراجعه می‌کنند که تا هم اکنون این مراجعات و پی‌گیری‌ها بی‌نتیجه بوده است. بر اساس اطلاعات این نامه، سوابق بیمه‌ای کارگران از ۱۸ سال تا ۲۸ سال است که به جهت عدم پرداخت حق بیمه از جانب کارفرما، اغلب آنان برای بازنشسته شدن دچار مشکل شده‌اند.

در پایان کارگران با ابراز تأسف از دو سال بی‌توجهی مسئولان نسبت به رفع مشکلات کارگران ابر صنعتی، افزوده‌اند: این کارخانه در زمان فعالیت مشکلی در خصوص تولید نداشته و به همین جهت توقف تولید و عدم پرداخت حقوق کارگران برای آنان نامعلوم است.

گفتنی است کارخانه ابر صنعتی ایران تولید کننده اسفنج و فوم سبز در طی چند سال اخیر به جهت کمبود نقدینگی تعطیل شده و از پرداخت حقوق و سنوات و سایر مزایای قانونی کارگران خودداری کرده است.

پایان پیام

واردات بیل، مرابا، ارز، شامپو، ژله و شیرنگ!

به نوشته سایت مشرق در 30 شهریور آمده است: داستان واردات کالاهای عجیب و محصولات محصلاتی که بعضاً توانایی تولید آنها در کشور وجود دارد طی چند سال گذشته به سوژه‌ای برای رسانه‌ها تبدیل شده است. زمانی رسانه‌ها اعلام کردند که طی یک سال چند میلیون دلار بیل و بیلچه وارد کشور شده است. بعداً وزیر صنعت، معدن و تجارت در نشستی صمیمی با رسانه‌ها با اذعان به این موضوع تصریح کرد که واردات این قبیل کالاها به کشور متوقف شده است. با وجود این، تازه‌ترین آمار گمرک ایران حاکی از آن است که بعضی از کالاهای عجیب و کالاهایی که توان تولید آنها در داخل وجود دارد، همچنان وارد کشور می‌شوند.

در پنج ماهه نخست سال 1391 محصولات محصلاتی مانند انواع مرکبات، گوشت مرغ، لامپ کم‌مصرف، مواد پاک‌کننده دندان، شامپو، تلویزیون رنگی، ارز، لیوان، دستکش پزشکی، بلندگوی خودرو، کیف و کیسه، سیب، گلدوزی و فلاپدوزی، مدادتراش، میکروفون، سرنگ و سرسوزن، مرابا و ژله، صفحه کلید، مداد و خودکار، شیرنگ، قیچی، رخت آویز، دستگاه‌های آب‌گرم‌کن، بیل و بیلچه و صابون وارد کشور شده‌اند. در مورد محصولات محصلاتی مانند قیچی و بیل و بیلچه این سوال به وجود می‌آید که آیا این گونه کالاها را واقعا نمی‌توان در داخل کشور به تولید رساند؟ آیا این کالاها از فناوری پیچیده‌ای برخوردار هستند که تولیدکنندگان داخلی قادر به تولید آنها نیستند؟

در مورد محصولات محصلاتی مانند انواع میوه نیز این سوال مطرح می‌شود که چرا ایران به عنوان یکی از 10 کشور بزرگ تولیدکننده مرکبات در جهان همچنان این گونه میوه‌ها را وارد می‌کند؟ این در حالی است که وزارت صنعت، معدن و تجارت همه ساله به بهانه تنظیم بازار و بحث بازار شب عید مجوز واردات گسترده میوه از جمله مرکبات را صادر کرده و به این ترتیب تمام برنامهریزیها را در حوزه تولید مرکبات و سایر میوه‌ها به هم می‌ریزد.

البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که از نگاه برخی فعالان اقتصادی تولید انواع محصولات کشاورزی در کشور هم‌اکنون با نوعی بی‌برنامگی مواجه است و به همین دلیل بوده که برخی کمبودها مانند کنجاله باعث شده که بازار محصولات محصلاتی مانند گوشت مرغ با مشکلاتی مواجه شود. در مورد واردات برخی از کالاها مانند مداد، خودکار و صفحه کلید نیز باید اشاره کرد که به گفته برخی فعالان این عرصه، هم‌اکنون توانایی ساخت داخل این

گونه محصولات وجود دارد، اما به دلیل ناهماهنگی‌ها تولیدکنندگان فعال در این حوزه‌ها نتوانسته‌اند در مقابل آن مقاومت کنند و برخی از آنها نیز در طول زمان به واردکننده محصولات تبدیل شده‌اند که پیش‌تر همان‌ها را در ایران تولید می‌کردند.

همچنین در پنج ماهه امسال 65 میلیون دلار انواع مرکبات، 24 میلیون دلار گوشت مرغ و خروس، 16 میلیون دلار لامپ کم‌مصرف، 11 میلیون دلار مواد پاک‌کننده دندان، 11 میلیون دلار شامپو، سه میلیون دلار تلویزیون رنگی، 7/2 میلیون دلار ارزن، 4/2 میلیون دلار دستکش پزشکی، 3/2 میلیون دلار کیسه و ساک، 2/2 میلیون دلار گلدوزی و قلابدوزی، 2/2 میلیون دلار سیب، 9/1 میلیون دلار مسواک، 7/1 میلیون دلار مواد تراش، 1/1 میلیون دلار مداد و مداد رنگی، 1/1 میلیون دلار سرنگ، یک میلیون دلار مربا و ژله، 900 هزار دلار صفحه کلید، 900 هزار دلار شیرنگ، 855 هزار دلار قیچی، 835 هزار دلار رخت‌آویز، 815 هزار دلار دستگاه های آب گرم کن، 553 هزار دلار بیل و بیلچه و 481 هزار دلار صابون وارد کشور شد.

اما در واردات برخی کالاها به کشور در حالی همچنان ادامه دارد که براساس تازه‌ترین آمار گمرک ایران، صادرات غیرنفتی کشور در پنج ماهه نخست امسال با کاهش 11 درصدی به 15 میلیارد و 727 میلیون دلار رسید. در همین مدت واردات کشور نیز با کاهش هشت درصدی بالغ بر 21 میلیارد و 890 میلیون دلار شد. صادرات و واردات کشور در همین مدت از نظر وزنی نسبت به مدت مشابه در سال قبل به ترتیب هفت و 12 درصد کاهش نشان داد. در پنج ماهه امسال صادرات میعانات گازی با کاهش 34 درصدی به سه میلیارد و 142 میلیون دلار رسید. در حالی که صادرات محصولات پتروشیمی با افت 29 درصدی بالغ بر چهار میلیارد و 621 میلیون دلار شد.

این در حالی است که صادرات غیرنفتی کشور بدون احتساب میعانات گازی و محصولات پتروشیمی با کاهش 23 درصدی به رقم 7 میلیارد و 964 میلیون دلار رسید. در این مدت عراق، افغانستان، اندونزی، ترکمنستان و هند کشورهای طرف معامله با ایران با بیشترین تراز تجاری مثبت بودند. از سوی دیگر امارات، ترکیه، کره جنوبی، سوئیس و آلمان هم کشورهایایی بودند که ایران بیشترین تراز تجاری منفی را با آنها داشت. پروپان مایع شده در ظروف 1000 سانتی‌متر مکعب و بیشتر، پلی‌اتیلن گرید فیلم با چگالی کمتر از 94 درصد به جز نوع پودری، بوتان مایع شده در ظروف 1000 سانتی‌متر مکعب و بیشتر، کود اوره حتی به صورت محلول در آب، قیر نفت، متانول، سیمان پرتلند، زیورالات، جواهرالات و اجزای آنها از فلزات گرانبها، سنگ‌آهن

فشرده نشده و کنسانتره‌های آنها و کاتد و قطعات کاتد از مس تصفیه شده 10 قلم کالای عمده صادراتی ایران در پنج ماهه نخست امسال بودند. از سوی دیگر شمش از آهن و فولاد غیرمزوج، گندم، کنجاله و سایر آخال های جامد از دانه سویا، دانه ذرت دامی، برنج، محصولات آهنی و فولادی، قند و شکر، دارو، مازول نمایشگر متشکل از صفحه ال.سی.دی یا ال.ای.دی و پلاسما فقط دارای برد آدرس‌دهی و ماشین‌الات و دستگاه های مکانیکی دارای کاربرد خاص نیز عمده‌ترین کالای وارداتی ایران در پنج ماهه نخست 1391 بودند.

*آرمان

اعتصاب غذای کارمند سازمان بازرگانی استان خراسان جنوبی

نامه رسیده از طرف کارمندان سازمان صنعت، معدن و تجارت استان خراسان جنوبی به پایگاه اطلاع رسانی کارمندیوز از زمان ادغام سازمان بازرگانی با سازمان صنایع و معادن در جهت یکسان سازی حقوق و مزایای کارمندان این دو سازمان، وزارتخانه اقدام به اضافه نمودن فوق العاده بهره وری در احکام کارگزینی کارمندان سازمان بازرگانی نمود که این مهم در اسفند ماه سال 90 در احکام کارگزینی کارمندان سازمان بازرگانی استان خراسان جنوبی لحاظ گردید لذا تمامی کارمندان بر این اساس برنامه هزینه ای خود را تنظیم نمودند ولیکن این ایتم تنها در خرداد و تیر ماه سال 91 واریز شد و رییس سازمان (ایشان قبلا رییس سازمان صنایع و معادن استان خراسان جنوبی بودند) جناب آقای علیرضا جمیع در مرداد ماه اجازه پرداخت این مزایا را ندادند و طی پرس جو کارمندان بازرگانی ایشان فرمودند رییس خزانه استان (آقای سعیدی) اجازه پرداخت را نمی دهد در هر حال طی مکاتبات انجام گرفته با وزارتخانه و جوابیه صادره از معاونت محترم توسعه منابع انسانی وزارت صنعت، معدن و تجارت اظهار کردند در پی رفع موانع قانونی این امر هستند و می بایست رییس سازمان تا ارائه پاسخ نهایی اقدام به رفع موانع در استان نمایند در اینجا شایان ذکر است که استانهایی از جمله تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، خراسان شمالی، یزد، سیستان و بلوچستان و... این فوق العاده را پرداخت می نمایند به هر حال طی اعتراضات کارمندان رییس سازمان زیر بار پرداخت فوق العاده مذکور نرفته است با اینکه مشخص شده است دیوان محاسبات کل کشور حتی پرداخت ایتم فوق العاده بهره وری به کارمندان سازمان صنایع و معادن را نیز غیر قانونی اعلام نموده ولی این امر ظاهرا در استان خراسان جنوبی برای کارمندان سازمان صنایع و معادن قدیم مجاز و برای کارمندان سازمان بازرگانی قدیم این استان غیر مجاز اعلام گردیده است لذا به دلیل تبعیض صورت گرفته یکی از کارمندان سازمان بازرگانی قدیم استان اعلام نموده از روز پنجشنبه در این سازمان بست می نشیند و دست به اعتصاب غذای تر تا رفع این تبعیض می نماید ضمنا این کارمند اعلام کرده به دلیل عدم پرداخت اضافه کار از ابتدای سال تا کنون در خواست پرداخت آن را نیز دارد.

اینجانب به نمایندگی گروهی از همکاران از شما خواهشمندم ضمن اطلاع رسانی این موضوع در جهت برقراری عدالت و رفع تبعیض ما را همیاری نمایید.

کاهش ۳۰ درصدی قدرت خرید کارگران در پی افزایش نرخ ارز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 30 شهریور آمده است: نوسانات اخیر در بازار ارز کشور، زوایای پنهان‌تری از افزایش قیمت کالاهای وارداتی و همچنین کاهش میزان تولید کشور در سال حمایت از کار، تولید و سرمایه ایرانی دارد، که می‌توان در این راستا به کاهش ۳۰ درصدی قدرت خرید کارگران کشور با گذشت ۶ ماه از آغاز سال جدید اشاره کرد.

به گزارش ایلنا، طبق قوانین موجود در قانون کار جمهوری اسلامی ایران، کمیته مزد شورایی عالی کار موظف است در پایان هر سال، کف حقوق کارگران را برای سال آینده مشخص کرده و به نهادهای پرداخت کننده حقوق ابلاغ کند. تصویب حقوق حدود ۳۹۰ هزار تومانی برای کارگران در سال ۱۳۹۱، انتقاداتی را در پی داشت از جمله اینکه نرخ تورم، نوسانات ارز و... در تعیین این میزان از حقوق کارگران به درستی لحاظ نشده است، اما این شرایط امروز وارد مرحله جدیدی شده، تا جایی که قیمت ۱۹۰۰ تومانی دلار در اسفند گذشته به قیمتی در حدود ۲۵۰۰ تومان رسیده که به این ترتیب بیش از ۳۰ درصد افزایش داشته است.

حذف اقلام ضروری از سبد خانوار مزدبگیران

افزایش قیمت دلار، و به دنبال آن کاهش قدرت خرید خانوار مزدبگیر ایران، تاثیر قابل ملاحظه‌ای در استفاده این خانواده‌ها به ویژه خانواده‌های کارگری، از امکانات آموزشی، درمانی و... می‌شود که می‌تواند در بلند مدت تاثیرات اجتماعی و اقتصادی زیادی برای این خانواده‌ها و جامعه به همراه داشته باشد.

علیرضا حیدری، یکی از تحلیلگران اقتصادی در این زمینه به اینا می‌گوید: کاهش ارزش پول ملی به تبع افزایش نرخ ارز، حقوق مردمی است که در دهک‌های پایین جامعه قرار دارند و زیرپای سرمایه داران قرار می‌گیرد. او معتقد است کاهش ارزش پول ملی، تبعات جبران ناپذیری برای کارگران دارد.

او می‌افزاید: کاهش قدرت خرید مزدبگیران در ایران، جهت گیری زندگی این افراد را به سمت فقر و تنگدستی سوق می‌دهد، چرا که حقوق تعیین شده برای کارگران در ابتدای سال، کف توان آن‌ها برای امرار معاش بوده است که در صورت کاهش ۳۰ درصدی این توان، عملاً امکان تنظیم مجدد الگوی مصرف وجود ندارد، لذا این کارگران هستند که روز به روز فقیرتر می‌شوند. در کشورهای توسعه یافته، مسئول این قبیل مشکلات اقتصادی، دولت‌ها و برنامه ریزان اقتصادی هستند که طبق اصول و عرف، مسئولیت این مشکلات را بر عهده می‌گیرند.

اصلاح نظام مالیاتی، راه حل جلوگیری از افزایش فاصله طبقاتی

در صورت ادامه روند افزایش نرخ ارز و کاهش قدرت خرید کارگران و دیگر طبقات مزدبگیر جامعه ایران، اختلاف طبقاتی از زاویه میزان درآمد جهش چشمگیری به خود می‌گیرد. چرا که افراد دارای دارایی‌های سرمایه‌ای از قبیل منزل، کارخانه، مغازه، اتوموبیل، سکه، ارز و... با فروش سرمایه‌های خود و تبدیل آن به ارز، عملاً سود هنگفتی را صاحب می‌شوند که هیچ نقشی در تولید آن نداشته‌اند.

به بیان دیگر، افزایش درآمدهای این افراد محدود، بر اساس افزایش طبیعی کالاها و دستمزدها و به طور کلی هزینه تولید ایجاد نشده است، بنابراین اگرچه ممکن است حقوق کارگران در این شرایط برای مثال ۵۰ هزار تومان افزایش یابد، اما این اختلاف درآمد با دهک‌های بالای جامعه به قدری بالاست که تنها به تشدید فاصله طبقاتی منجر می‌شود.

برای حل مشکل کاهش قدرت خرید کارگران، به نظر نمی‌رسد افزایش دستمزد نقدی دردی را دوا کند، چرا که این روند به افزایش نقدینگی و بروز تورم منجر می‌شود از این رو راه حل‌های مالیاتی برای حل این مشکل پیشنهاد می‌شود.

حیدری در این زمینه می‌گوید: باید شرایطی را فراهم کرد که خالص درآمدهای کارگران، با اصلاح نظام پولی و مالی کشور، افزایش یابد به این ترتیب که با دریافت مالیات از دهک‌های بالای جامعه به نسبت کلیه درآمدها- نظام تامین رفاه اجتماعی را در کشور تقویت کرد.

وی معتقد است: افرادی که دارای سرمایه‌های غیر نقدی هستند، در شرایط بحرانی، می‌توانند با تغییر سرمایه غیر ریالی از A به B سود مناسبی را داشته باشند که بسیاری از طبقات مزدبگیر از این سود محروم هستند و این روند نمی‌تواند مبتنی بر یک اقتصاد عدالت محور شکل گرفته باشد. از سوی دیگر این مساله در محاسبات مالیاتی نادیده گرفته می‌شود و این افراد بدون فعالیت اقتصادی مولد، نقدینگی زیادی را تصاحب می‌کنند.

در این شرایط است که سوق دادن مالیات دریافت شده از این شهروندان به سمت توسعه رفاه اجتماعی در کشور می‌تواند راه حل مناسبی برای استفاده دهک‌های پایین از گردش مالی کشور باشد.

شناسنامه اقتصادی و نظارت بر درآمدها

نکته‌ای که حیدری بعنوان کارشناس مسائل اقتصادی در این زمینه تاکید می‌کند، مساله ایجاد شناسنامه اقتصادی برای اشخاص است به طوری که میزان فعالیت‌های اقتصادی نامتعارف افراد رصد شده و مساله دریافت مالیات به نحو احسن اجرا شود. از سوی دیگر این طرح می‌تواند در برنامه ریزهای کلان اقتصادی کشور، نقش خوبی را ایفا کند و با فعالیت‌های قانونمند از فرار مالیاتی در کشور جلوگیری کرد. عدم نظارت مالیاتی بر فعالیت اقتصادی افراد، منجر به توسعه اقتصاد زیرمیزی و افزایش فساد در کشور می‌شود چرا که افراد به تنهایی می‌توانند با تصاحب نقدینگی موجود در کشور و استفاده از مزایای آن، به افزایش فاصله طبقاتی دامن زده، و زمینه بروز بحران‌های اجتماعی و اقتصادی را در کشور فراهم کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران: علیرضا عسگری آزاد شد

طبق خبرهای منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، عصر روز سه شنبه ۱۳۹۱/۶/۲۸ علیرضا عسگری بر اساس رای شعبه تجدید نظر دادگاه انقلاب کرج آزاد شد.

بر اساس رای دادگاه تجدیدنظر، یک سال حبس تعزیری این فعال کارگری به ۱ سال در ۳ سال حبس تعلیقی (با الزام به معرفی هر ماهه به مقامات امنیتی) تبدیل شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن تبریک آزادی این فعال کارگری، خواستار منع تعقیب از فعالین کارگری و آزادی دیگر زندانیان کارگری و عقیدتی می‌باشد.

اعتراض کارگران ابر صنعتی ایران به ۱۹ ماه بلاتکلیفی

سوابق بیمه‌ای کارگران از ۱۸ سال تا ۲۸ سال است که به جهت عدم پرداخت حق بیمه از جانب کارفرما، اغلب آنان برای بازنشسته شدن دچار مشکل شده‌اند.

به گزارش 30 شهریور اینا، جمعی از کارگران کارخانه ابر صنعتی ایران با امضای نامه‌ای به عدم دریافت بیش از ۱۹ ماه حقوق معوق خود اعتراض کردند.

۲۶ کارگر کارخانه ابر صنعتی ایران واقع در شهرک صنعتی قزوین در نامه‌ای که خطاب به این خبرگزاری امضاء کرده‌اند به شرح مشکلاتی که باعث شده است با متوقف شدن تولید کارخانه ۲۷ کارگر آن ماه‌ها در بلاتکلیفی به سر ببرند، انتقاد کرده و آورده‌اند: کارخانه ابر صنعتی ایران با ادعای کمبود نقدینگی تا هم اکنون از پرداخت بیش از ۱۹ ماه حقوق و سنوات ۲۷ کارگر خود امتناع کرده است. به گفته کارگران، کارفرمای خصوصی این کارخانه از فروردین ماه سال گذشته حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است.

در این نامه کارگران تصریح کرده‌اند: وعده کارفرمای کارخانه برای پرداخت معوقات حقوقی کارگران همچنان عملی نشده است و وی با حضور در دادگاه کیفری (شعبه ۱۰۲) در پی شکایت کارگران قول داده بود که بخشی از مطالبات کارگران را قبل از ماه مبارک رمضان پرداخت کند که متأسفانه هنوز انجام نشده است.

این کارگران در ادامه اظهار داشته‌اند: هر ماه کارگران کارخانه ابر صنعتی برای اجرای رای اداره کار به شعبه ۲ شهرستان مراجعه می‌کنند که تا هم اکنون این مراجعات و پی‌گیری‌ها بی‌نتیجه بوده است.

بر اساس اطلاعات این نامه، سوابق بیمه‌ای کارگران از ۱۸ سال تا ۲۸ سال است که به جهت عدم پرداخت حق بیمه از جانب کارفرما، اغلب آنان برای بازنشسته شدن دچار مشکل شده‌اند.

در پایان کارگران با ابراز تاسف از دو سال بی‌توجهی مسئولان نسبت به رفع مشکلات کارگران ابر صنعتی، افزوده‌اند: این کارخانه در زمان فعالیت مشکلی در خصوص تولید نداشته و به همین جهت توقف تولید و عدم پرداخت حقوق کارگران برای آنان نامعلوم است.

گفتنی است کارخانه ابر صنعتی ایران تولیدکننده اسفنج و فوم سبز در طی چند سال اخیر به جهت کمبود نقدینگی تعطیل شده و از پرداخت حقوق و سنوات و سایر مزایای قانونی کارگران خودداری کرده است.

اعتصاب غذای کارمند سازمان بازرگانی استان خراسان جنوبی

نامه رسیده از طرف کارمندان سازمان صنعت، معدن و تجارت استان خراسان جنوبی به پایگاه اطلاع رسانی کارمندیوز از زمان ادغام سازمان بازرگانی با سازمان صنایع و معادن در جهت یکسان سازی حقوق و مزایای کارمندان این دو سازمان، وزارتخانه اقدام به اضافه نمودن فوق العاده بهره وری در احکام کارگزینی کارمندان سازمان بازرگانی نمود که این مهم در اسفند ماه سال ۹۰ در احکام کارگزینی کارمندان سازمان بازرگانی استان خراسان جنوبی لحاظ گردید لذا تمامی کارمندان بر این اساس برنامه هزینه ای خود را تنظیم نمودند ولیکن این ایتم تنها در خرداد و تیر ماه سال ۹۱ واریز شد و رییس سازمان (ایشان قبلاً رییس سازمان صنایع و معادن استان خراسان جنوبی بودند) جناب آقای علیرضا جمیع در مرداد ماه اجازه پرداخت این مزایا را ندادند و طی پرس جو کارمندان بازرگانی ایشان فرمودند رییس خزانه استان (آقای سعیدی) اجازه پرداخت را نمی دهد در هر حال طی مکاتبات انجام گرفته با وزارتخانه و جوابیه صادره از معاونت محترم توسعه منابع انسانی وزارت صنعت، معدن و تجارت اظهار کردند در پی رفع موانع قانونی این امر هستند و می بایست رییس سازمان تا ارائه پاسخ نهایی اقدام به رفع موانع در استان نمایند در اینجا شایان ذکر است که استانهایی از جمله تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، خراسان شمالی، یزد، سیستان و بلوچستان و... این فوق العاده را پرداخت می نمایند به هر حال طی اعتراضات کارمندان رییس سازمان زیر بار پرداخت فوق العاده مذکور نرفته است با اینکه مشخص شده است دیوان محاسبات کل کشور حتی پرداخت ایتم فوق العاده بهره وری به کارمندان سازمان صنایع و معادن را نیز غیر قانونی اعلام نموده ولی این امر ظاهراً در استان خراسان جنوبی برای کارمندان سازمان صنایع و معادن قدیم مجاز و برای کارمندان سازمان بازرگانی قدیم این استان غیر مجاز اعلام گردیده است لذا به دلیل تبعیض صورت گرفته یکی از کارمندان سازمان بازرگانی قدیم استان اعلام نموده از روز پنجشنبه در این سازمان بست می نشیند و دست به اعتصاب غذای تر تا رفع این تبعیض می نماید ضمناً این کارمند اعلام کرده به دلیل عدم پرداخت اضافه کار از ابتدای سال تا کنون در خواست پرداخت آن را نیز دارد.

اینجانب به نمایندگی گروهی از همکاران از شما خواهشمندم ضمن اطلاع رسانی این موضوع در جهت برقراری عدالت و رفع تبعیض ما را همیاری نمایید.

2 کارگرویک راننده در تصادف قطارهای مترو تهران مجروح شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا آمده است: معاون مرکز اورژانس تهران اعلام کرد: برخورد دو قطار مترو در نزدیکی ایستگاه شهری که شامگاه چهارشنبه رخ داد، سه مجروح داشته است.

دکتر هوشنگ فولادی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: دو تن از مجروحان کارگران مترو و دیگری راننده یکی از قطارها بوده که حالشان وخیم نیست. وی اضافه کرد: دو کارگر از طریق یک دستگاه آمبولانس اورژانس به بیمارستان هفتم تیر منتقل شده اند و راننده نیز توسط مسئولان مترو به مراکز درمانی انتقال یافته است. پیش تر مدیر روابط عمومی مترو تهران گفته بود که در این حادثه تنها راننده یکی از قطارها به صورت سطحی مجروح شده است.

-احسان مقدم: در گفت و گو با ایرنا توضیح داده بود که یکی از قطارهای خط تجریش - کهریزک در محدوده

- شانت: دچار نقص فنی می شود که قطار دیگری پس از تخلیه مسافران برای قلاب کردن آن به محل می رود که این حادثه رخ می دهد.

هم زمان با آغاز سال تحصیلی صدای رنج های معلمان ایرانی به ویژه معلمان دربند باشیم

به نوشته سایت تغییر برای برابری در تاریخ 31 شهریور آمده است: اگر چه ابعاد نقض حقوق بشر در ایران روز به روز در حال گسترش و فهرست انواع آن طولانی است اما نقض حقوق معلمان به دلیل نقشی که در ساختن آینده جامعه ایفا می‌کنند، خطرات بیشتری را متوجه ایران می‌کند. افزایش شدت و گستره برخورد با معلمان از سوی نهادهای امنیتی و قضایی، سرپوش گذاشتن به مشکلات صنفی و معیشتی معلمان و امنیتی نشان دادن فعالیت‌های صنفی، برخوردهای غیر قانونی با تشکلهای صنفی معلمان و افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر فعالان مدنی معلمان، وضعیت نگران کننده‌ای را رقم زده است که نیازمند توجه جدی نهادهای آموزشی و حقوق بشری است.

از همین رو آغاز سال تحصیلی جدید در مهرماه و قرار گرفتن در آستانه روز جهانی معلم - ۵ اکتبر - بهانه‌ای است تا بصورت مستقل به نقض حقوق معلمان و به ویژه نقض آشکار حقوق بشر در برخورد با فعالان مدنی و صنفی معلمان پرداخته شود. بر این اساس برای نشان دادن اهمیت موضوع با گرامیداشت یاد و نام فرزند کمانگر، معلمی که در سال ۱۳۸۵ دستگیر و در سال ۱۳۸۹ اعدام شد، فقط به بازداشت‌های معلمان از خرداد ماه ۱۳۸۸ تاکنون اشاره می‌شود. در کنار این بازداشت‌ها می‌توان به صدور صدها حکم انفصال از خدمت، اخراج، تبعید و محرومیت‌های اداری پس از تجمعات صنفی سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ از سوی هیات تخلفات اداری آموزش و پرورش استان‌های مختلف اشاره کرد که تا امروز نیز ادامه دارد. این در حالی است که بر خلاف قانون از فعالیت کانون‌های صنفی معلمان در سراسر کشور ممانعت به عمل می‌آید.

از سوی دیگر مشکلات معیشتی و صنفی معلمان افزایش یافته است، به گونه‌ای که در سال جدید نه تنها افزایش حقوق پیش بینی شده برای معلمان در قانون اعمال نشده است بلکه با اعمال بخشنامه‌های جدید بسیاری از معلمان شهرستانی با کاهش حقوق نیز مواجه شده‌اند.

این در حالی است که فشارهای ناشی از صدور احکام اخراج، حبس و حتی اعدام برای معلمان در شرایطی اعمال می‌شود که اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عضویت در انجمن‌های دینی، صنفی و سیاسی را یکی از حقوق اساسی آحاد ملت ایران شناخته و کنوانسیون‌های بین المللی حقوق بشر نیز که دولت ایران به آنها پیوسته و متعهد اجرای شان شده است، بر این اصول پای می‌فشارد. اما مقام‌های مسئول در جمهوری اسلامی ایران عملاً نشان داده‌اند که هیچ‌گونه پایبندی به تعهدات بین المللی و قوانین داخلی ایران ندارند؛ چرا که مطالبه حقوق صنفی و حتی درخواست ملاقات با نمایندگان مجلس از سوی معلمان، برخوردهای خشونت آمیز نهادهای امنیتی و قوه قضائیه را برای آنان به همراه داشته است. به گونه‌ای که مقام‌های امنیتی و قضایی، مطالبات صنفی معلمان را امنیتی جلوه داده و برای آنان در دادگاه‌های انقلاب پرونده تشکیل داده‌اند.

بنابراین هم زمان با آغاز سال تحصیلی جدید با تأکید بر ضرورت اجرای تعهدات داخلی و بین المللی توسط مقام‌های مسئول جمهوری اسلامی در خصوص خواسته‌های معلمان، از تمامی کوشندگان مدنی دعوت می‌شود تا از تاریخ ۸ تا ۱۴ مهر ماه ۱۳۹۱ برابر با ۲۹ سپتامبر تا ۵ اکتبر ۲۰۱۲ در سراسر جهان، صدای رسای رنج‌های معلمان ایرانی به ویژه "معلمان در بند" باشند و برای نشان دادن حقوق تضییع شده معلمان به هر شیوه‌ای که امکان پذیر است، تلاش کنند.

الف- بازداشت معلمان

فهرستی که در زیر مشاهده می‌کنید کامل نیست، زیرا افرادی به دلیل مشکلاتی که حکومت برای آنها فراهم می‌کند، حاضر به ارائه اطلاعات لازم نیستند.

۱. عبدالرضا قنبری / بازداشت از ۱۳۸۸/۱۰/۱۴ / حکم: اعدام / آخرین وضعیت: در زندان و منتظر اجرای حکم است و اخیراً توسط هیات تخلفات اداری آموزش و پرورش، اخراج قطعی شد.

۲. هاشم شعبانی‌نژاد / بازداشت: ۱۳۸۹/۱۱/۲۷ اهواز / حکم: اعدام / آخرین وضعیت: در زندان و در انتظار فرجام خواهی.

۳. هادی راشدی / بازداشت: ۱۳۸۹/۱۲/۸ اهواز / حکم: اعدام / آخرین وضعیت: در زندان و در انتظار فرجام خواهی.

۴. محمد داوری / بازداشت: ۱۳۸۸/۶/۱۷ / حکم: ۵ سال حبس تعزیری و ۵ میلیون تومان جریمه بدل از حبس بابت تجمعات سال ۸۸ / آخرین وضعیت: در حال گذراندن دوران محکومیت خود است.

۵. رسول بداعی / بازداشت: ۱۳۸۸/۶/۱۰ / حکم: ۶ سال حبس و ۵ سال محرومیت از فعالیت اجتماعی و همچنین طی حکم هیات تخلفات اداری از آموزش و پرورش اخراج قطعی شده است / آخرین وضعیت: در حال گذراندن دوران محکومیت خود است.

۶. عبدالله مومنی / بازداشت: ۱۳۸۸/۳/۳۱ / حکم: ۴ سال و ۱۱ ماه حبس / آخرین وضعیت: در حال گذراندن دوران محکومیت خود است.

۷. محمود باقری / بازداشت: ۱۳۸۹/۴/۸ / حکم: ۹ سال و نیم حبس تعزیری / مدت بازداشت: حدود یک ماه / آخرین وضعیت: در حال گذراندن دوران محکومیت خود است و در عید فطر ۵ سال از حبسش مورد عفو قرار گرفت.

۸. محمد علی آگوشی، معلم بازنشسته / حکم: ۱۰ سال حبس همراه با تبعید به زاهدان / آخرین وضعیت: در حال گذراندن محکومیت خود است.

۹. شاهو حسینی / بازداشت: ۱۳۹۱/۳/۲۴ مهاباد / مدت بازداشت: کمتر از یک هفته / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۰. عبدالواحد معروفزاده / بازداشت: ۱۳۹۱/۱/۱۷ / مدت بازداشت: بازداشت در حین تدریس / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۱. مولود خوانچه زرد / بازداشت: ۱۳۹۱/۲/۱۰ بوکان / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۲. علی بشارتی / بازداشت: ۱۳۹۱/۴/۱۲ سراب / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۳. مظفر شریفی / بازداشت: بهمن ۱۳۹۰ مریوان / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۴. زرگار شریفی / بازداشت: بهمن ۱۳۹۰ مریوان / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۵. علی اکبر باغانی / بازداشت: ۱۳۸۹/۲/۸ / مدت بازداشت: ۶۳ روز / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۶. محمود بهشتی لنگرودی / بازداشت: ۱۳۸۹/۲/۸ / مدت بازداشت: حدود یک ماه / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

۱۷. نبی الله باستان / حکم: یک سال حبس / آخرین وضعیت: پس از ۶ ماه، مشمول آزادی مشروط شد / ۵ سال تبعید به لرستان

۱۸. مختار اسدی / بازداشت: ۷/۴/۱۳۸۹ / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۱۹. هاشم خواستار / بازداشت: ۲۵/۳/۱۳۸۸ / حکم: ۲ سال حبس / آخرین وضعیت: با اتمام مدت مجازات آزاد شد ولی هم اکنون با اتهام و پرونده دیگری مواجه است.
۲۰. امیر یقین لو / بازداشت: ۱/۱۲/۱۳۹۰ / شهریار / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۱. محمد جمال هیکی / بازداشت: اسفند ۱۳۸۹ / سقز / مدت بازداشت: حدود ۲ ماه / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۲. اسماعیل عبدی / بازداشت: ۸/۲/۱۳۸۹ / حکم: ۱۰ سال حبس تعلیقی در دادگاه بدوی / مدت بازداشت: ۴۴ روز / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۳. علیرضا هاشمی / بازداشت: ۱۵/۲/۱۳۹۰ / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۴. علی پور سلیمان / بازداشت: ۱۱/۳/۱۳۹۰ / حکم: یک سال حبس تعزیری / آخرین وضعیت: دوران حبس در ۳ خرداد ۹۱ به پایان رسید.
۲۵. احمد مدادی / بازداشت: ۲۵/۴/۱۳۸۸ / زنجان / مدت بازداشت: ۱۲ روز / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۶. باقر فتحعلی بیگی / بازداشت: خرداد ۱۳۸۸ / مدت بازداشت: حدود ۲۰ روز / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۷. زهرا حاتمی / بازداشت: آذر ماه ۱۳۸۹ / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۸. علی نجفی / بازداشت: اردیبهشت ۱۳۸۹ / حکم: ۶ ماه حبس تعلیقی / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۲۹. اصغر محمدخانی / بازداشت: اردیبهشت ۱۳۸۹ / حکم: ۶ ماه حبس تعلیقی / مدت بازداشت: کمتر از یک هفته / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۰. سعید جهان آرا / بازداشت: اردیبهشت ۱۳۸۹ / حکم: یک سال حبس تعلیقی / مدت بازداشت: کمتر از یک هفته / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۱. الیاس طالبی / بازداشت: ۲۴/۱۱/۱۳۸۹ / مدت بازداشت: بیش از ۸۰ روز / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۲. محسن جلدپانی / بازداشت: اول بهمن ۱۳۸۸ / حکم: ۶ سال حبس و ۵ سال تبعید در طیس / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۳. جعفر ابراهیمی از ندریانی / بازداشت: ۲۰/۳/۱۳۸۸ / حکم: ۶ ماه حبس تعزیری / مدت بازداشت: حدود ۶ ماه / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۴. توفیق مرتضی پور / بازداشت: ۹/۲/۱۳۸۹ / حکم: ۲ سال حبس تعلیقی و ۹۱ روز حبس تعزیری / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۵. محمد فرجیان / بازداشت: اردیبهشت ۱۳۸۹ / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۶. محمدعلی شیرازی / بازداشت: ۲/۳/۱۳۸۹ / مدت بازداشت: کمتر از یک هفته / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۷. معصومه دهقان، معلم بازنشسته / بازداشت: ۱۴/۴/۹۰ / مدت بازداشت: کمتر از یک هفته / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۸. حسین طرقی جعفری / مدت بازداشت: ۱۸ ماه حبس تعزیری / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح
۳۹. محمدرضا رضایی گرگانی / بازداشت: ۱۴/۷/۱۳۸۸ / مدت بازداشت: ۳ هفته / آخرین وضعیت: دارای پرونده مفتوح

ب- احضار معلمان به نهادهای امنیتی، انتظامی و قضایی

در کنار بازداشت‌های صورت گرفته از سال ۱۳۸۸ تا کنون، جمع زیادی از معلمان سراسر کشور نیز به طرق گوناگون به نهادهای امنیتی، انتظامی و قضایی احضار شده و مورد بازجویی یا تهدید قرار گرفته و یا با احکام قضایی مواجه شده‌اند که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) سیاوش اسلامی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ساری مرداد ماه ۱۳۹۰ به اتهام اخلاف در امنیت کشور به دلیل شرکت در حوادث بعد از انتخابات به یک سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۳۷ ضربه شلاق تنزل یافت. این حکم در سی امین روز ماه شعبان توسط دایره اجرای احکام ساری اجرا شد.

- ۲) محمد علی حسن شیرازی، منصور میرزایی، محمد جواد حسامی، احمد چنگیزی، محمد علی شاهدهی، رمضان علی نجاتی، محمد مهدی صدیقی، محمد حسین دهقانپور و علی قوچانی، اعضای کانون فرهنگیان یزد به اتهام‌های تبلیغ علیه نظام، فعالیت غیرقانونی از طریق سخنرانی و تشکیل جلسه، تجمع و صدور بیانیه و تحریک معلمان به اعتصاب غذا و تعطیلی کلاس از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب یزد به زندان محکوم شدند که حکم زندان آنها به مدت ۵ سال تعلیق شده است.
- ۳) بهاء الدین ملکی، رامین زند نیا، علی قریشی، مختار اسدی، پیمان نودینیان، حیدر زمان، رضا حاتمی، کمال فکوربان، مصطفی سربازان، محمد صدیق صادقی، هیوا احمدی و عزت الله نصرتی و پرویز ناصحی در تاریخ ۱۲/۲/۹۰ از سوی اداره اطلاعات کردستان احضار، بازجویی و تهدید شدند. همچنین این افراد در تاریخ ۲۲/۳/۱۳۹۱ به شعبه ۵ بازپرسی برای اخذ آخرین دفاع احضار شدند.
- ۴) محمد مهدی صدیقی از اعضای کانون صنفی فرهنگیان یزد در ۲/۳/۸۹ به اداره اطلاعات و امنیت سپاه احضار و تا ساعت ۲۳ همان روز مورد بازجویی قرار گرفت.
- ۵) محمد توکلی، عضو کانون صنفی معلمان کرمانشاه ۲۱ مرداد ماه ۱۳۹۱ به نهاد امنیتی احضار و تهدید به بازداشت شد.
- ۶) پیمان نودینیان، بهاء الدین ملکی و رامین زند نیا، سه عضو انجمن صنفی معلمان کردستان شهریور ماه ۱۳۹۱ به شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان سنندج احضار شدند.
- ۷) عباس نظری، دبیر مدارس اهر ۲۴ خرداد ماه ۱۳۹۱ به شعبه سوم دادگاه انقلاب تبریز احضار شد. کمپین حمایت از معلمان دربند شهریور ماه ۱۳۹۱

رشد روز افزون حاشیه نشینی در کرمان/ خانه هایی که 24 ساعته ساخته می شوند

به نوشته سایت آفتاب در 31 شهریور آمده است: رشد 100 درصدی حاشیه نشینی در کلانشهر کرمان در حالی ادامه دارد و خانه های آلودگی همچون قارچ سر از زمین برمی دارند که خشکسالی، زمین خواری و خدمات رسانی غیر قانونی در ردیف اول متهمان این پدیده هستند. به گزارش مهر، مطابق آخرین سرشماری صورت گرفته در استان کرمان این استان سه میلیون نفر جمعیت دارند که تقریباً یک میلیون نفر آن در کلانشهر کرمان زندگی می کنند و هر روز نیز بر تعداد این افراد اضافه می شود اما نکته نگران کننده این است که رشد جمعیت در مناطق مسکونی غیر مجاز و یا همان حاشیه نشینی در کرمان از رشد افسار گسیخته ای برخوردار است که علیرغم تمام تلاشهای صورت گرفته مهار آن به رویایی برای مسئولان این شهر تبدیل شده است و از حاشیه نشینی به عنوان یکی از مهمترین تهدیدهای شهر کرمان یاد می شود. طبق آماري که از سوی شهرداری کرمان اعلام شده است این کلانشهر در سال 81 دارای 15 هزار حاشیه نشین بوده است که این آمار در سال 87 به 100 هزار نفر رسیده است و هم اکنون جمعیت این افراد افزایش یافته و این روند رشد همچنان ادامه دارد. وضعیت حاشیه نشینی در کرمان به حدی نگران کننده است که علیرغم تلاشهای صورت گرفته برای مهار این امر ساخت خانه های 24 ساعته در برخی مناطق ادامه دارد و هر روز شاهد سر از خاک برداشتن خانه های جدید در حاشیه شهر هستیم که بیشتر این خانه ها به آلودگی می مانند تا خانه ای برای سکونت. کارشناسان شهری کرمان دلیل مهاجرت بی رویه به این شهر را خشکسالی در روستاها و شهرستانهای استان کرمان و در نهایت مهاجرت بی رویه به شهرها می دانند از سوی دیگر توزیع مناسب امکانات و همچنین سیاستهای غلط در ارائه برخی خدمات از جمله آبرسانی، گازرسانی و برق رسانی به شهرکهای غیر مجاز و حاشیه ای می دانند که به گونه ای مردم را برای حاشیه نشینی در اطراف کرمان ترغیب کرده است. با وجود عوامل یاد شده در این میان دستهای پنهان زمین خواران در اطراف شهر کرمان را نباید نادیده گرفت. زمین خواری در اطراف کرمان مهمترین دلیل از سوی افراد مختلف برای توسعه خانه سازی بیان شده است. زمین خواران با تصرف زمینها در ابعاد بالا اقدام به تفکیک این اراضی و فروش با اسناد دستی به مردم نیازمند با قیمتهای اندک می کنند و در نهایت مردم نیز شروع به ساخت خانه های غیر مجاز می کنند که بدون شک دلیل عمده ایجاد بسیاری از شهرکهای حاشیه ای اطراف کرمان که بسیاری از آنها حالا دیگر جزی از شهر نیز شده اند همین است که در این خصوص می توان به شهر زور آباد، شهرک سیدی، شهرک پدر اشاره کرد.

رشد افقی کرمان ادامه دارد/ شهری که چاق می شود
برخی کارشناسان نیز احداث واحدهای مسکن مهر در انتهای شهرک پدر و شهرک مطهری کرمان را نوعی حاشیه نشینی در اطراف این شهر می دانند که رنگ قانونی دارد که موجب توسعه بی رویه شهر شده است. نکته قابل تامل دیگر اینکه شهر کرمان علیرغم سایر شهرها در حالی شاهد رشد و توسعه است که این رشد موجب چاقی و در واقع توسعه افقی شهر شده است و در حال حاضر تراکم فروشی و رشد عمودی شهر کمتر مورد توجه قرار گرفته که همین امر نوسازی شهر و تبدیل خانه های قدیمی به خانه های جدید را به خصوص در مرکز شهر و قسمت شرقی تحت تاثیر شدید قرار داده است. طبق آمار موجود هم اکنون در هر هکتار شهر کرمان 50 نفر زندگی می کنند در حالیکه این آمار باید طبق استانداردهای موجود 400 نفر در هر هکتار باشد این امر نه تنها نشان دهنده گسترش بی رویه کرمان است بلکه موجب افزایش بیش از پیش هزینه های خدمات شهری شده است و در نهایت بر کیفیت این خدمات نیز تاثیر گذاشته است. از سوی دیگر این گسترده گی که همراه با رها کردن بافت فرسوده در شهر کرمان بوده است موجب نازیبا شدن کرمان در بافت فرسوده نیز شده است.

57 هزار منزل خالی از سکنه در کرمان

از سوی دیگر قوانین سختگیرانه میراث فرهنگی و عدم بازسازی و مرمت بافت فرسوده باعث شده است در مرکز این شهر ساخت و ساز متوقف شود و این درحالیست که هیچ اقدامی نیز برای احیاء مجدد بافت فرسوده نیز نشده است. زمین های خالی در داخل شهر کرمان نیز کم نیستند اما افزایش بی رویه نرخ زمین در این شهر موجب شده است که عملاً افراد با درآمد کم نتوانند این زمینها را خریداری کنند.

همین امر باعث شده است زمینهای خالی و خانه های فرسوده خالی از سکنه در این شهر چشمگیر باشند و به بزرگترین معضل در زیباسازی شهر کرمان تبدیل شوند نکته جالب اینکه هیچ اقدامی برای ترغیب صاحبان این املاک برای فروش و یا ساخت و ساز صورت نگرفته است و آنان نیز خود را در قبال شهر مسئول نمی دانند آمار دیگری نشان می دهد که در کرمان 57 هزار 676 باب منزل خالی از سکنه وجود دارد. هر چند طی ماههای اخیر چند شرکت خصوصی حرکتیهای جدیدی را برای ساخت برجهای مسکونی و تجاری در شهر شروع کرده اند اما جلوگیری از ساخت و ساز در حاشیه شهر و گسترش بی رویه کرمان نیاز به احیاء مجدد ساخت و ساز در شهر کرمان و فروش تراکم و ایجاد کمربند سبز در اطراف شهر دارد که گویی هر دو فراموش شده اند.

استاندار کرمان در آخرین اظهار نظر خود در خصوص حاشیه نشینی را از مهمترین مشکلات کرمان دانست و حتی خبر از تخریب چند منزل مسکونی غیر مجاز در حاشیه شهر کرمان داد. اسماعیل نجار دلیل عمده حاشیه نشینی در کرمان را عدم تناسب صحیح توزیع امکانات در شهر کرمان عنوان کرد و خواستار ایجاد زیر ساختهای لازم برای جلوگیری از روند مهاجرت به شهر کرمان شد. وی در ادامه به زمینخواری و خشکسالی نیز اشاره کرد و این دو را نیز از مهمترین فاکتورهای حاشیه نشینی در کرمان دانست. نجار با تاکید بر ضرورت مقابله جدی با حاشیه نشینی از دستگاههای مختلف خواست در این راستا هماهنگ عمل کنند و جلوی گسترش افقی شهر را بگیرند. وی این سکونتگاههای غیر مجاز را کانون آسیبهای اجتماعی و فرهنگی دانست و گفت: خوشبختانه با این وجود مشکل حاد امنیتی در این مراکز در استان کرمان تاکنون وجود نداشته است. وی گفت: با وجود تمام اقدامات صورت گرفته مهار این پدیده در شهرهای بزرگ انجام نشده است.

50 نفر در هر هکتار شهر کرمان!
شهردار کرمان نیز در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص حاشیه نشینی در کلانشهر کرمان اظهار داشت: حاشیه نشینی طی سالهای اخیر در اطراف شهر کرمان افزایش یافته است و این مسئله موجب بروز مشکلاتی در خدمات دهی به مردم شهر کرمان شده است. ابوالقاسم سیف الهی با تاکید بر مبارزه جدی با زمین خواری و حاشیه سازی در اطراف شهر کرمان گفت: در این خصوص برنامه های مختلفی از جمله کمربند سبز کرمان اجرا شده است اما حاشیه نشینی همچنان از مشکلات کرمان است. وی با انتقاد از برخی خدماتی که در شهرکهای حاشیه ای طی سالهای گذشته ارائه شد گفت: همین امر مردم را تا حدودی تشویق به حاشیه نشینی کرد و امیدوار شدند که اگر مدتی در این شهرکها سکونت داشته باشند این امکان وجود دارد که خدمات شهری دریافت کنند. وی ادامه داد: چون این مناطق خارج از شهر محسوب می شوند تعهدی نیز به خدمات دهی به این شهرکها وجود ندارد. وی افزایش جمعیت حاشیه نشینان در کرمان را موجب تحمیل هزینه به شهروندان قانونمند دانست. وی در خصوص چهره نا زیبای شهر در حاشیه و وجود زمینهای خالی و خانه های فرسوده نیز گفت: مردم شهر باید تصمیم بگیرند که گامهای مناسبی در راستای افزایش ساخت و ساز بردارند و این امر تنها به اراده مردم باز می گردد.

حاشیه نشینی موجب افزایش کانونهای جرم خیز شده است محمد اقدامی کارشناس اجتماعی نیز در گفتگو با مهر اظهار داشت: اگر خبرهای سالهای اخیر را در شهر کرمان مشاهده کنیم می بینیم که اکثر حوادث دلخراش در کرمان در همین مناطق حاشیه ای شهر روی داده است که نشان از جرم خیزی این مناطق است. وی افزود: تا حدودی مسئولان و مردم نسبت به حاشیه نشینی در کرمان حساس شده اند اما همچنان حاشیه نشینی در کرمان ادامه داد و حتی برخی دستگاههای دولتی در مناطق حاشیه ای به خصوص شهرک سیدی اقدام به واگذاری زمین می کنند. اقدامی ادامه داد: اکثر ساکنان این مناطق نیز افاغنه هستند و اوضاع اجتماعی حاکم بر این شهرکها به هیچ وجه قابل قبول نیست. وی گفت: جمعیت شهر کرمان افزایش یافته است اما اکثر این افزایش در مناطق حاشیه ای بوده است که نگران کننده است. گزارش: اسما محمودی

به ازای هر یک زن خیابانی، 7 مرد خیابانی وجود دارد

به نوشته سایت سلامت نیوز 31 شهریور آمده است: چندی قبل دکتر مجید ابهری رفتارشناس و عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، در مصاحبه با رسانه های گروهی گفت به ازای هر یک زن خیابانی، 7 مرد خیابانی وجود دارد و اگر کارشناسان فکری برای این موضوع نکنند، به زودی با بحران های اجتماعی جدی تری روبرو خواهیم شد. به گفته او هر چند نیروی انتظامی در قالب طرح های امنیت اخلاقی با این موارد برخورد می کند اما مردان خیابانی این روزها در بیشتر خیابان ها دیده می شوند و برای زنان و دختران مزاحمت ایجاد می کنند و این در حالی است که 76 درصد مردان خیابانی متاهل هستند و هر مرد خیابانی در طول روز به طور میانگین یکصدبار برای زنان نجیبی که هرگز سوار اتومبیل آنها نمی شوند، بوق می زند! این جامعه شناس یادآور شده بود: «اگر هنوز زنان خیابانی به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی در جامعه ما غیر قابل انکار است، این بستر اجتماعی است که باعث تولد و رشد این ناهنجاری و ضدارزش شده است.» به گفته دکتر ابهری، مردان متاهلی که به ارزش های اخلاقی خانواده و جامعه پایبند نیستند، به مردان خیابانی تبدیل می شوند؛ در حالی که جوانان مجرد جامعه ایرانی، بار این پدیده را به دوش می کشند. او خاطر نشان کرده بود: «متأسفانه این روزها این موضوع در تهران و کلانشهرها به یک تفریح تبدیل شده؛ تفریحی که عواقب ناگواری برای زنان کشورمان دارد و به همین دلیل، علاوه بر مدیریت جنسی در کشور و برنامه ریزی هایی که باید مسوولان انجام دهند، لازم است قوانین مجازات این مردان تشدید شود.»

بودجه درمانی اعتیاد کشور از یک چهارم قرارداد یک فوتبالیست کمتر است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 31 شهریور آمده است: معاون امور پیشگیری سازمان بهزیستی کل کشور می گوید: 6 ماه از سال گذشته اما هنوز یک شاهی هم از 1 میلیارد و 300 میلیون تومانی که برای درمان اعتیاد در سطح کشور تخصیص داده شده دریافت نکردیم.

بوده ای که یک چهارم قرارداد یک فوتبالیست هم نیست.

چندی پیش به مراسم افتتاح دو کمپ درمان اعتیاد حاضر رفته بودم. این دو کمپ با توجه به تعداد بالای معتادان حاشیه تهران، در شهر ورامین احداث شده است.

در سالهای اخیر متأسفانه بر اساس آمارهای ارائه شده از سازمان بهزیستی کل کشور نرخ اعتیاد در زنان کشور افزایش یافته است تا جایی که مسئولان سازمان بهزیستی را مجاب کرده است یکی از این دو مرکز درمان اعتیاد را به زنانی اختصاص بدهند که در دام اعتیاد گرفتار شده‌اند. این تازه اول مشکلات اعتیاد زنان است، چرا که بنابر ادعای معاون امور پیشگیری سازمان بهزیستی تنها ۱۳ کمپ ترک اعتیاد ویژه زنان در سراسر کشور وجود دارد که علت این کمبودها متأسفانه نقص‌های فرهنگی در جامعه است که زنان معتاد را مجبور می‌کند که برای درمان به این مراکز مراجعه نکنند مگر در صورت دستگیری.

پس از گذشتن از خیابان‌های طولانی و خاکی به یک مرکز درمان تازه تاسیس و تازه رنگ شده رسیدیم، آنجا نیز مانند تمام مراکز در حال افتتاح تمیز و آرام و زیبا به نظر می‌رسید اما افتاب سوزان و بوی نامطبوع گاوداری جوار مرکز از یک شرایط دیگری روایت می‌کردند. مسئولان مرکز و معاون امور پیشگیری در آنجا حاضر بودند تا علاوه بر برگزاری مراسم افتتاحیه، جمع خبرنگاران را از درد مراکزهای درمان اعتیاد و مددجویان تحت درمان با خیر سازند.

این مرکز درمان اعتیاد ویژه زنان بعد از گذشت دو سال تاسیس شده است. این گفته مدیر عامل موسسه پیشگامان پاک آسیا است و من را به فکر فرو برد که در این دو سال چه اتفاقاتی افتاده است که این مرکز درمانی باید تاخیر داشته باشد.

نصیر طالبی متولی ساخت این مرکز علت این تاخیر را در صدور دیر هنگام مجوز مرکز درمانی و اعتبار ناکافی در ساخت این مرکز می‌داند. طالبی می‌گوید: متأسفانه قشر جوان ما به سمت مواد محرک همچون شیشه می‌روند که همین امر موجب شده است درصد تخریب مصرف کننده به مراتب بالاتر برود که توهم و روان پریشی از علایم مصرف این مواد مخرب است و معتقد است که: معتاد بیش از نیاز به خدمات پزشکی و روان پزشکی به خدمات مددکارانه نیاز دارند چرا که در جامعه ما تعریفی مناسبی از معتاد وجود ندارند به همین علت هیچ کس حتی خانواده‌ها از این بیماران حمایت نمی‌کند که در نتیجه فرد تحت درمان پس از بهبودی و خروج از کمپ در برزخ بی‌پناهی فرو می‌رود و ناچار به کف خیابان باز می‌گردد و دوباره قصه از نو آغاز می‌شود.

مشکل درمان اعتیاد از دست چند انجمن مردم نهاد و یک سازمان بهزیستی به تنهایی کاری بر نمی‌آید، برای رساندن یک فرد مصرف کننده علاوه بر اراده خودش، حمایت خانواده و همکاری سازمان‌های دولتی و غیر دولتی از جمله ستاد مبارزه با مواد مخدر، شهرداری‌ها، ناجا، وزارت بهداشت و وزارت کار حیاتی است.

برای معاون امور پیشگیری سازمان بهزیستی کل کشور ضمن گلایه از همکاری سازمان‌های مختلف با بهزیستی می‌گوید: هر زمان سخن از همکاری به میان می‌آید همه سازمان‌های دولتی استقبال می‌کنند و از لزوم همکاری در بین دستگاه سخن می‌گویند اما این حرف‌ها کجا و کی عملی شده خدا می‌داند. قرار نیست این افراد تا ابد در این مراکز بهبودی بمانند و یک روزی باید به اجتماع باز گردند، پس باید برنامه هماهنگی وجود داشته باشد.

برای به صراحت حرف‌هایش را ادامه می‌دهد و می‌گوید: سیستم درمان اعتیاد از مسیرش خارج شده است، با گذشت ۶ ماه از سال هنوز یک شاهی هم برای درمان اعتیاد به ما پولی نداده‌اند و متأسفانه پس از گذشت این مدت به ما قول تخصیص ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان برای درمان اعتیاد در سطح کشور داده‌اند پولی که یک چهارم قرارداد یک فوتبالیست هم نیست.

این نماینده سازمان بهزیستی تأکیدش بر نبود هماهنگی در بین سازمان‌ها است که منجر به تاسیس مراکز درمانی غیر مجاز در کشور شده است و می‌گوید: متأسفانه در برخی از سازمان‌های دولتی و غیر دولتی به ازای دستگیری معتادان در سطح شهر مبالغی به عنوان جایزه می‌دهند که این درست نیست.

به بازدید از کمپ می‌روم آفتاب سوزان مرا به مجاب می‌کند زودتر به خوابگاه زنان مددجو تحت درمان بروم، در خوابگاه ۱۴ دختر و زن جوان بودند که بر روی تخت‌هایشان نشسته بودند اکثراً می‌ترسیدند و مابقی غمی در صورتشان بود، غم به تاراج رفتن عمر و فرصت! میانگین تحصیل این بیماران سیکل است، این یعنی که در زندگی فرصت برای پیشرفت تحصیلی بسیار زود برایشان سوخته است. در میان این معتادان، دخترانی بودند که از چهرهای خسته آن‌ها خیلی حرف‌ها خوانده می‌شد. نکته جالب در هم صحبتی با بیماران این بود که از ترسشان یا به خاطر توهمات ناشی از مصرف مواد مخدر و محرک اطلاعات متفاوت و متناقضی می‌دادند.

این مرکز از نظر امکانات بسیار فقیر بود اما وقتی اعتبار مناسبی نباشد احداث همین مکان هر چند با امکانات اندک، شاکه‌کاری از مسئولان سازمان بهزیستی و انجمن‌های مردم نهاد محسوب می‌شود.

پس از اتمام بازدید کمپ ویژه زنان به سمت یک کمپ دیگر می‌رویم، این کمپ برای مردان مصرف کننده شیشه است که خوشبختانه وضعیت این کمپ به مراتب بهتر از کمپ زنان است!

در این کمپ بازه سنی نسبتاً جوانی تحت درمان قرار گرفته است، جوان‌ترین فرد تحت درمان ۱۸ سال دارد و پیرترین فرد تحت درمان ۴۷ ساله است.

متأسفانه تمام افراد تحت درمان این کمپ برای دفعات سوم تا پنجمی است که جهت ترک آورده شده‌اند که این تکرار ترک و مصرف، خطر مرگ و آسیب را به مراتب افزایش می‌دهد.

بر خلاف همگان که فکر می‌کنند ترک کردن مهم‌ترین مرحله بهبودی است، ماندگاری در بهبود عامل اصلی بهبود بیماران است یعنی فردی که در مراکز درمان اعتیاد به سر می‌برد پس از سم زدایی و درمان اعتیاد باید به اجتماع باز گردد که اگر در این مرحله از این فرد بهبود یافته حمایتی لازم به عمل نیاید متأسفانه تمام تلاش‌ها و برنامه‌ها بی‌نتیجه می‌ماند.

در گام اول حمایت افراد بهبود یافته، خانواده‌ها باید پیش قدم باشند لذا باید فرهنگ سازی مناسب و ارائه آموزش‌های لازم به خانواده‌ها می‌توان خانواده‌ها را به یک پایگاه مناسب برای بهبود یافتگان تبدیل کرد.

اما این همه راه نیست، حمایت از بهبود یافتگان همکاری و تلاش دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی را می‌طلبد که با تخصیص اعتبار مناسب برای مراکز درمانی و اشتغال زایی می‌توان در ماندگاری درمان افراد تأثیرگذار بود.

با بازنگشتن افراد به عادت‌های مصرف و ماندگاری آنان علاوه بر کاهش تعداد معتادان ما شاهد کاهش چشمگیر آسیب‌های اجتماعی در جامعه خواهیم بود که این امر محقق نمی‌شود، مگر با همت مردم و دولت!

یورش وحشیانه مثلث دولت، اتحادیه و حزب به کارگران

کارگران معادن طلای افریقای جنوبی به مبارزات خویش ادامه می‌دهند. ۳۰۰۰ کارگر هفته هاست که با عزمی راسخ برای تحمیل خواسته‌های نازل خود بر بورژوازی پیکار می‌کنند. پلیس دولت «دموکراتیک» سرمایه داری افریقای جنوبی، دولت حاصل «انتخابات آزاد» نظام بردگی مزدی، دولت متشکل از همه بخش‌های بورژوازی و اتحادیه‌های کارگری و حزب مدعی نمایندگی طبقه کارگر!!! چند وقت پیش در یک شبیخون جنایتکارانه، مبارزات کارگران را به خون کشیدند، حمام خون راه انداختند، دهها کارگر را کشتند و صدها همزنجیر دیگر آن‌ها را زخمی ساختند. بورژوازی دموکرات «آپارتاید ستیز»!! دست در دست اتحادیه‌های کارگری و «حزب کارگران» به این جنایت شنیع بربرمنشانه دست یازید تا خیزش کارگران برای تحقق ابتدائی‌ترین و حقیرترین مطالباتشان را در هم کوبد، تا به طبقه سرمایه دار جهانی، به قطب‌های قدرت سرمایه بین‌المللی، به همه دولت‌های سرمایه داری و به ویژه به تراست‌های عظیم صنعتی و مالی امریکائی و انگلیسی و شرکای داخلی آن‌ها بشارت دهد که برای دفاع از رود پرخروش اضافه ارزش‌های آنان از هیچ درندگی و سببیتی علیه توده‌های کارگر دریغ نخواهد کرد. مثلث دولت، اتحادیه و حزب با این اهداف پلید و شوم حمام خون کارگران اعتصابی را برنامه ریزی کردند اما عزم راسخ و مقاومت شجاعانه ۳۰۰۰ کارگر تا این لحظه تیر دشمن را به سنگ نشاند است و نقشه‌های تبهکارانه و بشرستیزانه بورژوازی و متحدان اتحادیه‌ای و حزبی‌اش را نقش بر آب کرده است. کارگران به اعتصاب ادامه می‌دهند. آنان اعلام داشته‌اند که تا تحقق خواسته‌های خود دست از پیکار نخواهند کشید. مثلث دولت، اتحادیه و حزب از یک سوی در مقابل موج مقاومت کارگران احساس عجز می‌کند و از سوی دیگر در مقابل شرکای طبقاتی بین‌المللی خود به خاطر این عجز، عجز از در هم کوبی اعتصاب کارگران عرق شرم بر جبین می‌ریزد. پلیس بورژوازی زیر فشار این عجز و شرم دست به کار آفرینش صحنه‌های تازه حمام خون است. قوای سرکوب در همین راستا به محل اقامت توده‌های کارگر یورش برده است و تا هر کجا که توان داشته است کارگران را مورد آزار و ضرب و شتم قرار داده است. اعتصاب، مبارزه و مقاومت کارگران معادن طلای افریقای جنوبی و کشتار گسترده این کارگران توسط دولت دژخیم بورژوازی و متحدان اتحادیه‌ای و حزبی‌اش یک سؤال بسیار مهم و عظیم را در مقابل کل طبقه کارگر بین‌المللی قرار داده است. سؤال این است: بورژوازی جهانی، رفرمیسم راست اتحادیه‌ای و رفرمیسم چپ حزب سالار دست در دست هم علیه کارگران حمام خون بر پای می‌دارند. ۳۰۰۰ همزنجیر ما را به جرم مطالبه چند سنار افزایش دستمزد ماهانه، به جرم مطالبه نازل‌ترین میزان بهای بازتولید نیروی کارشان، به گلوله می‌بندند. توده‌های کارگر دنیا در مقابل این جنایت‌ها و سببیت‌ها چه می‌کنند و تا حال چه کرده‌اند.؟؟!! این سؤالی است که در مقابل هر کارگری در هر گوشه دنیای وحشت و دهشت سرمایه داری قرار دارد. سکوت در برابر این توحش‌ها نه فقط کوبیدن لگد بر اصل همبستگی انترناسیونالیستی ضد سرمایه داری کارگران جهان که گواه چشم پوشی از حداقل همیاری و همکاری و همجوشی انسانی با این همزنجیران است. در همین راستا ما از تمامی توده‌های همزنجیر خویش در سراسر جهان می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه آنچه در افریقای جنوبی و علیه کارگران معادن طلای این کشور می‌گذرد بلند کنند. از کارگران همه کشورها می‌خواهیم که با افراشتن پرچم همبستگی ضد سرمایه داری، به حمایت از مبارزات کارگران معدن طلای افریقای جنوبی و خواسته‌های آنان برخیزند. از همه می‌خواهیم که حمایت خویش را در اشکال مختلف اعتراض، راهپیمائی، اعتصاب و تعطیل مراکز کار و تولید از اعتصاب همزنجیران افریقای خود اعلام دارند.

زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی ضد سرمایه داری کارگران

فعالین جنبش لغو کار مزدی

سپتامبر ۲۰۱۲

مرگ کارگرجوان در عمق 15 متری چاه

به گزارش پایگاه خبری 125، در 31 شهریور آمده اس: ظهر روز گذشته، یکی از کارفرمایان یک پروژه ساختمان تجاری با سامانه 125 آتش نشانی تهران تماس گرفت و اعلام کرد که یک کارگر چاهکن به عمق چاه رفته ولی ساعت‌ها از او خبری نیست. علی‌امینی معاون عملیات منطقه سه آتش نشانی تهران گفت: بنا به اظهار کارفرما و کارگران این پروژه تجاری واقع در میدان تجریش خیابان جعفری، یک مقتی افغانی بنام سیف الله - الف 25 ساله از ساعت 5 صبح همان روز وارد چاه شده و تا این لحظه خبری از وی نیست. امینی افزود: نجاتگران بیدرنگ با فرستادن دستگاه هواساز به داخل چاه اقدامات اولیه را آغاز کردند و سپس یک نجاتگر با پوشیدن لباس مخصوص چاه به عمق 15 متری آن رفت. وی در ادامه اظهار داشت: این کارگر جوان با کمک نجاتگران با استفاده از تجهیزات ویژه از داخل چاه بیرون کشیده شد که پس از معاینه عوامل اورژانس مرگ وی تأیید شد. امینی علت مرگ این کارگر را منوط به نظریه عوامل پزشکی قانونی اعلام کرد.

اطلاعیه شماره 38 - پیام مشترک رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده به مناسبت اول مهر روز بازگشایی

مدارس:

سومین مهر، بدون مهر پدری!

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌شود که 27 ماه از بهترین دوران عمرمان را دور از همکاران، هموطنان و کانون گرم خانواده آن هم به جرم تشکیل و عضویت در تشکل‌های کارگری برای دفاع از حقوق مسلم کارگران و آشنایی آنها با حقوق اولیه خود برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه سزاوار هر انسان، گرفتار زندان شده ایم.

دوستان و هموطنان!

فرزندان ما 27 ماه است از مهر پدری محروم‌اند، آنهم در سنینی که نیاز به مراقبت و رسیدگی و کمک و آموزش دارند. گرچه مادرانشان در همه حال در کنار آنها هستند ولی دوری پدر و مشکلات پیش رو ضربات جبران‌ناپذیری به آنها وارد کرده است.

فرزندان عزیز این مرز و بوم!

ما می دانیم که همه ی شما عزیزان در شرایط برابر زندگی نمی کنید و بخش زیادی از شما از نعمت پدر یا مادر یا از داشتن غذا و سرپناه کافی یا مدرسه و معلم مناسب محرومید، شماری از هم سن و سالهای شما به اجبار از تحصیل باز مانده اند. ما نیز به دلیل آزادی خواهی و برابری 27 ماه از عمرمان را پشت میله های زندان و به دور از خانواده و فرزندانمان به سر می بریم. در این سال تحصیلی فرزندان ما نیز به جز محرومیت های اقتصادی و تحصیل باید محرومیت از پدر را تجربه کنند، و با اضطراب، مثل شما به مدرسه رفته و در سر کلاس حاضر شوند. با این وصف ما نگران وضع زندگی همه شما عزیزان آینده ساز این مرز و بوم هستیم.

رفقا و هموطنان عزیز!

زنگ آغاز سال تحصیلی جدید، درس تغییر و پیام آزادی و برابری و امنیت را نوید می دهد، در این فصل که فاصله ها از میان رفته و دست ها مهربانانه همدیگر را می فشارند، باید امتحان نیکو پس داده و کارنامه درخشانی از خود بر جای بگذاریم. شاگرد خوب زمانه باشیم، از معلم تاریخ آموخته ایم که بعضی فرصت ها یگانه و تکرار ناپذیرند و برای قبولی در آزمون این فصل سخت باید با جسارت گزینه مقاومت را برگزید.

ما کارگران زندانی ضمن تبریک سال تحصیلی جدید به غنچه های نوشکفته، دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و هنرجویان، آزادی و پیشرفت در تحصیل و صعود به قله های بلند علم و دانش را آرزو می کنیم و به خانواده بزرگ جامعه کارگری و زحمتکش و تمام ایرانیان آزاده و شریف و سندیکاها و تشکل های کارگری، دانشجویی، زنان، پرستاران، فعالان مدنی و صلح جو و همه عزیزان و مادران داغ دیده و شخصیت های مردمی از پشت دیوارهای زندان اوین با روحیه و اراده قوی و استوار شادباش می گوئیم.

زنده باد کارگر زنده باد آزادی و برابری

کارگر متحد همه چیز کارگر متفرق هیچ چیز

به امید پیروزی شما در راه ساختن جهانی عاری از جنگ و جهل و محرومیت

رضا شهابی- عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

(اسعد) بهنام ابراهیم زاده- عضو کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

شهریور 91- زندان اوین

انتشار: کمیته دفاع از رضا شهابی - 29 شهریورماه 1391

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: 09357353412

k.d.shahabi@gmail.com

چگونگی شکل گیری و اقدامات کمیته دفاع

بهزاد سهرابی

شهریور 1391

نوشته حاضر را تقدیم می کنم به تمامی کسانی که برای تغییر شرایط موجود و ایجاد حاکمیت شورایی کارگری از زندگی شخصی خود گذر کرده اند.

حافظان نظام سرمایه داری در ایران در تاریخ 26 خرداد 1391 به مجمع عمومی سالیانه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر کرج حمله ور شدند. جمع فعالین و کارگران حاضر در جلسه را بازداشت و روانه زندان کردند. از آن میان دو تن از اعضای کمیته هماهنگی به نام های علیرضا عسگری و جلیل محمدی، برای فشار بیشتر و اعلام جنگ به کارگران همچنان در بازداشت نگاه داشته شدند. بیدادگاه حافظان سرمایه داری، برای ریحانه انصاری نژاد و جلیل محمدی یک سال زندان در سه سال تعلیق را صادر کرده و علیرضا عسگری به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است و هم اکنون وی در زندان مرکزی کرج در اسارت می باشد. روند بازداشت کارگران و فعالین کارگری و سرکوب فعالین جنبش کارگری نه بر حسب اتفاق و خود سری یک فرمانده نظامی نا لایق!!، بلکه کاملاً آگاهانه و با طرح نقشه های از پیش تعیین شده صورت گرفته و می گیرد. با وجود گرانی افسار گسیخته، فقر مطلق، بحران اقتصادی و سیاسی موجود بی دلیل نیست که حافظان و مدافعان نظم موجود با برنامه و دستور کار مشخص به جمع کارگران و پیشروان کارگری حمله ور می شوند. ترس آنها کاملاً به جاست؛ چرا که با به میدان آمدن طبقه کارگر دور از انتظار نخواهد بود که پایه های فقر، نابرابری و استثمار فرو ریزد.

بعنوان مقدمه؛

در باره کمیته دفاع باید بگویم که، کمیته دفاع از محمود صالحی در شرایطی توانست اعلام موجودیت کند که روند ایجاد تشکل های کارگری و رویکرد علنی جنبش کارگری، بخصوص از مقطع سال 1383 شکلی نوینی به خود گرفت. بعد از دستگیری و بازداشت 50 تن از کارگران و فعالین کارگری که می خواستند روز جهانی کارگر را در سفر برگزار کنند و انعکاس اخبار موبوط به این بازداشت، فضای مبارزاتی جنبش کارگری وارد فاز جدیدی شد. در این میان باید از فعالین متشکل در انجمن چراغ ویسی که در انعکاس موق ترین خبر ها در خارج از ایران نقش فعال و موثری داشتند و همچنین اتحاد بین الملل در حمایت از کارگران ایران که در آن ارتباط نقش ارزنده ای را داشت تشکر کرد.

شکل مبارزه و ادامه روند جنبش کارگری در کردستان با دیگر نقاط ایران گاهها متفاوت می باشد. برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر (درسالهای 1364 تا سال 1368) در سنجند در شرایطی که فضای جنگی ایران و عراق بر تمامی عرصه های مختلف مبارزه در ایران سایه انداخته بود نمونه ای از این دست است یا میتوان به تاسیس اتحادیه صنعتگران کردستان (1364-1367) اشاره کرد که در اوج فضای سرکوب پا به میدان گذاشت.

با توجه به پتانسیل موجود در کردستان و درک و شناخت این شرایط توسط فعالین و پیشروان کارگری در سندج ، ایجاد کمیته دفاع از محمود صالحی در دستور کار گذاشته شد.

درک واقعی و عقلانی از مکانیزم مبارزات جنبش کارگری می طلبد که هر آنچه بر اساس منفعت کارگران و در راستای تعمیق منافع طبقاتی کارگران می تواند تاثیر گزار باشد باید به آن پرداخت . تنها با درک این سنت است که میتوانیم حرکت جنبشی را به پیش ببریم . دفاع از فعالین و پیشروان کارگری و ایجاد کمیته های دفاع از آنان تنها بر اساس منفعت جنبش طبقه کارگر باید صورت گیرد چرا که هیچ کدام از افراد به تنهایی خود نمی توانند منشاء تغییرات باشند مگر اینکه این تلاش ها با منافع عمومی کارگران درگیر شود . هر کدام از افراد فعالین و پیشروان جنبش کارگری تنها در نهایت می توانند بعنوان انسان های آگاه تسریع کننده یک مبارزه باشند نه تعیین کننده . به سرانجام رساننده مبارزه طبقاتی که منفعت توده های فرو دست و تمامی کارگران و زحمتکشان را در بر می گیرد همانا حضور همه جانبه و میلیونی کارگران در تشکل های صنفی و سیاسی خود ساخته است .

جنبش کارگری ایران با ایجاد کمیته دفاع از محمود صالحی دومین تجربه خود در تشکیل تشکلهای تک موضوعی را از سر گذراند. (اولین تجربه ایجاد کمیته دفاع از دستگیر شدگان سقز بود) اینگونه تشکل ها می تواند بسیار قدرتمند باشد زیرا انسانهایی را باعلاق و سلیقه و افکار متفاوت و مشخصا بر سر یک موضوع معین متحد می کند و چون تک موضوعی است می تواند کارهای بسیار کوچک و بسهولت انجام شذنی از افراد بسیار زیادی بخواهد. بعلاوه بیاد می ماند و به همین دلیل با دشواری کمتری می تواند توجه افکار عمومی را بخود جلب کند. با این مقدمه تلاش خواهیم کرد که روایت گونه ، گوشه هایی از چگونگی روند ایجاد و اقدامات کمیته دفاع از محمود صالحی را در جهت انتقال تجارب که در این شرایط قابل انتشار است را تقدیم کنم .

تشکیل کمیته دفاع از محمود صالحی :

بعد از اینکه محمود صالحی در محل کارش توسط مامورین اداره اطلاعات بازداشت می شود(1) او را به سندج آورده و حکم یک سال زندان تعزیری به او ابلاغ می شود . محمود در دادگاه تلفنی با فردین نگهدار صحبت می کند و جریان بازداشتش را توضیح می دهد. فردین با من (بهزاد) تماس گرفت و خود را به دادگاه رساندیم. وقتی به آنجا رسیدیم محمود را به زندان مرکزی سندج انتقال داده بودند. با فردین به زندان مرکزی سندج مراجعه کردیم و وقتی مطمئن شدیم که آنجاست مقداری وسایل بهداشتی و لباس را برای او تهیه و تحویل زندان دادیم. در حین انجام این کارها با فردین در باره وضعیت پیش آمده و آنهم در آستانه اول ماه مه صحبت کردیم و قرار گذاشتیم که باید به نحوی از محمود دفاع کرد. همان روز با شیب امانی تماس گرفتم و تقریبا شب شده بود که او را دیدم و موضوع دستگیری و بازداشت محمود صالحی را توضیح دادم و همانجا بحث دفاع از محمود تحت نام یک کمیته عنوان شد. روز بعد من، فردین نگهدار و وفا قادری در این باره صحبت کردیم و نظرات رد و بدل شده میان من و شیب امانی را برای آنها بازگو کردم. سپس با مجید حمیدی قرار گذاشتم و موضوعات مطرح شده در روز گذشته را برای وی بازگو کردم . او هم موافقت خود را اعلام کرد . بحث اولیه این بود که محمود بعنوان یک کارگر و مدافع کارگران و در راستای منافع طبقاتی بازداشت شده است و باید کاری کرد که افکار عمومی را متوجه این قضیه کنیم . اندیشه ما این بود که بتوانیم از فعالین کارگری تنها به این دلیل که در راستای منافع طبقاتی تلاش می کنند بدور از هر گونه باور و گرایش های فکری و سازمانی دفاع کنیم .این مباحث با جلال حسینی ، محمد عبیدی پور ، عمر مینایی ، خانواده محمود و چند نفر دیگر در میان گذاشته شد و همگی اعلام آمادگی کردند. همچنین د راولین مجمع عمومی کارگران اخراجی و بیکار کردستان من و شیب امانی در باره ضرورت دفاع از محمود صحبت کردیم و کارگران از این پیشنهاد دفاع کردند.

بعد از ارائه و تبادل نظر اولیه قرار شد که جلسه ای گذاشته شود تا ضمن مشارکت بیشتر افراد ، نظرات پیشنهادی را مورد ارزیابی قرار دهیم.

اولین جلسه در منزل ما در 27 فروردین 1386 – یک هفته بعد از دستگیری محمود- با حضور بیش از 50 نفر از کارگران و فعالان کارگری برگزار شد. نظر پیشنهادی این بود که کمیته ای برای دفاع از محمود صالحی تشکیل شود. بحث حول دو محور اصلی مطرح شد. اول اینکه ما بتوانیم از محمود به عنوان یک چهره کارگری در حد توان دفاع کنیم . ما مطرح کردیم که در دوره های گذشته وقتی که فعالان و مبارزان بازداشت می شدند نهادهای سرکوب گر فرد زندانی را منتسب به مسائلی می کردند که از نظر جامعه نا پسند بود بطور مثال انگ جاسوس ، قاچاقچی و... را به او می زدند. حتی در دوره هایی زندانیان را اعدام می کردند در گمنامی به خاک سپرده می شدند و گاهن همسایه بغل دستی از جریان بازداشت و اعدام بی خبر بود. بر این اساس قرار بود که ما بتوانیم از ماهیت وجودی و واقعی این فعالان دفاع کنیم و این بعنوان یک سنت در جنبش کارگری جایگاه خود را باز تر کند . پس اولین وظیفه این بود که به همه اعلام کنیم که جرم محمود چیست و به چه دلیل دستگیر شده، و با این عمل ثابت کنیم که زندانی کردن افراد از ارزش و ماهیت آنها کم نخواهد کرد بلکه عرصه ای دیگر از مبارزه گشوده می شود. بحث دیگر این بود که باید بتوانیم با فراخوان وسیع و علنی و شفاف نسبت به جمع آوری کمک مالی اقدام کنیم. در جلسه مثال های زیادی زد شد که قبلا خانواده های زندانی با چه مشکلات زیادی از نظر مالی مواجه بودند و چگونه مشکل مالی عاملی می شد تا روحیه یاس و ناامیدی را هم برای زندانی و هم خانواده های آنها ایجاد کند . پس دومین هدف جمع آوری کمک مالی بود. ما فکر می کردیم تشکیل کمیته ، در مجموع و در حد و توان خود، باعث اتحاد و همبستگی طبقاتی بیشتری می شود و نشان می دهد که با زندانی کردن کارگران نه تنها این جنبش عقب نشینی نخواهد کرد بلکه زندانی شدن، فعالان را به عرصه دیگری از مبارزه می کشاند و در واقع، این امر، در پروسه کار و فعالیت کمیته برای همه مشخص شد. کمیته دفاع از محمود توانست صد ها نفر انسان با دغدغه آزادی و برابری را جذب کند و از شهر های پاوه ، کرمانشاه، مهاباد، سقز ، اشنویه ، تهران ، رشت ، بندر عباس و... همکاران جدی و پیگیر را پشت سر خود داشته باشد . این دوستان در اطلاع رسانی و جمع آوری کمک های مالی به فراخوان های کمیته جواب مثبت دادند . عرصه فعالیت این کمیته از ایران خارج شد و طیف های مختلفی از افراد و سازمان ها و تشکل های کارگری را نسبت به وضعیت محمود صالحی آگاه تر ساخت و در این ارتباط چندین آکسیون و شب های همبستگی با محمود صالحی در خارج از ایران برگزار شد و همچنین نامه های حمایتی متعددی از محمود و در اعتراض به زندانی کردن وی منتشر شد.

یکی از مباحث دیگر این بود که باید کاری کنیم که توان ما در دفاع عملی از محمود صالحی بالفعل شود یعنی بتوانیم با جلب نیرو، در صورت امکان ، دست به حرکت اعتراضی عملی بزنیم و این قرار سوم ما بود که بستگی به این داشت که نیروی قابل توجهی را داشته

باشیم. اما خبر رسانی از وضعیت محمود و جمع آوری کمک مالی را با توجه به شرایط، عملی تشخیص دادیم. مباحث و اهداف مربوط به دفاع عملی از محمود صالحی به طور گسترده و با شرکت اکثریت شرکت کنندگان در اولین جلسه به پیش می رفت؛ اما متأسفانه با مطرح شدن این بحث ها چند نفر بطور جدی با ما به مخالفت برخاستند تا جایی که عنوان کردند ما هدف این نشست را نمی دانستیم و گرنه در این جلسه شرکت نمی کردیم. این چند نفر با این توجیه که ایجاد این کمیته، هم در تقابل با کمیته هماهنگی و کمیته دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه سفر و هم چهره سازی از محمود صالحی است مخالفت شدید خود را ابراز داشتند. توضیح جمع این بود که دستور کار این کمیته کاملاً مشخص است و در تقابل با هیچ کمیته و تشکل دیگری ایجاد نخواهد شد. ما حتی توضیح دادیم با گذشت 7 روز از دستگیری محمود صالحی کمیته دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه سفر حتماً یک اطلاعیه صادر نکرده و عنوان شد که دستور کار آن کمیته با موضوع پیشنهادی ما متفاوت است و آن ترکیب هم نمی تواند کاری عملی از پیش ببرد و حتی می تواند به آن کمیته هم کمک کند، در ضمن کمیته هماهنگی در آن زمان دچار بحران داخلی شده بود تا جایی که حتماً سایت رسمی کمیته هماهنگی بطور واقعی تعطیل شده بود و بعدها برای مدتی از وبلاگ کمیته دفاع از محمود صالحی مطالب خود را انتشار می داد. در ضمن من قبل از ایجاد کمیته دفاع توانستم با محمود صالحی در زندان مرکزی سندانج ملاقاتی داشته باشم و در باره ایجاد کمیته دفاع با او هماهنگی کردم و خود محمود از این حرکت استقبال کرد و قرار شد که نجیبه صالح زاده همسر محمود شماره حسابی را در اختیار کمیته دفاع قرار دهد تا با انتشار علنی کمک های مالی به آن حساب واریز شود.

همانطور که گفتیم چند نفر از در ناسازگاری در آمده بودند و با ایجاد کمیته مخالفت داشتند. آنها به اینکه محمود چهره شود ملاحظه داشتند در صورتیکه یکی از نیازهای جنبش کارگری در آن زمان و در شرایط فعلی داشتن هزاران چهره سرشناس است. به این دلیل ساده که طبقه چند ده میلیونی چند ده هزار چهره و فعال سرشناس ندارد که بتواند مهم ترین امر تشکلهای مختلف و رسانه های نوشتاری و صوتی و تصویری متفاوتش را به آنها بسپارد. بعلاوه آنها می پنداشتند که همان کمیته هماهنگی و کمیته دفاع از دستگیر شدگان سفر می تواند این کار را انجام دهد و درک مشخصی از مزایا و فواید تشکلهای تک موضوعی که برای جنبش کارگری ایران جدید بود را نداشتند. اما خوشبختانه اکثریت بالای افراد حاضر در جلسه به دلیل درایت و شناخت شرایط بر ایجاد کمیته دفاع برای محمود صالحی توافق نظر داشتند؛ این موافقت اکثریت با تشکیل کمیته و عضویت آزادانه و دلخواهی باعث شد این افراد هم عضو کمیته دفاع شوند بعد از توافق بر سر ایجاد کمیته به نحوه چگونگی انجام کارها و تقسیم کار پرداختیم. فردین نگهدار بعنوان سخنگو انتخاب شد و قرار شد در صورتیکه فردین نیاز به همکاری داشت من بتوانم با او بعنوان سخنگوی دوم همکاری کنم. همچنین چند نفر برای مسئولیت ایجاد وبلاگ کمیته تعیین شدند.

یکی از مصوبه های اجرایی و تأکیدات جمع این بود که تمام اخبار و اطلاعات از کانال وبلاگ و با امضاء کمیته دفاع رو به بیرون منتشر شود تا از انتشار اخبار غیر موثق خود داری شود و انسجام کار کمیته بیشتر حفظ گردد.

این جلسه تا آخر های شب به طول کشید و همان شب مسئولین تعیین شده برای اداره وبلاگ مشغول درست کردن وب شدند تا اعلام موجودیت کمیته دفاع از محمود صالحی از همین طریق که مجمع تعیین کرده بود منتشر شود. ساعاتی از پایان جلسه نگذشته بود که فردین با من تماس گرفت و با نگرانی تمام گفت "متأسفانه فرد یا افرادی از کمیته تعهدات را زیر پا گذاشته و خبر اعلام موجودیت کمیته با این عنوان که امشب کمیته دفاع از محمود صالحی در سندانج ایجاد شده است و سخنگوی آن فردین نگهدار و معاون او بهزاد سهرابی می باشد!!! در سایت "آبیدر" منتشر شده است.

فردین به دلیل زیر پا گذاشته شدن تعهدات و پیش بینی کارشکنی ها و چالش های غیرضروری سخنگویی کمیته را رد کرد و مسئولیت آن را من بر عهده گرفتم و فردین به عنوان عضو کمیته همکاری را ادامه داد. براساس وظیفه تعیین شده قرار بود که سخنگو از طریق مصاحبه و نوشتن نامه، وضعیت پرونده محمود صالحی و شرایط جسمانی و اعتراض به زندانی شدن وی را به نظر افکار عمومی در داخل و خارج از کشور برساند. (2)

به این ترتیب بعد از ایجاد وبلاگ، موجودیت کمیته دفاع از محمود صالحی، نام سخنگو همراه با شماره تلفن اعلام عمومی شد. (3) با گذشت زمان هر روز تعداد افراد بیشتری به عضویت کمیته در می آمدند. من چندین بار در طول دوران زندانی بودن محمود توانستم با او ملاقات حضوری در زندان داشته باشم و بر سر موضوعات مختلف جنبش کارگری، کمیته دفاع، وضعیت اعتراضات دانشجویی و کارگری، وضعیت کمیته هماهنگی و دیگر مسائل جاری به تبادل نظر بپردازیم و از این طریق نظرات محمود را در باره اوضاع و احوال پیش آمده را جویا می شدم و نامه های حمایتی وی را از طریق وبلاگ کمیته انتشار می دادیم. به خاطر حساسیت وضعیت جسمانی محمود ما توانستیم نظر افرادی (نگهبانان) که در زندان مرکزی سندانج کار می کردند را به مسئله زندانی بودن محمود و دفاع از او جلب کنیم. این رابطه تا جایی پیش رفت که ما لحظه به لحظه از وضعیت محمود در زندان مطلع می شدیم و به این ترتیب قبل از انتقال محمود از زندان به دادگاه و یا بیمارستان ما در جریان قرار می گرفتیم و در محل حضور پیدا می کردیم.

بعد از اعلام شماره حساب هر مبلغی که به شماره حساب واریز می شد ما از طریق وبلاگ رسید دریافت وجه را به اطلاع عموم می رساندیم. در ارتباط با کمک های مالی تعدادی از کارگران متعهد شده بودند که تا آزادی محمود از زندان دستمزد چند روز کاری خود را به محمود اختصاص دهند؛ این روال تا آزادی محمود از زندان از طرف کارگران و فعالین کارگری ادامه داشت و برای اولین بار در جنبش کارگری کارگران بصورت علنی توانستند ضمن دفاع از کارگر زندانی، بدون ترس از تعقیب و سرکوب، کمک های خود را به حساب اعلام شده واریز کنند.

همانطور که گفتیم این کمیته بر اساس تعریف خود یعنی خبر رسانی از وضع پرونده قضائی و جسمانی محمود و جمع آوری کمک های مالی موفق عمل کرد. وبلاگ کمیته دفاع از محمود به درجه ای از اعتبار رسیده بود که اخبار کارگری هم برای این کمیته برای درج در وبلاگ فرستاده می شد و این وبلاگ تنها مختص به محمود نبود بلکه در مقیاس کوچکی به مبارزات جنبش کارگری تعلق داشت؛ حتی برای مدتی کمیته هماهنگی هم از این منبع مطالب و اطلاعیه های خود را منتشر می کرد. این وبلاگ در خارج از ایران هم مرتب مورد بازدید قرار می گرفت و لینک آن در اکثر سایت ها درج شده بود و فعالین و نهادها و سازمان های خارج از کشور مرتب با این وبلاگ تماس می گرفتند. علت عمومی توجه نشان دادن رسانه ها این بود که احزاب سوسیالیست در ایران از دیر باز در باصطلاح جغرافیای سیاسی ایران بوده اند و با وقایع سفر جنبش کارگری ایران هم وارد جغرافیای سیاسی ایران شد و به همین دلیل رسانه های عمومی روند توجه به مسائل جنبش

کارگری و فعالینش را مورد توجه قرار دادند. آنها تشکل های جنبش کارگری ایران برای این امر را برسمیت شناختند و با مسئولین آن تماس می گرفتند.

تا جایی که "صدای امریکا" یک نفر را مسئول کرده بود که اخبار مربوط به محمود را از طریق وبلاگ کمیته دنبال کند و در این ارتباط مسئول تعیین شده با توجه به اخبار منتشر شده با کمیته تماس می گرفتند و من بعنوان سخنگو آخرین وضعیت محمود را خبر رسانی می کردم.

ما برای اینکه بتوانیم وضعیت واقعی محمود را منعکس کنیم به این فکر رسیدیم که در صورت امکان، تصاویری از محمود در حین انتقال به زندان و یا بیمارستان داشته باشیم. تمامی این کارها ابتکاری پیش می رفت و بدون داشتن هیچ تجربه ای تنها با کمی خلاقیت اینها را انجام می دادیم و در این ارتباط کلیه اعضای کمیته دفاع همکاری صمیمانه ای داشتند اما چند نفر از آنان بصورت ویژه در خدمت کمیته قرار داشتند از جمله شکوه ساری، سهیلا گله داری نجیبه صالح زاده، وفا قادری، فردین نگهدار، مجید حمیدی و محمد عبدی پور که جای تشکر فراوان دارد.

همانطور که گفتیم بلافاصله بعد از خروج محمود از زندان ما اطلاع پیدا می کردیم. در یکی از این روزها بود که باخبر شدیم وضعیت جسمانی محمود وخیم است و قرار است به بیمارستان توحید سندانج منتقل شود. فوری خودمان را به بیمارستان رساندیم. محمود را تحت مراقبت شدید به بیمارستان آوردند و وی را در یکی از اتاق های اورژانس بیمارستان بستند و پا بند به تخت بیمارستان بستند. با وجود اینکه پنج مامور دور تخت محمود را گرفته بودند و تلاش می کردند که کسی محمود را نبیند و با او ارتباط برقرار نکند من توانستم با حضور مامورین اما با مکافات خاص خود، فیلمی از وضعیت محمود که به تخت بسته شده بود تهیه کنم؛ این فیلم توانست در بعد جهانی تأثیرات خاصی داشته باشد. لازم به توضیح است به دلیل حضور مامورین لباس شخصی و مامورین زندان فیلمبرداری کار ساده ای نبود و می بایست بدون اینکه آنها متوجه شوند فیلم را تهیه کنیم؛ به همین دلیل از 40 دقیقه فیلمبرداری با کیفیت پایین از محمود در آن وضعیت، توانستیم تنها دقایقی را برای پخش آماده کنیم و فیلم از طریق یوتیوب و وبلاگ کمیته دفاع در اختیار عموم قرار گرفت.

همانطور که گفته شد ضروری بود که ما از طریق خبر رسانی همیشه مسئله جسمانی و زندانی بودن محمود را بعنوان یک کارگر زندانی مطرح کنیم. در ادامه این سیاست قرار گذاشتیم که یک سمینار خبری در تهران برگزار شود. در روز چهارشنبه 16 خرداد ماه 1386 در دفتر ماهنامه "راه آینده" تعدادی از فعالین جمع شده بودند. در این سمینار قرار بود که خبر نگاران تعدادی از روزنامه ها حضور پیدا کنند و درباره محمود گزارش تهیه شود. افراد شرکت کننده در این سمینار عبارت بودند از: نجیبه صالح زاده (همسر محمود)، فریبرز رئیس دانا، محسن حکیمی، بهرام دزکی، علیرضا ثقفی، بهروز خباز، کاظم فرج الهی، بیژن امیری، بهزاد سهرابی بعنوان سخنگوی کمیته دفاع از محمود و چند نفر دیگر از جمله خواهر محمود صالحی (که متاسفانه اسم ایشان را فراموش کرده ام)؛ اما یکی از خبر نگاران به ما اطلاع داد که از طرف اداره اطلاعات به کلیه خبر نگاران که قرار بود در سمینار جهت تهیه گزارش حضور یابند اطلاع داده شده که در سمینار خبری شرکت نکنند، در نهایت این سمینار خبری عملاً برگزار نشد.

بعد از آن، تصمیم گرفتیم جهت معرفی بیشتر محمود صالحی به کارگران و افکار عمومی، دیدگاه های محمود را در باره موضوعات مختلف در یک کتابچه منتشر کنیم. نوشته ها و پیام های محمود را جمع آوری کردیم که در جمع آوری این نوشته ها فردین نگهدار، جهانگیر محمود ویسی و خسرو غلامی همکاری صمیمانه ای داشتند و با دسته بندی آنها توانستیم کتابچه ای با عنوان "فراز هایی از زندگی محمود صالحی" با مشکلات عدیده ای چاپ و در سطح وسیعی به دست کارگران و فعالان کارگری برسانیم. در زمینه چاپ چند نفر از دوستان از جمله بهروز خباز نقش فعالی داشتند. در ضمن ما توانستیم یک نسخه از کتاب منتشر شده را از طریق پست برای رئیس زندان سندانج بفرستیم؛ این حرکت باعث تعجب مسئولین زندان و زندانبانان شده بود.

یکی دیگر از کارهای کمیته فراخوان اعتصاب عمومی 27 تیر 1386 بود. این فراخوان از دو جهت اهمیت داشت؛ اول اینکه ما توان خودمان را در جلب و جذب نیرو پیدا کنیم و در واقع بدانیم چه تعدادی از افراد به فراخوان کمیته دفاع جواب مثبت می دهند و دوم اینکه با گذشت 100 روز از بازداشت محمود می خواستیم همچنان افکار عمومی در جریان اوضاع پرونده قضایی و شرایط جسمانی یک کارگر آگاه زندانی باشند.

فکر فراخوان برای اعتصاب غذا در گفتگویی میان من و فردین نگهدار و وفا قادری شکل گرفت؛ به پیشنهاد فردین نگهدار، یکصدمین روز زندانی شدن محمود برای این اعتصاب تعیین شد و قرار شد به تائید اعضای کمیته برسانیم. بنابراین ما بحث های خور را پخته کردیم و در فراخوان به اعضای کمیته دفاع و با برگزاری جلسه ای در این رابطه موضوع را مطرح کردیم. هر چند بر طبق روال این انتظار وجود داشت که تعدادی مخالفت های خود را داشته باشند، و البته اینگونه هم شد، اما اکثریت موافقت داشتند. طرح فراخوان اعتصاب غذای 24 ساعته به دلیل یکصد مین روز زندانی شدن محمود با تبادل نظر و ارائه پیشنهادات مختلف بر سر چگونگی آن به نتیجه رسید و از طرف اکثریت حاضر در جلسه تصویب شد و برنامه های عملی کردن آن را مشخص کردیم. در این ارتباط اطلاعیه کمیته تهیه و صادر شد. (4) با صدور اطلاعیه کمیته دفاع، ما اسامی کسانی را که با نام واقعی خود برای حمایت و اعتصاب غذا اعلام آمادگی کرده بودند را در وبلاگ درج می کردیم و آخرین آماري که به ذهن دارم 700 نفر اسامی واقعی ثبت شده بود. در ضمن ما به دلایل امنیتی از درج نام تعداد زیادی از افراد که در خارج از ایران با این حرکت همراه بودند خودداری کردیم. این حرکت هم در داخل و هم در خارج از کشور بازتاب بسیار وسیعی داشت. از طرف دیگر افراد و جریاناتی بودند که این حرکت را روزه سیاسی نامیدند و سعی داشتند تا از این حرکت جلوگیری کنند و با تبلیغات منفی بر علیه این حرکت وسیع سنگ اندازی کنند، که تعدادی از اعضاء و کادر های جریان حزب حکمتیست نمونه سازمان یافته این گرایش فکری بودند.

اما واقعیت این بود که حرکت کمیته دفاع سنجیده و واقعی و زمینی تر از آن بود که اینگونه تبلیغات منفی بتواند توان و انرژی کمیته را بگیرد. قرار بر این بود که ساعت 12 شب چهارشنبه از طریق جلسه پالتاکی و از طرف نمایندگان کمیته این اعتصاب را اعلام کنیم. راس ساعت 12 شب با سرود انترناسیونال اعتصاب غذای 24 ساعته از طریق جلسه پالتاکی- اتاق سوسیالیست ها - و با حضور فردین نگهدار، وفا قادری، شکوه ساری، سهیلا گله داری، مجید حمیدی و من اعلام شد. به این ترتیب این حرکت نیز توانست در حد خود همراهی افکار عمومی داخل و خارج از ایران را با خود داشته باشد و در نشریات، سایت های مختلف و محافل کارگری بازتاب خوبی داشت. شاید بتوان گفت یکی از موفقترین اقداماتی بوده که تا کنون جنبش کارگری در دفاع از فعالان کارگری داشته است؛ بعد از این حرکت موفقیت آمیز

تعدادی از اعضای کمیته دفاع در پارک کودک سنندج جمع شدند و با در دست گرفتن عکس هایی از محمود صالحی این پیروزی را جشن گرفتند. ذکر این مورد لازم است که متأسفانه چند نفر از اعضای کمیته دفاع که قبلاً هم به ناسازگاری آنها اشاره کردم در تجمع پارک کودک حضور پیدا نکردند و آنان همراه با تعدادی دیگر در منزل یکی از اعضای کمیته دفاع دور هم جمع شده بودند. متأسفانه این افراد همیشه در تلاش بودند که از حرکات جمعی با ایجاد توهم پراکنی جلوگیری کنند و بیشتر با دید فرقه گرایانه به موضوع نگاه می کردند و به دور از درک طبقاتی مباحث خود را می خواستند پیش ببرند.

در 18 مرداد و در راستای فراخوان جهانی در حمایت از محمود صالحی و منصور اسانلو گلگشتی به این مناسبت در یکی از مناطق طالقان برگزار شد. بعد از فراخوان اتحادیه های کارگری در خارج از ایران هیئتی از طرف کمیته دفاع از محمود صالحی با اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران و حومه جلسه ای در پارک چیتگر، تشکیل دادیم تا با هم کار مشترکی را به پیش ببریم. پیشنهاد مشخص ما بعنوان کمیته دفاع این بود که در مقابل یکی از مراکز دولتی در شهر تهران و یا سنندج تجمع اعتراضی را سازماندهی کنیم و از طرف کمیته دفاع و سندیکای شرکت واحد یک اطلاعیه مشترک صادر شود. بحث های متفاوتی در باره غیر عملی بودن اعتراض در داخل شهر تهران و یا سنندج توسط دوستان حاضر در جلسه و هیئت مدیره شرکت واحد صورت گرفت. مسئله دیگر صدور اطلاعیه مشترک با سندیکای شرکت واحد بود که اعضای حاضر سندیکا مخالفت جدی در این باره داشتند؛ ابراهیم مددی عنوان کرد که این میسر نیست چون محمود صالحی نماینده هیچ سندیکا و یا تشکل کارگری نیست و به این دلیل ما نمی توانیم اطلاعیه مشترک صادر کنیم. بعد از بحث و جدل های بسیار طولانی در رد استدلال آنها، در آخرین دقایق قبول کردند که در اطلاعیه شرکت واحد به نام محمود اشاره شود و در برنامه مشترک از محمود حمایت کنند. در نهایت به پیشنهاد مجید حمیدی و ناصر زر افشان قرار شد در 18 مرداد 1386 گلگشتی برگزار شود. (5)

اعضای حاضر در جلسه مشترک عبارت بودند از: چند نفر از اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی، چند تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد، فریبرز رئیس دانا، ناصر زرافشان، محسن حکیمی و تعداد دیگری از فعالین کارگری.

یکی دیگر از کار های کمیته دفاع از محمود صالحی حضور در گلزار خاوران بمناسبت نوزدهمین سالگر کشتار زندانیان سال 1367 بود که سخنگوی کمیته متنی را در محکوم کردن کشتار زندانیان در انجا قرائت نمود (5)

در فروردین 1387 محمود از طرف دادگاه سنندج دوباره محاکمه شد. دلیل محاکمه این بود که محمود در مدت یک سال زندان از داخل زندان پیام های خاصی به بیرون ارسال کرده از جمله پیام به دانشجویان چپ و مبارز (6) پیام در رابطه باره روز جهانی کارگر، برگزاری اعتصاب غذا همراه با دیگر زندانیان در زندان مرکزی سنندج در روز 27 تیر و دیگر موارد. بعد از دادگاهی محمود، اعضای کمیته دفاع در جلسه ای به بررسی موضوع پرداخت و تشخیص ما این بود که میخواند برای محمود حکم جدیدی صادر کنند و او را در زندان نگه دارند. مجدداً جلسه ای دیگر در رابطه با این موضوع تشکیل دادیم و به تبادل نظر پرداختیم و متذکر شدیم اگر یک اعتراض جمعی سازماندهی نکنیم قطعاً برای محمود حکم جدیدی صادر خواهند کرد. بر این اساس اولین فراخوان تجمع در 4 فروردین 1387 در مقابل یکی از مراکز قدرت دولت یعنی زندان مرکزی سنندج داده شد و با توجه به اینکه در فروردین ماه همه جا تعطیل می باشد و مردم معمولاً در مهمانی و مسافرات هستند اطلاع رسانی برای ما و پیدا کردن افراد مشکل بود؛ اما با این وجود، پیرو فراخوان کمیته دفاع از محمود، جمعیتی بالغ بر 200 نفر از کارگران و فعالین کارگری از شهر های مختلف کردستان، رشت، تهران و کرج با جسارت تمام در مقابل درب زندان مرکزی سنندج تجمع کردند و خواستار آزادی محمود صالحی شدیم. در آنجا با توافق جمعی قرار گذاشتیم که تا آخر وقت اداری در مقابل زندان باشیم و سپس برای ادامه اعتراض، بعد از ظهر همان روز جلسه ای برای بررسی اوضاع تشکیل دهیم. اکثر دوستان حاضر در تجمع مقابل زندان، عصر همان روز در پارک امیریه جمع شدند و درباره روند و چگونگی شکل ادامه اعتراض بحث کردیم و قرار شد تا رسیدن به نتیجه، اعتراض ادامه داشته باشد. قرار بعدی ما روز 5 فروردین در مقابل دادگستری جمهوری اسلامی بود، جایی که احکام زندان صادر می شد. دوستان بدون ترس از زندان و با وجود حضور نیروهای امنیتی در آنجا تجمع کردند؛ نیروهای اداره اطلاعات و پلیس حاضر در منطقه تلاش می کردند با فشار و ایجاد فضای رعب و وحشت از این حرکت جلوگیری کنند اما در مقابل عزم و اراده حاضرین ناتوان بودند؛ در نهایت بعد از گذشت چند ساعت از تجمع، مسئولین دادگاه به نجیبه صالح زاده قول دادند که تا چند روز دیگر به پرونده محمود رسیدگی و او حتمناً از زندان آزاد خواهد شد.

بر این اساس، جمع حاضرین در مقابل دادگستری سنندج تصمیم گرفتند تا زمان تعیین شده از طرف مسئولین دادگاه، به تجمع خود پایان دهند و در صورت عدم آزادی محمود اعتراضات دوباره شروع شود. جسارت، پیگیری، اتحاد و همبستگی و حضور پرشور حاضرین در تجمع های اعتراضی که با شعار آزادی فوری محمود صالحی همراه بود باعث شد تا محمود صالحی در روز یکشنبه 18 فروردین ماه 1387 از زندان آزاد شود. آزادی محمود با استقبال گرم حاضرین در مقابل زندان و همچنین برپایی مراسم جشن و پایکوبی به مدت یک هفته در منزل محمود در سقز به جنبش کارگری شور و شوق و روحیه مبارزاتی بیشتری بخشید.

بیست و هفتم آگوست 2012

زیر نویس ها

(1)- امروز ۲۰ فروردین ماه حوالی ساعت ۱۲ ظهر، تعدادی از افراد نیروهای انتظامی به محل کار محمود صالحی مراجعه کرده و وی را به بهانه ای اینکه دادستان می خواهد با او راجع به روز جهانی کارگر امسال صحبت کند، با خود می برند. به گفته ی جلال حسینی، یکی از محکومان اول ماه مه ۱۳۸۳ سقز که با نجیبه صالح زاده همسر محمود در دادستانی حضور می یابند، منشی اجرای احکام با قرائت حکم دادگاه تجدینظر استان مبنی بر محکومیت محمود به یک سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی بلافاصله اقدام به بازداشت و اجرای حکم می نمایند و محمود را تحت تدابیر شدید امنیتی و همراه چندین خودرو پلیس از دادگستری خارج می کنند. به گفته ی وی، به احتمال زیاد محمود را به زندان مرکزی سنندج انتقال داده اند. محمود صالحی، جلال حسینی و محسن حکیمی از تعداد دستگیر شدگان اول ماه مه ۱۳۸۳ سقز هستند که پس از سه سال دادگاهی و تیرئه و دوباره محکوم شدن، در انتظار حکم نهایی دادگاه تجدید نظر بودند که به نظر همه ی وکلای مستقل و مردم آزادیخواه آنان می بایست تیرئه میشدند اما اکنون با محکومیت محمود صالحی به یک سال حبس تعزیری و اینگونه اجرای غیرقانونی حکم، پیشاپیش می خواهند با ارسال پیام رعب و وحشت به کارگران، از برگزاری مراسم های مستقل روز اول ماه مه امسال در

سفر و دیگر شهرها ممانعت کنند. ما اعضای کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن این حکم و ربودن محمود صالحی، خواهان اعتراض همه ی کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان ایران و جهان به این حکم و لغو محکومیت وی هستیم .

((متن اطلاعیه کمیته هماهنگی به تاریخ 20 فروردین 1386))

(2)- دو نمونه از مکاتبات در زیر آورده شده است . در ضمن من بعنوان سخنگو در طول یک سال با رسانه های مختلفی از جمله رادیو فرانسه ، آلمان ، صدای آمریکا ، و دیگر رسانه های صوتی و تصویری و همچنین نشست های خبری و مصاحبه با نشریات موجود از جمله نشریه دانشجویی خاک و جلسات متعدد پالتاک مرتب وضعیت جسمانی و خبر های مربوط به محمود را به اطلاع همگان می رساندم.

به سندیکای س.ژ.ت

آقای فرانسوا کورپه مسئول خاورمیانه بخش بین الملل س.ژ.ت

با احترام همانطور که حضورا در مورخه 15 فوریه 2007 در باره مسائل و مشکلات کارگران ایران مواردی را از جمله مشکلات طبقه کارگر در رابطه با برگزاری روز جهانی کارگر را متذکر شدم و با توجه به تعقیب روند پرونده فعالین کارگری سفر در پی برگزاری مراسم 1 می سال 2004 توسط شما و سندیکای س.ژ.ت متأسفانه در مورخه 9 آوریل 2007 محمود صالحی یکی از فعالین کارگری ایران و یکی از برگزارکنندگان مراسم می 2004 سفر با توجه به رای دادگاه تجدید نظر مبنی بر حکم یک سال حبس تعزیری و 3 سال تعلیقی حتی بدون مراحل قانونی وی را در محل کار دستگیر و روانه زندان عمومی مرکزی سندانج میکنند هم اکنون در بند 7 اتاق 3 زندان سندانج میباشد بدینوسیله از شما تقاضا دارم ضمن محکوم کردن احکام صادره خواستار آزادی بی قید و شرط محمود صالحی شده و به هر طریق ممکن اعتراض خود و سندیکای س.ژ.ت را نسبت به دولت ایران و دستگاه قضائی مربوطه اعلام نمایند

با سپاس فراوان بهزاد سهرابی

10 آوریل 2007

پاسخ عفو بین الملل به نامه کمیته دفاع از محمود صالحی

۲۸ مارس ۲۰۰۸

آقای بهزاد سهرابی، سخنگوی کمیته دفاع از محمود صالحی

با تشکر از شما بابت تماس با عفو بین الملل در ارتباط با محمود صالحی رهبر پیشین سندیکای کارگران خباز سفر، که آخرین مورد زندانی شدن ایشان به ۹ آوریل ۲۰۰۷ برمیگردد. عفو بین الملل محمود صالحی را بعنوان یک زندانی سیاسی بشمار میآورد.

ایرین خان، دبیر کل سازمان ما، از من خواسته است که از شما بخاطر ارسال نامه و ملاحظاتیان تشکر کنم و بنمایندگی از جانب ایشان این پاسخ را برایتان ارسال نمایم.

محمود صالحی برای ما بخوبی شناخته شده است. در واقع، عفو بین الملل کمپینهای متعددی را برای دفاع از ایشان از نوامبر ۲۰۰۰، یعنی زمانی که بخاطر فعالیتهایش جهت متشکل کردن کارگران و دفاع از حقوق کارگری دستگیر شد، سازمان داده است. در اگوست و اکتبر ۲۰۰۵، عفو بین الملل به دستگیریهایی دیگری نیز در این رابطه توجه داد. مورد صالحی در گزارش عفو بین الملل در فوریه ۲۰۰۶ در مورد نقض حقوق بشر طی نخستین ۶ ماه ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد برجسته شده است. در اگوست ۲۰۰۷، همراه با کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، عفو بین الملل در یک روز اقدام اتحادیه های کارگری جهانی برای وی و منصور اسانلو، که در مارس ۲۰۰۸ نیز تکرار گردید، شرکت کرد، و در مارس ۲۰۰۸ همراه با آی تی یو سی و نیز آی تی اف بیانیه مشترکی را برای آزادی بقید و شرط محمود صالحی و نیز ابراز نگرانی شدید در مورد سلامتی وی صادر نمود.

اطلاعات بیشتر راجع به وضعیت محمود صالحی و نگرانیهای عفو بین الملل در باره ایشان را میتوان در سایت عفو بین الملل، شعبه انگلستان، پیدا کرد. همچنین پیام همبستگی بطور مستقیم برای خانواده محمود صالحی از این طریق ارسال گردیده است.

http://amnesty.org.uk/actions_details.asp?ActionID=۲۸۶

شما میتوانید به تمامی انتشارات عفو بین الملل در مورد محمود صالحی از طریق لینک زیر دسترسی پیدا کنید.

http://www.amnesty.org/en/ai_search

keywords=mahmoud+salehi&op=Search&form_id=search_these_form&form_token=۴۴۲ cd ۶ aa ۱ c ۴۹

۴۰۳۲ e ۶۷۲ ae ۱۱ f ۵۲۸ bc ۸۲

عفو بین الملل کماکان متعهد است که هر آنچه از دستش بر میآید صورت دهد که آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی حاصل گردد و این موضوع عمیقاً آزار دهنده هر چه سریعتر به نتیجه ای رضایت بخش برسد.

با احترام،

مالکوم اسمارترینیس برنامه های خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین الملل

این نامه در پاسخ به نامه زیر نوشته شده است:

نامه کمیته دفاع از محمود صالحی به سازمان عفو بین الملل (امنستی)

موضوع: درخواست اقدام فوری برای نجات جان محمود صالحی

خانم ایرین خان عزیز؛

همانطور که اطلاع دارید محمود صالحی یکی از فعالین کارگری ایران و نماینده کارگران خباز در شهر سفر که در جریان برگزاری ۱ مه سال ۲۰۰۴ دستگیر و نهایتاً در سال ۲۰۰۷ حکم زندان وی قطعی شد، سه روز دیگر در تاریخ ۴/۱/۱۳۸۷ دوران محکومیت یک ساله اش به پایان میرسد. اما روز دوشنبه ۲۷/۱۲/۱۳۸۶ محمود صالحی را از زندان به بازپرسی شعبه ۴ دادگستری سندانج احضار کردند. بعد از ساعتها انتظار، محمود را به جرم ارتباط با خارج از زندان و انتشار پیام های حمایت آمیز مانند، "پیام به برگزار کنندگان اعتصاب غذای ۲۷ تیر" و "اعلام پشتیبانی و حمایت از مبارزات دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب"، برای ایشان قرار بازداشت موقت صادر کردند.

محمود به محض صدور این قرار بازداشت غیر قانونی و در اعتراض به پایمال شدن حقوق خود، از روز دوشنبه مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۶ دست به اعتصاب غذای خشک زده است. وی همچنین داروهای تجویز شده را مصرف نکرده و اعلام کرده است که تا آزادیش از زندان اعتصاب غذای خشک را ادامه خواهد داد.

طبق آخرین خبر، فشار خون وی ماکزیمم ۱۶ و مینیمم ۱۲ است که در صورت یکنواخت شدن ماکزیمم و مینیمم فشار خون، تنها کلیه باقی مانده‌اش به کلی از کار خواهد افتاد و زندگی او در خطر جدی قرار دارد.

ما اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی، که در ایران فعال هستیم، خواستاریم که از طرف سازمان مربوطه، پزشکان بدون مرز و اتحادیه‌های کارگری و نهادهای دفاع از حقوق بشر، در راستای آزادی فوری محمود صالحی و همچنین فراهم کردن امکانات پزشکی مناسب جهت درمان اساسی، مقامات ذی ربط در ایران را وادار به این امر کرده تا ضمن فراهم آوردن شرایط آزادی وی در جهت مداوای سریع ایشان اقدامات لازم را انجام دهند و بی شک ما به مثابه اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی مقامات دولت ایران را مسئول جان محمود دانسته و هر پیش آمدی را باید جواب گو باشند.

با احترام کمیته دفاع از محمود صالحی

۱ فروردین ۱۳۸۷ برابر با ۲۰ مارس ۲۰۰۸

(3) - اعلام موجودیت کمیته دفاع از محمود صالحی

کارگران و مردم آزادی خواه!

ما جمعی از کارگران و فعالین کارگری ضمن محکوم کردن دستگیری محمود صالحی فعال کارگری و یکی از رهبران جنبش کارگری ایران خواستار آزادی بی قید و شرط وی بوده و به همین مناسبت ایجاد کمیته ای به نام کمیته دفاع از محمود صالحی را در دستور کار خود قرار داده که از امروز مورخه بیست و هفتم فروردین هشتاد و شش فعالیت علنی خود را از طریق این وبلاگ آغاز میکند و از کلیه کارگران و فعالین کارگری و دانشجویان، معلمان، پرستاران، نویسندگان، شاعران، روزنامه نگاران و کلیه انسانهای عدالت خواه و برابری طلب می خواهیم که با اعتراض و تجمعات خواهان آزادی محمود صالحی و الغای کلیه احکام صادره برای فعالین کارگری و دیگر فعالین در بند باشیم .

اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی عبارتند از :

- 1- نه به ز نصراللهی 2- بهزاد سهرابی 3- برهان سعیدی 4- مجید حمیدی 5- حسن زارعی 5- شیث امانی 6- شجاع ابراهیمی 7- عیدالله خیرآبادی 8- سارا گله داری 9- جلال شریعتی 10- فرهادزند کریمی 11- افشین فرهادی 12- حسین قادری 13- امید زارعی 14- بهزاد گویلی 15- اسد کریمی 16- خالد سواری 17- اسماعیل کاظمی 18- ابراهیم وکیلی 19- شمس الدین مرادی 20- محمد نعمتی 21- فردین نگهدار 22- آمانج خالصی 23- هومن سیفی 24- صدیق کریمی 25- نجیبه صالح زاده 26- وفا قادری 27- فواد کیخسروی 28- شریف ساعد پناه 29- سهیلا گله داری 30- عمر مینایی 31- حسن مفاخری 32- احسن وزیری 33- محمد عبدی پور 34- جمال احمدی 35- کیومرث اویسی 36- عثمان رحمانی 37- یاسین رحمانی 38- هادی تنومند 39- فارس گویلان 40- ادريس خداکرمیان 41- رامین کریمی 42- صلاح زمانی 43- توفیق خدارحمی 44- منصور محمدی 45- صلاح احمدی 46- نوشاد درزی ور 47- ساسان چتانی 48- هیوا محمدی 49- زاهد سلیمی 50- هوشیار چتانی 51- هیرش مجیدی نیا 52- افشین شمس 53- سعید محمدی 54- حبیب الله خدا رحمی 55- مظفر محمدی 56- نادر پیروستانی 57- خسرو زندی 58- عزیز رحیمی 59- ابوبکر کریم زاده 60- احمد میکان منش 61- بختیار رحیمی 62- بهروز خباز 63- عبدالله احمدی 64- آرام زندی 65- حسن زارعی 66- صبریه آشناگر 67- روزین احمدی 68- مژگان کشاورز 69- بیژن احمدی 70- منیژه صادقی 71- چیاکو قربه ای 72- فرامرز کاویانی 73- میدیا صدوقی 74- بها الدین صدوقی 75- نعیم فتاحی 76- مهرداد امین 77- کمال آخرتی 78- اقبال محمدی 79- بختیار پیرخضری 80- صدیق سبحانی 81- محی الدین رجبی 82- غریب مرادی 83- جهانگیر محمود ویسی 84- نیما صداقت .

(4) اعلام اعتصاب غذای 24 ساعته برای آزادی محمود صالحی

کارگران، زحمتکشان و مردم آزادیخواه

محمود صالحی فعال و چهره‌ی سرشناس طبقه کارگر ایران که در جریان برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سال 1383 به دفاع از حقانیت طبقه کارگر در شهر سفر به همراه تعدادی از یارانش دستگیر و محاکمه شده بود، پس از گذشت سه سال از جریان پرونده، سرانجام به يك سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی محکوم گردید. حکم صادره به صورت غیرقانونی و بدون ابلاغ قبلی به وی و وکلایش در تاریخ 20/11/1386 به مورد اجرا در آمد.

اکنون بیش از سه ماه از دستگیری وی می‌گذرد و این در حالی است که ایشان در زندان با شرایط جسمانی بد و خطرناک دست و پنجه نرم می‌کند، يك کلیه‌اش را از دست داده و تنها با 20 % دیگر کلیه‌اش به زندگی ادامه می‌دهد. با این وضعیت وخیم هنوز از طرف مقامات قضایی و مسئولین زندان نسبت به سلامت و مداوا و آزادی ایشان، علی‌رغم پشتیبانی و حمایت وسیع هزاران کارگر ایران و جهان نه تنها واکنش انسانی انجام نگرفته بلکه حمایت‌کنندگان آن نیز مورد تهدید واقع می‌شوند. این دهن‌کجی آشکار به طبقه کارگر است.

ما اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی و دیگر مدافعین حقوق طبقه کارگر در یکصدمین روز دستگیری این مبارز خستگی‌ناپذیر عرصه مبارزه طبقاتی، جهت اعتراض به این وضع اسفبار و برای آزادی ایشان و دیگر فعالین کارگری در روز چهارشنبه 27/4/1386 اعلام اعتصاب غذای 24 ساعته در محل کار و زندگی خود می‌نماییم.

از همه‌ی کارگران و زحمتکشان، تشکل‌ها و کمیته‌های کارگری و فعالین مستقل، معلمان، زنان، دانشجویان و همه‌ی کسانی که دغدغه‌ی آزادی دارند می‌خواهیم که با اعلام نام به صورت فردی یا عضویت در هر تشکل کارگری و غیره ... با ارسال آن به وبلاگ کمیته دفاع از محمود صالحی و با اعتصاب غذا در این روز همدوش و همصدا برای آزادی هرچه سریع‌تر این کارگر پیشرو و سایر کارگران همگام شویم.

کمیته دفاع از محمود صالحی

(5) گاهنامه شماره یک

<http://www.khamahangy.com/GahnameSalehi1.pdf>

(6) گاهنامه شماره 2

<http://www.khamahangy.com/GahnameSalehi2.pdf>